توسعهٔ اقتصادی

بر پایهٔ قرآن و حدیث

محمدی ری شهری

۱-۲

با همکاری
سید رضا حسینی

ترجمه
سید ابوالقاسم حسینی (ژرفا)

توسعه اقتصادی بر پایه قرآن و حدیث

مشخصات کتاب

سرشناسه : محمدی ری شهری، محمد، 1325 -

عنوان و نام پدیدآور : توسعه اقتصادی بر پایه قرآن و حدیث / محمدی ری شهری ؛ با همکاری رضا حسینی ؛ ترجمه ابوالقاسم حسینی (ژرفا).

مشخصات نشر : قم: دار الحدیث، -1382.

مشخصات ظاهری : ج.

فروست : مرکز تحقیقات دار الحدیث 57/1؛’ 57/2

شابک : 50000 ریال (ج.1) ؛ ج.1 964-493-114-9 : ؛ 60000 ریال: دوره: 964-493-116-5 ؛ 50000 ریال: ج.2 964-7489-48-X : ؛ 60000 ریال : ج.2 ، چاپ دوم : 964-493-115-7

یادداشت : ج.1 (چاپ اول: 1382).

یادداشت : ج.1 (چاپ دوم : 1385) .

یادداشت : کتابنامه .

موضوع : رشد اقتصادی -- جنبه های مذهبی -- اسلام

موضوع : رشد اقتصادی -- جنبه های قرآنی.

شناسه افزوده : حسینی، رضا، 1344 -

شناسه افزوده : حسینی، سیدابوالقاسم، 1341 -

شناسه افزوده : دار الحدیث. مرکز چاپ و نشر

رده بندی کنگره : BP230/2/م 334ت 93 1300ی

رده بندی دیویی : 297/4833

شماره کتابشناسی ملی : م 83-6054

ص: 1

جلد 1

اشاره

ص: 2

ص: 3

ص: 4

ص: 5

ص: 6

پیشگفتار

پیشگفتاربسم اللّه الرحمن الرحیم سپاس خداوند را که پروردگار جهانیان است ؛ و سلام و درود بر بنده برگزیده اش ، محمّد ، و خاندان پاک و یاران نیکویش . توسعه اقتصادی ، یکی از مهم ترین دلمشغولی ها و نگرانی های روزگار کنونی ، به ویژه در جهان سوم به شمار می رود . از این روی ، بررسی این موضوع از دیدگاه اسلام ، از اهمیت فراوان برخوردار است . ما بر آنیم که ارائه مجموعه دیدگاه اسلام درباره توسعه ؛ و نیز تبیین توسعه اقتصادی ، به طور خاص ، از دید اسلام ، آشکارا جهان شمولی اسلام را نشان می دهد و از برتری آن بر مکاتب دیگر در عرصه توسعه که بر پایه مادّی استوارند ، حکایت می کند . نیز این تلاش می تواند پایه های نظام اقتصادی تازه ای را استوار نماید که بحران های اقتصادی معاصر را چاره کند و بدین سان ، تفکر توسعه اسلامی راهی نو برای گسترش و شکوفایی اسلام بگشاید . این کتاب که نهمین مجلّد از دائره المعارف میزان الحکمه به شمار می رود ، گامی است فراسوی همین هدف ؛ که به بیان مبانی تفکر توسعه اقتصادی ، با اسلوبی نو و بر پایه متون کتاب و سنت می پردازد .

.

در پایان ، چکیده روش خود در این تحقیق را بیان می کنیم : 1 . از نگاه ما احادیث رسیده از اهل بیت علیهم السلام در واقع، حدیث رسول خدا صلی الله علیه و آلهاست . در تصریح به این مطلب ، امام رضا علیه السلام می فرماید : إنّا عَنِ اللّهِ و عَن رَسولِهِ نُحَدِّثُ . (1) ما (اهل بیت) ، از خدا و پیامبرش حدیث می کنیم . و نیز امام صادق علیه السلام می فرماید : حَدیثی حَدیثُ أبی ، وحَدیثُ أبی حَدیثُ جَدّی ، وحَدیثُ جَدّی حَدیثُ الحُسَینِ ، وحَدیثُ الحُسَینِ حَدیثُ الحَسَنِ ، وحَدیثُ الحَسَنِ حَدیثُ أمیرِ المُؤمِنینَ علیهم السلام ، وحَدیثُ أمیرِ المُؤمِنینَ حَدیثُ رَسولِ اللّهِ صلی الله علیه و آله ، وحَدیثُ رَسولِ اللّهِ قَولُ اللّهِ عز و جل. (2) حدیث من حدیث پدرم ، و حدیث پدرم حدیث جدّم ، و حدیث جدّم حدیث حسین ، و حدیث حسینْ حدیث حسن ، و حدیث حسن حدیث امیر المؤمنینْ ، و حدیث امیر المؤمنین حدیث پیامبر خدا ، و حدیث پیامبر خدا سخن خداست . از این رو ، کلمه «حدیث» در عنوان کتاب، این معنا را می رساند که همه احادیث پیامبر صلی الله علیه و آله و خاندان پاک او مورد استفاده و استناد کتاب قرار گرفته است . 2 . در حد توان کوشیده ایم که روایات مختلف مربوط به یک موضوع، از مصادر روایی شیعی و سنی، پس از فیش برداری مستقیم، با کمک گرفتن از نرم افزارهای رایانه ای گرد آید و سپس، جامع ترین ، استوارترین و کهن ترین مصدر گزینش شود ، و ادعیه غیر مستند به معصومین جز در مواردی معدود مورد استفاده قرار نگرفته است . 3 . از تکرار روایات پرهیز شده است؛ مگر در موارد ذیل : هرگاه نکته ای مهم در الفاظ و اصطلاحات مورد اختلاف نهفته باشد . هرگاه میان متون شیعی و سنی تفاوتی به چشم آید . هرگاه متن روایت از آنِ دو باب باشد مشروط به این که از یک سطر درنگذرد . 4 . آن گاه که متنهایی از پیامبر صلی الله علیه و آله و دیگر معصومان نقل شده باشد ، حدیث پیامبر صلی الله علیه و آله در متن می آید و آدرس روایت سایر معصومان در پاورقی مگر اینکه روایت منقول از سایر معصومان علیهم السلام جاوی نکته جدیدی هم باشد که در این صورت متن آن روایت هم اخذ شده است . 5 . پس از ذکر آیات در هر موضوع ، روایات به ترتیب معصومان علیهم السلام از پیامبر صلی الله علیه و آلهتا

.

1- .رجال الكشّی : 2 / 490 / 401 از یونس بن عبدالرحمان ، بحار الأنوار : 2 / 250 / 62 .
2- .الكافی : 1 / 53 / 14 ، منیه المرید : 373 هر دو از هشام بن سالم و حمّاد بن عثمان و جز آنان ، الإرشاد : 2 / 186 ، بحار الأنوار : 2 / 179 / 28 . نیز ، ر . ک : اهل بیت در قرآن و حدیث : 1 / 261 (حدیث آنها همان حدیث پیامبر خداست) .

امام دوازدهم، نقل می گردد ؛ مگر آنکه روایتی در تفسیر آیه وارد شده باشد که بر تمامی روایات، مقدّم می شود و یا آنکه تناسب موضوعی روایات، این ترتیب را بر هم زند . 6 . در ابتدای روایات، فقط نام رسول خدا و دیگر معصومان ذکر می شود؛ مگر آنکه راوی ، ناقل فعل معصوم باشد یا سؤال و جوابی در میان باشد، و یا آنکه راوی، لفظی را در متن آورده که سخن مروی عنه نیست . 7 . با توجّه به تعدّد اسامی معصومان علیهم السلام نام واحدی برای آنها انتخاب شده که در ابتدای روایت ذکر می شود . 8 . مصادر روایات، در پاورقی و به ترتیب معتبرترین مصدر، تنظیم شده است . البته گاهی به خاطر پرهیز از تکرار ذکر اختلاف مصادر و نیز برای عدم تکرار راوی یا مروی عنه، این ترتیب در غیر مصدر اول رعایت نشده است که بر اهل تحقیق پوشیده نیست . 9 . در صورتی که دسترسی به منابع اوّلیه، ممکن باشد، حدیث از مصادر اوّلیه نقل می گردد؛ مگر نشانی بحار الأنوار در احادیث شیعه و کنزالعمّال در احادیث اهل سنّت که در پایانْ نشانی آن خواهد آمد . 10 . پس از ذکر مصادر، گاه ارجاعاتی به برخی از منابع با تعبیر «انظر» داده شده است. در چنین مواردی، متن مورد نظر، تفاوت فاحشی با متن اخذ شده داشته است . 11 . ارجاعاتی که به ابواب دیگرِ این کتاب داده شده، به جهت تناسب محتوایی میان روایات آنهاست . 12 . درآمد ، توضیحات و جمع بندی هایی در پایان برخی فصول و ابوابْ ذکر شده که چشم انداز کلّی روایات کتاب و باب، و گاه حل پاره ای از دشواری های موجود در احادیث را نشان می دهد . 13 . و مهمْ ترین نکته اینکه تلاش شده حتی المقدور از طریق تأیید مضمون

.

احادیث باب، به وسیله قرائن عقلی و نقلی، تحصیلِ نوعی وثوق به صدور مجموعه آنها امکان پذیر باشد . در پایان ، سپاس فراوان خویش را از همه برادران گرانقدری که در فراهم آوری این اثر ارزشمند سهم داشتند ، ابراز می داریم ؛ به ویژه برادر فاضل و بزرگوار حجت الاسلام والمسلمین سید رضا حسینی که در انجام این مهم سهم بسیار داشته است . خداوند بهترین پاداش هر دو سرای را به همه ایشان عطا فرماید . والحمد للّه رب العالمین . 14 صفر الخیر 1422 18 اردی بهشت 1380 محمّدی ری شهری

.

پیش درآمد

اشاره

پیش درآمداهمّیّت «توسعه اقتصادی» و نقش بارز آن در بنا نهادن جامعه ای آرمانی ، در شمارِ مسلّماتِ کتاب و سنّت است . جست و جو در متون اسلامی در این زمینه ، نشان می دهد که اسلام در پرداختن به مسائل و مباحث مربوط به توسعه اقتصادی ، از همه مذاهب و مکاتب دیگر پیشی گرفته است . در دیدگاه اسلامی ، توسعه اقتصادی برای جامعه ، دستاوردِ برنامه های اسلام در اجرای احکام الهی و جامه عمل پوشاندن به تعالیم آسمانی است . (1) نیز در این دیدگاه ، جامعه انسانی هر گاه فرصت یابد تا دین خدا را به شیوه ای درست در زمین جاری سازد ، شاهد شکوفایی اقتصادی بیش از آن چه در تصوّرش گنجد خواهد بود ؛ و چنین روزی بی شک خواهد آمد (2) . اسلام ، پدیده ثروتمندیِ جامعه را از نعمت های خداوند برای انسان قلمداد می کند و مردم را برمی انگیزد که این نعمت را پاس دارند و نیز از ایشان می خواهد که ثروت را در مسیری که به تکامل آنان بینجامد ، به کار گیرند (3) . در این نظرگاه ، ثروت بهترین یاورِ تقوا و خودسازی است که رادمردی را

.

1- .بنگرید به: ص 37 (خوشبختیِ دنیا و آخرت).
2- .بنگرید به: ص 125 (توسعه نوید داده شده در اسلام).
3- .بنگرید به: ص 53 (ثروتمندی جامعه ، از نعمت های خدا است).

آشکار می سازد ؛ کاستی ها و عیب ها را می پوشاند ؛ آرامش و ثبات درون را در پی می آورد ؛ پاداشِ کسی را که از آن به نیکی و درستی بهره بَرَد ، افزون می کند ؛ و در یک کلام ، مایه پایداری دین و دنیا است (1) . در این رهگذار ، قرآن کریم مردم را برمی انگیزد که با کار و تلاش پیوسته ، زمین را آباد کنند و از ایشان می خواهد که موهبت ها و برکت های زمین را آن سان که برای زندگانی ابدی شان سودمند افتد ، به کار گیرند . پیشوایان و راهبران بزرگ اسلام ، پیشگامان عرصه توسعه اقتصادی بودند . ایشان را می نگری که همّت هاشان را در تلاش سختکوشانه و پیوسته صرف می کنند و از پروردگار خویش خاضعانه می خواهند که از فقر نجاتشان بخشد و از تنگنای اقتصادی دورشان دارد (2) . در جانب دیگر این دیدگاه ، می نگریم که اسلام ، واپس ماندگیِ اقتصادی را نکوهش می کند و آن را از گونه های بلا و مصیبت و نیز از مجازات های خداوند و نشانه خشم او و ناخشنودی اش از جامعه ، می شمارد (3) . در آینه اسلام ، فقر سزاوار نکوهش است و همه نیروهای ویرانگری و تباه سازی در آن گرد آمده ؛ هم عامل نادانی است و هم زمینه ساز بدرفتاری ؛ ریشه انواع فساد و تباهی است که ناآرامی های روحی و جسمی در سطوح فردی و اجتماعی از آن زاییده می شود . بدین سان ، فقر تهدیدی جدّی برای ارزش های جامعه دینی است که ثبات آن را از میان می برد ، همانند طوفانی که در روزی بادخیز ، علف های خشک را به هوا بپراکَند (4) . آیا در بیان مفسده های فقر ، کلامی رساتر از احادیث شریف ، از جمله

.

1- .بنگرید به: ص 69 (برکت های پیشرفت اقتصادی).
2- .بنگرید به: ص 197 (روش پیامبران و جانشینانشان در روزی جُستن).
3- .بنگرید به: ص91 (فقر جامعه ، از مجازات های خداوند است).
4- .بنگرید به : ص 113 (زیان های واپس ماندگی اقتصادی).

گفتارهای رسول امین صلی الله علیه و آله یافت می شود ، همچون : «نزدیک است که فقر به کفر بینجامد»؟ احادیث با این مضمون بسیارند و در مجموع ، بر این حقیقت دلالت می کنند که هر کس نیازمندی های زندگی مادّی اش را برطرف نکند و از پسِ تأمین دنیای خویش برنیاید ، زندگانی معنوی اش را نیز از کف می دهد و جهان آخرتش را هم تأمین نمی کند (1) . این در حالی است که راهبران این دین و امامان پاک ، مردم را از بلای بزرگ فقر برحذر می داشتند و به ایشان تأکید می کردند که در ورطه واپس ماندگی اقتصادی نیفتند ؛ و خود ، از مصیبت فقر به خداوند پناه می بردند و از آن بزرگِ برتر یاری می جُستند . (2)

پایه های توسعه اقتصادی در اسلامدانش ، برنامه ریزی ، کار ، بازار ، مصرف ، و دولت شش پایه توسعه اقتصادی اند و هر یک ، جایگاهی در خور و نقشی مهم در این جهت ایفا می کند 3 .

.

1- .در این زمینه ، جمله ای معروف یافت می شود : «من لا معاش له لا معاد له» . این عبارت ، گرچه سخن معصوم نیست ، مضمونش با روایات مربوط به نکوهش فقر ، تأیید می شود.
2- .بنگرید به : ص107 (پناه جستن از فقر) .

ص: 14

..

ص: 15

..

1. دانش

2. برنامه ریزی

کلمات پیشوایان این دین ، آکنده از آموزش های پربار و سهمی گرانسنگ در باب این ارکان و نقش آن ها است که تفصیل آن در دفتر دوم این کتاب خواهد آمد . تا آن هنگام ، اکنون اشاره ای کوتاه به هر یک از این ارکان و اصول داریم:

1. دانشامروز ، بیش از هر زمان دیگر ، آشکار شده که علم نقش اوّل را در رشد اقتصادی ایفا می کند . در این حقیقت هرگز نمی توان تردید کرد ، حال آن که اسلام پیش از چهارده قرن قبل ، آن را اعلان کرده بود: «خَیرُ الدُّنیا وَالآخِرَهِ مَعَ العِلمِ ، وَشَرُّ الدُّنیا وَالآخِرَهِ مَعَ الجَهلِ (1) ؛ خیر دنیا و آخرت ، با علم تأمین می شود ؛ و شرّ دنیا و آخرت آمیخته جهل است» .

2. برنامه ریزیافزون بر دانش ، اسلام بر برنامه ریزی و نقش برجسته آن در رشد اقتصادی تأکید ورزیده است . از نظرگاه اسلام ، مدیریّت توانمند اگر با برنامه ریزی و طرّاحی صحیح همراه گردد ، می تواند فقر را از جامعه ریشه کن سازد : «لا فَقرَ مَعَ حُسنِ تَدبیرٍ (2) ؛

.

1- .بنگرید به : ح 245 و 254 .
2- .بنگرید به : ح 267 .

3. کار

اگر تدبیر نیکو باشد ، فقر وجود نخواهد داشت» . چهره مقابل این حقیقت نیز صادق است ؛ یعنی با برنامه ریزی نادرست ، نمی توان توسعه اقتصادی را انتظار داشت ؛ زیرا برنامه ریزی نادرست اقتصادی پیشاپیش عوامل اصلی بروز واپس ماندگی اقتصادی خودنمایی می کند : «سوءُ التَّدبیرِ مِفتاحُ الفَقرِ (1) ؛ برنامه ریزی نادرست ، کلید فقر است» .

3. کاردانش و برنامه ریزی ، دو عنصری هستند که با کار به ثمر می نشینند و نتیجه مطلوب از آن دو برآورده می شود . به همین دلیل ، اسلام بر عامل کار در چهارچوب توسعه اقتصادی ، بسیار تأکید ورزیده ، به ویژه در فعّالیّت های تولیدی ، و به طور اخص در کشاورزی ، دامپروری ، و صنعت . در فرهنگ اسلامی ، کار جایگاهی والا دارد ، تا آن جا که رسول خدا دست کارپیشه را گرفت و آن را بوسید و فرمود : «هذِهِ یَدٌ لاتَمَسُّهَا النّارُ أبَدا (2) ؛ این ، دستی است که هرگز آتش به آن نمی رسد» . نزد قلّه های رفیع که پیامبران بزرگ خدا و جانشینان ارجمندشان در رأس آنهایند ، کار عبادت محسوب می شود و آنان ، خود ، پیشگامانِ تلاش های تولیدی بوده اند . این برگزیدگان ، جامعه را از تنبلی ، سستی ، و مسؤولیّت ناپذیری برحذر می داشتند و یادآور می شدند که خداوند سبحان ، کار را در نظام آفرینش ، وسیله ای برای تأمین نیازهای اقتصادی جامعه قرار داده ، تا آن جا که

.

1- .بنگرید به : ح 285 .
2- .بنگرید به : ح 327 .

4. بازار

5 . مصرف

6 . دولت

بدون آن ، دعا نیز سودی ندارد (1) .

4. بازاربخشی مهم از مباحث مرتبط با توسعه اقتصادی در روایات اسلامی ، مربوط به فعّالیّت های بازار است . حتّی از پیامبر گرامی روایت شده است: «تِسعَهُ أعشارِ الرِّزقِ فِی التِّجارَهِ (2) ؛ نُه دهمِ روزی در بازرگانی است» (3) . افزون بر بیان اهمّیّت بازرگانی و نقش برجسته آن در شکوفایی اقتصادی ، در فصل چهارم از دفتر دوم این کتاب به ذکر آموزش ها و ضوابط و احکام استواری خواهیم پرداخت که در زمینه تنظیم بازار و بهره گیری درست از فعّالیّت های آن مؤثّر هستند .

5 . مصرفهر چند سرانه درآمد داخلی افزایش یابد ، اگر مصرف درست تحقّق نیابد ، توسعه مطلوب حاصل نخواهد شد . این مبحث و مباحث مرتبط با آن ، موضوع فصل پنجم از دفتر دوم است که به بیان الگوی مصرف در نظرگاه اسلام می پردازد . از بارزترین این نکات ، لزوم توازن میان درآمد و مصرف ؛ مصرف به قدر نیاز ؛ رعایت اعتدال در مصرف و دوری از افراط و تفریط ؛ و دوری جستن از اسراف و سختگیری است 4 .

6 . دولتمسؤولیّت های اصلی در ایجاد و تقویت مراکز پژوهشی علمی ؛ پدید آوریِ

.

1- .بنگرید به: ص 215 (بر حذر داشتن از سستی در کار).
2- .بنگرید به : ح494 .
3- .بنگرید به: ص339 (مصرف).

1. تعریف توسعه

یک. توسعه در ادبیّات اقتصادی

مدیریّت های توانمند اقتصادی ؛ فراهم آوردن کار ؛ تنظیم فعّالیّت های بازار ؛ و گسترش الگوی سالم مصرف ، بر دوش دولت است . دولت باید از رهگذر وضع و اجرای قانون های مناسب ، نظارت دقیق بر کار بخش خصوصی ، و دخالت مستقیم در موارد ضرور ، زمینه مناسب برای رشد اقتصادی را فراهم سازد ؛ همان گونه که مردم نیز وظیفه دارند در همه این موارد ، یار و پشتیبان دولت باشند (1) . این اصول که از آن ها به مثابه ارکان توسعه اقتصادی در اسلام یاد شد ، در حقیقت ، اصول عامّ توسعه در همه مکتب ها و رویکردها هستند و کسی را نمی توان یافت که نقش این ارکان در توسعه اقتصادی را انکار کند . البتّه آن چه ممکن است محلّ بحث باشد ، میزان نقش و تأثیر این اصول و ارکان شش گانه در مسیر توسعه و اُفق حرکت آن ها ، براساس تعریف و هدف فرض شده برای توسعه ، است . البتّه اسلام ، ضمن باور داشتن این ارکان برای توسعه اقتصادی ، به آن ها اکتفا نمی ورزد و در جهان بینی خاصّ خود و تعریف ویژه اش برای توسعه و اهداف آن ، ارکان دیگری را نیز به آن ها می افزاید و تحقّقِ پایه های دیگری را هم ضرور می شمارد . در عین حال ، آنچه مهم تر است ، لزوم برطرف کردن موانع و درمانِ آفت های دستیابی به توسعه اقتصادی است . به همین منظور و بر این پایه ، مهم ترین بحث ما در این پیش درآمد

.

1- .توجّه به دولت به مثابه یکی از ارکان عملی توسعه اقتصادی ، به معنای نادیده گرفتن نقش مردم نیست؛ بلکه از بررسی متون این مجموعه درباره پنج رکن دیگر توسعه ، روشن می شود که اسلام ، برای مردم ، و به طور خاص «بخش خصوصی» ، نقش اساسی در توسعه اقتصادی قائل است. در کنار این ، اسلام بر آن است که تحقّق اهداف رشد اقتصادی ، از طریق شکوفایی استعدادهای فطری انسان و بروز توانمندی های درونی او حاصل می گردد . از این رو ، اسلام همه فعّالیّت های اقتصادی مطلوب بخش خصوصی را به خود مردم واگذار کرده ، مشروط به این که منجر به زیان

هایی نشود که ناشی از انحصار این فعّالیّت ها در دست بخش خصوصی است.

و بلکه در این کتاب ، آن است که نظرگاه خاصّ اسلام در باب ویژگی های توسعه اقتصادی را دریابیم ، بدان امید که تبیین این نظرگاه در آشکار سازی افق های اقتصاد اسلامی مؤثّر افتد و مقدّمه ای در تدوین «نظام اقتصاد اسلامی» باشد .

.

ویژگی های توسعه اقتصادی در اسلام

ویژگی های توسعه اقتصادی در اسلام1. تعریف توسعهیک. توسعه در ادبیّات اقتصادیاز دهه چهل میلادی به این سو ، «توسعه» به صورت اصطلاحی اقتصادی رواج یافته است . در آغاز ، توسعه را مترادف «رشد تولید ناخالص داخلی» می دانستند (1) ؛ امّا با گذشت یک دهه ، تجربه کشورهایی که برای تحقّق توسعه ، راه افزایش تولید ناخالص داخلی را پیموده بودند ، نشان داد که توسعه تنها پدیده ای اقتصادی نیست ، بلکه حالتی است که ابعاد دیگر نیز دارد ؛ ابعادی همچون توسعه سیاسی ، توسعه اجتماعی ، و مانند آن ها (2) . با گذشت زمان ، مفهوم توسعه دارای ابعاد گوناگون و گسترده ای شد ، به گونه ای که امروز شامل توسعه محیط و توسعه انسانی نیز می شود . به موازات این تحوّل مفهومی ، معیارهای توسعه نیز شاهد تحوّل و تکامل شد ، به حدّی که در زمان ما تا دویست شاخصه برای آن برشمرده اند که مهم ترِ آن ها عبارت است

.

1- .ولفگانگ زاکس : نگاهی نو به مفاهیم توسعه ، ترجمه فریده فرحی و وحید بزرگی ، ص 22.
2- .در یکی از گزارش های سازمان ملل متّحد ، توسعه به این صورت تعریف شده است: «توسعه عبارت است از رشد ، افزون بر تغییر . تغییر تنها شامل جنبه اقتصادی و عددی نیست ، بلکه ابعاد اجتماعی ، فرهنگی ، و کیفی را نیز شامل می شود. نکته اساسی در این میان ، آن است که کیفیّت زندگی انسانی بهبود یابد (همان ، ص 24).

دو . توسعه در اسلام

از : نرخ درآمد ناخالص داخلی ، سرانه آموزش ، نسبت اشتغال ، امیدواری به زندگی ، توزیع درآمد ، تعداد پزشکان و پرستاران و مجموعه های درمانی و خدمات بهداشتی برای هر نفر ، امکان دستیابی به آب آشامیدنی سالم ، و عواملی از این قبیل .

دو . توسعه در اسلامارزیابی تعریف رایج توسعه نشان می دهد که این تعریف مبتنی بر نگرش مادّی به حیات است . آن چه انسان معاصر از توسعه می فهمد ، از پیشرفت و رفاه مادّی و از مرزهای این دنیا فراتر نمی رود . بر پایه این نگرش و جهان بینی ، توسعه با همه شاخصه هایش ، از دایره رفاه مادّی درنمی گذرد . امّا در جهان بینی اسلامی ، وضع فرق می کند . در چهارچوب بینش اسلامی ، انسان موجودی است که از جسم و روح ترکیب یافته و افزون بر نیازهای مادّی ، خواست های معنوی نیز دارد ؛ پس زندگی وی در میان دیوارهای این دنیا محدود نمی شود ، بلکه او موجودی است ابدی که مراحل حیاتش متفاوت هستند . اسلام ، ذاتا ، شیوه ای برای توسعه و تکامل ؛ برنامه ای برای تأمین نیازهای مادّی و معنوی انسان ؛ و طرحنامه ای جهت برآوردن خواسته های دنیایی و آخرتی او است ، به گونه ای که از رهگذر آن ، انسانیّت بتواند به جایگاه نمونه و سعادتمندانه حیات بشری ارتقا یابد ، همان سان که امام امیرالمؤمنین علیه السلامآفاق آن را رسم فرموده و در این چشم انداز به تصویر کشیده است: «اِعلَموا عِبادَ اللّهِ، أنَّ المُتَّقینَ ذَهَبوا بِعاجِلِ الدُّنیا وآجِلِ الآخِرَهِ ، فَشارَکوا أهلَ الدُّنیا فی دُنیاهُم ، ولَم یُشارِکوا أهلَ الدُّنیا فی آخِرَتِهِم ؛ سَکَنُوا الدُّنیا بِأفضَلِ ما سُکِنَت ، وأکَلوها بِأفضَلِ ما اُکِلَت ، فَحَظوا مِنَ الدُّنیا بِما حَظِیَ بِهِ المُترَفونَ ، وأخَذوا مِنها ما أخَذَهُ الجَبابِرَهُ

.

المُتَکَبِّرونَ ، ثُمَّ انقَلَبوا عَنها بِالزّادِ المُبَلِّغِ وَالمَتجَرِ الرّابِحِ (1) ؛ ای بندگان خدا! بدانید که تقواپیشگان هم در این دنیای زودگذر و هم در جهان آینده آخرت سود برند . با اهل دنیا در دنیاتان شریک شدند ، در حالی که اهل دنیا در آخرت آنان شریک نشدند . در دنیا در بهترین مسکن ها سکنا گزیدند و از بهترین خوراکی ها تناول کردند . از دنیا بهره بردند آن سان که اهل ناز و نعمت بهره مند شدند ؛ و از آن کامیاب گشتند ، آن چنان که گردنکشان خودکامه کام گرفتند . آن گاه ، با رهتوشه ای که آنان را به مقصد رساند و با تجارتی سودبخش ، از این دنیا گذشتند» . در نگاه اسلام ، جهان بینی مادّی نمی تواند به نیازهای واقعی انسان پاسخ گوید ، هر چند که صدها شاخص دیگر را به شاخص های توسعه بیفزاید ؛ این نوع نگرش قادر نیست جامعه انسانی را به قلّه مطلوبش رهنمون گردد . بشریّت برای دستیابی به توسعه همه جانبه ، راهی ندارد جز آن که شیوه خدایی دین را پی گیرد که بر پایه شناخت واقعی انسان و درک نیازهای فطری او استوار است . در پرتو این نگرش ، ویژگی نخست توسعه اسلامی ، فراگیری و شمول آن در دایره همه ابعاد حیات است . دیگر اجزای این بنا نیز بر همین پایه استوارند و بازگشتِ دیگر ویژگی های توسعه اسلامی نیز به همین ویژگی است . به همان اندازه که در ادبیّات اقتصادی معاصر ، توسعه دارای مفهومی محدود است و میان دیوارهای نیازهای مادّی انسان جای می گیرد ، در جهان بینی اسلامی ، افقی گسترده دارد و با نیازهای فراگیر و نامحدود انسان سازگار است .

.

1- .بنگرید به : ح 10 .

2. هدف توسعه

2. هدف توسعههرگاه توسعه را در چهارچوب تعریف متداول ارزیابی کنیم ، درمی یابیم که هدف اسلام از توسعه اقتصادی با هدفِ توسعه در نگرش مادّی متفاوت است . در منظومه تمدّن مادّی ، توسعه مادّی الگویی است ایده آل و نهایتی مطلوب که انسان در جست وجوی آن است . بر پایه این تصوّر و با بهره گیری از دستگاه های عظیم تبلیغاتی ، کشورهای پیشرفته از رهگذر توسعه اقتصادی ، توانسته اند این گونه وانمود کنند که الگوی زندگی و شیوه انسانی آنان ، از دیگر ملّت ها برتر و با معیارهای بشری سازگارتر است . وقتی همه امور در یک چیز به نام هدف تمرکز می یابد ، طبیعی است که آن هدف مرکز ثقل همه ارزش ها و آرمان ها گردد و مرکزی شود برای جذب همه تلاش ها و رویکردها . این ، همان جایگاهی است که توسعه اقتصادی در عصر جدید یافته است . در سال های پس از جنگ دوم جهانی که گفت و گوی جدّی درباره دو مقوله پیشرفت و واپس ماندگی پیش آمد ، مجموعه کشورهای جهان سوم به سوی توسعه اقتصادی جهان غرب به مثابه الگوی عالی و چهارچوب نمونه و مطلوب روی آوردند ، در آن مرحله ، این رویکرد به قالبی فکری تبدیل شد که افکار بسیاری از متفکّران جهان سوم را به محور توسعه اقتصادی و ضرورت ایجاد تحوّل در دو زمینه فرهنگی و اجتماعی به منظور دستیابی به رشد اقتصادی ، سوق داد (1) .

.

1- .البتّه بسیاری از متفکّران کشورهای پیشرفته دریافته اند که این فرهنگ عقیم است ، زیرا زیان های عظیم انسانی و محیطی را که نتیجه فرهنگ مادّی و غلبه رشد اقتصادی است ، لمس کرده اند. با این حال ، همین شیوه تفکّر همچنان فضای فکری بیشینه کشورهای واپس مانده را انباشته و بر آن ها سیطره یافته است.

3 . نظام های توسعه و راهبردهای آن ها

امّا در تمدّن اسلامی ، توسعه اقتصادی هدفِ برتر نیست . در این تمدّن ، هدف آن است که همه استعدادهای انسانی شکوفا گردد و نهفته های او هویدا شود تا به سوی کمال مطلق راه بَرَد و به سعادت ابدی و پایدار دست یابد . توسعه اقتصادی ، تنها مقدّمه ای برای رسیدن به همین هدف است . با همین رویکرد است که اسلام ، جامعه انسانی را نیازمند تحقّق رفاه فراگیر و ارتقا یافتن به کمال مطلق می داند تا در کنار شاخصه های مادّی و دنیایی ، همچون درآمد ناخالص ملّی ، سرانه آموزش ، دستیابی به امکانات گوناگون زندگی ، آزادیِ انتخاب ، مشارکت سیاسی ، و همانند آن ها ، به ضرورت های دیگر که در رشد و ارتقای شاخصه های معنوی ، همچون ایمان و اخلاق و اعمال صالح متجلّی می شوند ، نیز عنایت ورزد .

3 . نظام های توسعه و راهبردهای آن هاهمه می دانیم که نظام های توسعه در جهان معاصر و راهبردهای آن ها ، به دو طرز تفکّر سرمایه داری و سوسیالیزم باز می گردند . مکتب سرمایه داری بر آن است که برقراری نظام بازار ، برترین طریق دستیابی به این هدف است ، در حالی که سوسیالیزم تصمیمات خود در این زمینه را بر مبنای شیوه برنامه ریزی مرکزی پایه نهاده و از این رو ، نظام اقتصاد دولتی را ترجیح داده است . بدین گونه ، نمی توان از اِجماع دانشوران و کارشناسان اقتصادی در زمینه نظام های توسعه اقتصادی و راهبردهای آن ها سخن گفت (1) .

.

1- .اقتصاددانان ، به حسب وابستگی فکری و گرایش خود به یکی از این دو نظام موجود ، به راه حل های گوناگونی روی آورده اند. دیدگاهی که مشکل اصلی را کمبود منابع و سرمایه گذاری می داند و هدف را افزایش درآمد ملّی می شمارد ، پناه بردن به سیستم های مالی ، اقتصاد آزاد ، صنعتی سازی ، و همانند آن ها را پیشنهاد می کند. در برابر ، دیدگاهی که فقر و تبعیض و نبود عدالت در توزیع را مشکلات اصلی اقتصادی برمی شمارد ، راهبردهای دیگری را برمی گزیند؛ همچون : بازنگری در توزیع درآمد و توجّه به خواست های اصلی . بدین سان ، به حسب خاستگاه های فکری ، گزینه ها و اولویّت گذاری های این دو گروه نیز متفاوت هستند.

یک . نقش ارزش های معنوی در توسعه اقتصادی

مسلّم است که اسلام دستاوردهای فکری اقتصاددانان معاصر را که مبتنی بر یکی از دو طرز تفکّر حاکم ، سرمایه داری و سوسیالیزم ، است ، نه به طور مطلق رد می کند و نه مطلقا می پذیرد . هرگز چنین نیست ؛ کارشناسان اقتصاد اسلامی وظیفه دارند نکات مثبت هر یک از این دو نظام را اقتباس کنند و عناصر منفی آن ها را کنار نهند تا به برنامه ای رسند که نظام اسلامی برای توسعه و راهبردهای آن را نشان دهد ، مشروط به این که برنامه ریزی مذکور در چهارچوب نظام اقتصادی اسلام و برخاسته از رویکرد اقتصادی در اسلام باشد . اگر این برنامه ریزی سامان یابد ، گامی بس بزرگ برداشته می شود که خدمتی است سترگ به جامعه اسلامی و به طور واقعی سبب ترویج فرهنگ اسلامی در سطح جهان می شود . در پرتو آموزه های اسلامی ، این نظام و راهبردهایش دارای سه ویژگی هستند:

یک . نقش ارزش های معنوی در توسعه اقتصادیپیش از بیان هرگونه توضیح درباره نقش امور معنوی در توسعه اقتصادی ، اشاره به این نکته ضرورت دارد که در چهارچوب جهان بینی اسلامی ، اعتقاد به تأثیر معنویّات در اقتصاد ، مترادف با نفیِ سبب های مادّی نیست و از نقش این سبب ها در اقتصاد نمی کاهد . مقصود آن است که اسلام ، افزون بر عوامل مادّی مؤثّر در توسعه ، به عواملی دیگر نیز ایمان دارد که در توسعه مؤثّرند ، امّا ناشناخته مانده اند .

.

به بیان دیگر ، اسلام این شش رکن توسعه اقتصادی را باور دارد : دانش ، مدیریّت ، کار ، تنظیم بازار ، اتّکا به الگوی مصرف صحیح و مناسب ، و برنامه ریزی هدفمند و درست دولت ؛ همچنین اسلام اعتقاد دارد که باید تلاش کرد تا درآمد ناخالص ملّی افزایش یابد و سطح فنّی تولید بالا رود ؛ نیز تنظیم برنامه هایی برای کاستن از میزان فقر و تعدیل ثروت در جامعه را ترغیب می کند . با ای 1 ن همه ، اسلام معتقد است که باورهای درست دینی ، اخلاق نیکو ، و اعمال صالح نیز در توسعه اقتصادی نقش دارند . (1) این همان مفهوم حقیقی قائل بودن به نقش ایمان و معنویّات در اقتصاد از دیدگاه اسلام است که هرگز مرادف با نادیده انگاشتن عوامل مادّی و طبیعی نیست . قرآن به همین حقیقت اشاره دارد و تصریح می کند: «وَ لَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَی ءَامَنُواْ وَ اتَّقَوْاْ لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَتٍ مِّنَ السَّمَآءِ وَ الأَْرْضِ». «و اگر مردم آبادی ها ایمان آورده و پرهیزگاری کرده بودند ، هر آینه برکت ها از

.

1- .بنگرید به: ص503 (اصول توسعه).

آسمان و زمین بر آنان می گشادیم.» (1) «اسْتَغْفِرُواْ رَبَّکُمْ إِنَّهُ کَانَ غَفَّارًا * یُرْسِلِ السَّمَآءَ عَلَیْکُم مِّدْرَارًا * وَ یُمْدِدْکُم بِأَمْوَ لٍ وَ بَنِینَ وَ یَجْعَل لَّکُمْ جَنَّتٍ وَ یَجْعَل لَّکُمْ أَنْهَرًا». «از پروردگارتان آمرزش بخواهید؛ که او همواره آمرزگار است * تا آسمان را بر شما بارنده فرستد * و شما را به مال ها و پسران یاری کند و به شما بوستان ها دهد و برایتان جوی ها پدید آورد .» (2) افزون بر آنچه گفته شد ، از دیدگاه جهان بینی اسلامی ، پایه های توسعه سازنده و پایدار در جامعه استوار نخواهد شد ، مگر آن گاه که با ارزش های اعتقادی و اخلاقی و علمی همراه گردد . در غیر این صورت ، آفات توسعه ، جامعه را به لرزه درآورده ، ارکان آن را آسیب خواهد زد . (3)

دو . تکامل معنوی از درونِ توسعه مادّینکته دیگر که بسیار اهمّیّت دارد ، آن است که در دیدگاه اسلامی ، نه تنها ارزش های معنوی بر جریان توسعه اقتصادی اثر می نهند ، بلکه عکس آن نیز صادق است . از لحاظ اصولی ، در روشمندی اسلامیِ تکامل انسان و اجتماع ، هیچگونه جدایی میان تکامل معنوی و توسعه اقتصادی وجود ندارد ؛ بلکه توسعه مادّی از بطن تکامل معنوی شکوفا می گردد و خطّ سیر تکامل معنوی نیز از میانه توسعه مادّی عبور می کند . قرآن کریم تأکید می کند که هرگاه ایمان در جامعه استقرار یابد و ارکانش استوار گردد ، برکت ها بر انسان فرو می بارد و زمین سرچشمه نعمت می شود تا

.

1- .سوره اعراف ، آیه 96.
2- .سوره نوح ، آیه 10 12.
3- .بنگرید به: ص861 (آفت های توسعه).

آن گاه که وجود انسان از خیر سرشار می گردد و جامعه در رفاه و آسایش اقتصادی افزون بر تصوّر ، به سر می برد . متون اسلامی آکنده از گفتار درباره نقش مثبت خصلت های پسندیده (1) و عواملی همچون آمرزش خواهی ، نماز ، حج ، و دعا (2) در ایجاد رفاه مادّی و برقراری توسعه اقتصادی اند ، در حالی که این امور در دایره ارزش های معنوی جای دارند . از دیگر سو ، می نگریم که اسلام رفاه اقتصادی را یاورِ تقوا و افزاینده اجر معنوی می داند ؛ همان گونه که از این منظر ، رفاه اقتصادی می تواند زمینه شکوفایی و بالندگی ارزش های والای انسانی باشد . (3) از این جهت است که اسلام ارزشی بالا برای فعّالیّت سالم اقتصادی قائل است ، تا آن جا که از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت شده است: «العِبادَهُ عَشَرَهُ أجزاءٍ ، تِسعَهُ أجزاءٍ فی طَلَبِ الحَلالِ (4) ؛ عبادت ده بخش است ؛ نُه بخش آن ، جُستن روزی حلال است» . این سخن ، از حقیقتی پرده برمی دارد که آشکارا می گوید: هرگاه اهداف اقتصادی در مسیری صحیح تنظیم گردند و سازندگی انسان را نشانه روند ، اهداف معنوی او هم تا حدّی بالا تأمین می گردند . از همین اشاره که به نقش ارزش ها در توسعه شد ، می توان دریافت که نبود ارزش ها ، در واپس ماندگی و دست نیافتن به توسعه نقشی سلبی دارد . در کوتاه سخن ، از منظر اسلام ، عواملی علاوه بر موانع و دشواری های مادّی ، به عقب ماندگی می انجامند . باورهای نادرست ، اخلاق ناسالم ، و اعمال ناشایست

.

1- .بنگرید به: ص627 (اصول اخلاقی).
2- .بنگرید به: ص675 (اصول عبادی).
3- .بنگرید به: ص69 (برکت های پیشرفت اقتصادی).
4- .بنگرید به: ح 452 .

سه . تأمین نیازهای اصلی نیازمندان

بخش های چهارم و پنجم این کتاب به همین مبحث خواهند پرداخت در مجموع عوامل عقب ماندگی و آفتِ دستیابی به توسعه اند . پس همان گونه که توسعه در تکامل معنوی نقش دارد ، عکس آن نیز صادق است و عقب ماندگی احیانا در انحطاط معنوی ریشه دارد .

سه . تأمین نیازهای اصلی نیازمنداناگر جامعه انسانی بتواند روش و برنامه اسلامی در توسعه همه جانبه را عملی کند ، فقر از اجتماع بشری رخت بر می بندد و ریشه کن می شود . این همان تصویر تابناکی است که پیشوایان و رهبران اسلام در سایه توسعه نوید داده شده ، برای روزی از روزهای بشر ترسیم کرده اند . آری ؛ در اجتماع موعود اسلامی ، انسان در جست و جوی نیازمندی برمی آید تا به وی کمک کند ، امّا او را نمی یابد . (1) امّا ضمن انتظار کشیدن برای رسیدن جامعه به چنان سطحی ، یکی از اهداف اقتصاد اسلامی ، تأمین نیازهای اساسی نیازمندان و محتاجان است ، به گونه ای که از طریق آن ، هر یک از افراد جامعه به زندگی کرامت مندانه ای دست یابد . این مهم ، نه تنها یکی از اهداف اقتصادی است ، بلکه از عناصر اصلی در فرایند توسعه به شمار می آید . در دیدگاه اسلامی ، اگر مردم به ادای حقوق مالی خود بپردازند ، (2) نیاز همه نیازمندان تأمین می شود ، تا آن جا که دیگر فقیری باقی نمی ماند . امام صادق علیه السلامبه همین مطلب اشاره فرموده است: «لَو أخرَجَ النّاسُ زَکاةَ أموالِهِم مَا احتاجَ أحَدٌ (3) ؛

.

1- .بنگرید به : ص125 (توسعه نوید داده شده در اسلام).
2- .بنگرید به : ص609 (پرداخت نکردن حقوق و واپس ماندگی)
3- .بنگرید به : ح 1364 .

اگر مردم زکات اموالشان را بپردازند ، هیچ کس نیازمند نخواهد بود» . همین حقیقت با مضامینی دیگر در بیان دیگر آن بزرگوار به چشم می خورد: « و إِنَّ النّاسَ مَا افتَقَروا ولاَ احتاجُوا وَلا جاعُوا ولا عَروا إلاّ بِذُنوبِ الأَغنیاءِ (1) ؛ همانا مردم به فقر و احتیاج و گرسنگی و برهنگی دچار نشده اند ، مگر از رهگذرِ گناهان ثروتمندان» . در این میان ، سخنی دیگر از امام امیرالمؤمنین علیه السلام به چشم می خورد که در آن آمده است: «إنَّ اللّهَ سُبحانَهُ فَرَضَ فی أموالِ الأَغنِیاءِ أقواتَ الفُقَراءِ ، فَما جاعَ فَقیرٌ إلاّ بِما مُتِّعَ بِهِ غَنِیٌّ ، وَاللّهُ تَعالی سائِلُهُم عَن ذلِکَ (2) ؛ همانا خداوند سبحان ، خوراک فقیران را در دارایی ثروتمندان واجب فرموده است . پس هیچ فقیری گرسنه نمانده ، مگر به دلیل آن که ثروتمندی از حقّ او بهره مند شده ؛ و خداوند والا ایشان را بدین جهت بازخواست خواهد کرد» . می توان گفت که این احادیث ، خود ، برگرفته از سخن پیامبرند که فرمود: «لَو عَلِمَ اللّهُ أنَّ زَکاهَ الأَغنِیاءِ لا تَکفی الفُقَراءَ لَأَخرَجَ مِن غَیرِ زَکاتِهِم ما یُقویهِم، فإذا جاعَ الفُقَراءُ فَبِظُلمِ الأَغنِیاءِ لَهُم (3) ؛ اگر خداوند می دانست که زکاتِ ثروتمندان پاسخگوی نیاز فقیران نیست ، از غیرِ زکات آنان به تأمین نیاز ایشان می پرداخت . پس اگر فقیران گرسنه مانند ، به دلیل ستمِ ثروتمندان به ایشان است» .

.

1- .کتاب من لایحضره الفقیه ، ج 2 ، ص 4 ، ح 6.
2- .بنگرید به : ح 1017 .
3- .کنز العمّال ، ج 6 ، ص 310 ، ح 15824.

در پی ، چند روایت دیگر می آید که دلالت می کند ادای حقوق مالی ، علاوه بر تأمین نیازهای نیازمندان ، ابزار توسعه اقتصادی نیز هست: از رسول خدا روایت شده است: «إذا أرَدتَ أن یُثری مالُکَ فَزَکِّهِ (1) ؛ اگر خواستی مالت افزون گردد ، زکات آن را بپرداز» . از امام علی علیه السلام نقل شده است: «فَرَضَ اللّهُ ... وَالزَّکاهَ تَسبیبا لِلرِّزقِ (2) ؛ خداوند زکات را واجب فرموده است ... تا زمینه ساز افزایشِ روزی باشد» . از امام موسی کاظم علیه السلام همچنین روایت کرده اند: «إنَّ اللّهَ عز و جل وَضَعَ الزَّکاهَ قوتا لِلفُقَراءِ ، وتَوفیرا لِأموالِکُم (3) ؛ همانا خداوند زکات را خوراک فقیران و مایه افزایش دارایی شما قرار داده است» . به عکس ، در اسلام ، تأمین نکردن نیازهای نیازمندان از موانع اساسی در مسیر توسعه اقتصادی و شکوفایی معیشتی تلقّی می شود . از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت شده است: «إذا مَنَعُوا الزَّکاهَ مَنَعَتِ الأرضُ بَرَکَتَها مِنَ الزَّرعِ وَالثِّمارِ وَالمَعادِنِ کُلِّها (4) ؛ هر گاه مردم زکات نپردازند ، زمین برکت های خود ، همچون کشت و میوه و معدن را ، یکسره ، از ایشان باز می دارد» .

.

1- .بحار الأنوار ، ج 85 ، ص 164 ، ح 12.
2- .بنگرید به : ح 1360 .
3- .بنگرید به : ح 1365 .
4- .بنگرید به : ح 1031 .

چهار . حفظ توازن محیط

چهار . حفظ توازن محیطدر برخی از متون اسلامی ، توسعه اقتصادی در خلال مفاهیمی چون «برکت های آسمان و زمین» (1) ، «باغ ها و جوی ها»(2) ، و «آبادانی زمین»(3) بیان شده است . ممکن است یکی از مدلول های این عبارات آن باشد که حفظ توازن محیط از برجسته ترین ویژگی های فرایند توسعه در اسلام است . در اسلام ، به درختکاری و آباد سازی زمین و کاشت درخت بسیار اهمّیّت داده شده ، تا آن جا که از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت گشته است: «إن قامَتِ السّاعَةُ وفی یَدِ أحَدِکُم فَسیلَةٌ، فإنِ استَطاعَ أن لا یَقومَ حَتّی یَغرِسَها فَلیَغرِسها (4) ؛ هر گاه ، یکی از شما را هنگامه قیامت فرا رسد و در دستش قلمه درختی باشد ، اگر برایش ممکن است ، پیش از برخاستن ، باید آن را بکارد» . بدین سان ، در دیدگاه اسلامی ، هر گونه عمل منتهی به تخریب محیط و زیان زننده به تداوم و شکوفایی توسعه و آسیب رسان به سلامت انسان ، در مسیر توسعه و نظام های آن ، مردود شمرده شده است (5) .

.

1- .«و اگر مردم آبادی ها ایمان آورده و پرهیزگاری کرده بودند ، هر آینه برکت ها از آسمان و زمین بر آنان می گشادیم»(سوره اعراف ، آیه 96).
2- .«تا آسمان را بر شما بارنده فرستد * و شما را به مال ها و پسران یاری کند و به شما بوستان ها دهد و برایتان جوی ها پدید آورد» (سوره نوح ، آیه 11 و 12).
3- .بنگرید به: دانش نامه امیرالمؤمنین ، ج 4 ، سیاست های اقتصادی ، ص 211: «آبادانی شهرها».
4- .میزان الحکمه ، ج 6 ، ص 2671 ، ح 9140 ؛ کنز العمّال ، ج 3 ، ص 892 ، ح 9056 . نیز بنگرید به: میزان الحکمه ، «شجر زرع».
5- .بر آگاهان و اهل فن پوشیده نیست که ادلّه این ادّعا در همین ها منحصر نیست . برای مثال ، اسلام ، زیاده روی در مصرف منابع طبیعی را مصداق اسراف و ضایع ساختن ثروت دانسته و از آن بسیار نهی فرموده ، همان گونه که هر نوع بهره وری از منابع طبیعی را که به تخریب محیط و آسیب رسانی به سلامت انسان بینجامد ، بر طبق قاعده «لا ضرر» ، ممنوع شمرده است.

ص: 34

. .

ص: 35

بخش یکم : پیشرفت اقتصادی

اشاره

بخش اول: پیشرفت اقتصادیفصل یکم: اهمّیّت پیشرفت اقتصادیفصل دوم: برکت های پیشرفت اقتصادیفصل سوم : واپس ماندگی اقتصادیفصل چهارم : زیان های واپس ماندگی اقتصادیفصل پنجم: توسعه نوید داده شده در اسلامفصل ششم : ستایشِ فقر و مفهوم آن

.

الفصل الأوّل: أهمّيّه التقدّم الاقتصادى1 / 1سَعادَهُ الدُّنيا وَالآخِرَهِالكتاب :«مَّن كَانَ يُرِيدُ ثَوَابَ الدُّنْيَا فَعِندَ اللَّهِ ثَوَابُ الدُّنْيَا وَ الْأَخِرَهِ وَ كَانَ اللَّهُ سَمِيعَا بَصِيرًا . (1) »

«وَ لَوْ أَنَّ أَهْلَ الْكِتَبِ ءَامَنُواْ وَ اتَّقَواْ لَكَفَّرْنَا عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ وَ لَأَدْخَلْنَهُمْ جَنَّتِ النَّعِيمِ * وَ لَوْ أَنَّهُمْ أَ قَامُواْ التَّوْرَاهَ وَ الْاءِنجِيلَ وَ مَآ أُنزِلَ إِلَيْهِم مِّن رَّبِّهِمْ لَأَكَلُواْ مِن فَوْقِهِمْ وَ مِن تَحْتِ أَرْجُلِهِم مِّنْهُمْ أُمَّهٌ مُّقْتَصِدَهٌ وَ كَثِيرٌ مِّنْهُمْ سَآءَ مَا يَعْمَلُونَ . (2) »

«وَ لَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَى ءَامَنُواْ وَ اتَّقَوْاْ لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَتٍ مِّنَ السَّمَآءِ وَ الأَرْضِ وَ لَكِن كَذَّبُواْ فَأَخَذْنَهُم بِمَا كَانُواْ يَكْسِبُونَ . (3) »

«قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ اسْتَعِينُواْ بِاللَّهِ وَ اصْبِرُواْ إِنَّ الأَرْضَ لِلَّهِ يُورِثُهَا مَن يَشَآءُ مِنْ عِبَادِهِ وَ الْعَقِبَهُ لِلْمُتَّقِينَ . (4) »

.

1- .النساء : 134 .
2- .المائده : 65 و 66 .
3- .الأعراف : 96 .
4- .الأعراف : 128 .

فصل یکم : اهمیّت پیشرفت اقتصادی

1 / 1 خوشبختی دنیا و آخرت

فصل یکم: اهمیّت پیشرفت اقتصادی1 / 1خوشبختی دنیا و آخرتقرآن :«هر که پاداش این جهان خواهد ، پس [بداند که] پاداش این جهان و آن جهان نزد خداست و خدا شنوا و بینا است.»

«و اگر اهل کتاب ایمان آورند و پرهیزگار شوند ، هر آینه بدی هاشان را از آنها بزداییم و آنان را به بهشت های پرنعمت درآوریم * و اگر آنان تورات و انجیل و آنچه را که از پروردگارشان به سوی ایشان فرود آمده ، برپا می داشتند ، هر آینه از بالای سرشان و از زیر پاشان برخوردار می شدند . از ایشان گروهی میانه روَند و بسیاری از آنان ، آنچه می کنند بد است .»

«و اگر مردم آبادی ها ایمان آورده و پرهیزگاری کرده بودند ، هر آینه برکت ها از آسمان و زمین بر آنان می گشادیم؛ ولیکن [پیام ها و نشانه های ما را] دروغ شمردند ، پس آنها را به سزای آنچه می کردند ، گرفتار ساختیم.»

«موسی قوم خود را گفت: «از خدا یاری بخواهید و شکیبایی ورزید؛ که زمین از آنِ خدا است ، آن را به هر کس از بندگانش که بخواهد ، به میراث می دهد ، و سرانجامِ [نیک] پرهیزگاران را است».»

.

«لِّلَّذِينَ أَحْسَنُواْ الْحُسْنَى وَ زِيَادَهٌ وَ لاَ يَرْهَقُ وُجُوهَهُمْ قَتَرٌ وَ لاَ ذِلَّهٌ أُوْلَءِکَ أَصْحَبُ الْجَنَّهِ هُمْ فِيهَا خَلِدُونَ . (1) »

«وَ يَقَوْمِ اسْتَغْفِرُواْ رَبَّکُمْ ثُمَّ تُوبُواْ إِلَيْهِ يُرْسِلِ السَّمَآءَ عَلَيْکُم مِّدْرَارًا وَ يَزِدْکُمْ قُوَّهً إِلَى قُوَّتِکُمْ وَ لاَ تَتَوَلَّوْاْ مُجْرِمِينَ . (2) »

«وَ قِيلَ لِلَّذِينَ اتَّقَوْاْ مَاذَآ أَنزَلَ رَبُّکُمْ قَالُواْ خَيْرًا لِّلَّذِينَ أَحْسَنُواْ فِى هَذِهِ الدُّنْيَا حَسَنَهٌ وَ لَدَارُ الْأَخِرَهِ خَيْرٌ وَ لَنِعْمَ دَارُ الْمُتَّقِينَ . (3) »

«مَنْ عَمِلَ صَلِحًا مِّن ذَکَرٍ أَوْ أُنثَى وَ هُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهُ حَيَوهً طَيِّبَهً وَ لَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُم بِأَحْسَنِ مَا کَانُواْ يَعْمَلُونَ . (4) »

«وَ ابْتَغِ فِيمَآ ءَاتَکَ اللَّهُ الدَّارَ الْأَخِرَهَ وَ لاَ تَنسَ نَصِيبَکَ مِنَ الدُّنْيَا وَ أَحْسِن کَمَآ أَحْسَنَ اللَّهُ إِلَيْکَ وَ لاَ تَبْغِ الْفَسَادَ فِى الْأَرْضِ إِنَّ اللَّهَ لاَ يُحِبُّ الْمُفْسِدِينَ . (5) »

الحديث :رسول اللّه صلى الله عليه و آله :أصلِحوا دُنياكُم ، وَاعمَلوا لاِخِرَتِكُم ؛ فَإِنَّكُم تَموتونَ غَدا . (6)

عنه صلى الله عليه و آله:لا تَسُبُّوا الدُّنيا ؛ فَنِعمَت مَطِيَّهُ المُؤمِنِ ؛ فَعَلَيها يَبلُغُ الخَيرَ ، وبِها يَنجو مِنَ الشَّرِّ . إنَّهُ إذا قالَ العَبدُ : لَعَنَ اللّهُ الدُّنيا ، قالَتِ الدُّنيا : لَعَنَ اللّهُ أعصانا لِرَبِّهِ . (7)

.

1- .يونس : 26 .
2- .هود : 52 .
3- .النحل : 30 .
4- .النحل : 97 .
5- .القصص : 77 .
6- .الفردوس : 1 / 101 / 334 عن أبى هريره .
7- .أعلام الدين : 335 عن أبى موسى الأشعرى ، إرشاد القلوب : 176 عن الإمام علىّ عليه السلام نحوه ، بحار الأنوار : 77 / 178 / 10 وراجع ربيع الأبرار : 1 / 66 و 67 .

«برای کسانی که نیکویی کردند ، [پاداشی] نیکوتر باشد و فزونی ای؛ و رخسارشان را گَردِ تیره [گناهان] و خواری نپوشانَد . اینانند اهل بهشت که در آن جاویدان باشند .»

«و ای قوم من! از پروردگارتان آمرزش بخواهید؛ آن گاه ، به او بازگردید ، تا باران را بر شما پیاپی و فراوان فرستد و نیرویی بر نیروتان بیفزاید؛ و بزهکارانه پشت مکنید و روی مگردانید .»

«و به کسانی که پرهیزگاری کردند ، گفته شود: «پروردگار شما چه چیز فرستاده است؟» گویند : «خیر را»؛ برای کسانی که نیکی کردند ، در این جهان نیکی است و همان سرای واپسین بهتر است و به راستی ، نیکو است سرای پرهیزگاران .»

«هر کس ، از مرد و زن ، که کاری شایسته کند ، در حالی که مؤمن باشد ، هر آینه او را به زندگانی پاک و خوشی زنده بداریم؛ و مزدشان را بر پایه نیکوترین کاری که می کردند ، پاداش دهیم .»

«و در آنچه خدا به تو داده است ، سرای واپسین را بجوی و بهره خویش را از دنیا فراموش مکن و نیکی کن ، چنان که خدا به تو نیکی کرده؛ و در زمین تباهکاری مجوی؛ که خدا تباهکاران را دوست ندارد .»

حدیث :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله:دنیای خویش را به سامان آورید و برای آخرت خود کار کنید ؛ زیرا فردا خواهید مرد .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله:دنیا را دشنام مدهید که نیکو مَرکبی است برای مؤمن ؛ سوار بر آن به خیر دست می یابد و با آن از شر رهایی می جوید . همانا هرگاه بنده ای بگوید : «خداوند دنیا را لعنت کناد!» ، دنیا هم می گوید : «خداوند از میان ما کسی را لعنت کناد که در برابر پروردگارش سرکش تر است» .

.

عنه صلى الله عليه و آله :نِعمَتِ الدّارُ الدُّنيا لِمَن تَزَوَّدَ مِنها لِاخِرَتِهِ حَتّى يُرضِىَ رَبَّهُ عز و جل ، وبِئسَتِ الدّارُ لِمَن صَدَّتهُ عَن آخِرَتِهِ ، وقَصَّرَت بِهِ عَن رِضاءِ رَبِّهِ . وإذا قالَ العَبدُ : قَبَّحَ اللّهُ الدُّنيا ، قالَتِ الدُّنيا : قَبَّحَ اللّهُ أعصانا لِرَبِّهِ . (1)

الأمالى للطوسى عن أبو برده الأسلمىّ عن أبيه :كانَ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آلهإذا صَلّى الصُّبحَ رَفَعَ صَوتَهُ حَتّى يَسمَعَ أصحابُهُ يَقولُ : «اللّهُمَّ أصلِح لى دينِىَ الَّذى جَعَلتَهُ لى عِصمَةً» ثَلاثَ مَرّاتٍ ؛ «اللّهُمَّ أصلِح لى دُنياىَ الَّتى جَعَلتَ فيها مَعاشى» ثَلاثَ مَرّاتٍ ؛ «اللّهُمَّ أصلِح لى آخِرَتِىَ الَّتى جَعَلتَ إلَيها مَرجِعى» ثَلاثَ مَرّاتٍ ؛ «اللّهُمَّ إنّى أعوذُ بِرِضاكَ مِن سَخَطِكَ ، وأعوذُ بِعَفوِكَ مِن نِقمَتِكَ» ثَلاثَ مَرّاتٍ ؛ «اللّهُمَّ إنّى أعوذُ بِكَ مِنكَ ، لا مانِعَ لِما أعطَيتَ ، ولا مُعطِىَ لِما مَنَعتَ ، ولا يَنفَعُ ذَا الجَدِّ مِنكَ الجَدُّ» . (2)

الإمام علىّ عليه السلام فى كِتابِهِ إلى مُحَمَّدِ بنِ أبى بَكرٍ وأهلِ مِصرَ : عَلَيكُم بِتَقوَى اللّهِ ؛ فَإنَّها تَجمَعُ مِنَ الخَيرِ ما لا يَجمَعُ غَيرُها ، ويُدرَكُ بِها مِنَ الخَيرِ ما لا يُدرَكُ بِغَيرِها ؛ مِن خَيرِ الدُّنيا وخَيرِ الآخِرَهِ ، قالَ اللّهُ عز و جل : « وَ قِيلَ لِلَّذِينَ اتَّقَوْاْ مَاذَآ أَنزَلَ رَبُّكُمْ قَالُواْ خَيْرًا لِّلَّذِينَ أَحْسَنُواْ فِى هَذِهِ الدُّنْيَا حَسَنَةٌ وَ لَدَارُ الْأَخِرَهِ خَيْرٌ وَ لَنِعْمَ دَارُ الْمُتَّقِينَ . (3) » اِعلَموا يا عِبادَ اللّهِ، أنَّ المُؤمِنَ يَعمَلُ لِثَلاثٍ مِنَ الثَّوابِ : إمّا لِخَيرِ (الدُّنيا) فَإنَّ اللّهَ يُثيبُهُ بِعَمَلِهِ فى دُنياهُ ؛ قالَ اللّهُ سُبحانَهُ لإبراهيمَ : «وَ ءَاتَيْنَهُ أَجْرَهُ فِى الدُّنْيَا وَ إِنَّهُ فِى الْأَخِرَهِ لَمِنَ الصَّلِحِينَ ، (4) » فَمَن عَمِلَ للّهِ تَعالى أعطاهُ أجرَهُ فِى الدُّنيا وَالآخِرَهِ ، وكَفاهُ المُهِمَّ فيهما . وقَد قالَ اللّهُ عز و جل : «يَعِبَادِ الَّذِينَ ءَامَنُواْ اتَّقُواْ رَبَّكُمْ لِلَّذِينَ أَحْسَنُواْ فِى هَذِهِ الدُّنْيَا حَسَنَةٌ وَ أَرْضُ اللَّهِ وَ سِعَهٌ إِنَّمَا يُوَفَّى الصَّبِرُونَ أَجْرَهُم بِغَيْرِ حِسَابٍ ، (5) » فَما أعطاهُمُ اللّهُ فِى الدُّنيا لَم يُحاسِبهُم بِهِ فِى الآخِرَهِ . قالَ اللّهُ عز و جل : «لِّلَّذِينَ أَحْسَنُواْ الْحُسْنَى وَ زِيَادَهٌ ، (6) » فَالحُسنى هِىَ الجَنَّهُ ، وَالزِّيادَهُ هِىَ الدُّنيا . (وإمّا لِخَيرِ الآخِرَهِ) فَإنَّ اللّهَ عز و جل يُكَفِّرُ بِكُلِّ حَسَنَهٍ سَيِّئَهً ؛ قالَ اللّهُ عز و جل : «إِنَّ الْحَسَنَتِ يُذْهِبْنَ السَّيِّئَاتِ ذَ لِكَ ذِكْرَى لِلذَّ كِرِينَ ، (7) » حَتّى إذا كانَ يَومُ القِيامَهِ حُسِبَت لَهُم حَسَناتُهُم ، ثُمَّ أعطاهُم بِكُلِّ واحِدَهٍ عَشرَ أمثالِها إلى سَبعِمِائَهِ ضِعفٍ ؛ قالَ اللّهُ عز و جل : «جَزَآءً مِّن رَّبِّكَ عَطَآءً حِسَابًا ، (8) » وقالَ : «أُوْلَ ءِكَ لَهُمْ جَزَآءُ الضِّعْفِ بِمَا عَمِلُواْ وَ هُمْ فِى الْغُرُفَتِ ءَامِنُونَ . (9) » فَارغَبوا فى هذا رَحِمَكُمُ اللّهُ وَاعمَلوا لَهُ ، وتَحاصّوا عَلَيهِ . وَاعلَموا يا عِبادَ اللّهِ، أنَّ المُتَّقينَ حازوا عاجِلَ الخَيرِ وآجِلَهُ ؛ شارَكوا أهلَ الدُّنيا فى دُنياهُم ، ولَم يُشارِكهُم أهلُ

الدَّنيا فى آخِرَتِهِم ؛ أباحَهُمُ اللّهُ مِنَ الدَّنيا ما كَفاهُم وبِهِ أغناهُم ؛ قالَ اللّهُ عَزَّ اسمُهُ : « قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِى أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَ الطَّيِّبَتِ مِنَ الرِّزْقِ قُلْ هِىَ لِلَّذِينَ ءَامَنُواْ فِى الْحَيَوةِ الدُّنْيَا خَالِصَةً يَوْمَ الْقِيَمَةِ كَذَ لِكَ نُفَصِّلُ الأَيَتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ . (10) » سَكَنُوا الدُّنيا بِأفضَلِ ما سُكِنَت ، وأكَلوها بِأفضَلِ ما أُكِلَت ؛ شارَكوا أهلَ الدُّنيا فى دُنياهُم ، فَأكَلوا مَعَهُم مِن طَيِّباتِ ما يَأكُلونَ ، وشَرِبوا مِن طَيِّباتِ ما يَشرَبونَ ، ولَبِسوا مِن أفضَلِ ما يَلبَسونَ ، وسَكَنوا مِن أفضَلِ ما يَسكُنونَ ، وتَزَوَّجوا مِن أفضَلِ ما يَتَزَوَّجونَ ، ورَكِبوا مِن أفضَلِ ما يَركَبونَ ؛ أصابوا لَذَّةَ الدُّنيا مَعَ أهلِ الدُّنيا ، وهُم غَدا جيرانُ اللّهِ ، يَتَمَنَّونَ عَلَيهِ فَيُعطيهِم ما تَمَنَّوهُ ، ولا يَرُدُّ لَهُم دَعوَةً ، ولا يَنقُصُ لَهُم نَصيباً مِنَ اللَّذَّةِ . فَإلى هذا يا عِبادَ اللّهِ يَشتاقُ إلَيهِ مَن كانَ لَهُ عَقلٌ ، ويَعمَلُ لَهُ بِتَقوَى اللّهِ ، ولَا حَولَ ولا قُوَّةَ إلاّ بِاللّهِ . (11)

.

1- .المستدرک على الصحيحين : 4 / 348 / 7870 ، الفردوس : 4 / 269 / 6794 وليس فيه ذيله وكلاهما عن طارق ، كنز العمّال : 3 / 239 / 6341 .

2- .الأمالى للطوسى : 158 / 265 وراجع سنن النسائى : 3 / 73 .

3- .النحل : 30 .

4- .العنكبوت : 27 .

5- .الزمر : 10 .

6- .يونس : 26 .

7- .هود: 114 .

8- .النبأ: 36 .

9- .سبأ : 37 .

10- .الأعراف : 32 .

11- .الأمالى للمفيد : 261 / 3 ، الأمالى للطوسى : 25 / 31 كلاهما عن أبى إسحاق الهمدانى ، بحار الأنوار : 33 / 543 / 720 و ج 77 / 386 / 11 وراجع الغارات : 1 / 234 .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله:نیکو خانه ای است دنیا کسی را که برای آخرتش از آن توشه برگیرد تا پروردگارش را خشنود کند ؛ و بد خانه ای است کسی را که از آخرت بازش دارد و دستش را از خشنودی پروردگارش کوتاه سازد . هرگاه بنده ای بگوید: «خداوند دنیا را رسوا کناد!» ، دنیا هم می گوید: «خداوند از میان ما کسی را رسوا کناد که در برابر پروردگارش سرکش تر است» .

امالی طوسی از ابوبرده اسلمی از پدرش :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله هرگاه نماز صبح می گزارْد ، با صدایی بلند چنان که یارانش بشنوند سه بار می گفت: «بار خدایا! دین مرا برایم به سامان آور ؛ همان را که مایه پناه من ساخته ای» . و نیز سه بار می گفت : «بار خدایا! دنیای مرا به سامان آور ؛ همان را که مایه زندگانی من قرار داده ای» . و سه بار هم می گفت: «بار خدایا! آخرت مرا سامان بخش ؛ همان را که بازگشتم را به سوی آن مقرّر فرموده ای» . سپس سه بار می گفت: «بار خدایا! من از خشم تو به خشنودی ات پناه می جویم ؛ و از مجازاتت به گذشتت» . و سه بار می گفت: «بار خدایا! من از تو به تو پناه می جویم ؛ بخششت را بازدارنده ای نیست و آنچه را منع فرموده ای بخشنده ای نیست ؛ و آن را که تو بی نیاز و بهره مندش ساخته ای ، بهره دیگر سود نمی بخشد» .

امام علی علیه السلام در نامه اش به محمّد بن ابی بکر و مصریان : بر شما باد تقوای خدا پیشه کردن ؛ که تقوا چندان خیر گرد می آورد که جز آن ، چیزی چنین نمی کند ؛ و با آن ، چندان خیر دنیا و آخرت فرادست می آید که با جز آن ، نمی آید . خداوند فرموده است: «و به کسانی که پرهیزگاری کردند ، گفته شود : «پروردگار شما چه چیز فرستاده است؟» گویند : «خیر را» ؛ برای کسانی که نیکی کردند ، در این جهان نیکی است و همانا سرای واپسین بهتر است و به راستی ، نیکو است سرای پرهیزگاران» . ای بندگان خدا! بدانید که همانا مؤمن برای دستیابی به سه گونه پاداش کار می کند ؛ یا برای خیر دنیا ، که خداوند به پاس عملش ، در دنیایش او را پاداش می بخشد . خداوند سبحان در حقّ ابراهیم فرمود : «و در این جهان ، پاداش او را بدادیم و همانا او در جهان دیگر ، از نیکان و شایستگان است» . پس هر که برای خدای تعالی کار کند ، خداوند پاداش او را در دنیا و آخرت عطا می کند و هم در دنیا و هم در آخرت ، نیاز او را تأمین می کند . خداوند فرموده است: «ای بندگان من که ایمان آورده اید!

از پروردگار خویش پروا کنید . برای آنان که نیکی کرده اند ، در این جهان پاداش نیکو است . و زمین خدا فراخ است . همانا به شکیبایان مزدشان را تمام و بی شمار می دهند» ؛ پس آنچه را خداوند در دنیا به ایشان عطا فرموده ، در آخرت محاسبه نخواهد کرد . خدا فرموده است: «برای کسانی که نیکویی کردند ، [پاداشی]نیکوتر باشد و فزونی ای» . در این جا ، مراد از پاداش نیکوتر ، بهشت است و منظور از فزونی ، [نعمتِ]دنیا . و گاه مؤمن برای خیر آخرت کار می کند . در این حال ، خداوند با هر کار نیک ، کار بدی را می پوشاند . خدا فرموده است: «همانا خوبی ها ، بدی ها را از میان می بَرَد . این یادکردی است برای یادآوران» . و این ، چنان است که در روز قیامت ، کارهای نیکشان برای ایشان محاسبه می شود و آن گاه ، خداوند در برابر هر کار نیک ، از ده تا هفتصد برابر پاداش به آنان عطا می فرماید . خدای فرموده است: «پاداشی است از پروردگارت ؛ بخششی حساب شده» . و نیز فرموده: «اینانند که بدانچه کردند ، پاداشی دو چندان دارند و ایشان در کوشک های بلند بهشت ، ایمن و آسوده باشند» . پس ای شما که خداوند مهرتان ورزد ، در این پاداش رغبت ورزید و برای آن بکوشید و بدان ترغیب کنید . ای بندگان خدا! بدانید که تقواپیشگان به خیر دنیا و آخرت دست یافتند ؛ در دنیای دنیاداران شریک گشتند ، ولی دنیاداران در آخرتِ ایشان شریک نشدند . خداوند از دنیا ، آنچه ایشان را کفایت کرد و بی نیاز ساخت ، برایشان مباح فرمود . خدای نامش والا باد فرموده است: «بگو : چه کسی آرایشی را که خدا برای بندگانش پدید آورده و روزی های پاکیزه را حرام کرده است؟ بگو : اینها در زندگی دنیا برای مؤمنان است ، در حالی که در روز رستاخیز ویژه ایشان است . بدین گونه ، آیات خود را برای گروهی که بدانند ، به تفصیل بیان می کنیم» . در دنیا به نیک ترین گونه سکنا گزیدند و از بهترین چیزها خوردند . با اهل دنیا در دنیاشان شریک شدند و همراهِ آنان از خوراک های پاک خوردند و شربت های پاک را آشامیدند و پوشاک های برتر را پوشیدند و در مساکن بهتر مسکن گزیدند و با همسران نیکوتر ازدواج کردند و بر مرکب های مناسب تر سوار شدند ؛ با اهل دنیا از دنیا لذّت برگرفتند ، در حالی که فردا همسایگان خدایند ؛ از خدا طلب می کنند و او آنچه را می خواهند ، به ایشان می بخشد و هیچ خواهششان را رد نمی کند و هیچ بهره ای از کامیابی را دریغشان نمی دارد . پس ای بندگان خدا! هر که عقل دارد ، به همین ها مشتاق می شود و با پیشه کردن تقوای خدا ، برای آن می کوشد . و هیچ توان و نیرویی نیست ، مگر از جانب خدا!

.

ص: 42

. .

ص: 43

. .

الإمام الباقِر علیه السلام فی قَولِهِ تَعالی : «لِّلَّذِینَ أَحْسَنُواْ الْحُسْنَی وَ زِیَادَهٌ» : فَأَمَّا الحُسنی فَالجَنَّهُ ، (1) وأَمَّا الزِّیادَهُ فَالدُّنیا ، ما أعطاهُمُ اللّهُ فِی الدُّنیا لَم یُحاسِبهُم بِهِ فِی الآخِرَهِ ، ویَجمَعُ ثَوابَ الدُّنیا وَالآخِرَهِ ، ویُثیبُهُم بِأَحسَنِ أعمالِهِم فِی الدُّنیا وَالآخِرَهِ . (2)

الإمام الصادق علیه السلام فی قَولِ اللّهِ عز و جل : «رَبَّنَآ ءَاتِنَا فِی الدُّنْیَا حَسَنَهً وَ فِی الْأَخِرَهِ حَسَنَهً (3) » : رِضوانُ اللّهِ وَالجَنَّهُ فِی الآخِرَهِ ، وَالسَّعَهُ فِی الرِّزقِ وَالمَعایِشِ وحُسنُ الخُلُقِ فِی الدُّنیا . (4)

.

1- .فی المصدر : «فأمّا الحسنی الجنّه» وما أثبتناه من بحار الأنوار نقلاً عن المصدر .
2- .تفسیر القمّی : 1 / 311 عن أبی الجارود ، بحار الأنوار: 7 / 260 / 6 و ج 70 / 66 / 10 .
3- .البقره : 201 .
4- .من لا یحضره الفقیه : 3 / 156 / 3566 ، معانی الأخبار : 174 / 1 ، الکافی : 5 / 71 / 2 ، تهذیب الأحکام : 6 / 327 / 900 ولیس فیهما «والسعه فی الرزق» وکلّها عن جمیل بن صالح ، تفسیر العیّاشی : 1 / 98 / 274 عن عبد الأعلی وفیه «والسعه فی المعیشه» ، بحار الأنوار : 71 / 383 / 18 نقلاً عن الأمالی للصدوق و ج 95 / 348 / 2 .

امام باقر علیه السلام درباره سخن خدای (تعالی) : «کسانی که نیکویی کردند ، [پاداشی]نیکوتر باشد و فزونی ای» : مراد از پاداش نیکوتر ، بهشت است و منظور از فزونی ، [نعمتِ] دنیا . آنچه را خداوند در دنیا به ایشان عطا فرموده ، در آخرت به حسابتان نخواهد نوشت و پاداش دنیا و آخرت ، هر دو ، را به آنان می دهد و به ازای بهترین کارهاشان در دنیا و آخرت ، به آنان پاداش می بخشد .

امام صادق علیه السلام(درباره سخن خدای : «پروردگارا! ما را در این جهان نیکویی ده و در آن جهان نیز نیکویی بخش و ما را از عذاب آتش دوزخ نگاه دار») : مراد ، خشنودی خدا و بهشت است در آخرت ؛ و گشایش در روزی و مایه های معیشت و نیکیِ اخلاق در دنیا .

.

صحيح البخارى عن أنس :كانَ أكثَرُ دُعاءِ النَّبِىِّ صلى الله عليه و آله : اللّهُمَّ رَبَّنا ! آتِنا فِى الدُّنيا حَسَنَةً ، وفِى الآخِرَهِ حَسَنَةً ، وقِنا عَذابَ النّارِ . (1)

رسول اللّه صلى الله عليه و آله :بَشِّر هذِهِ الاُمَّةَ بِالسَّناءِ ، وَالرِّفعَهِ ، وَالدّينِ ، وَالنَّصرِ ، وَالتَّمكينِ فِى الأرضِ . (2)

الإمام علىّ عليه السلام :اِعلَموا عِبادَ اللّهِ، أنَّ المُتَّقينَ ذَهَبوا بِعاجِلِ الدُّنيا وآجِلِ الآخِرَهِ ، فَشارَكوا أهلَ الدُّنيا فى دُنياهُم ، ولَم يُشارِكوا أهلَ الدُّنيا فى آخِرَتِهِم ؛ سَكَنُوا الدُّنيا بِأفضَلِ ما سُكِنَت ، وأكَلوها بِأفضَلِ ما اُكِلَت ، فَحَظوا مِنَ الدُّنيا بِما حَظِىَ بِهِ المُترَفونَ ، وأخَذوا مِنها ما أخَذَهُ الجَبابِرَهُ المُتَكَبِّرونَ ، ثُمَّ انقَلَبوا عَنها بِالزّادِ المُبَلِّغِ وَالمَتجَرِ الرّابِحِ ؛ أصابوا لَذَّهَ زُهدِ الدُّنيا فى دُنياهُم ، وتَيَقَّنوا أنَّهُم جيرانُ اللّهِ غَدا فى آخِرَتِهِم ؛ لا تُرَدُّ لَهُم دَعوَهٌ ولا يَنقُصُ لَهُم نَصيبٌ مِن لَذَّهٍ . (3)

.

1- .صحيح البخارى : 5/2347/6026 ، صحيح مسلم : 4/2070/26 ، سنن أبى داود : 2/85/1519، مسند ابن حنبل : 4 / 203 / 11981 كلّها نحوه .
2- .مسند ابن حنبل : 8 / 44 / 21278 ، المستدرک على الصحيحين : 4 / 346 / 7862 وفيه « والرفقه والنصره والتمكى . .» ، شُعب الإيمان : 7/287/10335 وليس فيه «والدين» وج 5/334/6833 وفيه «والرفعه والنصره والتمكين . . .» ، صحيح ابن حبّان : 2 / 132 / 405 وليس فيه «والرفعه والدين» وكلّها عن اُبىّ بن كعب ، كنز العمّال : 12 / 157 / 34465 ؛ إعلام الورى : 1 / 89 عن اُبىّ بن كعب وفيه «والرفعه والنصره والتمكى . .» ، بحار الأنوار : 18 / 121 / 36 .
3- .نهج البلاغه : الكتاب 27 ، بحار الأنوار: 33 / 581 / 726 .

صحیح البخاری از أَنَس :بیشینه دعای پیامبر صلی الله علیه و آله چنین بود : «بار خدایا ، پروردگارا ! در دنیا به ما نیکویی ده و در آخرت نیکویی بخش و ما را از عذاب آتش دوزخ نگاه دار» .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :این امّت را مژده ده به روشنی ، شکوه ، دینداری ، پیروزی ، و مسلّط شدن [بِرْ ، و] در زمین .

امام علی علیه السلام :بندگان خدا ! بدانید که پرهیزگاران هم در این دنیای زودگذر و هم در جهان آینده آخرت سود بَرَند . با اهل دنیا در دنیاشان شریک شدند ، در حالی که اهل دنیا در آخرتِ آنان شریک نشدند . در دنیا ، در بهترین مسکن ها سکنا گزیدند و از بهترین خوراک ها تناول کردند . از دنیا بهره بردند آن سان که اهل ناز و نعمت بهره مند شدند ؛ و از آن کامیاب گشتند ، آنچنان که گردنکشان خودکامه کامیاب شدند . آن گاه ، با ره توشه ای که آنان را به مقصد رساند و با تجارتی سودبخش ، از این دنیا گذشتند . لذّتِ زهد (1) را در دنیاشان چشیدند و یقین کردند که فردا در آخرت ، همسایگان خداوندند ؛ دعاشان به اجابت می رسد و نصیبشان از لذّت دنیا کاسته نمی شود .

.

1- .در روایت شماره 5 که در حقیقت اصلِ این روایت است ، و این روایت در واقع بخشی از آن است که توسط سید رضی تقطیع شده است ، از واژه زُهد نشانی نیست. علاوه بر این ، وجود کلمه مزبور با معنای مجموعه روایت سازگار نیست و نشان می دهد که در نتیجه بی دقّتی در معنای روایت ، این کلمه به متن اصلی افزوده شده است.

عنه علیه السلام :أُوصیکُم عِبادَ اللّهِ بِتَقوَی اللّهِ ؛ فَإنَّهَا الزِّمامُ وَالقِوامُ ، فَتَمَسَّکوا بِوَثائِقِها ، وَاعتَصِموا بِحَقائِقِها ؛ تَؤُل بِکُم إلی أکنانِ الدَّعَهِ ، وأوطانِ السَّعَهِ . (1)

عنه علیه السلام فِی الحِکَمِ المَنسوبَهِ إلَیهِ : الدُّنیا مَطِیَّهُ المُؤمِنِ ، عَلَیها یَرتَحِلُ إلی رَبِّهِ ، فَأصلِحوا مَطایاکُم ؛ تُبَلِّغکُم إلی رَبِّکُم . (2)

الإمام الحسن علیه السلام :لَو أنَّ النّاسَ سَمِعوا قَولَ اللّهِ عز و جل ورَسولِهِ ؛ لَأعطَتهُمُ السَّماءُ قَطرَها ، وَالأرضُ بَرَکَتَها ، ولَمَا اختَلَفَ فی هذِهِ الاُمَّهِ سَیفانِ ، ولَأَکَلوها خَضراءَ خَضِرَهً إلی یَومِ القِیامَهِ . (3)

1 / 2عِمارَهُ الأَرضِ وَالاِستِمتاعُ بِمَواهِبِهاالکتاب :«هُوَ أَنشَأَکُم مِّنَ الْأَرْضِ وَ اسْتَعْمَرَکُمْ فِیهَا . (4) »

«یَبَنِی ءَادَمَ خُذُواْ زِینَتَکُمْ عِندَ کُلِّ مَسْجِدٍ وَ کُلُواْ وَ اشْرَبُواْ وَ لاَ تُسْرِفُواْ إِنَّهُ لاَ یُحِبُّ الْمُسْرِفِینَ * قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِینَهَ اللَّهِ الَّتِی أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَ الطَّیِّبَتِ مِنَ الرِّزْقِ قُلْ هِیَ لِلَّذِینَ ءَامَنُواْ فِی الْحَیَوهِ الدُّنْیَا خَالِصَهً یَوْمَ الْقِیَمَهِ کَذَ لِکَ نُفَصِّلُ الأَیَتِ لِقَوْمٍ یَعْلَمُونَ * قُلْ إِنَّمَا حَرَّمَ رَبِّیَ الْفَوَ حِشَ مَاظَهَرَ مِنْهَا وَ مَابَطَنَ وَ الإِثْمَ وَ الْبَغْیَ بِغَیْرِ الْحَقِّ وَ أَن تُشْرِکُواْ بِاللَّهِ مَا لَمْ یُنَزِّلْ بِهِ سُلْطَنًا وَ أَن تَقُولُواْ عَلَی اللَّهِ مَا لاَ تَعْلَمُونَ . (5) »

.

1- .نهج البلاغه : الخطبه 195 ، بحار الأنوار: 7 / 115 / 50 .
2- .شرح نهج البلاغه : 20 / 317 / 640 .
3- .الأمالی للطوسی : 566 / 1174 عن عبد الرحمان بن کثیر عن الإمام الصادق عن أبیه عن جدّه علیهم السلام ، بحار الأنوار : 10 / 142 / 5 وراجع العدد القویّه : 51 / 62 و الاحتجاج : 2 / 66 / 156 .
4- .هود : 61 .
5- .الأعراف : 31 33 .

امام علی علیه السلام :بندگان خدا! شما را به تقوای خدا سفارش می کنم ؛ که تقوا هم وسیله مهار و هم مایه استواری شما است . پس به رشته های تقوا چنگ زنید و به حقیقت های آن پناه آورید تا شما را به سرمنزل آرامش و جایگاه های وسیع برساند .

امام علی علیه السلام در کلمات حکیمانه منسوب به أو : دنیا مَرکَب مؤمن است که سوار بر آن ، به سوی پروردگارش کوچ می کند . پس مَرکب های خویش را به سامان آورید تا شما را به پروردگارتان برسانند .

امام حسن علیه السلام :اگر مردم سخن خدا و رسولش را به گوش می گرفتند ، آسمانْ باران خویش را به آنان می بخشید و زمین برکتش را به ایشان عطا می کرد و هیچ دو شمشیری در این امّت [به نزاع] ردّ و بدل نمی شد و تا روز رستاخیز ، مردم از سرسبزی و طراوت زمین می خوردند و بهره می بردند .

1 / 2آبادسازی زمین و بهره وری از مواهب آنقرآن:«او شما را از زمین آفرید و شما را به آباداني آن واداشت .»

«ای فرزندان آدم! نزد هر مسجدی ، آرایش خویش فراگیرید؛ و بخورید و بیاشامید و اسراف مکنید ، که او اسرافکاران را دوست ندارد * بگو : چه کسی آرایشی را که خدا برای بندگان خود پدید آورده و روزی های پاکیزه را حرام کرده است؟ بگو : اینها در زندگی دنیا برای مؤمنان است ، در حالی که در روز رستاخیز ویژه ایشان است. بدین گونه ، آیات را برای گروهی که بدانند ، به تفصیل بیان می کنیم * بگو : همانا پروردگارم زشتکاری ها را چه آشکار باشند و چه پنهان و گناهکاری و ستم و سرکشی به ناحق را حرام کرده؛ و این که چیزی را با خدا شریک سازید که بدان حجّتی فرو نفرستاده؛ و این که بر خدا آنچه نمی دانید ، بگویید .»

.

انظر : النحل : 10 11 ، الملک : 15 .

الحديث :الإمام علىّ عليه السلام :أمّا ما جاءَ فِى القُرآنِ مِن ذِكرِ مَعايِشِ الخَلقِ وأسبابِها فَقَد أعلَمَنا سُبحانَهُ ذلِکَ مِن خَمسَهِ أوجُهٍ : وَجهِ الإِشارَهِ ، ووَجهِ العِمارَهِ ، ووَجهِ الإِجارَهِ ، ووَجهِ التِّجارَهِ ، ووَجهِ الصَّدَقاتِ . . . وأمّا وَجهُ العِمارَهِ فَقَولُهُ : « هُوَ أَنشَأَكُم مِّنَ الْأَرْضِ وَ اسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا ؛ (1) » فَأَعلَمَنا سُبحانَهُ أَنَّهُ قَد أمَرَهُم بِالعِمارَهِ ؛ لِيَکوِنَ ذلِکَ سَبَبا لِمَعايِشِهِم بِما يَخرُجُ مِنَ الأَرضِ مِنَ الحَبِّ وَالثَّمَراتِ وما شاکَلَ ذلِکَ مِمّا جَعَلَهُ اللّهُ تَعالى مَعايِشَ لِلخَلقِ . (2)

عنه عليه السلام فى کِتابِهِ لِلأَشتَرِ النَّخَعِىِّ لَمّا وَلاّهُ مِصرَ : هذا ما أمَرَ بِهِ عَبدُ اللّهِ عَلِىٌّ أميرُ المُؤمِنينَ ، مالِکَ بنَ الحارِثِ الأَشتَرَ فى عَهدِهِ إلَيهِ حينَ وَلاّهُ مِصرَ : جِبايَهَ خَراجِها ، وجِهادَ عَدُوِّها ، وَاستِصلاحَ أهلِها ، وعِمارَهَ بِلادِها . . . وَلَيَکُن نَظَرُکَ فى عِمارَهِ الأَرضِ أبلَغَ مِن نَظَرِکَ فِى استِجلابِ الخَراجِ ؛ لِأَنَّ ذلِکَ لا يُدرَکُ إلاّ بِالعِمارَهِ ، ومَن طَلَبَ الخَراجَ بِغَيرِ عِمارَهٍ أخرَبَ البِلادَ ، وأهلَکَ العِبادَ . (3)

.

1- .هود : 61 .
2- .بحار الأنوار: 93 / 46 نقلاً عن تفسير النعمانى عن إسماعيل بن جابر عن الإمام الصادق عليه السلام .
3- .نهج البلاغه : الکتاب 53 ، تحف العقول : 126 وفيه «ومجاهده» بدل «وجهاد» و«فإنّ الجلب» بدل «لأنّ ذلک» ، بحار الأنوار : 33 / 606 / 744 و ج 77 / 253 / 1 .

ص: 51

ر .ک : النحل : 10 و 11 ، الملک : 15 .

حدیث:امام علی علیه السلام :امّا آنچه در قرآن ، در پیرامون معیشت مردم و سبب های آن آمده ، خداوند سبحان از پنج نظرگاه ما را بدان ها آگاه فرموده است: اشاره [به این نعمت ها] ، آبادگری [زمین] ، به خدمت گرفتن ، بازرگانی ، و پرداختِ صدقات . . . و امّا نظرگاه آبادگری ؛ خداوند فرموده است: «او شما را از زمین آفرید و شما را به آبادانیِ آن واداشت» . خدای ما را آگاه فرموده که مردم را به آباد سازی زمین امر کرده تا زمینه ساز معیشت آنان باشد از رهگذرِ تولید غلاّت و میوه ها و دیگر رُستنی های زمین که خداوند تعالی آنها را مایه معیشت مردم قرار داده است .

امام علی علیه السلام برگرفته نامه اش به [مالک] اشتر نخعی ، آن گاه که به ولایت مصرش گماشت : این ، فرمانی است که بنده خدا علی ، امیرالمؤمنین ، در پیمان خود ، به مالک بن حارث اشتر ابلاغ کرد ، در زمانی که او را به ولایت مصر گماشت تا مالیاتش را گرد آورَد و با دشمنش جهاد کند و کار مردمش را به سامان آورَد و شهرهایش را آباد سازد . . . باید بیش از آن که درباره گردآوری مالیات می اندیشی ، در فکر آبادیِ زمین باشی ؛ زیرا مالیات جز از طریق آبادی زمین به دست نیاید ؛ و هر کس بدون آباد کردن زمین مالیات طلب کند ، شهرها را ویران و بندگان را هلاک سازد .

.

عنه علیه السلام :شَرُّ البِلادِ بَلَدٌ لا أمنَ فیهِ ولا خِصبَ . (1)

عنه علیه السلام :فَضیلَهُ السُّلطانِ عِمارَهُ البُلدانِ . (2)

الإمام الصادق علیه السلام :ثَلاثَهُ أشیاءَ یَحتاجُ النّاسُ طُرّا إلَیها : الأَمنُ ، وَالعَدلُ ، وَالخِصبُ . (3)

1 / 3غِنَی المُجتَمَعِ مِن نِعَمِ اللّهِالکتاب :«لَقَدْ کَانَ لِسَبَإٍ فِی مَسْکَنِهِمْ ءَایَهٌ جَنَّتَانِ عَن یَمِینٍ وَ شِمَالٍ کُلُواْ مِن رِّزْقِ رَبِّکُمْ وَ اشْکُرُواْ لَهُ بَلْدَهٌ طَیِّبَهٌ وَ رَبٌّ غَفُورٌ . (4) »

«الشَّیْطَنُ یَعِدُکُمُ الْفَقْرَ وَ یَأْمُرُکُم بِالْفَحْشَآءِ وَ اللَّهُ یَعِدُکُم مَّغْفِرَهً مِّنْهُ وَ فَضْلاً وَ اللَّهُ وَ سِعٌ عَلِیمٌ . (5) »

الحدیث :رسول اللّه صلی الله علیه و آله :طوبی لِکُلِّ غَنِیٍّ تَقِیٍّ . (6)

.

1- .غرر الحکم: 5684 .
2- .غرر الحکم: 6562 .
3- .تحف العقول : 320 .
4- .سبأ : 15 .
5- .البقره : 268 .
6- .کنز العمّال : 3 / 156 / 5946 نقلاً عن العسکری فی الأمثال عن أنس .

امام علی علیه السلام :بدترین سرزمین ، آن است که نه امنیّت دارد و نه آبادانی .

امام علی علیه السلام :فضیلت حاکم بدان است که سرزمین ها را آباد کند .

امام صادق علیه السلام :سه چیز است که مردم یکسره بدان نیازمندند : امنیّت ، عدالت ، و آبادانی .

1 / 3ثروتمندی جامعه ، از نعمت های خدا استقرآن:«هر آینه مردم سبا را در جای سکونتشان نشانه ای [از قدرت و نعمت ما] بود: دو بوستان ، از دست راست و از دست چپ [شهر و خانه هاشان] . [گفتیم:] از روزیِ پروردگارتان بخورید و او را سپاس گزارید ، شهری است خوش [و پرنعمت] و خداوندی آمرزگار .»

«شیطان شما را از درویشی و بینوایی می ترساند و به زشتکاری و ناشایست فرمان می دهد؛ و خدا شما را به آمرزش و بخشش خویش نوید می دهد؛ و خداوند گشایش بخش و دانا است .»

حدیث:پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :خوش باد هر توانگر تقواپیشه را .

.

سنن ابن ماجه عن عبد اللّه بن خبيب عن أبيه عن عمّه :كُنّا فى مَجلِسٍ ، فَجاءَ النَّبِىُّ صلى الله عليه و آله وعَلى رَأسِهِ أثَرُ ماءٍ ، فَقالَ لَهُ بَعضُنا : نَراكَ اليَومَ طَيِّبَ النَّفسِ ، فَقالَ : أجَل ، وَالحَمدُ للّهِ . ثُمَّ أفاضَ القَومُ فى ذِكرِ الغِنى ، فَقالَ : لا بَأسَ بِالغِنى لِمَنِ اتَّقى ، وَالصِّحَّةُ لِمَنِ اتَّقى خَيرٌ مِنَ الغِنى ، وطيبُ النَّفسِ مِنَ النَّعيمِ . (1)

الإمام علىّ عليه السلام :إنَّ مِنَ النِّعَمِ سَعَةَ المالِ ، وأفضَلُ مِن سَعَةِ المالِ صِحَّةُ البَدَنِ ، وأفضَلُ مِن صِحَّةِ البَدَنِ تَقوَى القَلبِ . (2)

عنه عليه السلام :نِعمَ البَرَكَةُ سَعَةُ الرِّزقِ . (3)

عنه عليه السلام :مِن هَنىءِ النِّعَمِ سَعَةُ الأَرزاقِ . (4)

عنه عليه السلام فِى الحِكَمِ المَنسوبَةِ إلَيهِ : خَيرُ الدُّنيا وَالآخِرَةِ فى خَصلَتَينِ : الغِنى ، وَالتُّقى . (5)

1 / 4الدُّعاءُ لِلتَّقَدُّمِ الاِقتِصادِى ّالكتاب :«وَ لاَ تَتَمَنَّوْاْ مَا فَضَّلَ اللَّهُ بِهِ بَعْضَكُمْ عَلَى بَعْضٍ لِّلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا اكْتَسَبُواْ وَ لِلنِّسَآءِ نَصِيبٌ مِّمَّا اكْتَسَبْنَ وَ سْئَلُواْ اللَّهَ مِن فَضْلِهِ إِنَ اللَّهَ كَانَ بِكُلِّ شَىْ ءٍ عَلِيمًا . (6) »

.

1- .سنن ابن ماجه: 2/724/2141، مسند ابن حنبل: 9/54/23218 و ص 70 / 23288 وفيه «اُميّه» بدل «أبيه» ، المستدرک على الصحيحين : 2 / 4 / 2131 ، اُسد الغابه: 6 / 362 / 6466 كلّها نحوه .
2- .شرح نهج البلاغه : 19 / 337 / 395 ؛ الأمالى للطوسى : 146 / 240 عن أبى وَجزَه السعدى عن أبيه نحوه ، بحار الأنوار: 72 / 53 / 83 نقلاً عن نهج البلاغه .
3- .غرر الحكم: 9883 .
4- .غرر الحكم : 9289 .
5- .شرح نهج البلاغه : 20 / 301 / 446 .
6- .النساء : 32 .

سنن ابن ماجه از عبداللّه بن خبیب از پدرش از عمویش :در مجلسی بودیم که پیامبر صلی الله علیه و آلهآمد ، در حالی که رطوبت آب بر سرش باقی بود . یکی از ما به وی گفت: «امروز تو را نیک حال می بینیم» . فرمود: «آری ! سپاس خدای را» . سپس افراد در وصفِ ثروتمندی فراوان سخن گفتند . پیامبر فرمود : «آن را که تقوا پیشه کند ، باکی از توانگری نیست ؛ و برای چنین کسی ، تندرستی بهتر از توانگری است ؛ و نیک حالی از نعمت ها [ی خداوند]است» .

امام علی علیه السلام :ثروت فراوان ، از نعمت ها است ؛ و برتر از آن ، تندرستی است ؛ و بهتر از تندرستی ، تقوای دل .

امام علی علیه السلام :گشاده روزی ، چه نیکو برکتی است !

امام علی علیه السلام :از نعمت های گوارا ، گشادگیِ روزی است .

امام علی علیه السلام از کلمات حکیمانه منسوب به او : خیر دنیا و آخرت در دو ویژگی است: توانگری و تقواپیشگی .

1 / 4دعا برای پیشرفت اقتصادیقرآن:«و آنچه را که خدا بدان چیز برخی از شما را بر برخی فزونی و برتری داده است ، آرزو مکنید. مردان را از آنچه به دست آورده اند ، بهره ای است و زنان را نیز از آنچه به دست آورده اند ، بهره ای است؛ و خدای را از فزون بخشی اش درخواست کنید ، که خداوند به هر چیزی دانا است .»

.

الحديث :رسول اللّه صلى الله عليه و آله :اللّهُمَّ إنّى أسأَلُکَ غِناىَ وغِنى مَولاىَ . (1)

عنه صلى الله عليه و آله فِى المُناجاهِ لِطَلَبِ الرِّزقِ : وَاکسُنِى اللّهُمَّ سَرابيلَ السَّعَهِ ، وجَلابيبَ الدَّعَهِ ؛ فَإنّى يا رَبِّ مُنتَظِرٌ لاِءِنعامِکَ بِحَذفِ المَضيقِ ، ولِتَطَوُّلِکَ بِقَطعِ التَّعويقِ ، ولِتَفَضُّلِکَ بِإزالَهِ التَّقتيرِ ، ولِوُصولِ حَبلى بِکَرَمِکَ بِالتَّيسيرِ ، وأمطِرِ اللّهُمَّ عَلَىَّ سَماءَ رِزقِکَ بِسِجالِ الدِّيَمِ ، وأغنِنى عَن خَلقِکَ بِعَوائِدِ النِّعَمِ ، وَارمِ مَقاتِلَ الإقتارِ مِنّى ، وَاحمِل کَشفَ الضُّرِّ عَنّى عَلى مَطايَا الإعجالِ ، وَاضرِب عَنِّى الضِّيقَ بِسَيفِ الاِستِئصالِ ، وأتحِفنى رَبِّ مِنکَ بِسَعَهِ الإفضالِ ، وَامدُدنى بِنُمُوِّ الأموالِ ، وَاحرُسنى مِن ضيقِ الإقلالِ ، وَاقبِض عَنّى سوءَ الجَدبِ ، وَابسُط لى بِساطَ الخِصبِ ، وَاسقِنى مِن ماءِ رِزقِکَ غَدَقا ، وَانهَج لى مِن عَميمِ بَذلِکَ طُرُقا ، وفاجِئنى بِالثَّروَهِ وَالمالِ ، وَانعَشنى بِهِ مِنَ الإقلالِ ، وصَبِّحنى بِالاِستِظهارِ ، ومَسِّنى بِالتَّمکينِ مِنَ اليَسارِ ؛ إنَّکَ ذُو الطَّولِ العَظيمِ ، وَالفَضلِ العَميمِ ، وَالمَنِّ الجَسيمِ ، وأنتَ الجَوادُ الکَريمُ . (2)

عنه صلى الله عليه و آله فى ما عَلَّمَهُ لِعَلِيٍّ عليه السلام لِقَضاءِ الدَّينِ : اللّهُمَّ اکفِنى بِحَلالِکَ عَن حَرامِکَ ، وأغنِنى مِن فَضلِکَ عَمَّن سِواکَ . (3)

.

1- .مسند ابن حنبل : 5/343/15754 ، الأدب المفرد : 199/662 ، المعجم الكبير: 22/329/828 ، كنز العمّال : 2 / 213 / 819

2- .مُهج الدعوات : 312 عن أحمد بن الحارث النوفلى عن الإمام الجواد عن آبائه عليهم السلام ، المصباح للكفعمى : 228 وليس فيه «والمنّ الجسيم» ، بحار الأنوار: 94 / 116 / 17 نقلاً عن البلد الأمين .

3- .سنن الترمذى : 5 / 560 / 3563 ، مسند ابن حنبل : 1 / 323 / 1318 ، المستدرک على الصحيحين : 1 / 721 / 1973 ، الدعاء للطبرانى : 2 / 1042 / 317 وفيه «أغننى» بدل «اكفنى» وكلّها عن أبى وائل عن الإمام علىّ عليه السلام ، كنز العمّال : 6 / 238 / 15518 و ص 253 / 15563 ؛ الأمالى للصدوق : 472 / 631 ، الأمالى للطوسى : 431 / 963 وفيهما «أغننى» بدل «اكفنى» وكلاهما عن جابر عن الإمام الباقر عن آبائه عن

الإمام علىّ عليهم السلام عنه صلى الله عليه و آله ، بحار الأنوار: 95 / 301 /

حدیث:پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :بار خدایا ! توانگری خویش و [کسانِ نزدیک و]همراهم را از تو درخواست می کنم .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در مناجاتِ درخواستِ روزی : بار خدایا ! مرا جامه گشاده روزی بر تن کن و تن پوش رفاه در بر فرما . ای پروردگار ! من در انتظارم که به لطف خویش ، تنگنا را بزدایی ؛ به بخششت ، بازداشتگی [از رفاه] را پایان بخشی ؛ به فضلت ، تنگدستی را از میان برداری ؛ و به کرمت ، رشته زندگی ام را به تن آسانی برسانی . بار خدایا ! آسمان روزی ات را با قطره های درشت بر من بباران ؛ با نعمت های پُربار مرا از خَلقت بی نیاز فرما ؛ قتلگاه های تنگدستی را از من دور فرما ؛ به شتاب ، روزگار سختی و دشواری را از من بردار ؛ تنگ حالی را از کار و بار من ریشه کن فرما ؛ ای پروردگار ! با بخشش گسترده از جانب خود به من هدیه عطا نما ؛ با افزایش دارایی مرا یاری کن ؛ نگاهبانم باش که به تنگنای کم مایگی درنیفتم ؛ بدحالیِ خشکسالی را از من بردار ؛ بساط سرسبزی و خرّمی را برایم بگستر ؛ از آبِ روزی ات به سرشاری نصیبم فرما ؛ از بخشش گسترده ات راه هایی بر من باز فرما ؛ ثروت و مال ناگهانی به من عطا کن و با آن ، مرا از تنگ مایگی رهایی بخش و پشتگرمی ام ده و گشاده حالی ام عنایت کن . همانا تو دارای بخششی بسیار ، فضلی سرشار ، و لطفی فراوان هستی و بس بخشنده ای و کریم !

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در شمار آنچه برای ادای دین ، به علی علیه السلامتعلیم فرمود : بار خدایا ! با حلال خویش مرا از حرامت بی نیاز کن و با فضل خود ، مرا از غیر خویش توانگری عطا فرما .

.

عنه صلى الله عليه و آله :إنَّ الرِّزقَ لَيَنزِلُ مِنَ السَّماءِ إلَى الأَرضِ عَلى عَدَدِ قَطرِ المَطَرِ إلى كُلِّ نَفسٍ بِما قُدِّرَ لَها ، ولكِن للّهِ فُضولٌ ، فَاسأَلُوا اللّهَ مِن فَضلِهِ . (1)

عنه صلى الله عليه و آله :إنَّ للّهِ عز و جل فُضولاً مِن رِزقِهِ يَنحَلُهُ مَن يَشاءُ مِن خَلقِهِ ، وَاللّهُ باسِطٌ يَدَيهِ عِندَ كُلِّ فَجرٍ لِمُذنِبِ اللَّيلِ هَل يَتوبُ فَيَغفِرَ لَهُ ! وبَسُطُ يَدَيهِ عِندَ مَغيبِ الشَّمسِ لِمُذنِبِ النَّهارِ هَل يَتوبُ فَيَغفِرَ لَهُ ! (2)

المستدرک على الصحيحين عن عائشه :إنَّ رَسولَ اللّهِ صلى الله عليه و آله كانَ يَدعو: اللّهُمَّ اجعَل أوسَعَ رِزقِکَ عَلَيَّ عِندَ كِبَرِ سِنّى وَانقِطاعِ عُمُرى . (3)

تفسير العيّاشى عن جابر عن الإمام الباقر عليه السلام :أتى رَسولَ اللّهِ صلى الله عليه و آله رَجُلٌ مِن أهلِ البادِيَهِ ، فَقالَ : يا رَسولَ اللّهِ ، إنَّ لى بَنينَ وبَناتٍ وإخوَةً وأخَواتٍ ، وبَنى بَنينَ وبَنى بَناتٍ وبَنى إخوَهٍ وبَنى أخَواتٍ ، وَالمَعيشَهُ عَلَينا خَفيفَهٌ ، فَإن رَأيتَ يا رَسولَ اللّهِ أن تَدعُوَ اللّهَ أن يُوَسِّعَ عَلَينا . قالَ : وبَكى ، فَرَقَّ لَهُ المُسلِمونَ . فَقالَ رَسولُ اللّهِ عَلَيهِ وآلِهِ السَّلامُ : «وَ مَا مِن دَآبَّهٍ فِى الْأَرْضِ إِلاَّ عَلَى اللّهِ رِزْقُهَا وَ يَعْلَمُ مُسْتَقَرَّهَا وَ مُسْتَوْدَعَهَا كُلٌّ فِى كِتَبٍ مُّبِينٍ ، (4) » مَن كَفَلَ بِهذِهِ الأفواهِ المَضمونَهِ عَلَى اللّهِ رِزقُها ، صَبَّ اللّهُ عَلَيهِ الرِّزقَ صَبّا كَالماءِ المُنهَمِرِ ؛ إن قَليلٌ فَقَليلاً ، وإن كَثيرٌ فَكَثيرا . قالَ : ثُمَّ دَعا رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله ، وأمَّنَ لَهُ المُسلِمونَ . قالَ : قالَ أبو جَعفَرٍ عليه السلام: فَحَدَّثَنى مَن رَأى الرَّجُلَ فى زَمَنِ عُمَرَ ، فَسَأَلَهُ عَن حالِهِ ، فَقالَ : مِن أحسَنِ مَن خَوَّلَهُ حَلالاً ، وأكثَرِهِم مالاً . (5)

.

1- .قرب الإسناد : 117 / 411 عن الحسين بن علوان عن الإمام الصادق عن أبيه عليهماالسلام ، بحار الأنوار : 5 / 145 / 1 و ج 93 / 288 / 4 .
2- .ثواب الأعمال : 214 / 3 عن السكونى عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام ، الجعفريّات : 228 نحوه ، بحار الأنوار : 6 / 29 / 34 و ج 103 / 29 / 51 .

3- .المستدرک على الصحيحين : 1 / 726 / 1987 عن عائشه ، المعجم الأوسط : 4 / 62 / 3611 ، كنز العمّال : 2 / 188 / 3682 .
4- .هود : 6 .
5- .تفسير العيّاشى : 2 / 139 / 3 .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :همانا روزی از آسمان به زمین می بارد ، همانند قطره های باران که به هر کس به اندازه معیّن شده برای او نصیب می رسد ؛ امّا خدای را بخشش های افزون نیز هست ، پس خداوند را از بخشش افزونش طلب کنید .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :خدای را از روزی اش بخشش های افزون هست که به هر که خواهد ، عطا فرماید . هر بامداد ، خداوند را برای گناهکار شب هنگام دستِ گشاده بخششی هست ؛ که آیا توبه می کند تا وی را ببخشاید! و هر غروب ، برای گناهکار روز هنگام ، دستِ گشوده لطفی هست ؛ که آیا به سویش باز می آید تا بیامرزدش!

المستدرک علی الصحیحین از عایشه :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله چنین دعا می کرد: بار خدایا! بیشینه روزی ات را به هنگام سالخوردگی و سپری شدن ایّام ، به من عطا فرما!

تفسیر العیاشی از جابر از امام باقر علیه السلام :مردی بیابانی نزد پیامبر خدا صلی الله علیه و آله آمد و گفت: ای رسول خدا! مرا پسران و دختران و برادران و خواهران و پسرزادگان و دخترزادگان و برادر زادگان و خواهر زادگانی است ؛ و روزگار ما سخت است ، باشد که نظر فرمایی و خدای را درخواهی که به ما گشاده روزی عطا فرماید . راوی گفت: سپس آن مرد گریست و مسلمانان را دل بر او سوخت . پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: « «و هیچ جنبنده ای در زمین نیست مگر آن که روزی او بر خدا است و قرارگاه آن و جایگاه نگاهداشت آن ، همه را می داند ؛ همه در کتابی روشن هست» ؛ هر کس این آیات را که خداوند در آن تأمین روزی را ضمانت فرموده ، پیوسته بخواند ، خدا روزی را چون آبی روان بر او فرو می بارد ، خواه اندک اندک و خواه بسیار بسیار» . راوی گفت: سپس پیامبر خدا صلی الله علیه و آله دعا کرد و مسلمانان دعایش را آمین گفتند . راوی گفت: امام باقر فرمود: «کسی که آن مرد را در روزگار عُمَر دیده بود ، مرا روایت کرد که وی را حال پرسیده و او گفته است: خداوند بیشترین حلال و فراوان ترین مال را روزی ام فرمود» .

.

الإمام علىّ عليه السلام :اللّهُمَّ . . . وأغنِنا عَن مَدِّ الأَيدى إلى سِواكَ . (1)

الإمام زين العابدين عليه السلام:وَاجمَع لِيَ الغِنى ، وَالعَفافَ ، وَالدَّعَةَ ، وَالمُعافاةَ ، وَالصِّحَّةَ ، وَالسَّعَةَ . (2)

عنه عليه السلام :اللّهُمَّ ارزُقنى مِن فَضلِکَ مالاً طَيِّبا كَثيرا فاضِلاً لا يُطغينى ، وتِجارَةً نامِيَةً مُبارَكَةً لا تُلهينى . (3)

عنه عليه السلام :اللّهُمَّ أغنِنا عَن هِبَهِ الوَهّابينَ بِهِبَتِکَ . (4)

عنه عليه السلام مِن دُعائِهِ لِلمُهِمّاتِ : وبِالحَلالِ عَنِ الحَرامِ فَأَغنِنى . (5)

.

1- .نهج البلاغه : الخطبه 91 عن مسعده بن صدقه عن الإمام الصادق عليه السلام ، غرر الحكم: 10057 ، بحار الأنوار: 57 / 114 / 90 و ج 77/331/17 .
2- .الصحيفه السجّاديه : 201 الدعاء 47 .
3- .بحار الأنوار: 94 / 133 / 19 نقلاً عن الكتاب العتيق الغروى .
4- .الصحيفه السجّاديه : 35 الدعاء 5 .
5- .الأمالى للطوسى : 17 / 19 عن مسعده بن صدقه عن الإمام الصادق عليه السلام ، بحار الأنوار : 95/183/1 .

ص: 61

امام علی علیه السلام :بار خدایا! . . . ما را بی نیاز فرما از این که به سوی غیر تو دست نیاز آوریم .

امام زین العابدین علیه السلام :در من این صفت ها را گرد آور : توانگری ، پاکدامنی ، آسایش ، دوری از گزند ، تندرستی ، و گشاده حالی .

امام زین العابدین علیه السلام :بار خدایا! از فزون بخشی ات ، مرا دارایی پاک فراوان و سرشار عطا فرما که به سرکشی ام واندارد ؛ و داد و ستدی رشد افزا و برکت خیز مرا ده که فریبم ندهد .

امام زین العابدین علیه السلام :بار خدایا! با بخشش خویش ، ما را از بخشش بخشندگانِ [دیگر]بی نیاز فرما .

امام زین العابدین علیه السلام برگرفته دعای وی در سختی ها :و مرا با حلال ، از حرام بی نیاز ساز .

.

عنه عليه السلام مِن دُعائِهِ عِندَ خَتمِ القُرآنِ : اللّهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وآلِهِ ، وَاجبُر بِالقُرآنِ خَلَّتَنا مِن عَدَمِ الإِملاقِ ، وسُق إلَينا بِهِ رَغَدَ العَيشِ ، وخِصبَ سَعَهِ الأَرزاقِ . (1)

عنه عليه السلام :زِدنى مِن فَضلِکَ وسَعَهِ ما عِندَکَ ؛ فَإِنَّکَ واسِعٌ کَريمٌ ، وصِل ذلِکَ بِخَيرِ الآخِرَهِ ونَعيمِها ، يا أرحَمَ الرّاحِمينَ . (2)

عنه عليه السلام مِن دُعائِهِ فى مَکارِمِ الأَخلاقِ : اللّهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وآلِهِ ، وَاجعَل أوسَعَ رِزقِکَ عَلَىَّ إذا کَبِرتُ . (3)

عنه عليه السلام :وتَوِّجنى بِالکِفايَهِ ، وسُمنى حُسنَ الوِلايَهِ ، وهَب لى صِدقَ الهدايَهِ ، ولا تَفتِنّى بِالسَّعَهِ ، وَامنَحنى حُسنَ الدَّعَهِ ، ولا تَجعَل عَيشى کَدّا کَدّا . (4)

عنه عليه السلام :أغنِنى عَمَّن هُوَ غَنِىٌّ عَنّى ، وزِدنى إلَيکَ فاقَهً وفَقرا . (5)

عنه عليه السلام :اللّهُمَّ أعطِنِى السَّعَهَ فِى الرِّزقِ ، وَالأَمنَ فِى الوَطَنِ . (6)

الإمام الباقر عليه السلام فى دُعاءٍ کانَ يُسَمّيهِ الدُّعاءَ الجامِعَ : أسأَلُکَ اللّهُمَّ الرَّفاهِيَهَ فى مَعيشَتى ما أبقَيتَنى ؛ مَعيشَهً أقوى بِها عَلى طاعَتِکَ ، وأبلُغُ بِها رِضوانَکَ ، وأصيرُ بِها مِنکَ إلى دارِ الحَيَوانِ غَدا . اللّهُمَّ ارزُقنى رِزقا حَلالاً يَکفينى ، ولا تَرزُقنى رِزقا يُطغينى ، ولا تَبتَلِيَنّى بِفَقرٍ أشقى بِهِ مُضَيَّقا عَلَىَّ ؛ أعطِنى حَظّا وافِرا فى آخِرَتى ، ومَعاشا واسِعا هَنيئا مَريئا فى دُنيایَ ، ولا تَجعَلِ الدُّنيا عَلَىَّ سِجنا ، ولا تَجعَل فِراقَها عَلَىَّ حُزنا ؛ أجِرنى مِن فِتنَتِها ، وَاجعَل عَمَلى فيها مَقبولاً وسَعيى فيها مَشکورا ، اللّهُمَّ ومَن أرادَنى فيها بِسوءٍ فَأَرِدهُ ، ومَن کادَنى فيها فَکِدهُ . (7)

.

1- .الصحيفه السجّاديه : 160 الدعاء 42 ، مصباح المتهجّد : 521 / 603 .
2- .الصحيفه السجّاديه : 209 الدعاء 48 ، مصباح المتهجّد : 81 / 132 وزاد فيه «إنّى إليک من الراغبين ، يا أرحم الراحمين» و ص 197 / 274 وص 243 / 356 وص 375 / 501 .
3- .الصحيفه السجّاديه : 84 الدعاء 20 .

4- .الصحيفه السجّاديه : 86 الدعاء 20 .
5- .الصحيفه السجّاديه : 198 الدعاء 47 .
6- .مصباح المتهجّد : 595 / 691 ، الإقبال (الطبعه الحجريّه) : 74 كلاهما عن أبى حمزه الثمالى ، بحار الأنوار: 98 / 91 / 2 .
7- .تهذيب الأحكام : 3 / 77 / 234 ، الكافى : 2 / 588 / 26 وليس فيه «اللّهمّ ارزقنى رزقا حلالاً يكفينى» وكلاهما عن أبى حمزه الثمالى ، بحار الأنوار : 87 / 301 / 85 نقلاً عن مصباح المتهجّد و ج 97 / 379 / 1 نقلاً عن الإقبال .

امام زین العابدین علیه السلام برگرفته دعای ختم قرآن :بار خدایا! بر محمّد و خاندانش درود بسیار فرست و با قرآن ، تنگدستی ما را به بی نیازی اصلاح فرما و گشایش زندگی و خرّمیِ روزیِ بسیار را به سوی ما روان گردان .

امام زین العابدین علیه السلام :مرا از فضل خویش و گُستراىِ آن چه نزد تو است ، فزونی عطا فرما ؛ که همانا تو گسترا بخش و کرم افزایی ؛ و این نعمت را به خیر و نعمت آخرت پیوند ده ، ای مهرورزترینِ مهرورزان!

امام زین العابدین علیه السلام برگرفته دعای مکارم الأخلاق :بار خدایا! بر محمّد و خاندانش درود بسیار فرست و گشاده ترین روزی ات را در هنگامه پیری من مقرّر فرما!

امام زین العابدین علیه السلام :و با بی نیازی مرا تاجدار ساز و خوب دوست داشتن را ملازمِ من فرما و رهیافتگی راستین را نصیبم کن و به توانگری گمراهم مساز و رفاه نیکو عطایم کن و زندگی ام را سخت و دشوار قرار مده!

امام زین العابدین علیه السلام :مرا از آن که به من نیاز ندارد ، بی نیاز ساز و نداری و فقرم به درگاه خویش را بیفزا!

امام زین العابدین علیه السلام :بار خدایا! مرا گشادگی در روزی و امنیّت در وطن عنایت فرما!

امام باقر علیه السلام برگرفته دعایی که خود ، آن را دعای جامع می نامید : بار خدایا! از تو می خواهم تا آن گاه که زنده ام می داری ، زندگانی ام را در رفاه داری ، چندان که برای بندگی ات نیرو یابم و با آن ، به خشنودی ات دست یابم و از رهگذر آن ، فردا ، از جانب تو به سرای زندگانیِ [حقیقی] سیر کنم . بار خدایا! مرا روزی حلالی بخش که کفایتم کند و روزی ای مرا نده که به سرکشی وادارم و مرا به فقری دچار مساز که به سبب آن ، به تنگنا در شقاوت افتم . مرا در آخرتم ، نصیبی سرشار عطا فرما و در دنیایم ، زندگانی گشاده گوارای شیرینی نصیب ساز . دنیا را زندان من مکن و فراقِ آن را مایه اندوه من مکن ؛ مرا از فتنه اش رهایی ده و عملم را در آن پذیرفته قرار ده و تلاشم را در خورِ ستایش فرما . بار

خدایا! هر کس در دنیا برایم بد بخواهد ، تو برایش بد بخواه ؛ و هر کس در دنیا به من حیله ورزد ، تو به او حیله ورز!

.

عنه علیه السلام :إذا أنتَ انصَرَفتَ مِنَ الوِترِ فَقُل : «سُبحانَ رَبِّیَ المَلِکِ القُدّوسِ العَزیزِ الحَکیمِ» ثَلاثَ مَرّاتٍ ، ثُمَّ تَقولُ : «یا حَیُّ یا قَیّومُ ، یا بَرُّ یا رَحیمُ ، یا غَنِیُّ یا کَریمُ ، اُرزُقنی مِنَ التِّجارَهِ أعظَمَها فَضلاً ، وأوسَعَها رِزقا ، وخَیرَها لی عاقِبَهً ؛ فَإِنَّهُ لا خَیرَ فی ما لا عاقِبَهَ لَهُ» . (1)

الإمام الصادق علیه السلام :اللّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ ، وَاقسِم لی . . غِنیً تَسُدُّ بِهِ عَنّی بابَ کُلِّ فَقرٍ . (2)

عنه علیه السلام فِی الدُّعاءِ عِندَ الإفاضَهِ مِن عَرَفاتٍ : اللّهُمَّ . . . أعطِنی أفضَلَ ما أعطَیتَ أحَدا مِنهُم مِنَ الخَیرِ وَالبَرَکَهِ وَالرَّحمَهِ وَالرِّضوانِ وَالمَغفِرَهِ ، وبارِک لی فی ما أرجِعُ إلَیهِ مِن أهلٍ أو مالٍ ، أو قَلیلٍ أو کَثیرٍ ، وبارِک لَهُم فِیَّ . (3)

.

1- .من لا یحضره الفقیه : 1 / 494 / 1422 عن زراره ، مصباح المتهجّد : 163 / 251 وفی صدره «فإذا سلّم سبّح تسبیح الزهراء علیهاالسلام، ثمّ یقول ثلاث مرّات: سبحان ...»، بحار الأنوار : 87 / 224 / 35 وص287 / 80 .

2- .الإقبال : 1 / 363 عن عمر بن یزید ، بحار الأنوار : 98 / 155 / 4 .

3- .تهذیب الأحکام : 5 / 187 / 622 ، من لا یحضره الفقیه : 2 / 543 / 3137 کلاهما عن أبی بصیر .

امام باقر علیه السلام :هرگاه از نماز وتر فارغ شدی ، سه بار بگو: «منزّه است پروردگار من ؛ همان حکمران پاک عزّتمندِ باحکمت» . سپس بگو: «ای زنده ، ای هماره پابرجا ، ای نیکی کننده ، ای مهرورز ، ای بی نیاز ، ای بخشنده! از کسب و داد و ستد ، پرسودترینش و بیشینه روزی ترینش و نیک فرجام ترینش را به من روزی بخش ؛ که هیچ خیری نیست در آن چه فرجام نیکی ندارد» .

امام صادق علیه السلام :بار خدایا! بر محمّد و خاندانش بسیار درود فرست و مرا نصیب فرما . . . بی نیازی ای که با آن ، دریچه هر فقری را به رویم ببندی .

امام صادق علیه السلام در دعایی به هنگام حرکت از عَرَفات : بار خدایا ! . . . مرا برترینِ خیر و برکت و رحمت و خشنودی و آمرزشی که به هر یک از ایشان داده ای ، عطا فرما و در خاندان و اموالم و هر چیز کم و زیادی که دارم و [پس از این سفر] به سویشان بازمی گردم ، برایم برکت مقرّر فرما و برای آن ها نیز در من برکت قرار ده!

.

عنه علیه السلام :مَن لَم یَسأَلِ اللّهَ عز و جل مِن فَضلِهِ (فَقَدِ) افتَقَرَ . (1)

عنه علیه السلام :سَلُوا اللّهَ الغِنی فِی الدُّنیا وَالعافِیَهَ ، وفِی الآخِرَهِ المَغفِرَهَ وَالجَنَّهَ . (2)

الإمام الکاظم علیه السلام :أُنقُلنی مِن ذُلِّ الفَقرِ إلی عِزِّ الغِنی . (3)

الکافی عن أحمد بن محمّد بن أبی نصر :قُلتُ لِلرِّضا علیه السلام : جُعِلتُ فِداکَ ! اُدعُ اللّهَ عز و جل أن یَرزُقَنِی الحَلالَ . فَقالَ : أتَدری مَا الحَلالُ؟ قُلتُ : الَّذی عِندَنَا الکَسبُ الطَّیِّبُ . فَقالَ : کانَ عَلِیُّ بنُ الحُسَینِ علیهماالسلام یَقولُ : «الحَلالُ هُوَ قوتُ المُصطَفَینَ» . ثُمَّ قالَ : قُل : أسأَلُکَ مِن رِزقِکَ الواسِعِ . (4)

.

1- .الکافی : 2 / 467 / 4 عن عمرو بن جمیع ، مکارم الأخلاق : 2 / 7 / 1977 ، الاختصاص : 223 ، الدعوات : 117 / 268 ، بحار الأنوار : 93 / 294 / 23 و ص 300 / 36 و ص 301 / 37 .
2- .الکافی : 5 / 71 / 4 عن عبد الأعلی .
3- .مُهج الدعوات : 275 عن أبی الوصّاح عن أبیه ، بحار الأنوار : 94 / 327 / 1 .
4- .الکافی : 2 / 552 / 9 و ج 5 / 89 / 1 وفیه «قوت النبیّین» بدل «قوت المصطفین» ، قرب الإسناد : 380 / 1342 ، بحار الأنوار : 103 / 2 / 4 .

امام صادق علیه السلام :هر کس فضل خداوند را از او درخواست نکند ، دچار فقر می شود .

امام صادق علیه السلام :از خداوند ، در دنیا بی نیازی و تندرستی بخواهید ؛ و در آخرت ، آمرزش و بهشت را .

امام کاظم علیه السلام :[خداوندا!] مرا از خوارِی فقر به سربلندیِ توانگری برسان .

الکافی از احمد بن محمّد بن ابی نصر :به حضرت رضا علیه السلام گفتم: فدایت شوم! از خداوند بخواه که روزیِ حلال نصیب من فرماید . فرمود: «می دانی حلال چیست؟» گفتم: هر آن چه در مذهب ما درآمد پاک به شمار آید . فرمود: «علیّ بن الحسین علیهماالسلام می گفت: حلال ، خوراکِ برگزیدگان است .» سپس فرمود : «بگو : روزیِ فراوانت را از تو می خواهم» .

.

الفصل الثانى: برکات التقدّم الاقتصادیبَرَکاتُ التَّقَدُّمِ الاِقتِصادِیِّ2 / 1قِوامُ الدّینِ وَالدُّنیاالکتاب :«وَ لاَ تُؤْتُواْ السُّفَهَآءَ أَمْوَ لَکُمُ الَّتِی جَعَلَ اللَّهُ لَکُمْ قِیَمًا وَ ارْزُقُوهُمْ فِیهَا وَ اکْسُوهُمْ وَ قُولُواْ لَهُمْ قَوْلاً مَّعْرُوفًا . (1) »

الحدیث :رسول اللّه صلی الله علیه و آله :الدَّنانیرُ وَالدَّراهِمُ خَواتِمُ اللّهِ فی أرضِهِ ، مَن جاءَ بِخاتَمِ مَولاهُ قُضِیَت حاجَتُهُ . (2)

عنه صلی الله علیه و آله :إذا کانَ فی آخِرِ الزَّمانِ ؛ لابُدَّ لِلنّاسِ فیها (3) مِنَ الدَّراهِمِ وَالدَّنانیرِ یُقیمُ الرَّجُلُ بِها دینَهُ ودُنیاهُ . (4)

.

1- .النساء : 5 .
2- .المعجم الأوسط : 6 / 316 / 6507 عن أبی هریره ، کنز العمّال : 3 / 238 / 6332 .
3- .کذا وردت فی کلا المصدرین ، والسیاق یقتضی التعبیر ب «فیه» ، وإن کان یحتمل عود الضمیر علی محذوف مقدَّر .
4- .المعجم الکبیر : 20 / 279 / 660 عن المقداد بن معدیکرب ، کنز العمّال : 3 / 238 / 6333 .

2 / 1 برپایی دین و دنیا

فصل دوم: برکت های پیشرفت اقتصادی2 / 1برپایی دین و دنیاقرآن :«و مال های خود را که خداوند وسیله برپا بودنِ زندگی شما قرار داده ، به کم خردان مدهید و از درآمد آن مال ها بخورانید و بپوشانیدشان و به آنها سخنی نیکو و پسندیده گویید .»

حدیث:پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :دینارها و درهم ها انگشتری های خدا در زمین وی هستند (1) ؛ هر کس انگشتریِ مولای خویش را بیاورد ، خواهشش برآورده می شود .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :چون آخر الزّمان فرا رسد ، مردم را چاره ای جز داشتن درهم ها و دینارها نیست تا هر فرد دین و دنیای خود را با آن برپای دارد .

.

1- .چون انگشتری در دیرینه ایام به عنوان مُهر نیز استفاده می شده است، از این رو به آن ، خاتم (= مُهر) نیز می گفتند.

عنه صلى الله عليه و آله :الفاقَةُ لِأَصحابى سَعادَهٌ ، وَالغِنى لِلمُؤمِنِ فى آخِرِ الزَّمانِ سَعادَهٌ ، إنِ استَطَعتُم أن تَكونوا أغنِياءَ فَكونوا . (1)

مسند ابن حنبل عن عمرو بن العاص:قالَ لىرَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله: يا عَمرُو، اشدُد عَلَيكَ سِلاحَكَ وثِيابَكَ وَأتِنى. فَفَعَلتُ، فَجِئتُهُ وهُوَ يَتَوَضَّأُ، فَصَعَّدَ فِىَّ البَصَرَ وصَوَّبَهُ وقالَ: يا عَمرُو، إنّى اُريدُ أن أبعَثَكَ وَجها، فَيُسَلِّمَكَ اللّهُ ويُغنِمَكَ، وأرغَبُ لَكَ مِنَ المالِ رَغبَهً صالِحَهً. قُلتُ: يا رَسولَ اللّهِ ، إنّى لَم اُسلِم رَغبَهً فِى المالِ ؛ إنَّما أسلَمتُ رَغبَهً فِى الجِهادِ وَالكَينونَهِ مَعَكَ . قالَ : يا عَمرُو ، نِعِمّا بِالمالِ الصّالِحِ لِلرَّجُلِ الصّالِحِ . (2)

الإمام الباقر عليه السلام كانَ يَقولُ : اللّهُمَّ أعِنّى عَلَى الدُّنيا بِالغِنى ، وعَلَى الآخِرَهِ بِالتَّقوى . (3)

الإمام الصادق عليه السلام :نِعمَ العَونُ عَلَى الآخِرَهِ ؛ الدُّنيا . (4)

.

1- .الفردوس: 3/158/4427 عن ابن مسعود، كنزالعمّال: 3/239/6338 نقلاً عن الرافعى، وليس فيه ذيله.
2- .مسند ابن حنبل : 6/240/17818 و ص 228 / 17778 ، الأدب المفرد : 97 / 299 وفيه «أرغب» بدل «أرغب» و «زعبه» بدل «رغبه» ، المستدرک على الصحيحين : 2 / 3 / 2130 ، المصنّف لابن أبى شيبه : 5 / 259 / 9 ، مسند أبى يعلى : 6 / 423 / 7298 ، كنز العمّال : 11 / 729 / 33577 ؛ تنبيه الخواطر : 1 / 158 ، تفسير مجمع البيان : 3 / 14 وفيهما «نِعْمَ المال الصالح للرجل الصالح» .
3- .البيان والتبيين : 3 / 271 ؛ نثر الدرّ : 1 / 345 وفيه «بالعفو» بدل «بالتقوى» .
4- .الكافى : 5/72/9 و ح 8 وص 73/14 عن علىّ الأحمسى عن رجل عن الإمام الباقر عليه السلام وح 15 ، من لا يحضره الفقيه : 3 / 156 / 3567 ، الأُصول الستّه عشر : 88 كلّها عن ذريح المحاربى ، الزهد للحسين بن سعيد : 51 / 136 عن علىّ الأحمص عمّن أخبره عن الإمام الباقر عليه السلام وفيها «الدنيا على الآخره» ، بحار الأنوار : 73 / 127 / 126 .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :برای اصحاب من ، تنگدستی مایه خوشبختی است ، امّا در آخر الزّمان برای مؤمن ، توانگری سعادت است . [در آن حال] اگر می توانید ، در شمار توانگران باشید .

مسند ابن حنبل از عمرو بن عاص :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به من فرمود : «ای عمرو! سلاح برگیر و جامه بر تن پوش و نزد من بیا!» من چنین کردم و نزد وی رفتم ، در حالی که مشغول وضو گرفتن بود . مرا از پای تا سر نیک ورانداز کرد و پسندید و فرمود: «ای عمرو! قصد دارم تو را به ناحیه ای روانه کنم ، امید که خداوند سلامت و غنیمت ارمغانت دهد ؛ و دوست می دارم که بهره ای مناسب از مال داشته باشی» . گفتم : «ای پیامبر خدا! من اسلام نیاوردم تا به مال دست یابم ، بلکه برای میل به جهاد و همراهی با تو ، اسلام آوردم» . فرمود : «چه نیکو است مال شایسته برای مرد شایسته!» .

امام باقر علیه السلام چنین می گفت : بار خدایا! مرا در دنیا با توانگری ، و در آخرت با تقوا یاری بخش .

امام صادق علیه السلام :نیکو یاوری است دنیا برای آخرت .

.

الأمالى للطوسى عن خلاّد :قالَ رَجُلٌ [لِلإمامِ الصادِقِ عليه السلام] : يا جَعفَرُ ، الرَّجلُ يَكونُ لَهُ مالٌ فَيُضَيِّعُهُ فَيَذهَبُ؟ قالَ : اِحتَفِظ بِمالِكَ ؛ فَإنَّهُ قِوامُ دينِكَ . ثُمَّ قَرَأَ : « وَ لا تُؤتُوا السُّفَهاءَ أمْوالَكُمُ الَّتى جَعَلَ اللّهُ لَكُمْ قِياما (1) . (2) »

الإمام الصادق عليه السلام :إنَّ مِن بَقاءِ المُسلِمينَ وبَقاءِ الإِسلام أن تَصيرَ الأَموالُ عِندَ مَن يَعرِفُ فيهَا الحَقَّ ، ويَصنَعُ (فيهَا) المَعروفَ ؛ فَإنَّ مِن فَناءِ الإِسلامِ وفَناءِ المُسلِمينَ أن تَصيرَ الأَموالُ فى أيدى مَن لا يَعرِفُ فيهَا الحَقَّ ، ولا يَصنَعُ فيهَا المَعروفَ . (3)

عنه عليه السلام :غِنىً يَحجُزُكَ عَنِ الظُّلمِ خَيرٌ مِن فَقرٍ يَحمِلُكَ عَلَى الإِثمِ . (4)

عنه عليه السلام :خَمسٌ مَن لَم تَكُن فيهِ لَم يَتَهَنَّ بِالعَيشِ : الصِّحَّةُ ، وَالأَمنُ ، وَالغِنى ، وَالقَناعَةُ ، وَالأنيسُ المُوافِقُ . (5)

عنه عليه السلام :لا خَيرَ فى مَن لا يُحِبُّ جَمعَ المالِ مِن حَلالٍ ؛ يَكُفُّ بِهِ وَجهَهُ ، ويَقضى بِهِ دَينَهُ ، ويَصِلُ بِهِ رَحِمَهُ . (6)

.

1- .النساء : 5 .
2- .الأمالى للطوسى : 679 / 1444 ، بحار الأنوار : 103 / 92 / 7 .
3- .الكافى: 4/25/1 عن عبد الخالق الجعفى، مشكاه الأنوار : 319/1013 نحوه ، مستدرک الوسائل: 12 / 339 / 14225 نقلاً عن كتاب معاويه بن حكيم .
4- .الكافى : 5 / 72 / 11 عن أحمد بن محمّد بن خالد رفعه ، تهذيب الأحكام : 6 / 328 / 904 عن أحمد بن أبى عبد اللّه رفعه ، من لا يحضره الفقيه : 3 / 166 / 3614 .
5- .الأمالى للصدوق : 367 / 458 عن ابن سنان ، المحاسن : 1 / 71 / 25 عن أبى خالد الجهنى ، مشكاه الأنوار : 260 / 771 ، بحار الأنوار : 1 / 83 / 3 و ج 69 / 369 / 8 .

6- .الكافى : 5 / 72 / 5 عن عمرو بن جميع ، من لا يحضره الفقيه : 3 / 166 / 3615 ، تهذيب الأحكام : 7 / 4 / 10 وفيه «عن الحرث بن عمرو قال : سمعته يقول . . . » ، ثواب الأعمال : 215 / 1 وليس فيه «ويصل به رحِمه» .

امالی طوسی از خلاّد :کسی [به امام صادق علیه السلام] گفت: «ای جعفر! [رأی تو چیست درباره]کسی که مالی دارد و آن را ضایع می کند و آن مال از کف می رود؟» فرمود: «مالت را حفظ کن ؛ که برپادارنده دین تو است» . سپس [این آیه را]قرائت کرد: «و مال های خود را که خداوند وسیله برپا بودنِ زندگی شما قرار داده ، به کم خردان مدهید» .

امام صادق علیه السلام :از مایه های پایداری مسلمانان و اسلام آن است که اموال نزد کسی باشد که در [حفظ] آن ، حق را می شناسد و رفتار پسندیده را پیشه می کند . و از مایه های نابودی اسلام و مسلمانان آن است که اموال در دست کسی باشد که در [حفظ]آن ، با حق آشنا نیست و رفتار پسندیده در پیش نمی گیرد .

امام صادق علیه السلام :توانگری ای که از ظلم بازت دارد ، بهتر از فقری است که به گناهکاری وادارد .

امام صادق علیه السلام :آن کس که از پنج ویژگی بهره نداشته باشد ، از لذّت زندگی نصیب نمی بَرَد : تندرستی ، امنیّت ، توانگری ، قناعت ، و همدمِ سازگار .

امام صادق علیه السلام :خیری نیست در آن کس که گردآوردنِ مال از راه حلال را دوست نمی دارد ؛ تا با آن آبروی خویش را حفظ کند ، دِینش را ادا نماید ، و با خویشانش پیوند داشته باشد .

.

2 / 2العَونُ عَلَى التَّقويرسول اللّه صلى الله عليه و آله :نِعمَ العَونُ عَلى تَقوَى اللّهِ الغِنى . (1)

عنه صلى الله عليه و آله :نِعمَ العَونُ عَلى تَقوَى اللّهِ عز و جل المالُ . (2)

عنه صلى الله عليه و آله :نِعمَ العَونُ عَلَى الدّينِ قوتُ سَنَةٍ . (3)

عنه صلى الله عليه و آله :لَولاَ الخُبزُ ما صُمنا ولا صَلَّينا ، ولا أدَّينا فَرائِضَ رَبِّنا عز و جل . (4)

عنه صلى الله عليه و آله :إنَّ اللّهَ عز و جل قالَ : إنّا أنزَلنَا المالَ لاِءِقامِ الصَّلاهِ وإيتاءِ الزَّكاهِ ، ولَو كانَ لِابنِ آدَمَ وادٍ لَأَحَبَّ أن يَكونَ إلَيهِ ثانٍ ، ولَو كانَ لَهُ وادِيانِ لَأَحَبَّ أن يَكونَ إلَيهِما ثالِثٌ ، ولا يَملَأُ جَوفَ ابنِ آدَمَ إلاّ التُّرابُ ، ثُمَّ يَتوبُ اللّهُ عَلى مَن تابَ . (5)

مسند ابن حنبل عن مسروق :قُلتُ لِعائِشَةَ : هَل كانَ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آلهيَقولُ شَيئا إذا دَخَلَ البَيتَ؟ قالَت : كانَ إذا دَخَلَ البَيتَ تَمَثَّلَ : لَو كانَ لِابنِ آدَمَ وادِيانِ مِن مالٍ لاَبتَغى وادِيا ثالِثا ، ولا يَملَأُ فَمَهُ إلاّ التُّرابُ ، وما جَعَلنَا المالَ إلاّ لاِءِقامِ الصَّلاهِ وإيتاءِ الزَّكاهِ ، ويَتوبُ اللّهُ عَلى مَن تابَ . (6)

.

1- .الكافى: 5/71/1 عن السكونى عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام ، من لا يحضره الفقيه : 3/156/3570، تحف العقول: 49، الجعفريّات: 155، بحار الأنوار: 77/153/116؛ مسند الشهاب: 2/260/1317 عن محمّد بن المنكدر .
2- .الفردوس : 4 / 256 / 6756 عن جابر ، إحياء علوم الدين : 4 / 152 ، كنز العمّال : 3/239/6342 .
3- .الفردوس : 4 / 256 / 6755 ، كشف الخفاء : 2 / 320 / 2819 كلاهما عن معاويه بن حَيده ، كنز العمّال : 3 / 238 / 6335 .
4- .الكافى : 6 / 287 / 6 و ج 5 / 73 / 13 ، المحاسن : 2 / 416 / 2460 كلّها عن أبى البخترى رفعه ، مكارم الأخلاق : 1 / 333 / 1071 وفيه «فرض اللّه » ، بحار الأنوار : 66 / 270 / 6 .

5- .مسند ابن حنبل : 8 / 210 / 21965 ، المعجم الكبير : 3 / 247 / 3301 كلاهما عن أبى واقد الليثى و ج 8 / 247 / 7970 عن أبى أُمامه نحوه ، كنز العمّال : 3 / 200 / 6165 .
6- .مسند ابن حنبل : 9 / 315 / 24330 ، مسند أبى يعلى : 4 / 280 / 4443 نحوه .

2 / 2یاری رساندن به تقواپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :چه یاور خوبی است توانگری برای تقوای خدایی !

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :نیکو یاوری است مال برای تقوای خدایی !

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :داشتن خوراک سال ، نیک یاری است برای دین !

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :اگر نان نبود ، روزه نمی گزاردیم ، نماز نمی خواندیم ، و واجب های پروردگار خویش را به جای نمی آوردیم .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر آینه خداوند فرموده است: «همانا مال را نازل کردیم تا نماز برپا شود و زکات پرداخت گردد . اگر فرزند آدم را گستره ای از مال باشد ، دوست می دارد که گستره ای دیگر نیز از آنِ او گردد ؛ و اگر دو گستره داشته باشد ، می خواهد که گستره ای سوم نیز به مِلک او درآید . درونِ فرزند آدم را چیزی جز خاک پُر نمی کند و از آن پس ، خداوند از هر که توبه کند ، توبه پذیر است» .

مسند ابن حنبل از مسروق :به عایشه گفتم: «آن گاه که پیامبر خدا صلی الله علیه و آلهبه خانه درمی آمد ، آیا سخنی می فرمود؟» گفت : «هر گاه به خانه درمی آمد ، چنین مثل می زد : «اگر فرزند آدم را دو گستره از مال باشد ، گستره ای سوم می طلبد ؛ و دهان او را چیزی جز خاک پُر نمی کند . مال را نیافریده ایم جز برای برپا داشتن نماز و پرداخت زکات ؛ و خداوند از هر که توبه کند ، توبه پذیر است» .

.

الإمام علىّ عليه السلام :المالُ عَونُ الزَّكاهِ . (1)

2 / 3مُضاعَفَهُ الأَجرِالكتاب :«وَ مَآ أَمْوَ لُكُمْ وَ لاَ أَوْلَدُكُم بِالَّتِى تُقَرِّبُكُمْ عِندَنَا زُلْفَى إِلاَّ مَنْ ءَامَنَ وَ عَمِلَ صَلِحًا فَأُوْلَءِکَ لَهُمْ جَزَآءُ الضِّعْفِ بِمَا عَمِلُواْ وَ هُمْ فِى الْغُرُفَتِ ءَامِنُونَ . (2) »

«الشَّيْطَنُ يَعِدُكُمُ الْفَقْرَ وَ يَأْمُرُكُم بِالْفَحْشَآءِ وَ اللَّهُ يَعِدُكُم مَّغْفِرَةً مِّنْهُ وَ فَضْلاً وَ اللَّهُ وَ سِعٌ عَلِيمٌ . (3) »

الحديث :الإمام الصادق عليه السلام :جاءَ الفُقَراءُ إلى رَسولِ اللّهِ صلى الله عليه و آله فَقالوا : يا رَسولَ اللّهِ ، إنَّ الأَغنِياءَ لَهُم ما يُعتِقونَ ولَيسَ لَنا ، ولَهُم ما يَحُجّونَ ولَيسَ لَنا ، ولَهُم ما يَتَصَدَّقونَ ولَيسَ لَنا ، ولَهُم ما يُجاهِدونَ ولَيسَ لَنا؟ فَقالَ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله : مَن كَبَّرَ اللّهَ عز و جل مِائَةَ مَرَّةٍ كانَ أفضَلَ مِن عِتقِ مِائَةِ رَقَبَةٍ ، ومَن سَبَّحَ اللّهَ مِائَةَ مَرَّةٍ كانَ أفضَلَ مِن سِياقِ مِائَةِ بَدَنَةٍ ، ومَن حَمِدَ اللّهَ مِائَةَ مَرَّةٍ كانَ أفضَلَ مِن حُملانِ مِائَةِ فَرَسٍ فى سَبيلِ اللّهِ بِسُرُجِها ولُجُمِها ورُكُبِها ، ومَن قالَ : لا إلهَ إلاَّ اللّهُ مِائَةَ مَرَّةٍ كانَ أفضَلَ النّاسِ عَمَلاً ذلِکَ اليَومَ ، إلاّ مَن زادَ . قالَ : فَبَلَغَ ذلِکَ الأَغنِياءَ فَصَنَعوهُ . قالَ : فَعادَ الفُقَراءُ إلَى النَّبِىِّ صلى الله عليه و آله فَقالوا : يا رَسولَ اللّهِ ، قَد بَلَغَ الأَغنِياءَ ما قُلتَ ، فَصَنَعوهُ !؟ فَقالَ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله : ذلِکَ فَضلُ اللّهِ يُؤتيهِ مَن يَشاءُ . (4)

.

1- .مسند زيد : 201 .
2- .سبأ : 37 .
3- .البقره : 268 .
4- .الكافى : 2 / 505 / 1 عن هشام بن سالم وأبى أيّوب ، ثواب الأعمال : 25 / 1 ، الأمالى للصدوق : 128/116 كلاهما عن مالک بن أنس عن الإمام الصادق عن آبائه عن الإمام علىّ عليهم السلام، مكارم الأخلاق: 2 / 76 / 2189 عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام .

امام علی علیه السلام :مال ، یاری کننده زکات است .

2 / 3چند برابر کردنِ پاداشقرآن:«و مال ها و فرزندانتان ، آن [فضیلتی] نیست که شما را به ما نزدیک گرداند ، مگر کسانی که ایمان آوردند و کار نیک و شایسته کردند . پس اینانند که بدانچه کردند ، پاداشی دو چندان دارند؛ و ایشان در کوشک های بلند بهشت ، ایمن و آسوده باشند .»

«شیطان ، شما را از درویشی و بینوایی می ترساند و به زشتکاری و ناشایست فرمان می دهد؛ و خدا شما را به آمرزش و فزون بخشی خویش نوید می دهد . و خداوند گشایش بخش و دانا است .»

حدیث:امام صادق علیه السلام :فقیران نزد پیامبر خدا صلی الله علیه و آله آمده ، گفتند: «ای رسول خدا! مالداران با ثروت خویش ، بنده آزاد می کنند و حج می گزارند و صدقه می دهند و جهاد می کنند ؛ و ما مال نداریم [که چنین کنیم]» . پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود : «هر کس صدبار اللّه اکبر گوید ، برتر از آزاد کردن صد بنده است ؛ و هر کس صد بار سبحان اللّه گوید ، بهتر از آن است که صد شتر پیشکش کند ؛ و هر که صد بار الحمدللّه گوید ، نیکوتر از آن است که صد اسب را با زین و لگام و سوار [برای جهاد] در راه خدا روانه سازد ؛ و هر که صد بار لا اله إلاّ اللّه گوید ، در آن روز [= رستاخیز]نیکوکردارترینِ افراد است . مگر آن که کسی [بر این ذکرها]بیفزاید» . [امام] فرمود: «این خبر به توانگران رسید ؛ آن ها نیز چنین کردند» . [امام] فرمود : «فقیران نزد پیامبر صلی الله علیه و آله بازگشتند و گفتند : «ای رسول خدا! آن چه گفتی به گوش توانگران رسید و آنان هم همان گونه کردند!» پیامبر خدا صلی الله علیه و آلهفرمود : «این بخشش افزونِ خداوند است که به هر که خواهد ، عطا فرماید» .

.

تاريخ بغداد عن أبو هريره :أتى فُقَراءُ المُسلِمينَ رَسولَ اللّهِ صلى الله عليه و آله فَقالوا : يا رَسولَ اللّهِ ، ذَهَبَ ذَوُو الأَموالِ بِالدَّرَجاتِ ؛ يُصَلّونَ كَما نُصَلّى ، ويَحُجّونَ كَما نَحُجُّ ، ويَصومونَ كَما نَصومُ ، ولَهُم فُضولُ أموالٍ يَتَصَدَّقونَ مِنها ، ولَيسَ لَنا ما نَتَصَدَّقُ! فَقالَ: ألا أدُلُّكُم عَلى أمرٍ إذا فَعَلتُموهُ أدرَكتُم مَن سَبَقَكُم ،ولَم يَلحَقكُم مَن خَلفَكُم ، إلاّ مَن عَمِلَ بِمِثلِ ما عَمِلتُم بِهِ؟ تُسَبِّحونَ اللّهَ دُبُرَ كُلِّ صَلاةٍ ثَلاثا وثَلاثينَ ، وتَحمَدونَهُ ثَلاثا وثَلاثينَ ، وتُكَبِّرونَهُ أربَعا وثَلاثينَ. فَبَلَغَ ذلِكَ الأَغنِياءَ ، فَقالوا مِثلَ ما قالوا ، فَأَتَوُا النَّبِيَّ صلى الله عليه و آله فَأَخبَروهُ ، فَقالَ : ذلِكَ فَضلُ اللّهِ يُؤتيهِ مَن يَشاءُ . (1)

الإمام الباقر عليه السلام :إنَّ للّهِ تَعالى ذِكرُهُ عِبادا مَيامينَ مَياسيرَ ، يَعيشونَ ويَعيشُ النّاسُ فى أكنافِهِم ، وهُم فى عِبادِهِ بِمَنزِلَهِ القَطرِ . (2)

.

1- .تاريخ بغداد: 3 / 64 / 1108 ، مسند ابن حنبل: 8 / 166 / 21768 عن أبى الدرداء ، كنز العمّال: 2/643/4975 نقلاً عن المصنّف لعبد الرزّاق وكلاهما نحوه .
2- .الكافى : 8 / 247 / 345 عن أبى عبيد المدائنى ، تحف العقول : 300 ، بحار الأنوار : 78/180/66 .

تاریخ بغداد از ابو هریره :فقیران مسلمان نزد پیامبر خدا صلی الله علیه و آلهآمدند و گفتند: «ای رسول خدا! مالداران به رتبه هایی رسیده اند . همچون ما نماز می خوانند و حج به جای می آورند و روزه می گزارند ؛ امّا اموالی بیشتر دارند که از آن صدقه می دهند ، حال آن که ما مالی برای صدقه دادن نداریم» . پیامبر فرمود : «آیا کاری نیاموزمتان که اگر انجامش دهید ، پیشی جُستگان را پشت سر نهید و پشت سرماندگان هرگز نتوانند به شما رسند ، مگر آن که همچون شما عمل کنند؟ پس از هر نماز ، سی و سه بار سبحان اللّه گویید ؛ و سی و سه بار الحمدللّه گویید ؛ و سی و چهار بار اللّه اکبر» . این خبر به توانگران رسید . ایشان نیز همان را گفتند که فقیران . پس فقرا نزد پیامبر صلی الله علیه و آلهآمدند و از آن به وی خبر دادند . فرمود: «این افزون بخشیِ خداست که هر که را خواهد ، شامل شود» .

امام باقر علیه السلام :همانا خدای برتر باد یادش! را بندگانی فرخنده حال و آسان بخش است که می زیند و مردم نیز در سایه [بذل و بخشش] آنان زندگی می کنند . اینان در میان بندگان خدا ، همانند باران هستند .

.

علل الشرايع عنِ أبو بصير :ذَكَرنا عِندَ أبى جَعفَرٍ عليه السلام مِنَ الأَغنِياءِ مِنَ الشّيعَهِ ، فَكَأَنَّهُ كَرِهَ ما سَمِعَ مِنّا فيهِم ؛ قالَ : يا أبا مُحَمَّدٍ ، إذا كانَ المُؤمِنُ غَنِيّا رَحيما وَصولاً لَهُ مَعروفٌ إلى أصحابِهِ ، أعطاهُ اللّهُ أجرَ ما يُنفِقُ فِيالبِرِّ أجرَهُ مَرَّتَينِ ضِعفَينِ ؛ لِأَنَّ اللّهَ تَعالى يَقولُ فى كِتابِهِ : «وَ مَآ أَمْوَ لُكُمْ وَ لاَ أَوْلَدُكُم بِالَّتِى تُقَرِّبُكُمْ عِندَنَا زُلْفَى إِلاَّ مَنْ ءَامَنَ وَ عَمِلَ صَلِحًا فَأُوْلَـءِكَ لَهُمْ جَزَآءُ الضِّعْفِ بِمَا عَمِلُواْ وَ هُمْ فِى الْغُرُفَتِ ءَامِنُونَ (1) . (2) »

2 / 4صِيانَهُ الوَجهالإمام علىّ عليه السلام :اللّهُمَّ صُن وَجهى بِاليَسارِ ، ولا تَبذُل جاهى بِالإِقتارِ ؛ فَأَستَرزِقَ طالِبى رِزقِكَ ، وأستَعطِفَ شِرارَ خَلقِكَ ، وأُبتَلى بِحَمدِ مَن أعطانى ، وأُفتَتَنَ بِذَمِّ مَن مَنَعَنى ، وأنتَ مِن وَراءِ ذلِكَ كُلِّهِ وَلِىُّ الإِعطاءِ وَالمَنعِ ؛ إنَّكَ عَلى كُلِّ شَىءٍ قَديرٌ . (3)

عنه عليه السلام فِى الحِكَمِ المَنسوبَهِ إلَيهِ : مُحِبُّ الدَّراهِمِ مَعذورٌ وإن أدنَتهُ مِنَ الدُّنيا ؛ لِأَنَّها صانَتهُ عَن أبناءِ الدُّنيا . (4)

.

1- .سبأ : 37 .
2- .علل الشرايع : 604 / 73 ، تفسير القمّى : 2 / 203 نحوه وفى صدره «ذكر رجل عند أبى عبد اللّه عليه السلامالأغنياء ووقع فيه . .» ، بحار الأنوار: 72 / 63 / 10 و ج 103 / 3 / 2 .
3- .نهج البلاغه : الخطبه 225 ، الصحيفه السجّاديه : 87 الدعاء 20 نحوه .
4- .شرح نهج البلاغه : 20 / 292 / 348 .

علل الشرایع از ابوبصیر :نزد امام باقر علیه السلام از توانگرانِ شیعه سخن گفتیم . گویا وی آن چه را از ما درباره آنان شنید ، خوش نمی داشت ؛ فرمود : «ای ابو محمّد! هرگاه مؤمن توانگر و مهرپیشه باشد و همواره از جانب او به یارانش خیر برسد ، خداوند پاداشِ اِنفاق نیکش را دو برابر عطا می فرماید ؛ که او ، خود ، در کتابش فرموده است : «و مال ها و فرزندانتان ، آن [فضیلتی]نیست که شما را به ما نزدیک گردانَد ، مگر کسانی که ایمان آوردند و کار نیک و شایسته کردند ؛ پس اینانند که بدانچه کردند ، پاداشی دو چندان دارند و ایشان در کوشک های بلند بهشت ، ایمن و آسوده باشند» .

2 / 4حفظ آبروامام علی علیه السلام :بار خدایا! با گشاده حالی ، آبرویم را حفظ فرما و با تنگدستی ، احترامم را مَبَر تا ناچار شوم از کسانی که خود جوینده روزیِ تواند ، طلب روزی کنم و از بندگان بدت درخواست نمایم و به ستایشگری از آن که به من بخشش می کند و بدگویی از آن که مرا چیزی نمی بخشد ، گرفتار آیم ؛ در حالی که در پس همه این ها ، تویی که بخشیدن یا نبخشیدن را در اختیار داری . همانا تو بر هر چیز توانایی!

امام علی علیه السلام در کلمات حکیمانه منسوب به وی : آن را که دوستار درهم [و مال]است ، گناهی نیست هر چند این دوستی او را به دنیا نزدیک می کند زیرا مال و درهم ، او را از دنیازادگان حفظ می کند .

.

2 / 5سَترُ العُيوبِرسول اللّه صلى الله عليه و آله :العِلمُ وَالمالُ يَستُرانِ كُلَّ عَيبٍ ، وَالفَقرُ وَالجَهلُ يَكشِفانِ كُلَّ عَيبٍ . (1)

الإمام الصادق عليه السلام :اللّهُمَّ استُرنا بِالغِنى وَالعافِيَهِ . (2)

2 / 6ظُهورُ المُروءَهِالإمام علىّ عليه السلام :مَعَ الثَّروَهِ تَظهَرُ المُروءَهُ . (3)

2 / 7راحَهُ النَّفسِرسول اللّه صلى الله عليه و آله :إنَّ النَّفسَ إذا أحرَزَت قوتَهَا استَقَرَّت . (4)

عنه صلى الله عليه و آله :يَأتى عَلَى النّاسِ زَمانٌ مَن لَم يَكُن مَعَهُ أصفَرُ ولا أبيَضُ لَم يَتَهَنَّ بِالعَيشِ . (5)

.

1- .الفردوس : 3 / 71 / 4200 عن ابن عبّاس ، كنز العمّال : 10 / 134 / 28669 .
2- .من لا يحضره الفقيه : 1 / 338 / 983 ، مكارم الأخلاق : 2 / 24 / 2057 كلاهما عن مسمع كردين ، بحار الأنوار : 86 / 190 / 51 .
3- .غرر الحكم: 9735 .
4- .الكافى : 5 / 89 / 2 عن ابن بكير عن الإمام الرضا عليه السلام ، من لا يحضره الفقيه : 3 / 166 / 3619 عن الإمام الصادق عليه السلام .
5- .المعجم الكبير : 20 / 279 / 659 ، حليه الأولياء : 6 / 102 ، كنز العمّال : 3 / 240 / 6346 .

2 / 5 پوشاندنِ عیب ها

2 / 6 جلوه کردنِ جوانمردی

2 / 7 آسایش روانی

2 / 5پوشاندنِ عیب هاپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :دانش و دارایی ، هر عیبی را می پوشانند ؛ و نداری و نادانی هر عیبی را آشکار می سازند .

امام صادق علیه السلام :بار خدایا ! با توانگری و تندرستی ، [عیوب] ما را بپوشان .

2 / 6جلوه کردنِ جوانمردیامام علی علیه السلام :با ثروت ، جوانمردی جلوه می کند .

2 / 7آسایش روانپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :آدمی ، هر گاه وسایل زندگی اش به قدر نیاز فراهم باشد ، روانش آسایش می یابد .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :مردم را زمانی فرا می رسد که هر کس طلا و نقره [= مال و منال]نداشته باشد ، زندگانی گوارایی نخواهد داشت .

.

الإمام الصادق عليه السلام رَدّا عَلى قَومٍ مِنَ الصّوفِيَّهِ : . . . فَأَمّا سَلمانُ فَكانَ إذا أخَذَ عَطاءَهُ رَفَعَ مِنهُ قوتَهُ لِسَنَتِهِ حَتّى يَحضُرَ عَطاؤُهُ مِن قابِلٍ . فَقيلَ لَهُ : يا أبا عَبدِ اللّهِ ، أنتَ في زُهدِكَ تَصنَعُ هذا وأنتَ لا تَدرى لَعَلَّكَ تَموتُ اليَومَ أو غَدا ؟! فَكانَ جَوابُهُ أن قالَ : ما لَكُم لا تَرجونَ لِيَ البَقاءَ كَما خِفتُم عَلَيَّ الفَناءَ ؟! أما عَلِمتُم يا جَهَلَهُ ! أنَّ النَّفسَ قَد تَلتاثُ عَلى صاحِبِها إذا لَم يَكُن لَها مِنَ العَيشِ ما يُعتَمَدُ عَلَيهِ ، فَإِذا هِيَ أحرَزَت مَعيشَتَهَا اطمَأَنَّت؟! (1)

من لا يحضره الفقيه عن يعقوب بن سالم :قُلتُ لِأَبى عَبدِ اللّهِ عليه السلام : يَكونُ مَعِيَ الدَّراهِمُ فيها تَماثيلُ وأنَا مُحرِمٌ ، فَأَجعَلُها فى هِميانى وأشُدُّهُ فى وَسَطى؟ فَقالَ : لا بَأسَ ، أ وَ لَيسَ هِيَ نَفَقَتُكَ وعَلَيهَا اعتِمادُكَ بَعدَ اللّهِ عز و جل؟! (2)

من لا يحضره الفقيه عن يونس بن يعقوب :قُلتُ لِأَبى عَبدِ اللّهِ عليه السلام : المُحرِمُ يَشُدُّ الهِميانَ فى وَسَطِهِ؟ قالَ : نَعَم ، وما خَيرُهُ بَعدَ نَفَقَتِهِ؟! (3)

الإمام الرضا عليه السلام :إنَّ الإنسانَ إذا أدخَلَ طَعامَ سَنَتِهِ خَفَّ ظَهرُهُ وَاستَراحَ ، وكانَ أبو جَعفَرٍ وأبو عَبدِ اللّهِ عليهماالسلام لا يَشتَرِيانِ عُقدَةً حَتّى يُحرِزا طَعامَ سَنَتِهِما . (4)

.

1- .الكافى : 5 / 68 / 1 عن مسعده بن صدقه ، تحف العقول : 351 ، بحار الأنوار : 47 / 235 / 22 و ج 70 / 125 / 13 .
2- .من لا يحضره الفقيه : 2 / 280 / 2449 ، المحاسن : 2 / 104 / 1278 وفيه «أليس هى نفقتک تعينک بعد اللّه » ، بحار الأنوار : 83 / 248 / 7 و ج 99 / 145 / 15 .
3- .من لا يحضره الفقيه : 2 / 346 / 2645 .
4- .الكافى : 5 / 89 / 1 ، قرب الإسناد : 392 / 1373 وفيه «يدخلا» بدل «يحرز» وكلاهما عن الحسن بن الجهم .

امام صادق علیه السلام در پاسخ گروهی از صوفیّه : . . . و امّا سلمان ؛ هرگاه سهم خویش از بیت المال را می گرفت ، به اندازه نیاز یک سالش از آن برمی گرفت تا نوبت آینده دریافتش فرا رسد . به وی گفته شد: «ای ابو عبداللّه ! با آن که زاهدی ، چنین می کنی [= برای رفع نیازت کار می کنی] ، حال آن که نمی دانی امروز می میری یا فردا!» . پاسخ امام چنین بود: «چرا همان گونه که مرگم را بیم دارید ، زندگی ام را امید نمی بَرید؟ ای نادانان! مگر نمی دانید آن گاه که آدمی نتواند نیاز زندگی اش را تأمین کند ، روانش با او ناآرامی می کند و هر گاه نیازش را تأمین سازد ، روانش آرامش می یابد؟»

من لا یحضره الفقیه از یعقوب بن سالم :به امام صادق علیه السلام گفتم: «همراه من درهم هایی نقش دار است . آیا در حالی که مُحرِم هستم ، جایز است آن ها را در همیانم گذارم و به میان بربندم؟» فرمود: «باکی نیست . مگر نه این است که آن درهم ها زادِ راه تواند و پس از خدا ، تکیه تو بر آن ها است؟»

من لا یحضره الفقیه از یونس بن یعقوب :به امام صادق علیه السلامگفتم: «آیا مُحرِم را جایز است که همیان را به کمر بربندد؟» فرمود: «آری ؛ مؤمن اگر زادِ راه نداشته باشد ، چه خیری در او است؟»

امام رضا علیه السلام :هر گاه انسان به قدر خوراک سالش را فراهم آورَد ، سبکبار و آسوده خاطر می شود . امامان باقر و صادق علیهماالسلام مادام که به قدر خوراک سالشان را تدارک نمی کردند ، مِلکی نمی خریدند .

.

2 / 8شَرَفُ الدُّنيارسول اللّه صلى الله عليه و آله :شَرَفُ الدُّنيا الغِنى ، وشَرَفُ الآخِرَةِ التَّقوى . (1)

عنه صلى الله عليه و آله :حَسَبُ المَرءِ مالُهُ . (2)

عنه صلى الله عليه و آله :إنَّ أحسابَ أهلِ الدُّنيا الَّذى يَذهَبونَ إلَيهِ المالُ . (3)

عنه صلى الله عليه و آله :الحَسَبُ المالُ ، وَالكَرَمُ التَّقوى . (4)

عنه صلى الله عليه و آله :الجاهُ أحَدُ الرِّفدَينِ ، وَالآخَرُ المالُ . (5)

الإمام علىّ عليه السلام :الغِنى يُسَوِّدُ غَيرَ السَّيِّدِ ؛ المالُ يُقَوِّى غَيرَ الأَيِّدِ . (6)

الإمام الصادق عليه السلام :الحَسَبُ الفِعالُ ، وَالشَّرَفُ المالُ . (7)

.

1- .الفردوس : 2 / 358 / 3600 عن عمر بن الخطّاب ، كنز العمّال : 3 / 92 / 5650 .
2- .الأمالى للطوسى : 590 / 1223 عن علىّ بن حمزه العلوى عن الإمام الرضا عن آبائه عليهم السلام ، الجعفريّات : 112 ، غرر الحكم : 4890 ، بحار الأنوار : 1 / 94 / 25 .
3- .سنن النسائى : 6 / 64 ، مسند ابن حنبل : 9 / 18 / 23051 ، المستدرک على الصحيحين : 2/177/2689، السنن الكبرى : 7 / 219 / 13775 وليس فيه «الذى يذهبون إليه» وكلّها عن ابن بريده عن أبيه ، كنز العمّال : 3 / 181 / 6057 .
4- .سنن الترمذى : 5 / 390 / 3271 ، سنن ابن ماجه : 2 / 1410 / 4219 ، مسند ابن حنبل : 7/253/20122 ، المستدرک على الصحيحين : 2/177/2690 ، السنن الكبرى : 7/219/13776 كلّها عن سمره ، كنز العمّال : 3 / 90 / 5634 ؛ تحف العقول : 373 عن المفضّل بن عمر عن الإمام الصادق عليه السلام نحوه ، الجعفريّات : 112 بإسناده عن الإمام علىّ عليه السلام وفيه «الحسب هو المال» .

5- .بحار الأنوار : 77 / 165 / 2 نقلاً عن عوالى اللآلى .
6- .غرر الحكم: 460 و 461 .
7- .معانى الأخبار : 405 / 67 عن الوليد بن العبّاس ، بحار الأنوار : 70 / 292 / 32 .

2 / 8مایه بزرگواری در دنیاپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :مایه بزرگواری دنیا ، توانگری است ؛ و مایه بزرگواری آخرت ، تقوا .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :شرف و گوهر مرد ، دارایی او است .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :همانا مایه شرافت مردم دنیا که انسان ها به آن می گرایند ، دارایی است .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :مایه شرافت ، دارایی است ؛ و مایه کرامت ، تقوا .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :یکی از دو تکیه گاه ، رتبه است ؛ و دیگری دارایی .

امام علی علیه السلام :توانگری ، آن کس را که سروری ندارد ، سروری می بخشد ؛ و دارایی ، آن را که نیرو ندارد ، نیرو می دهد .

امام صادق علیه السلام :گوهر آدمی به رفتار او است و شرافتش به دارایی اش .

.

الكافى عن الحجّال :قُلتُ لِجَميلِ بنِ دَرّاجٍ: قالَ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله: «إذا أتاكُم شَريفُ قَومٍ فَأكرِموهُ؟ قالَ: نَعَم. قُلتُ لَهُ: ومَا الشَّريفُ؟ قالَ: قَد سَأَلتُ أبا عَبدِ اللّهِ علَيه السلام عَنِ ذلِکَ ، فَقالَ : الشَّريفُ مَن كانَ لَهُ مالٌ . قُلتُ : فَمَا الحَسيبُ؟ قالَ : الَّذى يَفعَلُ الأَفعالَ الحَسَنَةَ بِمالِهِ وغَيرِ مالِهِ . قُلتُ : فَمَا الكَرَمُ؟ قالَ : التَّقوى . (1)

.

1- .الكافى : 8 / 220 / 272 .

الکافی از حجّال :به جَمیل بن دَرّاج گفتم: «پیامبر خدا صلی الله علیه و آلهفرموده است: هر گاه بزرگوارِ قومی نزد شما آمد ، احترامش نهید . گفت: «آری !» گفتم: «بزرگوار کیست؟» گفت: «در این باره ، از امام صادق علیه السلام سؤال کردم . فرمود : بزرگوار آن است که مال دارد » . گفتم: «نژاده و با گوهر کیست؟» گفت: «آن کس که با مال و غیر مال خویش ، کار نیکو کند» . گفتم: «کرامت چیست؟» گفت: «تقوا» .

.

الفصل الثالث: التخلّف الاقتصادی3 / 1فَقرُ المُجتَمَعِ مِن نِقَمِ اللّهالکتاب :« ضُرِبَتْ عَلَيْهِمُ الذِّلَّةُ أَيْنَ مَا ثُقِفُواْ إِلاَّ بِحَبْلٍ مِّنَ اللَّهِ وَ حَبْلٍ مِّنَ النَّاسِ وَ بَآءُو بِغَضَبٍ مِّنَ اللَّهِ وَ ضُرِبَتْ عَلَيْهِمُ الْمَسْكَنَةُ ذَ لِکَ بِأَنَّهُمْ كَانُواْ يَكْفُرُونَ بِئايَتِ اللَّهِ وَ يَقْتُلُونَ الْأَنبِيَآءَ بِغَيْرِ حَقٍّ ذَ لِکَ بِمَا عَصَواْ وَّ كَانُواْ يَعْتَدُونَ . (1) »

« كَدَأْبِ ءَالِ فِرْعَوْنَ وَ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ كَفَرُواْ بِئايَتِ اللَّهِ فَأَخَذَهُمُ اللَّهُ بِذُنُوبِهِمْ إِنَّ اللَّهَ قَوِىٌّ شَدِيدُ الْعِقَابِ * ذَ لِکَ بِأَنَّ اللَّهَ لَمْ يَکُ مُغَيِّرًا نِّعْمَةً أَنْعَمَهَا عَلَى قَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُواْ مَا بِأَنفُسِهِمْ وَ أَنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ . (2) »

« أَ لَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ بَدَّلُواْ نِعْمَتَ اللَّهِ كُفْرًا وَ أَحَلُّواْ قَوْمَهُمْ دَارَ الْبَوَارِ . (3) »

.

1- .آل عمران : 112 .
2- .الأنفال : 52 و 53 وراجع الرعد : 11 .
3- .إبراهيم : 28 .

3 / 1 فقر جامعه از مجازات های خداوند است

فصل سوم: واپس ماندگی اقتصادی3 / 1فقر جامعه از مجازات های خداوند استقرآن:«هر جا یافته شوند [مُهرِ] خواری بر آنان زده شده است ، مگر آن که به زنهاری [= امانی یا پیمانی]از خدای و زنهاری از مردم [= پیمان مسلمانان] روند و با خشمی از خدای بازگشتند [= سزاوار خشم خدای گشتند] و [مُهرِ] درماندگی و بیچارگی بر آنان زده شده؛ این ، بدان سبب است که به آیات خدا کفر می ورزیدند و پیامبران را به ناروا می کشتند . این ، از آن رو است که نافرمانی کردند و از اندازه در می گذشتند ».

«همانند عادت و روش فرعونیان و کسانی که پیش از آنان بودند که به آیات خدا کافر شدند؛ پس خدا آن ها را به سزای گناهانشان بگرفت ، زیرا که خدا نیرومند و سخت کیفر است * این [کیفر] از آن رو است که خدا هرگز بر آن نبوده که نعمتی را که بر مردمی ارزانی داشته ، دگرگون کند تا آن که آن ها آن چه را که در خودشان است ، دگرگون سازند [= حال خود را به کفر و ناسپاسی و ستمگری بگردانند] و خدا شنوا و دانا است .».

.

« وَ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلاً قَرْيَةً كَانَتْ ءَامِنَةً مُّطْمَئِنَّةً يَأْتِيهَا رِزْقُهَا رَغَدًا مِّن كُلِّ مَكَانٍ فَكَفَرَتْ بِأَنْعُمِ اللَّهِ فَأَذَقَهَا اللَّهُ لِبَاسَ الْجُوعِ وَ الْخَوْفِ بِمَا كَانُواْ يَصْنَعُونَ . (1) »

« فَأَعْرَضُواْ فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ سَيْلَ الْعَرِمِ وَ بَدَّلْنَهُم بِجَنَّتَيْهِمْ جَنَّتَيْنِ ذَوَاتَىْ أُكُلٍ خَمْطٍ وَ أَثْلٍ وَ شَىْ ءٍ مِّن سِدْرٍ قَلِيلٍ . (2) »

« وَ مَآ أَصَبَكُم مِّن مُّصِيبَةٍ فَبِمَا كَسَبَتْ أَيْدِيكُمْ وَ يَعْفُواْ عَن كَثِيرٍ . (3) »

الحديث :رسول اللّه صلى الله عليه و آله :إذا غَضِبَ اللّهُ عَلى اُمَّةٍ ولَم يُنزِلِ بِهَا العَذابَ ، غَلَت أسعارُها ، وقَصُرَت أعمارُها ، ولَم تَربَحِ تُجّارُها ، ولَم تَزكُ ثِمارُها ، ولَم تَغزُر أنهارُها ، وحُبِسَ عَنها أمطارُها ، وسُلِّطَ عَلَيها شِرارُها . (4)

عنه صلى الله عليه و آله :عَلامَةُ رِضَا اللّهِ تَعالى فى خَلقِهِ : عَدلُ سُلطانِهِم ، ورُخصُ أسعارِهِم . وعَلامَةُ غَضَبِ اللّهِ تَبارَكَ وتَعالى عَلى خَلقِهِ : جَورُ سُلطانِهِم ، وغَلاءُ أسعارِهِم . (5)

.

1- .النحل : 112 .
2- .سبأ : 16 .
3- .الشورى : 30 .
4- .الكافى : 5 / 317 / 53 عن الأصبغ بن نباته عن الإمام علىّ عليه السلام ، من لا يحضره الفقيه : 1 / 524 / 1489 ، تهذيب الأحكام : 3 / 148 / 319 وفيه «تعذب» بدل «تغزر» ، الأمالى للصدوق : 678 / 922 عن الأصبغ بن نباته عن الإمام علىّ عليه السلام عنه صلى الله عليه و آله ، الأمالى للطوسى : 201 / 343 عن إبراهيم بن زياد عن الإمام الصادق عليه السلام ، بحار الأنوار : 77 / 155 / 128 نقلاً عن تحف العقول ؛ الفردوس : 1 / 161 / 598 عن الإمام علىّ عليه السلام عنه صلى الله عليه و آله ، كنز العمّال : 7 / 839 / 21611 .
5- .الكافى : 5 / 162 / 1 ، تهذيب الأحكام : 7 / 158 / 700 ، الأُصول الستّه عشر : 3 كلّها عن عبد اللّه ابن جعفر ، من لا يحضره الفقيه : 3/

269 / 3974 ، تحف العقول : 40 ، بحار الأنوار : 77/143/36 .

«آیا ننگریستی به کسانی که [سپاس] نعمت خدا را به کفران و ناسپاسی بدل کردند و قوم خود را به سرای هلاکت درآوردند؟»

«و خداوند شهری را مَثَل می زند که امن و آرام بود ، روزیِ آن به فراوانی از هر جای می رسید ، امّا [مردم آن] نعمت های خدای را ناسپاسی کردند . پس خدا به سزای آن چه می کردند ، جامه گرسنگی و ترس به [مردمِ] آن چشانید .»

«پس روی گردانیدند [از فرمان خدا یا از سپاسگذاری] و سیل سخت بر آنان فرستادیم و دو بوستانشان را به دو بوستانی دیگر بدل کردیم با میوه ای تلخ و شوره گز و اندکی از کُنار .»

«و هر مصیبتی که به شما رسد ، به سبب کارهایی است که دست هاتان کرده و از بسیاری [گناهان]در می گذرد .»

حدیث:پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر گاه خداوند بر امّتی خشم گیرد و بر آن عذاب نازل نکند ، قیمت ها در آن بالا می رود ، آبادانی اش کاهش می یابد ، بازرگانانش سود نمی برند ، میوه هایش رشد نمی کنند ، جوی هایش پُر آب نمی گردند ، باران بر آن فرو نمی بارد ، و بَدانش بر آن سلطه می یابند .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :نشانه خشنودی خداوند در میان آفریدگانش چنین است: دادگریِ حکمرانشان و کاهش قیمت هاشان ؛ و نشانه خشم خدای تبارک و تعالی بر آفریدگانش این است: بیداگریِ حکمرانشان و افزایش قیمت هاشان .

.

الإمام الصادق عليه السلام فى قَولِ اللّهِ عز و جل : « إِنِّى أَرَاكُم بِخَيْرٍ (1) » : كانَ سِعرُهُم رَخيصا . (2)

تفسير الطبرى عن ابن عبّاس : « إِنِّى أَرَاكُم بِخَيْرٍ » قالَ : رُخْصُ السِّعرِ . « وَ إِنِّى أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ مُّحِيطٍ (3) » قالَ : غَلاءُ السِّعرِ . (4)

الفضيل عن الإمام الباقر عليه السلام :إنَّ الرَّجُلَ لَيُذنِبُ الذَّنبَ فَيُدرَأُ عَنهُ الرِّزقُ . و تَلا هذِهِ الآيَةَ : « إِذْ أَقْسَمُواْ لَيَصْرِمُنَّهَا مُصْبِحِينَ * وَ لاَ يَسْتَثْنُونَ * فَطَافَ عَلَيْهَا طَآئِفٌ مِّن رَّبِّكَ وَ هُمْ نَآئِمُونَ (5) . (6) »

تفسير القرآن العظيم عن جهم عن إبراهيم :أوحَى اللّهُ عز و جل إلى نَبِىٍّ مِن أنبِياءِ بَنى إسرائيلَ أن قُل لِقَومِكَ : إنَّهُ لَيسَ مِن أهلِ قَريَةٍ ولا أهلِ بَيتٍ يَكونونَ عَلى طاعَةِ اللّهِ فَيَتَحَوَّلونَ مِنها إلى مَعصِيَةِ اللّهِ إلاّ تَحَوَّلَ اللّهُ مِمّا يُحِبّونَ إلى ما يَكرَهونَ . ثُمَّ قالَ : إنَّ تَصديقَ ذلِكَ فى كِتابِ اللّهِ : « إِنَّ اللَّهَ لاَ يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُواْ مَا بِأَنفُسِهِمْ (7) . (8) »

.

1- .هود : 84 .
2- .من لا يحضره الفقيه : 3 / 268 / 3968 ، الكافى : 5 / 164 / 7 عن أحمد بن محمّد عن بعض أصحابه رفعه ، تفسير العيّاشى : 2 / 159 / 61 عن أحمد بن محمّد بن عيسى عن بعض أصحابنا عنه عليه السلام ، بحار الأنوار: 12 / 387 / 14 .
3- .هود : 84 .
4- .تفسير الطبرى : 7 / الجزء 12 / 98 ، الدرّالمنثور : 4 / 466 نقلاً عن ابن جرير وأبى الشيخ .
5- .القلم : 17 19 .
6- .الكافى 2 / 271 / 12 و ص 270 / 8 وفيه «فيزوى» بدل «فيدرأ» وكلاهما عن الفضيل ، الخصال : 620/10 عن محمّد بن مسلم وأبى بصير عن الإمام الصادق عن آبائه عن الإمام علىّ عليهم السلام ، عدّه الداعى: 197 عن ابن مسعود عن رسول اللّه صلى الله عليه و آله وكلاهما نحوه ؛ سنن ابن ماجه : 2/1334/4022 ، الزهد لابن المبارک : 29/ 86 كلاهما

عن ثوبان عن رسول اللّه صلى الله عليه و آلهوفيهما «إنّ الرجل لَيُحرَم الرزق بالذنب يصيبه» .
7- .الرعد : 11 .
8- .تفسير القرآن العظيم لابن أبى حاتم الرازى : 7 / 2232 / 12201 ، الدرّ المنثور : 4 / 617 .

امام صادق علیه السلام درباره سخن خدای که «من شما را در خوشی و آسایش می بینم» : قیمتِ [کالاها در میان]ایشان پایین بود .

تفسیر طبری از ابن عبّاس :[درباره آیه] «من شما را در خوشی و آسایش می بینم»] ابن عبّاس [گفته است:]مراد] پایین بودنِ قیمت ها است ؛ [و درباره آیه] «و بر شما از عذاب روزی فراگیر می ترسم» [ابن عبّاس] گفته است: [مراد]بالا بودن قیمت ها است .

الکافی از فضیل از امام باقر علیه السلام :«هر آینه ، آن گاه که انسان گناهی را مرتکب می شود ، روزی از او روی می گرداند» . آن گاه ، امام این آیه را تلاوت فرمود: «ما آن ها [اهل مکّه] را بیازمودیم [= به آن ها نعمت دادیم ، ولی کفر ورزیدند] ، چنان که خداوندانِ آن بوستان را آزمودیم ؛ آن گاه که سوگند خوردند که هر آینه بامداد پگاه [پنهان از مستمندان] میوه آن را خواهیم چید * و نگفتند : اگر خدای خواهد * پس شبانگاه که خفته بودند ، آفتی از سوی پروردگارت بر گِردِ آن [بوستان]بگردید» .

تفسیر القرآن العظیم از جهم از ابراهیم : خداوند به یکی از پیامبران بنی اسرائیل وحی کرد که به امّتش بگوید : «هر مردمِ آبادی ای یا اعضای خانه ای که نخست خدای را فرمان می برند و سپس به نافرمانیِ خدا روی می آورند ، بی گمان ، خداوند آن چه را آنان می پسندند به آن چه نمی پسندند ، تغییر می دهد» . سپس [آن پیامبر] گفت: تأیید این سخن ، در کتاب خدای چنین است: «همانا خداوند آن چه را گروهی دارند [از نعمت ها] ، دگرگون نمی کند تا آن گاه که آن چه را در خودشان است [= صفات و اعمال خود را]دگرگون کنند» .

.

الكافى عن أبو حمزه الثّمالىّ :قالَ أميرُ المُؤمِنينَ عليه السلام فى خُطبَتِهِ : أعوذُ بِاللّهِ مِنَ الذُّنوبِ الَّتى تُعَجِّلُ الفَناءَ ، فَقامَ إلَيهِ عَبدُ اللّهِ بنُ الكَوّاءِ اليَشكُرِىُّ فَقالَ : يا أميرَ المُؤمِنينَ ، أوَ تَكونُ ذُنوبٌ تُعَجِّلُ الفَناءَ؟ ! فَقالَ : نَعَم وَيلَكَ ! قَطيعَهُ الرَّحِمِ ، إنَّ أهلَ البَيتِ لَيَجتَمِعونَ ويَتَواسَونَ وهُم فَجَرَهٌ فَيَرزُقُهُمُ اللّهُ ، وإنَّ أهلَ البَيتِ لَيَتَفَرَّقونَ ويَقطَعُ بَعضُهُم بَعضا فَيَحرِمُهُمُ اللّهُ وهُم أتقِياءُ . (1)

الإمام علىّ عليه السلام :وَاللّهِ ، ما نَزَعَاللّهُ مِن قَومٍ نَعماءَ إلاّ بِذُنوبٍ اِجتَرَحوها ، فَاربِطوها بِالشُّكرِ ، وقَيِّدوها بِالطّاعَهِ . (2)

عنه عليه السلام فى حَديثِ الأَربَعِمِائَهِ : ما زالَت نِعمَهٌ ولا نَضارَهُ عَيشٍ إلاّ بِذُنوبٍ اِجتَرَحوا ؛ إنَّ اللّهَ لَيسَ بِظَلاّمٍ لِلعَبيدِ . (3)

عنه عليه السلام :حاصِلُ المَعاصِى التَّلَفُ . (4)

.

1- .الكافى : 2 / 347 / 7 ، بحار الأنوار : 74 / 137 / 107 .
2- .إرشاد القلوب : 150 .
3- .الخصال : 624 / 10 عن محمّد بن مسلم وأبى بصير عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام ، نهج البلاغه : الخطبه 178 ، تحف العقول : 114 كلاهما نحوه ، غرر الحكم : 9629 وفيه «غضاره» بدل «نضاره» ، بحار الأنوار : 73 / 350 / 47 و ج 93 / 289 / 5 .
4- .غرر الحكم : 4913 .

الکافی از ابوحمزه ثمالی :حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام در خطبه خویش فرمود: «پناه می جویم به خداوند از گناهانی که مرگ را زودرس می کنند» . پس عبداللّه بن کَوّاء یَشکُری برخاست و گفت: «ای امیرالمؤمنین! آیا به راستی گناهانی هستند که مرگ را زودرس کنند؟» امام فرمود: «وای بر تو! آری ؛ بریدن پیوند از خویشاوندان چنین است . هر آینه ، برخی خانواده ها هستند که گرد هم می آیند و با یکدیگر همراهی و همدلی می کنند و با آن که بدکارند ، خداوند به ایشان روزی عطا می کند ؛ لیکن برخی خانواده ها دچار پراکندگی می شوند و از هم پیوند می بُرند و با آن که نیک کردارند ، خداوند روزی ایشان را قطع می کند .

امام علی علیه السلام :به خدا سوگند! خدای از هیچ گروهی ، نعمت ها را نمی ستاند ، مگر به سبب گناهانی که مرتکب می شوند . پس با شکرگزاری ، نعمت ها را به چنگ آورید و با فرمان بردن از خدا ، آن ها را نگاه دارید .

امام علی علیه السلام :هیچ نعمت و زندگانی خرّمی از میان نرفت ، مگر به سبب گناهانی که [مردم] انجام دادند ؛ به راستی که خدای هرگز به بندگان ستم نمی ورزد .

امام علی علیه السلام :رهاورد گناهان ، از میان رفتنِ [نعمت ها] است .

.

عنه علیه السلام :إذا ظَهَرَتِ الجِناياتُ ارتَفَعَتِ البَرَكاتُ . (1)

عنه علیه السلام فی دُعائِهِ اللّهُمَّ وأستَغفِرُکَ لِکُلِّ ذَنبٍ یَدعو إلَی الغَیِّ ، ویُضِلُّ عَنِ الرُّشدِ ، ویُقِلُّ الرِّزقَ ، ویَمحَقُ التِّلدَ ، ویُخمِلُ الذِّکرَ . (2)

عنه علیه السلام فِی الاِستِسقاءِ : ألا وإنَّ الأَرضَ الَّتی تُقِلُّکُم وَالسَّماءَ الَّتی تُظِلُّکُم مُطیعَتانِ لِرَبِّکُم ، وما أصبَحَتا تَجودانِ لَکُم بِبَرَکَتِهِما تَوَجُّعا لَکُم ، ولا زُلفَةً إلَیکُم ، ولا لِخَیرٍ تَرجُوانِهِ مِنکُم ؛ ولکِن اُمِرَتا بِمَنافِعِکُم فَأَطاعَتا ، واُقیمَتا عَلی حُدودِ مَصالِحِکُم فَقامَتا . إنَّ اللّهَ یَبتَلی عِبادَهُ عِندَ الأَعمالِ السَّیِّئَهِ بِنَقصِ الثَّمَراتِ ، وحَبسِ البَرَکاتِ ، وإغلاقِ خَزائِنِ الخَیراتِ ؛ لِیَتوبَ تائِبٌ ، ویُقلِعَ مُقلِعٌ ، ویَتَذَکَّرَ مُتَذَکِّرٌ ، ویَزدَجِرَ مُزدَجِرٌ . وقَد جَعَلَ اللّهُ سُبحانَهُ الاِستِغفارَ سَبَبا لِدُرورِ الرِّزقِ ، ورَحمَهِ الخَلقِ ، فَقالَ سُبحانَهُ : « اسْتَغْفِرُواْ رَبَّکُمْ إِنَّهُ کَانَ غَفَّارًا * یُرْسِلِ السَّمَآءَ عَلَیْکُم مِّدْرَارًا * وَ یُمْدِدْکُم بِأَمْوَالٍ وَ بَنِینَ وَ یَجْعَل لَّکُمْ جَنَّتٍ وَ یَجْعَل لَّکُمْ أَنْهَرًا . (3) » فَرَحِمَ اللّهُ امرَأً اِستَقبَلَ تَوبَتَهُ ، وَاستَقالَ خَطیئَتَهُ ، وبادَرَ مَنِیَّتَهُ . (4)

عنه علیه السلام فِی الحِکَمِ المَنسوبَهِ إلَیهِ : ما ضَرَبَ اللّهُ العِبادَ بِسَوطٍ أوجَعَ مِنَ الفَقرِ . (5)

.

1- .غرر الحکم : 4030 .
2- .البلد الأمین : 39 ، بحار الأنوار : 87 / 327 / 5 .
3- .نوح : 10 12 .
4- .نهج البلاغه : الخطبه 143 ، بحار الأنوار : 91 / 312 / 3 .
5- .شرح نهج البلاغه : 20 / 301 / 444 .

امام علی علیه السلام :هر گاه گناهان جلوه گر شوند ، برکت ها رخت برمی بندند .

امام علی علیه السلام در دعای خویش : بار خدایا ! از تو آمرزش می جویم برای هر گناهی که به گمراهی فرا خوانَد ، از هدایت باز دارد ، روزی را کاهش دهد ، سود و ثمر را نابود سازد ، و یاد [و نامِ آدمی] را محو کند .

امام علی علیه السلام در طلبِ باران : بدانید زمینی که شما را بر پشت خود حمل می کند و آسمانی که بر سرتان سایه گسترده است ، فرمانبردار پروردگارتان هستند و اگر برکت ها ، خود را بر شما ارزانی می دارند ، بدان سبب نیست که بر شما دل می سوزانند یا می خواهند به شما تقرّب جویند یا از شما امید خیری دارند ؛ بلکه خداوند آن دو را فرمان داده که به شما سود رسانند و آن دو هم اطاعت کرده اند . خداوند زمین و آسمان را برای حفظ مصالح شما بر پای داشته و آن دو نیز بر پای ایستاده اند . همانا خدای ، بندگانش را که اعمال ناشایست مرتکب شوند ، به کاستن میوه هاشان و نگه داشتن برکت ها از ایشان و فروبستن گنجینه های خیر به روی آنان ، می آزماید ؛ تا توبه کننده توبه کند ، گناهکار از گناه باز ایستد ، پند گیرنده پند گیرد ، و آن که اراده گناه کرده منزجر شود . خداوند ، آمرزش خواستن را سبب فراوانیِ روزی و رحمت بر آفریدگان قرار داده ، که فرماید : «از پروردگارتان آمرزش بخواهید ، که او همواره آمرزگار است * تا آسمان را بر شما بارنده فرستد * و شما را به مال ها و پسران یاری کند و به شما بوستان ها دهد و برایتان جوی ها پدید آورد» . پس خداوند رحمت کند کسی را که به توبه روی آورد و از خطاهای خود بخشش طلبد و بر مرگ خود پیشی گیرد [= تدارکِ امر آخرت کند] .

امام علی علیه السلام در کلمات حکیمانه منسوب به او : خداوند ، بندگان را با تازیانه ای درد آورتر از فقر نمی زند .

.

الإمام الصادق عليه السلام :كانَ أبى عليه السلام يَقولُ : إنَّ اللّهَ قَضى قَضاءً حَتما أن لا يُنعِمَ عَلَى العَبدِ بِنِعمَةٍ فَيَسلُبَها إيّاهُ ، حَتّى يُحدِثَ العَبدُ ذَنبا يَستَحِقُّ بِذلِکَ النِّقمَةَ . (1)

عنه عليه السلام :أيُّما ناشٍ نَشَأَ فى قَومِهِ ثُمَّ لَم يُؤَدَّب عَلى مَعصِيَتِهِ ، كانَ اللّهُ عز و جلأوَّلُ ما يُعاقِبُهُم فيهِ أن يَنقُصَ مِن أرزاقِهِم . (2)

عنه عليه السلام :للّهِ عُقوبَتانِ : إحداهُما أمرُ الرّوحِ ، وَالاُخرى تَسليطُ بَعضِ النّاسِ عَلى بَعضٍ ؛ فَما كانَ مِن قِبَلِ الرّوحِ فَهُوَ السُّقمُ وَالفَقرُ ... . (3)

3 / 2شِدَّةُ الفَقرِ ومَرارَتُهُرسول اللّه صلى الله عليه و آله :الفَقرُ أشَدُّ مِنَ القَتلِ . (4)

عنه صلى الله عليه و آله :الفُقَر(اءُ) مِحَنُ الإِسلامِ . (5)

عنه صلى الله عليه و آله :أوحَى اللّهُ تَعالى إلى إبراهيمَ عليه السلام : خَلَقتُکَ وَابتَلَيتُکَ بِنارِ نُمرودَ ، فَلَو ابتَلَيتُکَ بِالفَقرِ وَرَفَعتُ عَنکَ الصَّبرَ فَما تَصنَعُ؟ قالَ إبراهيمُ عليه السلام : يا رَبِّ ، الفَقرُ إلَيَّ أشَدُّ مِن نارِ نُمرودَ . قالَ اللّهُ تَعالى : فَبِعِزَّتى وجَلالى ، ما خَلَقتُ فِى السَّماءِ وَالأَرضِ أشَدَّ مِنَ الفَقرِ . (6)

.

1- .الكافى : 2 / 273 / 22 عن أبى عمرو المدائنى وص 274 / 24 عن سماعه نحوه ، تفسير العيّاشى : 2 / 206 / 19 عن أبى عمرو المدائنى نحوه وفى ذيله «وذلک قول اللّه : «إِنَّ اللَّهَ لاَ يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ . . .» ، بحار الأنوار : 73 / 334 / 19 و ج 6 / 56 / 4 .
2- .ثواب الأعمال : 223 عن الحسين بن سالم ، بحار الأنوار : 100 / 78 / 32 .
3- .علل الشرايع : 108 / 5 عن السكونى ، تحف العقول : 355 وفيه «من الروح» بدل «أمر الروح» ، بحار الأنوار : 61 / 296 / 6 .
4- .جامع الأخبار : 299 / 816 ، بحار الأنوار : 72 / 47 / 58 .

5- .معانى الأخبار : 402 / 66 عن محمّد بن عبد الحميد عمّن حدّثه ، بحار الأنوار : 6 / 119 / 2 .
6- .جامع الأخبار : 299 / 817 ، بحار الأنوار : 72 / 47 / 58 .

امام صادق علیه السلام :پدرم می فرمود : «همانا خداوند حکم قطعی فرموده که هرگاه نعمتی به بنده ای داد ، دیگر آن را از وی نستانَد ، مگر این که آن بنده گناهی مرتکب شود که سزاوار چنین مجازاتی گردد .

امام صادق علیه السلام :هر گاه نوجوانی در میان قومی رشد کند [و گناه مرتکب شود]و به سبب گناهش تأدیب نشود ، نخستین مجازات خداوند برای آن قوم این است که روزی شان را می کاهد .

امام صادق علیه السلام :خدای را دو گونه مجازات است ؛ یکی مجازات جاری در درون انسان ، و دیگری مسلّط ساختن برخی از مردم بر برخی دیگر . مجازات های جاری در درون انسان ها از این قرارند: بیماری ، فقر ، ... .

3 / 2سختی و تلخیِ فقرپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :فقر ، سخترتر از کشتار است .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :فقیران ، بلاهای اسلامند .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :خدای تعالی به ابراهیم علیه السلام وحی فرمود: «تو را آفریدم و به آتش نُمرود آزمودم . اگر به فقر بیازمایمت و به تو صبر ندهم ، چه می کنی؟» ابراهیم علیه السلامگفت: «پروردگارم ! نزد من ، فقر سخت تر از آتش نمرود است» . خدای تعالی گفت: «پس به سرافرازی و شکوهم سوگند! در آسمان و زمین ، سخت تر از فقر نیافریده ام» .

.

عنه صلى الله عليه و آله :يا عَلِىُّ ، أربَعَهٌ مِن قَواصِمِ الظَّهرِ : . . . فَقرٌ لا يَجِدُ صاحِبُهُ مُداوِيا . (1)

عنه صلى الله عليه و آله :ما أشَدَّ حُزنَ النِّساءِ ، وأبعَدَ فِراقَ المَوتِ ! وأشَدُّ مِن ذلِکَ کُلِّهِ فَقرٌ يَتَمَلَّقُ صاحِبُهُ ثُمَّ لا يُعطى شَيئا . (2)

عنه صلى الله عليه و آله :الفَقرُ سَوادُ الوَجهِ فِى الدّارَينِ . (3)

الإمام علىّ عليه السلام :ثَلاثٌ هُنَّ المُحرِقاتُ الموبِقاتُ : فَقرٌ بَعدَ غِنىً ، وذُلٌّ بَعدَ عِزٍّ ، وفَقدُ الأَحِبَّهِ . (4)

عنه عليه السلام :ثَلاثٌ يَهدُدنَ القُوى : فَقدُ الأَحِبَّهِ ، وَالفَقرُ فِى الغُربَهِ ، ودَوامُ الشِّدَّهِ . (5)

عنه عليه السلام :الغِنى فِى الغُربَهِ وَطَنٌ ، وَالفَقرُ فِى الوَطَنِ غُربَهٌ . (6)

عنه عليه السلام :لَيسَ فِى الغُربَهِ عارٌ ؛ إنَّمَا العارُ فِى الوَطَنِ الاِفتِقارُ . (7)

.

1- .من لا يحضره الفقيه : 4 / 365 / 5762 عن حمّاد بن عمرو وأنس بن محمّد عن أبيه جميعا عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام ، الخصال : 206 / 24 عن أنس بن محمّد أبى مالک عن أبيه عن الإمام الصادق عليه السلامعنه صلى الله عليه و آله، روضه الواعظين: 424 وليس فيه «يا علىّ» ، بحارالأنوار : 72 / 39 / 35 و ج75 / 338 / 11.
2- .الكافى : 8 / 220 / 273 عن السكونى عن الإمام الصادق عليه السلام .
3- .عوالى اللآلى : 1 / 40 / 41 ، بحار الأنوار : 72 / 30 .
4- .غرر الحكم : 4682 .
5- .غرر الحكم : 4683 .
6- .نهج البلاغه : الحكمه 56 ، روضه الواعظين : 497 ، مشكاه الأنوار : 228 / 637 ، غرر الحكم : 1423 و1422 وفيه «ممتهن» بدل «غربه» ، بحار الأنوار : 72 / 46 / 57 .
7- .غرر الحكم : 7517 .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :ای علی! چهار چیز کمر را می شکنند ؛ . . . فقری که فردِ مبتلا به آن ، چاره ای برایش نیابد .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :چه سخت است اندوهگینیِ زنان ؛ و چه دوری آفرین است جداییِ مرگ! امّا از این همه سخت تر ، فقری است که فردِ مبتلا به آن ، چاپلوسی می کند ، لیکن چیزی نمی یابد .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :فقر ، در هر دو جهان ، مایه سیه رویی است .

امام علی علیه السلام :سه چیز ، سوزاننده و هلاکت آورند ؛ فقر پس از توانگری ، خواری پس از سرافرازی ، و از دست دادنِ دوستان .

امام علی علیه السلام :سه چیز توان ها را درهم می کوبند ؛ از دست دادنِ دوستان ، فقر در غربت ، و پایداریِ روزگارِ سختی .

امام علی علیه السلام :توانگری در غربت ، [همچون] وطن داشتن است ؛ و فقر در وطن ، [همچون] غربت .

امام علی علیه السلام :غریب بودن ننگ نیست ؛ ننگ ، فقیر بودن در وطن است .

.

عنه علیه السلام :مَنِ استَغنی کَرُمَ عَلی أهلِهِ ، ومَنِ افتَقَرَ هانَ عَلَیهِم . (1)

عنه علیه السلام :القَبرُ خَیرٌ مِنَ الفَقرِ . (2)

عنه علیه السلام :الفَقرُ المَوتُ الأَکبَرُ . (3)

عنه علیه السلام فی وَصِیَّتِهِ لِابنِهِ الحَسَنِ علیه السلام : یا بُنَیَّ ، إنَّ مِنَ البَلاءِ الفاقَهَ ، وأشَدُّ مِن ذلِکَ مَرَضُ البَدَنِ ، وأشَدُّ مِن ذلِکَ مَرَضُ القَلبِ . (4)

عنه علیه السلام :الفَقرُ مَعَ الدَّینِ المَوتُ الأَحمَرُ ؛ الفَقرُ مَعَ الدَّینِ الشَّقاءُ الأَکبَرُ . (5)

الإمام الصادق علیه السلام :ثَلاثٌ مَن ابتُلِیَ بِواحِدَهٍ مِنهُنَّ تَمَنَّی المَوتَ : فَقرٌ مُتَتابِعٌ ، وحُرمَهٌ فاضِحَهٌ ، وعَدُوٌّ غالِبٌ . (6)

عنه علیه السلام :أربَعَهُ أشیاءَ القَلیلُ مِنهاکَثیرٌ : النّارُ ، وَالعَداوَهُ ، وَالفَقرُ ، وَالمَرَضُ . (7)

عنه علیه السلام :إنَّ اللّهَ تَعالی یَقولُ [حِکایَهً عَن نَبِیِّهِ] : «لَوْ کُنتُ أَعْلَمُ الْغَیْبَ لاَسْتَکْثَرْتُ مِنَ الْخَیْرِ وَ مَا مَسَّنِیَ السُّوءُ ؛ (8) » یَعنِی الفَقرَ . (9)

.

1- .غرر الحکم : 8879 .
2- .الکافی : 8 / 21 / 4 عن جابر بن یزید عن الإمام الباقر علیه السلام ، غرر الحکم : 392 .
3- .نهج البلاغه : الحکمه 163 ، الخصال : 620 / 10 عن أبی بصیر ومحمّد بن مسلم عن الإمام الصادق عن آبائه عنه علیهم السلام ، الأمالی للمفید : 189 / 15 ، تنبیه الخواطر : 2 / 170 کلاهما عن رفاعه عن الإمام الصادق علیه السلام، المحاسن : 2 / 436 / 2510 عن أبی الجارود عن الإمام الباقر علیه السلام ، تفسیر العیّاشی: 1 / 120 / 379 عن عمرو بن جمیع رفعه ، بحار الأنوار : 72 / 45 / 54 .
4- .الأمالی للطوسی : 146 / 240 عن أبی وجزه السعدی عن أبیه ، نهج البلاغه : الحکمه 388 ، تحف العقول : 203 وفیه «ألا إنّ ...» ، بحار الأنوار

: 72 / 53 / 83 و ص 124 / 1 .
5- .غرر الحكم : 1308 و 1309 وراجع ميزان الحكمه: الفقر : 3230 الفقر من الدين موت احمر .
6- .تحف العقول : 318 ، بحار الأنوار : 78 / 232 / 31 .
7- .نثر الدرّ : 1 / 351 ؛ شرح نهج البلاغه : 20 / 276 / 190 عن الإمام علىّ عليه السلام نحوه .
8- .الأعراف : 188 .
9- .معانى الأخبار : 172 / 1 ، تفسير العيّاشى : 2 / 43 / 124 كلاهما عن خلف بن حمّاد عن رجل ، طب الأئمّه لابنى بسطام : 55 عن جابر الجعفيعن الإمام الباقر عليه السلام، بحار الأنوار: 26/102 و ج 86 / 143 .

امام علی علیه السلام :هر که توانگر باشد ، پیش خاندانش گرامی است ؛ و هر که فقیر باشد ، نزد ایشان خوار .

امام علی علیه السلام :گور بهتر از فقر است .

امام علی علیه السلام :فقر ، مرگِ سخت تر است .

امام علی علیه السلام در سفارش وی به فرزندش حسن علیه السلام : جانِ پسر! تنگدستی ، بلا است ؛ سخت تر از آن ، ناتندرستی ؛ و از آن سخت تر ، بیماریِ دل !

امام علی علیه السلام :فقر در حال وامداری ، مرگ سرخ است ؛ و تیره روزیِ سخت تر .

امام صادق علیه السلام :سه چیزند که هرکس به یکی از آن ها گرفتار شود ، مرگ را آرزو می کند : فقر دنباله دار ، برباد رفتگی ناموس ، چیرگیِ دشمن .

امام صادق علیه السلام :چهار چیزند که اندکشان هم بسیار است ؛ آتش ، دشمنی ، فقر ، و بیماری .

امام صادق علیه السلام :هر آینه خدای تعالی [از زبان پیامبرش] می فرماید : «و اگر غیب می دانستم ، همانا نیکی و خواسته بسیار گِرد می کردم و هیچ بدی و گزندی به من نمی رسید» ؛ و مراد از بدی و گزند ، فقر است .

.

عنه عليه السلام :مَرِضَ أميرُ المُؤمِنينَ عليه السلام فَعادَهُ قَومٌ فَقالوا لَهُ : كَيفَ أصبَحتَ يا أميرَ المُؤمِنينَ ؟ فَقالَ : أصبَحتُ بِشَرٍّ . فَقالوا : سُبحانَ اللّهِ ! هذا كَلامُ مِثلِکَ؟ فَقالَ : يَقولُ اللّهُ تَعالى : «وَ نَبْلُوكُم بِالشَّرِّ وَ الْخَيْرِ فِتْنَةً وَ إِلَيْنَا تُرْجَعُونَ ، (1) » فَالخَيرُ الصِّحَّةُ وَالغِنى ، وَالشَّرُّ المَرَضُ وَالفَقرُ ؛ ابتِلاءً وَاختِبارا . (2)

عنه عليه السلام :كانَ في ما أوصى بِهِ لُقمانُ ابنَهُ أن قالَ : يا بُنَيَّ . . . ذُقتُ المَراراتِ كُلَّها فَلَم أذُق شَيئا أمَرَّ مِنَ الفَقرِ . (3)

3 / 3الاِستِعاذَةُ مِنَ الفَقرِرسول اللّه صلى الله عليه و آله :اللّهُمَّ إنّى أعوذُ بِکَ مِنَ الكُفرِ ، وَالفَقرِ ، وعَذابِ القَبرِ . (4)

.

1- .الأنبياء : 35 .
2- .الدعوات : 168 / 469 ، تفسير مجمع البيان : 7 / 74 نحوه .
3- .الأمالى للصدوق : 766 / 1031 عن حمّاد بن عيسى ، قصص الأنبياء : 196 / 247 عن يحيى بن سعيد القطّان ، بحار الأنوار : 13 / 421 / 16 وراجع الكافى : 4 / 22 / 8 وكنز الفوائد : 2 / 66 .
4- .سنن النسائى: 3 / 74 وج 8 / 262 ، مسند ابن حنبل : 7 / 306 / 20403 وص 321 / 20469 ، المستدرک على الصحيحين: 1 / 90 / 99 و ص 383 / 927 كلّها عن أبى بكره ، كنز العمّال : 2 / 200 / 3746 نقلاً عن المعجم الكبير عن عثمان بن أبى وقّاص ؛ من لا يحضره الفقيه : 2 / 543 / 3135 عن معاويه بن عمّار عن الإمام الصادق عليه السلام عنه صلى الله عليه و آله نحوه .

3 / 3 پناه جُستن از فقر

امام صادق علیه السلام :حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام بیمار شد . گروهی به دیدار او رفتند و به وی گفتند: «ای امیرالمؤمنین! چگونه ای؟» فرمود: «بدحالم» . گفتند : «سبحان اللّه ! چون تویی چنین می گوید؟» فرمود: «خدای تعالی فرموده است: «و شما را به شر و خیر می آزماییم ، آزمودنی ؛ و به سوی ما بازگردانده می شوید» . مراد از خیر ، تندرستی و توانگری است ؛ و مراد از شر ، بیماری و نداری ؛ به منظور آزمایش و امتحانِ آدمیان» .

امام صادق علیه السلام :از جمله سفارش های لقمان به پسرش این بود : جانِ پسر! . . . همه تلخی ها را چشیدم ؛ چیزی تلخ تر از فقر نیافتم .

3 / 3پناه جُستن از فقرپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :بار خدایا! هر آینه از کفر و فقر و عذاب قبر به تو پناه می جویم .

.

عنه صلى الله عليه و آله :اللّهُمَّ بارِک لَنا فِی الخُبزِ ، ولا تُفَرِّق بَینَنا وبَینَهُ ؛ فَلَولاَ الخُبزُ ما صَلَّینا ولا صُمنا ، ولا أدَّینا فَرائِضَ رَبِّنا . (1)

عنه صلى الله عليه و آله :اللّهُمَّ إنّی أعوذُ بِکَ أن أفتَقِرَ فی غِناکَ . (2)

الإمام علیّ علیه السلام فی قُنوتِهِ : اللّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ ، وقَنِّعنی بِحَلالِکَ عَن حَرامِکَ ، وأعِذنی مِنَ الفَقرِ . (3)

الإمام زین العابدین علیه السلام :نَعوذُ بِکَ . . . مِن فِقدانِ الکَفافِ . . . ومِنَ الفَقرِ إلَی الأکفاءِ ، ومِن مَعیشَهٍ فی شِدَّهٍ . (4)

عنه علیه السلام مِن دُعائِهِ فی مَکارِمِ الأَخلاقِ : اللّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وآلِهِ . . . ولا تَجعَل عَیشی کَدّا کَدّا ، ولا تَرُدَّ دُعائی عَلَیَّ رَدّا ؛ فَإِنّی لا أجعَلُ لَکَ ضِدّا ، ولا أدعو مَعَکَ نِدّا . (5)

الإمام الباقر علیه السلام :اللّهُمَّ . . . لا تَرزُقنی رِزقا یُطغینی ولا تَبتَلِنی بِفَقرٍ أشقی بِهِ مُضَیَّقا عَلَیَّ ، أعطِنی . . . مَعاشا واسِعا هَنیئا مَریئا فی دُنیایَ ، ولاَ تَجعَلِ الدُّنیا عَلَیَّ سِجنا . (6)

.

1- .الکافی : 5 / 73 / 13 وج 6 / 287 / 6 ، المحاسن : 2 / 416 / 2460 کلّها عن أبی البختری رفعه ، بحار الأنوار : 66 / 270 / 6 .
2- .مُهج الدعوات : 134 ، نهج البلاغه : الخطبه 215 ، بحار الأنوار : 94 / 242 / 9 .
3- .بحار الأنوار : 85 / 261 / 5 نقلاً عن البلد الأمین .
4- .الصحیفه السجّادیه : 46 الدعاء 8 وراجع مُهج الدعوات : 36 .
5- .الصحیفه السجّادیه : 86 الدعاء 20 .
6- .الکافی : 2 / 589 / 26 ، تهذیب الأحکام : 3 / 77 / 234 کلاهما عن أبی حمزه الثمالی ، إقبال الأعمال : 1 / 108 عن الإمام الصادق علیه السلام ، بحار الأنوار : 97 / 379 / 1 .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :بار خدایا! برای ما در نان برکت قرار ده و میان ما و آن ، جدایی مینداز . اگر نان نبود ، ما نماز نمی خواندیم و روزه نمی گزاردیم و واجب های پروردگارمان را انجام نمی دادیم .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :بار خدایا! هر آینه به تو پناه می جویم از این که در [سایه]توانگری ات ، دچار فقر شوم .

امام علی علیه السلام در قنوت خویش : بار خدایا! بر محمّد و خاندانش درود فراوان فرست و مرا با حلالت از حرامت بی نیاز ساز و از فقر در امانم دار .

امام زین العابدین علیه السلام :به تو پناه می جوییم . . . از توان نداشتن برای تأمین نیازهای خود . . .و از فقر نزد همگنان و از زندگانیِ سخت .

امام زین العابدین علیه السلام از دعای مکارم الأخلاق وی :بار خدایا! بر محمّد و خاندانش درود فراوان فرست و زندگانی ام را سخت مساز و دعایم را باز مگردان ؛ که هر آینه من برای تو ناسازی قرار نمی دهم و با تو شریکی را نمی خوانم .

امام باقر علیه السلام :بار خدایا . . . مرا روزی ای مده که سرکشم سازد و به فقری دچارم مکن که به سببِ ابتلا در تنگنا به تیره بختی افتم . . . مرا در دنیایم زندگانی گشاده و شیرین و گوارا عطا فرما و دنیا را زندانِ من مساز .

.

الإمام الصادق عليه السلام :كانَ أبى عليه السلام يَقولُ إذا أصبَحَ : . . . اللّهُمَّ إنّى أعوذُ بِکَ مِن دَرکِ الشَّقاءِ ، ومِن شَماتَهِ الأَعداءِ ، وأعوذُ بِکَ مِنَ الفَقرِ وَالوَقرِ ، وأعوذُ بِکَ مِن سوءِ المَنظَرِ فِى الأَهلِ وَالمالِ وَالوَلَدِ . (1)

عنه عليه السلام :اللّهُمَّ ... لا تُفقِرنا بَعدَ إذ أغنَيتَنا . (2)

الإمام الكاظم عليه السلام فى دُعاءِ شَهرِ رَمَضانَ : اللّهُمَّ بِذلِکَ فَاکفِنى هَولَ هذِهِ السَّنَهِ وآفاتِها ، وأسقامَها وفِتنَتَها ، وشُرورَها وأحزانَها ، وضيقَ المَعاشِ فيها . (3)

.

1- .الكافى : 2 / 525 / 13 عن أبى بصير ، مصباح المتهجّد : 95 / 153 ، بحار الأنوار : 86 / 264 / 34 نقلاً عن مكارم الأخلاق .
2- .تهذيب الأحكام : 3 / 126 / 268 ، البلد الأمين : 235 كلاهما عن أبى بصير .
3- .الكافى : 4 / 73 / 3 ، تهذيب الأحكام : 3 / 108 / 266 ، المقنعه : 323 كلّها عن علىّ بن رئاب ، من لا يحضره الفقيه : 2 / 104 / 1848 ، الإقبال : 1 / 117 .

امام صادق علیه السلام :پدرم صبحگاهان می فرمود : « . . . بار خدایا ! هر آینه به تو پناه می برم از این که تیره بختی را درک کنم و از دشمنان سرزنش بینم . به تو پناه می جویم از فقر و سنگین باری ؛ و از این که در خاندان و دارایی و فرزندانم ، چهره ای زشت یابم» .

امام صادق علیه السلام :بار خدایا ! . . . از آن پس که مرا توانگری بخشیدی ، به فقر گرفتارم مکن .

امام کاظم علیه السلام در دعای ماه رمضان :بار خدایا ! بدین سان ، بیم و آفت های این سال و بیماری ها و فتنه و بدی ها و اندوه ها و تنگنایِ معیشت در آن را از من دور بدار .

.

الفصل الرابع: مضارّ التخلّف الاقتصادى4 / 1الكُفررسول اللّه صلى الله عليه و آله :كادَ الفَقرُ أن يَكونَ كُفرا . (1)

عنه صلى الله عليه و آله :لَولا رَحمَهُ رَبّى عَلى فُقَراءِ اُمَّتى ، كادَ الفَقرُ يَكونُ كُفرا . (2)

عنه صلى الله عليه و آله :إنَّما يَخشَى المُؤمِنُ الفَقرَ مَخافَهَ الآفاتِ عَلى دينِهِ . (3)

عنه صلى الله عليه و آله :نِعمَ الشَّىءُ الفَقرُ ، لَولا أنَّهُ يَهيجُ فِناءَ الكُفرِ . (4)

.

1- .الكافى : 2 / 307 / 4 عن السكونى عن الإمام الصادق عليه السلام ، الخصال : 12 / 40 عن السكونى عن الإمام الصادق عن أبيه عن آبائه عليهم السلامعنه صلى الله عليه و آله ، الأمالى للصدوق : 371 / 465 عن هشام بن سالم عن الإمام الصادق عليه السلام ، تنبيه الخواطر : 1 / 158 ؛ حليه الأولياء : 3 / 53 وص 109 وج 8 / 253 ، تاريخ أصبهان : 1 / 342 / 622 ، مسند الشهاب : 1 / 342 / 586 كلّها عن أنس عنه صلى الله عليه و آله .
2- .جامع الأخبار : 300 / 817 ، بحار الأنوار : 72 / 47 / 58 .
3- .ربيع الأبرار : 4 / 142 .
4- .الفردوس : 4 / 261 / 6770 عن محمّد بن الجنيد .

فصل چهارم: زیان های واپس ماندگی اقتصادی4 / 1کفرپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :فقر ، انسان را در آستانه کفر قرار می دهد .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :اگر پروردگار من به فقیران امّتم مهر نمی ورزید ، فقر آنان را در آستانه کفر قرار می داد .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :جز این نیست که بیم مؤمن از فقر از آن رو است که دینش آفت می پذیرد .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :اگر فقر ، کفر را به میدان داری برنمی انگیخت ، نیکو چیزی بود .

.

عنه صلى الله عليه و آله :أُذَكِّرُ اللّهَ والِىَ مِن بَعدى عَلى اُمَّتى ، ألاّ يَرحَمَ عَلى جَماعَهِ المُسلِمينَ ؛ فَأجَلَّ كَبيرَهُم ، ورَحِمَ ضَعيفَهُم ، ووَقَّرَ عالِمَهُم ، ولَم يَضُرَّ بِهِم فَيُذِلَّهُم ، ولَم يُفقِرهُم فَيُكفِرَهُم . (1)

ربيع الأبرار : سُئِلَ عَلِىٌّ عليه السلام :أىُّ شَىءٍ أقرَبُ إلَى الكُفرِ؟ فَقالَ : ذو فاقَهٍ لا صَبرَ لَهُ . (2)

الإمام علىّ عليه السلام :الفَقرُ طَرَفُ الكُفرِ . (3)

عنه عليه السلام فِى الحِكَمِ المَنسوبَهِ إلَيهِ : لا يَكُن فَقرُكَ كُفرا ، وغِناكَ طُغيانا . (4)

عنه عليه السلام فِى الدّيوانِ المَنسوبِ إلَيهِ : بَلَوتُ صُروفَ الدَّهرِ سِتّينَ حِجَّهً‌وجَرَّبتُ حالَيهِ مِنَ العُسرِ وَاليُسرِ فَلَم أرَ بَعدَ الدّينِ خَيرا مِنَ الغِنيولَم أرَ بَعدَ الكُفرِ شَرّا مِنَ الفَقرِ (5)

4 / 2الجَهلالإمام الصادق عليه السلام فى بَيانِ جُنودِ العَقلِ وَالجَهلِ : وَالغِنى وضِدُّهُ الفَقرُ . (6)

.

1- .الكافى : 1 / 406 / 4 ، قرب الإسناد : 100 / 337 كلاهما عن حنان بن سدير عن الإمام الصادق عليه السلام ، بحار الأنوار : 22 / 495 / 41 وج 27 / 246 / 6 .
2- .ربيع الأبرار : 2 / 517 .
3- .مطالب السؤول : 56 ؛ بحار الأنوار : 78 / 12 / 70 .
4- .شرح نهج البلاغه : 20 / 296 / 388 .
5- .الديوان المنسوب إلى الإمام علىّ عليه السلام : 262 / 185 .
6- .الكافى : 1 / 22 / 14 ، الخصال : 590 / 13 ، علل الشرايع : 114 / 10 ، المحاسن : 1 / 313 / 620 ، مشكاه الأنوار : 442 / 1485 كلّها عن سماعه بن مهران ، بحار الأنوار : 1 / 158 / 30 .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :آن کس را که پس از من بر امّتم حکمرانی یابد ، به یاد خدا توصیه می کنم ؛ که حتما بر جماعت مسلمانان مهر ورزد ؛ بزرگسالانشان را گرامی شمارد ، بر ناتوانانشان رحمت آورد ، دانشمندانشان را بزرگ دارد ، و آنان را زیان نرساند که خوارشان سازد و به فقر دچارشان نکند که کافرشان کند .

ربیع الابرار : از امام علی علیه السلامپرسیده شد : «چه چیز به کفر نزدیک تر است؟» فرمود: «[فقرِ] فقیری که او را صبر نیست» .

امام علی علیه السلام :فقر ، کناره کفر است .

از امام علی علیه السلام در کلمات حکیمانه منسوب به او : مباد که فقرت به کفر بینجامد و توانگری ات به سرکشی!

از امام علی علیه السلام در دیوان منسوب به وی : شصت سال ، دگرگونی های روزگار را آزمودمو هم حالت تنگنایش را تجربه کردم و هم حال آسانی اش را پس چیزی را ماورای دین ، بهتر از توانگری نیافتمو چیزی را ماورای کفر ، بدتر از فقر ندیدم

4 / 2نادانیامام صادق علیه السلام در شمارش سپاهیان دانش و نادانی : و [دیگر از سپاهیان دانش]توانگری است که ضدّ آن ، فقر است .

.

عنه عليه السلام :خَمسُ خِصالٍ مَن فَقَدَ واحِدَةً مِنهُنَّ لَم يَزَل ناقِصَ العَيشِ زائِلَ العَقلِ مَشغولَ القَلبِ ؛ فَأَوَّلُها : صِحَّةُ البَدَنِ ، وَالثّانِيَةُ : الأَمنُ ، وَالثّالِثَةُ : السَّعَةُ فِى الرِّزقِ ... . (1)

الإمام علىّ عليه السلام لِابنِهِ الحَسَنِ عليه السلام : لا تَلُم إنسانا يَطلُبُ قوتَهُ ؛ فَمَن عَدِمَ قوتَهُ كَثُرَ خَطاياهُ . (2)

4 / 3الذِّلَّهالإمام علىّ عليه السلام :القِلَّةُ ذِلَّهٌ . (3)

عنه عليه السلام :إنَّ الفَقرَ مَذَلَّهٌ لِلنَّفسِ، مَدهَشَهٌ لِلعَقلِ، جالِبٌ لِلهُمومِ . (4)

عنه عليه السلام :الفَقيرُ فِى الوَطَنِ مُمتَهَنٌ . (5)

عنه عليه السلام فِى الحِكَمِ المَنسوبَهِ إلَيهِ : مَن أثرى كَرُمَ عَلى أهلِهِ ، ومَن أملَقَ هانَ عَلى وُلدِهِ . (6)

عنه عليه السلام فِى الحِكَمِ المَنسوبَهِ إلَيهِ : إذا أيسَرتَ فَكُلُّ الرِّجالِ رِجالُکَ ، وإذا أعسَرتَ أنكَرَکَ أهلُکَ . (7)

.

1- .الخصال : 284 / 34 عن أبى خالد السجستانى ، بحار الأنوار : 74 / 186 / 5 .
2- .جامع الأخبار : 300 / 818 ، بحار الأنوار : 72 / 47 / 58 .
3- .مطالب السؤول : 56 ؛ بحار الأنوار : 78 / 12 / 70 .
4- .غرر الحكم : 3428 .
5- .غرر الحكم : 1422 .
6- .شرح نهج البلاغه : 20 / 308 / 529 .
7- .شرح نهج البلاغه : 20 / 289 / 309 .

4 / 2 نادانی

4 / 3 خواری

امام صادق علیه السلام :پنج ویژگی اند که هر کس یکی از آن ها را نداشته باشد ، همواره زندگی اش کاستی دارد ، عقلش زوال می پذیرد ، و دلش دغدغه دارد ؛ یکم تندرستی ، دوم امنیّت ، سوم گشایشِ روزی ، ... .

امام علی علیه السلام به پسرش حسن علیه السلام : کسی را که در پی روزی است ، سرزنش مکن ؛ که هر کس بی روزی مانَد ، خطاهایش بسیار می شود .

4 / 3خواریامام علی علیه السلام:کم داشتن ، خواری است .

امام علی علیه السلام:هر آینه فقر ، خواریِ جان است و مایه سرگشتگیِ عقل و فراهم آورنده اندوه .

امام علی علیه السلام:فقیر در وطن ، فرومایه است .

امام علی علیه السلام در کلمات حکیمانه منسوب به او : آن که توانگر باشد ، نزد خاندانش گرامی است ؛ و آن که تنگدست باشد ، نزد فرزندانش خوار .

امام علی علیه السلام در کلمات حکیمانه منسوب به او : هر گاه گشاده دست باشی ، همه مردان مردانِ تواند ؛ و هر گاه به تنگدستی افتی ، خانواده ات نیز تو را نمی شناسند .

.

عنه علیه السلام فِی الحِکَمِ المَنسوبَهِ إلَیهِ : نَظَرتُ إلی کُلِّ ما یُذِلُّ العَزیزَ ویَکسِرُهُ ، فَلَم أرَ شَیئا أذَلَّ لَهُ ولا أکسَرَ مِنَ الفاقَهِ . (1)

عنه علیه السلام فِی الحِکَمِ المَنسوبَهِ إلَیهِ : سوءُ حَملِ الغِنی یورِثُ مَقتا ، وسوءُ حَملِ الفاقَهِ یَضَعُ شَرَفا . (2)

الإمام الصادق علیه السلام :خَمسَهٌ مِن خَمسَهٍ مُحالٌ : . . . وَالهَیبَهُ مِنَ الفَقیرِ مُحالٌ . (3)

الإمام علیّ علیه السلام فِی الدّیوانِ المَنسوبِ إلَیهِ : مَساکینُ أهلِ الفَقرِ حَتّی قُبورُهُمعَلَیها تُرابُ الذُّلِّ بَینَ المَقابِرِ (4)

4 / 4النِّسیانرسول اللّه صلی الله علیه و آله :یا أبا ذَرٍّ ، هَل یَنتَظِرُ أحَدُکُم إلاّ غِنیً مُطغِیا ، أو فَقرا (5) مُنسِیا؟ ! (6)

الإمام علیّ علیه السلام :الفَقرُ یُنسی . (7)

.

1- .شرح نهج البلاغه : 20 / 293 / 355 .
2- .شرح نهج البلاغه : 20 / 287 / 285 .
3- .من لا یحضره الفقیه : 4 / 58 / 5092 ، الخصال : 269 / 5 عن أبی عبد اللّه البرقی رفعه ، بحار الأنوار : 78/194/9 .
4- .الدیوان المنسوب إلی الإمام علیّ علیه السلام : 264 / 187 .
5- .فی المصدر: «فقیرا» وما نقلناه هو الصحیح کما فی مکارم الأخلاق .
6- .الأمالی للطوسی : 527 / 1162 ، مکارم الأخلاق : 2 / 364 / 2661 کلاهما عن أبی الأسود الدؤلی ، بحار الأنوار : 77 / 76 / 2 وج 81 / 188 / 45 نقلاً عن الدعوات للراوندی ؛ المستدرک علی الصحیحین : 4 / 357 / 7906 عن أبی هریره نحوه ، کنز العمّال : 15 / 906 / 43564 .
7- .غرر الحکم : 24 .

امام علی علیه السلام در کلمات حکیمانه منسوب به او : نگریستم به هر چه عزیز را خوار و سرشکسته می کند ؛ هیچ چیز را برای خوار ساختن و سرشکسته کردن وی بدتر از فقر ندیدم .

امام علی علیه السلام در کلمات حکیمانه منسوب به او) : بد بهره بردن از توانگری ، کینه و نفرت را بر جای می نهد و بد تحمّل کردنِ فقر ، شرافت را می کاهد .

امام صادق علیه السلام :پنج چیز از پنج کس ناممکن است: . . . و فقیر را شکوهمندی ممکن نیست .

امام علی علیه السلام در دیوان منسوب به وی :امام علی علیه السلام در دیوان منسوب به وی : فقیران نیازمند [چنان خوارند که] حتّی بر گورهاشان نیزدر میانه گورستان ها ، خاکِ خواری نشسته است .

4 / 4فراموشیپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :ای ابوذر! آیا هر یک از شما انتظار دارد جز توانگری سرکشی زا یا فقر فراموشی آور را؟

امام علی علیه السلام:فقر ، فراموشی آور است .

.

4 / 5النَّوادِررسول اللّه صلى الله عليه و آله :الفَقرُ وَالجَهلُ يَكشِفانِ كُلَّ عَيبٍ . (1)

الإمام علىّ عليه السلام :الحِرمانُ خِذلانٌ . (2)

عنه عليه السلام :مَنِ افتَقَرَ فيها [أى فِى الدُّنيا] حَزِنَ . (3)

عنه عليه السلام :لَقَد عُلِّقَ بِنِياطِ هذَا الإِنسانِ بَضعَةٌ هِىَ أعجَبُ ما فيهِ ، وذلِكَ القَلبُ ، وذلِكَ أنَّ لَهُ مَوادَّ مِنَ الحِكَمَهِ وأضداداً مِن خِلافِها . . . وإن عَضَّتهُ الفاقَهُ شَغَلَهُ البَلاءُ . (4)

عنه عليه السلام :ضَرورَهُ الفَقرِ تَبعَثُ عَلى فَظيعِ الأَمرِ . (5)

عنه عليه السلام :الفَقرُ يُخرِسُ الفَطِنَ عَن حُجَّتِهِ ، وَالمُقِلُّ غَريبٌ فى بَلدَتِهِ . (6)

عنه عليه السلام :الدَّولَهُ تَرُدُّ خَطاءَ صاحِبِها صَوابا ، وصَوابَ ضِدِّهِ خَطاءً . (7)

عنه عليه السلام لِابنِهِ الإِمامِ الحَسَنِ عليه السلام : يا بُنَىَّ ، الفَقيرُ حَقيرٌ ؛ لا يُسمَعُ كَلامُهُ ، ولا يُعرَفُ مَقامُهُ ، ولَو كانَ الفَقيرُ صادِقا يُسَمّونَهُ كاذِبا ، ولَو كانَ زاهِدا يُسَمّونَهُ جاهِلاً . يا بُنَىَّ ، مَنِ ابتُلِىَ بِالفَقرِ فَقَدِ ابتُلِىَ بِأربَعِ خِصالٍ : بِالضَّعفِ فى يَقينِهِ ، وَالنُّقصانِ فى عَقلِهِ ، وَالرِّقَّهِ فى دينِهِ ، وقِلَّهِ الحَياءِ فى وَجهِهِ ، فَنَعوذُ بِاللّهِ مِنَ الفَقرِ . (8)

.

1- .الفردوس : 3 / 71 / 4200 عن ابن عبّاس ، كنز العمّال : 10 / 134 / 28669 .
2- .غرر الحكم : 101 .
3- .نهج البلاغه : الخطبه 82 ، خصائص الأئمّه عليهم السلام : 118 ، تحف العقول : 201 ، الأمالى للسيّد المرتضى : 1/107،الاختصاص: 188، بحار الأنوار: 73/120/110؛ مطالب السؤول: 52، المناقبللخوارزمى: 364 / 379 عن عبيد اللّه بن محمّد التقى عن شيخ من بنى عدى ، كنز العمّال : 3 / 720 / 8567 .

4- .نهج البلاغه : الحكمه 108 ، خصائص الأئمّه عليهم السلام : 97 نحوه ، بحار الأنوار : 70 / 60 / 41 .
5- .غرر الحكم : 5894 .
6- .نهج البلاغه : الحكمه 3 ، أعلام الدين : 159 ، روضه الواعظين : 497 ، مشكاه الأنوار : 228 / 637 ، بحار الأنوار : 72 / 46 / 57 وراجع دستور معالم الحكم : 23 .
7- .غرر الحكم : 1806 .
8- .جامع الأخبار : 300 / 818 ، بحار الأنوار : 72 / 47 / 58 .

4 / 5گوناگونپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :ناداری و نادانی ، هر عیبی را آشکار می کنند .

امام علی علیه السلام :بی روزی ماندن ، خوارمایگی است .

امام علی علیه السلام :هر که در آن [= دنیا] گرفتار فقر شود ، اندوهگین است .

امام علی علیه السلام :به رگ دل انسان ، پاره ای گوشت آویخته است که از شگفت ترین چیزها است ؛ و آن ، قلب او است که در آن ، مایه هایی از حکمت است و مایه هایی خلاف آن . . . واگر به فقر دچار آید ، به بلا افتد .

امام علی علیه السلام :ناچاریِ فقر ، انسان را به کار[های] زشت و وحشت انگیز وا می دارد .

امام علی علیه السلام :فقر ، زبان زیرک را از بیان حجّتش برمی بندد و بینوا در شهر خود غریب است .

امام علی علیه السلام :دولتمندی ، نادرستِ توانگر را درست جلوه می دهد و درستِ فقیر را نادرست .

امام علی علیه السلام به پسرش امام حسن علیه السلام : جانِ پسر! فقیر کوچک است ؛ سخنش شنیده نمی شود ؛ و رتبه اش دانسته نیست . فقیر هر چند که راستگو باشد ، دروغگویش می خوانند و اگر زهد پیشه کند ، نادانش می شمارند . جان پسر! هر کس گرفتار فقر شود ، به چهار خصلت مبتلا گردد : سستی در باورش ، کاستی در خِرَدش ، سَبُکی در دینش ، و کم حیایی در چهره اش . پس از فقر به خداوند پناه می جوییم .

.

عنه علیه السلام لِابنِهِ مُحَمَّدِ بنِ الحَنَفِیَّهِ : یا بُنَیَّ ، إنّی أخافُ عَلَیکَ الفَقرَ ، فَاستَعِذ بِاللّهِ مِنهُ ؛ فَإِنَّ الفَقرَ مَنقَصَهٌ لِلدّینِ ، مَدهَشَهٌ لِلعَقلِ ، داعِیَهٌ لِلمَقتِ . (1)

الإمام الصادق علیه السلام :فِی الفَقرِ الحاجَهُ إلَی البَخیلِ . (2)

عنه علیه السلام :غَلاءُ السِّعرِ یُسیءُ الخُلُقَ ، ویُذهِبُ الأَمانَهَ ، ویُضجِرُ المَرءَ المُسلِمَ . (3)

الإمام الرضا علیه السلام :المَسکَنَهُ مِفتاحُ البُؤسِ . (4)

الإمام علیّ علیه السلام فِی الدّیوانِ المَنسوبِ إلَیهِ : غالَبتُ کُلَّ شَدیدَهٍ فَغَلَبتُهاوَالفَقرُ غالَبَنی فَأَصبَحَ غالِبی إن أُبدِهِ یَفضَح وإن لَم أُبدِهِیَقتُل فَقُبِّحَ وَجهُهُ مِن صاحِبِ (5)

.

1- .نهج البلاغه : الحکمه 319 ، بحار الأنوار : 72 / 53 / 83 .
2- .من لا یحضره الفقیه : 4 / 401 / 5862 ، الخصال : 153 / 188 ، الأمالی للصدوق : 471 / 629 کلّها عن عبد اللّه بن مسکان ، بحار الأنوار : 73 / 301 / 5 وج 78 / 191 / 3 .
3- .الکافی : 5 / 164 / 6 عن حفص بن عمر عن رجل .
4- .العُدد القویّه : 297 / 28 ، الدرّه الباهره : 37 ، نزهه الناظر : 129 / 13 وفیهما «المسأله» بدل «المسکنه» ، بحار الأنوار : 78 / 353 / 9 .
5- .الدیوان المنسوب إلی الإمام علیّ علیه السلام : 72 / 29 .

امام علی علیه السلام به پسرش محمّد بن حنفیّه : جانِ پسر! هر آینه از فقر بر تو بیمناکم . پس از فقر به خدا پناه جوی ؛ که فقر سبب کاستیِ دین ، زشت اندیشی ، و زمینه ساز کینه و دشمنی است .

امام صادق علیه السلام :در [حال] فقر ، نیاز به بخیل پیش می آید .

امام صادق علیه السلام :افزایش قیمت[ها] سبب بدرفتاری است ؛ امانتداری را از میان می بَرَد ؛ و انسان مسلمان را به ستوه می آورد .

امام رضا علیه السلام :نیازمندی ، کلید تیره روزی است .

امام علی علیه السلام در دیوان منسوب به او : با هر دشواری رویارو گشتم و بر آن چیره شدمامّا فقر که با من روبه رو شد ، بر من چیره گشت . اگر آشکارش کنم ، مایه رسوایی است و اگر بپوشانمش ،مرا می کشد ؛ پس چه بدهمنشینی است که رویش سیاه باد!

.

الفصل الخامس: التنميه الموعوده فی الإسلامالکتاب :« وَعَدَ اللَّهُ الَّذِینَ ءَامَنُواْ مِنکُمْ وَ عَمِلُواْ الصَّلِحَتِ لَیَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِی الْأَرْضِ کَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِینَ مِن قَبْلِهِمْ وَ لَیُمَکِّنَنَّ لَهُمْ دِینَهُمُ الَّذِی ارْتَضَی لَهُمْ وَ لَیُبَدِّلَنَّهُم مِّن بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا یَعْبُدُونَنِی لَایُشْرِکُونَ بِی شَیْئا وَ مَن کَفَرَ بَعْدَ ذَ لِکَ فَأُوْلَ ءِکَ هُمُ الْفَسِقُونَ .»

ا (1) لحدیث :رسول اللّه صلی الله علیه و آله :لا تَقومُ السّاعَهُ حَتّی یَکثُرَ فیکُمُ المالُ ، فَیَفیضَ حَتّی یُهِمَّ رَبَّ المالِ مَن یَقبَلُ صَدَقَتَهُ ، وحَتّی یَعرِضَهُ فَیَقولَ الَّذی یَعرِضُهُ عَلَیهِ : لا أَرَبَ لی . (2)

عنه صلی الله علیه و آله :یَخرُجُ فی آخِرِ اُمَّتِی المَهدِیُّ ؛ یَسقیهِ اللّهُ الغَیثَ ، وتُخرِجُ الأَرضُ نَباتَها ، ویُعطَی المالُ صَحاحا ، وتَکثُرُ الماشِیَهُ ، وتَعظُمُ الاُمَّهُ ، یَعیشُ سَبعا أو ثَمانِیا یَعنی حِجَجا . (3)

.

1- .النور : 55 .
2- .صحیح البخاری : 2 / 512 / 1346 وج 6 / 2606 / 6704 ، صحیح مسلم : 2 / 701 / 61 ، مسند ابن حنبل: 3/627/10864 کلاهما نحوه وکلّها عن أبیهریره، کنزالعمّال: 14/204/38401.
3- .المستدرک علی الصحیحین: 4/601/8673 عن أبی سعید الخدری، کنز العمّال:14/273/38700.

فصل پنجم : توسعه نوید داده شده در اسلام

فصل پنجم: توسعه نوید داده شده در اسلامقرآن:«خدا آن کسان از شما را که ایمان آوردند و کارهای نیک و شایسته کردند ، وعده داده که هر آینه آنان را در زمین جانشین [دیگران] کند ، چنان که کسانی را که پیش از ایشان بودند ، جانشین کرد و دینشان را که برایشان پسندیده است ، بر جای و استوار سازد و بیمشان را به ایمنی دگرگون کند ، در حالی که مرا پرستند و چیزی را با من شریک نسازند؛ و هر که پس از آن کفر ورزد و ناسپاسی کند ، آنانند بدکارانِ نافرمان .»

حدیث:پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :رستاخیز برپا نمی شود مگر آن که [پیش از آن] مال در میان شما فراوان گردد و فراگیر شود ، چندان که صاحب مال نگرانِ یافتنِ کسی باشد که صدقه اش را بپذیرد و به هر که مالش را عرضه کند ، گوید : «مرا نیازی نیست» .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :در امّت واپسین من ، مهدی برمی خیزد که خداوند باران را به او می نوشاند و [بدین سان] زمین روییدنی هایش را برون می آورد ؛ مال به درستی بخشیده می شود ؛ چهارپایان فزونی می گیرند ؛ امّت شکوه می یابد . او هفت یا هشت سال [حکمرانی و] زندگی می کند .

.

عنه صلى الله عليه و آله :يَكونُ فى اُمَّتِى المَهدِىُّ ، إن قُصِرَ فَسَبعٌ وإلاّ فَتِسعٌ ، فَتَنعَمُ فيهِ اُمَّتى نَعمَةً لَم يَنعَموا مِثلَها قَطّ ؛ تُؤتِى [الأَرضُ] اُكُلَها ، ولا تَدَّخِرُ مِنهُم شَيئا ، وَالمالُ يَومَئِذٍ كُدوسٌ؛ فَيَقومُ الرَّجُلُ فَيَقولُ: يا مَهدِىُّ أعطِنى، فَيَقولُ : خُذ . (1)

مسند ابن حنبل عن أبو سعيد الخدرىّ :قالَ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله : اُبَشِّرُكُم بِالمَهدِىِّ؟ يُبعَثُ فى اُمَّتى عَلَى اختِلافٍ مِنَ النّاسِ وزَلازِلَ ، فَيَملَأُ الأَرضَ قِسطا وعَدلاً كَما مُلِئَت جَورا وظُلما ؛ يَرضى عَنهُ ساكِنُ السَّماءِ وساكِنُ الأَرضِ ؛ يَقسِمُ المالَ صِحاحا . فَقالَ لَهُ رَجُلٌ : ما صِحاحا؟ قالَ : بِالسَّوِيَّةِ بَينَ النّاسِ . قالَ : ويَملَأُ اللّهُ قُلوبَ اُمَّةِ مُحَمَّدٍ صلى الله عليه و آله غِنىً ، ويَسَعُهُم عَدلُهُ ، حَتّى يَأمُرَ مُنادِيا فَيُنادى فَيَقولُ : مَن لَهُ فى مالٍ حاجَةٌ ؟ فَما يَقومُ مِنَ النّاسِ إلاّ رَجُلٌ ، فَيَقولُ : اِيتِ السَّدّانَ يَعنِى الخازِنَ فَقُل لَهُ : إنَّ المَهدِىَّ يَأمُرُكَ أن تُعطِيَنى مالاً ، فَيَقولُ لَهُ : اُحثُ ، حَتّى إذا جَعَلَهُ فى حِجرِهِ وأبرَزَهُ نَدِمَ ؛ فَيَقولُ : كُنتُ أجشَعَ اُمَّةِ مُحَمَّدٍ نَفسا ، أوَ عَجَزَ عَنّى ما وَسِعَهُم !؟ قالَ : فَيَرُدُّهُ ، فَلا يُقبَلُ مِنهُ ، فَيُقالُ لَهُ : إنّا لا نَأخُذُ شَيئا أعطَيناهُ . (2)

.

1- .سنن ابن ماجه : 2 / 1367 / 4083 ، المستدرک على الصحيحين : 4 / 601 / 8675 كلاهما عن أبى سعيد الخدرى ، المعجم الأوسط : 5 / 311 / 5406 عن أبى هريره نحوه ، كنز العمّال : 14 / 274 / 38706 ؛ بحار الأنوار : 51 / 88 .

2- .مسند ابن حنبل : 4/75/11326 وص104/11484، الصواعق المحرقه: 166 كلاهما نحوه ، عقد الدرر: 164، كنز العمّال: 14/261/38653 ؛ دلائل الإمامه : 471/463 نحوه ، الملاحم والفتن: 322 / 465 .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :در امّت من مهدی [حاکم] خواهد بود و دوران حکومتش دست کم هفت سال و حدّاکثر نُه سال خواهد بود . در آن دوره ، امّت من از چنان نعمتی برخوردار خواهد بود که تا پیش از آن ، هرگز از آن برخوردار نبوده است . زمین خوردنی هایش را می بخشد و هیچ چیز را از آنان پنهان نمی دارد . در آن هنگام ، مال خرمن خرمن است ؛ فرد برمی خیزد و می گوید :«ای مهدی! مرا مالی بخش» ؛ پس وی می فرماید: «برگیر [آن قدر که می خواهی]» .

مسند ابن حنبل از ابوسعید خدری :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود : «آیا شما را به مهدی نوید دهم؟ آن گاه که مردم دچار اختلاف و لرزش های شدید باشند ، وی در میان امّت من برانگیخته خواهد شد و زمین را همان گونه که از ستم و زور انباشته شده ، از عدل و داد سرشار کند . هم آن که در آسمان سکونت دارد و هم آن که در زمین ساکن است ، از او خشنود است . او مال را به درستی بخش می کند» . مردی به وی گفت: « به درستی یعنی چه؟» فرمود: «[یعنی مال را]به مساوات میان مردم [تقسیم می کند]» . و فرمود: «و خداوند دل های امّت محمّد را از توانگری سرشار می کند و عدل مهدی همه آن ها را فرا می گیرد ، چندان که ندا دهنده ای بانگ برآوَرد : آیا کسی هست که به مالی نیاز داشته باشد؟ از مردم ، جز یک نفر ، کسی برنمی خیزد . مهدی به وی می فرماید: نزد خزانه دار رو و به وی بگو : مهدی فرمانت می دهد که به من مال عطا کنی . سپس به وی می گوید : تقسیم کن تا آن گاه که خزانه دار دامنش را از مال پُر و برجسته می کند . در این حال ، آن فرد پشیمان می شود و می گوید : من آزمندترین کس در امّت محمّد بودم ؛ آیا آن چه ایشان را فراپوشاند ، نمی تواند مرا هم فرا پوشانَد؟ » فرمود: «آن گاه ، آن مال ها را باز می گرداند ، امّا دیگر از وی پذیرفته نمی گردد و به وی گفته می شود : ما آن چه را که بخشیده ایم ، بازپس نمی گیریم » .

.

رسولِ اللّه صلى الله عليه و آله :يَكونُ فى اُمَّتِى المَهدِىُّ ، يَملَأُها قِسطا وعَدلاً كَما مُلِئَت ظُلما وجَورا ، وتَمطُرُ السَّماءُ مَطَرا كَعَهدِ آدَمَ ، وتُخرِجُ الأَرضُ بَرَكَتَها ، وتَعيشُ اُمَّتى فى زَمانِهِ عَيشا لَم تَعِشهُ قَبلَ ذلِكَ فى زَمانٍ قَطُّ . (1)

عنه صلى الله عليه و آله :يَرضى عَنهُ [أىِ المَهدِىِّ عليه السلام] ساكِنُ السَّماءِ وساكِنُ الأَرضِ ، لا تَدَعُ السَّماءُ مِن قَطرِها شَيئا إلاّ صَبَّتهُ مِدرارا ، ولا تَدَعُ الأَرضُ مِن مائِها شَيئا إلاّ أخرَجَتهُ ، حَتّى تَتَمَنَّى الأَحياءُ الأَمواتَ . (2)

عنه صلى الله عليه و آله :تَنعَمُ اُمَّتى فى دُنياهُ [أىِ المَهدِىِّ عليه السلام] نِعَما لَم تَنعَم مِثلَهُ قَطُّ ، البَرُّ مِنهُم وَالفاجِرُ ؛ تُرسَلُ السَّماءُ عَلَيهِم مِدرارا ، ولا تَدَّخِرُ الأَرضُ شَيئا مِن نَباتِها ، وَالمالُ كُدوسٌ ، يَأتيهِ الرَّجُلُ فَيَحثو لَهُ . (3)

عنه صلى الله عليه و آله :تَنعَمُ اُمَّتى فى زَمَنِ المَهدِىِّ نَعمَةً لَم يَنعَموا مِثلَها قَطُّ ؛ تُرسَلُ السَّماءُ عَلَيهِم مِدرارا ، ولا تُزرَعُ الأَرضُ شَيئا مِنَ النَّباتِ إلاّ أخرَجَتهُ ، وَالمالُ كُدوسٌ ؛ يَقومُ الرَّجُلُ فَيَقولُ : يا مَهدِىُّ أعطِنى ، فَيَقولُ : خُذ . (4)

عنه صلى الله عليه و آله :وَاللّهِ لَيَتِمَّنَّ هذَا الأَمرُ ، حَتّى يَسيرَ الرّاكِبُ مِن صَنعاءَ إلى حَضرَمَوتَ لا يَخافُ إلاّ اللّهَ ، أوِ الذِّئبَ عَلى غَنَمِهِ ، ولكِنَّكُم تَستَعجِلونَ . (5)

.

1- .الملاحم والفتن : 322 / 464 ؛ المصنّف لابن أبى شيبه : 8 / 678 / 184 نحوه وكلاهما عن أبى سعيد الخدرى .
2- .المصنّف لعبد الرزّاق : 11 / 372 / 20770 ، المستدرک على الصحيحين : 4 / 512 / 8438 نحوه ، الفتن لابن حمّاد : 1 / 358 / 1038 وفيه «نباتها» بدل «مائها» ؛ شرح الأخبار : 3 / 385 / 1261 كلّها عن أبى سعيد الخدرى ، بحار الأنوار : 51 / 104 / 39 .
3- .الملاحم والفتن : 279 / 405 ؛ الفردوس : 5 / 457 / 8737 نحوه وكلاهما عن أبى سعيد الخدرى .

4- .الفتن لابن حمّاد : 1 / 360 / 1048 عن أبى سعيد الخدرى ، المعجم الأوسط : 5 / 311 / 5406 عن أبى هريره وفيه «تدَّخر» بدل «تزرع» ، كنز العمّال : 14 / 273 / 38701 ؛ بحار الأنوار : 51 / 83 / 37 نقلاً عن كشف الغمّه وفيه إلى «أخرجته» .
5- .صحيح البخارى : 3 / 1322 / 3416 وج 6 / 2546 / 6544 ، سنن أبى داود : 3 / 47 / 2649 ، مسند ابن حنبل : 7 / 453 / 21126 وج 10 / 347 / 27286 وفيه «من المدينه» بدل «من صنعاء» وكلّها عن خبّاب ، كنز العمّال : 1 / 263 / 1320 .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :مهدی در میان امّت من خواهد بود و آن را همان گونه که از ستم و زور لبریز شده ، از عدل و داد سرشار خواهد کرد . آن گاه ، همانند دوران حضرت آدم علیه السلام ، آسمان باران خواهد بارید ؛ زمین برکتش را برون خواهد داد ؛ و امّتم در روزگار وی از چنان زندگانی ای بهره می برند که تا آن زمان هرگز نبرده اند .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :از او [= مهدی علیه السلام] هم ساکن آسمان خشنود است و هم ساکن زمین ؛ آسمان هیچ قطره ای از قطره هایش را وانمی گذارد مگر آن که پیوسته بباراند و زمین از آبش هیچ بهره ای را وانمی نهد مگر آن که برون می تراود ، چندان که زندگان آرزو می کنند [باز زنده شدنِ] مردگان را .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :همه امّت من ، خواه نیکوکار و خواه بدکردار ، در روزگار او [= مهدی علیه السلام] از چنان نعمت هایی برخوردار می شوند که تا پیش از آن هرگز نشده اند ؛ آسمان بارانی فراوان و پیوسته بر ایشان می بارد و زمین هیچ یک از روییدنی هایش را پنهان نمی کند ؛ و مال خرمن خرمن است ، چندان که هر کس نزد او آید ، وی مال می بخشدش .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :در روزگار مهدی علیه السلام ، امّت من از چنان نعمتی برخوردار می شود که تا پیش از آن هرگز برخوردار نبوده است ؛ آسمان باران فراوان و پیوسته بر ایشان می بارد و در زمین هیچ یک از روییدنی ها کشت نمی شود مگر آن که ثمر می دهد ؛ و مال خرمن خرمن است ، چندان که هر کس برخیزد و بگوید: «ای مهدی! مرا مالی بخش» ، او فرماید: «برگیر!» .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :به خدای سوگند! هر آینه این امر تحقّق خواهد پذیرفت ، چندان که سواره ای از صنعا به حَضرَموت رهسپار می شود و تنها از خدای بیم دارد و از گرگ بر گوسفندانش ؛ امّا شما [برای فرارسیدن چنان روزی] شتاب می کنید .

.

الإمام علىّ عليه السلام في حَديثِ الأَربَعِمِائَةِ : ما أنزَلَتِ السَّماءُ [مِن]قَطرَةٍ مِن ماءٍ مُنذُ حَبَسَهُ اللّهُ عز و جل ، ولَو قَد قامَ قائِمُنا لَأَنزَلَتِ السَّماءُ قَطرَها ، ولَأَخرَجَتِ الأَرضُ نَباتَها ، ولَذَهَبَتِ الشَّحناءُ مِن قُلوبِ العِبادِ ، وَاصطَلَحَتِ السِّباعُ وَالبَهائِمُ ؛ حَتّى تَمشِيَ المَرأَةُ بَينَ العِراقِ إلَى الشّامِ لا تَضَعُ قَدَمَيها إلاّ عَلَى النَّباتِ ، وعَلى رَأسِها زينَتَها ، لا يَهيجُها سَبُعٌ ولا تَخافُهُ . (1)

الإمام الحسين عليه السلام :لَتَنزِلَنَّ البَرَكَهُ مِنَ السَّماءِ إلَى الأَرضِ حَتّى إنَّ الشَّجَرَةَ لَتَقَصَّفُ مِمّا يَزيدُ اللّهُ فيها مِنَ الثَّمَرَهِ ، ولَتُؤكَلُ ثَمَرَهُ الشِّتاءِ فِى الصَّيفِ وثَمَرَهُ الصَّيفِ فِى الشِّتاءِ ، وذلِكَ قَولُ اللّهِ تَعالى : « وَ لَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَى ءَامَنُواْ وَ اتَّقَوْاْ لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَتٍ مِّنَ السَّمَآءِ وَ الأَرْضِ وَ لَكِن كَذَّبُواْ (2) . (3) »

الإمام زين العابدين عليه السلام :إذا قامَ القائِمُ أذهَبَ اللّهُ عَن كُلِّ مُؤمِنٍ العاهَةَ ، ورَدَّ إلَيهِ قُوَّتَهُ . (4)

.

1- .الخصال : 626 / 10 عن أبى بصير ومحمّد بن مسلم عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام ، تحف العقول : 115 نحوه ، بحار الأنوار : 52 / 316 / 11 .
2- .الأعراف : 96 .
3- .مختصر بصائر الدرجات : 51 عن أبى سعيد سهل رفعه إلى الإمام الباقر عليه السلام ، الخرائج والجرائح : 2 /849/63 عن جابر عن الإمام الباقر عنه عليهماالسلام وفيه «يريد» بدل «يزيد» ، بحار الأنوار: 53/63/52 .
4- .الغيبه للنعمانى : 317 / 2 عن حريز عن الإمام الصادق عن أبيه عليهماالسلام ، الخصال : 541 / 14 عن أبى فاخته عن أبيه نحوه ، بحار الأنوار : 52 / 364 / 138 .

امام علی علیه السلام :از آن هنگام که خداوند باران را دربند کند ، آسمان قطره ای فرو نخواهد فرستاد و آن گاه که برپا شونده ما برپای شود ، هر آینه آسمان بارانش را فرو می فرستد ؛ زمین روییدنی هایش را برون می آورد ؛ کین توزی و دشمنی از دل های بندگان رخت برمی بندد ؛ درندگان و چهارپایان به صلح و دوستی می گرایند ؛ و چنان می شود که زنی از عراق تا شام پیاده راه می سپرد و جز بر روییدنی ها گام نمی گذارد ، در حالی که زینتش را بر سر دارد ؛ نه درنده ای او را برمی آشوباند و نه وی از آن بیمناک می شود .

امام حسین علیه السلام :هر آینه برکت از آسمان به زمین فرو فرستاده می شود ، چندان که درخت از فراوانی بر و باری که خداوند بر او افزوده ، کمر خم می کند و میوه زمستان در تابستان خورده می شود و میوه تابستان در زمستان . و چنین است فرموده خدای تعالی : «و اگر مردم آبادی ها ایمان آورده و پرهیزگاری کرده بودند ، هر آینه برکت ها از آسمان و زمین بر آنان می گشادیم و لیکن [پیام ها و نشانه های ما را]دروغ شمردند» .

امام زین العابدین علیه السلام :هر گاه برپاشونده برپا شود ، خداوند هر گونه آفت و آسیب را از هر مؤمنی دور می سازد و توان او را به وی باز می گرداند .

.

الإمام الباقر عليه السلام :مَن أدرَکَ قائِمَ أهلِ بَیتی مِن ذی عاهَهٍ بَرِئَ ، ومِن ذی ضَعفٍ قَوِیَ . (1)

عنه علیه السلام :کَأَنَّنی بِدینِکُم هذا لا یَزالُ مُتَخَضخِضا یَفحَصُ بِدَمِهِ ثُمَّ لا یَرُدُّهُ عَلَیکُم إلاّ رَجُلٌ مِنّا أهلَ البَیتِ ؛ فَیُعطیکُم فِی السَّنَهِ عَطاءَینِ ، ویَرزُقُکُم فِی الشَّهرِ رِزقَینِ ، وتُؤتَونَ الحِکمَهَ فی زَمانِهِ ، حَتّی إنَّ المَرأَهَ لَتَقضی فی بَیتِها بِکِتابِ اللّهِ تَعالی وسُنَّهِ رَسولِ اللّهِ صلی الله علیه و آله . (2)

الإمام الصادق علیه السلام :یُنتِجُ اللّهُ تَعالی فی هذِهِ الاُمَّهِ رَجُلاً مِنّی وأنَا مِنهُ ، یَسوقُ اللّهُ تَعالی بِهِ بَرَکاتِ السَّماواتِ وَالأَرضِ ؛ فَیُنزِلُ السَّماءُ قَطرَها ، ویُخرِجُ الأَرضُ بَذرَها ، وتَأمَنُ وُحوشُها وسِباعُها ، ویَملَأُ الأَرضَ قِسطا وعَدلاً کَما مُلِئَت ظُلما وجَورا ، ویَقتُلُ حَتّی یَقولَ الجاهِلُ : لَو کانَ هذا مِن ذُرِّیَّهِ مُحَمَّدٍ صلی الله علیه و آله لَرَحِمَ ! (3)

عنه علیه السلام :إنَّ قائِمَنا إذا قامَ . . . تُظهِرُ الأَرضُ کُنوزَها حَتّی یَراهَا النّاسُ عَلی وَجهِها ، ویَطلُبُ الرَّجُلُ مِنکُم مَن یَصِلُهُ بِمالِهِ ویَأخُذُ مِنهُ زَکاتَهُ فَلا یَجِدُ أحَدا یَقبَلُ مِنهُ ذلِکَ ؛ استَغنَی النّاسُ بِما رَزَقَهُمُ اللّهُ مِن فَضلِهِ . (4)

الغیبه للنعمانی عن الکاهلیّ عن أبی عبد اللّه علیه السلام :تَواصَلوا وتَبارّوا وتَراحَموا ؛ فَوَالَّذی فَلَقَ الحَبَّهَ وبَرَأَ النَّسَمَهَ ، لَیَأتِیَنَّ عَلَیکُم وَقتٌ لا یَجِدُ أحَدُکُم لِدینارِهِ ودِرهَمِهِ مَوضِعا یَعنی لا یَجِدُ عِندَ ظُهورِ القائِمِ علیه السلاممَوضِعاً یَصرِفُهُ فیهِ ؛ لِاستِغناءِ النّاسِ جَمیعا بِفَضلِ اللّهِ وفَضلِ وَلِیِّهِ . فَقُلتُ : وأنّی یَکونُ ذلِکَ؟ فَقالَ : عِندَ فَقدِکُم إمامَکُم ، فَلا تَرَونَ کَذلِکَ حَتّی یَطلُعَ عَلَیکُم کَما تَطلُعُ الشَّمسُ آیَسَ ما تَکونونَ . (5)

.

1- .مختصر بصائر الدرجات : 116 ، الخرائج والجرائح : 2 / 839 / 54 کلاهما عن أبی بکر الحضرمی ، بحار الأنوار : 52 / 335 / 68 .
2- .الغیبه للنعمانی : 239 / 30 عن حمران بن أعین ، بحار الأنوار : 52 / 352 / 106 .
3- .الغیبه للطوسی : 188 / 149 عن یحیی بن العلاء الرازی ، بحار الأنوار : 51 / 146 / 16 .

4- .الإرشاد : 2 / 381 ، إعلام الورى : 2 / 293 كلاهما عن المفضّل بن عمر ، روضه الواعظين : 289 وفيه «من فصيله» بدل «من يصله» .
5- .الغيبه للنعمانى : 150 / 8 ، بحار الأنوار : 51 / 146 / 17 .

امام باقر علیه السلام :هر کس برپاشونده اهل بیتِ مرا درک کند ، اگر دچار آسیبی بوده باشد ، از آن می رهد ؛ و اگر ناتوان بوده باشد ، توان می یابد .

امام باقر علیه السلام :گویا می بینم که این دین شما پیوسته در اضطراب و لرزش است و در خون خود دست و پا می زند . سرانجام ، کسی دینتان را به شما باز نمی گردانَد جز مردی از ما اهل بیت ؛ همو که هر سال دو بار به شما بخشش می کند و هر ماه دو بار روزی تان می دهد . در روزگار وی ، حکمت به شما عطا می شود ، چندان که زن در خانه خویش ، بر پایه کتاب خدای تعالی و سنّت رسول خدا صلی الله علیه و آله قضاوت می کند .

امام صادق علیه السلام :خدای تعالی در این امّت مردی را پدید می آورد که او از من است و من از اویم و به سبب وی ، برکت های آسمان ها و زمین را روان می سازد ؛ آسمان بارانش را فرو می فرستد ؛ زمین دانه هایش را ثمر می بخشد ؛ جانوران وحشی و درندگانِ زمین [رام و] آرام می شوند ؛ و او زمین را چنان که از ستم و بیداد آکنده شده ، از داد و عدل سرشار می کند ؛ و [آن قدر سزاوارانِ کشته شدن را] می کشد که نادان گوید: «این اگر از نسل محمّد صلی الله علیه و آله بود ، رحم می ورزید !» .

امام صادق علیه السلام :همانا هر گاه برپا شونده ما برپا شود . . . زمین گنج های خویش را آشکار می کند ، چندان که مردم آن ها را روی زمین می بینند ؛ و کسی از شما به دنبال فردی می گردد که مالش را بستاند و زکاتش را بپذیرد ، امّا هیچ کس را نمی یابد که چنین کند ، [زیرا] مردم از رهگذر روزی هایی که خداوند با فزون بخشیِ خویش به ایشان عطا فرموده ، بی نیاز شده اند .

الغیبه للنعمانی از کاهلی از امام صادق علیه السلام :با هم پیوند داشته باشید ، به یکدیگر نیکی کنید و مهر ورزید ؛ که سوگند به آن که دانه را شکافت و جانداران را پدیدار ساخت ، هر آینه روزگاری بر شما فراخواهد رسید که هیچ یک از شما برای دینار و درهم خویش محلّ خرجی نخواهد یافت یعنی: در زمانه ظهور آن برپا شونده ، فرد جایی برای مصرف پولش نمی یابد ؛ زیرا همه مردم به فضل خدا و ولیّ او ، بی نیاز شده اند . گفتم:

«چه زمان چنین خواهد شد؟» فرمود: «آن گاه که امامتان را از دست دهید و همواره چنان مانید تا وقتی که وی بر شما طلوع کند ، همان سان که خورشید سر بر می زند ، در حالی که از همه وقت نومیدتر گشته اید» .

.

ص: 134

. .

ص: 135

. .

الفصل السادس: مدح الفقر ومعناه6 / 1ما رُوِیَ فی مَدحِ الفَقرِرسول اللّه صلی الله علیه و آله :الفَقرُ مَخزونٌ عِندَ اللّهِ ، لا یَبتَلی بِهِ إلاّ مَن أحَبَّ مِنَ المُؤمِنینَ . (1)

عنه صلی الله علیه و آله :الفَقرُ مِحنَهٌ مِن عِندِ اللّهِ ، لا یَبتَلی بِهِ إلاّ مَن أحَبَّ مِنَ المُؤمِنینَ . (2)

عنه صلی الله علیه و آله :الفَقرُ فَخری . (3)

عنه صلی الله علیه و آله :الفَقرُ فَخری ، وبِهِ أفتَخِرُ . (4)

عنه صلی الله علیه و آله :الفَقرُ فَخری ، وبِهِ أفتَخِرُ عَلی سائِرِ الأَنبِیاءِ . (5)

.

1- .الفردوس : 3 / 156 / 4423 عن الإمام علیّ علیه السلام .
2- .کنز العمّال : 6 / 484 / 16650 نقلاً عن السلمی عن الإمام علیّ علیه السلام .
3- .جامع الأخبار : 302 / 828 ، بحار الأنوار : 72 / 49 / 58 .
4- .عدّه الداعی : 113 ، بحار الأنوار : 72 / 55 / 85 ؛ کشف الخفاء : 2 / 87 / 1835 .
5- .عوالی اللآلی : 1/39/38، المواعظ العددیّه: 378 وزاد فیآخره «والمرسلین»، بحار الأنوار: 72/32 .

فصل ششم : ستایشِ فقر و مفهوم آن

6 / 1 روایات درباره ستایش فقر

فصل ششم: ستایش فقر و مفهوم آن6 / 1روایات درباره ستایش فقرپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :فقر گنجینه ای است نزد خدا که به آن گرفتار نمی شود مگر مؤمنی که خداوند دوستش می دارد (1) .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :فقر آزمونی است از سوی خداوند که کسی را به آن مبتلا نمی کند ، مگر مؤمنی را که دوستش بدارد .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :فقر مایه افتخار من است .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :فقر مایه افتخار من است و به آن مباهات می ورزم .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :فقر مایه افتخار من است و با آن بر دیگر پیامبران مباهات می ورزم .

.

1- .از عابدی پرسیده شد: «چه تفاوت است میان سخنان پیامبر صلی الله علیه و آله که فقر مایه افتخار من است و فقر سبب سیاهرویی در هر دو جهان است و فقر ، انسان را در آستانه کفر قرار می دهد ؟» گفت: «بدان که فقر یعنی نیازمندی؛ و آن ، سه گونه است: تنها نیاز به خدا ، تنها نیاز به مردم ، و نیاز به هر دو. حدیث نخست به معنای نخست اشاره دارد ، یعنی نیاز به خدا؛ حدیث دوم به معنای دوم می پردازد ، یعنی نیاز به مردم؛ و حدیث سوم به معنای سوم نظر دارد ، یعنی نیاز به مردم و خدا . این سخن را خوب دریاب».

عنه صلى الله عليه و آله :يا عَلِىُّ ، مِن صِفاتِ المُؤمِنِ . . . أن يَكونَ الفَقرُ شِعارَهُ . (1)

عنه صلى الله عليه و آله :تُحفَهُ المُؤمِنِ فِى الدُّنيَا الفَقرُ . (2)

عنه صلى الله عليه و آله :الفَقرُ أزيَنُ عَلَى المُؤمِنِ مِنَ العِذارِ الحَسَنِ عَلى خَدِّ الفَرَسِ . (3)

عنه صلى الله عليه و آله :الفَقرُ شَينٌ عِندَ النّاسِ ، وزَينٌ عِندَ اللّهِ يَومَ القِيامَهِ . (4)

عنه صلى الله عليه و آله :الفَقرُ ذُلٌّ فِى الدُّنيا ، وفَخرٌ فِى الآخِرَهِ . (5)

عنه صلى الله عليه و آله :اللّهُمَّ تَوَفَّنى فَقيرا ، ولا تَوَفَّنى غَنِيّا ، وَاحشُرنى فى زُمرَهِ المَساكينِ . (6)

عنه صلى الله عليه و آله :إنَّ لى حِرفَتَينِ اثنَتَينِ ؛ فَمَن أحَبَّهُما فَقَد أحَبَّنى ، ومَن أبغَضَهُما فَقَد أبغَضَنى : الفَقرَ وَالجِهادَ . (7)

عنه صلى الله عليه و آله :مَن قَلَّ مالُهُ ، وكَثُرَ عِيالُهُ ، وحَسُنَت صَلاتُهُ ، ولَم يَغتَبِ المُسلِمينَ ؛ جاءَ يَومَ القِيامَهِ وهُوَ مَعى كَهاتَينِ . (8)

.

1- .التمحيص : 74 / 171 ، بحار الأنوار : 67 / 311 / 45 .
2- .الفردوس : 2 / 70 / 2399 عن معاذ بن جبل ، كنز العمّال : 6 / 472 / 16601 .
3- .المعجم الكبير : 7 / 295 / 7181 عن شدّاد بن أوس ، الزهد لابن المبارک : 199 / 568 عن سعد بن مسعود نحوه ، كنز العمّال : 6 / 470 / 16594 ؛ الكافى : 2 / 265 / 22 عن هشام بن سالم عن الإمام الصادق عن الإمام علىّ عليهماالسلام ، التمحيص : 49 / 80 عن عبد اللّه بن سنان عن الإمام الصادق عليه السلامولیس فيهما «الحسن» ، بحار الأنوار : 72 / 52 / 76 و ص 28 / 24 .

4- .جامع الأخبار : 302 / 829 ، تنبيه الخواطر : 2 / 119 وليس فيه «يوم القيامه» ، بحار الأنوار : 72 / 49 / 58 ؛ الفردوس : 3 / 154 / 4418 عن أنس ، كنز العمّال : 6 / 471 / 16595 .
5- .إرشاد القلوب : 194 .
6- .شُعب الإيمان : 4 / 389 / 5499 ، تنبيه الغافلين : 234 / 302 وزاد فى آخره «يوم القيامه» وكلاهما عن أبى سعيد الخدرىّ ، كنز العمّال : 6 / 489 / 16671 ؛ إرشاد القلوب : 19 عن الإمام علىّ عليه السلام .
7- .إحياء علوم الدين: 4 / 286 ، الفردوس : 3 / 339 / 5021 عن أنس نحوه ؛ المحجّه البيضاء: 7 / 321 ، مستدرک الوسائل : 11 / 14 / 12295 نقلاً عن القطب الراوندى فى لبّ اللباب نحوه .
8- .مسند أبى يعلى :1 / 463 / 986 ، تاريخ بغداد : 11 / 259 / 6017 كلاهما عن أبى سعيد الخدرى ، كنز العمّال : 3 / 400 / 7142 .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :ای علی! از ویژگی های مؤمن این است که . . . فقر نشانِ او باشد .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :ارمغان مؤمن در دنیا ، فقر است .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :فقر برای مؤمن زیبنده تر است از داغ و نشانیِ زیبا بر گونه اسب .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :فقر نزد مردم عیب است و نزد خدای ، در روز رستاخیز ، زیور و آرایه .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :فقر در دنیا خواری است و در آخرت ، افتخار .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :بار خدایا! مرا فقیر بمیران ، نه توانگر ؛ و روز قیامت ، مرا در شمار مستمندان برانگیز .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :مرا دو خوی است که هر که آن دو را دوست می دارد ، مرا هم دوست دارد ؛ و هر که آن دو را دشمن شمرد ، مرا دشمن شمرده: فقر و جهاد .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر کس مالش اندک باشد و خانوارش پُرشمار و نمازش نیکو ، و از مسلمانان غیبت نکند ، روز رستاخیز چنان با من پیوسته و همراه است که این دو [انگشتِ کنار هم] هستند .

.

جامع الأخبار :سُئِلَ النَّبِیُّ صلی الله علیه و آله : مَا الفَقرُ؟ فَقالَ صلی الله علیه و آله : خِزانَهٌ مِن خَزائِنِ اللّهِ تَعالی . قیلَ ثانِیا : مَا الفَقرُ یا رَسولَ اللّهِ؟ فَقالَ : کَرامَهٌ مِنَ اللّهِ . قیلَ ثالِثا : مَا الفَقرُ؟فَقالَ صلی الله علیه و آله : شَیءٌ لا یُعطیهِ اللّهُ إلاّ نَبِیّا مُرسَلاً أو مُؤمِنا کَریما عَلَی اللّهِ تَعالی . (1)

عیسی علیه السلام :أربَعٌ هُنَّ عَجَبٌ ، ولا یُحفَظنَ إلاّ بِعَجَبٍ : الصَّمتُ ، وهُوَ أوَّلُ العِبادَهِ ، وذِکرُ اللّهِ عَلی کُلِّ حالٍ ، وَالتَّواضُعُ ، وقِلَّهُ الشَّیءِ . (2)

الإمام علیّ علیه السلام :حُبُّ الفَقرِ یُکسِبُ الوَرَعَ . (3)

عنه علیه السلام :الفَقرُ زینَهُ الإِیمانِ . (4)

عنه علیه السلام :الفَقرُ مَخزونٌ عِندَ اللّهِ بِمَنزِلَهِ الشَّهادَهِ یُؤتیهِ اللّهُ مَن یَشاءُ . (5)

.

1- .جامع الأخبار : 299 / 815 ، المواعظ العددیّه : 126 ، بحار الأنوار : 72 / 47 / 58 .
2- .الزهد لهنّاد : 1 / 326 / 594 عن سفیان ، المستدرک علی الصحیحین : 4 / 346 / 7864 ، المعجم الکبیر : 1 / 256 / 741 کلاهما عن أنس نحوه .
3- .غرر الحکم : 4873 .
4- .غرر الحکم : 260 .
5- .جامع الأخبار : 300 / 819 ، التمحیص : 51 / 96 ، مشکاه الأنوار : 504 / 1687 کلاهما عن الإمام الصادق علیه السلام وفیهما «إنّ الفقر مخزون عند اللّه ، لا یبتلی به إلاّ من أحبَّ من المؤمنین» ، بحار الأنوار : 72 / 48 / 58 .

جامع الاخبار :از پیامبر صلی الله علیه و آله پرسیده شد : «فقر چیست؟» فرمود : «گنجینه ای است از گنجینه های خدای تعالی » . دیگر بار پرسیده شد : «ای رسول خدا! فقر چیست؟» فرمود: «ارجمندی ای از سوی خدای» . سه باره پرسیده شد: «فقر چیست؟» فرمود: «آن است که خداوند جز به پیامبر برانگیخته شده به رسالت یا مؤمنی که نزد خدای تعالی ارجمند است ، عطا نمی فرماید» .

عیسی علیه السلام :چهار چیز مایه شگفتی اند و جز به شگفتی حفظ نمی شوند : سکوت که سرآمدِ عبادت است ؛ یاد خدا در هر حال ؛ فروتنی ؛ و داراییِ کم .

امام علی علیه السلام :دوست داشتنِ فقر ، زمینه پرهیزگاری را فراهم می کند .

امام علی علیه السلام :فقر ، آرایه ایمان است .

امام علی علیه السلام :فقر همانند شهادت است که گنجینه ای است نزد خدا و او به هر که خواهد ، عطایش فرماید .

.

عنه عليه السلام :فَوتُ الغِنى غَنيمَةُ الأَكياسِ ، وحَسرَةُ الحَمقى . (1)

عنه عليه السلام :الفَقرُ صَلاحُ المُؤمِنِ ومُريحُهُ مِن حَسَدِ الجيرانِ ، وتَمَلُّقِ الإِخوانِ ، وتَسَلُّطِ السُّلطانِ . (2)

مستدرک الوسائل عن عمّار بن یاسر :بَينا أنَا أمشى بِأَرضِ الكوفَهِ ، إذ رَأَيتُ أميرَ المُؤمِنينَ عَلِيّا عليه السلامجالِسا وعِندَهُ جَماعَهٌ مِنَ النّاسِ ، وهُوَ يَصِفُ لِكُلِّ إنسانٍ ما يَصلُحُ لَهُ ، فَقُلتُ : يا أميرَ المُؤمِنينَ ، أيوجَدُ عِندَکَ دَواءُ الذُّنوبِ؟ فَقالَ : نَعَم ، اِجلِس ، فَجَثَوتُ عَلى رُكبَتَىَّ حَتّى تَفَرَّقَ عَنهُ النّاسُ ، ثُمَّ أقبَلَ عَلَىَّ فَقالَ : خُذ دَواءً أقولُ لَکَ . قالَ : قُلتُ : قُل يا أميرَ المُؤمِنينَ . قالَ : عَلَيکَ بِوَرَقِ الفَقرِ ، وعُروقِ الصَّبرِ ، وهَليلَجِ الكِتمانِ ، وبَليلَجِ الرِّضا ، وغاريقونِ الفِكرِ ، وسَقَمونِيَا الأَحزانِ ، وَاشرَبهُ بِماءِ الأَجفانِ ، وَاغلِهِ فى طِنجيرِ القَلَقِ ، ودَعهُ تَحتَ نيرانِ الفَرَقِ ، ثُمَّ صَفِّهِ بِمُنخُلِ الأَرَقِ ، وَاشرَبهُ عَلَى الحَرَقِ ؛ فَذاکَ دَواکَ وشِفاکَ ، يا عَلِيلُ . (3)

الإمام الصادق عليه السلام :المَصائِبُ مِنَحٌ مِنَ اللّهِ ، وَالفَقرُ مَخزونٌ عِندَ اللّهِ . (4)

تحف العقول :قالَ لَهُ [أى لِلإمامِ الجَوادِ عليه السلام] رَجُلٌ : أوصِنى . قالَ عليه السلام : وتَقبَلُ؟ قالَ : نَعَم . قالَ : تَوَسَّدِ الصَّبرَ ، وَاعتَنِقِ الفَقرَ ، وَارفُضِ الشَّهَواتِ . (5)

.

1- .غرر الحكم : 6535 .
2- .غرر الحكم : 2077 .
3- .مستدرک الوسائل : 12 / 171 / 13803 نقلاً عن أصلٍ لبعض القدماء .
4- .الكافى : 2 / 260 / 2 عن سعدان ، التمحيص : 51 / 96 عن عبد اللّه بن سنان وليس فيه «المصائب منح من اللّه » ، بحار الأنوار : 72 / 8 / 5 .
5- .تحف العقول : 455 ، بحار الأنوار : 78 / 358 / 1 .

امام علی علیه السلام :از دست رفتنِ توانگری ، برای زیرکان غنیمت است و نابخردان را مایه حسرت .

امام علی علیه السلام :فقر ، مایه راستی و استواری مؤمن است و او را از حسادت همسایگان ، چاپلوسیِ دوستان ، و چیرگیِ حکمران می رهانَد .

مستدرک الوسائل از عمّار بن یاسر :در زمین کوفه راه می سپردم که حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلامرا دیدم که نشسته و گروهی از مردم گردش را گرفته اند و او آن چه را برای هر انسان راستی و درستی ارمغان می آورَد ، برمی شمرد . من پرسیدم: «ای امیرالمؤمنین ! آیا دوای گناهان نیز نزد تو یافت می شود؟» فرمود : «آری ؛ بنشین» . بر دو زانو نشستم تا مردم از گِردش پراکنده شدند . سپس وی فراپیشِ من آمد و گفت: «دوایی را که برایت وصف می کنم ، بستان !» عمّار می گوید : گفتم: «برگوی ای امیرالمؤمنین !» فرمود : «بر تو باد به : برگ گیاه فقر ، ریشه گیاه صبر ، زَقّومِ سخن پوشی ، قطره های خرسندی ، قارچِ اندیشیدن ، گیاه محموده اندوه ؛ و آن را بیاشام با اشک دیدگان ؛ و بگذار در دیگ اضطراب و بگذار زیر آتشِ جدایی ؛ سپس با غربال شب بیداری صاف کن و بر آتش بنوش ؛ این دوا و شفای تو است ، ای ناتندرست !»

امام صادق علیه السلام :مصیبت ها هدیه های خداوندند و فقر ، گنجینه ای است نزد خدای .

تحف العقول : فردی به او [= امام جواد علیه السلام] گفت: «مرا سفارشی کن» . فرمود :«می پذیری؟» گفت: «آری» . فرمود: «بر بالش صبر سر بِنِه ؛ فقر را در آغوش بگیر ؛ و شهوت ها را از خود بران !»

.

6 / 2ما يَدُلُّ عَلى أنَّ الفَقرَ خَيرٌ مِنَ الغِنيرسول اللّه صلى الله عليه و آله :مَن كانَ الفَقرُ أحَبَّ إلَيهِ مِنَ الغِنى ، فَلَوِ اجتَهَدَ عُبّادُ الحَرَمَينِ أن يُدرِكوا ما أُعطِيَ ما أدرَكوا . (1)

عنه صلى الله عليه و آله :ما عُبِدَ اللّهُ بِمِثلِ العَقلِ ، وما تَمَّ عَقلُ امرِيٍ?حَتّى يَكونَ فيهِ عَشرُ خِصالٍ : . . . الفَقرُ أحَبُّ إلَيهِ مِنَ الغِنى . (2)

عنه صلى الله عليه و آله :الفَقرُ خَيرٌ لِلمُؤمِنِ مِنَ الغِنى . (3)

عنه صلى الله عليه و آله :الفَقرُ راحَةٌ ، وَالغِنى عُقوبَةٌ . (4)

عنه صلى الله عليه و آله :شَيئانِ يَكرَهُهُمَا ابنُ آدَمَ : يَكرَهُ المَوتَ ؛ وَالمَوتُ راحَةٌ لِلمُؤمِنِ مِنَ الفِتنَةِ ، ويَكرَهُ قِلَّةَ المالِ ؛ وقِلَّةُ المالِ أقَلُّ لِلحِسابِ . (5)

عنه صلى الله عليه و آله :الفَقرُ فَقرانِ : فَقرٌ فِى الدُّنيا ، وفَقرٌ فِى الآخِرَةِ ؛ فَفَقرُ الدُّنيا غِنَى الآخِرَةِ ، وغِنَى الدُّنيا فَقرُ الآخِرَةِ ، وذلِكَ الهَلاكُ . (6)

.

1- .كنز العمّال : 15 / 805 / 43199 نقلاً عن الديلمى عن ابن عمر ؛ الأمالى للشجرى : 2 / 183 عن عمرو بن شعيب عن أبيه عن جدّه عنه صلى الله عليه و آله نحوه .
2- .علل الشرايع : 116 / 11 عن علىّ الأشعرى رفعه ، بحار الأنوار : 69 / 395 / 78 .
3- .الجعفريّات : 155 ، التمحيص : 49 / 85 عن الإمام الصادق عليه السلام عنه صلى الله عليه و آله .
4- .شُعب الإيمان : 5/388/7040 ، الفردوس : 3 / 155 / 4419 كلاهما عن عائشه ؛ جامع الأحاديث للقمّى : 105 وليس فيه ذيله ، بحار الأنوار : 72 / 56 .
5- .الخصال : 74 / 115 عن محمود بن لبيد ، روضه الواعظين : 533 ، بحار الأنوار : 6 / 128 / 13 وج 72 / 39 / 33 ؛ مسند ابن حنبل : 9 / 159 / 23686 عن محمود بن لبيد .

6- .مشكاه الأنوار : 229 / 643 ، روضه الواعظين : 498 ، بحار الأنوار : 72 / 47 ؛ الفردوس : 3 / 156 / 4422 عن ابن عبّاس ، كنز العمّال : 6 / 490 / 16676 .

6 / 2روایات نشان دهنده برتری فقر بر توانگریپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر کس فقر برایش دوست داشتنی تر از توانگری باشد ، اگر عبادت کنندگانِ دو حرم [= مکّه و مدینه] فراوان بکوشند تا آن چه را به وی عطا شده ، درک کنند ، نمی توانند .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :خداوند با هیچ چیز همچون عقل عبادت نمی شود ؛ و عقل انسان کمال نمی پذیرد ، مگر آن که ده ویژگی در او باشد : . . . فقر برایش دوست داشتنی تر از توانگری شود .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :برای مؤمن ، فقر بهتر از توانگری است .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :فقر آرامش است و مالداری ، کیفر .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :دو چیزند که فرزند آدم ، آن ها را خوش نمی دارد : از مرگ بیزار است ، حال آن که مرگ مؤمن را از فتنه می رهاند ؛ و تنگدستی را دوست نمی دارد ، حال آن که تنگدستی سبب می شود حسابرسی [روز رستاخیز] آسان تر گردد .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :فقر دو گونه است ؛ فقر دنیا و فقر آخرت . فقر دنیا مایه توانگری آخرت است و توانگری دنیا مایه فقر آخرت ؛ و این ، نابودی است .

.

المستدرک علی الصحیحین عن بلال :قالَ رَسولُ اللّهِ صلی الله علیه و آله : یا بِلالُ ، اِلقَ اللّهَ فَقیرا ولا تَلقَهُ غَنِیّا . قُلتُ : وکَیفَ لی بِذلِکَ یا رَسولَ اللّهِ؟ قالَ : إذا رُزِقتَ فَلا تَخبَأ ، وإذا سُئِلتَ فَلا تَمنَع . قُلتُ : وکَیفَ لی بِذلِکَ یا رَسولَ اللّهِ؟ قالَ : هُوَ ذاکَ وإلاّ فَالنّارُ . (1)

رسول اللّه صلی الله علیه و آله :أوحَی اللّهُ إلی موسَی بنِ عِمرانَ : یا موسی ، اِرضَ بِکِسرَهِ خُبزٍ مِن شَعیرٍ تَسُدُّ بِها جَوعَتَکَ ، وخِرقَهٍ تُواری بِها عَورَتَکَ ، وَاصبِر عَلَی المُصیباتِ ؛ فَإذا رَأیتَ الدُّنیا مُقبِلَهً فَقُل : إنّا للّهِ وإنّا إلَیهِ راجِعونَ عُقوبَهٌ عُجِّلَت فِی الدُّنیا ، وإذا رَأیتَ الدُّنیا مُدبِرَهً وَالفَقرُ مُقبِلاً فَقُل : مَرحَبا بِشِعارِ الصّالِحینَ . (2)

الإمام الصادق علیه السلام :فی مُناجاهِ موسی علیه السلام : یا موسی ، إذا رَأیتَ الفَقرَ مُقبِلاً فَقُل : مَرحَبا بِشِعارِ الصّالِحینَ ، وإذا رَأیتَ الغِنی مُقبِلاً فَقُل : ذَنبٌ عُجِّلَت عُقوبَتُهُ . (3)

الإمام علیّ علیه السلام :ضَرَرُ الفَقرِ أحمَدُ مِن أشَرِ الغِنی . (4)

.

1- .المستدرک علی الصحیحین : 4 / 352 / 7887 ، المعجم الکبیر : 1 / 341 / 1021 ، حلیه الأولیاء : 1 / 149 کلاهما نحوه ، کنز العمّال : 6 / 387 / 16183 .
2- .کنز العمّال : 6/484/16651 نقلاً عن الدیلمی عن أبی الدرداء ؛ عدّه الداعی : 107 ، إرشاد القلوب: 156 وفی ذیلهما «یا موسی، لا تعجبنّ بما اوتی فرعون وما تمتّع به ، فإنّما هی زهره الحیاه الدّنیا» .
3- .الکافی : 2/263/12 عن حفص بن غیاث وج 8 / 48 / 8 عن علیّ بن عیسی رفعه مع تقدیم وتأخیر، الأمالی للصدوق: 765/1028، تفسیرالقمّی : 1/200 وفیه «کانت مناجاه اللّه لموسی علیه السلام: یا موسی ...» وکلاهما عن حفص بن غیاث، تحف العقول : 495 مع تقدیم وتأخیر، بحار الأنوار : 72 / 15 / 14 ؛ حلیه الأولیاء : 6 / 5 عن کعب الأحبار، الفردوس : 3 / 175 / 4469 عن أبی سعید الخدری .
4- .غرر الحکم : 5904 .

المستدرک علی الصحیحین از بلال :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «ای بلال! در حالی که فقیری ، با خدا دیدار کن ، نه با توانگری» . گفتم: «ای پیامبر خدا! چگونه چنین کنم؟» فرمود : «هر گاه روزی داده شدی ، آن را نگهداری مکن ؛ و هر گاه از تو چیزی خواسته شد ، از بخشش خودداری مَوَرز» . گفتم: «ای پیامبر خدا! این چگونه ممکن است؟» فرمود : «سخن همین است ؛ وگرنه دچار آتش خواهی شد» .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :خداوند به موسی بن عمران علیه السلام وحی فرستاد: «ای موسی! به پاره نان جوینی که با آن از گرسنگی رها شوی ، خرسند باش ؛ و به تکّه جامه ای که عورت تو را بپوشاند ، رضایت ده ؛ و بر مصیبت ها شکیبا باش . پس هر گاه دیدی که دنیا به تو روی آورده ، بگو : هر آینه از آن خداییم و به سویش بازگشت کنانیم ؛ این کیفری است که در دنیا پیش افتاده است ؛ و هر گاه دیدی که دنیا از تو روی برگردانده و فقر به تو روی نهاده ، بگو: «خوش آمدی ای نشانه شایستگان» .

امام صادق علیه السلام :در سخن گویی خدا با موسی علیه السلام آمده است: «ای موسی! هر گاه فقر را دیدی که به تو روی نهاده ، بگو: خوش آمدی ای نشانه شایستگان ؛ و هر گاه توانگری را روی کُنان دیدی ، بگو : گناهی است که کیفرش زود افتاده .

امام علی علیه السلام :زیان فقر ، ستوده تر از سرمستیِ توانگری است .

.

عنه علیه السلام فی الدّیوانِ المَنسوبِ إلَیهِ : دَلیلُکَ أنَّ الفَقرَ خَیرٌ مِنَ الغِنیوأنَّ قَلیلَ المالِ خَیرٌ مِنَ المُثری لِقاؤُکَ مَخلوقا عَصَی اللّهَ بِالغِنیولَم تَرَ مَخلوقا عَصَی اللّهَ بِالفَقرِ . (1)

6 / 3مایُبَیِّنُ الفَقرَ المَمدوحَرسولِ اللّه صلی الله علیه و آله :الفَقرُ خَیرٌ لِلمُؤمِنِ مِنَ الغِنی ، إلاّ مَن حَمَلَ کَلاًّ ، وأعطی فی نائِبَهٍ . (2)

عنه صلی الله علیه و آله :ألا یا رُبَّ نَفسٍ طاعِمَهٍ ناعِمَهٍ فِی الدُّنیا ؛ جائِعَهٍ عارِیَهٍ یَومَ القِیامَهِ ! ألا یا رُبَّ نَفسٍ جائِعَهٍ عارِیَهٍ فِی الدُّنیا ؛ طاعِمَهٍ ناعِمَهٍ یَومَ القِیامَهِ ! (3)

عنه صلی الله علیه و آله :یا مَعشَرَ المَساکینِ ، طیبوا نَفسا ، وأعطُوا اللّهَ الرِّضا مِن قُلوبِکُم ؛ یُثِبکُمُ اللّهُ عز و جل عَلی فَقرِکُم ، فَإن لَم تَفعَلوا فَلا ثَوابَ لَکُم . (4)

.

1- .مطالب السؤول: 61؛ الدیوان المنسوب إلی الإمام علیّ علیه السلام: 264/188 وفیه «للغنی» بدل «بالغنی».
2- .التمحیص : 49 / 85 عن الإمام الصادق علیه السلام ، تنبیه الخواطر : 1 / 303 عن إسماعیل بن أبی زیاد عن الإمام الصادق علیه السلامعنه صلی الله علیه و آله وفیه «أو أعطی» ، الجعفریّات : 155 وفیه «لاُمّتی» بدل «للمؤمن» ، جامع الأحادیث للقمّی : 104 عن موسی بن إسماعیل عن أبیه عن آبائه علیهم السلام عنه صلی الله علیه و آلهنحوه ، بحار الأنوار : 72 / 56 / 86 .
3- .شُعب الإیمان : 2 / 170 / 1461 ، الطبقات الکبری : 7 / 423 ولیس فیه «ألا یا ربّ نفس جائعه عاریه . . .» وکلاهما عن أبی البجیر ، کنز العمّال : 15 / 883 / 43502 وص 935 / 43605 ؛ عدّه الداعی : 109 نحوه ، تنبیه الخواطر : 2 / 216 .
4- .الکافی : 2 / 263 / 14 عن السکونی عن الإمام الصادق علیه السلام ، ثواب الأعمال : 218 / 2 عن السکونی عن الإمام الصادق عن أبیه عن آبائه علیهم السلام عنه صلی الله علیه و آله ، بحار الأنوار : 72 / 17 / 16 وص 43 / 48 وراجع الفردوس : 5 / 291 / 8216 .

امام علی علیه السلام در دیوان منسوب به وی : تو را نشانه این که فقر از توانگری ،و اندکْ مال از ثروتمند برتر است ، آن است که: دیده ای آفریده ای را که در حال توانگری، خدای را نافرمانی می کند؛امّا ندیده ای کسی را که فقیر باشد و عصیانِ خدا پیشه کند .

6 / 3روایاتِ توضیح دهنده فقرِ ستودنیپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :برای مؤمن ، فقر بهتر از توانگری است ، جز این که عیال بسیار داشته و به مصیبتِ گران تن داده باشد .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هَلا که بسا آدمیان در دنیا نیکوخوراک و لطیف پوشند و در روز قیامت ، گرسنه و برهنه اند . هَلا که بسیا آدمیان در دنیا گرسنه و برهنه اند و در روز قیامت ، نیکو خوراک و لطیف پوش .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :ای جماعت مستمندان! خوشدل باشید و رضایت و خوشدلی تان را نزد خدا اظهار کنید تا وی شما را بر فقرتان پاداش دهد ؛ که اگر چنین نکنید ، پاداشی برایتان نیست .

.

الإمام علیّ علیه السلام :مَن أحَبَّ السَّلامَةَ فَليُؤثِرِ الفَقرَ ، ومَن أحَبَّ الرّاحَةَ فَليُؤثِرِ الزُّهدَ فِی الدُّنیا . (1)

عنه علیه السلام :رُبَّ فَقرٍ عادَ بِالغِنَی الباقی ، رُبَّ غِنیً أورَثَ الفَقرَ الباقِیَ . (2)

عنه علیه السلام :کَم مِن غَنِیٍّ یُستَغنی عَنهُ ! کَم مِن فَقیرٍ یُفتَقَرُ إلَیهِ ! (3)

عنه علیه السلام :الفَقرُ الفادِحُ أجمَلُ مِنَ الغِنَی الفاضِحِ . (4)

عنه علیه السلام :الفَقیرُ الرّاضی ناجٍ مِن حَبائِلِ إبلیسَ ، وَالغَنِیُّ واقِعٌ فی حَبائِلِهِ . (5)

عنه علیه السلام :الصَّبرُ عَلَی الفَقرِ مَعَ العِزِّ أجمَلُ مِنَ الغِنی مَعَ الذُّلِّ . (6)

عنه علیه السلام :الحِرفَةُ مَعَ العِفَّهِ خَیرٌ مِنَ الغِنی مَعَ الفُجورِ . (7)

عنه علیه السلام :فاقَةُ الکَریمِ أحسَنُ مِن غَناءِ اللَّئیمِ . (8)

عنه علیه السلام لِجابِرِ بنِ عَبدِ اللّهِ الأَنصارِیِّ : یا جابِرُ ، قِوامُ الدّینِ وَالدُّنیا بِأربَعَهٍ : عالِمٍ مُستَعمِلٍ عِلمَهُ ، وجاهِلٍ لا یَستَنکِفُ أن یَتَعَلَّمَ ، وجَوادٍ لا یَبخَلُ بِمَعروفِهِ ، وفَقیرٍ لا یَبیعُ آخِرَتَهُ بِدُنیاهُ . . . وإذا بَخِلَ الغَنِیُّ بِمَعروفِهِ باعَ الفَقیرُ آخِرَتَهُ بِدُنیاهُ . (9)

.

1- .غرر الحکم : 8947 .
2- .غرر الحکم : 5327 و 5328 .
3- .غرر الحکم : 6925 و 6926 .
4- .غرر الحکم : 1536 .
5- .غرر الحکم : 1929 .
6- .غرر الحکم : 2022 .
7- .نهج البلاغه : الکتاب 31 ، غرر الحکم : 1974 .
8- .غرر الحکم : 6586 .

9- .نهج البلاغه : الحكمه 372 ، روضه الواعظين : 11 ، التفسير المنسوب إلى الإمام العسكرى عليه السلام : 402 / 274 عن جابر بن عبد اللّه وكلاهما نحوه ، بحار الأنوار : 2 / 36 / 44 ؛ المناقب للخوارزمى : 368 / 388 عن جابر بن عبد اللّه .

امام علی علیه السلام :هر کس سلامت را دوست می دارد ، فقر را برگزیند و هر که آسایش را خوش می دارد ، زهد در دنیا را اختیار کند .

امام علی علیه السلام :بَسا فقر که به توانگری جاودان انجامد و بسا توانگری که فقرِ همیشگی بر جای نهد .

امام علی علیه السلام :چه بسا توانگر که از او بی نیازی جُسته می شود ؛ و چه بسا فقیر که به او نیاز آورده می شود .

امام علی علیه السلام :فقر ناگوار زیباتر از توانگری رسواگر است .

امام علی علیه السلام :فقیر خرسند از دام های ابلیس می رهد ؛ امّا توانگر در آن گرفتار می شود .

امام علی علیه السلام :صبر ورزیدنِ شکوهمندانه بر فقر ، زیباتر از توانگریِ خوارگونه است .

امام علی علیه السلام :پیشه وریِ پاکدامنانه بهتر از توانگریِ زشت کارانه است .

امام علی علیه السلام :تنگدستیِ انسان بزرگوار نیکوتر از توانگریِ فرد خسیس و فرومایه .

امام علی علیه السلام خطاب به جابر بن عبداللّه انصاری : ای جابر! مایه استواری دین و دنیا چهار است : عالمی که به علم خویش عمل کند ؛ نادانی که از آموختن سر باز نزند ؛ بخشنده ای که در احسان بخل نورزد ؛ و فقیری که آخرتش را به دنیایش نفروشد . . . و هر گاه توانگر در احسان بخل ورزد ، فقیر آخرتش را به دنیایش می فروشد .

.

عنه عليه السلام :إنَّ للّهِ تَعالى عُقوباتٍ بِالفَقرِ ومَثوباتٍ بِالفَقرِ ؛ ومِن عَلاماتِ الفَقرِ إذا كانَ مَثوبَةً : أن يَحسُنَ عَلَيهِ خُلُقُهُ ، ويُطيعَ بِهِ رَبَّهُ ، ولا يَشكُوَ حالَهُ ، ويَشكُرَ اللّهَ تَعالى عَلى فَقرِهِ . ومِن عَلاماتِهِ إذا كانَ عُقوبَةً : أن يَسوءَ عَلَيهِ خُلُقُهُ ، ويَعصِيَ رَبَّهُ بِتَركِ طاعَتِهِ ، ويُكثِرَ الشِّكايَةَ ، ويَتَسَخَّطَ القَضاءَ . (1)

تاريخ دمشق عن محمّد بن يزيد المبرّد :قيلَ لِلحَسَنِ بنِ عَلِيٍّ عليهماالسلام : إنَّ أبا ذَرٍّ يَقولُ : الفَقرُ أحَبُّ إلَيَّ مِنَ الغِنى ، وَالسُّقمُ أحَبُّ إلَيَّ مِنَ الصِّحَّةِ ! فَقالَ : رَحِمَ اللّهُ أبا ذَرٍّ! أمّا أنَا فَأقولُ : (2) فَمَنِ اتَّكَلَ عَلى حُسنِ اختِيارِ اللّهِ لَهُ ، لَم يَتَمَنَّ أنَّهُ فى غَيرِ الحالَهِ الَّتِى اختارَ اللّهُ تَعالى لَهُ ، وهذا حَدُّ الوُقوفِ عَلَى الرِّضا بِما يُصرَفُ بِهِ القَضاءُ . (3)

معانى الأخبار عن فضيل بن يسار عن الإمام الباقر عليه السلام :لا يَبلُغُ أحَدُكُم حَقيقَةَ الإيمانِ حَتّى يَكونَ فيهِ ثَلاثُ خِصالٍ : حَتّى يَكونَ المَوتُ أحَبَّ إلَيهِ مِنَ الحَياهِ ، وَالفَقرُ أحَبَّ إلَيهِ مِنَ الغِنى ، وَالمَرَضُ أحَبَّ إلَيهِ مِنَ الصِّحَّةِ . قُلنا : ومَن يَكونُ كَذلِكَ؟ قالَ : كُلُّكُم . ثُمَّ قالَ : أيُّما أحَبُّ إلى أحَدِكُم : يَموتُ فى حُبِّنا أو يَعيشُ فى بُغضِنا؟ فَقُلتُ : نَموتُ وَاللّهِ فى حُبِّكُم أحَبُّ إلَينا . قالَ : وكَذلِكَ الفَقرُ وَالغِنى وَالمَرَضُ وَالصِّحَّةُ ؟ قُلتُ : إى وَاللّهِ . (4)

.

1- .إحياء علوم الدين : 4 / 301 ؛ المحجّه البيضاء : 7 / 331 نحوه .
2- .فى المصدر : «أمّا أنا أقول» وما أثبتناه كما فى كنز العمّال هو الأوفق مع قواعد اللغه العربيّه .
3- .تاريخ دمشق : 13/253 ، البدايه والنهايه : 8/39 وفيه «أحد» بدل «حدّ» و«تعرف» بدل «يصرف» ، الرساله القشيريّه : 195 نحوه وفيه «قيل للحسين بن علىّ عليهماالسلام . . .» ، كنز العمّال: 3 / 712 / 8538 وراجع تحف العقول : 234 ونزهه الناظر : 94 / 27 وأعلام الدين : 300 .
4- .معانى الأخبار : 189 / 1 ، الكافى : 8 /253/357 عن أبان بن تغلب وعدّه نحوه ، بحار الأنوار: 6 / 130 / 20 و ج 72 / 40 / 38 .

امام علی علیه السلام :هر آینه خدای تعالی را از رهگذر فقر ، کیفرها و پاداش هایی است ؛ از نشانه های فقرِ پاداشی چنین است: خُلق فقیر نیکو گردد ؛ در عین فقر ، از پروردگارش فرمان بَرَد ؛ از حال خود شکوه نکند ؛ و خدای تعالی را بر فقر خویش سپاس گوید . و از نشانه های فقرِ کیفری چنین است: خُلق فقیر زشت گردد ؛ با فرمان نبردن از پروردگارش او را سرکشی کند ؛ فراوان شکوه کند ؛ و از قضای خداوند خشمناک باشد .

تاریخ دمشق از محمّد بن یزید مبرّد :به حسن بن علی علیه السلام گفته شد: «ابوذر می گوید: برای من فقر دوست داشتنی تر از توانگری و بیماری محبوب ترِ از تندرستی است » . فرمود: «خدای ابوذر را رحمت کند ؛ امّا من می گویم : «هر کس بر آن چه خداوند به نیکی برایش گُزیده ، توکّل کند ، دیگر آرزو ندارد که در حالی جز آن چه خدای تعالی برایش پیش آورده ، به سر بَرَد ؛ و بدین سان می توان خشنودی از پیشامدِ قضا را دریافت .

معانی الأخبار از فضیل بن یسار از امام باقر علیه السلام :«هیچ یک از شما به حقیقت ایمان دست نمی یابد ، مگر این که در وی سه ویژگی باشد : مرگ برایش دوست داشتنی تر از زندگی باشد ؛ و فقر محبوب تر از توانگری ؛ و بیماری خواستنی تر از تندرستی» . گفتیم: «چه کسی چنین است؟» فرمود: «همه شما» . سپس فرمود : «کدام یک برای هر یک از شما دوست داشتنی تر است ؛ مرگ با دوستیِ ما یا زندگی با دشمنیِ ما؟» گفتم: «به خدای سوگند! برای ما محبوب تر است که در دوستیِ شما بمیریم» . فرمود: «و همچنین است فقر و توانگری ؛ و بیماری و تندرستی؟» گفتم: «به خدا سوگند! چنین است» .

.

الكافى عن شعيب العقرقوفىّ :قُلتُ لِأَبى عَبدِ اللّهِ عليه السلام : شَىءٌ يُروى عَن أبى ذَرٍّ رضى الله عنه أنَّهُ كانَ يَقولُ : ثَلاثٌ يُبغِضُهَا النّاسُ وأنَا اُحِبُّها : اُحِبُّ المَوتَ ، واُحِبُّ الفَقرَ ، واُحِبُّ البَلاءَ ؟ فَقالَ : إنَّ هذا لَيسَ عَلى ما يَروونَ ؛ إنَّما عَنى: المَوتُ فى طاعَةِ اللّهِ أحَبُّ إلَىَّ مِنَ الحَياهِ فى مَعصِيَهِ اللّهِ ، وَالبَلاءُ فى طاعَةِ اللّهِ أحَبُّ إلَىَّ مِنَ الصِّحَّهِ فى مَعصِيَهِ اللّهِ ، وَالفَقرُ فى طاعَةِ اللّهِ أحَبُّ إلَىَّ مِنَ الغِنى فى مَعصِيَهِ اللّهِ . (1)

رجال الكشّى عن محمّد بن الحسن بن ميمون :كَتَبتُ إلى أبى مُحَمَّدٍ عليه السلامأشكو إلَيهِ الفَقرَ ، ثُمَّ قُلتُ فى نَفسى : أَلَيسَ قالَ أبو عَبدِ اللّهِ عليه السلام : الفَقرُ مَعَنا خَيرٌ مِنَ الغِنى مَعَ عَدُوِّنا ، وَالقَتلُ مَعَنا خَيرٌ مِنَ الحَياهِ مَعَ عَدُوِّنا ؟! فَرَجَعَ الجَوابُ : إنَّ اللّهَ عز وِ جل يُمَحِّصُ أولِياءَنا إذا تَكاثَفَت ذُنوبُهُم بِالفَقرِ ، وقَد يَعفو عَن كَثيرٍ ، وهُوَ كَما حَدَّثتَ نَفسَكَ ؛ الفَقرُ مَعَنا خَيرٌ مِنَ الغِنى مَعَ عَدُوِّنا . (2)

.

1- .الكافى: 8/222/279، معانى الأخبار: 165/1، الأمالى للمفيد: 190/17 نحوه، بحارالأنوار: 72/39/36.
2- .رجال الكشّى : 2 / 814 / 1018 ، الخرائج والجرائح : 2 / 739 / 54 وفيه «شمون» بدل «ميمون» ، المناقب لابن شهرآشوب : 4 / 435 ، كشف الغمّه : 3 / 211 كلّها نحوه ، بحار الأنوار : 72 / 44 / 53 .

الکافی از شعیب عقرقوفی :به امام صادق علیه السلام گفتم : «از ابوذر نقل می شود که می گفت : سه چیز را مردم دشمن می شمارند و من دوست می دارم : مرگ و فقر و بلا » . فرمود : «چنان نیست که روایت می کنند . جز این نیست که مراد او چنین بوده : مرگ در حال بندگی خدا برای من دوست داشتنی تر است از زندگی در حال نافرمانی خدا ؛ و بلا دیدن در بندگی خدا برایم محبوب تر است از تندرستی در نافرمانی خدا ؛ و فقر در بندگی خدا نزد من گرامی تر است از توانگری در حال نافرمانی خدا » .

رجال الکشیّ از محمّد بن حسن بن میمون :«به امام عسکری علیه السلامنامه نوشتم و از فقر به او شکایت بردم . آن گاه ، با خود گفتم: مگر نه این است که امام صادق علیه السلامفرموده است: فقر ، همراه ما ، بهتر است از توانگری ، همراهِ دشمنِ ما ؛ و کشته شدن ، همراه ما ، برتر است از زندگی ، همراه دشمن ما ؟» . پاسخ چنین باز آمد : «همانا هرگاه گناهان دوستان ما انبوه می شود ، خداوند با [مبتلا کردنِ ایشان به] فقر ، گناهانشان را می کاهد و از [جُرم های]بسیار درمی گذرد . همچنان که با خود نجوا کرده ای: فقر ، همراه ما ، بهتر است از توانگری ، همراهِ دشمنِ ما» .

.

الاختصاص :مِن مَواعِظِ لُقمانَ لِابنِهِ : يا بُنَيَّ ، الفَقرُ خَيرٌ مِن أن تَظلِمَ وتَطغى . (1)

الإمام علىّ عليه السلام فِى الدّيوانِ المَنسوبِ إلَيهِ : النَّفسُ تَجزَعُ أن تَكونَ فَقيرَهَّوَالفَقرُ خَيرٌ مِن غِنىً يُطغيها (2)

.

1- .الاختصاص : 336 ، بحار الأنوار : 13 / 427 / 22 .
2- .الديوان المنسوب إلى الإمام علىّ عليه السلام : 632 / 488 ، الملاحم والفتن : 361 .

الاختصاص از پندهای لقمان به فرزندش :جانِ پسر! فقر بهتر است از آن که ستم و سرکشی کنی .

امام علی علیه السلام در دیوان منسوب به او :امام علی علیه السلام در دیوان منسوب به او : نَفْس آدمی از این که فقیر شود ، بی تابی می کند ؛ امّا فقر بهتر است از توانگری ای که او را به سرکشی وادارد .

.

نکاتی درباره روایاتِ ستاینده فقر

نکاتی درباره روایاتِ ستاینده فقردر نگاه نخست به نظر می رسد که میان روایات دسته های اول و دوم این فصل با آیات و روایات فصل های گذشته تعارض وجود دارد . این روایات فقر و فرودستیِ اقتصادی را می ستایند و آن را بر توانگری و رفاه ترجیح می دهند ، در حالی که آیات و احادیث فصل های پیش ، توسعه اقتصادی را ارجمند می شمرند و شکوفایی معیشتی را گرانمایه ، بابرکت ، و از آثار برنامه وعده داده شده توسعه اقتصادی در اسلام می نامند و خطرهای فقر و پیامدهای فاجعه بار واپس ماندگی اقتصادی را گوشزد می کنند . اکنون باید دید مراد از روایات ستاینده فقر چیست و آیا می توان به مفاد آن ها ملتزم شد و معنای برآمده از آن ها را پذیرفت . دانشمندان مسلمان و کارشناسان علم حدیث ، برای سازگاری بخشیدن به این متون ، راه های مختلفی را پیموده اند . برخی مفهوم فقر موجود در احادیث ستایشگر فقر را از مفهوم فقر در روایات سرزنشگرِ آن ، متمایز شمرده اند . بعضی ، ویژگی های فقر ستوده و فقر نکوهیده را متفاوت دانسته اند . گروه سوم هم روایات ستایشگر فقر را کنار نهاده اند ، زیرا سندهای آن ها را ضعیف شمرده اند و روایات نکوهنده فقر را معتبر دانسته اند . (1) با این حال ، به نظر می رسد که آیات و روایات این مبحث چنان چینش شده اند که پژوهشگر به سادگی می تواند از رهگذر تأمّل در آن ، دیدگاه اسلام را

.

1- .بنگرید به : المحجه البیضاء : ج 7 ، ص 319 330 وبحارالأنوار : ج 72 ، ص 6 7 و 34 ومعراج السعاده : ص 91 و 295 و 296 ومسلکنا للمشکینی : ص 182 و تفسیر نمونه : ج 16 ، ص 174 .

در باب توسعه اقتصادی دریابد و بدین سان ، به مفهوم روایات ستاینده فقر ، با فرض درستیِ اسناد آن ها ، پی ببرد . برای آن که این دریافت وضوحی بیشتر یابد ، تأمّل در نکات زیر مفید است: 1 . در فصول پنجگانه نخست این کتاب ، آیات و احادیثی درباره اهمّیّت توسعه اقتصادی و زیان های ناشی از فقر آمده است . دیگر بخش های این اثر نیز متضمّن مباحثی در باب اصول و مبانی توسعه و پیامدها و آفات آن هستند . با ملاحظه مجموع این مباحث ، جای هیچ تردیدی در این نکته باقی نمی ماند که اسلام هرگز به فقر گرایش ندارد و به سوی آن جهت گیری نمی کند ، بلکه توسعه اقتصادی ، به شکلی برجسته ، از اهداف مهمّ این دین به شمار می رود . به بیان دیگر ، جهت گیری و مبارزه اسلام در رویارویی با فقر و برنامه ریزی هایش در مسیر توسعه اقتصادی ، از اصول مسلّم اسلامی است . بر این پایه ، هر گاه روایاتی به چشم خورند که ظاهرا مردم را به سوی فقر دعوت می کنند ، پس از قطعی شدن انتساب آن ها به پیشوایان دین ، چاره ای جز آن نیست که مقصود روایات مزبور را در ظاهر آن ها نجوییم . 2 . توانگری و فقر ، از هر جهت همانند دانش و نادانی اند و می توان آن ها را از دو زاویه ارزیابی کرد . از یک زاویه ، دارایی به طور مطلق و همانند دانش ، ارزش تلقّی می شود ؛ زیرا از مظاهر نظام آفرینش است که در خدمت انسان و نیازمندی های وی قرار دارد ؛ در برابرِ فقر که به ازایِ خواست های انسان ، همچون نادانی ، دارای بار منفی ارزیابی می شود . امّا از زاویه دیگر ، دارایی با توجّه به نقشی که در زندگی انسان ایفا می کند ، ارزیابی می شود . این نکته را می توان با چنین تعبیری نیز بیان کرد: در نگاه اوّل ، آن چه ارزیابی می شود ، ثروت و علم است ؛ امّا در نگاه دوم ، ثروتمند و عالم ارزیابی می گردد . آن گاه که ثروت از زاویه نگاه آفرینشی ارزیابی شود ، بی شک در برابر فقر ،

.

دارای ارزش و نوعی نعمت شمرده می شود ، همانند دانش در برابر نادانی . امّا آن گاه که ثروت از زاویه ارتباطش با انسان ثروتمند ارزیابی گردد ، این معادله شکلی دیگر می پذیرد . همان گونه که دانش برای هر دانشمندی سودمند و نادانی برای هر جاهلی زیانمند نیست (1) ، ثروت هم چنین است . هر توانگری از ثروت سود نمی برد ، همان گونه که هر فقیری از فقر زیان نمی بیند ؛ بلکه به تعبیر حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام : «بسا توانگری ای که فقرِ جاویدان بر جای نهد» (2) و «بسا فقری که به توانگریِ همیشگی بینجامد» (3) و «بسا کاسته که سودمند است و بسا افزوده که زیان بخش» . (4) بر این پایه ، آن گاه که ثروت از جهتِ نوع ارتباطش با ثروتمند ، و فقر از ناحیه چگونگی پیوندش با فقیر ارزیابی گردد ، نمی توانیم با قاطعیّت بگوییم که ثروت مطلقا ارزش یا ضدّ ارزش است . در این حال ، سزاوار است که ارزیابی را از رهگذر نتایج به دست آوریم ؛ اگر ثروتمند از ثروتش به شکل مطلوب بهره برده باشد ، ثروت ارزش است ؛ وگرنه ، نه ! درباره فقر نیز چنین است ؛ اگر فقر به خواری و ویرانی بینجامد ، عاملی منفی است ؛ امّا اگر موضع گیری های صحیحِ فقیر او را از فقر به غنای حقیقی برساند و راه کمال او را هموار کند ، چنین فقری ارزشمند است . به طور کلّی ، فصول پنجگانه نخست این کتاب ، موضوع توسعه اقتصادی را از دریچه نگاه نخست ، بررسی کرده و آیات و روایات فصل ششم ، آن را از نظرگاه دوم نگریسته ؛ پس تعارضی میان این دو دسته نیست .

.

1- .همانگونه که از امام علی علیه السلام روایت شده : «رُبَّ جاهلٍ نجاتُه جَهله» . ر .ک : خردگرایی در قرآن و حدیث : ص333 (نادانی پسندیده) و علم و حکمت در قرآن و حدیث : ص393 (پرسیدن از چیزهایی که پاسخش زیانبار است) .
2- .غرر الحکم : ح 5328 .
3- .غرر الحکم : ح 5327 .
4- .غرر الحکم : ح 6960 .

3 . گروه سوم از روایات فصل ششم ، چند معیار را در ارزیابی فقر و توانگری به دست می دهند که می توان آن ها را چنین دسته بندی کرد: أ . ثروت برای انسان ثروتمند خیر است و فقر برای انسان فقیر ، شر ؛ امّا نه به طور مطلق ، بلکه با توجّه به نقشی که در زندگی انسان ایفا می کنند . با این معیار ، ثروت برای همگان خیر نیست ، همان گونه که فقر برای همه شر به شمار نمی آید (1) . ب . از جهت استفاده نیازمندان اجتماع از ثروت ، توانگری ارزشمند و مثبت است (2) . ج . در جامعه ای که فقر در آن رواج دارد ، انتخاب فقر به منظور خدمت به نیازمندان ، یک ارزش پسندیده به شمار می رود (3) . د . هر گاه فقر با حفظ ارزش ها و پایبندی به مواضع درست همراه گردد ، برتر از ثروتی است که با اعمال نادرست و ضدّ ارزش درآمیزد (4) . ه . برای گروهی که در مسیر اوج و دستیابی به کمال گام نهاده اند ، فقر و توانگری یکسان است (5) ؛ زیرا اینان می توانند از هر گونه فضا و وضعیّتی ، برای رسیدن به ترقّی و کمال بهره ببرند . 4 . در اصطلاح قرآن و حدیث ، فقر دارای معانی متفاوت است ؛ گاه به معنای نیاز در اصل وجود است ، چنان که خداوند سبحان می فرماید: «یَأَیُّهَا النَّاسُ أَنتُمُ الْفُقَرَآءُ إِلَی اللَّهِ ، (6) » «ای مردم! شمایید نیازمندان به خدا» ؛

.

1- .بنگرید به : ص 149 ، ح 227 و ص 151 ، ح 230 .
2- .بنگرید به : ص 149 ، ح 226 .
3- .بنگرید به : ص 151 ، ح 229 و 236 .
4- .بنگرید به : ص 149 153 ، ح 228 ، 230 ، 232 240 .
5- .بنگرید به : ص 153 ، ح 239 .
6- .فاطر: 15 .

گاه به معنای احتیاج مادّی است ، چنان که خدای سبحان می فرماید: «إِنَّمَا الصَّدَقَتُ لِلْفُقَرَآءِ وَالْمَسَكِينِ ، (1) » «همانا صدقه ها برای نیازمندان و درماندگان است» ؛ گاهی به مفهوم فقر معنوی است ، همان سان که در بیانِ رسیده از امام امیرالمؤمنین علیه السلام آمده: «فَقرُ النَّفسِ شَرُّ الفَقرِ» ؛ (2) «فقرِ جان ، بدترین فقر است» . و گاه نیز به مفهوم احساس نیاز به خداوند و احتیاج به او است ، همان طور که در حدیث شریف پیامبر صلی الله علیه و آلهآمده است: «اللّهُمَّ أغنِنِي بالإِفتِقارِ إلَیکَ» ؛ (3) «بار خدایا! مرا با فقر به درگاه خود ، بی نیازی بخش» . آشکار است که در برخی از احادیث بخش نخست از فصل ششم ، فقر به همین معنای چهارم آمده است و این پس از فراغت جستن از اعتبار سندیِ آن احادیث است همچون: «الفَقرُ فَخری ، وبِهِ أفتَخِرْ ؛ (4) فقر مایه افتخار من است و به آن مباهات می ورزم» . در پرتو این بیان ، آشکار می شود که این دسته از روایات ، با مبحث توسعه اقتصادی ، خواه به شکل اثباتی و خواه به صورت نفیی ، هیچ پیوندی ندارند .

.

1- .التوبه: 60 .
2- .غرر الحکم: 6547 .
3- .مفردات ألفاظ القرآن: 642.
4- .بنگرید به : ص137 ، ح 195 .

بخش دوم : پایه های توسعه

اشاره

بخش دوم: پایه های توسعهفصل یکم : دانشفصل دوم : برنامه ریزیفصل سوم : کارفصل چهارم : بازارفصل پنجم : مصرففصل ششم : دولت

.

الفصل الأوّل: العِلم1 / 1دَورُ العِلمِ فی التَّقَدُّمِ الاِقتِصادِی ّالکتاب :«یَرْفَعِ اللَّهُ الَّذِینَ ءَامَنُواْ مِنکُمْ وَ الَّذِینَ أُوتُواْ الْعِلْمَ دَرَجَتٍ وَ اللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِیرٌ . (1) »

«وَ مَن یُؤْتَ الْحِکْمَهَ فَقَدْ أُوتِیَ خَیْرًا کَثِیرًا . (2) »

الحدیث :رسول اللّه صلی الله علیه و آله :خَیرُ الدُّنیا وَالآخِرَهِ مَعَ العِلمِ . (3)

عنه صلی الله علیه و آله :العِلمُ رَأسُ الخَیرِ کُلِّهِ . (4)

.

1- .المجادله : 11 .
2- .البقره : 269 .
3- .مشکاه الأنوار : 239 / 691 ، روضه الواعظین : 17 ، بحار الأنوار : 1 / 204 / 23 .
4- .جامع الأحادیث للقمّی : 102 ، بحار الأنوار : 77 / 175 / 9 .

1 / 1 نقش دانش در پیشرفت اقتصادی

فصل یکم: دانش1 / 1نقش دانش در پیشرفت اقتصادیقرآن:«تا خدا کسانی از شما را که ایمان آورده اند [پایه ای] و کسانی را که به ایشان دانش داده شده ، پایه ها بالا بَرَد؛ و خدا به آن چه می کنید ، آگاه است.»

«و هر که را حکمت دهند ، به راستی او را نیکی ها بسیار داده اند.»

حدیث:پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :خیر دنیا و آخرت ، همراه دانش است .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :دانش ، سرآمدِ همه خیرها است .

.

عنه صلى الله عليه و آله :مَن عَمِلَ عَلى غَيرِ عِلمٍ كانَ ما يُفسِدُ أكثَرَ مِمّا يُصلِحُ . (1)

عنه صلى الله عليه و آله :إنَّما يُدرَكُ الخَيرُ كُلُّهُ بِالعَقلِ ، ولا دينَ لِمَن لا عَقلَ لَهُ . (2)

الإمام علىّ عليه السلام :العِلمُ أصلُ كُلِّ خَيرٍ . (3)

عنه عليه السلام :بِالعَقلِ تُنالُ الخَيراتُ . (4)

عنه عليه السلام :إنّى إذَا استَحكَمتُ فِى الرَّجُلِ خَصلَةً مِن خِصالِ الخَيرِ احتَمَلتُهُ لَها ، وَاغتَفَرتُ لَهُ فَقدَ ما سِواها ، ولا أغتَفِرُ لَهُ فَقدَ عَقلٍ ولا عُدمَ دينٍ ؛ لِأَنَّ مُفارَقَةَ الدّينِ مُفارَقَةُ الأَمنِ ، ولا تَهنَأُ حَياةٌ مَعَ مَخافَةٍ ، وعَدَمَ العَقلِ عَدَمُ الحَياةِ ، ولا تُعاشَرُ الأَمواتُ . (5)

عنه عليه السلام :لِطالِبِ العِلمِ عِزُّ الدُّنيا وفَوزُ الآخِرَةِ . (6)

الإمام الحسن عليه السلام :بِالعَقلِ تُدرَكُ الدّارانِ جَميعا ، ومَن حُرِمَ مِنَ العَقلِ حُرِمَهُما جَميعا . (7)

.

1- .الكافى : 1 / 44 / 3 عن ابن فضّال عمّن رواه عن الإمام الصادق عليه السلام ، تحف العقول : 47 ، المحاسن : 1 / 314 / 621 عن الحسن بن علىّ بن فضّال عمّن رواه عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلامعنه صلى الله عليه و آله ، أعلام الدين : 309 عن الإمام الجواد عليه السلام نحوه ، بحار الأنوار : 77 / 150 / 87 ؛ من لا يحضره الفقيه والمتفقّه : 1 / 19 عن عمر بن عبد العزيز .
2- .تحف العقول : 54 ، بحار الأنوار : 77 / 158 / 143 .
3- .غرر الحكم : 818 .
4- .غرر الحكم : 4212 .
5- .غرر الحكم : 3785 .
6- .غرر الحكم : 7349 .
7- .كشف الغمّه : 2 / 197 ، بحار الأنوار : 78 / 111 / 6 .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر کس بر پایه ای جز دانش رفتار کند ، بیش از آن که اصلاح کند ، فساد به بار می آورد .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :جز این نیست که سراسرِ خیر با عقل درک می شود ؛ و آن را که عقل نیست ، دین نباشد .

امام علی علیه السلام :دانش ریشه هر خیر است .

امام علی علیه السلام :با عقل می توان به خیرها دست یافت .

امام علی علیه السلام :هر گاه ویژگی ای نیکو را در کسی استوار دیدم ، او را به سبب داشتن آن تحمل می کنم و از نبودِ ویژگی های دیگر در او چشم می پوشم ؛ امّا نبودِ عقل و دین را در کسی نمی بخشم ؛ زیرا جدایی از دین [به منزله]جدایی از امنیّت است و زندگی با ترس گوارا نیست ؛ و نبودِ عقل [به منزله]مرگ است و با مردگان همزیستی نشاید کرد .

امام علی علیه السلام :جوینده دانش را سرافرازی دنیا و رستگاریِ آخرت است .

امام حسن علیه السلام :با عقل ، از هر دو سَرای می توان بهره بُرد ؛ و هر که از عقل نصیب نداشته باشد ، از هر دو سرای بی بهره است .

.

1 / 2دَورُ الجَهلِ فِی التَّخَلُّفِ الاِقتِصادِیِّرسول اللّه صلی الله علیه و آله :شَرُّ الدُّنیا وَالآخِرَهِ مَعَ الجَهلِ . (1)

عنه صلی الله علیه و آله :الجَهلُ رَأسُ الشَّرِّ کُلِّهِ . (2)

الإمام علیّ علیه السلام :الجَهلُ أصلُ کُلِّ شَرٍّ . (3)

عنه علیه السلام :الجَهلُ فَسادُ کُلِّ أمرٍ . (4)

عنه علیه السلام :لا غِنیً لِجاهِلٍ . (5)

عنه علیه السلام :الجَهلُ وَالبُخلُ مَساءَهٌ ومَضَرَّهٌ . (6)

عنه علیه السلام :لِلجاهِلِ فی کُلِّ حالَهٍ خُسرانٌ . (7)

عنه علیه السلام :الجاهِلُ صَخرَهٌ لا یَنفَجِرُ ماؤُها ، وشَجَرَهٌ لا یَخضَرُّ عودُها ، وأرضٌ لا یَظهَرُ عُشبُها . (8)

.

1- .مشکاه الأنوار : 239 / 691 ، روضه الواعظین : 17 ، بحار الأنوار : 1 / 204 / 23 .
2- .جامع الأحادیث للقمّی : 102 ، بحار الأنوار : 77 / 175 / 9 .
3- .غرر الحکم : 819 .
4- .غرر الحکم : 930 .
5- .غرر الحکم : 10450 .
6- .غرر الحکم : 1585 .
7- .غرر الحکم : 7329 .
8- .غرر الحکم : 2081 .

1 / 2نقش نادانی در واپس ماندگی اقتصادیپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :شرّ دنیا و آخرت ، همراهِ نادانی است .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :نادانی سرآمدِ همه بدی ها است .

امام علی علیه السلام :نادانی ریشه هر بدی است .

امام علی علیه السلام :نادانی هر کاری را به تباهی می کشد .

امام علی علیه السلام :نادان را توانگری نباشد .

امام علی علیه السلام :نادانی و بُخل ورزیدن ، بدرفتاری و زیانکاری است .

امام علی علیه السلام :نادان در هر حال زیانکار است .

امام علی علیه السلام :نادان صخره ای است که آبی از آن نمی جوشد ؛ درختی است که چوبش سبز نمی شود ؛ و زمینی است که گیاهش سر بر نمی زند .

.

عنه علیه السلام :دَولَهُ الجاهِلِ کَالغَریبِ المُتَحَرِّکِ إلَی النُّقلَهِ . (1)

عنه علیه السلام :إنَّکُم لَن تُحَصِّلوا بِالجَهلِ أرَبا ، ولَن تَبلُغوا بِهِ مِنَ الخَیرِ سَبَبا ، ولَن تُدرِکوا بِهِ مِنَ الآخِرَهِ مَطلَبا . (2)

.

1- .غرر الحکم : 5108 .
2- .غرر الحکم : 3856 .

ص: 171

امام علی علیه السلام :چیرگی و دولتمندیِ نادان همانند غریبی است که همواره از جایی به جایی در حرکت است .

امام علی علیه السلام :همانا شما با نادانی هرگز به خواسته ای دست نمی یابید ، هرگز دستاویزی به سوی خیر نمی جویید ، و هرگز در آخرت به دستاوردی نایل نمی شوید .

.

الفصل الثانى: التَّدبير2 / 1حُسنُ التَّدبيرِ وَالتَّنمِيَهرسول اللّه صلى الله عليه و آله :مَن أحسَنَ تَدبيرَ مَعيشَتِهِ رَزَقَهُ اللّهُ تَبارَکَ وتَعالى . (1)

عنه صلى الله عليه و آله :إنَّ مِن عَقلِ الرَّجُلِ استِصلاحَ مَعيشَتِهِ . (2)

عنه صلى الله عليه و آله :مِن فِقهِ الرَّجُلِ أن يُصلِحَ مَعيشَتَهُ ، ولَيسَ مِن حُبِّ الدُّنيا طَلَبُ ما يُصلِحُکَ . (3)

الإمام علىّ عليه السلام :لا فَقرَ مَعَ حُسنِ تَدبيرٍ . (4)

.

1- .أُسد الغابه : 5 / 336 / 5294 ، كنز العمّال : 7 / 188 / 18614 نقلاً عن ابن النجّار وكلاهما عن أبى السليل عن أبيه .
2- .الفردوس : 1 / 214 / 815 عن أبى الدرداء .
3- .شُعب الإيمان : 5 / 254 / 6563 عن ابن عمر ، كنز العمّال : 3 / 50 / 5439 عن أبى الدرداء .
4- .غرر الحكم : 10920 .

2 / 1 برنامه ریزی صحیح و توسعه

فصل دوم: برنامه ریزی2 / 1برنامه ریزی صحیح و توسعهپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر کس برای گذرانِ زندگانی خویش به درستی برنامه ریزی کند ، خدای تبارک و تعالی روزی اش می بخشد .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :همانا نشانه عاقل بودن انسان آن است که گذرانِ زندگی اش سامان بخشد .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :نشان ژرف اندیشی هر فرد این است که گذران زندگی اش را به سامان آورد . این که در جست و جوی سامان زندگی ات باشی ، دنیادوستی شمرده نمی شود .

امام علی علیه السلام :با برنامه ریزی صحیح ، فقر پدید نمی آید .

.

عنه علیه السلام :صَلاحُ العَیشِ التَّدبیرُ . (1)

عنه علیه السلام :القَلیلُ مَعَ التَّدبیرِ أبقی مِنَ الکَثیرِ مَعَ التَّبذیرِ . (2)

عنه علیه السلام :التَّدبیرُ نِصفُ المَعونَهِ . (3)

عنه علیه السلام :حُسنُ التَّدبیرِ وتَجَنُّبُ التَّبذیرِ مِن حُسنِ السِّیاسَهِ . (4)

عنه علیه السلام :قِوامُ العَیشِ حُسنُ التَّقدیرِ ، ومِلاکُهُ حُسنُ التَّدبیرِ . (5)

عنه علیه السلام :حُسنُ التَّدبیرِ یُنمی قَلیلَ المالِ ، وسوءُ التَّدبیرِ یُفنی کَثیرَهُ . (6)

عنه علیه السلام فِی الحِکَمِ المَنسوبَهِ إلَیهِ : لا مالَ لِمَن لا تَدبیرَ لَهُ . (7)

تهذیب الأحکام عن سدیر عن الإمام الباقر علیه السلام :مِن عَلاماتِ المُؤمِنِ ثَلاثٌ : حُسنُ التَّقدیرِ فِی المَعیشَهِ ، وَالصَّبرُ عَلَی النّائِبَهِ ، وَالتَّفَقُّهُ فِی الدّینِ . وقالَ : ما خَیرٌ فی رَجُلٍ لا یَقتَصِدُ فی مَعیشَتِهِ ؛ ما یَصلُحُ لا لِدُنیاهُ ولا لِاخِرَتِهِ . (8)

الإمام الباقر علیه السلام :الکَمالُ کُلُّ الکَمالِ : التَّفَقُّهُ فِی الدّینِ ، وَالصَّبرُ عَلَی النّائِبَهِ ، وتَقدیرُ المَعیشَهِ . (9)

.

1- .غرر الحکم : 5794 .
2- .غرر الحکم : 1948 .
3- .غرر الحکم : 566 .
4- .غرر الحکم : 4821 .
5- .غرر الحکم : 6807 .
6- .غرر الحکم : 4833 .
7- .شرح نهج البلاغه : 20 / 317 / 638 .
8- .تهذیب الأحکام : 7 / 236 / 1028 عن سدیر .

9- .الكافى : 1 / 32 / 4 عن ربعى عن رجل وج 5 / 87 / 2 عن ربعى عن رجل عن الإمام الصادق عليه السلامنحوه ، تحف العقول : 292 ، منيه المريد : 376 ، دعائم الإسلام : 2 / 255 / 969 عن الإمام علىّ عليه السلام ، بحار الأنوار : 78 / 172 / 3 .

امام علی علیه السلام :سامان بخشِ گذرانِ زندگی ، برنامه ریزی است .

امام علی علیه السلام :مال اندک ، با برنامه ریزی ، پایدارتر از مال فراوانی است که ریخت و پاش شود .

امام علی علیه السلام :برنامه ریزی ، نیمِ دستمایه [ی زندگی] است .

امام علی علیه السلام :نشانه سیاستِ درست ، برنامه ریزی صحیح و پرهیز از ریخت و پاش است .

امام علی علیه السلام :مایه پایداری زندگی ، خوب سنجیدن است و پایه آن ، برنامه ریزی است .

امام علی علیه السلام :برنامه ریزی درست ، مالِ کم را افزایش می بخشد ؛ و برنامه ریزی نادرست ، مال بسیار را نابود می کند .

امام علی علیه السلام در کلمات حکیمانه منسوب به او : آن را که برنامه ریزی نیست ، دارایی نباشد .

تهذیب الأحکام از سدیر از امام باقر علیه السلام :سه چیز از نشانه های مؤمن هستند : خوب اندازه نگه داشتن در گذرانِ زندگی ، صبر بر بلای سخت ، ژرف کاوی در دین . و فرمود: کسی که در گذران زندگی اش اندازه نگه نمی دارد ، نه خیری در او است و نه دنیا و آخرتش را سامان می دهد .

امام باقر علیه السلام :سراسرِ کمال در این ها است: ژرف کاوی در دین ، صبر بر بلای سخت ، اندازه نگه داری در گذران زندگی .

.

الإمام الصادق عليه السلام :التَّقديرُ نِصفُ العَيشِ . (1)

عنه عليه السلام :المُؤمِنُ حَسَنُ المَعونَهِ ، خَفيفُ المَؤونَهِ ، جَيِّدُ التَّدبيرِ لِمَعيشَتِهِ ، لا يُلسَعُ مِن جُحرٍ مَرَّتَينِ . (2)

الكافى عن الفضل بن كثير المدائنىّ عمّن ذكره عن الإمام الصادق عليه السلام :أنَّهُ دَخَلَ عَلَيهِ بَعضُ أصحابِهِ . . . فَقالَ [الإمامُ الصّادِقُ عليه السلام] لَهُ : اِضرِب يَدَكَ إلى هذَا الكِتابِ فَاقرَأ ما فيهِ وكانَ بَينَ يَدَيهِ كِتابٌ أو قَريبٌ مِنهُ فَنَظَرَ الرَّجُلُ فيهِ فَإذا فيهِ : . . . لا مالَ لِمَن لا تَقديرَ لَهُ ، ولا جَديدَ لِمَن لا خَلَقَ لَهُ . (3)

الأمالى للطوسى عن أيّوب بن الحرّ :سَمِعتُ رَجُلاً يَقولُ لِأَبى عَبدِ اللّهِ عليه السلام : بَلَغَنى أنَّ الاِقتِصادَ وَالتَّدبيرَ فِى المَعيشَهِ نِصفُ الكَسبِ ، فَقالَ أبو عَبدِ اللّهِ عليه السلام : لا ، بَل هُوَ الكَسبُ كُلُّهُ ، ومِنَ الدّينِ التَّدبيرُ فِى المَعيشَهِ . (4)

الكافى عن داود بن سرحان :رَأَيتُ أبا عَبدِ اللّهِ عليه السلام يَكيلُ تَمرا بِيَدِهِ ، فَقُلتُ : جُعِلتُ فِداکَ ! لَو أمَرتَ بَعضَ وُلدِکَ أو بَعضَ مَواليکَ فَيَكفيکَ ، فَقالَ : يا داودُ ، إنَّهُ لا يُصلِحُ المَرءَ المُسلِمَ إلاّ ثَلاثَهٌ : التَّفَقُّهُ فِى الدّينِ ، وَالصَّبرُ عَلَى النّائِبَهِ ، وحُسنُ التَّقديرِ فِى المَعيشَهِ . (5)

.

1- .من لا يحضره الفقيه : 4 / 416 / 5904 عن زراره ، الخصال : 620 / 10 عن أبى بصير ومحمّد بن مسلم عن الإمام الصادق عن أبيه عن جدّه عن آبائه عن الإمام علىّ عليهم السلام ، خصائص الأئمّه عليهم السلام : 104 ، تحف العقول : 111 كلاهما عن الإمام علىّ عليه السلام ، بحار الأنوار : 104 / 73 / 22 .
2- .الكافى : 2 / 241 / 38 عن إسحاق بن عمّار ، بحار الأنوار : 67 / 362 / 67 .
3- .الكافى : 5 / 317 / 52 و ج 6 / 460 / 3 عن الفضل بن كثير المدائنى عمّن ذكره ، بحار الأنوار : 47 / 45 / 63 .
4- .الأمالى للطوسى : 670 / 1410 ، بحار الأنوار : 71 / 349 / 20 .

5- .الكافى : 5 / 87 / 4 وراجع من لا يحضره الفقيه : 3 / 166 / 3618 وتحف العقول : 358 .

امام صادق علیه السلام :اندازه نگه داشتن ، نیمِ گذرانِ زندگی است .

امام صادق علیه السلام :مؤمن نیکْ یار است و سبکبار ؛ برای گذرانِ زندگی اش خوب برنامه ریزی می کند ؛ از سوراخ لانه یک گزنده ، دوبار گزیده نمی شود .

الکافی از فضل بن کثیر مدائنی از نامبرده خویش از امام صادق علیه السلام : یکی از یاران امام صادق علیه السلام بر وی درآمد . . . و امام به او فرمود: «به این نوشته دست بگشای و آن چه را در آن است ، برخوان» و برابرِ امام یا نزدیکِ او نوشته ای بود . مرد در آن نگریست و چنین دید: «آن را که اندازه نگه نمی دارد ، دارایی نیست ؛ و آن را که کهنه نیست [= در مصرف میانه رو نباشد] ، نو هم نباشد» .

امالی طوسی از ایّوب بن حر :شنیدم که کسی به امام صادق علیه السلاممی گوید : «خبرم رسیده که میانه روی و برنامه ریزی برای گذران زندگی ، نیمِ درآمد است» . امام صادق علیه السلامفرمود : «نه! بلکه همه درآمد است . برنامه ریزی برای گذران زندگی ، نشانه دینداری است» .

الکافی از داوود بن سرحان :امام صادق علیه السلام را دیدم که به دست خویش ، خرما را پیمانه می کرد . گفتم: «فدایت شوم! تو را بس است که به یکی از فرزندان یا خدمتگزارانت دستور دهی [که چنین کند]» . فرمود: «ای داوود! جز سه چیز ، انسان مسلمان را به سامان نیاورَد : ژرف کاوی در دین ، صبر بر بلای سخت ، و درست اندازه نگه داشتن در گذران زندگی» .

.

الإمام الرضا عليه السلام :إنَّ رَجُلاً أتى جَعفَرا صَلَواتُ اللّهِ عَلَيهِ شَبيها بِالمُستَنصِحِ لَهُ ، فَقالَ لَهُ : يا أبا عَبدِ اللّهِ ، كَيفَ صِرتَ اتَّخَذتَ الأَموالَ قِطَعا مُتَفَرِّقَةً ؛ ولَو كانَت فى مَوضِعٍ (واحِدٍ) كانَت أيسَرَ لِمَؤونَتِها وأعظَمَ لِمَنفَعَتِها !؟ فَقالَ أبو عَبدِ اللّهِ عَليه السلام : اِتَّخَذتُها مُتَفَرِّقَةً ؛ فَإِن أصابَ هذَا المالَ شَىءٌ سَلِمَ هذَا المالُ ، وَالصُّرَّةُ تُجمَعُ بِهذا كُلِّهِ . (1)

2 / 2سوءُ التَّدبيرِ وَالتَّخَلُّفُرسول اللّه صلى الله عليه و آله :ما أخافُ عَلى أُمَّتِى الفَقرَ ، ولكِن أخافُ عَلَيهِم سوءَ التَّدبيرِ . (2)

الإمام علىّ عليه السلام :سوءُ التَّدبيرِ مِفتاحُ الفَقرِ . (3)

عنه عليه السلام :لا غِنىً مَعَ سوءِ تَدبيرٍ . (4)

عنه عليه السلام فِى الحِكَمِ المَنسوبَهِ إلَيهِ : لا مالَ لِمَن لا تَدبيرَ لَهُ . (5)

.

1- .الكافى : 5 / 91 / 1 عن معمر بن خلاّد ، بحار الأنوار : 47 / 58 / 109 .
2- .عوالى اللآلى : 4 / 39 / 134 .
3- .غرر الحكم : 5572 .
4- .غرر الحكم : 10919 .
5- .شرح نهج البلاغه : 20 / 317 / 638 .

امام رضا علیه السلام :مردی نزد امام صادق علیه السلام آمد و چنان که می خواهد پندش دهد ، به وی گفت: «ای ابوعبداللّه ! چرا دارایی هایت را بخش بخش کرده ای ، حال آن که اگر یکجا بود ، هم کم هزینه تر بود و هم پر سودتر؟» امام صادق علیه السلام فرمود: «آن را پراکنده ساختم ؛ زیرا اگر آن یک را آسیبی رسد ، این یک از آن آسیب دور می مانَد و بدین سان ، مجموعه مال حفظ می شود» .

2 / 2برنامه ریزی نادرست و واپس ماندگیپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :بر امّت خویش ، نه از فقر ، که از برنامه ریزی نادرست بیم دارم .

امام علی علیه السلام :برنامه ریزی نادرست ، کلید فقر است .

امام علی علیه السلام :با برنامه ریزی نادرست ، توانگری حاصل نمی شود .

امام علی علیه السلام در کلمات حکیمانه منسوب به وی : آن را که برنامه ریزی نیست ، دارایی مباد .

.

عنه علیه السلام :آفَةُ المَعاشِ سوءُ التَّدبیرِ . (1)

عنه علیه السلام :سَبَبُ التَّدمیرِ سوءُ التَّدبیرِ . (2)

عنه علیه السلام :تَرکُ التَّقدیرِ فِی المَعیشَهِ یورِثُ الفَقرَ . (3)

عنه علیه السلام :مَن تَأَخَّرَ تَدبیرُهُ تَقَدَّمَ تَدمیرُهُ . (4)

عنه علیه السلام :مَن ساءَ تَدبیرُهُ تَعَجَّلَ تَدمیرُهُ . (5)

عنه علیه السلام :مَن ساءَ تَدبیرُهُ کانَ هَلاکُهُ فی تَدبیرِهِ . (6)

عنه علیه السلام :مَن ساءَ تَدبیرُهُ بَطَلَ تَقدیرُهُ . (7)

عنه علیه السلام :یُستَدَلُّ عَلَی الإدبارِ بِأَربَعٍ : سوءِ التَّدبیرِ وقُبحِ التَّبذیرِ ، وقِلَّهِ الاِعتِبارِ ، وکَثرَهِ الاِعتِذارِ . (8)

عنه علیه السلام :مَن تَوَرَّطَ فِی الاُمورِ غَیرَ ناظِرٍ فِی العَواقِبِ فَقَد تَعَرَّضَ لِمُفظِعاتِ النَّوائِبِ ، وَالتَّدبیرُ قَبلَ العَمَلِ یُؤمِنُکَ مِنَ النَّدَمِ . (9)

.

1- .غرر الحکم : 3965 .
2- .غرر الحکم : 5549 و5571 مع تقدیم وتأخیر .
3- .الخصال : 505 / 2 عن سعید بن علاقه ، روضه الواعظین : 499 ، بحار الأنوار : 71 / 347 / 13 .
4- .غرر الحکم : 8045 .
5- .غرر الحکم : 7906 وح 8346 .
6- .غرر الحکم : 8768 .
7- .غرر الحکم : 8047 .
8- .غرر الحکم : 10958 .
9- .من لا یحضره الفقیه : 4 / 388 / 5834 ، الکافی : 8 / 19 / 4 عن جابر بن یزید عن الإمام الباقر علیه السلام ، تحف العقول : 93 ولیس فیهما ذیله .

امام علی علیه السلام :آفتِ گذران زندگی ، برنامه ریزی نادرست است .

امام علی علیه السلام :برنامه ریزی نادرست ، مایه نابودی است .

امام علی علیه السلام :اندازه نگه نداشتن در گذران زندگی ، فقر به بار می آورد .

امام علی علیه السلام :هر کس در برنامه ریزی واپس مانَد ، نابودی اش پیش افتد .

امام علی علیه السلام :هر که برنامه ریزی اش درست نباشد ، نابودی اش پیش می افتد .

امام علی علیه السلام :هر کس برنامه ریزی اش نادرست باشد ، هلاکتش در همان تدبیر اوست .

امام علی علیه السلام :هر که بد برنامه ریزی کند ، اندازه گیری او تباه می گردد .

امام علی علیه السلام :نشانه های بخت برگشتگی چهار چیزند : بدیِ برنامه ریزی ، زشتیِ ریخت و پاش ، اندکیِ عبرت گیری ، و فراوانیِ عذرخواهی .

امام علی علیه السلام :هر که بدون عاقبت اندیشی ، در کارها فرو رود ، خود را به بلاهای سختِ رسواکننده دچار کند . و برنامه ریزی پیش از هر کار ، از پشیمانی ایمنت خواهد ساخت .

.

الفصل الثالث: العمل3 / 1الحَثُّ عَلَى العَمَلِ3 / 1 1طَلَبُ الرِّزقِالكتاب :«فَإِذَا قُضِيَتِ الصَّلَوهُ فَانتَشِرُواْ فِى الْأَرْضِ وَ ابْتَغُواْ مِن فَضْلِ اللَّهِ وَ اذْكُرُواْ اللَّهَ كَثِيرًا لَّعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ . (1) »

«وَ مِن رَّحْمَتِهِ جَعَلَ لَكُمُ الَّيْلَ وَ النَّهَارَ لِتَسْكُنُواْ فِيهِ وَ لِتَبْتَغُواْ مِن فَضْلِهِ وَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ . (2) »

«رَّبُّكُمُ الَّذِى يُزْجِى لَكُمُ الْفُلْكَ فِى الْبَحْرِ لِتَبْتَغُواْ مِن فَضْلِه إِنَّهُ كَانَ بِكُمْ رَحِيمًا . (3) »

.

1- .الجمعه : 10 .
2- .القصص : 73 .
3- .الإسراء : 66 .

فصل سوم : کار

3 / 1 تشویق به کار

3 / 1 1 روزی جُستن

فصل سوم: کار3 / 1تشویق به کار3 / 1 - 1روزی جُستنقرآن:«پس چون نماز گزارده شد ، در زمین پراکنده شوید و از فضل خدا [با کسب و کار ، روزی]بجویید و خدای را بسیار یاد کنید؛ باشد که رستگار شوید .»

«و از بخشایش او است که شب و روز را برای شما قرار داد تا در آن [= شب] آرام گیرید و [در روز] از فزون بخشیِ او [روزی] بجویید؛ و باشد که سپاس گزارید .»

«پروردگار شما آن است که برای شما کشتی را در دریا می راند تا از فزون بخشیِ او [روزی]بجویید؛ که او به شما مهربان است .»

.

«وَ جَعَلْنَا الَّيْلَ وَ النَّهَارَ ءَايَتَيْنِ فَمَحَوْنَآ ءَايَهَ الَّيْلِ وَ جَعَلْنَآ ءَايَهَ النَّهَارِ مُبْصِرَهً لِّتَبْتَغُواْ فَضْلاً مِّن رَّبِّكُمْ وَ لِتَعْلَمُواْ عَدَدَ السِّنِينَ وَ الْحِسَابَ وَ كُلَّ شَىْ ءٍ فَصَّلْنَهُ تَفْصِيلاً . (1) »

«وَ هُوَ الَّذِى سَخَّرَ الْبَحْرَ لِتَأْكُلُواْ مِنْهُ لَحْمًا طَرِيًّا وَ تَسْتَخْرِجُواْ مِنْهُ حِلْيَهً تَلْبَسُونَهَا وَ تَرَى الْفُلْكَ مَوَاخِرَ فِيهِ وَ لِتَبْتَغُواْ مِن فَضْلِهِى وَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ . (2) »

الحديث :رسول اللّه صلى الله عليه و آله :إنَّ عيسَى بنَ مَريَمَ قالَ : خُلِقَ النَّهارُ لِتُؤَدِّيَ فيهِ الصَّلاةَ المَفروضَةَ الَّتى عَنها تُسأَلُ وبِها تُحاسَبُ ، وبِرَّ والِدَيكَ ، وأن تَضرِبَ فِى الأَرضِ تَبتَغِى المَعيشَةَ ؛ مَعيشَةَ يَومِكَ . (3)

عنه صلى الله عليه و آله :طَلَبُ الكَسبِ فَريضَهٌ بَعدَ الفَريضَهِ . (4)

عنه صلى الله عليه و آله :مَن سَعى عَلى نَفسِهِ لِيُعِزَّها ويُغنِيَها عَنِ النّاسِ فَهُوَ شَهيدٌ . (5)

عنه صلى الله عليه و آله :لَيسَ الجِهادُ أن يَضرِبَ بِسَيفِهِ فى سَبيلِ اللّهِ ؛ إنَّمَا الجِهادُ مَن عالَ والِدَيهِ وعالَ وَلَدَهُ ، فَهُوَ فى جِهادٍ . ومَن عالَ نَفسَهُ يَكُفُّها عَنِ النّاسِ فَهُوَ فى جِهادٍ . (6)

عنه صلى الله عليه و آله :السّاعى عَلى والِدَيهِ لِيَكُفَّهُما أو يُغنِيَهُما عَنِ النّاسِ فى سَبيلِ اللّهِ ، ومَن سَعى عَلى زَوجٍ أو وَلَدٍ لِيَكُفَّهُم ويُغنِيَهُم عَنِ النّاسِ فى سَبيلِ اللّهِ ، وَالسّاعى عَلى نَفسِهِ لِيُغنِيَها ويَكُفَّها عَنِ النّاسِ فى سَبيلِ اللّهِ ، وَالسّاعى مُكاثَرَهً فى سَبيلِ الشَّيطانِ . (7)

.

1- .الإسراء : 12 .
2- .النحل : 14 وراجع : فاطر : 12 .
3- .الدرّالمنثور : 7 / 303 نقلاً عن ابن مردويه عن عبد اللّه بن مُغفّل؛ بحار الأنوار: 58/208 /38.
4- .جامع الأحاديث للقمّى : 98 ، بحار الأنوار : 103 / 17 / 79 ؛ الفردوس : 2 / 441 / 3918 ، كنز العمّال : 4 / 9 / 9231 كلاهما عن ابن مسعود .

5- .كنز العمّال : 4 / 607 / 11760 نقلاً عن مسند عمر .
6- .حليه الأولياء : 6 / 300 ، تاريخ دمشق : 21 / 172 / 4765 كلاهما عن أنس، كنز العمّال : 16 / 469 / 45494 .
7- .المعجم الأوسط : 8 / 277 / 8630 عن أنس ، كنز العمّال : 4 / 10 / 9237 .

«و شب و روز را دو نشانه ساختیم؛ پس نشانه شب را زدودیم[= تاریکی آن را با تابش خورشید محو کردیم] و نشانه روز را روشنی بخش گردانیدیم تا از پروردگارتان [روزیِ] افزونی بجویید و تا شمارِ سال ها و دیگر شمارها را بدانید؛ و هر چیزی را به روشنی باز نمودیم .»

«و او است آن که دریا را رام کرد تا از آن ، گوشتِ تازه بخورید و زیوری بیرون آورید که آن را می پوشید؛ و در آن ، کشتی ها را بینی که شکافندگانِ [آب]اَند [تا بدان برخوردار شوید] و تا از فزونی و بخشش خدا [روزی] بجویید؛ و شاید سپاس دارید .»

حدیث:پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر آینه عیسی بن مریم علیه السلام فرمود: «روز آفریده شد تا در آن نماز واجب را ادا کنی که از آن بازخواست و با آن حسابرسی خواهی شد ؛ و تا به پدر و مادرت نیکی کنی ؛ و تا در زمین گام زنی و در پی گذران زندگی روزانه خود برآیی» .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :پس از ادای نماز واجب ، روزی جُستن واجب است .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر کس بکوشد تا خود را عزیز و از مردم بی نیاز دارد ، [همرتبه]شهید است .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :جهاد [فقط] آن نیست که [کسی] در راه خدا شمشیر زند ؛ هر آینه جهاد ، آن [نیز]است که فرد ، پدر و مادر و فرزندانش را سرپرستی کند ؛ پس چنین کسی در حال جهاد است . و [نیز] آن کس که خود را تأمین می سازد تا از مردم بی نیاز باشد ، او هم در حال جهاد است .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :آن که بکوشد تا پدر و مادرش را تأمین کند یا آنان را از مردم بی نیاز سازد ، [کارش] در راه خدا است ؛ و آن کس که بکوشد تا همسر یا فرزندانش را کفاف بخشد و از مردم بی نیاز کند ، [نیز] در راه خدا است ؛ و آن که تلاش می کند تا خودش را بی نیاز کند و از مردم مستغنی سازد ، [نیز] در راه خدا است ؛ و آن که تلاش می کند تا بر دارایی خود بیفزاید ، در راه شیطان است .

دعائم الإسلام عن رسول اللّه صلى الله عليه و آله :أَنَّهُ مَرَّ فى غَزوَهِ تَبوكَ بِشابٍّ جَلدٍ يَسوقُ أبعِرَهً سِمانا ، فَقالَ لَهُ أصحابُهُ : يا رَسولَ اللّهِ ، لَو كانَت قُوَّهُ هذا وجَلَدُهُ وسِمَنُ أبعِرَتِهِ فى سَبيلِ اللّهِ لَكانَ أحسَنَ ! فَدَعاهُ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آلهفَقالَ : أرَأيتَ أبعِرَتَکَ هذِهِ ، أىُّ شَىءٍ تُعالِجُ عَلَيها؟ فَقالَ : يا رَسولَ اللّهِ ، لى زَوجَهٌ وعِيالٌ ، فَأنَا أكسِبُ عَلَيها ما اُنفِقُهُ عَلى عِيالى أكُفُّهُم عَن مَسأَلَهِ النّاسِ وأقضى دَينا عَلَىَّ . قالَ : لَعَلَّ غَيرُ ذلِکَ ! قالَ : لا . فَلَمَّا انصَرَفَ قالَ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله : لَئِن كانَ صادِقا إنَّ لَهُ لَأجرا مِثلَ أجرِ الغازى وأجرِ الحاجِّ وأجرِ المُعتَمِرِ! (1)

الإمام علىّ عليه السلام :لِلمُؤمِنِ ثَلاثُ ساعاتٍ : فَساعَهٌ يُناجى فيها رَبَّهُ ، وساعَهٌ يَرُمُّ مَعاشَهُ ، وساعَهٌ يُخَلّى بَينَ نَفسِهِ وبَينَ لَذَّتِها فى ما يَحِلُّ ويَجمُلُ . ولَيسَ لِلعاقِلِ أن يَكونَ شاخِصا إلاّ فى ثَلاثٍ : مَرَمَّهٍ لِمَعاشٍ ، أو خُطوَهٍ فى مَعادٍ ، أو لَذَّهٍ فى غَيرِ مُحَرَّمٍ . (2)

عنهِ عليه السلام فى كِتابِهِ إلَى ابنِهِ الإمامِ الحَسَنِ عليه السلام : لا تَدَعِ الطَّلَبَ فى ما يَحِلُّ ويَطيبُ ؛ فَلابُدَّ مِن بُلغَهٍ ، وسَيَأتيکَ ما قُدِّرَ لَکَ . (3)

.

1- .دعائم الإسلام : 2 / 14 / 7 ، عوالى اللآلى : 3 / 194 / 8 .
2- .نهج البلاغه : الحكمه 390 ، تحف العقول : 203 ، الأمالى للطوسى : 147 / 240 عن أبى وجزه السعدى عن أبيه وكلاهما نحوه ، بحار الأنوار : 103 / 12 / 56 .
3- .كنز العمّال : 16 / 177 / 44215 عن وكيع والعسكرى فى المواعظ ؛ تحف العقول : 81 وفيه «وَاطْلب فإنّه يأتيک ما قسم لک» ، بحار الأنوار : 77 / 228 / 2 .

دعائم الإسلام :در جنگ تبوک ، پیامبر صلی الله علیه و آله به جوانی نیرومند برخورد که شتران فربهی را می رانْد . یاران پیامبر به وی گفتند : «ای رسول خدا ! اگر نیرومندی و چابکی این جوان و فربهی شترانش در راه خدا صرف می شد ، هر آینه بهتر بود» . پیامبر خدا صلی الله علیه و آله او را فراخواند و فرمود: «با این شتران ، در نظر داری که چه کنی؟» گفت: «ای رسول خدا ! من همسر و خانواده ای دارم . با این شتران به کسب درآمد می پردازم تا آنان را از حاجت خواهی نزد مردم بی نیاز سازم و بدهی ام را بپردازم» . فرمود: «مباد هدفت جز این باشد» . گفت: «نه» . آن گاه که جوان راهی شد ، پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «اگر راست گفته باشد ، او را پاداشی است همانند پاداش رزمنده و حج گزارنده و عمره به جای آورنده» .

امام علی علیه السلام :مؤمن را سه وقت است: وقتی که در آن ، با پروردگارش مناجات می کند ؛ و وقتی که گذران زندگی اش را سامان می دهد ؛ و وقتی که از آن چه حلال و زیبا است ، برای خود لذّت برمی گیرد . و خردمند را سزاوار نیست که جز در پی سه چیز باشد : سامان دادن معیشت ، گام نهادن برای روز قیامت ، یا لذّت برگرفتن از آن چه حرام نیست .

امام علی علیه السلام در نامه اش به فرزندش امام حسن علیه السلام : جست و جوی آن چه را حلال و پاک است ، وامگذار ؛ پس چاره ای نیست از آن چه زندگی را کفاف دهد ؛ و زودا که آن چه برایت مقدّر است ، تو را در رسد .

.

عنه علیه السلام :ما غُدوَهُ أحَدِکُم فی سَبیلِ اللّهِ بِأَعظَمَ مِن غُدوَتِهِ یَطلُبُ لِوُلدِهِ وعِیالِهِ ما یُصلِحُهُم . (1)

عنه علیه السلام :أُوصیکُم بِالخَشیَهِ مِنَ اللّهِ فِی السِّرِّ وَالعَلانِیَهِ . . . وَالاِکتِسابِ فِی الفَقرِ وَالغِنی . (2)

الکافی عن شهاب بن عبد ربّه :قالَ لی أبو عَبدِ اللّهِ علیه السلام : إن ظَنَنتَ أو بَلَغَکَ أنَّ هذَا الأَمرَ کائِنٌ فیغَدٍ فَلا تَدَعَنَّ طَلَبَ الرِّزقِ ، وإنِ استَطَعتَ أن لا تَکونَ کَلاًّ فَافعَل . (3)

الکافی عن هشام الصیدلانیّ :قالَ أبو عَبدِ اللّهِ علیه السلام : یا هِشامُ ، إن رَأَیتَ الصَّفّینِ قَدِ التَقَیا فَلا تَدَع طَلَبَ الرِّزقِ فی ذلِکَ الیَومِ . (4)

3 / 1 2النَّعَبُ فی طَلَبِ المَعیشَهِرسول اللّه صلی الله علیه و آله :إنَّ اللّهَ تَعالی یُحِبُّ أن یَری عَبدَهُ تَعِبا فی طَلَبِ الحَلالِ . (5)

عنه صلی الله علیه و آله :مَن أمسی کالاًّ مِن عَمَلِ یَدَیهِ ؛ أمسی مَغفورا لَهُ . (6)

.

1- .السرائر : 2 / 228 ، دعائم الإسلام : 2 / 15 / 9 ، عوالی اللآلی : 3 / 194 / 6 .
2- .تحف العقول : 390 عن هشام بن الحکم عن الإمام الکاظم علیه السلام ، بحار الأنوار : 1 / 141 / 30 وج 78 / 304 / 1 .
3- .الکافی : 5 / 79 / 9 .
4- .الکافی : 5 / 78 / 7 ، تهذیب الأحکام : 6 / 324 / 892 وفیه «الصیدنانی» بدل «الصیدلانی» .
5- .کنز العمّال : 4 / 4 / 9200 ، إتحاف السادہ : 5 / 415 کلاهما نقلاً عن الفردوس عن الإمام علیّ علیه السلام .
6- .المعجم الأوسط : 7 / 289 / 7520 عن عبد اللّه بن عبّاس ، کنز العمّال : 4 / 7 / 9214 .

امام علی علیه السلام :بامدادان برون شدنِ یکی از شما [برای جهاد] در راه خدا ، ارجمندتر از بامدادان برون شدنش برای سامان بخشیدن به زندگی فرزندان و خانواده اش نیست .

امام علی علیه السلام :شما را سفارش می کنم که در پنهان و آشکار از خدا بیم ورزید . . . و خواه در فقر و خواه در توانگری ، در پی کسبِ [روزی] باشید .

الکافی از شهاب بن عبد ربّه :امام صادق علیه السلام مرا فرمود: «اگر گمان کردی یا خبر یافتی که فردا این امر [= قیام حضرت قائم علیه السلام یا مرگ تو] تحقّق می یابد ، [باز هم]جست و جویِ روزی را وامگذار ؛ و اگر می توانی سر بارِ کسی نباشی ، چنین کن .

الکافی از هشام صیدلانی :امام صادق علیه السلام فرمود : «ای هشام! [حتّی]اگر دیدی که دو گروه رویاروی هم صف آراسته اند ، در آن روز ، جست و جوی روزی را وامگذار» .

3 / 1 - 2رنج بردن در طلبِ روزیپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر آینه خدای تعالی دوست می دارد که بنده اش را بیند که در طلبِ روزی رنج می بَرَد .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر کس ، خسته از کارِ خود ، روز را به پایان ببرد ، آمرزیده روزش را به پایان برده است .

.

عنه صلى الله عليه و آله :مَن باتَ كالاًّ مِن طَلَبِ الحَلالِ ؛ باتَ مَغفورا لَهُ . (1)

3 / 1 3الاِغتِرابُ فِى طَلَبِ الرِّزقِالكتاب :«وَ ءَاخَرُونَ يَضْرِبُونَ فِى الْأَرْضِ يَبْتَغُونَ مِن فَضْلِ اللَّهِ وَ ءَاخَرُونَ يُقَتِلُونَ فِى سَبِيلِ اللَّهِ . (2) »

الحديث :رسول اللّه صلى الله عليه و آله :سَبِعَةٌ تَحتَ ظِلِّ العَرشِ يَومَ لا ظِلَّ إلاّ ظِلُّهُ . . .رَجُلٌ خَرَجَ ضارِبا فِيالأَرضِ يَطلُبُ مِن فَضلِ اللّهِ عز و جل؛ يَكُفُّ بِهِ نَفسَهُ، ويَعودُ بِهِ عَلى عِيالِهِ. (3)

تفسير القرطبى عن علقمه:قالَ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله : ما مِن جالِبٍ يَجلِبُ طَعاما مِن بَلَدٍ إلى بَلَدٍ فَيَبيعُهُ بِسِعرِ يَومِهِ إلاّ كانَت مَنزِلَتُهُ عِندَ اللّهِ مَنزِلَةَ الشُّهَداءِ . ثُمَّ قَرَأَ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله : «وَ ءَاخَرُونَ يَضْرِبُونَ فِى الْأَرْضِ يَبْتَغُونَ مِن فَضْلِ اللَّهِ وَ ءَاخَرُونَ يُقَتِلُونَ فِى سَبِيلِ اللَّهِ . (4) »

.

1- .الأمالى للصدوق : 364 / 452 عن إسماعيل بن مسلم عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام ، تنبيه الخواطر : 2 / 167 عن أحمد بن عمر الحلبى عن الإمام الصادق عليه السلام ، جامع الأخبار : 389 / 1081 ؛ كنز العمّال : 4 / 7 / 9215 نقلاً عن ابن عساكر عن أنس .
2- .المزّمّل : 20 .
3- .مسند زيد : 410 عن الإمام زين العابدين عن أبيه عن جدّه عليهم السلام ، دعائم الإسلام : 2 / 15 / 8 ، عوالى اللآلى : 3 / 194 / 9 وليس فيهما «سبعه» .
4- .تفسير القرطبى : 19/55 ، المغنى عن حمل الأسفار : 1/422/1601 ، الدرّالمنثور : 8 /323 كلاهما عن ابن مردويه عن ابن مسعود .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر کس ، خسته از جست و جوی مال حلال ، روز را به شب آورد ، آمرزیده روز را به شب آورده است .

3 / 1 - 3تحمّل غربت در جست و جوی روزیقرآن:«و برخی دیگر به جست و جوی فضل خدا [= روزی] در سفرند و گروهی دیگر در راه خدا کارزار می کنند .»

حدیث:پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :روزی که هیچ سایه ای جز سایه عرش نباشد ، هفت تن زیر سایه آنند . [یکی از ایشان] کسی است که در زمین گام می زند تا از فضل خدا [روزی]بجوید و از آن ، نیاز خود را برطرف کند و با آن ، به سوی خانواده اش بازگردد .

تفسیر القرطبی از علقمه :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود : «هیچ کس نیست که خوراکی را از سرزمینی به سرزمین دیگر بَرَد تا به قیمت روز بفروشد ، مگر این که نزد خدا منزلت شهیدان را دارد» . سپس پیامبر صلی الله علیه و آله [این آیه را]قرائت فرمود : «و برخی دیگر به جست و جوی فضل خدا [= روزی] در سفرند و گروهی دیگر در راه خدا کارزار می کنند» .

.

الإمام الصادق عليه السلام :إنَّ اللّهَ تَبارَکَ وتَعالى لَيُحِبُّ الاِغتِرابَ فى طَلَبِ الرِّزقِ . (1)

عنه عليه السلام :إذا سَبَّبَ اللّهُ عز و جل لِعَبدٍ الرِّزقَ فى أرضٍ ، جَعَلَ لَهُ فيها حاجَةً . (2)

3 / 1 4العَمَلُ بِاليَدِرسول اللّه صلى الله عليه و آله :مَن أكَلَ مِن كَدِّ يَدِهِ ، نَظَرَ اللّهُ إلَيهِ بِالرَّحمَهِ ، ثُمَّ لا يُعَذِّبُهُ أبَدا . (3)

عنه صلى الله عليه و آله :مَن أكَلَ مِن كَدِّ يَدِهِ حَلالاً ، فُتِحَ لَهُ أبوابُ الجَنَّهِ يَدخُلُ مِن أيِّها شاءَ . (4)

عنه صلى الله عليه و آله :مَن أكَلَ مِن كَدِّ يَدِهِ ، مَرَّ عَلَى الصِّراطِ كَالبَرقِ الخاطِفِ . (5)

عنه صلى الله عليه و آله :مَن أكَلَ مِن كَدِّ يَدِهِ ، كانَ يَومَ القِيامَهِ فى عِدادِ الأنبِياءِ ، ويَأخُذُ ثَوابَ الأنبِياءِ . (6)

عنه صلى الله عليه و آله :الكاسِبُ مِن يَدِهِ خَليلُ اللّهِ . (7)

عنه صلى الله عليه و آله :ما كَسَبَ الرَّجُلُ كَسبا أطيَبَ مِن عَمَلِ يَدِهِ . (8)

.

1- .من لا يحضره الفقيه : 3 / 156 / 3571 عن عمر بن اُذينه .
2- .من لا يحضره الفقيه: 2/265/2388 ، المحاسن : 2/79/1204 كلاهما عن إبراهيم بن الفضل ، مكارم الأخلاق: 1 / 513 / 1784 ، بحار الأنوار : 76 / 221 / 4 .
3- .جامع الأخبار : 390 / 1087 ، بحار الأنوار : 103 / 9 / 40 .
4- .جامع الأخبار : 390 / 1086 ، بحار الأنوار : 103 / 10 / 41 .
5- .جامع الأخبار : 390 / 1085 ، بحار الأنوار : 103 / 9 / 39 .
6- .جامع الأخبار : 390 / 1088 ، بحار الأنوار : 103 / 10 / 42 .
7- .نهج الفصاحه : 2190 .

8- .سنن ابن ماجه : 2 / 723 / 2138 عن المقدام بن معديكرب الزبيدى ، كنز العمّال : 4 / 9 / 9229 .

امام صادق علیه السلام :هر آینه و همانا ، خدای تبارک و تعالی تحمّل غربت در جست و جوی روزی را دوست می دارد .

امام صادق علیه السلام :هر گاه خداوند برای بنده ای ، در زمین روزی ای نهاده باشد ، او را بدان نیازمند می کند .

3 / 1 - 4کارِ جسمانیپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر کس از دسترنج خویش بخورد ، خداوند به رحمت در او بنگرد و هرگز عذابش نکند .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر کس ، به حلال ، از دسترنج خود بخورد ، دروازه های بهشت به رویش گشوده گردند و او از هر یک که خواهد ، درون شود .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر که از دسترنج خویش خورَد ، همچون آذرخشی پرشتاب ، راهِ [بهشت] را می پیماید .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر کس از دسترنج خود خورَد ، روز قیامت در شمارِ پیامبران است و پاداش ایشان را می گیرد .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر که با [کارِ] دست خود کسب درآمد کند ، دوست خالص خدا است .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هیچ کس پیشه ای پاکیزه تر از کار جسمانی پیش نگرفته است .

.

عنه صلى الله عليه و آله :ما أكَلَ أحَدٌ طَعاما قَطُّ خَيرا مِن أن يَأكُلَ مِن عَمَلِ يَدِهِ ، وإنَّ نَبِيَّ اللّهِ داودَ عليه السلامكانَ يَأكُلُ مِن عَمَلِ يَدِهِ . (1)

عنه صلى الله عليه و آله :إنَّ خَيرَ الكَسبِ كَسبُ يَدَى عامِلٍ إذا نَصَحَ . (2)

عنه صلى الله عليه و آله :ما أكَلَ العَبدُ طَعاما أحَبَّ إلَى اللّهِ مِن كَدِّ يَدِهِ ، ومَن باتَ كالاًّ مِن عَمَلِهِ باتَ مَغفورا لَهُ . (3)

مسند ابن حنبل عن رافع بن خديج : قيلَ :يا رَسولَ اللّهِ ، أىُّ الكَسبِ أطيَبُ؟ قالَ : عَمَلُ الرَّجُلِ بِيَدِهِ ، وكُلُّ بَيعٍ مَبرورٍ . (4)

تفسير مجمع البيان :رُوِىَ أنَّهُم [أى حَوارِيّى عيسى عليه السلام]كانوا إذا جاعوا قالوا : يا روحَ اللّهِ جُعنا ، فَيَضرِبُ بِيَدِهِ عَلَى الأَرضِ سَهلاً كانَ أو جَبَلاً ، فَيُخرِجُ لِكُلِّ إنسانٍ مِنهُم رَغيفَينِ يَأكُلُهُما ، وإذا عَطِشوا قالوا : يا روحَ اللّهِ عَطِشنا ، فَيَضرِبُ بِيَدِهِ عَلَى الأَرضِ سَهلاً كانَ أو جَبَلاً ، فَيُخرِجُ ماءً فَيَشرَبونَ . قالوا : يا روحَ اللّهِ ، مَن أفضَلُ مِنّا !؟ إذا شِئنا أطعَمتَنا ، وإذا شِئنا سَقَيتَنا ، وقَد آمَنّا بِكَ وَاتَّبَعناكَ ! قالَ : أفضَلُ مِنكُم مَن يَعمَلُ بِيَدِهِ ، ويَأكُلُ مِن كَسبِهِ . فَصاروا يَغسِلونَ الثِّيابَ بِالكِراءِ . (5)

.

1- .صحيح البخارى : 2/730/1966 ، السنن الكبرى : 6/209/11691 ، حليه الأولياء : 5 / 217 كلّها عن المقدام بن معديكرب ، كنز العمّال : 4 / 8 / 9223 وراجع مسند ابن حنبل : 6 / 93 / 17181 .
2- .مسند ابن حنبل : 3 / 278 / 8699 وص 232 / 8420 ، الفردوس : 2 / 180 / 2910 كلّها عن أبى هريره ؛ جامع الأحاديث للقمّى : 76 .
3- .تاريخ دمشق : 14 / 10 / 1483 عن المقدام بن معديكرب ، كنز العمّال : 4 / 9 / 9228 .
4- .مسند ابن حنبل : 6 / 112 / 17266 ، المستدرک على الصحيحين : 2 / 13 / 2160 ، السنن الكبرى: 5 / 433 / 10398 عن البرّاء بن عازب ، المعجم الكبير : 4 / 276 / 4411 عن رفاعه عن أبيه نحوه ، كنز العمّال : 4/4/9196 ؛ مسند زيد : 255 عن الإمام زين العابدين عن أبيه عن جدّه عن الإمام علىّ عليهم السلام نحوه .

5- .تفسير مجمع البيان : 1 / 757 ، بحار الأنوار : 14 / 276 / 7 وج 73 / 11 / 3 .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هیچ کس هرگز خوراکی بهتر از آن چه حاصل دسترنجِ او باشد ، نخورده است ؛ و همانا پیامبر خدا ، داوود علیه السلام ، از دسترنج خویش می خورد .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :همانا بهترین درآمد ، از آنِ دستان کارگری است که کارش بی آلایش باشد .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هیچ بنده ای خوراکی نخورده است که نزد خدا دوست داشتنی تر از حاصل دسترنج وی باشد ؛ و هر که خسته از کار خویش روز را به شب رسانَد ، آمرزیده روز را به شب رسانده است .

مسند ابن حنبل از رافع بن خدیج :گفته شد: «ای رسول خدا! کدام شیوه کسب درآمد ، پاکیزه تر است؟» فرمود: «کار جسمانی ؛ و هر خرید و فروشِ راست و بی نیرنگ» .

تفسیر مجمع البیان :روایت شده که ایشان [= حواریّون حضرت عیسی علیه السلام]هر گاه گرسنه می شدند ، می گفتند: «ای روح اللّه ! گرسنه ایم» . آن گاه ، عیسی بر زمین ، خواه دشت و خواه کوه ، دست می کوبید و برای هر کسی دو قرص نان برمی آوْرْد و ایشان می خوردند . و [نیز] هر گاه تشنه می شدند ، می گفتند: «ای روح خدا! تشنه ایم» . سپس عیسی بر زمین ، خواه دشت و خواه کوه ، دست می کوبید و آب برمی آوْرْد و آنان می آشامیدند . آنان گفتند: «ای روح اللّه ! برتر از ما کیست؟ هرگاه بخواهیم ، ما را می خورانی و می آشامانی ، در حالی که به تو ایمان آورده ایم و از تو پیروی می کنیم» . فرمود: «برتر از شما ، کسی است که با اعضای خویش کار کند و از درآمد خود می خورد» . از آن پس ، ایشان به مزدوری ، لباس می شستند .

.

الإمام علىّ عليه السلام فى قَولِ اللّهِ عز و جل : «وَ أَنَّهُ هُوَ أَغْنَى وَ أَقْنَى (1) » : أغنى كُلَّ إنسانٍ بِمَعيشَتِهِ ، وأرضاهُ بِكَسبِ يَدِهِ . (2)

3 / 1 5تَقبيلُ يَدِ العامِلِاُسد الغابه عن أنس بن مالک :إنَّ رَسولَ اللّهِ صلى الله عليه و آله لَمّا أقبَلَ مِن غَزوَهِ تَبوکَ استَقبَلَهُ سَعدٌ الأنصارِىُّ ، فَصافَحَهُ النَّبِىُّ صلى الله عليه و آله ، ثُمَّ قالَ لَهُ: ما هذَا الَّذى أكتَبَ يَدَيکَ ؟ قالَ: يا رَسولَ اللّهِ ، أضرِبُ بِالمَرِّ وَالمِسحاهِ فَاُنفِقُهُ عَلى عِيالى . فَقبَّلَ يَدَهُ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله ، وقالَ : هذِهِ يَدٌ لاتَمَسُّهَا النّارُ أبَدا . (3)

3 / 1 6سيرَهُ الأَنبِياءِ وَالأَوصِياءِ فى طَلَبِ الرِّزقِأ النَّبِىُّ آدَمُ عليه السلامرسول اللّه صلى الله عليه و آله :إنَّ اللّهَ حينَ أهبَطَ آدَمَ إلَى الأَرضِ ، أمَرَهُ أن يَحرُثَ بِيَدِهِ فَيَأكُلَ مِن كَدِّهِ بَعدَ الجَنَّهِ ونَعيمِها . (4)

.

1- .النجم : 48 .
2- .معانى الأخبار : 215 / 1 ، تفسير القمّى : 2 / 339 كلاهما عن السكونى عن الإمام الصادق عن أبيه عن آبائه عليهم السلام ، الجعفريّات : 179 .
3- .أُسد الغابه : 2 / 420 / 1967 ، تاريخ بغداد : 7 / 342 / 3864 .
4- .تفسير العيّاشى : 1 / 40 / 24 عن جابر عن الإمام الباقر عليه السلام ، مشكاه الأنوار : 61 / 79 عن الإمام الباقر عليه السلام عنه صلى الله عليه و آله ، بحار الأنوار : 11 / 212 / 19 .

3 / 1 5 بوسیدن دست کارگر

3 / 1 6 روش پیامبر و جانشینانشان در روزی جُستن

امام علی علیه السلام درباره این سخن خدا : «وَأَنَّهُو هُوَ أَغْنَی وَأَقْنَی» ؛ «و او است که توانگری بخشد و خشنودی دهد» : هر کس را با گذرانِ زندگی اش ، توانگری بخشد ؛ و با درآمدِ کار جسمانی اش ، خشنودی اش دهد .

3 / 1 - 5بوسیدن دست کارگراُسد الغابه از انس بن مالک :همانا آن گاه که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله از نبرد تبوک بازگشت ، سَعد انصاری به پیشواز وی آمد . پیامبر پس از آن که دست او را فشرد ، به وی فرمود: «به چه سبب دستانت این گونه رشته رشته شده است؟» گفت: «ای رسول خدا! به ریسمان و بیل دست برمی کشم و هزینه خانواده ام را فراهم می آورم» . پیامبر خدا صلی الله علیه و آلهدست وی را بوسید و فرمود: «این دستی است که هرگز آتش به آن نمی رسد» .

3 / 1 - 6روش پیامبر و جانشینانشان در روزی جُستنالف . حضرت آدم علیه السلامپیامبر خدا صلی الله علیه و آله:هر آینه آن گاه که خداوند آدم را به زمین فرود آورد ، وی را فرمان داد که با دستش کشت و کار کند و از دسترنج خویش بخورَد ، حال که بهشت و نعمت آن را پشت سر نهاده است .

.

ب النَّبِيُّ داودُ عليه السلامرسول اللّه صلى الله عليه و آله :إنَّ داودَ عليه السلام كانَ لا يَأكُلُ إلاّ مِن عَمَلِ يَدِهِ . (1)

الإمام علىّ عليه السلام :لَقَد كانَ [داودُ عليه السلام] يَعمَلُ سَفائِفَ الخوصِ بِيَدِهِ ، ويَقولُ لِجُلَسائِهِ : أيُّكُم يَكفينى بَيعَها؟ ويَأكُلُ قُرصَ الشَّعيرِ مِن ثَمَنِها . (2)

عنه عليه السلام :أوحَى اللّهُ عز و جل إلى داودَ عليه السلام : إنَّكَ نِعمَ العَبدُ لَولا إنَّكَ تَأكُلُ مِن بَيتِ المالِ ولا تَعمَلُ بِيَدِكَ شَيئا . فَبَكى داودُ عليه السلام أربَعينَ صَباحا ، فَأوحَى اللّهُ عز و جلإلَى الحَديدِ : أن لِن لِعَبدى داودَ ، فَألانَ اللّهُ عز و جل لَهُ الحَديدَ ، فَكانَ يَعمَلُ كُلَّ يَومٍ دِرعا فَيَبيعُها بِألفِ دِرهَمٍ ، فَعَمِلَ ثَلاثَمِائَةِ وسِتّينَ دِرعا ، فَباعَها بِثَلاثِمِائَةٍ وسِتّينَ ألفا ، وَاستَغنى عَن بَيتِ المالِ . (3)

عوالى اللآلى :حُكِيَ عَن داودَ عليه السلام أنَّهُ كانَ يَتَوَخّى مَن تَلَقّاهُ مِن بَنى إسرائيلَ فَيَسأَلُهُ عَن حالِهِ ، فَيُثنى عَلَيهِ ، حَتّى لَقِيَ رَجُلاً ، فَقالَ : نِعمَ العَبدُ لَولا خَصلَةٌ فيهِ ، فَقالَ : وما هِيَ؟ قالَ : إنَّهُ يَأكُلُ مِن بَيتِ المالِ . فَبَكى داودُ وعَلِمَ أنَّهُ قَد أُتِيَ ، فَأوحَى اللّهُ عز و جل إلَى الحَديدِ : أن لِن لِعَبدى داودَ ، فَألانَ اللّهُ لَهُ الحَديدَ ، فَكانَ يَعمَلُ كُلَّ يَومٍ دِرعا يَبيعُها بِألفِ دِرهَمٍ ، فَعَمِلَ ثَلاثَمِائَةٍ وسِتّينَ دِرعا ، فَباعَها بِثَلاثِمِائَةٍ وسِتّينَ ألفا ، فَاستَغنى عَن بَيتِ المالِ (4) .

.

1- .صحيح البخارى: 2 / 730 / 1967 وج 3 / 1256 / 3235 نحوه وكلاهما عن أبى هريره ، كنز العمّال: 4 / 8 / 9222 وراجع السنن الكبرى : 6 / 209 / 11691 .
2- .نهج البلاغه : الخطبه 160 ، بحار الأنوار : 14 / 15 / 25 .
3- .الكافى : 5 / 74 / 5 ، من لا يحضره الفقيه : 3 / 162 / 3594 ، تهذيب الأحكام : 6 / 326 / 896 كلّها عن الفضل بن أبى قرّه عن الإمام الصادق عليه السلام ولم يسنده الأخير عن الإمام علىّ عليه السلام .
4- .عوالى اللآلى : 3 / 199 / 18 .

ب . حضرت داوود علیه السلامپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :همانا داوود علیه السلام جز از دسترنج خود نمی خوْرد .

امام علی علیه السلام :هر آینه داوود علیه السلام با دست خویش ، از برگ خرما بوریا می بافت و به همنشینانش می گفت: «کدام یک از شما برای فروش آن ، مرا یاری می کند؟» و آن گاه ، از بهای آن ، قرصِ نانِ جُو می خوْرد .

امام علی علیه السلام :خداوند به داوود علیه السلام چنین وحی فرمود : «اگر از بیت المال نمی خوردی و به دست خویش کار می کردی ، بنده ای شایسته بودی» . داوود چهل بامداد گریست و خداوند به آهن وحی فرمود: «برای بنده ام داوود نرم شو!» ؛ پس خداوند آهن را برای وی نرم کرد و او هر روز زرهی می ساخت و به هزار درهم می فروخت . او سیصد و شصت زره ساخت و به سیصد و شصت هزار [درهم] فروخت و از بیت المال بی نیاز گشت .

عوالی اللآلی :حکایت شده است که حضرت داوود علیه السلام نیّت داشت که هر گاه یکی از بنی اسرائیل را می پذیرفت ، نظر وی را درباره خویش باز می پرسید ؛ و وی نیز او را می ستود ، تا آن که با مردی دیدار کرد که گفت: « [داوود]خوب بنده ای است ، اگر خصلتی در او نباشد!» فرمود: «آن خصلت چیست؟» گفت: «او از بیت المال می خورَد» . داوود گریست و دانست که [این تذکّر خدا است که]به وی هدیه شده است . سپس خداوند به آهن وحی فرمود: «برای بنده ام داوود نرم شو!» آن گاه ، خدای آهن را برای او نرم ساخت و او هر روز زرهی می ساخت و به هزار درهم می فروخت . پس سیصد و شصت زره ساخت و به سیصد و شصت هزار [درهم]فروخت و از بیت المال بی نیاز شد .

.

ج النَّبِیُّ مُحَمَّدٌ صلی الله علیه و آلهالزهد لابن المبارک عن أبو إسحاق :کانَ بَینَ أصحابِ الإبِلِ وَالغَنَمِ تَنازُعٌ ، فَاستَطالَ أصحابُ الإبِلِ عَلی أصحابِ الغَنَمِ ، فَبَلَغَنا أنَّ ذلِکَ ذُکِرَ لِلنَّبِیِّ صلی الله علیه و آله ، فَقالَ النَّبِیُّ صلی الله علیه و آله : بُعِثَ موسی وهُوَ راعی غَنَمٍ ، وبُعِثَ داودُ وهُوَ راعی غَنَمٍ ، وبُعِثتُ أنَا وأنَا أرعی غَنَما لِأهلی بِأجیادَ . (1)

مسند ابن حنبل عن أبو سعید الخدریّ :اِفتَخَرَ أهلُ الإبِلِ وَالغَنَمِ عِندَ النَّبِیِّ صلی الله علیه و آله . . . وقالَ رَسولُ اللّهِ صلی الله علیه و آله : بُعِثَ موسی علیه السلام وهُوَ یَرعی غَنَما عَلی أهلِهِ ، وبُعِثتُ أنَا وأنَا أرعی غَنَما لِأهلی بِجِیادٍ . (2)

صحیح البخاری عن أبو هریره عن رسول اللّه صلی الله علیه و آله :ما بَعَثَ اللّهُ نَبِیّا إلاّ رَعَی الغَنَمَ. فَقالَ أصحابُهُ : وأنتَ؟ فَقالَ : نَعَم ، کُنتُ أرعاها عَلی قَراریطَ لِأهلِ مَکَّهَ . (3)

تاریخ الطبری عن ابن إسحاق :لَمّا بَلَغَها [أی خَدیجَهَ سَلامُ اللّهِ عَلَیها]عَن رَسولِ اللّهِ صلی الله علیه و آلهما بَلَغَها مِن صِدقِ حَدیثِهِ وعِظَمِ أمانَتِهِ وکَرَمِ أخلاقِهِ ، بَعَثَت إلَیهِ ، فَعَرَضَت عَلَیهِ أن یَخرُجَ فی مالِها إلَی الشّامِ تاجِرا . . . فَقَبِلَهُ مِنها رَسولُ اللّهِ صلی الله علیه و آله ، وخَرَجَ فی مالِها ذلِکَ . (4)

.

1- .الزهد لابن المبارک: 415/1177 وراجع کنز العمّال: 12/452/35543 وج 14/183/38310.
2- .مسند إبن حنبل: 4/192/11918، مسند أبیداود الطیالسی: 185/1311، أسد الغابه : 1/382/422 کلاهما عن بشر بن حزن النصری وفیهما « ... فقال رسول اللّه صلی الله علیه و آله : بعث داود وهو راعی غنم ، وبعث موسی وهو راعی غنم ، وبعث ...» ، فتح الباری : 4 / 441 نحوه ، کنز العمّال : 11 / 509 / 32378 .
3- .صحیح البخاری: 2/789/2143، سنن ابن ماجه : 2/727/2149، السنن الکبری: 6/195/11641، السیره النبویّه لابن کثیر : 1 / 265 کلّها نحوه ، کنز العمّال : 4 / 11 / 9243 .

4- .تاريخ الطبرى : 2 / 280 ، السيره النبويّه لابن هشام : 1 / 199 ، السيره النبويّه لابن كثير : 1 / 262 ، اُسد الغابه : 1 / 124 وفيه «فقَبِله منها رسول اللّه صلى الله عليه و آله وخرج فى مالها إلى الشام» وج 7 / 81 / 6874 .

ج . حضرت محمّد صلی الله علیه و آلهالزهد لابن المبارک از ابو اسحاق :میان شترداران و گوسفندداران گفت و گو درگرفت و شترداران در برابر گوسفندداران گردن افرازی کردند . خبردار شدیم که این رویداد برای پیامبر صلی الله علیه و آلهذکر شد و او فرمود: «موسی علیه السلامدر حالی [به پیامبری]برانگیخته شد که گوسفند می چرانید ؛ و داوود [هم]در حالی [به پیامبری]برانگیخته شد که گوسفند می چرانید ؛ و من [نیز] در حالی برانگیخته شدم که در [منطقه]آجیاد ، برای طایفه ام گوسفند می چرانیدم» .

مسند ابن حنبل از ابوسعید خدری :شترداران و گوسفندداران نزد پیامبر صلی الله علیه و آلهبه یکدیگر فخر می فروختند . . . رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود : «موسی علیه السلامبرانگیخته شد ، در حالی که برای طایفه اش گوسفند می چرانید ؛ و من [نیز]برانگیخته شدم ، در حالی که در [منطقه]اجیاد ، برای طایفه ام گوسفند می چرانیدم» .

صحیح البخاری از ابوهریره از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :خداوند هیچ پیامبری را برنینگیخت مگر آن که گوسفند می چرانید . یارانش گفتند: «تو نیز؟» فرمود: «آری ؛ من [نیز] با گرفتنِ یک قیراط (یکْ بیست و چهارم دینار) ، برای مردم مکّه گوسفند می چرانیدم» .

تاریخ الطبری از ابن اسحاق :آن گاه که راست گفتاری ، امانت داری ، و والا منشی پیامبر خدا صلی الله علیه و آلهبرای حضرت خدیجه سلام اللّه علیها مسلّم گشت ، فرستاده ای نزد وی گسیل داشت و به وی پیشنهاد کرد که دارایی اش را برای بازرگانی به شام ببرد . . . رسول خدا صلی الله علیه و آلهپذیرفت و با دارایی او بدان مقصد روان شد .

.

د الإمامُ عَلِيٌّ عليه السلامالإمام علىّ عليه السلام :جُعتُ مَرَّةً بِالمَدينَهِ جَوعا شَديدا ، فَخَرَجتُ أطلُبُ العَمَلَ فى عَوالِى المَدينَهِ ، فَإِذا أنَا بِامرَأَهٍ قَد جَمَعَت مَدَرا ، فَظَنَنتُها تُريدُ بَلَّهُ ، فَأَتَيتُها فَقاطَعتُها كُلَّ ذَنوبٍ عَلى تَمرَهٍ ، فَمَدَدتُ سِتَّهَ عَشَرَ ذَنوبا حَتّى مَجَلَت يَدایَ ، ثُمَّ أتَيتُ الماءَ فَأَصَبتُ مِنهُ ، ثُمَّ أتَيتُها فَقُلتُ بِكَفَّىَّ هكَذا بَينَ يَدَيها . . . فَعَدَّت لى سِتَّ عَشرَهَ تَمرَهً ، فَأَتَيتُ النَّبِىَّ صلى اللّه عليه و آله فَأَخبَرتُهُ ، فَأَكَلَ مَعِىَ مِنها . (1)

عنه عليه السلام فِى الحِكَمِ المَنسوبَهِ إلَيهِ : ما يَسُرُّنى أنّى كُفيتُ أمرَ الدُّنيا كُلَّهُ ؛ لِأَنّى أكرَهُ عادَهَ العَجزِ . (2)

الإمام الباقر عليه السلام :لَقِىَ رَجُلٌ أميرَ المُؤمِنينَ عليه السلام وتَحتَهُ وَسقٌ مِن نَوىً ، فَقالَ لَهُ : ما هذا يا أبَا الحَسَنِ تَحتَكَ؟ فَقالَ : مِائَهُ أَلفِ عِذقٍ إن شاءَ اللّهُ . قالَ : فَغَرَسَهُ فَلَم يُغادِر مِنهُ نَواهً واحِدَهً . (3)

.

1- .مسند ابن حنبل : 1 / 286 / 1135 ، فضائل الصحابه لابن حنبل : 2 / 717 / 1229 ، حليه الأولياء : 1 / 70 كلّها عن مجاهد ، كنز العمّال : 13 / 178 / 36532 ؛ كشف الغمّه : 1 / 175 عن مجاهد ، بحار الأنوار : 41 / 33 / 4 .
2- .شرح نهج البلاغه : 20 / 335 / 838 .
3- .الكافى : 5 / 74 / 6 عن زراره وفى ص75 / 9 عن عبد اللّه بن سنان عن الإمام الصادق عليه السلامنحوه ، بحار الأنوار : 41 / 58 / 9 .

د. امام علی علیه السلامامام علی علیه السلام :یک بار در مدینه سخت گرسنه شدم ؛ پس بیرون گشتم تا در حومه مدینه کاری بیابم . زنی را دیدم که خاک گرد می آورد . گمان ورزیدم که می خواهد آن را بخیسانَد . نزد او رفتم و با وی قرار نهادم که برای هر دَلْوِ بزرگ آب ، یک خرما بستانم . آن گاه ، شانزده دلو بزرگ آب برکشیدم ، چندان که دستانم تاول زد . پس نزد آب رفته ، از آن برگرفتم و سپس مقابل آن زن رفته ، گفتم: «دست من چنین شده است» . . . پس شانزده خرما برایم برشمرد ، آن گاه ، نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمده ، او را از آن حال آگاه کردم . او از آن خرما با من خورد .

امام علی علیه السلام در کلمات حکیمانه منسوب به وی : خرسند نمی شوم اگر از کار دنیا ، سراسر ، بی نیاز گردم ؛ زیرا من از بیکارگی بیزارم .

امام باقر علیه السلام :مردی ، امیرالمؤمنین علیه السلام را دید که یک بار شتر از هسته خرما در اختیار دارد . به وی گفت: «ای ابوالحسن! این چیست که در اختیار داری؟» فرمود : «اگر خدای خواهد ، صد هزار خوشه خرما است» . گفت: سپس امام آن هسته ها را کاشت و حتّی یکی را رها نکرد .

.

الإمام الصادق عليه السلام :كانَ أميرُ المُؤمِنينَ صَلَواتُ اللّهِ عَلَيهِ يَضرِبُ بِالمَرِّ ويَستَخرِجُ الأَرَضينَ ، وكانَ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله يَمَصُّ النَّوى بِفيهِ ويَغرِسُهُ فَيَطلَعُ مِن ساعَتِهِ ، وإنَّ أميرَ المُؤمِنينَ عليه السلام أعتَقَ أَلفَ مَملوكٍ مِن مالِهِ وكَدِّ يَدِهِ . (1)

عنه عليه السلام عِندَ ذِكرِ الإِمامِ عَلِيٍّ عليه السلام : وَاللّهِ ، لَقَد أعتَقَ ألفَ مَملوكٍ لِوَجهِ اللّهِ عز و جل ، دَبِرَت فيهِم يَداهُ . (2)

عنه عليه السلام :إنَّ أميرَ المُؤمِنينَ عليه السلام أعتَقَ ألفَ مَملوكٍ مِن كَدِّ يَدِهِ . (3)

عنه عليه السلام عِندَ ذِكرِ الإِمامِ عَلِيٍّ عليه السلام : لَقَد أعتَقَ ألفَ مَملوكٍ مِن صُلبِ مالِهِ ، كُلُّ ذلِكَ تَحَفّى فيهِ يَداهُ ، وتَعَرَّقَ جَبينُهُ ؛ التِماسَ وَجهِ اللّهِ عز و جلوَالخَلاصِ مِنَ النّارِ . (4)

عدّه الدّاعى :يُروى عَن سَيِّدِنا أميرِ المُؤمِنينَ عليه السلام أَنَّهُ لَمّا كانَ يَفرَغُ مِنَ الجِهادِ يَتَفَرَّغُ لِتَعليمِ النّاسِ وَالقَضاءِ بَينَهُم ، فَإِذا يَفرَغُ مِن ذلِكَ اشتَغَلَ فى حائِطٍ لَهُ يَعمَلُ فيهِ بِيَدِهِ ، وهُوَ مَعَ ذلِكَ ذاكِرٌ للّهِ جَلَّ جَلالُهُ . (5)

من لا يحضره الفقيه :كانَ أميرُ المُؤمِنينَ عليه السلام يَخرُجُ فِى الهاجِرَةِ فِى الحاجَةِ قَد كُفِيَها ، يُريدُ أن يَراهُ اللّهُ يُتعِبُ نَفسَهُ فى طَلَبِ الحَلالِ . (6)

.

1- .الكافى : 5 / 74 / 2 عن الفضل بن أبى قرّه ، بحار الأنوار : 17 / 388 / 56 .
2- .الكافى : 8 / 165 / 175 عن معاويه بن وهب وراجع الإرشاد : 2 / 142 والأمالى للصدوق : 356/437 و شرح الأخبار : 3 / 272 / 1175 وروضه الواعظين : 131 .
3- .الكافى : 5 / 74 / 4 ، تهذيب الأحكام : 6 / 326 / 895 ، المحاسن : 2 / 464 / 2608 كلّها عن زيد الشحّام ، الغارات : 1 / 92 ، دعائم الإسلام : 2 / 302 / 1133 كلاهما نحوه .

4- .الكافى : 8 / 163 / 173 عن الحسن الصيقل ، تنبيه الخواطر : 2 / 148 عن الحارث بن المغيره ، بحار الأنوار : 41 / 130 / 40 .
5- .عدّه الداعى: 101، إرشاد القلوب: 218 وفيه «وروى أنّه عليه السلام كان إذا...»، بحار الأنوار : 103/16/70.
6- .من لا يحضره الفقيه : 3 / 163 / 3596 ، عوالى اللآلى : 3 / 200 / 24 .

امام صادق علیه السلام :امیرالمؤمنین صلوات اللّه علیه بیل می زد و زمین ها را برای کشت آماده می کرد ؛ و پیامبر خدا صلی الله علیه و آله هسته خرما را با دهان خویش می مکید و آن را می کاشت و همان هنگام خرمابُن شکوفه برمی آورد . و هر آینه امیرالمؤمنین علیه السلامهزار بنده را از مال و دسترنج خویش آزاد فرمود .

امام صادق علیه السلام در یادکرد از امام علی علیه السلام :امام صادق علیه السلام در یادکرد از امام علی علیه السلام : به خدای سوگند! هزار بنده را برای خشنودی خدا آزاد کرد و در این راه ، دستانش جراحت برداشت .

امام صادق علیه السلام :امیرالمؤمنین علیه السلام هزار بنده را از دسترنج خود آزاد فرمود .

امام صادق علیه السلام در یادکرد از امام علی علیه السلام : همانا هزار بنده را با اصل مال خود آزاد فرمود و در این راه ، دستانش سخت در کار شد و پیشانی اش به عرق نشست ، تا خشنودی خدای را طلب کند و از آتش رهایی یابد .

عدّه الدّاعی :روایت شده است که سالارمان امیرالمؤمنین علیه السلام هر گاه از جهاد فراغت می جُست ، به آموزش مردم و داوری میان آنان روی می آورد و چون از این کارها هم فارغ می شد ، در بُستانی از آن خویش ، با دست خود به کار می پرداخت ؛ و در همین حال ، خدای جلّ جلاله را ذکر می گفت .

من لایحضره الفقیه :امیرالمؤمنین علیه السلام در گرمای سخت نیمروز ، پی حاجتی می رفت که از آن بی نیاز بود ؛ و می خواست که خدای او را ببیند که خودش را در طلب حلال به زحمت می افکنَد .

.

حليه الأولياء :كانَ [عَلِيٌّ عليه السلام] إذا لَزِمَهُ فِى العَيشِ الضّيقُ وَالجَهدُ أعرَضَ عَنِ الخَلقِ ؛ فَأَقبَلَ عَلَى الكَسبِ وَالكَدِّ . (1)

شرح نهج البلاغه :إنَّهُ [أى أميرَ المُؤمِنينَ عليه السلام]كانَ يَعمَلُ بِيَدِهِ ؛ يَحرُثُ الأَرضَ ، ويَستَقِى الماءَ ، ويَغرِسُ النَّخلَ ، كُلُّ ذلِكَ يُباشِرُهُ بِنَفسِهِ الشَّريفَهِ ، ولَم يَستَبقِ مِنهُ لِوَقتِهِ ولا لِعَقِبِهِ قَليلاً ولا كَثيرا ، وإنَّما كانَ صَدَقَةً . (2)

المصنّف لابن أبى شيبه عن عبد الرحمان بن أبى ليلى :بَينَمَا النَّبِىُّ صلى الله عليه و آله هعِندَهُ نَفَرٌ مِن أصحابِهِ ، فَأرسَلَ إلى نِسائِهِ فَلَم يَجِد عِندَ امرَأهٍ مِنهُنَّ شَيئاً ، فَبَينَما هُم كَذلِكَ إذ هُم بِعَلِيٍّ قَد أقبَلَ أشعَثَ مُغَبّرا ، عَلى عاتِقِهِ قَربٌ مِن صاعٍ مِن تَمرٍ قَد عَمِلَ بِيَدِهِ ، فَقالَ النَّبِىُّ صلى الله عليه و آله : مَرحَبا بِالحامِلِ وَالمَحمولِ !ثُمَّ أجلَسَهُ فَنَفَضَ عَن رَأسِهِ التُّرابَ ، ثُمَّ قالَ : مَرحَبا بِأبى تُرابٍ ! فَقَرَّبَهُ ، فَأكَلوا حَتّى صَدَروا ، ثُمَّ أرسَلَ إلى نِسائِهِ إلى كُلِّ واحِدَهٍ مِنهُنَّ طائِفَهً . (3)

السنن الكبرى عن ابن عبّاس :أصابَ نَبِىَّ اللّهِ صلى الله عليه و آله خَصاصَهٌ ، فَبَلَغَ ذلِكَ عَلِيّا عليه السلام ، فَخَرَجَ يَلتَمِسُ عَمَلاً لِيُصيبَ مِنهُ شَيئا يَبعَثُ بِهِ إلى نَبِىِّ اللّهِ صلى الله عليه و آله ، فَأتى بُستانا لِرَجُلٍ مِنَ اليَهودِ ، فَاستَقى لَهُ سَبعَهَ عَشَرَ دَلوا ؛ كُلُّ دَلوٍ بِتَمرَهٍ ، فَخَيَّرَهُ اليَهودِىُّ مِن تَمرِهِ سَبعَ عَشرَهَ تَمرَهً عَجوَهً ، فَجاءَ بِها إلى نَبِىِّ اللّهِ صلى الله عليه و آله ، فَقالَ : مِن أينَ هذا يا أبَا الحَسَنِ؟ قالَ : بَلَغَنى ما بِكَ مِنَ الخَصاصَهِ يا نَبِىَّ اللّهِ ، فَخَرَجتُ ألتَمِسُ عَمَلاً لاُصيبَ لَكَ طَعاما . قالَ : فَحَمَلَكَ عَلى هذا حُبُّ اللّهِ ورَسولِهِ؟ قالَ عَلِيٌّ : نَعَم يا نَبِىَّ اللّهِ . (4)

.

1- .حليه الأولياء : 1 / 70 .
2- .شرح نهج البلاغه : 15 / 147 .
3- .المصنّف لابن أبى شيبه : 7 / 500 / 34 ؛ المناقب للكوفى : 2 / 5 / 497 وص 90 / 576 .
4- .السنن الكبرى : 6 / 197 / 16649 ، كنز العمّال : 6 / 618 / 17111 وراجع سنن ابن ماجه : 2 / 818 / 2446 2448 وفضائل الصحابه لابن

حنبل : 1 / 537 / 896 والزهد لابن حنبل : 164 .

حلیه الاولیاء :علی علیه السلام هر گاه در گذران زندگی دچار تنگنا و سختی می شد ، از مردم روی می گرداند و به کسب درآمد و تلاش روی می آوْرْد .

شرح نهج البلاغه :هر آینه او [= امیرالمؤمنین علیه السلام] با دست خویش کار می کرد ؛ زمین را شخم می زد ؛ آب برمی کشید ، خرمابُن می کاشت ؛ و این همه را با تن مبارکش ، خود ، انجام می داد و از [حاصل]آن ، خواه در آن زمان و خواه برای آینده ، چیزی ، کم یا زیاد ، باقی نمی نهاد و همه را صدقه می داد .

المصنّف لابن ابی شیبه از عبدالرّحمان بن ابی لیلی :گروهی از اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آلهنزد وی درآمدند . پیامبر در پی زنان خویش فرستاد ، امّا نزد هیچ یک از ایشان چیزی [برای پذیرایی از مهمانانش]نیافت . در همین حال بودند که دیدند علی روی می آورَد ، در حالی که ژولیده موی و غبارآلود است و بر دوشش حدود سه کیلو خرما است که با دست خویش کاشته و برداشته است . پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «درود بر این باربرنده و آن بار!» سپس علی را نشاند و از سرش خاک برگرفت و فرمود: «درود بر ابوتراب!» پس او را نزدیک تر فرا بُرد . آن گاه ، همه خوردند تا برون شدند . سپس برای هر یک از همسرانش ، مقداری فرستاد .

السنن الکبری از ابن عبّاس :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله را تنگنایی مالی پیش آمد . این خبر به علی علیه السلامرسید . وی در پی کاری برون شد تا از آن درآمدی کسب کند و آن را برای پیامبر خدا صلی الله علیه و آلهبفرستد . پس به باغی درآمد که از آنِ مردی یهودی بود . برای وی هفده دَلْو آب برگرفت ، هر دلو در برابر یک خرما ، مرد یهودی او را وانهاد که هفده خرمای نیکو برگیرد . علی آن ها را نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آورد . پیامبر فرمود: «ای ابوالحسن! این از کجا فراهم شده است؟» گفت: «ای پیامبر خدا! خبر یافتم که در تنگنای مالی هستی ؛ پس در پی کاری برون شدم تا برای تو خوراکی فراهم آورم» . فرمود: «دوستی خدا و رسولش تو را به این کار واداشت؟» علی علیه السلامگفت: «آری ای پیامبر خدا صلی الله علیه و آله» .

.

علل الشّرايع عن ابن عمر :بَينا أنَا مَعَ النَّبِيِّ صلى الله عليه و آله فِى نَخيلِ المَدينَهِ وهُوَ يَطلُبُ عَلِيّا عليه السلام ، إذَا انتَهى إلى حائِطٍ ، فَاطَّلَعَ فيهِ ، فَنَظَرَ إلى عَلِيٍّ عليه السلام وهُوَ يَعمَلُ فِى الأَرضِ وقَدِ اغبارَّ ، فَقالَ : ما ألومُ النَّاسَ إن يُكَنّوكَ أبا تُرابٍ ! (1)

ه الإمامُ الباقِرُ عليه السلامالإمام الصادق عليه السلام :إنَّ ابنَ مُحَمَّدٍ المُنكَدِرَ كانَ يَقولُ : ما كُنتُ أرى أنَّ عَلِيَّ بنَ الحُسَينِ عليهماالسلامبَدَعُ خَلَفا أفضَلَ مِنهُ حَتّى رَأيتُ ابنَهُ مُحَمَّدَ بنَ عَلِيٍّ عليهماالسلام ، فَأَرَدتُ أن أعِظَهُ فَوَعَظَنى ، فَقالَ لَهُ أصحابُهُ : بِأَىِّ شَىءٍ وَعَظَكَ؟ قالَ : خَرَجتُ إلى بَعضِ نَواحِى المَدينَهِ فى ساعَهٍ حارَّهٍ ، فَلَقِيَنى أبو جَعفَرٍ مُحَمَّدُ بنُ عَلِيٍّ [عليهماالسلام]وكانَ رَجُلاً بادِنا ثَقيلاً وهُوَ مُتَّكِئٌ عَلى غُلامَينِ أسوَدَينِ أو مَولَيَينِ ، فَقُلتُ فى نَفسى : سُبحانَ اللّهِ ! شَيخٌ مِن أشياخِ قُرَيشَ فى هذِهِ السّاعَهِ عَلى هذِهِ الحالِ فى طَلَبِ الدُّنيا ! أما لأَعِظَنَّهُ ، فَدَنَوتُ مِنهُ فَسَلَّمتُ عَلَيهِ ، فَرَدَّ عَلَىَّ السَّلامَ بِنَهرٍ وهُوَ يَتَصابُّ عَرَقا ، فَقُلتُ : أصلَحَكَ اللّهُ ! شَيخٌ مِن أشياخِ قُرَيشَ فى هذِهِ السّاعَهِ عَلى هذِهِ الحالِ فى طَلَبِ الدُّنيا ؛ أرَأيتَ لَو جاءَ أجَلُكَ وأنتَ عَلى هذِهِ الحالِ ما كُنتَ تَصنَعُ؟ ! فَقالَ : لَو جاءَنِى المَوتُ وأنَا عَلى هذِهِ الحالِ جاءَنى وأنَا فى [طاعَهٍ مِن] طاعَهِ اللّهِ عز و جل ، أكُفُّ بِها نَفسى وعِيالى عَنكَ وعَنِ النّاسِ ، وإنَّما كُنتُ أخافُ أن لَو جاءَ المَوتُ وأنَا عَلى مَعصِيَهٍ مِن مَعاصِى اللّهِ عز و جل . فَقُلتُ : صَدَقتَ ، يَرحَمُكَ اللّهُ ! أرَدتُ أن أعِظَكَ فَوَعَظتَنى . (2)

.

1- .علل الشرايع : 157 / 4 ؛ المعجم الكبير : 12 / 321 / 13549 .
2- .الكافى : 5 / 73 / 1 ، تهذيب الأحكام : 6 / 325 / 894 ، الإرشاد : 2 / 161 ، إعلام الورى : 1/507 كلّها عن عبد الرحمان بن الحجّاج ، بحار الأنوار : 46 / 350 / 3 .

علل الشّرایع از ابن عمر :در خُرمازار مدینه با پیامبر صلی الله علیه و آله بودم و او علی را می جُست ؛ تا آن که به بوستانی رسید و در آن نگریست و علی علیه السلامرا دید که بر زمین کار می کند و بر وی غبار نشسته است ، فرمود: «مردم را سرزنش نمی کنم که تو را ابوتراب کنیه داده اند» .

ه . امام باقر علیه السلامامام صادق علیه السلام :ابن محمّد مُنکَدِر می گفت: «نمی پنداشتم که علیّ بن حسین علیه السلامجانشینی برتر از خود بر جای نهاده باشد ، تا آن گاه که فرزندش محمّد بن علی علیه السلام را دیدم و خواستم او را پند دهم ؛ ولی وی مرا پند داد» . دوستانش به او گفتند: «تو را به چه چیز پند داد؟» گفت: «در هوایی سوزان ، به پیرامون مدینه رفتم . ابوجعفر محمّد بن علی را دیدم که اندامی درشت و فربه داشت و بر دو بنده یا آزادشده سیاه تکیه کرده بود . با خود گفتم: سبحان اللّه ! یکی از پیران قریش در این ساعت و با این حال ، در طلب دنیا است! حقّا که باید او را پند دهم . پس به وی نزدیک شده ، سلام دادم . او در حالی که غرق عرق بود ، با گشاده رویی سلامم را پاسخ داد . گفتم: خدایت خیر دهد! یکی از پیران قریش در این ساعت و در این حال ، در طلب دنیا است؟ آیا اندیشیده ای اگر در این حال ، مرگ به سراغ تو آید ، چه می کنی؟» فرمود: اگر در این حال ، مرگ به سراغ من آید ، در حالی آمده که مشغول بندگی خدایم و با این کار ، خود و خانواده ام را از تو و مردم بی نیاز می سازم . من آن گاه بیم می ورزیدم که مرگ بیاید و در حال نافرمانیِ خدا باشم . گفتم: راست گفتی ؛ خدایت رحمت کناد! خواستم تو را اندرز دهم ، امّا تو مرا اندرز دادی » .

.

و الإِمامُ الصّادِقُ علیه السلامالکافی عن إسماعیل بن جابر :أتَیتُ أبا عَبدِ اللّهِ علیه السلام وإذا هُوَ فی حائِطٍ لَهُ بِیَدِهِ مِسحاهٌ ، وهُوَ یَفتَحُ بِهَا الماءَ ، وعَلَیهِ قَمیصٌ شِبهُ الکَرابیسِ کَأَنَّهُ مَخیطٌ عَلَیهِ مِن ضیقِهِ . (1)

الکافی عن أبو عمرو الشّیبانیّ :رَأَیتُ أبا عَبدِاللّهِ علیه السلام وبِیَدِهِ مِسحاهٌ وعَلَیهِ إزارٌ غَلیظٌ یَعمَلُ فی حائِطٍ لَهُ ، وَالعَرَقُ یَتَصابُّ عَن ظَهرِهِ ، فَقُلتُ : جُعِلتُ فِداکَ ! أعطِنی أکفِکَ ، فَقالَ لی : إنّی اُحِبُّ أن یَتَأَذَّی الرَّجُلُ بِحَرِّ الشَّمسِ فی طَلَبِ المَعیشَهِ . (2)

الکافی عن الفضل بن أبی قرّه :دَخَلنا عَلی أبی عَبدِ اللّهِ علیه السلاموهُوَ یَعمَلُ فی حائِطٍ لَهُ ، فَقُلنا : جَعَلَنَا اللّهُ فِداکَ ! دَعنا نَعمَل لَکَ أو تَعمَلهُ الغِلمانُ . قالَ : لا ، دَعونی فَإِنّی أشتَهی أن یَرانِیَ اللّهُ عز و جل أعمَلُ بِیَدی وأطلُبُ الحَلالَ فی أذی نَفسی . (3)

الکافی عن عبد الأعلی مولی آل سام :اِستَقبَلتُ أبا عَبدِ اللّهِ علیه السلامفی بَعضِ طُرُقِ المَدینَهِ فی یَومٍ صائِفٍ شَدیدِ الحَرِّ ، فَقُلتُ : جُعِلتُ فِداکَ ! حالُکَ عِندَ اللّهِ عز و جلوقَرابَتُکَ مِن رَسولِ اللّهِ صلی الله علیه و آلهوأنتَ تَجهَدُ لِنَفسِکَ فی مِثلِ هذَا الیَومِ ! فَقالَ : یا عَبدَ الأَعلی ، خَرَجتُ فی طَلَبِ الرِّزقِ لِأَستَغنِیَ عَن مِثلِکَ . (4)

.

1- .الکافی : 5 / 76 / 11 ، بحار الأنوار : 47 / 56 / 99 .
2- .الکافی : 5 / 76 / 13 ، بحار الأنوار : 47 / 57 / 101 .
3- .من لا یحضره الفقیه : 3 / 163 / 3595 ، عوالی اللآلی : 3 / 200 / 23 .
4- .الکافی : 5 / 74 / 3 ، تهذیب الأحکام : 6 / 324 / 893 .

و. امام صادق علیه السلامالکافی از اسماعیل بن جابر :نزد امام صادق علیه السلام رفتم ، در حالی که بیل در دست ، در بستانی بود و راه آب می گشود و بر تنش پیراهنی از گونه کرباس بود که از شدّت تنگی ، گویا بر تنش دوخته بودند .

الکافی از ابو عمرو شیبانی :امام صادق علیه السلام را دیدم که بیل در دست و جامه ای درشتناک بر تن ، در بوستانی از آنِ خود ، کار می کرد و عرق از پشتش جاری بود . گفتم: «فدایت شوم ! آن را به من ده تا به جای تو کار کنم» . به من فرمود: «هر آینه دوست می دارم که در طلب معیشت ، به گرمای آفتاب آزار بینم» .

الکافی از فضل بن ابوقرّه :نزد امام صادق علیه السلام رفتیم ، در حالی که در بوستانی از آنِ خود ، سرگرم کار بود . گفتیم: «خدای ما را فدایی تو سازد ! اجازه ده که ما برایت کار کنیم یا غلامان چنین کنند» . فرمود : «نه ؛ مرا واگذارید ؛ زیرا میل می ورزم که خداوند مرا ببیند که با دستم کار می کنم و در حال آزار تن ، روزیِ حلال می جویم» .

الکافی از عبدالاعلی همپیمانِ خاندانِ سام :در روزی آفتابی و بس سوزان ، در یکی از راه های مدینه به امام صادق علیه السلام برخوردم . گفتم : «فدایت شوم ! نزد خدا چنین مقامی و با رسول خدا صلی الله علیه و آله چنان خویشاوندی ای داری ؛ و در چنین روزی برای گذران زندگی ات مشغول کاری؟» فرمود: «ای عبدالاعلی ! در جُستنِ روزی برون شده ام تا نیازمند امثال تو نباشم» .

.

الإمام الصادق عليه السلام :أنّى لَأَعمَلُ فى بَعضِ ضِياعى حَتّى أعرَقَ ، وإنَّ لى مَن يَكفينى ؛ لِيَعلَمَ اللّهُ عز و جل أنّى أطلُبُ الرِّزقَ الحَلالَ . (1)

عنه عليه السلام :إنّى أركَبُ فِى الحاجَهِ الَّتى كَفاهَا اللّهُ ، ما أركَبُ فيها إلاَّ التِماسَ أن يَرانِىَ اللّهُ أضحى فى طَلَبِ الحَلالِ ، أما تَسمَعُ قَولَ اللّهِ عز و جل : «فَإِذَا قُضِيَتِ الصَّلَوهُ فَانتَشِرُواْ فِى الْأَرْضِ وَ ابْتَغُواْ مِن فَضْلِ اللَّهِ (2) » ؟ ! (3)

ز الإمامُ الكاظِمُ عليه السلامالكافى عن علىّ بن أبى حمزه :رَأَيتُ أبَا الحَسَنِ عليه السلام يَعمَلُ فى أرضٍ لَهُ قَدِ استَنقَعَت قَدَماهُ فِى العَرَقِ ، فَقُلتُ لَهُ : جُعِلتُ فِداکَ ! أينَ الرِّجالُ؟ فَقالَ : يا عَلِىُّ ، قَد عَمِلَ بِاليَدِ مَن هُوَ خَيرٌ مِنّى فى أرضِهِ ومِن أبى . فَقُلتُ لَهُ : ومَن هُوَ؟ فَقالَ : رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آلهوأميرُ المُؤمِنينَ وآبائيكُلُّهُم كانوا قَد عَمِلوا بِأيديهِم ، وهُوَ مِن عَمَلِ النَّبِيِّينَ وَالمُرسَلينَ وَالأوصِياءِ وَالصّالِحينَ . (4)

.

1- .الكافى : 5 / 77 / 15 عن أبى بصير .
2- .الجمعه : 10 .
3- .عدّه الداعى : 81 عن عمر بن يزيد ، تفسير مجمع البيان : 10 / 435 ، بحار الأنوار : 89 / 129 وج 103 / 13 / 65 ، مستدرک الوسائل : 13 / 14 / 14592 نقلاً عن القطب الراوندى فى لبّ اللباب .
4- .الكافى : 5 / 75 / 10 ، من لا يحضره الفقيه : 3 / 162 / 3593 ، عوالى اللآلى : 3 / 200 / 22 ، بحار الأنوار : 48 / 115 / 27 .

امام صادق علیه السلام :هر آینه من در املاک خود کار می کنم تا عرق ریزم هر چند کسانی دارم که به جای من کار کنند تا خداوند بداند که در جست و جوی روزی حلال هستم .

امام صادق علیه السلام :من در پی حاجتی راه می پیمایم که خداوند آن را تأمین فرموده است ؛ و چنین نمی کنم جز بدین نیّت که خدا مرا ببیند که در طلب حلال حرکت می کنم . آیا سخن خدای را نشنیده ای: «پس چون نماز گزارده شد ، در زمین پراکنده شوید و از فضل خدا [با کسب و کار ، روزی]بجویید» ؟

ز . امام کاظم علیه السلامالکافی از علیّ بن ابی حمزه :امام کاظم علیه السلام را دیدم که در زمینی کار می کرد و گام هایش در عرق خیس شده بود . به وی گفتم: «فدایت شوم! مردانِ [پیشکار و کارگر]کجایند؟» فرمود: «ای علی! آن کس که از من و پدرم بهتر بود ، در زمین خویش و با دست خود کار می کرد» . به وی گفتم: «او که بود؟» فرمود: «پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و امیرالمؤمنین علیه السلام و همه پدران من با دست خود کار می کردند ؛ و این ، کردار پیامبران و رسولان و جانشینان ایشان و شایستگان است» .

.

3 / 2التَّحذيرُ مِنَ التَّوانى فِى العَمَل3 / 2 1مَضارُّ التَّوانيرسول اللّه صلى الله عليه و آله :خَلَقَ اللّهُ عز و جل التَّوانِىَ والكَسَلَ ، فَزَوَّجَهُما فَوُلِدَ بَينَهُمَا الفاقَهُ . (1)

عنه صلى الله عليه و آله :أخشى ما خَشيتُ عَلى اُمَّتى : كِبَرُ البَطنِ ، ومُداوَمَهُ النَّومِ ، وَالكَسَلُ ، وضَعفُ اليَقينِ . (2)

عنه صلى الله عليه و آله :لا تَضجَر فَيَمنَعَكَ الضَّجَرُ مِنَ الآخِرَهِ وَالدُّنيا . (3)

جامع الأخبار عِن ابن عبّاس :كانَ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله إذا نَظَرَ إلَى الرَّجُلِ فَأعجَبَهُ قالَ : هَل لَهُ حِرفَهٌ؟ فَإن قالوا : لا ، قالَ : سَقَطَ مِن عَينى . قيلَ : وكَيفَ ذاكَ يا رَسولَ اللّهِ؟ قالَ : لِأَنَّ المُؤمِنَ إذا لَم يَكُن لَهُ حِرفَهٌ يَعيشُ بِدينِهِ . (4)

الإمام علىّ عليه السلام :هَيهاتَ مِن نَيلِ السَّعادَهِ السُّكونُ إلَى الهُوَينا وَالبَطالَهِ . (5)

عنه عليه السلام :إنَّ الأَشياءَ لَمَّا ازدَوَجَتِ ازدَوَجَ الكَسَلُ وَالعَجزُ ، فَنَتَجا بَينَهُمَا الفَقرَ . (6)

.

1- .الفردوس : 2 / 188 / 2940 ، تاريخ بغداد : 3 / 24 / 946 نحوه وكلاهما عن أنس .
2- .كنز العمّال : 3 / 460 / 7434 نقلاً عن الدار قطنى فى الإفراد عن جابر .
3- .تحف العقول : 42 ، مشكاه الأنوار : 144 / 345 عن أبى بصير عن الإمام الباقر عليه السلام عنه صلى الله عليه و آله وفيه «حظّک للآخره» بدل «من الآخره» ، بحار الأنوار : 77 / 145 / 45 .
4- .جامع الأخبار : 390 / 1084 ، بحار الأنوار : 103 / 9 / 38 .
5- .غرر الحكم : 10028 .
6- .الكافى : 5 / 86 / 8 عن علىّ بن محمّد رفعه ، تحف العقول : 220 .

ص: 215

3 / 2 برحذر داشتن از سستی در کار

3 / 2 1 زیان های سستی

3 / 2برحذر داشتن از سستی در کار3 / 2 - 1زیان های سستیپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :خداوند سستی و تنبلی را آفرید و میان آن دو را پیوند داد ؛ پس از آن دو ، فقر زاده شد .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :بر امّت خود ، از این چیزها بیمناک ترینم : بزرگیِ شکم ، پیوسته در خواب بودن ، تنبلی ، و ضعیف شدنِ یقین .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :بی حوصلگی مکن ؛ که آن ، تو را از آخرت و دنیا باز می دارد .

جامع الأخبار از ابن عبّاس :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله هر گاه به کسی می نگریست و او در چشمش خوش می افتاد ، می فرمود: «آیا کار و پیشه ای دارد؟» ؛ اگر می گفتند : «نه» ، می فرمود: «از چشمم افتاد» . گفته شد : «ای رسول خدا! چگونه چنین است؟» فرمود: «زیرا مؤمن اگر کار و پیشه ای نداشته باشد ، با دینش زندگی می گذراند» .

امام علی علیه السلام :تن دادن به تنْ آسانی و بیکارگی ، از دستیابی به خوشبختی بسی فاصله دارد .

امام علی علیه السلام :آن گاه که چیزها ازدواج کردند ، تنبلی و ناتوانی با یکدیگر پیوند خوردند و از آن ها فقر زاده شد .

.

عنه عليه السلام :فِی التَّوانی وَالعَجزِ اُنتِجَتِ الهَلَکَهُ . (1)

عنه عليه السلام :بِالتَّوانی یَکونُ الفَوتُ . (2)

عنه عليه السلام :مِن سَبَبِ الحِرمانِ التَّوانی . (3)

عنه عليه السلام :مَن تَرَکَ العُجبَ وَالتَّوانِیَ لَم یَنزِل بِهِ مَکروهٌ . (4)

الإمام الباقر عليه السلام :الکَسَلُ یَضُرُّ بِالدّینِ وَالدُّنیا . (5)

عنه عليه السلام :إنّی لَأَبغَضُ الرَّجُلَ أو أبغَضُ لِلرَّجُلِ أن یَکونَ کَسلانا عَن أمرِ دُنیاهُ ، ومَن کَسِلَ عَن أمرِ دُنیاهُ فَهُوَ عَن أمرِ آخِرَتِهِ أکسَلُ . (6)

عنه عليه السلام :لا خَیرَ فِی الکَسَلِ ؛ إذا کَسِلَ الرَّجُلُ أن یُتِمَّ رُکوعَهُ وطَهورَهُ فَلَیسَ فِیهِ خَیرٌ لِأَمرِ آخِرَتِهِ ، وإذا کَسِلَ عَمّا یُصلِحُهُ بِمَعیشَهِ دُنیاهُ فَلَیسَ فیهِ خَیرٌ لِأَمرِ دُنیاهُ . (7)

الإمام الصادق عليه السلام :شِراءُ الحِنطَهِ یَنفِی الفَقرَ ، وشِراءُ الدَّقیقِ یُنشِئُ الفَقرَ ، وشِراءُ الخُبزِ مَحقٌ . (8)

.

1- .کنز الفوائد : 1 / 367 ، بحار الأنوار : 71 / 342 / 15 .
2- .غرر الحکم : 4247 .
3- .تحف العقول: 80 ، بحارالأنوار: 77/228/2؛ دستور معالم الحکم:22،کنزالعمّال:16/177/44215 نقلاً عن وکیع والعسکری فی المواعظ .
4- .غرر الحکم : 8805 .
5- .تحف العقول : 300 ، بحار الأنوار : 78 / 180 / 64 .
6- .الکافی : 5 / 85 / 4 ، الأُصول الستّه عشر : 153 ولیس فیه «ومن کسل عن أمر دنیاه» وکلاهما عن محمّد بن مسلم ، دعائم الإسلام : 2 / 14 / 2 عن الإمام علیّ علیه السلام نحوه .
7- .تنبیه الخواطر : 1 / 303 عن عمّار السجستانی عن الإمام الصادق علیه السلام ، الکافی : 5 / 85 / 3 عن زراره عن الإمام الصادق علیه السلام

نحوه .
8- .الكافى : 5 / 166 / 1 عن عباد بن حبيب ، تهذيب الأحكام : 7 / 162 / 714 عن عائذ بن جندب .

امام علی علیه السلام :در [پیوند] سستی و ناتوانی ، نابودی زاده شد .

امام علی علیه السلام :مرگ ، نتیجه سستی است .

امام علی علیه السلام :سستی ، از پایه های ناکامی است .

امام علی علیه السلام :هر کس خودپسندی و سستی را ترک کند ، ناخوشایندی بر او فرود نمی آید .

امام باقر علیه السلام :تنبلی به دین و دنیا زیان می رساند .

امام باقر علیه السلام :هر آینه من دشمن می شمارم کسی را که در کار دنیایش تنبلی ورزد ؛ زیرا آن کس که در کار دنیایش تنبلی کند ، در کار آخرتش بیشتر تنبلی می ورزد .

امام باقر علیه السلام :در تنبلی ، خیری نیست . هر گاه فرد در تکمیل رکوع و طهارت خود تنبلی ورزد ، خیری در کار آخرتش نیست ؛ و آن گاه که در سامان بخشیدن به گذرانِ زندگی دنیایش تنبلی کند ، خیری در کار دنیایش نباشد .

امام صادق علیه السلام :خرید گندم ، فقر را دور می کند ؛ خرید آرد فقر می آورد ؛ و خرید نان (1) ، [مایه]نابودی است .

.

1- .اشاره به نقش کار و تولید در توسعه اقتصادی است. بدین گونه که هرچه جامعه از کار و تولید فاصله بگیرد، به فقر و تهی دستی نزدیک تر می شود.

الإمام الصادق عليه السلام :مَن كَسِلَ عَن طَهورِهِ وصَلاتِهِ فَلَيسَ فيهِ خَيرٌ لِأَمرِ آخِرَتِهِ ، ومَن كَسِلَ عَمّا يُصلِحُ بِهِ أمرَ مَعيشَتِهِ فَلَيسَ فيهِ خَيرٌ لِأَمرِ دُنياهُ . (1)

الكافى عن مسعده بن صدقه :كَتَبَ أبو عَبدِ اللّهِ عليه السلام إلى رَجُلٍ مِن أصحابِهِ : . . . لا تَكسَل عَن مَعيشَتِكَ فَتَكونَ كَلاًّ عَلى غَيرِكَ أو قالَ : عَلى أهلِكَ . (2)

الإمام الصادق عليه السلام :إيّاكَ وَالكَسَلَ وَالضَّجَرَ ؛ فَإِنَّهُما مِفتاحُ كُلِّ سوءٍ ؛ إنَّهُ مَن كَسِلَ لَم يُؤَدِّ حَقّا ، ومَن ضَجِرَ لَم يَصبِر عَلى حَقٍّ . (3)

عنه عليه السلام :إيّاكَ وَالكَسَلَ وَالضَّجَرَ ؛ فَإِنَّهُما يَمنَعانِكَ مِن حَظِّكَ مِنَ الدُّنيا وَالآخِرَةِ . (4)

عنه عليه السلام :لا تَكسَلوا فى طَلَبِ مَعايِشِكُم ؛ فَإِنَّ آباءَنا قَد كانوا يَركُضونَ فيها ويَطلُبونَها . (5)

عنه عليه السلام :أيَعجِزُ أحَدُكُم أن يَكونَ مِثلَ النَّملَةِ؟! فَإِنَّ النَّملَةَ تَجُرُّ إلى جُحرِها . (6)

.

1- .الكافى : 5 / 85 / 3 عن زراره .
2- .الكافى : 5 / 86 / 9 .
3- .من لا يحضره الفقيه : 3 / 168 / 3634 عن عمر بن يزيد ، تحف العقول : 295 وفيه «شرّ» بدل «سوء» ، كشف الغمّه : 2 / 344 نحوه وكلاهما عن الإمام الباقر عليه السلام ، بحار الأنوار : 78 / 175 / 31 ؛ حليه الأولياء : 3 / 183 عن الإمام الباقر عليه السلامنحوه .
4- .الكافى : 5 / 85 / 2 عن الإمام الكاظم عليه السلام ، من لا يحضره الفقيه : 4 / 408 / 5885 ، مستطرفات السرائر : 80 / 9 كلّها عن سعد بن أبى خلف وكلاهما عن الإمام الكاظم عليه السلام ، بحار الأنوار : 69 / 395 / 79 .
5- .من لا يحضره الفقيه : 3 / 157 / 3576 عن حمّاد اللحّام .

6- .الكافى : 5 / 79 / 10 عن العلاء .

امام صادق علیه السلام :هر کس در طهارت و نمازش سستی کند ، خیری در کار آخرتش نباشد ؛ و هر که در سامان بخشی به گذران زندگی اش سستی ورزد ، خیری در کار دنیایش نباشد .

الکافی از مسعده بن صدقه :امام صادق علیه السلام به یکی از یارانش نوشت : « . . . در گذران زندگی ات ، تنبلی مکن ؛ که آن گاه ، سر بارِ غیر خود یا: سر بارِ خانواده خود خواهی بود» .

امام صادق علیه السلام :از تنبلی و بی حوصلگی بپرهیز ؛ که آن دو کلید هر زشتی اند . هر آینه هر کس تنبلی ورزد ، حقّی را ادا نمی کند ؛ و هر کس بی حوصلگی کند ، بر حقّی صبر نمی ورزد .

امام صادق علیه السلام :از تنبلی و بی حوصلگی دوری کن ؛ که آن دو ، تو را از بهره دنیا و آخرتت باز می دارند .

امام صادق علیه السلام :در جست و جوی اسباب گذران زندگی تان تنبلی مکنید ؛ که همانا پدران ما در طلب آن می دویدند و آن را می جُستند .

امام صادق علیه السلام :آیا کسی از شما نمی تواند همانند مورچه باشد؟ همانا مورچه [دانه را] به سوی لانه اش می کشانَد .

.

عنه عليه السلام :لا تَدَع طَلَبَ الرِّزقِ مِن حِلِّهِ ؛ فَإِنَّهُ عَونٌ لَکَ عَلى دينِکَ ، وَاعقِل راحِلَتَکَ وتَوَکَّل . (1)

الأمالى للمفيد أبو إسماعيل عن فضيل بن يسار :قالَ أبو عَبدِ اللّهِ عليه السلام : أىُّ شَىءٍ تُعالِجُ؟ قُلتُ : ما اُعالِجُ اليَومَ شَيئا . فَقالَ : کَذلِکَ تَذهَبُ أموالُکُم . وَاشتَدَّ عَلَيهِ . (2)

الإمام الصادق عليه السلام لِلمُفَضَّلِ بنِ عُمَرَ : اِعتَبِر يا مُفَضَّلُ بِأَشياءَ خُلِقَت لِمَآرِبِ الإِنسانِ وما فيها مِنَ التَّدبيرِ ، فَإِنَّهُ خُلِقَ لَهُ الحَبُّ لِطَعامِهِ وکُلِّفَ طَحنَهُ وعَجنَهُ وخَبزَهُ، وخُلِقَ لَهُ الوَبَرُ لِکِسوَتِهِ فَکُلِّفَ نَدفَهُ وغَزلَهُ ونَسجَهُ ، وخُلِقَ لَهُ الشَّجَرُ فَکُلِّفَ غَرسَها وسَقيَها وَالقِيامَ عَلَيها ، وخُلِقَت لَهُ العَقاقيرُ لِأَدوِيَتِهِ فَکُلِّفَ لَقطَها وخَلطَها وصُنعَها ، وکَذلِکَ تَجِدُ سائِرَ الأَشياءِ عَلى هذَا المِثالِ . فَانظُر کَيفَ کُفِيَ الخِلقَةَ الَّتى لَم يَکُن عِندَهُ فيها حيلَةٌ ، وتُرِکَ عَلَيهِ فِي کُلِّ شَىءٍ مِنَ الأَشياءِ مَوضِعُ عَمَلٍ وحَرَکَةٍ لِما لَهُ فى ذلِکَ مِنَ الصَّلاحِ ! لِأَنَّهُ لَو کُفِيَ هذا کُلَّهُ حَتّى لا يَکونَ لَهُ فِي الأَشياءِ مَوضِعُ شُغلٍ وعَمَلٍ لَما حَمَلَتهُ الأَرضُ أشَرا وبَطَرا ، ولَبَلَغَ بِهِ کَذلِکَ إلى أن يَتَعاطى اُمورا فيها تَلَفُ نَفسِهِ ، ولَو کُفِيَ النّاسُ کُلَّ ما يَحتاجونَ إلَيهِ لَما تَهَنَّؤوا بِالعَيشِ ، ولا وَجَدوا لَهُ لَذَّةً ؛ أَلا تَرى لَو أنَّ امرَأ نَزَلَ بِقَومٍ فَأقامَ حينا بَلَغَ جَميعَ ما يَحتاجُ إلَيهِ مِن مَطعَمٍ ومَشرَبٍ وخِدمَةٍ لَتَبَرَّمَ بِالفَراغِ ، ونازَعَتهُ نَفسُهُ إلَى التَّشاغُلِ بِشَىءٍ ؟! فَکَيفَ لَو کانَ طولَ عُمُرِهِ مَکفِيّا لا يَحتاجُ إلى شَىءٍ ؟! وکانَ مِن صَوابِ التَّدبيرِ فى هذِهِ الأَشياءِ الَّتى خُلِقَت لِلإِنسانِ أن جُعِلَ لَهُ فيها مَوضِعُ شُغلٍ لِکَى لا تُبرِمَهُ البَطالَةُ ، ولِتَکُفَّهُ عَن تَعاطى ما لا يَنالُهُ ولا خَيرَ فيهِ إن نالَهُ . (3)

.

1- .الأمالى للمفيد : 172 / 1 ، الأمالى للطوسى : 193 / 326 وفيه «أعون» بدل «عون» وكلاهما عن عمرو بن سيف الأزدى ، بحار الأنوار : 71 / 137 / 20 .
2- .الكافى : 5 / 148 / 5 .
3- .بحار الأنوار : 3 / 86 نقلاً عن الخبر المشهور بتوحيد المفضّل .

امام صادق علیه السلام :جُستنِ روزی حلال را رها مکن ؛ که آن ، یاریگر دین تو است . اُشتر خویش را مهار بربند و آن گاه توکّل کن!

الأمالی للمفید از ابو اسماعیل از فضیل بن یسار : امام صادق علیه السلامفرمود:«به چه مشغولی؟» گفتم: «امروز به چیزی مشغول نیستم» . فرمود: «چنین است که اموالتان از میان می رود» ؛ و بر این نکته تأکید ورزید .

امام صادق علیه السلام به مفضّل بن عُمَر : ای مفضّل! اندیشه کن در چیزهایی که برای [تأمین] نیازهای انسان آفریده شده اند و تدبیری که در آن ها به کار رفته است . پس هر آینه دانه برای او آفریده شد [تا خوراکش تأمین شود] و به آرد کردن و خمیر زدن و نان پختن واداشته شده ؛ و برایش پشم پدید آمده تا خود را بپوشاند ، پس به حلاّجی و ریسیدن و بافتنش مکلّف گشته ؛ و برایش درخت پدیدار آمده ، پس به کاشتن و آبیاری و مراقبت از آن وظیفه یافته ؛ و برایش ریشه های گیاهی آفریده شده تا با آن ها درمان کند ، پس به برگرفتن و آمیختن و ساختن آن تکلیف یافته است . و بر همین قیاس ، دیگر چیزها را می توانی یافت . پس بنگر که چگونه از آن چه وی را در آن چاره و راهی نیست ، معاف و بی نیاز گشته ؛ و در هر چیز برایش جای تلاش و حرکتی قرار داده شده ، به گونه ای که سامان کار او در آن است ؛ زیرا هر آینه اگر از این هم به گونه ای بی نیاز می شد که دیگر در هیچ چیز نیازمند پیشه و کاری نبود ، آن گاه چنان مغرور و سرمست می شد که زمین نمی توانست او را بکَشد و غرور او را به جایی می رساند که دست به کارهایی زند که هلاکتش در آن است . و اگر مردم از همه آن چه بدان احتیاج دارند [بدون کار و تلاش] بی نیاز می شدند ، دیگر گوارایی زندگی را نمی چشیدند و از آن لذّتی برنمی گرفتند . آیا نمی نگری که اگر کسی بر گروهی وارد شود و زمانی بماند و به هر آن چه از خوراک و نوشیدنی و خدمات نیاز دارد ، دست یابد ، از آسایش ملول می گردد و می خواهد به کاری مشغول شود؟ پس اگر در همه عمر ، به هیچ چیز نیاز نداشته باشد ، حالش چگونه خواهد بود؟ از نشانه های تدبیر درست در این چیزهای آفریده شده برای انسان ، همین است که در آن ها جایی برای مشغولیّت نهاده شده تا بیکاری انسان را ملول نکند و [ضمنا] از آن چه نمی تواند به آن دست یابد یا اگر دست یابد ، خیری در آن نیست ، بی نیازش کند .

3 / 2 2ذَمُّ الكَلِّ عَلَى النّاسِرسول اللّه صلى الله عليه و آله :كَفى بِالمَرءِ إثما أن يَكونَ كَلاًّ وعِيالاً عَلَى المُسلِمينَ . (1)

عنه صلى الله عليه و آله :مَلعونٌ مَلعونٌ مَن ألقى كَلَّهُ عَلى النّاسِ! مَلعونٌ مَلعونٌ مَن ضَيَّعَ مَن يَعولُ ! (2)

تنبيه الخواطر :مَرَّ داودُ عليه السلام بِاسكافٍ فَقالَ : يا هذا ، اِعمَل وكُل ؛ فَإِنَّ اللّهَ يُحِبُّ مَن يَعمَلُ ويَأكُلُ ولا يُحِبُّ مَن يَأكُلُ ولا يَعمَلُ . (3)

روض الجنان وروح الجنان فى تفسير القرآن :فِى الخَبَرِ أنَّ أميرَ المُوءِنينَ عَلِيّاً عليه السلام رَأى يَوما جَماعَةً فَقالَ: مَن أنتُم؟ قالوا : نَحنُ قَومٌ مُتَوَكِّلونَ . قالَ : فَإِن كُنتُم مُتَوَكِّلينَ فَما بَلَغَ بِكُم تَوَكُّلُكُم؟ قالوا : إذا وَجَدنا أكَلنا وإذا فَقَدنا صَبَرنا . قالَ عليه السلام : هكَذا تَفعَلُ الكِلابُ عِندَنا! قالوا : فَما نَفعَلُ يا أميرَ المُوءِنينَ !؟ قالَ : كَما نَفعَلُ ؛ إذا فَقَدنا شَكَرنا وإذا وَجَدنا آثَرنا . (4)

.

1- .مسند زيد : 388 عن الإمام زين العابدين عن أبيه عن جدّه عليهم السلام .
2- .الكافى : 4 / 12 / 9 ، تهذيب الأحكام : 6 / 327 / 902 نحوه وكلاهما عن علىّ بن غراب عن الإمام الصادق عليه السلام ، من لا يحضره الفقيه : 2 / 68 / 1741 ، تحف العقول : 37 وفيه صدره .
3- .تنبيه الخواطر : 1 / 42 .
4- .روض الجنان وروح الجنان فى تفسير القرآن : 19 / 126 .

3 / 2 - 2نکوهشِ سر بارِ دیگران بودنپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :در گناهکاری هر فرد همین بس که سربار و نان خوارِ مسلمانان باشد .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :آن کس که سربار دیگران شود ، ملعون است ، ملعون ؛ و آن کس که نان خورانِ خود را تأمین نکند ، ملعون است ، ملعون .

تنبیه الخواطر :حضرت داوود علیه السلام از کنار صنعتگری عبور کرد و فرمود: «ای مرد! کار کن و بخور ؛ که خدای دوست می دارد کسی را که کار می کند و می خورد ؛ و دوست نمی دارد آن را که می خورد ، ولی کار نمی کند» .

روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن :در خبر است که روزی حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلامگروهی را دید و فرمود: «کیستید؟» گفتند : «توکّل پیشگانیم» . فرمود: «اگر توکّل پیشه اید ، توکّل شما را به چه جایگاهی رسانده است؟» گفتند : «هر گاه بیابیم ، می خوریم ؛ و هر گاه نیابیم ، صبر می کنیم» . فرمود: «نزد ما ، سگان نیز چنین می کنند» . گفتند: «پس چه کنیم ، ای امیرالمؤمنین؟» فرمود: «همان گونه که ما انجام می دهیم ؛ هر گاه نیابیم ، شکر می کنیم ؛ و هر گاه بیابیم ، ایثار می کنیم» .

.

الإمام الصادق عليه السلام :اِستَعينوا بِبَعضِ هذِهِ عَلى هذِهِ ، ولا تَكونوا كُلولاً عَلَى النّاسِ . (1)

الكافى عن خنيس :سَأَلَ أبو عَبدِ اللّهِ عليه السلام عَن رَجُلٍ وأنَا عِندَهُ ، فَقيلَ لَهُ : أصابَتهُ الحاجَهُ . قالَ : فَما يَصنَعُ اليَومَ؟ قيلَ : فِى البَيتِ يَعبُدُ رَبَّهُ عز و جل . قالَ : فَمِن أينَ قوتُهُ؟قيلَ : مِن عِندِ بَعضِ إخوانِهِ . فَقالَ أبو عَبدِ اللّهِ عليه السلام : وَاللّهِ ، الَّذى يَقوتُهُ أشَدُّ عِبادَهً مِنهُ ! (2)

3 / 2 3ذَمُّ الدّاعى غَيرِ الكادِحِالإمام الباقر عليه السلام :إنّى أجِدُنى أمقُتُ الرَّجُلَ يَتَعَذَّرُ عَلَيهِ المَكاسِبُ فَيَستَلقى عَلى قَفاهُ ويَقولُ : «اللّهُمَّ ارزُقنى» ويَدَعُ أن يَنتَشِرَ فِى الأَرضِ ويَلتَمِسَ مِن فَضلِ اللّهِ ، وَالذَّرَّهُ تَخرُجُ مِن جُحرِها تَلتَمِسُ رِزقَها ! (3)

عوالى اللآلى :فِى الحَديثِ أنَّهُ لَمّا نَزَلَ قَولُهُ تَعالى : «وَ مَن يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَل لَّهُ مَخْرَجًا* وَ يَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لاَ يَحْتَسِبُ (4) » اِنقَطَعَ رِجالٌ مِنَ الصَّحابَهِ فى بُيوتِهِم وَاشتَغَلوا بِالعِبادَهِ ؛ وُثوقا بِما ضُمِنَ لَهُم ، فَعَلِمَ النَّبِىُّ صلى الله عليه و آلهبِذلِكَ فَعابَ ما فَعَلوهُ ، وقالَ : إنّى لَأبغَضُ الرَّجُلَ فاغِرا فاهُ إلى رَبِّهِ يَقولُ : «اللّهُمَّ ارزُقنى» ويَترُكُ الطَّلَبَ . (5)

.

1- .الكافى : 5 / 72 / 6 عن القاسم بن الربيع .
2- .الكافى : 5 / 78 / 4 ، تهذيب الأحكام : 6 / 324 / 889 .
3- .من لا يحضره الفقيه : 3 / 158 / 3579 .
4- .الطلاق : 2 و3 .
5- .عوالى اللآلى : 2 / 108 / 296 .

امام صادق علیه السلام :از برخی [مواهب] این دنیا به نفعِ آخرت یاری گیرید ؛ و سر بارِ مردم نباشید .

الکافی از خنیس :نزد امام صادق علیه السلام بودم که درباره مردی سؤال کرد . به وی گفته شد: «وی نیازمند شده است» . فرمود: «اکنون چه می کند؟» گفته شد: «در خانه ، پروردگارش را عبادت می کند» . فرمود: «روزی اش از کجا می رسد؟» گفته شد: «از سوی برخی دوستانش» . امام صادق علیه السلام فرمود: «به خدای سوگند! آن کس که روزی او را می رساند ، از او عبادت پیشه تر است» .

3 / 2 - 3نکوهشِ دعاکننده بی تلاشامام باقر علیه السلام :همانا در درون خود چنین می یابم که بیزارم از کسی که کسب و کار بر او دشوار می آید و بر پشت می خوابد و می گوید: «بار خدایا! مرا روزی بخش» و روان شدن در زمین و طلب کردن فضل خدا را وا می نهد ، در حالی که مورچه کوچک [نیز] از لانه خود بیرون می شود و روزی اش را می جوید .

عوالی اللآلی :در حدیث است که چون این آیه نازل شد: «وَمَن یَتَّقِ اللَّهَ یَجْعَل لَّهُو مَخْرَجًا* وَیَرْزُقْهُ مِنْ حَیْثُ لاَیَحْتَسِبُ»؛ «و هر که از خدا پروا کند ، برای او راه بیرون شدن [از هر دشواری و اندوهی]پدید آورَد * و او را از جایی که گمان ندارد ؛ روزی می دهد .» برخی از یاران پیامبر صلی الله علیه و آلهخانه نشینی گزیدند و به عبادت روی آوردند ، بدین اعتماد که روزی ایشان تضمین گشته است . پیامبر صلی الله علیه و آلهاز این ماجرا آگاه شد و کار ایشان را ناروا شمرد و فرمود: «همانا بیزارم از کسی که به سوی پروردگارش دهان می گشاید و می گوید: بار خدایا! مرا روزی ده و طلبِ [روزی] را وامی گذارد» .

.

3 / 2 4ذَمُّ تَضييعِ العِيالِرسول اللّه صلى الله عليه و آله :مَلعونٌ مَلعونٌ مَن يُضَيِّعُ مَن يَعولُ !(1)

عنه صلى الله عليه و آله :كَفى بِالمَرءِ إثما أن يُضَيِّعَ مَن يَقوتُ .(2)

عنه صلى الله عليه و آله :إنَّ أكبَرَ الإثمِ عِندَ اللّهِ أن يُضَيِّعَ الرَّجُلُ مَن يَقوتُ .(3)

3 / 2 5عَدَمُ استِجابَهِ دُعاءِ تارِكِ الطَّلَبِالكافى عن عمر بن يزيد :قُلتُ لِأَبى عَبدِ اللّهِ عليه السلام : رَجُلٌ قالَ : لَأَقعُدَنَّ فى بَيتى ولأُصَلِّيَنَّ ولَأَصومَنَّ ولَأَعبُدَنَّ رَبّى ، فَأَمّا رِزقى فَسَيَأتينى ! فَقالَ أبو عَبدِ اللّهِ عليه السلام : هذا أَحَدُ الثَّلاثَهِ الَّذينَ لا يُستَجابُ لَهُم .(4)

الإمام الصادق عليه السلام :أرَأَيتَ لَو أنَّ رَجُلاً دَخَلَ بَيتَهُ وأغلَقَ بابَهُ أ كانَ يَسقُطُ عَلَيهِ شَىءٌ مِنَ السَّماءِ؟ !(5)

.

1- .من لا يحضره الفقيه : 3 / 168 / 3631 وص 555 / 4907 عن الإمام الصادق عليه السلام .
2- .سنن أبى داود: 2/132/1692 ، مسند ابن حنبل: 2/554/6505 وص 627/6833 وفيه «للمرء»، المستدرک على الصحيحين : 1 / 575 / 1515 وج 4/545/8526 كلّها عن عبد اللّه بن عمرو، المعجم الكبير: 12/292/3414 عن ابن عمر ؛ من لا يحضره الفقيه : 3 / 168 / 3629 عن الإمام الصادق عليه السلام ، مسند زيد : 200 عن الإمام زين العابدين عن أبيه عن جدّه عليهم السلام ، دعائم الإسلام : 2/254/961 و ص193 / 699 وفيه «هلاكا» بدل «إثما» ، الجعفريّات : 165 وفيها «يعول» بدل «يقوت» .
3- .كنز العمّال : 16 / 284 / 44489 نقلاً عن الطبرانى عن ابن عمرو .
4- .الكافى : 5 / 77 / 1 ، تهذيب الأحكام : 6 / 323 / 887 ، مستطرفات السرائر : 139 / 11 .
5- .الكافى : 5 / 77 / 2 عن عمر بن يزيد .

3 / 2 4 نکوهشِ فرو نهادنِ خانواده

3 / 2 5 پذیرفته نشدن دعای فردِ بی تلاش

3 / 2 - 4نکوهشِ فرو نهادنِ خانوادهپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :ملعون است ، ملعون آن که خانواده خود را فرو نهد .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :در گناهکاریِ فرد همین بس که نان خورانِ خود را فرو گذارد .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر آینه بزرگ ترین گناه نزد خدا آن است که انسان ، نان خوران خود را واگذارد .

3 / 2 - 5پذیرفته نشدن دعای فردِ بی تلاشالکافی از عمر بن یزید :به امام صادق علیه السلام گفتم: «کسی می گوید: در خانه ام می نشینم و نماز می خوانم و روزه می گزارم و پروردگارم را عبادت می کنم ؛ و روزی ام ، خود ، به سوی من می آید » ! امام صادق علیه السلامفرمود : «این یکی از آن سه تن است که دعاشان پذیرفته نمی شود» .

امام صادق علیه السلام :آیا گمان می کنی اگر کسی به خانه درآید و در را ببندد ، چیزی از آسمان [برای روزی وی] بر او فرود می آید؟

.

الكافى عن علىّ بن عبد العزيز :قالَ لى أبو عَبدِ اللّهِ عليه السلام : ما فَعَلَ عُمَرُ بنُ مُسلِمٍ؟ قُلتُ : جُعِلتُ فِداکَ! أقبَلَ عَلَى العِبادَهِ وتَرَکَ التِّجارَهَ ، فَقالَ: وَيحَهُ! أمَا عَلِمَ أنَّ تارِکَ الطَّلَبِ لا يُستَجابُ لَهُ؟! إنَّ قَوما مِن أصحابِ رَسولِ اللّهِ صلى الله عليه و آله لَمّا نَزَلَتِ «وَ مَن يَتَّقِ اللّهَ يَجْعَل لَّهُ مَخْرَجًا* وَ يَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لاَ يَحْتَسِبُ» أغلَقُوا الأبوابَ وأقبَلوا عَلَى العِبادَهِ وقالوا : قَد کُفينا ، فَبَلَغَ ذلِکَ النَّبِىَّ صلى الله عليه و آله فَأرسَلَ إلَيهِم فَقالَ : ما حَمَلَکُم عَلى ما صَنَعتُم؟ قالوا : يا رَسولَ اللّهِ ، تُکُفِّلَ لَنا بِأرزاقِنا فَأقبَلنا عَلَى العِبادَهِ ،فَقالَ : إنَّهُ مَن فَعَلَ ذلِکَ لَم يُستَجَب لَهُ ، عَلَيکُم بِالطَّلَبِ . (1)

3 / 2 6امتِناعُ الإمام عَنِ الدُّعاءِ لِغَيرِ الكادِحِالإمام الصادق عليه السلام :إنَّ رَجُلاً سَأَلَهُ [أى عَلِيّاً عليه السلام] أن يَدعُوَ اللّهَ لَهُ أن يَرزُقَهُ فى دَعَهٍ ، فَقالَ : لا أدعو لَکَ ، اُطلُب کَما اُمِرتَ . وقالَ : يَنبَغى لِلمُسلِمِ أن يَلتَمِسَ الرِّزقَ حَتّى يُصيبَهُ حَرُّ الشَّمسِ . (2)

عنه عليه السلام عِندَما قالَ لَهُ رَجُلٌ : جُعِلتُ فِداکَ! اُدعُ اللّهَ لى أن يُغنِيَنى عَن خَلقِهِ : إنَّ اللّهَ قَسَمَ رِزقَ مَن شاءَ عَلى يَدَى مَن شاءَ ، ولكِن سَلِ اللّهَ أن يُغنِيَکَ عَنِ الحاجَهِ الَّتى تَضطَرُّکَ إلى لِئامِ خَلقِهِ . (3)

.

1- .الكافى: 5 / 84 / 5 ، تهذيب الأحكام: 6 / 323 / 885 ، من لا يحضره الفقيه : 3 / 192 / 3721 ، بحار الأنوار : 22 / 131 / 111 .
2- .دعائم الإسلام : 2 / 14 / 3 ، عوالى اللآلى : 3 / 193 / 3 و4 .
3- .. الكافى : 2 / 266 / 1 عن بكر الأرقط أو عن شعيب .

الکافی از علیّ بن عبدالعزیز :امام صادق علیه السلام به من فرمود : «عمر بن مسلم چه می کند؟» گفتم: «فدایت شوم! به عبادت روی آورده و تجارت را ترک کرده است» . فرمود: «وای بر او! آیا نمی داند آن که روزی طلبیدن را رها کند ، دعایش پذیرفته نمی شود؟ گروهی از یاران پیامبر خدا صلی الله علیه و آله آن گاه که این آیه نازل شد : و هر که از خدا پروا کند ، برای او راه بیرون شدن [از هر دشواری و اندوهی]پدید آورَد ؛ و او را از جایی که گمان ندارد ، روزی می دهد ، درها را بربستند و به عبادت روی آوردند و گفتند: ما [از روزی جستن]بی نیاز شده ایم . این خبر به پیامبر صلی الله علیه و آله رسید ؛ پس آنان را فراخواند و فرمود : چه چیز شما را به این کار واداشت؟ گفتند: ای پیامبر خدا! روزی ما تضمین شده است ؛ پس ما به عبادت روی آوریم . فرمود: هر کس چنین کند ، دعایش پذیرفته نمی شود . وظیفه شما روزی طلبیدن است » .

3 / 2 - 6خودداری امام از دعا برای فردِ ناکوشندهامام صادق علیه السلام :مردی از او [= حضرت علی علیه السلام] خواست که برای وی از خداوند روزی در عین رفاه را طلب کند . امام فرمود: «برایت دعا نمی کنم . همان گونه که خداوند فرمانت داده ، در پی روزی برآ» . و فرمود: «مسلمان را سزاوار نیست که روزی بخواهد ، مگر آن که گرمای آفتاب بر وی بتابد» .

امام صادق علیه السلام در پاسخ مردی که به وی گفت: «فدایت شوم! برایم از خدای بخواه که مرا از خلقش بی نیاز کند» : هر آینه خداوند روزی هر کس را که خواهد ، به دست هر کس که خواهد ، مقدّر فرموده است ؛ امّا از خدای بخواه که تو را بی نیاز سازد از حاجتی که به آفریدگان فرومایه اش دچارت کند .

.

3 / 3الحَثُّ عَلَى الإنتاج3 / 3 1الزَّرعُ وَالغَرسُرسول اللّه صلى الله عليه و آله :أُطلُبُوا الرِّزقَ فى خَبايَا الأَرضِ . (1)

عنه صلى الله عليه و آله :عَلَيكُم بِالغَنَمِ وَالحَرثِ ؛ فَإِنَّهُما يَروحانِ بِخَيرٍ ويَغدُوانِ بِخَيرٍ . (2)

عنه صلى الله عليه و آله :لَمّا خَلَقَ اللّهُ المَعيشَةَ جَعَلَ البَرَكاتِ فِى الحَرثِ وَالغَنَمِ . (3)

عنه صلى الله عليه و آله :خَيرُ مالِ المَرءِ لَهُ : مُهرَةٌ مَأمورَةٌ ، أو سِكَّةٌ مَأبورَةٌ . (4)

عنه صلى الله عليه و آله :نِعمَ المالُ النَّخلُ ؛ الرّاسِخاتُ فِى الوَحَلِ ، المُطعِماتِ فِى المَحلِ . (5)

عنه صلى الله عليه و آله فى جَوابِ مَن سَأَلَ : أىُّ أموالِنا أفضَلُ؟ : الحَرثُ وَالغَنَمُ . (6)

.

1- .مسند أبى يعلى : 4/252/4367 ، شُعب الإيمان : 2/87/1233 ، المعجم الأوسط : 1/274/895 وفيه «التمسوا» بدل «اطلبوا» ، الفردوس : 1 / 80 / 243 وزاد فى آخره [يعنى فى الحرث والزراعه] وكلّها عن عائشه ، كنز العمّال : 4 / 21 / 9302 .
2- .الخصال : 45 / 44 عن الحارث عن الإمام علىّ عليه السلام ، المحاسن : 2 / 487 / 2696 عن أبى إسحاق عن الإمام علىّ عليه السلامعنه صلى الله عليه و آله ، بحار الأنوار : 64 / 120 / 4 .
3- .كنز العمّال : 4 / 32 / 9354 نقلاً عن الديلمى عن ابن مسعود .
4- .مسند ابن حنبل: 5/373/5845، السنن الكبرى: 10/109/20029، المعجم الكبير:7/91/6470، كنز العمّال : 4 / 31 / 9344 ؛ معانى الأخبار : 293 / 2 كلّها عن سويد بن هبيره ، بحار الأنوار : 66 / 142 / 61 نقلاً عن مسند الشهاب .

5- .مسند الشهاب : 2 / 258 / 1312 عن علىّ بن المؤمل عن الإمام الكاظم عن آبائه عليهم السلام ، كنز العمّال : 12 / 342 / 35319 ؛ بحار الأنوار : 66 / 142 / 61 .
6- .المصنّف لعبد الرزّاق : 11 / 460 / 21006 عن قتاده ، الفائق فى غريب الحديث : 2 / 405 وفيه «الماشيه» بدل «الغنم» ؛ بحار الأنوار : 64 / 124 / 5 .

3 / 3 تشویق به تولید

3 / 3 1 کشاورزی و درختکاری

3 / 3تشویق به تولید3 / 3 - 1کشاورزی و درختکارییپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :روزی را در نهان گاه های زمین بجویید .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :بر شما باد دام [داری] و کشاورزی ؛ زیرا این دو شب و روز ، پیوسته خیرند .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :آن گاه که خداوند اسباب گذران زندگی را آفرید ، برکت ها را در کِشت و دام قرار داد .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :بهترین مالِ انسان برایش یا کرّه ماده اسبی است که تازه تولّد یافته باشد و یا ردیف درختان خرمای باردار .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :خوب مالی است درخت خرما ؛ استوار در گل و لای ، خوراک بخشِ خشکسالی .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در پاسخ کسی که پرسید : «کدام دارایی ما برتر است؟» : دام و کِشت .

.

عنه صلى الله عليه و آله :ما مِن مُسلِمٍ يَغرِسُ غَرسا أو يَزرَعُ زَرعا ، فَيَأكُلُ مِنهُ طَيرٌ أو إنسانٌ أو بَهيمَهٌ ، إلاّ كانَ لَهُ بِهِ صَدَقَهٌ . (1)

الإمام الصادق عليه السلام :سُئِلَ النَّبِىُّ صلى الله عليه و آله : أىُّ المالِ خَيرٌ؟ قالَ : الزَّرعُ زَرَعَهُ صاحِبُهُ وأصلَحَهُ ، وأدّى حَقَّهُ يَومَ حَصادِهِ . قالَ : فَأىُّ المالِ بَعدَ الزَّرعِ خَيرٌ؟ قالَ : رَجُلٌ فِى غَنَمٍ لَهُ قَد تَبِعَ بِها مَواضِعَ القَطرِ ، يُقيمُ الصَّلاةَ ويُؤتِى الزَّكاةَ . قالَ : فَأىُّ المالِ بَعدَ الغَنَمِ خَيرٌ؟ قالَ : البَقَرُ تَغدو بِخَيرٍ وتَروحُ بِخَيرٍ . قالَ : فَأىُّ المالِ بَعدَ البَقَرِ خَيرٌ؟ قالَ : الرّاسِياتُ فِى الوَحَلِ، وَالمُطعِماتُ فِى المَحلِ ؛ نِعمَ الشَّىءُ النَّخلُ ، مَن باعَهُ فَإنَّما ثَمَنُهُ بِمَنزِلَهِ رَمادٍ عَلى رَأسِ شاهِقٍ اِشتَدَّت بِهِ الرّيحُ فى يَومٍ عاصِفٍ ، إلاّ أن يُخلِفَ مَكانَها . قيلَ : يا رَسولَ اللّهِ ، فَأىُّ المالِ بَعدَ النَّخلِ خَيرٌ؟ قالَ : فَسَكَتَ ، قالَ : فَقامَ إلَيهِ رَجُلٌ فَقالَ لَهُ : يا رَسولَ اللّهِ ، فَأينَ الإبِلُ !؟ قالَ : فيهِ الشَّقاءُ وَالجَفاءُ وَالعَناءُ وبُعدُ الدّارِ ، تَغدو مُدبِرَهً وتَروحُ مُدبِرَهً ، لا يَأتى خَيرُها إلاّ مِن جانِبِها الأشأمِ ، أما إنَّها لا تَعدَمُ الأشقِياءَ الفَجَرَهَ (2) . (3)

.

1- .صحيح البخارى : 2 / 817 / 2195 وج 5 / 2239 / 5666 نحوه ، صحيح مسلم : 3 / 1189 / 12 كلّها عن أنس وص 1188 / 7 10 كلّها عن جابر نحوه ، مسند ابن حنبل : 4 / 295 / 12497 عن أنس وج 10 / 295 / 27111 عن أُمّ مُبشِّر نحوه ، السنن الكبرى : 6 / 227 / 11747 عن أنس .

2- .حكى فى مرآه العقول عن الفيروزآبادى: «الإدبار فى الإبل» لكثره مؤونتها وقلّه منفعتها بالنسبه إلى مؤونتها، وكثره موتها. وعن الصدوق فى من لا يحضره الفقيه: «لا يأتى خيرها إلاّ من جانبها الأشأم»؛ هو أنّها لا تُحلب ولا تُركب ولا تحمل إلاّ من الجانب الأيسر. وعن الشيخ فى النهايه: «الشقاء»: الشدّه والعسر، و «الجفاء ممدودا » : خلاف البرّ، وإنّما وصف به لأنّه كثيرا ما يهلک صاحبه.

3- .الكافى : 5/260/6 عن السكونى ، من لا يحضره الفقيه : 2/291/2488 ، الخصال : 246/105 عن السكونى عن الإمام الصادق عن آبائه عن الإمام علىّ عليهم السلام عنه صلى الله عليه و آله، معانى الأخبار: 197/3 ، الأمالى للصدوق: 431/568 كلاهما عن إسماعيل بن أبيزياد عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام، بحار الأنوار: 103/64/4 .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هیچ مسلمانی نیست که نهالی بکارد یا زراعتی کشت کند و پرنده ای یا انسانی یا چهارپایی از آن بخورد ، جز این که آن برایش صدقه به شمار می رود .

امام صادق علیه السلام :از پیامبر صلی الله علیه و آله پرسیده شد: «کدام دارایی بهتر است؟» فرمود : «زراعتی که صاحبش آن را کشت کند و به سامان آورَد و به هنگام درو ، حقّش را به جای آورَد» . پرسید: «پس از زراعت ، کدام دارایی برتر است؟» فرمود: « [گوسفند است به گونه ای که] انسان همراه گوسفندانش به دنبال بارِش گاه ها برود و [در این سیر]نماز بگزارد و زکات بپردازد» . پرسید: «پس از گوسفند ، کدام مال بهتر است؟» فرمود: «گاو است که روز و شب ، پیوسته منشأ خیر است» . پرسید: «پس از گاو ، کدام دارایی برتر است؟» فرمود: «استوارها در گل و لای ، و خوراک بخش ها در خشکسالی [یعنی درختان خرما] ؛ چه خوب چیزی است درخت خرما! هر کس آن را بفروشد ، قیمتی که می ستاند همانند خاکستری است بر بلندای قلّه ای که در روزی طوفانی ، باد سخت بر آن بوزد ، مگر آن که به جای آن [درختانی را]جایگزین سازد» . گفته شد: «ای رسول خدا! پس از درخت خرما ، کدام مال بهتر است؟» [راوی]می گوید: «پیامبر سکوت ورزید» . [راوی] می گوید: «آن گاه ، مردی به سوی پیامبر آمد و گفت: ای رسول خدا! شتر چه جایگاهی دارد؟ فرمود : «در آن ، تیره بختی و درشتی و رنج و دوری از خانه است . روز و شبش ، پیوسته ، بخت برگشتگی است ؛ خیرش جز از جانبِ شومش نمی رسد ؛ هَلا که [غالبا]شترداران نگون بخت و بد کارند. (1) » .

.

1- .میان این روایت با دو روایت 435 و 437 ناسازگاری نیست؛ زیرا این دو گونه روایت ، به دو نوع ویژگی شتر اشاره دارند. حاصل همه این روایات آن است که شترداری ، گرچه غالبا با رنج و سختی و کم سودی همراه است و در آن زمان معمولاً بدکاران به شترداری می پرداخته اند ، امّا نمی توان منافع آن را نادیده گرفت ، همان گونه که برخی از پیشوایان معصوم گاه شتر داشته اند و نیز بعضی از صحابه بزرگوار ، همچون صفوان جمّال به پیشه شترداری مشغول بوده اند .

مستدرک الوسائل :رَأی رَسولُ اللّهِ صلی الله علیه و آله قَوما لا یَزرَعونَ ، قالَ : ما أنتُم؟ قالوا : نَحنُ المُتَوَکِّلونَ . قالَ : لا ، بَل أنتُمُ المُتَّکِلونَ . (1)

الإمام علیّ علیه السلام :قَدِمَ رَسولُ اللّهِ صلی الله علیه و آله المَدینَهَ فَقالَ : یا مَعشَرَ قُرَیشَ ، إنَّکُم تُحِبّونَ الماشِیَهَ فَأقِلّوا مِنها ؛ فَإنَّکُم بِأقَلِّ الأَرضِ مَطَرا ، وَاحتَرِثوا فَإنَّ الحَرثَ مُبارَکٌ ، وأکثِروا فیهِ مِنَ الجَماجِمِ . (2)

عنه علیه السلام :خَیرُ المالِ العَقرُ . (3)

عنه علیه السلام کانَ یَقولُ : مَن وَجَدَ ماءً وتُرابا ثُمَّ افتَقَرَ ؛ فَأَبعَدَهُ اللّهُ . (4)

عنه علیه السلام :إنَّ مَعایِشَ الخَلقِ خَمسَهٌ : الإمارَهُ ، وَالعِمارَهُ ، وَالتِّجارَهُ ، وَالإجارَهُ ، وَالصَّدَقاتُ . . . وأمّا وَجهُ العِمارَهِ فَقَولُهُ تَعالی : «هُوَ أنشَأَکُم مِّنَ الْأَرْضِ وَ اسْتَعْمَرَکُمْ فِیهَا ، (5) » فَأعلَمَنا سُبحانَهُ أنَّهُ قَد أمَرَهُم بِالعِمارَهِ لِیَکونَ ذلِکَ سَبَبا لِمَعایِشِهِم بِما یَخرُجُ مِنَ الأَرضِ ؛ مِنَ الحَبِّ ، وَالثَّمَراتِ ، وما شاکَلَ ذلِکَ مِمّا جَعَلَهُ اللّهُ مَعایِشَ لِلخَلقِ . (6)

.

1- .مستدرک الوسائل : 11 / 217 / 12789 نقلاً عن القطب الراوندی فی لبّ اللباب .
2- .السنن الکبری : 6 / 229 / 11753 عن عمر بن علیّ بن الحسین عن أبیه علیهماالسلام ، کنز العمّال : 4 / 33 / 9359 .
3- .الفردوس : 2 / 178 / 2892 ، کنز العمّال : 12 / 87 / 34109 .
4- .قرب الإسناد : 115 / 404 عن الحسین بن علوان عن الإمام الصادق عن أبیه علیهماالسلام ، بحار الأنوار : 103 / 65 / 10 .
5- .هود : 61 .
6- .وسائل الشیعه : 13 / 195 / 10 نقلاً عن تفسیر النعمانی عن غیاث بن إبراهیم عن الإمام الصادق علیه السلام ، بحار الأنوار : 93 / 46 و 47 .

مستدرک الوسائل :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله مردمی را دید که به کشت و کار نمی پردازند . فرمود: «شما کیستید؟» گفتند : «ما توکّل پیشگانیم» . فرمود: «نه ؛ بلکه سربارانید» .

امام علی علیه السلام :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به مدینه وارد شد و فرمود: «ای گروه قریش! شما چهارپایان را دوست می دارید ، امّا از آن بکاهید ؛ زیرا در سرزمینی کم باران هستید ؛ و به کشاورزی مشغول شوید ، که کاری است مبارک ؛ و در کشتزارهای خود ، استخوانِ مترسک وار بسیار بگذارید» .

امام علی علیه السلام :بهترین مال ، کشت و کار است .

امام علی علیه السلام می فرمود : هر کس آب و خاکی بیابد و فقیر باشد ، خدا او را رانده است .

امام علی علیه السلام :اسباب گذران زندگی مردم ، پنج دسته اند: کارگزاری ، آباد سازی ، بازرگانی ، مزدبگیری ، و صدقه گیری . . . و امّا گونه آبادسازی ؛ پس خداوند تعالی فرموده است: «او شما را از زمین آفرید و به آبادانیِ آن واداشت» . بدین ترتیب ، خدای سبحان به ما آموخت که انسان ها را به آباد سازی زمین دستور داده تا این سبب گذران زندگی شان به واسطه برون آمدنی های زمین از قبیل دانه ها و میوه ها و امثال آن باشد که خداوند آن ها را مایه معیشت مردم قرار داده است .

.

الإمام الباقر عليه السلام :إنَّ عَلِيّا عليه السلام كانَ يَكتُبُ إلى اُمَراءِ الأجنادِ : أنشُدُكُمُ اللّهَ فى فَلاّحِى الأرضِ أن يُظلَموا قِبلَكُم . (1)

عنه عليه السلام :كانَ أبى يَقولُ : خَيرُ الأَعمالِ الحَرثُ ، تَزرَعُهُ فَيَأكُلُ مِنهُ البَرُّ وَالفاجِرُ ؛ أمَّا البَرُّ فَما أكَلَ مِن شَىءٍ اِستَغفَرَ لَكَ ، وأمَّا الفاجِرُ فَما أكَلَ مِنهُ مِن شَىءٍ لَعَنَهُ ، ويَأكُلُ مِنهُ البَهائِمُ وَالطَّيرُ . (2)

عنه عليه السلام :الكيمِياءُ الأَكبَرُ الزِّراعَةُ . (3)

عنه عليه السلام :الزّارِعونَ كُنوزُ الأَنامِ يَزرَعونَ طَيِّبا أخرَجَهُ اللّهُ عز و جل ، وهُم يَومَ القِيامَةِ أحسَنُ النّاسِ مَقاما ، وأقرَبُهُم مَنزِلَةً ، يُدعَونَ المُبارَكينَ . (4)

عنه عليه السلام :إنَّ اللّهَ عز و جل لَمّا أهبَطَ آدَمَ عليه السلام أمَرَهُ بِالحَرثِ وَالزَّرعِ . (5)

عنه عليه السلام لِرَجُلٍ قالَ لَهُ : أسمَعُ قَوما يَقولونَ : إنَّ الزِّراعَةَ مَكروهَةٌ؟ : اِزرَعوا وَاغرِسوا ؛ فَلا وَاللّهِ ما عَمِلَ النّاسُ عَمَلاً أحَلَّ ولا أطيَبَ مِنهُ ، وَاللّهِ لَيُزرَعَنَّ الزَّرعُ ، ولَيُغرَسَنَّ النَّخلُ بَعدَ خُروجِ الدَّجّالِ . (6)

تهذيب الأحكام عن يزيد بن هارون الواسطىّ :سَأَلتُ جَعفَرَ بنَ مُحَمَّدٍ عليهماالسلام عَنِ الفَلاّحينَ ، فَقالَ : هُمُ الزّارِعونَ ؛ كُنوزُ اللّهِ فى أرضِهِ ، وما فِى الأعمالِ شَىءٌ أحَبُّ إلَى اللّهِ مِنَ الزِّراعَةِ، وما بَعَثَ اللّهُ نَبِيّا إلاّ زارِعاً ، إلاّ إدريسَ فَإِنَّهُ كانَ خَيّاطا . (7)

.

1- .قرب الإسناد : 138 / 489 عن أبى البخترى عن الإمام الصادق عليه السلام ، بحار الأنوار: 100/33/10 .
2- .الكافى : 5 / 260 / 5 عن أحمد بن أبى عبد اللّه عن بعض أصحابنا ، جامع الأحاديث للقمّى : 188 عن الإمام الباقر عن الإمام زين العابدين عليهماالسلامنحوه .
3- .الكافى : 5 / 261 / 6 .
4- .الكافى : 5 / 261 / 7 عن يزيد بن هارون .

5- .الكافى : 6 / 393 / 2 عن إبراهيم .
6- .الكافى : 5 / 260 / 3 ، تهذيب الأحكام : 7 / 236 / 1033 ، من لا يحضره الفقيه : 3 / 250 / 3907 كلّها عن سيابه ، بحار الأنوار : 103 / 68 / 24 .
7- .تهذيب الأحكام : 6 / 384 / 1138 ، عوالى اللآلى : 3 / 203 / 40 وفيه «سأل هارون بن يزيد الواسطى الإمام الباقر عليه السلام ...» .

امام باقر علیه السلام :همانا علی علیه السلام به فرماندهان سپاه می نوشت : «شما را به خدا سوگند می دهم! مبادا کشاورزانِ [کار کننده بر] زمین ، از سوی شما ستم بینند» .

امام باقر علیه السلام :پدرم می فرمود: «بهترین کار کشاورزی است ؛ تو می کاری و از آن ، نیک کردار و بدکار بهره مند می شوند . امّا نیک کردار ، هر چه از آن خورَد ، برای تو آمرزش می جوید ؛ و امّا بدکار ، هر چه از آن خورَد ، آن چیز او را لعنت می گوید ؛ و [نیز]چهارپایان و پرندگان از آن می خورند .

امام صادق علیه السلام :کیمیای برتر ، کشاورزی است .

امام صادق علیه السلام :کشاورزان گنج های مردمند که آن پاکیزه را که خداوند برون آورده ، کشت می کنند . ایشان در روز رستاخیز ، نیک پایه ترین مردمند و از دیگران به خدا نزدیک تر و «مبارَک» خوانده می شوند .

امام صادق علیه السلام :هر آینه ، آن گاه که خداوند آدم علیه السلام را بر زمین فرود آورد ، فرمانش داد که به کشت و زرع پردازد .

امام صادق علیه السلام در پاسخ به مردی که گفت: «شنیده ام که برخی می گویند : کشاورزی ناپسند است » : کشت کنید و بکارید ؛ که به خدا سوگند! مردم کاری حلال تر و پاک تر از کشاورزی انجام نمی دهند . و به خدای سوگند! پس از بیرون شدن دجّال [در عصر ظهور امام موعود علیه السلام]فراوان کشاورزی می شود و بسی درخت خرما کاشته خواهد شد .

تهذیب الأحکام از یزید بن هارون واسطی :از حضرت صادق علیه السلام درباره کشاورزان پرسیدم . فرمود: «آنان کشت کنندگان و گنج های خدا در زمینش هستند ؛ و نزد خدا کاری دوست داشتنی تر از کشاورزی نیست ؛ و خداوند هیچ پیامبری را برنینگیخت جز آن که کشاورز بود ، مگر حضرت ادریس علیه السلام که خیّاط بود» .

.

3 / 3 2تَربِيَهُ المَواشى وَالأَنعامِرسول اللّه صلى الله عليه و آله :الشّاهُ المُنتِجَهُ بَرَكَهٌ . (1)

عنه صلى الله عليه و آله :نِعمَ المالُ الشّاهُ . (2)

عنه صلى الله عليه و آله :الشّاهُ فِى الدّارِ بَرَكَهٌ ، وَالدَّجاجُ فِى الدّارِ بَرَكَهٌ . (3)

عنه صلى الله عليه و آله :الشّاهُ بَرَكَهٌ ، وَالبِئرُ بَرَكَهٌ ، وَالتَّنّورُ بَرَكَهٌ ، وَالقَدّاحَهُ بَرَكَهٌ . (4)

عنه صلى الله عليه و آله :ما مِن أهلِ بَيتٍ عِندَهُم شاهٌ إلاّ وفى بَيتِهِم بَرَكَهٌ . (5)

عنه صلى الله عليه و آله :الشّاهُ فِى البَيتِ بَرَكَهٌ ، وَالشّاتانِ بَرَكَتانِ ، وَالثَّلاثُ بَرَكاتٌ . (6)

.

1- .الجعفريّات : 160 ، جامع الأحاديث للقمّى : 88 ، بحار الأنوار : 64 / 138 / 36 نقلاً عن أصل من أُصول أصحابنا وكلاهما عن ابن فضّال عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام .
2- .الكافى : 6 / 544 / 2 ، المحاسن : 2 / 483 / 2680 كلاهما عن عمرو بن أبان عن الإمام الصادق عليه السلام ، بحار الأنوار : 64 / 129 / 11 .
3- .كنز العمّال : 12 / 326 / 35238 نقلاً عن الحاكم فى تاريخه عن أنس .
4- .تاريخ بغداد : 8 / 496 / 4609 عن أنس وراجع الفردوس : 2 / 364 / 3626 .
5- .كنز العمّال : 12 / 325 / 35231 نقلاً عن ابن سعد عن أبى الهيثم بن التيهان .
6- .الأدب المفرد : 174 / 573 عن ابن الحنفيّه عن الإمام علىّ عليه السلام ، الفردوس : 2 / 364 / 3626 عن أنس نحوه ، كنز العمّال : 12 /

324 / 35223 ؛ طبّ النبىّ صلى الله عليه و آله : 6 وفيه «ثلاث شياه غنيمه» بدل «الثلاث بركات» ، بحار الأنوار : 62 / 295 .

3 / 3 - 2دامپروریپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :گوسفندِ زاینده ، برکت است .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :خوب مالی است ، گوسفند !

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :گوسفند در خانه و [نیز] مرغ در خانه مایه برکتند .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :گوسفند و چاه و تنور و سنگ آتشزن ، مایه برکتند .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هیچ خانواده ای نیست که گوسفند نگاه دارد و در خانه اش برکت نباشد .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :یک گوسفند در خانه ، [یک] برکت است ؛ دو گوسفند ، دو برکت ؛ و سه گوسفند ، برکت ها .

.

الإمام الباقر عليه السلام :قالَ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله لِعَمَّتِهِ : ما يَمنَعُكِ أن تَتَّخِذي فى بَيتِكِ بَرَكَةً؟ قالَت : يا رَسولَ اللّهِ ، ومَا البَرَكَةُ؟ قالَ : شاةٌ تُحلَبُ ؛ فَإِنَّهُ مَن كانَ فى دارِهِ شاةٌ تُحلَبُ أو نَعجَةٌ أو بَقَرَةٌ تُحلَبُ ، فَبَرَكاتٌ كُلُّهُنَّ . (1)

عنه عليه السلام :دَخَلَ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله عَلى اُمِّ سَلَمَةَ فَقالَ لَها : ما لى لا أرى فى بَيتِكِ البَرَكَةَ؟ ! قالَت : بَلى وَالحَمدُ للّهِ ، إنَّ البَرَكَةَ لَفى بَيتى ! فَقالَ : إنَّ اللّهَ أنزَلَ ثَلاثَ بَرَكاتٍ : الماءَ وَالنّارَ وَالشّاةَ . (2)

الإمام الصادق عليه السلام :دَخَلَ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله عَلى اُمِّ أيمَنَ ، فَقالَ : ما لى لا أرى فى بَيتِكِ البَرَكَةَ؟ ! فَقالَت : أ وَلَيسَ فى بَيتى بَرَكَةٌ؟ ! قالَ : لَستُ أعنى ذلِكِ ؛ ذاكِ شاةٌ تَتَّخِذينَها ، تَستَغنى وُلدُكِ مِن لَبَنِها ، وتَطعَمينَ مِن سَمنِها . (3)

سنن ابن ماجه عن عروه عن اُمّ هانى :أنَّ النَّبِىَّ صلى الله عليه و آله قالَ لَها : اِتَّخِذى غَنَما ؛ فَإِنَّ فيها بَرَكَةً . (4)

سنن ابن ماجه عن أبو هريره :أمَرَ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله الأَغنِياءَ بِاتِّخاذِ الغَنَمِ ، وأمَرَ الفُقَراءَ بِاتِّخاذِ الدَّجاجِ . (5)

رسول اللّه صلى الله عليه و آله :مَن كانَ فى بَيتِهِ شاةٌ تُحلَبُ جاءَهُ اللّهُ بِرِزقِها ، وكانَت فى بَيتِهِ بَرَكَةٌ ، وقُدِّسَ كُلَّ يَومٍ تَقديسَةً ، وَانتَقَلَ عَنهُ الفَقرُ مَرحَلَةً ؛ ومَن كانَت عِندَهُ شاتانِ يَحلِبُهُما جاءَهُ اللّهُ بِرِزقِهِما ، وَانتَقَلَ الفَقرُ عَنهُ مَرحَلَتَينِ ، وقُدِّسَ كُلَّ يَومٍ تَقديسَتَينِ ؛ ومَن كانَ فى بَيتِهِ ثَلاثُ شِياهٍ يَحلِبُهُنَّ جاءَهُ اللّهُ بِرِزقِهِنَّ ، وكانَت فى بَيتِهِ ثَلاثُ بَرَكاتٍ ، وقُدِّسَ كُلَّ يَومٍ ثَلاثَ تَقديساتٍ ، وَانتَقَلَ عَنهُ الفَقرُ ثَلاثَ مَراحِلَ . (6)

.

1- .الكافى : 6 / 545 / 7 ، المحاسن : 2/ 485/2686 كلاهما عن جابر ، بحار الأنوار: 64/130/17.
2- .الكافى: 6/545/8 ، المحاسن: 2/488/2700 كلاهما عن أبى الجارود، بحار الأنوار:64/134/6.

3- .المحاسن : 2 / 485 / 2687 عن أبى خديجه ، بحار الأنوار : 64 / 131 / 18 وج 83 / 326 / 26 .
4- .سنن ابن ماجه : 2 / 773 / 2304 ، المعجم الكبير : 24 / 427 / 1039 و1040 ، حياه الحيوان الكبرى : 2 / 188 ، كنز العمّال : 12 / 323 / 35218 .
5- .سنن ابن ماجه : 2 / 773 / 2307 ؛ مكارم الأخلاق : 1 / 348 / 1132 عن جابر ، بحار الأنوار : 65 / 10 / 13 وج 66 / 74 / 69 .
6- .كنز العمّال : 14 / 184 / 38311 نقلاً عن ابن جرير بإسناده عن مسند الإمام علىّ عليه السلام .

.امام باقر علیه السلام :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به عمّه اش فرمود: «چه چیز بازت می دارد از این که در خانه ات برکتی برای خود برگیری؟» گفت: «ای رسول خدا! برکت چیست؟» فرمود : «گوسفندی شیرده ؛ هر آینه هر کس در خانه اش گوسفندی شیرده یا میش یا گاوی شیرده باشد ، همگی برکت هستند» .

امام باقر علیه السلام :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله نزد امّ سَلَمه آمد و به وی فرمود: «چرا در خانه ات برکت نمی بینم؟» گفت: «سپاس خدای را که در خانه ام برکت هست!» فرمود : «همانا خداوند سه برکت را فرو فرستاد : آب ، آتش ، گوسفند» .

امام صادق علیه السلام :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله نزد امّ اَیمَن آمد و فرمود: «از چه روی در خانه ات برکت نمی بینم؟» گفت: «آیا خانه من بی برکت است؟» فرمود: «مرادم این نبود . [مرادم این است که] گوسفند را نگاهداری کن تا فرزندانت از شیر آن بهره گیرند و از روغن آن خوراک سازی» .

سنن ابن ماجه از عروه از امّ هانی :پیامبر صلی الله علیه و آله به امّ هانی فرمود: «گوسفند نگاهدار که هر آینه در آن ، برکت است» .

سنن ابن ماجه از ابوهریره :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به توانگران دستور داد که گوسفند نگاهدارند و فقیران را فرمان داد که مرغ داشته باشند .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر کس در خانه اش گوسفندی شیرده داشته باشد ، خداوند روزی آن را می آورَد و در خانه اش برکت حضور می یابد و هر روز یک بار تقدیس (1) می شود و فقر از او گامی دور می شود . و آن کس که دو گوسفند شیرده نزد خود داشته باشد ، خداوند روزیِ آن دو را می رساند و فقر از او دو گام دور می شود و هر روز دو بار تقدیس می شود . و هر که سه گوسفند شیرده داشته باشد ، خداوند روزیِ آن سه را عطا می فرماید و در خانه اش سه برکت حاضر است و هر روز سه بار تقدیس می شود و فقر از او سه گام دور می گردد .

.

1- .مقصود از تقدیس ، چنان که از روایات بعدی استفاده می شود ، دعا برای برکت توسط فرشتگان است.

الإمام علىّ عليه السلام :أفضَلُ ما يَتَّخِذُهُ الرَّجُلُ فى مَنزِلِهِ لِعِيالِهِ الشّاهُ ؛ فَمَن كانَت فى مَنزِلِهِ شاهٌ قَدَّسَت عَلَيهِ المَلائِكَهُ فى كُلِّ يَومٍ مَرَّهً ، ومَن كانَت عِندَهُ شاتانِ قَدَّسَت عَلَيهِ المَلائِكَهُ مَرَّتَينِ فى كُلِّ يَومٍ ، وكَذلِكَ فِى الثَّلاثِ ؛ تَقولُ : بورِكَ فيكُم ! (1)

الكافى عن محمّد بن عجلان :سَمِعتُ أبا جَعفَرٍ عليه السلام يَقول : ما مِن أهلِ بَيتٍ يَكونُ عِندَهُم شاهٌ لَبونٌ إلاّ قُدِّسوا فى كُلِّ يَومٍ مَرَّتَينِ . قُلتُ : وكَيفَ يُقالُ لَهُم؟ قالَ : يُقالُ لَهُم : بورِكتُم بورِكتُم ! (2)

من لا يحضره الفقيه عن محمّد بن مارد :سَمِعتُ أبا عَبدِ اللّه عليه السلاميَقولُ : ما مِن مُؤمِنٍ يَكونُ لَهُ فى مَنزِلِهِ عَنزٌ حَلوبٌ إلاّ قُدِّسَ أهلُ ذلِكَ المَنزِلِ وبورِكَ عَلَيهِم ، فَإِن كانَتِ اثنَتَينِ قُدِّسوا كُلَّ يَومٍ مَرَّتَينِ ، فَقالَ رَجُلٌ مِن أصحابِنا : كَيفَ يُقَدَّسونَ؟ قالَ : يُقالُ لَهُم : بورِكَ عَلَيكُم ، وطِبتُم وطابَ أدامُكُم ! (3)

.

1- .الخصال : 617 / 10 عن أبى بصير ومحمّد بن مسلم عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام ، تحف العقول : 107 ، بحار الأنوار : 64 / 126 / 7 .

2- .الكافى : 6 / 544 / 5 ، المحاسن : 2 / 488 / 2699 كلاهما عن محمّد بن عجلان ، بحار الأنوار : 64 / 133 / 25 .

3- .من لا يحضره الفقيه : 3 / 349 / 4226 عن محمّد بن مارد ، بحار الأنوار : 76 / 163 / 1 .

امام علی علیه السلام :بهترین چیزی که مرد در خانه برای خانواده اش نگاه می دارد ، گوسفند است . هر کس در خانه اش گوسفندی باشد ، فرشتگان روزی یک بار او را دعا می کنند ؛ و هر که نزدش دو گوسفند باشد ، فرشتگان روزی دو بار او را دعا می کنند ؛ و اگر سه گوسفند باشد ، سه بار ؛ [و آن فرشتگان]می گویند: «خیر و برکتتان افزون باد!» .

الکافی از محمّد بن عجلان : شنیدم که امام باقر علیه السلامالکافی از محمّد بن عجلان : شنیدم که امام باقر علیه السلام می فرماید: «هیچ خانواده ای نیست که گوسفندی شیرده داشته باشد ، مگر این که روزی دو بار تقدیس می شوند» . گفتم: «و به آنان چه گفته می شود؟» فرمود: «به آنان گفته می شود: برکتتان افزون باد ؛ برکتتان افزون باد ! » .

من لا یحضره الفقیه از محمّد بن مارد :شنیدم که امام صادق علیه السلامفرمود: «هیچ مؤمنی نیست که در خانه اش ماده بُزی شیرده داشته باشد ، جز آن که اهل آن خانه تقدیس شوند و برای برکت آنها دعا خواهد شد ؛ و اگر دو ماده بز باشند ، اهل خانه را روزی دو بار تقدیس شوند» . یکی از اصحاب ما گفت: «چگونه تقدیس می شوند؟» فرمود: «به ایشان گفته می شود : برکتتان افزون باد ؛ خود و خوراکتان پاک باد ! » .

.

الإمام الصادق عليه السلام :إذَا اتَّخَذَ أهلُ بَيتٍ شاةً أتاهُمُ اللّهُ بِرِزقِها ، وزادَ فى أرزاقِهِم ، وَارتَحَلَ الفَقرُ عَنهُم مَرحَلَةً ؛ فَإِنِ اتَّخَذَ شاتَينِ أتاهُمُ اللّهُ بِأرزاقِهِما ، وزادَ فى أرزاقِهِم ، وَارتَحَلَ الفَقرُ عَنهُم مَرحَلَتَينِ ؛ فَإِنِ اتَّخَذوا ثَلاثَةً أتاهُمُ اللّهُ بِأرزاقِهِم ، وَارتَحَلَ الفَقرُ عَنهُم رَأسا . (1)

رسول اللّه صلى الله عليه و آله :البَرَكَةُ فى نَواصِى الخَيلِ . (2)

عنه صلى الله عليه و آله :الإِبِلُ عِزٌّ لِأَهلِها ، وَالغَنَمُ بَرَكَةٌ ، وَالخَيرُ مَعقودٌ فى نَواصِى الخَيلِ إلى يَومِ القِيامَةِ . (3)

عنه صلى الله عليه و آله :الخَيلُ مَعقودٌ فى نَواصيهَا الخَيرُ إلى يَومِ القِيامَةِ . (4)

الإمام علىّ عليه السلام :أُطلُبُوا الخَيرَ فى أخفافِ الإِبلِ وأعناقِها ؛ صادِرَةً وواردَةً . (5)

.

1- .الكافى: 6/544/4 ، المحاسن : 2 / 486 / 2690 نحوه وكلاهما عن عبد اللّه بن سنان ، بحار الأنوار: 64 / 132 / 20 .
2- .صحيح البخارى : 3 / 1048 / 2696 ، صحيح مسلم : 3 / 1494 / 100 ، سنن النسائى : 6 / 221 ، مسند ابن حنبل : 4 / 228 / 12126 وص 256 / 12292 ، السنن الكبرى : 6 / 535 / 12892 كلّها عن أنس .
3- .سنن ابن ماجه : 2 / 773 / 2305 ، مسند أبى يعلى : 6 / 203 / 6793 وليس فيه «إلى يوم القيامه» وكلاهما عن عروه البارقى رفعه ، صحيح البخارى : 3 / 1047 / 2694 عن عبد اللّه بن عمر ، صحيح مسلم : 2 / 683 / 26 عن أبى هريره ، سنن النسائى : 6 / 222 عن عروه البارقى ، مسند ابن حنبل : 2/308/5102 عن ابن عمر وفى الأربعه الأخيره من «والخير...»، كنز العمّال: 12/325/35228.
4- .الكافى : 5 / 48 / 2 عن عمر بن أبان عن الإمام الصادق عليه السلام وح 3 وص 8 / 15 وكلاهما عن معمّر عن الإمام الباقر عليه السلامنحوه ، من لا يحضره الفقيه : 2 / 283 / 2459 ، ثواب الأعمال : 226 / 2 نحوه ، المحاسن : 2 / 472 / 2640 كلاهما عن عمر بن أبان عن الإمام الصادق

عليه السلامعنه صلى الله عليه و آله ، الأمالى للطوسى : 383 / 830 عن الحارث عن الإمام علىّ عليه السلام عنه صلى الله عليه و آله ، بحار الأنوار : 64 / 159 / 1 .
5- .الخصال : 630 / 10 عن محمّد بن مسلم عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام ، تحف العقول : 119 ، بحار الأنوار : 10 / 108 / 1 وج 99 / 104 / 5 .

امام صادق علیه السلام :هر گاه خانواده ای گوسفندی نگاه دارند ، خداوند روزی اش را می دهد و روزی خود آنان را می افزاید و فقر گامی از آنان دور می شود ؛ و اگر دو گوسفند نگاه دارند ، خدای روزیِ آن دو را عطا می فرماید و روزی خود ایشان را می افزاید و فقر از آن ها دو گام دور می شود ؛ و اگر سه گوسفند نگاه دارند ، خداوند روزیِ آن سه را می دهد و فقر از ایشان به کلّی دور می گردد .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :برکت در موهای پیشانی اسبان است .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :تا روز قیامت ، شتر برای صاحب خویش مایه سرافرازی است ؛ گوسفند برکت است ؛ و خیر در موهای پیشانی اسبان گره خورده است .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :تا روز قیامت ، خیر در موهای پیشانی اسبان گره خورده است .

امام علی علیه السلام :خیر را در کف پا و گردن شتر بجویید ، آن گاه که از آبشخور باز می گردد و آن گاه که به آبشخور می رود .

.

الإمام الصادق عليه السلام :تِسعَهُ أعشارِ الرِّزقِ مَعَ صاحِبِ الدّابَّهِ . (1)

راجع : ص 268 (الحثّ على التجاره) ح 494 و 495 .

3 / 3 3الصِّناعَهالكتاب :«يَجبَالُ أَوِّ بِى مَعَهُ وَ الطَّيْرَ وَ أَ لَنَّا لَهُ الْحَدِيدَ * أَنِ اعْمَلْ سَبِغَتٍ وَ قَدِّرْ فِى السَّرْدِ وَ اعْمَلُواْ صَلِحًا إِنِّى بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ . (2) »

«وَ عَلَّمْنَهُ صَنْعَهَ لَبُوسٍ لَّكُمْ لِتُحْصِنَكُم مِّن بَأْسِكُمْ فَهَلْ أَنتُمْ شَكِرُونَ . (3) »

الحديث :رسول اللّه صلى الله عليه و آله :لا تَلعَنوا الحاكَهَ ؛ فَإِنَّ أَوَّلَ مَن حاكَ أبى آدَمُ . (4)

عنه صلى الله عليه و آله :عَمَلُ الأَبرارِ مِن رِجالِ اُمَّتِى الخِياطَهُ . (5)

عنه صلى الله عليه و آله :عَمَلُ الأَبرارِ مِنَ النِّساءِ المِغزَلُ . (6)

.

1- .الكافى : 6 / 535 / 2 عن عبد اللّه بن جندب قال : حدّثنى رجل من أصحابنا ، بحار الأنوار : 64 / 161 / 3 .
2- .سبأ : 10 و11 .
3- .الأنبياء : 80 .
4- .ربيع الأبرار : 2 / 539 عن أنس ، كنز العمّال : 3 / 617 / 8190 .
5- .تاريخ بغداد : 9 / 15 / 4613 ، ربيع الأبرار : 2 / 535 كلاهما عن سهل بن سعد ، كنز العمّال : 4 / 1 / 9347 ؛ تنبيه الخواطر : 1 / 41 وليس فيهما «اُمّتى» .
6- .تاريخ بغداد : 9 / 15 / 4613 ، ربيع الأبرار : 2 / 535 كلاهما عن سهل بن سعد ، كنز العمّال : 4 / 31 / 9347 ؛ تنبيه الخواطر : 1 / 41 وفيه «الغزل» بدل «المغزل» .

امام صادق علیه السلام :نُه دهم روزی ، از آنِ چهارپادار است .

ر .ک : ص269 (تشویق به بازرگانی) ، حدیث 494 و 495.

3 / 3 - 3صنعتگریقرآن:«ای کوه ها و ای مرغان هوا! با او [= داوود] همنوا شوید. و آهن را برای او نرم گردانیدیم * که زره هایی فراخ و گشاده بساز و در بافتن و پیوند دادن [حلقه های آن] اندازه نگه دار؛ و [ای داوود همراه با قومت] کارهای نیک و شایسته کنید ، که من بدانچه می کنید ، بینایم .»

«و برای شما ، ساختن زره را به او [= داوود] آموختیم تا شما را از سختی و گزندتان نگاه دارد . پس آیا شما سپاس می دارید؟»

حدیث:پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :بافندگان را دشنام مگویید ؛ که نخستین بافنده پدرم آدم بود .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :پیشه مردان نیک امّت من ، دوزندگی است .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :پیشه زنان نیک ، ریسندگی است .

.

الإمام علىّ عليه السلام :حِرفَةُ المَرءِ كَنزٌ . (1)

الإمام الصادق عليه السلام :كُلُّ ذِى صَناعَةٍ مُضْطَرٌ إلى ثَلاثِ خِلالٍ يَجتَلِبُ بِها الكَسبَ وهُوَ أن يَكونَ حاذِقا بِعِلمِهِ ، مُؤَدِّيا لِأَمانَتِهِ فيهِ ، مُستَميلاً لِمَنِ استَعمَلَهُ. (2)

عنه عليه السلام فِى الحِكَمِ المَنسوبَهِ إلَيهِ : لا تَطلُب سُرعَةَ العَمَلِ ، وَاطلُب تَجويدَهُ ؛ فَإِنَّ النّاسَ لا يَسأَلونَ : فى كَم فُرِغَ مِنَ العَمَلِ ؟ إِنَّما يَسأَلونَ عَن جَودَهِ صَنعَتِهِ . (3)

قصص الأنبياء عن وهب بن منبّه :أنزَلَ اللّهُ عَلى إدريسَ ثَلاثينَ صَحيفَةً ، وهُوَ أوَّلُ مَن خَطَّ بِالقَلَمِ ، وأوَّلُ مَن خاطَ الثِّيابَ ولَبِسَها ، وكانَ مَن كانَ قَبلَهُ يَلبَسونَ الجُلودَ ، وكانَ كُلَّما خاطَ سَبَّحَ اللّهَ وهَلَّلَهُ وكَبَّرَهُ ، ووَحَّدَهُ ومَجَّدَهُ . (4)

الزهد لابن حنبل عن سعيد بن المسيّب :إنَّ لُقمانَ عليه السلام كانَ خَيّاطا . (5)

ربيع الأبرار :سَأَلَ داودُ عَن نَفسِهِ فِى الخُفيَهِ ، فَقالوا : يَعدِلُ إلاّ أنَّهُ يَأكُلُ مِن أموالِ بَنى إسرائيلَ ، فَسَأَلَ اللّهَ أن يُعَلِّمَهُ عَمَلاً ، فَعَلَّمَهُ اتِّخاذَ الدُّروعِ . (6)

تفسير العيّاشى عن محمّد بن خالد الضبّىّ :مَرَّ إبراهِيمُ النَّخَعِىُّ عَلَى امرَأَهٍ وهِىَ جالِسَهٌ عَلى بابِ دارِها بُكرَهً وكانَ يُقالُ لَها : اُمُّ بَكرٍ وفى يَدِها مِغزَلٍ تَغزِلُ بِهِ ، فَقالَ : يا اُمَّ بَكرٍ ، أما كَبِرتِ؟! أَلَم يَأنِ لَكِ أن تَضَعى هذَا المِغزَلَ؟! فَقالَت : و كَيفَ أَضَعُهُ و سَمِعتُ عَلِىَّ بنَ أبى طالِبٍ أميرَ المُؤمِنينَ عليه السلاميَقولُ: هُوَ مِن طَيِّباتِ الكَسبِ؟! (7)

.

1- .المواعظ العدديّه : 55 .
2- .بحار الأنوار : 17 / 182 .
3- .شرح نهج البلاغه : 20 / 267 / 103 .
4- .قصص الأنبياء : 79 / 61 وراجع تفسير مجمع البيان : 6 / 802 وبحار الأنوار : 11 / 279 / 9 .

5- .الزهد لابن حنبل : 64 ، ربيع الأبرار : 2 / 535 ، البدايه والنهايه : 2 / 127 ، الدرّالمنثور : 6 / 510 نقلاً عن ابن أبى شيبه وابن المنذر .
6- .ربيع الأبرار : 2 / 546 .
7- .تفسير العيّاشى : 1 / 150 / 494 ، بحار الأنوار : 103 / 53 / 15 .

امام علی علیه السلام :پیشه وری (1) برای مرد ، گنجینه است .

امام علی علیه السلام :هر پیشه وری باید از سه ویژگی برخوردار باشد تا با آن بتواند کسب روزی نماید : دانش آن کار را به کمال بداند ؛ در آن پیشه امانتداری پیش گیرد ؛ و به زیردستانش محبت ورزد .

امام علی علیه السلام در کلمات حکیمانه منسوب به وی : به دنبال شتاب در کار نباش ، بلکه نیک به جای آوردنش را دنبال کن ؛ زیرا مردم نمی پرسند : در چه مدّت ، کار را انجام داد ؛ بلکه از کیفیّت صنعتگریِ فرد سؤال می کنند .

قصص الأنبیاء از وهب بن منبّه :خداوند بر ادریس علیه السلام سی لوح فرود آورد . و او نخستین کسی بود که با قلم نوشت ؛ و [نیز] نخستین دوزنده و پوشنده جامه بود . پیش از او ، مردم پوست جانوران را بر تن می کردند ؛ و او هر گاه دوزندگی می کرد ، خدای را به پاکی و یکتایی و بزرگی و یگانگی و شکوه یاد می کرد .

الزهد لابن حنبل از سعید بن مسیّب :هر آینه لقمان علیه السلام دوزنده بود .

ربیع الابرار :داوود علیه السلام در نهان ، درباره خویش [از مردم] سؤال کرد . گفتند : «رفتارش درست است ، جز این که از دارایی بنی اسرائیل می خورَد» . پس وی از خداوند خواست که به او کاری بیاموزد ؛ و خداوند زره سازی را به او آموخت .

تفسیر العیّاشی از محمّد بن خالد ضَبّی :ابراهیم نخعی بر زنی ، با کنیه امّ بکر ، گذشت که پگاهان کنار خانه خود نشسته ، دوک در دست ، مشغول ریسندگی بود . گفت: «ای امّ بکر! آیا پیر نشده ای؟ آیا وقت آن نرسیده که این دوک را کنار نهی؟» گفت: «چگونه کنارش نهم ، که از امیرالمؤمنین علیّ بن ابی طالب علیه السلام شنیدم که می فرمود : ریسندگی از پیشه های پاک است ؟» .

.

1- .پیشه وری اعم از صنعتگری است.

الكافى عن اُمّ الحسن النخعيّه :مَرَّ بى أميرُ المُؤمِنينَ عليه السلام فَقالَ : أىُّ شَىءٍ تَصنَعينَ يا اُمَّ الحَسَنِ؟ قُلتُ : أغزِلُ ، فَقالَ : أما إنَّهُ أحَلُّ الكَسبِ أو مِن أحَلِّ الكَسبِ . (1)

الإمام علىّ عليه السلام فى كِتابِهِ لِلأَشتَرِ لَمّا وَلاّهُ مِصرَ : ثُمَّ استَوصِ بِالتُّجّارِ وذَوِى الصِّناعاتِ ، وأوصِ بِهِم خَيراً : اَلمُقيمِ مِنهُم ، وَالمُضطَرِبِ بِمالِهِ ، وَالمُتَرَفِّقِ بِبَدَنِهِ ؛ فَإِنَّهُم مَوادُّ المَنافِعِ ، وأسبابُ المَرافِقِ ، وجُلاّبُها مِنَ المَباعِدِ والمَطارِحِ ، فى بَرِّكَ وبَحرِكَ وسَهلِكَ وجَبَلِكَ ، وحَيثُ لا يَلتَئِمُ النّاسُ لِمَواضِعِها ، ولا يَجتَرِئونَ عَلَيها ؛ فَإِنَّهُم سِلمٌ لا تُخافُ بائِقَتُهُ ، وصَلحٌ لا تُخشى غائِلَتُهُ . (2)

راجع : ص 196 (سيره الأنبياء والأوصياء فى طلب الرزق).

3 / 4ما يَنبَغى لِلمُكتَسِب3 / 4 1طَلَبُ الحَلالِإرشاد القلوب فى لَيلَهِ المِعراجِ : قالَ اللّهُ تَعالى : يا أحمَدُ ، إنَّ العِبادَةَ عَشَرَةُ أجزاءٍ ، تِسعَةٌ مِنها طَلَبُ الحَلالِ ، فَإِن اُطيبَ مَطعَمُكَ ومَشرَبُكَ فَأنتَ فى حِفظى وكَنَفى . (3)

.

1- .الكافى : 5 / 311 / 32 ، تهذيب الأحكام : 6 / 382 / 1127 .
2- .نهج البلاغه : الكتاب 53 ، تحف العقول : 140 نحوه ، بحار الأنوار : 103 / 88 / 9 .
3- .إرشاد القلوب : 203 ، بحار الأنوار : 77 / 27 / 6 .

ص: 251

3 / 4 آن چه پیشه ور را سزا است

3 / 4 1 جست و جوی حلال

الکافی از امّ حسن نخعیّه :امیرالمؤمنین علیه السلام بر من گذشت و فرمود: «ای امّ حسن! چه می کنی؟» گفتم: «ریسندگی می کنم» . فرمود: «بدان که این ، حلال ترین پیشه یا از حلال ترین پیشه ها است» .

امام علی علیه السلام در نامه به اشتر ، آن گاه که وی را به کارگزاریِ مصر گماشت : پس سفارش مرا در حقّ بازرگانان و صنعتگران بپذیر و درباره ایشان [به کارگزارانت]نیکو سفارش کن ، خواه آن ها که در یک جای مقیم هستند و خواه آنان که با سرمایه خویش این سو و آن سو سفر کنند و با دسترنج خود زندگی نمایند ؛ زیرا این گروه ، مایه های منافع و اسباب آسودگی اند و آن را از راه های دشوار و دور خشکی و دریا و دشت ها و کوهساران و جای هایی که مردم در آن گرد نیایند و جرئت رفتن به آن نکنند ، به دست می آورند . پس اینان مردمی مسالمت جویند که از فتنه گری شان بیمی نیست ؛ و اهل آشتی اند ، که از آسیب رسانی شان باکی نباشد .

ر .ک : ص197 (روش پیامبران و جانشینانشان در روزی جُستن).

3 / 4آن چه پیشه ور را سزا است3 / 4 - 1جست و جوی حلالارشاد القلوب در [رویدادهای] شب معراج : خدای تعالی فرمود : «ای احمد! همانا عبادت را ده بخش است ؛ نُه بخش آن جست و جوی حلال است . پس اگر خوردن و نوشیدنت پاک باشد ، در نگاهداشت و حمایت منی» .

.

رسول اللّه صلى الله عليه و آله :العِبادَهُ عَشَرَهُ أجزاءٍ ، تِسعَهُ أجزاءٍ فى طَلَبِ الحَلالِ . (1)

عنه صلى الله عليه و آله :العِبادَهُ سَبعونَ جُزءا ، أفضَلُها طَلَبُ الحَلالِ . (2)

عنه صلى الله عليه و آله :ما جاءَنى جِبريلُ إلاّ أمَرَنى بِهاتَينِ ؛ قالَ : تَقولُ : اللّهُمَّ ارزُقنى طَيِّبا ، وَاستَعمِلنى صالِحا . (3)

عنه صلى الله عليه و آله :رَحِمَ اللّهُ امرَأً اِكتَسَبَ طَيِّبا ، وأنفَقَ قَصدا ، وقَدَّمَ فَضلاً لِيَومِ فَقرِهِ وحاجَتِهِ ! (4)

عنه صلى الله عليه و آله :طوبى لِمَن ذَلَّ فى نَفسِهِ ، وطابَ كَسبُهُ . (5)

.

1- .جامع الأحاديث للقمّى : 99 عن إسماعيل بن موسى بن جعفر عن أبيه عن آبائه عليهم السلام ، بحار الأنوار : 103 / 9 / 37 وص 18 / 81 .
2- .الكافى : 5 / 78 / 6 ، تهذيب الأحكام : 6 / 324 / 891 كلاهما عن أبى خالد الكوفى رفعه إلى الإمام الباقر عليه السلام ، معانى الأخبار : 366 / 1 عن إسماعيل بن مسلم عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام ، ثواب الأعمال : 215 / 1 عن محمّد بن أحمد بن يحيى بن عمران الأشعرى بإسناده عنه صلى الله عليه و آلهوفيهما «أفضلها جزءا»، تحف العقول: 37 وفيه «سبعه أجزاء» بدل «سبعون جزءا»؛ الفردوس:3/79/4221 عن الإمام الحسين عليه السلام عنه صلى الله عليه و آله وفيه «العباده سبعون بابا أفضلها طلب الرزق الحلال» .
3- .نوادر الأُصول : 1 / 427 عن حنظله ، كنز العمّال : 2 / 224 / 3861 وج 4 / 7 / 9211 وفيهما «الدعوتين» بدل «قال : تقول» .
4- .كنز العمّال : 4 / 6 / 9207 نقلاً عن ابن النجّار عن عائشه وراجع دعائم الإسلام : 2 / 66 / 184 .
5- .المعجم الكبير : 5 / 71 / 4615 ، السنن الكبرى : 4 / 306 / 7784 ، شُعب الإيمان : 3 / 22 / 3388 كلّها عن ركب المصرى ، كنز العمّال : 15 / 917 / 43582 ؛ نهج البلاغه : الحكمه 123 قال الشريف الرضىّ : «ومن الناس من ينسب هذا الكلام إلى رسول اللّه صلى الله عليه و آله» ،

خصائص الأئمّه عليهم السلام : 99 كلاهما عن الإمام علىّ عليه السلام ، بحار الأنوار : 103 / 2 / 2 نقلاً عن تفسير القمّى .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :عبادت ده بخش دارد ؛ نُه بخش آن ، جُستنِ حلال است .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :عبادت را هفتاد بخش است ؛ برترینِ آن ، جست و جوی حلال است .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :جبرئیل نزد من نیامد جز آن که به این دو چیز فرمانم داد ؛ گفت: «بگو : بار خدایا ! مرا روزی پاکیزه عطا فرما ؛ و در کارِ شایسته ام بدار » .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :خداوند رحمت کند کسی را که پیشه پاکیزه داشته باشد ، به اعتدال انفاق کند ، و برای روز فقر و نیاز خویش [= قیامت] ، خیری پیش فرستد .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :خوش باد حال کسی که در درون ، رامِ [پروردگار] و پیشه اش پاکیزه است .

.

عنه صلى الله عليه و آله :طَلَبُ كَسبِ الحَلالِ فَريضَةٌ بَعدَ الفَريضَهِ . (1)

عنه صلى الله عليه و آله :طَلَبُ الحَلالِ فَريضَةٌ عَلى كُلِّ مُسلِمٍ ومُسلِمَهٍ . (2)

عنه صلى الله عليه و آله :طَلَبُ الرَّجُلِ مَعيشَتَهُ فِى الحَلالِ صَدَقَهٌ . (3)

عنه صلى الله عليه و آله :طَلَبُ الحَلالِ جِهادٌ . (4)

عنه صلى الله عليه و آله :الكادُّ عَلى عِيالِهِ مِن حَلالٍ كَالمُجاهِدِ فى سَبيلِ اللّهِ . (5)

عنه صلى الله عليه و آله :الشّاخِصُ فى طَلَبِ الرِّزقِ الحَلالِ كَالمُجاهِدِ فى سَبيلِ اللّهِ . (6)

عنه صلى الله عليه و آله :مَن سَعى عَلى عِيالِهِ فى طَلَبِ الحَلالِ فَهُوَ فى سَبيلِ اللّهِ . (7)

.

1- .السنن الكبرى : 6/211/11695، المعجم الكبير : 10/74/9993 ، مسند الشهاب : 1/104/122 وليس فيهما «كسب» ، حليه الأولياء : 7 / 126 وليس فيه «طلب» ، الفردوس : 2 / 441 / 3918 وزاد فى آخره «وجهاد» وكلّها عن عبد اللّه بن مسعود ؛ جامع الأحاديث للقمّى : 98 وليس فيه «الحلال» ، بحار الأنوار : 103 / 17 / 79 .
2- .جامع الأخبار : 389 / 1079 ؛ المعجم الأوسط : 8 / 272 / 8610 ، الفردوس : 2 / 440 / 3914 عن أنس وفيهما «طلب الحلال واجب على كلّ مسلم» ، إحياء علوم الدين : 2 / 133 وص 134 وليس فيهما «ومسلمه» ، كنز العمّال : 4 / 5 / 9204 .
3- .الفردوس : 2 / 444 / 3922 عن أبى بكر .
4- .مسند الشهاب : 1 / 83 / 82 ، الفردوس : 2 / 442 / 3919 كلاهما عن ابن عبّاس ، كنز العمّال : 4 / 6 / 9205 نقلاً عن حليه الأولياء عن ابن عمر .

5- .من لا يحضره الفقيه : 3 / 168 / 3631 ، عوالى اللآلى : 3 / 199 / 20 وج 2 / 109 / 297 ، الفقه المنسوب للإمام الرضا عليه السلام : 208 ، عدّه الداعى : 72 ، الكافى : 5 / 88 / 1 عن الحلبى عن الإمام الصادق عليه السلامولیس فى الأربعه الأخيره «من حلال» .
6- .جامع الأحاديث للقمّى : 90 ، دعائم الإسلام : 2 / 15 / 9 ، عوالى اللآلى : 3 / 194 / 7 كلاهما عن الإمام علىّ عليه السلام ، بحار الأنوار : 103 / 17 / 78 .
7- .روضه الواعظين : 501 ؛ السنن الكبرى : 9 / 43 / 17824 عن أبى هريره وليس فيه «فى طلب الحلال» ، كنز العمّال : 4 / 12 / 9252 .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :جُستنِ درآمد حلال ، واجبی است از پی واجب دیگر .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :جُستنِ حلال ، بر هر مرد و زن مسلمان واجب است .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :این که انسان گذران زندگی اش را از حلال بخواهد ، مایه نزدیکی به خدا است .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :جُستنِ حلال ، جهاد است .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :آن که خانواده خویش را از حلال روزی می دهد ، مانند مجاهدِ در راه خدا است .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :آن که در پی روزی حلال ، به سیر و سفر می پردازد ، همانند مجاهد در راه خدا است .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر کس در جست و جوی حلال ، برای گذران زندگی خانواده اش بکوشد ، [تلاشِ]او در راه خدا است .

.

عنه صلى الله عليه و آله :لَعَثرَةٌ فى كَدٍّ حَلالٍ عَلى عَيِّلٍ مَحجوبٍ أفضَلُ عِندَ اللّهِ مِن ضَربِ سَيفٍ حَولاً كامِلاً لا يَجِفُّ دَما مَعَ إمامٍ عادِلٍ . (1)

عنه صلى الله عليه و آله :الدُّنيا حُلوَةٌ خَضِرَةٌ ، مَن يَأخُذ مالاً بِحِلِّهِ يُبارَک لَهُ فيهِ ، ورُبَّ مُتَخَوِّضٍ فى مالِ اللّهِ عز و جل ومالِ رَسولِهِ فى ما شاءَت نَفسُهُ ، لَهُ النّارُ يَومَ القِيامَهِ . (2)

عنه صلى الله عليه و آله :أقَلُّ ما يَكونُ فى آخِرِ الزَّمانِ أخٌ يوثَقُ بِهِ ، أو دِرهَمٌ مِن حَلالٍ . (3)

عنه صلى الله عليه و آله :مَن طَلَبَ الدُّنيا حَلالاً ؛ اِستِعفافا عَنِ المَسأَلَهِ ، وسَعيا عَلى أهلِهِ ، وتَعَطُّفا عَلى جارِهِ ، لَقِىَ اللّهَ ووَجهُهُ كَالقَمَرِ لَيلَهَ البَدرِ . (4)

تاريخ بغداد عن أبو هريره :قالَ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله : مَن طَلَبَ مَكسَبَهً مِن بابِ الحَلالِ يَكُفُّ بِها وَجهَهُ عَن مَسأَلَهِ النّاسِ ووُلدَهُ وعِيالَهُ ، جاءَ يَومَ القِيامَهِ مَعَ النَّبِيِّينَ وَالصِّدّيقينَ هكَذا وأشارَ بِإِصبَعِهِ السَّبّابَهِ وَالوُسطى . (5)

الإمام علىّ عليه السلام :مَن طَلَبَ الدُّنيا حَلالاً تَعَطُّفا عَلى والِدٍ أو وَلَدٍ أو زَوجَهٍ ، بَعَثَهُ اللّهُ تَعالى ووَجهُهُ عَلى صورَهِ القَمَرِ لَيلَهَ البَدرِ . (6)

.

1- .تاريخ دمشق : 13 / 33 / 3037 عن عثمان بن عفّان ، كنز العمّال : 4 / 6 / 9209 .
2- .حليه الأولياء : 2 / 64 / 143 ، المعجم الكبير : 24 / 228 / 577 و ح 578 ، سنن الترمذى : 4 / 587 / 2374 ، مسند ابن حنبل : 10 / 299 / 27122 كلّها عن خوله بنت قيس نحوه ، كنز العمّال : 3 / 201 / 6166 .
3- .تحف العقول: 54، بحار الأنوار: 77/157/141؛ حليه الأولياء: 4/94 عن ابن عمر ، تاريخ دمشق : 55 / 106 / 11632 عن ميمون بن مهران و كلاهما نحوه، كنز العمّال : 4 / 4 / 9197 عن عمر .

4- .المصنّف لابن أبی شیبه : 5 / 258 / 7 ، شُعب الإیمان : 7 / 298 / 10375 ، مسند إسحاق بن راهویه : 1 / 353 / 352 ، حلیه الأولیاء : 3 / 110 وج 8 / 215 کلّها عن أبی هریره ؛ الکافی : 5 / 78 / 5 ، تهذیب الأحکام : 6 / 324 / 890 کلاهما عن أبی حمزه عن الإمام الباقر علیه السلام .
5- .تاریخ بغداد : 8 / 168 / 4277 ، کنز العمّال : 4 / 12 / 9248 نقلاً عن الدیلمی .
6- .مسند زید : 255 عن الإمام زین العابدین عن أبیه عن جدّه علیهم السلام .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :جهاد در طلب روزی برای خانواده ناتوان ، نزد خداوند برتر است از یک سال پیوسته شمشیر زدن همراه امام عادل .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :دنیا شیرین و خرّم است ؛ هر که از مال حلال آن بخورد ، برایش مایه خیر و برکت است . و بسا کسی که در مال خدا و رسولش ، چندان که خواهد ، غوطه خورَد و روز قیامت ، آتش از آنِ او باشد .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :در زمانه واپسین ، آن چه از همه کم تر است ، دوستی قابل اعتماد است یا دِرهمی مال حلال .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر کس دنیا را از راه حلال و به انگیزه حیا ورزیدن از عرض نیاز [به مردم] ، تلاش برای خانواده خود ، و لطف روا داشتن بر همسایه اش ، بجوید ، خدای را در حالی دیدار می کند که چهره اش همانند قرص کامل ماه است .

تاریخ بغداد از ابوهریره :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود : «هر کس از راه حلال به جست و جوی درآمد پردازد تا از دست دراز کردن نزد مردم بی نیاز شود و فرزندان و خانواده اش را تأمین نماید ، روز رستاخیز با چنین حالتی همراه پیامبران و راستی پیشگان خواهد بود» و به انگشتان سبّابه و میانی اش اشاره فرمود .

امام علی علیه السلام :هر کس با انگیزه مهر ورزیدن به پدر [یا مادر] یا فرزند یا همسرش ، از راه حلال در پی دنیا باشد ، خدای تعالی او را [در قیامت] در حالی برمی انگیزد که چهره اش همانند قرص کامل ماه است .

.

عنه عليه السلام :يوشِكُ أن يَفقِدَ النّاسُ ثَلاثا : دِرهَما حَلالاً ، ولِسانا صادِقا ، وأخا يُستَراحُ إلَيهِ . (1)

عنه عليه السلام :حُسنُ الخُلُقِ فى ثَلاثٍ : اِجتِنابِ المَحارِمِ ، وطَلَبِ الحَلالِ ، وَالتَّوَسُّعِ عَلَى العِيالِ . (2)

عنه عليه السلام :مِن تَوفيقِ الحُرِّ اكتِسابُهُ المالَ مِن حِلِّهِ . (3)

عنه عليه السلام فى ما كَتَبَهُ إلَى الإمامِ الحَسَنِ عليه السلام : وَارجُ الَّذى بِيَدِهِ خَزائِنُ الأَرضِ وَالأَقواتِ وَالسَّماواتِ ، وسَلَهُ طيبَ المَكاسِبِ ؛ تَجِدهُ مِنكَ قَريبا ولَكَ مُجيبا . (4)

الأمالى للمفيد عن الحسن بن أبى الحسن البصرىّ :دَخَلَ أميرُ المُؤمِنينَ سوقَ البَصرَهِ ، فَنَظَرَ إلَى النّاسِ يَبيعونَ ويَشتَرونَ ، فَبَكى عليه السلام بُكاءً شَديدا ، ثُمَّ قالَ : يا عَبيدَ الدُّنيا وعُمّالَ أهلِها ، إذا كُنتُم بِالنَّهارِ تَحلِفونَ ، وبِاللَّيلِ فى فُرُشِكُم تَنامونَ ، وفى خِلالِ ذلِكَ عَنِ الآخِرَهِ تَغفُلونَ ، فَمَتى تُحرِزونَ الزّادَ ، وتُفَكِّرونَ فِى المَعادِ؟ ! فَقالَ لَهُ رَجُلٌ : يا أميرَ المُؤمِنينَ ، إنَّهُ لابُدَّ لَنا مِنَ المَعاشِ ، فَكَيفَ نَصنَعُ؟ ! فَقالَ أميرُ المُؤمِنينَ عليه السلام: إنَّ طَلَبَ المَعاشِ مِن حِلِّهِ لا يَشغَلُ عَن عَمَلِ الآخِرَهِ ، فَإِن قُلتَ : لابُدَّ لَنا مِنَ الاِحتِكارِ ، لَم تَكُن مَعذورا ، فَوَلَّى الرَّجُلُ باكِيا . (5)

.

1- .تذكره الخواصّ : 136 ؛ بحار الأنوار : 78 / 70 / 30 نقلاً عن حليه الأولياء .
2- .تنبيه الخواطر : 1 / 90 ، بحار الأنوار : 71 / 394 / 63 .
3- .غرر الحكم : 9393 .
4- .كنز العمّال : 16 / 180 / 44215 نقلاً عن وكيع والعسكرى فى المواعظ .
5- .الأمالى للمفيد : 119 / 3 ، بحار الأنوار : 77 / 422 / 41 و ج 103 / 32 / 60 .

امام علی علیه السلام :چیزی نمانده است که مردم [= مردم باید مراقب باشند که مبادا]سه چیز را از دست دهند : دِرهمی مال حلال ، زبانی راستگو ، و دوستی که از او آرامش توان یافت .

امام علی علیه السلام :نیک رفتاری در سه کار است: دوری گزیدن از حرام ها ، جست و جوی حلال ، و گشاده گرفتن بر خانواده .

امام علی علیه السلام :از مایه های موفّقیّت آزادمرد ، این است که مال حلال را به دست آورد .

امام علی علیه السلام در نامه ای که به امام حسن علیه السلامنگاشت : به کسی اُمید داشته باش که گنجینه های زمین و روزی ها و آسمان ها در دست او است ؛ و از او درآمدِ پاکیزه بخواه ؛ که او را نزدیک و اجابتگر می یابی .

الأمالی للمفید از حسن بن ابوالحسن بصری :امیرالمؤمنین علیه السلام به بازار بصره درآمد و مردم را نگریست که سرگرم خرید و فروشند ؛ آن گاه ، سخت گریست . سپس فرمود: «ای بندگان دنیا و کارگزارانِ اهل دنیا! روزانه سوگند یاد می کنید و شبانه در بسترهاتان می آرامید و در این میان ، از آخرت غافلید ، پس کدام هنگام توشه[ی آخرت]برمی گیرید و به بازگشت می اندیشید؟» مردی به وی گفت: «ای امیرالمؤمنین! ما از گذرانِ زندگی ناچاریم ؛ پس چه کنیم؟» امیرالمؤمنین علیه السلامفرمود: «طلبِ روزی از راه حلال ، انسان را از کار آخرت باز نمی دارد . امّا اگر بگویی : از احتکار [هم] ناگزیریم عذرت پذیرفته نیست» . پس آن مرد بازگشت ، در حالی که می گریست .

.

الإمام الباقر عليه السلام :قامَ أبو ذَرٍّ رَحمَهُ اللّهِ عَلَيهِ عِندَ الكَعبَهِ فَقالَ: . . . اِجعَلِ الدُّنيا كَلِمَتَينِ : كَلِمَهً فى طَلَبِ الحَلالِ ، وكَلِمَهً لِلآخِرَهِ ، وَالثّالِثَهُ تَضُرُّ ولا تَنفَعُ لا تُرِدها . ثُمَّ قالَ : قَتَلَنى هَمُّ يَومٍ لا اُدرِكُهُ . (1)

عنه عليه السلام فى صِفَهِ أولِياءِ اللّهِ تَعالى : وَجَدنا فى كِتابِ عَلِيِّ بنِ الحُسَينِ عليهماالسلام : اِكتَسَبُوا الطَّيِّبَ مِن رِزقِ اللّهِ ، لا يُريدونَ بِهِ التَّفاخُرَ وَالتَّكاثُرَ ، ثُمَّ أنفَقوا فى ما يَلزَمُهُم مِن حُقوقٍ واجِبَهٍ ، فَاُولئِکَ الَّذينَ بارَکَ اللّهُ لَهُم فى مَا اكتَسَبوا ، ويُثابونَ عَلى ما قَدَّموا لاِخِرَتِهِم . (2)

عنه عليه السلام :عَلَيکَ بِالصَّبرِ ، وطَلَبِ الحَلالِ ، وصِلَهِ الرَّحِمِ . (3)

الإمام الصادق عليه السلام :كانَ عَلِيُّ بنُ الحُسَينِ عليهماالسلام إذا أصبَحَ خَرَجَ غادِيا فى طَلَبِ الرِّزقِ ، فَقيلَ لَهُ : يَابنَ رَسولِ اللّهِ ، أينَ تَذهَبُ؟ فَقالَ : أتَصَدَّقُ لِعِيالى . قيلَ لَهُ : أتَتَصَدَّقُ؟! قالَ : مَن طَلَبَ الحَلالَ فَهُوَ مِنَ اللّهِ عز و جل صَدَقَهٌ عَلَيهِ . (4)

.

1- .الخصال : 40 / 26 عن السكونى عن الإمام الصادق عليه السلام ، الأمالى للمفيد : 215 / 1 عن جابر بن يزيد ، من لا يحضره الفقيه : 2 / 282 / 2456 وفيه «رُوى أنّه قام أبو ذرّ رحمه الله عند الكعبه فقال . .» ، بحار الأنوار : 96 / 119 / 16 وراجع دعائم الإسلام : 1 / 270 .

2- .تفسير العيّاشى : 2 / 124 / 31 عن بريد العجلى ، تفسير مجمع البيان : 5 / 181 عن ابن زيد نحوه ، بحار الأنوار : 69 / 277 / 11 .

3- .الكافى : 2 / 488 / 1 عن أحمد بن محمّد بن أبى نصر عن الإمام الرضا عليه السلام ، قرب الإسناد : 386 / 1358 عن أحمد بن محمّد بن أبى نصر عن الإمام الرضا عليه السلاموفيه «بالصدق» بدل «بالصبر» ، بحار الأنوار : 93 / 367 / 1 .

4- .الكافى : 4 / 12 / 11 عن عبد اللّه بن سنان ، بحار الأنوار : 46 / 67 / 32 .

امام باقر علیه السلام :ابوذر رحمت خدا بر او کنار کعبه برخاست و گفت: « . . . دنیا را دو کلمه قرار ده [= در دو چیز خلاصه کن] ؛ کلمه ای در جست و جوی حلال ، و کلمه ای برای آخرت . سوم ، همه زیان است و سودی ندارد ؛ آن را طلب مکن» . سپس گفت: «غمِ روزی که هنوز فرا نرسیده ، مرا کشت !» .

امام باقر علیه السلام در وصفِ دوستان خدای (تعالی) : در کتاب علی بن حسین علیه السلامچنین یافتیم: «روزی پاکیزه خدا را فراهم آوردند ، بی این که از آن ، در پی فخرورزی و افزون طلبی باشند ؛ سپس در حدود حقوق واجبی که بر عهده ایشان است ، به انفاق پرداختند ؛ پس ایشانند که خداوند در درآمدشان برکت قرار داده و به پاس آن چه برای آخرتشان پیش فرستاده اند ، پاداش می یابند .

امام باقر علیه السلام :بر تو باد شکیبایی و جُستنِ حلال و پیوند با خویشان .

امام صادق علیه السلام :علیّ بن حسین علیه السلام هر صبحگاه در طلب روزی ، برون می شد . به او گفته می شد: «ای فرزند رسول خدا ! کجا می روی؟» می فرمود : «برای خانوارم صدقه فراهم می آورم» . پرسیده می شد: «آیا صدقه فراهم می آوری؟» می فرمود : «هر کس روزیِ حلال طلب کند ، آن صدقه خداوند برای وی است» .

.

عنه علیه السلام :إذا کانَ الرَّجُلُ مُعسِرا ، فَیَعمَلُ بِقَدرِ ما یَقوتُ بِهِ نَفسَهُ وأهلَهُ ولایَطلُبُ حَراما ، فَهُوَ کَالمُجاهِدِ فی سَبیلِ اللّهِ . (1)

عنه علیه السلام :کانَ فی بَنی إسرائیلَ رَجُلٌ عابِدٌ ، و کانَ مُحتاجا ، فَأَلَحَّت عَلَیهِ امرَأَتُهُ فی طَلَبِ الرِّزقِ ، فَابتَهَلَ إلَی اللّهِ فِی الرِّزقِ ، فَرَأی فِی النَّومِ : أیُّما أحَبُّ إلَیکَ : دِرهَمانِ مِن حِلٍّ أو أَلفانِ مِن حَرامٍ؟ فَقالَ : دِرهَمانِ مِن حِلٍّ ، فَقالَ : تَحتَ رَأسِکَ ، فَانتَبَهَ فَرَأی الدِّرهَمَینِ تَحتَ رَأسِهِ ، فَأَخَذَهُما وَاشتَری بِدِرهَمٍ سَمَکَةً ، فَأقبَلَ إلی مَنزِلِهِ ، فَلَمّا رَأتهُ المَرأَةُ أقبَلَت عَلَیهِ کَاللاّئِمَهِ وأقسَمَت أن لا تَمَسَّها ، فَقامَ الرَّجُلُ ، فَلَمّا شَقَّ بَطنَها إذا بِدُرَّتَینِ ، فَباعَهُما بِأربَعینَ ألفَ دِرهَمٍ . (2)

عنه علیه السلام :المُؤمِنُ مَن طابَ مَکسَبُهُ . (3)

عنه عن أبیه علیهماالسلام :قیلَ لَهُ : ما بالُ المُؤمِنِ قَد یَکونُ أشَحَّ شَیءٍ؟ قالَ : لِأَنَّهُ یَکسِبُ الرِّزقَ مِن حِلِّهِ ، ومَطلَبُ الحَلالِ عَزیزٌ ، فَلا یُحِبُّ أن یُفارِقَهُ شَیئُهُ لِما یَعلَمُ مِن عِزِّ مَطلَبِهِ ، وإن هُوَ سَخَت نَفسُهُ لَم یَضَعهُ إلاّ فی مَوضِعِهِ . (4)

عنه علیه السلام :لا تَدَع طَلَبَ الرِّزقِ مِن حِلِّهِ ؛ فَإِنَّهُ عَونٌ لَکَ عَلی دینِکَ ، وَاعقِل راحِلَتَکَ وتَوَکَّل . (5)

.

1- .الکافی : 5 / 88 / 3 عن فضیل بن یسار .
2- .قصص الأنبیاء : 184 / 224 عن حفص بن غیاث ، بحار الأنوار : 14 / 493 / 13 .
3- .الکافی : 2 / 235 / 18 عن آدم أبی الحسین اللؤلؤی ، الخصال : 351 / 30 عن أحمد بن محمّد وغیره بإسناده رفعاه إلی الإمام علیّ علیه السلام ، بحار الأنوار : 67 / 293 / 6
4- .من لا یحضره الفقیه : 3 / 560 / 4924 ، علل الشرایع : 557 / 1 وفیه «عسر» بدل «عزّ» وکلاهما عن مسعده بن صدقه الربعی ، بحار الأنوار : 67 / 299 / 24 .

5- .الأمالى للمفيد : 172 / 1 ، الأمالى للطوسى : 193 / 326 وفيه «أعون» بدل «عون» وكلاهما عن عمرو بن سيف الأزدى ، بحار الأنوار : 71 / 137 / 20 .

امام صادق علیه السلام :هر گاه مردی تنگدست باشد و به اندازه نیاز خود و خانواده اش کار کند و در پی حرام نرود ، همانند مجاهدِ در راه خدا است .

امام صادق علیه السلام :در میان بنی اسرائیل مردی عبادت پیشه و نیازمند بود . همسرش به وی اصرار می کرد که در پیِ روزی رود ، امّا او از خداوند طلب روزی می کرد . در خواب دید [که از او می پرسند]: «کدام یک برایت دوست داشتنی تر است ؛ دو دِرهم مال حلال یا دو هزار درهم مال حرام؟» گفت: «دو درهم مال حلال» . گفت: «زیر سرت نهفته است» . بیدار شد و زیر سرش دو درهم دید . آن ها را برداشت و با یکی ماهی ای خرید و به سوی خانه رفت . وقتی همسرش او را دید ، به سرزنش وی پرداخت و سوگند خورد که به آن ماهی دست نزند . مرد ، خود ، برخاست و چون شکم ماهی را درید ، دو گوهر در آن یافت و آن ها را به چهل هزار درهم فروخت .

امام صادق علیه السلام :مؤمن آن است که کسبش حلال باشد .

امام صادق علیه السلام از پدرش :به وی گفته شد: «از چیست که مؤمن ، گاه بسیار تنگ نظر می شود؟» فرمود: «زیرا وی روزی را از راه حلال به دست می آورد ؛ و روزی حلال بسی کمیاب است ؛ پس از آن جا که می داند به چه سختی به دستش آورده ، دوست نمی دارد مالش از وی جدا شود و هر چند که از درون ، بخشنده است ، آن را جز در جایِ خود صرف نمی کند» .

امام صادق علیه السلام :جُستنِ روزی از راه حلال را وامگذار ؛ که آن ، یاریگرِ دین تو است ؛ و مَرکَب خویش را ببند و توکّل کن .

.

الكافى عن موسى بن بكر :قالَ لى أبُو الحَسَنِ عليه السلام : مَن طَلَبَ هذَا الرِّزقَ مِن حِلِّهِ لِيَعودَ بِهِ عَلى نَفسِهِ وعِيالِهِ ، كانَ كَالمُجاهِدِ فى سَبيلِ اللّهِ عز و جل . (1)

الإمام الرضا عليه السلام :الَّذى يَطلُبُ مِن فَضلِ اللّهِ عز و جل ما يَكُفُّ بِهِ عِيالَهُ ، أعظَمُ أجرا مِنَ المُجاهِدِ فى سَبيلِ اللّهِ عز و جل . (2)

الإمام علىّ عليه السلام فِى الدّيوانِ المَنسوبِ إلَيهِ : كُن طالِبا لِلرِّزقِ مِن بابِ حِلِّهِيُضاعَف عَلَيكَ الرِّزقُ مِن كُلِّ جانِبِ (3)

راجع : ص 192 (العمل باليد) .

3 / 4 2البُكوررسول اللّه صلى الله عليه و آله :باكِروا طَلَبَ الرِّزقِ وَالحَوائِجِ ؛ فَإِنَّ الغُدُوَّ بَرَكَةٌ ونَجاحٌ . (4)

الإمام الصادق عليه السلام :إنّى لأُحِبُّ أن أرَى الرَّجُلَ مُتَحَرِّفا فى طَلَبِ الرِّزقِ ؛ إنَّ رَسولَ اللّهِ صلى الله عليه و آله قالَ : اللّهُمَّ بارِک لِأُمَّتى فى بُكورِها . (5)

عنه عليه السلام :إنَّ الأَرزاقَ تُقسَمُ قَبلَ طُلوعِ الشَّمسِ ، وإنَّ اللّهَ تَعالى بارَکَ لِهذِهِ الأُمَّهِ فى بُكورِها . (6)

.

1- .الكافى : 5 / 93 / 3 ، تهذيب الأحكام : 6 / 184 / 381 ، قرب الإسناد : 340/1245، بحار الأنوار : 103 / 3 / 6 .
2- .الكافى : 5 / 88 / 2 عن زكريّا بن آدم ، تحف العقول : 445 عن الفضيل بن يسار وفيه «من فضل يكفُّ به» بدل «من فضل اللّه عزّوجلّ ما يكفّ» ، بحار الأنوار : 78 / 339 / 29 .
3- .الديوان المنسوب إلى الإمام علىّ عليه السلام : 62 / 20 .
4- .المعجم الأوسط : 7 / 193 / 7250 عن عائشه ، كنز العمّال : 4 / 48 / 9445 .
5- .من لا يحضره الفقيه : 3/157/3573 عن علىّ بن عبد العزيز ؛ سنن ابن ماجه : 2/752/2236 ، مسند ابن حنبل: 1 / 328 / 1338 . كلاهما عن

رسول اللّه صلى الله عليه و آله وفيهما ذيله فقط وراجع عيون أخبار الرضا : 2 / 34 / 73 وقرب الإسناد : 122 / 428 .
6- .الأمالى للمفيد : 54 / 16 عن محمّد بن هلال المذحجىّ ، بحار الأنوار : 103 / 41 / 4 .

الکافی از موسی بن بکر :امام کاظم علیه السلام مرا فرمود : «هر کس این روزی را از راه حلال بجوید تا با آن به نیاز خود و خانواده اش پردازد ، همچون جهاد کننده ای در راه خدا است» .

امام رضا علیه السلام :هر که از فضل خدا آن را می جوید که خانواده اش را تأمین کند ، پاداشی برتر از جهادگر در راه خدا دارد .

امام علی علیه السلام در دیوان منسوب به وی : روزی را از طریق حلالش به کف آورتا از هر سوی ، بر تو افزوده گردد .

ر .ک : ص193 (کار جسمانی)

3 / 4 - 2سحرخیزیپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :بامدادان در پی روزی و حاجت روید ؛ که سحرخیزی مایه برکت و رستگاری است .

امام صادق علیه السلام :هر آینه من دوست می دارم که مرد در پی روزی ، به این سو و آن سو روان شود . همانا پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «بار خدایا ! برای امّت من در سحرخیزی اش برکت قرار ده» .

امام صادق علیه السلام :همانا روزی ها پیش از سر برزدن آفتاب ، تقسیم می شوند و خداوند تعالی برای این امّت در سحرخیزی اش برکت قرار داده است .

.

عنه عليه السلام :إنّى وَاللّهِ ما آمُرُكُم إلاّ بِما نَأمُرُ بِهِ أنفُسَنا ، فَعَلَيكُم بِالجِدِّ وَالاِجتِهادِ، وإذا صَلَّيتُمُ الصَّبحَ وَانصَرَفتُم فَبَكِّروا فى طَلَبِ الرِّزقِ ، وَاطلُبُوا الحَلالَ ؛ فَإِنَّ اللّهَ عز و جل سَيَرزُقُكُم ويُعينُكُم عَلَيهِ . (1)

3 / 4 3مُلازَمَةُ ما تَيَسَّرَ لَهُ مِنَ المَكسَبِرسول اللّه صلى الله عليه و آله :إذا سَبَّبَ اللّهُ لِأَحَدِكُم رِزقا مِن وَجهٍ فَلا يَدَعهُ حَتّى يَتَغَيَّرَ لَهُ ، أو يَتَنَكَّرَ لَهُ . (2)

عنه صلى الله عليه و آله :مَن رُزِقَ فى شَىءٍ فَليَلزَمهُ . (3)

الإمام الصادق عليه السلام :إذا رُزِقتَ فى شَىءٍ فَالزَمهُ . (4)

راجع : ص 1012 (ما يوجب الآفات) . ص 1030 (ما يعصم من الآفات) .

.

1- .الكافى : 5 / 78 / 8 عن خالد بن نجيح .
2- .سنن ابن ماجه : 2 / 727 / 2148 ، مسند ابن حنبل : 10 / 94 / 26151 ، شُعب الإيمان : 2 / 89 / 1244 كلاهما نحوه وكلّها عن عائشه .
3- .شُعب الإيمان : 2 / 89 / 1241 عن أنس وح 1242 عن هلال وفيه «مَن رزقه اللّه رزقا» بدل «مَن رُزق» ، مسند الشهاب : 1 / 238 / 375 ، الفردوس : 3 / 631 / 5974 كلاهما عن أنس ، كنز العمّال : 4 / 19 / 9286 ؛ جامع الأحاديث للقمّى : 116 .
4- .الكافى : 5 / 168 / 3 ، تهذيب الأحكام : 7 / 14 / 60 ، من لا يحضره الفقيه : 3 / 169 / 3636 كلّها عن بشير النبّال وراجع سنن ابن ماجه : 2 / 726 / 2147 .

امام صادق علیه السلام :به خدا سوگند! هر آینه من شما را به چیزی فرا نمی خوانم مگر همان که خود را نیز به آن فرا می خوانیم . پس بر شما باد تلاش و سختکوشی . آن گاه که نماز صبح را گزاردید و باز آمدید ، بامدادان در پی روزی روان شوید و مال حلال بجویید ؛ که همانا خداوند به زودی روزی تان می بخشد و شما را بر آن یاری می فرماید .

3 / 4 - 3پیوستگی در پیشه فراهم شده برای انسانپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر گاه خداوند از طریقی برای یکی از شما روزی را مقرّر فرمود ، آن را رها نکند ، مگر آن گاه که تغییری در آن حاصل شود یا از آن بیزار گردد .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر کس از هر راه روزی می جوید ، همان را ادامه دهد .

امام صادق علیه السلام :هر گاه به طریقی روزی یافتی ، همان را ادامه ده!

ر .ک : ص1013 (آن چه آفت می آورَد) . : ص1031 (آن چه آفت باز می دارد) .

توضیح :این روایات اشاره به آن است که هر کس ، استعداد تلاش در زمینه خاصی را در زمینه های اقتصادی دارد . از این رو تلاش او تنها در همان زمینه ثمربخش است . بنابر این هر کس باید کسب و کار خود را منطبق با استعدادهای ذاتی خود انتخاب نماید.

.

الفصل الرّابع: السّوق4 / 1الحَثُّ عَلَى التِّجارَهِرسول اللّه صلى الله عليه و آله :البَرَكَهُ عَشَرَهُ أجزاءٍ ، تِسعَهُ أعشارِها فِى التِّجارَهِ ، وَالعُشرُ الباقى فِى الجُلودِ . (1)

عنه صلى الله عليه و آله :تِسعَهُ أعشارِ الرِّزقِ فِى التِّجارَهِ ، وَالجُزءُ الباقى فِى السّابِياءِ يَعنِى الغَنَمَ . (2)

عنه صلى الله عليه و آله :إنَّ البَرَكَهَ فِى التِّجارَهِ ، ولا يُفقِرُ اللّهُ صاحِبَها إلاّ تاجِرا حالِفا . (3)

عنه صلى الله عليه و آله :الفُقَراءُ أصدِقاءُ اللّهِ تَعالى ، ورَأسُ مالِهِمُ اللَّيلُ وَالنَّهارُ ، فَطوبى لِمَنِ اتَّجَرَ قَبلَ أن يَذهَبَ رَأسُ مالِهِ . (4)

.

1- .الخصال : 445 / 44 عن عبد المؤمن الأنصارى عن الإمام الباقر عليه السلام ، بحار الأنوار : 64 / 118 / 1 وج 103 / 4 / 13 .
2- .الخصال : 445 / 44 ، بحار الأنوار : 64 / 118 / 1 وج 103 / 5 / 14 .
3- .مستدرک الوسائل : 13 / 9 / 14574 نقلاً عن تفسير أبى الفتوح الرازى عن ابن عبّاس .
4- .الفردوس : 3 / 157 / 4424 عن الإمام علىّ عليه السلام .

4 / 1 تشویق به بازرگانی

فصل چهارم: بازار4 / 1تشویق به بازرگانیپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :برکت ده بخش دارد ؛ نُه دهم آن در بازرگانی است و یک دهم باقیمانده در دامداری .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :نُه دهمِ روزی در بازرگانی است و بخش باقیمانده در دامداری .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :همانا برکت در بازرگانی است و خداوند بازرگان را به فقر دچار نمی کند ، مگر آن که [به دروغ] سوگند یاد کند .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :فقیران ، دوستان خدای تعالی هستند و سرمایه شان روز و شب است ؛ و خوشا به آن کس که پیش از نابود شدن سرمایه اش ، به بازرگانی پردازد . (1)

.

1- .شاید مراد ، فراهم آوردن توشه برای آخرت باشد.

الإمام علىّ عليه السلام :تَعَرَّضوا لِلتِّجارَهِ ؛ فَإِنَّ فيها غِنىً لَكُم عَمّا فى أيدِى النّاسِ . (1)

تهذيب الأحكام عن الفضل بن أبى قرّه :سَأَلَ أبو عَبدِ اللّهِ عليه السلامعَن رَجُلٍ وأنَا حاضِرٌ ، فَقالَ : ما حَبَسَهُ عَنِ الحَجِّ ؟ فَقيلَ : تَرَكَ التِّجارَهَ وقَلَّ سَعيُهُ ، فَكانَ مُنَّكِئا فَاستَوى جالِسا ، ثُمَّ قالَ لَهُم : لا تَدَعُوا التِّجارَهَ فَتَهونوا ، اِتَّجِروا يُبارِكِ اللّهُ لَكُم . (2)

الكافى عن الفضيل بن يسار :قُلتُ لِأَبى عَبدِ اللّهِ عليه السلام : إنّى قَد كَفَفتُ عَنِ التِّجارَهِ وأمسَكتُ عَنها . قالَ : ولِمَ ذلِكَ؟ أعَجزٌ بِكَ؟ كَذلِكَ تَذهَبُ أموالُكُم ، لا تَكُفّوا عَنِ التِّجارَهِ، وَالتَمِسوا مِن فَضلِ اللّهِ عز و جل . (3)

من لا يحضره الفقيه عن الفضيل بن يسار :قُلتُ لِأَبى عَبدِ اللّهِ عليه السلام : إنّى قَد تَرَكتُ التِّجارَهَ ، فَقالَ : لا تَفعَل ، اِفتَح بابَكَ ، وَابسُط بِساطَكَ ، وَاستَرزِقِ اللّهَ رَبَّكَ . (4)

دعائم الإسلام عن جعفر بن محمّد عليهماالسلام :أنَّهُ سَأَلَ بَعضَ أصحابِهِ عَمّا يَتَصَرَّفُ فيهِ ، فَقالَ : جُعِلتُ فِداكَ ! إنّى كَفَفتُ يَدى عَنِ التِّجارَهِ . قالَ : لِمَ ذلِكَ؟ قالَ : اِنتِظارى هذَا الأَمرَ . قالَ : ذلِكَ أعجَبُ لَكُم ، تَذهَبُ أموالُكُم ؛ لا تَكُفُف عَنِ التِّجارَهِ ، وَالتَمِس مِن فَضلِ اللّهِ ، وَافتَح بابَكَ ، وَابسُط بِساطَكَ ، وَاستَرزِق رَبَّكَ . (5)

.

1- .الكافى : 5 / 149 / 9 ، الخصال : 621 / 10 كلاهما عن محمّد بن مسلم عن الإمام الصادق عليه السلام ، من لا يحضره الفقيه : 3 / 193 / 3723 ، بحار الأنوار : 103 / 96 / 21 .
2- .تهذيب الأحكام : 7 / 3 / 6 ، الكافى : 5 / 149 / 8 وفيه «شيئه» بدل «سعيه» و«بارک» بدل «يبارک» ، من لا يحضره الفقيه : 3 / 193 / 3724 عن الإمام الصادق عليه السلامنحوه .
3- .الكافى : 5 / 149 / 11 .
4- .من لا يحضره الفقيه : 3 / 165 / 3606 .
5- .دعائم الإسلام : 2 / 16 / 14 .

امام علی علیه السلام :به بازرگانی روی آورید ؛ که در آن ، بی نیازی تان از آن چه مردم دارند ، نهفته شده است .

تهذیب الأحکام از فضل بن ابو قرّه :من ، خود ، در محضر امام صادق علیه السلامبودم که وی درباره مردی سؤال کرد و فرمود : «چرا به سفر حج نرفته است؟» گفته شد : «بازرگانی را رها کرده و تلاش اقتصادی اش کاهش یافته است» . امام که پیش از این ، تکیه داده بود ، راست نشست و به آنان فرمود: «بازرگانی را رها نکنید ؛ که ضعیف می شوید . تجارت کنید تا خدا به شما برکت دهد» .

الکافی از فضیل بن یسار :به امام صادق علیه السلام گفتم: «من از تجارت دست شسته ام و دیگر به آن نمی پردازم» . فرمود: «از چه روی؟ آیا ناتوان شده ای؟ بدین سان ، اموال شما از میان می رود . از بازرگانی دست نکشید و فضل خدای را طلب کنید» .

من لا یحضره الفقیه از فضیل بن یسار :به امام صادق علیه السلام گفتم: «من تجارت را کنار نهاده ام» . فرمود : «چنین نکن . درِ [دکّانَ]ت را بگشای و بساطت را بگستر و از خدای ، پروردگار خویش ، روزی خواه» .

دعائم الإسلام از امام صادق علیه السلام :وی یکی از یارانش را پرسید که چه می کند . گفت: «فدایت شوم! از بازرگانی دست کشیده ام» . فرمود: «از چه روی؟» گفت: «در انتظار این امر [= فرج یا مرگ] هستم» . فرمود: «این از شما بسی شگفت است . اموالتان از میان می رود . از بازرگانی دست نکش و فضل خدای را جست و جو کن و درِ [دکّانَ]ت را بگشای و بساطت را بگستر و از پروردگارت روزی بخواه» .

.

تهذيب الأحكام عن أسباط بن سالم :سَأَلَ أبو عَبدِ اللّهِ عليه السلاميَوما وأنَا عِندَهُ عَن مُعاذٍ بَيّاعِ الكَرابيسِ ، فَقيلَ : تَرَكَ التِّجارَةَ ، فَقالَ : عَمَلُ الشَّيطانِ! عَمَلُ الشَّيطانِ ! إنَّ مَن تَرَكَ التِّجارَةَ ذَهَبَ ثُلُثا عَقلِهِ ، أما عَلِمَ أنَّ رَسولَ اللّهِ صلى الله عليه و آلهقَدِمَت عيرٌ مِنَ الشّامِ فَاشتَرى مِنها وَاتَّجَرَ فَرَبِحَ فيها ما قَضى دَينَهُ؟ ! (1)

الكافى عن أسباط بن سالم :دَخَلتُ عَلى أبى عَبدِ اللّهِ عليه السلامفَسَأَلَنا عَن عُمَرَ بنِ مُسلِمٍ ما فَعَلَ؟ فَقُلتُ : صالِحٌ ولكِنَّهُ قَد تَرَكَ التِّجارَةَ ، فَقالَ أبو عَبدِ اللّهِ عليه السلام : عَمَلُ الشَّيطانِ! ثَلاثا أما عَلِمَ أنَّ رَسولَ اللّهِ صلى الله عليه و آلهاشتَرى عيرا أتَت مِنَ الشّامِ فَاستَفضَلَ فيها ما قَضى دَينَهُ وقَسَمَ فى قَرابَتِهِ؟ ! يَقولُ اللّهُ عز و جل : «رِجَالٌ لاَّ تُلْهِيهِمْ تِجَرَةٌ وَ لاَ بَيْعٌ عَن ذِكْرِ اللَّهِ إلى آخرِ الآيه ، (2) » يَقولُ القُصّاصُ : إنَّ القَومَ لَم يَكونوا يَتَّجِرونَ . كَذَبوا! ولكِنَّهُم لَم يَكونوا يَدَعونَ الصَّلاةَ فى ميقاتِها ، وهُوَ أفضَلُ مِمَّن حَضَرَ الصَّلاةَ ولَم يَتَّجِر . (3)

الكافى عن محمّد الزعفرانىّ عن الإمام الصادق عليه السلام :مَن طَلَبَ التِّجارَةَ استَغنى عَنِ النّاسِ ، قُلتُ : وإن كانَ مُعيلاً؟ قالَ : وإن كانَ مُعيلاً ؛ إنَّ تِسعَةَ أعشارِ الرِّزقِ فِى التِّجارَةِ . (4)

.

1- .تهذيب الأحكام : 7 / 4 / 11 ، عوالى اللآلى : 3 / 193 / 5 وفيه «عمِلَ عَمَل الشيطان» بدل «عمل الشيطان عمل الشيطان» .
2- .النور : 37 .
3- .الكافى : 5 / 75 / 8 ، تهذيب الأحكام : 6 / 326 / 897 ، بحار الأنوار : 83 / 4 .
4- .الكافى : 5 / 148 / 3 ، تهذيب الأحكام : 7 / 3 / 5 ، من لا يحضره الفقيه : 3 / 233 / 3858 عن روح وفيه ذيله فقط .

تهذیب الأحکام از اَسباط بن سالم :روزی که من ، خود ، در محضر امام صادق علیه السلام بودم ، وی درباره مُعاذ کرباس فروش سؤال فرمود ، گفته شد: «او تجارت را ترک کرده است» . فرمود: «این کار شیطان است ، کار شیطان! هر کس بازرگانی را رها کند ، دو سوم عقلش از میان می رود . آیا نمی داند که رسول خدا صلی الله علیه و آله بار قافله ای را که از شام می آمد ، خرید و با آن ، به تجارت پرداخت و چندان سود بُرد که توانست وام هایش را بپردازد؟»

الکافی از اَسباط بن سالم :نزد امام صادق علیه السلام رفتم . از ما پرسید که عمر بن مسلم چه می کند . گفتم: «کارش به خیر و صلاح است ؛ امّا تجارت را رها کرده است» . امام صادق علیه السلامسه بار فرمود: «این کار شیطان است» . [آن گاه فرمود:] «آیا نمی داند که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله بار کاروانی را که از شام می آمد ، خرید و از آن چندان سود برد که وام هایش را پرداخت و بخشی را بین خویشانش تقسیم کرد؟ خداوند می فرماید : «مردانی که بازرگانی و داد و ستد ، آنان را از یاد خدا بازنمی دارد . . .» . قصّه پردازان می گویند : این امّت تجارت نمی کرده اند . دروغ می گویند ؛ البتّه این امّت نماز ابتدای وقت را رها نمی کرده اند ؛ و این بهتر از آن است که کسی در نماز حضور یابد ، امّا تجارت نکند» .

الکافی از محمّد زعفرانی از امام صادق علیه السلام :«هر کس در پی بازرگانی رود ، از مردم بی نیاز می شود» . گفتم: «هر چند پُر خانوار باشد؟» فرمود : «[آری ؛]هر چند پُر خانوار باشد . همانا نُه درهم روزی در بازرگانی است» .

.

الكافى عن ابن فضّال عن أبى عماره الطيّار :قُلتُ لِأَبى عَبدِ اللّهِ عليه السلام : إنَّهُ قَد ذَهَبَ مالى وتَفَرَّقَ ما فى يَدى وعِيالى كَثيرٌ ، فَقالَ لَهُ أبو عَبدِ اللّهِ عليه السلام : إذا قَدِمتَ الكوفَةَ فَافتَح بابَ حانوتِكَ ، وَابسُط بِساطَكَ ، وضَع ميزانَكَ ، وتَعَرَّض لِرِزقِ رَبِّكَ . قالَ : فَلَمّا أن قَدِمَ فَتَحَ بابَ حانوتِهِ وبَسَطَ بِساطَهُ ووَضَعَ ميزانَهُ ، قالَ : فَتَعَجَّبَ مَن حَولَهُ بِأن لَيسَ فى بَيتِهِ قَليلٌ ولا كَثيرٌ مِنَ المَتاعِ ولا عِندَهُ شَىءٌ ! قالَ : فَجاءَهُ رَجُلٌ فَقالَ : اِشتَرِ لى ثَوبا ، قالَ : فَاشتَرى لَهُ وأَخَذَ ثَمَنَهُ وصارَ الثَّمَنُ إلَيهِ . ثُمَّ جاءَهُ آخَرُ ، فَقالَ لَهُ : اِشتَرِ لى ثَوبا ، قالَ : فَطَلَبَ لَهُ فِى السّوقِ ، ثُمَّ اشتَرى لَهُ ثَوبا فَأَخَذَ ثَمَنَهُ ، فَصارَ فى يَدِهِ ، وكَذلِكَ يَصنَعُ التُّجّارُ يَأخُذُ بَعضُهُم مِن بَعضٍ . ثُمَّ جاءَهُ رَجُلٌ آخَرُ ، فَقالَ لَهُ : يا أباعُمارَةَ ، إنَّ عِندى عِدلاً مِن كَتّانٍ ، فَهَل تَشتَريهِ وأُؤَخِّرُكَ بِثَمَنِهِ سَنَةً؟ فَقالَ : نَعَم ، اِحمِلهُ وجِئنى بِهِ ، قالَ : فَحَمَلَهُ فَاشتَراهُ مِنهُ بِتَأخيرِ سَنَةٍ ، قالَ : فَقامَ الرَّجُلُ فَذَهَبَ . ثُمَّ أتاهُ آتٍ مِن أهلِ السّوقِ فَقالَ لَهُ : يا أبا عُمارَةَ ، ما هذَا العِدلُ؟ قالَ : هذا عِدلٌ اِشتَرَيتُهُ ، قالَ : فَبِعنى نِصفَهُ وأُعَجِّلُ لَكَ ثَمَنَهُ ، قالَ : نَعَم ، فَاشتَراهُ مِنهُ وأعطاهُ نِصفَ المَتاعِ وأَخَذَ نِصفَ الثَّمَنِ ، قالَ: فَصارَ فى يَدِهِ الباقى إلى سَنَةٍ . قالَ: فَجَعَلَ يَشتَرى بِثَمَنِهِ الثَّوبَ وَالثَّوبَينِ ويَعرِضُ ويَشتَرى ويَبيعُ حَتّى أثرى ، وعَرَضَ وَجهُهُ وأصابَ مَعروفا . (1)

الكافى عن صفوان بن يحيى عن عبد الرحمان بن الحجّاج :كانَ رَجُلٌ مِن أصحابِنا بِالمَدينَهِ ، فَضاقَ ضيقا شَديدا وَاشتَدَّت حالُهُ ، فَقالَ لَهُ أبو عَبدِاللّهِ عليه السلام: اِذهَب فَخُذ حانوتا فِى السّوقِ وَابسُط بِساطا ، وَليَكُن عِندَكَ جَرَّهٌ مِن ماءٍ ، وَالزَم بابَ حانوتِكَ ، قالَ : فَفَعَلَ الرَّجُلُ ، فَمَكَثَ ما شاءَ اللّهُ . قالَ : ثُمَّ قَدِمَت رُفقَهٌ مِن مِصرَ فَألقَوا مَتاعَهُم كُلُّ رَجُلٍ مِنهُم عِندَ مَعرِفَتِهِ وعِندَ صَديقِهِ حَتّى مَلَؤُوا الحَوانيتَ ، وبَقِىَ رَجُلٌ مِنهُم لَم يُصِب حانوتا يُلقى فيهِ مَتاعَهُ ، فَقالَ لَهُ أهلُ السّوقِ : هاهُنا رَجُلٌ لَيسَ بِهِ بَأسٌ ولَيسَ فى حانوتِهِ مَتاعٌ ، فَلَو ألقَيتَ مَتاعَكَ فى حانوتِهِ ، فَذَهَبَ إلَيهِ فَقالَ لَهُ : ألقى مَتاعى فى حانوتِكَ؟ فَقالَ لَهُ : نَعَم ، فَألقى مَتاعَهُ فى حانوتِهِ ، وجَعَلَ يَبيعُ مَتاعَهُ الأَوَّلَ فَالأَوَّلَ ، حَتّى إذا حَضَرَ خُروجُ الرُّفقَهِ بَقِىَ عِندَ الرَّجُلِ شَىءٌ يَسيرٌ مِن مَتاعِهِ ، فَكَرِهَ المُقامَ عَلَيهِ ، فَقالَ لِصاحِبِنا : أُخَلِّفُ هذَا المَتاعَ عِندَكَ تَبيعُهُ وتَبعَثُ إلَىَّ بِثَمَنِهِ؟قالَ : فَقالَ : نَعَم . فَخَرَجَتِ الرُّفقَهُ وخَرَجَ الرَّجُلُ مَعَهُم وخَلَّفَ المَتاعَ عِندَهُ ، فَباعَهُ صاحِبُنا وبَعَثَ بِثَمَنِهِ إلَيهِ . قالَ : فَلَمّا أن تَهَيَّأَ خُروجُ رُفقَهِ مِصرَ مِن مِصرَ بَعَثَ إلَيهِ بِبِضاعَهٍ ، فَباعَها ورَدَّ إلَيهِ

ثَمَنَها ، فَلَمّا رَأى ذلِکَ الرَّجُلُ أقامَ بِمِصرَ وجَعَلَ يَبعَثُ إلَيهِ بِالمَتاعِ ويُجَهِّزُ عَلَيهِ . قالَ : فَأَصابَ وكَثُرَ مالُهُ وأثرى . (2)

.

1- .الكافى : 5 / 304 / 3 ، تهذيب الأحكام : 7 / 4 / 13 نحوه ، بحار الأنوار : 47 / 376 / 99 .
2- .الكافى : 5 / 309 / 25 ، بحار الأنوار : 47 / 377 / 100 .

الکافی از ابن فضّال از ابوعماره طیّار :به امام صادق علیه السلام گفتم: «مالم از کف رفته و آن چه داشته ام نابود شده و نانخورانم بسیارند» . امام صادق علیه السلام به وی فرمود : «هر گاه به کوفه رسیدی ، در دکّانت را بگشای و بساطت را بگستر و ترازویت را در میان نِه و به روزی پروردگارت روی آور» . گفت: «چون باز آمد ، در دکّانش را گشود و بساطش را گسترد و ترازویش را در میان نهاد» . گفت: «پیرامونیانش در شگفتی شدند ، زیرا نه در خانه اش کالایی کم یا زیاد بود و نه نزدش چیزی» . گفت: «پس مردی نزد وی آمد و گفت: برای من جامه ای بخر » . گفت: «برای آن مرد جامه ای خرید و قیمتش را ستاند و مبلغ نزد او ماند» . سپس کسی دیگر نزد او آمد و به وی گفت: «برایم جامه ای بخر» . گفت: «او در پی جامه در بازار گشت و برایش جامه ای خرید و بهایش را ستاند و آن هم نزدش ماند» . و تاجران چنین عمل می کردند ؛ یعنی برخی از دیگران کالایی را [به امانت]می گرفتند [و بعد بهایش را می دادند] . سپس مردی دیگر نزدش آمد و گفت : «ای ابوعُماره! مرا دو لنگه بارِ کتان است . آیا آن را می خری ، بدین گونه که بهایش را یک سال بعد از تو بستانم؟» گفت: «آری ؛ آن را بارگیر و نزد من آور» . گفت: «آن مرد ، بار را نزد وی آورد و او آن را از مرد خرید ، بدین گونه که یک سال بعد بهایش را بپردازد» . گفت: «آن مرد برخاست و برفت . آن گاه ، یکی از بازاریان نزد وی آمد و گفت: ای ابوعماره! این لنگه بار چیست؟ گفت: این لنگه باری است که خود ، خریده ام . گفت: نیمی از آن را به من بفروش و من بهایش را پیشتر به تو می پردازم . گفت: چنین می کنم . و آن را به وی فروخت ؛ نیمی از کالا را داد و نیمی از قیمت را ستاند . گفت: «بدین سان ، باقیمانده کالا تا یک سال در دست وی بود» . گفت : «پس با بهای آن ، یک جامه و دو جامه خرید و عرضه کرد و باز خرید و فروخت تا آن که ثروتمند شد و آبرویی یافت و به جایگاهی شایسته رسید .

الکافی از صفوان بن یحیی از عبدالرّحمان بن حجّاج :مردی از یاران ما در مدینه به تنگنای شدید دچار گشت و روزگار بر او سخت شد . امام صادق علیه السلام به وی فرمود: «برو و در بازار دکّانی بگیر و بساط بگستر و کوزه ای آب نزد خود گذار و همواره بر در مغازه ات باش!» گفت: «آن مرد چنین کرد و در این کار پایداری ورزید» . گفت: «پس از چندی ، کاروانی از مصر در رسید و هر یک از افراد کالایش را به آشنایی و دوستی سپرد ، چندان که دکّان ها را پر کردند . یک تن باقی ماند که دکّانی نیافت

تا کالایش را در آن نهد . بازاریان به او گفتند: این جا مردی است قابل اعتماد که در دکّانش کالایی نیست . خوب است کالایت را در دکّان او گذاری! مرد نزد وی آمد و به او گفت : کالایم را در دکّانت گذارم؟ گفت: آری . پس کالایش را در دکّان وی نهاد و فروش کالایش را ، یک به یک ، آغاز کرد . آن گاه که وقت حرکت کاروان رسید ، اندکی از کالایش باقی مانده بود . او که نمی خواست بر سرِ آن مقدار بماند ، به دوست ما گفت: آیا این کالا را نزد تو وانهم تا بفروشی و قیمتش را برایم بفرستی؟ » . گفت: «مرد جواب داد : آری . پس کاروان برون شد و مرد با آنان برفت و کالا را نزد وی نهاد . دوست ما آن را فروخت و بهایش را برای وی فرستاد» . گفت: «دیگر بار که کاروان مصر آماده حرکت از مصر شد ، آن مرد کالایی برای وی فرستاد و او آن را فروخت و بهایش را برایش ارسال کرد . آن مرد ، چون چنین دید ، در مصر بماند و برای وی کالا می فرستاد و متاعش را فراهم می ساخت» . گفت: «بدین سان ، توفیق یافت و مالش افزون گشت و ثروتمند شد» .

.

تهذيب الأحكام عن علىّ بن عقبه :قالَ أبو عَبدِ اللّهِ عليه السلام لِمَولىً لَهُ : يا عَبدَ اللّهِ ، اِحفَظ عِزَّکَ . قالَ : وما عِزّی جُعِلتُ فِداکَ؟ قالَ : غُدُوُّکَ إلی سوقِکَ ، وإکرامُکَ نَفسَکَ . وقالَ لِاخَرَ مَولىً لَهُ : ما لی أراکَ تَرَکتَ غُدُوَّکَ إلی عِزِّکَ؟ قالَ : جَنازَهٌ أرَدتُ أن أحضُرَها . قالَ : فَلا تَدَعِ الرَّواحَ إلی عِزِّکَ . (1)

.

1- .تهذيب الأحكام : 7 / 4 / 12 .

تهذیب الأحکام از علیّ بن عقبه :امام صادق علیه السلام به یکی از خدمتکارانش فرمود: «ای عبداللّه ! عزّت خود را نگاه دار» . گفت: «فدایت شوم ، عزّتم در چیست؟» فرمود: «صبحگاهان روان شدنت به بازار و [از این طریق] حفظ کرامت خود» . و به یکی دیگر از خدمتکارانش فرمود: «چرا می بینمت که صبحگاهان به سوی عزّت خویش روان نشده ای؟» گفت: «می خواستم در تشییع جنازه ای حاضر شوم» . فرمود: «پس ، در پی آن ، حرکت به سوی عزّت خود را ترک مکن» .

.

من لا يحضره الفقيه عن معلّى بن خنيس :رَآنى أبو عَبدِ اللّهِ عليه السلاموقَد تَأَخَّرتُ عَنِ السّوقِ فَقالَ لى : اُغدُ إلى عِزِّکَ . (1)

الإمام الكاظم عليه السلام كانَ يَقولُ لِمُصادِفٍ : اُغدُ إلى عِزِّکَ يَعنِى السّوقَ . (2)

4 / 2النَّهىُ عَنِ الاِحتِكارِرسول اللّه صلى الله عليه و آله :مَنِ احتَكَرَ عَلَى المُسلِمينَ طَعاما ضَرَبَهُ اللّهُ بِالجُذامِ وَالإفلاسِ . (3)

عنه صلى الله عليه و آله :كُلُّ حُكرَةٍ تَضُرُّ بِالنّاسِ وتُغلِى السِّعرَ عَلَيهِم فَلا خَيرَ فيها . (4)

عنه صلى الله عليه و آله :يُكرَهُ أن يُحتَكَرَ الطَّعامُ ويُذَرُ النّاسُ لا شَىءَ لَهُم . (5)

عنه صلى الله عليه و آله :الجالِبُ مَرزوقٌ ، وَالمُحتَكِرُ مَلعونٌ . (6)

عنه صلى الله عليه و آله :مَن تَمَنَّى الغَلاءَ عَلى اُمَّتى لَيلَةً ، أحبَطَ اللّهُ عَمَلَهُ أربَعينَ سَنَةً . (7)

.

1- .من لا يحضره الفقيه : 3 / 192 / 3719 .
2- .الكافى : 5 / 149 / 7 ، تهذيب الأحكام : 7 / 3 / 4 كلاهما عن هشام بن أحمر .
3- .سنن ابن ماجه: 2/728/2155 عن عمر بن الخطّاب، كنزالعمّال: 4/97/9718 وص181/10066؛ طبّ النبىّ صلى الله عليه و آله : 4 ، بحار الأنوار : 62 / 292 .
4- .دعائم الإسلام : 2 / 35 / 78 .
5- .عوالى اللآلى : 2 / 138 / 380 .
6- .الكافى : 5 / 165 / 6 عن ابن القدّاح عن الإمام الصادق عليه السلام ، تهذيب الأحكام : 7 / 159 / 702 عن أبى العلاء عن الإمام الصادق عليه السلامعنه صلى الله عليه و آله ، من لا يحضره الفقيه : 3 / 266 / 3961 ، التوحيد : 390/36 عن الحلبى عن الإمام الصادق عليه السلام عنه صلى

الله عليه و آله ؛ سنن ابن ماجه : 2 / 728 / 2153 ، سنن الدارمى : 2/699/2449، السنن الكبرى : 6 / 50 / 11151 كلّها عن عمر ، كنز العمّال : 4 / 97 / 9716 .
7- .تاريخ بغداد : 4 / 60 / 1676، تاريخ دمشق: 57 / 4 / 11905 كلاهما عن ابن عمر ، كنز العمّال : 4 / 98 / 9721 .

من لا یحضره الفقیه از معلّی بن خُنَیس :در رفتن به بازار تأخیر کرده بودم که امام صادق علیه السلام مرا دید و فرمود: «صبحگاهان به سوی عزّت خود روان شو!»

امام کاظم علیه السلام به کسی که با او روبه رو می شد ، می فرمود : به سوی عزّت خود یعنی بازار بامدادان روانه شو!

4 / 2بازداشتن از احتکارپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر کس خوراک مسلمانان را احتکار کند ، خداوند او را به جذام و ورشکستگی تنبیه می فرماید .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر انبار کردنی که به مردم زیان رسانَد و قیمت ها را به ضرر ایشان گران کند ، بی خیر است .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :مایه بیزاری است که خوراکی احتکار شود و مردم به حال خود رها گردند ، در حالی که چیزی از آن نداشته باشند .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :طلب کننده روزی ، رزق می یابد و احتکار کننده ملعون است .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر کس یک شب گرانی را برای امّت من بخواهد ، خداوند عملِ چهل سالش را تباه می سازد .

.

عنه صلى الله عليه و آله :يُحشَرُ الحاكِرونَ وقَتَلَهُ الأَنفُسِ فى دَرَجَهٍ ، ومَن دَخَلَ فى شَىءٍ مِن سِعرِ المُسلِمينَ يُغليهِ عَلَيهِم كانَ حَقّا عَلَى اللّهِ أن يُعَذِّبَهُ فى مُعظَمِ النّارِ يَومَ القِيامَهِ . (1)

المستدرک علی الصحیحین عن أبو اُمامه :نَهى رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آلهأن يُحتَكَرَ الطَّعامُ . (2)

الإمام علىّ عليه السلام :الاِحتِكارُ داعِيَهُ الحِرمانِ . (3)

عنه عليه السلام :المُحتَكِرُ مَحرومٌ نِعمَتَهُ . (4)

الإمام زين العابدين عليه السلام :مَرَّ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله بِالمُحتَكِرينَ فَأَمَرَ بِحُكرَتِهِم أن تُخرَجَ إلى بُطونِ الأَسواقِ وحَيثُ تَنظُرُ الأَبصارُ إلَيها، فَقيلَ لِرَسولِ اللّهِ صلى الله عليه و آله: لَو قَوَّمتَ عَلَيهِم ! فَغَضِبَ عليه السلامحَتّى عُرِفَ الغَضَبُ فى وَجهِهِ وقالَ : أنَا اُقَوِّمُ عَلَيهِم؟ ! إنَّمَا السِّعرُ إلَى اللّهِ عز و جل يَرفَعُهُ إذا شاءَ ويَخفِضُهُ إذا شاءَ . (5)

مسند ابن حنبل عن أبو يحيى عن فرّوخ مولى عثمان :إنَّ عُمَرَ وهُوَ يَومَئِذٍ أميرُ المُؤمِنينَ خَرَجَ إلَى المَسجِدِ فَرَأى طَعاماً مَنثورا ، فَقالَ : ما هذَا الطَّعامُ ؟ فَقالوا : طَعامٌ جُلِبَ إلَينا ، قالَ : بارَکَ اللّهُ فيهِ وفى مَن جَلَبَهُ ، قيلَ : يا أميرَ المُؤمِنينَ ، فَإِنَّهُ قَدِ احتُكِرَ ، قالَ : ومَن احتَكَرَهُ ؟ قالوا : فَرّوخُ مَولى عُثمانَ وفُلانٌ مَولى عُمَرَ ، فَأَرسَلَ إلَيهِما فَدَعاهُما فَقالَ : ما حَمَلَكُما عَلَى احتِكارِ طَعامِ المُسلِمينَ ؟ قالا : يا أميرَ المُؤمِنينَ ، نَشتَرى بِأموالِنا ونَبيعُ ! فَقالَ عُمَرُ : سَمِعتُ رَسولَ اللّهِ صلى الله عليه و آله يَقولُ : مَنِ احتَكَرَ عَلَى المُسلِمينَ طَعامَهُم ضَرَبَهُ اللّهُ بِالإِفلاسِ أو بِجُذامٍ . فَقالَ فَرّوخُ عِندَ ذلِکَ : يا أميرَ المُؤمِنينَ ، اُعاهِدُ اللّهَ واُعاهِدُکَ أن لا أعودَ فى طَعامٍ أبَدا ، وأمّا مَولى عُمَرَ فَقالَ : إنَّما نَشتَرى بِأموالِنا ونَبيعُ ! قالَ أبو يَحيى : فَلَقَد رَأيتُ مَولى عُمَرَ مَجذوما . (6)

.

1- .الترغيب والترهيب : 2 / 584 / 7 نقلاً عن رزين عن أبى هريره ومعقل بن يسار .

2- .المستدرک على الصحيحين : 2 / 14 / 2163 ، السنن الكبرى : 6 / 49 / 11148 ، شُعب الإيمان : 7 / 524 / 11212 ؛ دعائم الإسلام : 2 / 35 / 77 نحوه .
3- .غرر الحكم : 256 .
4- .غرر الحكم : 465 .
5- .التوحيد : 388 / 33 ، من لا يحضره الفقيه : 3 / 265 / 3955 كلاهما عن غياث بن إبراهيم عن الإمام الصادق عن الإمام الباقر عليهماالسلام ، تهذيب الأحكام : 7 / 161 / 713 ، الاستبصار : 3 / 115 / 408 كلاهما عن ضمره عن الإمام علىّ عليه السلام .
6- .مسند ابن حنبل : 1 / 55 / 135 ، كنز العمّال : 4 / 181 / 10066 .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :احتکار کنندگان و قاتلان مردم در یک رتبه [به روز قیامت]برانگیخته می شوند . و هر کس در بخشی از [بازار و] قیمت [کالاهای]مسلمانان راه یابد تا آن را بر ایشان گران کند ، سزاوار است که خداوند در روز قیامت ، او را در بخش بزرگ آتش درآورَد .

المستدرک علی الصحیحین از ابو اُمامه :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله از احتکار کردن خوراک باز می داشت .

امام علی علیه السلام :احتکار ، فراخوانِ ناکامی است .

امام علی علیه السلام :احتکار کننده از نعمتِ [مخصوص] خود ، ناکام می مانَد .

امام زین العابدین علیه السلام :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به احتکار کنندگان برگذشت و فرمان داد تا آن چه احتکار کرده اند ، به میان بازار آورده شود ، به گونه ای که تماشاگران آن را ببینند . سپس به رسول خدا صلی الله علیه و آله گفته شد: «خوب بود خود ، برای آنان قیمت تعیین می کردی !» وی به خشم درآمد چندان که غضب در چهره اش نمود یافت و فرمود: «من برای آنان قیمت تعیین کنم؟ قیمت گذاری تنها از آنِ خدا است ؛ هر گاه خواهد ، بالایش بَرَد و هر گاه خواهد ، پایینش آورَد» .

مسند ابن حنبل ابو یحیی از فرّوخ ، خدمتکار عثمان :در روزگاری که عُمَر حاکم مسلمانان [در متن : امیرمؤمنان]بود ، به مسجد درآمد و خوراکی پراکنده دید . گفت: «این خوراک چیست؟» گفتند : «خوراکی است که برای ما فراهم آمده است» . گفت : «خدای برکت دهد این خوراک را و فراهم آورنده اش را» . گفته شد: «ای امیرالمؤمنین ! این خوراکی است احتکار شده !» گفت: «چه کسی آن را احتکار کرده است؟» گفتند : «فرّوخ ، خدمتکار عثمان ؛ و فلانی ، خدمتکار عُمَر» . وی در پی آن دو فرستاد و گفت: «به چه انگیزه ، خوراک مسلمانان را احتکار کردید؟» گفتند : «ای امیرالمؤمنین ! با دارایی خود ، می خریم و می فروشیم» . عُمَر گفت: «از رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که می فرمود: هر کس خوراک مسلمانان را احتکار کند ، خداوند او را به ورشکستگی یا جذام تنبیه فرماید » . در این حال ، فرّوخ گفت: «ای امیرالمؤمنین ! با خدا و تو عهد می بندم که دیگر هرگز به سراغ [احتکار]خوراک نروم» . امّا خدمتکار عمر گفت:

«ما فقط با دارایی خود ، می خریم و می فروشیم» . ابویحیی گفت: «من ، خود ، خدمتکار عمر را دیدم که دچار جذام شد» .

.

الإمام عِلىّ عليه السلام مِن كِتابِهِ إلى رِفاعَةَ : اِنهَ عَنِ الحُكرَهِ ، فَمَن رَكِبَ النَّهىَ فَأَوجِعهُ ، ثُمَّ عاقِبهُ بِإِظهارِ مَا احتَكَرَ . (1)

عنه عليه السلامِن كِتابِهِ لِلأَشتَرِ النَّخَعِىِّ حينَ وَلاّهُ مِصرَ : اِعلَم مَعَ ذلِکَ أنَّ فى كَثيرٍ مِنهُم ضيقا فاحِشا ، وشُحّا قَبيحا ، وَاحتِكارا لِلمَنافِعِ ، وتَحَكُّما فِى البِياعاتِ ، وذلِکَ بابُ مَضَرَّهٍ لِلعامَّهِ ، وعَيبٌ عَلَى الوُلاهِ ، فَامنَع مِنَ الاِحتِكارِ ؛ فَإِنَّ رَسولَ اللّهِ صلى الله عليه و آلهمَنَعَ مِنهُ . وَليَكُنِ البَيعُ بَيعا سَمحا : بِمَوازينِ عَدلٍ ، وأسعارٍ لا تُجحِفُ بِالفَريقَينِ مِنَ البائِعِ وَالمُبتاعِ . فَمَن قارَفَ حُكرَهً بَعدَ نَهيِکَ إيّاهُ فَنَكِّل بِهِ ، وعاقِبهُ فى غَيرِ إسرافٍ . (2)

الإمام الصادق عليه السلام :مَكروهٌ أن يُحتَكَرَ الطَّعامُ ويُترَکَ النّاسُ لَيسَ لَهُم طَعامٌ . (3)

.

1- .دعائم الإسلام : 2 / 36 / 80 .
2- .نهج البلاغه : الكتاب 53 ، تحف العقول : 140 ، بحار الأنوار : 103 / 88 / 9 .
3- .عوالى اللآلى : 2 / 242 / 4 .

امام علی علیه السلام از نامه اش به رفاعه : احتکار را نهی کن ؛ و هر کس از این نهی سرپیچید ، مجازاتش کن و آن گاه او را وادار که آن چه را احتکار کرده ، آشکار سازد .

امام علی علیه السلام از نامه اش به اشتر نخعی ، آن گاه که وی را به کارگزاریِ مصر گماشت : با این همه ، بدان که بسیاری از ایشان [=بازرگانان] مردمی تنگ نظر و سخت بخیل هستند و احتکار می کنند و به میل خود برای کالاها قیمت می گذارند و با این کار ، به مردم زیان می رسانند و برای والیان هم مایه ننگ و عیب هستند . پس از احتکار باز دار ؛ که رسول خدا صلی الله علیه و آله آن را منع فرمود . و باید خرید و فروش آسان و بر موازین عدل باشد ، با قمیت هایی که نه به فروشنده زیان رسانَد و نه به خریدار . پس از آن که احتکار را ممنوع کردی ، اگر کسی باز به احتکار روی آوَرْد ، مجازاتش کن ، ولی در مجازات وی زیاده روی مکن .

امام صادق علیه السلام :مایه بیزاری است که خوراک احتکار شودو مردم بی خوراک رها گردند .

.

4 / 3ما وَردَ فِی التَّسعیر4 / 3 1المُسَعِّرُ هُوَ اللّهُ عز و جلرسول اللّه صلی الله علیه و آله :أنَا لا اُسَعِّرُ ؛ فَإِنَّ اللّهَ تَعالی هُوَ المُسَعِّرُ . (1)

عنه صلی الله علیه و آله :الغَلاءُ وَالرُّخصُ جُندانِ مِن جُنودِ اللّهِ تَعالی ، یُسَمّی أحَدُهُما : الرَّغبَةَ ، وَالآخَرُ : الرَّهبَةَ ، فَإِذا أرادَ اللّهُ تَعالی أن یُغلِیَهُ قَذَفَ الرَّغبَةَ فی صُدورِ التُّجّارِ فَرَغِبوا فیهِ فَحَبَسوهُ ، وإذا أرادَ أن یُرخِصَهُ قَذَفَ الرَّهبَةَ فی صُدورِ التُّجّارِ فَأخرَجوهُ مِن أیدیهِم . (2)

الإمام زین العابدین علیه السلام :إنَّ اللّهَ عز و جل وَکَّلَ بِالسِّعرِ مَلَکا یُدَبِّرُهُ بِأمرِهِ . (3)

الإمام الصادق علیه السلام :إنَّ اللّهَ عز و جل وَکَّلَ بِالأَسعارِ مَلَکا یُدَبِّرُها . (4)

4 / 3 2اِمتِناعُ النَّبِیِّ عَنِ التَّسعیرِاُسد الغابه عن ابن نضله :إنَّهُم قالوا لِلنَّبِیِّ صلی الله علیه و آله فی عامِ سَنَهٍ : سَعِّر لَنا یا رَسولَ اللّهِ ، فَقالَ : لا یَسأَلُنِی اللّهُ عَن سُنَّهٍ أحدَثتُها فیکُم لَم یَأمُرنی بِها ، ولکِن سَلُوا اللّهَ مِن فَضلِهِ . (5)

.

1- .تنبیه الغافلین : 192 / 246 .
2- .تاریخ بغداد : 8 / 50 / 4109 ، الفردوس : 3 / 113 / 4312 کلاهما عن أنس ، کنز العمّال : 4 / 102 / 747
3- .الکافی : 5 / 163 / 3 ، من لا یحضره الفقیه : 3 / 268 / 3970 ، التوحید : 389 / 34 کلّها عن أبی حمزه الثمالی ، بحار الأنوار : 5 / 148 / 9 .
4- .الکافی : 5 / 163 / 4 عن یعقوب بن یزید عمّن ذکره ، بحار الأنوار : 5 / 148 / 10 وراجع الکافی : 5 / 162 / 2 .
5- .اُسد الغابه : 6 / 343 / 6401 ، کنز العمّال : 4 / 103 / 9748 نقلاً عن الطبرانی وفیه «أصاب الناس سنه فقالوا . . .» .

4 / 3 آن چه درباره قیمت گذاری ، بیان شده است

4 / 3 1 قیمت گذار ، خدا است

4 / 3 2 خودداریِ پیامبر از قیمت گذاری

4 / 3آن چه درباره قیمت گذاری ، بیان شده است4 / 3 - 1قیمت گذار ، خدا استپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :من قیمت تعیین نمی کنم ؛ که همانا قیمت گذار ، خدا است .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :گرانی و ارزانی دو سپاه از سپاهیان خدای تعالی هستند ؛ یکی از آن ها «خواستاری» نامیده می شود و دیگری «بیمناکی» . پس هر گاه خدای تعالی بخواهد کالایی را گران کند ، خواستاریِ آن را در دل های بازرگانان می اندازد و ایشان در آن رغبت می ورزند و در بندش می کشند ؛ و هر گاه خواهد آن را ارزان سازد ، بیمناکی از آن رادر دل های بازرگانان می اندازد و ایشان آن را از کف خویش برون می کنند .

امام زین العابدین علیه السلام :همانا خداوند ، فرشته را کارگزارِ قیمت کرده است که آن را به امر او ، تدبیر می کند .

امام صادق علیه السلام :همانا خداوند ، فرشته ای را بر قیمت ها گمارده تا آن ها را تدبیر کند .

4 / 3 - 2خودداریِ پیامبر از قیمت گذاریاُسد الغابه از ابن نضله :در سال قحطی ، ایشان به پیامبر صلی الله علیه و آلهگفتند : «ای رسول خدا! برای ما قیمت تعیین کن» . فرمود: «خداوند مرا به سبب برنهادن سنّتی در میان شما که مرا به آن امر نفرموده ، بازخواست نخواهد کرد ؛ لیکن فضل خدا را طلب کنید [تا قحطسالی از شما بگذرد] .

.

الإمام الصادق عليه السلام :نَفِدَ الطَّعامُ عَلى عَهدِ رَسولِ اللّهِ صلى الله عليه و آله ، فَأتاهُ المُسلِمونَ فَقالوا: يا رَسولَ اللّهِ ، قَد نَفِدَ الطَّعامُ ولَم يَبقَ مِنهُ شَىءٌ إلاّ عِندَ فُلانٍ ، فَمُرهُ يَبيعُهُ النّاسَ . قالَ : فَحَمِدَ اللّهَ وأثنى عَلَيهِ ، ثُمَّ قالَ : يا فُلانُ ، إنَّ المُسلِمينَ ذَكَروا أنَّ الطَّعامَ قَد نَفِدَ إلاّ شَيئا عِندَكَ ، فَأخرِجهُ وبِعهُ كَيفَ شِئتَ ، ولا تَحبِسهُ . (1)

سنن الترمذي عن أنس بن مالک :غَلاَ السِّعْر عَلى عَهدِ رَسولِ اللّهِ صلى الله عليه و آله ، فَقالوا : يا رَسولَ اللّهِ ، سَعِّر لَنا ، فَقالَ : إنَّ اللّهَ هُوَ المُسَعِّرُ ، القابِضُ الباسِطُ الرّازِقُ ، وإنّى لَأَرجو أن ألقى رَبّى ولَيسَ أحَدٌ مِنكُم يَطلُبُنى بِمَظلِمَةٍ فى دَمٍ ولا مالٍ . (2)

من لا يحضره الفقيه :قيلَ لِرَسولِ اللّهِ صلى الله عليه و آله : لَو سَعَّرتَ لَنا سِعرا فَإنَّ الأسعارَ تَزيدُ وتَنقُصُ! فَقالَ صلى الله عليه و آله : ما كُنتُ لِأَلقَى اللّهَ تَعالَى بِبِدعَةٍ لَم يُحدِث إلَىَّ فيها شَيئا ، فَدَعوا عِبادَ اللّهِ يَأكُلُ بَعضُهُم مِن بَعضٍ ، وإذَا استُنصِحتُم فَانصَحوا . (3)

الإمام علىّ عليه السلام :رُفِعَ الحَديثُ إلى رَسولِ اللّهِ صلى الله عليه و آله أنَّهُ مَرَّ بِالمُحتَكِرينَ فَأَمَرَ بِحُكرَتِهِم أن تُخرَجَ إلى بُطونِ الأسواقِ وحَيثُ تَنظُرُ الأبصارُ إلَيها ، فَقيلَ لِرَسولِ اللّهِ صلى الله عليه و آله : لَو قَوَّمتَ عَلَيهِم! فَغَضِبَ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله حَتّى عُرِفَ الغَضَبُ فى وَجهِهِ ، فَقالَ : أنَا أُقَوِّمُ عَلَيهِم؟! إنَّمَا السِّعرُ إلَى اللّهِ يَرفَعُهُ إذا شاءَ ويَخفِضُهُ إذا شاءَ . (4)

.

1- .الكافى : 5 / 164 / 2 ، تهذيب الأحكام : 7 / 159 / 705 وفيه «فقد» بدل «نفد» وكلاهما عن حذيفه بن منصور .
2- .سنن الترمذى: 3/605/1314 ، سنن أبى داود : 3/272/3451 ، سنن ابن ماجه : 2/741 /2200 ، سنن الدارمى : 2 / 699 / 2450 ، مسند ابن حنبل : 4 / 571 / 14059 وص 313 / 12592 نحوه ، كنز العمّال : 4 / 184 / 10077 .
3- .من لا يحضره الفقيه : 3 / 268 / 3969 ، التوحيد : 388 / 33 وليس فيه «وإذا استُنصحتم فانصحوا» .

4- .تهذيب الأحكام : 7 / 161 / 713 عن عبد اللّه بن ضمره عن أبيه عن جدّه ، من لا يحضره الفقيه : 3 / 265 / 3955 ، التوحيد : 388 / 33 عن غياث بن إبراهيم عن الإمام الصادق عن أبيه عن جدّه عليهم السلام .

امام صادق علیه السلام :در دوران پیامبر خدا صلی الله علیه و آله ، [یک بار] خوراک نایاب شد . مسلمانان نزد وی آمدند و گفتند: «ای رسول خدا ، خوراک نایاب شده و هیچ چیز از آن باقی نمانده ، مگر نزد فلانی ؛ او را فرمان ده تا آن را به مردم بفروشد» . [راوی]گفت : «پس پیامبر سپاس و ستایش خدای را به جای آوردو سپس فرمود : ای فلانی! مسلمانان گفته اند که خوراک نایاب شده جز مقداری که نزد تو است ؛ پس آن را برون آور و هر گونه که خواهی ، بفروش ؛ و آن را دربند نکن » .

سنن الترمذی از انس بن مالک :در روزگار پیامبر خدا صلی الله علیه و آله ، نرخ ها بالا رفت . گفتند : «ای رسول خدا! برای ما قیمت تعیین کن» . فرمود: «همانا خداوند قیمت گذار است و همو است که [روزی ها را] برمی بندد و می گشاید و رزق می بخشد . و هر آینه من امید دارم که خدا را دیدار کنم ، در حالی که هیچ یک از شما در خون یا مال ، از من دادخواهی نکند» .

من لایحضره الفقیه :به پیامبر خدا صلی الله علیه و آله گفته شد: «خوب است برای ما قیمت گذاری ؛ زیرا قیمت ها بالا می روند و پایین می آیند» . فرمود: «من چنان نیستم که خدا را دیدار کنم در حالی که بدعتی نهاده ام که او مرا در آن مُجاز نفرموده است . پس اجازه دهید که بندگان خدا از [داد و ستد با] یکدیگر روزی بخورند . و هر گاه از شما اندرز خواستم ، اندرزم دهید» .

امام علی علیه السلام :سخن به رسول خدا صلی الله علیه و آله کشیده شد که وی به احتکار گنندگان برگذشت و فرمان داد تا آن چه را احتکار کرده اند ، به میان بازار آورده شود ، به گونه ای که تماشاگران آن را ببینند . سپس به رسول خدا صلی الله علیه و آلهگفته شد: «خوب بود خود ، برای آنان قیمت تعیین می کردی !» وی به خشم درآمد چندان که غضب در چهره اش نمود یافت و فرمود: «من برای آنان قیمت تعیین کنم؟ قیمت گذاری تنها از آنِ خدا است ؛ هرگاه خواهد ، بالایش بَرَد و هر گاه خواهد ، پایینش آورَد» .

.

4 / 3 3الأَمرُ بِإقامَهِ الأَسعارِ العادِلَهالإمام علىّ عليه السلام مِن كِتابِهِ لِلأَشتَرِ النَّخَعِىِّ حينَ وَلّاهُ مِصرَ : فَامنَع مِنَ الاِحتِكارِ ؛ فَإِنَّ رَسولَ اللّهِ صلى الله عليه و آلهمَنَعَ مِنهُ . وَليَكُنِ البَيعُ بَيعا سَمحا : بِمَوازينِ عَدلٍ ، وأسعارٍ لا تُجحِفُ بِالفَريقَينِ . (1)

4 / 3 4المَنعُ عَنِ الغَلاءِ غَيرِ المُباشِرِالإمام الصادق عليه السلام حينَ سُئِلَ عَنِ التَّسعيرِ : ما سَعَّرَ أميرُ المُؤمِنينَ عليه السلامعَلى أحَدٍ ، ولكِن مَن نَقَصَ عَن بَيعِ النّاسِ قيلَ لَهُ : بِع كَما يَبيعُ النّاسُ وإلاّ فَارفَع مِنَ السّوقِ ، إلاّ أن يَكونَ طَعامُهُ أطيَبَ مِن طَعامِ النّاسِ . (2)

4 / 3 5المَنعُ مِنَ الإنقاصِ عَن قيمَهِ السّوقِالمستدرک على الصحيحين عن اليسع بن الغيره :مَرَّ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آلهبِرَجُلٍ بِالسّوقِ يَبيعُ طَعاما بِسِعرٍ هُوَ أرخَصُ مِن سِعرِ السّوقِ ، فَقالَ : تَبيعُ فى سوقِنا بِسِعرٍ هُوَ أرخَصُ مِن سِعرِنا ؟ قالَ : نَعَم . قالَ : صَبرا وَاحتِسابا؟ قالَ : نَعَم . قالَ : أبشِر ! فَإِنَّ الجالِبَ إلى سوقِنَا كَالمُجاهِدِ فى سَبيلِ اللّهِ ، وَالمُحتَكِرَ فى سوقِنا كَالمُلحِدِ فى كِتابِ اللّهِ . (3)

.

1- .نهج البلاغه : الكتاب 53 ، تحف العقول : 140 ، بحار الأنوار : 103 / 88 / 9 .
2- .دعائم الإسلام : 2 / 36 / 81 .
3- .المستدرک على الصحيحين : 2 / 15 / 2167 ، كنز العمّال : 4 / 99 / 9730 .

4 / 3 3 فرمانِ جاری کردنِ قیمت های عادلانه

4 / 3 4 بازداشتن از گرانی ، به صورت غیر مستقیم

4 / 3 5 بازداشتن از برنهادنِ قیمتی پایین تر از قیمت بازار

4 / 3 - 3فرمانِ جاری کردنِ قیمت های عادلانهامام علی علیه السلام از نامه وی به اشترِ نخعی ، آن گاه که او را به کارگزاریِ مصر گماشت : پس از احتکار بازدار ؛ که رسول خدا صلی الله علیه و آله آن را منع فرمود . و باید خرید و فروش آسان و بر موازین عدل باشد ، با قیمت هایی که نه به فروشنده زیان رسانَد و نه به خریدار .

4 / 3 - 4بازداشتن از گرانی ، به صورت غیر مستقیمامام صادق علیه السلام در پاسخ سؤالی درباره قیمت گذاری : امیر المؤمنین علیه السلامبرای هیچ کسی قیمت گذاری نکرد ؛ امّا هر کس در مقایسه با معاملات [رایج]مردم ، فروگذاری می کرد ، به وی گفته می شد: «همان گونه که مردم خرید و فروش می کنند ، عمل کن ؛ وگرنه از بازار کناره گیر!» مگر آن که خوراک [و کالای وی]بهتر از خوراک [و کالای] دیگران بود .

4 / 3 - 5بازداشتن از برنهادنِ قیمتی پایین تر از قیمت بازارالمستدرک علی الصحیحین از یسع بن غیرَه :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در بازار به مردی برگذشت که خوراکی را با قیمتی پایین تر از قیمت بازار می فروخت . فرمود : «آیا در بازار ما ، با قیمتی کم تر از قیمت ما می فروشی؟» گفت: «آری» . فرمود : «به انگیزه صبوری و از خدا پاداش گرفتن؟» گفت: «آری» . فرمود : «تو را بشارت باد! همانا آورنده جنس به بازار ما همانند جهاد کننده در راه خدا است ؛ و احتکار کننده در بازار ما همانند کسی است که در کتاب خدا ، کافر شمرده شده است» .

.

ص: 290

راجع : (کنز العمّال : 4 / 183 / 10075 و 10076).

.

ص: 291

ر .ک : (کنز العمال : 4 / 183 / 10075 و 10076) .

.

نگاهی به احادیث قیمت گذاری

نگاهی به احادیث قیمت گذاریهمان گونه که پیش تر در متن اشاره شد ، احادیث قیمت گذاری را می توان به چند دسته تقسیم کرد که از این قرارند : دسته یکم : احادیثی که تصریح می کنند خداوند سبحان قیمت گذار و تعیین کننده بهای کالاها است یا همو است که فرشته ای را بر این کار گماشته تا آن را تدبیر کند . دسته دوم : احادیثی از پیامبر صلی الله علیه و آله که مضامین احادیث دسته یکم را تأیید می کنند و به موجب آن ها ، وی پیشنهاد قیمت گذاری را که مردم طرح کردند ، سخت رد کرده ، آن را ستم و بدعت می شمارد . دسته سوم : روایتی که در آن ، امام علی علیه السلام به مالک اشتر فرمان می دهد که از احتکار پیشگیری کند و با تنظیم برنامه ای ، قیمت ها را به شکلی عادلانه تنظیم نماید ، چندان که به فروشنده یا خریدار ستم نشود . دسته چهارم : روایتی که بر پایه آن ، امام امیرالمؤمنین علیه السلام به صورت غیر مستقیم ، از بالا بردن قیمت ها جلوگیری کرد ، بدین سان که به فروشنده اجازه نفرمود بهایی افزون تر از بهای رایج در بازار را از مشتری بگیرد حال آن که از کالا کاسته و کالایی بهتر عرضه نکرده است و آن گاه که کسی بخواهد چنین

.

معامله ای کند ، امام فرمان داد که او را از بازار بیرون کنند . (1) دسته پنجم: حدیثی که به موجب آن ، پیامبر صلی الله علیه و آله خشنود نبود که فروشنده ای کالایش را به قیمتی پایین تر از بهای بازار بفروشد ، مگر آن که برای انگیزه ای خدایی باشد . احادیث دسته های یکم و دوم و چهارم دلالت دارند که در نظام اسلامی ، نمی توان برای کالاها قیمت گذاری کرد ؛ و این ، خلاف فرمانی است که امام امیرالمؤمنین علیه السلام به مالک اشتر داد تا قیمت ها را به صورتی عادلانه و دور از اجحاف تنظیم نماید . برای روشن شدن مراد این احادیث و دریافتن معنایی استوار و معیّن از آن ها ، پاسخ گویی به این سؤالات ضرورت دارد: 1 . مراد از این که خداوند سبحان قیمت گذار است ، چیست؟ 2 . چرا در زمان خشکسالی ، پیامبر قیمت گذاری را مردود دانست و آن را به سختی رد کرد؟ 3 . اگر نظام قیمت گذاری در اسلام مجاز نیست ، چرا امام امیرالمؤمنین علیه السلامفرمان داد که قیمت ها عادلانه و دور از اجحاف تنظیم شود؟ قیمت گذار بودنِ خداوند می توان قیمت را به دو گونه تقسیم کرد: طبیعی و غیر طبیعی . قیمت طبیعی در چهارچوب وضعیّت و زمینه های واقعی کالا و بازار قرار دارد ، مانند نوع ، تعداد ، سختیِ تولید ، توزیع ، نگهداری ، تقاضا ، و هر چه در تعیین قیمت حقیقی کالا

.

1- .یکی از پژوهشگران این روایت را همچون دسته پنجم معنا کرده ، یعنی فروشنده نباید کالا را با بهایی کم تر از بهای بازار بفروشد (السّوق فی ظلّ الدّوله الاسلامیّه) . امّا با اندیشیدن در بخش پایانی روایت ، آشکار می شود که تفسیری که ما ارائه کرده ایم ، به واقعیّت نزدیک تر است.

تأثیر دارد . امّا قیمت غیرطبیعی ناشی از وضعیّت های غیر طبیعی است که فروشنده پدید می آورَد ، مانند احتکار ، تبانی و توطئه بر قیمت معیّن ، و ایجاد بازار سیاه . در پرتو این تقسیم بندی ، قیمتِ خدایی همان قیمت طبیعی است . ظاهرا روایاتی که قیمت گذاری را به خداوند سبحان نسبت می دهند ، از این مفهوم حکایت دارند که هر کالایی دارای قیمتی برآمده از زمینه های واقعی ایجاد و تولید آن کالا و حالت طبیعی بازار است . پس آن چه حاصلِ میزان سختیِ تولید و وضع طبیعی بازار است ، در قیمت طبیعی جلوه می یابد که به موجب این احادیث ، از جانب خدای سبحان است و چنان چه عوامل غیر طبیعی به میان نیایند ، همین قیمت در بازار رواج می یابد . مخالفت پیامبر صلی الله علیه و آله با قیمت گذاری دسته بندی دوگانه قیمت که به آن اشاره شد ، موضع دولت در مسأله قیمت گذاری را تبیین می کند . یعنی اگر قیمت گذاری دولتی به معنای پایین آوردن قیمت طبیعی کالا باشد ، در حقیقت ستم به تولید کننده و آسیب رسانی به حرکت تولید است . شک نیست که پایین آوردن تولید موجب واپس ماندگی اقتصادی است و از این روی ، دولت حق ندارد قیمت کالاها را پایین تر از قیمت طبیعی که با سختیِ تولید و وضع طبیعی بازار هماهنگ است ، تعیین کند حتّی اگر بحران یا کمبودِ کالا پیش آمده باشد ؛ بلکه وظیفه دارد با عوامل غیر طبیعی که قیمت ها را از حدّ طبیعی بالاتر می برند ، رویارویی کند . بر این اساس ، روشن می شود که چرا پیامبر صلی الله علیه و آله و امام امیرالمؤمنین علیه السلام با

.

قیمت گذاری مخالفت کرده و ضمنا با احتکار هم ستیزیده اند . این موضع گیری ، از سویی ، زیان و ظلم به تولید کننده را پیشگیری می کند این ظلم ، خود ، به پایین آمدن سطح تولید می انجامد و از دیگر سو ، عوامل افزایش بی ضابطه قیمت ها را از میان می بَرَد . بدین ترتیب ، فقیهانی که قیمت گذاری را به صورت مطلق غیر مجاز شمرده اند ، ظاهرا به این معنا نظر داشته اند . (1) عادلانه بودن قیمت ها در روزگار امام امیرالمؤمنین علیه السلام با ملاحظه آن چه گذشت ، روشن می شود که فرمان امام امیرالمؤمنین علیه السلامبه مالک برای آسان سازی خرید و فروش با موازین عادلانه و قیمت های متناسب با حقّ فروشنده و مشتری ، نه تنها با موضع پیامبر صلی الله علیه و آله در مخالفت با قیمت گذاری منافات ندارد ، بلکه در همان سمت و سو است ، لیکن از زاویه رویارویی با عوامل مؤثّر در افزایش بی ضابطه قیمت ها . به بیان روشن تر: فرمان امام امیرالمؤمنین علیه السلام به مالک اشتر ، تأکیدی است بر این که داد و ستد باید آسان باشد و قیمت ها با موازین عادلانه تنظیم گردد . بدین جهت ، امام به وی فرمان نداده که قیمت ها را پایین آورَد و تردیدی نیست

.

1- .گروهی از فقیهان قیمت گذاری را غیر مجاز دانسته اند ، از جمله شیخ طوسی در نهایه (ص 374) و مبسوط (ج 2 ، ص 195)؛ ابن زهره در غنیه (الجوامع الفقهیّه ، ص 528)؛ محقّق در شرایع (ج 2 ، ص 21)؛ علاّمه در قواعد (ج 1 ، ص 132) و مختصر (ص 120). حتّی در مفتاح الکرامه این نظر اجماعی دانسته شده و چنین آمده: «به دلیل اجماع و خبرهای متواتر ، آن گونه که در سرائر آمده؛ و نبودن اختلاف میان مسلمانان در این مسأله ، چنان که در مبسوط آمده؛ و نبودن اختلاف میان شیعیان در این مسأله ، آن سان که در تذکره آمده است». حضرت خویی پس از فتوا دادن به جایز نبودن قیمت گذاری ، گفته است: «آری؛ اگر فروشنده در قیمت گذاری اجحاف کند ، چندان که گونه ای از احتکار شمرده شود ، حاکم اسلامی از آن جلوگیری می کند تا مالک کالا به قیمت بازار یا قدری بیش تر که در حدّ توان خرید مردم باشد ، آن کالا را بفروشد. مثلاً اگر بهای یک کیسه گندم صد فلس باشد و احتکار کننده آن را به دو دینار بفروشد ، این کار نیز نوعی احتکار است ، چنان که پوشیده نیست» (مصباح الفقاهه ، ج 5 ، ص 500).

که تنظیم قیمت ها با موازین عادلانه به معنای زیان رساندن به تولید کننده یا فروشنده نیست ، بلکه همان سان که امام ، خود ، در فرمانش تصریح فرموده ، هدف آن است که قیمت ها به گونه ای تنظیم گردد که نه به فروشنده و نه به مشتری ستم روا نشود ، و این ، تنها هنگامی جامه تحقّق می پوشد که دولت زمینه مناسب را برای عرضه کالا به قیمت طبیعی فراهم آورَد . بر همین پایه است که شماری از فقیهان ، فتوا داده اند که در صورت اجحافِ فروشنده ، حاکم می تواند به قیمت گذاری بپردازد . (1) اگر با دقّت به این تحلیل روی آوریم ، می توانیم گفت که فتوای جایز نبودنِ قیمت گذاری ، به قیمت گذاری در مقابل قیمت طبیعی نظر دارد ؛ امّا فتوای جواز مربوط به قیمت گذاری و تعیین قیمت خاص در مقابل قیمت غیر طبیعی ، به انگیزه رویارویی با عوامل ساختگیِ ماورای افزایش قیمت ها به صورت وهمی و غیر واقعی است . بر این مبنا ، میان فتواهای فقیهان درباره قیمت گذاری ، ناسازگاری یافت نمی شود .

.

1- .فتوای جواز قیمت گذاری ، به این فقیهان نسبت داده شده است: شیخ مفید در مقنعه (ص 96)؛ ابن حمزه در وسیله (الجوامع الفقهیّه ، ص 745)؛ شهید در دروس (ص 332) . در مفتاح الکرامه (ج 4 ، ص 109) آمده است : «در کتب وسیله ، مختلف ، ایضاح ، دروس ، لمعه ، مقتصر ، وتنقیح آمده که حاکم شرع به قیمت گذاری می پردازد ، اگر فروشنده قیمت را ظالمانه تعیین کند ، زیرا این کارش موجب ضرر رسانی به دیگران است که شرع آن را نپذیرفته است» (ولایه الفقیه ، ج 2 ، ص 660) . حضرت خمینی گفته است: «و امّا قیمت گذاری ، در ابتدا جایز نیست؛ لیکن اگر فروشنده اجحاف کند ، ناچار می شود که قیمت را کاهش دهد؛ وگرنه ، حاکم شرع او را ناچار می کند که کالا را به قیمت آن سرزمین یا به صلاحدید حاکم ، بفروشد . پس روایات دلالت کننده بر جایز نبودن قیمت گذاری ، شامل این قبیل نمونه ها نمی شوند؛ زیرا در این حال ، قیمت نگذاشتن به احتکار منجر می شود؛ همان گونه که اگر فروشنده برای فرار از فروش کالا ، قیمت را چنان تعیین کند که هیچ کس نتواند آن را بخرد. بدون اشکال حاکم شرع حقّ تصمیم گیری دارد؛ و آن روایات شامل این حالت نمی شود (کتاب البیع ، ج 3 ص 416).

ارزانیِ خطرناک! در روایتی گذشت که پیامبر صلی الله علیه و آله از کار کسی که می خواست کالایش را با انگیزه غیر خدایی ارزان تر از قیمت بازار بفروشد ، اظهار ناخشنودی کرد و آن گاه که عمل او را در چهارچوبی اخلاقی و با انگیزه خدایی (= با صبوری و پاداش خواهی از خدا) قرار داد ، از کار او چشم فرو بست . این روایت که از لحاظ سند ضعیف است ، از جنبه محتوایی با ضوابط اسلامی سازگار است و با توضیحی که درباره مراد آن گذشت ، قابل قبول به نظر می رسد ؛ زیرا شک نیست که هر گاه ارزان فروشی با انگیزه شکستن قیمت طبیعی بازار و فرو کاستنِ بهای واقعی کالا باشد ، به حرکت تولید و اقتصاد مملکت سخت آسیب می رسانَد . از این رو ، پیامبر صلی الله علیه و آله عمل آن مرد را تأیید نکرد ، مگر پس از آن که اطمینان یافت انگیزه وی صحیح است و با نیّتی درست ، کالایش را ارزان تر از دیگران می فروشد .

.

4 / 4ما يَنبَغى لِلبائِع4 / 4 1البَيعُ بِسِعرِ اليَومِرسول اللّه صلى الله عليه و آله :مَن جَلَبَ طَعاما فَباعَهُ بِسِعرِ يَومِهِ فَكَأنَّما تَصَدَّقَ بِهِ . (1)

عنه صلى الله عليه و آله :ما مِن جالِبٍ يَجلِبُ طَعاما إلى بَلَدٍ مِن بِلادِ المُسلِمينَ فَيَبيعُهُ بِسِعرِ يَومِهِ ، إلاّ كانَت مَنزِلَتُهُ عِندَ اللّهِ مَنزِلَةَ الشَّهيدِ . (2)

راجع : ص 288 ، ح 536 .

4 / 4 2الإرجاحُ فِى الوَزنِرسول اللّه صلى الله عليه و آله :إذا وَزَنتُم فَأرجِحوا . (3)

سنن أبى داود عن سويد بن قيس :جَلَبتُ أنَا ومَخرَمَةُ العَبدِىُّ بَزّا مِن هَجَرَ ، فَأتَينا بِهِ مَكَّةَ ، فَجاءَنا رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله يَمشى ، فَساوَمَنا بِسَراويلَ فَبِعناهُ ، وثَمَّ رَجُلٌ يَزِنُ بِالأَجرِ ، فَقالَ لَهُ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله : زِن وأرجِح . (4)

.

1- .إحياء علوم الدين : 2 / 110 .
2- .الدرّالمنثور : 8 / 323 ، إتحاف السادة : 5 / 479 وفيه «بلدان» بدل «بلاد» وليس فيه «عند اللّه » وكلاهما نقلاً عن تفسير ابن مردويه عن ابن مسعود .
3- .سنن ابن ماجه : 2 / 748 / 2222 ، مسند الشهاب : 1 / 443 / 759 كلاهما عن جابر .
4- .سنن أبى داود : 3/245/3336 ، سنن الترمذى : 3/598/1305، سنن النسائى : 7/284 ، سنن ابن ماجه : 2 / 748 / 2220 ، مسند ابن حنبل : 7 / 45 / 19120 ، المستدرک على الصحيحين : 2 / 35 / 2230 كلّها نحوه ، كنز العمّال : 4 / 154 / 9961 .

4 / 4 آن چه فروشنده را سزاوار است

4 / 4 1 فروش کالا به قیمت روز

4 / 4 2 مایل گرفتنِ کفه ترازو

4 / 4آن چه فروشنده را سزاوار است4 / 4 - 1فروش کالا به قیمت روزپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر کس خوراکی را به بازار آورده ، به قیمت روز بفروشد ، گویی آن را صدقه داده است .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :نیست کسی که خوراکی را در سرزمین مسلمانان از جایی به جایی برده ، به قیمت روز بفروشد ، مگر این که جایگاهش نزد خدا همرتبه شهید است .

ر .ک : ص289 ، ح 536.

4 / 4 - 2مایل گرفتنِ کفه ترازوپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر گاه وزن می نهید ، کفه ترازو را [به سود مشتری]مایل گیرید .

سنن أبی داود از سوید بن قیس :من و مَخرمه عَبدی قدری جامه های کتانی از سرزمین هَجَر به مکّه آوردیم . پیامبر خدا صلی الله علیه و آله قدم زنان بر ما برگذشت و پس از مذاکره بر قیمت شلواری ، آن را از ما خرید . آن جا مردی بود که اجرت می گرفت و اجناس را وزن می کرد ؛ پیامبر صلی الله علیه و آله به وی فرمود: «وزن کن و کفه ترازویت را مایل گیر» .

.

سنن الدارمی عن محارب :سَمِعتُ جابِرا أنَّ رَسولَ اللّهِ صلی الله علیه و آلهوَزَنَ لَهُ دَراهِمَ فَأَرجَحَها . (1)

سنن النسائی عن أبو صفوان :بِعتُ مِن رَسولِ اللّهِ صلی الله علیه و آله سَراویلَ قَبلَ الهِجرَهِ ، فَأَرجَحَ لی . (2)

الإمام الصادق علیه السلام:مَرَّ أمیرُ المُؤمِنینَ علیه السلام عَلی جارِیَهٍ قَدِ اشتَرَت لَحما مِن قَصّابٍ وهِیَ تَقولُ : زِدنی ، فَقالَ لَهُ أمیرُ المُؤمِنینَ علیه السلام : زِدها ؛ فَإِنَّهُ أعظَمُ لِلبَرَکَهِ . (3)

4 / 5ما لا یَنبَغی لِلبائِعِ4 / 5 1المُغالاهُ فِی الرِّبحِرسول اللّه صلی الله علیه و آله :لَیسَ مِنَ المُروءَهِ الرِّبحُ عَلَی الإِخوانِ . (4)

الإمام علیّ علیه السلام :کَم مِن مَنقوصٍ رابِحٍ ، ومَزیدٍ خاسِرٍ! (5)

.

1- .سنن الدارمی : 2 / 711 / 2486 .
2- .سنن النسائی : 7 / 284 ، سنن ابن ماجه : 2 / 748 / 2221 ، السنن الکبری : 6 / 54 / 11171 ، المستدرک علی الصحیحین : 2 / 36 / 2231 کلها نحوه ، کنز العمّال : 13 / 365 / 37012 وراجع مسند ابن حنبل : 7 / 45 / 19121 .
3- .الکافی : 5 / 152 / 8 ، تهذیب الأحکام : 7 / 7 / 20 کلاهما عن السکونی عن الإمام الصادق علیه السلام ، من لا یحضره الفقیه : 3 / 196 / 3736 ، بحار الأنوار : 41 / 129 / 39 ؛ کنز العمّال : 4 / 142 / 9909 نقلاً عن عبد الرزّاق فی المصنّف .
4- .الفردوس: 3 / 381 / 5157 عن معاویه بن حیده، تاریخ دمشق : 61 / 325 / 12651 عن عمر بن شعیب عن أبیه عن جدّه، کنز العمّال: 3 / 408 / 7176 .
5- .غرر الحکم : 6960 .

4 / 5 آن چه فروشنده را سزاوار نیست

4 / 5 1 سود بسیار گرفتن

سنن الدارمی از محارب :از جابر شنیدم که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله برای وی چند درهم را وزن کرد و کفه را مایل گرفت .

سنن النسائی از ابوصفوان :پیش از هجرت ، از پیامبر خدا صلی الله علیه و آلهشلواری خریدم ؛ وی کفه ترازو را به سود من مایل گرفت .

امام صادق علیه السلام :امیرالمؤمنین علیه السلام بر کنیزی برگذشت که از قصّاب گوشت خریده ، می گفت: «قدری بیش تر بده» ؛ امیرالمؤمنین علیه السلام به آن قصّاب فرمود: «بیش تر بده ؛ که برکتی بزرگ برایت می آورد» .

4 / 5آن چه فروشنده را سزاوار نیست4 / 5 - 1سود بسیار گرفتنپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :سود گرفتن از دوستان ، جوانمردانه نیست .

امام علی علیه السلام :چه بسا [بهره] اندک که سودمند است و چه بسا [بهره]بسیار که زیانبار است .

.

عنه عليه السلام :رُبَّ رَباحٍ يَؤولُ إلَى خُسرانٍ . (1)

الكافى عن ميسّر : قُلتُ لِأَبى عَبدِ اللّهِ عليه السلام :إنَّ عامَّةَ مَن يَأتينى مِن إخوانى ، فَحُدَّ لى مِن مُعامَلَتِهِم ما لا أجوزُهُ إلى غَيرِهِ . فَقالَ : إن وَلَّيتَ أخاكَ فَحَسَنٌ ، وإلاّ فَبِع بَيعَ البَصيرِ المُداقِّ . (2)

الكافى عن أبو جعفر الفزارىّ :دَعا أبو عَبدِ اللّهِ عليه السلام مَولىً لَهُ يُقالُ لَهُ مُصادِفٌ ، فَأعطاهُ ألفَ دينارٍ ، وقالَ لَهُ : تَجَهَّز حَتّى تَخرُجَ إلى مِصرَ ؛ فَإِنَّ عِيالى قَد كَثُروا . قالَ : فَتَجَهَّزَ بِمَتاعٍ وخَرَجَ مَعَ التُّجّارِ إلى مِصرَ ، فَلَمّا دَنَوا مِن مِصرَ استَقبَلَتهُم قافِلَةٌ خارِجَةٌ مِن مِصرَ ، فَسَأَلوهُم عَنِ المَتاعِ الَّذى مَعَهُم: ما حالُهُ فِى المَدينَهِ وكانَ مَتاعَ العامَّهِ ؟ فَأَخبَروهُم أنَّهُ لَيسَ بِمِصرَ مِنهُ شَىءٌ ، فَتَحالَفوا وتَعاقَدوا عَلى أن لا يَنقُصوا مَتاعَهُم مِن رِبحِ الدّينارِ دينارا . فَلَمّا قَبَضوا أموالَهُم وَانصَرَفوا إلَى المَدينَهِ فَدَخَلَ مُصادِفٌ عَلى أبى عَبدِ اللّهِ عليه السلاموَمَعَهُ كيسانِ فى كُلِّ واحِدٍ ألفُ دينارٍ ، فَقالَ : جُعِلتُ فِداكَ ! هذا رَأسُ المالِ ، وهذَا الآخَرُ رِبحٌ ، فَقالَ : إنَّ هذَا الرِّبحَ كَثيرٌ ، ولكِن ما صَنَعتَهُ فِى المَتاعِ؟ فَحَدَّثَهُ كَيفَ صَنَعوا وكَيفَ تَحالَفوا ، فَقالَ : سُبحانَ اللّهِ ! تَحلِفونَ عَلى قَومٍ مُسلِمينَ أن لا تَبيعوهُم إلاّ رِبحَ الدّينارِ دينارا ! ثُمَّ أخَذَ أحَدَ الكيسَينِ فَقالَ : هذَا رَأسُ مالى ولا حاجَهَ لَنا فى هذَا الرِّبحِ . ثُمَّ قالَ : يا مُصادِفُ ، مُجادَلَهُ السُّيوفِ أهوَنُ مِن طَلَبِ الحَلالِ . (3)

.

1- .غرر الحكم : 5308 .
2- .الكافى : 5 / 154 / 19 ، تهذيب الأحكام : 7 / 7 / 24 عن قيس وفيه «لأبى جعفر عليه السلام» بدل «لأبى عبد اللّه عليه السلام» .
3- .الكافى : 5 / 161 / 1 ، تهذيب الأحكام : 7 / 13 / 58 وفيه «فجهّزه» بدل «فتجهّز» و«مجالده» بدل «مجادله» ، بحار الأنوار : 47 / 59 / 111 .

امام علی علیه السلام :بسا سود بسیار که به زیانکاری می انجامد .

الکافی از میسّر :به امام صادق علیه السلام گفتم: «شماری از دوستانم نزد من می آیند ؛ برای من در معامله با ایشان حدّی بگذار که از معامله با جز آن ها متمایز باشد» . فرمود: «اگر دوستی همدل و نزدیک است ، با او به نیکی معامله کن ؛ و گرنه ، با چشم باز و حسابگرانه به معامله با وی پرداز» .

الکافی از ابوجعفر فزاری :امام صادق علیه السلام یکی از خدمتکارانش به نام مصادِف را فراخواند و به وی هزار دینار داد و فرمود: «بار بربند تا روانه مصر شوی ؛ که نان خوران من بسیار شده اند» . [راوی] گفت: پس باری فراهم کرد و همراه بازرگانان روانه مصر شد . چون به مصر نزدیک شدند ، با کاروانی که از مصر بیرون می آمد ، روبه رو گشتند و از ایشان پرسیدندکه وضع کالایی که با خود دارند در مدینه چگونه است و آن ، کالایی بود همگانی . ایشان به اینان خبر دادند که از کالای اینان در مصر چیزی نیست . از این رو ، اهل قافله هم سوگند و هم پیمان شدند که به ازای هر دینار ، یک دینار سود کنند . پس چون اموال خویش را جمع کرده ، به مدینه باز آمدند ، مصادف با دو همیان که در هر یک هزار دینار بود ، نزد امام صادق علیه السلام آمد و گفت: «فدایت شوم! این یک اصل سرمایه است و این دیگری ، سود!» فرمود: «این سود ، بسیار است ؛ مگر با آن کالا چه کردی؟» وی شرح کار و هم سوگندی شان را باز گفت . امام فرمود : «سبحان اللّه ! ضدّ مسلمانان هم پیمان می شوید که به ازای هر دینار ، یک دینار سود کنید؟» سپس یکی از همیان ها را برگرفت و فرمود: «این اصلِ سرمایه من است و ما را به این سود نیازی نیست» . آن گاه ، فرمود: «ای مصادف! با شمشیر به نبرد برخاستن ، ساده تر از جست و جوی حلال است» .

.

4 / 5 2رَدُّ الرِّبحِ القَليلِإحياء علوم الدّين :كانَ عَلِيٌّ عليه السلام يَدورُ فى سوقِ الكوفَهِ بِالدِّرَّهِ ويَقولُ : مَعاشِرَ التُّجّارِ ، خُذُوا الحَقَّ تَسلَموا . لا تَرُدّوا قَليلَ الرِّبحِ فَتُحرَموا كَثيرَهُ . (1)

الإمام علىّ عليه السلام فى وَصِيَّتِهِ لِابنِهِ الحَسَنِ عليه السلام : سَوفَ يَأتيكَ ما قُدِّرَ لَكَ . التّاجِرُ مُخاطِرٌ . ورُبَّ يَسيرٍ أنمى مِن كَثيرٍ . (2)

4 / 5 3البَيعُ عَلى بَيعِ أخيهرسول اللّه صلى الله عليه و آله :لا يَبيعُ الرَّجُلُ عَلى بَيعِ أخيهِ ، ولا يَسومُ عَلى سَومِ أخيهِ . (3)

عنه صلى الله عليه و آله :لا يَبِع بَعضُكُم عَلى بَيعِ بَعضٍ ، ولا يَخطُب بَعضُكُم عَلى خِطبَهِ بَعضٍ . (4)

.

1- .إحياء علوم الدين : 2 / 120 ، كنز العمّال : 10 / 281 / 29451 نقلاً عن وكيع فى كتابه الغرر عن شريح ؛ المحجّه البيضاء : 3 / 185 وزاد فيه «وأعطوا الحقّ» بعد «خذوا الحقّ» .
2- .نهج البلاغه : الكتاب 31، تحف العقول : 80 مع تقديم وتأخير ، كشف المحجّه : 231، بحار الأنوار: 103 / 40 / 88 وراجع غرر الحكم : 121 .
3- .سنن ابن ماجه : 2 / 734 / 2172 عن أبى هريره وراجع سنن النسائى : 7 / 258 والسنن الكبرى : 5 / 563 / 10890 و ح 10891 .
4- .صحيح مسلم: 2/1032/49، سنن الترمذى: 3 / 587 / 1292، مسند ابن حنبل: 2/469/6041 كلّها عن عبد اللّه بن عمر وراجع صحيح البخارى: 2/752/2033 وسنن أبى داود : 2/228/2081 .

4 / 5 2 بازگرداندنِ سود اندک

4 / 5 3 بر معامله برادر مؤمن درآمدن

4 / 5 - 2بازگرداندنِ سود اندکاحیاء علوم الدّین :علی علیه السلام با تازیانه در بازار کوفه می گشت و می فرمود: «ای گروه تاجران! حق را ستانید تا به سلامت باشید . سود اندک را باز مگردانید که از سود بسیار نیز محروم خواهید شد .

امام علی علیه السلام در سفارش خود به فرزندش حسن علیه السلام : زود است که آن چه برایت تقدیر شده ، تو را رسد . بازرگان خطرکننده است . و چه بسا اندکی که از بسیار ، پُربارتر است!

4 / 5 - 3بر معامله برادر مؤمن درآمدنپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :انسان بر معامله برادر [مؤمن] اَش معامله نمی کند و بر پیش معامله وی پیش معامله نمی نماید .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :مبادا یکی از شما بر معامله دیگری معامله ورزد و بر خواستگاریِ دیگری درآیَد .

.

عنه صلى الله عليه و آله :لا يَبيعُ بَعضُكُم عَلى بَيعِ أخيهِ . (1)

عنه صلى الله عليه و آله :لا يَبتاعُ المَرءُ عَلى بَيعِ أخيهِ . ولا تَناجَشوا . (2)

4 / 5 4الحَلفُرسول اللّه صلى الله عليه و آله :الحَلفُ مَنفَقَةٌ لِلسِّلعَةِ ؛ مَمحَقَةٌ لِلبَرَكَةِ . (3)

عنه صلى الله عليه و آله :اليَمينُ تُنَفِّقُ السِّلعَةَ ، وتَمحَقُ البَرَكَةَ . وإنَّ اليَمينَ الفاجِرَةَ لَتَدَعُ الدِّيارَ مِن أهلِها بَلاقِعَ . (4)

عنه صلى الله عليه و آله :وَيلٌ لِتُجّارِ اُمَّتى مِن «لا وَاللّهِ» و «بَلى وَاللّهِ» ! (5)

الإمام علىّ عليه السلام :بيعوا ولا تَحلِفوا ؛ فَإِنَّ اليَمينَ تُنَفِّقُ السِّلعَةَ وتَمحَقُ البَرَكَةَ . (6)

.

1- .صحيح البخارى: 2/752/2032، سنن أبى داود: 3/269/3436، سنن ابن ماجه: 2/733/2171، السنن الكبرى : 5 / 563 / 10888 وفيه «بعض» بدل «أخيه» ، صحيح مسلم : 2 / 1032 / 50 وفيه «الرجل» بدل «بعضكم» وكلّها عن ابن عمر .
2- .صحيح البخارى : 2 / 758 / 2052 عن أبى هريره ، كنز العمّال : 4 / 65 / 9531 وراجع سنن النسائى : 7 / 259 .
3- .صحيح البخارى : 2 / 735 / 1981 ، صحيح مسلم : 3 / 1228 / 131 وفيه «للربح» بدل «للبركه» ، سنن أبى داود : 3 / 245 / 3335 ، سنن النسائى : 7 / 246 وفيه «للكسب» بدل «للبركه» ، السنن الكبرى : 5 / 435 / 10407 وكلّها عن أبى هريره ، كنز العمّال : 16 / 699 / 46399 .
4- .مسند زيد: 256 عن الإمام زين العابدين عن أبيه عن الإمام علىّ عليهم السلام؛ كنزالعمّال: 13/183/36547.
5- .من لا يحضره الفقيه : 3 / 160 / 3584 ، جامع الأحاديث للقمّى : 128 وراجع الفردوس : 4 / 401 / 7163 .

6- .المنتخب من مسند عبد بن حميد : 62/96 ، المناقب للخوارزمى : 121 / 136 ، كنز العمّال : 13/183/36547 ؛ كشف الغمّه: 1 / 164 ، المناقب للكوفى : 2 / 602 / 1103 كلّها عن أبى مطر ، بحار الأنوار : 40 / 332 / 14 .

4 / 5 4 سوگند خوردن

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :کسی از شما بر معامله برادر [مؤمن]اَش معامله نکند .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :انسان بر معامله برادر [مؤمن]اَش در نمی آید . قیمت کالا را در رقابت با هم بالا نبرید .

4 / 5 - 4سوگند خوردنپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :سوگند خوری ، مایه رواج کالا وَ[لی] از میان رفتنِ برکت است .

.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :سوگند کالا را رواج می دهد ، وَ[لی] برکت را محو می کند . و همانا سوگند ناروا سبب می شود که سرزمین خالی از ساکنان و خشک و بی آب و گیاه شود .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :وای بر بازرگانان امّت من از «نه ، به خدا سوگند !» و «بلی ، به خدا سوگند !» .

امام علی علیه السلام :معامله کنید و سوگند نخورید ؛ که سوگند کالا را رواج می دهد ، وَ[لی]برکت را از میان می بَرَد .

.

عنه عليه السلام :إيّاكُم وَالحَلفَ ! فَإِنَّهُ يُنَفِّقُ السِّلعَةَ ويَمحَقُ البَرَكَةَ . (1)

الكافى عن أبو حمزه رفعه :قامَ أميرُ المُؤمِنينَ عليه السلام . . . فَقالَ : يا مَعاشِرَ السَّماسِرَهِ ، أقِلُّوا الأَيمانَ ؛ فَإِنَّها مَنفَقَهٌ لِلسِّلعَهِ ؛ مَمحَقَهٌ لِلرِّبحِ . (2)

4 / 6ما يَحرُمُ فِى المُعامَلَه4/ 6 1الرِّباالكتاب :«يَأَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُواْ لاَ تَأْكُلُواْ الرِّبَواْ أَضْعَفًا مُّضَعَفَهً وَاتَّقُواْ اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ . (3) »

«الَّذِينَ يَأْكُلُونَ الرِّبَواْ لاَ يَقُومُونَ إِلاَّ كَمَا يَقُومُ الَّذِى يَتَخَبَّطُهُ الشَّيْطَنُ مِنَ الْمَسِّ ذَ لِكَ بِأَنَّهُمْ قَالُواْ إِنَّمَا الْبَيْعُ مِثْلُ الرِّبَواْ وَ أَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ وَ حَرَّمَ الرِّبَواْ فَمَن جَآءَهُ مَوْعِظَهٌ مِّن رَّبِّهِ فَانتَهَى فَلَهُ مَا سَلَفَ وَ أَمْرُهُ إِلَى اللَّهِ وَ مَنْ عَادَ فَأُوْلَ ءِکَ أَصْحَبُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَلِدُونَ . (4) »

«يَأَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُواْ اتَّقُواْ اللَّهَ وَ ذَرُواْ مَا بَقِىَ مِنَ الرِّبَواْ إِن كُنتُم مُّؤْمِنِينَ * فَإِن لَّمْ تَفْعَلُواْ فَأْذَنُواْ بِحَرْبٍ مِّنَ اللَّهِ وَ رَسُولِهِ وَ إِن تُبْتُمْ فَلَكُمْ رُءُوسُ أَمْوَ لِكُمْ لاَ تَظْلِمُونَ وَ لاَ تُظْلَمُونَ * وَ إِن كَانَ ذُو عُسْرَهٍ فَنَظِرَهٌ إِلَى مَيْسَرَهٍ وَ أَن تَصَدَّقُواْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنتُمْ تَعْلَمُونَ . (5) »

.

1- .الكافى : 5 / 162 / 4 عن أبى إسماعيل رفعه ، الغارات : 1 / 110 عن أبى سعيد الخدرى ، تهذيب الأحكام : 7 / 13 / 57 عن الإمام الصادق عليه السلام مع تقديم وتأخير ، بحار الأنوار : 103 / 102 / 44 .
2- .الكافى : 5/162/2 وراجع صحيح مسلم : 3 / 1228 / 132 والسنن الكبرى : 5/435/10406 .
3- .آل عمران : 130 .
4- .البقره : 275 .
5- .البقره : 278 280 .

4 / 6 آن چه در معامله حرام است

4 / 6 1 رِبا

امام علی علیه السلام:از سوگند بپرهیزید ؛ که کالا را رواج می دهد ، وَ[لی]برکت را محو می کند .

الکافی از ابوحمزه او این سخن را بدون ذکر سند آورده است : امیرالمؤمنین علیه السلامبرخاست ... و فرمود : «ای صنف دلاّل! از سوگندها بکاهید ؛ که رواج دهنده کالا ، وَ[لی]نابود کننده سود است» .

4 / 6آن چه در معامله حرام است4 / 6 - 1رِباقرآن :«ای کسانی که ایمان آورده اید ، ربا را که افزودنی ها بر افزوده ها است ، مخورید و از خدا بترسید؛ باشد که رستگار شوید .»

«آنان که ربا می خورند ، برنخیزند مگر مانند برخاستن کسی که شیطان او را به سبب آسیب رساندن ، آشفته و دیوانه گردانَد . این از آن رو است که گفتند خرید و فروش مانند ربا است ، با اینکه خدا خریدو فروش را حلال و ربا را حرام کرده است. پس هر که پند خداوند بدو رسید و [از رباخواری] باز ایستاد ، آن چه گذشت از آنِ او است و کار او با خدا است؛ و هر که [به رباخواری]باز گردد ، چنین کسان دوزخیانند و در آن ، جاودانه باشند .»

«ای کسانی که ایمان آورده اید ، از خدا بترسید و اگر ایمان دارید ، هر چه از ربا مانده است ، رها کنید * و اگر [رها] نکنید ، پس آگاه باشید به جنگی از خدا و پیامبر او؛ و اگر توبه کنید ، سرمایه های شما از آنِ شما است ، در حالی که نه ستم می کنید [به خواستنِ ربا]و نه بر شما ستم می رود [به باز ندادنِ سرمایه] * و اگر [وامدار] تنگدست بود ، او را تا فراخ دستی مهلتی باید داد؛ و بخشیدن و صدقه دادنِ شما [به آن تنگدست] برای شما بهتر است ، اگر می دانستید .»

.

الحديث :رسول اللّه صلى الله عليه و آله :مَن أكَلَ الرِّبا مَلَأَ اللّهُ بَطنَهُ مِن نارِ جَهَنَّمَ بِقَدرِ ما أكَلَ ، وإن اكتَسَبَ مِنهُ مالاً لا يَقبَلُ اللّهُ تَعالى مِنهُ شَيئا مِن عَمَلِهِ ، ولَم يَزَل فى لَعنَهِ اللّهِ وَالمَلائِكَهِ ما كانَ عِندَهُ مِنهُ قيراطٌ . (1)

عنه صلى الله عليه و آله :إنَّ أخوَفَ ما أخافُ عَلى اُمَّتى مِن بَعدى هذِهِ المَكاسِبُ الحَرامُ ، وَالشَّهوَهُ الخَفِيَّهُ ، وَالرِّبا . (2)

عنه صلى الله عليه و آله :سَيَستَحِلُّ اُمَّتِىَ الرِّبا بِالبَيعِ ، وَالخَمرَ بِالنَّبيذِ ، وَالسُّحتَ بِالهَدِيَّهِ ، وَالبَخسَ بِالزَّكاهِ (3) ، فَعِندَ ذلِکَ يُملى لَهُم لِيَزدادوا إثما ، فَإذا كانَ ذلِکَ تَكونُ عِبادَهُ اللّهِ استِطالَهً عَلَى النّاسِ . (4)

عنه صلى الله عليه و آله :ثَلاثَهٌ هُم حُدّاثُ اللّهِ عز و جل يَومَ القِيامَهِ : رَجُلٌ لَم يَمشِ بَينَ اثنَينِ بِمِراءٍ قَطُّ ، ورَجُلٌ لَم يُحَدِّث نَفسَهُ بِزِنا ، ورَجُلٌ لَم يَخلِط كَسبَهُ بِرِبا قَطُّ . (5)

الإمام علىّ عليه السلام :نَهى [رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله] عَن أكلِ الرِّبا ، وشَهادَهِ الزّورِ ، وكِتابَهِ الرِّبا . (6)

.

1- .ثواب الأعمال : 336 / 1 عن عبد اللّه بن عبّاس وأبى هريره ، جامع الأخبار : 406 / 1121 ، بحار الأنوار : 103 / 120 / 27 .
2- .الكافى : 5 / 124 / 1 عن أحمد بن أبى عبد اللّه عن أبيه عمّن ذكره عن الإمام الصادق عليه السلام ، النوادر للراوندى : 130 / 160 ، بحار الأنوار : 103 / 54 / 26 .
3- .والمراد بالبخس ، المكس ، أى النقص والمعنى أن يأخذ الولاه الظلمه ، المكس باسم العشر يتأولون فيه معنى الزكاه . [ر .ك : الفائق للزمخشرى وفيض القدير : ج3 ، ص214]
4- .الفردوس : 2 / 321 / 3459 عن أبى الدرداء .
5- .حليه الأولياء : 3 / 263 عن أنس ، كنز العمّال : 15 / 817 / 43250 .
6- .من لا يحضره الفقيه: 4 / 8 / 4968 ، الأماليللصدوق: 511 / 707 كلاهما عن الحسين بن زيد عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام.

حدیث:پیامبر خدا صلی الله علیه و آله:هر کس ربا خورَد ، خداوند به همان اندازه که ربا خورده ، درونش را از آتش جهنّم پُر می کند ؛ و اگر از ربا مالی به دست آورد و با آن مال کاری انجام دهد ، خدای تعالی آن را نمی پذیرد ؛ و او همواره تا وقتی که ذرّه ای از مال ربا نزدش باشد ، از لعنت خدا و فرشتگان نصیب دارد .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :بیش از همه ، بر امّت خویش از پس خودم ، از این ها می ترسم : این پیشه های حرام ، شهوت پنهان ، و ربا .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله:زود است که امّت من حلال خواهد شمرد ربا را به نام معامله ، شراب را به نام آب انگور ، رشوه را به نام هدیه ، و بخشش ناچیز را به نام زکات ! و آن گاه ، بدانان فرصت داده می شود تا بر گناه خویش بیفزایند . و چون چنین شود ، برای مردم عبادت خدا خسته کننده شمرده می شود .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله:سه تن در روز قیامت با خداوند همسخن هستند : کسی که هرگز برای سخن چینی میان دو نفر رفت و آمد نکرده ؛ کسی که با خود درباره زنا نیندیشیده ؛ و کسی که پیشه اش را هرگز با ربا نیامیخته است .

امام علی علیه السلام :[پیامبر خدا صلی الله علیه و آله] از خوردنِ ربا ، گواهیِ ناروا ، و مکتوب کردنِ [قرار داد] ربا نهی فرمود .

.

عنه عليه السلام :لا تَأكُلُوا الرِّبا فى مُعامَلاتِكُم ، فَوَالَّذى فَلَقَ الحَبَّةَ وبَرَأَ النَّسَمَةَ ، لَلرِّبا أخفى فى هذِهِ الاُمَّهِ مِن دَبيبِ النَّملِ عَلى صَفاهٍ سَوداءَ فى لَيلَهٍ ظَلماءَ . (1)

الكافى عن الأصبغ بن نباته :سَمِعتُ أميرَ المُؤمِنينَ عليه السلام يَقولُ عَلَى المِنبَرِ : يا مَعشَرَ التُّجّارِ ، الفِقهَ ثُمَّ المَتجَرَ ، الفِقهَ ثُمَّ المَتجَرَ ، الفِقهَ ثُمَّ المَتجَرَ . وَاللّهِ لَلرِّبا فى هذِهِ الاُمَّهِ أخفى مِن دَبيبِ النَّملِ عَلَى الصَّفا . شوبوا أيمانَكُم بِالصِّدقِ . التّاجِرُ فاجِرٌ ، وَالفاجِرُ فِى النّارِ ، إلاّ مَن أخَذَ الحَقَّ وأعطَى الحَقَّ . (2)

الإمام الباقر عليه السلام :أخبَثُ المَكاسِبِ كَسبُ الرِّبا . (3)

تهذيب الأحكام عن عمر بن يزيد بيّاع السابرىّ :قُلتُ لِأَبى عَبدِ اللّهِ عليه السلام : جُعِلتُ فِداكَ ! إنَّ النّاسَ يَزعُمونَ أنَّ الرِّبحَ عَلَى المُضطَرِّ حَرامٌ وهُوَ مِنَ الرِّبا ، فَقالَ : وهَل رَأيتَ أحَدا اِشتَرى غَنِيّا أو فَقيرا إلاّ مِن ضَرورَهٍ؟ ! يا عُمَرُ ، قَد أحَلَّ اللّهُ البَيعَ وحَرَّمَ الرِّبا ، وَاربَح ولا تُربِ . قُلتُ : ومَا الرِّبا؟ قالَ : دَراهِمَ بِدَراهِمَ ؛ مِثلَينِ بِمِثلٍ ، وحِنطَهً بِحِنطَهٍ ؛ مِثلَينِ بِمِثلٍ . (4)

راجع : ص 828 (الموانع العمليه / الرّبا) .

.

1- .خصائص الأئمّه عليهم السلام : 104 .
2- .الكافى : 5 / 150 / 1 ، تهذيب الأحكام : 7 / 6 / 16 وفيه «بالصدقه» بدل «بالصدق» ، من لا يحضره الفقيه : 3 / 194 / 3731 وفيه «صونوا أموالكم بالصدقه» بدل «شوبوا أيمانكم بالصدق» .
3- .الكافى : 5 / 147 / 12 عن سعد بن طريف .
4- .تهذيب الأحكام : 7 / 18 / 78 ، من لا يحضره الفقيه : 3 / 278 / 4003 وليس فيه «وحنطه بحنطه مثلين بمثل» .

امام علی علیه السلام :در معاملات خویش ربا نخورید ؛ که سوگند به شکافنده دانه و پدیدآورنده میان ، هر آینه ربا در میان این امّت پنهان تر است از خزیدن مورچه ای بر تخته سنگی سیاه در شبی تیره .

الکافی از اَصبغ بن نباته :از امیرالمؤمنین علیه السلام بر منبر شنیدم : «ای صنف بازرگانان! نخست فقه و آن گاه تجارت ، نخست فقه و آن گاه تجارت ، نخست فقه و آن گاه تجارت! به خدا سوگند ، هر آینه ربا در این امّت ، پنهان تر است از خزیدن مورچه ای بر تخته سنگی . ایمان خود را با راستی درآمیزید . بازرگانِ [ناراست]بدکار است ؛ و بدکار در آتش ، مگر آن که حق را بستاند و حق را بدهد» .

امام باقر علیه السلام :پلیدترینِ درآمدها ، درآمدِ ربا است .

تهذیب الأحکام از عمر بن یزید بیّاع سابری :به امام صادق علیه السلامگفتم: «فدایت شوم! مردم گمان می کنند که سود گرفتن [در معامله] از فردِ به اضطرار افتاده ، حرام و از قبیل ربا است!» فرمود: «آیا دیده ای که کسی خواه ثروتمند باشد و خواه فقیر جز به ضرورت چیزی بخرد؟ ای عُمَر! هر آینه خداوند بیع را حلال شمرده و ربا را حرام فرموده است ؛ پس سود ببر ، ولی ربا مگیر» . گفتم: «پس ربا چیست؟» فرمود: «چند درهم در برابر چند درهم : دو برابر به ازای یک برابر ؛ و گندم به ازای گندم : دو برابر به ازای یک برابر» .

ر .ک : ص829 (بازدارنده های عملی / ربا)

.

4 / 6 2الكَذِبرسول اللّه صلى الله عليه و آله :ثَلاثَةٌ لا يَنظُرُ اللّهُ إلَيهِم . . . وَالمُزَكّى سِلعَتَهُ بِالكَذِبِ . (1)

عنه صلى الله عليه و آله :إذَا التّاجِرانِ صَدَقا بورِكَ لَهُما ، فَإِذا كَذَبا وخانا لَم يُبارَک لَهُما . (2)

المعجم الكبير عن واثله بن الأسقع :كانَ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله يَخرُجُ إلَينا وكُنّا تُجّارا ، وكانَ يَقولُ : يا مَعشَرَ التُّجّارِ ، إيّاكُم وَالكَذِبَ ! (3)

4 / 6 3الغِشّرسول اللّه صلى الله عليه و آله :مَن غَشَّ أخاهُ المُسلِمَ نَزَعَ اللّهُ مِنهُ بَرَكَةَ رِزقِهِ ، وأفسَدَ عَلَيهِ مَعيشَتَهُ ، ووَكَلَهُ إلى نَفسِهِ . (4)

سنن ابن ماجه عن أبو الحمراء :رَأَيتُ رَسولَ اللّهِ صلى الله عليه و آله مَرَّ بِجَنَباتِ رَجُلٍ عِندَهُ طَعامٌ فى وِعاءٍ ، فَأَدخَلَ يَدَهُ فيهِ ، فَقالَ : لَعَلَّکَ غَشَشتَ ! مَن غَشَّنا فَلَيسَ مِنّا . (5)

.

1- .تفسير العيّاشى : 1/179/69 عن السكونى، مكارم الأخلاق: 1/243/720 وفيه «لا يكلّمهم» بدل «لا ينظر» وكلاهما عن الإمام الصادق عن أبيه عليهماالسلام ؛ سنن النسائى : 7 / 246 وفيه «والمنفّق» بدل «والمزكّى» ، سنن أبى داود : 4 / 57 / 4087 ، سنن الترمذى : 3 / 516 / 1211 ، سنن ابن ماجه : 2 / 745 / 2208 ، سنن الدارمى : 2 / 718 / 2508 ، السنن الكبرى : 5 / 436 / 10411 كلّها عن أبى ذرّ نحوه .
2- .الكافى : 5 / 174 / 2 ، تهذيب الأحكام : 7 / 26 / 110 كلاهما عن عمر بن يزيد عن الإمام الصادق عليه السلام ، الخصال : 45 / 43 عن الحسين بن زيد بن علىّ بن الحسين بن علىّ بن أبى طالب عن آبائه عليهم السلامعنه صلى الله عليه و آله ، بحار الأنوار : 103 / 136 / 3 .
3- .المعجم الكبير : 22 / 56 / 132 .
4- .ثواب الأعمال : 337 / 1 عن أبى هريره وعبد اللّه بن عبّاس ، بحار الأنوار : 76 / 365 / 30 .
5- .سنن ابن ماجه : 2 / 749 / 2225 .

4 / 6 / 2 ناراستی

4 / 6 / 3 فریبگری

4 / 6 - 2ناراستیپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :سه تن هستند که خداوند به ایشان نظر نمی فرماید : . . . و آن کس که کالایش را به دروغ بیاراید .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر گاه دو بازرگان راستی پیشه کنند ، برای آنان برکت به بار می آید ؛ و هر گاه ناراستی ورزند ، از برکت بی نصیب خواهند شد .

المعجم الکبیر از واثله بن اسقع :ما بازرگانانی بودیم و پیامبر خدا صلی الله علیه و آله بر ما وارد می شد و می فرمود : «ای صنف تاجران ! از دروغ بپرهیزید» .

4 / 6 - 3فریبگریپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر کس با برادر مسلمانش فریبگری کند ، خداوند برکتِ روزی اش را از او می ستانَد و گذران زندگی اش را تباه می سازد و او را به خود وا می گذارَد .

سنن ابن ماجه از ابوحمراء :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله را دیدم که نزد مردی رفت که غذایی در ظرفی پیش خود نهاده بود . پس دست خویش را در آن کرد و فرمود: «احتمالاً نیرنگی به کار بسته ای ! هر کس با ما نیرنگ ورزد ، از ما نیست» .

.

صحيح المسلم عن أبو هريره :إنَّ رَسولَ اللّهِ صلى الله عليه و آله مَرَّ عَلى صُبرَةِ طَعام ، فَأدخَلَ يَدَهُ فيها ، فَنالَت أصابِعُهُ بَلَلاً ، فَقالَ : ما هذا يا صاحِبَ الطَّعام؟ قالَ : أصابَتهُ السَّماءُ ، يا رَسولَ اللّهِ ! قالَ: أفَلا جَعَلتَهُ فَوقَ الطَّعامِ كَى يَراهُ النّاسُ؟ ! مَن غَشَّ فَلَيسَ مِنّى . (1)

سنن أبى داود عن أبو هريره :إنَّ رَسولَ اللّهِ صلى الله عليه و آله مَرَّ بِرَجُلٍ يَبيعُ طَعاما ، فَسَأَلَهُ : كَيفَ تَبيعُ؟ فَأخبَرَهُ ، فَأُوحِىَ إلَيهِ أن أدخِل يَدَكَ فيهِ ، فَأدخَلَ يَدَهُ فيهِ ، فَإذا هُوَ مَبلولٌ ، فَقالَ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله : لَيسَ مِنّا مَن غَشَّ . (2)

كنزالعمّال عن مكحول :مَرَّ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله بِرَجُلٍ يَبيعُ طَعاما قَد خَلَطَ جَيِّدا بِقَبيحٍ ، فَقالَ لَهُ النَّبِىُّ صلى الله عليه و آله : ما حَمَلَكَ عَلى ما صَنَعتَ؟ فَقالَ : أرَدتُ أن يَنفُقَ ، فَقالَ لَهُ النَّبِىُّ صلى الله عليه و آله : مَيِّز كُلَّ واحِدٍ مِنهُما عَلى حِدَهٍ ؛ لَيسَ فى دينِنا غِشٌّ . (3)

الغارات عن الحارث :إنَّهُ [أى عَلِيّا عليه السلام] دَخَلَ السّوقَ فَقالَ : يا مَعشَرَ اللَّحّامينَ ، مَن نَفَخَ مِنكُم فِى اللَّحمِ (4) فَلَيسَ مِنّا . (5)

.

1- .صحيح مسلم : 1 / 99 / 164 ، سنن الترمذى : 3 / 606 / 1315 وفيه «مِنّا» بدل «منّى» ، المستدرک على الصحيحين : 2 / 11 / 2155 وفيه «غشَّنا» بدل «غشَّ» ، السنن الكبرى : 5 / 523 / 10733 ؛ الأمالى للسيّد المرتضى : 4 / 75 .
2- .سنن أبى داود : 3 / 272 / 3452 ، مسند ابن حنبل : 3 / 33 / 7296 ، المستدرک على الصحيحين : 2 / 11 / 2153 ، السنن الكبرى : 5 / 523 / 10732 ، مسند الحميدى : 2 / 447 / 1033 والثلاثه الأخيره نحوه ، كنز العمّال : 4 / 158 / 9973 نقلاً عن عبد الرزّاق فى المصنّف .
3- .كنز العمّال : 4 / 159 / 9974 نقلاً عن عبد الرزّاق فى المصنّف .
4- .النفخ فى اللّحم يحتمل وجهين ؛ الأوّل : ما هو الشائع من النفخ فى الجلد لسهوله السّلخ . والثانى : التدليس الذى يفعله بعض النّاس من النفخ فى الجلد الرقيق الذى على اللّحم ليُرى سمينا ؛ وهو أظهر (بحار الأنوار : 58 / 326) .

5- .الغارات : 1 / 112 ، بحار الأنوار : 103 / 102 / 45 وراجع كنز العمّال : 4 / 158 / 9969 .

صحیح المسلم از ابوهریره :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله بر پُشته ای گندم برگذشت و دست در آن فرو برد ؛ انگشتش تر شد ؛ فرمود: «ای صاحب گندم! این تَری چیست؟» گفت: «ای رسول خدا! آب آسمان بر آن باریده است» . فرمود: «پس چرا آن را بالایِ گندم ننهاده ای تا مردم ببینندش؟ هر کس فریبگری کند ، از من نیست» .

سنن أبی داود از ابوهریره :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله بر مردی گذشت که گندم می فروخت . از وی پرسید: «چگونه می فروشی؟» آن مرد چگونگی را باز گفت . به پیامبر وحی شد که دستش را در آن گندم فرو بَرَد . پیامبر چنین کرد و دید که گندم خیس است ؛ فرمود: «هر که نیرنگ ورزد ، از ما نیست» .

کنز العمّال از مکحول :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به مردی برگذشت که گندم می فروخت و خوب و بد را با هم درآمیخته بود . پیامبر به وی فرمود: «چرا چنین کرده ای؟» گفت: «می خواستم رونق بپذیرد» . پیامبر به او فرمود: «هر یک از آن دو را جدا از هم قرار ده . در دین ما فریب راه ندارد» .

الغارات از حارث :علی علیه السلام به بازار درآمد و فرمود: «ای صنف قصّابان! هر یک از شما که در گوشت بدمد [تا آن را فربه نشان دهد] ، از ما نیست» .

.

الكافى عن هشام بن الحكم :كُنتُ أبيعُ السّابِرِىَّ فِى الظِّلالِ ، فَمَرَّ بى أبُو الحَسَنِ موسى علیه السلامفَقالَ لى : يا هِشامُ ، إنَّ البَيعَ فِى الظِّلِّ غِشٌّ ، وإنَّ الغِشَّ لا يَحِلُّ . (1)

4 / 6 4التَّطفيفالكتاب :«وَيْلٌ لِّلْمُطَفِّفِينَ * الَّذِينَ إِذَا اكْتَالُواْ عَلَى النَّاسِ يَسْتَوْفُونَ * وَ إِذَا كَالُوهُمْ أَو وَّزَنُوهُمْ يُخْسِرُونَ . (2) »

«وَ يَقَوْمِ أَوْفُواْ الْمِكْيَالَ وَ الْمِيزَانَ بِالْقِسْطِ وَ لاَ تَبْخَسُواْ النَّاسَ أَشْيَآءَهُمْ وَ لاَ تَعْثَوْاْ فِى الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ . (3) »

«وَ إِلَى مَدْيَنَ أَخَاهُمْ شُعَيْبًا قَالَ يَقَوْمِ اعْبُدُواْ اللَّهَ مَا لَكُم مِّنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ وَ لاَ تَنقُصُواْ الْمِكْيَالَ وَ الْمِيزَانَ إِنِّى أَرَاكُم بِخَيْرٍ . (4) »

.

1- .الكافى : 5 / 160 / 6 ، تهذيب الأحكام : 7 / 13 / 54 ، من لا يحضره الفقيه : 3 / 271 / 3980 وفيه «أبو الحسن الأوّل عليه السلام راكبا» .
2- .المطفّفين : 1 3 .
3- .هود : 85 .
4- .هود : 84 .

4 / 6 4 کم فروشی

الکافی از هشام بن حکم :پارچه سابِری را در سایه می فروختم . حضرت کاظم علیه السلامبر من گذشت و مرا فرمود : «ای هشام! [پارچه] فروختن در سایه ، فریبگری است ؛ و فریب روا نیست» .

4 / 6 - 4کم فروشیقرآن:«وای بر کم فروشان * آنان که چون از مردم پیمانه ستانند ، تمام می ستانند * و چون خود برای آن ها بپیمایند یا بسنجند ، کم می دهند .»

«و ای قوم من! پیمانه و ترازو را به انصاف و داد ، تمام دهید و از مردم چیزهایشان را مکاهید و در زمین به تباهکاری مپویید .»

«و به [اهل] مَدیَن ، برادرشان شُعَیب را [فرستادیم] . گفت : «ای قوم من! خدای یکتا را بپرستید. شما را جز او خدایی نیست. و پیمانه و ترازو را مکاهید. من خیر شما را در این می بینم .»

.

الحديث :رسول اللّه صلى الله عليه و آله :إذا طَفَّفَت اُمَّتى مِكيالَها وميزانَها ، وَاختانوا ، وخَفَرُوا الذِّمَّةَ ، وطَلَبوا بِعَمَلِ الآخِرَهِ الدُّنيا ؛ فَعِندَ ذلِکَ يُزَکّونَ أنفُسَهُم ويُتَوَرَّعُ مِنهُم . (1)

عنه صلى الله عليه و آله :إذا طُفِّفَ المِكيالُ وَالميزانُ أخَذَهُمُ اللّهُ بِالسِّنينَ وَالنَّقصِ . (2)

عنه صلى الله عليه و آله :لَم يَنقُصُوا المِكيالَ وَالميزانَ إلاّ اُخِذوا بِالسِّنينَ ، وشِدَّهِ المَؤونَهِ ، وجَورِ السُّلطانِ . (3)

عنه صلى الله عليه و آله :ما نَقَضَ قَومٌ العَهدَ إلاّ سُلِّطَ عَلَيهِم عَدُوُّهُم . . . ولا طَفَّفُوا المِكيالَ إلاّ مُنِعُوا النَّباتَ واُخِذوا بِالسِّنينَ . (4)

عنه صلى الله عليه و آله :يا مَعشَرَ التُّجّارِ ، إنَّكُم قَد وَليتُم أمرا هَلَکَت فيهِ الاُمَمُ السّالِفَهُ : المِكيالَ وَالميزانَ . (5)

.

1- .النوادر للراوندى : 127 / 151 ، دعائم الإسلام : 2 / 29 / 58 وليس فيه «ويتورّع منهم» ، بحار الأنوار : 103 / 108 / 9 .
2- .الكافى : 2 / 374 / 2 ، ثواب الأعمال : 300 / 1 ، الأمالى للصدوق : 385 / 493 وليس فيهما «والميزان» وكلّها عن أبى حمزه عن الإمام الباقر عليه السلام ، بحار الأنوار : 73 / 369 / 3 وص 372 / 5 .
3- .الكافى : 2 / 373 / 1 عن أبان عن رجل ، ثواب الأعمال : 301 / 2 عن أبان الأحمر ، مشكاه الأنوار : 261 / 772 وكلّها عن الإمام الباقر عليه السلام ، الدعوات : 80 / 197 ، بحار الأنوار : 73 / 367 / 2 ؛ سنن ابن ماجه : 2 / 1333 / 4019 ، المستدرک على الصحيحين : 4 / 583 / 8623 كلاهما عن عبد اللّه بن عمر ، كنز العمّال : 16 / 80 / 44010 .
4- .المعجم الكبير : 11 / 38 / 10992 ، تفسير القرطبى : 19 / 253 كلاهما عن ابن عبّاس ، كنز العمّال : 16 / 79 / 44006 .
5- .السنن الكبرى : 6 / 53 / 11166 ، المستدرک على الصحيحين : 2 / 36 / 2232 نحوه وكلاهما عن ابن عبّاس ، كنز العمّال : 4 / 29 / 9337 ؛ عوالى اللآلى : 1 / 187 / 265 نحوه .

حدیث:پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :امّت من هرگاه پیمانه و ترازوشان را کم نهند و ناراستی ورزند و پیمان شکنی کنند و با کار آخرت به طلب دنیا پردازند ، آن گاه ، خود را بستاید و از آنان دوری شود .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر گاه در پیمانه و ترازو کم نهاده شود ، خداوند آنان را به قحطی و کمبود دچار می کند .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :از پیمانه و ترازو نکاستند ، جز آن که به قحطی و کمیِ درآمد و ستمِ حکمران دچار گشتند .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هیچ قومی پیمانِ [خدا] را نشکستند ، مگر آن که دشمنشان بر آنان تسلّط یافت . . . و از پیمانه کم ننهادند ، جز این که از روییدنی ها بازداشته شدند و به قحطی دچار گشتند .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :ای صنف بازرگانان! همانا به کاری روی کردید که امّت های پیشین در آن هلاک گشتند : [کم نهادن در] پیمانه و ترازو .

.

الإمام زين العابدين عليه السلام :إنَّ أوَّلَ مَن عَمِلَ المِكيالَ وَالميزانَ شُعَيبٌ النَّبِيُّ عليه السلام ؛ عَمِلَهُ بِيَدِهِ ، فَكانوا يَكيلونَ ويوفونَ . ثُمَّ إنَّهُم بَعدُ طَفَّفوا فِى المِكيالِ وبَخَسوا فِى الميزانِ ، فَأَخَذَتهُمُ الرَّجفَةُ فَعُذِّبوا بِها ، فَأصبَحوا فى دِيارِهِم جاثِمينَ . (1)

الإمام الباقر عليه السلام :أنزَلَ (اللّهُ) فِى الكَيلِ «وَيْلٌ لِّلْمُطَفِّفِينَ» ولَم يَجعَلَ الوَيلَ لِأَحَدٍ حَتّى يُسَمِّيَهُ كافِرا ؛ قالَ اللّهُ عز و جل : «فَوَيْلٌ لِّلَّذِينَ كَفَرُواْ مِن مَّشْهَدِ يَوْمٍ عَظِيمٍ (2) » . (3)

الإمام الصادق عليه السلام فى ذِكرِ سَبَبِ هَلاكِ قَومِ شُعَيبٍ عليه السلام : إنَّما أهلَكَهُمُ اللّهُ بِنَقصِ المِكيالِ وَالميزانِ . (4)

عنه عليه السلام:قالَ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله : إنَّ فيكُم خَصلَتَينِ هَلَكَ فيهِما مِن قَبلِكُم اُمَمٌ مِنَ الاُمَمِ . قالوا : وما هُما يا رَسولَ اللّهِ ؟ قالَ : المِكيالُ وَالميزانُ . (5)

4 / 6 5غَبنُ المُستَرسِلِرسول اللّه صلى الله عليه و آله :غَبنُ المُستَرسِلِ حَرامٌ . (6)

.

1- .قصص الأنبياء : 142 / 153 عن سعد الإسكافى ، بحار الأنوار : 12 / 382 / 6 .
2- .مريم : 37 .
3- .الكافى : 2 / 32 / 1 عن محمّد بن سالم ، بحار الأنوار : 69 / 89 / 30 .
4- .تفسير القمّى : 1 / 337 عن أبى بصير ، بحار الأنوار : 12 / 381 / 2 .
5- .قرب الإسناد : 57 / 185 عن صفوان الجمّال عن الإمام الصادق عليه السلام ، بحار الأنوار : 103/107/4 .
6- .المعجم الكبير : 8 / 127 / 7576 ، الفردوس : 3 / 102 / 4284 كلاهما عن أبى اُمامه ، كنز العمّال : 4 / 75 / 9592 .

4 / 6 5 فریفتنِ کسی که به انسان اعتماد کرده است

امام زین العابدین علیه السلام :همانا نخستین کسی که پیمانه و ترازو نهاد ، شعیبِ پیامبر علیه السلام بود که به دست خویش آن را ساخت . آنان آن گاه که پیمانه می نهادند ، اندازه را نگاه می داشتند . سپس ایشان در پیمانه کم نهادند و ترازو را کم گرفتند ؛ پس زلزله ای شدید آنان را فرا گرفت و به آن ، عذاب گشتند و صبحگاهان در سرزمین های خود بیهوش بر زمین افتادند .

امام باقر علیه السلام :خداوند درباره پیمانه ، چنین نازل فرموده است: «وای بر کم فروشان !» . و برای هیچ کس چنین تعبیر نفرموده ، مگر آن که او را کافر خوانده است . خداوند فرموده : «پس وای بر آن ها که کافر شدند ، از دیدار و حضور در روزی بزرگ» .

امام صادق علیه السلام در بیان علّت هلاکت قوم شعیب : جز این نیست که خداوند ایشان را به سبب کم نهادنِ پیمانه و ترازو ، هلاک ساخت .

امام صادق علیه السلام :رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «هر آینه دو ویژگی در شما است که برخی از امّت های پیش از شما به سبب آن دو هلاک شدند» . گفتند : «ای رسول خدا ! آن دو چیستند؟» فرمود : «[کم نهادنِ]پیمانه ؛ و [کم گرفتنِ]ترازو» .

4 / 6 - 5فریفتنِ کسی که به انسان اعتماد کرده استپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :فریفتنِ کسی که به انسان اعتماد کرده ، حرام است .

.

عنه صلى الله عليه و آله :غَبنُ المُستَرسِلِ رِبا . (1)

مسند ابن حنبل عن نافع عن ابن عمر :كانَ رَجُلٌ مِنَ الأَنصارِ لا يَزالُ يُغبَنُ فِى البُيوعِ وكانَت فى لِسانِهِ لوثَةٌ ، فَشَكا إلى رَسولِ اللّهِ صلى الله عليه و آلهما يَلقى مِنَ الغَبنِ ، فَقالَ لَهُ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليهِ و آله : إذا أنتَ بايَعتَ فَقُل : لاخِلابَةَ . قالَ : يَقولُ ابنُ عُمَرَ : فَوَاللّهِ ، لَكَأنّى أسمَعُهُ يُبايِعُ ويَقولُ : لا خِلابَةَ ؛ يُلَجلِجُ بِلِسانِهِ . (2)

الإمام الصادق عليه السلام :غَبنُ المُؤمِنِ حَرامٌ . (3)

4 / 7ما يَنبَغى لِلمُشتَرى ¨4 / 7 1المُماكَسَةُ عِندَ مَخافهِ الغَبنِرسول اللّه صلى الله عليه و آله :المَغبونُ غَيرُ مَحمودٍ ولا مَأجورٍ . (4)

.

1- .السنن الكبرى : 5 / 571 / 10925 عن الإمام الصادق عن أبيه عن الإمام علىّ عليهم السلام وعن أنس وح 10924 عن جابر ، كنز العمّال : 4 / 75 / 9591 ؛ من لا يحضره الفقيه : 3 / 272 / 3983 عن عمرو بن جميع عن الإمام الصادق عليه السلام ، تحف العقول : 268/36 عن الإمام زين العابدين عليه السلام ، بحار الأنوار: 103/104/57 .
2- .مسند ابن حنبل : 2 / 486 / 6142 ، سنن النسائى : 7 / 252 ، السنن الكبرى : 5 / 449 / 10459 كلاهما نحوه .
3- .الكافى: 5/153/15، تهذيب الأحكام: 7/7/22 كلاهما عن ميسّر، من لا يحضره الفقيه: 3/272/3982.
4- .الخصال : 10 / 621 عن أبى بصير ومحمّد بن مسلم عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام ، عيون أخبار الرضا عليه السلام : 2 / 48 / 184 عن داود بن سليمان عن الإمام الرضا عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه و آله ، تحف العقول : 111 عن الإمام علىّ عليه السلام وفيه «محاور» بدل «مأجور» ؛ المعجم الكبير : 3 / 83 / 2732 عن الإمام الحسن عن أبيه عليهماالسلامعن جدّه صلى الله عليه و آله ، مسند أبى يعلى : 6 / 182 / 6750 عن أبى هشام القنّاد عن الإمام الحسين عليه السلام يرفعه إلى النبىّ صلى الله عليه و آله ، تاريخ بغداد : 4 / 212 / 1901 عن عيينه عن الإمام علىّ عليه السلامعنه صلى الله عليه و آله .

4 / 7 آن چه مشتری را رَوا است

4 / 7 1 چانه زدن به هنگام بیم از فریب

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :نیرنگ ورزیدن با کسی که به انسان اعتماد کرده ، رباخواری به شمار می آید .

مسند ابن حنبل از نافع از ابن عمر :مردی از انصار که زبانش لکنت داشت ، همواره در معاملات فریفته می شد . پس نزد رسول خدا صلی الله علیه و آلهاز فریب خوردن هایش نالید . پیامبر صلی الله علیه و آلهبه وی فرمود : «هرگاه معامله می کنی ، بگو: نیرنگی مباد! » [راوی]گفت : «ابن عمر می گوید : به خدا سوگند! گویی هنوز می شنوم که او معامله می کند و با زبانِ گرفته می گوید: نیرنگی مباد! » .

امام صادق علیه السلام :فریفتنِ مؤمن حرام است .

4 / 7آن چه مشتری را رَوا است4 / 7 - 1چانه زدن به هنگام بیم از فریبپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :فریفته شده [در معامله] ، نه ستوده است و نه پاداش دارد .

.

الإمام علىّ عليه السلام :ماكِس عَن دِرهَمَيکَ ؛ فَإِنَّ المَغبونَ لا مَحمودٌ ولا مَأجورٌ . (1)

الإمام الباقر عليه السلام :ماكِسِ المُشتَرِىَ ؛ فَإِنَّهُ أطيَبُ لِلنَّفسِ وإن أعطَى الجَزيلَ ؛ فَإِنَّ المَغبونَ فى بَيعِهِ وشِرائِهِ غَيرُ مَحمودٍ ولا مَأجورٍ . (2)

روضه الواعظين عن الأصبغ بن نباته :أتى أميرُ المُؤمِنينَ عليه السلام ومَعَهُ قَنبَرٌ البَزّازينَ ، فَساوَمَ رَجُلاً بِثَوبَينِ ، فَقالَ : بِعنى ثَوبَينِ ، فَقالَ الرَّجُلُ : يا أميرَ المُؤمِنينَ ، عِندى حاجَتُکَ ، فَلَمّا عَرَفَهُ انصَرَفَ حَتّى أتى غُلاما ، فَقالَ : بِعنى ثَوبَينِ ، فَماكَسَهُ الغُلامُ حَتّى اتَّفَقا عَلى سَبعَهِ دَراهِمَ ؛ ثَوبا بِأربَعَهِ دَراهِمَ وثَوبا بِثَلاثَهِ دَراهِمَ ، وقالَ لِغُلامِهِ قَنبَرٍ : اِختَرِ الثَّوبَينِ ، فَاختارَ الَّذى بِأربَعَهٍ ، ولَبِسَ الَّذى بِثَلاثَهٍ وقالَ : الحَمدُ لِلّهِ الَّذى رَزَقَنى ما أُوارى بِهِ عَورَتى ، وأتَجَمَّلُ بِهِ فى خَلقِهِ . ثُمَّ أتَى المَسجِدَ ، فَكَوَّمَ كومَهً مِن حَصىً فَاستَلقى عَلَيها ، فَجاءَ أبُو الغُلامِ فَقالَ : إنَّ ابنى لَم يَعرِفکَ ، وهذانِ الدِّرهَمانِ رِبحُهُما فَخُذهُما ، فَقالَ عليه السلام : ما كُنتُ لِأفعَلَ ؛ فَقَد ماكَستُهُ وماكَسَنى وَاتَّفَقنا عَلى رِضا . (3)

تاريخ بغداد عن أبو هشام القنّاد البصرىّ :كُنتُ أحمِلُ المَتاعَ مِنَ البَصرَهِ إلَى الحُسَينِ بنِ عَلِىِّ ابنِ أبى طالِبٍ عليهماالسلام ، فَكانَ رُبَّما يُماكِسُنى فيهِ فَلَعَلّى لا أقومُ مِن عِندِهِ حَتّى يَهَبَ عامَّتَهُ ! قُلتُ : يَابنَ رَسولِ اللّهِ ، أجيؤُکَ بِالمَتاعِ مِنَ البَصرَهِ تُماكِسُنى فيهِ فَلَعَلّى لا أقومُ حَتّى تَهَبَ عامَّتَهُ !؟ فَقالَ : إنَّ أبى حَدَّثَنى يَرفَعُ الحَديثَ إلَى النَّبِىِّ صلى الله عليه و آله أنَّهُ قالَ : المَغبونُ لا مَحمودٌ ولا مَأجورٌ . (4)

.

1- .ربيع الأبرار : 4 / 139 .
2- .من لا يحضره الفقيه : 3 / 197 / 3742 .
3- .روضه الواعظين : 121 .
4- .تاريخ بغداد : 4 / 180 / 1863 ، تاريخ دمشق : 14 / 112 / 3403 .

امام علی علیه السلام :برای دو درهمت چانه بزن [تا فریفته نشوی] ؛ زیرا فریفته شده نه ستوده است و نه پاداش می یابد .

امام باقر علیه السلام :با خریدار چانه بزن [تا فریفته نشوی] که این کار برای انسان نیکوتر است هر چند وی مبلغی گزاف دهد ؛ زیرا آن که در فروش و خریدش فریفته شده ، نه ستودنی است و نه پاداش دادنی .

روضه الواعظین از اصبغ بن نباته :امیرالمؤمنین علیه السلام ، همراهِ قنبر ، به سرای پارچه فروشان آمد و با مردی برای خرید دو جامه مذاکره کرد . فرمود : «مرا دو جامه بفروش» . مرد گفت: «ای امیرالمؤمنین! آن چه می خواهی نزد من است» . چون آن مرد حضرت را شناخت [معامله سر نگرفت و] حضرت رفت تا به پسرکی رسید و گفت: «مرا دو جامه بفروش» . پسرک با او چانه زد تا بر هفت درهم توافق کردند ؛ جامه ای به چهار درهم و جامه دیگر به سه درهم . سپس به خدمتکارش ، قنبر ، فرمود: «یکی از دو جامه را برگزین» . قنبر آن یک را برگزید که چهار درهم بود و امام ، خود ، آن جامه را پوشید که سه درهم بود و فرمود: «سپاس خدای را که به من جامه ای عطا فرمود تا شرمگاه خود را با آن بپوشانم و در میان آفریدگانش به زیبایی درآیم» . سپس راهیِ مسجد شد و پشته ای سنگریزه فراهم آورد و بر آن آرمید . در این حال ، پدر آن پسرک در رسید و گفت: «پسر من ، شما را نشناخته بود . این دو درهم ، سود آن دو جامه است ؛ باز ستان!» امام فرمود : «من کسی نیستم که چنین کنم . من چانه زدم و او چانه زد و با خشنودی به توافق رسیدیم» .

تاریخ بغداد از ابوهشام قنّاد بصری :من از بصره برای حسین بن علیّ بن ابی طالب علیه السلامکالا می آوردم . بسا که وی با من چانه می زد و هنوز برنخاسته بودم که همه آن [مقدار تخفیف گرفته] را به من می بخشید . گفتم: «ای پسر رسول خدا! از بصره برایت کالا می آورم ؛ با من چانه می زنی ؛ و هنوز برنخاسته ام که همه آن را به من می بخشی!» فرمود: «پدرم روایتی از پیامبر صلی الله علیه و آله برایم خواند که فریفته شده نه ستودنی است و نه پاداش دادنی» .

.

الكافى عن سواده :كُنّا جَماعَةً بِمِنى فَعَزَّتِ الأَضاحِىُّ ، فَنَظَرنا فَإِذا أبو عَبدِ اللّهِ عليه السلام واقِفٌ عَلى قَطيعٍ يُساوِمُ بِغَنَمٍ ويُماكِسُهُم مِكاسا شَديدا ، فَوَقَفنا نَنتَظِرُ ، فَلَمّا فَرَغَ أقبَلَ عَلَينا ، فَقالَ : أظُنُّكُم قَد تَعَجَّبتُم مِن مِكاسى؟ فَقُلنا : نَعَم ، فَقالَ : إنَّ المَغبونَ لا مَحمودٌ ولا مَأجورٌ . (1)

الكافى عن علىّ بن أبى عبد اللّه عن الحسين بن يزيد :سَمِعتُ أبا عَبدِ اللّهِ عليه السلاميَقولُ : وقَد قالَ لَهُ أبو حَنيفَةَ : عَجِبَ النّاسُ مِنكَ أمسِ وأنتَ بِعَرَفَةَ تُماكِسُ بِبَدَنِكَ أشَدَّ مِكاسا يَكونُ : وما لِلّهِ مِنَ الرِّضا أن اُغبَنَ فى مالى؟ قالَ : فَقالَ أبو حَنيفَةَ : لا وَاللّهِ ، ما لِلّهِ فى هذا مِنَ الرِّضا قَليلٌ ولا كَثيرٌ ، وما نَجيؤُكَ بِشَىءٍ إلاّ جِئتَنا بِما لا مَخرَجَ لَنا مِنهُ ! (2)

4 / 7 2الدُّعاءُ عِندَ الاِشتِراءِالكافى عن معاويه بن عمّار عن الإمام الصادق عليه السلام :إذا أرَدتَ أن تَشتَرِىَ شَيئا فَقُل : يا حَىُّ يا قَيّومُ يا دائِمُ ، يا رَؤوفُ يا رَحيمُ ، أسأَلُكَ بِعِزَّتِكَ وقُدرَتِكَ وما أحاطَ بِهِ عِلمُكَ أن تَقسِمَ لى مِنَ التِّجارَهِ اليَومَ أعظَمَها رِزقا ، وأوسَعَها فَضلاً ، وخَيرَها عاقِبَةً ؛ فَإِنَّهُ لا خَيرَ فى ما لا عاقِبَةَ لَهُ . وقالَ أبو عَبدِ اللّهِ عليه السلام : إذَا اشتَرَيتَ دابَّةً أو رَأسا فَقُل : اللّهُمَّ اقدِر لى أطوَلَها حَياةً ، وأكثَرَها مَنفَعَةً ، وخَيرَها عاقِبَةً . (3)

.

1- .الكافى : 4 / 496 / 3 ، تهذيب الأحكام : 5 / 209 / 702 .
2- .الكافى : 4 / 546 / 30 .
3- .الكافى : 5 / 157 / 3 ، تهذيب الأحكام : 7 / 10 / 34 .

الکافی از سواده :گروهی بودیم در مِنا ؛ قربانی ها کم شدند . دیدیم که امام صادق علیه السلامکنار دسته ای گوسفند ایستاده ، بر قیمت گوسفندی به سختی چانه می زند . ما ایستاده ، انتظار می کشیدیم . چون فراغت یافت ، نزد ما آمد و فرمود: «گمان می کنم از چانه زدن من شگفت زده شده اید!» گفتیم: «آری» . فرمود : «همانا فریفته شده نه ستودنی است و نه پاداش دادنی» .

الکافی از علی بن ابی عبداللّه از حسین بن یزید :ابوحنیفه به امام صادق علیه السلامگفته بود: «مردم دیروز در عرفات از تو بسیار شگفت زده شدند که بر قیمت قربانی ات به سخت ترین وجه ممکن ، چانه می زدی!» شنیدم که امام صادق علیه السلام [در پاسخ او]می فرماید: «آیا خدا خشنود است که من در مال خود زیان بینم؟» [راوی]گفت: «ابو حنیفه پاسخ داد : نه ، به خدا سوگند! خدای از این کار ، نه کم و نه زیاد ، خرسند نیست . ما هرگز مطلبی را نزد تو نمی آوریم ، مگر این که پاسخی به ما می دهی که راه گریز برایمان نمی مانَد » .

4 / 7 - 2دعا به هنگام خریدالکافی از معاویه بن عمّار از امام صادق علیه السلام :هرگاه خواستی چیزی بخری بگو : «ای زنده ، ای پابرجای ، ای همیشگی ، ای مهرورز ، ای مهربان! تو را به سرافرازی و توانمندی و گستره دانشت سوگند می دهم که امروز از این داد و ستد ، بیش ترین روزی و برترین نعمت و بهترین فرجام را نصیب من فرما ؛ که در آن چه فرجامِ [خوب] ندارد ، خیری نیست» . و [نیز] امام صادق علیه السلام فرمود: «هر گاه چهارپا یا دامی خریدی ، بگو : «بار خدایا! دراز عُمرترین ، پرسودترین ، و نیک فرجام ترینش را نصیب من فرما» .

.

4 / 7 3اِختِيارُ الجَيِّدِالكافى عن عاصم بن حميد :قالَ لى أبو عَبدِ اللّهِ عليه السلام : أىُّ شَىءٍ تُعالِجُ؟ قُلتُ : أبيعُ الطَّعامَ ، فَقالَ لى : اِشتَرِ الجَيِّدَ وبِعِ الجَيِّدَ ؛ فَإِنَّ الجَيِّدَ إذا بِعتَهُ قيلَ لَهُ : بارَکَ اللّهُ فيکَ وفى مَن باعَکَ . (1)

4 / 8جَوامِعُ آدابِ المُعامَلَهرسول اللّه صلى الله عليه و آله :مَن باعَ وَاشتَرى فَليَحفَظ خَمسَ خِصالٍ وإلاّ فَلا يَشتَرِيَنَّ ولا يَبيعَنَّ : الرِّبا ، وَالحَلفَ ، وكِتمانَ العَيبِ ، وَالحَمدَ إذا باعَ ، وَالذَّمَّ إذَا اشتَرى . (2)

عنه صلى الله عليه و آله :إنَّ أطيَبَ الكَسبِ كَسبُ التُّجّارِ الَّذينَ إذا حَدَّثوا لَم يَكذِبوا ، وإذَا ائتُمِنوا لَم يَخونوا ، وإذا وَعَدوا لَم يُخلِفوا ، وإذَا اشتَرَوا لَم يَذُمّوا ، وإذا باعوا لَم يُطروا ، وإذا كانَ عَلَيهِم لَم يَمطُلوا ، وإذا كانَ لَهُم لَم يُعَسِّروا . (3)

.

1- .الكافى : 5 / 202 / 2 .
2- .الكافى : 5 / 150 / 2 ، تهذيب الأحكام : 7 / 6 / 18 كلاهما عن السكونى عن الإمام الصادق عليه السلام ، الخصال : 286 / 37 عن السكونى عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه و آلهوفيه «فليجتنب» بدل «فليحفظ» و«المدح» بدل «الحمد» ، من لا يحضره الفقيه : 3 / 194 / 3727 ، الفقه المنسوب للإمام الرضا عليه السلام : 250 وفيهما «المدح» بدل «الحمد» .
3- .شُعب الإيمان : 4 / 221 / 4854 ، الفردوس : 1 / 217 / 832 نحوه وكلاهما عن معاذ بن جبل، كنز العمّال : 4 / 30 / 9340 و 9341 .

4 / 7 3 نیکو گزینی

4 / 7 4 جُنگ آدابِ معامله

4 / 7 - 3نیکو گزینیالکافی از عاصم بن حمید:امام صادق علیه السلام مرا فرمود: «چه می کنی؟» گفتم: «خوراک می فروشم» . فرمود: «نیکو را بخر و نیکو را بفروش ؛ که اگر نیکو را بفروشی ، به پاس آن ، گفته می شود: خدای تو را برکت دهاد و نیز آن کس را که به تو فروخت » .

4 / 7 - 4جُنگ آدابِ معاملهپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر کس فروش و خرید می کند ، باید از پنج خصلت دور باشد وگرنه ، هرگز نباید بفروشد و بخرد : رباخواری ، سوگند خوری ، عیب پوشی ، بازارگرمی به هنگام فروش ، و بر سرِ مال زدن به هنگام خرید .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :همانا پاکیزه ترین پیشه ، پیشه بازرگانانی است که چون سخن گویند ، لب به دروغ نگشایند ؛ هر گاه امین شمرده شوند ، خیانت نورزند ؛ زمانی که وعده دهند ، پیمان نشکنند ؛ چون بخرند ، بر سرِ مال نزنند ؛ چون بفروشند ، بازار گرمی نکنند ؛ هر گاه مدیون شوند ، [در پرداخت دین] امروز و فردا نکنند ؛ و هر گاه طلبکار شدند ، [بر بدهکار] تنگ نگیرند .

.

عنه صلى الله عليه و آله :أربَعٌ مَن كُنَّ فيهِ فَقَد طابَ مَكسَبُهُ : إذَا اشتَرى لَم يَعِب ، وإذا باعَ لَم يَحمَد ، ولا يُدَلِّسُ ، وفى ما بَينَ ذلِکَ لا يَحلِفُ . (1)

عنه صلى الله عليه و آله :لا يَبِع حاضِرٌ لِبادٍ ، دَعُوا النّاسَ يَرزُقِ اللّهُ بَعضَهُم مِن بَعضٍ . (2)

عنه صلى الله عليه و آله :لا يُتَلَقَّى الرُّكبانُ لِبَيعٍ ، ولا يَبِع بَعضُكُم عَلى بَيعِ بَعضٍ ، ولا تَناجَشوا ، ولا يَبِع حاضِرٌ لِبادٍ ، ولا تُصَرُّوا الإبِلَ وَالغَنَمَ ؛ فَمَنِ ابتاعَها بَعدَ ذلِکَ فَهُوَ بِخَيرِ النَّظَرَينِ بَعدَ أن يَحلُبَها ؛ فَإن رَضِيَها أمسَکَها ، وإن سَخِطَها رَدَّها وصاعا مِن تَمرٍ . (3)

عنه صلى الله عليه و آله :مَن باعَ عَيبا لَم يُبَيِّنهُ لَم يَزَل فى مَقتِ اللّهِ ، ولَم تَزَلِ المَلائِکَةُ تَلعَنُهُ . (4)

.

1- .الكافى : 5 / 153 / 18 عن أبى أُمامه وراجع الفردوس : 2 / 79 / 2449 .
2- .صحيح مسلم : 3 / 1157 / 20 ، سنن الترمذى : 3 / 526 / 1223 ، سنن النسائى : 7 / 256 ، سنن ابن ماجه : 2 / 734 / 2176 ، مسند ابن حنبل : 5 / 36 / 14295 كلّها عن جابر ، كنز العمّال : 4/64/9527 ؛ الكافى : 5 / 168 / 1 ، تهذيب الأحكام : 7 / 158 / 697 كلاهما عن عروه بن عبد اللّه عن الإمام الباقر عليه السلام عنه صلى الله عليه و آلهوفيهما «والمسلمون» بدل «دعوا الناس» ، من لا يحضره الفقيه : 3 / 273 / 3988 وفيه «ذروا المسلمين» بدل «دعوا الناس» ، بحار الأنوار : 103 / 88 / 6 .
3- .صحيح مسلم: 3/1155/11 ، السنن الكبرى : 5/566/10901 ، سنن أبى داود : 3 / 270/3443 وليس فيه «ولا تناجشوا ، ولا يبع حاضر لباد» ، مسند ابن حنبل : 3 / 494 / 10011 وفيهما «تلقّوا» بدل «يتلقّى» وكلّها عن أبى هريره ، كنز العمّال : 4 / 65 / 9531 .
4- .سنن ابن ماجه : 2 / 755 / 2247 ، مشكاه المصابيح : 2 / 100 / 2874 وفيه «ينبّه» بدل «يبيّنه» وكلاهما عن واثله بن الأسقع ، كنز العمّال : 4 / 59 / 9501 .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر کس چهار ویژگی داشته باشد ، کسب و کارش پاکیزه است: به هنگام خرید ، بر سرِ مال نزند ؛ به هنگام فروش ، بازارگرمی نکند ؛ عیب را نپوشد ؛ و در میانه این کارها سوگند نخورَد .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :ساکن شهر یا روستا نباید به بادیه نشین چیزی بفروشد ؛ بگذارید تا خدای روزی برخی از مردم را به دست برخی دیگر دهد .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :سواران خرید و فروش نکنند ؛ هیچ یک از شما بر معامله دیگری درنیاید ؛ قیمت کالا را در رقابت با هم بالا نبرید ؛ ساکن شهر یا روستا برای بادیه نشین چیزی نفروشد ؛ (1) به هنگام فروش شتر یا گوسفند ، شیر را در پستان وی گرد نیاورید [تا مشتری فریفته نشود] ؛ که هر کس چنین حیوانی را بخرد ، بعد از این که آن را دوشید ، مختار است که یکی از این دو کار را بکند : اگر پسندید ، آن را نگاه دارد ؛ و اگر نپسندید ، بازش گردانَد و یک من خرما بدهد .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر کس ، چیزی عیب دار را بفروشد و عیبش را نگوید ، همواره در عذاب خدا است و فرشتگان پیوسته لعنتش می کنند .

.

1- .منظور آن است که ساکنان شهر و روستا ، اختیار اموال بادیه نشین را در دست نگیرند و در خرید و فروش برای او تصمیم نگیرند . [ر .ک : السرائر ، ابن ادریس : ج2 ، ص236 .]

عنه صلى الله عليه و آله :المُسلِمُ أخُو المُسلِمِ ، ولا يَحِلُّ لِمُسلِمٍ باعَ مِن أخيهِ بَيعا فيهِ عَيبٌ إلاّ بَيَّنَهُ لَهُ . (1)

عنه صلى الله عليه و آله :كِتمانُ البائِعِ عَيبَ ما باعَهُ غِشٌّ . . . لا يَحِلُّ لِمُسلِمٍ أن يَبيعَ مِن أخيهِ بَيعا يَعلَمُ فيهِ عَيبا إلاّ بَيَّنَهُ ، ولا يَحِلُّ لِغَيرِهِ إن عَلِمَ ذلِكَ العَيبَ أن يَكتُمَهُ عَنِ المُشتَرى إذا راهُ اشتَراهُ ولَم يَعلَم بِهِ . (2)

عنه صلى الله عليه و آله :أيُّهَا النّاسُ احفَظوا : لا تَحتَكِروا ، ولا تَناجَشوا ، ولا تَلَقَّوُا السِّلَعَ . (3)

الإمام علىّ عليه السلام :مَعاشِرَ التُّجّارِ ، اِجتَنِبوا خَمسَةَ أشياءَ : مَدحَ البائِعِ ، وذَمَّ المُشتَرِي ، وَاليَمينَ عَلَى البَيعِ ، وكِتمانَ العُيوبِ ، وَالرِّبا ؛ يَصِحَّ لَكُمُ الحَلالُ ، وتَتَخَلَّصوا بِذلِكَ مِنَ الحَرامِ . (4)

فتح الأبواب عن أحمد بن محمّد بن يحيى :أرادَ بَعضُ أولِيائِنَا الخُروجَ لِلتِّجارَةِ ، فَقالَ : لا أخرُجُ حَتّى آتِيَ جَعفَرَ بنَ مُحَمَّدٍ عليهماالسلامفَاُسَلِّمَ عَلَيهِ ، وأستَشيرَهُ فى أمرى هذا ، وأسأَلَهُ الدُّعاءَ لى . قالَ : فَأتاهُ فَقالَ : يَابنَ رَسولِ اللّهِ ، إنّى عَزَمتُ عَلَى الخُروجِ لِلتِّجارَةِ ، وإنّى آلَيتُ عَلى نَفسى أن لا أخرُجَ حَتّى ألقاكَ وأستَشيرَكَ ،وأسأَلَكَ الدُّعاءَ لى . قالَ : فَدَعا لى ، وقالَ عليه السلام : عَلَيكَ بِصِدقِ اللِّسانِ فى حَديثِكَ ، ولا تَكتُم عَيبا يَكونُ فى تِجارَتِكَ ، ولا تَغبِنِ المُسترسِلَ ؛ فَإنَّ غَبنَهُ رِبا ، ولا تَرضَ لِلنّاسِ إلاّ ما تَرضاهُ لِنَفسِكَ ، وأعطِ الحَقَّ وخُذهُ ، ولا تُخفِ ، ولا تَخُن ؛ فَإنَّ النّاجِرَ الصَّدوقَ مَعَ السَّفَرَةِ الكِرامِ البَرَرَةِ يَومَ القِيامَةِ ، وَاجتَنِبِ الحَلفَ ؛ فَإنَّ اليَمينَ الفاجِرَةَ تورِثُ صاحِبَهَا النّارَ ، وَالتّاجِرُ فاجِرٌ إلاّ مَن أعطَى الحَقَّ وأخَذَهُ . (5)

.

1- .سنن ابن ماجه : 2 / 755 / 2246 ، المستدرک على الصحيحين : 2 / 10 / 2152 ، السنن الكبرى : 5 / 523 / 10734 كلّها عن عقبه بن عامر الجهنى ، كنز العمّال : 4 / 59 / 9502 .
2- .دعائم الإسلام : 2 / 47 / 115 .
3- .المعجم الكبير : 22 / 382 / 952 عن زامل بن عمرو عن أبيه عن جدّه ، كنز العمّال : 4 / 178 / 10056 .

4- .المقنعه : 591 ، معدن الجواهر : 50 .
5- .فتح الأبواب : 160 ، بحار الأنوار : 91 / 235 / 1 .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :مسلمان ، برادرِ مسلمان است و مسلمان را سزاوار نیست که به برادرش چیزی معیوب بفروشد و عیبش را به وی نگوید .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :این که فروشنده ، عیب آن چه را می فروشد پنهان کند ، فریبگری است . . . مسلمان را روا نیست که به برادرش چیزی بفروشد که عیبش را می داند ، مگر این که آن عیب را به مشتری بنمایانَد ؛ و [نیز] غیرِ فروشنده را روا نیست که اگر آن عیب را می داند و می بیند که مشتریِ نادانسته آن چیز را می خرد ، عیب را به او نگوید .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :ای مردم! [این ها را] به خاطر بسپارید : احتکار نکنید ؛ در رقابت با یکدیگر ، قیمت را بالا نبرید ؛ و کالا را [با بازارگرمی] عرضه نکنید .

امام علی علیه السلام :ای صنف تاجران! از پنج چیز بپرهیزید : این که فروشنده کالای خود را بستاید ؛ این که مشتری کالا را نکوهش کند ؛ سوگند خوردن بر معامله ؛ عیب پوشی ؛ و ربا خواری . بدین سان ، [معامله]حلال برای شما راست می گردد ؛ و با آن از حرام رهایی یابید .

فتح الأبواب از احمد بن محمّد بن یحیی :یکی از دوستان ما قصد کرد که برای تجارت روانه گردد ؛ گفت: «روانه نمی شوم تا نزد جعفر بن محمّد روم و او را سلام دهم و در این کار با او مشورت کنم و از وی طلب دعا نمایم» . [راوی] گفت: پس نزد امام رفت و گفت: «ای پسرِ رسول خدا! من قصد کرده ام که برای تجارت روانه شوم و بر خویش سوگند خورده ام که روان نشوم تا شما را دیدار کنم و با شما مشورت نمایم و از شما طلب دعا نمایم» . گفت: «پس برایم دعا کرد و آن گاه ، فرمود: بر تو باد راست گفتاری ؛ و عیبی را که در کالای تو است ، مپوشان ؛ و آن را که به تو اعتماد ورزیده ، مفریب که فریفتنِ او [در حکم]رباخواری است ؛ و برای مردم جز آن چه را که برای خویشتن می پسندی ، مپسند ؛ و حق را بده و بستان ؛ و [حقیقت را] مپوشان و خیانت نورز ؛ که بازرگان راستی پیشه در روز قیامت ، همراه فرشتگان بزرگوار نیکومرام خواهد بود ؛ و از سوگند بپرهیز ، که سوگند ناروا برای سوگند خورده آتش بر جای می نهد . و بازرگان ، بدکار است ، مگر آن کس که حق را بدهد و حق را بستاند .

صحیح البخاری :نَهی رَسولُ اللّهِ صلی الله علیه و آله أن یَبیعَ حاضِرٌ لِبادٍ . و[قال :]لا تَناجَشوا ، ولا یَبیعُ الرَّجُلُ عَلی بَیعِ أخیهِ . (1)

.

1- .صحیح البخاری : 2 / 752 / 2033 ، صحیح مسلم : 2 / 1033 / 52 ، سنن النسائی : 7 / 259 ، مسند ابن حنبل : 3 / 105 / 7704 کلّها نحوه ، کنز العمّال : 4 / 64 / 9528 .

صحیح بخاری :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله نهی فرمود که ساکن شهر یا روستا ، به بادیه نشین چیزی بفروشد ؛ و [فرمود:] در رقابت با یکدیگر ، قیمت را بالا نبرید ؛ و کسی بر معامله برادر [مسلمان]اش درنیاید .

.

الفصل الخامس: الاستهلاک5 / 1ما يَنبَغي فِی استِهلاکِ الأَموالِ الخاصَّهِ5 / 1 1الاِستِهلاکُ بِقَدرِ الحاجَهِالکتاب :«هُوَ الَّذِی جَعَلَ لَکُمُ الْأَرْضَ ذَلُولاً فَامْشُواْ فِی مَنَاکِبِهَا وَ کُلُواْ مِن رِّزْقِهِ وَ إِلَیْهِ النُّشُورُ . (1) »

«وَ جَعَلْنَا فِیهَا جَنَّتٍ مِّن نَّخِیلٍ وَ أَعْنَبٍ وَ فَجَّرْنَا فِیهَا مِنَ الْعُیُونِ * لِیَأْکُلُواْ مِن ثَمَرِهِ وَ مَا عَمِلَتْهُ أَیْدِیهِمْ أَ فَلاَ یَشْکُرُونَ . (2) »

«لَقَدْ کَانَ لِسَبَإٍ فِی مَسْکَنِهِمْ ءَایَهٌ جَنَّتَانِ عَن یَمِینٍ وَ شِمَالٍ کُلُواْ مِن رِّزْقِ رَبِّکُمْ وَ اشْکُرُواْ لَهُ بَلْدَهٌ طَیِّبَهٌ وَ رَبٌّ غَفُورٌ . (3) »

.

1- .الملک : 15 .
2- .یس : 34 و 35 .
3- .سبأ : 15 .

فصل پنجم : مصرف

5 / 1 آن چه در مصرف دارایی های خصوصی روا است

5 / 1 1 مصرف به اندازه نیاز

فصل پنجم: مصرف5 / 1آن چه در مصرف دارایی های خصوصی روا است5 / 1 - 1مصرف به اندازه نیازقرآن:«او است که زمین را برای شما رام کرد؛ پس در اطراف و کناره های آن ، راه روید و از روزی او بخورید؛ و بدانید که برانگیختن [در روز رستاخیز] به سوی او است.»

«و در آن ، بوستان هایی از درخت خرما و انگور پدید کردیم و در آن ، چشمه ها روان ساختیم * تا از میوه آن بخورند و از آن چه به دست های خود کار کرده اند. پس آیا سپاس نمی گزارند؟»

«هر آینه مردم سَبا را در جای سکونتشان ، نشانه ای [از قدرت و نعمت ما] بود : دو بوستان ، از دست راست و از دست چپ. [گفتیم:] از روزیِ پروردگارتان بخورید و او را سپاس گزارید؛ شهری است خوش [و پُر نعمت] و خداوندی آمرزگار .»

«پس ، از آن چه خدا روزی تان کرده ، حلال و پاکیزه بخورید و نعمت خدای را سپاس بدارید ، اگر او را می پرستید و بس .»

.

«فَكُلُواْ مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ حَلَالاً طَيِّبًا وَ اشْكُرُواْ نِعْمَتَ اللَّهِ إِن كُنتُمْ إِيَّاهُ تَعْبُدُونَ . (1) »

«كُلُواْ مِن طَيِّبَتِ مَا رَزَقْنَكُمْ وَ لاَ تَطْغَوْاْ فِيهِ فَيَحِلَّ عَلَيْكُمْ غَضَبِى وَ مَن يَحْلِلْ عَلَيْهِ غَضَبِى فَقَدْ هَوَى . (2) »

«يَأَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُواْ كُلُواْ مِن طَيِّبَتِ مَا رَزَقْنَكُمْ وَ اشْكُرُواْ لِلَّهِ إِن كُنتُمْ إِيَّاهُ تَعْبُدُونَ . (3) »

الحديث :الكافى عن صالح بن أبى حمّاد وأحمد بن محمّد عن الإمام علىّ عليه السلام فِياحتِجاجِهِ عَلى عاصِمِ بنِ زِيادٍ حينَ لَبِسَ العَباءَ وتَرَكَ المُلاءَ ، وشَكاهُ أخوهُ الرَّبيعُ بنُ زِيادٍ أنَّهُ قَد غَمَّ أهلَهُ وأحزَنَ وَلَدَهُ بِذلِكَ ، فَقالَ أميرُ المُؤمِنينَ عليه السلام : عَلَىَّ بِعاصِمِ ابنِ زِيادٍ! فَجىءَ بِهِ ، فَلَمّا رَآهُ عَبَسَ وَجهَهُ فَقالَ لَهُ : أمَا استَحيَيتَ مِن أهلِكَ ؟! أما رَحِمتَ وَلَدَكَ ؟! أتَرَى اللّهَ أحَلَّ لَكَ الطَّيِّباتِ وهُوَ يَكرَهُ أخذَكَ مِنها ؟! أنتَ أهوَنُ عَلَى اللّهِ مِن ذلِكَ! أوَلَيسَ اللّهُ يَقولُ : «وَ الْأَرْضَ وَضَعَهَا لِلْأَنَامِ * فِيهَا فَكِهَةٌ وَ النَّخْلُ ذَاتُ الْأَكْمَامِ» ؟! (4) أوَلَيسَ (اللّهُ) يَقولُ: «مَرَجَ الْبَحْرَيْنِ يَلْتَقِيَانِ * بَيْنَهُمَا بَرْزَخٌ لاَّ يَبْغِيَانِ إلى قوله : يَخْرُجُ مِنْهُمَا اللُّؤْلُؤُ وَ الْمَرْجَانُ» ؟! (5) فَبِاللّهِ لاَبتِذالُ نِعَمِ اللّهِ بِالفِعالِ أحَبُّ إلَيهِ مِن ابتِذالِها بِالمَقالِ ، وقَد قالَ اللّهُ عز و جل : «وَ أَمَّا بِنِعْمَةِ رَبِّكَ فَحَدِّثْ . (6) » فَقالَ عاصِمٌ : يا أميرَ المُؤمِنينَ ، فَعَلامَ اقتَصَرتَ فى مَطعَمِكَ عَلَى الجُشوبَهِ وفى مَلبَسِكَ عَلَى الخُشونَهِ ؟ فَقالَ : وَيحَكَ! إنَّ اللّهَ عز و جل فَرَضَ عَلى أئِمَّهِ العَدلِ أن يُقَدِّروا أنفُسَهُم بِضَعَفَهِ النّاسِ كَيلا يَتَبَيَّغَ بِالفَقيرِ فَقرُهُ . فَألقى عاصِمُ بنُ زِيادٍ العَباءَ ولَبِسَ المُلاءَ . (7)

.

1- .النحل : 114 .
2- .طه : 81 .
3- .البقره : 172 .
4- .الرحمن : 10 و 11 .
5- .الرحمن : 19 22 .
6- .الضحى : 11 .

7- .الكافى : 1 / 410 / 3 ، نهج البلاغه : الخطبه 209 نحوه ، بحار الأنوار : 40 / 336 / 19 وج 70 / 118 / 8 .

«از پاکیزه هایی که روزی تان کردیم ، بخورید و در آن ، از اندازه مگذرید که خشم من بر شما فرود آید؛ و هر که خشم من بر او فرود آید ، بی گمان هلاک شود .»

«ای کسانی که ایمان آورده اید! از چیزهای پاکیزه ای که به شما روزی داده ایم ، بخورید و خدای را سپاس گزارید؛ اگر او را می پرستید و بس .»

حدیث:الکافی از صالح بن ابی حمّاد و احمد بن محمّد از امام علی علیه السلام در دلیل آوری اش بر عاصم بن زید ، آن گاه که جامه معمول رها کرد و عَبا [ی زهد]به بَر افکند و برادرش ربیع بن زیاد از وی شکایت آورد که زن و فرزندش را با این کار به اندوه افکنده است :الکافی از صالح بن ابی حمّاد و احمد بن محمّد از امام علی علیه السلام در دلیل آوری اش بر عاصم بن زید ، آن گاه که جامه معمول رها کرد و عَبا [ی زهد]به بَر افکند و برادرش ربیع بن زیاد از وی شکایت آورد که زن و فرزندش را با این کار به اندوه افکنده است : عاصم بن زیاد را نزد من احضار کنید! و چون او نزدش آورده شد ، با نگریستن در وی چهره اش در هم شد و به او فرمود: آیا از خانواده ات شرم نکردی؟ آیا بر فرزندت رحم نیاوردی؟ آیا گمان می کنی خداوند با آن که پاکیزه ها را بر تو حلال فرموده ، استفاده ات از آن ها را ناپسند شمرده است؟ تو برای خدا این قدر منزلت نداری! آیا خدا نیست که می فرماید: «و زمین را برای آدمیان بنهاد * در آن ، میوه ها است و خرما بُن های غلاف دار» ؟ آیا همو نیست که می فرماید : «آن دو دریا را راه داد که به هم رسند * میان آن دو حائلی است تا از حد نگذرند * . . . از آن دو ، مروارید و مرجان بیرون آید» پس به خدا سوگند! خوار شمردنِ نعمت های خدا با عمل ، برای خدا دلخواه تر است از خوار شمردن آن ها با زبان . خداوند فرموده است : «و به نعمت پروردگارت ، سخن بگشای» . عاصم گفت: «ای امیرالمؤمنین! پس چرا تو ، خود غذای درشت می خوری و جامه خشن می پوشی؟» فرمود: «وای بر تو! هر آینه خداوند بر پیشوایانِ عدل واجب فرموده که خویشتن را همسانِ مردم ناتوان سازند تا فقر ، بر فقیر جوشش نیاورد» . سپس عاصم بن زیاد عبا [ی زهد] از تن افکند و جامه معمول بر تن کرد .

.

الاختصاص :اِستَعدى زِيادُ بنُ شَدّادٍ الحارِثِىُّ صاحِبُ رَسولِ اللّهِ صلى الله عليه و آلهعَلى أخيهِ عُبَيدِ اللّهِ بنِ شَدّادٍ ، فَقالَ [لِعَلِىٍّ عليه السلام] : يا أميرَ المُؤمِنينَ، ذَهَبَ أخى فِى العِبادَهِ ، وَامتَنَعَ أن يُساكِنَنى فى دارى ، ولَبِسَ أدنى ما يَكونُ مِنَ اللِّباسِ . قالَ [عُبَيدُ اللّهِ] : يا أميرَ المُؤمِنينَ ، تَزَيَّنتُ بِزينَتِكَ ولَبِستُ لِباسَكَ! قالَ[عليه السلام] : لَيسَ لَكَ ذلِكَ ؛ إنَّ إمامَ المُسلِمينَ إذا وَلِىَ اُمورَهُم لَبِسَ لِباسَ أدنى فَقيرِهِم ؛لِئَلاّ يَتَبَيَّغَ بِالفَقيرِ فَقرُهُ فَيَقتُلَهُ ، فَلَأعلَمَنَّ ما لَبِستَ إلاّ مِن أحسَنِ زِىِّ قَومِكَ «وَ أَمَّا بِنِعْمَهِ رَبِّکَ فَحَدِّثْ» ، فَالعَمَلُ بِالنِّعمَهِ أحَبُّ إلَىَّ مِنَ الحَديثِ بِها . (1)

الإمام زين العابدين عليه السلام :لَأَن أدخُلَ السّوقَ ومَعِى دَراهِمُ أبتاعُ بِه [ا]لِعِيالى لَحما وقَد قَرِموا أحَبُّ إلَىَّ مِن أن اُعتِقَ نَسَمَهً . (2)

الكافى عن محمّدبن مسلم :قالَ رَجُلٌ لِأَبى جَعفَرٍ عليه السلام : إنَّ لى ضَيعَهً بِالجَبَلِ أستَغِلُّها فى كُلِّ سَنَهٍ ثَلاثَ [ه] آلافِ دِرهَم ، فَاُنفِقُ عَلى عِيالى مِنها ألفَى دِرهَم وأتَصَدَّقُ مِنها بِألفِ دِرهَم فى كُلِّ سَنَهٍ ، فَقالَ أبو جَعفَرٍ عليه السلام : إن كانَتِ الألفانِ تَكفيهِم فى جَميعِ ما يَحتاجونَ إلَيهِ لِسَنَتِهِم فَقَد نَظَرتَ لِنَفسِكَ ، ووُفِّقتَ لِرُشدِكَ ، وأجرَيتَ نَفسَكَ فى حَياتِكَ بِمَنزِلَهِ ما يوصى بِهِ الحَىُّ عِندَ مَوتِهِ . (3)

.

1- .الاختصاص : 152 ، بحار الأنوار : 40 / 107 / 117 .
2- .الكافى : 4 / 12 / 10 عن أبى حمزه .
3- .الكافى : 4 / 11 / 2 .

اختصاص :زیاد بن شَدّاد حارثی ، از اصحاب پیامبر خدا صلی الله علیه و آله ، به شکایت از برادرش عبیداللّه بن شدّاد ، نزد علی علیه السلام به دادخواهی پرداخت و گفت: «ای امیرالمؤمنین! برادرم در عبادت فرو رفته و از این که با من در خانه ام ساکن شود خودداری ورزیده و پَست ترین جامه را بر تن کرده است» . [عبیداللّه در پاسخ] گفت: «ای امیرالمؤمنین! چنان که تو خود را می آرایی ، خویشتن را آراستم ؛ و آن سان که تو جامه می پوشی ، جامه پوشیدم» . امام علیه السلام فرمود: تو را نرسد که چنین کنی! پیشوای مسلمانان ، آن گاه که ولایت امور آنان را در دست گیرد ، جامهِ فقیرترینِ ایشان را می پوشد ، مبادا که فقرِ فقیر بر او بجوشد و وی را بکُشد . هر آینه من می دانم که تو تنها نیکوترین جامه های قوم خود را بر تن می کردی . [خداوند می فرماید:] «و به نعمت پروردگارت سخن بگشای» . پس استفاده عملی از نعمت ، نزد من دوست داشتنی تر از سخن گفتن از آن است .

امام زین العابدین علیه السلام :همانا این که به بازار درآیم و با درهم هایی که دارم ، برای خانواده ام که بسیار گوشت دوست می دارند ، گوشت بخرم ، نزد من دوست داشتنی تر از آن است که بنده ای را آزاد کنم .

الکافی از محمّد بن مسلم : مردی به امام باقر علیه السلام گفت: «مرا در کوهستان ، زمینی است که هر سال سه هزار درهم از بابت آن اجاره می ستانم ؛ دو هزارش را هزینه خانواده ام می کنم و هزارش را هر ساله صدقه می دهم» . امام باقر علیه السلامالکافی از محمّد بن مسلم : مردی به امام باقر علیه السلام گفت: «مرا در کوهستان ، زمینی است که هر سال سه هزار درهم از بابت آن اجاره می ستانم ؛ دو هزارش را هزینه خانواده ام می کنم و هزارش را هر ساله صدقه می دهم» . امام باقر علیه السلام فرمود : «اگر آن دو هزار درهم همه نیازهای سالانه ایشان را تأمین می کند ، همانا خوب در [کار]خود اندیشیده ای و به کمال خویش توفیق یافته ای و در دوران زندگی ات ، همان پاداشی را برده ای که کسی از وصیّت [به کار خیر]پس از مرگش می بَرَد» .

.

الإمام الكاظم عليه السلام :اِجعَلوا لِأَنفُسِكُم حَظّا مِنَ الدُّنيا بِإِعطائِها ما تَشتَهي مِنَ الحَلالِ ، وما لا يَثلِمُ المُرُوَّةَ ، وما لا سَرَفَ فيهِ . وَاستَعينوا بِذلِکَ عَلى اُمورِ الدّينِ ؛ فَإِنَّهُ رُوِىَ : لَيسَ مِنّا مَن تَرَکَ دُنياهُ لِدينِهِ، أو تَرَکَ دينَهُ لِدُنياهُ . (1)

عنه عليه السلام :يَنبَغى لِلرَّجُلِ أن يُوَسِّعَ عَلى عِيالِهِ کَيلا يَتَمَنَّوا مَوتَهُ ، وتَلا هذِهِ الآيَةَ : « وَ يُطْعِمُونَ الطَّعَامَ عَلَى حُبِّهِ مِسْكِينًا وَ يَتِيمًا وَ أَسِيرًا ؛ (2) » الأَسيرُ : عِيالُ الرَّجُلِ ؛ يَنبَغى لِلرَّجُلِ إذا زيدَ فِى النِّعمَةِ أن يَزيدَ اُسَراءَهُ فِى السَّعَةِ عَلَيهِم . (3)

عنه عليه السلام :إنَّ عِيالَ الرَّجُلِ اُسَراؤُهُ ، فَمَن أنعَمَ اللّهُ عَلَيهِ نِعمَةً فَليُوَسِّع عَلى اُسَرائِهِ ، فَإِن لَم يَفعَل أوشَکَ أن تَزولَ تِلکَ النِّعمَةُ . (4)

الإمام الرضا عليه السلام :صاحِبُ النِّعمَةِ يَجِبُ عَلَيهِ التَّوسِعَةُ عَلى عِيالِهِ . (5)

.

1- .تحف العقول : 410 ، الفقه المنسوب للإمام الرضا عليه السلام : 337 وفيه «لم ينل» بدل «لا يثلم» ، بحار الأنوار : 78 / 321 / 18 .
2- .الإنسان : 8 .
3- .الكافى : 4 / 11 / 3 عن معمر بن خلاّد وراجع من لا يحضره الفقيه : 2 / 68 / 1742 .
4- .من لا يحضره الفقيه : 4 / 402 / 5867 عن مسعده وج 3 / 556 / 4910 ، الأمالى للصدوق : 527 / 712 عن مسعده بن صدقه ، روضه الواعظين : 406 ، بحار الأنوار : 104 / 69 / 1 .
5- .الكافى : 4 / 11 / 5 عن ابن أبى نصر .

امام کاظم علیه السلام :برای جان های خویش نصیبی از دنیا برگیرید ، بدین سان که به هر چه از حلال میل دارند چندان که با جوانمردی بسازد و زیاده روی در آن نباشد کامیابشان کنید . و از این کامیابی ، برای کار دین یاری جویید ؛ که همانا روایت شده است: «از ما نیست آن که دنیایش را برای دینش رها کند ، یا دینش را برای دنیایش واگذارَد» .

امام کاظم علیه السلام :«مرد را سزاوار است که بر خانواده اش چندان گشاده دست باشد که مرگش را آرزو نکنند» . و این آیه را تلاوت فرمود : « وَ یُطْعِمُونَ الطَّعَامَ عَلَی حُبِّهِی مِسْکِینًا وَ یَتِیمًا وَ أَسِیرًا » «و طعام را با این که دوست می دارند ، به بینوا و یتیم و اسیر می خورانند» . [و در توضیح آن فرمود:]اسیر ، خانواده مرد است ، مرد را روا است که هر گاه نعمتش افزون گشت ، بر اسیران خود بیش تر گشاده دستی کند .

امام کاظم علیه السلام :هر آینه نان خورانِ مَرد ، اسیران اویند ؛ پس هر که خداوند به او نعمت بخشیده ، بر اسیرانش گشاده دستی کند ، که اگر چنین نکند ، زود است آن نعمت تباه گردد .

امام رضا علیه السلام :بر آن که از نعمت برخوردار است ، واجب است بر خانواده اش گشاده دستی کند .

.

5 / 1 2التَّوازُنُ بَينَ الدَّخلِ وَالإنفاقِالكتاب :«لِيُنفِقْ ذُو سَعَهٍ مِّن سَعَتِهِ وَ مَن قُدِرَ عَلَيْهِ رِزْقُهُ فَلْيُنفِقْ مِمَّآ ءَاتَهُ اللَّهُ لاَ يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلاَّ مَآ ءَاتَهَا سَيَجْعَلُ اللَّهُ بَعْدَ عُسْرٍ يُسْرًا . (1) »

الحديث :مكارم الأخلاق عن معاويه بن وهب :قُلتُ لِأَبى عَبدِ اللّهِ عليه السلام : الرَّجُلُ يَكونُ قَد غَنِىَ دَهرَهُ ولَهُ مالٌ وهَيئَةٌ فى لِباسِهِ ونَخوَةٌ ، ثُمَّ يَذهَبُ مالُهُ ويَتَغَيَّرُ حالُهُ ، فَيَكرَهُ أن يَشمَتَ بِهِ عَدُوٌّ ، فَيَتَكَلَّفُ ما يَتَهَيَّأُ بِهِ؟ فَقالَ : «لِيُنفِقْ ذُو سَعَهٍ مِّن سَعَتِهِ وَ مَن قُدِرَ عَلَيْهِ رِزْقُهُ فَلْيُنفِقْ مِمَّآ ءَاتَهُ اللَّهُ» عَلى قَدرِ حالِهِ . (2)

رسول اللّه صلى الله عليه و آله :إنَّ المُؤمِنَ أخَذَ عَنِ اللّهِ سُبحانَهُ وتَعالى أدَبا حَسَنا : إذا وَسَّعَ عَلَيهِ وَسَّعَ عَلى نَفسِهِ ، وإذا أمسَكَ عَلَيهِ أمسَكَ . (3)

الإمام زين العابدين عليه السلام :مِن أخلاقِ المُؤمِنِ : الإنفاقُ عَلى قَدرِ الإقتارِ ، وَالتَّوَسُّعُ عَلى قَدرِ التَّوَسُّعِ ، وإنصافُ النّاسِ ، وَابتِداؤُهُ إيّاهُم بِالسَّلامِ عَلَيهِم . (4)

.

1- .الطلاق : 7 .
2- .مكارم الأخلاق : 1 / 250 / 744 ، بحار الأنوار : 79 / 313 / 24 .
3- .شُعب الإيمان : 5 / 259 / 6591 ، كنز العمّال : 6 / 348 / 15998 نقلاً عن حليه الأولياء وكلاهما عن ابن عمر .
4- .الكافى : 2 / 241 / 36 عن أبى حمزه ، تحف العقول : 282 ، بحار الأنوار : 67 / 361 / 65 .

5 / 1 - 2تعادل میان درآمد و بخششقرآن:«فراخ دست از فراخ دستیِ خود هزینه کند؛ و هر که روزی اش بر او تنگ شده باشد ، از آن چه خداوند به او داده است ، هزینه کند. خدا هیچ کس را تکلیف نمی کند ، مگر [به اندازه]آن چه به او داده است. خداوند پس از سختی و دشواری ، آسانی و فراخی پدید خواهد آورد .»

حدیث:مکارم الأخلاق از معاویه بن وهب :به امام صادق علیه السلام گفتم: «[رأی شما چیست درباره]مردی که روزگارش را با توانگری به سر می برد و دارای ثروت و جامه چشمگیر است و به خود می نازد ؛ سپس ثروتش از کف می رود و حال و روزش دگرگون می شود ؛ و دوست نمی دارد که دشمن وی را سرزنش کند ، پس خود را به صورت ثروتمندان بیاراید؟» امام فرمود : «فراخ دست از فراخ دستی خود هزینه کند ؛ و هر که روزی اش بر او تنگ شده باشد ، از آن چه خداوند به او داده است ، هزینه کند» ؛ هر کس به فراخورِ حال خویش» .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر آینه مؤمن از خداوند سبحان و تعالی ادبی نیکو برگرفته است: چون بر او فراخ گیرد ، او هم بر خویش گشاه دستی کند ؛ و چون بر او تنگ گیرد ، او هم [بر خود] تنگ گیرانه رفتار کند .

امام زین العابدین علیه السلام :از خوی های مؤمن است: بخشش به فراخور [گشاده روزی و]تنگ روزی ؛ گشاده دستی به تناسب گشاده روزی ؛ با مردم داد ورزیدن ؛ و پیشی جستن از دیگران برای سلام دادن .

.

الإمام الصادق عليه السلام :إذا جادَ اللّهُ تَبارَکَ وتَعالى عَلَيکُم فَجودوا ، وإذا أمسَکَ عَنکُم فَأمسِکوا ، ولا تُجاوِدُوا اللّهَ ؛ فَهُوَ الأجوَدُ . (1)

عنه عليه السلام فى جَوابِ سَماعَةَ وقَد سَأَلَهُ عَن وُجوبِ الزَّکاهِ عَلى مَن يَملِکُ بَعضَ نَفَقَتِهِ : رُبَّ فَقيرٍ أسرَفُ مِن غَنِيٍّ . فَقُلتُ : کَيفَ يَکونُ الفَقيرُ أسرَفَ مِنَ الغَنِيِّ ؟ فَقالَ : إنَّ الغَنِيَّ يُنفِقُ مِمّا اُوتِىَ ، وَالفَقيرَ يُنفِقُ مِن غَيرِ ما اُوتِىَ . (2)

الکافى عن أبوبصير :قُلتُ لِأَبى عَبدِ اللّهِ عليه السلام : يَخرُجُ الرَّجُلُ مَعَ قَومٍ مَياسيرَ وهُوَ أقَلُّهُم شَيئا ، فَيُخرِجُ القَومُ النَّفَقَةَ ولا يَقدِرُ هُوَ أن يُخرِجَ مِثلَ ما أخرَجوا ، فَقالَ : ما اُحِبُّ أن يُذِلَّ نَفسَهُ ، لِيَخرُج مَعَ مَن هُوَ مِثلُهُ . (3)

5 / 1 3رِعايَهُ الأَولَوِيّاتِرسول اللّه صلى الله عليه و آله :إذا کانَ أحَدُکُم فَقيرا فَليَبدَأ بِنَفسِهِ ، فَإن کانَ فَضلاً فَعَلى عِيالِهِ ، فَإن کانَ فَضلاً فَعَلى قَرابَتِهِ أو عَلى ذى رَحِمِهِ ، فَإن کانَ فَضلاً فَهاهُنا وهاهُنا . (4)

عنه صلى الله عليه و آله :أفضَلُ دينارٍ يُنفِقُهُ الرَّجُلُ : دينارٌ يُنفِقُهُ عَلى عِيالِهِ ، ودينارٌ يُنفِقُهُ الرَّجُلُ عَلى دابَّتِهِ فى سَبيلِ اللّهِ ، ودينارٌ يُنفِقُهُ عَلى أصحابِهِ فى سَبيلِ اللّهِ . (5)

.

1- .الکافى : 4 / 54 / 11 عن رفاعه .
2- .الکافى : 3 / 562 / 11 عن سماعه .
3- .الکافى : 4 / 287 / 8 .
4- .سنن النسائى: 7/304، صحيح مسلم: 2/693/41، السنن الکبرى: 10/521/21439 وح21538 کلّها عن جابر نحوه، کنز العمّال : 6/396/16230 وراجع مسند ابن حنبل : 5 / 164 / 14991 .
5- .صحيح مسلم : 2 / 692 / 38 ، سنن الترمذى : 4 / 344 / 1966 ، سنن ابن ماجه : 2 / 922 / 2760 وفيه «على فرس» بدل «على دابّته» ، مسند ابن حنبل : 8/324/22443، الأدب المفرد : 225/748 کلّها عن ثوبان ، کنز العمّال : 6 / 428 / 16396 .

5 / 1 3 در نظر گرفتن اولویّت ها

امام صادق علیه السلام :هر گاه خداوند تبارک و تعالی بر شما کرم ورزید ، شما هم کرم کنید ؛ و چون بر شما تنگ گرفت ، شما نیز تنگ گیرید ؛ و در بخشندگی از خدای پیشی مگیرید ، که او بخشنده ترین است .

امام صادق علیه السلام در پاسخ سَماعه که از وی درباره وجوب زکات بر کسی که بخشی از هزینه اش را تأمین تواند کرد ، سؤال کرده بود : «بسا فقیری که از توانگر اسراف کارتر باشد» . گفتم: «چگونه فقیر از توانگر اسراف کارتر تواند بود؟» فرمود: «توانگر از آن چه به وی عطا شده ، خرج می کند ؛ و فقیر از آن چه به وی عطا نشده هزینه می نماید !»

الکافی از ابوبصیر :به امام صادق علیه السلام گفتم: «مردی با گروهی توانگر همراه می شود که از همه ایشان دارایی اش کم تر است . آنان چندان هزینه می کنند که او نمی تواند» . فرمود: «دوست نمی دارم که وی خود را خوار کند ؛ پس باید همراه کسی بیرون شود که همانند خود او است» .

5 / 1 - 3در نظر گرفتن اولویّت هاپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر یک از شما که فقیر است ، نخست به خود بپردازد ؛ اگر مالی افزون آمد ، به خانواده اش دهد ؛ اگر بیشینه ای مانْد ، به خویشاوندان یا پیوستگانش پردازد ؛ و اگر باز هم ماند ، این سو و آن سو هزینه کند .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :برترین مالی که مرد هزینه می کند ، چنین است: مالی که به مصرف خانواده خود می رساند ؛ آن چه هزینه چهارپای خویش می کند تا با آن در راه خدا تلاش کند ؛ و مالی که در مسیر خداوند ، برای دوستانش هزینه می کند .

.

مستدرک الوسائل عن أنس :قالَ رَسولُ اللّهِ صلی الله علیه و آله : ألا اُنَبِّئُکُم بِخَمسَهِ دَنانیرَ بِأحسَنِها وأفضَلِها ؟ قالوا : بَلی . قالَ : أفضَلُ الخَمسَهِ : الدّینارُ الَّذی تُنفِقُهُ عَلی والِدَیکَ ، وأفضَلُ الأربَعَهِ: الدّینارُ الَّذی تُنفِقُهُ عَلی والِدِکَ ، وأفضَلُ الثَّلاثَهِ : الدّینارُ الَّذی تُنفِقُهُ عَلی نَفسِکَ وأهلِکَ ، وأفضَلُ الدّینارَینِ : الدّینارُ الَّذی تُنفِقُهُ عَلی قَرابَتِکَ ، وأخَسُّها وأقَلُّها أجرا : الدّینارُ الَّذی تُنفِقُهُ فی سَبیلِ اللّهِ . (1)

الإمام الرضا علیه السلام :أتی رَجُلٌ إلَی النَّبِیِّ صلی الله علیه و آله بِدینارَینِ ، فَقالَ : یا رَسولَ اللّهِ ، اُریدُ أن أحمِلَ بِهِما فی سَبیلِ اللّهِ . قالَ : أ لَکَ والِدانِ أو أحَدُهُما ؟ قالَ : نَعَم . قالَ : اِذهَب فَأنفِقهُما عَلی والِدَیکَ ؛ فَهُوَ خَیرٌ لَکَ أن تَحمِلَ بِهِما فی سَبیلِ اللّهِ . فَرَجَعَ فَفَعَلَ . فَأتاهُ بِدینارَینِ آخَرَینِ ، قالَ : قَد فَعَلتُ ، وهذانِ دینارانِ اُریدُ أن أحمِلَ بِهِما فی سَبیلِ اللّهِ . قالَ : أ لَکَ وَلَدٌ ؟ قالَ : نَعَم . قالَ علیه السلام : فَاذهَب فَأنفِقهُما عَلی وَلَدِکَ ؛ فَهُوَ خَیرٌ لَکَ أن تَحمِلَ بِهِما فی سَبیلِ اللّهِ . فَرَجَعَ فَفَعَلَ . فَأتاهُ بِدینارَینِ آخَرَینِ ، فَقالَ : یا رَسولَ اللّهِ ، قَد فَعَلتُ ، وهذانِ دینارانِ آخَرانِ اُریدُ أن أحمِلَ بِهِما فی سَبیلِ اللّهِ . فَقالَ : أ لَکَ زَوجَهٌ؟ قالَ : نَعَم . قالَ : أنفِقهُما عَلی زَوجَتِکَ ؛ فَهُوَ خَیرٌ لَکَ أن تَحمِلَ بِهِما فی سَبیلِ اللّهِ . فَرَجَعَ وفَعَلَ . فَأتاهُ بِدینارَینِ آخَرَینِ ، فَقالَ : یا رَسولَ اللّهِ ، قَد فَعَلتُ ، وهذانِ دینارانِ اُریدُ أن أحمِلَ بِهِما فی سَبیلِ اللّهِ . فَقالَ : أ لَکَ خادِمٌ ؟ قالَ : نَعَم . قالَ : اِذهَب فَأنفِقهُما عَلی خادِمِکَ ؛ فَهُوَ خَیرٌ لَکَ مِن أن تَحمِلَ بِهِما فی سَبیلِ اللّهِ . فَفَعَلَ . فَأتاهُ بِدینارَینِ آخَرَینِ ، فَقالَ : یا رَسولَ اللّهِ ، وهذِهِ دینارانِ اُریدُ أن أحمِلَ بِهِما فی سَبیلِ اللّهِ . فَقالَ : اِحمِلهُما وَاعلَم بِأنَّهُما لَیسا بِأفضَلِ دینارَیکَ . (2)

.

1- .مستدرک الوسائل : 7 / 241 / 8141 نقلاً عن ابن أبی جمهور فی درر اللآلی .

2- .تهذیب الأحکام : 6 / 171 / 330 عن أبی الحسین الرازی ، عوالی اللآلی : 3 / 195 / 10 .

مستدرک الوسائل از اَنَس :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «آیا آگهی تان دهم که از پنج دینار ، کدام نیکوتر و برتر است؟» گفتند : «آری» . فرمود : «برترینِ پنج دینار ، آن است که برای مادر خویش هزینه کنی ؛ و از چهار دینار باقیِ مانده ، آن که هزینه پدرت سازی ؛ و از سه دینار ، آن که برای خود و خانواده ات مصرف نمایی ؛ و از دو دینار ، آن که به مصرف خویشاوندانت رسانی ؛ و فروترین و کم پاداش ترین دینار آن است که برای خدا انفاق کنی» .

امام رضا علیه السلام :مردی دو دینار نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آورد و گفت: «ای رسول خدا! می خواهم این دو را در راه خدا هزینه کنم» . فرمود: «آیا پدر و مادرت یا یکی از آن دو زنده اند؟» گفت: «آری» . فرمود: «روانه شو و آن دو دینار را برای آنان هزینه کن ، که تو را بهتر از آن است که در راه خدا انفاق کنی» . پس بازگشت و چنان کرد . آن گاه ، دو دینار دیگر نزد پیامبر آورد و گفت: «آن کار را کردم . اکنون می خواهم این دو دینار را در راه خدا صرف کنم» . فرمود: «آیا فرزند داری؟» گفت: «آری» . فرمود : «برو و آن دو دینار را برای فرزندت هزینه کن ؛ که آن ، تو را بهتر از این است که در راه خدا انفاق ورزی» . پس بازگشت و چنان کرد . سپس دو دینار دیگر نزد پیامبر آورد و گفت: «ای رسول خدا! آن کار نیز کردم . این دو دینار دیگر است که می خواهم در راه خدا انفاق کنم» . فرمود : «آیا همسر داری؟» گفت: «آری» . فرمود : «آن دو را برای همسرت مصرف کن ؛ که برایت بهتر از آن است که در راه خدا انفاق کنی» . پس بازگشت و همان کار کرد . دیگر بار دو دینار نزد پیامبر آورد و گفت: «ای رسول خدا! آن کار کردم . این دو دینار را خواهم که در راه خدا مصرف کنم» . فرمود: «آیا خدمتکار داری؟» گفت : «آری» . فرمود: «برو و آن دو دینار را برای خدمتکارت هزینه کن ؛ که این تو را بهتر از صرف کردن در راه خدا است» . پس آن مرد چنین کرد . آن گاه ، دو دینار دیگر نزد پیامبر آورد و گفت: «ای رسول خدا! می خواهم این دو دینار را در راه خدا به مصرف رسانم» . فرمود: «چنین کن ؛ و بدان که این دو دینار برترین دینارهایت نیستند» .

.

الكافى عن أحدهما عليهماالسلام :لاتوجِب عَلى نَفسِكَ الحُقوقَ ، وَاصبِر عَلَى النَّوائِبِ ، ولا تَدخُل فى شَىءٍ مَضَرَّتُهُ عَلَيكَ أعظَمُ مِن مَنفَعَتِهِ لِأَخيكَ . (1)

الكافى عن محمّدِ بن سنان عن حذيفه بن منصور عن الإمام الصادق عليه السلام :لا تَدخُل لِأَخيكَ فى أمرٍ مَضَرَّتُهُ عَلَيكَ أعظَمُ مِن مَنفَعَتِهِ لَهُ . قالَ ابنُ سِنانٍ : [يَعنى] (2) يَكونُ عَلَى الرَّجُلِ دَينٌ كَثيرٌ ، ولَكَ مالٌ فَتُؤَدّى عَنهُ ؛ فَيَذهَبُ مالُكَ ولا تَكونُ قَضَيتَ عَنهُ . (3)

الإمام الكاظم عليه السلام :لاتَبذُل لِإِخوانِكَ مِن نَفسِكَ ما ضَرُّهُ عَلَيكَ أكثَرُ مِن مَنفَعَتِهِ لَهُم . (4)

5 / 1 4رِعايَهُ مُقتَضَياتِ الزَّمانِمكارم الأخلاق عن سفيان الثورىّ :قُلتُ لِأَبى عَبدِ اللّهِ عليه السلام : أنتَ تَروى أنَّ عَلِىَّ بنَ أبى طالِبٍ عليه السلامكانَ يَلبَسُ الخَشِنَ ، وأنتَ تَلبَسُ القوهِىَّ وَالمَروِىَّ؟ ! قالَ : وَيحَكَ ! إنَّ عَلِىَّ بنَ أبيطالِبٍ عليه السلام كانَ فى زَمانٍ ضيقٍ ، فَإِذَا اتَّسَعَ الزَّمانُ فَأَبرارُ الزَّمانِ أولى بِهِ . (5)

.

1- .الكافى : 4 / 33 / 3 عن الحسن بن علىّ الجرجانى عمّن حدّثه .
2- .أثبتنا ما بين المعقوفين من «مشكاه الأنوار» .
3- .الكافى : 4 / 32 / 1 ، مشكاه الأنوار : 329 / 1042 عن محمّد بن سنان .
4- .الكافى : 4 / 32 / 2 عن إبراهيم بن محمّد الأشعرى عمّن سمع .
5- .مكارم الأخلاق : 1 / 218 / 642 ، رجال الكشّى : 2 / 690 / 739 عن سفيان بن عيينه نحوه ، بحار الأنوار : 47 / 62 .

5 / 1 4 در نظر گرفتن ویژگی های زمانی

الکافی از امام باقر علیه السلام یا امام صادق علیه السلام :کاری مکن که حقوق دیگران بر عهده تو افتد ؛ و بر بلاهای بزرگ شکیبا باش ؛ و در کاری وارد نشو که زیان آن برای خودت ، بیشتر از سود آن برای برادر [ایمانی] آت باشد .

الکافی از محمّد بن سنان از حذیفه بن منصور از امام صادق علیه السلام :«برای برادر [ایمانی]آت در کاری وارد مشو که زیانش برای تو بیشتر از سودش برای وی باشد» . ابن سنان گفت: «یعنی مردی را بدهیِ سنگین است و تو با مال خویش بخشی از بدهی او را می پردازی ؛ بدین سان ، هم مال تو از دست می رود و هم نمی توانی تمام بدهی او را بپردازی» .

امام کاظم علیه السلام :برای برادران [ایمانی]آت از خود چندان مایه مگذار که زیان آن برایت بیشتر از سودش برای ایشان باشد .

5 / 1 - 4در نظر گرفتن ویژگی های زمانیمکارم الأخلاق از سفیان ثوری :به امام صادق علیه السلام گفتم: «شما روایت می فرمایی که علیّ بن ابی طالب علیه السلام جامه خشن می پوشید ، حال آن که خود جامه قوهی و مَروی [= جامه های لطیف] می پوشی!» فرمود : «وای بر تو! همانا علیّ بن ابی طالب علیه السلام در روزگار تنگنا بود . هر گاه روزگار گشایش رسد ، نیکانِ روزگار برای بهره بردن از آن گشایش شایسته ترند» .

.

دعائم الإسلام :إنَّ سُفيانَ الثَّورِيَّ دَخَلَ عَلَيهِ [أي الإمام الصّادِق عليه السلام]فَرَأى عَلَيهِ ثِيابا رَفيعَةً ، فَقالَ : يَابنَ رَسولِ اللّهِ ، أنتَ تُحَدِّثُنا عَن عَلِيٍّ عليه السلامأنَّهُ كانَ يَلبَسُ الخَشِنَ مِنَ الثِّيابِ وَالكَرابيسِ ، وأنتَ تَلبَس القوهِيَّ وَالمَروِيَّ؟ ! فَقالَ : وَيحَكَ يا سُفيانُ ، إنَّ عَلِيّا عليه السلام كانَ فى زَمَنٍ ضيقٍ ، وإنَّ اللّهَ قَد وَسَّعَ عَلَينا ، ويُستَحَبُّ لِمَن وَسَّعَ اللّهُ عَلَيهِ أن يُرى أثَرُ ذلِكَ عَلَيهِ . (1)

مطالب السؤول عن سفيان الثوريّ :دَخَلتُ عَلى جَعفَرِ بنِ مُحَمَّدٍ وعَلَيهِ جُبَّةُ خَزٍّ دَكناءُ وكِساءُ خَزٍّ ، فَجَعَلتُ أنظُرُ إلَيهِ تَعَجُّبا ، فَقالَ لى : يا ثَورِيُّ ، ما لَكَ تَنظُرُ إلَينا؟ لَعَلَّكَ تَعجَبُ مِمّا تَرى ! فَقُلتُ لَهُ : يَابنَ رَسولِ اللّهِ ، لَيسَ هذا مِن لِباسِكَ ولا لِباسِ آبائِكَ ! قالَ : يا ثَورِيُّ ، كانَ ذلِكَ زَمانَ افتِقارٍ وإقتارٍ ، وكانوا يَعمَلونَ عَلى قَدرِ إقتارِهِ وَافتِقارِهِ ، وهذا زَمانٌ قَد أسبَلَ كُلَّ شَىءٍ عَزالِيَهُ . ثُمَّ حَسَرَ رُدنَ جُبَّتِهِ ، فَإذا تَحتَها جُبَّةُ صوفٍ بَيضاءُ يَقصُرُ الذَّيلُ عَنِ الذَّيلِ وَالرُّدنُ عَنِ الرُّدنِ ، وقالَ : يا ثَورِيُّ ، لَبِسنا هذا للّهِ وهذا لَكُم ، فَما كانَ لِلّهِ أخفَيناهُ ، وما كانَ لَكُم أبدَيناهُ . (2)

الكافى عن حمّاد بن عثمان :حَضَرتُ أبا عَبدِ اللّهِ عليه السلام وقالَ لَهُ رَجُلٌ : أصلَحَكَ اللّهُ ! ذَكَرتَ أنَّ عَلِيَّ بنَ أبى طالِبٍ عليه السلامكانَ يَلبَسُ الخَشِنَ ؛ يَلبَسُ القَميصَ بِأربَعَهِ دَراهِمَ وما أشبَهَ ذلِكَ ، ونَرى عَلَيكَ اللِّباسَ الجَديدَ ! فَقالَ لَهُ : إنَّ عَلِيَّ بنَ أبى طالِبٍ عليه السلامكانَ يَلبَسُ ذلِكَ فى زَمانٍ لا يُنكَرُ (عَلَيهِ) ، ولَو لَبِسَ مِثلَ ذلِكَ اليَومَ شُهِرَ بِهِ ؛ فَخَيرُ لِباسِ كُلِّ زَمانٍ لِباسُ أهلِهِ ، غَيرَ أنَّ قائِمَنا أهلَ البَيتِ عليهم السلام إذا قامَ لَبِسَ ثِيابَ عَلِيٍّ عليه السلام ، وسارَ بِسيرَهِ عَلِيٍّ عليه السلام . (3)

.

1- .دعائم الإسلام : 2 / 155 / 550 .
2- .مطالب السؤول : 82 ؛ بحار الأنوار : 47 / 221 / 7 .
3- .الكافى : 1 / 411 / 4 وج 6 / 444 / 15 وفيه «الجيّد» بدل «الجديد» ، بحار الأنوار : 40/336/ 18 و ج 47 / 54 / 92 .

دعائم الإسلام:سفیان ثوری نزد امام صادق علیه السلام درآمد و او را در جامه ای گرانبها دید و گفت: «ای زاده رسول خدا! برای ما روایت می کنی که علی علیه السلامجامه خشن و کرباس می پوشید ؛ و خود جامه قوهی و مروی [= جامه های لطیف]می پوشی!» امام فرمود: «وای بر تو ای سفیان! همانا علی علیه السلام در زمانه تنگنا به سر می برد ، حال آن که خداوند به ما گشایش عطا فرموده ؛ و آن را که خداوند به وی گشایش بخشیده ، روا است که اثر این گشایش در زندگی اش دیده شود .

مطالب السؤول از سفیان ثوری :نزد جعفر بن محمد علیه السلام رفتم و دیدم که روجامه ای از خز سیاه و نیز جامه ای از خز بر تن دارد . با شگفتی به او نگریستم . به من فرمود: «ای ثوری! تو را چه شده که به ما [چنین]می نگری؟ شاید از آن چه می بینی ، تعجّب می کنی!» گفتم: «ای زاده رسول خدا! این نه جامه تو است و نه جامه پدرانت!» فرمود: «ای ثوری! آن روزگار ، زمانه فقر و تنگدستی بود و آنان به فراخور آن تنگنا و فقر عمل می کردند . و امروز ، روزگاری است که همه چیز به وفور یافت می شود» . سپس رو جامه اش را کنار زد ؛ زیر آن جامه ای از پشم سفید بر تن داشت که نه پایینِ آن به ترکیب بود و نه آستینش به اندازه . پس فرمود: «ای ثوری! این را برای خدا می پوشیم و آن را برای شما . این را که برای خدا می پوشیم ، می پوشانیم ؛ و آن را که برای شما می پوشیم ، آشکار می کنیم» .

الکافی از حمّاد بن عثمان :نزد امام صادق علیه السلام حضور داشتم که مردی به وی گفت: «خدایت سامان دهاد! یاد کرده بودی که علیّ بن ابی طالب علیه السلام جامه درشت می پوشید و پیراهنی چهار درهمی داشت و از این قبیل . و اینک جامه نو بر تن تو می بینیم!» . امام به وی فرمود: «هر آینه علیّ بن ابی طالب علیه السلام آن جامه را در روزگاری می پوشید که پوشیدنش ناپسند جلوه نمی کرد ؛ و اگر در آن روزگار جامه ای چنین می پوشید ، انگشت نما می شد . پس بهترین جامه برای هر روزگار ، جامه مردم همان زمان است . البتّه قائمِ خاندان ما آن گاه که برپای شود ، جامه علی علیه السلام را خواهد پوشید وَ به گونه او زندگی خواهد کرد» .

.

رجال الكشّى عن أحمد بن عمر:سَمِعتُ بَعضَ أصحابِ أبى عَبدِ اللّهِ علیه السلامیُحَدِّثُ: أنَّ سُفیانَ الثَّورِیَّ دَخَلَ عَلى أبى عَبدِ اللّهِ علیه السلاموعَلَیهِ ثِیابٌ جِیادٌ ، فَقالَ : یا أبا عَبدِ اللّهِ ، إنَّ آباءَکَ لَم یَکونوا یَلبَسونَ مِثلَ هذِهِ الثِّیابِ! فَقالَ لَهُ : إنَّ آبائى علیهم السلامکانوا فى زَمانٍ مُقفِرٍ مُقتِرٍ ، وهذا زَمانٌ قَد أرخَتِ الدُّنیا عَزالِیَها ، فَأَحَقُّ أهلِها بِها أبرارُهُم . (1)

الإمام الرّضا علیه السلام :إنَّ أهلَ الضَّعفِ مِن مَوالِیَّ یُحِبّونَ أن أجلِسَ عَلَى اللُّبودِ وألبَسَ الخَشِنَ ، ولَیسَ یَتَحَمَّلُ الزَّمانُ ذلِکَ . (2)

5 / 1 5تَخفیفُ المَؤونَهِرسول اللّه صلى الله علیه و آله :خِیارُکُم أحسَنُکُم أخلاقا ، وأخَفُّکُم مَؤونَةً ، وأخفَضُکُم لِأَهلِهِ . (3)

.

1- .رجال الکشّى : 2 / 691 / 740 ، بحار الأنوار : 47 / 354 / 63 وج 79 / 315 / 27 .
2- .مکارم الأخلاق : 1 / 220 / 748 عن محمّد بن عیسى عمّن أخبره ، بحار الأنوار : 79 / 309 / 13 .
3- .مستدرک الوسائل : 8 / 448 / 9963 نقلاً عن أبى القاسم الکوفى فى کتاب الأخلاق .

ص: 357

5 / 1 5 سبکباری

رجال الکشّی از احمد بن عمر :یکی از یاران امام صادق علیه السلام را شنیدم که می گفت: «سفیان ثوری نزد امام صادق علیه السلامآمد که جامه ای فاخر بر تن داشت . گفت: ای ابوعبداللّه ! پدرانت همانند این جامه را بر تن نمی کردند! امام به وی فرمود: همانا پدران من در روزگار فقر و تنگدستی زندگی می کردند ، حال آن که امروز زمانه گشایش و فراخی است ؛ و شایسته ترین کسان برای بهره مندی از این گشایش ، نیکان این زمانه اند » .

امام رضا علیه السلام :دوستان ناتوانم دوست می دارند که من بر پلاس بنشینم و جامه درشت بپوشم ؛ امّا این روزگار گنجایش چنین کاری را ندارد .

5 / 1 - 5سبکباریپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :نیک ترینانِ شما آنانند که خُلقشان نیک تر باشد ، سبکبارتر باشند ، و زندگی را بر خانواده خویش آسان تر گیرند .

.

التمحيص :رُوِىَ أنَّ رَسولَ اللّهِ صلى الله عليه و آله قالَ : لا يَكمُلُ المُؤمِنُ إيمانُهُ حَتّى يَحتَوِىَ عَلى مِائَةٍ وثَلاثِ خِصالٍ ؛ فِعلٍ وعَمَلٍ ونِيَّةٍ ، وظاهِرٍ وباطِنٍ . فَقالَ أميرُ المُؤمِنينَ عليه السلام : يا رَسولَ اللّهِ ، ما يَكونُ المِائَةُ وثَلاثُ خِصالٍ ؟ فَقالَ : يا عَلِيُّ، مِن صِفاتِ المُؤمِنِ : ... لا يَأتى بِما يَشتَهى ؛ الفَقرُ شِعارُهُ ، وَالصَّبرُ دِثارُهُ ؛ (1) قَليلُ المَؤونَهِ ، كَثيرُ المَعونَهِ ، كَثيرُ الصِّيامِ ... . (2)

إرشاد القلوب فى لَيلَهِ المِعراجِ : قالَ اللّهُ تَعالى : . . . يا أحمَدُ ، وعِزَّتى وجَلالى ، ما مِن عَبدٍ ضَمِنَ لى بِأربَعِ خِصالٍ إلاّ أدخَلتُهُ الجَنَّهَ : يَطوى لِسانَهُ فَلا يَفتَحُهُ إلاّ بِما يَعنيهِ ، ويَحفَظُ قَلبَهُ مِنَ الوَسواسِ ، ويَحفَظُ عِلمى ونَظَرى إلَيهِ ، ويَكونُ قُرَّهُ عَينَيهِ الجوعَ . يا أحمَدُ ، لَو ذُقتَ حَلاوَهَ الجوعِ وَالصَّمتِ وَالخَلوَهِ ، وما وَرِثوا مِنها ! قالَ : يا رَبِّ ، ما ميراثُ الجوعِ ؟ قالَ : الحِكمَهُ ، وحِفظُ القَلبِ ، وَالتَّقَرُّبُ إلَىَّ ، وَالحُزنُ الدّائِمُ ، وخِفَّهُ المَؤونَهِ بَينَ النّاسِ ، وقَولُ الحَقِّ ، ولا يُبالى عاشَ بِيُسرٍ أم بِعُسرٍ . (3)

الإمام الباقر عليه السلام لِجابِرٍ : اِعلَم يا جابِرُ، أنَّ أهلَ التَّقوى أيسَرُ أهلِ الدُّنيا مَؤونَهً ، وأكثَرُهُم لَكَ مَعونَهً . (4)

.

1- .فى الطبعه المعتمده: «ثاره»، والصحيح ما أثبتناه كما فى بعض النسخ .
2- .التمحيص : 74 / 171 ، بحار الأنوار : 67 / 310 / 45 .
3- .إرشاد القلوب : 200 ، بحار الأنوار : 77 / 22 / 6 .
4- .الكافى : 2 / 133 / 16 ، بحار الأنوار : 73 / 36 / 17 ؛ البدايه والنهايه : 9 / 310 .

التمحیص :روایت شده است که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «ایمانِ مؤمن کمال نمی پذیرد ، مگر آن که صد و سه ویژگی داشته باشد ، [هم] در کار و رفتار و [هم]در نیّت ، [خواه] در ظاهر و [خواه] در باطن» . امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: «ای رسول خدا! آن صد و سه ویژگی چیستند؟» پیامبر فرمود : «ای علی! از ویژگی های مؤمنان چنین است: . . . به هر چه دلش بخواهد روی نمی آورد ؛ فقر نشانه او است ؛ صبر جامه او است ؛ سبکبار است ؛ به دیگران بسیار یاری می رسانَد ؛ و فراوان روزه می گیرد .

ارشاد القلوب درباره شب معراج : خدای تعالی فرمود: « . . . ای احمد! به سرافرازی و شکوهم سوگند! هیچ بنده ای نیست که بهره وری از چهار ویژگی را به من تعهّد کند و من او را به بهشت نبرم : زبانش را درهم می پیچد و جز برای سخنی بایسته نمی گشاید ؛ قلبش را از وسواس نگاه می دارد ؛ دانش و نظرداشت من به خودش را می پوشانَد [= سِرپوش است] ؛ و گرسنگی ، خُنکایِ چشمان او است . ای احمد! کاش شیرینیِ گرسنگی ، سکوت ، و تنهایی را می چشیدی ؛ و آن چه را از آن به میراث بردند [در می یافتی]» . گفت: «ای پروردگار من! میراثِ گرسنگی چیست؟» فرمود: «حکمت ؛ نگهداشتنِ قلب ؛ نزدیکی به من ؛ اندوه همیشگی ؛ سبکباری میان مردم ؛ لب به حق گشودن ؛ و بی توجّهی به آسان یا سخت زیستن» .

امام باقر علیه السلام به جابر : ای جابر! بدان که تقواپیشگان سبکبارترین مردم دنیایند و بیش از همه یاری ات می کنند .

.

الإمام الصادق عليه السلام :إنَّ أهلَ التَّقوى أخَفُّ أهلِ الدُّنيا مَؤونَةً ، وأكثَرُهُم مَعونَةً . (1)

عنه عليه السلام :المُؤمِنُ حَسَنُ المَعونَةِ ، خَفيفُ المَؤونَةِ ، جَيِّدُ التَّدبيرِ لِمَعيشَتِهِ ، لا يُلسَعُ مِن جُحرٍ مَرَّتَينِ . (2)

من لا يحضره الفقيه :دَخَلَ الصّادِقُ عليه السلام الحَمّامَ فَقالَ لَهُ صاحِبُ الحَمّامِ : نُخليهِ لَکَ ؟ فَقالَ : لا ؛ إنَّ المُؤمِنَ خَفيفُ المَؤونَةِ . (3)

5 / 1 6الإنفاقُ فى سَبيلِ اللّهالكتاب :«الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ وَ يُقِيمُونَ الصَّلَوةَ وَ مِمَّا رَزَقْنَهُمْ يُنفِقُونَ . (4) »

«وَ أَنفِقُواْ مِن مَّا رَزَقْنَكُم مِّن قَبْلِ أَن يَأْتِىَ أَحَدَكُمُ الْمَوْتُ فَيَقُولَ رَبِّ لَوْ لاَ أَخَّرْتَنِى إِلَى أَجَلٍ قَرِيبٍ فَأَصَّدَّقَ وَ أَكُن مِّنَ الصَّلِحِينَ . (5) »

«يَأَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُواْ أَنفِقُواْ مِمَّا رَزَقْنَكُم مِّن قَبْلِ أَن يَأْتِىَ يَوْمٌ لاَّ بَيْعٌ فِيهِ وَ لاَ خُلَّةٌ وَ لاَ شَفَعَةٌ وَ الْكَفِرُونَ هُمُ الظَّلِمُونَ . (6) »

«قُل لِّعِبَادِىَ الَّذِينَ ءَامَنُواْ يُقِيمُواْ الصَّلَوةَ وَ يُنفِقُواْ مِمَّا رَزَقْنَهُمْ سِرًّا وَ عَلاَنِيَةً مِّن قَبْلِ أَن يَأْتِىَ يَوْمٌ لاَّ بَيْعٌ فِيهِ وَ لاَ خِلَلٌ . (7) »

.

1- .تحف العقول : 377 ، بحار الأنوار : 78 / 262 / 164 .
2- .الكافى : 2 / 241 / 38 عن إسحاق بن عمّار ، بحار الأنوار : 67 / 362 / 67 .
3- .من لا يحضره الفقيه : 1 / 117 / 249 ، عوالى اللآلى : 4 / 13 / 28 .
4- .البقره : 3 .
5- .المنافقون : 10 .
6- .البقره : 254 .
7- .إبراهيم : 31 .

5 / 1 6 انفاق در راه خدا

امام صادق علیه السلام :هر آینه تقواپیشگان کم هزینه ترین مردمِ روزگار و یاری ورزترینِ ایشانند .

امام صادق علیه السلام :مؤمن نیکیار است و سبکبار ؛ گذرانِ زندگی اش را خوب تدبیر می کند ؛ و از یک سوراخ دو بار گزیده نمی شود .

من لایحضره الفقیه :امام صادق علیه السلام به گرمابه درآمد . صاحب گرمابه به او گفت: «گرمابه را برایت اختصاصی کنیم؟» فرمود: «نه ! همانا مؤمن سبکبار است» .

5 / 1 - 6انفاق در راه خداقرآن:«[پرهیزگاران اینانند:] کسانی که به غیب ایمان دارند و نماز را بر پا می کنند و از آن چه روزی شان کرده ایم ، انفاق می کنند .»

«و از آن چه شما را روزی کرده ایم ، انفاق کنید ، پیش از آن که یکی از شما را مرگ فرا رسد ، پس گوید: «پروردگارا ! چرا مرا تا سرآمدی نزدیک بازپس نداشتی تا صدقه دهم و از نیکان و شایستگان باشم؟»

«ای کسانی که ایمان آورده اید ! از آن چه شما را روزی کرده ایم ، انفاق کنید ، پیش از آن که روزی بیاید که در آن ، نه داد و ستدی باشد و نه دوستی و شفاعتی؛ و کافران همان ستمکارانند .»

.

«ءَامِنُواْ بِاللَّهِ وَ رَسُولِهِ وَ أَنفِقُواْ مِمَّا جَعَلَكُم مُّسْتَخْلَفِينَ فِيهِ فَالَّذِينَ ءَامَنُواْ مِنكُمْ وَ أَنفَقُواْ لَهُمْ أَجْرٌ كَبِيرٌ . (1) »

الحديث :رسول اللّه صلى الله عليه و آله :لَم نُبعَث لِجَمعِ المالِ ، ولكِن بُعِثنا لِإِنفاقِهِ . (2)

عنه صلى الله عليه و آله :طوبى لِمَن . . . أنفَقَ مالاً جَمَعَهُ فى غَيرِ مَعصِيَهٍ ، ورَحِمَ أهلَ الذِّلَّهِ وَالمَسكَنَهِ ... طوبى لِمَن ذَلَّ فى نَفسِهِ ، وطابَ كَسبُهُ ... طوبى لِمَن عَمِلَ بِعِلمِهِ ، وأنفَقَ الفَضلَ مِن مالِهِ ، وأمسَكَ الفَضلَ مِن قَولِهِ . (3)

عنه صلى الله عليه و آله :يَقولُ اللّهُ : اِبنَ آدَمَ ! مُلكى مُلكى ، ومالى مالى ، يا مِسكينُ ! أينَ كُنتَ حَيثُ كانَ المُلكُ ولَم تَكُن؟ ! وهَل لَكَ إلاّ ما أكَلتَ فَأفنَيتَ ، أو لَبِستَ فَأبلَيتَ ، أو تَصَدَّقتَ فَأبقَيتَ؟ ! إمّا مَرحومٌ بِهِ وإمّا مُعاقَبٌ عَلَيهِ ، فَاعقِل أن لا يَكونَ مالُ غَيرِكَ أحَبَّ إلَيكَ مِن مالِكَ . (4)

عنه صلى الله عليه و آله :يَقولُ العَبدُ : مالى مالى ، وإنَّما لَهُ مِن مالِهِ ثَلاثٌ : ما أكَلَ فَأفنى ، أو لَبِسَ فَأبلى ، أو أعطى فَاقتَنى ؛ وما سِوى ذلِكَ فَهُوَ ذاهِبٌ وتارِكُهُ لِلنّاسِ . (5)

.

1- .الحديد : 7 .
2- .مشكاه الأنوار : 321 / 1018 عن الإمام الصادق عليه السلام .
3- .السنن الكبرى : 4 / 306 / 7783 ، المعجم الكبير : 5 / 71 / 4615 و 4616 ، مسند الشهاب : 1 / 360 / 615 كلّها عن ركب المصرى ، كنز العمّال : 15 / 917 / 43582 ؛ الأمالى للطوسى : 539 / 1162 ، مكارم الأخلاق : 2 / 381 / 2661 كلاهما عن أبى ذرّ عنه صلى الله عليه و آله ، نهج البلاغه: الحكمه 123 كلّها نحوه ، بحار الأنوار : 81 / 268 / 27 .
4- .مصباح الشريعه : 300 ، بحار الأنوار : 71 / 356 / 17 .
5- .صحيح مسلم : 4/2273/4 ، مسند ابن حنبل : 3/299/8821 وص 386/9350 وفيهما «فأفنى» بدل «فاقتنى» وكلّها عن أبى هريره ، كنز العمّال : 6 / 358 / 16045 .

«به بندگان من که ایمان آورده اند ، بگو نماز را بر پا دارند و از آن چه روزی شان کرده ایم ، نهان و آشکارا انفاق کنند ، پیش از آن که روزی بیاید که در آن ، نه خرید و فروشی باشد و نه دوستی ای [که در غیر راه خدا باشد] .»

«به خدا و پیامبرش ایمان آورید و از آن چه شما را در آن ، جانشینِ [گذشتگان]گردانیده ، انفاق کنید؛ پس کسانی از شما که ایمان آورده و انفاق کرده اند ، مزدی بزرگ دارند» .

حدیث:پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :ما نه برای گرد آوردنِ مال ، که برای انفاقِ آن ، برانگیخته شده ایم .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :خوشا آن را که . . . انفاق کند مالی را که بدون گناه فراهم آورده و بر ناتوانان و تنگدستان رحم آورَد . . . خوشا آن را که در درون رام باشد و پیشه اش پاکیزه باشد . . . خوشا آن را که به علم خویش عمل کند و افزونِ مالش را ببخشد و از سخنِ فراتر از اندازه خودداری ورزد .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :خداوند فرماید: «ای زاده آدم! این مُلک از آنِ من است ؛ و این مالْ مرا است . ای تنگدست! کجا بودی آن گاه که این مُلَک بود و تو نبودی؟ و آیا از آنِ تو است چیزی جز آن چه می خوری و از میانش می بری ، یا آن چه می پوشی و پوسیده اش می کنی ، یا آن چه صدقه می دهی و جاویدش می سازی؟ و برای آن ، یا از رحمت خدا نصیب می بری و یا کیفر می بینی . پس بیندیش تا مالی که از آنِ غیر تو است ، برایت از مال خودت دوست داشتنی تر نباشد .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :بنده می گوید: «مال از آنِ من است» ، حال آن که از آن مال سه چیز از آنِ او است: آن چه می خورد و فانی می کند ؛ آن چه می پوشد و می پوسانَد ؛ و آن چه می بخشد و ذخیره می سازد . و جز این [بخش سوم] همه رفتنی است و آن چه از آن مانَد ، به دیگران می رسد .

.

صحيح مسلم عن مطرّف عن أبيه :أتَيتُ النَّبِيَّ صلى الله عليه و آله وهُوَ يَقرَأُ «أَلْهَلكُمُ التَّكَاثُرُ» ، قالَ : يَقولُ ابنُ آدَمَ : مالى مالى . (قالَ :) وهَل لَكَ يَابنَ آدَمَ مِن مالِكَ إلاّ ما أكَلتَ فَأفنَيتَ ، أو لَبِستَ فَأبلَيتَ ، أو تَصَدَّقتَ فَأمضَيتَ؟ ! (1)

سنن النسائى عن عبد اللّه :قالَ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله : أيُّكُم مالُ وارِثِهِ أحَبُّ إلَيهِ مِن مالِهِ ؟ قالوا : يا رَسولَ اللّهِ ، ما مِنّا مِن أحَدٍ إلاّ مالُهُ أحَبُّ إلَيهِ مِن مالِ وارِثِهِ . قالَ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله : اِعلَموا أنَّهُ لَيسَ مِنكُم مِن أحَدٍ إلاّ مالُ وارِثِهِ أحَبُّ إلَيهِ مِن مالِهِ ؛ مالُكَ ما قَدَّمتَ ، ومالُ وارِثِكَ ما أخَّرتَ . (2)

الأدب المفرد عن قيس بن عاصم السعدىّ :أتَيتُ رَسولَ اللّهِ صلى الله عليه و آلهفَقالَ : هذا سَيِّدُ أهلِ الوَبَرِ ، فَقُلتُ : يا رَسولَ اللّهِ ، مَا المالُ الَّذى لَيسَ عَلَىَّ فيهِ تَبِعَهٌ مِن طالِبٍ ولَا مِن ضَيفٍ ؟ فَقالَ رَسولُ اللّهِ : نِعمَ المالُ أربَعونَ ، وَالكَثرَهُ سِتّونَ ، ووَيلٌ لِأصحابِ المِئينَ ! إلاّ مَن أعطَى الكَريمَةَ ، ومَنَحَ الغَزيرَةَ ، ونَحَرَ السَّمينَةَ ؛ فَأكَلَ وأطعَمَ القانِعَ وَالمُعتَرَّ . قُلتُ : يا رَسولَ اللّهِ ، ما أكرَمَ هذِهِ الأخلاقَ ! لا يُحَلُّ بِوادٍ أنَا فيهِ مِن كَثرَهِ نَعَمى . فَقالَ : كَيفَ تَصنَعُ بِالعَطِيَّهِ ؟ قُلتُ : اُعطِى البَكرَ واُعطِى النّابَ . قالَ : كَيفَ تَصنَعُ فِى المَنيحَهِ (3) ؟ قالَ : إنّى لَأمنَحُ المِائَهَ . قالَ : كَيفَ تَصنَعُ فِى الطَّروقَهِ ؟ قالَ : يَغدُو النّاسُ بِحِبالِهِم ، ولا يوزَعُ رَجُلٌ مِن جَمَلٍ يَختَطِمُهُ ، فَيُمسِكَ ما بَدا لَهُ ، حَتّى يَكونَ هُوَ يَرُدُّهُ . فَقالَ النَّبِىُّ صلى الله عليه و آله : فَمالُكَ أحَبُّ إلَيكَ أم مَواليكَ ؟ (قالَ : مالى) . قالَ : فَإنَّما لَكَ مِن مالِكَ ما أكَلتَ فَأفنَيتَ ، أو أعطَيتَ فَأمضَيتَ ، وسائِرُهُ لِمَواليكَ . فَقُلتُ : لا جَرَمَ ، لَئِن رَجَعتُ لأُقِلَّنَّ عَدَدَها . (4)

.

1- .صحيح مسلم: 4/2273/3، سنن الترمذى: 4/572/2342 وج 5/447/3354، سنن النسائى: 6 / 238 ، مسند ابن حنبل : 5 / 498 / 16306 ، المستدرک على الصحيحين : 4 / 358 / 7913 ، كنز العمّال : 6 / 358 / 17046 .

2- .سنن النسائى : 6/237 ، الأدب المفرد : 57/153 ، مسند ابن حنبل : 2/23/3626 ، السنن الكبرى: 3 / 515 / 6509 ، حليه الأولياء : 4 / 129 ،

کنز العمّال : 6 / 380 / 6149 وراجع الأمالی للطوسی: 519 / 1141 .
3- .ماده شتر یا ماده گوسفندی که به کسی می دهی تا از شیرش بهره گیرد و آن را به تو باز گردانَد .
4- .الأدب المفرد : 280 / 953 ، المستدرک علی الصحیحین : 3 / 709 / 6566 نحوه ؛ الأمالی للسیّد المرتضی : 1 / 72 نحوه .

صحیح مسلم از مطرّف از پدرش :نزد پیامبر صلی الله علیه و آله رفتم ؛ مشغول تلاوت این آیه بود : «شما را افتخار بر یکدیگر به افزونی ، سرگرم کرد» . فرمود : «زاده آدم می گوید : مال از آنِ من است ؛ ای آدمیزاد ! آیا از مالت چیزی از آنِ تو است جز آن چه می خوری و فانی می سازی ؛ یا آن چه می پوشی و می پوسانی ؛ یا آن چه صدقه می دهی و جاری می سازی؟»

سنن النسائی از عبداللّه :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود : «از شما کسی هست که مالِ وارثش برای وی دوست داشتنی تر از مال خودش باشد؟» گفتند : «ای رسول خدا ! از ما کسی نیست جز این که مال خودش برای وی دوست داشتنی تر از مال وارثش است» . رسول خدا صلی الله علیه و آلهفرمود : «بدانید که از شما کسی نیست جز آن که مال وارثش برای وی دوست داشتنی تر از مال خودش است ؛ [زیرا] مال تو آن است که پیش می اندازی [= پیش از مرگت انفاق می کنی]و مال وارثت آن است که پس اندازی [= پس از خود بر جای بگذاری]» .

الأدب المفرد از قیس بن عاصم سعدی :نزد پیامبر خدا صلی الله علیه و آله رفتم . فرمود : «این ، مهترِ بادیه نشینان است» . گفتم: «ای رسول خدا ! چیست آن مالی که مرا در آن دنباله روی نیست ؛ نه جوینده ای و نه مهمانی؟» رسول خدا فرمود : «مال خوب ، چهل بخش است و افزون بر آن شصت بخش ؛ و وای بر دارندگان مالِ صدها بخشی ، مگر آن که بخش گرامی مالش را بخشش کند ، افزونی را انفاق نماید ، حیوان فربهش را قربانی نماید ، و [هم] خود خورَد و [افراد]قناعت پیشه و دریوزره گر را [نیز]بخورانَد» . گفتم: «ای رسول خدا ! چه خوش است این اخلاق . در سرزمینی که من ساکنم ، از فراوانیِ چهارپایانم جای سکونت نمانده است» . فرمود: «چگونه بخشش می کنی؟» گفتم : «شتر جوان را و [نیز] شتر سال دار را می بخشم» . فرمود: «ماده شتر یا میش را چگونه به بهره کشی می دهی؟» گفت[اَم]: «صد [به صد] به بهره کشی می دهم» . فرمود: «چگونه حیوان را برای باردارسازی می دهی؟» گفت [اَم] : «مردم با ریسمان هاشان روانه می شوند و کسی از شتری که مهارش را گرفته ، بازداشته نمی شود ، پس او حیوانی را که پیشش آید می گیرد ، خود ، می بَرَد» . پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود : «مال تو برایت دوست داشتنی تر است یا مالِ اطرافیانت»؟ گفت [اَم]: «مال خودم» . فرمود : «جز این

نیست که از مالت آن بخش از آن تو است که می خوری و فانی می کنی ، یا می بخشی و جاری می سازی ؛ و باقیمانده اش از آنِ اطرافیان تو است» . پس گفتم: «بدین سان ، ناچار باید پس از بازگشت ، تعداد آن ها را بکاهم» .

.

الإمام زين العابدين عليه السلام :كانَ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله يَقولُ فى آخِرِ خُطبَتِهِ : طوبى لِمَن طابَ خُلُقُهُ ، وطَهُرَت سَجِيَّتُهُ ، وصَلُحَت سَريرَتُهُ ، وحَسُنَت عَلانِيَتُهُ ، وأَنفَقَ الفَضلَ مِن مالِهِ ، وأمسَكَ الفَضلَ مِن قَولِهِ ، وأنصَفَ النّاسَ مِن نَفسِهِ . (1)

صحيح مسلم عن أبو سعيد الخدريّ :بَينَما نَحنُ فى سَفَرٍ مَعَ النَّبِيِّ صلى الله عليه و آله ، إذ جاءَ رَجُلٌ عَلى راحِلَةٍ لَهُ ، فَجَعَلَ يَصرِفُ بَصَرَهُ يَمينا وشِمالاً ، فَقالَ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله : «مَن كانَ مَعَهُ فَضلُ ظَهرٍ فَليَعُد بِهِ عَلى مَن لا ظَهرَ لَهُ ، ومَن كانَ لَهُ فَضلٌ مِن زادٍ فَليَعُد بِهِ عَلى مَن لا زادَ لَهُ» . فَذَكَرَ مِن أصنافِ المالِ ما ذَكَرَ ، حَتّى رَأينا أنَّهُ لا حَقَّ لِأَحَدٍ مِنّا فى فَضلٍ . (2)

.

1- .الكافى : 2 / 144 / 1 عن أبى حمزه الثمالى ، الاختصاص : 228 ، أعلام الدين : 119 عن يحيى بن اُمّ الطويل نحوه ، بحار الأنوار : 69 / 400 / 94 وج 75 / 30 / 22 .

2- .صحيح مسلم: 3/1354/18 ، سنن أبى داود: 2/125/1663 ، مسند ابن حنبل : 4 / 68/11293 ، السنن الكبرى : 4 / 305 / 7782 وج 10 / 5 / 19666 ، كنز العمّال : 6 / 711 / 17523 .

امام زین العابدین علیه السلام :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در پایان خطبه اش می فرمود: «خوشا آن را که اخلاقش خوش ، سرشتش پاک ، باطنش بسامان ، و آشکارش نیک باشد ؛ افزونیِ مالش را انفاق کند ؛ از سخن زیاده درگذرد ، و از درون خویش با مردم انصاف ورزد .

صحیح مسلم از ابوسعید خدری :در حال سفر با پیامبر صلی الله علیه و آلهبودیم که مردی سوار بر مَرکبی آمد و به سوی راست و چپ چشم گردانید . پیامبر خدا صلی الله علیه و آلهفرمود: «هر کس مَرکبی افزون دارد ، به آن که مرکب ندارد برسانَد ؛ و هر که توشه ای افزون دارد ، به آن کس که توشه ندارد ، بدهد» . و از گونه های مال چندان ذکر کرد که ما دریافتیم هیچ یک از ما را در مال افزونش حقّی نیست .

.

الإمام علىّ عليه السلام :ما قَدَّمتَ فَهُوَ لِلمالِكينَ ، وما أخَّرتَ فَهُوَ لِلوارِثينَ ، وما مَعَكَ فَما لَكَ عَلَيهِ سَبيلٌ سِوَى الغُرورِ بِهِ . كَم تَسعى فى طَلَبِ الدُّنيا ؟! وكَم تَرعى ؟! أفَتُريدُ أن تُفقِرَ نَفسَكَ وتُغنِىَ غَيرَكَ ؟! (1)

عنه عليه السلام فى كِتابِهِ إلى زِيادِ ابنِ أبيهِ : فَدَعِ الإسرافَ مُقتَصِدا ، وَاذكُر فِى اليَومِ غَدا ، وأمسِك مِنَ المالِ بِقَدرِ ضَرورَتِكَ ، وقَدِّمِ الفَضلَ لِيَومِ حاجَتِكَ . (2)

عنه عليه السلام:مَن آتاهُ اللّهُ مالاً فَليَصِل بِهِ القَرابَةَ ، وَليُحسِن مِنهُ الضِّيافَةَ ، وَليَفُكَّ بِهِ الأَسيرَ وَالعانِىَ ، وَليُعطِ مِنهُ الفَقيرَ وَالغارِمَ ، وَليَصبِر نَفسَهُ عَلَى الحُقوقِ وَالنَّوائِبِ ابتِغاءَ الثَّوابِ ؛ فَإِنَّ فَوزا بِهذِهِ الخِصالِ شَرَفُ مَكارِمِ الدُّنيا ، ودَركُ فَضائِلِ الآخِرَهِ ، إن شاءَ اللّهُ . (3)

عنه عليه السلام :المالُ وَبالٌ عَلى صاحِبِهِ إلاّ ما قَدَّمَ مِنهُ . (4)

عنه عليه السلام :خَيرُ الأَموالِ ما أعانَ عَلَى المَكارِمِ . (5)

عنه عليه السلام :خَيرُ أموالِكَ ما وَقى عِرضَكَ . (6)

عنه عليه السلام :إنَّ خَيرَ المالِ ما أورَثَكَ ذُخرا وذِكرا ، وأكسَبَكَ حَمدا وأجرا . (7)

عنه عليه السلام :خَيرُ مالِكَ ما أعانَكَ عَلى حاجَتِكَ . (8)

.

1- .مصباح الشريعه : 301 .
2- .نهج البلاغه : الكتاب 21 ، غرر الحكم : 6596 .
3- .نهج البلاغه : الخطبه 142 .
4- .غرر الحكم : 1957 .
5- .غرر الحكم : 4993 .
6- .غرر الحكم : 4958 .
7- .غرر الحكم : 3600 .
8- .مطالب السؤول : 56 ؛ بحار الأنوار : 78 / 12 / 70 .

امام علی علیه السلام :مالی که پیش از مرگ مصرف کرده ای ، از آنِ مالکان آن اموال شده است ؛ و مالی که برای پس از مرگ می نهی ، از آنِ وارثان خواهد شد ؛ و آن چه همراه تو است ، جز فریفتگی راهی به آن نداری . چه مایه در پی دنیا می کوشی؟ چه مایه [دنیا را]می چَری؟ آیا می خواهی خود را فقیر و جز خودت را توانگر سازی؟

امام علی علیه السلام در نامه اش به زیاد بن اَبیه : اسراف را رها کن و میانه روی پیش گیر ؛ امروز در اندیشه فردایت باش ؛ از مال به اندازه ضرورت ، نگهدار و زیاده آن را برای روز نیازمندی ات [آخرت] روانه ساز [انفاق کن] .

امام علی علیه السلام :هر کس خداوند به او مالی دهد ، باید آن را به خویشاوندان برساند ؛ مهمانی های نیکو دهد ؛ اسیر و گرفتار را از بند برهانَد ؛ تنگدست و وامدار را بهره بخشد ؛ به امید پاداش ، خویشتن را بر [ادای] حقوق و [تحمّل]بلاهای سخت صبور سازد ؛ که هر آینه دستیابی به این ویژگی ها ، بهره ور شدن از کرامت های دنیایی و فضیلت های آخرتی است ، اگر خدای خواهد!

امام علی علیه السلام :مال مایه تباهی و گران جانیِ صاحب خود است ، مگر آن بخش که [با انفاق] پیش فرستاده شود .

امام علی علیه السلام :بهترین مال آن است که یاریگرِ نیکی ها باشد .

امام علی علیه السلام :بهترین مال تو آن است که آبرویت را حفظ کند .

امام علی علیه السلام :هر آینه بهترین مال آن است که برایت اندوخته و یاد [نیک]به جا نهد و سپاس و پاداش ارمغانت دهد .

امام علی علیه السلام :بهترین مال تو آن است که برای برآوردن نیازت یاری ات کند .

.

عنه عليه السلام :إنَّ خَيرَ المالِ ما كَسَبَ ثَناءً وشُكرا ، وأوجَبَ ثَوابا وأجرا . (1)

عنه عليه السلام :أفضَلُ المالِ ما قَضَيتَ بِهِ الحُقوقَ . (2)

عنه عليه السلام :أنفَعُ المالِ ما قُضِيَ بِهِ الفَرضُ . (3)

عنه عليه السلام :دِرهَمٌ يَنفَعُ خَيرٌ مِن دينارٍ يَصرَعُ . (4)

عنه عليه السلام :أفضَلُ الأَموالِ أحسَنُها أثَرا عَلَيكَ . (5)

عنه عليه السلام :أفضَلُ المالِ مَا استُرِقَّ بِهِ الأَحرارُ . (6)

عنه عليه السلام :أفضَلُ الأَموالِ مَا استُرِقَّ بِهِ الرِّجالُ . (7)

عنه عليه السلام :إنَّ أفضَلَ الأَموالِ مَا استُرِقَّ بِهِ حُرٌّ ، وَاستُحِقَّ بِهِ أجرٌ . (8)

عنه عليه السلام :أفضَلُ الغِنى ما صينَ بِهِ العِرضُ . (9)

الإمام الحسين عليه السلام :مالُكَ إن يَكُن لَكَ كُنتَ لَهُ مُنفِقا ، فَلا تُبقِهِ بَعدَكَ فَيَكُن ذَخيرَةً لِغَيرِكَ ، وتَكونُ أنتَ المُطالَبَ بِهِ المَأخوذَ بِحِسابِهِ . وَاعلَم أنَّكَ لا تَبقى لَهُ ولا يَبقى عَلَيكَ ، فَكُلهُ قَبلَ أن يَأكُلَكَ . (10)

.

1- غرر الحكم : 3572 .
2- غرر الحكم : 3250 .
3- غرر الحكم : 3039 .
4- غرر الحكم : 5120 .
5- غرر الحكم : 3145 .
6- غرر الحكم : 2953 .
7- غرر الحكم : 2955 .
8- غرر الحكم : 3601 .

9- .غرر الحكم : 3038 .
10- .أعلام الدين : 298 ، بحار الأنوار : 78 / 128 / 11 وراجع الدرّه الباهره : 24 .

امام علی علیه السلام :هر آینه بهترین مال آن است که سپاس و ستایش به ارمغان آورَد و پاداش و مزد فراهم کند .

امام علی علیه السلام :برترین مال آن است که با آن ، حق ها را به جای آوری .

امام علی علیه السلام :سودبخش ترین مال آن است که واجبی با آن ادا گردد .

امام علی علیه السلام :درهمی که سودمند افتد ، بهتر از دیناری است که [انسان را]بر زمین زند .

امام علی علیه السلام :برترین مال آن است که بهترین اثر را بر تو بر جای گذارَد .

امام علی علیه السلام :برترین مال آن است که آزادان با آن به بندِ [محبّت]درآیند .

امام علی علیه السلام :برترین مال آن است که مردان با آن به بند درآیند .

امام علی علیه السلام :هر آینه برترین مال آن است که آزاده ای با آن به بندِ [دوستی و محبّت] افتد و سزاوارِ پاداش باشد .

امام علی علیه السلام :برترین توانگری آن است که آبرویی با آن حفظ گردد .

امام حسین علیه السلام :مال تو اگر [به راستی] از آنِ تو باشد ، آن را انفاق می کنی ؛ پس آن را برای پس از خود مگذار که آن گاه اندوخته کسانی جز تو خواهد شد ، در حالی که [در قیامت] بابت آن از تو پرس و جو خواهند کرد و حساب خواهند کشید . و بدان که نه تو برای مال باقی می مانی و نه مال برای تو جاودان می ماند ؛ پس پیش از آن که او تو را بخورد ، تو او را بخور .

.

الإمام الصادق عليه السلام :كانَ فى بَنى إسرائيلَ مَجاعَةٌ حَتّى نَبَشُوا المَوتى فَأكَلوهُم ، فَنَبَشوا قَبرا فَوَجَدوا فيهِ لَوحا فيهِ مَكتوبٌ : أنَا فُلانٌ النَّبِىُّ ، يَنبُشُ قَبرى حَبَشِىٌّ ، ما قَدَّمنا وَجَدناهُ ، وما أكَلنا رَبِحناهُ ، وما خَلَّفنا خَسِرناهُ . (1)

الإمام الكاظم عليه السلام :سُئِلَ أبو ذَرٍّ : ما مالُكَ ؟ قالَ : عَمَلى ، قيلَ لَهُ : إنَّما نَسألُكَ عَنِ الذَّهَبِ وَالفِضَّهِ ! فَقالَ : ما أصبَحَ فَلا أمسى ، وما أمسى فَلا أصبَحَ ؛ لَنا كُندوجٌ نَرفَعُ فيهِ خَيرَ مَتاعِنا ، سَمِعتُ رَسولَ اللّهِ صلى الله عليه و آله يَقولُ : كُندوجُ المُؤمِنِ قَبرُهُ . (2)

القَصدالكتاب 7 1 / 5 :«وَ لاَ تَجْعَلْ يَدَكَ مَغْلُولَةً إِلَى عُنُقِكَ وَ لاَ تَبْسُطْهَا كُلَّ الْبَسْطِ فَتَقْعُدَ مَلُومًا مَّحْسُورًا . (3) »

الحديث :رسول اللّه صلى الله عليه و آله :الاِقتِصادُ فِى النَّفَقَهِ نِصفُ المَعيشَهِ ، وَالتَّوَدُّدُ إلَى النّاسِ نِصفُ العَقلِ ، وحُسنُ السُّؤالِ نِصفُ العِلمِ . (4)

عنه صلى الله عليه و آله :رَحِمَ اللّهُ مُؤمِنا كَسَبَ طَيِّبا ، وأنفَقَ قَصدا ، وقَدَّمَ خَيرا . (5)

.

1- .الأمالى للصدوق : 704 / 965 عن الفضل بن أبى قرّه السمندى ، بحار الأنوار : 73 / 137 / 2 .
2- .الأمالى للطوسى : 702/1501 عن موسى بن بكر ، رجال الكشّى : 1 / 121 / 54 ، روضه الواعظين: 312 كلاهما نحوه ، بحار الأنوار : 78 / 452 / 17 .
3- .الإسراء : 28 .
4- .شُعب الإيمان : 5/255/6568 ، مسند الشهاب : 1 / 55 / 33 وفيه «العيش» وكلاهما عن ابن عمر ، كنز العمّال : 3 / 49 / 5434 وراجع تاريخ بغداد : 12 / 11 / 6370 والفردوس : 1 / 122 / 420 .
5- .دعائم الإسلام : 2 / 66 / 184 .

5 / 1 7 میانه روی

امام صادق علیه السلام :در میان بنی اسرائیل چنان قحطی افتاد که مردگان را از خاک درآوردند و خوردند . پس گوری را شکافتند و در آن نبشته ای چنین یافتند : «من فلان پیامبرم که گورم را سیاهی خواهد شکافت . آن چه [برای قیامت انفاق کردیم و] پیش فرستادیم ، یافتیم ؛ آن چه خوردیم بهره اش را بردیم ؛ و آن چه باز نهادیم ، زیانش را دیدیم .

امام کاظم علیه السلام :از ابوذر پرسیده شد : «مالت چیست؟» گفت: «عملِ من» . به او گفته شد: «مرادِ ما طلا و نقره است!» گفت: «طلا و نقره از صبحگاهان به شامگاهان نکشد و از شامگاهان به صبحگاهان! ما را خزانه ای است که بهترین کالایمان را در آن می گذاریم . از رسول خدا صلی الله علیه و آلهشنیدم که می فرمود: خزانه مؤمن ، گورِ او است » .

5 / 1 - 7میانه رویقرآن:«و دست خویش به گردنت مبند [= بخل و امساک مکن] و آن را یکسره مگشای [= به گزاف و زیاده روی بخشش مکن] که نکوهیده و درمانده بنشینی .»

حدیث:پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :میانه روی در هزینه کردن ، نیمِ زندگی گذرانی است ؛ و دوستی ورزیدن با مردم ، نیمِ اندیشه مندی ؛ و نیک پرسیدن ، نیمِ دانش .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :خداوند رحمت آورَد مؤمنی را که پیشه پاکیزه داشته باشد و میانه روانه انفاق کند و [برای خود] خیر را پیش فرستد .

.

عنه صلى الله عليه و آله :كُلوا وَاشرَبوا وتَصَدَّقوا وَالبَسوا ، ما لَم يُخالِطهُ إسرافٌ أو مَخيلَهٌ . (1)

عنه صلى الله عليه و آله :الاِقتِصادُ فِى المَعيشَهِ نِصفُ العَيشِ ؛ تُكفى نِصفَ النَّفَقَهِ . (2)

عنه صلى الله عليه و آله :مَنِ اقتَصَدَ فى مَعيشَتِهِ رَزَقَهُ اللّهُ ، ومَن بَذَّرَ حَرَمَهُ اللّهُ . (3)

عنه صلى الله عليه و آله :لا مَنعَ ولا إسرافَ ، ولا بُخلَ ولا إتلافَ . (4)

عنه صلى الله عليه و آله :التَّقديرُ فِى النَّفَقَهِ نِصفُ العَيشِ . (5)

الإمام علىّ عليه السلام :الاِقتِصادُ نِصفُ المَؤونَهِ . (6)

الإمام زين العابدين عليه السلام :لِيُنفِقِ الرَّجُلُ بِالقَصدِ وبُلغَهِ الكَفافِ ، ويُقَدِّم مِنهُ فَضلاً لاِخِرَتِهِ ؛ فَإِنَّ ذلِکَ أبقى لِلنِّعمَهِ ، وأقرَبُ إلَى المَزيدِ مِنَ اللّهِ عز و جل ، وأنفَعُ فِى العاقِبَهِ . (7)

عنه عليه السلام مِن دُعائِهِ فِى المَعونَهِ عَلى قَضاءِ الدَّينِ : اللّهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وآلِهِ ، وَاحجُبنى عَنِ السَّرَفِ وَالاِزدِيادِ ، وقَوِّمنى بِالبَذلِ وَالاِقتِصادِ ، وعَلِّمنى حُسنَ التَّقديرِ ، وَاقبِضنى بِلُطفِکَ عَنِ التَّبذيرِ . (8)

.

1- .سنن ابن ماجه : 2 / 1192 / 3605 ، سنن النسائى : 5 / 79 وليس فيه «وتصدّقوا» ، مسند ابن حنبل : 2 / 600 / 6707 كلّها عن عمرو بن شعيب عن أبيه عن جدّه ، صحيح البخارى : 5 / 2181 وفيه «فى غير إسراف» بدل «ما لم يخالطه إسراف» ، كنز العمّال : 6 / 644 / 17197 .
2- .شُعب الإيمان : 6 / 255 / 8061 عن أنس ، كنز العمّال : 15 / 916 / 43581 وفيه «يُبقى» بدل «تكفى» .
3- .الكافى : 2 / 122 / 3 عن عبد الرحمان بن الحجّاج عن الإمام الصادق عليه السلام وج 4 / 54 / 12 عن عبد اللّه بن سنان عن الإمام الصادق عليه السلامعنه صلى الله عليه و آله، تحف العقول: 46، الزهد للحسين بن

سعید: 55 / 148 عن عبد الرحمان بن الحجّاج عن الإمام الصادق علیه السلام عنه صلی الله علیه و آله ، بحار الأنوار : 75 / 126 / 25 وج 77 / 149 / 82 .
4- .عوالی اللآلی : 1 / 296 / 198 ، بحار الأنوار : 77 / 166 / 2 .
5- .کنز الفوائد : 2 / 190 ، بحار الأنوار : 1 / 224 / 14 .
6- .غرر الحکم : 565 .
7- .الکافی : 4 / 52 / 1 عن برید بن معاویه عن الإمام الباقر علیه السلام .
8- .الصحیفه السجّادیه : 121 الدعاء 30 .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :بخورید و بیاشامید و صدقه دهید و جامه پوشید ، مادام که با ریخت و پاش و خودپسندی درنیامیزد .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :میانه روی در زندگی نیمِ گذرانِ زندگی است و نیمی از هزینه را برآورده می کند .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :آن کس که در گذران زندگی اش میانه روی پیشه کند ، خداوند روزی اش می دهد ؛ و هر که ریخت و پاش کند ، خدای ناکامش می گرداند .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :نه تنگ گرفتن [پسندیده] است و نه ریخت و پاش ؛ نه تنگ چشمی و نه تباه کردنِ [اموال] .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :اندازه نگه داشتن در هزینه کردن ، نیمی از گذرانِ زندگی است .

امام علی علیه السلام :میانه روی ، نیمِ توشه زندگی است .

امام زین العابدین علیه السلام :انسان باید با میانه روی و تا حدّ کفایت ، انفاق کند و افزون مالش را برای آخرتش پیش فرستد ؛ که این بیشتر سبب پایداری نعمت ؛ و نزدیک تر به افزونیِ [قربِ] خداوند ؛ و سودمندتر برای آخرت است .

امام زین العابدین علیه السلام از دعای وی در کمک خواهی برای پرداخت وام : بار خدایا! بر محمّد و خاندانش درود فرست و مرا از ولخرجی و زیاده روی دور کن و با بخشش و میانه روی بر پا و استوارم دار و اندازه نگهداشتنِ نکو را به من بیاموز و به لطف خویش از ریخت و پاش بازم دار .

.

الإمام الصادق عليه السلام لِرَجُلٍ : اِتَّقِ اللّهَ ، ولا تُسرِف ولا تَقتُر ، ولكِن بَينَ ذلِكَ قَواما ؛ إنَّ التَّبذيرَ مِنَ الإِسرافِ ، قالَ اللّهُ عز و جل : «وَ لاَ تُبَذِّرْ تَبْذِيرًا (1) » . (2)

عنه عليه السلام فى قَولِهِ : «وَ لاَ تُبَذِّرْ تَبْذِيرًا» : اِتَّقِ اللّهَ ، ولا تُسرِف ولا تَقتُر ، وكُن بَينَ ذلِكَ قَواما ؛ إنَّ التَّبذيرَ مِنَ الإِسرافِ ، وقالَ اللّهُ «وَ لاَ تُبَذِّرْ تَبْذِيرًا» ، إنَّ اللّهَ لا يُعَذِّبُ عَلَى القَصدِ . (3)

عنه عليه السلام :عَلَّمَ اللّهُ عز و جل نَبِيَّهُ صلى الله عليه و آله كَيفَ يُنفِقُ ، وذلِكَ أنَّهُ كانَت عِندَهُ اُوقِيَّهٌ مِنَ الذَّهَبِ ، فَكَرِهَ أن يَبيتَ فَتَصَدَّقَ بِها ، فَأصبَحَ ولَيسَ عِندَهُ شَىءٌ ، وجاءَهُ مَن يَسأَلُهُ فَلَم يَكُن عِندَهُ ما يُعطيهِ ، فَلامَهُ السّائِلُ ، وَاغتَمَّ هُوَ حَيثُ لَم يَكُن عِندَهُ ما يُعطيهِ ، وكانَ رَحيما رَقيقا ، فَأَدَّبَ اللّهُ تَعالى نَبِيَّهُ صلى الله عليه و آله بِأمرِهِ فَقالَ : «وَ لاَ تَجْعَلْ يَدَكَ مَغْلُولَةً إِلَى عُنُقِكَ وَ لاَ تَبْسُطْهَا كُلَّ الْبَسْطِ فَتَقْعُدَ مَلُومًا مَّحْسُورًا ؛ (4) » يَقولُ : إنَّ النّاسَ قَد يَسأَلونَكَ ولا يَعذِرونَكَ ، فَإِذا أعطَيتَ جَميعَ ما عِندَكَ مِنَ المالِ كُنتَ قَد حُسِرتَ مِنَ المالِ . (5)

عنه عليه السلام :إنَّ القَصدَ أمرٌ يُحِبُّهُ اللّهُ عز و جل ، وإنَّ السَّرَفَ أمرٌ يُبغِضُهُ اللّهُ ، حَتّى طَرحَكَ النَّواةَ ؛ فَإِنَّها تَصلُحُ لِلشَّىءِ ، وحَتّى صَبَّكَ فَضلَ شَرابِكَ . (6)

.

1- .الإسراء : 26 .
2- .الكافى : 3 / 501 / 14 ، تفسير العيّاشى : 2 / 288 / 56 وفيه «وكن» بدل «ولكن» وكلاهما عن عامر بن جذاعه ، بحار الأنوار : 75 / 302 / 3 .
3- .تفسير العيّاشى : 2 / 288 / 55 عن علىّ بن جذاعه ، بحار الأنوار : 75 / 302 / 3 و 4 .
4- .الإسراء : 29 .
5- .الكافى : 5 / 67 / 1 عن مسعده بن صدقه ، تحف العقول : 351 وفيه «رفيقا» بدل «رقيقا» و«خسرت» بدل «حسرت» ، بحار الأنوار : 47 / 235 / 22 وج 70 / 125 / 13 .

6- .الكافى: 4/52/2 ، الخصال : 10 / 36 ، ثواب الأعمال : 221/1 كلّها عن داود الرقّى ، بحار الأنوار: 71 / 346 / 10 .

امام صادق علیه السلام خطاب به مردی : خدای را بپرهیز و نه اسراف کن و نه تنگ بگیر ؛ بلکه راه میانه را در پیش گیر ؛ که ریخت و پاش گونه ای اِسراف است . خدای فرموده است: «و هیچ گونه ریخت و پاش مکن» .

امام صادق علیه السلام درباره سخن خدای که «به ریخت و پاش روی میاور» : تقوای خداوند را پیشه کن و نه اسراف نمای و نه تنگ گیر ؛ بلکه حد میانه را نگاه دار ؛ زیرا ریخت و پاش از مصادیق اسراف است و خداوند فرموده است : «و به ریخت و پاش روی میاور .» هر آینه خداوند ، میانه روی را مجازات نمی کند .

امام صادق علیه السلام :خداوند به پیامبرش علیه السلام آموخت که چگونه انفاق کند ؛ و آن ، چنین بود : نزد وی قدری طلا بود و او کراهت داشت که [با اندوخته طلا]شب را سپری کند ؛ پس آن را صدقه داد . صبحگاهان در حالی برخاست که نزد وی چیزی [برای صدقه دادن] نبود . نیازخواهی به سراغ وی آمد ، امّا پیامبر چیزی نداشت که به او ببخشد . آن نیازخواه به سرزنش وی پرداخت و پیامبر که رحم ورز و دل نازک بود ، اندوهگین شد که چرا چیزی برای بخشیدن ندارد! آن گاه خداوند تعالی پیامبرش را با فرمان خویش ، چنین تأدیب فرمود: «و دست خویش به گردنت مبند [= بخل و امساک مکن] و آن را یکسره مگشای [= به گزاف و زیاده روی بخشش مکن] که نکوهیده و درمانده بنشینی» . [بدین سان ، به وی] می فرماید : مردم گاه از تو چیزی می خواهند و عذری از تو نمی پذیرند ؛ پس اگر همه مالی را که داری از پیش بخشیده باشی ، از مال تهیدست شده ای [و توانِ انفاق نخواهی داشت] .

امام صادق علیه السلام :هر آینه میانه روی شیوه ای است که خداوند آن را دوست می دارد و زیاده روی شیوه ای است که خدای دشمنش می شمارد ، حتّی اگر هسته خرمایی را دور افکنی ، زیرا آن هم به کاری می آید ؛ و حتّی اگر زیاده آبِ آشامیدنی ات را بر زمین ریزی .

.

الكافى عن عبد الملک بن عمرو الأحول :تَلا أبو عَبدِ اللّهِ علیه السلامهذِهِ الآیَهَ «وَ الَّذِینَ إِذَآ أنفَقُواْ لَمْ یُسْرِفُواْ وَ لَمْ یَقْتُرُواْ وَ کَانَ بَیْنَ ذَ لِکَ قَوَامًا (1) » ، قالَ : فَأَخَذَ قَبضَهً مِن حَصیً وقَبَضَها بِیَدِهِ فَقالَ : «هذَا الإقتارُ الَّذی ذَکَرَهُ اللّهُ فی کِتابِهِ» ، ثُمَّ قَبَضَ قَبضَهً اُخری فَأَرخی کَفَّهُ کُلَّها ثُمَّ قالَ : «هذَا الإِسرافُ» ، ثُمَّ أخَذَ قَبضَهً اُخری فَأَرخی بَعضَها وأمسَکَ بَعضَها وقالَ : «هذَا القَوامُ» . (2)

تفسیر العیّاشی عن أبان بن تغلب :قالَ أبو عَبدِ اللّهِ علیه السلام : أتَرَی اللّهَ أعطی مَن أعطی مِن کَرامَتِهِ عَلَیهِ ومَنَعَ مَن مَنَعَ مِن هَوانٍ بِهِ عَلَیهِ ؟! لا ، ولکِنَّ المالَ مالُ اللّهِ یَضَعُهُ عِندَ الرَّجُلِ وَدائِعَ ، وجَوَّزَ لَهُم أن یَأکُلوا قَصدا ، ویَشرَبوا قَصدا ، ویَلبَسوا قَصدا ، ویَنکِحوا قَصدا ، ویَرکَبوا قَصدا ، ویَعودوا بِما سِوی ذلِکَ عَلی فُقَراءِ المُؤمِنینَ ویَلُمّوا بِهِ شَعَثَهُم ؛ فَمَن فَعَلَ ذلِکَ کانَ ما یَأکُلُ حَلالاً ، ویَشرَبُ حَلالاً ، ویَرکَبُ حَلالاً ، ویَنکِحُ حَلالاً ؛ ومَن عَدا ذلِکَ کانَ عَلَیهِ حَراما . ثُمَّ قالَ : «وَ لاَ تُسْرِفُواْ إِنَّهُ لاَ یُحِبُّ الْمُسْرِفِینَ ، (3) » أتَرَی اللّهَ ائتَمَنَ رَجُلاً عَلی مالٍ خَوَّلَ لَهُ أن یَشتَرِیَ فَرَسا بِعَشَرَهِ آلافِ دِرهَمٍ ویَجزیهِ فَرَسٌ بِعِشرینَ دِرهما ، ویَشتَرِیَ جارِیَهً بِألفِ دینارٍ ویَجزیهِ جارِیَهٌ بِعِشرینَ دینارا؟! وقالَ : «وَ لاَ تُسْرِفُواْ إِنَّهُ لاَ یُحِبُّ الْمُسْرِفِینَ . (4) »

.

1- .الفرقان : 67 .
2- .الکافی : 4 / 54 / 1 ، بحار الأنوار : 69 / 261 نقلاً عن تفسیر مجمع البیان .
3- .الأعراف : 31 .
4- .تفسیر العیّاشی : 2 / 13 / 23 ، بحار الأنوار : 75 / 305 / 6 وج 79 / 304 / 17 .

الکافی از عبدالملک بن عمرو احول :امام صادق علیه السلام این آیه را برخواند : «و آنان که چون هزینه کنند ، نه اسراف کنند و نه تنگ گیرند و میان این دو ، به راه میانه باشند» . [راوی]گفت: «آن گاه ، امام مشتی سنگریزه را در چنگ فشرد و فرمود : این همان تنگ گرفتن است که خداوند در کتابش ذکر کرده است . سپس مشتی دیگر برگرفت و همه آن را واگشود و فرمود : این اسراف است . پس از آن ، مشتی دیگر گرفت و قدری از آن را گشود و قدری را بسته نگاه داشت و فرمود: این راه میانه است » .

تفسیر عیاشی از اَبان بن تغلب :امام صادق علیه السلام فرمود: «آیا گمان می کنی که خداوند با کرامت خویش ، بعضی را مال بخشیده و برخی دیگر را خوار شمرده و مال را از آنان دریغ فرموده است؟! چنین نیست ؛ بلکه مال از آنِ خداوند است و آن را نزد انسان امانت می نهد و آدمیان را مجاز می شمرد که با میانه روی ، بخورند و بیاشامند و بپوشند و زناشویی کنند و سواری گیرند و بیشتر از این حد را به مؤمنان فقیر ببخشند و نیازهای آنان را برآورده سازند . آن کس که چنین کند ، آن چه می خورد و می آشامد و سوار می شود و به زناشویی می گیرد ، حلال است ؛ و آن کس که از این حد بگذرد ، بهره وری هایش حرام است» . سپس فرمود: «[خداوند فرموده است:] و اسراف نکنید ؛ که هر آینه او اسراف کاران را دوست نمی دارد . آیا گمان می کنی خداوند انسان را در مالی که به وی عطا فرموده ، امین شمرده که اسبی به بهای ده هزار درهم بخرد ، حال آن که اسبی به قیمت بیست درهم برای او کفایت می کند ؛ یا کنیزی به بهای هزار دینار بخرد ، در حالی که کنیزی بیست دیناری وی را بس است؟!» و [دوباره]فرمود: «و اسراف نکنید ؛ که هر آینه او اسراف کاران را دوست نمی دارد» .

.

الإمام الكاظم عليه السلام فى قَولِ اللّهِ عز و جل : «وَ كَانَ بَيْنَ ذَ لِکَ قَوَامًا (1) » : القَوامُ هُوَ المَعروفُ ؛ «عَلَى الْمُوسِعِ قَدَرُهُ وَ عَلَى الْمُقْتِرِ قَدَرُهُ مَتَعَا بِالْمَعْرُوفِ حَقًّا عَلَى الْمُحْسِنِينَ (2) » : عَلى قَدرِ عِيالِهِ ومَؤونَتِهِمُ الَّتى هِىَ صَلاحٌ لَهُ ولَهُم ؛ «لاَ يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلاَّ مَآ ءَاتَهَا (3) » . (4)

الكافى عن عبد اللّه بن أبان :سَأَلتُ أبَا الحَسَنِ الأَوَّلَ عليه السلامعَنِ النَّفَقَهِ عَلَى العِيالِ ، فَقالَ : ما بَينَ المَكروهَينِ : الإِسرافِ وَالإِقتارِ . (5)

الخصال عن محمد بن عمرو بن سعيد عن بعض أصحابه :سَمِعتُ العَيّاشِىَّ وهُوَ يَقولُ : اِستَأذَنتُ الرِّضا عليه السلام فِى النَّفَقَهِ عَلَى العِيالِ ، فَقالَ : بَينَ المَكروهَينِ . قالَ : فَقُلتُ : جُعِلتُ فِداکَ ! لا وَاللّهِ ما أعرِفُ المَكروهَينِ . قالَ : فَقالَ : بَلى يَرحَمُکَ اللّهُ ! أما تَعرِفُ أنَّ اللّهَ عز و جل كَرِهَ الإِسرافَ وكَرِهَ الإِقتارَ فَقالَ : «وَ الَّذِينَ إِذَآ أَنفَقُواْ لَمْ يُسْرِفُواْ وَ لَمْ يَقْتُرُواْ وَ كَانَ بَيْنَ ذَ لِکَ قَوَامًا» ؟ ! (6)

5 / 1 8إظهارُ الغِنىالكتاب :«يَأَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُواْ لاَ تُحَرِّمُواْ طَيِّبَتِ مَآ أَحَلَّ اللَّهُ لَكُمْ وَ لاَ تَعْتَدُواْ إِنَّ اللَّهَ لاَ يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ* وَ كُلُواْ مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ حَلَلاً طَيِّبًا وَ اتَّقُواْ اللَّهَ الَّذِى أَنتُم بِهِ مُؤْمِنُونَ . (7) »

.

1- .الفرقان : 67 .
2- .البقره : 236 .
3- .الطلاق : 7 .
4- .الكافى : 4 / 56 / 8 عن محمّد بن سنان .
5- .الكافى : 4 / 55 / 2 .
6- .الخصال : 54 / 74 ، روضه الواعظين : 499 عن العبّاس ، بحار الأنوار : 71 / 347 / 11 .
7- .المائده : 87 و 88 .

امام کاظم علیه السلام در تفسیر سخن خدای که «میان این دو ، به راه میانه باشند» : راه میانه یعنی پسندیده ، [همان گونه که خداوند می فرماید:] «و به طور پسندیده بهره مندشان سازید : فراخ دست به اندازه توان خود و تنگدست به اندازه توان خود ؛ که [این] سزاوارِ نیکوکاران است» ؛ [یعنی]به فراخورِ حالِ خانواده اش و توشه ای که در شأن وی و ایشان است ؛ «خدای هیچ کس را تکلیف نمی کند ، مگر [به اندازه] آن چه به وی داده است» .

الکافی از عبداللّه بن ابان:از امام موسی کاظم علیه السلام درباره تأمین هزینه خانواده پرسیدم . فرمود: «باید به گونه ای میانِ دو روش ناپسندِ اسراف کاری و تنگ گیری باشد» .

الخصال از محمّد بن عمرو بن سعید از یکی از یارانش :از عیّاشی شنیدم که می گفت: «در تأمین هزینه خانواده ، از امام رضا علیه السلام راه مُجاز را پرسیدم . فرمود : راهی میانه دو روش ناپسند » گفت: «گفتم: فدایت شوم! به خدای سوگند که من آن دو روش ناپسند را نمی شناسم . فرمود: چرا ؛ می شناسی خدایت رحمت کناد! آیا نمی دانی که خداوند از اسراف کاری و تنگ گیری بیزاری جُسته و فرموده است : «آنان که چون انفاق کنند ، نه اسراف ورزند و نه تنگ گیرند ، بلکه راهی میانه در پیش گیرند» » .

5 / 1 - 8ابرازِ توانگریقرآن:«ای کسانی که ایمان آورده اید! چیزهای پاکیزه را که خدا برای شما حلال کرده ، حرام نکنید و از حد مگذرید؛ که خدا از حد گذرندگان را دوست نمی دارد * و از آن چه خدا شما را حلال و پاکیزه روزی داده ، بخورید و از خداوندی که به او ایمان دارید ، پروا داشته باشید .»

.

«يَبَنِى ءَادَمَ خُذُواْ زِينَتَكُمْ عِندَ كُلِّ مَسْجِدٍ وَ كُلُواْ وَ اشْرَبُواْ وَ لاَ تُسْرِفُواْ إِنَّهُ لاَ يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ * قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِى أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَ الطَّيِّبَتِ مِنَ الرِّزْقِ قُلْ هِىَ لِلَّذِينَ ءَامَنُواْ فِى الْحَيَوةِ الدُّنْيَا خَالِصَةً يَوْمَ الْقِيَمَةِ كَذَ لِكَ نُفَصِّلُ الأيَتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ . (1) »

الحديث :رسول اللّه صلى الله عليه و آله :إنَّ اللّهَ جَميلٌ يُحِبُّ الجَمالَ ، ويُحِبُّ أن يَرى نِعمَتَهُ عَلى عَبدِهِ . (2)

عنه صلى الله عليه و آله :كُلوا وَاشرَبوا وتَصَدَّقوا وَالبَسوا فى غَيرِ مَخيلَةٍ ولا سَرَفٍ ؛ إنَّ اللّهَ يُحِبُّ أن تُرى نِعمَتُهُ عَلى عَبدِهِ . (3)

عنه صلى الله عليه و آله :إنَّ اللّهَ يُحِبُّ أن يَرى أثَرَ نِعمَتِهِ عَلى عَبدِهِ ؛ فى مَأكَلِهِ ومَشرَبِهِ. (4)

.

1- .الأعراف : 31 و 32 .
2- .مسند أبى يعلى : 2 / 18 / 1050 ، شُعب الإيمان : 5 / 163 / 6201 وزاد فى آخره «ويبغض البؤس والتباؤس» وكلاهما عن أبى سعيد الخدرى ، كنز العمّال : 6 / 639 / 17166 ؛ الكافى : 6 / 438 / 1 عن أبى بصير عن الإمام الصادق عن الإمام علىّ عليهماالسلام ، الخصال : 613 / 10 عن أبى بصير ومحمّد بن مسلم عن الإمام الصادق عن آبائه عن الإمام علىّ عليهم السلام ، تحف العقول : 103 عن الإمام علىّ عليه السلام نحوه ، بحار الأنوار : 79 / 299 / 3 .
3- .مسند ابن حنبل : 2 / 603 / 6720 ، المستدرک على الصحيحين : 4 / 150 / 7188 وليس فيه «والبسوا» ، شُعب الإيمان : 4 / 136 / 4571 وج 5 / 162 / 6196 ، الشكر لابن أبى الدنيا : 34 / 51 كلّها عن عمرو بن شعيب عن أبيه عن جدّه ، الفردوس: 3 / 241 / 4710 عن عبد اللّه بن عمرو نحوه ، كنز العمّال : 6 / 644 / 17197 .
4- .الشكر لابن أبى الدنيا : 35 / 53 عن علىّ بن زيد بن جدعان ، سنن الترمذى : 5 / 124 / 2819 عن عمرو بن شعيب عن أبيه عن جدّه وليس فيه «فى مأكله ومشربه» ، كنز العمّال : 6/640/17174 .

«ای فرزندان آدم! نزد هر مسجدی ، آرایش خویش فراگیرید؛ و بخورید و بیاشامید و اسراف مکنید؛ که او اسراف کاران را دوست نمی دارد * بگو: «چه کسی آرایشی را که خدا برای بندگان خود پدید آورده و روزی های پاکیزه را حرام کرده است؟» بگو : «این ها در زندگی دنیا برای مؤمنان است [ولی کافران هم بهره مندند] حال آن که در روز رستاخیز ، ویژه ایشان است» . بدین گونه ، آیات را برای گروهی که بدانند ، به تفصیل بیان می کنیم .»

حدیث:پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر آینه خداوند زیبا است و زیبایی را دوست می دارد ؛ و دوستار آن است که نعمت خویش را بر بنده اش بنگرد .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :بخورید و بیاشامید و صدقه دهید و بدون فخر فروشی و اسراف کاری جامه بپوشید ؛ که هر آینه خداوند دوست می دارد که نعمتش بر بنده اش نگریسته شود .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :همانا خداوند دوست می دارد که نشانِ نعمتش را در خوراک و آشامیدنیِ بنده اش بنگرد .

.

عنه صلى الله عليه و آله :إنَّ اللّهَ يُحِبُّ إذا أنعَمَ على عَبدٍ نِعمَةً أن يَرى أثَرَ نِعمَتِهِ عَلَيهِ . (1)

سنن أبى داود عن أبو الأحوص عن أبيه :أتَيتُ النَّبِيَّ صلى الله عليه و آله فى ثَوبٍ دونٍ ، فَقالَ : أ لَكَ مالٌ ؟ قُلتُ : نَعَم . قالَ : مِن أىِّ المالِ ؟ قالَ : قَد آتانِىَ اللّهُ مِنَ الإبِلِ وَالغَنَمِ وَالخَيلِ وَالرَّقيقِ . قالَ : فَإذا آتاكَ اللّهُ مالاً فَليُرَ أثَرُ نِعمَهِ اللّهِ عَلَيكَ وكَرامَتِهِ . (2)

المعجم الكبير عن زهير بن أبى علقمه الضبعىّ :أتَى النَّبِيَّ صلى الله عليه و آلهرَجُلٌ سَيِّئُ الهَيئَهِ ، فَقالَ : أ لَكَ مالٌ ؟ قالَ : نَعَم مِن كُلِّ أنواعِ المالِ . قالَ : فَليُرَ عَلَيكَ ؛ فَإنَ اللّهَ عز و جل يُحِبُ أن يَرى أثَرَهُ عَلى عَبدِهِ حُسنا، ولايُحِبُ البُؤسَ وَالتَّباؤُسَ. (3)

الإمام علىّ عليه السلام :يَنبَغى لِلرَّجُلِ إذا أنعَمَ اللّهُ عَلَيهِ بِنِعمَهٍ أن يُرى أثَرُها عَلَيهِ فى مَلبَسِهِ ، ما لَم يَكُن شُهرَهً . (4)

عنه عليه السلام :إظهارُ الغِنى مِنَ الشُّكرِ ؛ إظهارُ التَّباؤُسِ يَجلِبُ الفَقرَ . (5)

.

1- .السنن الكبرى : 3 / 385 / 6093 ، مسند ابن حنبل : 7 / 216 / 19954 نحوه ، المعجم الكبير : 18 / 135 / 281 و ص 181 / 418 ، شُعب الإيمان : 5 / 163 / 6200 كلّها عن عمران بن حصين ، كنز العمّال : 6 / 640 / 17173 ؛ الأمالى للطوسى : 275 / 526 عن محمّد بن أحمد بن عبد اللّه المنصورى عن عمّ أبيه عن الإمام الهادى عن آبائه عن الإمام الصادق عليهم السلام ، الفقه المنسوب للإمام الرضا عليه السلام : 354 كلاهما نحوه ، بحار الأنوار : 79 / 303 / 16 .
2- .سنن أبى داود : 4 / 51 / 4063 ، سنن النسائى : 8 / 181 ، المعجم الكبير : 19 / 277 / 609 ، مسند ابن حنبل : 5 / 383 / 15888 ، المستدرک على الصحيحين : 4 / 201 / 7364 ، الشكر لابن أبى الدنيا : 35 / 52 والثلاثه الأخيره نحوه .

3- .. المعجم الكبير : 5 /273/ 5308 ، حليه الأولياء : 7/ 118، اَسد الغابه : 2/ 328/1777، كنز العمّال: 6 / 640 / 17172 .
4- .دعائم الإسلام : 2 / 153 / 543 عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام .
5- .غرر الحكم : 1140 و1141 .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر آینه آن گاه که خداوند نعمتی را به بنده اش عطا می کند ، دوست می دارد که نشانِ نعمتش را بر بنده اش بنگرد .

سنن ابی داود از ابوالاحوص از پدرش :در حالی که جامه ای پَست بر تن داشتم ، نزد پیامبر صلی الله علیه و آلهآمدم . فرمود: «آیا مالی داری؟» گفتم: «آری» . فرمود : «چه مالی؟» گفت [اَم] : «خداوند به من شتر و گوسفند و اسب و بندگانی عطا فرموده است» . فرمود: «پس اینک که به تو مال عطا فرموده ، باید نشانِ نعمت و کرامت خداوند بر تو دیده شود» .

المعجم الکبیر از زهیر بن ابی علقمه ضبعی :مردی با ظاهری زشت نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمد . پیامبر فرمود: «آیا مالی داری؟» گفت: «آری ؛ همه گونه مال دارم» . فرمود : «پس باید [اثرِ مال] بر تو دیده شود . هر آینه خداوند دوست می دارد که اثرِ [مال]خویش را بر بنده اش به نیکی بنگرد و نه تنگدستی را دوست دارد و نه تظاهر به تنگدستی را» .

امام علی علیه السلام :آدمی را سزاوار است که هر گاه خداوند به او نعمتی عطا فرماید ، اثر آن نعمت در لباس او دیده شود ، بدان شرط که لباسِ انگشت نما نباشد .

امام علی علیه السلام :بروز دادنِ توانگری ، نشانه سپاسگزاری است و تظاهر به تنگدستی ، فقر را [به سوی انسان] می کشانَد .

.

5 / 2ما يَحرُمُ فِى استِهلاكِ الأَموالِ العامَّهِ وَالخاصَّهِ5 / 2 1الإِسرافُ وَالتَّبذيرُالكتاب :«وَ ءَاتِ ذَا الْقُرْبَى حَقَّهُ وَ الْمِسْكِينَ وَ ابْنَ السَّبِيلِ وَ لاَ تُبَذِّرْ تَبْذِيرًا * إِنَّ الْمُبَذِّرِينَ كَانُواْ إِخْوَ نَ الشَّيَطِينِ وَ كَانَ الشَّيْطَنُ لِرَبِّهِ كَفُورًا . (1) »

«ثُمَّ صَدَقْنَهُمُ الْوَعْدَ فَأَنجَيْنَهُمْ وَ مَن نَّشَآءُ وَ أَهْلَكْنَا الْمُسْرِفِينَ . (2) »

الحديث :الدرّ المنثور عن أبو إدريس الخولانىّ :سَأَلتُ عُبادَهَ بنَ الصّامِتِ عَن قَولِ اللّهِ : «وَ لَنُذِيقَنَّهُم مِّنَ الْعَذَابِ الْأَدْنَى دُونَ الْعَذَابِ الْأَكْبَرِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ (3) » فَقالَ : سَأَلتُ رَسولَ اللّهِ صلى الله عليه و آله عَنها فَقالَ : هِىَ المَصائِبُ وَ الأَسقامُ وَ الأَنصابُ ؛ عَذابٌ لِلمُسرِفِ فِى الدُّنيا دونَ عَذابِ الآخِرَهِ . قُلتُ : يا رَسولَ اللّهِ ، فَما هِىَ لَنا ؟ قالَ : زَكاهٌ وطَهورٌ . (4)

رسول اللّه صلى الله عليه و آله :فِراشٌ لِلرَّجُلِ ، وفِراشٌ لِامرَأَتِهِ ، وَالثّالِثُ لِلضَّيفِ ، وَالرّابِعُ لِلشَّيطانِ . (5)

.

1- .الإسراء : 26 و 27 .
2- .الأنبياء : 9 .
3- .السجده : 21 .
4- .الدرّالمنثور : 6 / 554 نقلاً عن ابن مردويه .
5- .صحيح مسلم : 3 / 1651 / 41 ، سنن أبى داود : 4 / 70 / 4142 وفيه «وفراش» بدل «والثالث» ، سنن النسائى : 6 / 135 ، مسند ابن حنبل : 5 / 8 / 14126 وص 71 / 14482 وفيه «وفراش» بدل «والثالث» وكلّها عن جابر بن عبد اللّه ، كنز العمّال : 3 / 194 / 6124 وص 397 / 7127 ؛ الكافى : 6 / 479 / 6 ، الخصال : 120 / 111 كلاهما عن حمّاد بن عيسى عن الإمام الصادق عليه السلام نحوه ، بحار الأنوار : 79 / 321 / 2 .

5 / 2 آن چه در مصرف اموال عمومی و خصوصی روا نیست

5 / 2 1 اسراف و ریخت و پاش

5 / 2آن چه در مصرف اموال عمومی و خصوصی روا نیست5 / 2 - 1اسراف و ریخت و پاشقرآن:«و حقّ خویشاوند و درویش بینوا و در راه مانده را بده و مال خود را بیهوده مریز و مپاش و به گزافکاری تباه مکن * همانا ریخت و پاش کنندگان گزافکار ، برادران شیطان هایند و شیطان خداوند خویش را ناسپاس است.»

«سپس آن وعده را که به ایشان دادیم [= نابودی دشمنانشان و یاری و پیروزی ایشان]راست گردانیدیم و آنان و هر که را خواستیم رهانیدیم و گزافکاران را نابود ساختیم .»

حدیث:الدرّ المنثور از ابو ادریس خولانی :از عُباده بن صامت درباره این سخن خداوند پرسیدم : «و هر آینه آنان را از عذاب نزدیک تر و کم تر ، غیر از عذاب بزرگ تر ، بچشانیم ؛ باشد که بازگردند» . گفت: «من از پیامبر خدا صلی الله علیه و آلهدرباره این آیه پرسیدم ؛ فرمود : آن ، مصیبت ها و بیماری ها و بلاها است ، که جز عذاب آخرت ، عذابِ همین جهانیِ اسرافکاران است . گفتم: ای پیامبر خدا! پس چرا ما را رسد؟ فرمود: [برای ما]پاک کننده و زداینده [از گناهان] است » .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :یک بستر از آنِ خود مرد است ؛ یکی از آنِ همسرش ؛ یکی از آنِ مهمان ؛ و چهارمی [که زائد است] از آنِ شیطان .

.

عنه صلى الله عليه و آله :كُلُّ فِراشٍ لا يَنامُ عَلَيهِ إنسانٌ يَنامُ عَلَيهِ شَيطانٌ . (1)

عنه صلى الله عليه و آله :مَن بَذَّرَ أفقَرَهُ اللّهُ . (2)

الإمام علىّ عليه السلام :كَثرَةُ السَّرَفِ تُدَمِّرُ . (3)

عنه عليه السلام فِى الحِكَمِ المَنسوبَهِ إلَيهِ : ثَلاثَهُ أشياءَ لا دَوامَ لَها : المالُ فى يَدِ المُبَذِّرِ ، وسَحابَهُ الصَّيفِ ، وغَضَبُ العاشِقِ . (4)

عنه عليه السلام فِى الحِكَمِ المَنسوبَهِ إلَيهِ : الفَرقُ بَينَ السَّخاءِ وَالتَّبذيرِ : أنَّ السَّخِىَّ يَسمُحُ بِما يَعرِفُ مِقدارَهُ ومِقدارَ الرَّغبَهِ فيهِ إلَيهِ ، ويَضَعُهُ بِحَيثُ يَحسُنُ وَضعُهُ وتَزكو عارِفَتُهُ . وَالمُبَذِّرَ يَسمُحُ بِما لا يُوازِنُ بِهِ رَغبَهَ الرّاغِبِ ، ولا حَقَّ القاصِدِ ، ولا مِقدارَ ما أولى ، ويَستَفِزُّهُ لِذلِکَ خَطرَهٌ مِن خَطَراتِهِ ، وَالتَّصَدّى لاِءِطراءِ مُطرٍ لَهُ بَينَهُما بَونٌ بَعيدٌ . (5)

.

1- .جامع الأحاديث للقمّى : 109 .
2- .تنبيه الخواطر: 1/167 ، عدّه الداعى: 74، بحار الأنوار: 103/21/10؛ مسند البزّار: 3/161/946 عن طلحه بن عبيد اللّه ، كنز العمّال : 3 / 50 / 5437 وص 241 / 6349 .
3- .غرر الحكم : 7122 .
4- .شرح نهج البلاغه : 20 / 301 / 435 .
5- .شرح نهج البلاغه : 20 / 279 / 213 .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر بستری که [بیش از اندازه نیاز باشد و] انسانی بر آن نخوابد ، شیطانی بر آن می خوابد .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر که ریخت و پاش کند ، خداوند به فقر دچارش گردانَد .

امام علی علیه السلام :فراوان اسراف کردن ، ویرانی به دنبال دارد .

امام علی علیه السلام در کلمات حکیمانه منسوب به وی : سه چیز را پایداری نباشد: مال در دستِ ریخت و پاش کننده ، پاره ابرِ تابستانی ، و خشمِ عاشق .

امام علی علیه السلام در کلمات حکیمانه منسوب به وی : تفاوت میان دست و دل بازی و ریخت و پاش این است: دست و دل باز از چیزی می بخشد که قدرش را می داند ، میزانِ دلبستگی به آن را می شناسد ، و آن را در جای صحیح مصرف می کند و بخشش و دهشِ وی بالنده و پاک است ؛ وَ[لی]ریخت و پاش کننده چیزی را می بخشد که قدر دلبستگی به آن را نمی داند ، حقِّ میانه روی در آن را نمی شناسد ، و میزان احسانی را که می کند ، ارزیابی نمی کند ؛ و او را بدین کار وسوسه ای از وسوسه هایش می کشانَد و می خواهد تا وی را فراوان ستایش کنند ؛ [پس] میان این دو فاصله بسیار است .

.

عنه عليه السلام :القَصدُ مَثراهٌ ، وَالسَّرَفُ مَتواهٌ . (1)

عنه عليه السلام :لا غِنىً مَعَ إسرافٍ . (2)

عنه عليه السلام :سَبَبُ الفَقرِ الإِسرافُ . (3)

عنه عليه السلام :القَليلُ مَعَ التَّدبيرِ أبقى مِنَ الكَثيرِ مَعَ التَّبذيرِ . (4)

عنه عليه السلام :مَنِ افتَخَرَ بِالتَّبذيرِ احتُقِرَ بِالإِفلاسِ . (5)

عنه عليه السلام :التَّبذيرُ قَرينٌ مُفلِسٌ . (6)

عنه عليه السلام :التَّبذيرُ عُنوانُ الفاقَهِ . (7)

عنه عليه السلام :مَنِ اشتَرى ما لا يَحتاجُ إلَيهِ ، باعَ ما يَحتاجُ إلَيهِ . (8)

عنه عليه السلام :إذا أرادَ اللّهُ بِعَبدٍ خَيرا ألهَمَهُ الاِقتِصادَ وحُسنَ التَّدبيرِ ، وجَنَّبَهُ سوءَ التَّدبيرِ وَالإِسرافَ . (9)

عنه عليه السلام :الإِسرافُ يُفنِى الكَثيرَ ؛ الاِقتِصادُ يُنمِى اليَسيرَ . (10)

.

1- .الكافى : 4 / 52 / 4 عن علىّ بن محمّد رفعه .
2- .غرر الحكم : 10538 .
3- .غرر الحكم : 5529 .
4- .غرر الحكم : 1948 .
5- .غرر الحكم : 9057 .
6- .غرر الحكم : 1043 .
7- .غرر الحكم : 890 .
8- .دعائم الإسلام : 2 / 255 / 968 .
9- .غرر الحكم : 4138 .
10- .غرر الحكم : 515 و514 .

امام علی علیه السلام :میانه روی ، افزایش دهنده [ی مال] است و اسراف کاری ، مایه هلاکت .

امام علی علیه السلام :با اسراف ، توانگری نباشد .

امام علی علیه السلام :اسراف ، زمینه ساز فقر است .

امام علی علیه السلام :اندک ، همراهِ حساب اندیشی ، پابرجاتر از بسیاری است که ریخت و پاش شود .

امام علی علیه السلام :هر که به ریخت و پاش فخر بفروشد ، به تنگدستی خوار و کوچک گردد .

امام علی علیه السلام :ریخت و پاش ، همراهی است که [انسان را] به تنگدستی می کشانَد .

امام علی علیه السلام :ریخت و پاش ، نشانه تنگدستی است .

امام علی علیه السلام :هر که آن چه را نیاز ندارد ، بخرد ، آن چه را بدان نیاز دارد ، فروخته [= از کف داده]است .

امام علی علیه السلام :هر گاه خداوند برای بنده ای خیر بخواهد ، میانه روی و درست اندیشی را به وی الهام فرماید و از نادرست اندیشی و اسراف کاری دورش دارد .

امام علی علیه السلام :اسراف ، بسیار را نابود می کند ؛ و میانه روی اندک را بالنده گرداند .

.

عنه علیه السلام :الإسرافُ یُفنِی الجَزیلَ . (1)

الإمام زین العابدین علیه السلام فی دُعائِهِ : اللّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وآلِهِ ، وَامنَعنی مِنَ السَّرَفِ ، وحَصِّن رِزقی مِنَ التَّلَفِ ، ووَفِّر مَلَکَتی بِالبَرَکَهِ فیهِ ، وأصِب بی سَبیلَ الهِدایَهِ لِلبِرِّ فی ما اُنفِقُ مِنهُ . (2)

الإمام الباقر علیه السلام :کانَ أبی عَلِیُّ بنُ الحُسَینِ علیهماالسلام إذا رَأی شَیئا مِنَ الخُبزِ فی مَنزِلِهِ مَطروحا ولَو قَدرَ ما تَجُرُّهُ النَّملَهُ ، نَقَصَ مِن قوتِ أهلِهِ بِقَدرِ ذلِکَ . (3)

الإمام الصادق علیه السلام :الکَبائِرُ مُحَرَّمَهٌ ، وهِیَ . . . وَالإِسرافُ وَالتَّبذیرُ . (4)

عنه علیه السلام :أدنَی الإِسرافِ : هِراقَهُ فَضلِ الإِناءِ ، وَابتِذالُ ثَوبِ الصَّونِ ، وإلقاءُ النَّوی . (5)

عنه علیه السلام :إنَّ السَّرَفَ یورِثُ الفَقرَ . (6)

عنه علیه السلام :إنَّ مَعَ الإِسرافِ قِلَّهَ البَرَکَهِ . (7)

عنه علیه السلام :الرِّفقُ لا یَعجِزُ عَنهُ شَیءٌ ، وَالتَّبذیرُ لا یَبقی مَعَهُ شَیءٌ . (8)

.

1- .غرر الحکم : 335 .
2- .الصحیفه السجّادیه : 86 الدعاء 20 .
3- .دعائم الإسلام : 2 / 115 / 383 ، بحار الأنوار : 66 / 432 / 16 .
4- .الخصال : 610 / 9 عن الأعمش ، عیون أخبار الرضا علیه السلام : 2 / 127 / 1 عن الفضل بن شاذان عن الإمام الرضا علیه السلام ، تحف العقول : 422 عن الإمام الرضا علیه السلام ، بحار الأنوار : 10 / 229 / 1 .
5- .الکافی : 6 / 460 / 1 ، مکارم الأخلاق : 1 / 229 / 672 ، من لا یحضره الفقیه : 3 / 167 / 3626 کلّها عن إسحاق ابن عمّار ، الخصال :

93 / 37 عن محمّد بن أحمد بن يحيى بن عمران الأشعرى وكلاهما نحوه ، بحار الأنوار : 75 / 303 / 7 .
6- .الكافى : 4 / 53 / 8 ، من لا يحضره الفقيه : 3 / 174 / 3659 كلاهما عن عبيد بن زراره .
7- .الكافى : 4 / 55 / 3 عن ابن أبى يعفور ويوسف بن عمار[ه] .
8- .الكافى : 2 / 119 / 9 عن أحمد بن زياد بن أرقم الكوفى عن رجل ، بحار الأنوار : 75 / 61 / 28 .

امام علی علیه السلام :اسراف ، [مالِ] فراوان را تباه می کند .

امام زین العابدین علیه السلام در دعای خویش :بار خدایا! بر محمّد و خاندانش درود فرست و مرا از زیاده روی بازدار و روزی ام را از تلف شدن نگه دار و دارایی ام را با برکت افزون فرما و مرا به راه هدایت رهنمون شو تا نیکوکارانه انفاق کنم .

امام باقر علیه السلام :پدرم علیّ بن حسین علیه السلام هر گاه می دید که در خانه اش نانی دور افکنده شده هر چند اگر به اندازه دهانگیرِ مورچه ای بود به قدر همان ، از خوراک خانواده اش کم می نهاد .

امام صادق علیه السلام :گناهان بزرگ ، حرامند ؛ و آن ها چنینند : . . . و زیاده روی ، و ریخت و پاش .

امام صادق علیه السلام :کم ترین اندازه اسراف این است: [به زمین] ریختنِ زیاده ظرف ؛ جامه نگاهداری شده را نابجا مصرف کردن ؛ و دور افکندنِ هسته خرما .

امام صادق علیه السلام :هر آینه اسراف ، فقر به دنبال می آورَد .

امام صادق علیه السلام :همانا اسراف ، کم برکتی به همراه دارد .

امام صادق علیه السلام :با نرمی و مدارا ، ناتوانی نباشد ؛ و با ریخت و پاش هیچ چیز باقی نمانَد .

.

تفسير العيّاشى عن بشر بن مروان :دَخَلنا عَلى أبى عَبدِ اللّهِ عليه السلامفَدَعا بِرُطَبٍ ، فَأقبَلَ بَعضُهُم يَرمى بِالنَّوى . فَأمسَكَ أبو عَبدِ اللّهِ عليه السلام يَدَهُ فَقالَ : لا تَفعَل ؛ إنَّ هذا مِنَ التَّبذيرِ ، وإنَّ اللّهَ لا يُحِبُّ الفَسادَ . (1)

دعائم الإسلام عن جعفر بن محمّد عليهماالسلام :أنَّهُ نَظَرَ إلى فاكِهَةٍ قَد رُمِيَت مِن دارِهِ لَم يُستَقصَ أكلُها ، فَغَضِبَ عليهِ السلاموقالَ : ما هذا ؟! إن كُنتُم شَبِعتُم فَإنَّ كَثيرا مِنَ النّاسِ لَم يَشبَعوا ، فَأطعِموهُ مَن يَحتاجُ إلَيهِ . (2)

الكافى عن ياسر الخادم :أكَلَ الغِلمانُ يَوما فاكِهَةً ولَم يَستَقصوا أكلَها ورَمَوا بِها ، فَقالَ لَهُم أبُو الحَسَنِ عليه السلام : سُبحانَ اللّهِ ! إن كُنتُمُ استَغنَيتُم فَإنَّ أُناسا لَم يَستَغنوا ، أطعِموهُ مَن يَحتاجُ إلَيهِ . (3)

الإمام الكاظم عليه السلام :مَنِ اقتَصَدَ وقَنَعَ بَقِيَت عَلَيهِ النِّعمَةُ ، ومَن بَذَّرَ وأسرَفَ زالَت عَنهُ النِّعمَةُ . (4)

الكافى عن ابن طيفور المتطبّب :سَأَلَنى أبُو الحَسَنِ عليه السلام : أىُّ شَىءٍ تَركَبُ ؟ قُلتُ : حِمارا ، فَقالَ : بِكَم ابتَعتَهُ ؟ قُلتُ : بِثَلاثَةَ عَشَرَ دينارا ، فَقالَ : إنَّ هذا هُوَ السَّرَفُ ؛ أن تَشتَرِىَ حِمارا بِثَلاثَةَ عَشَرَ دينارا وتَدَعَ بِرذَونا . قُلتُ : يا سَيِّدى ، إنَّ مَؤونَةَ البِرذَونِ أكثَرُ مِن مَؤونَةِ الحِمارِ ! فَقالَ : إنَّ الَّذى يُمَوِّنُ الحِمارَ يُمَوِّنُ البِرذَونَ ، أما عَلِمتَ أنَّ مَنِ ارتَبَطَ دابَّةً مُتَوَقِّعا بِهِ أمرَنا ويَغيظُ بِهِ عَدُوَّنا وهُوَ مَنسوبٌ إلَينا أدَرَّ اللّهُ رِزقَهُ ، وشَرَحَ صَدرَهُ ، وبَلَّغَهُ أمَلَهُ ، وكانَ عَونا عَلى حَوائِجِهِ؟! (5)

.

1- .تفسير العيّاشى : 2 / 288 / 58 ، بحار الأنوار : 75 / 303 / 5 .
2- .دعائم الإسلام : 2 / 115 / 381 ، بحار الأنوار : 66 / 432 / 16 .
3- .الكافى : 6 / 297 / 8 ، المحاسن : 2 / 224 / 1674 عن نادر الخادم ، بحار الأنوار : 49 / 102 /21 .
4- .تحف العقول : 403 ، بحار الأنوار : 78 / 327 / 4 .
5- .الكافى : 6 / 535 / 1 ، تهذيب الأحكام : 6 / 163 / 300 ، بحار الأنوار : 64 / 160 / 2 .

تفسیر العیّاشی از بشر بن مروان :نزد امام صادق علیه السلامدرآمدیم . [ما را] به خرمای تازه فراخواند . یکی از حاضران هسته خرما را دور می افکند . امام صادق علیه السلام دست او را گرفت و فرمود: «چنین مکن! هر آینه این ریخت و پاش است ؛ و خداوند فساد را دوست نمی دارد» .

دعائم الإسلام از جعفر بن محمّد علیهماالسلام :او به میوه ای نیم خورده برخورد که از خانه اش برون افکنده شده بود . به خشم آمد و فرمود: «این چیست؟ اگر شما سیر شده اید ، بسیاری از مردم سیر نشده اند ، پس آن را به کسی بخورانید که بدان نیاز دارد» .

الکافی از یاسرِ خدمتکار :روزی خدمتکاران سیبی خورده ، آن را نیم خورده رها کردند و دور افکندند . امام رضا علیه السلام به ایشان فرمود : «سبحان اللّه ! اگر شما از آن بی نیازید ، مردمی به آن نیازمندند ؛ آن را به کسی بخورانید که بدان نیاز دارد» .

امام کاظم علیه السلام :هر که میانه روی و قناعت پیشه کند ، نعمت برایش پایدار می مانَد ؛ و آن که ریخت و پاش و اسراف کند ، نعمت از او روی گردانَد .

الکافی از ابن طیفور متطبّب :امام رضا علیه السلام از من پرسید: «بر چه سوار می شوی؟» گفتم : «بر خری» . فرمود : «او را چند خریده ای؟» گفتم: «به سیزده دینار» . فرمود: «این ، زیاده روی است که خری بخری به سیزده دینار و یابو را وانهی !» گفتم: «سرورم ! هزینه نگهداری یابو بیش از خر است» . فرمود: «آن که آذوقه خر را رسانَد ، از آنِ یابو را هم می رسانَد . آیا ندانسته ای هر که چهارپایی نگاه دارد و با آن انتظار امر [فَرَجِ] ما را کشد و با دشمن ما خشم ورزد و به ما پیوند رسانَد ، خداوند روزی اش را سرشار ، سینه اش را فراخ ، و آرزویش را برآورده سازد ؛ و او را برای دستیابی به نیازمندی هایش یاری دهد؟» .

.

5 / 2 2الإنفاقُ فِی المَعاصیالإمام علیّ علیه السلام :إنَّ إنفاقَ هذَا المالِ فی طاعَهِ اَللّهِ أعظَمُ نِعمَهٍ ، وإنَّ إنفاقَهُ فی مَعاصیهِ أعظَمُ مِحنَهٍ . (1)

عنه علیه السلام :لا تَصرِف مالَکَ فِی المَعاصی ؛ فَتَقدِمَ عَلی رَبِّکَ بِلا عَمَلٍ . (2)

إصلاح المال عن محمّد بن سوقه : سَأَلَ رَجُلٌ سَعیدَ بنَ جُبَیرٍ عَن نَهیِ النَّبِیِّ صلی الله علیه و آله عَنِ إضاعَهِ المالِ ، قالَ :هُوَ (أن) یَرزُقَکَ اللّهُ رِزقا حَلالاً فَتُنفِقَهُ فی ما حَرَّمَ اللّهُ عَلَیکَ . (3)

الإمام زین العابدین علیه السلام :یا إلهی . . . فَمَن أجهَلُ مِنّی . . . بِرُشدِهِ !؟ ومَن أغفَلُ مِنّی عَن حَظِّهِ !؟ ومَن أبعَدُ مِنّی مِنِ استِصلاحِ نَفسِهِ . . . حینَ اُنفِقُ ما أجرَیتَ عَلَیَّ مِن رِزقِکَ فی ما نَهَیتَنی عَنهُ مِن مَعصِیَتِکَ ؟ (4)

5 / 3ما یَکرُهُ فِی استِهلاکِ الأَموالِ العامَّهِ وَالخاصَّهِ5 / 3 1إنفاقُ المالِ فی غَیرِ حَقِّهِرسول اللّه صلی الله علیه و آله :یا عَلِیُّ ، أربَعَهٌ یَذهَبنَ ضَیاعا : الأَکلُ عَلَی الشِّبَعِ ، وَالسِّراجُ فِی القَمَرِ ، وَالزَّرعُ فِی السَّبخَهِ ، وَالصَّنیعَهُ عِندَ غَیرِ أهلِها . (5)

.

1- .غرر الحکم : 3392 .
2- .غرر الحکم : 10361 .
3- .إصلاح المال : 200 / 115 .
4- .الصحیفه السجّادیه : 69 الدعاء 16 .
5- .من لا یحضره الفقیه : 4 / 373 / 5762 عن حمّاد بن عمرو وأنس بن محمّد عن أبیه جمیعا عن الإمام الصادق عن آبائه علیهم السلام ، الخصال : 263 / 143 عن حمّاد بن عمرو عن الإمام الصادق عن آبائه علیهم السلامعنه صلی الله علیه و آله ، تحف العقول : 9 وفیه «ضلالاً» بدل «ضیاعا» ، مکارم الأخلاق : 2 / 335 / 2656 عن الإمام الصادق عن آبائه علیهم السلام عنه صلی الله علیه و آله ، بحار الأنوار : 66 / 332 / 11 .

5 / 2 2 پرداخت هزینه گناهان

5 / 3 آن چه در مصرف اموال عمومی و خصوصی ، ناپسند است

5 / 3 1 انفاقِ نابجایِ مال

5 / 2 - 2پرداخت هزینه گناهانامام علی علیه السلام :بخشیدن این مال برای بندگی خدا ، بزرگ ترین نعمت ؛ و دادن آن در راه نافرمانی خداوند ، از هر چیز محنت بارتر است .

امام علی علیه السلام :دارایی خویش را در راه گناهان صرف مکن ؛ که آن گاه ، بدون عملِ [صالح] نزد خدا خواهی رفت .

اصلاح المال از محمّد بن سوقه :مردی از سعید بن جبیر درباره نهیِ پیامبر صلی الله علیه و آلهاز تباه کردنِ مال ، سؤال کرد . وی گفت: «تباه کردن مال ، آن است که خداوند روزیِ حلالت عطا فرماید و آن را برای چیزی که خداوند بر تو حرام فرموده ، انفاق کنی» .

امام زین العابدین علیه السلام :معبود من! . . . کیست که بیش از من . . . به مایه هدایت خویش نادان باشد ؛ کیست که از من ، از بهره [معنوی] خویش غافل تر باشد ؛ کیست که از من ، از سامان دهیِ جان خویش دورتر باشد . . . آن گاه که روزی ات را که بر من جاری فرموده ای ، در گناهی که مرا از آن بازداشته ای ، هزینه می کنم؟

5 / 3 - 3آن چه در مصرف اموال عمومی و خصوصی ، ناپسند است5 / 3 - 1انفاقِ نابجایِ مالپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :ای علی! چهار چیز هدر می روند : خوردن از پیِ سیری ؛ چراغ برافروختن در نورِ ماه ؛ کِشت کردن در شوره زار ؛ و نیکی و احسان به کسی که شایسته آن نیست .

.

عنه صلى الله عليه و آله:مَن أعطى فى غَيرِ حَقٍّ فَقَد أسرَفَ ، ومَن مَنَعَ عَن حَقٍّ فَقَد قَتَّرَ . (1)

الإمام علىّ عليه السلام :مَن كانَ فيكُم لَهُ مالٌ فَإيّاهُ وَالفَسادَ ! فَإِنَّ إعطاءَهُ فى غَيرِ حَقِّهِ تَبذيرٌ وإسرافٌ ، وهُوَ يَرفَعُ ذِكرَ صاحِبِهِ فِي النّاسِ وَيَضَعُهُ عِندَ اللّهِ . ولَم يَضَعِ امرُؤٌ مالَهُ فى غَيرِ حَقِّهِ وعِندَ غَيرِ أَهلِهِ إلاّ حَرَمَهُ اللّهُ شُكرَهُم ، وكانَ لِغَيرِهِ وُدُّهُم ؛ فَإِن بَقِيَ مَعَهُ مِنهُم بَقِيَّةٌ مِمَّن يُظهِرُ الشُّكرَ لَهُ وبُرِيهِ النُّصحَ فَإِنَّما ذلِكَ مَلَقٌ مِنهُ وكَذِبٌ ؛ فَإِن زَلَّت بِصاحِبِهِمُ النَّعلُ ثُمَّ احتاجَ إلى مَعونَتِهِم ومُكافَأَتِهِم فَأَلأَمُ خَليلٍ وشَرُّ خَدينٍ ، ولَم يَضَعِ امرُؤٌ مالَهُ فى غَيرِ حَقِّهِ وعِندَ غَيرِ أَهلِهِ إلاّ لَم يَكُن لَهُ مِنَ الحَظِّ فى ما أتى إلاّ مَحمَدَهُ اللِّئامِ وثَناءُ الأَشرارِ ما دامَ عَلَيهِ مُنعِما مُفضِلاً ومَقالَهُ الجاهِلِ : ما أجوَدَهُ ! وهُوَ عِندَ اللّهِ بَخيلٌ . فَأَىُّ حَظٍّ أبوَرُ وأخسَرُ مِن هذَا الحَظِّ ؟! وأَىُّ فائِدَهِ مَعروفٍ أقَلُّ مِن هذَا المَعروفِ ؟! فَمَن كانَ مِنكُم لَهُ مالٌ فَليَصِل بِهِ القَرابَةَ ، وَليُحسِن مِنهُ الضِّيافَةَ ، وَليَفُكَّ بِهِ العانِىَ وَالأَسيرَ وَابنَ السَّبيلِ ؛ فَإِنَّ الفَوزَ بِهذِهِ الخِصالِ مَكارِمُ الدُّنيا وشَرَفُ الآخِرَهِ . (2)

.

1- .تفسير مجمع البيان : 7 / 280 عن معاذ ، بحار الأنوار : 69 / 261 .
2- .الكافى: 4/31/3 عن أبيمخنف الأزدى، بحار الأنوار: 41/122/29 وراجع الأماليللمفيد:176/6 والأمالى للطوسى : 195 / 331 والغارات : 1 / 76 وتحف العقول : 185 ونهج البلاغه : الخطبه 142 .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر کس نابجا بخشد ، اسراف کرده ؛ و هر که حقّی را نپردازد ، تنگ گرفته است .

امام علی علیه السلام :هر کس از میان شما که مالی دارد ، از فساد برحذر باشد ؛ که هر آینه مال بخشیدنش اگر نابجا باشد ، ریخت پاش و اسراف است و هر چند نامِ وی را در میان مردم فرا برمی کشد ، نزد خدا فرودش می آورَد . و هیچ کس نیست که مالش را نابجا و برای غیر شایستگان صرف کند ، جز آن که خداوند سپاس ایشان را از وی دریغ دارد و دوستیِ جز او در دلشان افتد ؛ و اگر هم از آنان کسی باقی مانَد که او را سپاس گوید و برایش دل بسوزاند ، از باب چاپلوسی و ناراستی است و اگر روزگار باژگونه شود و او به آنان محتاج شود و نیازمند جبرانشان گردد ، آن گاه ، فرومایه ترین دوست و بدترین یارِ اویند . و هیچ کس نیست که دارایی اش را نابجا و برای ناشایستگان صرف کند ، جز آن که تنها بهره اش ستایشِ فرومایگان و سپاسِ بَدان باشد آن هم مادام که به احسان و بخشش خویش ادامه دهد و نادان [درباره اش] بگوید : «او چه بخشنده است!» وَ[لی] او نزد خدا ، بخیل به شمار می آید . پس چه بهره ای مرگبارتر و زیانبارتر از این بهره است؟ و کدام کارِ [به ظاهر] نیک ، سودش کم تر از این کار است! پس هر یک از شما را مالی است ، با آن به خویشاوندان پیوند رسانَد ؛ و میهمانیِ نیکو ترتیب دهد ؛ و رنجور و اسیر و در راه مانده را رهایی بخشد ؛ که هر آینه دستیابی به این خوی ها هم در دنیا مایه کرامت است و هم در آخرت ، سبب شرافت .

.

عنه علیه السلام :مَن أعطی فی غَیرِ الحُقوقِ ، قَصَرَ عَنِ الحُقوقِ . (1)

الإمام الصادق علیه السلام :یُعرَفُ مَن یَصِفُ الحَقَّ بِثَلاثِ خِصالٍ : یُنظَرُ إلی أصحابِهِ مَن هُم ؟ وإلی صَلاتِهِ کَیفَ هِیَ ؟ وفی أیِّ وَقتٍ یُصَلّیها ؟ فَإن کانَ ذا مالٍ نُظِرَ أینَ یَضَعُ مالَهُ ؟ (2)

5 / 3 2إنفاقُ المالِ فِی البِناءِ فَوقَ الکَفافِالکتاب :«أَ تَبْنُونَ بِکُلِّ رِیعٍ ءَایَةً تَعْبَثُونَ * وَ تَتَّخِذُونَ مَصَانِعَ لَعَلَّکُمْ تَخْلُدُونَ * وَ إِذَا بَطَشْتُم بَطَشْتُمْ جَبَّارِینَ * فَاتَّقُواْ اللَّهَ وَ أَطِیعُونِ . (3) »

الحدیث :رسول اللّه صلی الله علیه و آله :لا تَبنوا ما لا تَسکُنونَ . (4)

من لا یحضره الفقیه :[قالَ] رَسولُ اللّهِ صلی الله علیه و آله : مَن بَنی بُنیانا رِیاءً وسُمعَةً ، حَمَلَهُ یَومَ القِیامَهِ مِنَ الأَرضِ السّابِعَهِ وهُوَ نارٌ تَشتَعِلُ ، ثُمَّ تَطَوَّقَ فی عُنُقِهِ ویُلقی فِی النّارِ ، فَلا یَحبِسُهُ شَیءٌ مِنها دونَ قَعرِها ، إلاّ أن یَتوبَ . قیلَ : یا رَسولَ اللّهِ ، کَیفَ یَبنی رِیاءً وسُمعَةً ؟ قالَ : یَبنی فَضلاً عَلی ما یَکفیهِ ؛ استِطالةً مِنهُ عَلی جیرانِهِ ، ومُباهاةً لِإِخوانِهِ . (5)

.

1- .غرر الحکم : 8549 .
2- .المحاسن : 1 / 396 / 885 عن میسر بن سعید القصیر الجوهری عن رجل ، بحار الأنوار : 67 / 302 / 30 .
3- .الشعراء : 128 131 .
4- .الکافی : 2 / 48 / 4 عن سلیمان الجعفری عن الإمام الرضا عن أبیه علیهماالسلام وص 53 / 1 ، معانی الأخبار : 187 / 6 ، التوحید : 371 / 12 ، المحاسن : 1 / 354 / 750 کلّها عن عذافر عن الإمام الباقر علیه السلامعنه صلی الله علیه و آله ، التمحیص : 62 / 137 عن سلیمان بن جعفر الجعفری عن الإمام الرضا عن آبائه علیهم السلام عنه صلی الله علیه و آله ، بحار الأنوار : 67 / 284 / 7 و ص 286 / 8 و ج 71 / 153 / 61 .
5- .من لا یحضره الفقیه : 4 / 11 / 4968 ، الأمالی للصدوق : 513 / 707 کلاهما عن الحسین بن زید عن الإمام الصادق عن آبائه علیهم السلام ،

ثواب الأعمال : 331 / 1 عن ابن عبّاس وأبى هريره نحوه ، بحار الأنوار : 76 / 149 / 4 و ص 332 / 1 .

امام علی علیه السلام :هر کس نابجا بخشش کند ، در ادای حقوق کوتاهی کرده است .

امام صادق علیه السلام :آن که از حق بهره دارد ، با سه ویژگی شناخته می شود : به دوستانش نظر می شود که کیانند ؛ به نمازش نگریسته می شود که چگونه و در چه وقت ادا می گردد ؛ و اگر ثروتمند باشد ، به چگونگی صرف کردن مالش نظر می شود .

5 / 3 - 2صرفِ دارایی در ساخت و سازِ بیش از نیازقرآن :«آیا به هر جای بلندی ، نشانه ای به بازی و بیهودگی بنَا می کنید * و کوشک های بلند و استوار می سازید که شاید جاویدان بمانید * و چون به خشم دست می گشایید ، مانند گردنکشان [بیرحمانه]دست می گشایید * پس ، از خدا پروا کنید و مرا فرمان بَرید .»

حدیث:پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :جایی را که در آن سکونت نمی یابید ، بنا نکنید .

من لایحضره الفقیه : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله:من لایحضره الفقیه : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس ساختمانی را بسازد تا مردم ببینند و بشنوند ، آن ساختمان به گونه آتشی شعله ور او را از زمین هفتم برمی کشد ؛ آن گاه ، چون طوقی به گردنش آویخته می شود و در آتش می افتد و تنها قعرِ آن آتش زندان او خواهد بود ؛ مگر آن که توبه کند . گفته شد: «ای رسولَ خدا! چگونه [انسان] ساختمانی را می سازد تا مردم ببینند و بشنوند؟» فرمود : «ساختمانی می سازد که از نیاز او فراتر است تا بر همسایگانش فخر فروشد و به برادران [دینی]اَش مباهات کند» .

.

رسول اللّه صلى الله عليه و آله :مَن بَنى فَوقَ ما يَكفيهِ ، كُلِّفَ أن يَحمِلَهُ يَومَ القِيامَهِ عَلى عُنُقِهِ . (1)

عنه صلى الله عليه و آله :مَن بَنى بِناءً أكثَرَ مِمّا يَحتاجُ إلَيهِ ، كانَ عَلَيهِ وَبالاً يَومَ القِيامَهِ . (2)

عنه صلى الله عليه و آله :إنَّ كُلَّ بِناءٍ بُنِيَ وَبالٌ عَلى صاحِبِهِ يَومَ القِيامَهِ إلاّ ما لابُدَّ مِنهُ . (3)

عنه صلى الله عليه و آله :ما أنفَقَ المُؤمِنُ مِن نَفَقَهٍ فَإِن خَلَفَها عَلَى اللّهِ فَاللّهُ ضامِنٌ ، إلاّ ما كانَ فى بُنيانٍ أو مَعصِيَهٍ . (4)

عنه صلى الله عليه و آله :إذا أرادَ اللّهُ بِعَبدٍ هَوانا أنفَقَ مالَهُ فِى البُنيانِ . (5)

عنه صلى الله عليه و آله :إنَّ للّهِ عز و جل بِقاعا تُسَمَّى «المُنتَقِماتِ» ، فَإِذا كَسَبَ الرَّجُلُ المالَ مِن حَرامٍ سَلَّطَ اللّهُ عَلَيهِ الماءَ وَالطّينَ ، ثُمَّ لا يُمَتِّعُهُ بِهِ . (6)

.

1- .المعجم الكبير : 10 / 151 / 10287 عن عبد اللّه ، حليه الأولياء : 8 / 246 عن عبد اللّه بن مسعود نحوه ، كنز العمّال : 15 / 406 / 41486 .
2- .شُعب الإيمان : 7 / 391 / 10710 عن أنس ، كنز العمّال : 15 / 406 / 41585 .
3- .مسند أبى يعلى : 4 / 236 / 4331 ، سنن أبى داود : 4 / 360 / 5237 ، الفردوس : 3 / 257 / 4761 كلاهما نحوه وكلّها عن أنس ، كنز العمّال : 15 / 405 / 41576 ؛ مكارم الأخلاق : 1 / 276 / 844 وراجع الكافى : 6 / 531 / 7 والمحاسن : 2 / 445 / 2530 .
4- .المستدرک على الصحيحين : 2 / 57 / 2311 ، السنن الكبرى : 10 / 409 / 21132 نحوه وكلاهما عن جابر ، كنز العمّال : 6 / 414 / 16318 .
5- .المعجم الأوسط : 8 / 381 / 8939 ، شُعب الإيمان : 7 / 394 / 10720 ، الفردوس : 1/245/950 كلّها عن محمّد بن بشير الأنصارى وزادا

فی آخرهما «والماء والطین» ، کنز العمّال : 3 / 444/7365 .
6- .الفردوس : 1 / 186 / 701 عن الإمام علیّ علیه السلام ، کنز العمّال : 15 / 393 / 41520 وراجع الکافی: 6 / 532 / 15 .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :کسی که فراتر از حدّ نیازش ساختمان بنا کند ، واداشته می شود که در روز قیامت ، آن را بر گردن انداخته ، حمل کند .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر کس ساختمانی بیش از اندازه نیازش بسازد ، روز قیامت بر او سنگینی خواهد کرد .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر ساختمانی که بنا شود ، روز قیامت بر دارنده اش سنگینی خواهد کرد ، مگر آن چه [به آن نیاز است و] از آن گریزی نیست .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر گاه مؤمن هزینه ای کند و پاداش آن را از خدای خواهد ، خداوند اجر او را ضمانت می کند ، مگر آن که برای ساختمانِ [بیرون از حدّ نیاز] یا در راه گناه باشد .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر گاه خداوند بخواهد بنده ای را خوار سازد ، مال او را در ساختمان سازیِ [بیش از حدّ نیاز] مصروف گردانَد .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر آینه ، خداوند را جای هایی است به نام «انتقام کشنده ها» ؛ [و آن ، چنین است که] هرگاه کسی مالی را از راه حرام به دست آورَد ، خداوند آب و گلِ [بنّایی] را بر او چیره می کند و سپس وی از آن بِنا سودی نمی بَرَد .

.

المراسيل عن عطيّه بن قيس :كانَ حُجَر أزواجِ النَّبِيِّ صلى الله عليه و آلهبِجَريدِ النَّخلِ ، فَخَرَجَ النَّبِيُّ صلى الله عليه و آلهفى مَغزىً لَهُ ، وكانَت اُمُّ سَلَمَةَ موسِرَةً ، فَجَعَلَت مَكانَ الجَريدِ لَبِنا ، فَقالَ النَّبِيُّ صلى الله عليه و آله : ما هذا ؟! قالَت : أرَدتُ أن أكُفَّ عَنّى أبصارَ النّاسِ ، فَقالَ : يا اُمَّ سَلَمَةَ ، إنَّ شَرَّ ما ذَهَبَ فيهِ مالُ المَرءِ المُسلِمِ البُنيانُ . (1)

الإمام الصادق عليه السلام :كُلُّ بِناءٍ لَيسَ بِكَفافٍ فَهُوَ وَبالٌ عَلى صاحِبِهِ يَومَ القِيامَهِ . (2)

عنه عليه السلام :مَن بَنى فَوقَ مَسكَنِهِ ، كُلِّفَ حَملَهُ يَومَ القِيامَهِ . (3)

عنه عليه السلام :مَن كَسَبَ مالاً مِن غَيرِ حِلِّهِ ، سَلَّطَ اللّهُ عَلَيهِ البِناءَ وَالماءَ وَالطّينَ . (4)

5 / 3 3إضاعَهُ المالِرسول اللّه صلى الله عليه و آله:إنَ اللّهَ كَرِهَ لَكُم ثَلاثا: قيلَ وقالَ، وإضاعَهَ المالِ، وكَثرَهَ السُّؤالِ. (5)

.

1- .المراسيل : 237 / 2 ، الطبقات الكبرى : 8 / 167 عن عبد اللّه بن يزيد الهذلى نحوه ، كنز العمّال : 15 / 393 / 41521 وفيه ذيله فقط .
2- .الكافى : 6 / 531 / 7 ، المحاسن : 2 / 445 / 2530 كلاهما عن حميد الصيرفى ، مكارم الأخلاق : 1 / 275 / 842 ، بحار الأنوار : 76 / 150 / 10 وص 155 / 34 .
3- .المحاسن : 2 / 446 / 2531 عن ابن أبى عمير عن رجل ، بحار الأنوار : 76 / 150 / 11 .
4- .الكافى : 6/531/2 ، الخصال : 159 / 205 ، المحاسن : 2 / 445 / 2528 كلّها عن هشام بن الحكم ، مكارم الأخلاق : 1/276/847 وفيه «سلّط على البناء : الماء والطين»، بحار الأنوار : 76/150 / 8 .
5- .صحيح البخارى : 2/537/1407، مسندابن حنبل: 6/330/18171، تاريخ بغداد: 8/111/4231 وفيه «إنّ اللّه ينهاكم» ، المعجم الكبير : 20 / 398 / 943 نحوه وكلّها عن المغيره بن شعبه ، الموطّأ : 2/990/20 عن

أبيهريره وفيه «ويسخط لكم» بدل«إنّ اللّه كره لكم» ، كنزالعمّال:15/824/43275.

5 / 3 3 تباه کردنِ مال

المراسیل از عطیّه بن قیس :اتاق های همسران پیامبر صلی الله علیه و آله از شاخه خرما بنا شده بود . در هنگامی که پیامبر صلی الله علیه و آلهبرای نبردی بیرون شده بود ، امّ سَلَمه که فراخ دست بود ، به جای شاخ خرما ، اتاقش را از خشت ساخت . پیامبر [پس از بازگشت]فرمود : «این چیست؟» گفت: «خواستم از نگاه های مردم محفوظ باشم» . فرمود: «ای امّ سلمه! هر آینه بدترین مصرف مال انسان مسلم ، ساختمان سازی است» .

امام صادق علیه السلام :هر بنایی که برای مصرف و نیاز ساخته نشود ، روز قیامت ، بر صاحبش سنگینی خواهد کرد .

امام صادق علیه السلام :هر کس فراتر از حدّ نیازِ سُکنایش ، ساختمان بسازد ، روز قیامت واداشته می شود که آن را بر دوش کشد .

امام صادق علیه السلام :کسی که مالی را از راه حرام به دست آورَد ، خداوند ساختمان سازی و آب و گل را بر او چیره می فرماید .

5 / 3 - 3تباه کردنِ مالپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :همانا خداوند سه چیز را بر شما نمی پسندد : بگو مگو ، تباه کردنِ مال ، درخواستِ بسیار .

.

عنه صلى الله عليه و آله :الزَّهادَةُ فِى الدُّنيا لَيسَت بِتَحريمِ الحَلالِ ، ولا إضاعَةِ المالِ . (1)

صحيح البخارى عن ورّاد ، كاتِبُ المغيره :كَتَبَ مُعاوِيَهُ إلَى المُغيرَهِ : اُكتُب إلَىَّ ما سَمِعتَ مِن رَسولِ اللّهِ صلى الله عليه و آله ، فَكَتَبَ إلَيهِ . . . إنَّهُ كانَ يَنهى عَن قيلَ وقالَ ، وكَثرَهِ السُّؤالِ ، وإضاعَهِ المالِ . وكانَ يَنهى عَن عُقوقِ الاُمَّهاتِ ، ووَأدِ البَناتِ ،ومَنعٍ وهاتِ . (2)

الإمام الرّضا عليه السلام :مِنَ الفَسادِ قَطعُ الدِّرهَمِ وَالدّينارِ ، وطَرحُ النَّوى. (3)

5 / 4النَّهىُ عَنِ التَّشَبُّهِ بِالأَجنَبِىِّ فِى الاِستِهلاكِرسول اللّه صلى الله عليه و آله :لا يُشبِهُ الزِّىُّ بِالزِّىِّ حَتّى يُشبِهَ الخُلقُ بِالخُلقِ ؛ ومَن تَشَبَّهَ بِقَومٍ فَهُوَ مِنهُم . (4)

الإمام الباقر عليه السلام عن آبائه عليهم السلام :أوحَى اللّهُ إلى نَبِىٍّ مِنَ الأَنبِياءِ أن قُل لِقَومِكَ : لا يَلبَسوا لِباسَ أعدائى ، ولا يَطعَموا طَعامَ أعدائى ، ولا يُشاكِلوا بِمَشاكِلِ أعدائى ؛ فَيَكونوا أعدائى كَما هُم أعدائى . (5)

.

1- .سنن الترمذى : 4 / 571 / 2340 ، سنن ابن ماجه : 2 / 1373 / 4100 كلاهما عن أبى ذرّ الغفارى ، كنز العمّال : 3 / 181 / 6059 ؛ الكافى : 5 / 70 / 2 ، معانى الأخبار : 251 / 3 كلاهما عن إسماعيل بن مسلم عن الإمام الصادق عليه السلام ، مشكاه الأنوار : 206 / 553 عن الإمام الصادق عليه السلاموكلّها نحوه .
2- .صحيح البخارى : 6 / 2659 / 6862 وج 5 / 2376 / 6108 ، صحيح مسلم : 3 / 1341 / 14 ، السنن الكبرى : 6 / 104 / 11341 كلّها نحوه وراجع مسند ابن حنبل : 6 / 339 / 18215 .
3- .من لا يحضره الفقيه : 3 / 167 / 3625 عن أبى هشام البصرى .
4- .الفردوس : 5 / 162 / 7824 وص 168 / 7845 كلاهما عن حذيفه .
5- .تهذيب الأحكام: 6/172/332 عن السكونى عن الإمام الصادق عليه السلام، من لا يحضره الفقيه: 1/252/770 عن إسماعيل بن مسلم عن

الإمام الصادق عليه السلام ، علل الشرايع: 348/6 عن السكونى عن الإمام الصادق عليه السلام، الجعفريّات : 234 ، مشكاه الأنوار : 561 / 1898 كلاهما عن الإمام الصادق عليه السلاموكلّها نحوه .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :زهدورزی در دنیا ، به معنای حرام کردنِ حلال و تباه کردنِ مال نیست .

صحیح البخاری از ورّاد ، منشیِ مُغیره :معاویه به مغیره نوشت: «برای من سخنی بنویس که از پیامبر خدا صلی الله علیه و آلهشنیده ای» . او برایش نوشت : « . . وی از این چیزها نهی می فرمود : بگومگو ؛ درخواستِ بسیار ؛ و تباه کردن مال . و نیز نهی می فرمود از کردنِ کاری که نفرین پدر و مادر را در پی داشته باشد ؛ زنده به گور کردنِ دختران ؛ و امر و نهیِ [بیجا] .

امام رضا علیه السلام :از بین بردن درهم و دینار ، و دور افکندن هسته خرما ، کاری است فسادآمیز .

5 / 4نهی از شباهت جستن به بیگانه در شیوه مصرفپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :ظواهر افراد با هم یکسان نمی شود مگر آن گاه که خُلق و خوشان با یکدیگر برابر گردد ؛ و هر کس به گروهی شباهت جوید ، در شمار آنان محسوب می شود .

امام باقر علیه السلام از نیاکانش :خداوند به یکی از پیامبران وحی فرمود به قومش بگوید که همچون دشمنان خدا لباس نپوشند ؛ مثل آنان خوراک نخورند ؛ و به شکل ایشان درنیایند ، که در این حال ، همچون آنان دشمن خدا خواهند بود .

.

الإمام الصادق عليه السلام :كانَ أميرُ المُؤمِنينَ عليه السلاميَقولُ : لا تَزالُ هذِهِ الاُمَّةُ بِخَيرٍ ما لَم يَلبَسوا لِباسَ العَجَمِ ، ويَطعَموا أطعِمَةَ العَجَمِ ، فَإِذا فَعَلوا ذلِكَ ضَرَبَهُمُ اللّهُ بِالذُّلِّ . (1)

5 / 5النَّهيُ عَنِ التَّفريطِ فِى الاِستِهلاكِرسول اللّه صلى الله عليه و آله :إيّاكُم ولِباسَ الرُّهبانِ! فَإِنَّهُ مَن يَتَرَهَّبُ أو يَتَشَبَّهُ بِهِم فَلَيسَ مِنّى ، ومَن تَرَكَ اللَّحمَ وحَرَّمَهُ عَلى نَفسِهِ فَلَيسَ مِنّى ، ومَن تَرَكَ النِّساءَ كَراهِيَةَ فَلَيسَ مِنّى . (2)

عوالى اللآلى : رُوِىَ فِى الحَديثِ :أنَّ النَّبِىَّ صلى الله عليه و آله جَلَسَ لِلنّاسِ ووَصَفَ يَومَ القِيامَهِ ، ولَم يَزِدهُم عَلَى التَّخويفِ ، فَرَقَّ النّاسُ وبَكَوا ، فَاجتَمَعَ عَشَرَهٌ مِنَ الصَّحابَهِ فى بَيتِ عُثمانَ بنِ مَظعونٍ ، وَاتَّفَقوا عَلى أن يَصومُوا النَّهارَ ، ويَقومُوا اللَّيلَ ، ولا يَقرَبُوا النِّساءَ ولاَ الطِّيبَ ، ويَلبَسُوا المُسوحَ ، ويَرفِضُوا الدُّنيا ، ويَسيحوا فِى الأَرضِ ، ويَتَرَهَّبوا ، ويَخصُوا المَذاكيرَ . فَبَلَغَ ذلِكَ النَّبِىَّ صلى الله عليه و آله ، فَأَتى مَنزِلَ عُثمانَ فَلَم يَجِدهُ ، فَقالَ لِامرَأَتِهِ : أحَقٌّ ما بَلَغَنى ؟ فَكَرِهَت أن يُكَذَّبَ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله ، وأن تَبتَدِىَ عَلى زَوجِها ، فَقالَت : يا رَسولَ اللّهِ ، إن كانَ أخبَرَكَ عُثمانُ فَقَد صَدَقَكَ ، وَانصَرَفَ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله . وأتى عُثمانُ مَنزِلَهُ ، فَأخبَرَتهُ زَوجَتُهُ بِذلِكَ ، فَأتى هُوَ وأصحابُهُ إلَى النَّبِىِّ صلى الله عليه و آله ، فَقالَ لَهُم : أَلَم اُنَبَّأ أنَّكُمُ اتَّفَقتُم ؟! فَقالوا : ما أرَدنا إلاَّ الخَيرَ ، فَقالَ : إنّى لَم اُومَر بِذلِكَ ، ثُمَّ قالَ : إنَّ لِأَنفُسِكُم عَلَيكُم حَقّا ؛ فَصوموا وأفطِروا ، وقوموا وناموا ؛ فَإِنّى أصومُ وأُفطِرُ ، وأقومُ وأنامُ ، وآكُلُ اللَّحمَ وَالدَّسَمَ ، وآتِى النِّساءَ ، فَمَن رَغِبَ عَن سُنَّتى فَلَيسَ مِنّى . ثُمَّ جَمَعَ النّاسَ وخَطَبَهُم وقالَ : ما بالُ قَومٍ حَرَّمُوا النِّساءَ وَالطِّيبَ وَالنَّومَ وشَهَواتِ الدُّنيا؟! وأمّا أنَا فَلَستُ آمُرُكُم أن تَكونوا قِسِّيسينَ ورُهبانا ؛ إنَّهُ لَيسَ فى دينى تَركُ اللَّحمِ وَالنِّساءِ وَاتِّخاذُ الصَّوامِعِ ؛ إنَّ سِياحَهَ اُمَّتى فِى الصَّومِ ، ورَهبانِيَتَها الجِهادُ ؛ اُعبُدُوا اللّهَ ولا تُشرِكوا بِهِ شَيئا ، وحُجّوا وَاعتَمِروا ، وأقيمُوا الصَّلاهَ ، وآتُوا الزَّكاهَ ، وصوموا شَهرَ رَمَضانَ ، وَاستَقيموا يَستَقِم لَكُم ، فَإِنَّما هَلَكَ مَن قَبلَكُم بِالتَّشديدِ ؛ شَدَّدوا عَلى أنفُسِهِم فَشَدَّدَ اللّهُ عَلَيهِم ، فَاُولئِكَ بَقاياهُم فِى الدِّياراتِ وَالصَّوامِعِ . (3)

.

1- .المحاسن : 2 / 178 / 1504 وص 222 / 1669 كلاهما عن طلحه بن زيد ، بحار الأنوار : 66 / 323 / 6 .
2- .الفردوس : 1 / 381 / 1534 المعجم الأوسط : 4 / 178 / 3909 عن أبى كريمه وليس فيه ذيله وكلاهما عن الإمام علىّ عليه السلام وراجع المناقب لابن شهرآشوب : 2 / 100 .
3- .عوالى اللآلى : 2 / 149 / 418 وراجع تفسير مجمع البيان : 3 / 364 و تفسير الطبرى : 5 / الجزء 7 / 9 والدرّالمنثور : 3 / 141 .

امام صادق علیه السلام :حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام می فرمود: این امّت همواره در خیر به سر می برند ، مادام که همچون عَجَمِ [دارای سنّت های نادرست]لباس نپوشند و غذا نخورند ؛ که اگر چنین کنند ، خداوند به خواری دچارشان فرماید .

5 / 5نهی از کوتاه آمدن در مصرفپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :از پوشیدن جامه راهبان بپرهیزید! هر آینه هر کس رهبانیّت پیشه کند یا خود را به راهبان شبیه سازد ، از من نیست ؛ و هر که [خوردنِ]گوشت را ترک گوید و آن را بر خویش حرام سازد ، از من نیست ؛ و هر کس از روی کراهت ، [همخوابی با] زنان را ترک کند ، از من نیست .

عوالی اللاّلی :در حدیثی آمده است : پیامبر صلی الله علیه و آله در جمع مردم نشست و روز قیامت را برایشان وصف فرمود ؛ وَ[لی] بر بیم دادنِ ایشان نیفزود . آنان را دل نازکی افتاد و گریستند . سپس ده تن از اصحاب در خانه عثمان بن مَظعون گرد آمدند و قرار نهادند که روز را روزه گیرند و شب را [به عبادت]ایستند ؛ به زنان نزدیک نشوند و عطر را ترک گویند ؛ خرقه پشمینه بر تن کنند و دنیا را واگذارند ؛ در زمین به سیاحت پردازند و رهبانیّت پیش گیرند ؛ و تَرینِگان را آخته کنند . این خبر به پیامبر صلی الله علیه و آلهرسید ؛ پس به خانه عثمان آمد ؛ او را نیافت ؛ به همسرش فرمود: «آیا آنچه به من خبر رسیده ، درست است؟» او هم نمی خواست که خبر پیامبر را ناراست شمارَد و هم کراهت داشت که به زیان همسرش سخنی گوید . گفت: «ای رسول خدا! اگر عثمان به شما خبری داده ، راست گفته است» . پیامبر صلی الله علیه و آلهبازگشت . عثمان که به خانه آمد ، همسرش ماجرا را برایش بیان کرد . پس او و یارانش نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمدند . پیامبر به ایشان گفت: «آیا قراری نهاده اید و من باخبر نشده ام؟» گفتند: «ما جز خیر نمی خواستیم» . فرمود: «من [با این که پیامبرم]به این شیوه امر نشده ام!» سپس فرمود: «هر آینه وجودِ شما را بر شما حقّی است ؛ پس روزه گزارید و روزه بگشایید ، [به عبادت] بایستید و [در هنگام لزوم] بخوابید ؛ که من ، خود ، روزه می گیرم و روزه می گشایم ، و [به عبادت]می ایستم و [به هنگام]می خوابم ، و گوشت و چربی می خورم ، و با زنان درمی آمیزم ؛ پس هر که از سنّت

من روی بگرداند ، از من نیست» . سپس مردم گرد آمدند و پیامبر برای ایشان خطبه خواند و فرمود : «چه شده است گروهی را که زنان و عطر و خواب و خواستنی های دنیا را حرام شمردند؟ و امّا من به شما فرمان نمی دهم که کشیش و راهب شوید . در دین من مقرّر نشده که گوشت و زنان را رها کنید و به صومعه ها بخزید . زمین گردیِ امّت من در روزه ؛ و رهبانیّتش در جهاد است . خدای را عبادت کنید و به او هیچ شرک نورزید ؛ حجّ و عمره بگزارید ؛ نماز بر پای کنید ؛ زکات دهید ؛ روزه ماه رمضان را به جای آورید ؛ به راه راست روید تا شما را بر راه راست نگه دارد . جز این نیست که کسانی پیش از شما بر خود سخت گرفتند و از این روی ، هلاک شدند ؛ ایشان بر خود سخت گرفتند و خدای هم بر آنان سخت گرفت ؛ و اینان [= راهبان و کشیشان] باقی مانده همانانند در دیرها و صومعه ها .

.

الكافى عن مسعده بن صدقه :دَخَلَ سُفيانُ الثَّورِىُّ عَلى أبى عَبدِ اللّهِ عليه السلامفَرَأى عَلَيهِ ثِيابَ بِيضٍ كَأنَّها غِرقِئِ البَيضِ ، فَقالَ لَهُ : إنَّ هذَا اللِّباسَ لَيسَ مِن لِباسِكَ ! فَقالَ لَهُ : اِسمَع مِنّى وعِ ما أقولُ لَكَ ؛ فَإنَّهُ خَيرٌ لَكَ عاجِلاً وآجِلاً إن أنتَ مُتَّ عَلَى السُّنَّهِ وَالحَقِّ ولَم تَمُت عَلى بِدعَهٍ ، اُخبِرُكَ أنَّ رَسولَ اللّهِ صلى الله عليه و آلهكانَ فى زَمانٍ مُقفِرٍ جَدبٍ ، فَأمّا إذا أقبَلَتِ الدُّنيا فَأحَقُّ أهلِها بِها أبرارُها لا فُجّارُها ، ومُؤمِنوها لا مُنافِقوها ومُسلِموها لا كُفّارُها ، فَما أنكَرتَ يا ثَورِىُّ فَوَاللّهِ إنَّنى لَمَعَ ما تَرى ، ما أتى عَلَىَّ مُذ عَقَلتُ صَياحٌ ولا مَساءٌ وللّهِ فى مالى حَقٌّ أمَرَنى أن أضَعَهُ مَوضِعا إلاّ وَضَعتُهُ . قالَ : فَأتاهُ قَومٌ مِمَّن يُظهِرونَ الزُّهدَ ويَدعونَ النّاسَ أن يَكونوا مَعَهُم عَلى مِثلِ الَّذى هُم عَلَيهِ مِنَ التَّقَشُّفِ ، فَقالوا لَهُ : إنَّ صاحِبَنا حَصِرَ عَن كَلامِكَ ولَم تَحضُرهُ حُجَجُهُ . فَقالَ لَهُم : فَهاتوا حُجَجَكُم . فَقالوا لَهُ : إنَّ حُجَجَنا مِن كِتابِ اللّهِ . فَقالَ لَهُم : فَأدلوا بِها ، فَإنَّها أحَقُّ مَا اتُّبِعَ وعُمِلَ بِهِ . فَقالوا : يَقولُ اللّهُ تَبارَكَ وتَعالى مُخبِرا عَن قَومٍ مِن أصحابِ النَّبِىِّ صلى الله عليه و آله : «وَ يُؤْثِرُونَ عَلَى أنفُسِهِمْ وَ لَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَهٌ وَ مَن يُوقَ شُحَّ نَفْسِهِ فَأُوْلَـءِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ (1) » ، فَمَدَحَ فِعلَهُم ، وقالَ فى مَوضِعٍ آخَرَ : «وَ يُطْعِمُونَ الطَّعَامَ عَلَى حُبِّهِ مِسْكِينًا وَ يَتِيمًا وَ أَسِيرًا (2) » ، فَنَحنُ نَكتَفى بِهذا ، فَقالَ رَجُلٌ مِنَ الجُلَساءِ : إنّا رَأيناكُم تَزهَدونَ فِى الأطعِمَهِ الطَّيِّبَهِ ومَعَ ذلِكَ تَأمُرونَ النّاسَ بِالخُروجِ مِن أموالِهِم حَتّى تَمَتَّعوا أنتُم مِنها ! فَقالَ أبو عَبدِ اللّهِ عليه السلام: دَعوا عَنكُم ما لا تَنتَفِعونَ بِهِ، أخبِرونى أيُّهَا النَّفَرُ أكُلُّكُم عِلمٌ بِناسِخِ القُرآنِ مِن مَنسوخِهِ ومُحكَمِهِ مِن مُتَشابِهِهِ الَّذى فى مِثلِهِ ضَلَّ مَن ضَلَّ وهَلَكَ مَن هَلَكَ مِن هذِهِ الاُمَّهِ ؟ فَقالوا لَهُ : أو بَعضُهُ ، فَأمّا كُلُّهُ فَلا ، فَقالَ لَهُم : فَمِن هُنا اُتيتُم . وكَذلِكَ أحاديثُ رَسولِ اللّهِ صلى الله عليه و آله . فَأمّا ما ذَكَرتُم مِن إخبارِ اللّهِ عز و جل إيّانا فى كِتابِهِ عَنِ القَومِ الَّذينَ أخبَرَ عَنهُم بِحُسنِ فِعالِهِم فَقَد كانَ مُباحا جائِزا ولَم يَكونوا نُهوا عَنهُ ، وثَوابُهُم مِنهُ عَلَى اللّهِ عز و جل ؛ وذلِكَ أنَّ اللّهَ جَلَّ وتَقَدَّسَ أمَرَ بِخِلافِ ما عَمِلوا بِهِ ، فَصارَ أمرُهُ ناسِخا لِفِعلِهِم ، وكانَ نَهىُ اللّهِ تَبارَكَ وتَعالى رَحمَهً مِنهُ لِلمُؤمِنينَ ونَظَرا ؛ لِكَى لا يَضُرّوا بِأنفُسِهِم وعِيالاتِهِم ، مِنهُمُ الضَّعَفَهُ الصِّغارُ وَالولدانُ وَالشَّيخُ الفانى وَالعَجوزُ الكَبيرَهُ الَّذينَ لا يَصبِرونَ عَلَى الجوعِ ، فَإن تَصَدَّقتُ بِرَغيفى ولا رَغيفَ لى غَيرَهُ ضاعوا وهَلَكوا جوعا ؛ فَمِن ثَمَّ قالَ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله : خَمسُ تَمراتٍ أو خَمسُ قُرَصٍ أو دَنانيرَ أو دَراهِمَ يَملِكُهَا الإنسانُ وهُوَ يُريدُ أن يُمضِيَها فَأفضَلُها ما أنفَقَهُ الإنسانُ عَلى والِدَيهِ ، ثُمَّ الثّانِيَهُ عَلى نَفسِهِ وعِيالِهِ ، ثُمَّ الثّالِثَهُ عَلى قَرابَتِهِ الفُقَراءِ ، ثُمَّ الرّابِعَهُ عَلى جيرانِهِ الفُقَراءِ ، ثُمَّ الخامِسَهُ فى سَبيلِ اللّهِ ، وهُوَ أخَسُّها أجرا

. وقالَ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله لِلأنصارِيِّ حينَ أعتَقَ عِندَ مَوتِهِ خَمسَةً أو سِتَّةً مِنَ الرَّقيقِ ولَم يَكُن يَملِكُ غَيرَهُم ولَهُ أولادٌ صِغارٌ : لَو أعلَمتُمونيأمرَهُ ماتَرَكتُكُم تَدفِنونَهُ (3) مَعَ المُسلِمينَ يَترُكُ صَبِيَةً صِغارا يَتَكَفَّفونَ النّاسَ ! ثُمَّ قالَ : حَدَّثنى أبى أنَّ رَسولَ اللّهِ صلى الله عليه و آلهقالَ : اِبدَأ بِمَن تَعولُ ؛ الأدنى فَالأدنى . ثُمَّ هذا ما نَطَقَ بِهِ الكِتابُ رَدّا لِقَولِكُم ونَهيا عَنهُ مَفروضا مِنَ اللّهِ العَزيزِ الحَكيمِ ، قالَ : «وَ الَّذِينَ إِذَآ أَنفَقُواْ لَمْ يُسْرِفُواْ وَ لَمْ يَقْتُرُواْ وَ كَانَ بَيْنَ ذَ لِكَ قَوَامًا (4) » ، أفَلا تَرَونَ أنَّ اللّهَ تَبارَكَ وتَعالى قالَ غَيرَ ما أراكُم تَدعونَ النّاسَ إلَيهِ مِنَ الأثَرَةِ عَلى أنفُسِهِم وسَمّى مَن فَعَلَ ما تَدعونَ النّاسَ إلَيهِ مُسرِفا؟ ! وفى غَيرِ آيَةٍ مِن كِتابِ اللّهِ يَقولُ : «إِنَّهُ لاَ يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ ، (5) » فَنَهاهُم عَنِ الإِسرافِ ، ونَهاهُم عَنِ التَّقتيرِ ، ولكِن أمرٌ بَينَ أمرَينِ ؛ لا يُعطى جَميعَ ما عِندَهُ ثُمَّ يَدعُو اللّهَ أن يَرزُقَهُ فَلا يَستَجيبُ لَهُ ؛ لِلحَديثِ الَّذى جاءَ عَنِ النَّبِيِّ صلى الله عليه و آله : «إنَّ أصنافا مِن اُمَّتى لا يُستَجابُ لَهُم دُعاؤُهُم : رَجُلٌ يَدعو عَلى والِدَيهِ ، ورَجُلٌ يَدعو عَلى غَريمٍ ذَهَبَ لَهُ بِمالٍ فَلَم يَكتُب عَلَيهِ ولَم يُشهِد عَلَيهِ ، ورَجُلٌ يَدعو عَلَى امرَأتِهِ وقَد جَعَلَ اللّهُ عز و جل تَخلِيَةَ سَبيلِها بِيَدِهِ ، ورَجُلٌ يَقعُدُ فى بَيتِهِ ويَقولُ : رَبِّ ارزُقنى ، ولا يَخرُجُ ولا يَطلُبُ الرِّزقَ ، فَيَقولُ اللّهُ عز و جل لَهُ : عَبدى ! أَلَم أجعَل لَكَ السَّبيلَ إلَى الطَّلَبِ وَالضَّربِ فِى الأرضِ بِجَوارِحَ صَحيحَةٍ؟ ! فَتَكونَ قَد أعذَرتَ فى ما بَينى وبَينَكَ فِى الطَّلَبِ لاِتِّباعِ أمرى ، ولكَى لا تَكونَ كَلاًّ عَلى أهلِكَ ، فَإن شِئتُ رَزَقتُكَ وإن شِئتُ قَتَّرتُ عَلَيكَ ، وأنتَ غَيرُ مَعذورٍ عِندى . ورَجُلٌ رَزَقَهُ اللّهُ مالاً كَثيرا فَأنفَقَهُ ثُمَّ أقبَلَ يَدعو : يا رَبِّ ارزُقنى ، فَيَقولُ اللّهُ عز و جل : أَلَم أرزُقكَ رِزقا واسِعا؟ ! فَهَلاَّ اقتَصَدتَ فيهِ كَما أمَرتُكَ؟ ! ولِمَ تُسرِفُ وقَد نَهَيتُكَ عَنِ الإسرافِ؟ ! ورَجُلٌ يَدعو فى قَطيعَةِ رَحِمٍ» . ثُمَّ عَلَّمَ اللّهُ عز و جل نَبِيَّهُ صلى اللّه عليه و آله كَيفَ يُنفِقُ ؛ وذلِكَ أنَّهُ كانَت عِندَهُ اُوقِيَّةٌ مِنَ الذَّهَبِ ، فَكَرِهَ أن يَبيتَ عِندَهُ فَتَصَدَّقَ بِها ، فَأصبَحَ ولَيسَ عِندَهُ شَىءٌ ، وجاءَهُ مَن يَسأَلُهُ فَلَم يَكُن عِندَهُ ما يُعطيهِ ، فَلامَهُ السّائِلُ ، وَاغتَمَّ هُوَ حَيثُ لَم يَكُن عِندَهُ ما يُعطيهِ ، وكانَ رَحيما رَقيقا ، فَأدَّبَ اللّهُ تَعالى نَبِيَّهُ صلى الله عليه و آله بِأمرِهِ فَقالَ : «وَ لاَ تَجْعَلْ يَدَكَ مَغْلُولَةً إِلَى عُنُقِكَ وَ لاَ تَبْسُطْهَا كُلَّ الْبَسْطِ فَتَقْعُدَ مَلُومًا مَّحْسُورًا (6) » ؛ يَقولُ : إنَّ النّاسَ قَد يَسأَلونَكَ ولا يَعذِرونَكَ ، فَإذا أعطَيتَ جَميعَ ما عِندَكَ مِنَ المالِ كُنتَ قَد حُسِرتَ مِنَ المالِ . فَهذِهِ أحاديثُ رَسولِ اللّهِ صلى الله عليه و آله يُصَدِّقُهَا الكِتابُ ، وَالكِتابُ يُصَدِّقُهُ أهلُهُ مِنَ المُؤمِنينَ . وقالَ أبو بَكرٍ عِندَ مَوتِهِ حَيثُ قيلَ لَهُ : أوصِ ، فَقالَ : اُوصى بِالخُمسِ وَالخُمسُ كَثيرٌ ، فَإنَّ اللّهَ تَعالى قَد رَضِىَ بِالخُمسِ فَأوصى بِالخُمسِ ، وقَد جَعَلَ اللّهُ عز و جل لَهُ الثُّلُثَ عِندَ مَوتِهِ ، ولَو عَلِمَ أنَّ الثُّلُثَ خَيرٌ لَهُ أوصى بِهِ . ثُمَّ مَن قَد عَلِمتُم بَعدَهُ فى فَضلِهِ وزُهدِهِ؛ سَلمانُ وأبو ذَرٍّ رَضِىَ اللّهُ عَنهُما فَأمّا سَلمانُ فَكانَ إذا أخَذَ عَطاءَهُ رَفَعَ مِنهُ قوتَهُ لِسَنَتِهِ حَتّى

يَحضُرَ عَطاؤُهُ مِن قابِلٍ ، فَقيلَ لَهُ : يا أبا عَبدِ اللّهِ ، أنتَ فى زُهدِكَ تَصنَعُ هذا وأنتَ لا تَدرى لَعَلَّكَ تَموتُ اليَومَ أو غَدا ! فَكانَ جَوابُهُ أن قالَ : ما لَكُم لا تَرجونَ لِىَ البَقاءَ كَما خِفتُم عَلَىَّ الفَناءَ؟ ! أما عَلِمتُم يا جَهَلَهُ ! أنَّ النَّفسَ قَد تَلتاثُ عَلى صاحِبِها إذا لَم يَكُن لَها مِنَ العَيشِ ما يُعتَمَدُ عَلَيهِ فَإذا هِىَ أحرَزَت مَعيشَتَهَا اطمَأنَّت؟ ! وأمّا أبو ذَرٍّ فَكانَت لَهُ نُوَيقاتٌ وشُوَيهاتٌ يَحلُبُها ، ويَذبَحُ مِنها إذَا اشتَهى أهلُهُ اللَّحمَ أو نَزَلَ بِهِ ضَيفٌ أو رَأى بِأهلِ الماءِ الَّذينَ هُم مَعَهُ خَصاصَةً ؛ نَحَرَ لَهُمُ الجَزورَ أو مِنَ الشِّياهِ عَلى قَدرِ ما يَذهَبُ عَنهُم بِقَرَمِ اللَّحمِ ، فَيُقَسِّمُهُ بَينَهُم ، ويَأخُذُ هُوَ كَنَصيبِ واحِدٍ مِنهُم لا يَتَفَضَّلُ عَلَيهِم . ومَن أزهَدُ مِن هؤُلاءِ وقَد قالَ فيهِم رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله ما قالَ؟ ! ولَم يَبلُغ مِن أمرِهِما أن صارا لا يَملِكانِ شَيئا البَتَّةَ كَما تَأمُرونَ النَّاسَ بِإلقاءِ أمتِعَتِهِم وشَيئِهِم ويُؤثِرونَ بِهِ عَلى أنفُسِهِم وعِيالاتِهِم . وَاعلَموا أيُّهَا النَّفَرُ أنّى سَمِعتُ أبى يَروى عَن آبائِهِ عليهم السلام : أنَّ رَسولَ اللّهِ صلى الله عليه و آلهقالَ يَوما : ما عَجِبتُ مِن شَىءٍ كَعَجَبى مِنَ المُؤمِنِ ؛ أنَّهُ إن قُرِضَ جَسَدُهُ فى دارِ الدُّنيا بِالمَقاريضِ كانَ خَيرا لَهُ ، وإن مَلَكَ ما بَينَ مَشارِقِ الأَرضِ ومَغارِبِها كانَ خَيرا لَهُ ، وكُلُّ ما يَصنَعُ اللّهُ عز و جل بِهِ فَهُوَ خَيرٌ لَهُ ! فَلَيتَ شِعرى ! هَل يَحيقُ فيكُم ما قَد شَرَحتُ لَكُم مُنذُ اليَومِ أم أزيدُكُم؟ ! أما عَلِمتُم أنَّ اللّهَ عز و جل قَد فَرَضَ عَلَى المُؤمِنينَ فى أوَّلِ الأَمرِ أن يُقاتِلَ الرَّجُلُ مِنهُم عَشَرَةً مِنَ المُشرِكينَ لَيسَ لَهُ أن يُوَلِّىَ وَجهَهُ عَنهُم ، ومَن وَلّاهُم يَومَئِذٍ دُبُرَهُ فَقَد تَبَوَّأَ مَقعَدَهُ مِنَ النّارِ ، ثُمَّ حَوَّلَهُم عَن حالِهِم رَحمَةً مِنهُ لَهُم ، فَصارَ الرَّجُلُ مِنهُم عَلَيهِ أن يُقاتِلَ رَجُلَينِ مِنَ المُشرِكينَ تَخفيفا مِنَ اللّهِ عز و جلِلمُؤمِنينَ ، فَنَسَخَ الرَّجُلانِ العَشَرَةَ؟ ! وأخبِرونى أيضا عَنِ القُضاهِ أ جَوَرَةٌ هُم حَيثُ يَقضونَ عَلَى الرَّجُلِ مِنكُم نَفَقَةَ امرَأتِهِ إذا قالَ : إنّى زاهِدٌ وإنّى لا شَىءَ لى؟ ! فَإن قُلتُم : جَوَرَةٌ ظَلَّمَكُم أهلُ الإِسلامِ ، وإن قُلتُم : بَل عُدولٌ خَصَمتُم أنفُسَكُم ، وحَيثُ تَرُدّونَ صَدَقَةَ مَن تَصَدَّقَ عَلَى المَساكينِ عِندَ المَوتِ بِأكثَرَ مِنَ الثُّلُثِ . أخبِرونى لَو كانَ النّاسُ كُلُّهُم كَالَّذينَ تُريدونَ زُهّاداً لا حاجَةَ لَهُم فى مَتاعِ غَيرِهِم ، فَعَلى مَن كانَ يُتَصَدَّقُ بِكَفّاراتِ الأيمانِ وَالنُّذورِ وَالصَّدَقاتِ مِن فَرضِ الزَّكاهِ مِنَ الذَّهَبِ وَالفِضَّهِ وَالتَّمرِ وَالزَّبيبِ وسائِرِ ما وَجَبَ فيهِ الزَّكاهُ مِنَ الإِبِلِ وَالبَقَرِ وَالغَنَمِ وغَيرِ ذلِكَ؟ ! إذا كانَ الأَمرُ كَما تَقولونَ : لا يَنبَغى لِأَحَدٍ أن يَحبِسَ شَيئا مِن عَرَضِ الدُّنيا إلاّ قَدَّمَهُ وإن كانَ بِهِ خَصاصَهٌ فَبِئسَما ذَهَبتُم إلَيهِ وحَمَلتُمُ النّاسَ عَلَيهِ! مِنَ الجَهلِ بِكِتابِ اللّهِ عز و جل وسُنَّهِ نَبِيِّهِ صلى الله عليه و آلهوأحاديثِهِ الَّتى يُصَدِّقُهَا الكِتابُ المُنزَلُ ، ورَدِّكُم إيّاها بِجَهالَتِكُم ، وتَركِكُمُ النَّظَرَ فى غَرائِبِ القُرآنِ ؛ مِنَ التَّفسيرِ بِالنّاسِخِ مِنَ المَنسوخِ ، والمُحكَمِ وَالمُتَشابِهِ ، وَالأَمرِ وَالنَّهيِ . وأخبِرونى أينَ أنتُم عَن سُلَيمانَ بنِ داودَ عَلَيه السلام حَيثُ سَأَلَ اللّهَ مُلكا لايَنبَغى لِأَحَدٍ مِن بَعدِهِ؟ ! فَأعطاهُ اللّهُ جَلَّ اسمُهُ ذلِكَ ، وكانَ يَقولُ الحَقَّ ويَعمَلُ بِهِ ، ثُمَّ لَم نَجِدِ اللّهَ عز و جل عابَ عَلَيهِ ذلِكَ ولا أحَدا مِنَ المُؤمِنينَ ،

وداودَ النَّبِيِّ عليه السَلام قَبلَهُ فى مُلكِهِ وشِدَّهِ سُلطانِهِ؟! ثُمَّ يوسُفَ النَّبِيِّ عليه السلام حَيثُ قالَ لِمَلِكِ مِصرَ: «اجْعَلْنِى عَلَى خَزَآئِنِ الْأَرْضِ إِنِّى حَفِيظٌ عَلِيمٌ» ؟! (7) فَكانَ مِن أمرِهِ الَّذى كانَ أنِ اختارَ مَملَكَةَ المَلِكِ وما حَولَها إلَى اليَمَنِ ، وكانوا يَمتارونَ الطَّعامَ مِن عِندِهِ لِمَجاعَةٍ أصابَتهُم ، وكانَ يَقولُ الحَقَّ ويَعمَلُ بِهِ ، فَلَم نَجِد أحَدا عابَ ذلِكَ عَلَيهِ ، ثُمَّ ذُو القَرنَينِ عَبدٌ أحَبَّ اللّهَ فَأحَبَّهُ اللّهُ ، وطَوى لَهُ الأسبابَ ، ومَلَّكَهُ مَشارِقَ الأرضِ ومَغارِبَها ، وكانَ يَقولُ الحَقَّ ويَعمَلُ بِهِ ، ثُمَّ لَم نَجِد أحَدا عابَ ذلِكَ عَلَيهِ . فَتَأدَّبوا أيُّهَا النَّفَرُ بِآدابِ اللّهِ عز و جل لِلمُؤمِنينَ ، وَاقتَصِروا عَلى أمرِ اللّهِ ونَهيِهِ ، ودَعوا عَنكُم مَا اشتَبَهَ عَلَيكُم مِمّا لا عِلمَ لَكُم بِهِ ، ورُدُّوا العِلمَ إلى أهلِهِ تُؤجَروا وتُعذَروا عِندَ اللّهِ تَبارَكَ وتَعالى وكونوا فى طَلَبِ عِلمِ ناسِخِ القُرآنِ مِن مَنسوخِهِ ، ومُحكَمِهِ مِن مُتَشابِهِهِ ، وما أحَلَّ اللّهُ فيهِ مِمّا حَرَّمَ ؛ فَإنَّهُ أقرَبُ لَكُم مِنَ اللّهِ ، وأبعَدُ لَكُم مِنَ الجَهلِ ؛ ودَعُوا الجَهالَةَ لِأهلِها ؛ فَإنَّ أهلَ الجَهلِ كَثيرٌ ، وأهلَ العِلمِ قَليلٌ ، وقَد قالَ اللّهُ عز و جل : «وَ فَوْقَ كُلِّ ذِى عِلْمٍ عَلِيمٌ (8) . (9) »

.

1- .الحشر : 9 .
2- .الإنسان : 8 .
3- .فى الكافى : «تدفنوه» ، وما أثبتناه هو الصحيح كما فى تحف العقول .
4- .الفرقان : 67 .
5- .الأنعام : 141 والأعراف : 31 .
6- .الإسراء : 29 .
7- .يوسف : 55 .
8- .يوسف : 76 .
9- .الكافى : 5 / 65 / 1 ، تحف العقول : 348 وفيه «جشبٍ» بدل «جدب» و«خسرت» بدل «حسرت» ، بحار الأنوار : 70 / 122 / 13 .

الکافی از مسعده بن صدقه :سفیان ثوری نزد امام صادق علیه السلامدرآمد و بر اندام او جامه ای سپید دید همچون پوسته نازکی بر سپیده تخم مرغ . پس به وی گفت: «حقّا که این جامه ، برازنده تو نیست!» امام به او فرمود: «از من بشنو و آن چه تو را گویم ، دریاب ؛ که آن ، خیر دنیا و آخرتت را در بر دارد ، اگر بر سنّتِ [پیامبر]و آیین حق میری و نه بر روشی خود نهاده! آگهی ات می دهم که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در زمانه فقر و قحطی به سر می برد ؛ امّا آن گاه که [نعمتِ] دنیا روی آورَد ؛ شایسته ترین مردم برای استفاده از آن ، نیکانند نه بدان ؛ مؤمنانند نه منافقان ؛ مسلمانانند کافران . و نه امّا درباره [پوشیدن] این [جامه] که تو را خوش نیفتاد : ای ثوری! به خدا سوگند ، مرا که در این حال می بینی ، از آن گاه که توان تشخیص یافته ام ، هیچ صبح و شبی نیامده که خدای را در مالم حقّی باشد و مرا امر فرموده باشد که آن حق را ادا کنم ، و ادا نکرده باشم» . [راوی] گفت: سپس گروهی از زاهدنمایان و فراخوانندگانِ مردم به شیوه پارسایانه خویش ، نزد امام صادق علیه السلام آمدند و به وی گفتند: «دوست ما [= سفیان ثوری] از پاسخ تو درماند و جوابی آماده نیافت» . امام به ایشان فرمود: «پس شما دلیل هاتان را بیاورید!» گفتند: «دلیل های ما برگرفته از کتاب خدا است» . فرمود: «پس آن ها را بیاورید ؛ که [اگر از کتاب خدا باشد] بیش تر شایسته پیروی و عمل کردن است» . گفتند : «خدای تبارک و تعالی درباره برخی از اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آلهمی فرماید: «و [برادران مسلمانشان را]بر خویشتن برمی گزینند ، هر چند که خود بدان نیازمند باشند ؛ و هر که از بُخل و آز خویش نگاه داشته شود ، ایشانند رستگاران» . پس خداوند کارِ ایشان را ستوده است . و در جایی دیگر فرموده: «و خوراک را با آن که دوست می دارند [و به آن نیازمندند] به بینوا و یتیم و اسیر می خورانند» . ما به همین مقدار بسنده می کنیم» . یکی از حاضران گفت: «ما می بینیم که شما از خوراک های پاک روی برمی گردانید و با این حال ، به مردم فرمان می دهید که از اموال خود دست کشند تا شما ، خود ، از آن بهره برید!» . امام صادق علیه السلام فرمود: «چیزی را که برایتان سودی ندارد ، واگذارید! ای گروه! مرا آگاه کنید ، آیا شما را در شناخت ناسخ از منسوخ و محکم از متشابهِ قرآن ، دانشی است ؛ همان که در مثل آن ، گروهی از این امّت به گمراهی و هلاکت دچار گشتند؟» او را گفتند : «برخی را می دانیم ؛ امّا همه را نه!» فرمود: «از همین جا [به این وادی]پیش کشیده شده اید! درباره سخنان پیامبر خد صلی الله علیه و

آلههم چنین است . و امّا این که گفتید خداوند در کتاب خویش ، ما را از گروهی خبر داده و کار نیکوی ایشان را ستوده ؛ [بدانید که] آن کار [برای ایشان] مباح و روا بوده و از آن نهی نشده بوده اند و پاداش آنان بر خداوند است ؛ امّا خدای بزرگ است و مقدّس [بعدا] فرمانی داد که با آن چه ایشان کردند ، ناسازگار است ؛ پس فرمان وی ، کار ایشان را کنار زد ؛ و این نهی خداوند رحمت و عنایت او برای مؤمنان بود تا مبادا به خویشتن و خانواده هاشان آسیب رسانند ، از جمله ناتوانان خردسال و کودکان و پیر [انِ]کهنسال و سالخورده که گرسنگی را طاقت نمی آورند ؛ و اگر من نان خود را صدقه دهم و جز آن ، نانی نداشته باشم ، ایشان از گرسنگی تباه و هلاک گردند . از همین روی ، پیامبر خدا صلی الله علیه و آلهفرمود: اگر انسان پنج دانه خرما یا پنج قرص نان یا دینار یا درهم داشته باشد و بخواهد آن ها را به مصرف رسانَد ، بهترینِ آن ، انفاق به پدر و مادر ، دوم خود و خانواده اش ، سوم خویشاوندان فقیر ، چهارم همسایگان مسکین ، و پنجم [مصارف دیگر] در راه خدا است ؛ و این [پنجمین] از همه کم پاداش تر است . و پیامبر خدا درباره یکی از انصار که هنگام مرگش پنج یا شش غلام را آزاد کرده بود و کودکانی خردسال داشت و مالِ دیگری به جای ننهاده بود ، فرمود : اگر وضع او را به من خبر داده بودید ، رخصتشان نمی دادم که وی را در کنار مسلمانان دفن کنید ؛ کودکانی خردسال را رها می کند تا دست نیاز پیش مردم دراز کنند ! » سپس امام فرمود: «پدرم برایم روایت فرمود که پیامبر خدا فرموده است: [انفاق را]از خانواده خود ، به ترتیبِ نزدیکی شان ، آغاز کن . نیز این سخن خداوند ، ردِّ گفته شما و نهیی است از جانب خدای عزّتمند حکیم که پذیرش آن واجب است: «و آنان که چون هزینه کنند ، نه اسراف ورزند و نه تنگ گیرند ؛ و میان این دو به راه اعتدال باشند» . آیا نمی نگرید که خداوند تبارک و تعالی چیزی فرموده که با آن چه می بینم شما مردم را به سوی آن فرا می خوانید ، یعنی ترجیح دادن دیگران بر خودشان ، ناسازگار است و کسی را که به شیوه شما رفتار کند ، اسراف کار خوانده است؟ و همو در چندین آیه از کتاب خویش ، می فرماید: هر آینه او اسراف کاران را دوست نمی دارد . پس خدای آن ها را هم از اسراف و هم از تنگ گرفتن نهی فرموده و راهی میانه را خواسته ، به گونه ای که انسان همه آن چه را دارد نبخشد و سپس از خدا طلب روزی کند ، که در این حال ، خداوند دعایش را نمی پذیرد ، بنا به سخنی که از پیامبر صلی الله علیه و آله رسیده است: دعای چند دسته از امّتم پذیرفته نمی شود : مردی که برای پدر و مادرش بد بخواهد ؛ مردی که برای ناکامیابیِ طلبکاری دعا کند که مالی نزد او نهاده و نه از او رسید ستانده و نه شاهد گرفته ؛ مردی که به زیان همسرش دعا کند ، حال آن که خداوند خلاصی آن همسر را در دست او قرار داده ؛ و مردی که در خانه

اش می نشیند و می گوید: پروردگارم! مرا روزی بخش ؛ و خود بیرون نمی رود و روزی نمی جوید ؛ پس خداوند به وی فرماید: بنده ام! آیا راه روزی جُستن و تکاپو در زمین با اعضای سالم را برای تو نگشوده ام تا میان من و خودت ، برای روزی جستن به فرمان من عذرْ پذیرفته باشی و سربار خانواده خود نشوی ؛ پس اگر می خواستم روزی ات می دادم و اگر می خواستم بر تو تنگ می گرفتم ، در حالی که نزد من عذرْ پذیرفته نبودی . [و دیگر کسی که دعایش پذیرفته نمی شود]مردی است که خداوند به او مال بسیار عطا فرموده باشد و او همه را انفاق کند و سپس به دعا روی آورده ، بگوید : پروردگارم! مرا روزی ده! پس خداوند به وی فرماید: آیا روزی فراخی به تو نداده بودم ؛ پس چرا چنان که فرمانت دادم ، در مصرف آن میانه روی نکردی ؛ چرا اسراف ورزیدی ، حال آن که تو را از اسراف بازداشته بودم؟ [و دیگر] مردی است که برای بریدنِ پیوند خویشاوندی دعا کند . دیگر آن که ، خداوند به پیامبرش آموخته که چگونه انفاق کند ؛ و آن ، چنین بود که مقداری طلا نزد وی بود و او کراهت داشت که با آن ، شب را به سر بَرَد ؛ پس آن همه را صدقه داد . صبحگاهان که هیچ نداشت ، نیازخواهی نزد وی آمد و از او چیزی خواست ، او چیزی نداشت که ببخشد . نیازخواه وی را سرزنش کرد و پیامبر که دلسوز و مهرورز بود ، از بی چیزی خود غمگین شد ؛ سپس خدای تعالی پیامبرش را با این فرمان ادب آموخت: «و دست خویش به گردنت مبند [= بخل و امساک نورز]و آن را یکسره مگشای [= هر چه داری ، به گزاف و زیاده روی مده] که نکوهیده و درمانده بنشینی» [و بدین سان] می فرماید: مردم گاه از تو چیزی می خواهند و عذرت را نمی پذیرند ؛ پس اگر همه مالی را که داری ببخشی خود را از مال محروم می سازی . این سخنان پیامبر خدا صلی الله علیه و آله است که قرآن آن را راست می شمرد ؛ و قرآن را هم مؤمنان پیروِ آن راست می شمرند . به هنگام مرگ ابوبکر به وی گفته شد: «[بخشی از مالت را برای انفاق]وصیّت کن!» . وی گفت: «به یک پنجمِ مالم وصیّت می کنم ؛ و آن ، بسیار است» . خدای تعالی از یک پنجم خشنود بود ؛ پس ابوبکر به همان مقدار وصیّت کرد ، حال آن که خداوند به او رخصت داده بود که تا یک سوم وصیّت کند ؛ و اگر وی بر این باور بود که یک سوم برای وی بهتر است ، به همان وصیّت می کرد . از آن پس ، از کسانی که به فضل و زهدشان آگاهید ، سلمان و ابوذر هستند خدای از هر دو خشنود باد! ؛ و امّا سلمان ، هر گاه سهم خویش را از بیت المال می گرفت ، به مقدار خوراک یک سال از آن برمی داشت تا نوبت بعد دریافت سهمش فرا رسد . به او گفته شد: ای ابوعبداللّه ! با این که اهل زهدی چنین می کنی ، در حالی که نمی دانی شاید امروز بمیری یا فردا؟ پاسخ او این بود : چرا همان گونه که از مرگ من بیم دارید ، به زنده

ماندنم امیدوار نیستید؟ ای نادانان! آیا نمی دانید جانِ آدمی هر گاه روزیِ قابل اعتمادی نیابد ، بر صاحب خویش کُندی می کند و هرگاه به معیشت خود دست یابد ، آرام می گیرد؟ و امّا ابوذر ، شتران و گوسفندان کوچکی داشت که شیرشان را می دوشید و هرگاه خانواده اش هوسِ گوشت می کردند یا مهمانی برایش درمی رسید یا پیرامونیانِ آن آبگاه را که با وی همراه بودند ، نیازمند می دید ، از آن ها برایشان ذبح می کرد ؛ از شتران یا گوسفندان به قدری که میلِ گوشت خوردن ایشان را برطرف کند ، سر می برید و میانشان تقسیم می کرد و خود هم بهره ای همانند آن ها و نه بیش تر ، برمی داشت . و از آنان که پیامبر چنان تعابیری را درباره ایشان به کار برده ، زاهدتر کیست؟ و هرگز کار آن دو به جایی نرسید که هیچ چیز نداشته باشند همان سان که شما مردم را فرمان می دهیدکه از مال و دارایی خویش یکسره دست کشند و خود و خانواده شان را نیازمند نهاده ، همه مالشان را ببخشند . ای جماعت! بدانید ؛ از پدرم شنیدم که از نیاکانش روایت می فرمود : روزی پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: شگفتی ام از هیچ چیز به اندازه شگفتی ام از مؤمن نیست ؛ اگر در خانه دنیا پیکرش قطعه قطعه شود ، برایش خیر است و اگر از مشرق تا مغرب زمین را هم مالک شود ، باز برای او خیر است ؛ و هر چه خداوند با وی روا دارد ، برایش خیر است . نمی دانم آیا آن چه امروز برایتان بیان کردم ، در شما اثر کرده است یا باز هم بگویمتان! آیا نمی دانید در آغاز ، خداوند بر مؤمنان واجب فرمود که اگر یک تن از ایشان با ده تن از مشرکان روبه رو شد ، با آنان بجنگد و روا نیست که از ایشان روی بگرداند و هر کس در آن حال بگریزد ، نشیمن گاهش در آتش است ؛ امّا سپس بر ایشان مهر ورزید و وضع را دگرگون فرمود ، بدین گونه که هر مؤمن باید با دو مشرک رویارو می شد؟ این ، آسان گیری از جانب خدا برای مؤمنان بود و بدین ترتیب ، دو نفر به جای ده نفر نشست . و نیز مرا آگه کنید که آیا قاضیان ظالمند ، آن گاه که بر مردی از شما حکم می کنند که نفقه همسرش را بپردازد و او می گوید : من زاهد هستم و چیزی ندارم؟ اگر بگویید ظالمند ، مسلمانان خود شما را ظالم می شمرند ؛ و اگر بگویید عادلند ، به زیان خود سخن گفته اید . و [نیز چنین است] آن گاه که باطل می شمرید صدقه بیش از یک سوم مالِ کسی را که به هنگام مرگ ، وصیّت کرده تا مالش به فقیران داده شود . مرا آگه کنید: اگر همه مردم آن گونه که شما می خواهید زاهد باشند و نیازی به مال دیگران نداشته باشند ، آن گاه کفّاره های سوگند شکنی ، نذر ، صدقه ها ، و زکات واجبِ طلا و نقره و خرما و کشمش و موارد واجب دیگر همچون شتر و گاو و گوسفند و جز آن ها ، به که باید پرداخت گردد؟ اگر حال چنان است که شما می گویید هیچ کس را روا نیست که از مال دنیا چیزی فراهم کند مگر آن که انفاق ورزد ، هر چند

به آن نیازمند باشد پس به بد راهی رفته اید و مردم را هم به آن کشانده اید ؛ زیرا به کتاب خدا و سنّت پیامبرش و احادیثی که قرآن آن را تأیید می کند ، نادانید و با نادانی خویش آن ها را کنار زده اید و عنایت به جنبه های دقیق قرآن را رها کرده اید ، همچون دریافتِ ناسخ و منسوخ ، محکم و متشابه ، و امر و نهیِ آن . و آگهی ام دهید چه حکم می کنید درباره سلیمان بن داوود علیه السلام ، آن گاه که از خداوند حکومتی خواست که هیچ کس پس از وی را روا نباشد؟ پس خداوند بزرگ باد نامش آن را به وی عطا فرمود ، در حالی که وی به حق زبان می گشود و به آن عمل می کرد ؛ و ندیده ایم که خداوند یا یکی از مؤمنان ، این را بر وی عیب شمرده باشد؟ و [نیز چه می گویید درباره]داوود علیه السلام که پیش از او ، حکومت می کرد و قدرتی بسیار داشت؟ و سپس یوسف پیامبر علیه السلام که به پادشاه مصر گفت: «مرا بر خزانه های این سرزمین بگمار ؛ که نگاهبان و دانایم» ؟ و کار او به جایی کشید که کشورداری آن سرزمین تا یمن را پذیرفت و از آن جا ، موادّ غذایی را به سرزمین های قحطی زده می بردند ؛ و او [هم] حق می گفت و به حق عمل می کرد ؛ و هیچ کس را ندیده ایم که این را بر او عیب بگیرد . از آن پس ، ذو القرنین بنده ای بود که خدا را دوست داشت و خدا هم به او دوستی می ورزید و زمینه ها [ی قدرت] را برایش گسترد و حکومت شرق و غرب زمین را به او داد و او [نیز]حق می گفت و به حق عمل می کرد ؛ و کس را نیافته ایم که این را بر او عیب شمارَد . پس ای جماعت! چنان که خداوند مؤمنان را آموخته ، ادب پذیرید و و از امر و نهی خدا در نگذرید و آن چه را بدان علم ندارید و بر شما مشتبه شده ، واگذارید و علم را به اهل آن بسپارید تا پاداش یابید و نزد خداوند تبارک و تعالی پذیرفته عذر باشید ؛ و در پی آن برآیید که ناسخ از منسوخ ، محکم از متشابه ، و حلال از حرام را در قرآن بشناسید ؛ که این شیوه شما را به خدا بیش تر نزدیک می کند و از نادانی دورتر می سازد ؛ و نادانی را به اهلش وانهید ، که اهل نادانی بسیارند و اهل دانایی کم شمارند ؛ و خداوند فرموده است: «و بالای هر دانایی ، دانشوری هست» » .

.

ص: 412

. .

ص: 413

. .

ص: 414

. .

ص: 415

. .

ص: 416

. .

ص: 417

..

ص: 418

. .

. .

ص: 420

. .

ص: 421

..

5 / 6شَرُّ الأَموالِالإمام علىّ عليه السلام :شَرُّ الأَموالِ ما لَم يُغنِ عَن صاحِبِهِ . (1)

.

1- .غرر الحكم : 5682 .

ص: 423

5 / 6بدترین مالامام علی علیه السلام :بدترین مال آن است که صاحبش را بی نیازی نبخشد .

.

عنه علیه السلام :شَرُّ الأَموالِ ما أکسَبَ المَذامَّ . (1)

عنه علیه السلام :شَرُّ الأَموالِ ما لَم یُخرَج مِنهُ حَقُّ اللّهِ سُبحانَهُ . (2)

عنه علیه السلام :شَرُّ المالِ ما لَم یُنفَق فی سَبیلِ اللّهِ مِنهُ ، ولَم تُؤَدَّ زَکاتُهُ . (3)

.

1- .غرر الحکم : 5673 .
2- .غرر الحکم : 5710 .
3- .غرر الحکم : 5683 .

امام علی علیه السلام :بدترین مال آن است که سرزنش در پی داشته باشد .

امام علی علیه السلام :بدترین مال آن است که حقّ خدای سبحان ، از آن بیرون نشده باشد .

امام علی علیه السلام :بدترین مال آن است که چیزی از آن ، در راه خدا انفاق نشود و زکاتش پرداخت نگردد .

.

الفصل السّادس: الدَّوله6 / 1الحُكومَهُ الصّالِحَهُ وَالتَّنمِيَهُرسول اللّه صلى الله عليه و آله :ساعَهٌ مِن إمامٍ عَدلٍ أفضَلُ مِن عِبادَهِ سَبعينَ سَنَهً ، وحَدٌّ يُقامُ للّهِ فِى الأَرضِ أفضَلُ مِن مَطَرِ أربَعينَ صَباحا . (1)

عنه صلى الله عليه و آله :يَومٌ مِن إمامٍ عادِلٍ أفضَلُ مِن عِبادَهِ سِتّينَ سَنَهً ، وحَدٌّ يُقامُ فِى الأَرضِ بِحَقِّهِ أزكى مِن مَطَرِ أربَعينَ يَوما . (2)

بحار الأنوار :الأَمرُ وَالنَّهىُ وَجهٌ واحِدٌ ؛ لا يَكونُ مَعنىً مِن مَعانِى الأَمرِ إلاّ ويَكونُ بَعدَ ذلِكَ نَهيا ، ولا يَكونُ وَجهٌ مِن وُجوهِ النَّهيِ إلاّ ومَقرونٌ بِهِ الأَمرُ ، قالَ اللّهُ تَعالى : «يَأَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُواْ اسْتَجِيبُواْ لِلَّهِ وَ لِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ (3) » إلى آخِرِ الآيَهِ فَأخبَرَ سُبحانَهُ أنَّ العِبادَ لا يَحيَونَ إلاّ بِالأَمرِ وَالنَّهيِ ، كَقَولِهِ تَعالى : «وَ لَكُمْ فِى الْقِصَاصِ حَيَوهٌ يَأُوْلِى الْأَلْبَبِ (4) » . ومِثلُهُ قَولُهُ تَعالى : «ارْكَعُواْ وَ اسْجُدُواْ وَ اعْبُدُواْ رَبَّكُمْ وَ افْعَلُواْ الْخَيْرَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ (5) » ؛ فَالخَيرُ هُوَ سَبَبُ البَقاءِ وَالحَياهِ . وفى هذا أوضَحُ دَليلٍ عَلى أنَّهُ لابُدَّ لِلاُمَّهِ مِن إمامٍ يَقومُ بِأمرِهِم ، فَيَأمُرُهُم ويَنهاهُم ، ويُقيمُ فيهِمُ الحُدودَ ، ويُجاهِدُ العَدُوَّ ، ويَقسِمُ الغَنائِمَ ، ويَفرِضُ الفَرائِضَ ، ويُعَرِّفُهُم أبوابَ ما فيهِ صَلاحُهُم ، ويُحَذِّرُهُم ما فيهِ مَضارُّهُم ؛ إذ كانَ الأَمرُ وَالنَّهىُ أحَدَ أسبابِ بَقاءِ الخَلقِ ، وإلاّ سَقَطَتِ الرَّغبَهُ وَالرَّهبَهُ ، ولَم يُرتَدَع ، ولَفَسَدَ التَّدبيرُ ، وكانَ ذلِكَ سَبَبا لِهَلاكِ العِبادِ فى أمرِ البَقاءِ وَالحَياهِ ؛ فِى الطَّعامِ وَالشَّرابِ ، وَالمَساكِنِ وَالمَلابِسِ ، وَالمَناكِحِ مِنَ النِّساءِ ، وَالحَلالِ وَالحَرامِ ، وَالأَمرِ وَالنَّهيِ ؛ إذ كانَ سُبحانَهُ لَم يَخلُقهُم بِحَيثُ يَستَغنونَ عَن جَميعِ ذلِكَ ، ووَجَدنا أوَّلَ المَخلوقينَ وهُوَ آدَمُ عليه السلام لَم يَتُمَّ لَهُ البَقاءُ وَالحَياهُ إلاّ بِالأَمرِ وَالنَّهيِ . (6)

.

1- .الكافى : 7 / 175 / 8 عن حفص بن عون رفعه ، وراجع ص 174 / 1 3 .

2- .السنن الكبرى : 8 / 281 / 16649 ، المعجم الكبير : 11 / 267 / 11932 ، المعجم الأوسط : 5 / 92 / 4765 ، كنز العمّال : 6 / 12 / 14624 كلّها عن ابن عبّاس ؛ مستدرک الوسائل : 18 / 9 / 10 نقلاً عن القطب الراوندى فى لبّ اللباب .

3- .الأنفال : 24 .

4- .البقره : 179 .
5- .الحجّ : 77 .
6- .بحار الأنوار : 93 / 40 نقلاً عن رساله فى أصناف آيات القرآن وأنواعها وتفسير بعض آياتها .

6 / 1 حکومت شایسته و توسعه

فصل ششم: دولت6 / 1حکومت شایسته و توسعهپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :یک ساعت حکمرانی پیشوای عدالت پیشه ، از عبادت هفتاد سال برتر است ؛ و حدّی که برای خدا در زمین جاری گردد ، [برکتش] از بارندگیِ چهل روز افزون تر است .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :یک روز حکمرانی پیشوای عادل ، از عبادت شصت سال برتر است و حدّی که به حق در زمین جاری گردد ، از باران چهل روز پرُخیرتر است .

بحار الأنوار:امر و نهی ، دو روی یک سکّه اند ؛ هیچ یک از معانی امر نیست ، جز این که آن سویش نهیی است ؛ و هیچ یکی از وجوه نهی نیست ، جز این که با امری همراه است . خدای تعالی فرموده است: «ای کسانی که ایمان آورده اید ! خدای و پیامبر را پاسخ دهید ، هنگامی که شما را به چیزی خوانند که زنده تان می سازد . . .» و بدین سان ، به بندگانش آگهی داده که جز با امر و نهی زنده نمی شوند ؛ همانندِ [دیگر]سخن خدای تعالی : «و برای شما ، ای خردمندان ، در قصاص ، زندگانی است» . و همچون آن است ، سخن خدای تعالی : «رکوع و سجود کنید و پروردگارتان را بپرستید و کار نیکو کنید ؛ باشد که کامیاب شوید» ؛ یعنی نیکوکاری ، سببِ پایداری و زندگی است . و در این ، آشکارترین دلیل است بر این که هر امّتی را امامی باید تا کار ایشان را عهده دار شود ؛ به امر و نهی آنان پردازد ؛ در میانشان حدود را جاری سازد ؛ با دشمن به جهاد برخیزد ؛ غنیمت ها را تقسیم کند ؛ وظایف واجب را تعیین نماید ؛ دریچه های صلاح را به روی مردم بگشاید ؛ و آنان را از مایه های زیانشان بیم بخشد . این از آن رو است که امر و نهی از زمینه های پایداری مردم هستند ؛ و گرنه ، امید و بیم از میان می رود و هیچ کس از هیچ کار بازداشته نمی شود و اندیشه ورزی به تباهی می گراید ؛ و این سبب می شود که پایداری و زندگانیِ بندگان خلل یابد ، خواه در خوراک و آشامیدنی و مسکن و پوشاک و ازدواج ، و خواه در حلال و حرام و امر و نهی ؛ چرا که خداوند سبحان بندگان را به گونه ای نیافریده که از این همه بی نیاز باشند . و دیده ایم که نخستین

آفریده ، یعنی آدم علیه السلام ، پایداری و زندگانی اش جز با امر و نهی سامان نپذیرفت .

.

الإمام علىّ عليه السلام فى خُطبَتِهِ بِصِفّينَ : ثُمَّ جَعَلَ مِن حُقوقِهِ حُقوقا فَرَضَها لِبَعضِ النّاسِ عَلى بَعضٍ ، فَجَعَلَها تَتَكافَأُ فى وُجوهِها ، ويوجِبُ بَعضُها بَعضا ، ولا يُستَوجَبُ بَعضُها إلاّ بِبَعضٍ ، فَأعظَمُ مِمَّا افتَرَضَ اللّهُ تَبارَكَ وتَعالى مِن تِلكَ الحُقوقِ حَقُّ الوالِي عَلَى الرَّعِيَّةِ وحَقُّ الرَّعِيَّةِ عَلَى الوالى ، فَريضَةٌ فَرَضَهَا اللّهُ عز و جل لِكُلٍّ عَلى كُلٍّ ، فَجَعَلَها نِظامَ الفَتِهِم ، وعِزّا لِدينِهِم ، وقِواما لِسُنَنِ الحَقِّ فيهِم ؛ فَلَيسَت تَصلُحُ الرَّعِيَّةُ إلاّ بِصَلاحِ الوُلاةِ ، ولا تَصلُحُ الوُلاةُ إلاّ بِاستِقامَةِ الرَّعِيَّةِ ؛ فَإذا أدَّتِ الرَّعِيَّةُ إلَى الوالى حَقَّهُ وأدّى إلَيهَا الوالى كَذلِكَ، عَزَّ الحَقُّ بَينَهُم ، فَقامَت مَناهِجُ الدّينِ ، وَاعتَدَلَت مَعالِمُ العَدلِ ، وجَرَت عَلى أذلالِهَا السُّنَنُ ، فَصَلَحَ بِذلِكَ الزَّمانُ ، وطابَ بِهِ العَيشُ ، وطُمِعَ فى بَقاءِ الدَّولَةِ ، ويَئِسَت مَطامِعُ الأعداءِ ؛ وإذا غَلَبَتِ الرَّعِيَّةُ والِيَهُم وعَلَا الوالِى الرَّعِيَّةَ ، اختَلَفَت هُنالِكَ الكَلِمَةُ ، وظَهَرَت مَطامِعُ الجَورِ ، وكَثُرَ الإدغالُ فِى الدّينِ ، وتُرِكَت مَعالِمُ السُّنَنِ ، فَعُمِلَ بِالهَواءِ، (1) وعُطِّلَتِ الآثارُ ، وكَثُرَت عِلَلُ النُّفوسِ ، ولا يُستَوحَشُ لِجَسيمِ حَدٍّ عُطِّلَ ، ولا لِعَظيمِ باطِلٍ أُثِّلَ ؛ فَهُنالِكَ تَذِلُّ الأبرارُ ، وتَعِزُّ الأشرارُ ، وتَخرَبُ البِلادُ ، وتَعظُمُ تَبِعاتُ اللّهِ عز و جل عِندَ العِبادِ . (2)

.

1- .كذا فى المصدر ، ولعلّها تصحيف «بالهَوَى» كما جاءت فى سائر المصادر أو تصحيف «بالأهواء» : جمع «الهَوَى» .
2- .الكافى : 8 / 353 / 550 عن جابر عن الإمام الباقر عليه السلام ، نهج البلاغه : الخطبه 216 ، بحار الأنوار : 27 / 251 / 14 و ج 41 / 152 / 46 و ج 77 / 355 / 32 .

امام علی علیه السلام در خطبه خویش در [جنگ] صفّین : آن گاه ، خداوند از حقوق خویش ، برخی را برای بعضی از مردم بر بعض دیگر واجب فرمود و آن حقوق را به گونه ای قرار داد که برخی ، پاداشِ دیگری باشند ، بعضی موجب یکدیگر گردند ، و بعضی جز با بعضی دیگر وجوب نیابند . بزرگ ترین حقّی که خداوند تبارک و تعالی از جمله آن حقوق واجب گردانیده ، حقّ حکمران بر مردم و حقّ مردم بر حکمران است ؛ و این ، وظیفه ای است که خداوند برای هر یک از آن ها بر دیگری قرار داده و زمینه ساز الفت و دوستی و ارجمندیِ دینشان و پایداری سنّت های حق در میان ایشان قرار داده است . پس مردم صلاح نپذیرند ، مگر آن که حکمرانان به سامان آیند ؛ و حکمرانان صلاح نیابند ؛ جز آن که مردم راست و درست باشند . و آن گاه که مردم حق حاکم را ادا کنند و حاکم نیز حق مردم را بگزارد ، حقّ در میانشان عزّت یابد و آیین های دین استوار گردد و نشانه های عدل برقرار شود و سنّت ها[ی پیامبر صلی الله علیه و آله] در راه خود افتد ؛ و بدین سان ، روزگار سامان گیرد و زندگی نیکو شود و امید به پایداری حکومت افزون گردد و دشمنان از خواست های خویش مأیوس شوند . وَ [لی]هر گاه مردم بر حکمران خود چیره شوند و حکمران بر مردم برتری خواهد ، میانشان اختلاف عقیده پدید آید و انگیزه های ستم در آنان ظهور یابد و تباهکاری در دین افزون شود و نشانه های سنّت ها[ی پیامبر صلی الله علیه و آله] فراموش گردد و به هوا و هوس کار شود و آثار [دین]کنار نهاده شود و بیماری های جان ها افزون گردد و از تعطیل شدنِ حدّ مهم و جریان یافتنِ باطلِ بزرگ بیمی به دل راه داده نشود . این جا است که نیکانْ خوار ، بَدانْ سرافراز ، سرزمین ها ویران ، و بازخواست های خداوند از بندگان بسیار گردد .

.

عنه عليه السلام فى وَصفِ مَعيشَةِ النّاسِ فى أيّامِ خِلافَتِهِ : ما أصبَحَ بِالكوفَةِ أحَدٌ إلاّ ناعِما ؛ إنَّ أدناهُم مَنزِلَةً لَيَأكُلُ مِنَ البُرِّ ، ويَجلِسُ فِى الظِّلِّ ، ويَشرَبُ مِن ماءِ الفُراتِ . (1)

الإمام الحسن عليه السلام فِى احتِجاجِهِ عَلى مَن أنكَرَ عَلَيهِ مُصالَحَةَ مُعاوِيَةَ ونَسَبَهُ إلَى التَّقصيرِ فى طَلَبِ حَقِّهِ : فَاُقسِمُ بِاللّهِ ، لَو أنَّ النّاسَ بايَعونى وأطاعونى ونَصَرونى ، لَأعطَتهُمُ السَّماءُ قَطرَها وَالأرضُ بَرَكَتَها . . . وقَد قالَ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله : ما وَلَّتِ اُمَّةٌ أمرَها رَجُلاً قَطُّ وفيهِم مَن هُوَ أعلَمُ مِنهُ إلاّ لَم يَزَل أمرُهُم يَذهَبُ سَفالاً حَتّى يَرجِعوا إلى مِلَّهِ عَبَدَهِ العِجلِ . (2)

.

1- .فضائل الصحابه لابن حنبل : 1 / 531 / 883 عن عبد اللّه بن سخبره ؛ المناقب لابن شهرآشوب : 2 / 99 ، بحار الأنوار : 40 / 327 / 9 .
2- .الاحتجاج : 2 / 66 / 156 ، العدد القويّه : 51 / 62 كلاهما عن سليم بن قيس ، بحار الأنوار : 44 / 22 / 6 وراجع الأمالى للطوسى : 560 / 1173 وص 566 / 1174 .

امام علی علیه السلام در بیان وضع معیشت مردم در روزگار پیشواییِ وی : در کوفه کسی نمانده جز آن که از نعمت برخوردار است ؛ فروجایگاه ترینِ مردم نان گندم می خورد ، زیر سایبان مسکن دارد ، و از آب فرات می نوشد .

امام حسن علیه السلام در دلیل آوری اش بر کسی که صلح وی با معاویه را نکوهید و او را متّهم کرد که در طلب حقّ خویش کوتاهی ورزیده است : پس به خدا سوگند می خورم که اگر مردم با من بیعت می کردند و پیروی و یاری ام می نمودند ، آسمان ، بارانش ، و زمین ، برکتش را به ایشان عطا می کرد . . . و به راستی ، پیامبر خدا صلی الله علیه و آلهفرموده است: «هیچ امّتی نیست که حکمرانیِ خویش را به کسی بسپارد که داناتر از او در میان ایشان هست ، مگر آن که کارشان پیوسته رو به پَستی می نهد تا آن که به کیشِ گوساله پرستان بازگردند» .

.

عيون أخبار الرضا عليه السلام عن الفضل بن شاذان عن الإمام الرضا عليه السلام :إن قالَ [قائِلٌ] : فَلِمَ جَعَلَ [اللّهُ عز و جل]اُولِى الأمرِ وأمَرَ بِطاعَتِهِم؟ قيلَ : لِعِلَلٍ كَثيرَةٍ ، مِنها : أنَّ الخَلقَ لَمّا وُقِفوا عَلى حَدٍّ مَحدودٍ واُمِروا أن لا يَتَعَدَّوا ذلِكَ الحَدَّ لِما فيهِ مِن فَسادِهِم ، لَم يَكُن يَثبُتُ ذلِكَ ولا يَقومُ إلاّ بِأن يَجعَلَ عَلَيهِم فيهِ أمينا يَمنَعُهُم مِنَ التَّعَدّى وَالدُّخولِ فى ما حَظَرَ عَلَيهِم ؛ لِأنَّهُ لَو لَم يَكُن ذلِكَ لَكانَ أحَدٌ لا يَترُكُ لَذَّتَهُ ومَنفَعَتَهُ لِفَسادِ غَيرِهِ ، فَجَعَلَ عَلَيهِم قَيِّما يَمنَعُهُم مِنَ الفَسادِ ، ويُقيمُ فيهِمُ الحُدودَ وَالأحكامَ . ومِنها : أنّا لا نَجِدُ فِرقَةً مِنَ الفِرَقِ ولا مِلَّةً مِنَ المِلَلِ بَقوا وعاشوا إلاّ بِقَيِّمٍ ورَئيسٍ ، ولِما لابُدَّ لَهُم مِنهُ فى أمرِ الدّينِ وَالدُّنيا ، فَلَم يَجُز فى حِكمَةِ الحَكيمِ أن يَترُكَ الخَلقَ مِمّا يَعلَمُ أنَّهُ لابُدَّ لَهُ مِنهُ ، ولا قِوامَ لَهُم إلاّ بِهِ ؛ فَيُقاتِلونَ بِهِ عَدُوَّهُم ، ويَقسِمونَ فَيئَهُم ، ويُقيمُ لَهُم جَمَّهُم وجَماعَتَهُم ، ويَمنَعُ ظالِمَهُم مِن مَظلومِهِم . ومِنها : أنَّهُ لَو لَم يَجعَل لَهُم إماما قَيِّما أمينا حافِظا مُستَودَعا لَدَرَسَتِ المِلَّةُ ، وذَهَبَ الدّينُ ، وغُيِّرَتِ السُّنَنُ وَالأحكامُ ، ولَزادَ فيهِ المُبتَدِعونَ ، ونَقَصَ مِنهُ المُلحِدونَ وشَبَّهوا ذلِكَ عَلَى المُسلِمينَ ؛ لِأنّا وَجَدنَا الخَلقَ مَنقوصينَ مُحتاجينَ غَيرَ كامِلينَ مَعَ اختِلافِهِم وَاختِلافِ أهوائِهِم وتَشَتُّتِ أنحائِهِم ، فَلَو لَم يَجعَل لَهُم قَيِّما حافِظا لِما جاءَ بِهِ الرَّسولُ صلى الله عليه و آله لَفَسَدوا عَلى نَحوِ ما بَيَّنّا ، وغُيِّرَتِ الشَّرائِعُ وَالسُّنَنُ وَالأحكامُ وَالإيمانُ ، وكانَ فى ذلِكَ فَسادُ الخَلقِ أجمَعينَ . (1)

.

1- .عيون أخبار الرضا عليه السلام: 2/100/1، علل الشرايع: 253/9 ، بحار الأنوار : 6/60/1 وج23/32/2 .

عیون اخبار الرضا علیه السلام از فضل بن شاذان از امام رضا علیه السلام :اگر کسی بگوید که چرا خداوند فرمانروایان را تعیین فرموده و [مردم را] به اطاعت از ایشان فراخوانده ، جواب گفته شود که به دلیل های بسیار ؛ یکی این که: چون آفریدگان بر مرزی معیّن ایستانده شده و فرمان یافته اند که از آن مرز درنگذرند و اگر بگذرند ، تباهی ایشان در آن خواهد بود این غرض حاصل و این امر برقرار نمی شود مگر آن که خداوند فردی امین را بر آنان بگمارد تا از تجاوز و پای نهادن به منطقه ممنوع ، بازشان دارد ؛ که اگر چنین نشود ، هست کسی که لذّت و بهره خویش به بهای آسیب رساندن به دیگری را رها نمی کند ؛ پس خداوند آن فرد را بر آفریدگان گمارد تا از تباهگری بازشان دارد و حدها و حکم ها [یِ خدا]را در میانشان جاری سازد . و دیگر آن که: از گروه ها و ملّت هایی که پایداری و زندگانی داشته اند ، هیچ یک را نمی یابیم که کارگزار و پیشوایی نداشته باشد . از آن جا که گردش امور دین و دنیای ایشان ناگزیر از وجود چنین کسی است ، حکمتِ [خداوند]حکیم را نشاید که آفریدگان را بدون پیشوا رها کند ، حال آن که می داند از داشتنِ پیشوا ناگزیرند و کارشان جز به او سامان نیابد ؛ با حضور او است که با دشمن خویش می جنگند و غنایم را میان خود تقسیم می کنند ؛ و او است که ایشان را گرد هم فراهم می آورَد و رخصت نمی دهد که ظالمی به مظلومی ستم کند . و دیگر این که: اگر خداوند پیشوایی سرپرست ، امانت پیشه ، نگاهبان ، و مورد اعتماد را بر آفریدگان نگمارد ، نشان آیین رخت برمی بندد ؛ دین از میان می رود ؛ سنّت ها و حکم ها دگرگون می شوند و بدعت گذاران در دین می افزایند و الحادپیشگان از آن می کاهند و آن را نزد مسلمانان دیگرگونه جلوه می دهند ؛ که ما آفریدگان را ناقص ، نیازمند ، و تکامل نیافته دیده ایم ، که در همین حال ، دچار اختلاف و ناهمگونی خواست ها و تفاوتِ گونه ها نیز هستند . پس اگر خداوند سرپرستی نگاهبانِ آیین پیامبر صلی الله علیه و آله بر ایشان نگمارده چنان که شرح کردیم به فساد درخواهند افتاد و آیین های دین و سنّت ها و حکم ها و [اصلِ]ایمان دگرگون می شود و بدین سان ، همه آفریدگان دچار فساد می گردند .

.

6 / 2جَورُ الحاكِمِ وَالتَّخَلُّفُالإمام علىّ عليه السلام :لا يَكونُ العُمرانُ حَيثُ يَجورُ السُّلطانُ . (1)

عنه عليه السلام :آفَةُ العُمرانِ جَورُ السُّلطانِ . (2)

عنه عليه السلام :الظُّلمُ بَوارُ الرَّعِيَّهِ . (3)

عنه عليه السلام فى كِتابِهِ لِلأَشتَرِ لَمّا وَلاّهُ عَلى مِصرَ : ولَيسَ شَيءٌ أدعى إلى تَغييرِ نِعمَهِ اللّهِ وتَعجيلِ نِقمَتِهِ مِن إقامَهٍ عَلى ظُلمٍ ؛ فَإِنَّ اللّهَ سَميعُ دَعوَهِ المُضطَهَدينَ ، وهُوَ لِلظّالِمينَ بِالمِرصادِ . (4)

الإمام الصادق عليه السلام فى قَضاءٍ جائِرٍ : فى مِثلِ هذَا القَضاءِ وشِبهِهِ تَحبِسُ السَّماءُ ماءَها ، وتَمنَعُ الأَرضُ بَرَكَتَها . (5)

عنه عليه السلام :ثَلاثَهٌ تُكَدِّرُ العَيشَ : السُّلطانُ الجائِرُ ، وَالجارُ السّوءُ ، وَالمَرأَهُ البَذِيَّهُ . (6)

.

1- .غرر الحكم : 10791 .
2- .غرر الحكم : 3954 .
3- .غرر الحكم : 807 .
4- .نهج البلاغه: الكتاب53 ، تحف العقول: 128 وليس فيه «اللّه وتعجيل نقمته»، بحار الأنوار: 33/601/744.
5- .الكافى : 5 / 291 / 6 ، تهذيب الأحكام : 7 / 215 / 943 ، الاستبصار : 3 / 134 / 483 كلّها عن أبى ولاّد الحنّاط ، بحار الأنوار : 47 / 376 / 98 .
6- .تحف العقول : 320 ، بحار الأنوار : 78 / 234 / 45 .

6 / 2ستمِ حکمران و عقب ماندگی اقتصادیامام علی علیه السلام :آن گاه که حکمرانَ ستم ورزد ، آبادانی پدید نخواهد آمد .

امام علی علیه السلام :آفتِ آبادانی ، ستم حکمران است .

امام علی علیه السلام :ستم مایه نابودی مردم است .

امام علی علیه السلام در نامه اش به مالک اشتر ، آن گاه که وی را به کارگزاریِ مصر گماشت : هیچ چیز بیش از ستمگری ، مایه دگرگون شدن نعمت خدا و شتاب گرفتنِ عذاب وی نیست ؛ که همانا خداوند شنوایِ خواهش ستمدیدگان و در کَمینِ ستمگران است .

امام صادق علیه السلام درباره داوریِ ستمگر : در حالی که این گونه داوری و امثال آن صورت پذیرد ، آسمان بارشِ خویش را دربند می کشد و زمین برکتش را دریغ می دارد .

امام صادق علیه السلام :سه چیز گذرانِ زندگی را به تیرگی دچار می کند : حکمران ستمگر ، همسایه بد ، و زنِ دشنام گویِ بی شرم .

.

6 / 3الاِستِئثارُ بِالفَىءِ وَالتَّخَلُّفُالكتاب :«مَّآ أَفَآءَ اللَّهُ عَلَى رَسُولِهِ مِنْ أَهْلِ الْقُرَى فَلِلَّهِ وَ لِلرَّسُولِ وَ لِذِى الْقُرْبَى وَ الْيَتَمَى وَ الْمَسَكِينِ وَ ابْنِ السَّبِيلِ كَىْ لاَ يَكُونَ دُولَةَ بَيْنَ الْأَغْنِيَآءِ مِنكُمْ وَ مَآ ءَاتَكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَ مَا نَهَكُمْ عَنْهُ فَانتَهُواْ وَ اتَّقُواْ اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ . (1) »

الحديث :رسول اللّه صلى الله عليه و آله :إنّى لَعَنتُ سَبعَةً لَعَنَهُمُ اللّهُ وكُلُّ نَبِىٍّ مُجابٍ فَبلِى . فَقيلَ : ومَن هُم ؟ فَقالَ : . . . المُستَأثِرُ عَلَى المُسلِمينَ بِفَيئِهِم مُستَحِلاًّ لَهُ . (2)

عنه صلى الله عليه و آله :خَمسَهٌ لَعَنتُهُم وكُلُّ نَبِىٍّ مُجابٍ : الزّائِدُ فى كِتابِ اللّهِ ، وَالتّارِكُ لِسُنَّتى ، وَالمُكَذِّبُ بِقَدَرِ اللّهِ ، وَالمُستَحِلُّ مِن عِترَتى ما حَرَّمَ اللّهُ ، وَالمُستَأثِرُ بِالفَىءِ (وَ) المُستَحِلُّ لَهُ . (3)

الإمام علىّ عليه السلام :أما إنَّكُم سَتَلقَونَ بَعدى ذُلاًّ شامِلاً ، وسَيفا قاتِلاً ، وأثَرَةً قَبيحَةً يَتَّخِذُهَا الظّالِمونَ عَلَيكُم حُجَّةً ؛ تَبكى عُيونُكُم ، ويَدخُلُ الفَقرُ عَلَيكُم فى بُيوتِكُم . (4)

.

1- .الحشر : 7 .
2- .الخصال : 349 / 24 ، المحاسن : 1 / 74 / 33 وليس فيه «قبلى» وكلاهما عن عبد المؤمن الأنصارى عن الإمام الصادق عليه السلام ، مسند زيد : 403 عن زيد بن علىّ عن أبيه عن جدّه عن الإمام علىّ عليه السلام عنه صلى الله عليه و آلهنحوه ، بحار الأنوار : 5 / 88 / 5 .
3- .الكافى : 2 / 293 / 14 عن ميسر عن أبيه عن الإمام الباقر عليه السلام ، الخصال : 338 / 41 عن عبد اللّه بن ميمون عن الإمام الصادق عن أبيه عن الإمام زين العابدين عليهم السلامعنه صلى الله عليه و آلهنحوه ، بحار الأنوار : 72 / 116 / 14 ؛ المستدرک على الصحيحين: 2 / 572 / 3940 عن عبد اللّه بن موهب عن علىّ بن الحسين عن أبيه عن جدّه عليهم السلام ، المعجم الكبير: 17 / 43 / 89 عن عمرو بن سعواء اليافعى وكلاهما نحوه ، كنز العمّال : 16 / 87 / 44032 و ص 90 / 44038 .
4- .شرح الأخبار : 2 / 74 / 441 عن الدغشى بإسناده ، دعائم الإسلام : 1 / 391 وليس فيه «وسيفا قاتلاً» ، المناقب لابن شهرآشوب : 2 / 272 ،

المسترشد : 672 / 342 وليس فيهما ذيله ، بحار الأنوار : 77 / 338 / 26 ؛ تاريخ دمشق : 1 / 321 نحوه ، كنز العمّال : 11 / 355 / 31726 كلاهما عن خبّاب بن عبد اللّه .

6 / 3بهره وری شخصی از غنایم و اموال عمومی و عقب ماندگی اقتصادیقرآن :«آن چه خدا از [مال و زمینِ] مردمِ آبادی ها به پیامبرش بازگردانید ، از آنِ خداوند و پیامبر و خویشاوندان و یتیمان و مستمندان و در راه ماندگان [از خاندانِ پیامبر] است تا میان توانگرانتان دستگردان نباشد . و آن چه را پیامبر به شما داد ، بگیرید و از آن چه شما را بازداشت ، بایستید و از خدا پروا کنید؛ که خدا سختْ کیفر است .»

حدیث:پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :«من هفت تن را نفرین کرده ام که خدای و هر پیامبری پذیرفته دعای پیش از من ، آن هفت تن را نفرین کرده اند» . گفته شد: «آن ها کیانند؟» فرمود : « . . . و کسی که اموال عمومی مسلمانان را برای خود حلال شمرده ، از آن بهره وری شخصی کند» .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :پنج تن هستند که من و هر پیامبر پذیرفته دعا ، آنان را نفرین کرده ایم : هر که به کتاب خدا چیزی بیفزاید ؛ آن که سنّت مرا واگذارد ؛ کسی که تقدیر خداوندی را ناراست بشمرد ؛ هر که از خاندان من که حرام خدای را حلال داند ؛ و آن کس که اموال عمومی را برای خویش حلال دانسته ، از آن بهره وری شخصی کند .

امام علی علیه السلام :هَلا که پس از من ، به خواریِ فراگیر ، شمشیر کُشنده ، و بهره وری زشت ظالمانه از اموال شما ، آن هم با استدلال ، به گونه ای که چشمانتان به اشک افتد و فقر در خانه های شما بر شما بشورد .

.

عنه علیه السلام فی کِتابِهِ لِلأَشتَرِ لَمّا وَلاّهُ عَلی مِصرَ : إنَّما یُؤتی خَرابُ الأَرضِ مِن إعوازِ أهلِها ، وإنَّما یُعوِزُ أهلُها لِإِشرافِ أنفُسِ الوُلاهِ عَلَی الجَمعِ ، وسوءِ ظَنِّهِم بِالبَقاءِ ، وقِلَّهِ انتِفاعِهِم بِالعِبَرِ . (1)

عنه علیه السلام فِی الحِکَمِ المَنسوبَهِ إلَیهِ : الاِستِئثارُ یوجِبُ الحَسَدَ ، وَالحَسَدُ یوجِبُ البِغضَهَ ، وَالبِغضَهُ توجِبُ الاِختِلافَ ، وَالاِختِلافُ یوجِبُ الفُرقَهَ ، وَالفُرقَهُ توجِبُ الضَّعفَ ، وَالضَّعفُ یوجِبُ الذُّلَّ ، وَالذُّلُّ یوجِبُ زَوالَ الدَّولَهِ وذَهابَ النِّعمَهِ . (2)

عنه علیه السلام فی کِتابِهِ لِلأَشتَرِ لَمّا وَلاّهُ عَلی مِصرَ : ثُمَّ إنَّ لِلوالی خاصَّهً وبِطانَهً ، فیهِمُ استِئثارٌ وتَطاوُلٌ ، وقِلَّهُ إنصافٍ فی مُعامَلَهٍ ، فَاحسِم مادَّهَ أُولئِکَ بِقَطعِ أسبابِ تِلکَ الأَحوالِ . ولا تُقطِعَنَّ لِأَحَدٍ مِن حاشِیَتِکَ وحامَّتِکَ قَطیعَهً ، ولاَ یَطمَعَنَّ مِنکَ فی اعتِقادِ عُقدَهٍ تَضُرُّ بِمَن یَلیها مِنَ النّاسِ ؛ فی شِربٍ أو عَمَلٍ مُشتَرَکٍ یَحمِلونَ مَؤونَتَهُ عَلی غَیرِهِم ، فَیَکونَ مَهنَأُ ذلِکَ لَهُم دونَکَ ، وعَیبُهُ عَلَیکَ فِی الدُّنیا وَالآخِرَهِ . (3)

.

1- .نهج البلاغه : الکتاب 53 ، تحف العقول : 138 وفیه «لإسراف الولاه» بدل «لإشراف أنفس الولاه علی الجمع» ، دعائم الإسلام : 1 / 363 نحوه ، بحار الأنوار : 77 / 254 / 1 .
2- .شرح نهج البلاغه : 20 / 345 / 961 .
3- .نهج البلاغه : الکتاب 53 ، تحف العقول : 144 نحوه ، بحار الأنوار : 77 / 261 / 1 .

امام علی علیه السلام در نامه اش به مالک اشتر ، آن گاه که وی را به کارگزاریِ مصر گماشت : جز این نیست که مایه نابودیِ زمین ، تنگدستیِ کشاورزان است ؛ و تنگدستیِ ایشان به سبب آن است که حکمرانان تنها به گردآوریِ مال می اندیشند و به پایداریِ [حکومتِ] خود بدگمانند و از عبرت ها کم بهره می گیرند .

امام علی علیه السلام در کلمات حکیمانه منسوب به وی : انحصار طلبی ، حسد برمی انگیزد ؛ حسد دشمنی را سبب می شود ؛ دشمنی مایه اختلاف است ؛ اختلاف زمینه ساز پراکندگی است ؛ پراکندگی ناتوانی در پی دارد ؛ ناتوانی موجب خواری است ؛ و خواری سبب نابودی حکومت و از میان رفتن نعمت است .

امام علی علیه السلام در نامه اش به مالک اشتر ، آن گاه که وی را به کارگزاریِ مصر گماشت : پس آن گاه [بدان که] حکمران را خواص و پیرامونیانی هستند که همه چیز را برای خود می خواهند ، چپاول گرند ، و در رفتار [با مردم] کم انصاف می ورزند . ریشه اینان را با از میان بردن زمینه این کارها ، قطع کن . به هیچ یک از پیرامونیان و خویشاوندانت زمینی [از اموال عمومی] واگذار مکن ؛ مبادا در تو طمع بَرَند که قرار دادی [به سودشان] بسته شود که به همسایگانشان زیان رسد ، خواه در آبیاری و خواه در کاری مشترک ، به گونه ای که هزینه آن را بر عهده دیگران اندازند ؛ که در این صورت ، گوارایی از آنِ ایشان است نه تو و ننگ آن در دنیا و آخرت از آنِ تو است .

.

6 / 4المَوارِدُ المالِيَّةُ وَالتَّنمِيَهُالإمام علىّ عليه السلام فِى كِتابِهِ لِلأَشتَرِ لَمّا وَلاّهُ عَلى مِصرَ : وتَفَقَّد أمرَ الخَراجِ بِما يُصلِحُ أهلَهُ ، فَإِنَّ فى صَلاحِهِ وصَلاحِهِم صَلاحا لِمَن سِواهُم ، ولا صَلاحَ لِمَن سِواهُم إلاّ بِهِم ، لِأَنَّ النّاسَ كُلَّهُم عِيالٌ عَلَى الخَراجِ وأهلِهِ . (1)

عنه عليه السلام فى كِتابِهِ لِلأَشتَرِ لَمّا وَلاّهُ عَلى مِصرَ : وَليَكُن نَظَرُكَ فى عِمارَهِ الأَرضِ أبلَغَ مِن نَظَرِكَ فِى استِجلابِ الخَراجِ ؛ لِأَنَّ ذلِكَ لا يُدرَكُ إلاّ بِالعِمارَهِ ؛ ومَن طَلَبَ الخَراجَ بِغَيرِ عِمارَهٍ أخرَبَ البِلادَ ، وأهلَكَ العِبادَ ، ولَم يَستَقِم أمرُهُ إلاّ قَليلاً . فَإِن شَكَوا ثِقَلاً أو عِلَّهً ، أوِ انقِطاعَ شِربٍ أو بالّهٍ ، أو إحالَهَ أرضٍ اغتَمَرَها غَرَقٌ ، أو أجحَفَ بِها عَطَشٌ ، خَفَّفتَ عَنهُم بِما تَرجو أن يَصلُحَ بِهِ أمرُهُم . ولا يَثقُلَنَّ عَلَيكَ شَىءٌ خَفَّفتَ بِهِ المَؤونَهَ عَنهُم ؛ فَإِنَّهُ ذُخرٌ يَعودونَ بِهِ عَلَيكَ فى عِمارَهِ بِلادِكَ ، وتَزيينِ وِلايَتِكَ ، مَعَ استِجلابِكَ حُسنَ ثَنائِهِم ، وتَبَجُّحِكَ بِاستِفاضَهِ العَدلِ فيهِم ، مُعتَمِدا فَضلَ قُوَّتِهِم بِما ذَخَرتَ عِندَهُم مِن إجمامِكَ لَهُم ، وَالثِّقَهَ مِنهُم بِما عَوَّدتَهُم مِن عَدلِكَ عَلَيهِم ورِفقِكَ بِهِم ، فَرُبَّما حَدَثَ مِنَ الاُمورِ ما إذا عَوَّلتَ فيهِ عَلَيهِم مِن بَعدُ احتَمَلوهُ طَيِّبَهً أنفُسُهُم بِهِ ؛ فَإِنَّ العُمرانَ مُحتَمِلٌ ما حَمَّلتَهُ ، وإنَّما يُؤتى خَرابُ الأَرضِ مِن إعوازِ أهلِها ، وإنَّما يُعوِزُ أهلُها لِإِشرافِ أنفُسِ الوُلاهِ عَلَى الجَمعِ ، وسوءِ ظَنِّهِم بِالبَقاءِ ، وقِلَّهِ انتِفاعِهِم بِالعِبَرِ . (2)

.

1- .نهج البلاغه : الكتاب 53 .
2- .نهج البلاغه : الكتاب 53 .

6 / 4راه های تأمین درآمد؛ و توسعهامام علی علیه السلام در نامه اش به مالک اشتر، آن گاه که وی را به کارگزاریِ مصر گماشت : در کار خراج (1) نیکو بنگر ، به گونه ای که به مصلحت خراج دهندگان باشد ؛ زیرا سامان یافتن کارِ خراج و خراج دهندگان ، به مصلحت دیگران نیز هست و دیگران سامان نیابند مگر به سامان یافتن حال خراج دهندگان ؛ چرا که همه مردم نان خورِ خراج و خراج دهندگان هستند .

امام علی علیه السلام در نامه اش به مالک اشتر ، آن گاه که وی را به کارگزاریِ مصر گماشت : باید بیش از آن که به گردآوری خراج بیندیشی ، در اندیشه آبادسازی زمین باشی ؛ زیرا خراج گرد نیاید مگر به آبادانی . و هر کس خراج خواهد بدون آن که در پی آبادانی باشد ، مملکت را ویران می کند و بندگان را هلاک می سازد و کارش ، مگر اندکی ، راست نمی گردد . پس اگر مردم از سنگینیِ خراج یا آفتِ محصول یا قطع شدن آب یا خشکسالی یا دگرگون شدن زمین بر اثر آب گرفتگی یا تشنگیِ خاک ، نزدت شکایت آورند ، بار ایشان را بکاه آن گونه که امید می بری کارشان سامان یابد . و کاستن از هزینه ها [و خراجِ] ایشان بر تو هیچ گران نیاید ؛ که آن ، اندوخته ای است برای تو و به سبب آن ، مردم مملکتت را آباد می کنند ؛ و نیز این زیور حکومت تو است ؛ علاوه بر این ، نیک ستاییِ آنان را به خود جلب می کنی و خود نیز شادمان می شوی که عدالت را در میانشان گسترانده ای و برای خویش از نیروی فراوانشان تکیه گاهی ساخته ای ، چرا که با راحت گیری بر ایشان ، رزقشان را افزوده ای ؛ و اعتمادشان را فراهم آورده ای ، زیرا به عدل و مدارا با ایشان رفتار کرده ای . و از این پس ، چه بسا کارها پیش آید که اگر به عهده آنان گذاری ، خوشدلانه آن ها را به انجام رسانند ؛ که وقتی آبادانی حاصل آید ، هر چه به عهده مردم نهی ، انجام می دهند . و جز این نیست که مایه نابودی زمین ، تنگدستیِ کشاورزان است ؛ و تنگدستی ایشان به سبب آن است که حکمرانان تنها به گردآوریِ مال می اندیشند و به پایداریِ [حکومتِ] خود بدگمانند و از عبرت ها کم بهره می گیرند .

.

1- .خراج : مالیات ، مالیاتی که از زمین و حاصل مزرعه یا درآمد دیگر گرفته شود . (فرهنگ عمید) .

عنه عليه السلام لِزِيادِ ابنِ أبيهِ ، وقَدِ استَخلَفَهُ لِعَبدِ اللّهِ بنِ العَبّاسِ عَلى فارِسَ وأعمالِها ، فى كَلامٍ طَويلٍ كانَ بَينَهُما نَهاهُ فيهِ عَن تَقَدُّمِ الخَراجِ : اِستَعمِلِ العَدلَ ، وَاحذَرِ العَسفَ وَالحَيفَ ؛ فَإِنّ العَسفَ يَعودُ بِالجَلاءِ ، وَالحَيفَ يَدعو إلَى السَّيفِ . (1)

عنه عليه السلام فى كِتابٍ لَهُ إلى عُمّالِهِ عَلَى الخَراجِ : مِن عَبدِ اللّهِ عَلِيٍّ أميرِ المُؤمِنينَ إلى أصحابِ الخَراجِ : أمّا بَعدُ ، فَإِنَّ مَن لَم يَحذَر ما هُوَ صائِرٌ إلَيهِ لَم يُقَدِّم لِنَفسِهِ ما يُحرِزُها . وَاعلَموا أنَّ ما كُلِّفتُم بِهِ يَسيرٌ ، وأنَّ ثَوابَهُ كَثيرٌ ، ولَو لَم يَكُن فى ما نَهَى اللّهُ عَنهُ مِن البَغيِ وَالعُدوانِ عِقابٌ يُخافُ لَكانَ فى ثَوابِ اجتِنابِهِ ما لا عُذرَ فى تَركِ طَلَبِهِ . فَأَنصِفُوا النّاسَ مِن أنفُسِكُم ، وَاصبِروا لِحَوائِجِهِم ؛ فَإِنَّكُم خُزّانُ الرَّعِيَّةِ ، ووُكَلاءُ الأُمَّةِ ، وسُفَراءُ الأَئِمَّةِ . ولا تُحشِموا أحَدا عَن حاجَتِهِ ، ولا تَحبِسوهُ عَن طَلِبَتِهِ ، ولا تَبيعُنَّ لِلنّاسِ فِى الخَراجِ كِسوَةَ شِتاءٍ ولا صَيفٍ ، ولا دابَّةً يَعتَمِلونَ عَلَيها ، ولا عَبدا ، ولا تَضرِبُنَّ أحَدا سَوطا لِمَكانِ دِرهَمٍ ، ولا تَمَسُّنَّ مالَ أحَدٍ مِنَ النّاسِ ؛ مُصَلٍّ ولا مُعاهَدٍ ، إلاّ أن تَجِدوا فَرَسا أو سِلاحا يُعدى بِهِ عَلى أهلِ الإِسلامِ ؛ فَإِنَّهُ لا يَنبَغى لِلمُسلِمِ أن يَدَعَ ذلِكَ فى أيدى أعداءِ الإِسلامِ ، فَيَكونَ شَوكَةً عَلَيهِ . ولا تَدَّخِروا أنفُسَكُم نَصيحَةً ، ولاَ الجُندَ حُسنَ سيرَةٍ ، ولاَ الرَّعِيَّةَ مَعونَةً ، ولا دينَ اللّهِ قُوَّةً ، وأبلوا فى سَبيلِ اللّهِ مَا استَوجَبَ عَلَيكُم ؛ فَإِنَّ اللّهَ سُبحانَهُ قَدِ اصطَنَعَ عِندَنا وعِندَكُم أن نَشكُرَهُ بِجُهدِنا ، وأن نَنصُرَهُ بِما بَلَغَت قُوَّتُنا ، ولا قُوَّةَ إلاّ بِاللّهِ العَلِيِّ العَظيمِ . (2)

.

1- .نهج البلاغه : الحكمه 476 ، غرر الحكم : 2446 نحوه ، بحار الأنوار : 33 / 488 / 693 وج 75 / 350 / 59.
2- .نهج البلاغه : الكتاب 51 .

امام علی علیه السلام به زیاد بن ابیه ، آن گاه که وی را به جای عبداللّه بن عبّاس بر فارس و مناطق پیرامونش حکومت بخشید و در کلامی پُر درازا ، او را از خراج گرفتن پیش از هنگام ، نهی فرمود : عدالت را به کار بند و از ستم ورزی و بیدادگری بپرهیز ؛ که ستم مردم را به آوارگی کشد و بیدادگری ، شمشیر [و شورش مسلّحانه مردم] را فراخوانَد .

امام علی علیه السلام در نامه وی به خراج گزارانش : از بنده خدا ، علی امیرالمؤمنین ، به خراج گزاران : امّا بعد ؛ هر کس از آن چه [= روز قیامت] به سوی آن روان است ، پروا نکند ، چیزی برای خود پیش نفرستد که از آن نگاهبانش باشد . بدانید آن چه بر عهده دارید ، آسان ؛ و پاداش آن بسیار است . حتّی اگر برای ستم و تجاوزگری که خداوند شما را از آن نهی فرموده ، مجازاتی بیم برانگیز نباشد ، پرهیز از آن چندان پاداش دارد که در ترک آن بهانه ای نباشد . پس از دل و جان ، با مردم انصاف ورزید و برای برآوردن نیازهاشان شکیبا باشید ، که همانا شما خزانه دارانِ مردم ، وکیلان امّت ، و سفیرانِ پیشوایان هستید . در برآوردنِ نیازِ هیچ کس چندان درنگ نورزید که به خشم آید و او را از خواسته اَش بازندارید . برای ستاندنِ خراج ، جامه زمستانی و تابستانی مردم ، چهارپایی را که با آن کار می کنند ، و یا بنده[ی آنان] را مفروشید و هیچ کس را برای درهمی تازیانه مزنید . به مال هیچ یک از مردم ، خواه نمازگزار و خواه اهل ذمّه ، چنگ نیفکنید ، مگر اسب یا جنگ افزاری بیابید که با آن به مسلمانان تجاوز شود ؛ که همانا مسلمان را روا نیست تا آن [اسب یا جنگ افزار]را در دست دشمنان اسلام وانهد تا سبب نیرومندی شان بر ضدّ وی گردد . از خیرخواهی برای دیگران ، خوشرفتاری با سپاهیان ، یاریِ مردم ، و تقویت دین خدا دریغ مورزید و در راه خدا هر چه بر شما واجب است ، به جای آورید ؛ که همانا خدای سبحان از ما و شما خواسته که با تمام توان خویش سپاسش را به جا آوریم و با همه نیرومان یاری اش دهیم ؛ و هیچ نیرویی جز از جانب خدای والای بزرگ نیست .

امام علی علیه السلام از پیمان نامه او به یکی از کارگزارانش که وی را برای گردآوری صدقه[زکات] فرستاده بود : او را فرمان می دهم که در امور نهانی و کارهای پنهانش که جز خدا گواه و نگاهبانی نیست ، تقوای خدای را پیشه کند . و فرمانش می دهم که چنان نباشد که آشکارا از خدای فرمان بَرَد ، امّا در نهان کاری جز آن ، به مخافت انجام دهد . هر کس نهان

و آشکارش ، و کردار و گفتارش تفاوت نکند ، امانتِ [خدا] را به جای آورده و در عبادت اخلاص ورزیده است . و فرمانش می دهم که مردم را نرنجاند و آنان را دروغگو نشمارد و بدان بهانه که بر ایشان حکمرانی می کند ، از آنان روی برنگرداند ؛ که آن ها برادرانِ دینی و یاوران وی در ستاندنِ حقوقِ [الهی]هستند . و همانا تو را در این صدقه [که می ستانی] بهره ای معیّن و حقّی مشخّص است و نیازمندان و ناتوانان و بینوایان با تو در آن شریکند . ما تمام حقّ تو را می پردازیم ؛ پس تو نیز حقوق آنان را ، تمام و کمال ، بپرداز ؛ که اگر چنین نکنی ، در روز قیامت مدّعیان تو از همه بیشترند . و بَدا به حال آن کس که نزد خداوند ، فقیران و نیازمندان و حاجت خواهان و رانده شدگان و وامداران و در راه ماندگان ، مدعّیان او باشند . و هر کس در امانت سهل انگاری کند و در مرتع خیانت بچرد و جان و دین خویش را از خیانت پاک نسازد ، همانا خواری و رسوایی را در دنیا از آنِ خویش کرده و در آخرت ، خوارتر و رسواتر است . و همانا بزرگ ترین خیانت ، آن است که در حقّ امّت روا شود و رسواترین فریبگری ، فریفتنِ پیشوایانِ [امّت]است ؛ والسّلام !

.

عنه عليه السلام مِن عَهدِهِ إلى بَعضِ عُمّالِهِ وقَد بَعَثَهُ عَلَى الصَّدَقَهِ : أمَرَهُ بِتَقوَى اللّهِ فى سَرائِرِ أمرِهِ ، وخَفِيّاتِ عَمَلِهِ ، حَيثُ لا شَهيدَ غَيرُهُ ، ولا وَكيلَ دونَهُ . وأمَرَهُ أن لا يَعمَلَ بِشَىءٍ مِن طاعَهِ اللّهِ فى ما ظَهَرَ ، فَيُخالِفَ إلى غَيرِهِ فى ما أسَرَّ ، ومَن لَم يَختَلِف سِرُّهُ وعَلانِيَتُهُ وفِعلُهُ ومَقالَتُهُ فَقَد أدَّى الأمانَهَ ، وأخلَصَ العِبادَهَ . وأمَرَهُ أن لا يَجبَهَهُم ، ولا يَعضَهَهُم ، ولا يَرغَبَ عَنهُم تَفَضُّلاً بِالإمارَهِ عَلَيهِم ؛ فَإنَّهُمُ الإخوانُ فِى الدّينِ ، وَالأعوانُ عَلَى استِخراجِ الحُقوقِ . وإنَّ لَكَ فى هذِهِ الصَّدَقَهِ نَصيبا مَفروضا ، وحَقّا مَعلوما ، وشُرَكاءَ أهلَ مَسكَنَهٍ ، وضُعَفاءَ ذَوى فاقَهٍ . وإنّا مُوَفّوكَ حَقَّكَ ، فَوَفِّهِم حُقوقَهُم ؛ وإلاّ تَفعَل فَإنَّكَ مِن أكثَرِ النّاسِ خُصوما يَومَ القِيامَهِ ، وبُؤسى لِمَن خَصمُهُ عِندَ اللّهِ الفُقَراءُ وَالمَساكينُ ، وَالسّائِلونَ وَالمَدفوعونَ ، وَالغارِمونَ وَابنُ السَّبيلِ ! ومَنِ استَهانَ بِالأمانَهِ ورَتَعَ فِى الخِيانَهِ ولَم يُنَزِّه نَفسَهُ ودينَهُ عَنها ، فَقَد أحَلَّ بِنَفسِهِ الذُّلَّ وَالخِزيَ فِى الدُّنيا ، وهُوَ فِى الآخِرَهِ أذَلُّ وأخزى ؛ وإنَّ أعظَمَ الخِيانَهِ خِيانَهُ الاُمَّهِ ، وَأفظَعَ الغِشِّ غِشُّ الأئِمَّهِ . وَالسَّلامُ . (1)

عنه عليه السلام مِن وَصِيَّهٍ لَهُ كانَ يَكتُبُها لِمَن يَستَعمِلُهُ عَلَى الصَّدَقاتِ : اِنطَلِق عَلى تَقوَى اللّهِ وَحدَهُ لا شَريكَ لَهُ ، ولا تُرَوِّعَنَّ مُسلِما ، ولا تَجتازَنَّ عَلَيهِ كارِها ، ولا تَأخُذَنَّ مِنهُ أكثَرَ مِن حَقِّ اللّهِ فى مالِهِ ، فَإذا قَدِمتَ عَلَى الحَىِّ فَانزِل بِمائِهِم مِن غَيرِ أن تُخالِطَ أبياتَهُم ، ثُمَّ امضِ إلَيهِم بِالسَّكينَهِ وَالوَقارِ حَتّى تَقومَ بَينَهُم فَتُسَلِّمَ عَلَيهِم ، ولا تُخدِج بِالتَّحِيَّهِ لَهُم ، ثُمَّ تَقولَ : عِبادَاللّهِ ، أرسَلَنى إلَيكُم وَلِىُّ اللّهِ وخَليفَتُهُ لاِخُذَ مِنكُم حَقَّ اللّهِ فى أموالِكُم ، فَهَل للّهِ فى أموالِكُم مِن حَقٍّ فَتُؤَدّوهُ إلى وَلِيِّهِ ؟ فَإن قالَ قائِلٌ : لا ، فَلا تُراجِعهُ ، وإن أنعَمَ لَكَ مُنعِمٌ فَانطَلِق مَعَهُ مِن غَيرِ أن تُخيفَهُ أو توعِدَهُ أو تَعسِفَهُ أو تُرهِقَهُ ، فَخُذ ما أعطاكَ مِن ذَهَبٍ أو فِضَّهٍ ، فَإن كانَ لَهُ ماشِيَهٌ أو إبِلٌ فَلا تَدخُلها إلاّ بِإذنِهِ ؛ فَإنَّ أكثَرَها لَهُ ،فَإذا أتَيتَها فَلا تَدخُل عَلَيها دُخولَ مُتَسَلِّطٍ عَلَيهِ ، ولا عَنيفٍ بِهِ . ولا تُنَفِّرَنَّ بَهيمَهً ولا تُفزِعَنَّها ، ولا تَسوءَنَّ صاحِبَها فيها . وَاصدَعِ المالَ صَدعَينِ ، ثُمَّ خَيِّرهُ ، فَإذَا اختارَ فَلا تَعرِضَنَّ لِمَا اختارَهُ ، ثُمَّ اصدَعِ الباقِىَ صَدعَينِ ، ثُمَّ خَيِّرهُ ، فَإذَا اختارَ فَلا تَعرِضَنَّ لِمَا اختارَهُ ، فَلا تَزالُ كَذلِكَ حَتّى يَبقى ما فيهِ وَفاءٌ لِحَقِّ اللّهِ فى مالِهِ ،فَاقبِض حَقَّ اللّهِ مِنهُ ؛ فَإنِ استَقالَكَ فَأقِلهُ ، ثُمَّ اخلِطهُما ، ثُمَّ اصنَع مِثلَ الَّذى صَنَعتَ أوَّلاً حَتّى تَأخُذَ حَقَّ اللّهِ فى مالِهِ . ولا تَأخُذَنَّ عَودا ، ولا هَرِمَهً ، ولا مَكسورَهً ، ولا مَهلوسَهً ، ولا ذاتَ عَوارٍ ، ولا تَأمَنَنَّ عَلَيها إلاّ مَن تَثِقُ بِدينِهِ رافِقا بِمالِ المُسلِمينَ ، حَتّى يُوَصِّلَهُ إلى وَلِيِّهِم فَيَقسِمَهُ بَينَهُم ، ولا تُوَكِّل بِها إلاّ ناصِحا شَفيقا ، وأمينا حَفيظا ، غَيرَ مُعنِفٍ ولا مُجحِفٍ ، ولا مُلغِبٍ ولا مُتعِبٍ . ثُمَّ

احدُر إلَينا مَا اجتَمَعَ عِندَکَ نُصَيِّرهُ حَيثُ أمَرَ اللّهُ بِهِ . فَإذا أخَذَها أمينُکَ فَأوعِز إلَيهِ ألاّ يَحولَ بَينَ ناقَهِ وبَينَ فَصيلِها ، ولايَمصُرَ لَبَنَها فَيَضُرَّ ذلِکَ بِوَلَدِها ، ولا يَجهَدَنَّها رُکوبا ، وَليَعدِل بَينَ صَواحِباتِها فى ذلِکَ وبَينَها . وَليُرَفِّه عَلَى اللاّغِبِ ، وَليَستَأنِ بِالنَّقِبِ وَالظّالِعِ ، وَليورِدها ما تَمُرُّ بِهِ مِنَ الغُدُرِ ، ولا يَعدِل بِها عَن نَبتِ الأرضِ إلى جَوادِّ الطُّرُقِ ، وَليُرَوِّحها فِى السّاعاتِ ، وَليُمهِلها عِندَ النِّطافِ وَالأعشابِ ؛ حَتّى تَأتِيَنا بِإذنِ اللّهِ بُدَّنا مُنقِياتٍ ، غَيرَ مُتعَباتٍ ولامَجهودات ، لِنَقسِمَها عَلى کِتابِ اللّهِ وسُنَّهِ نَبِيِّهِ صلى الله عليه و آله ؛ فَإنَّ ذلِکَ أعظَمُ لِأجرِکَ ، وأقرَبُ لِرُشدِکَ ، إن شاءَ اللّهُ . (2)

.

1- .نهج البلاغه : الكتاب 26 ، بحار الأنوار : 33 / 528 / 719 وراجع دعائم الإسلام : 1 / 252 .
2- .نهج البلاغه : الكتاب 25 ، الكافى : 3 / 536 / 1 ، تهذيب الأحكام : 4 / 96 / 274 كلاهما عن بريد بن معاويه ، المقنعه : 255 عن بريد العجلى ، الغارات : 1 / 126 عن عبد الرحمن بن سليمان وكلّها عن الإمام الصادق عنه عليهماالسلامنحوه .

امام علی علیه السلام از سفارش وی به یکی از کارگزارانِ صدقه [= زکات] (1) : روان شو ، با پرهیز از خداوندی که یگانه است و آنبازی ندارد . هر گز مسلمانی را مترسان ؛ و بی رضایت وی به حریمش برمگذر ؛ و بیش از اندازه ای که خداوند در مال او حقّی دارد ، از وی مستان ! پس هر گاه بر قبیله ای گذر کردی ، بی آن که به خانه هاشان درآیی ، بر آبْ سَرایِ آنان فرود آی و سپس با آرامش و وقار به سوی آنان روانه شو تا به میانشان درآیی و بر آنان درود دهی و در درود دهی بر ایشان ، کوتاهی مکن و کم مگذار و آن گاه گویی: «ای بندگان خدا ! وَلیّ خدا و جانشین او مرا به سوی شما فرستاده تا سهمی را که خداوند در اموال شما دارد ، بستانم ؛ پس آیا خدای را در اموالتان سهمی هست تا آن را به ولیّ وی بپردازید؟» آن گاه ، اگر کسی گفت: «نه» ، به سراغ وی مرو ؛ و اگر کسی گفت: «آری» ، همراهش روان شو ، بی آن که او را بترسانی یا تهدید کنی یا به سختی اندازی یا به دشواری دچار کنی ؛ و هر چه طلا و نقره تو را دهد ، از او بستان ؛ و اگر وی را گاو و گوسفند یا شتر بود ، جز به اجازه او ، به میانشان مرو ، زیرا بیشینه آن ها از آنِ او است ؛ و اگر به میانشان درآمدی ، همانند کسی مباش که خود را بر آن مسلّط می شمارد و سخت می گیرد . هیچ چهارپایی را رم مده و نترسان و صاحبش را در گرفتن آن به زحمت میفکن . مال را دو بخش کن و صاحبش را [در گزینش یکی از دو بخش] آزاد گذار ؛ اگر یکی را برگزید ، به آن چه برگزیده چنگ مینداز . آن گاه ، باقی مانده را [نیز]دو بخش کن و او را [در گزینش] آزاد گذار ؛ اگر یکی را برگزید ، به گزیده وی تعرّض مکن . این کار را همچنین ادامه ده تا به اندازه حقّ خداوند در مال وی باقی مانَد و حقّ خدای را از او بستان . اگر خواست که این قرار را به هم زند ، بپذیر و باز آن دو بخش را درآمیز و همانند بار نخست ، عمل کن تا حقّ خدای را در مال او بستانی . حیوان پیر و فرتوت و دست و پا شکسته و بیمار و لاغر و عیب دار را مگیر . و کسی را بر آن اموال امین قرار مده ، مگر آن که به دینداری اش اعتماد داشته باشی و با مال مسلمانان درست رفتار کند تا آن را به حاکم مسلمانان برسانَد و او آن را میانشان تقسیم کند . جز فرد خیرخواه و دلسوز و درستکار و نگاهبان را برای نگاهداری آن ها مگمار ؛ کسی که با آن حیوان ها درشتی نکند و به آن ها ستم نراند و تند نراندشان و خسته شان نکند . پس هر چه نزدت گرد آمده ، به سوی ما روان کن تا آن گونه که خداوند فرمان داده ، آن را به مصرف رسانیم . آن گاه که [کارگزارِ] امینِ تو ، آن ها را ستاند ، به وی سفارش کن که میان ماده شتر و کره

شیرخوارش جدایی نیفکَند و آن قدر مادر را ندوشد که به کره اش زیان رسد ؛ و با سواری گرفتن ، آن را خسته نکند ؛ و در دوشیدن و سواری گرفتن ، میان آن شتر و شتران دیگر به عدالت رفتار کند . و باید [آن کارگزار] شتر خسته را استراحت دهد و با شتر مجروح ناتوان مدارا کند و آن ها را بر سرِ آبگیرهایی بَرَد که شتران بر آن می گذرند و از کناره علفزاران حرکت دهد ، نه از راه های خشک . و مدّتی به آن ها استراحت دهد تا آب خورند و بچرند ؛ تا به خواست خدا آن ها را فربه و پرتوان ، و نه خسته و رنجیده ، به ما برساند و ما بر پایه کتاب خدا و سنّت پیامبرش صلی الله علیه و آله آن ها را تقسیم کنیم . اگر چنین کنی ، به خواست خدا ، پاداش تو افزون تر و رستگاری ات نیکوتر خواهد بود .

.

1- .در این جا ، شریف رضی گفته است: «جمله هایی از آن را در این مقال آورده ایم تا از آن ، دانسته شود که امام علیه السلامستون حق را بر پای می داشت و نشانه های دادگری را در کارهای خُرد و کلان و جزئی و کلّی آشکار می فرمود».

ص: 446

. .

ص: 447

. .

عنه عليه السلام فى عَهدِهِ إلى مالِكِ الأَشتَرِ (فى روايه تحف العقول) : فَاجمَع إلَيکَ أهلَ الخَراجِ مِن کُلِّ بُلدانِکَ ، ومُرهُم فَليُعلِموکَ حالَ بِلادِهِم وما فيهِ صَلاحُهُم ورَخاءُ جِبايَتِهِم، ثُمَّ سَل عَمّا يَرفَعُ إلَيکَ أهلُ العِلمِ بِهِ مِن غَيرِهِم ؛ فَإن کانوا شَکَوا ثِقلاً أو عِلَّةً مِن انقِطاعِ شِربٍ أو إحالَهَ أرضٍ اِغتَمَرَها غَرَقٌ أو أجحَفَ بِهِمُ العَطَشُ أو آفَهٌ ، خَفَّفتَ عَنهُم ما تَرجو أن يُصلِحَ اللّهُ بِهِ أمرَهُم ، وإن سَألوا مَعونَهً على إصلاحِ ما يَقدِرونَ عَلَيهِ بِأموالِهِم فَاکفِهِم مَؤونَتَهُ ؛ فَإنَّ فى عاقِبَهِ کِفايَتِکَ إيّاهُم صَلاحاً ، فَلا يَثقُلَنَّ عَلَيکَ شَىءٌ خَفَّفتَ بِهِ عَنهُمُ المَؤوناتِ ؛ فَإنَّهُ ذُخرٌ يَعودونَ بِهِ عَلَيکَ لِعِمارَهِ بِلادِکَ ، وتَزيينِ وِلايَتِکَ ، مَعَ اقتِنائِکَ مَوَدَّتَهُم وحُسنَ نِيّاتِهِم ، وَاستِفاضَهِ الخَيرِ ، وما يُسَهِّلُ اللّهُ بِهِ مِن جَلبِهِم ؛ فَإنَّ الخَراجَ لا يُستَخرَجُ بِالکَدِّ وَالإتعابِ ، مَعَ أنَّها عُقَدٌ تَعتَمِدُ عَلَيها إن حَدَثَ حَدَثٌ کُنتَ عَلَيهِمُ مُعتَمِداً ؛ لِفَضلِ قُوَّتِهِم بِما ذَخَرتَ عَنهُم مِنَ الجَمامِ ، وَالثِّقَهِ مِنهُم بِما عَوَّدتَهُم مِن عَدلِکَ ورِفقِکَ ، ومَعرِفَتِهِم بِعُذرِکَ فى ما حَدَثَ مِنَ الأمرِ الَّذِى اتَّکَلتَ بِهِ عَلَيهِم ، فَاحتَمَلوهُ بِطيبِ أنفُسِهِم ، فَإنَّ العُمرانَ مُحتَمِلٌ ما حَمَّلتَهُ ؛ وإنَّما يُؤتى خَرابُ الأَرضِ لاِءِعوازِ أهلِها ؛ وإنَّما يُعوِزُ أهلَها لاِءِسرافِ الوُلاهِ ، وسوءِ ظَنِّهِم بِالبَقاءِ ، وقِلَّهِ انتِفاعِهِم بِالعِبَرِ . (1)

.

1- .تحف العقول : 137 .

امام علی علیه السلام در عهدنامه اش برای مالک اشتر ، بر پایه روایت تحف العقول : کارگزاران خراج را از همه جای سرزمینت ، نزد خود گرد آور و فرمانشان ده که تو را آگاه کنند که در منطقه ایشان چه می گذرد و صلاح کارشان در چیست و چگونه کار گردآوری خراج آسان می شود . سپس از اموری بازپرس که آگاهان ، جز ایشان ، به تو خبر داده اند . پس اگر [مردم] از گرانباری یا رنجی ، همچون بند آمدن آب ، یا دگرگون شدن زمینی بر اثر آب گرفتگی ، یا سختیِ تشنگی ، ویا آسیب دیگر نزد تو شکوه کردند ، چندان بر ایشان آسان گیر که امید می بَری خداوند با آن ، وضعشان را اصلاح کند ؛ و اگر از تو یاری خواستند تا توان مالی شان در اداره زندگی افزون گردد ، هزینه آن را بپرداز ؛ که اگر آنان را بی نیاز کنی ، فرجامی نیک خواهد داشت . مبادا این آسان گیری ها در تأمین هزینه ایشان ، بر تو گران آید ؛ که این ، ذخیره ای است که آن را با آباد سازی سرزمینت و زیباسازی حکومتت ، به تو باز می گردانند ؛ و نیز دوستی ایشان و نیّت های نیکشان برای تو گرد می آید و [نیز]خیرهای فراوان فراهم می آید و از رهگذر خراجی که جمع می کنند ، خداوند سهولت ها پدید می آوَرد ؛ که همانا خراج با کوشش سخت و در زحمت افکندنِ خود ، فراهم نمی آید . از این گذشته ، بدین سان رشته های اعتماد برایت پدید می آید تا هر گاه رویدادی پیش آید ، به ایشان تکیه کنی ؛ زیرا با این راحت گیری که در حقّشان به جای آورده ای ، نیروی بیش تر می گیرند و با عدل و مدارایی که در رفتار با ایشان ورزیده ای ، به تو اعتماد می یابند و می دانند که اگر کاری پیش آید که آن را بر عهده ایشان نهی ، دلیل و حجّتی داری ؛ و آن گاه ، با خشنودیِ دل و جان ، آن بار را تحمّل می کنند . پس همانا چون آبادنیِ [زمین] حاصل آید ، هر چه بر دوش مردم نهی ، انجام می دهند . و جز این نیست که ویرانی زمین ، نتیجه تنگدستیِ کشاورزان است و کشاورزان هم بدان دلیل فقیر می شوند که حکمرانان زیاده روی می کنند و به ماندگاری خود بدگمانند و از عبرت ها کم سود می جویند .

.

تاريخ دمشق عن عبد الملک بن عمير :حَدَّثَنى رَجُلٌ مِن ثَقيفٍ أنَّ عَلِيّا إستَعمَلَهُ عَلى عُكبَرا قالَ : ولَم يَكُنِ السَّوادُ يَسكُنُهُ المُصَلّونَ فَقالَ لى بَينَ أيديهِم : لَتَستَوفى خَراجَهُم ، ولا يَجِدونَ فيکَ رُخصَةً ، ولا يَجِدونَ فيکَ ضَعفا . ثُمَّ قالَ لى : إذا کانَ عِندَ الظُّهرِ فَرُح إلَىَّ ، فَرُحتُ إلَيهِ ، فَلَم أجِد عَلَيهِ حاجِبا يَحجُبُنى دونَهُ ، وَجَدتُهُ جالِسا وعِندَهُ قَدَحٌ وکوزٌ فيهِ ماءٌ ، فَدَعا مُطَيَّبَهُ ، فَقُلتُ فى نَفسى : لَقَد أمَنَنى حَتّى يُخرِجَ إلَىَّ جَوهَرا إذ لا أدرى ما فيها فَإذا عَلَيها خاتَمٌ ، فَکَسَرَ الخاتَمَ فَإذا فيها سَويقٌ ، فَأخرَجَ مِنهُ وصَبَّ فى القَدَحِ ، فَصَبَّ عَلَيهِ ماءً ، فَشَرِبَ وسَقانى ، فَلَم أصبِر أن قُلتُ لَهُ : يا أميرَ المُؤمِنينَ ، أ تَصنَعُ هذا بِالعِراقِ ؟ ! ! طَعامُ العِراقِ أکثَرُ مِن ذلِکَ ! ! قالَ : أما وَاللّهِ ما أختِمُ عَلَيهِ بُخلاً عَلَيهِ ، ولکِنّى أبتاعُ قَدرَ ما يَکفينى ، فَأخافُ إن نَمى فَيُصنَعُ فيهِ مِن غَيرِهِ ؛ فَإنَّما حِفظى لِذلِکَ ، وأکرَهُ أن اُدخِلَ بَطنى إلاّ طَيِّبا . وإنّى لَم أستَطِع أن أقولَ لَکَ إلاَّ الَّذى قُلتُ لَکَ بَينَ أيديهِم ، إنَّهُم قَومٌ خُدَّعٌ ، ولکِنّى آمُرُکَ الآنَ بِما تَأخُذُهُم بِهِ ، فَإن أنتَ فَعَلتَ وإلاّ أخَذَکَ اللّهُ بِهِ دونى ، فَإن يَبلُغنى عَنکَ خِلافَ ما أمَرتُکَ عَزَلتُکَ ! فَلا تَتَّبِعَنَّ لَهُم رِزقا يَأکُلونَهُ ، ولا کِسوَةَ شِتاءٍ ولا صَيفٍ ، ولا تَضرِبَنَّ رَجُلاً مِنهُم سَوطا فى طَلَبِ دِرهَمٍ ، ولا تُقَبِّحهُ فى طَلَبِ دِرهَمٍ ؛ فَإنّا لَم نُؤمَر بِذلِکَ ، ولا تَبيعَنَّ لَهُم دابَّةً يَعمَلونَ عَلَيها ؛ إنَّما اُمِرنا أن نَأخُذَ مِنهُمُ العَفوَ . قالَ : قُلتُ : إذا أجيؤُکَ کَما ذَهَبتُ ! قالَ : وإن فَعَلتَ . قالَ : فَذَهَبتُ فَتَتَبَّعتُ ما أمَرَنى بِهِ ، فَرَجَعتُ وَاللّهِ ما بَقِىَ عَلَىَّ دِرهَمٌ واحِدٌ إلاّ وَفَيتُهُ . (1)

.

1- .تاريخ دمشق : 42 / 487 ، حليه الأولياء : 1 / 82 وفيه إلى «طيّبا» وراجع السنن الكبرى : 9 / 345 / 18736 و اُسد الغابه : 4 / 98 / 3789 والمعيار والموازنه : 248 و کنز العمّال : 4 / 501 / 11488 و ج 5 / 773 / 14346 والکافى : 3 / 540 / 8 ومن لا يحضره الفقيه : 2 / 24 / 1605 وتهذيب الأحکام : 4 / 98 / 275 وشرح الأخبار : 2 / 364 / 726 .

تاریخ دمشق از عبدالملک بن عمیر :مردی از ثقیف برایم حکایت کرد که علی وی را به کارگزاریِ عُکبَرا گماشت گفت: در آن سرزمین ، مسلمانان ساکن نبودند . [آن کارگزار می گوید :]علی در حضور آنان ، به من فرمود: «خراج ایشان را البتّه می ستانی ، بی آن که اهمال یا ضعفی در تو ببینند» . سپس مرا فرمود: «نیمروز ، نزد من آی!» نیمروز نزد وی رفتم و هیچ پرده داری نیافتم که در حضور من و او فاصله باشد . او را دیدم که نشسته و پیاله ای و کوزه ای آب پیش رو دارد . پس کیسه ای فراپیش کشید ؛ با خود گفتم: «حتما مرا امین شمرده تا گوهری را نشانم دهد!» و این از آن روی بود که نمی دانستم در آن کیسه چیست . پس دیدم که در آن ، مُهری است . مُهر را شکست ؛ در میان آن ، قدری آردِ مخلوط بود . آن آرد مخلوط را برگرفت و در پیاله ریخت ؛ سپس بر آن آب ریخت و خود نوشید و مرا هم نوشاند . کاسه صبرم لبریز شد و گفتم: «ای امیرالمؤمنین! آیا در عراق ، چنین می کنی؟ غذای عراق بیش از این است!» . فرمود: «هلا به خدای سوگند که من به جهت بخل ورزی بر این مُهر نمی کنم ؛ امّا همان مقدار می خرم که مرا کفایت می کند ؛ و بیم دارم که تمام شود ، و غیرِ آن در آن به کار رود . جز این نیست که نگهداری من بدین جهت است و نمی خواهم در اندرون خویش ، جز غذای پاکیزه را راه دهم . مرا یارای آن نبود که جز آن چه را نزد آنان [بنا به مصلحت] به تو گفتم ، با تو واگویم ؛ [زیرا]ایشان قومی فریب پیشه اند . لیکن اکنون تو را فرمان می دهم که از مردم چه بگیری ؛ اگر چنین کنی ، [باکی نیست] ؛ وگرنه ، پیش از من ، خداوند از تو بازخواست می کند . پس هر گاه به من خبر رسد که جز آن چه فرمانت داده ام عمل کرده ای ، تو را برکنار خواهم کرد . و هرگز از ایشان روزی ای را که می خورند ، نخواه و جامه زمستان و تابستانشان را طلب نکن و به هیچ یک از ایشان در طلب درهمی تازیانه مزن و دشنام زشت مده ؛ که ما به چنین کاری فرمان نیافته ایم . هرگز چهارپایی از ایشان را که با آن کار می کنند ، مفروشید ؛ که ما فرمان یافته ایم تا زیاده مال آنان را بگیریم» . گفت : گفتم: «پس همان سان که رفته ام ، باید بازگردم!» فرمود : «[به وظیفه ات عمل کن] هر چند چنین شود!» . گفت: «پس روان شدم و آن چه را فرمانم داد ، پی گرفتم و بازگشتم ، حال آن که به خدای سوگند ، حتّی یک درهم نزد من نماند ، مگر این که آن را بازگرداندم» .

.

الكافى عن مهاجر عن رجل من ثقيف :اِستَعمَلَنى عَلِىُّ بنُ أبى طالِبٍ عليه السلامعَلى بانِقيا وسَوادٍ مِن سَوادِ الكوفَهِ ، فَقالَ لى وَالنّاسُ حُضورٌ : اُنظُر خَراجَکَ فَجِدَّ فِيهِ ولا تَترُک مِنهُ دِرهَما ، فَإذا أرَدتَ أن تَتَوَجَّهَ إلى عَمَلِکَ فَمُرَّ بى . قالَ : فَأتَيتُهُ فَقالَ لى : إنَّ الَّذى سَمِعتَ مِنّى خُدعَهٌ ، إيّاکَ أن تَضرِبَ مُسلِما أو يَهودِيّا أو نَصرانِيّا فى دِرهَمِ خَراجٍ ، أو تَبيعَ دابَّهَ عَمَلٍ فى دِرهَمٍ ، فَإنَّما اُمِرنا أن نَأخُذَ مِنهُمُ العَفوَ . (1)

السنن الكبرى عن عبد الملک بن عمير :أخبَرَنى رَجُلٌ مِن ثَقيفٍ قالَ : اِستَعمَلَنى عَلِىُّ بنُ أبى طالِبٍ رضى الله عنه عَلى بُزُرجَسابورَ ، فَقالَ : لا تَضرِبَنَّ رَجُلاً سَوطا فى جِبايَهِ دِرهَم ، ولا تَبيعَنَّ لَهُم رِزقا ، ولا كِسوَهَ شِتاءٍ ولا صَيفٍ ، ولا دابَّهً يَعتَمِلونَ عَلَيها ، ولا تُقِم رَجُلاً قائِما فى طَلَبِ دِرهَم . قالَ : قُلتُ : يا أميرَ المُؤمِنينَ ، إذَن أرجِعُ إلَيکَ كَما ذَهَبتُ مِن عِندِکَ !قالَ : وإن رَجَعتَ كَما ذَهَبتَ ، وَيحَکَ ! إنَّما اُمِرنا أن نَأخُذَ مِنهُمُ العَفوَ يَعنِى الفَضلَ . (2)

الإمام الكاظم عليه السلام :الأَرَضونَ الَّتى اُخِذَت عَنوَهً بِخَيلٍ ورِجالٍ فَهِىَ مَوقوفَهٌ مَتروكَهٌ فى يَدِ مَن يَعمُرُها ويُحييها ويَقومُ عَلَيها ، عَلى ما يُصالِحُهُمُ الوالى عَلى قَدرِ طاقَتِهِم مِنَ الحَقِّ ؛ النِّصفِ (أ) والثُّلُثِ (أ) والثُّلُثَينِ ، وعَلى قَدرِ ما يَكونُ لَهُم صَلاحا ولا يَضُرُّهُم . (3)

.

1- .الكافى : 3 / 540 / 8 ، من لا يحضره الفقيه : 2 / 24 / 1605 ، تهذيب الأحكام : 4 / 98 / 275 .
2- .السنن الكبرى : 9 / 345 / 18736 ، اُسد الغابه : 4 / 98 / 3789 وفيه «مدرج سابور» بدل «بُزُرْجسابور» ، كنز العمّال : 4 / 501 / 11488 نقلاً عن سنن سعيد بن منصور وفيه «برج سابور» .
3- .الكافى : 1 / 541 / 4 عن حمّاد بن عيسى عن بعض أصحابنا .

الکافی از مهاجر از مردی اهل ثقیف :علیّ بن ابی طالب علیه السلام مرا بر بانقیا و یکی از توابع کوفه گماشت و در حضور مردم به من فرمود: «بر خراجی که باید بستانی ، خوب مراقبت کن و در آن بکوش و از آن درهمی را وامگذار ؛ و آن گاه که خواستی برای مأموریت خویش رهسپار شوی ، نزد من آی!» . گفت: نزد وی رفتم ؛ مرا فرمود: «آن چه از من شنیدی ، سخنی زیرکانه [و به مصلحتِ مکان و حاضران] بود [نه این که بخواهم به آن عمل کنی] ؛ مبادا مسلمان یا یهودی یا مسیحی ای را برای ستاندنِ درهمی خراج ، بزنی یا برای گرفتن درهمی ، چهارپایی را که با آن کار می کنند ، بفروشی ؛ که ما مأموریم تا زیاده مال ایشان را بگیریم» .

السنن الکبری از عبدالملک بن عمیر :مردی از ثقیف مرا خبر داد: علیّ بن ابی طالب علیه السلام مرا بر بزرگْ شاپور گماشت و فرمود: «هرگز برای جمع آوری درهمی ، کسی را به تازیانه مزن و روزیِ افراد ، جامه زمستان و تابستان ، و چهارپایی را که با آن کار می کنند ، مفروش ؛ و کسی را در طلب درهمی بر پای ایستاده نگه مدار!» . گفت: گفتم: «ای امیرالمؤمنین! پس باید همان گونه که از نزدت می روم ، بازگردم!» فرمود: «اگر چنان که رفته ای ، بازگردی ، وای بر تو! جز این نیست که ما مأموریم تا زیاده مالشان را از ایشان بگیریم» .

امام کاظم علیه السلام :زمین هایی که قدرتمندانه و با سپاه سواره و پیاده فراچنگ می آیند ، همواره در دست کسی می مانند که آن را آباد و سرزنده نگاه دارد و در آن کار کند ؛ و به اندازه توانشان ، حکمران از ایشان مالیات می ستانَد ؛ خواه نیم ، خواه یک سوم ، و خواه دو سوم ؛ یعنی به اندازه ای که به صلاح ایشان باشد و زیانشان نرسانَد .

.

6 / 5مُراقَبَهُ السّوقِصحيح البخارى عن ابن عمر :أنَّهُم كانوا يَشتَرونَ الطَّعامَ مِنَ الرُّكبانِ عَلى عَهدِ النَّبِيِّ صلى الله عليه و آله ، فَيَبعَثُ عَلَيهِم مَن يَمنَعُهُم أن يَبيعوهُ حَيثُ اشتَرَوهُ ، حَتّى يَنقُلوهُ حَيثُ يُباعُ الطَّعامُ . (1)

الإمام الباقر عليه السلام :مَرَّ النَّبِيُّ صلى الله عليه و آله فى سوقِ المَدينَهِ بِطَعامٍ فَقالَ لِصاحِبِهِ : ما أرى طَعامَكَ إلاّ طَيِّبا ، وسَأَلَهُ عَن سِعرِهِ ، فَأوحَى اللّهُ عزّ و جل إلَيهِ أن يَدُسَّ يَدَيهِ فِى الطَّعامِ فَفَعَلَ ، فَأخرَجَ طَعاما رَدِيّا ، فَقالَ لِصاحِبِهِ : ما أراكَ إلاّ وقَد جَمَعتَ خِيانَهً وغِشّا لِلمُسلِمينَ . (2)

عنه عليه السلام :كانَ أميرُ المُؤمِنينَ عليه السلام بِالكوفَهِ عِندَكُم يَغتَدى كُلَّ يَومٍ بُكرَهً مِنَ القَصرِ ، فَيَطوفُ فى أسواقِ الكوفَهِ سوقا سوقا ومَعَهُ الدِّرَّهُ عَلى عاتِقِهِ وكانَ لَهَا طَرَفانِ ، وكانَت تُسَمَّى السَّبيبَهَ فَيَقِفُ عَلى أهلِ كُلِّ سوقٍ فَيُنادى: يا مَعشَرَ التُّجّارِ ، اتَّقُوا اللّهَ عز و جل ! فَإذا سَمِعوا صَوتَهُ عليه السلام ألقَوا ما بِأيديهِم ، وأرعَوا إلَيهِ بِقُلوبِهِم ، وسَمِعوا بِآذانِهِم ،فَيَقولُ عليه السلام:قَدِّمُوا الاِستِخارَهَ ،وتَبَرَّكوا بِالسُّهولَهِ ، وَاقتَرِبوا مِنَ المُبتاعينَ ، وتَزَيَّنوا بِالحِلمِ ، وتَناهَوا عَنِ اليَمينِ ، وجانِبُوا الكَذِبَ ، وتَجافَوا عَنِ الظُّلمِ ، وأنصِفُوا المَظلومينَ ، ولا تَقرَبُوا الرِّبا ، وأوفُوا الكَيلَ وَالميزانَ ، ولا تَبخَسُوا النّاسَ أشياءَهُم ، ولا تَعثَوا فِى الأرضِ مُفسِدينَ . فَيَطوفُ عليه السلام فى جَميعِ أسواقِ الكوفَهِ ، ثُمَّ يَرجِعُ فَيَقعُدُ لِلنّاسِ . (3)

.

1- .صحيح البخارى: 2/747/2017 ، صحيح مسلم : 3/1160 / 33 ، سنن أبى داود: 3/281/3493 ، مسند ابن حنبل : 2 / 449 / 5931 كلّها نحوه .
2- .الكافى : 5 / 161 / 7 ، تهذيب الأحكام : 7 / 13 / 55 كلاهما عن سعد الإسكاف ، بحار الأنوار : 22 / 86 / 37 .
3- .الكافى : 5 / 151 / 3 ، تهذيب الأحكام : 7 / 6 / 17 ، الأمالى للمفيد : 197 / 31 كلّها عن جابر ، من لا يحضره الفقيه : 3 / 193 / 3726 ، الأمالى للصدوق : 587 / 809 ، تحف العقول : 216 ، السرائر : 2 / 230 و الخمسه الأخيره نحوه ، بحار الأنوار : 103 / 94 / 10 .

6 / 5نظارت بر بازارصحیح البخاری از ابن عمر :در زمان پیامبر صلی الله علیه و آله ، خوراک را از کاروانیان می خریدند ، از این رو ، پیامبر صلی الله علیه و آله کسی را می فرستاد تا ایشان را از فروش آن در همان محل خرید و به بازار نیاورده جلو گیرد . (1)

امام باقر علیه السلام :در بازار مدینه ، پیامبر صلی الله علیه و آله بر بساطِ خوراکی برگذشت و به صاحب آن گفت: «خوراکت یکسره خوب است» . سپس از وی درباره قیمتش سؤال کرد . آن گاه خداوند به وی وحی فرمود که دستانش را در آن خوراک فرو بَرَد ؛ و او چنین کرد و خوراکی پَست بیرون کشید . پس به صاحب خوراک فرمود: «جز خیانت و فریب برای مسلمانان ، چیزی فراهم نیاورده ای !»

امام باقر علیه السلام :امیرالمؤمنین علیه السلام در کوفه و نزد شما [مردم] هر روز بامدادان از امارتگاه برون آمده ، بازار کوفه را بازارچه به بازارچه می گشت ، حال آن که تازیانه ای دو سویه با نام سَبیبه بر دوش می افکند و بر سر هر بازارچه می ایستاد و ندا در می داد: «ای گروه بازرگانان ! خدای را پروا کنید» . آن گاه که بانگش را می شنیدند ، هر آن چه را در دست داشتند ، فرو می گذاشتند و با دل های خویش به وی گوش می سپردند و با گوش هاشان سخنش را می شنیدند . امام می فرمود: «نخست از خدا خیر بخواهید ؛ سپس با آسان گیری [بر مردم] به برکت روی آورید ؛ خود را به خریداران نزدیک [و ایشان را جذب]کنید ؛ با مُدارا زینت یابید ؛ از سوگندخوری بپرهیزید ؛ از ناراستی دوری کنید ؛ از ستم ورزی کناره گیرید ؛ دادِ ستمدیدگان را بدهید ؛ به ربا نزدیک نشوید ؛ پیمانه و ترازو را تمام دهید ؛ از مردم کالاهاشان را مکاهید [کم فروشی نکنید] و در زمین به تباهکاری مپویید» . آن گاه ، در همه بازارچه های کوفه می گشت و سپس بازگشته ، در میان مردم جلوس می فرمود .

.

1- .آن گونه که از احادیث دیگر معلوم می شود ، نهی پیامبر صلی الله علیه و آله به جهت گزافه بودن این خرید و فروش ها بوده است که هنوز

مال را تحویل نگرفته ، به دیگری می فروختند .

الإمام الحسين عليه السلام :إنَّ عَلِيَّ بنَ أبى طالِبٍ عليه السلام رَكِبَ بَغلَةَ رَسولِ اللّهِ صلى الله عليه و آلهالشَّهباءَ بِالكوفَهِ فَأتى سوقا سوقا ، فَأتى طاقَ اللَّحّامينَ ، فَقالَ بِأعلى صَوتِهِ : يا مَعشَرَ القَصّابينَ ، لا تَنخَعوا ولا تَعجَلُوا الأَنفُسَ حَتّى تَزهَقَ ، وإيّاكُم وَالنَّفخَ فِى اللَّحمِ لِلبَيعِ ! فَإنّى سَمِعتُ رَسولَ اللّهِ صلى الله عليه و آله يَنهى عَن ذلِكَ . ثُمَّ أتَى التَّمّارينَ فَقالَ : أظهِروا مِن رَدىءِ بَيعِكُم ما تُظهِرونَ مِن جَيِّدِهِ . ثُمَّ أتَى السَّمّاكينَ فَقالَ : لا تَبيعونَ إلاّ طَيِّبا ، وإيّاكُم وما حلَفا (طَفا) ! ثُمَّ أتَى الكُناسَهَ فَإذا فيها أنواعُ التِّجارَهِ : مِن نَحّاسٍ ، ومِن مائِعٍ ، ومِن قَمّاطٍ ، ومِن بائِعِ إبَرٍ ، ومِن صَيرَفِىٍّ ، ومِن حَنّاطٍ ، ومِن بَزّازٍ ؛ فَنادى بِأعلى صَوتِهِ : إنَّ أسواقَكُم هذِهِ يَحضُرُهَا الأيمانُ ، فَشوبوا أيمانَكُم بِالصَّدَقَهِ ، وكُفّوا عَنِ الحَلفِ ؛ فَإنَّ اللّهَ عز و جل لا يُقَدِّسُ مَن حَلَفَ بِاسمِهِ كاذِبا . (1)

الإمام علىّ عليه السلام فى كِتابِهِ إلَى الأَشتَرِ النَّخَعِىِّ : وَليَكُنِ البَيعُ بَيعا سَمحا ، بِمَوازينِ عَدلٍ ، وأسعارٍ لا تُجحِفُ بِالفَريقَينِ ؛ مِنَ البائِعِ وَالمُبتاعِ . (2)

.

1- .الجعفريّات : 238 ، دعائم الإسلام : 2 / 538 / 1913 نحوه .
2- .نهج البلاغه : الكتاب 53 ، تحف العقول : 140 ، بحار الأنوار : 77 / 256 وج 103 / 88 / 9 .

امام حسین علیه السلام :علیّ بن ابی طالب بر اَستری خاکستری رنگ که از آنِ رسول خدا صلی الله علیه و آله بود ، سوار شد و در کوفه بازارچه به بازارچه پیش آمد . به راسته گوشت فروشان درآمد و با رساترین بانگش ندا داد: «ای گروه قصّابان ! به هنگام ذبح ، کارد را به نخاع حیوان نرسانید و شتاب نورزید تا جان از تنِ حیوان بیرون شود . مبادا برای فروش ، در گوشت بدمید [تا خریدار را جَلب کند] ؛ که من ، خود ، از رسول خدا صلی الله علیه و آله‌شنیدم که این کار را نهی می فرمود» . سپس به سرای خرمافروشان درآمد و فرمود: «همان سان که کالای نیکوتان را آشکار می کنید ، جنس پَست را هم در معرض نهید» . آن گاه ، به راسته ماهی فروشان آمد و فرمود: «جز ماهی تازه و نیکو مفروشید و از فروش ماهیِ در آب مرده بپرهیزید !» از آن پس ، به منطقه کُناسه درآمد که فروشندگان گوناگون در آن بودند ، همچون: مسگر ، روغن فروش ، زنجیر فروش ، سوزن فروش ، صَرّاف ، گندم فروش ، و پارچه فروش . پس به رساترین بانگش ندا در داد : «این بازارهای شما مکانِ سوگندهایند ؛ پس سوگندهاتان را با صدقه همراه کنید و از قسم خوردنِ [ناراست]بپرهیزید ؛ که همانا خداوند ، پاک نمی شمارد کسی را که به نام وی قسمِ ناراست یاد کند» .

امام علی علیه السلام در نامه اش به اشتر نخعی : و باید خرید و فروش آمیخته به مدارا و بر پایه معیارهای عادلانه و با قیمت هایی باشد که نه به فروشنده ستمی روا شود و نه به خریدار .

.

تاريخ دمشق عن أبى سعيد :كانَ عَلِىٌّ يَأتِي السّوقَ فَيَقولُ : يا أهلَ السّوقِ ، اتَّقُوا اللّهَ ، وإيّاكُم وَالحَلفَ ! فَإِنَّ الحَلفَ يُنَفِّقُ السِّلعَةَ ، ويَمحَقُ البَرَكَةَ . وإنَّ التّاجِرَ فاجِرٌ إلاّ مَن أخَذَ الحَقَّ ، وأعطَى الحَقَّ . وَالسَّلامُ عَلَيكُم . (1)

ربيع الأبرار :كانَ عَلِىٌّ عليه السلام يَمُرُّ فِى السّوقِ عَلَى الباعَةِ ، فَيَقولُ لَهُم : أحسِنوا ، أرخِصوا بَيعَكُم عَلَى المُسلِمينَ ؛ فَإِنَّهُ أعظَمُ لِلبَرَكَةِ . (2)

تاريخ دمشق عن زاذان :إنَّهُ [أى عَلِيّا عليه السلام] كانَ يَمشى فِى الأَسواقِ وَحدَهُ وهُوَ والٍ ؛ يُرشِدُ الضّالَّ ، ويُعينُ الضَّعيفَ ، ويَمُرُّ بِالبَيّاعِ وَالبَقّالِ فَيَفتَحُ عَلَيهِ القُرآنَ ، وقَرَأَ : «تِلْكَ الدَّارُ الْأَخِرَهُ نَجْعَلُهَا لِلَّذِينَ لاَ يُرِيدُونَ عُلُوًّا فِى الْأَرْضِ وَ لاَ فَسَادًا ، (3) » فَقالَ : نَزَلَت هذِهِ فى أهلِ العَدلِ وَالتَّواضُعِ مِنَ الوُلاةِ ، وأهلِ القُدرَةِ مِن سائِرِ النّاسِ . (4)

فضائل الصحابه عن أبى الصّهباء :رَأَيتُ عَلِىَّ بنَ أبى طالِبٍ بِشَطِّ الكَلاّءِ يَسأَلُ عَنِ الأَسعارِ . (5)

الطبقات الكبرى عن جرموز :رَأَيتُ عَلِيّا وهُوَ يَخرُجُ مِنَ القَصرِ وعَلَيهِ قِطرِيَّتانِ : إزارٌ إلى نِصفِ السّاقِ ، ورِداءٌ مُشَمَّرٌ قَريبٌ مِنهُ ، ومَعَهُ دِرَّهٌ لَهُ يَمشى بِها فِى الأَسواقِ ، ويَأمُرُهُم بِتَقوَى اللّهِ وحُسنِ البَيعِ ، ويَقولُ : أوفُوا الكَيلَ وَالميزانَ ، ويَقولُ : لا تَنفُخُوا اللَّحمَ . (6)

.

1- .تاريخ دمشق : 42 / 409 ، المصنّف لابن أبى شيبه : 5 / 260 / 4 عن زاذان نحوه وفيه إلى «البركه» ؛ الغارات : 1 / 110 .
2- .ربيع الأبرار : 4 / 154 .
3- .القصص : 83 .
4- .تاريخ دمشق : 42 / 489 ، البدايه والنهايه : 8 / 5 ؛ المناقب لابن شهرآشوب : 2 / 104 نحوه وفيه إلى نهايه الآيه ، مجمع البيان : 7 / 420 وراجع فضائل الصحابه لابن حنبل : 2 / 621 / 1064 .
5- .فضائل الصحابه لابن حنبل : 1 / 547 / 919 ، ذخائر العقبى : 192 .
6- .الطبقات الكبرى : 3 / 28 ، تاريخ دمشق : 42 / 484 ، تاريخ الإسلام للذهبى : 3 / 645 ؛ شرح الأخبار : 2 / 364 / 725 نحوه .

تاریخ دمشق از ابوسعید:علی به بازار درمی آمد و می فرمود: «ای بازاریان ! از خدا پروا کنید و از سوگند خوردن بپرهیزید ؛ که سوگند کالا را رواج و رونق می دهد وَ[لی]برکت را از میان می برد . همانا بازرگان بدکار است ، مگر آن کس که حق را بستاند و حق را عطا کند ؛ والسّلام علیکم !»

ربیع الابرار :علی علیه السلام در بازار بر فروشندگان برمی گذشت و به آنان می فرمود : «نیکی ورزید ؛ کالای خود را بر مسلمانان ارزان گیرید ؛ که این مایه افزایش برکت است» .

تاریخ دمشق از زاذان :علی علیه السلام در آن هنگام که حاکم بود ، به تنهایی در بازارها قدم می زد ؛ گمشده را راه می نمود ؛ ناتوان را یاری می کرد ؛ و به فروشنده و سبزی فروش برمی گذشت و بر وی قرآن می گشود و می خواند: «این سرای واپسین را برای کسانی ساخته ایم که در زمین برتری و تباهی نخواهند» . آن گاه می فرمود: «این آیه درباره حاکمان و قدرتمندانِ دادگر و فروتن نازل شده است» .

فضائل الصّحابه از ابوالصّهباء :علی بن ابی طالب را در لنگرگاه دیدم که از قیمت ها باز می پرسید .

الطّبقات الکبری از جرموز :علی را دیدم که از امارتگاه بیرون آمد ، حال آن که دو پارچه راه راه بر تن داشت: لُنگی تا نیمه ساق پا و بالاپوشی که آن را به کمر زده و به خویش چسبانده بود ؛ و تازیانه ای با خود داشت که با آن در بازارها قدم می زد و کاسبان را به پرهیز از خدا و داد و ستد نیکو فرمان می داد و می فرمود: «پیمانه و ترازو را درست و تمام نهید» و نیز می فرمود: «در گوشت ندمید !» .

.

مكارم الأخلاق عن وشيكه :رَأَيتُ عَلِيّا عليه السلامیَتَّزِرُ فَوقَ سُرَّتِهِ ، ویَرفَعُ إزارَهُ إلی أنصافِ ساقَیهِ ، وبِیَدِهِ دِرَّهٌ ، یَدورُ فِی السّوقِ یَقولُ: اِتَّقُوا اللّهَ وأوفُوا الکَیلَ ؛ کَأَنَّهُ مُعَلِّمُ صِبیانٍ . (1)

مکارم الأخلاق عن عبد اللّه بن عبّاس :لَمّا رَجَعَ [ابنُ عَبّاسٍ] مِنَ البَصرَهِ وحَمَلَ المالَ ودَخَلَ الکوفَهَ ، وَجَدَ أمیرَ المُؤمِنینَ علیه السلام قائِما فِی السّوقِ وهُوَ یُنادی بِنَفسِهِ : مَعاشِرَ النّاسِ ، مَن أصَبناهُ بَعدَ یَومِنا هذا یَبیعُ الجِرِّیَّ وَالطّافِیَ وَالمارماهیَ عَلَوناهُ بِدِرَّتِنا هذِهِ وکانَ یُقالُ لِدِرَّتِهِ : السِّبتِیَّهُ . قالَ ابنُ عَبّاسٍ : فَسَلَّمتُ عَلَیهِ ، فَرَدَّ عَلَیَّ السَّلامَ ، ثُمَّ قالَ : یَابنَ عَبّاسٍ ، ما فَعَلَ المالَ ؟ فَقُلتُ : ها هُوَ یا أمیرَ المُؤمِنینَ ، وحَمَلتُهُ إلَیهِ ، فَقَرَّبَنی ورَحَّبَ بی . ثُمَّ أتاهُ مُنادٍ ومَعَهُ سَیفُهُ یُنادی عَلَیهِ بِسَبعَهِ دَراهِمَ ، فَقالَ : لَو کانَ لی فی بَیتِ مالِ المُسلِمینَ ثَمَنُ سِواکِ أراکِ ما بِعتُهُ ، فَباعَهُ وَاشتَری قَمیصا بِأربَعَهِ دَراهِمَ لَهُ ، وتَصَدَّقَ بِدِرهَمَینِ ، وأضافَنی بِدِرهَمٍ ثَلاثَهَ أیّامٍ . (2)

فضائل الصحابه عن أبی مطر البصریّ :أنَّهُ شَهِدَ عَلِیّا أتی أصحابَ التَّمرِ وجارِیَهٌ تَبکی عِندَ التَّمّارِ ، فَقالَ : ما شَأنُکِ ؟ قالَت : باعَنی تَمرا بِدِرهَمٍ ، فَرَدَّهُ مَولایَ فَأبی أن یَقبَلَهُ . قالَ : یا صاحِبَ التَّمرِ ، خُذ تَمرَکَ وأعطِها دِرهَمَها ؛ فَإِنَّها خادِمٌ ولَیسَ لَها أمرٌ ، فَدَفَعَ عَلِیّا ، فَقالَ لَهُ المُسلِمونَ : تَدری مَن دَفَعتَ ؟ ! قالَ : لا ، قالوا : أمیرَ المُؤمِنینَ ! فَصَبَّ تَمرَها ، وأعطاها دِرهَمَها . قالَ : اُحِبُّ أن تَرضی عَنّی ، قالَ : ما أرضانی عَنکَ إذا أوفَیتَ النّاسَ حُقوقَهُم ! (3)

.

1- .مکارم الأخلاق : 1 / 247 / 732 ، بحار الأنوار : 79 / 310 / 14 .
2- .مکارم الأخلاق : 1 / 249 / 740 .
3- .فضائل الصحابه لابن حنبل : 2 / 621 / 1062 ، ربیع الأبرار : 4 / 153 نحوه وراجع المناقب للکوفی : 2 / 60 / 547 .

مکارم الأخلاق از وشیکه :علی را دیدم که از بالای نافش لنگی بربسته ، آن را تا نیمه ساق پایش کشیده ، در دست تازیانه ای برگرفته ، در بازار می گشت و می فرمود: «خدای را پروا کنید و پیمانه را تمام نهید» ؛ گویی مشغول آموزشِ کودکان بود .

مکارم الأخلاق از عبداللّه بن عبّاس :آن گاه که ابن عبّاس از بصره بازگشت و همراهِ مال ، به کوفه درآمد ، امیرالمؤمنین علیه السلام را دید که در بازار ایستاده ، ندا برآورده است: «ای مردم! از امروز به بعد ، هر کس را بیابیم که ماهی سلوری بی فَلس ، ماهی در آب مرده ، و مارماهی بفروشد ، با این تازیانه نام تازیانه اش سِبتِیَّه بود مجازات می کنیم» . ابن عبّاس می گوید: «امام را سلام گفتم ؛ پاسخم داد و فرمود: ابن عبّاس! مال چه شد؟ گفتم: همین جا است ، ای امیرالمؤمنین! سپس مال را نزد وی بردم ؛ مرا نزدیک خواند و مرحبایم گفت . آن گاه ، کسی آمد که شمشیر وی را همراه داشت و قیمت آن را هفت درهم اعلان می کرد . امام فرمود: «اگر مرا از بیت المال مسلمانان ، حتّی به اندازه بهای درخت مسواکی سهم بود ، شمشیرم را نمی فروختم!» پس آن را فروخت و برای خود پیراهنی به چهار درهم خرید و دو درهم را صدقه داد و مرا تا سه روز با یک درهم میهمان فرمود» .

فضائل الصّحابه از ابومطر بصری :وی گواه بوده است که علی به سرای خرمافروشان رفت و کنیزی را دید که نزد خرمافروشی می گرید . فرمود: «تو را چه شده است؟» گفت: «او قدری خرما به بهای یک درهم به من فروخت ؛ امّا صاحب من آن را بازگرداند ، و اینک وی آن را بازپس نمی گیرد» . امام فرمود : «ای صاحب خرما! خرمایت را بگیر و درهم وی را به او بازپس ده ؛ که او خدمتکار است و خود اختیاری ندارد» . وی علی را بازپس زد . مسلمانان به او گفتند: «می دانی که را باز پس زدی؟» گفت «نه!» گفتند : «او امیرالمؤمنین است» . وی خرمای آن کنیز را بازستاند و درهمش را بازپس داد . [آن گاه ، به امام] گفت: «دوست می دارم که از من خشنود باشی» . فرمود : «هر گاه حقوق مردم را ادا کنی ، چه بسیار از تو خشنود می شوم!»

.

مكارم الأخلاق عن مختار التمّار :كُنتُ أبيتُ فى مَسجِدِ الكوفَهِ ، وأنزِلُ فى الرَّحبَهِ ، وآكُلُ الخُبزَ مِنَ البَقّالِ وكانَ مِن أهلِ البَصرَهِ فَخَرَجتُ ذاتَ يَومٍ ، فَإِذا رَجُلٌ يُصَوِّتُ بى : اِرفَع إزارَكَ ؛ فَإِنَّهُ أنقى لِثَوبِكَ ، وأتقى لِرَبِّكَ . فَقُلتُ : مَن هذا ؟ فَقيلَ : عَلِيُّ بنُ أبى طالِبٍ . فَخَرَجتُ أتبَعُهُ وهُوَ مُتَوَجِّهٌ إلى سوقِ الإبِلِ ، فَلَمّا أتاها وَقَفَ وقالَ : يا مَعشَرَ التُّجّارِ ، إيّاكُم وَاليَمينَ الفاجِرَهَ ! فَإِنَّها تُنَفِّقُ السِّلعَهَ ، وتَمحَقُ البَرَكَهَ . ثُمَّ مَضَى حَتّى أتى إلَى التَّمّارينَ ، فَإِذا جارِيَهٌ تَبكى عَلى تَمّارٍ ، فَقالَ : ما لَكِ ؟ قالَت : إنّى أمَهٌ ، أرسَلَنى أهلى أبتاعُ لَهُم بِدِرهَمٍ تَمرا ، فَلَمّا أتَيتُهُم بِهِ لَم يَرضَوهُ ، فَرَدَدتُهُ فَأبى أن يَقبَلَهُ . فَقالَ : يا هذا ، خُذ مِنهَا التَّمرَ ورُدَّ عَلَيها دِرهَمَها ، فأبى ، فَقيلَ لِلتَّمّارِ : هذا عَلِيُّ بنُ أبى طالِبٍ ! فَقَبِلَ التَّمرَ ، ورَدَّ الدِّرهَمَ عَلَى الجارِيَهِ ، وقالَ : ما عَرَفتُكَ يا أميرَ المُؤمِنينَ ، فَاغفِر لى . فَقالَ : يا مَعشَرَ التُّجّارِ ، اِتَّقُوا اللّهَ ، وأحسِنوا مُبايَعَتَكُم ، يَغفِرِ اللّهُ لَنا ولَكُم . ثُمَّ مَضى ، وأقبَلَتِ السَّماءُ بِالمَطَرِ ، فَدَنا إلى حانوتٍ ، فَاستَأذَنَ ، فَلَم يَأذَن لَهُ صاحِبُ الحانوتِ ودَفَعَهُ ، فَقالَ : يا قَنبَرُ ، أخرِجهُ إلَىَّ ، فَعَلاهُ بِالدِّرَّهِ ، ثُمَّ قالَ : ما ضَرَبتُكَ لِدَفعِكَ إيّاىَ ، ولكِنّى ضَرَبتُكَ لِئَلاّ تَدفَعَ مُسلِما ضَعيفا فَتَكسِرَ بَعضَ أعضائِهِ فَيَلزَمَكَ . ثُمَّ مَضى حَتّى أتى سوقَ الكَرابيسِ ، فَإِذا هُوَ بِرَجُلٍ وَسيمٍ ، فَقالَ : يا هذا ، عِندَكَ ثَوبانِ بِخَمسَهِ دَراهِمَ ؟ فَوَثَبَ الرَّجُلُ فَقالَ : يا أميرَ المُؤمِنينَ ، عِندى حاجَتُكَ . فَلَمّا عَرَفَهُ مَضى عَنهُ ، فَوَقَفَ عَلى غُلامٍ فَقالَ : يا غُلامُ ، عِندَكَ ثَوبانِ بِخَمسَهِ دَراهِمَ ؟ قالَ : نَعَم عِندى ، فَأَخَذَ ثَوبَينِ ؛ أحَدُهُما بِثَلاثَهِ دَراهِمَ ، وَالآخَرُ بِدِرهَمَينِ ، فَقالَ : يا قَنبَرُ ، خُذِ الّذى بِثَلاثَهٍ ، فَقالَ : أنتَ أولى بِهِ ؛ تَصعَدُ المِنبَرَ ، وتَخطُبُ النّاسَ . قالَ : وأنتَ شابٌّ ولَكَ شَرَهُ الشَّبابِ ، وأنَا أستَحيى مِن رَبّى أن أتَفَضَّلَ عَلَيكَ ؛ سَمِعتُ رَسولَ اللّهِ صلى الله عليه و آله يَقولُ : ألبِسوهُم مِمّا تَلبَسونَ ، وَأطعِموهُم مِمّا تَطعَمونَ . فَلَمّا لَبِسَ القَميصَ مَدَّ يَدَهُ فى ذلِكَ ، فَإِذا هُوَ يَفضُلُ عَن أصابِعِهِ ، فَقالَ : اِقطَع هذَا الفَضلَ ، فَقَطَعَهُ ، فَقالَ الغُلامُ : هَلُمَّ أكُفَّهُ ، قالَ : دَعهُ كَما هُوَ ؛ فَإِنَّ الأمرَ أسرَعُ مِن ذلِكَ . (1)

.

1- .مكارم الأخلاق : 1 / 224 / 659 وراجع الغارات : 1 / 105 والمناقب للكوفى : 2 / 602 / 1103 وفضائل الصحابه لابن حنبل : 1 / 528 / 878 والمنتخب من مسند عبد بن حميد : 62 / 96 وتاريخ دمشق : 42 / 485 و

صفه الصفوه : 1 / 134 و المناقب للخوارزمى: 121 / 136 والبدايه والنهايه: 8 / 4 .

مکارم الأخلاق از مختار تمّار :من در مسجد کوفه می خوابیدم و در پیش خانِ مسجد سکونت داشتم و از بقّالی که اهل بصره بود ، نان می ستاندم . روزی بیرون شدم و دیدم که مردی مرا می خوانَد : «لُنگ خود را بالا بگیر تا هم لباست پاکیزه تر مانَد و هم تقوای پروردگارت را بیش تر مراعات کنی» . گفتم: «کیستی؟» فرمود: «علیّ بن ابی طالب!» . پس پشت سر او روان شدم ، که به سوی بازار شترفروشان می رفت . وقتی به آن جا رسید ، ایستاد و فرمود: «ای بازرگانان! از سوگند ناروا بپرهیزید ؛ که آن ، کالا را رونق می دهد وَ[لی] برکت را از میان می بَرَد» . سپس حرکت کرد تا به خرمافروشان رسید . در آن جا ، کنیزی را دیدکه نزد خرمافروشی می گرید . فرمود: «تو را چه شده است؟» گفت: «من کنیزی هستم که خانواده ام مرا فرستادند تا به یک درهم ، برایشان خرما بخرم . وقتی آن را نزدشان بردم ، نپسندیدند . آن را باز آورده ام ، ولی خرمافروش آن را باز نمی ستانَد» . امام فرمود: «ای مرد! خرما را از او بستان و درهمش را به وی بازپس ده!» خرما فروش نپذیرفت . به او گفته شد : «او علیّ بن ابی طالب است» . پس خرما را پذیرفت و درهم را به جاریه بازگرداند و گفت: «ای امیرالمؤمنین! تو را نشناختم ؛ پس از من درگذر!» فرمود : «ای بازرگانان! تقوای خدا را پیشه کنید و خرید و فروش هاتان را نیکو گردانید ، تا خداوند ما و شما را بیامرزد» . آن گاه روان شد و آسمان نیز باران فرو فرستاد . پس به دکّانی نزدیک شد و اجازه ورود خواست . صاحب دکّان به وی اجازه نداد و او را عقب راند . فرمود: «ای قنبر! او را نزد من بیاور» . امام او را با تازیانه زد و فرمود: «به سبب آن که مرا عقب راندی ، تو را نزدم ؛ بلکه تو را زدم تا مبادا مسلمان ناتوانی را عقب رانی و یکی از اندام هایش را بشکنی و دیه اش بر عهده تو افتد» . سپس به سرای جامه فروشان روان شد و نزد مردی زیباروی آمد و فرمود: «ای مرد! آیا دو جامه به پنج درهم داری؟» مرد از جای برخاست و گفت: «ای امیرالمؤمنین! آن چه می خواهی ،نزد من است» . امام چون دید که فروشنده وی را شناخته ، از او دور شد . سپس به پسری نوجوان رسید و فرمود: «ای نوجوان! آیا دو جامه به پنج درهم داری؟» گفت: «آری ؛ دارم» . امام دو جامه ستاند ، یکی به سه درهم و دیگری به دو درهم . آن گاه ، فرمود: «ای قنبر! جامه سه درهمی را تو بستان!» قنبر گفت: «شما به داشتنِ آن سزاوارترید ؛ چرا که بر منبر فرا می شوید و با مردم سخن می گویید» . امام فرمود : «وَ[لی]تو جوانی و دارای میل جوانی هستی . من از پروردگار خویش شرم دارم که از تو زیادت طلبم . از پیامبر خدا صلی

الله علیه و آله شنیدم که می فرمود: [زیردستانتان] را از آن چه خود می پوشید ، بپوشانید و از آن چه خود می خورید ، بخورانید» . پس چون پیراهن را پوشید ، آستین آن برایش بلند بود و از انگشتانش درگذشت . فرمود: «زیاده آن را ببُر» نوجوان آن را برید و گفت: «بیا تا لبه هایش را بدوزم» . فرمود: «به همین حال ، رهایش کن ؛ زیرا مرگ آن قدر زود می رسد که نیازی به این کار نیست !» .

.

تاريخ الطبريّ عن يزيد بن عديّ بن عثمان :رَأَيتُ عَلِيّا عليه السلامخارِجا مِن هَمدانَ ، فَرَأى فِئَتَينِ يَقتَتِلانِ ، فَفَرَّقَ بَينَهُما ، ثُمَّ مَضى ، فَسَمِعَ صَوتا : يا غَوثا بِاللّهِ ! فَخَرَجَ يُحضِرُ نَحوَهُ حَتّى سَمِعتُ خَفقَ نَعلِهِ وهُوَ يَقولُ : أتاكَ الغَوثُ ، فَإِذا رَجُلٌ يُلازِمُ رَجُلاً ، فَقالَ : يا أميرَ المُؤمِنينَ ، بِعتُ هذا ثَوبا بِتِسعَهِ دَراهِمَ ، وشَرَطتُ عَلَيهِ أن لا يُعطِيَنى مَغموزا ولا مَقطوعا وكانَ شَرطَهُم يَومَئِذٍ فَأَتَيتُهُ بِهذِهِ الدَّراهِمِ لِيُبدِلَها لِى فَأبى ، فَلَزِمتُهُ فَلَطَمَنى . فَقالَ : أبدِلهُ ، فَقالَ : بَيِّنَتَکَ عَلَى اللَّطمَهِ ؟ فَأَتاهُ بِالبَيِّنَهِ ؛ فَأَقعَدَهُ ، ثُمَّ قالَ : دونَکَ فَاقتَصَّ ! فَقالَ : إنّى قَد عَفَوتُ يا أميرَ المُؤمِنينَ . قالَ : إنَّما أرَدتُ أن أحتاطَ فى حَقِّکَ ، ثُمَّ ضَرَبَ الرَّجُلَ تِسعَ دِرّاتٍ ، وقالَ : هذا حَقُّ السُّلطانِ . (1)

.

1- .تاريخ الطبرى : 5 / 156 ، الكامل فى التاريخ : 2 / 442 نحوه وفيه «رجلين» بدل «فئتين» .

تاریخ طبری از یزید بن عدی بن عثمان :علی علیه السلام را بیرونِ هَمدان دیدم که چون دو گروه درگیر را دید ، ایشان را از هم جدا کرد و سپس روانه شد تا صدایی شنید: «برای خدا ، به یاری ام آیید!» پس به سوی آن شتافت به گونه ای که صدای کفش وی را می شنیدم ، در حالی که می فرمود: «یاری رسان تو آمد!» پس مردی را دید که با مردی دیگر درآویخته است . وی گفت: «ای امیرالمؤمنین! به این مرد جامه ای به نُه درهم فروختم و با وی شرط کردم که پول معیوب و تکّه شده به من ندهد و آن روزگار ، چنین شرطی می کردند . اکنون این درهم ها را بازآورده ام تا عوض کند و او سرباز می زند . پس با وی درآویختم و او به من سیلی نواخت» . امام فرمود : «درهم ها را برای وی عوض کن!» سپس به آن مرد فرمود: «نشان سیلی کو؟» مرد ، نشان را به وی نمایاند . امام او را نشاند و فرمود : «قصاص خود را از او بستان!» گفت: «ای امیرالمؤمنین! از او درگذشتم» . فرمود: «همانا من می خواستم در حقّ تو احتیاط ورزم» . سپس نُه تازیانه بر آن مرد نواخت و فرمود : «این ، حقّ حاکم است» .

.

انظر : (مستدرک الوسائل : 13 / 247، أبواب آداب التجاره، الباب 24) .

6 / 6ما يَجِبُ فى إنفاقِ الأَموالِ العامَّهِ6 / 6 1القَسمُ بِالسَّوِيَّهِالإمامِ علىّ عليه السلام مِن خُطبَهٍ لَهُ عِندَما عُوتِبَ عَلَى التَّسويَهِ فِى الفَىءِ : فَأَمّا هذَا الفَىءُ فَلَيسَ لِأَحَدٍ فيهِ عَلى أَحَدٍ اُثرَهٌ ، قَد فَرَغَ اللّهُ عز و جل مِن قَسمِهِ ، فَهُوَ مالُ اللّهِ ، وأَنتُم عِبادُ اللّهِ المُسلِمونَ ، وهذا كِتابُ اللّهِ ، بِهِ أقرَرنا ، وعَلَيهِ شَهِدنا ، ولَهُ أسلَمنا ، وعَهدُ نَبِيِّنا بَينَ أظهُرِنا ، فَسَلِّموا رَحِمَكُمُ اللّهُ! فَمَن لَم يَرضَ بِهذا فَليَتَوَلَّ كَيفَ شاءَ . (1)

عنه عليه السلام مِن كِتابِهِ إلى مَصقَلَهَ بنِ هُبَيرَهَ الشَّيبانِىِّ وهُوَ عامِلُهُ عَلى أردَشيرخُرَّهَ : ألا وإنَّ حَقَّ مَن قِبَلَکَ وقِبَلَنا مِنَ المُسلِمينَ فى قِسمَهِ هذَا الفَىءِ سَواءٌ ، يَرِدونَ عِندى عَلَيهِ ويَصدُرونَ عَنهُ . (2)

.

1- .تحف العقول: 184 ؛ المعيار والموازنه : 112 وفيه «فليتبوّأ» بدل «فليتولّ» ، شرح نهج البلاغه : 7 / 40 .
2- .نهج البلاغه : الكتاب 43 ، بحار الأنوار : 33 / 516 / 712 .

6 / 6 آن چه در هزینه کردن اموال عمومی واجب است

6 / 6 1 تقسیمِ برابر

ر . ک : (مستدرک الوسائل: 13 / 247 ، ابواب آداب التّجاره ، باب 24).

6 / 6آن چه در هزینه کردن اموال عمومی واجب است6 / 6 - 1تقسیمِ برابرامام علی علیه السلام از خطبه وی ، آن گاه که به دلیل برابر تقسیم کردن غنائم ، سرزنش شده بود : و امّا این غنیمت ، هیچ کس را در آن بر دیگری برتری نیست . خداوند آن را [میان بندگان] تقسیم فرموده و مال ، از آنِ او است . شما هم بندگان خدایید و مسلمانید ؛ و این ، کتاب خدا است که به آن باور داریم و بر آن گواهی داده ایم و با آن اسلام آورده ایم . سنّت پیامبرمان نیز پشتوانه ما است . پس خدایتان رحمت آورد ! [به حکم خداوند] تسلیم شوید . و هر کس به این شیوه خرسند نیست ، هر گونه می خواهد ، روی گردانَد .

امام علی علیه السلام از نامه اش به کارگزار خود در اردشیر خُرّه (1) به نام مصقله بن هبیره شیبانی : هَلا که حقّ مسلمانان نزد تو و ما در تقسیم این غنیمت برابر است ؛ بر همین مبنا نزد من می آیند [و سهم خود را می گیرند] و باز می گردند .

.

1- .اردشیر خُرّه از بزرگ ترین مناطق فارس و سرزمینی کهن بوده که اردشیر بابکان آن را بنا کرده و شیراز ، میمند ، و کازرون در آن قرار داشته است (معجم البلدان : 1 / 146).

عنه عليه السلام مِن كِتابِهِ إلى حُذَيفَةَ بنِ اليَمانِ والِى المَدائِنِ : آمُرُكَ أن تَجبِيَ خَراجَ الأَرَضينَ عَلَى الحَقِّ وَالنَّصَفَهِ ، ولا تَتَجاوَز ما قَدَّمتُ بِهِ إلَيكَ ، ولا تَدَع مِنهُ شَيئا، ولاتَبتَدِع فيهِ أمرا، ثُمَ اقسِمهُ بَينَ أهلِهِ بِالسَّوِيَّهِ وَالعَدلِ. (1)

الاختصاص فى بَيانِ خِصالِ الإمامِ عَلِيٍّ عليه السلام وفَضائِلِهِ : القَسمُ بِالسَّوِيَّهِ ، وَالعَدلُ فِى الرَّعِيَّهِ ؛ وَلّى بَيتَ مالِ المَدينَهِ عَمّارَ بنَ ياسِرٍ وأبَا الهَيثَمِ بنَ التَّيِّهانِ ، فَكَتَبَ : العَرَبِىُّ وَالقُرَشِىُّ وَالأَنصارِىُّ وَالعَجَمِىُّ وكُلُّ مَن كانَ فِى الإِسلامِ مِن قَبائِلِ العَرَبِ وأجناسِ العَجَمِ سَواءٌ . فَأَتاهُ سَهلُ بنُ حُنَيفٍ بِمَولىً لَهُ أسوَدَ ، فَقالَ : كَم تُعطى هذا ؟ فَقالَ لَهُ أميرُ المُؤمِنينَ عليه السلام : كَم أخَذتَ أنتَ ؟ قالَ : ثَلاثَهَ دَنانيرَ ، وكَذلِكَ أخَذَ النّاسُ . قالَ : فَأعطوا مَولاهُ مِثلَ ما أخَذَ ؛ ثَلاثَهَ دَنانيرَ . (2)

الأمالى للطوسى عن إبراهيم بن صالح الأنماطىّ رفعه :لَمّا أصبَحَ عَلِيٌّ عليه السلامبَعدَ البَيعَهِ دَخَلَ بَيتَ المالِ ، فَدَعا بِمالٍ كانَ قَدِ اجتَمَعَ ، فَقَسَّمَهُ ثَلاثَهَ دَنانيرَ ثَلاثَهَ دَنانيرَ بَينَ مَن حَضَرَ مِنَ النّاسِ كُلِّهِم . فَقامَ سَهلُ بنُ حُنَيفٍ فَقالَ : يا أميرَ المُؤمِنينَ ، قَد أعتَقتُ هذَا الغُلامَ ! فَأعطاهُ ثَلاثَهَ دَنانيرَ ؛ مِثلَ ما أعطى سَهلَ بنَ حُنَيفٍ . (3)

.

1- .إرشاد القلوب : 321 ، الدرجات الرفيعه : 289 ، بحار الأنوار : 28 / 88 / 3 .
2- .الاختصاص : 152 ، بحار الأنوار : 40 / 107 / 117 .
3- .الأمالى للطوسى : 686 / 1457 ، المناقب لابن شهرآشوب : 2 / 111 عن مالک بن أوس بن الحدثان وفيه من «قام سهل . . .» ، بحار الأنوار : 32 / 38 / 24 .

امام علی علیه السلام از نامه اش به حذیفه بن یمان ، کارگزارِ مدائن : تو را فرمان می دهم که خراج زمین ها را بر پایه حق و انصاف گردآوری و از آن چه تو را به آن دستور داده ام ، درنگذری و چیزی از آن فرو نگذاری و در آن هیچ بدعتی ننهی . آن گاه ، آن را میان کسانی که شایسته دریافت آنند ، به مساوات و عدالت تقسیم کن!

الاختصاص در بیان ویژگی ها و فضیلت های امام علی علیه السلام در بیان ویژگی ها و فضیلت های امام علی علیه السلام الاختصاص در بیان ویژگی ها و فضیلت های امام علی علیه السلام : تقسیم کردنِ [اموال عمومی] به مساوات ؛ و عدل ورزیدن میان مردم . وی عمّارِ بن یاسر و ابوهیثم بن تیهان را بر بیت المال مدینه برگماشت و [به آنان] نوشت: «عرب و قریشی و و انصاری و غیر عرب و هر یک از قبایل عرب و طوایف غیر عرب که مسلمان باشند ، همگی سهمی برابر دارند» . سَهل بن حُنَیف با غلام سیاه خود نزد وی آمد و گفت: «به این غلام چه اندازه [از بیت المال]می دهی؟» امیرالمؤمنین علیه السلام به وی فرمود: «خود چه اندازه گرفتی؟» گفت: «سه دینار ؛ و دیگر مردم نیز چنین گرفتند» . فرمود: «به غلامش نیز به اندازه وی ، سه دینار بدهید» .

امالی طوسی از ابراهیم بن صالح انماطی در حدیث مرفوع:علی علیه السلامصبحگاهانِ روزِ پس از بیعت ، به بیت المال درآمد و مالی را که گرد آمده بود ، خواست و آن را سه دینار به سه دینار میان همه مردمی که حاضر بودند ، تقسیم فرمود . سَهل بن حُنَیف برخاست و گفت : «ای امیرالمؤمنین! من این غلام را آزاد کردم!» پس به وی نیز سه دینار داد ، همان سان که به سهل بن حنیف داد .

.

الكافى عن أبو مخنف :أتى أميرَ المُؤمِنينَ صَلَواتُ اللّهِ عَلَيهِ رَهطٌ مِنَ الشّيعَهِ ، فَقالوا : يا أميرَ المُؤمِنينَ ، لَو أخرَجتَ هذِهِ الأَموالَ فَفَرَّقتَها فى هؤُلاءِ الرُّؤَساءِ وَالأَشرافِ وفَضَّلتَهُم عَلَينا ، حَتّى إذَا استَوسَقَتِ الاُمورُ عُدتَ إلى أفضَلِ ما عَوَّدَکَ اللّهُ مِنَ القَسمِ بِالسَّوِيَّهِ ، وَالعَدلِ فِى الرَّعِيَّهِ !! فَقالَ أميرُ المُؤمِنينَ عليه السلام: أ تَأمُرونّى وَيحَکُم! أن أطلُبَ النَّصرَ بِالظُّلمِ وَالجَورِ فى مَن وُلّيتُ عَلَيهِ مِن أهلِ الإسلامِ ؟ !لا وَاللّهِ ، لا يَكونُ ذلِکَ ما سَمَرَ السَّميرُ وما رَأيتُ فِى السَّماءِ نَجما ! وَاللّهِ لَو كانَت أموالُهُم مالى لَساوَيتُ بَينَهُم ، فَكَيفَ وإنَّما هِىَ أموالُهُم ! ؟ (1)

الغارات عن أبى إسحاق الهمدانىّ :إنَّ امرَأَتَينِ أتَتا عَلِيّا عليه السلامعِندَ القِسمَهِ ؛ إحداهُما مِنَ العَرَبِ ، وَالاُخرى مِنَ المَوالى ، فَأعطى كُلَّ واحِدَهٍ خَمسَهً وعِشرينَ دِرهَما وكُرّا مِنَ الطَّعامِ . فَقالَتِ العَرَبِيَّهُ : يا أميرَ المُؤمِنينَ ، إنّى امرَأَهٌ مِنَ العَرَبِ ، وهذِهِ امرَأَهٌ مِنَ العَجَمِ ! فَقالَ عَلِىٌّ عليه السلام : إنّى وَاللّهِ لا أجِدُ لِبَنى إسماعيلَ فى هذَا الفَىءِ فَضلاً عَلى بَنى إسحاقَ ! (2)

أنساب الأشراف عن الحارث :كُنتُ عِندَ عَلِىٍّ ، فَأَتَتهُ امرَأَتانِ فَقالَتا : يا أميرَ المُؤمِنينَ ، إنَّنا فَقيرَتانِ مِسكينَتانِ ، فَقالَ : قَد وَجَبَ حَقُّكُما عَلَينا وعَلى كُلِّ ذى سَعَهٍ مِنَ المُسلِمينَ إن كُنتُما صادِقَتَينِ . ثُمَّ أمَرَ رَجُلاً فَقالَ : اِنطَلِق بِهِما إلى سوقِنا ، فَاشتَرِ لِكُلِّ واحِدَهٍ مِنهُما كُرّا مِن طَعامٍ وثَلاثَهَ أثوابٍ فَذَكَرَ رِداءً أو خِمارا وإزارا وأعطِ كُلَّ واحِدَهٍ مِنهُما مِن عَطائى مِائَهَ دِرهَمٍ . فَلَمّا وَلَّتا، سَفَرَت إحداهُما وقالَت: يا أميرَ المُؤمِنينَ، فَضِّلنى بِما فَضَّلَکَ اللّهُ بِهِ وشَرَّفَکَ ! قالَ : وبِماذا فَضَّلَنِى اللّهُ وشَرَّفَنى ؟ قالَت : بِرَسولِ اللّهِ صلى الله عليه و آله . قالَ : صَدَقتِ ، وما أنتِ ؟ قالَت : أنَا امرَأَهٌ مِنَ العَرَبِ وهذِهِ مِنَ المَوالى . قالَ : فَتَناوَلَ شَيئا مِنَ الأَرضِ ثُمَّ قالَ : قَد قَرَأتُ ما بَينَ اللَّوحَينِ فَما رَأيتُ لِوُلدِ إسماعيلَ عَلى وُلدِ إسحاقَ عليهماالسلام فَضلاً ولا جَناحَ بَعوضَهٍ ! (3)

.

1- .الكافى : 4 / 31 / 3 ، تحف العقول : 185 ، نثر الدرّ : 1 / 318 كلاهما نحوه وراجع الأمالى للمفيد : 175 / 6 و المناقب لابن شهرآشوب : 2 / 95 .

2- .الغارات : 1 / 70 وراجع الاختصاص : 151 و السنن الكبرى : 6 / 567 / 12990 و كنز العمّال : 6 / 610 / 17095 .
3- .أنساب الأشراف : 2 / 376 .

الکافی از ابو مخنف:گروهی از پیروانِ [علی علیه السلام] نزد امیرالمؤمنین صلوات اللّه علیه آمدند و گفتند: «ای امیرالمؤمنین! اگر این اموال را برون آورده ، نزد این سران و بزرگان تقسیم می کردی و آنان را بر ما برتری می بخشیدی تا کارها به سامان رسد ، آن گاه از این حال که خداوندت عادت بخشیده که مال را برابر تقسیم می کنی و میان مردم عدالت را رعایت می نمایی ، وضعی بهتر می یافتی!» امیرالمؤمنین علیه السلامفرمود: «وای بر شما! آیا مرا فرمان می دهید که با ستم و بیدادگری به مسلمانانی که زمامشان را در دست دارم ، در پی پیروزی باشم؟ نه ، به خدا سوگند! تا همدم شبانه بیدار است و تا آن گاه که در آسمان ستاره ای می بینم [= تا روزگار به پا است] هرگز چنین نخواهد شد . به خداوند سوگند! اگر اموال ایشان از آنِ من بود ، باز آن را میانشان به مساوات تقسیم می کردم ؛ چه رسد به این که مال از آن خودشان است!»

الغارات از ابو اسحق همدانی :به هنگام تقسیم اموال ، دو زن نزد علی علیه السلامآمدند ، یکی عرب و دیگری از غیر عرب . امام به هر یک ، بیست و پنج درهم و پیمانه ای خوراک داد . زن عرب گفت: «ای امیرالمؤمنین! من زنی عرب هستم و او غیر عرب!» علی علیه السلامفرمود: «به خدا سوگند! من در این غنایم ، برای فرزندان اسماعیل حقّی بیش از فرزندان اسحاق نمی بینم» .

انساب الاشراف از حارث :در محضر علی بودم که دو زن نزد وی آمدند و گفتند : «ای امیرالمؤمنین! ما بینوا و مستمندیم» . فرمود : «اگر راست گویید ، [اداءِ]حقّ شما بر ما و هر مسلمان توانگری واجب است» . سپس به مردی فرمان داد: «آن دو را به بازارِ ما ببر و برای هر یک پیمانه ای خوراک و سه جامه فرمود : بالاپوش ، روسری ، و جامه پایین تنه بخر و هر یک را از محلّ بخشش من صد درهم عطا کن!» چون بازگشتند ، یکی از آن دو روی بگشود و گفت: «ای امیرالمؤمنین! بر اساس همان فضیلت و شرافتی که خداوند به تو بخشیده ، مرا افزون تر عطا کن» . فرمود : «خداوند مرا به چه چیز فضیلت و شرافت بخشیده است؟» گفت: «به [خویشاوندی ات با] رسول خدا صلی الله علیه و آله» . فرمود: «راست می گویی . تو را از این نسبت چه رسد؟» گفت: «من زنی عرب هستم و او زنی است غیر عرب» . [راوی] می گوید: امام قدری خاک از زمین برگرفت و فرمود: «من در هیچ یک از دو لوح (1) برای فرزندان اسماعیل

علیه السلام بر فرزندان اسحاق علیه السلامفضیلتی ، هر چند به قدر بالِ پشه ای ، نیافتم» .

.

1- .منظور می تواند لوح محو و اثبات و لوح محفوظ باشد و این در واقع تأکید امام علیه السلام بر نفی برتری است .

أنساب الأشراف عن مصعب :كانَ عَلِىٌّ يَقسِمُ بَينَنا كُلَّ شَىءٍ ، حَتّى يَقسِمَ العُطورَ بَينَ نِسائِنا . (1)

أنساب الأشراف عن الحارث :سَمِعتُ عَلِيّا يَقولُ وهُوَ يَخطُبُ : قَد أمَرنا لِنِساءِ المُهاجِرينَ بِوَرسٍ وإبَرٍ . قالَ : فَأمَّا الإبَرُ فَأخَذَها مِن ناسٍ مِنَ اليَهودِ مِمّا عَلَيهِم مِنَ الجِزيَهِ . (2)

فضاله بن عبد الملک عن كريمه بنت همّام الطابيّه :كانَ عَلِىٌّ يَقسِمُ فينَا الوَرسَ بِالكوفَهِ . قالَ فَضالَهُ : حَمَلناهُ عَلَى العَدلِ مِنهُ رضى الله عنه . (3)

المناقب لابن شهرآشوب عن حكيم بن أوس :كانَ عَلِىٌّ عليه السلامِيَبعَثُ إلَينا بِزِقاقِ العَسَلِ فَيُقسَمُ فينا ، ثُمَّ يَأمُرُ أن يَلعَقوهُ . وأُتِىَ إلَيهِ بِأحمالِ فاكِهَهٍ ، فَأمَرَ بِبَيعِها وأن يُطرَحَ ثَمَنُها فى بَيتِ المالِ . (4)

.

1- .أنساب الأشراف : 2 / 374 .
2- .أنساب الأشراف : 2 / 374 .
3- .فضائل الصحابه لابن حنبل : 1 / 547 / 920 ، ذخائر العقبى : 191 ، الرياض النضره : 3 / 221 وفيهما «الطائيّه» بدل «الطابيه»؛ المناقب للكوفى: 2/77/559 عن كريمه بنت عقبه وليس فيه ذيله .
4- .المناقب لابن شهرآشوب : 2 / 111 ، بحار الأنوار : 41 / 117 / 24 .

أنساب الأشراف از مصعب :على هر چيز را ميان ما [به مساوات]تقسيم می كرد ، حتّی عطرها را ميان زنانمان .

أنساب الأشراف از حارث: از على شنيدم كه در خطابه ، می گفت: «فرمان داده ايم كه به زنانِ مهاجرين ، قرمزدانه [برای رنگ آميزی جامه] و سوزن داده شود» . [حارث]می گويد: و امّا سوزن ها را از عدّه ای يهود ، از باب جزيه ، گرفته بود .

فضاله بن عبدالملک از كريمه طابيّه دخترِ همّام :«در كوفه ، على ميان ما قرمزدانه تقسيم می كرد» . فضاله می گويد: «اين را نشانه دادگریِ على رضى الله عنهدانسته ايم» .

مناقب ابن شهرآشوب از حكيم بن اوس :على عليه السلام مَشک های عسل را برای ما می فرستاد تا ميانمان تقسيم شود و سپس دستور می داد كه آن را با زبان برگيرند [تا چيزی از آن اسراف نشود] . و [نيز] برايش بارهای ميوه می آمد ؛ فرمان می داد كه آن را بفروشند و بهايش را در بيت المال بنهند .

.

تاريخ دمشق عن كليب :قَدِمَ عَلى عَلِيٍّ مالٌ مِن أصبَهانَ ، فَقَسَمَهُ عَلى سَبعَهِ أسهُمٍ ، فَوَجَدَ فيهِ رَغيفا ، فَكَسَرَهُ عَلى سَبعَهٍ ، وجَعَلَ عَلى كُلِّ قِسمٍ مِنها كِسرَهً ، ثُمَّ دَعا اُمَراءَ الأشياعِ فَأقرَعَ بَينَهُم ؛ لِيَنظُرَ أيُّهُم يُعطى أوَّلاً . (1)

الغارات عن كليب الجرميّ :كُنتُ عِندَ عَلِيٍّ عليه السلام فَجاءَهُ مالٌ مِنَ الجَبَلِ ، فَقامَ وقُمنا مَعَهُ حَتّى انتَهَينا إلى خَربَندجَن وجَمّالينَ ، فَاجتَمَعَ النّاسُ إلَيهِ حَتّى ازدَحَموا عَلَيهِ ، فَأخَذَ حِبالاً فَوَصَلَها بِيَدِهِ وعَقَدَ بَعضَها إلى بَعضٍ ، ثُمَّ أدارَها حَولَ المَتاعِ ، ثُمَّ قالَ : لا اُحِلُّ لِأحَدٍ أن يُجاوِزَ هذَا الحَبلَ . فَقَعَدنا مِن وَراءِ الحَبلِ . ودَخَلَ عَلِيٌّ عليه السلام فَقالَ : أينَ رُؤوسُ الأسباعِ ؟ فَدَخَلوا عَلَيهِ ، فَجَعَلوا يَحمِلونَ هذَا الجُوالِقَ إلى هذَا الجُوالِقِ، وهذا إلى هذا، حَتّى قَسَموهُ سَبعَهَ أجزاءٍ. قالَ : فَوَجَدَ مَعَ المَتاعِ رَغيفا ، فَكَسَرَهُ سَبعَ كِسَرٍ ، ثُمَّ وَضَعَ عَلى كُلِّ جُزءٍ كِسرَهً ، ثُمَّ قالَ : هذا حَنايَ وخِيارُهُ فيهإذ كُلُّ جانٍ يَدُهُ إلى فيه قالَ : ثُمَّ أقرَعَ عَلَيها ، فَجَعَلَ كُلُّ رَجُلٍ يَدعو قَومَهُ ، فَيَحمِلونَ الجُوالِقَ . (2)

مروج الذهب :اِنتَزَعَ عَلِيٌّ أملاكا كانَ عُثمانُ أقطَعَها جَماعَهً مِنَ المُسلِمينَ ، وقَسَّمَ ما فى بَيتِ المالِ عَلَى النّاسِ ، ولَم يُفَضِّل أحَدا عَلى أحَدٍ . (3)

.

1- .تاريخ دمشق: 42/476 ، فضائل الصحابه لابن حنبل : 1/545/913، الكامل فى التاريخ: 2/442؛ الغارات : 1 / 51 ، المناقب لابن شهرآشوب : 2 / 112 كلّها نحوه ، وراجع حليه الأولياء : 7 / 300 .
2- .الغارات : 1 / 52 ، بحار الأنوار : 100 / 60 / 10 .
3- .مروج الذهب : 2 / 362 .

تاریخ دمشق از کلیب :مالی از اصفهان نزد علی آمد . وی آن را هفت بخش کرد . در آن ، قرص نانی یافت ؛ آن را [هم] هفت تکّه ساخت و بر هر یک از آن هفت بخشِ مال ، تکّه ای نان نهاد . سپس سرانِ گروه ها را فراخواند و میانشان قرعَه انداخت تا در نگرد که نخست به کدام یک عطا کند .

الغارات از کلیب جرمی :نزد علی علیه السلام بودم که از کوهستان مالی برای وی آمد . برخاست ؛ و ما نیز همراهش برخاستیم تا به [سرای] خر فروشان و شترفروشان رسیدیم . مردم به سوی او روی آوردند تا آن که گردش ازدحام شد . پس چند ریسمان برگرفت و آن ها را به هم گره زد و آن را گرداگرد کالا کشید . سپس فرمود: «هیچ کس را اجازه نمی دهم که از این ریسمان عبور کند» . پس ما آن سوی ریسمان نشستیم . سپس علی علیه السلام درآمد و فرمود: «سَرانِ گروه های هفتگانه کجایند؟» ایشان نزد وی آمدند و لنگه های بار را آن قدر کنار هم نهادند تا آن را به هفت قسمت تقسیم کردند .

مروج الذّهب :علی ، املاکی را که عثمان به گروهی از مسلمانان بخشیده بود ، بازپس گرفت و اموال بیت المال را میان مردم تقسیم کرد و هیچ کس را بر دیگری برتری نداد .

.

مروج الذهب فى ذِكرِ حَربِ الجَمَلِ : قَبَضَ [عَلِىٌّ عليه السلام] ما كانَ فى مُعَسكَرِهِم مِن سِلاحٍ ودابَّةٍ ومَتاعٍ وآلَةٍ وغَيرِ ذلِكَ ، فَباعَهُ وقَسَمَهُ بَينَ أصحابِهِ ، وأخَذَ لِنَفسِهِ كَما أخَذَ لِكُلِّ واحِدٍ مِمَّن مَعَهُ مِن أصحابِهِ وأهلِهِ ووُلدِهِ ؛ خَمسَمِائَةِ دِرهَمٍ . فَأتاهُ رَجُلٌ مِن أصحابِهِ فَقالَ : يا أميرَ المُؤمِنينَ ، إنّى لَم آخُذ شَيئا ، وخَلَّفَنى عَنِ الحُضورِ كَذا وأدلى بِعُذرٍ فَأعطاهُ الخَمَسمِائَةِ الَّتى كانَت لَهُ . (1)

الجَمَل :ثُمَّ نَزَلَ عليه السلام [بَعدَ وَقعَةِ الجَمَلِ] وَاستَدعى جَماعةً مِن أصحابِهِ ، فَمَشَوا مَعَهُ حَتّى دَخَلَ بَيتَ المالِ ، وأرسَلَ إلَى القُرّاءِ فَدَعاهُم ، ودَعَا الخُزّانَ وأمَرَهُم بِفَتحِ الأبوابِ الَّتى داخِلُها المالُ ، فَلَمّا رَأى كَثرَةَ المالِ قالَ : هذا جَنايَ وخِيارُهُ فَيه ثُمَّ قَسَّمَ المالَ بَينَ أصحابِهِ ، فَأصابَ كُلَّ رَجُلٍ مِنهُم سِتَّةَ آلافِ ألفِ دِرهَمٍ وكانَ أصحابُهُ اثنَى عَشَرَ ألفا وأخَذَ هُوَ عليه السلام كَأحَدِهِم . فَبَينا هُم عَلى تِلكَ الحالَهِ إذ أتاهُ آتٍ ، فَقالَ : يا أميرَ المُؤمِنينَ ، إنَّ اسمى سَقَطَ مِن كِتابِكَ ، وقَد رَأيتُ مِنَ البَلاءِ ما رَأيتُ ! فَدَفَعَ سَهمَهُ إلى ذلِكَ الرَّجُلِ . (2)

الغارات عن المغيره الضبّى :كانَ أشرافُ أهلِ الكوفَهِ غاشّينَ لِعَلِىٍّ عليه السلام ، وكانَ هَواهُم مَعَ مُعاوِيَهَ ؛ وذلِكَ أنَّ عَلِيّا كانَ لا يُعطى أحَدا مِنَ الفَىءِ أكثَرَ مِن حَقِّهِ ، وكانَ مُعاوِيَهُ بنُ أبى سُفيانَ جَعَلَ الشَّرَفَ فِى العَطاءِ ألفَى دِرهَمٍ . (3)

.

1- .مروج الذهب : 2 / 380 وراجع شرح نهج البلاغه : 1 / 250 .
2- .الجمل : 400 وراجع شرح نهج البلاغه : 1 / 250 .
3- .الغارات : 1 / 44 .

مروج الذّهب در بیان جنگ جمل : [علی علیه السلام] هر چه را جنگ افزار و چهارپا و کالا و ابزار و جز آن ها در اردوگاه جملیان بود ، برگرفت و فروخت و [بهای]آن را میان یارانش تقسیم کرد و برای خود همان قدر برگرفت که برای هر یک از یاران و خویشان و فرزندانش برگرفته بود ، یعنی پانصد درهم . سپس مردی از یارانش نزد وی آمد و گفت: «ای امیرالمؤمنین! من سهمی برنداشته ام و فلان عذر مرا از حضور [در هنگام تقسیم بیت المال] بازداشت» . امام پانصد درهمِ سهم خویش را به وی بخشید .

الجَمَل :[پس از رویداد جَمَل] علی علیه السلام فرود آمد و شماری از یارانش را فراخواند . ایشان با وی رفتند تا به بیت المال درآمد . سپس در پس قاریان فرستاد و آنان را فراخواند . نیز خزانه داران را خواست و فرمانشان داد تا بیت المال را دربگشایند . چون فراوانیِ مال را نگریست ، فرمود : آن گاه ، آن مال را میان یارانش تقسیم فرمود . پس سهم هر یک از ایشان شش هزار درهم شد و یارانش دوازده هزار تن بودند و او ، خود ، همانند یکی از ایشان سهم برگرفت . هنوز در آن حال بودند که کسی رسید و گفت: «ای امیرالمؤمنین! نام من از دیوان [بیت المال] تو فرو افتاد ، حال آن که من به چنان بلایی گرفتار آمدم!» پس وی سهم خود را به آن مرد داد .

الغارات از مغیره ضبّی :اشراف کوفه به علی کین می ورزیدند و به معاویه گرایش داشتند ؛ زیرا علی هیچ کس را بیش از حقّش ، از غنایم نمی بخشید ، امّا معاویه بن ابی سفیان به اشراف دو هزار درهم افزون تر عطا می کرد .

.

الإمام علىّ عليه السلام فى ذَمِّ العاصينَ مِن أصحابِهِ : أوَلَيسَ عَجَبا أنَّ مُعاوِيَةَ يَدعُو الجُفاةَ الطَّغامَ فَيَتَّبِعونَهُ عَلى غَيرِ مَعونَهٍ ولا عَطاءٍ ، وأنَا أدعوكُم وأنتُم تَريكَهُ الإسلامِ وبَقِيَّهُ النّاسِ إلَى المَعونَهِ أو طائِفَهٍ مِنَ العَطاءِ فَتَفَرَّقونَ عَنّى وتَختَلِفونَ عَلَىَّ ؟ !(1)

عنهِ عليه السلام فى قَومٍ مِن أهلِ المَدينَهِ لَحِقوا بِمُعاوِيَهَ : قَد عَرَفُوا العَدلَ ورَأوهُ ، وسَمِعوهُ ووَعَوهُ ، وعَلِموا أنَّ النّاسَ عِندَنا فِى الحَقِّ اُسوَهٌ ، فَهَرَبوا إلَى الأُثرَهِ ، فَبُعدا لَهُم وسُحقا !(2)

.

1- .نهج البلاغه : الخطبه 180 ، الغارات : 1 / 291 ؛ تاريخ الطبرى : 5 / 107 عن عبد اللّه بن فقيم ، البدايه والنهايه : 7 / 316 كلّها نحوه .
2- .نهج البلاغه : الكتاب 70 ، خصائص الأئمّه عليهم السلام : 113 وفيه من «وعلموا ...» ، بحار الأنوار : 33 / 521 / 714 ؛ أنساب الأشراف : 2 / 386 وفيه من «وعلموا . . .» .

امام علی علیه السلام در نکوهشِ یاران سرکش خود : آیا مایه شگفتی نیست که معاویه سرکشان بی سر و پا را فرا می خوانَد و آنان بدون دریافت کمک و بخشش ، او را پیروی می کنند ، و من شما را که باقی مانده [امّت]اسلام و بازمانده مردمید ، دعوت می کنم و کمک و بخشش می دهم ، امّا از گرد من پراکنده می شوید و از من سرپیچی می کنید؟ !

امام علی علیه السلام درباره گروهی از مردم مدینه که به معاویه پیوستند : عدل را شناختند و آن را دیدند و شنیدند و دریافتند ؛ و دانستند که نزد ما ، مردم در [گرفتنِ]حق برابرند ، امّا به سوی منافع خود گریختند . پس از رحمت خداوند دور باشند و هلاکت از آنِ ایشان باد !

.

ص: 480

. .

درنگی در شیوه توزیع اموال عمومی در صدر اسلام

درنگی در شیوه توزیع اموال عمومی در صدر اسلامدر متون روایی ، عنوان «بیت المال» اصطلاحی است عام ، شامل همه درآمدهای عمومی مسلمانان که در تصرّف حکومت اسلامی است . از رهگذر نگرشی فراگیر به روایات ، روشن می شود که درآمدهای بیت المال به دو گونه مصرف می شده است: 1 . در مصارف عمومی که عنوان معیّن داشتند ، مانند کمک به فقیران و بینوایان و ناتوانان و خانواده های شهدا ؛ و پرداختیِ کارگزاران بیت المال و قاضیان و لشکریان ؛ و هزینه های آموزش و بهداشت ؛ و پرداخت بدهی وامداران و دیه های کشتگانِ بدون پردازنده دیه ؛ و مخارج عمرانی و جز آن ها . 2 . تقسیم مقدار افزون ؛ یعنی پس از آن که سهم دسته های مزبور از بیت المال پرداخت شد ، مقدار افزون میان همه مسلمانان تقسیم می گردد . روایات ، این بخش را حقّ همگانی افراد از بیت المال می شمارند . در دیدگاه اسلامی ، توزیع صحیح بیت المال بر دو پایه اصلی استوار است: 1 . رعایت عدالت در تقسیم بیت المال : اسلام برای عدالت اقتصادی در توزیع ثروت های عمومی ، دو معیار اصلی قائل است:

.

یکی : اولویّت داشتن تأمین اجتماعی و توجّه کردن به طبقات محروم و ضعیف جامه و کوشش برای بهبود وضع ایشان . و دیگر : رعایت برابری در حقوقِ همطراز . آن گاه که روش امام علی علیه السلام در توزیع اموال را بررسی می کنیم ، روشن ترین مصداق های این دو معیار را در آن می بینیم ؛ چه در نامه های وی به کارگزارانش می نگریم که همواره بر اختصاص بخشی از منابع بیت المال به طبقات محروم و دارای درآمد محدود تأکید می فرماید و بسیار سفارش می کند که امتیازات موهوم و اجحاف آور برچیده شود و حقوق همگان ، از نزدیک و دور ، عرب و غیر عرب ، زن و مرد ، مسلمانِ با پیشینه و تازه مسلمان ، به تساوی پرداخت گردد . بدین سان ، وی برای عدالت خواهان تصویری تابناک از عدالت انسانی ترسیم می کند . 2 . دربند نکشیدن حقوق همگانی و شتاب ورزیدن در هزینه کردن بیت المال: به رغم تأکید اسلام بر لزوم میانه روی در هزینه اموال و برنامه ریزی مناسب در این امر و نیز به اندازه مصرف کردن ، می بینیم که دربند کشیدن حقوق عمومی بدون توجیه مناسب به شدّت نکوهیده گشته و شتاب ورزیدن در هزینه کردن بیت المال سفارش شده است . آن گاه که این دو ویژگی را لحاظ کنیم ، می توانیم شیوه صحیح مصرف اموال بیت المال را به این گونه بیان نماییم: هر گاه بخشی از درآمد برای صرف در موارد خاص نگهداری شود و به این ترتیب ، هم درآمد و هم مصرف به حال درآید ، دیگر نگهداری مال از نوعِ تنگ گرفتن و ذخیره سازی بیجا است که روایات آن را نهی کرده اند و حتّی پیامبر بزرگوار صلی الله علیه و آله آن قدر به این مبنا توجّه

.

داشته است که هر گاه اندکی مال در بیت المال باقی می ماند ، که باید به مستحقّان می رسیده ، آثار اندوه بر چهره مبارکش ظاهر می شده است . امّا در روزگار عمر ، آن گاه که درآمد بیت المال به صورتی بی سابقه افزایش یافت ، حکومت به تأسیس بیت المال و دیوان روی آورد . بدین سان ، درآمدها در بیت المال گرد می آمد و در طول سال ذخیره سازی می شد و در پایان سال ، به شکل فردی میان همه مسلمانان تقسیم می گشت . چون امام امیرالمؤمنین علیه السلام خلافت را عهده دار گشت ، این شیوه را کنار نهاد و همان روش پیامبر صلی الله علیه و آلهرا در پیش گرفت . خودداری وی از تأخیر در تقسیم بیت المال حتّی برای یک شب ، و تأکید بر توزیع همه بیت المال ، آشکارا دلالت می کند که او به پرهیز از ذخیره سازیِ بیجا ، بسیار اهتمام داشته است .

.

6 / 6 - 2تَأمينُ الحاجاتِ الأَساسِيَّهِ لِلجَميعِالإمام علىّ عليه السلام :ما أصبَحَ بِالكوفَهِ أحَدٌ إلاّ ناعِما ؛ إنَّ أدناهُم مَنزِلَهً لَيَأكُلُ مِنَ البُرِّ ، ويَجلِسُ فِى الظِّلِّ ، ويَشرَبُ مِن ماءِ الفُراتِ ! (1)

عنه عليه السلام مِن كِتابِهِ إلى قُثَمِ بنِ العَبّاسِ : اُنظُر إلى مَا اجتَمَعَ عِندَکَ مِن مالِ اللّهِ فَاصرِفهُ إلى مَن قِبَلَکَ مِن ذَوِى العِيالِ وَالمَجاعَهِ ، مُصيبا بِهِ مَواضِعَ الفاقَهِ وَالخَلاّتِ ، وما فَضَلَ عَن ذلِکَ فَاحمِلهُ إلَينا لِنَقسِمَهُ فى مَن قِبَلَنا . (2)

عنه عليه السلام فى عَهدِهِ إلى مالِکٍ الأَشتَرِ : ثُمَّ اللّهَ اللّهَ فِى الطَّبَقَهِ السُّفلى مِنَ الَّذينَ لا حيلَهَ لَهُم ؛ مِنَ المَساکينِ وَالمُحتاجينَ وأهلِ البُؤسى وَالزَّمنى ؛ فَإنَّ فى هذِهِ الطَّبَقَهِ قانِعا ومُعتَرّا ، وَاحفَظ للّهِ مَا استَحفَظَکَ مِن حَقِّهِ فيهِم ، وَاجعَل لَهُم قِسما مِن بَيتِ مالِکَ ، وقِسما مِن غَلاّتِ صَوافِى الإسلامِ فى کُلِّ بَلَدٍ ؛ فَإنَّ لِلأقصى مِنهُم مِثلَ الَّذى لِلأدنى ، وکُلٌّ قَدِ استُرعيتَ حَقَّهُ . فَلا يَشغَلَنَّکَ عَنهُم بَطَرٌ ؛ فَإنَّکَ لا تُعذَرُ بِتَضييعِکَ التّافِهَ لِإِحکامِکَ الکَثيرَ المُهِمَّ ، فَلا تُشخِص هَمَّکَ عَنهُم ، ولا تُصَعِّر خَدَّکَ لَهُم . وتَفَقَّد اُمورَ مَن لا يَصِلُ إلَيکَ مِنهُم مِمَّن تَقتَحِمُهُ العُيونُ وتَحقِرُهُ الرِّجالُ ، فَفَرِّغ لاُولئِکَ ثِقَتَکَ مِن أهلِ الخَشيَهِ وَالتَّواضُعِ فَليَرفَع إلَيکَ اُمورَهُم ، ثُمَّ اعمَل فيهِم بِالإعذارِ إلَى اللّهِ يَومَ تَلقاهُ ؛ فَإنَّ هؤُلاءِ مِن بَينِ الرَّعِيَّهِ أحوَجُ إلَى الإنصافِ مِن غَيرِهِم ، وکُلٌّ فَأعذِر إلَى اللّهِ فى تَأدِيَهِ حَقِّهِ إلَيهِ . وتَعَهَّد أهلَ اليُتمِ وذَوِى الرِّقَّهِ فِى السِّنِّ مِمَّن لا حيلَهَ لَهُ ، ولا يَنصِبُ لِلمَسأَلَهِ نَفسَهُ ، وذلِکَ عَلَى الوُلاهِ ثَقيلٌ ، وَالحَقُّ کُلُّهُ ثَقيلٌ . (3)

.

1- .فضائل الصحابه لابن حنبل : 1 / 531 / 883 ، المصنّف لابن أبى شيبه : 8 / 157 / 15 کلاهما عن عبد اللّه بن سخبره ، کنز العمّال : 14 / 172 / 38276 نقلاً عن هنّاد ؛ المناقب لابن شهرآشوب : 2 / 99 ، بحار الأنوار : 40 / 327 .
2- .نهج البلاغه : الکتاب 67 ، بحار الأنوار : 33 / 497 / 702 .
3- .نهج البلاغه : الکتاب 53 وراجع دعائم الإسلام : 1 / 366 .

6 / 6 - 2تأمین نیازهای اساسی همگانامام علی علیه السلام :[در دوران حکومت من] هیچ کس در کوفه شب را به روز نمی رسانَد ، مگر این که زندگی آسوده ای دارد . فروپایه ترینِ مردم نان گندم می خورَد ، سایبانی دارد ، و آب گوارا می نوشد .

امام علی علیه السلام از نامه اش به قُثَم بن عبّاس : در آن چه از مال خداوند نزدت گرد آمده ، بنگر ؛ و آن را برای عیالواران و گرسنگان اطراف خود صرف کن تا آن را در جهت رفع فقر و نیاز مصرف نمایی . و هر چه را باقی ماند ، به سوی ما بفرست تا میان آنان که اطراف مایند ، تقسیم کنیم .

امام علی علیه السلام در عهدنامه اش به مالک اشتر : سپس خدای را ، خدای را [پروا کن]درباره طبقه پایین از آنان که چاره ای ندارند ، یعنی مستمندان و نیازمندان و بینوایان و زمین گیران . همانا در این طبقه هم نیازمندی است که نیازش را ابراز نمی کند و هم نیازمندی است که نیازش را ابراز می کند . برای رضای خدا ، حقوق ایشان را که خداوند از تو خواسته ، حفظ کن و برای آنان سهمی از بیت المال خویش و غلاّت زمین های متروک مسلمانان در هر سرزمین قرار ده . دورترینِ آنان همان اندازه سهم دارد که نزدیک ترینِ ایشان ؛ و از تو خواسته شده که حقّ همه را ادا کنی . پس مبادا سرخوشی ، تو را از کار آنان غافل کند ؛ که پرداختن به کار بزرگ مهم تو را برای تباه کردن کار کوچک معذور نمی سازد . پس اهتمام خویش را از ایشان بازمگیر و از آنان روی برمتاب ! و به کارهای آن کس که به تو دسترس ندارد ، بپرداز ؛ همان که چشم ها خوارش می شمارند و مردم کوچکش می پندارند . فردی قابل اعتماد و خداترس و فروتن را کارگزار امور اینان کن تا کارهاشان را به تو گزارش کند . پس با ایشان چنان رفتار کن که روز دیدارت با خداوند نزد وی معذور باشی ؛ که از میان مردم این گروه بیش از دیگران نیازمند انصافند ؛ و [البتّه] حقوق همگان را چنان ادا کن که نزد خداوند عذرت پذیرفته باشد . و رسیدگی به یتیمان و سالخوردگانِ بی چاره را که دست نیاز پیش کس دراز نکنند ، بر عهده گیر . و این بر حاکمان سنگین است ؛ و حق ، سراسر ، سنگین می نماید .

عنه علیه السلام فی عَهدِهِ إلی مالِکٍ الأَشتَرِ (فی روایه تحف العقول) : وتَعَهَّدِ أهلَ الیُتمِ وَالزَّمانَهِ وَالرِّقَّهِ فِی السِّنِّ مِمَّن لا حیلَهَ لَهُ ، ولا یَنصِبُ لِلمَسأَلَهِ نَفسَهُ ، فَأجرِ لَهُم أرزاقاً ، فَإِنَّهُم عِبادُ اللّهِ ؛ فَتَقَرَّب إلَی اللّهِ بِتَخَلَّصِهِم ووَضعِهِم مَواضِعَهُم فی أقواتِهِم وحُقوقِهِم ؛ فَإِنَّ الأعمالَ تُخلَصُ بِصِدقِ النِّیّاتِ . ثُمَّ إنَّهُ لا تَسکُنُ نُفوسُ النّاسِ أو بَعضِهِم إلَی أنَّکَ قَد قَضَیتَ حُقوقَهُم بِظَهرِ الغَیبِ دونَ مُشافَهَتِکَ بِالحاجاتِ ، وذلِکَ عَلَی الوُلاهِ ثَقیلٌ ، وَالحَقُّ کُلُّهُ ثَقیلٌ ؛ وقَد یُخَفِّفُهُ اللّهُ عَلی أقوامٍ طَلَبُوا العاقِبَهَ فَصَبَّروا نُفوسَهُم ، ووَثِقوا بِصِدقِ مَوعودِ اللّهِ لِمَن صَبَرَ وَاحتَسَبَ ، فَکُن مِنهُم ، وَاستَعِن بِاللّهِ . (1)

عنه علیه السلام فی عَهدِهِ إلی مالِکٍ الأَشتَرِ ، وهُوَ فی بَیانِ طَبَقاتِ النّاسِ : اِعلَم أنَّ الرَّعِیَّهَ طَبَقاتٌ . . . ثُمَّ الطَّبَقَهُ السُّفلی مِن أهلِ الحاجَهِ وَالمَسکَنَهِ الَّذینَ یَحِقُّ رِفدُهُم ومَعونَتُهُم ، وفِی اللّهِ لِکُلٍّ سَعَهٌ ، ولِکُلٍّ عَلَی الوالی حَقٌّ بِقَدرِ ما یُصلِحُهُ . (2)

.

1- .تحف العقول : 141 .
2- .نهج البلاغه : الکتاب 53 ، تحف العقول : 132 وفیه «فی فیء اللّه » بدل «فی اللّه » ، وراجع دعائم الإسلام : 3571 .

امام علی علیه السلام در عهدنامه اش به مالک اشتر طبق روایت تحف العقول : و رسیدگی به حال یتیمان و زمین گیران و سالخوردگان بیچاره را که پیش کسی دست دراز نمی کنند ، بر عهده گیر و روزی شان را جاری کن ، که ایشان بندگان خدایند ؛ پس با مددرسانی به ایشان و تأمین روزی و ادای حقوقشان به اندازه لازم ، به خداوند نزدیکی بجوی ، که کارها با پاکیِ نیّت ها خلوص می یابند . و همانا دل های همه مردم یا برخی از آن ها ، به این که پنهانی نیازهاشان را برآوری ، بدون آن که نیازهاشان را در حضور تو واگویند ، آرام نمی گیرد . و این بر حاکمان سنگین است ؛ و حق ، سراسر ، سنگین می نماید ؛ ولی خداوند آن را برای کسانی که خواهان عاقبت [نیک]هستند و خود را به شکیبایی وا می دارند و به وعده خدا درباره صابران و جویندگان خشنودی پروردگار اعتماد می ورزند ، سبک می کند . پس از جمله آنان باش و از خداوند یاری بخواه !

امام علی علیه السلام در عهدنامه اش به مالک اشتر ، ضمن بیان طبقات مردم : بدان که مردم چند طبقه اند . . .سپس طبقه فرودین از نیازمندان و مستمندانند که نیکی به ایشان و یاری دادنشان سزاوار است و خداوند را برای هر یک از این طبقات گشایشی است و هر یک را تا حدّی که کارش سامان یابد ، بر زمامدار حقّی است .

.

عنه عليه السلام مِن كِتابِهِ إلى بَعضِ عُمّالِهِ ، وقَد بَعَثَهُ عَلَى الصَّدَقَهِ : إنَّ لَکَ فى هذِهِ الصَّدَقَهِ نَصيبا مَفروضا ، وحَقّا مَعلوما ، وشُرَکاءَ أهلَ مَسکَنَهٍ ، وضُعَفاءَ ذَوى فاقَهٍ . وإنّا مُوَفّوکَ حَقَّکَ ، فَوَفِّهِم حُقوقَهُم ؛ وإلاّ تَفعَل فَإنَّکَ مِن أکثَرِ النّاسِ خُصوما يَومَ القِيامَهِ ، وبُؤسى لِمَن خَصمُهُ عِندَ اللّهِ الفُقَراءُ وَالمَساکينُ ، وَالسّائِلونَ وَالمَدفوعونَ ، وَالغارِمونَ وَابنُ السَّبيلِ ! (1)

تهذيب الأحكام عن محمّد بن أبى حمزه عن رجل بلغ به أمير المؤمنين عليه السلام :مَرَّ شَيخٌ مَکفوفٌ کَبيرٌ يَسأَلُ ، فَقالَ أميرُ المُؤمِنينَ عليه السلام ما هذا ؟! فَقالوا : يا أميرَ المُؤمِنينَ ، نَصرانِىٌّ ! قالَ : فَقالَ أميرُ المُؤمِنينَ عليه السلام : أستَعمَلتُموهُ حَتّى إذا کَبِرَ وعَجَزَ مَنَعتُموهُ ؟ ! أنفِقوا عَلَيهِ مِن بَيتِ المالِ . (2)

دعائم الإسلام :إنَّهُ [أى عَلِيّاً عليه السلام] أوصى مِخنَفَ بنَ سُلَيمٍ الأَزدِىَّ وقَد بَعَثَهُ عَلَى الصَّدَقَهِ بِوَصِيَّهٍ طَويلَهٍ أمَرَهُ فيها بِتَقوَى اللّهِ رَبِّهِ ، فى سَرائِرِ اُمورِهِ وخَفِيّاتِ أعمالِهِ ، وأن يَلقاهُم بِبَسط الوَجهِ ، ولينِ الجانِبِ . وأمَرَهُ أن يَلزَمَ التَّواضُعَ ، ويَجتَنِبَ التَّکَبُّرَ ؛ فَإنَّ اللّهَ يَرفَعُ المُتَواضِعينَ ويَضَعُ المُتَکَبِّرينَ . ثُمَّ قالَ لَهُ : يا مِخنَفَ بنَ سُلَيمٍ ، إنَّ لَکَ فى هذِهِ الصَّدَقَهِ نَصيبا وحَقّا مَفروضا ، ولَکَ فيهِ شُرَکاءَ: فُقَراءَ ، ومَساکينَ ،وغارِمينَ ، ومُجاهِدينَ ، وأبناءَ سَبيلٍ ، ومَملوکينَ ، ومُتَأَلَّفينَ . وإنّا مُوَفّوکَ حَقَّکَ ، فَوَفِّهِم حُقوقَهُم ؛ وإلاّ فَإنَّکَ مِن أکثَرِ النّاسِ يَومَ القِيامَهِ خُصَماءَ ، وبُؤسا لِامرِئٍ أن يَکونَ خَصمَهُ مِثلُ هؤُلاءِ ! (3)

.

1- .نهج البلاغه : الكتاب 26 .
2- .تهذيب الأحكام : 6 / 293 / 811 .
3- .دعائم الإسلام : 1 / 252 ، بحار الأنوار : 96 / 85 / 7 .

امام علی علیه السلام در نامه اش به یکی از کارگزارانش که وی را برای گرفتن زکات فرستاده بود : تو را در این زکات ، بهره ای معیّن و حقّی معلوم است و شریکانی مستمند داری و ناتوانانی نیازمند [که در آن ، با تو شریکند] . ما حقّ تو را سراسر می پردازیم ؛ پس تو [نیز] حقوق ایشان را یکسره ادا کن ؛ و گرنه ، روز قیامت از کسانی هستی که بیش ترین دادخواه را دارند . و بَدا به حال کسی که دشمنش نزد خدا ، فقیران و مستمندان و نیازخواهان و رانده شدگان و وامداران تهیدست و در راه ماندگان باشند!

تهذیب الأحکام از محمّد بن ابی حمزه از مردی که این خبر را از امیرالمؤمنین علیه السلامدریافته است:پیرمردی نابینا که دریوزگی می کرد ، برگذشت . امیرالمؤمنین علیه السلامفرمود: «این کیست؟» گفتند: «ای امیرالمؤمنین! او یک مسیحی است» . [راوی]گفت: امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: «او را به کار گرفتید تا پیر و ناتوان شد ؛ آن گاه ، بازش داشتید؟ از بیت المال به وی انفاق کنید» .

دعائم الإسلام:علی علیه السلام در سفارشی بلند به مِخنف بن سُلَیم اَزدی ، آن گاه که برای گردآوری زکات می فرستادش ، او را فرمان داد که تقوای پروردگارْ خداوندش را در امور نهانی و کارهای پنهانش پیشه کند و با مردم به گشاده رویی و نرم خویی روبه رو شود . و [نیز] به او دستور داد که فروتنی پیش گیرد و از بزرگی فروختن دوری گزیند ؛ که همانا خدای فروتنان را فرا برمی کشد و بزرگی فروشان را فرو می اندازد . سپس به وی فرمود: «ای مِخنف بن سُلَیم! همانا تو را در این زکات ، بهره و حقّی معیّن است . و تو در آن شریکانی داری : فقیران ، مستمندان ، وامداران تهیدست ، جهادگران ، در راه ماندگان ، بردگان ، و نواخته دلان [تا به اسلام روی آورند] . به راستی ، ما حقّ تو را سراسر ادا می کنیم ؛ پس تو هم حقوق ایشان را کاملاً ادا کن ؛ و گرنه ، از کسانی خواهی بود که در روز قیامت بیش ترین دادخواه را دارند ؛ و بدا به حال کسی که دادخواهش کسی چون اینان باشد!

.

الكافى عن حبيب بن أبى ثابت :جاءَ إلى أميرِ المُؤمِنينَ عليه السلامعَسَلٌ وتينٌ مِن هَمَذانَ وحُلوانَ ، فَأَمَرَ العُرَفاءَ أن يَأتوا بِاليَتامى ، فَأَمكَنَهُم مِن رُؤوسِ الأَزقاقِ يَلعَقونَها وهُوَ يَقسِمُها لِلنّاسِ قَدَحا قَدَحا ، فَقيلَ لَهُ : يا أميرَ المُؤمِنينَ ، ما لَهُم يَلعَقونَها ؟! فَقالَ : إنَّ الإِمامَ أبُو اليَتامى ، وإنَّما أَلعَقتُهُم هذا بِرِعايَةِ الآباءِ . (1)

ربيع الأبرار عن أبى الطّفيل :رَأَيتُ عَلِيّا كَرَّمَ اللّهُ وَجهَهُ يَدعُو اليَتامى فَيُطعِمُهُمُ العَسَلَ ، حَتّى قالَ بَعضُ أصحابِهِ : لَوَدِدتُ أنّى كُنتُ يَتيما ! (2)

أنساب الأشراف عن الحكم :شَهِدتُ عَلِيّا وأُتِىَ بِزِقاقٍ مِن عَسَلٍ ، فَدَعَا اليَتامى وقالَ : دِبُّوا وَالعَقوا ، حَتّى تَمَنَّيتُ أنّى يَتيمٌ! فَقَسَمَهُ بَينَ النّاسِ وبَقِىَ مِنهُ زِقٌّ ، فَأَمَرَ أن يُسقاهُ أهلُ المَسجِدِ . (3)

المناقب لابن شهرآشوب :نَظَرَ عَلِىٌّ إلَى امرَأَةٍ عَلى كَتِفِها قِربَةُ ماءٍ ، فَأَخَذَ مِنهَا القِربَةَ فَحَمَلَها إلى مَوضِعِها ، وسَأَلَها عَن حالِها فَقالَت : بَعَثَ عَلِىُّ بنُ أبى طالِبٍ صاحِبى إلى بَعضِ الثُّغورِ فَقُتِلَ ، وتَرَكَ عَلَىَّ صِبيانا يَتامى ، ولَيسَ عِندى شَىءٌ ؛ فَقَد ألجَأتنِى الضَّرورَةُ إلى خِدمَةِ النّاسِ . فَانصَرَفَ وباتَ لَيلَتَهُ قَلِقا ، فَلَمّا أصبَحَ حَمَلَ زِنبيلاً فيهِ طَعامٌ ، فَقالَ بَعضُهُم : أعطِنى أحمِلهُ عَنكَ ، فَقالَ : مَن يَحمِلُ وِزرِى عَنّى يَومَ القِيامَةِ !؟ فَأتى وقَرَعَ البابَ ، فَقالَت : مَن هذا ؟ قالَ : أنَا ذَلِكَ العَبدُ الَّذى حَمَلَ مَعَكِ القِربَةَ ، فَافتَحى فَإِنَّ مَعى شَيئا لِلصِّبيانِ ؛ فَقالَت : رَضِىَ اللّهُ عَنكَ وحَكَمَ بَينى وبَينَ عَلِىِّ بنِ أبى طالِبٍ !فَدَخَلَ وقالَ : إنّى أحبَبتُ اكتِسابَ الثَّوابِ فَاختارى بَينَ أن تَعجِنينَ وتَخبِزينَ ، وبَينَ أن تُعَلِّلينَ الصِّبيانَ لِأَخبِزَ أنا ، فَقالَت : أنَا بِالخُبزِ أبصَرُ وعَلَيهِ أقدَرُ ، ولكِن شَأنَكَ وَالصِّبيانَ ؛ فَعَلَّلَهُم حَتّى أفرَغَ مِنَ الخُبزِ . فَعَمَدَت إلَى الدَّقيقِ فَعَجَنَتهُ ، وعَمَدَ عَلِىٌّ عليه السلام إلَى اللَّحمِ فَطَبَخَهُ ، وجَعَلَ يُلقِمُ الصِّبيانَ مِنَ اللَّحمِ وَالتَّمرِ وغَيرِهِ ، فَكُلَّما ناوَلَ الصِّبيانَ مِن ذلِكَ شَيئا قالَ لَهُ : يا بُنَىَّ ، اجعَل عَلِىَّ بنَ أبى طالِبٍ فى حِلٍّ مِمّا مَرَّ فى أمرِكَ . فَلَمَّا اختَمَرَ العَجينُ قالَت : يا عَبدَ اللّهِ ، سَجِّرِ التَّنّورَ ، فَبادَرَ لِسَجرِهِ ، فَلَمّا أشعَلَهُ ولَفَحَ فى وَجهِهِ جَعَلَ يَقولُ : ذُق يا عَلِىُّ ! هذا جَزاءُ مَن ضَيَّعَ الأَرامِلَ وَاليَتامى . فَرَأَتهُ امرَأَةٌ تَعرِفُهُ فَقالَت : وَيحَكِ ! هذا أميرُ المُؤمِنينَ . قالَ : فَبادَرَتِ المَرأَةُ وهِىَ تَقولُ : وا حَياىَ مِنكَ يا أميرَ المُؤمِنينَ ! فَقالَ : بَل وا حَياىَ مِنكِ يا أمَةَ اللّهِ فى ما قَصَّرتُ فى أمرِكِ ! (4)

.

1- .الكافی : 1 / 406 / 5 ، بحار الأنوار : 41 / 123 / 30 .
2- .ربیع الأبرار : 2 / 148 ، المعیار والموازنه : 251 نحوه ؛ المناقب لابن شهرآشوب : 2 / 75 .
3- .أنساب الأشراف : 2 / 373 .
4- .المناقب لابن شهرآشوب : 2 / 115 ، بحار الأنوار : 41 / 52 .

الکافی از حبیب بن ابی ثابت :مقداری عسل و انجیر از هَمَذان و حُلوان (1) برای امیرالمؤمنین علیه السلامرسید . وی به سرکردگان قبایل و گروه ها فرمان داد که یتیمان را بیاورند . سپس در حالی که آن را کاسه به کاسه میان مردم تقسیم می فرمود ، اجازه داد که یتیمان از سرِ مَشک ها آن را با زبان برگیرند . به او گفته شد: «ای امیرالمؤمنین! چرا یتیمان آن را با زبان برمی گیرند؟» فرمود: «امام پدرِ یتیمان است . تنها به آن سبب این کار را کردم که همچون پدران رعایت حالشان کرده باشم» .

ربیع الابرار از ابوالطّفیل:علی خدایش سرافراز کناد! را دیدم که یتیمان را فرا می خوانَد و به ایشان عسل می خورانَد ؛ چندان [به آنان مهر می ورزید]که یکی از یارانش گفت: «هر آینه آرزو دارم من هم یتیم می بودم» .

انساب الاشراف از حکم :علی را دیدم که چند مَشک عسل برایش آوردند . یتیمان را فراخواند و فرمود: «بر زمین بخزید و با زبان [از این عسل ها]برگیرید» ؛ چندان [از این رویداد شعف زده شدم] که آرزو کردم کاش یتیم بودم! سپس آن را میان مردم تقسیم فرمود . مَشکی باقی ماند ؛ فرمود تا آن را به اهل مسجد بنوشانند .

المناقب از آنِ ابن شهرآشوب :علی زنی را دید که مَشکِ آبی بر شانه داشت . مشک را از وی گرفت و آن را تا جای خود حمل کرد . سپس از حال آن زن پرسید . زن گفت: «علیّ بن ابی طالب همسر مرا به یکی از نقاط مرزی فرستاد و وی کشته شد و کودکان یتیم را برایم به جا نهاد ، در حالی که من بی چیز مانده ام و ناچار شده ام که برای مردم خدمتکاری کنم» . علی بازگشت و شب را در اضطراب به سر بُرد . صبحگاهان انبانی خوراک برداشت . یکی از یارانش گفت: «آن را به من ده تا برایت حمل کنم» . گفت: «روز قیامت ، چه کس بارِ مرا برایم حمل خواهد کرد؟» سپس [به خانه زن] رسید و در زد . زن گفت: «کیست؟» گفت: «همان بنده ای هستم که مشک را برایت آورد . در بگشا ؛ که همراهم چیزی برای کودکان است» . زن گفت: «خدای از تو خشنود باشد و میان من و علیّ بن ابی طالب داوری کند!» . علی به درون رفت و گفت: «من دوست می دارم پاداش بَرَم ؛ پس یا آرد را خمیر کن و نان بپز و یا کودکان را مشغول دار تا من نان بپزم» . زن گفت: «من به نان پختن آشناتر و تواناترم ؛ امّا تو

می توانی کودکان را نگاه داری . پس تو به کودکان پرداز تا من از نان پختن آسوده شوم» . سپس زن به کار آرد پرداخت و آن را خمیر کرد و علی گوشت را پخت و از گوشت و خرما و جز آن برای آن کودکان لقمه برگرفت . پس هر گاه به کودکی چیزی می داد ، به وی می گفت: «فرزندم! علیّ بن ابی طالب را به سبب آن چه درباره تو روا داشته ، حلال کن!» و چون خمیر برآمد ، زن گفت: «ای بنده خدا! تنور را برافروز!» علی به افروختن تنور پرداخت و آن گاه که تنور شعله کشید و صورتش را گداخت ، گفت: «ای علی! بچش . این است جزای کسی که بیوگان و یتیمان را رها کرده است!» پس زنی که علی را می شناخت ، او را دید و گفت: «وای بر تو! این امیرالمؤمنین است» . [راوی] گفت: پس زن پیش شتافت و گفت: «ای امیرالمؤمنین! بسی شرمسار تو هستم» . و علی گفت: «بلکه من شرمسار توام ای کنیز خدا! به سبب کوتاهی ای که در کار تو روا داشتم» .

.

1- .حُلوان شهری است کهن در غرب ایران که عرب ها آن را به سال 640 م . فتح کردند؛ سلجوقی ها در 1046 م. سوزاندند؛ و زلزله در 1149 م. یکسره ویرانش کرد (المنجد فی الاعلام : 257).

كشف اليقين :رُوِىَ أَنَّهُ [أى عَلِيّاً عليه السلام] اجتازَ لَيلَةً عَلَى امرَأَةٍ مِسكينَةٍ لَها أطفالٌ صِغارٌ يَبكونَ مِنَ الجوعِ ، وهِىَ تُشاغِلُهُم وتُلهيهِم حَتّى يَناموا ، وكانَت قَد أشعَلَت نارا تَحتَ قِدرٍ فيها ماءٌ لا غَيرُ ، وأوهَمَتهُم أنَّ فيها طَعاما تَطبَخُهُ لَهُم ، فَعَرَفَ أميرُ المُؤمِنينَ عليه السلام حالَها ، فَمَشى عليه السلام ومَعَهُ قَنبَرٌ إلى مَنزِلِهِ ، فَأخرَجَ قَوصَرَّةَ تَمرٍ وجِرابَ دَقيقٍ وشَيئا مِنَ الشَّحمِ وَالأُرُزِ وَالخُبزِ ، وحَمَلَهُ عَلى كَتِفِهِ الشَّريفِ ، فَطَلَبَ قَنبَرٌ حَملَهُ، فَلَم يَفعَل . فَلَمّا وَصَلَ إلَى بابِ المَرأَةِ استَأذَنَ عَلَيها ، فَأذِنَت لَهُ فِى الدُّخولِ ، فَأرمى شَيئا مِنَ الأُرُزِ فِى القِدرِ ومَعَهُ شَىءٌ مِنَ الشَّحمِ ، فَلَمّا فَرَغَ مِن نَضجِهِ عَرَّفَهُ لِلصِّغارِ وأمَرَهُم بِأكلِهِ ، فَلَمّا شَبِعوا أخَذَ يَطوفُ بِالبَيتِ ويُبَعبِعُ لَهُم ، فَأخَذوا فِى الضِّحكِ . فَلَمّا خَرَجَ عليه السلام قالَ لَهُ قَنبَرٌ : يا مَولاىَ ، رَأيتُ اللَّيلَةَ شَيئا عَجيبا قَد عَلِمتُ سَبَبَ بَعضِهِ ؛ وهُوَ حَملُكَ لِلزّادِ طَلَبا لِلثَّوابِ ، أمّا طَوافُكَ بِالبَيتِ عَلى يَدَيكَ ورِجلَيكَ وَالبَعبَعَةُ فَما أدرى سَبَبَ ذلِكَ ! فَقالَ عليه السلام : يا قَنبَرُ ، إنّى دَخَلتُ عَلى هؤُلاءِ الأطفالِ وهُم يَبكونَ مِن شِدَّةِ الجوعِ ، فَأحبَبتُ أن أخرُجَ عَنهُم وهُم يَضحَكونَ مَعَ الشِّبَعِ ، فَلَم أجِد سَبَبا سِوى ما فَعَلتُ . (1)

.

1- .كشف اليقين : 136 / 129 .

کشف الیقین :روایت شده است که علی علیه السلام شبی بر زنی بینوا برگذشت . زن کودکانی کوچک داشت که از گرسنگی می گریستند و او ایشان را سرگرم و مشغول می ساخت تا بخوابند و زیر ظرفی که تنها در آن آب بود ، آتش برافروخته بود تا ایشان را بدین خیال اندازد که در آن ظرف غذایی برایشان می پزد . امیرالمؤمنین علیه السلام حال وی را دریافت ؛ پس در راه شد و همراه قنبر به خانه باز آمد . آن گاه ، ظرفی خرما ، کیسه ای آرد ، و قدری گوشت و برنج و نان برگرفت و بر دوش مبارکش کشید . قنبر اجازه خواست که آن را حمل کند ، ولی امام نپذیرفت . چون علی علیه السلام به در خانه آن زن رسید ، از او رخصت خواست و وی اجازه داخل شدن داد . علی علیه السلامقدری برنج را همراه مقداری گوشت درون دیگی نهاد و آن گاه که از پختن آن فراغت یافت ، آن را نزد کودکان آورد و خواست که بخورند . چون سیر شدند ، گرد اتاق به چرخش درآمد و برایشان صدای گوسفند درآورد و آنان به خنده افتادند . آن گاه که علی علیه السلام برون آمد ، قنبر به وی گفت: «مولای من! امشب چیزی شگفت دیدم که دلیل بخشی از آن را دانستم ؛ و آن ، توشه بردنت در جست و جوی پاداشِ [خداوند] بود . امّا بر دست و پا چرخیدنت پیرامون اتاق و صدای گوسفند درآوردنت را سبب ندانستم» . فرمود: «ای قنبر! من نزد این کودکان رفتم ، در حالی که از شدّت گرسنگی می گریستند . پس خواستم تا در حالی از نزد آنان خارج شوم که در حال سیری بخندند . و [برای این منظور] دستاویزی جز آن چه کردم ، نیافتم» .

.

6 / 6 3التَّقَشُّفُ وَالاِحتِياطُالإمام علىّ عليه السلام فى كِتابِهِ إلى عُمّالِهِ : أدِقّوا أقلامَكُم ، وقارِبوا بَينَ سُطورِكُم ، وَاحذِفوا عَنّى فُضولَكُم ، وَاقصِدوا قَصدَ المَعانى ، وإيّاكُم وَالإِكثارَ! فَإِنَّ أموالَ المُسلِمينَ لا تَحتَمِلُ الإِضرارَ . (1)

إحقاق الحقّ :كانَ أميرُ المُؤمِنينَ عَلِىٌّ دَخَلَ لَيلَةً فى بَيتِ المالِ يَكتُبُ قِسمَةَ الأموالِ ، فَوَرَدَ عَلَيهِ طَلحَهُ وَالزُّبَيرُ ، فَأطفَأَ عليه السلام السِّراجَ الَّذى بَينَ يَدَيهِ ، وأمَرَ بِإحضارِ سِراجٍ آخَرَ مِن بَيتِهِ ، فَسَأَلاهُ عَن ذلِكَ ، فَقالَ : كانَ زَيتُهُ مِن بَيتِ المالِ ؛ لا يَنبَغى أن نُصاحِبَكُم فى ضَوئِهِ . (2)

.

1- .الخصال : 310 / 85 عن محمّد بن إبراهيم النوفلى رفعه إلى الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام ، بحار الأنوار : 41 / 105 / 6 .
2- .إحقاق الحقّ : 8 / 539 ، المناقب المرتضويّه : 289 .

6 / 6 - 3پارساپیشگی و احتیاط ورزیامام علی علیه السلام در نامه اش به کارگزارانش : قلم های خویش را تیز کنید و میان سطرهاتان کم فاصله نهید و سخن های زیاده برایم ننویسید و آن چه را مقصود است بیاورید و از زیاده نویسی بپرهیزید ؛ که همانا دارایی مسلمانان تحمّل ضرر رسانی را ندارد .

احقاق الحق :شبی امیرالمؤمنین علی به بیت المال درون شد تا تقسیم نامه اموال را بنویسد . طلحه و زبیر نزد وی رفتند . او چراغ پیش رویش را خاموش کرد و دستور داد چراغی دیگر از خانه اش بیاورند . آن دو درباره این کار از او پرسیدند . گفت: «روغن آن چراغ از بیت المال بود و سزاوار نبود که در پرتوِ آن با شما به صحبت بنشینم» .

.

6 / 6 4عَدَمُ استِئثارِ الأَولادِ وَالأَقرِباءِالاستيعاب :كانَ عَلِيٌّ رضى الله عنه . . لا يَترُكُ فى بَيتِ المالِ مِنهُ إلاّ ما يَعجِزُ عَن قِسمَتِهِ فى يَومِهِ ذلِكَ ، ويَقولُ : يا دُنيا غُرِّى غَيرى ! ولَم يَكُن يَستَأثِرُ مِنَ الفَىءِ بِشَىءٍ ، ولا يَخُصُّ بِهِ حَميما ولا قَريبا . (1)

الاختصاص فى ذِكرِ مَناقِبِ الإمامِ أميرِ المُؤمِنينَ عليه السلام: دَخَلَ النّاسُ عَلَيهِ قَبلَ أن يُستَشهَدَ بِيَومٍ ، فَشَهِدوا جَميعا أنَّهُ قَد وَفَّرَ فَيئَهُم ، وظَلَفَ عَن دُنياهُم ، ولَم يَرتَشِ فى إجراءِ أحكامِهِم ، ولَم يَتَناوَل مِن بَيتِ مالِ المُسلِمينَ ما يُساوى عِقالاً ، ولَم يَأكُل مِن مالِ نَفسِهِ إلاّ قَدرَ البُلغَهِ ؛ وشَهِدوا جَميعا أنَّ أبعَدَ النّاسِ مِنهُم بِمَنزِلَهِ أقرَبِهِم مِنهُ ! (2)

6 / 6 5حُرمَهُ بَذلِ الأموالِ العامَّهالإمام علىّ عليه السلام :جودُ الوُلاهِ بِفَىءِ المُسلِمينَ جَورٌ وخَترٌ . (3)

عنه عليه السلام مِن كَلامٍ لَهُ كَلَّمَ بِهِ عَبدَ اللّهِ بنَ زَمعَهَ ، وهُوَ مِن شيعَتِهِ ، وذلِكَ أنَّهُ قَدِمَ عَلَيهِ فى خِلافَتِهِ يَطلُبُ مِنهُ مالاً : إنَّ هذَا المالَ لَيسَ لى ولا لَكَ ، وإنَّما هُوَ فَىءٌ لِلمُسلِمينَ وجَلبُ أسيافِهِم ؛ فَإن شَرِكتَهُم فى حَربِهِم كانَ لَكَ مِثلُ حَظِّهِم ، وإلاّ فَجَناهُ أيديهِم لا تَكونُ لِغَيرِ أفواهِهِم . (4)

.

1- .الاستيعاب : 3 / 210 / 1875 .
2- .الاختصاص : 160 .
3- .غرر الحكم : 4725 .
4- .نهج البلاغه : الخطبه 232 ، المناقب لابن شهرآشوب : 2 / 110 ، غرر الحكم : 3702 نحوه .

6 / 6 4 برتری ندادنِ فرزندان و خویشان

6 / 6 5 حرام بودنِ بخشش اموال عمومی

6 / 6 - 4برتری ندادنِ فرزندان و خویشانالاستیعاب :علی خدای از او خشنود باد! . . . هیچ بخشی از بیت المال را باقی نمی نهاد ، مگر این که در آن روز برای تقسیم آن بخش جایگاهی نیافته باشد ؛ و می گفت: «ای دنیا! جز مرا بفریب» . و در هیچ چیز از اموال عمومی ، امتیازخواهی نمی کرد و دوست و خویشاوندی را برتری نمی داد .

الاختصاص در بیان ویژگی های امام امیرالمؤمنین علیه السلام : یک روز پیش از شهادت وی ، مردم نزد او آمدند و همگی شهادت دادند که وی اموال عمومی را به وفور میانشان تقسیم کرده ، با دنیای ایشان خویشتندارانه برخورد نموده ، در اجرای احکام آنان به رشوه تن نداده ، حتّی به اندازه رشته ای پشمین به بیت المال مسلمانان چنگ نینداخته ، و جز به قدر نیاز از مال خود نخورده است . و [نیز]همه گواهی دادند که دورترین و نزدیک ترین کسان به وی ، در یک منزلت قرار داشته اند .

6 / 6 - 5حرام بودنِ بخشش اموال عمومیامام علی علیه السلام :ستم ورزیدنِ حکمرانان به اموال مسلمین ، بیدادگری و خیانت است .

امام علی علیه السلام در گفتاری با عبداللّه بن زمعه ، یکی از شیعیان وی ، به مناسبت آن که در دوران خلافتش از او مالی طلب کرده بود : این مال نه از آنِ من است و نه تو ، بلکه دارایی مسلمانان است که به نیروی شمشیرهاشان به دست آمده است . پس اگر تو در نبردشان با آنان همراه بوده ای ، همانند ایشان بهره می بری ؛ وگرنه ، دستاورد ایشان جز برای خود آنان نیست .

.

دعائم الإسلام :إِنَّهُ [أى عَلِيّاً عليه السلام] جَلَسَ يَقسِمُ مالاً بَينَ المُسلِمينَ ، فَوَقَفَ بِهِ شَيخٌ كَبيرٌ فَقالَ : يا أميرَ المُؤمِنينَ ، إنّى شَيخٌ كَبيرٌ كَما تَرى ، وأنَا مُكاتَبٌ ، فَأعِنّى مِن هذَا المالِ ، فَقالَ : وَاللّهِ ، ما هُوَ بِكَدِّ يَدى ولا تُراثى مِنَ الوالِدِ ، ولكِنّها أمانَهٌ اُرعيتُها فَأنَا اُؤَدّيها إلى أهلِها ، ولكِن اجلِس . فَجَلَسَ وَالنّاسُ حَولَ أميرِ المُؤمِنينَ ، فَنَظَرَ إلَيهِم فَقالَ : رَحِمَ اللّهُ مَن أعانَ شَيخا كَبيرا مُثقَلاً ! فَجَعَلَ النّاسُ يُعطونَهُ . (1)

.

1- .دعائم الإسلام : 2 / 310 / 1171 ، المناقب لابن شهرآشوب : 2 / 110 نحوه وفيه «فوقف به عاصم ابن ميثم» بدل «فوقف به شيخ كبير» .

دعائم الإسلام:وی [= علی علیه السلام] به تقسیم مال میان مسلمانان برنشست . مردی بس سالخورده نزد وی ایستاد و گفت: «ای امیرالمؤمنین! همان گونه که می بینی ، من پیری سالخورده ام و بنده ای هستم به تقسیط آزاد شده ؛ پس از این مال مرا یاری ده» . فرمود: «به خدا سوگند! این نه دسترنج من است و نه میراثم از پدر ، بلکه امانتی است که به من سپرده شده و آن را به اهلش می رسانم . با این حال ، بنشین!» پس وی نشست . مردم گرداگرد امیرالمؤمنین بودند . وی به ایشان نگریست و گفت: «خدای رحمت کند کسی را که به پیری سالخورده و گرانبار کمک کند!» آن گاه ، مردم به وی بخشش کردند .

.

ص: 500

ص: 501

جلد 2

بخش سوم : اصول توسعه

اشاره

بخش سوم: اصول توسعهفصل یکم: اصول اعتقادیفصل دوم: اصول حقوقیفصل سوم : اصول اخلاقیفصل چهارم : اصول عبادیفصل پنجم: اصول اجتماعیفصل ششم : اصول بهداشتیفصل هفتم : اصول دیگر

.

ص: 502

. .

اصول ، موانع ، و آفاتِ توسعهبی شک ، مواجهه با عناصر مندرج زیر عنوان «اصول توسعه اقتصادی یا موانع و آفات آن» واکنش اقتصاددانان جهان معاصر را برمی انگیزد و ایشان را در بهت فرو می برد و این پرسش را در ذهن آنان ترسیم می کند: «چه پیوندی میان این عناصر و توسعه اقتصادی وجود دارد؟» آنان ادّعا می کنند: «شماری از آن چه با نام اصول و بنیان های توسعه آورده شده ، نه تنها در توسعه اقتصادی سهمی ندارد ، بلکه در ردیف موانع و آفات آن است ؛ و به عکس ، برخی از آن چه در زمره موانع و آفات ذکر شده ، نه فقط در روند توسعه اقتصادی خللی پدید نمی آورد ، بلکه از مقدّمات آن به شمار می آید . عناصری همچون اعتقاد به روزی ده بودنِ خداوند و این که خداوند رزّاق است و روزی های مردم را تقدیر می فرماید ؛ نیز تشویق به زهد و قناعت و حرص نورزیدن به ثروت اندوزی ، و تأکید بر این که حرصِ فراوان روزی مقدّر را نمی افزاید ؛ و همچنین اعتقاد به تأثیر تقوا و توکّل در افزایش درآمد و رشد ثروت ، و اموری از این دست سبب می شوند که امید به افزایش رفاه زندگی از طریق کار و سختکوشی از میان برود . به این ترتیب ، چنین عناصری را باید از موانع و آفات توسعه اقتصادی دانست» .

.

به همین سان ، در نظرگاه اقتصاد معاصر ، عناصری همچون رباخواری ، آزمندی ، و ثروت اندوزی نه تنها از موانع و آفات توسعه اقتصادی نیستند ، بلکه از مقدّمات و پایه های آن به شمار می آیند . پیش از پرداختن به متون اسلامی مربوط به تعیین اصول و موانع و آفات توسعه اقتصادی ، در این بخش به بیان ارتباط میان این عناصر و توسعه می پردازیم ، همان گونه که باید برخی از اصطلاحات خاص را برای گروهی که با قرآن و حدیث و منطق آن آشنا نیستند ، از رهگذر عناوین زیر تفسیر کنیم: 1. ارزش ها و توسعه برای تبیین نوع ارتباط میان اصول و موانع و آفات توسعه با رشد اقتصادی در دیدگاه اسلامی ، تذکّر نکات زیر ضرورت دارد ؛ و این ، افزون بر توضیحی است که درباره تأثیر و نقش ارزش های اخلاقی در توسعه در مقدّمه کتاب عرضه شد: الف . درگذشتن از قلمرو دانش معاصر نخستین نکته درباره تأثیر و نقش مسائل معنوی در توسعه اقتصادی ، آن است که این ارتباط از سطح دانش انسانی معاصر فراتر است . از این رو ، جز در چهارچوب یک نگرش جهان بینانه ، نمی توان تحلیلی مبنایی از این امور ارائه داد . بدین ترتیب ، نمی توان انتظار داشت گروه هایی که با دیدگاهی مادّی و بر پایه مبانی و ارزش های این مکتب ، برنامه های اقتصادی خود را عرضه می کنند ، به تأثیر ارزش های معنوی در اقتصاد ایمان بیاورند . آن چه آشکارا می توان در پاسخ به منکرانِ اثرگذاریِ امور معنوی در مسائل مادّی گفت ، همان جواب قرآن کریم است:

.

««بَلْ کَذَّبُواْ بِمَا لَمْ یُحِیطُواْ بِعِلْمِهِی . (1) » ؛ بلکه آن چه را که به دانشِ آن نرسیدند ، دروغ پنداشتند» . آری ؛ اینان آن چه را که در قلمرو دانش خود نمی یابند ، انکار می کنند ، حال آن که اگر اندکی می اندیشیدند ، درمی یافتند که عقل روا نمی دارد آن چه را نمی دانند و نمی شناسند انکار کنند . در نیافتنِ تأثیر متقابل ارزش های معنوی یا ضدّ ارزش ها بر روند توسعه اقتصادی ، نمی تواند دلیل عدم تأثیر آن باشد ؛ زیرا دانش نداشتن به چیزی دلیلِ انکار آن نیست . بدین ترتیب ، انکار کردن نقش ارزش ها در توسعه ، نه پایه عقلی دارد و نه اساس علمی ؛ و فقط از جهل انکار کننده سرچشمه می گیرد . در پرتو جهان بینی اسلامی ، همه پدیده ها به سرچشمه علّت ها و آفریننده حقیقی ، یعنی خداوند سبحان ، باز می گردند ، بی آن که میان عوامل مادّی و معنوی تفاوتی باشد . در چهارچوب این دیدگاه ، معنویّت می تواند از دل مادّیّت سر برآورَد و نیز مادّیّت از درون معنویّت سرچشمه گیرد ، چنان که پیش تر توضیح دادیم . (2) به سخن دیگر ، از دید جهان بینی اسلامی و در بستر واقعیّت ، ارزش های انسانی همان گونه که سبب توسعه سیاسی و فرهنگی و اجتماعی می شوند ، یکی از مجراهای امداد غیبی خداوند که پدیده توسعه اقتصادی را پشتوانه اند و با ایجاد زمینه های رشد و شکوفایی ، آن را بالنده می کنند . صحنه های زندگی ، گستره های این حقیقتِ فراگسترند ؛ و هر که خواهد ، تواند آن را بیازماید . (3) این صحنه گاه تاریخ است که سرشار از رویدادها و

.

1- .یونس: 39.
2- .بنگرید : ص27 (نقش ارزش های معنوی در توسعه).
3- .می توانم از تجربه شخصی خویش در اجرای طرح توسعه حرم حضرت عبدالعظیم حسنی علیه السلام مثالی بیاورم. این طرح با آن که از طرح های بزرگ ملّی در ایران به شمار می رود؛ با موفّقیّت به پایان رسید ، آن هم با امکاناتی نه چندان قابل توجّه. با فضل خداوند سبحان و به مدد توکّل بر او ، و با یاری جستن از روح حضرت عبدالعظیم علیه السلام ، و نیز با برنامه ریزی و مدیریّت صحیح ، این مهم به انجام رسید ، چنان که ان شاء اللّه در خاطره نامه من از تولیت آن حرم شریف به تفصیل خواهد آمد.

پدیده های فراوان از حیات افراد و امّت ها است که با علّت ها و انگیزه های مادّی محض قابل تفسیر نیستند . ب. ارتباط آشکار میان بخشی از ارزش ها و توسعه در خور توجّه است که ارتباط میان اصول یا موانع معنوی با توسعه ، به نسبت همه این اصول و موانع ، پیچیده به نظر نمی رسد ؛ بلکه ارتباط بخشی از اصول معنوی ، همچون زکات و خمس و صدقه و وقف و نذر ، با توسعه از مسائل آشکار است که به توضیح نیاز ندارد . ارتباط برخی از موانع ضدّ ارزشی ، همچون ستم و احتکار ، با عقب ماندگی اقتصادی ، نیز به همین وضوح است . این امور ، علاوه بر نقش مثبت یا منفی ای که در زندگی معنوی انسان دارند ، بر نحوه توزیع ثروت تأثیر مستقیم به جای می گذارند ؛ تا آن جا که بررسی های تجربی در بسیاری از کشورهای توسعه یافته نشان می دهد که در روزگار ما ، رعایت عدالت در توزیع ثروت تأثیری مثبت بر رشد اقتصادی دارد . (1) ج. ارتباط غیر مستقیم میان برخی از ارزش ها و توسعه جز آن چه تاکنون به آن اشاره شد ، برخی دیگر از ارزش های معنوی تأثیری غیر مستقیم و انکارنشدنی بر توسعه و شکوفایی اقتصادی دارند . در این میان ، تفاوتی نیست میان آن چه که تنها در چهارچوب تربیت روانی جای دارد و آن چه که تضمین کننده سلامت و تقویت جسم انسان است .

.

1- .بنگرید به : نظام های اقتصادی ، دکتر حسین نمازی ، ص1

به طور عام ، ارتباط با خدای سبحان ، توجّه به معنویات و انس با فضای آن ، دوری گزیدن از صفات ناپسند مغایر با ارزش های اخلاقی و عملی ، آراسته شدن به خصوصیّت پشتکار و درست انجام دادن کارها ، برخورداری از ویژگی امانتداری و درستکاری ، همگی عناصری هستند که همبستگی اجتماعی را در سازندگی اجتماع تقویت می کنند و در ایجاد فضایی مناسب برای برقراری امنیّت و آرامش و عدالت در جامعه سهم دارند ؛ و این ها ، خود ، از شروط مهمّ توسعه و شکوفایی اقتصادی ، در همه صورت های آن ، هستند . (1) 2. تقدیر و توسعه خداوند روزی دهنده انسان و همه آفریدگان و جنبندگان در گسترده پهناور هستی است . این همان حقیقتی است که شواهد فصل اوّل از بخش سوم (اصول توسعه) که به زودی خواهد آمد ، به آن گواهی می دهند . هیچ جنبنده ای نیست مگر آن که خداوند روزی اش را تقدیر فرموده و به مقتضای حکمت خویش و برای آزمودن انسان ، آن را گسترده یا تنگ گرفته است . پس نه آزمندیِ انسان حریص سبب می شود که بیش از روزیِ مقدّر حاصل شود و نه کراهت ورزیدن فردِ ناخوش دارنده آن را می کاهد . و البتّه انسان می تواند با رعایت تقوای خداوند و توکّل بر او ، از رهگذرِ سبب های غیر طبیعی و به شکلی درنیافتنی و ندانستنی ؛ روزی یابد . اکنون این پرسش پیش می آید که اعتقاد به چنین اصول و پایه هایی چه هدفی را دنبال می کند ؛ و آیا این باورها خاستگاه توسعه اند یا مانع و آفتِ آن به

.

1- .بنگرید به : المیزان فی تفسیر القرآن ، ج 10 ، ص 300 و ج 8 ، ص 197 201؛ امدادهای غیبی ، ص 59 89؛ انسان و سرنوشت ، ص 87 و 96؛ سنّت های تاریخ در قرآن کریم ، ترجمه سیّد جمال موسوی ، ص 130 138؛ و گفتارهای معنوی ، ص 75.

شمار می آیند . پیش تر اشاره کردیم که شناخت زبان قرآن و حدیث و دریافتنِ منطق مخصوص آن ، برای فهم صحیح معارف اسلامی ضرورت دارد . آن گاه که انسان با این منطق آشنا گردد یا سیره آشنایان با آن منطق را بررسی کند ، به آسانی در می یابد که چنین باورهایی نه فقط مانع توسعه نیستند ، بلکه بهترین عامل برای تحقّق توسعه الگو و مطلوب به شمار می آیند . اینک شرحی مختصر بر عناوینی که گذشت ، می نگاریم: الف . رازق بودنِ خداوند در فرهنگ قرآن و حدیث ، «رزق» (1) عبارت است از هر چیزی که برای تأمین زندگی مادّی و معنوی موجودهای زنده ضرورت داشته باشد . رازق بودن خداوند به این معنا است که خداوند سبحان روزیِ همه موجودهای زنده را در نظام آفرینش و هستی تأمین فرموده و راه دستیابی به آن را نیز برای آن ها هموار ساخته ، همان گونه که ابزارهای دسترسی به آن را نیز در اختیارشان نهاده است . در جهان بینی توحیدی ، هر پدیده ای خواه آن که به اراده انسان حرکت می یابد و خواه آن که اراده انسان در آن نقشی ندارد بی تردید به علّتِ همه علّت ها و سبب آفرینیِ همه سبب ها که خداوند سبحان است ، منتهی می شود ؛ و

.

1- .عبدالرّحمان بن خلدون در تعریف رزق می گوید: «آن چه از تلاش و کار حاصل می شود یا ذخیره می گردد ، اگر برای بنده[ی خداوند] سود داشته باشد و از طریق مصرف آن در جهت مصالح و نیازهایش فایده ای در پی آورَد ، رزق نامیده می شود.. . و اگر انسان هیچ بهره ای در مصالح و نیازهای خویش از آن نبرد ، آن چیز برای وی رزق شمرده نمی شود و آن چه با تلاش و توان بنده[ی خدا] از این طریق حاصل شود ، «کسب» نام دارد (مقدّمه ، ابن خلدون ، کتاب اوّل ، فصل 5 ، ص 381 «در باب تأمین معاش و وجوب آن»). با این حال ، جست و جو در موارد کاربرد این واژه در قرآن و حدیث ، و تأمّل در این کاربردها ، نشان می دهد که رزق بر همه چیزهایی که برای ادامه زندگی مادّی و معنوی موجودهای زنده ضرورت دارند نیز ، اطلاق می شود.

«روزی» نیز یکی از همین پدیده ها است و از آن قاعده بیرون نیست . بدین سان ، رازق بودن خداوند هرگز با اراده انسان و آزادی انتخاب وی منافات ندارد ، همان گونه که نقش او را در تعیین سرنوشت مادّی و معنوی اش نفی نمی کند . پس خداوند جلّ جلاله روزی دهنده است ، لیکن انسان را آزاد نهاده تا خود به انتخاب راه زندگی اش بپردازد . (1) ب. تقدیر و تقسیمِ روزی ها در پرتو مطالب گذشته ، ضرورت دارد که برای تبیین معنای تقدیر و تقسیم روزی ها از نظر جهان بینی توحیدی و ارتباط آن با توسعه اقتصادی ، ملاحظاتی را ذکر کنیم: یک. با نگریستن به اصطلاح تقدیر در ارتباطش با پدیده های هستی ، روشن می شود که سیر و دوام هر پدیده بر پایه نظامی دقیق و حکیمانه استوار است . در دیدگاه اسلامی ، یکایک پدیده ها بر مبنای سنجش حکمت پروردگار آفریده شده (2) و در نظام هستی هیچ پدیده بیهوده ای وجود ندارد ؛ و هر چیز با سببی خاص (3) و در مسیری معیّن جریان می یابد ، به گونه ای که نقش وجودیِ خویش را در چهارچوب وضعیّت خاصّ خود ایفا کند . بر این پایه ، پدیده رزق و توسعه یا عقب ماندگی اقتصادی از این قانون تکوینی عامّ خداوندی بر کنار نیستند و این ها نیز دارای سبب های مخصوص و

.

1- .«همانا خداوند آن چه را گروهی دارند ، دگرگون نمی کند تا آن گاه که آن چه را در خودشان است [= صفات و اعمال خود را] دگرگون کنند» (رعد: 11).
2- .«ما هر چیزی را به اندازه آفریدیم» (قمر : 49).
3- .امام صادق علیه السلام فرمود: «خداوند می پرهیزد از این که چیزها را جز به سبب ها [ی مخصوص هر یک] جریان بخشد» (الکافی : 1 / 182 / 7).

عواملی هستند که از رهگذر آن و براساس حکمت رسای پروردگار جریان می یابند . پس تقدیر روزی ها معنایی جز این ندارد . دو . در موجودهای دارای اراده ، همچون انسان ، اختیار در مقدّرات نقش دارد ، آن هم به گونه ای که میان تقدیر و اختیار ناسازگاری نباشد . امّا در موجودهای بدون اراده ، مقدّرات به شکل جبری جریان می یابد . مثلاً خداوند سبحان برای خورشید و ماه مسیری معیّن برنهاده که در نظام آفرینش همواره در آن جریان دارند (1) ؛ و این تقدیر حکیمانه به صورت جبری تحقّق می یابد . امّا درباره موجودهای دارای اراده ، تقدیر خداوند اقتضا فرموده که هر کارشان با اختیار ، و البتّه با منشأ اراده و قدرتِ او ، تحقّق یابد . قرآن به این حقیقت تصریح کرده ؛ می فرماید: ««وَ أَن لَّیْسَ لِلْاِءنسَنِ إِلاَّ مَا سَعَی» ؛ و این که چیزی از آنِ انسان نیست ، جز آن قدر که کوشش کرده است» . از این رو ، درباره انسان که همواره دارای نیروی اراده است ، تقدیر خداوند چنین اقتضا کرده که هر چه بیشتر بکوشد ، به مقدّرات خویش نزدیکتر شود . از همین نظرگاه است که احادیث اسلامی بر این نکته تأکید ورزیده اند که خداوند سبحان روزیِ هر کس را تضمین فرموده ، مشروط به آن که فرد به کوشش و کار و حرکت و تلاش بپردازد . (2) سه. معنای تقسیمِ روزی ها در نظام آفرینش آن است که مقدّرات هر انسان با توان جسمی و اقتضائات روحی و فکری او تناسب دارد و با محیط طبیعی و

.

1- .« و خورشید به سوی قرارگاه خود می رود. این ، اندازه نهادنِ آن توانای بی همتا و دانا است. و ماه را [در پیمودنِ]منزل ها اندازه نهادیم تا همچون شاخه خرمای خشک دیرینه گردد »(یس: 38 و 39).
2- .بنگرید به: ص549 ([روزی] برای جوینده آن ضمانت شده است).

شخصیّت خانوادگی و اجتماعی اش سازگار است . از این رو است که تلاش های او هنگامی به توفیق می انجامد که با روند مقدّراتش سازگار باشد . در یک مثال متعارف ، می توان این سازگاری را دریافت : همان گونه که مقدّرات علمیِ انسانِ دارای حافظه قوی با فرد دارای حافظه متوسّط یا ضعیف تفاوت دارد ، مقدّرات مالی و اقتصادی افرادِ دارای وضعیّت های مختلف مالی نیز متفاوت است . امّا حکمتِ نهفته در این اختلافات آن است که هر انسانی به برآوردن بخشی از احتیاجات جامعه بپردازد . (1) باور داشتن تقدیر و تقسیم روزی ها بر پایه چنین تفسیری ، دو دستاورد مهم و تأثیرگذار در عرصه فعالیت های اقتصادی در پی دارد: یک. همه تلاش ها به سمت و سویی درست می گراید ، به گونه ای که هر کس شیوه ای را برای کسب روزی برمی گزیند که با توان و استعدادهای وی تناسب داشته باشد . این همان است که روایات اسلامی در این زمینه ، آن را تشویق و توصیه می کنند ؛ از جمله : «مَن رُزِقَ فی شَیءٍ فَلیَلزَمهُ ؛ هر کس که روزی اش در چیزی نهاده شده ، باید بر همان مداومت ورزد» . (2) دو. انسان احساس آرامش و امنیت روانی می کند . کسی که به تقدیر و تقسیم روزی ها ایمان دارد ، در می یابد که همه تلاش هایش در چهارچوب مقدرات چنانچه با توان وی هماهنگ باشد ، به ثمر می نشیند . نیز او درمی یابد که انسان نمی تواند به هر چه می خواهد دست یابد ؛ پس از بند حرص و افزون خواهی

.

1- .«ماییم که میان آنان ، مایه گذرانشان را در زندگی دنیا تقسیم کرده ایم و پایه های برخی را بر برخی برتر داشته ایم تا بعضی بعضِ دیگر را به خدمت گیرند»(زخرف: 32).
2- .بنگرید به: ص267 (پیوستگی در پیشه فراهم شده برای انسان) .

رها می گردد و خود را بازیچه رنج بیهوده و بی ثمر نمی کند . با این گونه رضایت از تقدیر ، چنین کسی به آرامش و امنیت روانی دست می یابد . کوتاه سخن این که تأکید روایات اسلامی بر مقدر بودن و تقسیم روزی ها در دو جنبه قابل ارزیابی است ؛ یکی سوق دادن و تنظیم تلاش ها در مسیر مناسب ، و دیگری ایجاد آرامش روانی برای کسی که در هر حال به تلاش ادامه می دهد ، بی آن که به حرص مبتلا شود یا گذران زندگی او را وادارد که به حقوق دیگران تجاوز کند یا کاری ناشایست انجام دهد . این است حکمت روشن تقدیر ؛ نه آن که انسان از عمل باز ایستد و با ادعای ایمان به تقدیر و تقسیم روزی ها از تلاش دست شوید . 3 . تقوا و توسعه در متون مربوط به اصول اعتقادی توسعه می خوانیم که خداوند سبحان روزیِ سه گروه را بدون محاسبه تضمین فرموده ، یعنی بیرون از چهارچوب محاسبات عادی به ایشان روزی عطا می فرماید ؛ و آنان عبارتند از تقواپیشگان و توکلّ کنندگان و فقاهت پیشگان در دین . درباره این متون می توان گفت که یاد کردن از گروه های دوم و سوم از باب ذکر خاص بعد از عام است ؛ بدین معنا که توکّل و فقاهت ورزیدن از صفات بارز همراه با تقوا به شمار می آیند ، چرا که برای تحقق یافتن تقوای کامل باید آن دو صفت نیز حاصل گردند . در پیوند با این دیدگاه ، دو پرسش مهم مطرح می شود: پرسش نخست : مراد از این که تقوا سبب کسب روزی از مسیر غیر طبیعی است ، چیست؟ آیا این که تقوا سبب کسب روزی است ، در امتداد کار و تلاش قرار دارد یا در موازات آن است؟

.

بی تردید نقش تقوا در توسعه اقتصادی ، در امتداد کار و تلاش است و نه در عرض آن . دلیل روشن این مدعا از این قرار است: یک. شیوه مسلّم پیامبران و رسولان گرامی و پیشوایان دین که قله های بلند تقوا و توکّل به شمار می روند ، به روشنی گواهی می دهد که نقش تقوا و توکّل در زندگی ایشان در امتداد کار و تلاش ، و نه به موازات آن ، بوده است . (1) دو . آیات و روایات متعدد و بلکه فراوان یافت می شوند که مردم را به سختکوشی و کار فرا می خوانند و از مسلمانان می خواهند که نیازهای زندگی خود را از رهگذر تحمل سختی و رنج در این راه تأمین کنند ؛ و نیز سستی و سهل انگاری را زمینه ساز فقر و واپس ماندگی می شمارند و کسی را که سربار جامعه باشد ، نکوهش می کنند و حتّی آن کس را که در برآوردن نیازهای خانواده اش کوتاهی ورزد و به مسؤولیت خود در این زمینه عمل نکند ، ملعون و گناهکار شمرده اند . این همه نشان می دهد که نقش تقوا در امتداد عمل ، و نه در عرض آن است . (2) سه. احادیث موجود در تفسیر آیه مبارک : «وَ مَن یَتَّقِ اللَّهَ یَجْعَل لَّهُو مَخْرَجًا * وَ یَرْزُقْهُ مِنْ حَیْثُ لاَ یَحْتَسِبُ» هر که تقوای خدا را پیشه کند ، خداوند برای وی راه برون شدن قرار می دهد * و به گونه ای که محاسبه نتوان کرد ، روزی اش می دهد . بهترین گواه برای مدعای ما است . (3) آن گاه که پیامبر صلی الله علیه و آله شنید گروهی از صحابه حقیقت این آیه را درک نکرده و آن را به نحو صحیح درنیافته و کار و

.

1- .بنگرید به: ص197 (روش پیامبر و جانشینان در روزی جُستن).
2- .بنگرید به: ص215 (برحذر داشتن از سستی در کار).
3- .بنگرید به : ص225 ، ح388 و ص225 ، ح389.

تلاش را رها کرده و تنها به عبادت روی آورده اند ، آنان را فرا خواند و پرسید : «چرا به این کار روی آوردید؟» گفتند : «ای رسول خدا! تو روزی ما را تضمین فرمودی ؛ پس ما به عبادت روی آوردیم» . پیامبر فرمود : «هر آینه هر کس چنین کند ، دعایش مستجاب نگردد . وظیفه شما کسب روزی است» . (1) بدین ترتیب ، چه بسا پرسیده شود که تقوا در کنار کار و تلاش چه تأثیری در توسعه اقتصادی دارد و چگونه می توان این تأثیر را دریافت و تعیین نمود . از متون اسلامی می توان دریافت که تقوا در کنار عمل دو اثر مهم در توسعه اقتصادی دارد: یک. تقوا سبب می شود که کار دارای برکت گردد و نتایج و دستاوردهای آن فراتر از محاسبات عادی شود . به تعبیر قرآن کریم ، در این حال برکات خداوند از آسمان و زمین فرود آمده ، از هر سو جامعه را دربرمی گیرد . (2) دو . آن گاه که سبب های مادی از رسیدن به مقصود در می مانند و تلاش ها به جایی نمی رسد ، تقوا همچون پنجره ای از غیب به روی انسان باز می شود و چون هدیه ای از آسمان فرود می آید و روزی انسان را از طریقی غیر عادی فراهم می کند . بدین سان ، تقوا در کنار عمل ، نه تنها مانع توسعه اقتصادی نیست ، بلکه از مبانی ارزشی آن به شمار می رود ، همان گونه که در قرآن کریم بدان اشارت رفته است . از این گذشته ، گاه حکمت خداوند اقتضا می کند که بدون کار و

.

1- .بنگرید به: ص225 ، ح 389.
2- .«اگر اهل سرزمین ها ایمان می آوردند و تقوا می ورزیدند ، هر آینه برکت های آسمان و زمین را بر ایشان می گشادیم .» (اعراف : 96).

تلاش ، کسی به روزی دست یابد تا مردم روزی دهنده حقیقی خود را بهتر بشناسند . شاید نیز خداوند اقتضا می کند که بدون کار و تلاش ، کسی به روزی دست یابد تا مردم روزی دهنده حقیقی خود را بهتر بشناسند . شاید نیز خداوند سبحان حکمت دیگری از این کار داشته باشد . (1) مثال این حالت را قرآن کریم برای حضرت مریم بیان فرموده است: «كُلَّمَا دَخَلَ عَلَيْهَا زَكَرِيَّا الْمِحْرَابَ وَجَدَ عِندَهَا رِزْقًا قَالَ يَمَرْيَمُ أَنَّى لَكِ هَذَا قَالَتْ هُوَ مِنْ عِندِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَرْزُقُ مَن يَشَآءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ (2) » ؛ هرگاه زکریا به نمازخانه بر او در می آمد ، نزد او روزی ای می یافت . گفت: ای مریم! این از کجا برای تو رسید؟ گفت : از نزد خدا ؛ که خدا هر که را بخواهد بی شمار روزی می دهد . البته این حالت ها کمیابند و چنان که اشاره شد تابع حکمت خاصی هستند که آن ها را اقتضا نموده است و با ضروری بودنِ کار برای نقش آفرینیِ تقوا در سایر موارد منافات ندارد . 4 . زهد و توسعه در متون اسلامی ، زهد و امور مربوط به آن همچون رضایت و قناعت ، در شمار مبانی توسعه محسوب می شوند . در برابر ، حرص و مال اندوزی از موانع و آفات توسعه به شمار می آیند . (3) اما در فضای تمدن مادی ، به ویژه در چهارچوب

.

1- .بنگرید به: ص551 (گاه روزی بدون برنامه ریزی به دست آید).
2- .آل عمران : 37.
3- .بنگرید به : ص627 (اصول اخلاقی) و ص775 (موانع اخلاقی).

اصول اخلاقی توسعه مادی ، کاملاً عکس این مطلب مصداق دارد . ماکس وبر در کتاب «سرمایه داری و اخلاق پروتستانیزم» بر آن است که شکوفایی سرمایه داری غربی مدیون رواج اخلاق پروتستانیزم است که ثروت اندوزی را تقویت کرده ، مردم را به آن تشویق می کند . آری ، در ظاهر به نظر می رسد که زهد با توسعه سازگار نیست و حرص و ثروت اندوزی به تحقق توسعه کمک می کند ؛ اما در واقع چنین نیست . برای توضیح این مطلب ؛ باید به دو نکته عنایت کرد: یک . برای توضیح نوع ارتباط میان زهد و توسعه ، نخست باید مفهوم این دو اصطلاح و اهداف آن ها را تعیین کرد . اگر مفهوم توسعه را در چهارچوب رشد تولید داخلی و دستیابی به پیشرفت فنی و علمی خلاصه کنیم و آن را هدف نهایی و عالی توسعه بدانیم ، و نیز زهد را به معنای کناره گیری از دنیا و هر گونه تلاش اقتصادی بشماریم ، آن گاه باید اعتراف کنیم که زهد نه تنها در توسعه سهمی ندارد ، بلکه از آفات آن به شمار می رود . اما اگر توسعه را حالت کمال یافتگی شکوفایی نیروهای انسانی و سربرزدن استعدادهای نهفته آدمی در همه زمینه های زندگی و با هدف تأمین نیازهای مادی و معنوی بدانیم و هدف از آن را دستیابی به کمال مطلق و خوشبختی جاودانه بشماریم ، و نیز زهد را در چهارچوب معنای درست آن درک کنیم ، آن گاه زهد نه تنها با توسعه منافات ندارد ، بلکه در شمار اصول اخلاقی آن محسوب می شود ، همان گونه که در این کتاب همین جایگاه را دارد . دو . این که زهد را به معنای کناره گیری از دنیا و دست کشیدن از فعالیت های اقتصادی بدانیم ، برداشتی انحراف آمیز و نادرست از آن است . معنای صحیح

.

زهد آن است که انسان از هر چه مانع تکامل و دستیابی وی به کمال مطلق است ، دوری کند . هدف نخست از زهد ، برداشت کمتر برای بازدهی و خدمتِ بیشتر است . بدین ترتیب ، زاهد حقیقی کسی است که از سویی همه تلاشش را در زمینه کار و تولید صرف کند و هیچ بخشی از نیروی خود را معطل نگذارد ؛ و از سوی دیگر در عرصه مصرف شخصی و به هنگام اعطا و بهره وری خصوصی ، به آسانی از خواست های مادی اش بگذرد ، چرا که بر نفس خود کاملاً مسلط است . زاهد کسی است که فراوان می بخشد و به کم قانع است و نهایت سختی را تحمل می کند تا به دیگران عطا کند ، در حالی که برای خود به کمترین بهره خشنود است . الگوی عالی چنین شیوه زاهدانه ای ، زندگی و رفتار امام زاهدان حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام در کار و تولید و مصرف است . (1) 5 . قناعت و توسعه گفته اند که برای توسعه ، افزون خواهی و میل به بهره وری فراوان ضرورت دارد ؛ و این با مفاهیمی چون قناعت و رضایت که در متون مربوط به اصول توسعه آمده ، منافات دارد . برای پاسخ گویی به این اشکال لازم است که علاوه بر نکات ذکر شده درباره زهد ، به این امور نیز توجه شود: یک . این مفاهیم را نمی توان در زمینه تولید و کاستن از ساعات کار استعمال کرد ؛ زیرا بی تردید ، تولید برای خدمت به دیگران نه تنها محدودیت ندارد ، بلکه از برترین عبادات است . دو . در زمینه بهره وری ، قناعت به معنای تنگ گرفتن معیشت نیست ،

.

1- .بنگرید به: موسوعه الامام علی بن ابی طالب ، ج 9 ، ص 343 تا 376.

بلکه اسلام از ما می خواهد که در مصرف تعادل را رعایت کنیم . از همین جهت است که اسلام هم اسراف را نهی فرموده و هم تنگ گرفتن را ؛ تا اعتدال رعایت شود . سه . هدف از طرح موضوع قناعت در اسلام ، تشویق انسان ها به دستگیری از نیازمندان و از کارافتادگان است ؛ و برآورده شدن این هدف به معنای افزون شدن مصرف در سطح جامعه است . به عبارت دیگر ، قناعت سبب می شود که هزینه کردن برای عموم طبقات مردم جایگزین مصرف طبقه مرفه شود . بدین سان روشن می شود که قناعت و مفاهیمی از این دست نه تنها مانع توسعه نیستند ، بلکه روند آن را تسریع می کنند ؛ زیرا امکانات و نیروهای جامعه را به سوی بهره وری از توان انسانی سوق می دهند یا آن را در مسیر بهره وری مستقیم حرکت می بخشند ؛ و این ، مایه شتاب بخشیدن به سیر توسعه است . 6 . ثروت اندوزی و توسعه اکنون سخن به حرص و ثروت اندوزی و مفاهیم مرتبط با آن همانند ربا می انجامد . از آن جا که این اعمال موجب تجاوز به حقوق دیگران هستند ، در جهان بینی اسلامی از آفات توسعه پایدار به شمار می آیند ، اگرچه در نظرگاه اقتصاد سرمایه داری از مبانی پیشرفت اقتصادی محسوب می شوند . برای رسیدن به توسعه پایدار ، اسلام از سویی نیروی کار را تحکیم کرده ، آن را در جهتی سوق می دهد که در خدمت رشد و تقویت تولید ملی قرار گیرد ؛ همان گونه که از سوی دیگر ، هر چیزی را که آفتی برای توسعه فراگیر و پایدار باشد ، تحریم می نماید ، هر چند موقتا به شکوفایی تولید ملی بینجامد .

.

اسلام سفارش ها و هشدارهایی همسطح دارد ؛ ترجیح دادن آخرت در ضمن تلاش برای کسب روزی (1) ؛ دوری از افراط و تفریط در خواهش (2) ؛ حفظ آرامش به هنگام کُند نتیجه بخشیدن فعالیت های اقتصادی (3) ؛ اندوه نخوردن برای روزی فردا (4) . افزون بر این ، اسلام بر کار و داشتن طرح و برنامه صحیح برای تأمین معاش بسیار تأکید می کند . این سفارش ها و تأکیدهای اسلام از آن رو است که موانع توسعه پایدار را ریشه کن کند و آفات تهدید کننده آن را از میان بردارد و بدین ترتیب ، راه را برای یکایک افراد جامعه باز کند و زمینه ای فراهم آورد که به هدف اصلی ، یعنی دستیابی به کمال مطلق و آسایش جاودانه ، برسند .

.

1- .بنگرید به : ص1033 (ترجیح دادن آخرت).
2- .بنگرید به: ص1035 (اعتدال در طلب) و ص1043 (اکتفا کردن به مقدار رفع نیاز).
3- . ؛ کم نشمردنِ روزی
4- .بنگرید به: ص1013 (آن چه آفت می آورد) و ص1031 (آن چه از آفت بازمی دارد).

الفصل الأوّل: المبادئ الاعتقاديّه1 / 1اللّهُ هُوَ الرَّزّاقُالكتاب :«إِنَّ اللَّهَ هُوَ الرَّزَّاقُ ذُو الْقُوَّهِ الْمَتِينُ . (1) »

«قُلْ مَن يَرْزُقُكُم مِّنَ السَّمَوَ تِ وَ الْأَرْضِ قُلِ اللَّهُ وَ إِنَّآ أَوْ إِيَّاكُمْ لَعَلَى هُدًى أَوْ فِى ضَلَلٍ مُّبِينٍ . (2) »

«وَ إِن مِّن شَىْ ءٍ إِلاَّ عِندَنَا خَزَآءِنُهُ وَ مَا نُنَزِّلُهُ إِلاَّ بِقَدَرٍ مَّعْلُومٍ . (3) »

«وَ إِن تَعُدُّواْ نِعْمَهَ اللَّهِ لاَ تُحْصُوهَآ إِنَّ اللَّهَ لَغَفُورٌ رَّحِيمٌ . (4) »

«اللَّهُ الَّذِى خَلَقَ السَّمَوَ تِ وَ الْأَرْضَ وَ أَنزَلَ مِنَ السَّمَآءِ مَآءً فَأَخْرَجَ بِهِ مِنَ الثَّمَرَ تِ رِزْقًا لَّكُمْ وَ سَخَّرَ لَكُمُ الْفُلْكَ لِتَجْرِىَ فِى الْبَحْرِ بِأَمْرِهِ وَ سَخَّرَ لَكُمُ الْأَنْهَرَ * وَ سَخَّرَ لَكُمُ الشَّمْسَ وَ الْقَمَرَ دَآءِبَيْنِ وَ سَخَّرَ لَكُمُ الَّيْلَ وَ النَّهَارَ * وَ ءَاتَيكُم مِّن كُلِّ مَا سَأَلْتُمُوهُ وَ إِن تَعُدُّواْ نِعْمَتَ اللَّهِ لاَ تُحْصُوهَآ إِنَّ الاْءِنسَنَ لَظَلُومٌ كَفَّارٌ . (5) »

.

1- .الذاريات : 58 .
2- .سبأ : 24 .
3- .الحِجر : 21 .
4- .النحل : 18 .
5- .إبراهيم : 32 34 .

1 / 1 خداوند روزی بخش است

فصل یکم: اصول اعتقادی1 / 1خداوند روزی بخش استقرآن:«همانا خدا است روزی دهنده (1) و نیرومند استوار .»

«بگو : چه کسی شما را از آسمان ها و زمین روزی می دهد؟ بگو: خدای؛ و هر آینه ما یا شما بر راه راستیم یا در گمراهی آشکار .»

«و هیچ چیزی نیست مگر آن که گنجینه های آن نزد ما است و آن را جز به اندازه معلوم فرو نمی فرستیم .»

«و اگر نعمت خدای را بشمرید ، شمار کردن آن نتوانید . همانا خدا آمرزگار و مهربان است .»

«خدا است آن که آسمان ها و زمین را آفرید و از آسمان آبی فرو فرستاد؛ پس به آن آب ، از میوه ها برای شما روزی بیرون آورد؛ و کشتی ها را رام شما کرد تا به فرمان او در دریا روان شوند؛ و رودها را رام شما کرد * و خورشید و ماه را که پیوسته در جنبش و گردشند برای شما رام کرد؛ و شب و روز را نیز رام شما ساخت * و از هر چه خواستید به شما داد؛ و اگر نعمت خدا را بشمرید ، آن را شمار نتوانید کرد . همانا آدمی ستمگر و ناسپاس است .»

.

1- .معادل عربی روزی (رزق) گاه به معنای دهش در جریان است. خواه دنیایی و خواه آخرتی؛ و گاه به معنای حظ و بهره؛ و گاه به معنای غذایی که درون آدمی را پر می کند. (مفردات الفاظ القرآن ، ص 351) رزق دو گونه است: ظاهری که برای جسم است همچون غذا؛ و باطنی که برای دل و جان است همچون معرفت ودانش . (النهایه ، ج 2 ، ص 219)

«أَ لَمْ تَرَوْاْ أَنَّ اللَّهَ سَخَّرَ لَكُم مَّا فِى السَّمَوَ تِ وَ مَا فِى الْأَرْضِ وَ أَسْبَغَ عَلَيْكُمْ نِعَمَهُ ظَهِرَةً وَ بَاطِنَةً وَ مِنَ النَّاسِ مَن يُجَدِلُ فِى اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَ لاَ هُدًى وَ لاَ كِتَبٍ مُّنِيرٍ . (1) »

«هُمُ الَّذِينَ يَقُولُونَ لاَ تُنفِقُواْ عَلَى مَنْ عِندَ رَسُولِ اللَّهِ حَتَّى يَنفَضُّواْ وَ لِلَّهِ خَزَآئِنُ السَّمَوَ تِ وَ الْأَرْضِ وَ لَكِنَّ الْمُنَفِقِينَ لاَ يَفْقَهُونَ . (2) »

«إِنَّا كُلَّ شَىْ ءٍ خَلَقْنَهُ بِقَدَرٍ . (3) »

«وَ مَا مِن دَآبَّةٍ فِى الْأَرْضِ إِلاَّ عَلَى اللَّهِ رِزْقُهَا وَ يَعْلَمُ مُسْتَقَرَّهَا وَ مُسْتَوْدَعَهَا كُلٌّ فِى كِتَبٍ مُّبِينٍ . (4) »

«وَ كَأَيِّن مِّن دَآبَّةٍ لاَّ تَحْمِلُ رِزْقَهَا اللَّهُ يَرْزُقُهَا وَ إِيَّاكُمْ وَ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ . (5) »

«أَ وَ لَمْ يَرَوْاْ أَنَّ اللَّهَ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَن يَشَآءُ وَ يَقْدِرُ إِنَّ فِى ذَ لِكَ لَأَيَتٍ لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ . (6) »

«تُولِجُ الَّيْلَ فِى النَّهَارِ وَ تُولِجُ النَّهَارَ فِى الَّيْلِ وَ تُخْرِجُ الْحَىَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَ تُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَىِّ وَ تَرْزُقُ مَن تَشَآءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ . (7) »

«وَ أَصْبَحَ الَّذِينَ تَمَنَّوْاْ مَكَانَهُ بِالْأَمْسِ يَقُولُونَ وَيْكَأَنَّ اللَّهَ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَن يَشَآءُ مِنْ عِبَادِهِ وَ يَقْدِرُ لَوْلاَ أَن مَّنَّ اللَّهُ عَلَيْنَا لَخَسَفَ بِنَا وَيْكَأَنَّهُ لاَ يُفْلِحُ الْكَفِرُونَ . (8) »

.

1- .لقمان : 20 .
2- .المنافقون : 7 .
3- .القمر : 49 .
4- .هود : 6 .
5- .العنكبوت : 60 .
6- .الروم : 37 وراجع الزمر : 52 ، سبأ : 36 .
7- .آل عمران : 27 .

8- .القصص : 82 .

«آیا ندیده اید که خدا آن چه را در آسمان ها و آن چه را در زمین است ، از بهر شما رام ساخته و نعمت های آشکار و نهان خویش را بر شما گسترده و فراوان کرده است؟ و از مردمان کس هست که درباره خدا بی هیچ دانش و رهیافت و کتاب روشنی گفت و گو و ستیزه می کند .»

«اینان همان کسان هستند که می گویند : برای آنان که نزد پیامبر خدایند هزینه مکنید تا پراکنده شوند؛ حال آن که گنجینه های آسمان ها و زمین از آن خدا است و لیکن منافقان درنمی یابند .»

«ما هر چیزی را به اندازه آفریدیم .»

«و هیچ جنبنده ای در زمین نیست مگر آن که روزی او بر خدا است و قرارگاه آن و جایگاه نگاهداشت آن را می داند؛ همه در کتابی روشن است .»

«و بسا جنبندگانی که روزی خویش برنمی دارند نتوانند روزی خود را با خود برگیرند یا آن را ذخیره کنند ؛ خدا آن ها و شما را روزی می دهد و او شنوا و دانا است .»

«آیا ندیده اند که خدا روزی را برای هر که بخواهد فراخ و تنگ می گرداند؟ همانا در این فراخی و تنگی ، برای مردمی که ایمان آورند ، نشانه ها و عبرت ها است.»

«شب را در روز درمی آوری و روز را در شب درمی آوری؛ زنده را از مرده بیرون می آوری و مرده را از زنده بیرون می آوری و به هر که خواهی ، بی شمار روزی می دهی .»

«و آنان که دیروز جایگاه او را آرزو می کردند ، در حالی بامداد کردند که می گفتند : وه! گویی خدا است که روزی را برای هر که از بندگان خود بخواهد فراخ می کند و تنگ می گرداند؛ اگر نه این بود که خدا بر ما منت نهاد ، هر آینه ما را نیز به زمین فرو می برد؛ وای! گویی کافران رستگار نمی شوند.»

.

الحديث :رسول اللّه صلى الله عليه و آله :النّاسُ عَلى خَمسِ مَراتِبَ : مِنهُم مَن يَرى أنَّ الرِّزقَ مِنَ الكَسبِ لا مِنَ اللّهِ فَهُوَ كافِرٌ ؛ ومِنهُم مَن يَرى أنَّ الرِّزقَ مِنَ اللّهِ ومِنَ الكَسبِ فَهُوَ مُشرِكٌ ؛ ومِنهُم مَن يَرى أنَّ الرِّزقَ مِنَ اللّهِ وأنَّ الكَسبَ سَبَبٌ ، فَلا يَدرى يُعطَيهِ أم لا ، فَهُوَ مُنافِقٌ شاكٌّ ؛ ومِنهُم مَن يَرى أنَّ الرِّزقَ مِنَ اللّهِ وأنَّ الكَسبَ سَبَبٌ ، فَلا يُؤَدّى حَقَّهُ ويَعصِى اللّهَ مِن أجلِ الكَسبِ ، فَهُوَ فاسِقٌ ؛ ومِنهُم مَن يَرى أنَّ الرِّزقَ مِنَ اللّهِ ويَرَى الكَسبَ سَبَبا ، ويُؤَدّى حَقَّهُ ولا يَعصِى اللّهَ لِأجلِ الكَسبِ ، فَهُوَ مُؤمِنٌ مُخلِصٌ طُعمَهُ . (1)

عنه صلى الله عليه و آله :ما مِن نَفسٍ إلاّ ولَها بابٌ فِى السَّماءِ [مِنهُ] يَنزِلُ رِزقُهُ ، ومِنهُ يَصعَدُ عَمَلُهُ ، فَإذا أرادَ اللّهُ أن يَرزُقَها فَتَحَ ذلِكَ البابَ فَيُنزِلُ إلَيها رِزقَها ، فَإذا أُغلِقَ لَن يَستَطيعَ أحَدٌ فَتحَهُ حَتّى يَفتَحَهُ اللّهُ إذا شاءَ (2) .

سنن ابن ماجه عن حبّه وسواء ابنا خالد :دَخَلنا عَلَى النَّبِىِّ صلى الله عليه و آله وهُوَ يُعالِجُ شَيئا فَأعَنّاهُ عَلَيهِ ، فَقالَ : لا تَيأسا مِنَ الرِّزقِ ما تَهَزَّزَت رُؤوسُكُما ، فَإنَّ الإنسانَ تَلِدُهُ اُمُّهُ أحمَرَ لَيسَ عَلَيهِ قِشرٌ ثُمَّ يَرزُقُهُ اللّهُ عز و جل . (3)

نوادر الاُصول عن زيد بن أسلم :إنَّ الأَشعَرِيّينَ أبا موسى وأبا مالِكٍ وأبا عامِرٍ فى نَفَرٍ مِنهُم ، لَمّا هاجَروا قَدِموا عَلى رَسولِ اللّهِ صلى الله عليه و آله فى فُلكٍ وقَد أرمَلوا مِنَ الزّادِ ، فَأرسَلوا رَجُلاً مِنهُم إلى رَسولِ اللّهِ صلى الله عليه و آله يَسأَلُهُ ، فَلَمَّا انتَهى إلى بابِ رَسولِ اللّهِ صلى الله عليه و آله سَمِعَهُ يَقرَأُ هذِهِ الآيَةَ : « وَ مَا مِن دَآبَّةٍ فِى الْأَرْضِ إلاَّ عَلَى اللّهِ رِزْقُهَا وَ يَعْلَمُ مُسْتَقَرَّهَا وَ مُسْتَوْدَعَهَا كُلٌّ فِى كِتَبٍ مُّبِينٍ» فَقالَ الرَّجُلُ : مَا الأشعَرِيّونَ بِأهَونِ الدَّوابِّ عَلَى اللّهِ ! فَرَجَعَ ولَم يَدخُل عَلَى رَسولِ اللّهِ صلى الله عليه و آله ، فَقالَ لِأصحابِهِ : أبشِروا ! أتاكُمُ الغَوثُ ، ولا يَظُنّونَ إلاّ أنَّهُ كَلَّمَ رَسولَ اللّهِ صلى الله عليه و آله فَوَعَدَهُ ، فَبَينَما هُم كَذلِكَ إذ أتاهُم رَجُلانِ يَحمِلانِ قَصعَةً بَينَهُما مَملوءَةً خُبزا ولَحما ، فَأكَلوا مِنها ما شاؤوا . ثُمَّ قالَ بَعضُهُم لِبَعضٍ : لَو أنّا رَدَدنا هذَا الطَّعامَ إلى رَسولِ اللّهِ صلى الله عليه و آله لَعَلَّهُ يَقضِى بِهِ حاجَتَهُ ، فَقالا لِلرَّجُلَينِ : اِذهَبا بِهذَا الطَّعامِ إلى رَسولِ اللّهِ صلى الله عليه و آله وإنّا قَد قَضَينا حاجَتَنا . ثُمَّ إنَّهُم أتَوا رَسولَ اللّهِ صلى الله عليه و آله فَقالوا : يا رَسولَ اللّهِ ، ما رَأينا طَعاما أكثَرَ ولا أطيَبَ مِن طَعامٍ أرسَلتَ بِهِ ! فَقالَ : ما أرسَلتُ إلَيكُم شَيئا . فَأخبَروهُ أنَّهُم أرسَلوا

صاحِبَهُم ، فَسَألَهُ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله ، فَأخبَرَهُ ما صَنَعَ وما قالَ لَهُم ، فَقالَ صلى الله عليه و آله : ذلِکَ شَیءٌ رَزَقَکُموهُ اللّهُ سُبحانَهُ . (4)

.

1- .الاثنا عشریّه : 206 .
2- .الفردوس : 4 / 32 / 6100 ، کنز العمّال : 4 / 26 / 9322 نقلاً عن أبی نعیم وکلاهما عن عمر .
3- .سنن ابن ماجه : 2 / 1394 / 4165 ، مسند ابن حنبل : 5 / 375 / 15855 وفیه «تأیسا» بدل «تیأسا» ، اُسد الغابه : 2 / 588 / 2329 ، المعجم الکبیر : 4 / 7 / 3480 وج 7 / 137 / 6610 وفی الثلاثه الأخیره «تهزهزت» بدل «تهزّزت» ، کنز العمّال : 1 / 109 / 506 .
4- .نوادر الاُصول : 2 / 8 ، الدرّالمنثور : 4 / 401 .

حدیث:پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :مردم در پنج مرتبه جای دارند : یکی آن که می پندارد روزی از کسب فراهم آید نه از جانب خدا ، که او کافر است ؛ دیگری آن که گمان دارد روزی هم از کسب است و هم از جانب خدا ، که وی مشرک است ؛ و دیگر آن که می داند روزی از جانب خدا است و کسبْ وسیله است ، اما نمی داند که خداوند روزی اش را عطا می کند یا نه ، و او منافقی شک پیشه است ؛ و دیگری آن که می داند روزی از جانب خدا است و کسبْ وسیله است ، اما حقِّ این اعتقاد را به جای نمی آورد و برای کسب ، خدای را نافرمانی می کند ، و او فاسق است ؛ و دیگر آن کس است که می داند روزی از جانب خداوند است و کسب وسیله است و حق این اعتقاد را نیز به جای می آورد و برای کسب ، خدای را نافرمانی نمی کند ، و او مؤمنی است که راه های کسب درآمدش را پاک و سره ساخته است .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هیچ کس نیست جز آن که او را دری است در آسمان که روزی وی از آن نازل می شود و عملش از آن فراز می رود . پس هر گاه خداوند اراده فرماید که وی را روزی دهد ، آن در را می گشاید و روزی اش را فرو می فرستد ؛ و چون آن در فرو بسته شود ، هیچ کس نتواند آن را بگشاید ، مگر آن گاه که خدا خواهد و بگشایدش . (1)

سنن ابن ماجه از حبّه و سواء ، دختران خالد :نزد پیامبر صلی الله علیه و آلهدرآمدیم که مشغول کاری بود . وی را در انجام آن کار یاری دادیم . فرمود : «مادام که سرهای شما در اهتزاز است (= تا آن گاه که زنده اید) ، از روزی ناامید نشوید ؛ که آدمی آن گاه که مادرش او را می زاید ، سرخ است و بر وی پوست نیست ، آن گاه خداوند روزی اش می دهد» .

.

1- .در این روایت ، تعابیر کنایی و رمزی به کار رفته است و هدف از آن ، بیان نکات معقول در چهارچوب امور محسوس است. مسلّم است که همه کارها و شؤون این جهان ، از جمله روزی انسان ، به مشیّت خداوند صورت می پذیرد . اما باید دانست که مشیّت خدا چنان است که وسیله ها و راهکارهای ظاهری در روزی انسان مؤثر باشد. از آن جا که خواست های فطری و استعدادهای نهفته در وجود هر کس به تبع سنت های خداوند در

جهان طبیعت متفاوت است ، بعید نیست که مراد از تعبیر «درِ روزی» که در این روایت آمده ، گوناگونیِ راه های ظاهری روزی یافتن افراد باشد.

عيسى عليه السلام :تَعمَلونَ لِلدُّنيا وأنتُم تُرزَقونَ فيها بِغَيرِ عَمَلٍ ، ولا تَعمَلونَ لِلآخِرَهِ وأنتُم لا تُرزَقونَ فيها إلاّ بِالعَمَلِ . (1)

الإمام علىّ عليه السلام :اِختَرتُ مِنَ التَّوراهِ اثنَتَى عَشرَهَ آيَهً ، فَنَقَلتُها إلَى العَرَبِيَّهِ ، وأنَا أنظُرُ إلَيها فى كُلِّ يَومٍ ثَلاثَ مَرّاتٍ : يَابنَ آدَمَ ، عَلَيكَ فَريضَتى وعَلَىَّ رِزقُكَ ، فَإِن خالَفتَنى فى فَريضَتى فَإِنّى لا اُخالِفُكَ فى رِزقِكَ . (2)

عنه عليه السلام :لا يَملِكُ إمساكَ الأَرزاقِ وإدرارَها إلاَّ الرَّزّاقُ . (3)

.

1- .الكافى : 2 / 319 / 13 ، الأمالى للطوسى : 207 / 356 نحوه وكلاهما عن حفص بن غياث عن الإمام الصادق عليه السلام ، بحار الأنوار : 2 / 38 / 66 ؛ سنن الدارمى : 1 / 109 / 374 عن هشام صاحب الدستوائى .
2- .الاثنا عشريّه : 409 .
3- .غرر الحكم : 10838 .

نوادر الاصول از زید بن اسلم :شماری از اشعری ها ، از جمله ابوموسی و ابومالک و ابوعامر ، چون هجرت گزیدند ، با کشتی روی به سوی رسول خدا نهادند . چون توشه شان تمام شد ، کسی از خود نزد پیامبر روانه کردند تا از وی یاری خواهد . آن گاه که او به آستانه خانه پیامبر رسید ، شنید که این آیه را می خواند : «و هیچ جنبنده ای در زمین نیست مگر آن که روزی او بر خدا است و قرارگاه آن و جایگاه نگاهداشت آن را می داند ؛ همه در کتابی روشن است . » آن مرد گفت : (1) «نزد خداوند ، اشعری ها فرومایه ترین جنبندگان نیستند!» پس بازگشت ، بی آن که نزد رسول خدا برود . سپس به یارانش گفت: «شما را مژده باد که یاری تان رسید!» ایشان جز این گمان نکردند که وی با پیامبر سخن گفته و او وعده اش داده است . در همین حال بودند که دو مرد نزد ایشان آمدند و کاسه ای چوبی در میان داشتند که لبریز از نان و گوشت بود . پس هر چه خواستند ، از آن خوردند . آن گاه ، به یکدیگر گفتند : «خوب است این غذا را نزد پیامبر بازگردانیم تا از آن نیازش را برآورد» . پس به آن دو مرد گفتند : «این خوراک را نزد پیامبر برید که ما نیاز خود را برآوردیم» . سپس ایشان نزد پیامبر آمده ، گفتند : «ای رسول خدا! تاکنون خوراکی فراوان تر و نیکوتر از آن چه فرستادی ، نخورده بودیم» . پیامبر فرمود : «من چیزی نزد شما نفرستادم» . ایشان به وی گفتند که رفیق خود را نزدش فرستاده اند . پیامبر حال را از او بازپرسید . وی بازگفت که چه کرده و به آنان چه گفته است . پیامبر فرمود : «این چیزی است که خداوند سبحان روزی تان فرمود» .

حضرت عیسی علیه السلام :برای دنیا کار می کنید ، حال آن که بدون عمل در آن روزی می یابید ؛ و برای آخرت کار نمی کنید ، حال آن که در آن ، جز با عمل روزی نخواهید یافت .

امام علی علیه السلام :من از تورات دوازده آیه برگزیدم و به عربی بازگرداندم و هر روز سه بار در آن می نگرم : «ای فرزند آدم! بر تو است که واجب مرا انجام دهی ؛ و بر من است که روزی تو را تأمین کنم ؛ اگر تو واجب مرا به جا نیاوری ، من روزی تو را نمی ستانم» .

امام علی علیه السلام :جز خداوند روزی دهنده هیچ کس نمی تواند روزی ها را بازدارد یا جاری کند .

.

1- .هود : 6.

عنه عليه السلام :هذا غُرابٌ و هذا عُقابٌ ، وهذا حَمامٌ وهذا نَعامٌ ؛ دَعا كُلَّ طائِرٍ بِاسمِهِ ، وكَفَلَ لَهُ بِرِزقِهِ . (1)

فاطمه عليهاالسلام :يا مَن كُلُّ يَومٍ عِندَهُ جَديدٌ ، وكُلُّ رِزقٍ عِندَهُ عَتيدٌ ، لِلضَّعيفِ وَالقَوِيِّ وَالشَّديدِ ؛ قَسَمتَ الأَرزاقَ بَينَ الخَلائِقِ ، فَسَوَّيتَ بَينَ الذَّرَّهِ وَالعُصفورِ . (2)

الإمام الحسين عليه السلام : اِغنَ عَنِ المَخلوقِ بِالخالِقِتَغنَ عَنِ الكاذِبِ وَالصّادِقِ وَاستَرزِقِ الرَّحمنَ مِن فَضلِهِفَلَيسَ غَيرُ اللّهِ مِن ازِقِ (3)

الإمام زين العابدين عليه السلام فى زِيارَهِ أمينِ اللّهِ : اللّهُمَّ إنَّ . . . أرزاقَكَ إلَى الخَلائِقِ مِن لَدُنکَ نازِلهٌ ، وعَوائِدَ المَزيدِ لَهُم مُتَواتِ (4) رَهٌ .

الإمام الكاظم عليه السلام فى دُعائِهِ بَعدَ صَلاهِ الفَجرِ : يا رازِقَ مَن يَشاءُ بِغَيرِ حِسابٍ ، يا رازِقَ الجَنينِ وَالطِّفلِ الصَّغيرِ . (5)

الإمام المهدىّ عليه السلام فى دُعائِهِ : أسأَلُکَ بِاسمِکَ الَّذى تُصَوِّرُ بِهِ خَلقَکَ فِيالأَرحامِ كَيفَ تَشاءُ ، وبِهِ تَسوقُ إلَيهِم أرزاقَهُم فى أطباقِ الظُّلُماتِ مِن بَينِ العُروقِ وَالعِظامِ . . . وأسأَلُکَ بِاسمِکَ الَّذى خَلَقتَ بِهِ خَلَقَکَ ورَزَقتَهُم كَيفَ شِئتَ وكَيفَ شاؤوا . (6)

.

1- .نهج البلاغه : الخطبه 185، الاحتجاج : 1/483/117 ، بحار الأنوار : 3 / 27 / 1 وج 64/40/19 .
2- .فلاح السائل : 421 / 290 ، بحار الأنوار : 86 / 103 / 8 .
3- .تاريخ دمشق : 14 / 186 ، البدايه والنهايه : 8 / 209 وفيه «تسدّ على» بدل «تغن عن» .
4- .كامل الزيارات : 93 / 93 عن أبى على مهدى بن صدقه الرقّى عن الإمام الرضا عن أبيه عن جدّه عليهم السلام ، مصباح المتهجّد : 739 ، المزار للشهيد الأوّل : 116 ، فرحه الغرى : 42 وفيه «أرزاق الخلائق» بدل «أرزاقک إلى الخلائق» وفيها «إليهم واصله» بدل «لهم متواتره» وكلّها عن جابر الجعفى عن الإمام الباقر عنه عليهماالسلام .

5- .جمال الأسبوع : 184 عن الحسن بن القاسم العبّاسى ، بحار الأنوار : 91 / 195 / 3 .
6- .مُهج الدعوات : 91 ، بحار الأنوار : 85 / 234 / 1 .

امام علی علیه السلام :این کلاغ است و این عقاب ؛ این کبوتر است و این شترمرغ ؛ خداوند هر پرنده ای را به نام ، خوانده و روزی اش را تضمین فرموده است .

حضرت فاطمه علیهاالسلام :ای آن که هر روز نزد وی تازه ، و هر روزی نزد او آماده است ، خواه بر ناتوان و خواه برای قدرتمند و سختْ توان . روزی ها را میان آفریدگان تقسیم فرموده ای و به مورچه و گنجشک یکسان روزی داده ای .

امام حسین علیه السلام : با یاری گرفتن از آفریدگار ، از آفریده بی نیاز شوتا از دروغگو و راستگو بی نیاز گردی . از خداوند رحمان روزی بخواهکه جز خدا هیچ روزی دهنده ای نیست .

امام سجاد علیه السلام در زیارت امین اللّه : بار خدایا! . . . روزی ها از سوی تو بر آفریدگان فرود آید و احسان تو برای ایشان پیاپی درآید .

امام کاظم علیه السلام در دعایش پس از نماز صبح : ای آن که به هر که خواهد ، بدون حساب روزی دهد . ای آن که به جنین و نوزاد روزی می دهی .

امام مهدی علیه السلام در دعایش : از تو می خواهم به حق آن نامت که با آن ، آفریدگان خویش را در زِهدان ها هر گونه که خواهی صورت بخشی و روزی هاشان را در لایه هایَ تاریکی از میان رگ ها و استخوان ها به سویشان می کشانی . . . و از تو می خواهم به حق آن نامت که با آن آفریدگانت را آفریده و هر گونه ای خواسته ای و خواسته اند ، ایشان را روزی داده ای .

.

عيسى عليه السلام :اِعمَلوا للّهِ ولا تَعمَلوا لِبُطونِكُم ؛ اُنظُروا إلى هذَا الطَّيرِ يَغدو ويَروحُ لا يَحرِثُ ولا يَحصِدُ ، اللّهُ تَعالى يَرزُقُها ؛ فَإِن قُلتُم : نَحنُ أعظَمُ بُطونا مِنَ الطَّيرِ ، فَانظُروا إلى هذِهِ الأباقِرِ مِنَ الوَحشِ وَالحُمُرِ تَغدو وتَروحُ لا تَحرِثُ ولا تَحصِدُ ، اللّهُ تَعالى يَرزُقُها . اِتَّقوا فُضولَ الدُّنيا ؛ فَإِنَّ فُضولَ الدُّنيا عِندَ اللّهِ رِجزٌ . (1)

1 / 2خَصائِصُ الرِّزقِ1 / 2 1مُقَدَّرٌ مَقسومٌالكتاب :«أَ هُمْ يَقْسِمُونَ رَحْمَتَ رَبِّکَ نَحْنُ قَسَمْنَا بَيْنَهُم مَّعِيشَتَهُمْ فِى الْحَيَوهِ الدُّنْيَا وَ رَفَعْنَا بَعْضَهُمْ فَوْقَ بَعْضٍ دَرَجَتٍ لِّيَتَّخِذَ بَعْضُهُم بَعْضًا سُخْرِيًّا وَ رَحْمَتُ رَبِّکَ خَيْرٌ مِّمَّا يَجْمَعُونَ . (2) »

«وَ فِى السَّمَآءِ رِزْقُكُمْ وَ مَا تُوعَدُونَ * فَوَ رَبِّ السَّمَآءِ وَ الْأَرْضِ إِنَّهُ لَحَقٌّ مِّثْلَ مَآ أَنَّكُمْ تَنطِقُونَ . (3) »

.

1- .الدرّالمنثور : 2 / 207 نقلاً عن ابن أبى شيبه وأحمد وابن أبى الدنيا عن سالم بن أبى الجعد ، وراجع ربيع الأبرار : 4 / 374 .
2- .الزخرف : 32 .
3- .الذاريات : 22 و 23 .

1 / 2 ویژگی های روزی

1 / 2 1 روزی تقدیر و تقسیم شده است

حضرت عیسی علیه السلام :برای خدا کار کنید ، نه برای شکم هاتان (1) . به این پرندگان بنگرید که روز و شب را می گذرانند و بی آن که کِشت و درو کنند ، خدای تعالی به آن ها روزی می دهد . اگر بگویید که شکم ما بزرگتر از پرندگان است ، پس به این گاوها و خران وحشی بنگرید که روز و شب را می گذرانند و بی آن که کِشت و درو کنند ، خدای تعالی به آن ها روزی می دهد . از زواید دنیا پرهیز کنید ؛ که این زواید نزد خداوند مایه گناهند .

1 / 2ویژگی های روزی1 / 2 1روزی تقدیر و تقسیم شده استقرآن:«آیا آن ها رحمت پروردگار تو را تقسیم می کنند؟ ماییم که میان آنان مایه گذرانشان را در زندگی دنیا تقسیم کرده ایم و پایه های برخی را بر برخی برتر داشته ایم تا بعضی ، بعض دیگر را به خدمت گیرند . و بخشایش پروردگار تو از آن چه گرد می آورند ، بهتر است.»

«و روزی شما و آن چه وعده داده می شوید ، در آسمان است * سوگند به پروردگار آسمان و زمین که این سخن راست است ، همچنان که شما سخن می گویید .»

.

1- .مراد آن نیست که تلاش برای کسب روزی رها شود و از هر گونه فعالیت اقتصادی پرهیز گردد؛ بلکه منظور این است که هدف از تلاش برای طلب روزی ، باید کسب رضایت خدای تعالی باشد؛ وگرنه پرندگان نیز چنان که در متن روایت آمده برای جستن روزی تلاش می کنند . اما در هر حال ، می دانیم که آن ها دارای اندیشه نیستند و خداوند بنا بر حکمت خویش خواسته است که روزی ایشان را بر این منوال فراهم آورد . پس شایسته است که انسان با تأمل در این حقیقت ، دریابد که روزی وی نیز به دست خدا است و در نتیجه ، وی وظیفه دارد که خدای را معبود خویش گیرد و در بندگی اش کوتاهی نورزد.

الحديث :رسول اللّه صلى الله عليه و آله :لَيسَ أحَدٌ مِنكُم بِأَكسَبَ مِن أحَدٍ ؛ قَد كَتَبَ اللّهُ المُصيبَةَ وَالأَجَلَ ، وقَسَمَ المَعيشَةَ وَالعَمَلَ ، فَالنّاسُ يَجرونَ فيها إلى مُنتَهىً . (1)

عنه صلى الله عليه و آله :يَابنَ آدَمَ ، لَستَ بِبالِغٍ أمَلَکَ ، ولا بِدافِعٍ أجَلَکَ ، ولا بِمَدفوعٍ عَن رِزقِکَ ؛ فَبِماذا تُشقى نَفسَکَ يا شَقِيُّ يا شَقِيُّ يا شَقِيُّ؟ ! (2)

عنه صلى الله عليه و آله :إنَّ اللّهَ عز و جل كَتَبَ عَلى كُلِّ نَفسٍ رِزقَها ومُصيبَتَها وأجَلَها . (3)

عنه صلى الله عليه و آله :إذا سَأَلتَ فَاسأَلِ اللّهَ ، وإذَا استَعَنتَ فَاستَعِن بِاللّهِ عز و جل ؛ فَقَدِ مَضَى القَلَمُ بِما هُوَ كائِنٌ [إلى يَومِ القِيامَةِ] ؛ فَلَو جَهَدَ النّاسُ أن يَنفَعوکَ بِأمرٍ لَم يَكتُبهُ اللّهُ لَکَ لَم يَقدِروا عَلَيهِ ، ولَو جَهَدوا أن يَضُرّوکَ بِأمرٍ لَم يَكتُبهُ اللّهُ عَلَيکَ لَم يَقدِروا عَلَيهِ . (4)

عنه صلى الله عليه و آله :إنَّ الخَلائِقَ لَوِ اجتَمَعوا عَلى أن يُعطوکَ شَيئا لَم يُرِدِ اللّهُ أن يُعطِيَکَهُ لَم يَقدِروا عَلى ذلِکَ ، أو أن يَصرِفوا عَنکَ شَيئا أرادَ اللّهُ أن يُعطِيَکَهُ لَم يَقدِروا عَلى ذلِکَ ، وأن قَد جَفَّ القَلَمُ بِما هُوَ كائِنٌ إلى يَومِ القِيامَةِ . (5)

عنه صلى الله عليه و آله فِي احتِجاجِهِ عَلى عَبدِ اللّهِ بنِ أبى اُمَيَّةَ : الحُكمُ للّهِ ، يَقسِمُ كَيفَ يَشاءُ ويَفعَلُ كَما يَشاءُ ، وهُوَ حَكيمٌ فِي أفعالِهِ ، مَحمودٌ فى أعمالِهِ ، وذلِکَ قَولُهُ تَعالى : «وَ قَالُواْ لَوْلاَ نُزِّلَ هَذَا الْقُرْءَانُ عَلَى رَجُلٍ مِّنَ الْقَرْيَتَيْنِ عَظِيمٍ (6) » قالَ اللّهُ تَعالى : «أَ هُمْ يَقْسِمُونَ رَحْمَتَ رَبِّکَ» يا مُحَمَّدُ؟ «نَحْنُ قَسَمْنَا بَيْنَهُم مَّعِيشَتَهُمْ فِى الْحَيَوهِ الدُّنْيَا» فَأحوَجنا بَعضا إلى بَعضٍ : أحوَجَ هذَا الرَّجُلَ إلى مالِ ذلِکَ ، وأحوَجَ ذلِکَ إلى سِلعَةِ هذا أو إلى خِدمَتِهِ ، فَتَرى أجَلَّ المُلوکِ وأغنَى الأَغنِياءِ مُحتاجا إلى أفقَرِ الفُقَراءِ فى ضَربٍ مِنَ الضُّروبِ : إمّا سِلعَةٌ مَعَهُ لَيسَت مَعَهُ ، وإمّا خِدمَةٌ يَصلُحُ لَها لا يَتَهَيَّأُ لِذلِکَ المَلِکِ أن يَستَغنِيَ إلاّ بِهِ ، وإمّا بابٌ مِنَ العُلومِ وَالحِكَمِ هُوَ فَقيرٌ إلى أن يَستَفيدَها مِن هذَا الفَقيرِ ، فَهذَا الفَقيرُ يَحتاجُ إلى مالِ ذلِکَ المَلِکِ الغَنِيِّ ، وذلِکَ المَلِکُ يَحتاجُ إلى عِلمِ هذَا الفَقيرِ أو رَأيِهِ أو مَعرِفَتِهِ . ثُمَّ لَيسَ لِلمَلِکِ أن يَقولَ: هَلاَّ اجتَمَعَ إلى مالى عِلمُ هذَا الفَقيرِ! ولا لِلفَقيرِ أن يَقولَ : هَلاَّ اجتَمَعَ إلى رَأيى وعِلمى وما أتَصَرَّفُ فيهِ مِن فُنونِ الحِكَمِ مالُ هذَا المَلِکِ الغَنِيِّ! ثُمَّ قالَ اللّهُ تَعالى : «وَ رَفَعْنَا بَعْضَهُمْ فَوْقَ بَعْضٍ دَرَجَتٍ لِّيَتَّخِذَ

بَعْضُهُم بَعْضًا سُخْرِيًّا» ثُمَّ قالَ : يا مُحَمَّدُ ، قُل لَهُم : «وَرَحْمَتُ رَبِّکَ خَيْرٌ مِّمَّا يَجْمَعُونَ ؛ (7) » أى ما يَجمَعُهُ هؤُلاءِ مِن أموالِ الدُّنيا . (8)

.

1- .حليه الأولياء : 6 / 116 ، ربيع الأبرار : 4 / 374 وفيه «بأكيس» بدل «بأكسب» و«النصيب» بدل «المصيبه» وكلاهما عن ابن مسعود ، كنز العمّال : 1 / 109 / 503 .
2- .تنبيه الخواطر : 2 / 113 .
3- .الجعفريّات : 251 .
4- .من لا يحضره الفقيه : 4 / 413 / 5900 عن الفضل بن العباس ، الأمالى للطوسى : 536 / 1162 ، مكارم الأخلاق : 2/377/2661 كلاهما عن أبى ذر ؛ سنن الترمذى : 4/667/2516 نحوه ، مسند ابن حنبل : 1 / 659 / 2804 ، المستدرک على الصحيحين : 3 / 623 / 6303 كلّها عن ابن عبّاس .
5- .المنتخب من مسند عبد بن حميد : 214 / 636 ، المستدرک على الصحيحين : 3 / 624 / 6304 نحوه ، شُعب الإيمان : 7 / 203 / 10001 وكلّها عن ابن عبّاس .
6- .الزخرف : 1
7- .الزخرف : 32 .
8- .الاحتجاج: 1/57/22 ، التفسير المنسوب إلى الإمام العسكرىّ عليه السلام: 507 ، بحار الأنوار : 9/275/2 .

حدیث:پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هیچ یک از شما بیش از دیگری کسب نتواند کرد . همانا خداوند مصیبت و مرگ را برنوشته و مایه گذران زندگی و کار را تقسیم فرموده است ؛ پس مردم در این میان به سوی پایانْ گاه در حرکتند .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :ای فرزند آدم ! چنان نیستی که به آرزوی خویش رسی و مرگ خود را دور کنی و از روزی ات بازداشته شوی . پس ای بینوا ، ای بینوا ، ای بینوا ! چرا خود را به سختی می افکنی؟

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :همانا خداوند برای هر کس روزی و مصیبت و مرگش را برنوشته است .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هرگاه چیزی می خواهی ، از خدا بخواه ؛ و هر گاه یاری می جویی ، از او بجوی . همانا قلم تقدیر خداوند همه چیز را تا روز قیامت رقم زده است ؛ پس اگر همه مردم بکوشند تا تو را به بهره ای برسانند که خدا برایت برننوشته است ، نتوانند که چنین کنند ؛ و اگر بکوشند تا به تو زیانی رسانند که خدا برایت برننوشته است ، چنین نتوانند .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :اگر همه آفریدگان گرد آیند تا تو را چیزی دهند که خداوند نخواسته آن را به تو عطا فرماید ، نتوانند که چنین کنند ، و نیز اگر بخواهند تو را از چیزی بازدارند که خدا خواسته آن را به تو عطا فرماید ، نتوانند . و همانا قلم تقدیر خداوند هر چیز را که تا روز قیامت پدید آید ، برنوشته است .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در مناظره وی با عبداللّه بن ابی امیه : حکمرانی از آن خدا است ؛ آن گونه که خواهد ، قسمت می نماید و هر گونه خواهد ، عمل می کند ؛ در کارهایش حکمت می ورزد و در اعمالش ستوده است . و این است گفته خدای تعالی: «و گفتند چرا این قرآن بر مردی بزرگ از این دو شهر (= مکه و طایف) فرو فرستاده نشده است؟» و پاسخ خداوند چنین است : «آیا آنان رحمت پروردگار تو را تقسیم می کنند؟» ای محمّد ! «ماییم که میان آنان مایه گذرانشان را در زندگانی دنیا تقسیم کرده ایم» . پس خداوند برخی از ما را به برخی دیگر نیازمند نموده است : این را به دارایی آن ؛ و آن را به کالا یا خدمت این . پس می نگری که بزرگ ترین پادشاه یا برترین توانگر گاه به درویش ترین فقیر به گونه

ای محتاج می گردد : یا کالایی دارد که وی را فراهم نیست و یا خدمتی تواند کرد که آن پادشاه جز به یاری او از آن خدمت بهره مند نگردد و یا دانش و حکمتی دارد که آن پادشاه بدان محتاج است و باید از وی فراگیرد . پس هم آن فقیر به دارایی این پادشاه توانگر نیاز دارد و هم این پادشاه به دانش یا اندیشه یا معرفت آن فقیر محتاج است . آن پادشاه را نرسد که گوید : «چرا دانش آن فقیر در کنار دارایی من گرد نیامد؟» و آن فقیر را نیز نرسد که گوید : «چرا دارایی آن پادشاه توانگر با اندیشه و دانش و حکمت ورزی های من یکجا گرد نیامد؟» خدای تعالی فرموده است: «برخی از ایشان را بر برخی دیگر برتری بخشیده ایم تا بعضی شان بعضی دیگر را به خدمت گیرند» . سپس فرموده است: ای محمّد! به ایشان بگو : «و رحمت پروردگار تو از آن چه ایشان گرد می آورند ، نیکوتر است» ؛ یعنی از دارایی های دنیا که اینان انباشته می کنند ، بهتر است .

.

الإمام علىّ عليه السلام :إنَّ الأَمرَ يَنزِلُ مِنَ السَّماءِ إلَى الأَرضِ كَقَطرِ المَطَرِ إلى كُلِّ نَفسٍ بِما قَدَّرَ اللّهُ لَها مِن زِيادَةٍ أو نُقصانٍ ، فَإِن أصابَ أحَدَكُم مُصيبَةٌ فى أهلٍ أو مالٍ أو نَفسٍ ورَأى عِندَ أخيهِ غَفيرَةً فى أهلٍ أو مالٍ أو نَفسٍ فَلا تَكونَنَّ عَلَيهِ فِتنَةً ؛ فَإِنَّ المَرءَ المُسلِمَ لَبَرىءٌ مِنَ الخِيانَهِ ما لَم يَغشَ دَناءَةً تَظهَرُ فَيَخشَعُ لَها إذا ذُكِرَت ، ويُغرى بِها لِئامُ النّاسِ كانَ كَالفالِجِ الياسِرِ الَّذى يَنتَظِرُ أوَّلَ فَوزَهٍ مِن قِداحِهِ؛ توجِبُ لَهُ المَغنَمَ ، ويُدفَعُ بِها عَنهُ المَغرَمُ . وكَذلِكَ المَرءُ المُسلِمُ البَرىءُ مِنَ الخِيانَهِ ، يَنتَظِرُ مِنَ اللّهِ تَعالى إحدَى الحُسنَيَينِ : إمّا داعِىَ اللّهِ فَما عِندَ اللّهِ خَيرٌ لَهُ ، وإمّا رِزقَ اللّهِ فَإِذا هُوَ ذو أهلٍ ومالٍ ومَعَهُ دينُهُ وحَسَبُهُ ؛ إنَّ المالَ وَالبَنينَ حَرثُ الدُّنيا ، وَالعَمَلُ الصّالِحُ حَرثُ الآخِرَهِ وقَد يَجمَعُهُمَا اللّهُ لِأَقوامٍ . (1)

.

1- .الكافى : 5 / 57 / 6 عن حسن ، نهج البلاغه : الخطبه 23 ، قرب الإسناد : 38 / 123 ، تفسير القمّى : 2 / 36 كلاهما عن بكر بن محمّد عن الإمام الصادق عليه السلام ، الغارات : 1 / 79 عن شهر بن حوشب عن الإمام علىّ عليه السلام وكلّها نحوه ، بحار الأنوار : 71 / 84 / 28 ؛ كنز العمّال : 16 / 207 / 44231 .

امام علی علیه السلام :همانا امر پروردگار همانند باریدن باران ، به فراخور تقدیری که خداوند از بیش یا کم برای هر کس تعیین فرموده ، از آسمان بر زمین فرود می آید . پس اگر هر یک از شما را مصیبتی در خاندان و دارایی و جانش در رسید و برادرش را دید که خاندان و دارایی و جانش فزونی می پذیرد ، مبادا فریفته شود ؛ زیرا انسان مسلمان مادام که اظهار پستی نکرده تا از وی به خواری یاد گردد و مردم فرومایه به سبب آن ، بر وی برانگیخته شوند از خیانت بر کنار است و همانند قماربازی است تیزچنگ که از نخستین تیرهای قمار خود انتظار پیروزی دارد تا هم بهره ای به دست آورد و هم باخت هایش را جبران کند . چنین است حال انسان مسلمان بر کنار از خیانت که یکی از دو نیکی را از خداوند انتظار می برد : یا فراخواننده به سوی خدا = مرگ را ، که آن چه نزد او است برای انسان بهتر است ؛ و یا روزی خدا را ، که در این حال هم صاحب خاندان و دارایی است و هم دین و شرافت . همانا دارایی و فرزندان دستمایه دنیا است و عمل نیکو دستمایه آخرت ؛ و گاه خداوند این هر دو را به گروهی عطا فرماید .

.

عنه علیه السلام :رِزقُ کُلِّ امرِئٍ مُقَدَّرٌ کَتَقدیرِ أجَلِهِ . (1)

عنه علیه السلام :لَم یَفُت نَفسا ما قُدِّرَ لَها مِنَ الرِّزقِ . (2)

عنه علیه السلام :ما کانَ لَکُم مِن رِزقٍ فَسَیَأتیکُم عَلی ضَعفِکُم ، وما کانَ عَلَیکُم فَلَن تَقدِروا أن تَدفَعوهُ بِحیلَهٍ . (3)

الإمام زین العابدین علیه السلام فی دُعائِهِ : وجَعَلَ [اللّهُ]لِکُلِّ روحٍ مِنهُم قوتا مَعلوما مَقسوما مِن رِزقِهِ ، لا یَنقُصُ مَن زادَهُ ناقِصٌ ، ولا یَزیدُ مَن نَقَصَ مِنهُم زائِدٌ. (4)

.

1- .غرر الحکم : 5423 .
2- .غرر الحکم : 7546 .
3- .الخصال : 632 / 10 عن أبی بصیر ومحمّد بن مسلم عن الإمام الصادق عن آبائه علیهم السلام ، تحف العقول : 122 ، بحار الأنوار : 10 / 111 / 1 .
4- .الصحیفه السجّادیه : 19 الدعاء 1 .

امام علی علیه السلام :روزیِ هر انسان ، همانند مرگ وی ، به قلم تقدیر درآمده است .

امام علی علیه السلام :روزیِ تقدیر شده هیچ کس از او سلب نمی گردد .

امام علی علیه السلام :آن روزی ای که به سود شما باشد ، حتّی در حال ناتوانی تان به شما می رسد و آن که به زیان شما باشد ، با هیچ تدبیری دورش نتوانید کرد .

امام سجاد علیه السلام در دعایش : و خداوند برای هر یک از ایشان از روزی معین و تقسیم شده اش غذایی برنهاده ، به گونه ای که هر که را او فزونی عطا فرموده ، هیچ کاهنده ای نباشد و هر یک از ایشان را که او کاستی داده ، هیچ افزاینده ای نباشد .

.

الإمام الصادق عليه السلام فى ما يُنسَبُ إلَيهِ فى مِصباحِ الشَّريعَهِ : الرِّزقُ مَقسومٌ، فَماذا يَنفَعُ الحَسَدُ الحاسِدَ؟ ! (1)

الإمام العسكرىّ عليه السلام :المَقاديرُ الغالِبَهُ لا تُدفَعُ بِالمُغالَبَهِ ، وَالأَرزاقُ المَكتوبَهُ لا تُنالُ بِالشَّرَهِ ، ولا تُدفَعُ بِالإمساكِ عَنها . (2)

الإمام علىّ عليه السلام : لَو كانَ فى صَخرَهٍ فِى البَحرِ راسِيَهٍصَمّاءَ مَلمومَهٍ مَلسٍ نَواحيها رِزقٌ لِنَفسٍ يَراهَا اللّهُ لاَنفَلَقَتعَنهُ فَأَدَّت إلَيهِ كُلَّ ما فيها أو كانَ بَينَ طِباقِ السَّبعِ مَجمَعُهُلَسَهَّلَ اللّهُ فِى المَرقى مَراقيها حَتّى يُوافِىَ الَّذى فِى اللَّوحِ خُطَّ لَهُإن هِىَ أَتَتهُ وإلاّ فَهوَ يَأتيها (3)

عنه عليه السلام فِى الدّيوانِ المَنسوبِ إلَيهِ : فَلَو كانَتِ الدُّنيا تُنالُ بِفِطنَهٍوفَضلٍ وعِلمٍ نِلتُ أعلَى المَراتِ ولكِنَّمَا الأَرزاقُ حَظٌّ وقِسمَهٌبِفَضلِ مَليكٍ لا بِحيلَهِ طالِبٍ (4)

1 / 2 2مَقسومٌ مِنَ الحَلالِلكتاب :«قُلْ أَرَءَيْتُم مَّآ أَنزَلَ اللَّهُ لَكُم مِّن رِّزْقٍ فَجَعَلْتُم مِّنْهُ حَرَامًا وَ حَلَلاً قُلْ ءَآللَّهُ أَذِنَ لَكُمْ أَمْ عَلَى اللَّهِ تَفْتَرُونَ . (5) »

.

1- .مصباح الشريعه : 286 .
2- .أعلام الدين : 314 ، بحار الأنوار : 71 / 379 / 4 .
3- .التوحيد : 372 / 15 .
4- .الديوان المنسوب إلى الإمام علىّ عليه السلام : 74 / 30 .
5- .يونس : 59 .

1 / 2 2 روزی تقسیم شده از حلال است

امام صادق علیه السلام در کلام منسوب به وی در مصباح الشریعه : روزی تقسیم شده است ؛ پس حسد ورزیدن چه سودی برای حسود دارد؟

امام عسکری علیه السلام :تقدیرهای تعیین شده با کشمکش دور نگردد و روزی های برنوشته شده ، نه با آزمندی به دست آید و نه با پرهیز ورزیدن دور گردد .

امام علی علیه السلام : اگر بر صخره ای استوار و سختو به هم فشرده با پیرامونی هموار در دل دریا روزی کسی به مصلحتْ دیدِ خدا نهاده شده باشدآن روزی از آن صخره شکافته گردد و یکسره بدان کس رسد و یا اگر آن روزی میان آسمان های هفتگانه باشدخداوند چنان راه پیمودنش را آسان سازد که به آن کس رسد که در لوح تقدیر برایش نوشته شده استیا آن روزی به وی رسد و یا وی به آن روزی!

امام علی علیه السلام در دیوان منسوب به وی : اگر دنیا با هوشیاری وفضیلت ودانش به چنگ می آمد / من به والاترین پایه های دنیا می رسیدم اما روزی ها بهره و قسمت خدادادی هستند / و با چاره اندیشیِ جوینده به دست نمی آیند

1 / 2 2روزی تقسیم شده از حلال استقرآن:«بگو : مرا خبر دهید ، آن چه خدای از روزی برای شما فرستاده است ، پس شما از آن حرامی و حلالی [به خواست خود] قرار داده اید ، بگو آیا خدا شما را دستوری داده است یا بر خدا دروغ می بندید؟»

.

الحديث :رسول اللّه صلى الله عليه و آله :إنَّ اللّهَ تَبارَکَ وتَعالى قَسَّمَ الأَرزاقَ بَينَ خَلقِهِ حَلالاً ولَم يُقَسِّمها حَراما ؛ فَمَنِ اتَّقَى اللّهَ عز و جل وصَبَرَ أتاهُ اللّهُ بِرِزقِهِ مِن حِلِّهِ ، ومَن هَتَکَ حِجابَ السِّترِ وعَجَّلَ فَأَخَذَهُ مِن غَيرِ حِلِّهِ ، قُصَّ بِهِ مِن رِزقِهِ الحَلالِ ، وحوسِبَ عَلَيهِ يَومَ القِيامَهِ (1)

عنه صلى الله عليه و آله :لا سَرَقَ سارِقٌ شَيئا إلاّ حُسِبَ مِن رِزقِهِ . (2)

تفسير العيّاشى عن إسماعيل بن كثير رفعه إلى النبىّ صلى الله عليه و آله :لَمّا نَزَلَت هذِهِ الآيَهُ : «وَ سْئَلُواْ اللّهَ مِن فَضْلِهِ (3) » قالَ : فَقالَ أصحابُ النَّبِىِّ صلى الله عليه و آله : ما هذَا الفَضلُ ؟ أيُّكُم يَسأَلُ رَسولَ اللّهِ صلى اللهِ عليه و آلهعَنِ ذلِکَ؟ قالَ : فَقالَ عَلِىُّ بنُ أبى طالِبٍ عليه السلام : أنَا أسأَلُهُ عَنهُ ، فَسَأَلَهُ عَن ذلِکَ الفَضلِ ما هُوَ؟ فَقالَ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله : إنَّ اللّهَ خَلَقَ خَلقَهُ وقَسَّمَ لَهُم أرزاقَهُم مِن حِلِّها ، وعَرَضَ لَهُم بِالحَرامِ ، فَمَنِ انتَهَکَ حَراما نُقِصَ لَهُ مِنَ الحَلالِ بِقَدرِ مَا انتَهَکَ مِنَ الحَرامِ ، وحوسِبَ بِهِ . (4)

ربيع الأبرار :دَخَلَ عَلِىٌّ عليه السلام المَسجِدَ وقالَ لِرَجُلٍ : أمسِک عَلى بَغلَتى ، فَخَلَعَ لِجامَها وذَهَبَ بِهِ ، وخَرَجَ عَلِىٌّ وفى يَدِهِ دِرهَمانِ لِيُکافِئَهُ ، فَوَجَدَها عُطُلاً ، فَرَکِبَها ومَضى ، فَأعطى غُلامَهُ الدِّرهَمَينِ لِيَشتَرِىَ بِها لِجاما ، فَوَجَدَ الغُلامُ اللِّجامَ فِى السّوقِ ؛ فَقَد باعَهُ السّارِقُ بِدِرهَمَينِ ، فَأَخَذَهُ بِالدِّرهَمَينِ . فَقالَ عَلِىٌّ عليه السلام : إنَّ العَبدَ لَيَحرِمُ نَفسَهُ الرِّزقَ الحَلالَ بِتَرکِ الصَّبرِ ، ولا يَزدادُ عَلى ما قُدِّرَ لَهُ . (5)

.

1- .الكافى : 5 / 80 / 1 ، تهذيب الأحكام : 6 / 321 / 880 ، التمحيص : 53 / 100 كلّها عن أبى حمزه الثمالى عن الإمام الباقر عليه السلام ، عدّه الداعى : 74 ، بحار الأنوار : 70 / 97 / 3 وج 103 / 35 / 68 .
2- .دعائم الإسلام : 1 / 241 عن الإمام علىّ عليه السلام ، الجعفريّات : 54 ، النوادر للراوندى : 165 / 250 وليس فيهما «شيئا» .
3- .النساء : 32 .
4- .تفسير العيّاشى : 1 / 239 / 116 ، بحار الأنوار : 5 / 146 / 3 .
5- .ربيع الأبرار : 4 / 379 .

حدیث:پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :همانا خداوند خجسته و بزرگ روزی ها را میان آفریدگانش به حلال تقسیم فرموده و نه به حرام . پس هر کس که تقوای خدا را پیشه کند و صبور باشد ، خدا از روزی حلالش به وی عطا فرماید و آن کس که پرده پوشیدهٔ بر دِرَد و شتاب ورزد ، خدا به غیر حلالش وی را گرفتار سازد ؛ روزی حلالش از او بریده شود و روز قیامت به همان محاسبه گردد .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هیچ سارقی جز از آن چه به حساب روزی اش نوشته شده ، دزدی نمی کند .

تفسیر العیّاشی از اسماعیل بن کثیر در روایتی که به پیامبر نسبت داده است : چون این آیه نازل شد : «و خدای را از فضلش بجویید» ، یاران پیامبر گفتند : «این فضل چیست؟ چه کس از شما این را از وی می پرسد؟» علی بن ابی طالب علیه السلامفرمود : «من از وی می پرسم» . پس از او پرسید که این فضل چیست . پیامبر فرمود : «هر آینه خداوند آفریدگانش را آفرید و روزی های حلال را میان ایشان تقسیم فرمود و روزی حرام را در معرض دیدشان نهاد . هر کس به حرام روی آورد ، به همان اندازه که مرتکب حرام شده ، از حلالش کاسته و به پایش نوشته می شود» .

ربیع الابرار :علی علیه السلام به مسجد درآمد و به مردی فرمود : «استر مرا نگاه دار!» آن مرد افسار استر را باز کرد و با خود برد . علی بیرون آمد ، حال آن که دو درهم در کف داشت تا به وی پاداش دهد . دید که استر رها شده است . بر آن سوار گشت و رهسپار شد . سپس به خادم خویش دو درهم داد تا با آن افساری بخرد . خادم همان افسار را در بازار یافت که آن دزد به دو درهم فروخته بود . پس دو درهم داد و آن را باز گرفت . آن گاه علی فرمود : «همانا بنده با دست کشیدن از صبر ، خود را از روزی حلال محروم می کند و بیش از روزی ای که برایش تقدیر شده ، به دست نمی آورد» .

.

الإمام الباقر عليه السلام :لَيسَ مِن نَفسٍ إلاّ وقَد فَرَضَ اللّهُ عز و جل لَها رِزقَها حَلالاً يَأتيها فى عافِيَةٍ ، وعَرَضَ لَها بِالحَرامِ مِن وَجهٍ آخَرَ ؛ فَإِن هِيَ تَناوَلَت شَيئا مِنَ الحَرامِ قاصَّها بِهِ مِنَ الحَلالِ الَّذى فَرَضَ لَها ، وعِندَ اللّهِ سِواهُما فَضلٌ كَثيرٌ ، وهُوَ قَولُهُ عز و جل : «وَسْئَلُواْ اللَّهَ مِن فَضْلِهِ . (1) »

1 / 2 3لا يَزيدُهُ حِرصُ الحَريصِرسول اللّه صلى الله عليه و آله :يا أبا ذَرٍّ ، لا يُسبَقُ بَطىءٌ بِحَظِّهِ ، ولا يُدرِكُ حَريصٌ ما لَم يُقَدَّر لَهُ . ومَن اُعطِىَ خَيرا فَاللّهُ عز و جل أعطاهُ ، ومَن وُقِىَ شَرّا فَإِنَّ اللّهَ وَقاهُ . (2)

عنه صلى الله عليه و آله :إنَّ رِزقَ اللّهِ لا يَسوقُهُ إلَيکَ حِرصُ حَريصٍ ، ولا يَرُدُّهُ عَنکَ كَراهِيَةُ كارِهٍ . (3)

.

1- .الكافى : 5 / 80 / 2 ، تفسير العيّاشى : 1 / 239 / 118 ، بحار الأنوار : 103 / 11 / 49 نقلاً من خطّ الشيخ الشهيد نقلاً عن كتاب التجاره للحسين بن سعيد وكلّها عن أبى البلاد وج 5 / 147 / 6 .
2- .الأمالى للطوسى: 527 /1162 ، مكارم الأخلاق: 2/ 365/2661 وفيه «لحظّه» بدل «بحظّه»، تنبيه الخواطر : 2 / 53 وفيه «خطرا» بدل «خيرا» وكلّها عن أبى ذرّ ، تحف العقول : 489 عن الإمام العسكرى عليه السلام ، بحار الأنوار : 77 / 76 / 3 وج 78 / 373 / 19 .
3- .المعجم الكبير : 10 / 216 / 10514 ، شُعب الإيمان : 1 / 221 / 208 ، حليه الأولياء : 4 / 121 وج 7 / 130 ، مسند الشهاب : 2 / 91 / 947 وليس فيه «إليک» وكلّها عن ابن مسعود ؛ الكافى : 2 / 57 / 2 عن عبد اللّه بن سنان ، الأمالى للمفيد : 284 / 2 عن سماعه بن مهران ، تحف العقول : 378 ، التمحيص : 52 / 99 عن عبد اللّه بن سنان وكلّها عن الإمام الصادق عليه السلام .

1 / 2 3 حرص ورزیدن روزی را افزایش نمی دهد

امام باقر علیه السلام :هیچ کس جز آن که خداوند برایش روزی حلال مقرر فرموده که عافیت مندانه به وی می رسد ؛ و از جانب دیگر حرام را در معرض دید او قرار داده است . پس اگر وی به روزی حرام دست اندازد ، خداوند به ازای آن از روزی حلالی که برایش مقرر فرموده ، می کاهد . و جز این دو ، نزد خدا فضل فراوان است و آن همان است که خود فرموده : «و خدای را از فضلش درخواست کنید» .

1 / 2 3حرص ورزیدن روزی را افزایش نمی دهدپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :ای ابوذر! آن که [در طلب روزی] کندی می کند ، از روزی معین خود باز نمی ماند و آن که حرص می ورزد ، به آن چه برایش مقدر نشده ، دست نمی یابد . هر که خیری بیابد ، خدا به او خیر عطا فرموده و هر کس از شری بازداشته شود ، خداوند او را بازداشته است .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :همانا روزی خدا را نه حرص ورزیدنِ آزمندی به سویت جلب می کند و نه بی میلی جستنِ کراهت ورزنده ای از تو باز می دارد .

.

الإمام علىّ عليه السلام :عَجِبتُ لِمَن عَلِمَ أنَّ اللّهَ قَد ضَمِنَ الأَرزاقَ وقَدَّرَها وأنَّ سَعيَهُ لا يَزيدُهُ فى ما قَدَّرَ لَهُ مِنها ، وهُوَ حَريصٌ دائِبٌ فى طَلَبِ الرِّزقِ!! (1)

عنه عليه السلام :الحِرصُ لا يَزيدُ فِى الرِّزقِ ، ولكِن يُذِلُّ القَدرَ . (2)

عنه عليه السلام :الأَرزاقُ لا تُنالُ بِالحِرصِ وَالمُطالَبَهِ . (3)

عنه عليه السلام :الأَجَلُ مَحتومٌ ، وَالرِّزقُ مَقسومٌ ، فَلا يَغُمَّنَّ أحَدَكُم إبطاؤُهُ ؛ فَإِنَّ الحِرصَ لا يُقَدِّمُهُ ، وَالعَفافَ لا يُؤَخِّرُهُ ، وَالمُؤمِنُ بِالتَّحَمُّلِ خَليقٌ . (4)

عنه عليه السلام :كَم مِن مُتعِبٍ نَفسَهُ مُقَتِّرٌ عَلَيهِ ! ومُقتَصِدٍ فِى الطَّلَبِ قَد ساعَدَتهُ المَقاديرُ! (5)

عنه عليه السلام فى رِسالَتِهِ إلى عَبدِ اللّهِ بنِ العَبّاسِ : أمّا بَعدُ ، فَإِنَّكَ لَستَ بِسابِقٍ أجَلَكَ ، ولا مَرزوقٍ ما لَيسَ لَكَ . (6)

عنه عليه السلام :أمّا بَعدُ ، فَإِنَّ الاِهتِمامَ بِالدُّنيا غَيرُ زائِدٍ فِى المَوظوفِ وفيهِ تَضييعُ الزّادِ ، وَالإِقبالُ عَلَى الآخِرَهِ غَيرُ ناقِصٍ مِنَ المَقدورِ وفيهِ إحرازُ المَعادِ . (7)

.

1- .غرر الحكم : 6279 .
2- .غرر الحكم : 1877 .
3- .غرر الحكم : 1413 .
4- .غرر الحكم : 2086 .
5- .الكافى : 5 / 81 / 6 ، التمحيص : 53/101 كلاهما عن سهل بن زياد رفعه ، من لا يحضره الفقيه: 4/386/834 من وصيّته لابنه محمّد بن الحنفيّه وفيه «فكم رأيت من طالب متعب نفسه مقتّر عليه رزقه . . .» ، بحار الأنوار : 103 / 35 / 69 .
6- .نهج البلاغه : الكتاب 72 ، بحار الأنوار : 34 / 498 / 703 .
7- .التوحيد : 372 / 15 ، مختصر بصائر الدرجات : 138 وفيه «الميعاد» بدل «المعاد» وكلاهما عن الأصبغ بن نباته .

امام علی علیه السلام :در شگفتم از آن کس که می داند خداوند روزی ها را ضمانت و تقدیر فرموده و کوشش وی روزی مقدر شده اش را نمی افزاید ، اما باز در طلب روزی با حرص ورزی می کوشد!

امام علی علیه السلام :آزمندی روزی را نمی افزاید ، بلکه موجب خواری است .

امام علی علیه السلام :روزی ها را با آزمندی و طلب نتوان یافت .

امام علی علیه السلام :مرگ تردیدناپذیر و روزی تقسیم شده است . پس به کندی رسیدنِ روزی شما را غمگین نسازد ؛ که نه حرص ورزیدن آن را پیش می اندازد و نه عفت پیشگی آن را واپس می افکند . و مؤمن آن است که شکیبایی پیشه کند .

امام علی علیه السلام :بسا کسی که خود را به رنج می افکند ، اما معیشتش تنگ است ؛ و بسا کسی که در طلب [روزی] میانه روی می کند ، اما تقدیر با وی یار است .

امام علی علیه السلام در نامه اش به عبداللّه بن عباس : اما بعد ؛ همانا تو نتوانی بر مرگت پیشی گیری و آن چه را از آنِ تو تقدیر نشده ، روزی یابی .

امام علی علیه السلام :اما بعد ؛ هر آینه اهتمام ورزیدن به دنیا سبب افزون شدن روزی مقدر نیست و مایه تباهی توشه است ؛ و روی نهادن به آخرت از روزی مقدر نمی کاهد و مایه دستیابی به بهره های آخرت است .

.

الإمام الصادق عليه السلام :كانَ أميرُ المُؤمِنينَ عليه السلام كَثيرا ما يَقولُ : اِعلَموا عِلما يَقينا أنَّ اللّهَ عز و جل لَم يَجعَل لِلعَبدِ وإن اشتَدَّ جَهدُهُ وعَظُمَت حيلَتُهُ وكَثُرَت مُكابَدَتُهُ أن يَسبِقَ ما سُمِّىَ لَهُ فِى الذِّكرِ الحَكيمِ ، ولَم يَحُل بَينَ العَبدِ فى ضَعفِهِ وقِلَّهِ حيلَتِهِ أن يَبلُغَ ما سُمِّىَ لَهُ فِى الذِّكرِ الحَكيمِ . أيُّهَا النّاسُ ، إنَّهُ لَن يَزدادَ امرُؤٌ نَقيرا بِحَذقِهِ ، ولَم يَنتَقِصِ امرُؤٌ نَقيرا لِحُمقِهِ ، فَالعالِمُ لِهذَا العامِلُ بِهِ أعظَمُ النّاسِ راحَةً فى مَنفَعَتِهِ ، وَالعالِمُ لِهذَا التّارِكُ لَهُ أعظَمُ النّاسِ شُغلاً فى مَضَرَّتِهِ . (1)

عنه عليه السلام :إن كانَ الرِّزقُ مَقسوما فَالحِرصُ لِماذا؟! وإن كانَ الحِسابُ حَقّا فَالجَمعُ لِماذا؟! (2)

الإمام علىّ عليه السلام فِى الدّيوانِ المَنسوبِ إلَيهِ : دَعِ الحِرصَ عَلَى الدُّنياوفِى العَيشِ فَلا تَطمَع ولا تَجمَع مِنَ المالِولا تَدرى لِمَن تَجمَع ولا تَدرى أفى أرضِكَأم فى غَيرِها تُصرَع فَإِنَّ الرِّزقَ مَقسومٌوكَدُّ المَرءِ لا يَنفَع فَقيرٌ كُلَّ مَن يَطمَعغَنِىٌّ كُلَّ مَن يَقنَع (3)

.

1- .الكافى : 5 / 81 / 9 ، تهذيب الأحكام : 6 / 322 / 883 كلاهما عن ابن جمهور عن أبيه رفعه ، نهج البلاغه : الحكمه 273 ، غرر الحكم : 3656 كلاهما نحوه ، بحار الأنوار : 103 / 33 / 63 نقلاً عن تنبيه الخواطر .
2- .من لا يحضره الفقيه : 4 / 393 / 5836 ، الخصال : 450 / 55 ، التوحيد : 376 / 21 ، الأمالى للصدوق : 56 / 12 ، مختصر بصائر الدرجات : 138 كلّها عن أبان بن عثمان الأحمر ، روضه الواعظين : 484 ، بحار الأنوار : 103 / 27 / 43 .
3- .الديوان المنسوب إلى الإمام علىّ عليه السلام : 340 / 266 ، جامع الأخبار : 294 / 802 ، بحار الأنوار: 103 / 33 / 2 .

امام صادق علیه السلام :حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام بسیار می فرمود : «به یقین بدانید که خداوند روا نداشته که بنده ای از آن چه در کتاب حکمت خدا برایش مقدر شده ، پیش افتد هر چند که سخت بکوشد و بسیار تدبیر کند و فراوان رنج برد ؛ و بنده کم توان و کوتاه اندیش را از رسیدن به آن چه در کتاب حکمت خدا برایش تقدیر گشته ، مانع نشود . ای مردم ! هرگز هیچ کس به سبب هوشیاری اش [حتّی] به قدر شکاف هسته خرما افزایش روزی نیابد و هرگز هیچ کس به سبب کودنی اش [حتّی] به قدر شکاف هسته خرما کاهش روزی نیابد . آن که این را بداند و به آن عمل کند ، در سودبری آسوده ترینِ مردم است و آن که این را بداند و به آن عمل نکند ، در زیان بری گرفتارترینِ مردم است .

امام صادق علیه السلام :اگر روزی تقسیم شده است ، پس چرا آزمندی؟ و اگر محاسبه خداوند حقیقت دارد ، پس مال اندوزی چرا؟

امام علی علیه السلام در دیوان منسوب به وی : حرص ورزی بر دنیا را رها کنو در بهره بردن از آن طمع نکن . و مال اندوزی منماحال آن که نمی دانی برای چه کس مال می اندوزی . و نمی دانی که در سرزمینخود درمی گذری یا در غربت . همانا روزی تقسیم شدهو کوشش انسان سودی ندارد . هر که طمع ورزد ، به فقر دچار می شودو هر که قناعت پیشه کند ، بی نیاز می گردد .

.

عنه عليه السلام فِی الدّیوانِ المَنسوبِ إلَیهِ ، فی ذَمِّ الحِرصِ : اِحبِس عِنانَکَ لا تَجمَح بِهِ طَلَبافَلا ورَبِّکَ مَا الأَرزاقُ بِالطَّلَب قَد یَأکُلُ المالَ مَن لَم یُحفِ راحِلَهَّویَترُکُ المالَ مَن قَد جَدَّ فِی الطَّلَبِ (1)

تاریخ دمشق عن محمّد بن یزید بن عبد الأکبر مبرّد :کانَ مَکتوبا عَلی سَیفِ الإمامِ عَلِیِّ بنِ أبی طالِبٍ علیه السلام : لِلنّاسِ حِرصٌ عَلَی الدُّنیا وتَدبیرُوصَفوُها لَکَ مَمزوجٌ بِتَکدیرِ لَم یُرزَقوها بِعَقلِ عِندَما قُسِمَتلکِنَّهُم رُزِقوها بِالمَقادیرِ کَم مِن أدیبٍ لَبیبٍ لا تُساعِدُهُومائِقٌ (نالَ) دُنیاهُ بِتَقصیرِ لَو کانَ عَن قُوَّهٍ أو (عَن) مُغالَبَهٍطارَ البُزاهُ بِأرزاقِ العَصافیرِ (2)

4 2 / 1مَضمونٌ لِطالِبِهِرسول اللّه صلی الله علیه و آله :إنَّ بابَ الرِّزقِ مَفتوحٌ مِن لَدُنِ العَرشِ إلی قَرارِ بَطنِ الأرضِ ، یَرزُقُ اللّهُ کُلَّ عَبدٍ عَلی قَدرِ هِمَّتِهِ ونِهمَتِهِ . (3)

الإمام علیّ علیه السلام :اُطلُبُوا الرِّزقَ ؛ فَإنَّهُ مَضمونٌ لِطالِبِهِ . (4)

کنز الفوائد :رُوِیَ فی بَعضِ الکُتُبِ : أنَّ اللّهَ تَعالی یَقولُ : یَابنَ آدَمَ ، حَرِّک یَدَکَ أبسُط لَکَ فِی الرِّزقِ ، وأطِعنی فی ما آمُرُکَ ، فَما أعلَمَنی بِما یُصلِحُکَ ! (5)

.

1- .الدیوان المنسوب إلی الإمام علیّ علیه السلام : 92 / 47 .
2- .تاریخ دمشق : 42 / 525 ، البدایه والنهایه : 8 / 10 وفیه «و فی مراد الهوی عقل وتشمیر» بدل «وصفوها لک ممزوج بتکدیر» ؛ الدیوان المنسوب إلی الإمام علیّ علیه السلام : 256 / 176 نحوه .
3- .حلیه الأولیاء : 10 / 73 عن الزبیر ، کنز العمّال : 1 / 133 / 628 .
4- .الإرشاد : 1 / 303 ، بحار الأنوار : 77 / 421 / 40 .
5- .کنز الفوائد : 2 / 199 ؛ تفسیر الدرّالمنثور : 3 / 560 نقلاً عن عبد اللّه وابنه عن الولید بن عمر قال : بلغنی أنّه مکتوب فی التوراه ، وفیه «أفتح لک بابا من الرزق» بدل «أبسط لک فی الرزق» .

1 / 2 4 روزی برای جوینده آن ضمانت شده است

امام علی علیه السلام در دیوان منسوب به وی ، در نکوهش حرص : عنان خویش را نگاه دار و در طلب دنیا چموشی مکن / به پروردگارت سوگند! چنین نیست که روزی ها با طلب کردن به دست آید. گاه کسی از مال بهره می برد که پای در ره ننهاده / و کسی مال بر جا می نهد که بسیار در طلب آن کوشیده است .

تاریخ دمشق از محمّد بن یزید بن عبدالاکبر مبرد :بر شمشیر امام علی بن ابی طالب علیه السلامچنین نگاشته شده بود: مردم به دنیا حرص می ورزند و برای آن تدبیر می کنندحال آن که پاکی اش برایت آمیخته به تیرگی است . آن گاه که روزی تقسیم می شد ، مردم با عقل و تدبیر به روزی دست نیافتندلکه روزیِ هر کس به تقدیر بود . بسا ادیب هوشیار که دنیا یار او نیستو بسا کوتاه فکر که با همه کوتاه اندیشی اش به دنیای خود دست یابد .اگر روزی یافتن به نیرو یا غلبه بودبازها باید بر روزیِ گنجشکان چنگ می یافتند!

1 / 2 4روزی برای جوینده آن ضمانت شده استپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :همانا درِ روزی از پیشگاه عرش تا هموارْگاهِ درون زمین گشوده شده است ؛ خداوند هر بنده ای را به قدر همت و نیازش روزی می بخشد .

امام علی علیه السلام :در طلب روزی باشید ؛ زیرا روزی برای جوینده اش ضمانت شده است .

کنز الفوائد :در برخی از کتب این روایت آمده است: خدای تعالی می فرماید : «ای فرزند آدم! دست خویش را حرکت بخش تا روزی ات را گسترش دهم؛ وآن چه را به تو فرمان می دهم ، اطاعت کن که من به مایه صلاح تو بسیار آگاهم» .

.

1 / 2 5قَد يَجرِى بِغَيرِ حيلَهِالإمام علىّ عليه السلام :لَو جَرَتِ الأَرزاقُ بِالأَلبابِ وَالعُقولِ ؛ لَم تَعِشِ البَهائِمُ وَالحَمقى . (1)

عنه عليه السلام :وُكِّلَ الرِّزقُ بِالحُمقِ ، ووُكِّلَ الحِرمانُ بِالعَقلِ ، ووُكِّلَ البَلاءُ بِالصَّبرِ . (2)

عنه عليه السلام :الحَظُّ يَسعى إلى مَن لا يَخطُبُهُ . (3)

عنه عليه السلام :الحَظُّ يَأتى مَن لايَأتيهِ . (4)

الإمام الصادق عليه السلام :إنَّ اللّهَ تَعالى وَسَّعَ فى أرزاقِ الحُمَقاءِ لِيَعتَبِرَ العُقَلاءُ ، ويَعلَموا أنَّ الدُّنيا لَيسَ يُنالُ ما فيها بِعَمَلٍ ولا حيلَهٍ . (5)

ربيع الأبرار :أُوحِىَ إلى موسى عليه السلام : أتَدرى لِمَ رَزَقتُ الأَحمَقَ؟ قالَ : لا يا رَبِّ . قالَ : لِيُعلَمَ أنَّ الرِّزقَ لَيسَ بِالاِحتِيالِ . (6)

.

1- .غرر الحكم : 7607 .
2- .الكافى : 8 / 221 / 277 عن محمّد بن الحسين عن الإمام زين العابدين عن أبيه عليهماالسلام ، تحف العقول : 209 ، التمحيص : 46/62 ، مشكاه الأنوار : 58/63 وفيه «وكّل البلاء باليقين والصبر»، بحار الأنوار: 72 / 50 / 62 .
3- .غرر الحكم : 1407 و1408 .
4- .نهج البلاغه : الحكمه 275 ، بحار الأنوار : 73 / 170 / 7 .
5- .الكافى : 5 / 83 / 10 ، تهذيب الأحكام : 6 / 323 / 884 ، التمحيص : 53 / 102 ، تنبيه الخواطر : 1 / 14 كلّها عن عبد اللّه بن سليمان .
6- .ربيع الأبرار : 4 / 378 .

1 / 2 5گاه روزی بدون برنامه ریزی به دست آیدامام علی علیه السلام :اگر روزی ها به سبب اندیشه ها و خردها جریان می یافت ، چهارپایان و بی خردان معیشت نمی یافتند!

امام علی علیه السلام :روزی به نادانی واگذار شده ؛ ناکامی به دانایی ؛ و بلا به صبوری .

امام علی علیه السلام :کامیابی به سوی کسی می شتابد که به دنبال آن نیست .

امام علی علیه السلام :بهره مندی از آن کسی است که به سوی آن نمی رود .

امام صادق علیه السلام :همانا خداوند در روزی نادانان گشایش پدید آورده تا دانایان عبرت گیرند و بدانند که با کار و چاره جویی نمی توان به دنیا دست یافت .

ربیع الابرار :به موسی علیه السلام وحی شد : «آیا می دانی چرا احمق را روزی داده ام؟» گفت: «پروردگار من! نمی دانم» . فرمود : «تا دانسته شود که روزی با چاره اندیشی به دست نیاید» .

.

الإمام علىّ عليه السلام فِى الحِكَمِ المَنسوبَهِ إلَيهِ : وُكِّلَ ثَلاثٌ بِثَلاثٍ : الرِّزقُ بِالحُمقِ ، وَالحِرمانُ بِالعَقلِ ، وَالبَلاءُ بِالمَنطِقِ . لِيَعلَمَ ابنُ آدَمَ أن لَيسَ لَهُ مِنَ الأَمرِ شَىءٌ . (1)

عنه عليه السلام فِى الحِكَمِ المَنسوبَهِ إلَيهِ : مَن زادَ عَقلُهُ نَقَصَ حَظُّهُ ، وما جَعَلَ اللّهُ لِأَحَدٍ عَقلاً وافِرا إلاَّ احتُسِبَ بِهِ عَلَيهِ مِن رِزقِهِ . (2)

عنه عليه السلام فِى الدّيوانِ المَنسوبِ إلَيهِ : كَم مِن أديبٍ فَطِنٍ عالِمٍمُستَكمِلِ العَقلِ مُقِلٍّ عَديمِ ومِن جَهولٍ مُكثِرٍ مالَهُذلِكَ تَقديرُ العَزيزِ العَليمِ (3)

عنه عليه السلام فِى الدّيوانِ المَنسوبِ إلَيهِ : كَم مِن عَليمٍ قَوِىٍّ فى تَقَلُّبِهِمُهَذَّبِ اللُّبِّ عَنهُ الرِّزقُ يَنحَرِفُ كَم مِن ضَعيفٍ سَخيفِ العَقلِ مُختَلِطٍكَأَنَّهُ مِن خَليجِ البَحرِ يَغتَرِفُ (4)

عنه عليه السلام : فَلَو أنَّ العُقولَ تَجُرُّ رِزقالَكانَ الرِّزقُ عِندَ ذَوِى العُقولِ فَكَم مِن مُؤمِنٍ قَد جاعَ يَوماسَيُروى مِن رَحيقِ السَّلسَبيلِ (5)

.

1- .شرح نهج البلاغه : 20 / 266 / 93 .
2- .شرح نهج البلاغه : 20 / 308 / 534 .
3- .الديوان المنسوب إلى الإمام علىّ عليه السلام : 518 / 391 .
4- .الديوان المنسوب إلى الإمام علىّ عليه السلام : 376 / 290 .
5- .تاريخ دمشق : 42 / 524 عن الصولى أبى بكر محمّد بن يحيى .

امام علی علیه السلام در کلمات حکیمانه منسوب به وی : سه چیز به سه چیز واگذار شده است: روزی به نادانی ، ناکامی به دانایی ، و بلا به فهم و شعور ؛ تا فرزند آدم دریابد که هیچکاره است .

امام علی علیه السلام در کلمات حکیمانه منسوب به وی : هر کس عقلش بیش ، بهره اش کم تر . خداوند به هیچ کس عقل فراوان نداده ، مگر این که به ازای آن از روزی اش کاسته است .

امام علی علیه السلام در دیوان منسوب به وی : بسا ادیب هوشیار و دانشمندکه از عقل فراوان بهره دارد ، ولی بی چیز و تنگدست است . و بسا نادان که مال بسیار داردو این ، تقدیر خداوند سرافراز دانا است .

امام علی علیه السلام در دیوان منسوب به وی : بسا دانای قوی عزم و نیکواندیشکه روزی از وی روی می گرداند . و بسا ناتوان کوته اندیش تباه عقلکه [بسی نعمت یافته] گویی از کناره دریا با کف دست آب بر می گیرد .

امام علی علیه السلام: اگر اندیشه ها روزی را سوی خود می کشاندندآن گاه روزی نزد اندیش مندان بود . بسا مؤمن که یک روز گرسنگی کشدو در بهشت از باده ناب سلسبیل سیراب گردد .

.

عنه علیه السلام فِی الدّیوانِ المَنسوبِ إلَیهِ : لَو کانَ بِاللُّبِّ یَزدادُ اللَّبیبُ غِنیً‌لَکانَ کُلُّ لَبیبٍ مِثلَ قارونِ لکِنَّمَا الرِّزقُ بِالمیزانِ مِن حَکَمٍیُعطِی اللَّبیبَ ویُعطی کُلَّ مَأفونِ (1)

عنه علیه السلام فِی الدّیوانِ المَنسوبِ إلَیهِ : ما لا یَکونُ فَلا یَکونُ بِحیلَهأبَدا وما هُوَ کائِنٌ سَیَکونُ ما هُوَ کائِنٌ فی وَقتِهوأخُو الجَهالَهِ مُتَعَبٌ مَحزونُ یَسعَی القَوِیُّ فَلا یَنالُ بِسَعیِهِحَظّا ویَحظی عاجِزٌ ومَهینُ (2)

1 / 3أصنافُ الرِّزقِرسول اللّه صلی الله علیه و آله :اِعلَموا أنَّ الرِّزقَ رِزقانِ : فَرِزقٌ تَطلُبونَهُ ، ورِزقٌ یَطلُبُکُم . فَاطلُبوا أرزاقَکُم مِن حَلالٍ ؛ فَإِنَّکُم آکِلوها حَلالاً إن طَلَبتُموها مِن وُجوهِها ، وإن لَم تَطلُبوها مِن وُجوهِها أکَلتُموها حَراما ، وهِیَ أرزاقُکُم لابُدَّ لَکُم مِن أکلِها . (3)

عنه صلی الله علیه و آله :إنَّ الرِّزقَ لَیَطلُبُ العَبدَ کَما یَطلُبُهُ أجَلُهُ . (4)

.

1- .الدیوان المنسوب إلی الإمام علیّ علیه السلام : 594 / 449 .
2- .الدیوان المنسوب إلی الإمام علیّ علیه السلام : 594 / 450 .
3- .الأمالی للصدوق : 369 / 460 عن مرازم بن حکیم عن الإمام الصادق عن آبائه علیهم السلام ، بحار الأنوار : 103 28 / 44 وص 31 / 57 نقلاً عن الفقه المنسوب للإمام الرضا علیه السلامنحوه .
4- .صحیح ابن حبّان: 8/31/3238، السنّه لابن أبی عاصم: 117/264، شُعب الإیمان: 2/71/1191، حلیه الأولیاء : 6 / 86 کلّها عن أبی الدرداء ؛ جامع الأخبار : 294 / 799 وص 293 / 798 نحوه وراجع المعجم الکبیر : 3 / 84 / 2737 و مسند الشهاب : 1 / 168 / 241 .

امام علی علیه السلام در دیوان منسوب به وی : اگر خردمند به سبب افزونی خرد ، توانگرتر می شدآن گاه هر خردمندی می بایست همچون قارون بود . اما روزی را ترازویی است نزد خدای حکم گزارکه هم خردمند را نصیب عطا فرماید و هم کم خرد را .

امام علی علیه السلام در دیوان منسوب به وی : آن چه بنا نیست که باشد ، با هیچ تدبیری بودنی نخواهد شدو آن چه بنا است که باشد ، خواهد شد . آن چه بنا است که باشد ، در وقت خویش خواهد شدو نادان همواره در رنج و اندوه است . نیرومند می کوشد ، اما با کوشش خویش به نصیبی نمی رسدحال آن که ناتوان و فرومایه به نصیب خویش می رسد .

1 / 3گونه های روزیپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :بدانید که روزی دو گونه است : آن چه شما در پی آنید و آن چه او در پی شما است . پس روزی های خویش را از حلال جست و جو کنید ؛ که اگر آن را از طریق مناسب به دست آورده باشید ، به حلال مصرفش می کنید ؛ و اگر آن را از طریق مناسب به کف نیاورده باشید ، به حرامش می خورید . و این ها روزی های شمایند که ناچار از مصرف آن هایید .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :همانا روزی در پی بنده است ، همان گونه که مرگ در پی او است .

.

عنه صلي الله عليه و آله :يا أبا ذَرٍّ ، لَو أنَّ ابنَ آدَمَ فَرَّ مِن رِزقِهِ كَما يَفِرُّ مِنَ المَوتِ لَأدرَكَهُ رِزقُهُ كَما يُدرِكُهُ المَوتُ . (1)

الإمام علىّ عليه السلام لِمَن سَأَلَهُ عَن تَفسيرِ «الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَلَمِينَ» : «رَبِّ الْعَلَمِينَ» : مالِكُهُم وخالِقُهُم وسائِقُ أرزاقِهِم إلَيهِم مِن حَيثُ يَعلَمونَ ومِن حَيثُ لا يَعلَمونَ ؛ فَالرِّزقُ مَقسومٌ ، وهُوَ يَأتِى ابنَ آدَمَ عَلى أىِّ سيرَةٍ سارَها مِنَ الدُّنيا ، لَيسَ تَقوى مُتَّقٍ بِزائِدِهِ ، ولا فُجورُ فاجِرٍ بِناقِصِهِ ، وبَينَهُ وبَينَهُ سِترٌ ، وهُوَ طالِبُهُ ؛ فَلَو أنَّ أحَدَكُم يَفِرُّ مِن رِزقِهِ لَطَلَبَهُ كَما يَطلُبُهُ المَوتُ . (2)

عنه عليه السلام :الرِّزقُ يَطلُبُ مَن لا يَطلُبُهُ . (3)

عنه عليه السلام :رِزقُكَ يَطلُبُكَ فَأَرِح نَفسَكَ مِن طَلَبِهِ . (4)

عنه عليه السلام فى وَصِيَّتِهِ لِابنِهِ مُحَمَّدِ بنِ الحَنَفِيَّهِ : يا بُنَىَّ ، الرِّزقُ رِزقانِ : رِزقٌ تَطلُبُهُ ، ورِزقٌ يَطلُبُكَ ؛ فَإن لَم تَأتِهِ أتاكَ . فَلا تَحمِل هَمَّ سَنَتِكَ عَلى هَمِّ يَومِكَ . وكَفاكَ كُلُّ يَومٍ ما هُوَ فيهِ ، فَإن تَكُنِ السَّنَهُ مِن عُمُرِكَ فَإنَّ اللّهَ عز و جلسَيَأتيكَ فى كُلِّ غَدٍ بِجَديدِ ما قَسَمَ لَكَ ، وإن لَم تَكُنِ السَّنَهُ مِن عُمُرِكَ فَما تَصنَعُ بِغَمٍّ وهَمٍّ ما لَيسَ لَكَ؟ ! وَاعلَم أنَّهُ لَن يَسبِقَكَ إلى رِزقِكَ طالِبٌ ، ولَن يَغلِبَكَ عَلَيهِ غالِبٌ ، ولَن يَحتَجِبَ عَنكَ ما قُدِّرَ لَكَ . (5)

.

1- .جامع الأخبار : 294 / 801 وح 800 نحوه ، تنبيه الخواطر : 2 / 63 عن أبى ذرّ ، الكافى : 2/57 / 2 ، التمحيص : 52 / 99 وفيه «رزقه قبل موته» وكلاهما عن عبد اللّه بن سنان ، الأمالى للمفيد : 284 / 2 عن سماعه بن مهران ، تحف العقول : 378 كلّها عن الإمام الصادق عليه السلام وفيها «لو أنّ أحدكم فرّ» بدل «لو أنّ ابن آدم فرّ» .
2- .عيون أخبار الرضا عليه السلام : 1 / 283 / 30 ، علل الشرايع : 417 / 3 وفيه «وبيننا وبينه» بدل «وبينه وبينه» ، بشاره المصطفى : 213 كلّها عن محمّد بن زياد ومحمّد بن يسار عن الإمام العسكرى عن أبيه عن جدّه عن الإمام الرضا عليهم السلام ، تنبيه الخواطر : 2 / 107 عن الإمام الرضا عليه السلام .

3- .غرر الحكم : 1408 .
4- .غرر الحكم : 5411 .
5- .من لا يحضره الفقيه : 4 / 386 / 5834 ، نهج البلاغه : الحكمه 379 ، بحارِ الأنوار: 5/147/4 وج103/37/81 ؛ كنز العمّال : 16 / 179 / 44215 نقلاً عن وكيع والعسكرى فى المواعظ .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :ای ابوذر! اگر فرزند آدم از روزی بگریزد ، همان گونه که از مرگ می گریزد ، هر آینه روزی اش به وی خواهد رسید ، همان سان که مرگ او را درخواهد یافت .

امام علی علیه السلام خطاب به کسی که تفسیر «الحمدللّه رب العالمین» را از وی پرسید : «پروردگار جهانیان» مالک ، آفریننده ، و کشاننده روزی های ایشان به سویشان است ، خواه به گونه ای که دریابند و خواه بدان سان که درنیابند . پس روزی تقسیم شده است و به فرزند آدم می رسد ، بی آن که به نوع رفتار وی در دنیا بستگی داشته باشد . نه تقوای فرد پرهیزگار به روزی وی می افزاید و نه بدکاری فرد زشتکار از روزی اش می کاهد . میان بنده و روزی پرده ای است و روزی در پی بنده است . اگر کسی از شما از روزی خویش بگریزد ، روزی در پی وی می رود ، همان گونه که مرگ به دنبالش روان است .

امام علی علیه السلام :روزی به دنبال کسی است که در پی آن نیست .

امام علی علیه السلام: روزی ، خود ، به دنبال تو می آید ؛ پس خویشتن را برای طلب آن به رنج میفکن .

امام علی علیه السلام در سفارشش به فرزندش محمّد بن حنفیه : پسر عزیزم! روزی دو گونه است: یکی آن چه تو در پی آنی ؛ و یکی آن چه او در پی تو است ؛ پس اگر به دنبالش نروی ، او به دنبال تو خواهد آمد . از این رو ، یک روز را به قدر یک سال نگران نباش ؛ که هر روز را روزیِ همان روز کفایتت کند . اگر یک سال از عمرت مانده باشد ، خداوند از پس هر روز ، روزی تازه ات را خواهد داد ؛ و اگر یک سال از عمرت نمانده باشد ، پس چرا اندوه و غمِ زمانی را می خوری که از آنِ تو نیست؟ بدان که بر روزی تو جوینده ای دیگر پیشی نتواند گرفت و سلطه گری غلبه نتواند یافت و رزقی که برایت مقدر شده از تو پوشیده نخواهد ماند .

.

عنه عليه السلام :الرِّزقُ رِزقانِ : طالِبٌ ، ومَطلوبٌ ؛ فَمَن طَلَبَ الدُّنيا طَلَبَهُ المَوتُ حَتّى يُخرِجَهُ عَنها ، ومَن طَلَبَ الآخِرَةَ طَلَبَتهُ الدُّنيا حَتّى يَستَوفِيَ رِزقَهُ مِنها . (1)

نهج البلاغه :قيلَ لِأَميرِ المُؤمِنينَ عليه السلام : لَو سُدَّ عَلى رَجُلٍ بابُ بَيتِهِ وتُرِكَ فيهِ ، مِن أَينَ كانَ يَأتيهِ رِزقُهُ؟ فَقالَ عليه السلام : مِن حَيثُ يَأتيهِ أَجَلُهُ . (2)

الإمام الصادق عليه السلام :الرِّزقُ مَقسومٌ عَلى ضَربَينِ : أَحَدُهُما واصِلٌ إلى صاحِبِهِ وإن لَم يَطلُبهُ ، وَالآخَرُ مُعَلَّقٌ بِطَلَبِهِ ؛ فَالَّذى قُسِمَ لِلعَبدِ عَلى كُلِّ حالٍ آتيهِ وإن لَم يَسعَ لَهُ ، وَالَّذى قُسِمَ لَهُ بِالسَّعيِ فَيَنبَغى أن يَلتَمِسَهُ مِن وُجوهِهِ ؛ وهُوَ ما أَحَلَّهُ اللّهُ تَعالى لَهُ دونَ غَيرِهِ . فَإِن طَلَبَهُ مِن جِهَهِ الحَرامِ فَوَجَدَهُ حُسِبَ عَلَيهِ بِرِزقِهِ وحوسِبَ بِهِ . (3)

الإمام علىّ عليه السلام فِى الدّيوانِ المَنسوبِ إلَيهِ : لا تَعتِبَنَّ عَلَى العِبادِ فَإِنَّمايَأتيکَ رِزقُکَ حينَ يُؤذَنُ فيهِ سَبَقَ القَضاءُ لِوَقتِهِ فَکَأَنَّهُيَأتيکَ خَيرَ الوَقتِ أو تَأتيهِ فَثِقَن بِمَولاکَ الکَريمِ فَإِنَّهُلِلعَبدِ أرأفُ مِن أبٍ لِبَنيهِ (4)

.

1- .نهج البلاغه : الحكمه 431 ، غرر الحكم : 2082 وفيه «الناس طالبان : طالب ، ومطلوب . . .» ، بحار الأنوار : 103 / 38 / 86 .
2- .نهج البلاغه : الحكمه 356 .
3- .المقنعه : 586 .
4- .الديوان المنسوب إلى الإمام علىّ عليه السلام : 634 / 492 .

امام علی علیه السلام :روزی دو گونه است : آن چه به دنبال می آید و آن چه به دنبالش می روند . هر که به دنبال دنیا رود ، مرگ در پی وی می آید تا از دنیا بیرونش کشد ؛ و هر که آخرت را بجوید ، دنیا در پی او می آید تا روزی اش را به نحو کامل به وی دهد .

نهج البلاغه :امیرالمؤمنین علیه السلام را گفتند : «اگر درِ خانه کسی بر وی بسته شود و او در آن محبوس گردد ، روزی اش از کجا می رسد؟» فرمود : «از همان جای که مرگش فرا می رسد» .

امام صادق علیه السلام :رزق به دو گونه تقسیم شده است: یکی به صاحبش می رسد ، هر چند آن را نجوید ؛ و دیگری وقتی به دست آید که در پی آن روند . پس آن چه در هر حال برای بنده مقدر شده ، به وی می رسد ، هر چند بنده برای آن نکوشد ؛ و اما آن چه با کوشش برایش مقدر شده ، بنده باید آن را از راهش بیابد ، یعنی راهی که خدای تعالی به حلال قرار داده و نه جز آن . پس اگر آن را از راه حرام طلب کرد و یافت ، به پایِ روزی اش نوشته می شود ، در حالی که برای آن مؤاخذه نیز می گردد .

امام علی علیه السلام در دیوان منسوب به وی : هرگز با بندگان درشتناکی مکن ؛ که بی تردید ،هرگاه خدا رخصت فرماید ، روزی ات خواهد رسید . قضای پروردگار در زمان مناسب پیش می افتد ،چندان که گویی در بهترین وقت یا او به تو می رسد و یا تو به او می رسی . پس به مولای کرم بخش خویش بسی اعتماد ورز که او به بنده ،بیش از پدر به فرزندانش ، مهر می ورزد .

.

1 / 4حِكمَهُ القَبضِ وَالبَسطِالكتاب :«وَ لَوْ بَسَطَ اللَّهُ الرِّزْقَ لِعِبَادِهِ لَبَغَوْاْ فِى الْأَرْضِ وَ لَكِن يُنَزِّلُ بِقَدَرٍ مَّا يَشَآءُ إِنَّهُ بِعِبَادِهِ خَبِيرُ بَصِيرٌ . (1) »

«وَ اللَّهُ فَضَّلَ بَعْضَكُمْ عَلَى بَعْضٍ فِى الرِّزْقِ فَمَا الَّذِينَ فُضِّلُواْ بِرَآدِّى رِزْقِهِمْ عَلَى مَا مَلَكَتْ أَيْمَنُهُمْ فَهُمْ فِيهِ سَوَآءٌ أَ فَبِنِعْمَهِ اللَّهِ يَجْحَدُونَ . (2) »

«وَ لَقَدْ أَ خَذْنَآ ءَالَ فِرْعَوْنَ بِالسِّنِينَ وَ نَقْصٍ مِّنَ الثَّمَرَ تِ لَعَلَّهُمْ يَذَّكَّرُونَ . (3) »

«وَ اعْلَمُواْ أَنَّمَآ أَمْوَ لُكُمْ وَ أَوْلَدُكُمْ فِتْنَهٌ وَ أَنَّ اللَّهَ عِندَ هُو أَجْرٌ عَظِيمٌ . (4) »

«وَ لَنَبْلُوَنَّكُم بِشَىْ ءٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَ الْجُوعِ وَ نَقْصٍ مِّنَ الْأَمْوَ لِ وَ الْأَنفُسِ وَ الثَّمَرَ تِ وَ بَشِّرِ الصَّبِرِينَ . (5) »

«فَأَمَّا الْاِءنسَنُ إِذَا مَا ابْتَلَهُ رَبُّهُ فَأَكْرَمَهُ وَ نَعَّمَهُ فَيَقُولُ رَبِّى أَكْرَمَنِ * وَ أَمَّآ إِذَا مَا ابْتَلَهُ فَقَدَرَ عَلَيْهِ رِزْقَهُ فَيَقُولُ رَبِّى أَهَنَنِ * كَلاَّ بَل لاَّ تُكْرِمُونَ الْيَتِيمَ * وَ لاَ تَحَضُّونَ عَلَى طَعَامِ الْمِسْكِينِ . (6) »

الحديث :رسول اللّه صلى الله عليه و آله :يَقولُ اللّهُ عز و جل : إنّى لَم أُغنِ الغَنِىَّ لِكَرامَهٍ بِهِ عَلَىَّ ، ولكِنَّهُ مِمَّا ابتَلَيتُ بِهِ الأَغنِياءَ . (7)

.

1- .الشورى : 27 .
2- .النحل : 71 .
3- .الأعراف : 130 .
4- .الأنفال : 28 ، التغابن : 15 .
5- .البقره : 155 .
6- .الفجر : 15 18 .
7- .تاريخ اليعقوبى : 2 / 91 ، الكافى : 2 / 265 / 20 عن مبارک ، مشكاه الأنوار : 501 / 1678 وكلاهما عن الإمام الكاظم عليه السلام ، التمحيص : 72 / 47 / 69 عن مبارک عن الإمام الصادق عليه السلام ، بحار الأنوار : 26 / 22 .

1 / 4حکمت تنگنا و گشایشقرآن:«و اگر خداوند روزی را بر بندگان خود فراخ می کرد ، هر آینه در زمین ستم و سرکشی می کردند . ولیکن به اندازه ای که بخواهد ، فرو می آورد؛ که او به بندگان خویش آگاه و بینا است .»

«و خداوند برخی از شما را در روزی بر برخی فزونی داد؛ پس کسانی که فزونی داده شده اند ، بر آن نیستند که روزی خویش به زیردستان خود بازدهند تا همه در روزی برابر و یکسان گردند . پس آیا نعمت خدای را انکار می کنند؟»

«و به راستی فرعونیان را به خشکسال ها و کاهش میوه ها گرفتار کردیم؛ شاید پند گیرند .»

«و بدانید که همانا مال ها و فرزندانتان آزمونی اند؛ و بدانید که پاداشی بزرگ نزد خداوند است .»

«و هر آینه شما را به چیزی از بیم و گرسنگی و کاهش مال ها و جان ها و میوه ها می آزماییم و شکیبایان را مژده ده .»

«اما آدمی آن گاه که پروردگارش او را بیازماید و گرامی دارد و نعمتش دهد ، گوید : پروردگارم مرا گرامی داشت * و اما چون او را بیازماید و روزی اش را بر او تنگ سازد ، گوید : پروردگارم مرا خوار و زبون کرد * نه چنان است؛ بلکه یتیم را نمی نوازید * و یکدیگر را بر طعام دادنِ درویش و بینوا برنمی انگیزید .»

حدیث:پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :خداوند می فرماید : «هر آینه من توانگر را بدان جهت که نزدم کرامتی دارد ، توانگری نبخشیده ام ؛ بلکه از باب مبتلا ساختن توانگران است» .

.

عنه صلى الله عليه و آله :المالُ فيهِ خَيرٌ و شَرٌّ ؛ فيهِ حَملُ الكَلِّ وصِلَهُ الرَّحِمِ . (1)

عنه صلى الله عليه و آله :إنَّ اللّهَ تَعالى لَيَبتَلِى العَبدَ بِالرِّزقِ لِيَنظُرَ كَيفَ يَعمَلُ ؛ فَإِن رَضِىَ بورِكَ لَهُ ، وإن لَم يَرضَ لَم يُبارَک لَهُ . (2)

عنه صلى الله عليه و آله :إنَّ اللّهَ تَبارَکَ وتَعالى يَبتَلى عَبدَهُ بِما أعطاهُ ، فَمَن رَضِىَ بِما قَسَمَ اللّهُ عز و جل لَهُ بارَکَ اللّهُ لَهُ فيهِ ووَسَّعَهُ ، ومَن لَم يَرضَ لَم يُبارِک لَهُ . (3)

عنه صلى الله عليه و آله :إذا أحَبَّ اللّهُ عَبدا اِبتَلاهُ ، فَإِذا أحَبَّهُ (اللّهُ) الحُبَّ البالِغَ اقتَناهُ . قالوا : ومَا اقتِناؤُهُ؟ قالَ : أن لا يَترُکَ لَهُ مالاً ولا وَلَدا . (4)

عنه صلى الله عليه و آله :قالَ اللّهُ عز و جل : وعِزَّتي وجَلالى ! لا اُخرِجُ عَبدا مِنَ الدُّنيا وأنَا اُريدُ أن أرحَمَهُ حَتّى أستَوفِيَ مِنهُ كُلَّ خَطيئَةٍ عَمِلَهَا ؛ إمّا بِسُقمٍ فى جَسَدِهِ ، وإمّا بِضيقٍ فى رِزقِهِ ، وإمّا بِخَوفٍ فى دُنياهُ ، فَإِن بَقِيَت عَلَيهِ بَقِيَّةٌ شَدَّدتُ عَلَيهِ عِندَ المَوتِ . وعِزَّتى وجَلالى ! لا اُخرِجُ عَبدا مِنَ الدُّنيا وأنَا اُريدُ أن اُعَذِّبَهُ حَتّى اُوَفِّيَهُ كُلَّ حَسَنَةٍ عَمِلَها ؛ إمّا بِسَعَةٍ فى رِزقِهِ ، وإمّا بِصِحَّةٍ فى جِسمِهِ ، وإمّا بِأمنٍ فى دُنياهُ ، فَإِن بَقِيَت عَلَيهِ بَقِيَّةٌ هَوَّنتُ عَلَيهِ بِهَا المَوتَ . (5)

.

1- .نثر الدرّ : 1 / 236 .
2- .حليه الأولياء : 2 / 213 عن عبد اللّه بن الشخير ، كنز العمّال : 3 / 396 / 7121 .
3- .مسند ابن حنبل : 7 / 282 / 20301 عن أبى العلاء بن الشِخّير عن أحد بنى سليم ، شُعب الإيمان : 7 / 125 / 9725 عن أبى العلاء بن الشخير عن أحمد بن سليم ، كنز العمّال : 3 / 390 / 7090 .
4- .الدعوات : 166 / 461 ؛ شرح نهج البلاغه : 18 / 318 ، كنز العمّال : 11 / 100 / 30793 نقلاً عن الطبرانى وابن عساكر عن أبى عقبه الخولانى .

5- .الكافى : 2 / 444 / 3 عن ابن القدّاح عن الإمام الصادق عليه السلام ، مشكاه الأنوار : 274 / 819 عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :در مال هم خیر است و هم شر ؛ با آن به حمل بار دیگران توان پرداخت و نیز پیوند با خویشان برقرار توان کرد .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :همانا خدای تعالی بنده را با روزیِ دادن آزمایش می کند تا درنگرد که وی چگونه عمل می کند ؛ اگر بنده از آن روزی خشنود باشد ، روزی اش برکت می یابد و اگر خشنود نباشد ، روزی اش بی برکت می گردد .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر آینه خدای بزرگ و بلند پایه بنده خویش را با آن چه به وی عطا فرماید ، آزمایش می کند . اگر به آن چه خدا قسمتش فرموده ، راضی باشد ، خداوند به وی برکت و گشایش بخشد ؛ و اگر راضی نباشد ، خدا به او برکت ندهد .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر گاه خداوند بنده ای را دوست بدارد ، مبتلایش سازد و هر گاه او را بسیار دوست بدارد ، وی را در هم گیرد . پرسیدند : «در هم گرفتن وی چگونه است؟» فرمود : «بدین گونه است که برایش هیچ دارایی و فرزندی نگذارد» .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :خداوند فرموده است: «به سرفرازی و شکوهم سوگند! بنده ای را که بخواهم بر وی رحمت آورم ، از دنیا برون نمی آورم ، مگر آن که هر گناهی را که مرتکب شده ، از وی بزدایم . و آن ، چنین است که یا تنش را بیمار می کنم و یا روزی اش را تنگ می سازم و یا در دنیا به هراس دچارش می کنم . اگر باز هم گناهی بر او باقی ماند ، هنگام مرگ بر وی سخت می گیرم . به سرفرازی و شکوهم سوگند! بنده ای را که بخواهم به عذاب دچار سازم ، از دنیا برون نمی آورم ، مگر آن که هر کار نیکی را که مرتکب شده ، از وی بگیرم . و آن ، چنین است که یا روزی اش را گشایش بخشم و یا تنش را سلامت دارم و یا در دنیا برایش امنیت فراهم آورم . و اگر باز هم باقی ماند ، به سبب آن ، مرگ را بر وی آسان می سازم» .

.

عنه صلى الله عليه و آله :إذا رَأَيتُمُ الرَّجُلَ أَلَمَّ اللّهُ بِهِ الفَقرَ وَالمَرَضَ ؛ فَإِنَّ اللّهَ تَعالى يُريدُ أن يُصافِيَهُ . (1)

عنه صلى الله عليه و آله :إنَّ المُؤمِنَ إذا قارَفَ الذُّنوبَ وَابتُلِيَ بِهَا ، ابتُلِيَ بِالفَقرِ . (2)

عنه صلى الله عليه و آله :يَقولُ اللّهُ عز و جل : ... رُبَّما سَأَلَنى وَلِيِّىَ المُؤمِنُ الغِنى فَأَصرِفُهُ إلَى الفَقرِ ، ولَو صَرَفتُهُ إلَى الغِنى لَكانَ شَرّا لَهُ ؛ ورُبَّما سَأَلَنى وَلِيِّىَ المُؤمِنُ الفَقرَ فَأَصرِفُهُ إلَى الغِنى ولَو صَرَفتُهُ إلَى الفَقرِ لَكانَ شَرّا لَهُ . (3)

عنه صلى الله عليه و آله :قالَ اللّهُ تَبارَكَ وتَعالى : ... إنَّ مِن عِبادِىَ المُؤمِنينَ لَمَن لَم يَصلُح إيمانُهُ إلاّ بِالفَقرِ ، ولَو أغنَيتُهُ لَأفسَدَهُ ذلِكَ . (4)

عنه صلى الله عليه و آله :أتانى جَبرَئيلُ فَقالَ : يا مُحَمَّدُ ، رَبُّكَ يَقرَأُ عَلَيكَ السَّلامَ ويَقولُ : إنَّ مِن عِبادى مَن لا يَصلُحُ إيمانُهُ إلاّ بِالغِنى ، ولَو أفقَرتُهُ لَكَفَرَ ؛ وإنَّ مِن عِبادى مَن لا يَصلُحُ إيمانُهُ إلاّ بِالفَقرِ ، ولَو أغنَيتُهُ لَكَفَرَ . (5)

عنه صلى الله عليه و آله :قالَ اللّهُ عز و جل : ... إنَّ مِن عِبادِىَ المُؤمِنينَ لَعِبادا لا يَصلُحُ لَهُم أمرُ دينِهِم إلاّ بِالفاقَهِ وَالمَسكَنَهِ وَالسُّقمِ فى أبدانِهِم ، فَأَبلوهُم بِالفاقَهِ وَالمَسكَنَهِ وَالسُّقمِ فَيَصلُحُ عَلَيهِم أمرُ دينِهِم ، وأنَا أعلَمُ بِما يَصلُحُ عَلَيهِ أمرُ دينِ عِبادِىَ المُؤمِنينَ . (6)

.

1- .الفردوس : 1 / 261 / 1015 عن الإمام علىّ عليه السلام .
2- .مشكاه الأنوار : 175 / 452 ، جامع الأخبار : 314 / 873 كلاهما عن أبى الجارود عن الإمام الباقر عن آبائه عليهم السلام ، بحار الأنوار : 67 / 237 / 54 .
3- .المعجم الكبير : 12 / 113 / 12719 عن ابن عبّاس ، كنز العمّال : 1 / 231 / 1160 نقلاً عن ابن أبى الدنيا فى الأولياء والحكيم وابن مردويه وأبى نعيم وابن عساكر عن أنس .

4- .علل الشرايع : 12 / 7 ، التوحيد : 400 / 1 ، بحار الأنوار : 5 / 284 / 3 ؛ الأولياء لابن أبى الدنيا : 9 / 1 نحوه وكلّها عن أنس .
5- .تاريخ بغداد : 6 / 15 / 3044 عن عمر بن الخطّاب ، كنز العمّال : 15 / 862 / 43433 .
6- .الكافى : 2 / 60 / 4 عن أبى عبيده الحذّاء عن الإمام الباقر عليه السلام ، مشكاه الأنوار : 227 / 631 وص 538 / 1805 كلاهما عن الإمام الباقر عليه السلام عنه صلى الله عليه و آله ، التمحيص : 57 / 115 عن أبى عبيده الحذّاء عن الإمام الباقر عليه السلامعنه صلى الله عليه و آله ، بحار الأنوار : 71 / 151 / 53 وج 81 / 193 نقلاً عن عدّه الداعى عن أبى الصباح عن الإمام الصادق عليه السلام نحوه .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر گاه کسی را دیدید که خدا فقر و بیماری را بر وی وارد فرموده ، [بدانید که] هر آینه خدای تعالی می خواهد با وی صفا ورزد .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :همانا هرگاه مؤمن به گناهان دست یازد و بدان ها گرفتار گردد ، به فقر مبتلا خواهد شد .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :خداوند می فرماید: «بسا که دوست مؤمنم از من توانگری خواهد ، اما من به وی فقر دهم ؛ که اگر توانگری اش دهم ، برای او شر است . و بسا که دوست مؤمنم از من فقر خواهد ، اما من به وی توانگری دهم ؛ که اگر فقرش دهم ، برای او شر است» .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :خدای خجسته و بلندپایه فرموده است: « . . .همانا از بندگان مؤمن من کسی است که ایمانش جز با فقر سامان نیابد ؛ و اگر توانگرش سازم ، همین او را به فساد کشاند» .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :جبرئیل نزد من آمد و گفت: «ای محمّد! پروردگارت بر تو درود می فرستد و می فرماید : «همانا از بندگان من کسی است که ایمانش جز با توانگری سامان نیابد ؛ و اگر فقیرش سازم ، کافر گردد ؛ و نیز از بندگان من کسی است که ایمانش جز با فقر سامان نیابد ؛ و اگر توانگرش سازم ، کافر گردد» .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :خداوند فرموده است : «هر آینه از بندگان مؤمن من کسانی هستند که کار دینشان برایشان به سامان نیاید جز به این که در فقر و تنگدستی و بیماری به سر برند ؛ پس ایشان را به فقر و تنگدستی و بیماری مبتلا می کنم تا بدین سان کار دینشان برایشان سامان یابد ؛ و من آگاه ترم که کار دین بندگان مؤمنم به چه چیز سامان یابد» .

.

عنه صلى الله عليه و آله :قالَ اللّهُ عز و جل : لَولا أنّى أستَحيى مِن عَبدِىَ المُؤمِنِ ، ما تَرَكتُ عَلَيهِ خِرقَةً يَتَوارى بِها ، وإذا أكمَلتُ لَهُ الإِيمانَ ابتَلَيتُهُ بِضَعفٍ فى قُوَّتِهِ ، وقِلَّةٍ فى رِزقِهِ ، فَإِن هُوَ جَزِعَ أعَدتُ عَلَيهِ ، وإن صَبَرَ باهَيتُ بِهِ مَلائِكَتى . (1)

الإمام علىّ عليه السلام :قَدَّرَ الأَرزاقَ فَكَثَّرَها وقَلَّلَها ، وقَسَّمَها عَلَى الضّيقِ وَالسَّعَهِ ، فَعَدَلَ فيها لِيَبتَلِىَ مَن أرادَ بِمَيسورِها ومَعسورِها ، ولِيَختَبِرَ بِذلِکَ الشُّکرَ وَالصَّبرَ مِن غَنِيِّها وفَقيرِها . ثُمَّ قَرَنَ بِسَعَتِها عَقابيلَ فاقَتِها ، وبِسَلامَتِها طَوارِقَ آفاتِها ، وبِفُرَجِ أفراحِها غُصَصَ أتراحِها (أبراحِها) . وخَلَقَ الآجالَ فَأطالَها وقَصَّرَها ، وقَدَّمَها وأخَّرَها ، ووَصَلَ بِالمَوتِ أسبابَها ، وجَعَلَهُ خالِجا لِأشطانِها ، وقاطِعا لِمَرائِرِ أقرانِها . (2)

عنه عليه السلام :المالُ يُبدى جَواهِرَ الرِّجالِ وخَلائِقَها . (3)

.

1- .الأمالى للطوسى : 306 / 613 عن داود الرقّى عن الإمام الصادق عليه السلام ، التمحيص : 45 / 61 عن عبّاد بن صهيب عن الإمام الصادق عليه السلامنحوه ، بحار الأنوار : 72 / 50 / 61 .
2- .نهج البلاغه : الخطبه 91 عن مسعده بن صدقه عن الإمام الصادق عليه السلام ، بحار الأنوار : 5 / 148 / 11 .
3- .غرر الحكم : 1155 .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :خداوند فرموده است: «اگر از بنده مؤمن خویش حیا نمی ورزیدم ، برایش [حتی]زیرجامه ای نمی نهادم که خود را با آن بپوشاند ؛ و چون ایمانش را کمال بخشم ، به کم توانی و اندکیِ روزی مبتلایش سازم ؛ اگر بیتابی کند ، دیگر بار مبتلایش سازم و اگر صبر پیشه کند ، با او بر فرشتگان مباهات ورزم» .

امام علی علیه السلام :خداوند روزی ها را تقدیر فرموده و آن ها را فراوان یا اندک و در تنگنا یا گشایش مقرر فرموده است و در این رفتار دادگری ورزیده تا هر که را خواهد ، با روزیِ آسان یا سخت آزمایش فرماید و بدین گونه شکر ورزیدن و صبر کردن را از توانگر و فقیر بیازماید . سپس همراه با گشایش روزی ، ناگواری های فقر را قرار داده و با سلامتش بلاهای بیماری را درآمیخته و با شادمانی های سُرورش غمناکی های اندوهش را همراه ساخته است . و سر رسیدن زندگی ها را مقدر فرموده و آن ها را بلند یا کوتاه و پیش یا پس قرار داده و سبب های مرگ را فراهم آورده و مرگ را کِشنده طناب های دراز عمرها و پاره کننده ریسمان های کوتاه گره خورده آن ها قرار داده است .

امام علی علیه السلام :دارایی ، گوهرها و خوی های آدمیان را آشکار می کند .

.

عنه عليه السلام :الغِنى وَالفَقرُ يَكشِفانِ جَواهِرَ الرِّجالِ وأوصافَها . (1)

عنه عليه السلام :لا تَعتَبِرُوا الرِّضا وَالسُّخطَ بِالمالِ وَالوَلَدِ جَهلاً بِمَواقِعِ الفِتنَةِ ، وَالاِختِبارِ فى مَوضِعِ الغِنى وَالاِقتِدارِ ، فَقَد قالَ سُبحانَهُ وتَعالى : «أَ يَحْسَبُونَ أَنَّمَا نُمِدُّهُم بِهِ مِن مَّالٍ وَ بَنِينَ* نُسَارِعُ لَهُمْ فِى الْخَيْرَتِ بَل لاَّ يَشْعُرُونَ ؛ (2) » فَإِنَّ اللّهَ سُبحانَهُ يَختَبِرُ عِبادَهُ المُستَكبِرينَ فى أنفُسِهِم بِأَولِيائِهِ المُستَضعَفينَ فى أعيُنِهِم . (3)

عنه عليه السلام :لا تَفرَح بِالغَناءِ وَالرَّخاءِ ، ولا تَغتَمَّ بِالفَقرِ وَالبَلاءِ ؛ فَإِنَّ الذَّهَبَ يُجَرَّبُ بِالنّارِ ، وَالمُؤمِنَ يُجَرَّبُ بِالبَلاءِ . (4)

عنه عليه السلام فى قَولِهِ تَعالى : «وَ اعْلَمُواْ أَنَّمَآ أَمْوَلُكُمْ وَ أَوْلَدُكُمْ فِتْنَةٌ (5) » فى قَولِهِ تَعالى : «وَ اعْلَمُواْ أَنَّمَآ أَمْوَلُكُمْ وَ أَوْلَدُكُمْ فِتْنَةٌ (6) » : ومَعنى ذلِكَ أَنَّهُ يَختَبِرُهُم بِالأَموالِ وَالأَولادِ ؛ لِيَتَبَيَّنَ السّاخِطَ لِرِزقِهِ ، وَالرّاضِىَ بِقِسمِهِ ، وإن كانَ سُبحانَهُ أعلَمَ بِهِم مِن أنفُسِهِم ، ولكِن لِتَظهَرَ الأفعالُ الَّتى بِها يُستَحَقُّ الثَّوابُ وَالعِقابُ ؛ لِأَنَّ بَعضَهُم يُحِبُّ الذُّكورَ ويَكرَهُ الإِناثَ ، وبَعضَهُم يُحِبُّ تَثميرَ المالِ ويَكرَهُ انثِلامَ الحالِ . (7)

عنه عليه السلام :ثَلاثٌ يُمتَحَنُ بِها عُقولُ الرِّجالِ ، هُنَّ : المالُ ، وَالوِلايَةُ ، وَالمُصيبَةُ . (8)

عنه عليه السلام :مَن ضُيِّقَ عَلَيهِ فى ذاتِ يَدِهِ فَلَم يَظُنَّ أنَّ ذلِكَ حُسنُ نَظَرٍ مِنَ اللّهِ (لَهُ) فَقَد ضَيَّعَ مَأمولاً ، ومَن وُسِّعَ عَلَيهِ فى ذاتِ يَدِهِ فَلَم يَظُنَّ أنَّ ذلِكَ استِدراجٌ مِنَ اللّهِ فَقَد أمِنَ مَخوفا . 9

.

1- .غرر الحكم : 1154 .
2- .المؤمنون : 55 ، 56 .
3- .نهج البلاغه : الخطبه 192 ، بحار الأنوار : 13 / 141 / 61 .
4- .غرر الحكم : 10394 .
5- .الأنفال : 28 .
6- .نهج البلاغه : الحكمه 93 .

7- .غرر الحكم : 4664 .
8- .تحف العقول : 206 ، التمحيص : 48 / 75 ، بحار الأنوار : 72 / 51 / 70 .

امام علی علیه السلام :توانگری و فقر ، گوهرها و ویژگی های آدمیان را آشکار می کنند .

امام علی علیه السلام :به سبب جهل به موارد آزمایش و امتحان در جای توانگری و قدرت ، گمان نکنید که خشنودی یا ناخشنودی خدا به این شکل است که مال و فرزند به کسی دهد یا ندهد . همانا خداوندِ منزه و بزرگ فرموده است : «آیا می پندارند که آن چه از مال و فرزندان به آنان می دهیم * برای آن ها در [رساندن]نیکی ها شتاب می کنیم؟ [نه ؛]بلکه نمی فهمند» . پس خدای سبحان آن گروه از بندگانش را که خود را نزد خویش بزرگ می شمارند ، به سبب آن دسته از دوستانش که در چشم آن گروهْ ضعیف به شمار می روند ، آزمایش می کند .

امام علی علیه السلام :از توانگری و آسایش شادمان مشو و از فقر و بلا نیز اندوه مخور ؛ که طلا با آتش محک می خورد و مؤمن با بلا .

امام علی علیه السلام درباره این سخن خدای تعالی: «و بدانید جز این نیست که دارایی ها و فرزندانتان مایه آزمایش شمایند» : و معنای این سخن آن است (1) که خداوند ایشان را به دارایی ها و فرزندان می آزماید تا آن که به روزی او ناخرسند و آن که بدان خشنود است ، شناخته شود ، هر چند که خدای سبحان به آنان آگاه تر از خودشان است ؛ لیکن چنین می کند تا کردارهای شایسته پاداش و کیفر ظهور یابد ؛ چرا که برخی شان فرزند پسر را می پسندد و از دختر بیزار است ، و برخی مال بر مال نهادن را دوست می دارد و از آشفته حالی کراهت دارد .

امام علی علیه السلام :با سه چیز خردهای کسان آزموده گردد : دارایی ، حکمرانی ، و مصیبت .

امام علی علیه السلام :هر کس به تنگدستی دچار شود و گمان نبرد که این ، نیک بینی خدا به او است ، امید را تباه ساخته و آن کس که گشاده دست گردد و گمان نبرد که این ، گرفتاریِ تدریجی (2) خدا برای او است ، خود را از بیمی که نباید از آن ایمن باشد ، ایمن داشته است .

.

1- .ظاهرا این بخش از سخنان سید رضی است ، چنان که علامه مجلسی در بحار الأنوار (ج 94 ، ص 197 ، ح 6) آورده است.
2- .اشاره است به آیه 182 از سوره اعراف : «و آنها که آیات ما را تکذیب می کنند ، به تدریج از جایی که نمی دانند ، گرفتار مجازاتشان خواهیم کرد» .

الإمام الباقر عليه السلام :لَمّا اُسرِیَ بِالنَّبِیِّ صلی الله علیه و آله قالَ : یا رَبِّ ، ما حالُ المُؤمِنِ عِندَکَ؟قالَ : . . . وإنَّ مِن عِبادِیَ المُؤمِنینَ مَن لا یُصلِحُهُ إلاَّ الغِنی ، ولَو صَرَفتُهُ إلی غَیرِ ذلِکَ لَهَلَکَ ؛ وإنَّ مِن عِبادِیَ المُؤمِنینَ مَن لا یُصلِحُهُ إلاَّ الفَقرُ ، ولَو صَرَفتُهُ إلی غَیرِ ذلِکَ لَهَلَکَ . (1)

عنه علیه السلام فی تَفسیرِ قَولِهِ تَعالی : «وَ کَذَ لِکَ فَتَنَّا بَعْضَهُم بِبَعْضٍ» : أی اختَبَرنَا الأَغنِیاءَ بِالغَناءِ لِنَنظُرَ کَیفَ مُواساتُهُم لِلفُقَراءِ ، وکَیفَ یُخرِجونَ ما فَرَضَ اللّهُ عَلَیهِم فی أموالِهِم ، فَاختَبَرنَا الفُقَراءَ لِنَنظُرَ کَیفَ صَبرُهُم عَلَی الفَقرِ وعَمّا فی أیدِی الأَغنِیاءِ . (2)

الإمام الصادق علیه السلام :مَن مَنَّ اللّهُ عَلَیهِ فَجَعَلَهُ مُوَسَّعا عَلَیهِ فَحُجَّتُهُ عَلَیهِ مالُهُ ، ثُمَّ تَعاهُدُهُ الفُقَراءَ بَعدُ بِنَوافِلِهِ . (3)

عنه علیه السلام :ما اُعطِیَ عَبدٌ مِنَ الدُّنیا إلاَّ اعتِبارا ، وما زُوِیَ عَنهُ إلاَّ اختِبارا . (4)

عنه علیه السلام فی تَفسیرِ قَولِهِ تَعالی : «وَ لَوْ بَسَطَ اللّهُ الرِّزْقَ لِعِبادِهِ لَبَغَوا فی الْأَرْضِ» : لَو فَعَلَ لَفَعَلوا ، ولکِن جَعَلَهُم مُحتاجِینَ بَعضَهُم إلی بَعضٍ : وَاستَعبَدَهُم بِذَلِکَ ، ولَو جَعَلَهُم کُلَّهُم أغنِیاءَ لَبَغَوا فِی الأَرضِ . (5)

.

1- .الکافی : 2 / 352 / 8 عن أبان بن تغلب .
2- .تفسیر القمّی : 1 / 202 عن أبی الجارود ، بحار الأنوار : 17 / 82 / 3 وج 22 / 67 / 10 .
3- .الکافی : 1 / 163 / 6 ، التوحید : 414 / 12 نحوه وکلاهما عن سعدان رفعه .
4- .الکافی : 2 / 261 / 6 عن أحمد بن محمّد بن خالد البرقی عن بعض أصحابه رفعه ، مشکاه الأنوار : 226 / 629 ، بحار الأنوار : 72 / 9 / 8 .
5- .تفسیر القمّی : 2 / 276 .

امام باقر علیه السلام :آن گاه که پیامبر صلی الله علیه و آله به معراج برده شد ، گفت: «پروردگارم ! مؤمن نزد تو چه حالی دارد؟» فرمود: « . . . از بندگان مؤمن من کسی است که جز توانگری به صلاح او نیست و اگر به حالی جز آن بدارمش ، تباه گردد ؛ و از بندگان مؤمن من کسی است که جز فقر به صلاح او نیست و اگر به حالی جز آن بدارمش ، تباه شود» .

امام باقر علیه السلام در تفسیر این سخن خدای تعالی: «و بدین گونه برخی از ایشان را به برخی آزمودیم » : یعنی توانگران را به فقیران آزمودیم تا درنگریم که با فقیران چگونه همراهی می کنند و چه سان بخشی از مالشان را که خداوند واجب فرموده ، بیرون می سازند ؛ و نیز فقیران را آزمودیم تا درنگریم که چگونه بر فقر خویش و توانگریِ توانگران صبر می ورزند .

امام صادق علیه السلام :هر کس خداوند بر وی منت نهد و گشاده دستی اش دهد ، حجتی که خدا بر او قرار داده دارایی او است که چگونه با دهش و بخشش ، از فقیران مواظبت می کند .

امام صادق علیه السلام :هیچ بنده ای از دنیا برخوردار نمی شود ، مگر برای عبرت یافتن ؛ و هیچ بنده ای از آن بی بهره نگردد ، مگر برای آزموده شدن .

امام صادق علیه السلام در تفسیر این سخن خدای تعالی: «و اگر خداوند روزی را برای بندگانش گشاده می ساخت ، هر آینه ایشان در زمین تجاوزگری می کردند .» : اگر خدا چنین می کرد ، آنان بی تردید چنان می کردند ؛ لیکن برخی از ایشان را به برخی دیگر نیازمند ساخت و بدین سان به بندگی شان واداشت ؛ و اگر همه را توانگر می ساخت ، هر آینه در زمین تجاوزگری می کردند .

.

عنه عليه السلام :لَولا كَثرَةُ إلحاحِ المُؤمِنِ فِى الرِّزقِ ، لَضَيَّقَ عَلَيهِ مِنَ الرِّزقِ أكثَرَ مِمّا هُوَ فيهِ . (1)

الاحتجاج مِن سُو?لِ الزِّنديقِ الَّذى سَأَلَ أبا عَبدِ اللّهِ عليه السلام . . . بِماذَا استَحَقَّ الَّذينَ أغناهُم وأوسَعَ عَلَيهِم مِن رِزقِهِ الغَناءَ وَالسَّعَةَ ؟ وبِماذَا استَحَقَّ الفَقيرُ التَّقتيرَ وَالضّيقَ ؟ : اِختَبَرَ الأَغنِياءَ بِما أعطاهُم لِيَنظُرَ كَيفَ شُكرُهُم ، وَالفُقَراءَ بِما مَنَعَهُم لِيَنظُرَ كَيفَ صَبرُهُم . ووَجهٌ آخَرُ : أنَّهُ عَجَّلَ لِقَومٍ فى حَياتِهِم ، ولِقَومٍ آخَرَ لِيَومِ حاجَتِهِم إلَيهِ . ووَجهٌ آخَرُ : فَإِنَّهُ عَلِمَ احتِمالَ كُلِّ قَومٍ فَأعطاهُم عَلى قَدرِ احتِمالِهِم ، ولَو كانَ الخَلقُ كُلُّهُم أغنِياءَ لَخَرِبَتِ الدُّنيا ، وفَسَدَ التَّدبيرُ ، وصارَ أهلُها إلَى الفَناءِ ، ولكِن جَعَلَ بَعضَهُم لِبَعضٍ عَونا ، وجَعَلَ أسبابَ أرزاقِهِم فى ضُروبِ الأَعمالِ وأنواعِ الصِّناعاتِ ؛ وذلِكَ أدوَمُ فِى البَقاءِ وأصَحُّ فِى التَّدبيرِ . ثُمَّ اختَبَرَ الأَغنِياءَ بِالاِستِعطافِ عَلَى الفُقَراءِ . كُلُّ ذلِكَ لُطفٌ ورَحمَةٌ مِنَ الحَكيمِ الَّذى لا يُعابُ تَدبيرُهُ . (2)

1 / 5المَرزوقُ مِن حَيثُ لا يَحتَسِبُ1 / 5 1المُتَّقيالكتاب :«وَ مَن يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَل لَّهُ مَخْرَجًا * وَ يَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لاَ يَحْتَسِبُ وَ مَن يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ إِنَّ اللَّهَ بَلِغُ أَمْرِهِ قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لِكُلِّ شَىْ ءٍ قَدْرًا . (3) »

.

1- .التمحيص : 49 / 83 عن ابن أبى العلاء ، بحار الأنوار : 72 / 52 / 74 .
2- .الاحتجاج : 2 / 224 / 223 ، بحار الأنوار : 10 / 171 / 2 .
3- .الطلاق : 2 و3 .

1 / 5 کسانی که از جایی که گمان نمی رود ، روزی دریافت می کنند

1 / 5 1 تقواپیشه

امام صادق علیه السلام :اگر اصرار فراوان مؤمن برای برخورداری از روزی نبود ، همانا بیش از این وی در تنگنای روزی قرار می گرفت .

الاحتجاج بخشی از پرسش کافری از امام صادق علیه السلام: « . . .به چه سبب کسانی که خداوند توانگری شان بخشیده و روزی شان را گشایش داده ، مستحق توانگری و گشایش گشته اند؟ به چه سبب فقیر مستحق تنگنا و تنگدستی شده است؟» : خداوند توانگران را با آن چه به ایشان عطا فرموده ، آزموده است تا در نگرد که چگونه شکر می کنند ؛ و فقیران را با تنگنا آزموده تا ببیند که چه سان صبر می ورزند . و سبب دیگر آن که روزی برخی را در زندگی شان پیش انداخته و روزی برخی دیگر را به هنگامی محول فرموده که بدان نیاز دارند . و دیگر سبب آن که خداوند می داند هر گروه چه اندازه تحمل دارد و هر یک را به قدر تحملش روزی عطا فرموده است . اگر همه مردم توانگر بودند ، دنیا ویران می شد و تدبیر تباه می گشت و اهل جهان نابود می شدند ؛ لیکن برخی از ایشان را یار برخی دیگر قرار داد و سبب های پیدایش روزی را در انواع کارها و حرفه ها نهاد . این ، ماندگارتر و تدبیرمندانه تر است . آن گاه خداوند توانگران را با لطف ورزیدن به فقیران آزمود . این همه ، لطف و رحمت خدای حکمت پیشه است که در تدبیرش عیبی راه ندارد .

1 / 5کسانی که از جایی که گمان نمی رود ، روزی دریافت می کنند1 / 5 1تقواپیشهقرآن:«و هر که از خدا پروا کند ، برای او راه بیرون شدن پدید آورد * و او را از جایی که گمان ندارد ، روزی دهد . و هر که بر خدا توکلّ کند ، خدا او را بسنده است؛ که خدا به انجام رساننده فرمان خویش است. به راستی که خداوند برای هر چیز اندازه ای نهاده است .»

.

الحديث :الإمام الباقر عليه السلام :قالَ اللّهُ عز و جل : وعِزَّتی وجَلالی وعَظَمَتی وبَهائی وعُلُوِّ ارتِفاعی ! لا يُؤثِرُ عَبدٌ مُؤمِنٌ هَوایَ عَلی هَواهُ فی شَیءٍ مِن أمرِ الدُّنیا إلاّ جَعَلتُ غِناهُ فی نَفسِهِ ، وهِمَّتَهُ فی آخِرَتِهِ ، وضَمَّنتُ السَّماواتِ وَالأَرضَ رِزقَهُ . (1)

المعجم الكبير عن معاذ بن جبل :سَمِعتُ رَسولَ اللّهِ صلی الله علیه و آله يَقولُ : يا أيُّهَا النّاسُ ، اتَّخِذوا تَقوَی اللّهِ تِجارَةً يَأتِكُمُ (2) الرِّزقُ بِلا بِضاعَةٍ ولا تِجارَةٍ . ثُمَّ قَرَأَ : «وَ مَن يَتَّقِ اللّهَ يَجْعَل لَّهُ مَخْرَجًا* وَ يَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لاَ يَحْتَسِبُ . (3) »

مسند ابن حنبل عن أبو ذرّ :جَعَلَ رَسولُ اللّهِ صلی الله علیه و آله يَتلو عَلَیَّ هذِهِ الآيَةَ: «وَ مَن يَتَّقِ اللّهَ يَجْعَل لَّهُ مَخْرَجًا» حَتّی فَرَغَ مِنَ الآيَةِ ، ثُمَّ قالَ : يا أبا ذَرٍّ ، لَو أنَّ النّاسَ كُلَّهُم أخَذوا بِها لَكَفَتهُم ! قالَ : فَجَعَلَ يَتلو بِها ويُرَدِّدُها عَلَیَّ حَتّی نَعَستُ . (4)

.

1- .الكافی : 2 / 137 / 2 عن أبی حمزه وح 1 ، الخصال : 3 / 5 كلاهما عن أبی عبيده الحذّاء ، ثواب الأعمال : 201 / 1 عن أبی حمزه الثمالی عن الإمام زين العابدين عليه السلام ، تحف العقول : 395 عن الإمام الكاظم عليه السلام ، الزهد للحسين بن سعيد : 25 / 56 عن اليمانی ، الأُصول السّتّه عشر : 37 كلّها نحوه .
2- .فی المصدر وكذا فی حليه الأولياء : «يأتيكم» ، وهو تصحيف .
3- .المعجم الكبير : 20/97/190، مسند الشاميّين: 1/234/415 ، حليه الأولياء : 6/96 ، كنز العمّال : 3 / 96 / 5666 .
4- .مسند ابن حنبل : 8 / 131 / 21607 ، سنن ابن ماجه : 2 / 1411 / 4220 ، سنن الدارمی : 2/759/2625، المستدرک علی الصحيحين: 2/534/3819 كلّها نحوه، كنز العمّال: 1/583/2644 و ج 2 / 524 / 4662 ؛ مكارم الأخلاق : 2 / 376 / 2661 ، بحار الأنوار : 77 / 87 / 3 .

حدیث:امام باقر علیه السلام :خداوند فرموده است: «به سرفرازی و شکوه و بزرگی و درخشش و بلند پایگی ام سوگند! بنده مؤمن من خواست مرا بر خواست خود در کار دنیا ترجیح نمی دهد ، مگر این که توانگری اش را در جانش می نهم ، همتش را در آخرتش قرار می دهم ، و آسمان ها و زمین را تضمین کننده روزی اش می سازم» .

المعجم الکبیر از معاذ بن جبل :از رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که فرمود : «ای مردم! تقوای خدا را دستمایه سازید تا روزی تان بدون سرمایه و کسب و کار فراهم آید» . سپس این آیه را تلاوت کرد : «و هر که از خدا پروا کند ، برای او راه بیرون شدن پدید آورد * و او را از جایی که گمان ندارد ، روزی دهد» .

مسند ابن حنبل از ابوذر :رسول خدا صلی الله علیه و آله تلاوت این آیه را برای من آغاز کرد: «و هر که از خدا پروا کند ، برای او راه بیرون شدن پدید آورد» ؛ تا آن که از تلاوت آن فراغت یافت . سپس فرمود : «ای ابوذر! اگر همه مردم به همین آیه تمسک می جستند ، برایشان کفایت می کرد» . ابوذر می گوید : آن گاه پیامبر بازخوانی این آیه را برایم از سر گرفت و تا وقتی که چشمم سنگین شد ، آن را بر من خواند .

.

رسول اللّه صلى الله عليه و آله :أبَى اللّهُ عز و جل أن يَرزُقَ عَبدَهُ المُؤمِنَ إلاّ مِن حَيثُ لا يَعلَمُ . (1)

الإمام علىّ عليه السلام :مَن أتاهُ اللّهُ عز و جل بِرِزقٍ لَم يَخطُ إلَيهِ بِرِجلِهِ ، ولا يَمُدَّ إلَيهِ يَدَهُ ، ولَم يَتَكَلَّم فيهِ بِلِسانِهِ ، ولَم يَشُدَّ إلَيهِ ثِيابَهُ ، ولَم يَتَعَرَّض لَهُ ، كانَ مِمَّن ذَكَرَهُ اللّهُ عز و جل فى كِتابِهِ ،: «وَ مَن يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَل لَّهُ مَخْرَجًا* وَ يَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لاَ يَحْتَسِبُ . (2) »

عنه عليه السلام :لَو أنَّ السَّماواتِ وَالأَرضَ كانَتا عَلى عَبدٍ رَتقا ثُمَّ اتَّقَى اللّهَ ، لَجَعَلَ اللّهُ لَهُ مِنهُما مَخرَجا ورَزَقَهُ مِن حَيثُ لايَحتَسِبُ . (3)

عنه عليه السلام :أبَى اللّهُ عز و جل إلاّ أن يَجعَلَ أرزاقَ المُؤمِنينَ مِن حَيثُ لا يَحتَسِبونَ . (4)

عنه عليه السلام :إنَّ اللّهَ عز و جل جَعَلَ أرزاقَ المُؤمِنينَ مِن حَيثُ لا يَحتَسِبونَ ، وذلِكَ أنَّ العَبدَ إذا لَم يَعرِف وَجهَ رِزقِهِ كَثُرَ دُعاؤُهُ . (5)

.

1- .مسند الشهاب : 1 / 342 / 585 ، الفردوس : 1 / 421 / 1714 كلاهما عن الإمام علىّ عليه السلام ، إحياء علوم الدين : 3 / 356 وفيه «لا يحتسب» بدل «لا يعلم» ؛ كنز العمّال : 1 / 167 / 838 وص 144 / 697 ؛ قصص الأنبياء : 293 / 363 عن أبى هريره ، بحار الأنوار : 103 / 30 / 55 .

2- .من لا يحضره الفقيه : 3 / 166 / 3612 عن السكونى عن الإمام الصادق عن آبائه عن الإمام علىّ عليهم السلام .

3- .غرر الحكم : 7599 .

4- .الكافى : 5 / 83 / 1 ، التمحيص : 53 / 104 كلاهما عن محمّد بن مسلم ، الأمالى للطوسى : 300 / 593 عن إبراهيم بن عبد الصمد عن أبيه عن جدّه ، تحف العقول : 60 ، تنبيه الخواطر : 1 / 168 والثلاثه الأخيره نحوه ؛ شُعب الإيمان : 2 / 74 / 1197 عن خالد بن الزبير عن الإمام زين العابدين عن أبيه عن الإمام علىّ عليهم السلامعن رسول اللّه صلى الله

عليه و آله وفيه «أبى اللّه أن يجعل أرزاق عباده المؤمنين إلاّ من حيث لا يحتسبون» ، كنز العمّال : 15 / 907 / 43566 وج 16 / 140 / 44172 .
5- .الكافى : 5 / 84 / 4 ، تهذيب الأحكام : 6 / 328 / 905 ، الأمالى للصدوق : 248 / 268 كلّها عن علىّ بن السرى ، من لا يحضره الفقيه : 3 / 165 / 3608 ، التوحيد : 402 / 8 عن علىّ بن الحسن ، التمحيص : 53 / 105 عن علىّ بن السندى ، بحار الأنوار : 103 / 36 / 73 .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :خداوند می پرهیزد از آن که بنده مؤمنش را روزی دهد جز از طریقی که وی می داند .

امام علی علیه السلام :هر که خداوند به وی روزی دهد بی آن که برای کسب آن گامی بردارد و دستی دراز کند و زبانی بگشاید و کمر همت بندد و بدان روی نهد ، از همانان است که خدا در کتابش یاد فرموده است: «و هر که از خدا پروا کند ، برای او راه بیرون شدن پدید آورد * و او را از جایی که گمان ندارد ، روزی دهد» .

امام علی علیه السلام :اگر آسمان ها و زمین بر بنده ای تنگ شده باشد و سپس تقوا ورزد ، هر آینه خداوند برای او از آن دو ، راه بیرون شدن پدید آورد و از جایی که گمان نکند ، روزی اش دهد .

امام علی علیه السلام :خداوند می پرهیزد از این که مؤمنان را جز از جایی که گمان ندارند ، روزی دهد .

امام علی علیه السلام :همانا خداوند روزی های مؤمنان را از جایی که گمان نمی برند ، قرار داده ؛ و این بدان جهت است که بنده هر گاه نداند روزی اش از کجا رسد ، دعایش افزون گردد .

.

عنه عليه السلام فى رِسالَتِهِ لِأَحَدِ أصحابِهِ : أمّا بَعدُ ، فَإِنّى اُوصيکَ بِتَقوَى اللّهِ ؛ فَإِنَّ اللّهَ قَد ضَمِنَ لِمَنِ اتَّقاهُ أن يُحَوِّلَهُ عَمّا يَکرَهُ إلى ما يُحِبُّ ، ويَرزُقَهُ مِن حَيثُ لا يَحتَسِبُ . . . إنَّ اللّهَ عز و جل لا يُخدَعُ عَن جَنَّتِهِ ، ولا يُنالُ ما عِندَهُ إلاّ بِطاعَتِهِ إن شاءَ اللّهُ . (1)

عنه عليه السلام فى قَولِهِ تَعالى : «وَ يَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لاَ يَحْتَسِبُ» : أى يُبارِک لَهُ فى ما آتاهُ . (2)

راجع : ص 188 (التعب فى طلب المعيشه) .

1 / 5 2المُتَوَکِّلالكتاب :«وَ مَن يَتَوَکَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ . (3) »

الحديث :رسول اللّه صلى الله عليه و آله :لَو أنَّكُم كُنتُم تَوَكَّلونَ عَلَى اللّهِ حَقَّ تَوَكُّلِهِ ، لَرُزِقتُم كَما يُرزَقُ الطَّيرُ ؛ تَغدو خِماصا وتَروحُ بِطانا . (4)

عنه صلى الله عليه و آله :مَنِ انقَطَعَ إلَى اللّهِ كَفاهُ اللّهُ كُلَّ مَؤونَةٍ ، ورَزَقَهُ مِن حَيثُ لا يَحتَسِبُ ؛ ومَنِ انقَطَعَ إلَى الدُّنيا وَكَلَهُ اللّهُ إلَيها . (5)

.

1- .الكافى : 8 / 49 / 9 عن أحمد بن الحسن الميثمى عن رجل من أصحابه ، عدّه الداعى : 287 عن أحمد بن الحسين الميثمى عن رجل من أصحابه ، وفيه «جنبه» بدل «جنّته» ، تحف العقول : 240 عن الإمام الحسين عليه السلام نحوه ، بحار الأنوار : 78 / 121 / 3 وص 224 / 94 .
2- .تفسير مجمع البيان : 10 / 460 ، بحار الأنوار : 70 / 281 .
3- .الطلاق : 3 .
4- .سنن الترمذى : 4/573/2344، سنن ابن ماجه: 2/1394/4164 ، مسند ابن حنبل : 1/73/205 وص116/370، المستدرک على الصحيحين : 4/354/7894 كلّها عن عمر بن الخطّاب ، كنز العمّال: 3/103/5694 ؛ جامع الأخبار : 321/903، تنبيه الخواطر : 1/222، بحار الأنوار: 71/151/51 .
5- .المعجم الصغير : 1/116، تاريخ بغداد : 7/196/3658 ، إحياء علوم الدين : 4 / 357 وج 5/132، مسند الشهاب : 1 / 298 / 493 كلّها عن

عمران بن حصين ، كنز العمّال : 3 / 226 / 6273 ؛ تنبيه الخواطر: 1 / 222 ، روضه الواعظين : 467 ، بحار الأنوار : 77 / 178 / 10 .

1 / 5 2 توکّل کننده

امام علی علیه السلام در نامه اش به یکی از یارانش : اما بعد ؛ همانا من به تقوای خداوند سفارشت می کنم ؛ که خدا برای هر که تقوا پیشه کند ، تضمین فرموده که از هر چه دوست نمی دارد ، به آن چه دوست می دارد گرایشش دهد و از جایی که گمان ندارد ، روزی اش بخشد . . . همانا خداوند برای کسب بهشتش فریفته نشود و آن چه نزد او است ، جز با اطاعتش به دست نیاید اگر او خواهد .

امام علی علیه السلام درباره این سخن خدای تعالی : «و او را روزی دهد از جایی که گمان ندارد» : یعنی در آن چه به وی دهد ، برکت نهد .

ر .ک : ص189 (رنج بردن در طلب روزی).

1 / 5 2توکّل کنندهقرآن:«هر که بر خدا توکّل کند ، خدا او را بس است .»

حدیث:پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :اگر چنان که شایسته توکّل کردن بر خدا است ، بر او توکّل می کردید ، هر آینه همچون پرندگان روزی می یافتید که بامدادان گرسنه برمی خیزند و شامگاهان سیر هستند .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر که یکسره به خدا پیوندد ، خداوند هر بارِ او را بر عهده گیرد و از جایی که گمان ندارد ، روزی اش بخشد ؛ و هر که به دنیا پیوندد ، خدا وی را به دنیا واگذارد .

.

عنه صلى الله عليه و آله :مَن تَوَكَّلَ عَلَى اللّهِ كَفاهُ التَّشَعُّبَ . (1)

عنه صلى الله عليه و آله :مَن أرادَ أن يَرزُقَهُ اللّهُ مِن حَيثُ لا يَحتَسِبُ فَليَتَوَكَّل عَلَى اللّهِ . (2)

عنه صلى الله عليه و آله :يَقولُ اللّهُ عز و جل : ما مِن مَخلوقٍ يَعتَصِمُ دونى إلاّ قَطَعتُ أسبابَ السَّماواتِ وأسبابَ الأَرضِ مِن دونِهِ ؛ فَإِن سَأَلَنى لَم أُعطِهِ ، وإن دَعانى لَم أُجِبهُ ، وما مِن مَخلوقٍ يَعتَصِمُ بى دونَ خَلقى إلاّ ضَمَّنتُ السَّماواتِ وَالأَرضَ رِزقَهُ ؛ فَإِن دَعانى أَجَبتُهُ ، وإن سَأَلَنى أعطَيتُهُ ، وإنِ استَغفَرَنى غَفَرتُ لَهُ . (3)

الإمام علىّ عليه السلام :مَن جَعَلَ اللّهُ سُبحانَهُ مَوئِلَ رَجائِهِ ، كَفاهُ أمرَ دينِهِ ودُنياهُ . (4)

عنه عليه السلام :حَسبُكَ مِن تَوَكُّلِكَ أن لا تَرى لِرِزقِكَ مُجرِيا إلاَّ اللّهَ سُبحانَهُ . (5)

.

1- .سنن ابن ماجه : 2 / 1395 / 4166 عن عمرو بن العاص ؛ تفسير القمّى : 1 / 291 ، نهج البلاغه : الخطبه 90 وليس فيهما «التشعّب» ، جامع الأخبار : 322 / 905 عن الإمام علىّ عليه السلام وفيه «الاُمور» بدل «التشعّب» ، بحار الأنوار : 71 / 151 / 51 .
2- .إرشاد القلوب : 120 .
3- .الأمالى للطوسى : 585 / 1210 ، تنبيه الخواطر : 2 / 74 كلاهما عن إسحاق بن جعفر عن أخيه الإمام الكاظم عن آبائه عليهم السلام، صحيفه الإمام الرضا عليه السلام: 82/5، مشكاه الأنوار: 51/46 ، إرشاد القلوب: 121 نحوه ، بحار الأنوار : 71 / 143 / 40 وص 155 / 68 .
4- .غرر الحكم : 9070 .
5- .غرر الحكم : 4895 .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر که بر خدا توکّل کند ، خدای از پراکندگی [و اتکا به کسان گوناگون] بی نیازش فرماید .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر که خواهد خداوند از جایی که گمان ندارد روزی اش بخشد ، باید بر خدا توکّل کند .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :خداوند فرماید : «هیچ آفریده ای نیست که به غیر من پناه جوید ، مگر این که دستاویزهای آسمان ها و زمین را از وی بگسلانم ؛ پس اگر از من چیزی خواهد ، به وی ندهم و اگر مرا فراخواند ، اجابتش نکنم . و هیچ آفریده ای نیست که از مخلوق من پیوند بریده ، تنها به من پناه آورد ، جز این که آسمان ها و زمین را تضمین گر روزی اش سازم ؛ اگر مرا بخواند ، اجابتش کنم و اگر از من چیزی خواهد ، به وی عطا کنم و اگر از من آمرزش جوید ، وی را بیامرزم» .

امام علی علیه السلام :هر که خدای سبحان را امیدگاه خویش سازد ، خداوند کار دین و دنیایش را کفایت می کند .

امام علی علیه السلام :در توکّل کردنت همین بس که هیچ کس جز خدا را جریان بخش روزی خود ندانی .

.

عنه علیه السلام :کُن مُتَوَکِّلاً تَکُن مَکفِیّا . (1)

عنه علیه السلام :مَن کانَ مُتَوَکِّلاً لَم یَعدَمِ الإِعانَهَ . (2)

عنه علیه السلام :ما کانَ اللّهُ لِیَفتَحَ بابَ التَّوَکُّلِ ولَم یَجعَل لِلمُتَوَکِّلِ مَخرَجا ؛ فَإِنَّهُ سُبحانَهُ یَقولُ : «وَ مَن یَتَّقِ اللَّهَ یَجْعَل لَّهُ مَخْرَجًا* وَ یَرْزُقْهُ مِنْ حَیْثُ لاَ یَحْتَسِبُ وَ مَن یَتَوَکَّلْ عَلَی اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ . (3) »

الکافی عن معاویه بن وهب عن الإمام الصادق علیه السلام :مَن اُعطِیَ التَّوَکُّلَ اُعطِیَ الکِفایَهَ. ثُمَّ قالَ: أتَلَوتَ کِتابَ اللّهِ عز و جل: «وَ مَن یَتَوَکَّلْ عَلَی اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ » ؟ (4)

الإمام الصادق علیه السلام فی قَولِهِ تَعالی : «وَ عَلَی اللَّهِ فَلْیَتَوَکَّلِ الْمُتَوَکِّلُونَ (5) » الزّارِعونَ . (6)

عنه علیه السلام :مَنِ اهتَمَّ لِرِزقِهِ کُتِبَ عَلَیهِ خَطیئَهٌ ، إنَّ دانِیالَ کانَ فی زَمَنِ مَلِکٍ جَبّارٍ عاتٍ ، أخَذَهُ فَطَرَحَهُ فی جُبٍّ وطَرَحَ مَعَهُ السِّباعَ فَلَم تَدنُ مِنهُ ولَم تَجرَحهُ ، فَأوحَی اللّهُ إلی نَبِیٍ مِن أنبِیائِهِ : أنِ ائتِ دانِیالَ بِطَعامٍ . قالَ : یا رَبِّ ، وأینَ دانِیالُ؟ قالَ : تَخرُجُ مِنَ القَریَهِ فَیَستَقبِلُکَ ضَبُعٌ فَاتَّبِعهُ فَإِنَّهُ یَدُلُّکَ عَلَیهِ ، فَأتَت بِهِ الضَّبُعُ إلی ذلِکَ الجُبِّ ، فَإِذا فیهِ دانِیالُ ، فَأدلی إلَیهِ الطَّعامَ . فَقالَ دانِیالُ : الحَمدُ لِلّهِ الَّذی لا یَنسی مَن ذَکَرَهُ ، وَالحَمدُ لِلّهِ الَّذی لا یَخیبُ مَن دَعاهُ ، الحَمدُ لِلّهِ الَّذی مَن تَوَکَّلَ عَلَیهِ کَفاهُ ، الحَمدُ لِلّهِ الَّذی مَن وَثِقَ بِهِ لَم یَکِلهُ إلی غَیرِهِ ، الحَمدُ لِلّهِ الَّذی یَجزی بِالإِحسانِ إحسانا وبِالصَّبرِ نَجاهً . (7)

.

1- .غرر الحکم : 7132 .
2- .غرر الحکم : 8128 .
3- .إرشاد القلوب : 149 .
4- .الکافی : 2 / 65 / 6 ، الخصال : 101 / 56 ، المحاسن : 1 / 3 / 1 نحوه ، روضه الواعظین : 365 ، بحار الأنوار : 71 / 43 / 43 وص 135 / 16 .

5- .إبراهيم : 12 .
6- .تفسير العيّاشى: 2/222/6 عن حسن بن ظريف عن محمّد بن أبى عبد اللّه ، من لا يحضره الفقيه : 3/253/3916، بحار الأنوار : 103 / 66 / 16 .
7- .الأمالى للطوسى : 300 / 593 عن عبد الصمد عن أبيه ، قصص الأنبياء : 230 / 273 عن حفص بن غياث النخعى ، بحار الأنوار : 14 / 362 / 4 وج 95 / 187 / 11 وراجع تفسير القمّى : 1 / 89 والخرائج والجرائح : 2 / 941 .

امام علی علیه السلام :توکّل پیشه باش تا بی نیاز باشی .

امام علی علیه السلام :هر کس توکّل پیشه کند ، بی یاوری نمی ماند .

امام علی علیه السلام :چنین نیست که خداوند درِ توکّل را بگشاید و برای توکّل پیشه راه بیرون شدن پدید نیاورد ؛ که خدای سبحان ، خود ، فرموده است: «و هر که از خدا پروا کند ، برای او راه بیرون شدن پدید آورد * و او را از جایی که گمان ندارد ، روزی دهد» .

الکافی از معاویه پسر وهب از امام صادق علیه السلام :هر کس که خداوند به وی توکّل عطا کند ، از بی نیازی برخوردار می شود . سپس فرمود : آیا کتاب خدا را تلاوت کرده ای : «و هر که بر خدا توکّل کند ، خدای او را بس است .» ؟

امام صادق علیه السلام درباره این سخن خدای تعالی : «و توکّل پیشگان باید بر خدا توکلّ کنند» : آنان کشاورزانند .

امام صادق علیه السلام :هر که برای روزی اش اندوهگین باشد ، گناهی بر وی نوشته شود . دانیال در دوره پادشاهی ستمگر و سرکش می زیست . آن پادشاه وی را در چاهی افکند و درندگان را با او در چاه انداخت ، اما درندگان به وی نزدیک نشدند و به او زخمی نزدند . پس خداوند به یکی از پیامبرانش وحی فرستاد که برای دانیال غذا ببرد . گفت: «پروردگارم! دانیال کجاست؟» فرمود : «از سرزمینت بیرون می شوی ؛ کفتاری پیش تو می آید ؛ به دنبال او روان شو که تو را نزد دانیال می برد» . پس آن کفتار وی را بدان چاه برد که دانیال در آن بود . وی غذا را برای او فرو فرستاد . دانیال گفت: «سپاس خدایی را است که هر که را به یادش باشد ، فراموش نکند و آن را که بخواندش ، ناامید نسازد و هر که را بر وی توکّل کند ، کفایت فرماید و هر کس را به او اعتماد ورزد ، به غیر خود وانگذارد و نیکی را به نیکی جزا دهد و صبر را به رهایی پاداش دهد» .

.

راجع : ص 222 ، ح 384 و ص 224 ، ح 388 و ص 226 ، ح392 .

1 / 5 3المُتَفَقِّهُ فِی الدّینِرسول اللّه صلی الله علیه و آله :مَن تَفَقَّهَ فی دینِ اللّهِ رَزَقَهُ اللّهُ مِن حَیثُ لَم یَحتَسِب ، وکَفاهُ هَمَّهُ . (1)

عنه صلی الله علیه و آله :إنَّ اللّهَ تَعالی قَد تَکَفَّلَ لِطالِبِ العِلمِ بِرِزقِهِ خَاصَّةً عَمّا ضَمِنَهُ لِغَیرِهِ . (2)

عنه صلی الله علیه و آله :مَن طَلَبَ العِلمَ تَکَفَّلَ اللّهُ بِرِزقِهِ . (3)

.

1- .تاریخ بغداد : 3 / 32 / 956 عن عبد اللّه بن جزء الزبیدی ، جامع بیان العلم : 1 / 45 ، إحیاء علوم الدین : 1 / 13 نحوه ، کنز العمّال : 10 / 165 / 28855 .
2- .منیه المرید : 160 وراجع کنز العمّال : 10 / 138 و 139 .
3- .تاریخ بغداد : 3 / 180 / 1219 ، مسند الشهاب : 1 / 244 / 391 کلاهما عن زیاد (بن الحارث) الصدائی ، کنز العمّال : 10 / 139 / 28701 ؛ الأمالی للشجری : 1 / 60 عن زیاد الصدائی .

ر .ک : ص223 ، ح 384 و ص225 ، ح 388 و ص227 ، ح 392.

1 / 5 3پژوهنده دینپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر که در دین خدا پژوهش کند ، خداوند از جایی که گمان ندارد ، روزی اش دهد و او را از غم و اندوه برهاند .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :همانا خدای تعالی روزیِ جوینده علم را به طور خاص تضمین فرموده ، افزون بر آن چه برای دیگران ضمانت فرموده است .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر که در پی دانش باشد ، خداوند روزی اش را ضمانت فرماید .

.

الفصل الثانى: المبادئ الحقوقيّه2 / 1المالُ مالُ اللّهِالكتاب :«وَ ءَاتُوهُم مِّن مَّالِ اللَّهِ الَّذِى ءَاتَاكُمْ . (1) »

الحديث :رسول اللّه صلى الله عليه و آله :يا أيُّهَا النّاسُ ، ابتاعوا أنفُسَكُم مِنَ اللّهِ مِن مالِ اللّهِ ، لَيسَ لاِمرِئٍ شَىءٌ . (2)

.

1- .النور : 33 .
2- .كنز العمّال : 6 / 386 / 16180 نقلاً عن الباوردى وابن السكن والخرائطى فى مكارم الأخلاق عن تميم بن يزيد بن أبى قتاده العدوى وح 16179 نقلاً عن شُعب الإيمان والديلمى وابن النجّار عن أنس وليس فيه «من مال اللّه . . .» ، المصنّف لعبد الرزّاق : 9 / 67 / 16368 عن قتاده ، كنز العمّال : 6 / 310 / 15825 كلاهما نحوه .

2 / 1 دارایی از آن خدا است

فصل دوم: اصول حقوقی2 / 1دارایی از آن خدا استقرآن:«و ایشان را از دارایی خدا که نصیبتان فرموده ، بدهید .»

حدیث:پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :ای مردم! با مال خدا ، جان های خود را از خدا بخرید ؛ که هیچ کس را چیزی نیست .

.

عنه صلى الله عليه و آله :إنَّ مالَ اللّهِ تَعالى لَمَسؤولٌ ومُنطلِقٌ . (1)

الإمام الصادق عليه السلام لِعيسَى بن موسى : يا عيسى ، المالُ مالُ اللّهِ عز و جل ، جَعَلَهُ وَدائِعَ عِندَ خَلقِهِ ، وأَمَرَهُم أن يَأكُلوا مِنهُ قَصدا ، ويَشرَبوا مِنهُ قَصدا ، ويَلبَسوا مِنهُ قَصدا ، ويَنكِحوا مِنهُ قَصدا ، ويَركَبوا مِنهُ قَصدا ، ويَعودوا بِما سِوى ذلِكَ عَلى فُقَراءِ المُؤمِنينَ ، فَمَن تَعَدّى ذلِكَ كانَ أكلُهُ مِنهُ حَراما ، وما شَرِبَ مِنهُ حَراما ، وما لَبِسَهُ مِنهُ حَراما ، وما نَكَحَهُ مِنهُ حَراما ، وما رَكِبَهُ مِنهُ حَراما . (2)

2 / 2حُرمَةُ مالِ المُسلِمِرسول اللّه صلى الله عليه و آله حينَ نَظَرَ إلَى الكَعبَهِ : مَرحَبا بِالبَيتِ ما أعظَمَكَ! وما أعظَمَ حُرمَتَكَ عَلَى اللّهِ! وَاللّهِ لَلمُؤمِنُ أعظَمُ حُرمَةً مِنكَ! لِأَنَّ اللّهَ حَرَّمَ مِنكَ واحِدَةً ومِنَ المُؤمِنِ ثَلاثَةً : مالَهُ ، ودَمَهُ ، وأن يُظَنَّ بِهِ ظَنَّ السّوءِ . (3)

عنه صلى الله عليه و آله فى حَجَّهِ الوَداعِ : إنَّ المُؤمِنَ عَلَى المُؤمِنِ حَرامٌ عِرضُهُ ومالُهُ ونَفسُهُ ؛ حُرمَةُ كَحُرمَهِ هذَا اليَومِ . (4)

.

1- .المستدرک على الصحيحين : 4 / 363 / 7930 ، السنن الكبرى : 4 / 332 / 7884 كلاهما عن محمّد بن عطيّه عن أبيه ، المعجم الكبير : 17 / 166 / 440 عن إسماعيل بن عطيّه رجل من بنى جشم ، الطبقات الكبرى : 7 / 430 عن عطيّه السعدى ، تاريخ دمشق : 40 / 463 عن عمرو السعدى ، كنز العمّال : 6 / 464 / 16565 و ص 499 / 16707 .
2- .أعلام الدين : 269 عن عيسى بن موسى ، تفسير العيّاشى : 2 / 13 / 23 عن أبان بن تغلب نحوه ، بحار الأنوار : 103 / 16 / 74 .
3- .مشكاه الأنوار : 149 / 357 ، روضه الواعظين : 321 ، بحار الأنوار: 67 / 71 / 39 ؛ المعجم الكبير : 11 / 31 / 10966 عن ابن عبّاس نحوه .
4- .مسند ابن حنبل : 6 / 170 / 17543 عن سفيان بن وهب الخولانى .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :همانا مال خدای تعالی است که از آن بازخواست می گردد و اعطا می شود .

امام صادق علیه السلام خطاب به عیسی بن موسی : ای عیسی! مال از آن خدا است که آن را به امانت نزد آفریدگانش نهاده و فرمانشان داده که به میانه روی از آن بخورند و بیاشامند و پوشاک برسازند و همسر گزینند و سواری گیرند و آن چه را باقی ماند ، به مؤمنان فقیر بازگردانند . پس هر که از این شیوه تجاوز کند ، خوردن و آشامیدن و پوشاک بر ساختن و همسر گزیدن و سواری گرفتنش از آن مال حرام است .

2 / 2احترام داشتن مال مسلمانپیامبر خدا صلی الله علیه و آله هنگام نگریستن به کعبه : زهی این خانه و بزرگیِ آن را! چه سترگ است حرمت تو نزد خداوند! به خدا سوگند که احترام مؤمن بیش از تو است ؛ زیرا خدا از تو یک چیز را دارای حریم ساخته و از مؤمن سه چیز را : مالش ، خونش ، و این که به وی گمان بد رود .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در حج بازپسین : آبرو و مال و جان مؤمن بر مؤمن حرام است و حرمتش همانند حرمت این روز است .

.

عنه صلى الله عليه و آله :المُؤمِنُ حَرامٌ كُلُّهُ : عِرضُهُ ، ومالُهُ ، ودَمُهُ . (1)

عنه صلى الله عليه و آله :حُرمَةُ مالِ المُؤمِنِ كَحُرمَهِ دَمِهِ . (2)

عنه صلى الله عليه و آله :اُمِرتُ أن اُقاتِلَ النّاسَ حَتّى يَشهَدوا أن لا إلهَ إلاَّ اللّهُ وأنَّ مُحَمَّدا رَسولُ اللّهِ ، ويُقيمُوا الصَّلاةَ ويُؤتُوا الزَّكاةَ ؛ فَإذا فَعَلوا ذلِکَ عَصَموا مِنّى دِماءَهُم وأموالَهُم إلاّ بِحَقِّ الإسلامِ ، وحِسابُهُم عَلَى اللّهِ . (3)

عنه صلى الله عليه و آله لِعَلِيٍّ عليه السلام لَمّا بَعَثَهُ لِفَتحِ خَيبَرَ : قاتِلهُم حَتّى يَشهَدوا أن لا إلهَ إلاَّ اللّهُ وأنَّ مُحَمَّدا رَسولُ اللّهِ ؛ فَإذا فَعَلوا ذلِکَ فَقَد مَنَعوا مِنکَ دِماءَهُم وأموالَهُم إلاّ بِحَقِّها ، وحِسابُهُم عَلَى اللّهِ . (4)

عنه صلى الله عليه و آله :لا يَحِلُّ لِامرِئٍ أن يَأخُذَ مالَ أخيهِ بِغَيرِ حَقِّهِ ؛ وذلِکَ لِما حَرَّمَ اللّهُ مالَ المُسلِمِ عَلَى المُسلِمِ . (5)

.

1- .المؤمن : 72 / 199 عن الإمام الصادق عليه السلام ، تحف العقول : 57 ، مشكاه الأنوار : 189 / 501 وص 334 / 1062 ، بحار الأنوار: 77 / 160 / 164 .
2- .سنن الدارقطنى : 3 / 26 / 94 ، مسند أبى يعلى : 5 / 68 / 5097 ، مسند الشهاب : 1 / 137 / 177 ، حليه الأولياء : 7 / 334 كلّها عن عبد اللّه وفيها «المسلم» بدل «المؤمن» .
3- .صحيح البخارى : 1 / 17 / 25 ، صحيح مسلم : 1 / 53 / 36 كلاهما عن ابن عمر ، سنن الترمذى : 5/3/2606 ، سنن ابن ماجه : 2 / 1295 / 3927 ، مسند ابن حنبل : 1 / 34 / 67 كلّها عن أبى هريره نحوه ، كنز العمّال : 1 / 87 / 371 373 ؛ بحار الأنوار : 68 / 242 .
4- .صحيح مسلم : 4 / 1872 / 33 ، خصائص الإمام أمير المؤمنين عليه السلام للنسائى : 63 / 18 و ح 19 و ص65 / 20 نحوه ، تاريخ دمشق : 42 / 82 / 8423 و ص 83 / 8424 و ح 8425 كلّها عن أبى هريره ؛ الطرائف : 59 ، بحار الأنوار : 21 / 27 / 27 نقلاً عن الأمالى للطوسى .
5- .مسند ابن حنبل : 9 / 154 / 23666 عن أبى حميد الساعدى ، كنز العمّال : 10 / 637 / 30343 .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :مؤمن یکسره احترام دارد : آبرویش ، مالش ، و خونش .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :احترام مال مؤمن همانند خون او است .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :فرمان یافتم که با مردم نبرد کنم تا آن گاه که گواهی دهند معبودی جز خدا نیست و محمّد رسول او است و نماز برپای دارند و زکات پردازند ؛ پس هر گاه چنین کنند ، خون ها و مال های خویش را از من در امان داشته اند مگر آن که به موجب حکم اسلام محترم نباشد و حساب ایشان با خدا است .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله خطاب به علی علیه السلام هنگامی که وی را برای فتح خیبر گسیل فرمود : با ایشان نبرد کن تا زمانی که گواهی دهند معبودی جز خدای نیست و محمّد رسول خداست . هرگاه چنین کردند ، خون و اموالشان را از تو در حریم داشته اند ، مگر آن که به موجب حقی ، احترام آن از میان رود ؛ و حساب ایشان با خدا است .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هیچ کس را روا نیست که به ناحق ، مال برادر [مؤمن]خود را واگیرد ؛ و این از آن رو است که خداوند مال مسلمان را بر مسلمان در حریم قرار داده است .

.

عنه صلى الله عليه و آله :لا يَحِلُّ لِامرِئٍ أن يَأخُذَ عَصا أخيهِ بِغَيرِ طيبِ نَفسِهِ ، وذلِكَ لِشِدَّةِ ما حَرَّمَ اللّهِ مِن مالِ المُسلِمِ عَلَى المُسلِمِ . (1)

عنه صلى الله عليه و آله فى حَجَّةِ الوَداعِ : أيُّهَا النّاسُ ، اسمَعوا ما أقولُ لَكُم وَاعقِلوهُ عَنّى : أىُّ يَومٍ أعظَمُ حُرمَةً ؟ قالوا : هذَا اليَومُ . قالَ : فَأىُّ شَهرٍ أعظَمُ حُرمَةً ؟ قالوا : هذَا الشَّهرُ . قالَ : فَأىُّ بَلَدٍ أعظَمُ حُرمَةً ؟ قالوا : هذَا البَلَدُ . قالَ : فَإِنَّ دِماءَكُم وأموالَكُم عَلَيكُم حَرامٌ كَحُرمَةِ يَومِكُم هذا فى شَهرِكُم هذا فى بَلَدِكُم هذا إلى يَومِ تَلقَونَهُ فَيَسأَلُكُم عَن أعمالِكُم ، ألا هَل بَلَّغتُ ؟ قالوا : نَعَم . قالَ : اللّهُمَّ اشهَد ! ألا مَن كانَت عِندَهُ أمانَةٌ فَليُؤَدِّها إلى مَنِ ائتَمَنَهُ عَلَيها ؛ فَإِنَّهُ لا يَحِلُّ دَمُ امرِئٍ مُسلِمٍ ولا مالُهُ إلاّ بِطيبِ نَفسِهِ ، ولا تَظلِموا أنفُسَكُم ، ولا تَرجِعوا بَعدى كُفّاراً . (2)

عنه صلى الله عليه و آله :لا يَأخُذَنَّ أحَدُكُم مَتاعَ أخيهِ لاعِبا ولا جادّا ، ومَن أخَذَ عَصا أخيهِ فَليَرُدَّها . (3)

مسند ابن حنبل عن أبو حرّه الرقاشىّ عن عمّه :كُنتُ آخِذاً بِزِمامِ ناقَةِ رَسولِ اللّهِ صلى الله عليه و آله فى أوسَطِ أيّامِ التَّشريقِ أذودُ عَنهُ النّاسَ ، فَقالَ : يا أيُّهَا النّاسُ ، أتَدرونَ فى أىِّ شَهرٍ أنتُم ، وفى أىِّ يَومٍ أنتُم ، وفى أىِّ بَلَدٍ أنتُم؟ قالوا : فى يَومٍ حَرامٍ وشَهرٍ حَرامٍ وبَلَدٍ حَرامٍ . قالَ : فَإِنَّ دِماءَكُم وأموالَكُم وأعراضَكُم عَلَيكُم حَرامٌ كَحُرمَةِ يَومِكُم هذا فى شَهرِكُم هذا فى بَلَدِكُم هذا إلى يَومِ تَلقَونَهُ . ثُمَّ قالَ : اِسمَعوا مِنّى تَعيشوا : ألا لا تَظلِموا ، ألا لا تَظلِموا ! ألا لا تَظلِموا ! إنَّهُ لايَحِلُّ مالُ امرِيٍ?(مُسلِمٍ) إلاّ بِطيبِ نَفسٍ مِنهُ . (4)

.

1- .السنن الكبرى : 9 / 601 / 19645 ، مسند ابن حنبل : 9 / 154 / 23666 وفيه «حرّم رسول اللّه صلى الله عليه و آله» بدل «حرّم اللّه » ، كنز العمّال : 10 / 638 / 30344 .
2- .الكافى : 7 / 273 / 12 عن أبى أُسامه زيد الشحّام عن الإمام الصادق عليه السلام ، الخصال : 487 / 63 عن عبد اللّه بن عمر ، تفسير القمّى : 1 / 171 كلاهما نحوه ، بحار الأنوار : 21 / 381 / 8 ؛ صحيح البخارى: 2/619/1652 عن ابن عبّاس وص 620/1654، صحيح مسلم:

3/1305/1679 وكلاهما عن أبى بكره ، سنن ابن ماجه : 2/1016/3057 عن ابن مسعود وكلّها نحوه ، كنز العمّال: 5/126/12345.
3- .سنن أبى داود : 4 / 301 / 5003 ، مسند ابن حنبل : 6 / 278 / 17964 وفيه «صاحبه» بدل «أخيه» ، المستدرک على الصحيحين : 3 / 739 / 6686 وفيه «وإذا وجد» بدل «ومن أخذ» ، السنن الكبرى : 6 / 166 / 11544 ، المعجم الكبير : 7 / 145 / 6641 كلّها عن عبد اللّه بن السائب ابن يزيد عن أبيه عن جدّه ، كنز العمّال : 10 / 637 / 30341 .
4- .مسند ابن حنبل : 7 / 376 / 20720 ، البدايه والنهايه : 5 / 201 .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هیچ کس را نرسد که [حتی] عصای برادر [مؤمن]خود را بدون رضایت وی برگیرد ؛ و این به سبب آن است که خداوند مال مسلمان را بر مسلمان دارای حرمت فراوان قرار داده است .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در حج بازپسین : «ای مردم! آن چه را می گویم ، بشنوید و آن را از من واگیرید و نگاه دارید . کدام روز برترین حرمت را دارد؟» گفتند : «همین امروز» . فرمود: «کدام ماه برترین حرمت را دارد؟» گفتند: «همین ماه» . فرمود: «کدام سرزمین برترین حرمت را دارد؟» گفتند: «همین سرزمین» . فرمود: «همانا خون ها و مال هاتان نزد یکدیگر حرمت دارد ، همانند حرمت همین روز در همین ماه در همین سرزمین ؛ تا آن گاه که خدا را ملاقات می کنید و او درباره کارهاتان از شما بازخواست می فرماید . هلا آیا پیام را به شما ابلاغ کردم؟» گفتند : «آری» . فرمود: «بار خدایا! گواه باش . هلا که هر کس امانتی نزد خود دارد ، آن را بدان کس که وی را بر آن امین شمرده ، بازگرداند ؛ زیرا خون و مال مسلمان جز به رضایت وی [بر دیگران]حلال نیست . به خویشتن ستم نورزید و پس از من به کفر باز مگردید» .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هیچ یک از شما نباید کالای برادر [مؤمن] خود را ، خواه به شوخی و خواه به جِد ، برگیرد ؛ و هر که [حتی] عصای برادر [مؤمن]خود را بگیرد ، باید آن را بازپس دهد .

مسند ابن حنبل از ابو حره رقاشی از عمویش :در میانه ایام تشریق ، زمام ماده شتر رسول خدا صلی الله علیه و آلهرا در دست گرفته ، مردم را از وی کنار می پراکندم . او فرمود: «ای مردم! آیا می دانید در چه ماه و چه روز و چه سرزمینی هستید؟» گفتند : «در روز و ماه و سرزمین حرام» . فرمود : «همانا خون ها و مال ها و آبروهاتان نزد یکدیگر حرمت دارد ، همانند حرمت این روز در این ماه در این سرزمین تا روزی که خداوند را دیدار کنید» . سپس فرمود : «از من بشنوید تا از زندگانی بهره برید . هلا ستم نورزید ؛ هلا ستم نورزید ؛ هلا ستم نورزید! هر آینه مال مسلمان [بر دیگران] جز به رضایت وی حلال نیست» .

.

مسند ابن حنبل عن جابر :إنَّ رَسولَ اللّهِ صلى الله عليه و آله وأصحابَهُ مَرّوا بِامرَأَةٍ فَذَبَحَت لَهُم شاةً وَاتَّخَذَت لَهُم طَعاما ، فَلَمّا رَجَعَ قالَت : يا رَسولَ اللّهِ ، إنَّا اتَّخَذنا لَكُم طَعاماً فَادخُلوا فَكُلوا ، فَدَخَلَ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله وأصحابُهُ وكانوا لا يَبدَو?نَ حَتّى يَبتَدِئَ النَّبِيُّ صلى الله عليه و آله ، فَأَخَذَ النَّبِيُّ صلى الله عليه و آله لُقمَةً فَلَم يَستَطِع أن يُسيغَها ، فَقالَ النَّبِيُّ صلى الله عليه و آله : هذِهِ شاةٌ ذُبِحَت بِغَيرِ إذنِ أَهلِها . (1)

الإمام علىّ عليه السلام :مَن استَطاعَ مِنكُم أن يَلقَى اللّهَ تَعالى وهُوَ نَقِيُّ الرّاحَةِ مِن دِماءِ المُسلِمينَ وأَموالِهِم ، سَليمُ اللِّسانِ مِن أعراضِهِم ، فَليَفعَل . (2)

عنه عليه السلام لِشُرَيحٍ : اُنظُر إلى أهلِ المَعكِ وَالمَطلِ ، ودَفعِ حُقوقِ النّاسِ مِن أهلِ المَقدِرَةِ وَاليَسارِ مِمَّن يُدلى بِأموالِ المُسلِمينَ إلَى الحُكّامِ ، فَخُذ لِلنّاسِ بِحُقوقِهِم مِنهُم ، وبِع فيهِ العَقارَ وَالدِّيارَ ؛ فَإنّى سَمِعتُ رَسولَ اللّهِ صلى الله عليه و آله يَقولُ : مَطلُ المُسلِمِ الموسِرِ ظُلمٌ لِلمُسلِمِ ، ومَن لَم يَكُن لَهُ عَقارٌ ولا دارٌ ولا مالٌ فَلا سَبيلَ عَلَيهِ . (3)

.

1- .مسند ابن حنبل : 5 / 124 / 14791 ، المستدرک على الصحيحين : 4 / 262 / 7579 .
2- .نهج البلاغه : الخطبه 176 ، بحار الأنوار: 71 / 292 / 62 و ج 75 / 262 / 67 .
3- .الكافى : 7 / 412 / 1 ، تهذيب الأحكام : 6 / 225 / 541 وفيه «للمسلمين» بدل «للمسلم» وكلاهما عن سلمه بن كهيل ، من لا يحضره الفقيه : 3 / 15 / 3243 وفيه «أهل المعک والمطل والاضطهاد» .

مسند ابن حنبل از جابر :رسول خدا و یارانش بر زنی گذشتند . وی برای ایشان گوسفندی ذبح کرد و غذایی فراهم ساخت . چون پیامبر بازگشت ، آن زن گفت: «ای رسول خدا! برای شما غذایی فراهم آورده ایم ؛ درون آیید و بخورید» . رسول خدا و یارانش داخل شدند . آنان لب به غذا نگشودند تا پیامبر آغاز فرمود . پیامبر لقمه ای برگرفت ، لیکن نتوانست آن را فرو برد ؛ سپس فرمود : «این گوسفند به رضایت صاحب آن ذبح نشده است» .

امام علی علیه السلام :هر یک از شما که می تواند خدای تعالی را دیدار کند ، حال آن که از تعرض به خون ها و مال های مسلمانان یکسره پیراسته است و زبانش از هتک آبروی ایشان پاک مانده ، باید چنین کند .

امام علی علیه السلام خطاب به شریح : به کار آنان که در پرداخت حق مردم تأخیر کرده ، آن را به فردا می افکنند ، درنگر و به مواردی بیندیش که زورمندان و توانگران اموال مسلمانان را به رشوه به حاکمان داده اند . پس حقوق مردم را از ایشان بگیر و به آنان بازگردان و اگر ملک و خانه ای دارند ، بفروش ؛ که من از رسول خدا صلی الله علیه و آلهشنیدم که فرمود : «اگر مسلمان توانگر در پرداخت حق مسلمان دیگر تأخیر کند ، به وی ستم ورزیده ؛ اما آن کس که ملک و خانه و مالی ندارد ، راهی برای کیفر او نیست» .

.

الكافى عن سماعه :قُلتُ لِأَبى عَبدِ اللّهِ عليه السلام : الرَّجُلُ مِنّا يَكونُ عِندَهُ شَىءٌ يَتَبَلَّغُ بِهِ وعَلَيهِ دَينٌ ، أيُطعِمُهُ عِيالَهُ حَتّى يَأتِىَ اللّهُ عز و جل بِمَيسَرَةٍ فَيَقضِىَ دَينَهُ ، أو يَستَقرِضُ عَلى ظَهرِهِ فى خُبثِ الزَّمانِ وشِدَّةِ المَكاسِبِ، أو يَقبَلُ الصَّدَقَةَ؟ قالَ : يَقضى بِما عِندَهُ دَينَهُ ، ولا يَأكُلُ أموالَ النّاسِ إلاّ وعِندَهُ ما يُؤَدّى إلَيهِم حُقوقَهُم ؛ إنَّ اللّهَ عز و جل يَقولُ : «و لاَ تَأْكُلُواْ أَمْوَلَكُم بَيْنَكُم بِالْبَطِلِ إِلاَّ أَن تَكُونَ تِجَرَةً عَن تَرَاضٍ مِّنكُمْ ، (1) » ولا يَستَقرِضُ عَلى ظَهرِهِ إلاّ وعِندَهُ وَفاءٌ ولَو طافَ عَلى أبوابِ النّاسِ فَرَدَّوهُ بِاللُّقمَةِ وَاللُّقمَتَينِ وَالتَّمرَةِ وَالتَّمرَتَينِ ، إلاّ أن يَكونَ لَهُ وَلِىٌّ يَقضى دَينَهُ مِن بَعدِهِ ؛ لَيسَ مِنّا مِن مَيِّتٍ إلاّ جَعَلَ اللّهُ عز و جلَلَهُ وَلِيّا يَقومُ فى عِدَتِهِ ودَينِهِ ، فَيَقضى عِدَتَهُ ودَينَهُ . (2)

2 / 3حُرمَةُ مالِ المُعاهَدرسول اللّه صلى الله عليه و آله :ألا مَن ظَلَمَ مُعاهَدا ، أو انتَقَصَهُ ، أو كَلَّفَهُ فَوقَ طاقَتِهِ ، أو أخَذَ مِنهُ شَيئا بِغَيرِ طيبِ نَفسٍ ، فَأنَا حَجيجُهُ يَومَ القِيامَهِ ! (3)

.

1- .النساء : 29 .
2- .الكافى : 6 / 95 / 2 ، تهذيب الأحكام : 5 / 185 / 383 عن سلمه ، مستطرفات السرائر : 78 / 6 ، تفسير العيّاشى : 1 / 236 / 101 كلاهما نحوه ، بحار الأنوار : 103 / 144 / 17 و ح 18 .
3- .سنن أبى داود : 3 / 171 / 3052 ، السنن الكبرى : 9 / 344 / 18731 ، مشكاه المصابيح : 2 / 415 / 4047 كلّها عن صفوان بن سليم عن عدّه من أبناء أصحاب رسول اللّه صلى الله عليه و آله عن آبائهم دِنْيَه ، كنز العمّال : 4 / 364 / 10924 .

الکافی از سماعه :به امام صادق علیه السلام گفتم : «از ما کسی است که نزد خود مالی دارد و آن مال همه دارایی او است و نیز دَینی بر گردن او است ؛ آیا از آن مال مخارج خانواده خود را بپردازد تا زمانی که خدا او را گشایش عطا فرماید که دین خود را ادا کند ، یا با سخت حالی و تنگنای کار و کسب به وام گرفتن روی آورد ، یا صدقه پذیرد؟» امام فرمود : «از آن چه نزد خود دارد ، دَینش را بپردازد . اموال مردم را نخورد مگر این که چیزی نزد خود داشته باشد که با آن بتواند حقوق مردم را ادا کند . خداوند می فرماید: «و اموالتان را میان خویش به باطل مخورید ، مگر به داد و ستدی که مورد رضایتتان باشد» . و نباید وام گیرد مگر آن که بتواند ادا کند ، هر چند بدین گونه که بر درِ خانه های مردم بچرخد و او را یکی دو لقمه یا یکی دو دانه خرما دهند یا پس از خود یاوری داشته باشد که دَینش را ادا کند . و هیچ مرده ما نیست مگر آن که خداوند برای وی یاوری قرار دهد که عهد و دَین او را ادا کند» .

2 / 3احترام داشتن مال نامسلمانی که با مسلمانان پیمان داردپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هلا که هر کس به نامسلمان پیمان دارنده ای ستم کند یا حقش را ضایع سازد یا فراتر از توانش بر وی بار نهد یا بدون رضایتش چیزی از او بستاند ، در روز قیامت من ، خود با وی در می افتم .

.

الإمام علىّ عليه السلام :قَد بَلَغَنى أنَّ الرَّجُلَ مِنهُم [أى جَيشِ مُعاوِيَهَ] كانَ يَدخُلُ عَلَى المَرأهِ المُسلِمَهِ وَالاُخرَى المُعاهَدَهِ ، فَيَنتَزِعُ حِجلَهَا وقُلبَهَا وقَلائِدَهَا ورِعاثَهَا ، ما تَمنَعُ مِنهُ إلاّ بِالإِستِرجاعِ وَالإِستِرحامِ ، ثُمَّ انصَرَفوا وافِرينَ ما نالَ رَجُلاً مِنهُم كَلمٌ ولا اُريقَ لَهُ دَمٌ ؛ فَلَو أنَّ امرَأً مُسلِما ماتَ مِن بَعدِ هذا أسَفا ما كانَ بِهِ مَلوما ، بَل كانَ عِندى بِهِ جَديرا ! (1)

عنه عليه السلام فى كِتابِهِ إلى عُمّالِهِ عَلَى الخَراجِ : لا تَبيعُنَّ لِلنّاسِ فِى الخَراجِ كِسوَهَ شِتاءٍ ولا صَيفٍ ، ولا دابَّهً يَعتَمِلونَ عَلَيها ، ولا عَبدا ، ولا تَضرِبُنَّ أحَدا سَوطا لِمَكانِ دِرهَمٍ ، ولا تَمَسُّنَّ مالَ أحَدٍ مِنَ النّاسِ ؛ مُصَلٍّ ولا مُعاهَدٍ . (2)

الكافى عن محمّد بن مسلم عن الإمام الباقر عليه السلام فى أهلِ الجِزيَهِ] سُئِلَ عليه السلام : [يُؤخَذُ مِن أموالِهِم ومَواشيهِم شَىءٌ سِوَى الجِزيَهِ ؟ قالَ : لا . (3)

2 / 4العَدلُ وَالتَّنمِيَهُالإمام علىّ عليه السلام :العَدلُ أقوى أساسٍ . (4)

عنه عليه السلام :جَعَلَ اللّهُ سُبحانَهُ العَدلَ قِواما لِلأَنامِ ، وتَنزيها مِنَ المَظالِمِ وَالآثامِ ، وتَسنِيَهً لِلإِسلامِ . (5)

.

1- .الكافى : 5 / 5 / 6 عن أبى عبد الرحمان السلمى ، نهج البلاغه : الخطبه 27 .
2- .نهج البلاغه : الكتاب 51 ، بحار الأنوار: 33 / 471 / 684 .
3- .الكافى 3 / 568 / 7 ، تهذيب الأحكام : 4 / 118 / 339 ، من لا يحضره الفقيه : 2 / 51 / 1672 .
4- .غرر الحكم : 863 .
5- .غرر الحكم : 4789 .

امام علی علیه السلام :به من خبر رسیده که مردی از ایشان [= لشکر معاویه]به خانه زنی مسلمان و زن نامسلمان پیمان دارنده ای وارد شده و خلخال و دستبند و گردن آویز و گوشواره های آنان را غارت کرده است ، حال آن که آن دو هیچ وسیله ای برای دفاع جز شیون و زاری نداشته اند . سپس آنان با غنایم فراوان بازگشته اند ، بی آن که یکی از ایشان زخمی بردارد یا خونی از وی بریزید! پس اگر بعد از این ماجرا ، مردی مسلمان از اندوه بمیرد ، وی را سرزنش نباید کرد ؛ بلکه از دید من ، اگر بمیرد نیز سزاوار است .

امام علی علیه السلام در نامه اش به خراج گزارانش : برای گرفتن خراج از مردم ، جامه زمستانی و تابستانی ، مرکب کاری ، و بنده آنان را نفروشید و کسی را برای گرفتن درهمی تازیانه مزنید و به مال هیچ یک از مردم ، خواه مسلمان و خواه نامسلمان پیمان دارنده ، دست اندازی مکنید .

الکافی از محمّد بن مسلم از امام باقر علیه السلام درباره جزیه پردازان : [از وی پرسیده شد:]«آیا غیر از جزیه ، چیزی دیگر از دارایی ها و حیوانات آنان ستانده می شود؟» فرمود : «نه» .

2 / 4عدل و توسعهامام علی علیه السلام :عدالت استوارترین پایه است .

امام علی علیه السلام :خداوند سبحان عدل را مایه استواری مردم ، پیرایش آنان از ستم ها و گناهان ، و آسان سازی اسلام قرار داد .

.

عنه علیه السلام :العَدلُ قِوامُ الرَّعِیَّهِ ، وجَمالُ الوُلاهِ . (1)

عنه علیه السلام :بِالعَدلِ تَتَضاعَفُ البَرَکاتُ . (2)

عنه علیه السلام :العَدلُ أغنَی الغِناءِ . (3)

عنه علیه السلام :عَدلُ السُّلطانِ خَیرٌ مِن خِصبِ الزَّمانِ . (4)

عنه علیه السلام فی خُطبَهٍ لَهُ بَعدَ أن بایَعوهُ : ألا وکُلُّ قِطعَهٍ أقطَعَها عُثمانُ أو مالٍ وَالَّذی فَلَقَ الحَبَّهَ وبَرَأَ النَّسَمَهَ لَو وَجَدتُهُ قَد تُزُوِّجَ بِهِ النِّساءُ وتَفَرَّقَ فِی البُلدانِ لَرَدَدتُهُ عَلی أهلِهِ ؛ فَإِنَّ فِی الحَقِّ وَالعَدلِ لَکُم سَعَهً ، ومَن ضاقَ بِهِ العَدلُ فَالجَورُ بِهِ أضَیقُ ! (5)

الإمام الباقر علیه السلام :ما أوسَعَ العَدلَ ! إنَّ النّاسَ یَستَغنونَ إذا عُدِلَ فیهِم ، وتُنزِلُ السَّماءُ رِزقَها ، وتُخرِجُ الأَرضُ بَرَکَتَها بِإِذنِ اللّهِ عز و جل . (6)

الکافی عن حمّاد بن عیسی عن بعض أصحابنا عن العبد الصالح علیه السلام :إنَّ اللّهَ لَم یَترُک شَیئا مِن صُنوفِ الأَموالِ إلاّ وقَد قَسَّمَهُ وأعطی کُلَّ ذی حَقٍّ حَقَّهُ ؛ الخاصَّهَ ، وَالعامَّهَ ، وَالفُقَراءَ ، وَالمَساکینَ ، وکُلَّ صِنفٍ مِن صُنوفِ النّاسِ ، فَقالَ : لَو عُدِلَ فِی النّاسِ لَاستَغنَوا . ثُمَّ قالَ: إنَّ العَدلَ أحلی مِنَ العَسَلِ ، ولا یَعدِلُ إلاَّ مَن یُحسِنُ العَدلَ . (7)

.

1- .غرر الحکم : 1954 .
2- .غرر الحکم : 4211 .
3- .غرر الحکم : 686 .
4- .مطالب السؤول : 56 ؛ بحار الأنوار : 78 / 10 / 67 .
5- .دعائم الإسلام : 1 / 396 ، شرح الأخبار : 1 / 373 نحوه ، نهج البلاغه : الخطبه 15 وفیه ذیله .
6- .من لا یحضره الفقیه : 2 / 53 / 1677 ، تهذیب الأحکام : 4 / 118 / 340 وفیه «یتّسعون» بدل «یستغنون» وکلاهما عن محمّد بن مسلم، الکافی: 3/568/6 عن ابن أبی یعفور عن الإمام الصادق علیه السلام، دعائم الإسلام : 1 / 380 وفیه صدره .

7- .الكافى : 1 / 542 / 4 .

امام علی علیه السلام :عدالت برپا دارنده جامعه و زینت حاکمان است .

امام علی علیه السلام :با عدل ، برکت ها افزون می گردند .

امام علی علیه السلام :عدالت برترین توانگری است .

امام علی علیه السلام :دادگری حاکم بهتر از حاصلخیزی و شادابی روزگار است .

امام علی علیه السلام در خطبه اش پس از بیعت مردم با وی : هلا سوگند به آن که دانه را شکافت و انسان را پدید آورد ، هر پاره زمین یا مالی که عثمان به کسی بخشیده باشد ، حتّی اگر در کابین زنان بیابم یا در سرزمین ها پراکنده شده باشد ، به صاحبانشان باز می گردانم . همانا در حق و عدل برای شما گشایش است و آن که عدل برای وی تنگنا آور است ، از بیداد بیش تر در تنگنا خواهد بود .

امام باقر علیه السلام :چه گشایش آفرین است عدالت! مردم آن گاه که در میانشان عدل رعایت گردد ، توانگر می شوند و آسمان روزی اش را فرو می فرستد و زمین برکتش را به رخصت پروردگار برون می دهد .

الکافی از حماد بن عیسی از یکی از شیعیان از امام کاظم علیه السلام :همانا خداوند هیچ دسته ای از اموال را رها نکرده ، مگر این که آن را تقسیم فرموده و حق هر صاحب حق را عطا کرده ، خواص و عوام و فقیران و بینوایان و هر دسته از مردم را . سپس امام فرمود: اگر در میان مردم عدالت رعایت می شد ، هر آینه بی نیاز می گشتند . سپس فرمود : همانا عدل از عسل شیرین تر است و به عدل نمی گراید جز کسی که آن را نیکو می شمارد .

.

الإمام الكاظم عليه السلام فى قَولِ اللّهِ عز و جل : «يُحْيِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا» : لَيسَ يُحييها بِالقَطرِ ، ولكِن يَبعَثُ اللّهُ رِجالاً فَيُحيونَ العَدلَ ؛ فَتَحيَا الأَرضُ لاِءِحياءِ العَدلِ . (1)

2 / 5حُقوقُ المالِالكتاب :«الَّذِينَ هُمْ عَلَى صَلاَتِهِمْ دَآءِمُونَ * وَ الَّذِينَ فِى أَمْوَلِهِمْ حَقٌّ مَّعْلُومٌ . (2) »

«وَ بِالْأَسْحَارِ هُمْ يَسْتَغْفِرُونَ * وَ فِى أَمْوَ لِهِمْ حَقٌّ لِّلسَّآءِلِ وَ الْمَحْرُومِ . (3) »

«كُلُواْ مِن ثَمَرِهِ إِذَآ أَثْمَرَ وَ ءَاتُواْ حَقَّهُ يَوْمَ حَصَادِهِ . (4) »

الحديث :مسند ابن حنبل عن أنس :أتى رَجُلٌ مِن بَنى تَميمٍ رَسولَ اللّهِ صلى الله عليه و آله فقالَ : يا رَسولَ اللّهِ ، إنّى ذو مالٍ كَثيرٍ ، وذو أهلٍ ووَلَدٍ وحاضِرَهٍ ، فَأَخبِرنى كَيفَ اُنفِقُ ، وكَيفَ أَصنَعُ ؟ فَقالَ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله : تُخرِجُ الزَّكاةَ مِن مالِكَ ؛ فَإِنَّها طَهرَهٌ تُطَهِّرُكَ ، وتَصِلُ أقرِباءَكَ ، وتَعرِفُ حَقَّ السّائِلِ وَالجارِ وَالمِسكينِ . (5)

.

1- .الكافى : 7 / 174 / 2 ، تهذيب الأحكام : 10 / 146 / 578 كلاهما عن عبد الرحمان بن الحجّاج .
2- .المعارج : 23 و 24 .
3- .الذاريات : 18 و 19 .
4- .الأنعام : 141 .
5- .مسند ابن حنبل: 4/273/12397، المعجم الأوسط: 8/338/8802 ، المستدرک على الصحيحين: 2 / 392 / 3374 .

امام کاظم علیه السلام درباره سخن خداوند : «زمین را پس از مرگش زنده می دارد» : خداوند زمین را با باران زنده نمی کند ، بلکه مردانی را می فرستد که عدل را برپا می دارند و با زنده شدن عدل ، زمین زنده می شود .

2 / 5حقوقِ داراییقرآن:«آنان که همواره در نمازند و در اموالشان حقّی معین است .»

«و در سحرگاهان آمرزش می جویند * و در اموالشان حقّی برای نیاز خواه و محروم هست .»

«از میوه آن ، چون میوه دهد ، بخورید و حق آن را در روز چیدن و درو کردنش بدهید .»

حدیث:مسند ابن حنبل از انس :مردی از بنی تمیم نزد پیامبر آمد و گفت: «ای رسول خدا صلی الله علیه و آله! من مالی بسیار دارم و صاحب خانواده و فرزندان و خاندانم . مرا آگاه فرما که چگونه انفاق کنم و چه سان رفتار نمایم؟» پیامبر فرمود : «زکات را از مالت بیرون ساز ؛ که زکات مایه پاکی تو است . نیز با خویشاوندانت پیوند داشته باش و حق نیازخواه و همسایه و بینوا را بدان» .

.

الإمام علىّ عليه السلام :قيلَ : يا نَبِيَّ اللّهِ ، أفِى المالِ حَقٌّ سِوَى الزَّكاهِ ؟ قالَ : نَعَم ، بِرُّ الرَّحِمِ إذا أدبَرَت ، وصِلَهُ الجارِ المُسلِمِ ؛ فَما أقَرَّ بى مَن باتَ شَبعانَ وجارُهُ المُسلِمُ جائِعٌ ، ثُمَّ قالَ : ما زالَ جَبرَئيلُ عليه السلام يوصينى بِالجارِ حَتّى ظَنَنتُ أنَّهُ سَيُوَرِّثُهُ ! (1)

عنه عليه السلام :إنَّ اللّهَ سُبحانَهُ فَرَضَ فى أموالِ الأَغنِياءِ أقواتَ الفُقَراءِ ، فَما جاعَ فَقيرٌ إلاّ بِما مُتِّعَ بِهِ غَنِىٌّ ، وَاللّهُ تَعالى سائِلُهُم عَن ذلِکَ . (2)

عنه عليه السلام :إنَّ اللّهَ فَرَضَ عَلَى الأَغنِياءِ فِى أموالِهِم بِقَدرِ ما يَكفى فُقَراءَهُم ، وإن جاعوا وعَروا وجُهِدوا فَبِمَنعِ الأَغنِياءِ ، وحَقٌّ عَلَى اللّهِ أن يُحاسِبَهُم يَومَ القِيامَهِ ويُعَذِّبَهُم عَلَيهِ . (3)

عنه عليه السلام :مَن كَثُرَ مالُهُ ولَم يُعطِ حَقَّهُ ؛ فَإِنَّما مالُهُ حَيّاتٌ يَنهَشنَهُ يَومَ القِيامَهِ . (4)

عنه عليه السلام فِى الحِكَمِ المَنسوبَهِ إلَيهِ : اُنظُر ما عِندَکَ فَلا تَضَعهُ إلاّ فى حَقِّهِ ، وما عِندَ غَيرِکَ فَلا تَأخُذهُ إلاّ بِحَقِّهِ . (5)

الإمام زين العابدين عليه السلام فى بَيانِ الحُقوقِ : أمّا حَقُّ مالِکَ : فَأَن لا تَأخُذَهُ إلاّ مِن حِلِّهِ ، ولا تُنفِقَهُ إلاّ فى وَجهِهِ ، ولا تُؤثِرَ عَلى نَفسِکَ مَن لايَحمَدُکَ ؛ فَاعمَل بِهِ بِطاعَهِ رَبِّکَ ، ولا تَبخَل بِهِ ؛ فَتَبوءَ بِالحَسرَهِ وَالنَّدامَهِ مَعَ التَّبِعَهِ ، ولا قُوَّهَ إلاّ بِاللّهِ . (6)

.

1- .الأمالى للطوسى : 520 / 1145 عن هارون بن عمرو المجاشعى عن الإمام الرضا عن آبائه عليهم السلام وعن محمّد بن جعفر عن الإمام الصادق عليه السلام .
2- .نهج البلاغه : الحكمه 328 ، روضه الواعظين : 497 نحوه ، عيون الحكم والمواعظ : 152 / 3343 ؛ ينابيع المودّه : 2 / 249 / 699 وفيها «مُنِعَ» بدل «مُتِّع به» .
3- .كنز العمّال : 6 / 528 / 16840 ، السنن الكبرى : 7 / 37 / 13206 عن محمّد بن الحنفيّه .

4- .دعائم الإسلام : 1 / 247 ، بحار الأنوار : 96 / 29 / 57 .
5- .شرح نهج البلاغه : 20 / 321 / 679 .
6- .من لا يحضره الفقيه : 2 / 624 / 3214 ، الأمالى للصدوق : 455 / 610 ، الخصال : 569 / 1 وفيه «السعه» بدل «التبعه» وكلّها عن أبى حمزه الثمالى ، بحار الأنوار : 74 / 8 / 1 .

امام علی علیه السلام :پرسیده شد : «ای پیامبر خدا! آیا جز زکات حقی دیگر در مال هست؟» فرمود : «آری ؛ نیکی به خویشاندی که پیوند بریده باشد و همپیوندی با همسایه مسلمان . به من اقرار نیاورده است آن کس که سیر ، روز را به شب رساند و همسایه مسلمانش گرسنه باشد . سپس فرمود : جبرئیل همواره مرا درباره همسایه سفارش می فرمود ، چندان که گمان بردم او را از وارثان می شمرد» .

امام علی علیه السلام :همانا خدای سبحان روزی فقیران را در اموال توانگران واجب فرموده ؛ و هیچ فقیری گرسنه نمی ماند ، مگر آن که توانگری از وی بهره برده است . و خدای تعالی توانگران را از این ، بازخواست خواهد کرد .

امام علی علیه السلام :هر آینه خداوند بر توانگران در اموالشان چندان حق واجب قرار داده که فقیران جامعه را بی نیاز سازد ؛ پس اگر فقیران گرسنه و برهنه و بینوا بمانند ، به سبب خودداری توانگران از پرداخت حق آنان است و خدای را سزا است که روز قیامت از ایشان حساب کشد و بدین جهت عذابشان فرماید .

امام علی علیه السلام :هر که مال بسیار داشته باشد و حق آن را ادا نکند ، بی تردید در روز قیامت ، مالش به مارهایی تبدیل می شود که او را نیش می زنند .

امام علی علیه السلام در کلمات حکیمانه منسوب به وی : بنگر که خود چه داری ، پس آن را ضایع مکن مگر آن که حقش را ادا کنی ؛ و بنگر که دیگری چه دارد ، پس آن را جز به حق نستان .

امام سجاد علیه السلام در شمارش حقوق : اما حق دارایی ات آن است که آن را جز از راه حلال به دست نیاوری و جز در جای خود ، آن را مصرف نکنی و کسی را که سپاسمند تو نیست ، بر خود ترجیح ندهی . پس با آن به اطاعت پروردگارت پرداز و بدان بخل مورز ؛ که دچار حسرت خواهی شد و در پی ، پشیمانی خواهی کشید . و نیرویی نیست مگر از جانب خدا!

.

عنه عليه السلام فى رِسالَتِهِ المَعروفَهِ بِرِسالَهِ الحُقوقِ : أمّا حَقُّ المالِ : فَأن لا تَأخُذَهُ إلاّ مِن حِلِّهِ ، ولا تُنفِقَهُ إلاّ فى حِلِّهِ ، ولا تُحَرِّفَهُ عَن مَواضِعِهِ ، ولا تَصرِفَهُ عَن حَقائِقِهِ ، ولا تَجعَلَهُ إذا كانَ مِنَ اللّهِ إلاّ إلَيهِ وسَبَبا إلَى اللّهِ ، ولا تُؤثِرَ بِهِ عَلى نَفسِكَ مَن لَعَلَّهُ لايَحمَدُكَ وبِالحَرِيِّ أن لا يُحسِنَ خِلافَتَهُ فى تَرِكَتِكَ ولا يَعمَلَ فيهِ بِطاعَهِ رَبِّكَ ؛ فَتَكونَ مُعينا لَهُ عَلى ذلِكَ أو بِما أحدَثَ فى مالِكَ أحسَنَ نَظَرا لِنَفسِهِ ، فَيَعمَلَ بِطاعَهِ رَبِّهِ ؛ فَيَذهَبَ بِالغَنيمَهِ وتَبوءَ بِالإِثمِ وَالحَسرَهِ وَالنَّدامَهِ مَعَ التَّبِعَهِ . (1)

الإمام الباقر عليه السلام :إنَّ رجُلاً جاءَ إلى أبى عَلِيِّ بنِ الحُسَينِ عليهماالسلامفَقالَ لَهُ : أخبِرنى عَن قَولِ اللّهِ عز و جل : «وَ الَّذِينَ فِى أَمْوَلِهِمْ حَقٌّ مَّعْلُومٌ * لِّلسَّآءِلِ وَ الْمَحْرُومِ » ما هذَا الحَقُّ المَعلومُ ؟ فَقالَ لَهُ عَلِيُّ بنُ الحُسَينِ عليهماالسلام : الحَقُّ المَعلومُ : الشَّىءُ يُخرِجُهُ الرَّجُلُ مِن مالِهِ لَيسَ مِنَ الزَّكاهِ ولا مِنَ الصَّدَقَهِ المَفروضَتَينِ . قالَ : فَإذا لَم يَكُن مِنَ الزَّكاهِ ولا مِنَ الصَّدَقَهِ فَما هُوَ ؟ فَقالَ : هُوَ الشَّىءُ يُخرِجُهُ الرَّجُلُ مِن مالِهِ إن شاءَ أكثَرَ وإن شاءَ أقَلَّ عَلى قَدرِ ما يَملِكُ . فَقالَ لَهُ الرَّجُلُ : فَما يَصنَعُ بِهِ ؟ قالَ : يَصِلُ بِهِ رَحِما ، ويُقرى بِهِ ضَيفا ، ويَحمِلُ بِهِ كَلاًّ ، أو يَصِلُ بِهِ أخا لَهُ فِى اللّهِ ، أو لِنائِبَهٍ تَنوبُهُ . فَقالَ الرَّجُلُ : اللّهُ يَعلَمُ حَيثُ يَجعَلُ رِسالاتِهِ ! (2)

عنه عليه السلام :إنَّ اللّهَ تَبارَكَ وتَعالى يَبعَثُ يَومَ القِيامَهِ ناسا مِن قُبورِهِم مَشدودَهً أيديهِم إلى أعناقِهِم لا يَستَطيعونَ أن يَتَناوَلوا بِها قيسَ أنمُلَهٍ ، مَعَهُم مَلائِكَهٌ يُعَيِّرونَهُم تَعييرا شَديدا ؛ يَقولونَ : هؤُلاءِ الَّذينَ مَنَعوا خَيرا قَليلاً مِن خَيرٍ كَثيرٍ ! هؤُلاءِ الَّذينَ أعطاهُمُ اللّهُ فَمَنَعوا حَقَّ اللّهِ فى أموالِهِم ! (3)

.

1- .تحف العقول : 267 ، بحار الأنوار : 74 / 17 / 2 .
2- .الكافى : 3 / 500 / 11 عن عبد الرحمان الأنصارى .
3- .الكافى: 3/506/22، ثواب الأعمال: 279/2 كلاهما عن أبى الجارود، بحار الأنوار: 96/21/49.

امام سجاد علیه السلام در رساله معروف به رساله حقوق : اما حق مال آن است که آن را جز از راه حلال به کف نیاوری و جز در راه حلال مصرف نکنی و از جایگاه مناسبش بیرون نسازی و از کارکردهای حقیقی اش دور نگردانی و حال که مال از آن خدا است ، آن را جز دارای سمت و سویی خدایی و به منزله دستاویزی به حضرت او قرار ندهی و در آن ، کسی را بر خویش ترجیح ندهی که شاید سپاسمند تو نباشد و شأنش چنین است که بازمانده مالت را به نیکی مصرف نکند و با آن به اطاعت پروردگارت نپردازد ؛ که در این صورت ، تو نیز یاور او [در این گناه] خواهی بود . شاید هم وی با آن چه در مال تو روا می دارد ، در کار خویش نیک نظر کند و به اطاعت پروردگارش پردازد و خود سود برد و تو فقط گناه و حسرت و پشیمانی در پی داشته باشی !

امام باقر علیه السلام :مردی نزد پدرم علی بن حسین علیهماالسلام آمد و به وی گفت: «مرا آگاه کن که در این سخن خداوند ، مراد از حق معین چیست : «و کسانی که در اموال آنان حقی معین * برای نیازخواه و محروم هست» ؟» علی بن حسین علیهماالسلام به وی فرمود: «حق معین آن است که انسان از مال خویش بیرون می سازد و آن غیر از زکات و صدقه واجب است» . گفت: «اگر زکات و صدقه نیست ، پس چیست؟» فرمود: «آن چیزی است که انسان از مال خویش بیرون می کند ، خواه زیاد و خواه کم ، به حسب مقدار دارایی اش» . آن مرد به وی گفت: «با آن چه می کند؟» فرمود: «با خویشاوندی پیوند می یابد ؛ مهمانی را طعام می دهد ؛ باری را به دوش می کشد ؛ و با برادر ایمانی اش یا کسی که هم رتبه او است ، پیوند برقرار می کند» . آن مرد گفت: «خدا می داند که رسالت های خویش را کجا قرار دهد» .

امام باقر علیه السلام :همانا خداوند خجسته بلند رتبه در روز قیامت عده ای را از گورهاشان برمی انگیزد ، در حالی که دست هاشان به گردن هاشان بسته شده است ، به گونه ای که نمی توانند با آن به قدر سرِ انگشتی چیزی برگیرند ؛ و با ایشان فرشتگانی همراهند که آنان را سخت سرزنش می کنند و می گویند: «اینان کسانی هستند که خیر کم را از خیر فراوان دریغ کردند . اینان کسانی هستند که خداوند ایشان را بهره مند فرمود ، لیکن آنان حق خدا را که در اموالشان بود ، نپرداختند» .

الإمام الصادق عليه السلام :كانَ فى ما وَعَظَ بِهِ لُقمانُ ابنَهُ . . . اِعلَم أنَّکَ سَتُسأَلُ غَدا إذا وَقَفتَ بَينَ يَدَيِ اللّهِ عز و جل عَن أربَعٍ : شَبابِکَ فيمَ أبلَيتَهُ ؟ وعُمُرِکَ فيمَ أفنَيتَهُ ؟ ومالِکَ مِمَّ اکتَسَبتَهُ؟ وفيمَ أنفَقتَهُ؟ فَتَأَهَّب لِذلِکَ وأعِدَّ لَهُ جَوابا . (1)

عنه عليه السلام :لَو أنَّ النّاسَ أخَذوا ما أمَرَهُمُ اللّهُ عز و جل بِهِ فَأَنفَقوهُ فى ما نَهاهُمُ اللّهُ عَنهُ ما قَبِلَهُ مِنهُم ، ولَو أخَذوا ما نَهاهُمُ اللّهُ عَنهُ فَأَنفَقوهُ فى ما أمَرَهُمُ اللّهُ بِهِ ما قَبِلَهُ مِنهُم حَتّى يَأخُذوهُ مِن حَقٍّ ويُنفِقوهُ فى حَقٍّ . (2)

عنه عليه السلام :حَقيقٌ عَلَى اللّهِ تَبارَکَ وتَعالى أن يَمنَعَ رَحمَتَهُ مِمَّن مَنَعَ حَقَّ اللّهِ مِن مالِهِ . (3)

2 / 6حَبسُ الحُقوقِ والتَّخَلُّفُرسول اللّه صلى الله عليه و آله :مَن حَبَسَ عَن أخيهِ المُسلِمِ شَيئا مِن حَقِّهِ ، حَرَّمَ اللّهُ عَلَيهِ بَرَکَةَ الرِّزقِ إلاّ أن يَتوبَ . (4)

.

1- .الكافى : 2 / 134 / 20 عن يحيى بن عقبه الأزدى ، تنبيه الخواطر : 2 / 194 ، بحار الأنوار : 13 / 425 / 19 و ج 73 / 69 / 36 .
2- .الكافى : 4 / 32 / 4 عن إسماعيل بن جابر ، من لا يحضره الفقيه : 2 / 57 / 1694 .
3- .عوالى اللآلى : 1 / 370 / 74 .
4- .من لا يحضره الفقيه: 4/15/4968 ، الأمالى للصدوق : 516/707 كلاهما عن الحسين بن زيد عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام ، بحار الأنوار : 76 / 335 / 1 وج 104 / 293 / 2 .

امام صادق علیه السلام :از جمله اندرزهای لقمان به پسرش این بود: ... بدان که فردا چون مقابل خدا بایستی ، از چهار چیز بازخواست خواهی شد: جوانی را چگونه به پیری رساندی؟ عمرت را چه سان سپری کردی؟ مالت را از چه راهی به دست آوردی؟ و آن را در کدام راه خرج کردی؟ پس برای چنان هنگامی آماده باش و پاسخ فراهم کن .

امام صادق علیه السلام :اگر مردم مال را از راهی که خداوند امر فرموده به دست آورند ، لیکن آن را به شیوه ای که نهی فرموده مصرف کنند ، از ایشان نمی پذیرد ؛ و اگر آن را از راهی که خداوند نهی فرموده به دست آورند ، لیکن آن را به شیوه ای که امر فرموده مصرف کنند ، باز از ایشان نمی پذیرد ؛ تا آن گاه که هم به حق به دست آورند و هم به حق مصرف کنند .

امام صادق علیه السلام :سزا است که خداوند خجسته بلند رتبه رحمت خویش را دریغ دارد از کسی که حق خدا را از مالش پرداخت نمی کند .

2 / 6پرداخت نکردن حقوق و واپس ماندگیپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر که از برادر مسلمانش چیزی از حق وی را دریغ کند ، خداوند برکت روزی را از وی دریغ فرماید تا آن گاه که توبه نماید .

.

عنه صلى الله عليه و آله :لَم يَمنَعوا الزَّكاةَ إلاّ مُنِعُوا القَطرَ مِنَ السَّماءِ . (1)

الإمام الباقر عليه السلام :وَجَدنا فى كِتابِ عَلِيِّ بنِ الحُسَينِ عليهماالسلام : «أَلا إِنَّ أَوْلِيَآءَ اللّهِ لاَ خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَ لاَ هُمْ يَحْزَنُونَ » : (2) إذا أدَّوا فَرائِضَ اللّهِ ، وأخَذوا بِسُنَنِ رَسولِ اللّهِ صلى الله عليه و آله ، وتَوَرَّعوا عَن مَحارِمِ اللّهِ ، وزَهِدوا فى عاجِلِ زَهرَةِ الدُّنيا ، ورَغِبوا فى ما عِندَ اللّهِ ، وَاكتَسَبُوا الطَّيِّبَ مِن رِزقِ اللّهِ لا يُريدونَ بِهِ التَّفاخُرَ وَالتَّكاثُرَ ، ثُمَّ أنفَقوا فى ما يَلزَمُهُم مِن حُقوقٍ واجِبَةٍ ؛ فَأُولئِكَ الَّذينَ بارَكَ اللّهُ لَهُم فى ما اكتَسَبوا ، ويُثابونَ عَلى ما قَدَّموا لاِخِرَتِهِم . (3)

عنه عليه السلام :وَجَدنا فى كِتابِ رَسولِ اللّهِ صلى الله عليه و آله : إذا مَنَعُوا الزَّكاةَ مَنَعَتِ الأَرضُ بَرَكَتَها مِنَ الزَّرعِ وَالثِّمارِ وَالمَعادِنِ كُلِّها . (4)

الإمام الصادق عليه السلام :إذا مُنِعَتِ الزَّكاةُ ظَهَرَتِ الحاجَةُ . (5)

عنه عليه السلام :ما فَرَضَ اللّهُ عَلى هذِهِ الاُمَّةِ شَيئا أشَدَّ عَلَيهِم مِنَ الزَّكاةِ ، وفيها تَهلِكُ عامَّتُهُم . (6)

.

1- .الكافى : 2 / 373 / 1 عن أبان عن رجل عن الإمام الباقر عليه السلام، ثواب الأعمال : 301 / 2 عن أبان الأحمر عن الإمام الباقر عليه السلامعنه صلى الله عليه و آله ، بحار الأنوار : 73 / 367 / 2 وص 376 / 13 ؛ سنن ابن ماجه : 2 / 1333 / 4019 ، المستدرک على الصحيحين : 4 / 583 / 8623 كلاهما عن عبد اللّه بن عمر ، كنزالعمّال: 16/ 80 /44010.
2- .يونس : 62 .
3- .تفسير العيّاشى : 2 / 124 / 31 عن بريد العجلى ، بحار الأنوار : 69 / 277 / 11 .
4- .الكافى : 2 / 374 / 2 وج 3 / 505 / 17 نحوه ، ثواب الأعمال : 301 / 1 ، علل الشرايع : 584 / 26 وفيها «وجدنا فى كتاب علىّ عليه السلام قال رسول اللّه صلى الله عليه و آله» ، الأمالى للطوسى : 210 / 363 كلّها

عن أبی حمزه الثمالی ، تحف العقول : 51 ، بحار الأنوار : 73 / 369 / 3 وج 96 / 15 / 32 .
5- .الکافی : 2 / 448 / 3 عن صفوان بن یحیی عن بعض أصحابنا ، بحار الأنوار : 87 / 253 / 59 .
6- .الکافی : 3 / 497 / 3 ، الأمالی للطوسی : 693 / 1474 ، تنبیه الخواطر : 2 / 85 فیهما «ما یهلک عامّتهم إلاّ فیها» بدل «فیها تهلک عامّتهم» کلّها عن رفاعه بن موسی ، دعائم الإسلام : 1 / 247 ، بحار الأنوار : 96 / 22 / 52 وص 28 / 57 .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :مردم از پرداخت زکات خودداری نکنند ، مگر آن که بارش آسمان از ایشان دریغ گردد .

امام باقر علیه السلام :در نوشته علی بن حسین علیهماالسلام چنین یافتیم : «هلا که دوستان خدا را نه بیمی رسد و نه اندوهناک گردند» . اگر مردم واجب ها را به جا آورند ، سنت های رسول خدا صلی الله علیه و آله را در پیش گیرند ، از آن چه خداوند حرام فرموده بپرهیزند ، در کامیابی از بهره های شتابان دنیا پارسایی ورزند ، به آن چه نزد خدا است بگرایند ، روزی پاکیزه خدا را بدون فخرفروشی و مال اندوزی کسب کنند ، و در مواردی که حقوق واجب اقتضا کند انفاق ورزند ، آن گاه همانانی خواهند بود که خداوند در کار و کسبشان برکت نهاده و به سبب این که برای آخرت ، [کار نیک] پیش می فرستند ، پاداش می یابند» .

امام باقر علیه السلام :در نوشته رسول خدا صلی الله علیه و آله چنین یافتیم : «هر گاه مردم زکات ندهند ، زمین همه برکت های خود از جمله محصولات کشاورزی و میوه ها و معادن را از ایشان دریغ می کند» .

امام صادق علیه السلام :هر گاه زکات پرداخت نشود ، نیازمندی ظهور می کند .

امام صادق علیه السلام :در این امت ، خداوند بر هیچ واجبی بیش از زکات تأکید نفرموده است و عموم ایشان نیز با عمل نکردن به آن هلاک می گردند .

.

عنه علیه السلام :لَو أنَّ النّاسَ أدَّوا حُقوقَهُم لَکانوا عائِشینَ بِخَیرٍ . (1)

الإمام الرضا علیه السلام :إذا حُبِسَتِ الزَّکاهُ ماتَتِ المَواشی . (2)

معانی الأخبار عن أحمد بن محمّد بن خالد عن بعض من رواه یرفعه :إذا مُنِعَتِ الزَّکاهُ ساءَت حالُ الفَقیرِ وَالغَنِیِّ . قُلتُ : هذَا الفَقیرُ تَسوءُ حالُهُ لِما مُنِعَ مِن حَقِّهِ ، فَکَیفَ تَسوءُ حالُ الغَنِیِّ ؟ قالَ : الغَنِیُّ المانِعُ لِلزَّکاهِ تَسوءُ حالُهُ فِی الآخِرَهِ . (3)

الإمام العسکریّ علیه السلام :إنَّ اللّهَ تَعالی ... فَرَضَ عَلَیکُم لِأَولِیائِهِ حُقوقا ، فَأَمَرَکُم بِأدائِها إلَیهِم ؛ لِیَحِلَّ لَکُم ماوَراءَ ظُهورِکُم مِن أزواجِکُم وأموالِکُم ومَأکَلِکُم ومَشرَبِکُم ، ویُعَرِّفَکُم بِذلِکَ البَرَکَهَ وَالنَّماءَ وَالثَّروَهَ ، ولِیَعلَمَ مَن یُطیعُهُ مِنکُم بِالغَیبِ . (4)

2 / 7اِستِصلاحُ المالِرسول اللّه صلی الله علیه و آله :مِنَ المُروءَهِ استِصلاحُ المالِ . (5)

.

1- .الکافی : 3 / 497 / 1 ، تهذیب الأحکام : 4 / 49 / 128 ، من لا یحضره الفقیه : 2 / 6 / 1577 کلّها عن زراره ومحمّد بن مسلم .
2- .الأمالی للمفید : 310 / 2 ، الأمالی للطوسی : 79 / 117 کلاهما عن یاسر ، تنبیه الخواطر : 2 / 179 ، بحار الأنوار : 73 / 373 / 8 وج 96 / 14 / 26 .
3- .معانی الأخبار : 260 / 1 ، بحار الأنوار : 96 / 15 / 33 .
4- .علل الشرایع : 249 / 6 ، رجال الکشّی : 2 / 845 / 1088 فیه «مشاربکم ومعرفتکم» بدل «مشربکم ویعرّفکم» وکلاهما عن إسحاق بن إسماعیل النیسابوری ، تحف العقول : 485 نحوه ، بحار الأنوار : 23 / 100 / 3 .
5- .من لا یحضره الفقیه : 3 / 166 / 3616 ، الخصال : 10 / 34 ، معانی الأخبار : 258 / 6 کلاهما عن أبان بن تغلب عن الإمام الباقر علیه السلام، تحف العقول : 46، بحار الأنوار : 103/4/9 ؛ الفردوس : 4/212/6642 عن أنس .

امام صادق علیه السلام :اگر مردم حقوق خویش را ادا می کردند ، به خیر می زیستند .

امام رضا علیه السلام :هر گاه زکات داده نشود ، چهارپایان می میرند .

معانی الاخبار از احمد بن محمّد بن خالد از کسی که روایت را بی سند به امام علیه السلامبازگردانده :«هر گاه زکات داده نشود ، هم حال فقیر پریشان گردد و هم حال توانگر» . گفتم: «فقیر از آن جا که حقش پرداخت نشده ، حالش پریشان گردد ؛ اما حال توانگر چرا پریشان شود؟» فرمود: «توانگری که زکات ندهد ، در آخرت حالش پریشان شود» .

امام عسکری علیه السلام :همان خدای تعالی ... برای دوستان خود حقوقی بر عهده شما قرار داده و امرتان فرموده که آن حقوق را ادا نمایید تا زنان و اموال و خوردنی و نوشیدنی ای که در اختیار دارید ، حلالتان باشد ؛ و بدین سان ، برکت و رشد و ثروت را به شما بشناساند و بداند کدام یک از شما به سبب ایمان به غیب ، فرمان او را اطاعت می کنید .

2 / 7نگاهداری درست از مالپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :از نشانه های مردانگی نگاهداری درست از مال است .

.

عنه صلى الله عليه و آله فى صِفَهِ العَقلِ : وأمَّا الرَّزانَهُ : فَيَتَشَعَّبُ مِنهَا اللُّطفُ وَالحَزمُ . . . وَاستِصلاحُ المالِ . (1)

الإمام علىّ عليه السلام فى كِتابِهِ إلَى الحارِثِ الهَمدانِىِّ : اِستَصلِحِ كُلَّ نِعمَهٍ أنعَمَهَااللّهُ عَلَيکَ، ولا تُضَيِّعَنَّ نِعمَهً مِن نِعَمِ اللّهِ عِندَکَ ، وَليُرَ عَلَيکَ أثَرُ ما أنعَمَ اللّهُ بِهِ عَلَيکَ . (2)

عنه عليه السلام فِى الحِكَمِ المَنسوبَهِ إلَيهِ : مَن كانَ فى يَدِهِ شَىءٌ مِن رِزقِ اللّهِ سُبحانَهُ فَليُصلِحهُ ؛ فَإنَّكُم فى زَمانٍ إذَا احتاجَ المَرءُ فيهِ إلَى النّاسِ كانَ أوَّلُ ما يَبذُلُهُ لَهُم دينَهُ . (3)

عنه عليه السلام :لَم يَكتَسِب مالاً مَن لَم يُصلِحهُ . (4)

معانى الأخبار عن الحارث الأعور :قالَ أميرُ المُؤمِنينَ عليه السلام لِلحَسَنِ ابنِهِ عليه السلام : يا بُنَىَّ ، مَا المُروءَهُ؟ فَقالَ : العَفافُ وإصلاحُ المالِ . (5)

الإمام الصادق عليه السلام :عَلَيکَ بِإصلاحِ المالِ ؛ فَإنَّ فيهِ مَنبَهَهً لِلكَريمِ ، وَاستِغناءً عَنِ اللَّئيمِ . (6)

عنه عليه السلام :تَعاهُدُ الرَّجُلِ ضَيعَتَهُ مِنَ المُروءَهِ . (7)

عنه عليه السلام :إصلاحُ المالِ مِنَ الإيمانِ . (8)

.

1- .تحف العقول : 17 ، بحار الأنوار : 1 / 118 / 11 .
2- .نهج البلاغه : الكتاب 69 .
3- .شرح نهج البلاغه : 20 / 312 / 585 .
4- .غرر الحكم : 7543 .
5- .معانى الأخبار : 258 / 4 ، بحار الأنوار : 103 / 6 / 23 ؛ المعجم الكبير : 3 / 68 / 2688 .
6- .الكافى : 5 / 88 / 6 عن صالح بن حمزه عن بعض أصحابنا .
7- .معانى الأخبار : 258 / 7 عن عبد اللّه بن عمر بن حمّاد الأنصارى رفعه ، الفقه المنسوب للإمام الرضا عليه السلام : 354 ، بحار الأنوار : 103 / 6 /

. 24
8- .الكافى : 5 / 87 / 3 عن ثعلبه وغيره عن رجل ، من لا يحضره الفقيه : 3 / 166 / 3617 .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در نشانه های عقل : و اما وقار ؛ لطف ورزی و دوراندیشی و ... درست نگاهداشتنِ مال ، از آن ریشه می گیرد .

امام علی علیه السلام در نامه اش به حارث همدانی : هر نعمتی که خداوند به تو ارزانی فرموده ، از آن به درستی نگاهداری کن و هیچ یک از نعمت های خدا را نزد خویش تلف مکن ؛ که باید نشانه نعمت خدا نزد تو دیده شود .

امام علی علیه السلام در کلمات حکیمانه منسوب به وی : هر کس چیزی از روزی خدای سبحان را در اختیار دارد ، باید از آن درست نگاهداری کند ؛ زیرا شما در زمانه ای به سر می برید که اگر انسان به مردم نیازمند شود ، نخست دینش را به آنان تسلیم می کند .

امام علی علیه السلام :هر که از مال به درستی نگاهداری نکند ، نمی تواند دارایی فراهم آورد .

معانی الأخبار از حارث اعور :امیرالمؤمنین علیه السلام به پسرش حسن علیه السلامفرمود: «پسر عزیزم! مردانگی چیست؟» گفت: «پاکدامنی و نگاهداری درست از مال» .

امام صادق علیه السلام :باید از مال ، نیکو نگاهداری کنی ؛ زیرا انسان گرامی با آن قدرت می یابد و از فرومایه بی نیاز می شود .

امام صادق علیه السلام :این که انسان از کالای خود نیکو نگاهداری کند ، از مردانگی است .

امام صادق علیه السلام :نگاهداری نیکو از مال نشانه ایمان است .

.

2 / 8اِستِثمارُ المالِالإمام زين العابدين عليه السلام :اِستِثمارُ المالِ تَمامُ المُروءَةِ . (1)

الكافى عن زراره :سَمِعتُ أبا عَبدِ اللّهِ عليه السلام يَقولُ : ما يُخَلِّفُ الرَّجُلُ شَيئا أشَدَّ عَلَيهِ مِنَ المالِ الصّامِتِ . قُلتُ : كَيفَ يَصنَعُ بِهِ ؟ قالَ : يَجعَلُهُ فِى الحائِطِ يَعنى فِى البُستانِ أوِ الدّارِ . (2)

الكافى عن محمّد بن عذافر عن أبيه :أعطى أبو عَبدِ اللّهِ عليه السلام أبى ألفا وسَبعَمِائَهِ دينارٍ فَقالَ لَهُ: اِتَّجِر بِها ، ثُمَّ قالَ: أما إنَّهُ لَيسَ لى رَغبَهٌ فى رِبحِها وإن كانَ الرِّبحُ مَرغوبا فيهِ ، ولكِنّى أحبَبتُ أن يَرانِىَ اللّهُ جَلَّ وعَزَّ مُتَعَرِّضا لِفَوائِدِهِ . قالَ : فَرَبِحتُ لَهُ فيها مِائَهَ دينارٍ ، ثُمَّ لَقيتُهُ فَقُلتُ لَهُ : قَد رَبِحتُ لَکَ فيها مِائَهَ دينارٍ ، قالَ : فَفَرِحَ أبو عَبدِ اللّهِ عليه السلامبِذلِکَ فَرَحا شَديدا فَقالَ لى: أثبِتها فى رَأسِ مالى . (3)

2 / 9حفظ الأرضالإمام الصادق عليه السلام لِمُصادِفٍ مَولاهُ : اِتَّخِذ عُقدَهً أو ضَيعَهً ؛ فَإنَّ الرَّجُلَ إذا نَزَلَت بِهِ النّازِلَهُ أوِ المُصيبَهُ فَذَكَرَ أنَّ وَراءَ ظَهرِهِ ما يُقيمُ عِيالَهُ كانَ أسخى لِنَفسِهِ . (4)

.

1- .الكافى : 1 / 20 / 12 عن هشام عن الإمام الكاظم عليه السلام ، تحف العقول : 283 وفيه «استنماء» بدل «استثمار» و ص 390 عن الإمام الكاظم عليه السلام .
2- .الكافى : 5 / 91 / 2 ، من لا يحضره الفقيه : 3 / 170 / 3642 .
3- .الكافى : 5 / 76 / 12 وص 77 / 16 نحوه وفيه «سبعمائه دينار» بدل «ألفا وسبعمائه دينار» ، تهذيب الأحكام : 6 / 326 / 898 ، بحار الأنوار : 47 / 56 / 100 .
4- .الكافى : 5 / 92 / 5 عن مرازم .

2 / 8 بهره وری از دارایی

2 / 9 نگهداریِ زمین

2 / 8بهره وری از داراییامام سجاد علیه السلام :همه مردانگی بهره وری از مال است .

الکافی از زراره :از امام صادق علیه السلام شنیدم که فرمود: «در آن چه انسان از خود به جا می گذارد ، هیچ چیز به اندازه مال خاموش [= طلا و نقره] به زیان او نیست» . گفتم: «با آن چه کند؟» فرمود: «آن را در باغ هزینه کند . (1) »

الکافی از محمّد بن عذافر از پدرش :امام صادق علیه السلام به پدرم 1700 دینار داد و او را فرمود: «با آن بازرگانی کن» . سپس فرمود: «بدان که مرا به سود آن رغبتی نیست ، هر چند که سود ، خواستنی است . اما من دوست می دارم که خداوند بزرگِ بشکوه مرا در حالی بیند که به بهره های آفریده او روی می آورم» . پدرم گفت: «با آن مال صد دینار برای وی سود کسب کردم . سپس به دیدار وی رفتم و به او گفتم: با آن ، برایت صد دینار سود کسب کردم . او از این خبر بسیار خرسند شد و مرا فرمود: آن را در سرمایه من قرار ده !» .

2 / 9نگهداریِ زمینامام صادق علیه السلام به خدمتکارش مصادف : زمینی پردرخت یا کشتزاری تهیه کن ؛ زیرا هر گاه اتفاقِ [ناگوار] یا مصیبتی برای انسان پیش آید و او به یاد آورد که پشتوانه ای مالی دارد که خانواده اش را اداره کند سخاوتمندتر خواهد بود .

.

1- .ظاهرا «حائط» در این جا به معنای «باغ» است و آنچه در ذیل روایت آمده که آن را به «باغ یا خانه» معنا کرده ، از راوی است .

عنه علیه السلام :مُشتَرِی العُقدَهِ مَرزوقٌ وبائِعُها مَمحوقٌ . (1)

الکافی عن مسمع :قُلتُ لِأَبی عَبدِ اللّهِ علیه السلام : إنَّ لی أرضا تُطلَبُ مِنّی ویُرَغِّبونّی ، فَقالَ لی : یا أبا سَیّارٍ ، أما عَلِمتَ أنَّ مَن باعَ الماءَ وَالطّینَ ذَهَبَ مالُهُ هَباءً؟ ! قُلتُ : جُعِلتُ فِداکَ ! إنّی أبیعُ بِالثَّمَنِ الکَثیرِ ، وأشتَری ما هُوَ أوسَعُ رُقعَهً مِمّا بِعتُ ، قالَ : فَلا بَأسَ . (2)

الکافی عن أبان بن عثمان :دَعانی جَعفَرٌ علیه السلام فَقالَ : باعَ فُلانٌ أرضَهُ؟ فَقُلتُ : نَعَم . قالَ : مَکتوبٌ فِی التَّوراهِ أنَّهُ : مَن باعَ أرضا أو ماءً ولَم یَضَعهُ فی أرضٍ أو ماءٍ ذَهَبَ ثَمَنُهُ مَحقا . (3)

الإمام الکاظم علیه السلام :ثَمَنُ العَقارِ مَمحوقٌ ، إلاّ أن یُجعَلَ فی عَقارٍ مِثلِهِ . (4)

2 / 10حِفظُ المالِرسول اللّه صلی الله علیه و آله :مَن قُتِلَ دونَ مالِهِ فَهُوَ بِمَنزِلَهِ شَهیدٍ . (5)

.

1- .الکافی : 5 / 92 / 4 ، تهذیب الأحکام : 6 / 388 / 1156 کلاهما عن وهب الحریری ، من لا یحضره الفقیه : 3 / 169 / 3641 وفیه «العقار» بدل «العقده» .
2- .الکافی : 5 / 92 / 8 .
3- .الکافی : 5/91/3 ، تهذیب الأحکام : 6/387/1155 ، من لا یحضره الفقیه : 3/170/3644 عن الإمام الباقر علیه السلامنحوه ، بحار الأنوار : 13 / 360 / 73 .
4- .الکافی : 5 / 92 / 6 عن هشام بن أحمر .
5- .الکافی : 7/296/2 ، تهذیب الأحکام : 10 / 210 / 830 کلاهما عن أبی بصیر عن الإمام الباقر علیه السلام، من لا یحضره الفقیه : 4 / 95 / 5161 عن محمّد بن مسلم عن أحدهما علیهماالسلام عنه صلی الله علیه و آله ، دعائم الإسلام : 1 / 398 عن الإمام الباقر علیه السلامعنه صلی الله علیه و آله ، بحار الأنوار : 100 / 23 / 18 نقلاً عن الخصال ولیس فی الثلاثه الأخیره «بمنزله» ؛ صحیح البخاری : 2 / 877 / 2348 ، صحیح مسلم : 1 /

125 / 226 ، سنن الترمذى : 4 / 28 / 1418 كلّها عن عبد اللّه بن عمرو ، سنن أبى داود : 4 / 246 / 4772 ، سنن ابن ماجه : 2/861/2580 كلاهما عن سعيد بن زيد وليس فيها «بمنزله» ، كنز العمّال : 4/416/11180 .

امام صادق علیه السلام :خریدار زمین پردرخت روزی می یابد و فروشنده آن کم برکت می گردد .

الکافی از مسمع :به امام صادق علیه السلام گفتم: «مرا زمینی است که از من می خواهندش و به فروش آن ترغیبم می کنند» . مرا فرمود: «ای ابو سیار! آیا نمی دانی که هر کس آب و گِلی را بفروشد ، مالش بر باد رفته است؟» گفتم: «فدایت شوم ؛ آن را به بهای بسیار می فروشم و زمینی بزرگ تر از آن که فروخته ام ، می خرم» . فرمود: «خوب است» .

الکافی از ابان بن عثمان :امام صادق علیه السلام مرا فراخواند و فرمود: «آیا فلان کس زمینش را فروخت؟» گفتم: «آری» . فرمود: «در تورات نوشته شده: هر کس زمینی یا آبی را بفروشد و با بهای آن ، زمین یا آبی دیگر نخرد ، پولش نابود شده است» .

امام کاظم علیه السلام :پول فروش زمین و کشتزار نابود می شود ، مگر آن که برای خرید زمین یا کشتزاری همانند آن صرف شود .

2 / 10نگهداريِ مالپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :کسی که برای حفظ مالش کُشته شود ، به منزله شهید است .

.

الإمام علىّ عليه السلام فِي الحِكَمِ المَنسوبَهِ إلَيهِ : ثَلاثَهٌ لا يُستَحى مِنَ الخَتمِ عَلَيها : المالُ لِنَفيِ التُّهمَهِ ، وَالجَوهَرُ لِنَفاسَتِهِ ، وَالدَّواءُ لِلاِحتِياطِ مِنَ العَدُوِّ . (1)

عنه عليه السلام :إنَّ إمساكَ الحافِظِ أجمَلُ مِن بَذلِ المُضَيِّعِ . (2)

الكافى عن أبو الجارود :قالَ أبو جَعفَرٍ عليه السلام : إذا حَدَّثتُكُم بِشَىءٍ فَاسألونى عَن كِتابِ اللّهِ . ثُمَّ قالَ فى حَديثِهِ : إنَّ اللّهَ نَهى عَنِ القيلِ وَالقالِ ، وفَسادِ المالِ ، وكَثرَهِ السُّؤالِ . فَقالوا : يَا بنَ رَسولِ اللّهِ ، وأينَ هذا مِن كِتابِ اللّهِ؟ قالَ : إنَّ اللّهَ عز و جليَقولُ فى كِتابِهِ :«لاَّ خَيْرَ فِى كَثِيرٍ مِّن نَّجْوَاهُمْ . . .» الآيه ، (3) وقالَ : «وَ لاَ تُؤْتُواْ السُّفَهَآءَ أَمْوَلَكُمُ الَّتِى جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ قِيَمًا ، (4) » وقالَ : «لاَ تَسْئلُواْ عَنْ أَشْيَآءَ إِن تُبْدَ لَكُمْ تَسُؤْكُمْ (5) » . (6)

الإمام الصادق عليه السلام :إنَّ العَبدَ لَيَبسُطُ يَدَيهِ يَدعُو اللّهَ ويَسأَلُهُ مِن فَضلِهِ مالاً فَيَرزُقُهُ ، فَيُنفِقُهُ فى ما لا خَيرَ فيهِ ، ثُمَّ يَعودُ فَيَدعو ، فَيَقولُ اللّهُ : أ لَم أُعطِكَ ؟ ! أ لَم أفعَل بِكَ كَذا وكَذا ؟ ! (7)

.

1- .شرح نهج البلاغه : 20 / 289 / 308 .
2- .غرر الحكم : 3407 .
3- .النساء : 114 .
4- .النساء : 5 .
5- .المائده : 101 .
6- .الكافى : 5/300/2 وج 1/60/5 ، تهذيب الأحكام : 7/231/1010 ، المحاسن : 1/419/962 ، الاحتجاج : 2 / 169 / 198 وفيها «إنّ رسول اللّه صلى الله عليه و آله نهى» بدل «إنّ اللّه نهى» ، بحار الأنوار : 46 / 303 / 50 و ج 92 / 82 / 12 .
7- .الأمالى للطوسى : 678 / 1439 ، عدّه الداعى : 126 ، تنبيه الخواطر : 2 / 83 كلّها عن يونس بن عمّار ، بحار الأنوار : 93 / 359 / 18 .

امام علی علیه السلام در کلمات حکیمانه منسوب به وی : سه چیزند که از مُهر نهادن و پوشیده نگاه داشتن آن ها شرم و باک نباید داشت : مال ، برای دفع تهمت ؛ گوهر ، به سبب ارزشمندی اش ؛ و دارو ، به جهت احتیاط از حیله دشمن .

امام علی علیه السلام :این که نگاه دارنده مال در حفظ آن خسّت ورزد ، هر آینه زیباتر از گشاده دستی کسی است که مال را تباه می کند .

الکافی از ابو جارود :امام باقر علیه السلام فرمود : «هر گاه با شما حدیث گویم ، مرا از کتاب خدا بپرسید» . سپس امام در سخنش فرمود: «همانا خداوند از بگومگو و تباه شدن مال و زیاد پرسیدن نهی فرموده است» . گفتند: «ای زاده رسول خدا! این را با کتاب خدا چه نسبتی است؟» فرمود: «خداوند در کتابش فرماید: «در بسیاری از رازگویی های ایشان خیری نیست ...» و «و به بی خردان ، اموالتان را که خداوند مایه برپایی تان ساخته ، مسپارید» و «از چیزهایی مپرسید که اگر برای شما آشکار گردد ، ناگوارتان افتد» » .

امام صادق علیه السلام :همانا بنده دستانش را برای دعا به سوی خدا می گشاید و از فضل او ، مالی طلب می کند ؛ آن گاه خداوند به وی روزی عطا می فرماید ، لیکن او آن مال را به گونه ای که خیری در آن نیست ، مصرف می کند ؛ سپس که به دعا باز می گردد ، خداوند می فرماید: «آیا به تو عطا نکردم؟ آیا برایت چنین و چنان نکردم؟»

.

عنه عليه السلام :أربَعَةٌ لا تُستَجابُ لَهُم دَعوَهٌ : رَجُلٌ جالِسٌ فى بَيتِهِ يَقولُ : اللّهُمَّ ارزُقنى ؛ فَيُقالُ لَهُ : أَلَم آمُركَ بِالطَّلَبِ؟! ورَجُلٌ كانَت لَهُ امرَأَهٌ فَدَعا عَلَيها ؛ فَيُقالُ لَهُ : أَلَم أجعَل أمرَها إلَيكَ؟! ورَجُلٌ كانَ لَهُ مالٌ فَأفسَدَهُ فَيَقولُ : اللّهُمَّ ارزُقنى ؛ فَيُقالُ لَهُ : أَلَم آمُركَ بِالاِقتِصادِ؟! أَلَم آمُركَ بِالإِصلاحِ؟! ثُمَّ قالَ : «وَ الَّذِينَ إِذَآ أَنفَقُواْ لَمْ يُسْرِفُواْ وَ لَمْ يَقْتُرُواْ وَ كَانَ بَيْنَ ذَلِكَ قَوَامًا ، (1) » ورَجُلٌ كانَ لَهُ مالٌ فَأدانَهُ بِغَيرِ بَيِّنَهٍ ؛ فَيُقالُ لَهُ : أَلَم آمُركَ بِالشَّهادَهِ؟! (2)

2 / 11مَسؤولِيَّهُ الاُمَّهِ إزاءَ إقامَهِ الحُقوقِرسول اللّه صلى الله عليه و آله :كَيفَ تُقَدَّسُ اُمَّهٌ لا تَأخُذُ لِضَعيفِها مِن شَديدِها حَقَّهُ وهُوَ غَيرُ مُتَعتَعٍ ؟! (3)

عنه صلى الله عليه و آله :لا قُدِّسَت اُمَّهٌ لا يُقضى فيها بِالحَقِّ ، فَيَأخُذَ ضَعيفُها حَقَّهُ مِن قَوِيِّها غَيرَ مُتَعتَعٍ . (4)

الإمام علىّ عليه السلام فى كِتابِهِ لِلأَشتَرِ لَمّا وَلاّهُ عَلى مِصرَ : وَاجعَل لِذَوِى الحاجاتِ مِنكَ قِسما تُفَرِّغُ لَهُم فيهِ شَخصَكَ وتَجلِسُ لَهُم مَجلِسا عامّا ، فَتَتَواضَعُ فيهِ للّهِ الَّذى خَلَقَكَ ، وتُقعِدُ عَنهُم جُندَكَ وأعوانَكَ مِن أحراسِكَ وشُرَطِكَ ، حَتّى يُكَلِّمَكَ مُتَكَلِّمُهُم غَيرَ مُتَتَعتِعٍ ؛ فَإِنّى سَمِعتُ رَسولَ اللّهِ صلى الله عليه و آلهيَقولُ فى غَيرِ مَوطِنٍ : لَن تُقَدَّسَ اُمَّهٌ لا يُؤخَذُ لِلضَّعيفِ فيها حَقُّهُ مِنَ القَوِىِّ غَيرَ مُتَتَعتِعٍ . (5)

.

1- .الفرقان : 67 .
2- .الكافى : 2 / 511 / 2 عن جعفر بن إبراهيم .
3- .السنن الكبرى : 6 / 157 / 11514 عن ابن بريده عن أبيه ، مسند أبى يعلى : 2 / 384 / 1999 ، تاريخ بغداد : 7 / 396 / 3933 كلاهما عن جابر نحوه ، كنز العمّال : 3 / 83 / 5606 .
4- .حليه الأولياء : 6 / 128 عن معاويه بن أبى سفيان وعبد اللّه بن عمرو ، سنن ابن ماجه : 2 / 810 / 2426 عن أبى سعيد الخدرى ، المعجم الكبير : 20 / 313 / 745 عن مخارق وكلاهما نحوه ، كنز العمّال : 3 / 84 / 5608 و ح 5609 .

5- .نهج البلاغه : الكتاب 53 ، تحف العقول : 142 ، بحار الأنوار : 77 / 258 / 1 وراجع دعائم الإسلام : 1 / 367 .

امام صادق علیه السلام :دعای چهار کس پذیرفته نشود : مردی که در خانه اش بنشیند و بگوید: «بار خدایا! مرا روزی ده .» پس به وی گفته می شود: «مگر تو را فرمان ندادم که در پی روزی برآیی؟» دیگری مردی است که همسرش را نفرین کند . به وی گفته شود : «مگر کار او را به تو وانگذاردم؟» و دیگر مردی است که مالی دارد و آن را تباه می کند و می گوید: «بار خدایا! مرا روزی ده» . به او گفته شود : «مگر به تو فرمان ندادم که میانه روی کنی و از مالت درست بهره ببری؟» سپس امام این آیه را خواند: «و کسانی که هر گاه مصرف کنند ، نه اسراف ورزند و نه تنگ گیرند ، بلکه راه میانه را روند» . و دیگر مردی است که مالی دارد و آن را بدون شاهد گرفتن وام دهد . به وی گفته شود : «مگر تو را فرمان ندادم که شاهد گیری؟»

2 / 11مسؤولیت جامعه برای ادای حقوقپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :چگونه می توان جامعه ای را به پاکی ستود که حق ضعیفش را از نیرومندش نمی ستاند ، بی آن که فرد ضعیف در اضطراب و نگرانی به سر بَرد؟

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :به پاکی ستوده نشود جامعه ای که در آن ، به حق حکم نشود تا ضعیفش بدون اضطراب ، حق خود را از نیرومندش بستاند .

امام علی علیه السلام در نامه اش به مالک اشتر ، آن گاه که وی را به حکمرانی مصر گماشت : بخشی از وقت خود را به کسانی اختصاص ده که به تو نیاز دارند تا خود ، به کار ایشان پردازی . در مجلس عمومی با آنان بنشین و در آن مجلس نزد خدای آفریننده خویش فروتنی پیشه کن . سربازان و یارانت را که به نگاهبانی و حراستت موظفند ، از سر راه ایشان دور دار تا سخنگوی آنان بدون اضطراب با تو سخن گوید ؛ که من در موارد گوناگون از رسول خدا شنیدم که می فرمود : «به پاکی ستوده نشود جامعه ای که در آن ، حق ضعیف ، بدون اضطراب از نیرومند ستانده نشود» .

الإمام الصادق عليه السلام :ما قُدِّسَت اُمَّهٌ لَم يُؤخَذ لِضَعيفِها مِن قَوِيِّها بِحَقِّهِ غَيرَ مُتَعتَعٍ . (1)

.

1- .الكافى : 5 / 56 / 2 ، تهذيب الأحكام : 6 / 180 / 371 وفيه «متّضع» بدل «متعتع» وكلاهما عن ابن أبى عمير عن جماعه من أصحابنا ، عوالى اللآلى : 3 / 189 / 26 وفيه «متصنّع» بدل «متعتع» .

ص: 625

امام صادق علیه السلام :به پاکی ستوده نشود جامعه ای که حق ضعیفش ، بدون اضطراب از نیرومند ستانده نشود .

.

الفصل الثالث: المبادئ الأخلاقيّه3 / 1حُسنُ النِّيَّهالإمام الصادق عليه السلام :مَن حَسُنَت نِيَّتُهُ زيدَ فى رِزقِهِ . (1)

3 / 2حُسنُ الخُلُقِرسول اللّه صلى الله عليه و آله :حُسنُ الخُلُقِ وكَفُّ الأَذى يَزيدانِ فِى الرِّزقِ . (2)

الإمام علىّ عليه السلام :فى سَعَهِ الأَخلاقِ كُنوزُ الأَرزاقِ . (3)

.

1- .الكافى : 2 / 105 / 11 ، الأمالى للطوسى : 245 / 425 كلاهما عن الحسن بن زياد الصيقل ، تحف العقول : 295 عن الإمام الباقر عليه السلامو ص 388 عن الإمام الكاظم عليه السلام ، كنز الفوائد : 2 / 197 عن الإمام علىّ عليه السلام، الخصال : 87/21 عن محمّد بن مسلم وفيه «زاد اللّه » بدل «زيد» ، بحار الأنوار: 70/205/15.
2- .الفردوس : 2 / 140 / 2713 عن الإمام علىّ عليه السلام .
3- .الكافى : 8 / 23 / 4 عن جابر بن يزيد عن الإمام الباقر عليه السلام ، تحف العقول : 98 وص 214 ، بحار الأنوار : 77 / 287 / 1 وج 78 / 53 / 86 .

فصل سوم: اصول اخلاقی3 / 1نیک نیّت بودنامام صادق علیه السلام :هر که نیتش نیک باشد ، روزی اش افزوده گردد .

3 / 2نیک خوی بودنپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :نیک خویی و آزار نکردن ، روزی را افزایش می دهد .

امام علی علیه السلام :گنج های روزی ها در گشاده خُلقی نهفته است .

.

عنه علیه السلام :عَلَیکُم بِالسَّخاءِ وحُسنِ الخُلُقِ ؛ فَإِنَّهُما یَزیدانِ الرِّزقَ ویوجِبانِ المَحَبَّةَ . (1)

عنه علیه السلام فِی الحِکَمِ المَنسوبَهِ إلَیهِ :سَعَهُ الأَخلاقِ کیمِیاءُ الأَرزاقِ . (2)

عنه علیه السلام :مَن ساءَ خُلُقُهُ ضاقَ رِزقُهُ ؛ مَن کَرُمَ خُلُقُهُ اتَّسَعَ رِزقُهُ . (3)

عنه علیه السلام :حُسنُ الأَخلاقِ یُدِرُّ الأَرزاقَ ، ویُؤنِسُ الرِّفاقَ . (4)

3 / 3الرِّفقرسول اللّه صلی الله علیه و آله :إنَّ فِی الرِّفقِ الزِّیادَهَ وَالبَرَکَهَ ، ومَن یُحرَمِ الرِّفقَ یُحرَمِ الخَیرَ . (5)

الإمام علیّ علیه السلام :مَنِ استَعمَلَ الرِّفقَ استَدَرَّ الرِّزقَ . (6)

عنه علیه السلام :التَّلَطُّفُ مِفتاحُ الرِّزقِ . (7)

الإمام الصادق علیه السلام :أیُّما أهلِ بَیتٍ أُعطوا حَظَّهُم مِنَ الرِّفقِ فَقَد وَسَّعَ اللّهُ عَلَیهِم فِی الرِّزقِ . (8)

.

1- .غرر الحکم : 6161 .
2- .شرح نهج البلاغه : 20 / 339 / 884 .
3- .غرر الحکم : 8023 و 8024 ، عیون الحکم والمواعظ : 431 / 7401 و7402 .
4- .غرر الحکم : 4856 ، عیون الحکم والمواعظ : 228 / 4398 .
5- .الکافی : 2/119/7 عن عمرو بن أبی المقدام رفعه ، بحار الأنوار : 75/60/26 ؛ سنن ابن ماجه : 2 / 1216 / 3687 ولیس فیه صدره ، المعجم الکبیر : 2 / 348 / 2458 ، الفردوس : 2/280/ 3297 کلّها عن جریر ، کنز العمّال : 3 / 51 / 5446 .
6- .غرر الحکم : 8647 .
7- .أعلام الدین : 96 .

8- .الكافى : 2 / 119 / 9 عن أحمد بن زياد بن أرقم الكوفى عن رجل ، مشكاه الأنوار : 315 / 988 ، بحار الأنوار : 75 / 61 / 28 .

امام علی علیه السلام :بر شما باد بخششگری و نیک خویی ؛ زیرا روزی را می افزایند و محبت پدید می آورند .

امام علی علیه السلام در کلمات حکیمانه منسوب به وی : گشاده خُلقی کیمیای روزی است .

امام علی علیه السلام :هر که زشت خوی باشد ، روزی اش تنگ گردد و هر که خوش خوی باشد ، روزی اش گشاده گردد .

امام علی علیه السلام :خوش خویی روزی ها را سرازیر می کند و دوستان را الفت می بخشد .

3 / 3مداراپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :در مدارا ، افزایش روزی و برکت نهفته است و هر که از مدارا بی بهره باشد ، از خیر بهره ندارد .

امام علی علیه السلام :هر که با مدارا رفتار کند ، روزی اش افزون گردد .

امام علی علیه السلام :لطف ورزیدن کلید روزی است .

امام صادق علیه السلام :هر خانواده ای که از مهر و مدارا بهره داشته باشند ، خداوند در روزی ایشان گشایش پدید آورد .

.

الإمام الكاظم عليه السلام :إنَّ الرِّفقَ وَالبِرَّ وحُسنَ الخُلُقِ يَعمُرُ الدِّيارَ ، ويَزيدُ فِى الرِّزقِ . (1)

3 / 4حُسنُ القَولِالإمام زين العابدين عليه السلام :القَولُ الحَسَنُ يُثرِى المالَ ، ويُنمِى الرِّزقَ ، ويُنسِئُ فِى الأَجَلِ . (2)

3 / 5الزُّهدالإمام علىّ عليه السلام :لَن يَفتَقِرَ مَن زَهِدَ . (3)

عنه عليه السلام :الزّاهِدونَ فِى الدُّنيا مُلوكُ الدُّنيا وَ الآخِرَهِ ، ومَن لَم يَزهَد فِى الدُّنيا ورَغِبَ فيها فَهُوَ فَقيرُ الدُّنيا وَالآخِرَهِ ، ومَن زَهِدَ فيها مَلَكَها ، ومَن رَغِبَ فيها مَلَكَتهُ . (4)

.

1- .تحف العقول : 395 ، بحار الأنوار : 1 / 151 / 30 .
2- .الخصال : 317 / 100 ، الأمالى للصدوق : 49 / 1 كلاهما عن أبى حمزه الثمالى ، روضه الواعظين : 404 ، بحار الأنوار : 71 / 310 / 1 .
3- .غرر الحكم : 7446 .
4- .إرشاد القلوب : 20 .

3 / 4 خوش گفتاری

3 / 5 پارسایی

امام کاظم علیه السلام :همانا مدارا و نیکی و خوش خلقی مایه آبادانی و افزایش روزی است .

3 / 4خوش گفتاریامام سجاد علیه السلام :گفتار نیک مال را می افزاید ، روزی را رشد می دهد ، و مرگ را به تأخیر می اندازد .

3 / 5پارساییامام علی علیه السلام: هر که پارسایی پیشه کند ، فقیر نگردد .

امام علی علیه السلام :پارسایانِ دنیا ، شاهانِ دنیا و آخرتند ؛ و هر که دنیاگریز نباشد و به آن روی آوردَ ، در دنیا و آخرت فقیر است ؛ و هر که بدان نگراید ، آن را مالک گردد ؛ و هر که بدان رغبت ورزد ، دنیا وی را مالک گردد .

.

3 / 6التَّقويرسول اللّه صلى الله عليه و آله :مَن رُزِقَ تُقىً فَقَد رُزِقَ خَيرَ الدُّنيا وَالآخِرَهِ . (1)

عنه صلى الله عليه و آله :عَلَيكَ بِتَقوَى اللّهِ ؛ فَإِنَّها جِماعُ كُلِّ خَيرٍ . (2)

الإمام علىّ عليه السلام :التَّقوى ظاهِرُهُ شَرَفُ الدُّنيا ، وباطِنُهُ شَرَفُ الآخِرَهِ . (3)

عنه عليه السلام :مَن رُزِقَ الدّينَ فَقَد رُزِقَ خَيرَ الدُّنيا وَالآخِرَهِ . (4)

عنه عليه السلام :أمّا بَعدُ ، فَإِنّى اُوصيكُم بِتَقوَى اللّهِ . . . فَمَن أخَذَ بِالتَّقوى عَزَبَت عَنهُ الشَّدائِدُ بَعدَ دُنُوِّها . . . وتَحَدَّبَت عَلَيهِ الرَّحمَهُ بَعدَ نُفورِها ، وتَفَجَّرَت عَلَيهِ النِّعَمُ بَعدَ نُضوبِها ، ووَبَلَت عَلَيهِ البَرَكَهُ بَعدَ إرذاذِها . (5)

عنه عليه السلام :التَّقوى أقوى أساسٍ . (6)

عنه عليه السلام :التُّقى سائِقٌ إلى كُلِّ خَيرٍ . (7)

الإمام الصادق عليه السلام: مَن يَتَّقِ اللّهَ فَقَد أحرَزَ نَفسَهُ مِنَ النّارِ بِإِذنِ اللّهِ ، وأصابَ الخَيرَ كُلَّهُ فِى الدُّنيا وَالآخِرَهِ . (8)

راجع : ص 36 (سعاده الدُّنيا والآخره) .

.

1- .كنز العمّال : 3 / 91 / 5641 نقلاً عن أبى الشيخ عن عائشه .
2- .المعجم الصغير: 2/66 ، مسند أبى يعلى : 1/467/996 كلاهما عن أبى سعيد الخدرى ، كنز العمّال : 15 / 864 / 43437 .
3- .غرر الحكم : 1990 .
4- .غرر الحكم : 8523 .
5- .نهج البلاغه : الخطبه 198 .
6- .غرر الحكم : 822 .
7- .كنز الفوائد : 1 / 279 .
8- .مختصر بصائر الدرجات : 79 ، بحار الأنوار : 24 / 286 / 1 .

3 / 6پرهیزگاریپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر کس پرهیزگاری روزی اش شده باشد ، خیر دنیا و آخرت را نصیب می برد .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :بر تو باد تقوای خدا ؛ که در آن همه خیرها گرد آید .

امام علی علیه السلام :ظاهر پرهیزگاری ، شرافت دنیا ؛ و باطن آن ، شرافت آخرت است .

امام علی علیه السلام :هر که دینداری روزی اش شده باشد ، خیر دنیا و آخرت را بهره برده است .

امام علی علیه السلام :اما بعد ؛ هر آینه شما را به تقوای خدا سفارش می کنم ... ؛ که هر کس پرهیزگاری پیشه کند ، سختی ها پس از نزدیک شدن به وی از او دوری جویند . . . و رحمت پس از رویگردانی از وی به او روی آورد ؛ و نعمت ها پس از فرو رفتن ، شکوفا گردند ؛ و برکت پس از بند آمدن ، فراوان بر وی ببارد .

امام علی علیه السلام :پرهیزگاری استوارترین پایه است .

امام علی علیه السلام :پرهیزگاری پیش برنده به سوی هر خیر است .

امام صادق علیه السلام :هر کس تقوای خدا را پیشه کند ، به رخصت خداوند ، خود را از آتش دور داشته و به همه خوبی های دنیا و آخرت دست یافته است .

ر .ک : ص37 (خوشبختی دنیا و آخرت)

.

3 / 7الذِّكررسول اللّه صلى الله عليه و آله :مَن أبطَأَ عَنهُ رِزقُهُ فَليُكثِر مِنَ الحَمدِ للّهِ ، ومَن كَثُرَت هُمومُهُ فَليَستَغفِرِ اللّهَ ، ومَن أبطَأَ عَنهُ رِزقُهُ فَليُكثِر مِن قَولِ : لا حَولَ ولا قُوَّةَ إلاّ بِاللّهِ . (1)

عنه صلى الله عليه و آله :مَن حَلِيَ (2) فى عَينِهِ شَىءٌ مِنَ الأَهلِ وَالمالِ وَالوَلَدِ فَقالَ : ما شاءَ اللّهُ لا قُوَّةَ إلاّ بِاللّهِ ، مُتِّعَ بِهِ ، ألا تَرى إلى قَولِهِ تَعالى : «وَ لَوْ لاَ إِذْ دَخَلْتَ جَنَّتَکَ قُلْتَ مَا شَآءَ اللَّهُ لاَ قُوَّةَ إِلاَّ بِاللَّهِ (3) » ؟! (4)

الإمام الصادق عليه السلام :مَن اُعجِبَ بِشَىءٍ مِن أموالِهِ وأرادَ بَقاءَهُ فَليَقُل : ما شاءَ اللّهُ لا قُوَّةَ إلاّ بِاللّهِ . (5)

راجع : ص 634 (الشكر) .

3 / 8الشُّكرالكتاب :«وَ إِذْ تَأَذَّنَ رَبُّکُمْ لَئِن شَکَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّکُمْ وَلَئِن کَفَرْتُمْ إِنَّ عَذَابِى لَشَدِيدٌ . (6) »

.

1- .المعجم الأوسط : 6 / 333 / 6555 عن أبى هريره ، كنز العمّال : 15 / 938 / 43612 .
2- .فى المصدر «جلى» وما أثبتناه من بحار الأنوار .
3- .الكهف : 39 .
4- .الدعوات : 110 / 248 ، بحار الأنوار : 93 / 274 / 2 .
5- .إحقاق الحقّ : 19 / 532 نقلاً عن الأنوار القدسيّه .
6- .إبراهيم : 7 .

3 / 7 ذکر

3 / 8 شکرگزاری

3 / 7ذکرپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر که خداوند بر تن وی جامه نعمت پوشاند ، باید فراوان «الحمدللّه » گوید ؛ و هر که اندوهش بسیار شود ، باید «استغفراللّه » گوید ؛ و هر که روزی اش به کُندی رسد ، باید فراوان گوید: «لا حول ولا قوه إلاّ باللّه » .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر که بهره ای از خانواده و مال و فرزند در نظرش زیبا جلوه کند و ذکر «ما شاء اللّه لا قوه الا باللّه » [= هر چه خدای خواهد ؛ نیرویی جز به یاری خدای نیست] را بر زبان راند ، از آن بهره برخوردار می شود . مگر سخن خدای تعالی را در نمی نگری : «و چرا آن گاه که به بوستانت درآمدی ، نگفتی: هر چه خدای خواهد ؛ نیرویی جز به یاری خدای نیست» ؟

امام صادق علیه السلام :هر که بهره ای از دارایی هایش برایش نیک جلوه کند و خواستار پایداری آن باشد ، باید بگوید : «ما شاء اللّه لا قوه الا باللّه » [= هر چه خدای خواهد ؛ نیرویی جز به یاری خدای نیست] .

ر .ک : ص635 (شکرگزاری).

3 / 8شکرگزاریقرآن:«و هنگامی که پروردگارتان به شما آگاهی داد که اگر شکرگزارید ، همانا شما را نعمت بیفزایم و اگر ناسپاسی کنید ، هر آینه عذاب من سخت است.»

.

الحديث :رسول اللّه صلى الله عليه و آله :لا يَرزُقُ اللّهُ عز و جل عَبدا الشُّكرَ فَيَحرِمَهُ الزِّيادَةَ ؛ لِأَنَّ اللّهَ عز و جليَقولُ : «لَئِن شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ . » (1)

عنه صلى الله عليه و آله مِمّا أوصى بِهِ :عَلَيكَ بِالدُّعاءِ ؛ فَإِنَّكَ لا تَدرى مَتى يُستَجابُ لَكَ ، وعَلَيكَ بِالشُّكرِ ؛ فَإِنَّ الشُّكرَ زِيادَةٌ . (2)

عنه صلى الله عليه و آله :لا يَغُرَّنَّكُم مِن رَبِّكُم طولُ النَّسيئَهِ وتَمادِى الإِمهالِ وحُسنُ التَّقاضى ؛ فَإِنَّ أخذَهُ أليمٌ وعَذابَهُ شَديدٌ ؛ إنَّ للّهِ تَعالى عَلى نِعَمِهِ حَقّا وهُوَ شُكرُهُ ، فَمَن أدّاهُ زادَهُ ، ومَن قَصَّرَ فيهِ سَلَبَهُ مِنهُ ؛ فَليَراكُمُ اللّهُ مِنَ النِّقمَهِ وَجِلينَ كَما يَراكُم بِالنِّعمَهِ فَرِحينَ . (3)

الإمام علىّ عليه السلام :شُكرُ المُنعِمِ يَزيدُ فِى الرِّزقِ . (4)

عنه عليه السلام :مَن حَمِدَ اللّهَ أغناهُ . (5)

عنه عليه السلام :ما أنعَمَ اللّهُ عَلى عَبدٍ نِعمَهً فَشَكَرَها بِقَلبِهِ إلاَّ استَوجَبَ المَزيدَ فيها قَبلَ أن يُظهِرَ شُكرَها عَلى لِسانِهِ . (6)

.

1- .الشكر لابن أبى الدنيا : 16 / 3 عن عطارد القرشى .
2- .حليه الأولياء : 7 / 305 ، الشكر لابن أبى الدنيا : 78 / 168 كلاهما عن سفيان عن رجل .
3- .إرشاد القلوب : 38 وراجع تحف العقول : 206 .
4- .الخصال : 505 / 2 عن سعيد بن علاقه ، مشكاه الأنوار : 230 / 645 ، روضه الواعظين : 499 ، بحار الأنوار : 71 / 44 / 46 .
5- .غرر الحكم : 9098 .
6- .الأمالى للطوسى : 579 / 1197 عن عبد اللّه بن محمّد بن عبيد بن ياسين بن محمّد بن عجلان مولى الإمام الباقر عن الإمام الهادى عن آبائه عن الإمام الصادق عليهم السلام ، مستطرفات السرائر : 164 / 6 عن يزيد بن خليفه عن الإمام الباقر عليه السلام ، بشاره المصطفى : 222 عن

علقمه عن الإمام الصادق عليه السلام، بحار الأنوار: 71/53/83 وراجع الكافى: 2/95/9 وج 8/128/98 وتحف العقول : 357 وغررالحكم:9102 .

حدیث:پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هیچ بنده ای نیست که خداوند شکر را روزی اش فرموده باشد و از افزایش نعمت محرومش گرداند ؛ زیرا خود می فرماید: «اگر شکرگزارید ، همانا شما را نعمت بیفزایم» .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله از جمله سفارش های او : بر تو باد دعا کردن ، که تو ندانی چه هنگام دعایت مستجاب گردد ؛ و بر تو باد شکر گزاردن ، که شکر سبب افزایش نعمت است .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :این که پروردگارتان دیرزمانی از گناهانتان چشم می پوشد و بسیار مهلتتان می دهد و با شما نیک برخورد می کند ، نباید مایه فریفتگی تان شود ؛ زیرا گرفتار ساختنش دردآور و عذابش سخت است . خدای تعالی را به ازای نعمت هایش حقی است که همان شکر است . هر که شکر به جای آورد ، خدا نعمتش را بیفزاید ؛ و هر که در شکرگزاری کوتاهی ورزد ، نعمتش را از او بگیرد . پس باید خداوند بنگرد که از کیفر بیمناکید ، همان گونه که به نعمت شادمانید .

امام علی علیه السلام :سپاس گزاری از نعمت بخش ، روزی را می افزاید .

امام علی علیه السلام :هر که خدای را سپاس گوید ، خدا توانگری اش دهد .

امام علی علیه السلام :خداوند به بنده ای نعمت نداد و او با دل و جان شکرش ننهاد ، مگر آن که [حتی]پیش از بر زبان راندن آن شکر ، شایسته افزایش آن نعمت گردید .

.

عنه علیه السلام :ما کانَ اللّهُ لِیَفتَحَ عَلی عَبدٍ بابَ الشُّکرِ ویُغلِقَ عَنهُ بابَ الزِّیادَهِ . (1)

عنه علیه السلام :مَن اُعطِیَ الشُّکرَ لَم یُحرَمِ الزِّیادَهَ . (2)

عنه علیه السلام :یا أیُّهَا النّاسُ ، إنَّ للّهِ فی کُلِّ نِعمَهٍ حَقّا ، فَمَن أدّاهُ زادَهُ ، ومَن قَصَرَ عَنهُ خاطَرَ بِزَوالِ النِّعمَهِ وتَعَجُّلِ العُقوبَهِ ؛ فَلیَراکُمُ اللّهُ مِنَ النِّعمَهِ وَجِلینَ کَما یَراکُم مِنَ الذَّنوبِ فَرِقینَ . (3)

عنه علیه السلام :شُکرُ النِّعَمِ یُضاعِفُها ویَزیدُها . (4)

عنه علیه السلام :النِّعمَهُ مَوصولَهٌ بِالشُّکرِ ، وَالشُّکرُ مَوصولٌ بِالمَزیدِ ، وهُما مَقرونانِ فی قَرنٍ ، فَلَن یَنقَطِعَ المَزیدُ مِنَ اللّهِ سُبحانَهُ حَتّی یَنقَطِعَ الشُّکرُ مِنَ الشّاکِرِ . (5)

عنه علیه السلام:أبلَغُ ما تُستَمَدُّ بِهِ النِّعمَهُ الشُّکرُ ، وأعظَمُ ما تُمَحَّصُ بِهِ المِحنَهُ الصَّبرُ . (6)

.

1- .نهج البلاغه : الحکمه 435 ، الکافی: 2/94/2 عن السکونی عن الإمام الصادق علیه السلامعن رسول اللّه صلی الله علیه و آلهنحوه ، إرشاد القلوب : 149 ،بحار الأنوار : 71 / 23 / 2 وراجع الجعفریّات : 222 وکنز العمّال : 3 / 737 / 8618 .
2- .نهج البلاغه : الحکمه 135 ، الکافی : 2 / 65 / 6 وص 95 / 8 ، الخصال : 101 / 56 ، المحاسن : 1 / 61 / 1 کلّها عن معاویه بن وهب عن الإمام الصادق علیه السلام وفیها «اُعطی» بدل «لم یحرم» ، خصائص الأئمّه علیهم السلام : 103 ، بحار الأنوار : 71 / 44 / 44 وراجع الأمالی للطوسی : 465 والدرّالمنثور : 1/360 عن ابن مسعود وج 5 / 7 عن عطارد بن مصعب .
3- .تحف العقول : 206 ، تنبیه الخواطر : 2 / 221 نحوه ، غرر الحکم : 3580 وفیه صدره إلی «بزوال النعمه» ، بحار الأنوار : 78 / 43 / 36 .
4- .غرر الحکم : 5664 .

5- .غرر الحكم : 2090 .
6- .غرر الحكم : 3348 .

امام علی علیه السلام :چنان نیست که خداوند درِ شکر را بر بنده ای بگشاید و درِ نعمت افزایی را بر وی ببندد .

امام علی علیه السلام :هر که از شکر بهره ور باشد ، از افزایش نعمت محروم نگردد .

امام علی علیه السلام :ای مردم ! همانا خدای را در هر نعمتی حقی واجب است و هر که آن را ادا کند ، خداوند آن نعمت را بیفزاید ؛ و هر کس در آن کوتاهی ورزد ، به سلب نعمت و پیش افتادن کیفر گرفتار گردد . پس باید خداوند بنگردتان که از [سلب]نعمت بیمناکید ، همان سان که شما را از گناهان جدا می بیند .

امام علی علیه السلام :شکر نعمت ها سبب بالندگی و افزایندگی آن ها است .

امام علی علیه السلام :نعمت پیوسته به شکر است و شکر پیوسته به فزونی نعمت ؛ و آن دو با یکدیگر همراهند . پس افزونی نعمت از جانب خدای سبحان قطع نشود ، مگر آن گاه که شکر از سوی شکرگزارنده قطع شود .

امام علی علیه السلام :آن چه بیش از هر چیز نعمت را بیفزاید ، شکر است ؛ و بزرگ ترین مایه چیره شدن بر محنت ، صبر است .

.

عنه عليه السلام :شُكرُ النِّعَمِ يوجِبُ مَزيدَها ، وكُفرُها بُرهانُ جُحودِها . (1)

عنه عليه السلام :لا نَفادَ لِفائِدَةٍ إذا شُكِرَت ، ولا بَقاءَ لِنِعمَةٍ إذا كُفِرَت . (2)

عنه عليه السلام :شُكرُ النِّعمَةِ يَقضى بِمَزيدِها ، ويوجِبُ تَجديدَها . (3)

عنه عليه السلام :الشُّكرُ عَلَى النِّعمَةِ جَزاءٌ لِماضيها ، وَاجتِلابٌ لِاتيها . (4)

عنه عليه السلام :مَن جَعَلَ الحَمدَ خِتامَ النِّعمَةِ ، جَعَلَهُ اللّهُ سُبحانَهُ مِفتاحَ المَزيدِ . (5)

عنه عليه السلام :شُكرُ الإلهِ يُدِرُّ النِّعَمَ . (6)

عنه عليه السلام :اِغتَنِمُوا الشُّكرَ ؛ فَأَدنى نَفعِهِ الزِّيادَةُ . (7)

عنه عليه السلام :ثَمَرَةُ الشُّكرِ زِيادَةُ النِّعَمِ . (8)

عنه عليه السلام :النِّعَمُ تَدوم بِالشُّكرِ . (9)

عنه عليه السلام :اُشكُر مَن أنعَمَ عَلَيكَ ، وأنعِم عَلى مَن شَكَرَكَ ؛ فَإِنَّهُ لا زَوالَ لِلنِّعمَةِ إذا شُكِرَت ولا بَقاءَ لَها إذا كُفِرَت (10) . (11)

.

1- .غرر الحكم : 5665 .
2- .الإرشاد : 1 / 300 .
3- .غرر الحكم : 5659 .
4- .غرر الحكم : 2044 .
5- .غرر الحكم : 8898 .
6- .غرر الحكم : 5658 .
7- .غرر الحكم : 2535 .
8- .غرر الحكم : 4622 .
9- .غرر الحكم : 1088 .
10- .غرر الحكم : 2423 .

11- .راجع : ح 1184 و 1186 .

امام علی علیه السلام :شکر نعمت ها موجب افزایش آن ها ؛ و ناسپاسیِ آن ها نشانه نادیده گرفتنشان است .

امام علی علیه السلام :بهره ای که شکر آن گزارده شود ، پایان نپذیرد ؛ و نعمتی که سپاسش به جای آورده نشود ، پایدار نماند .

امام علی علیه السلام :شکر نعمت ها سبب افزایش آن ها می شود و تازگی شان می بخشد .

امام علی علیه السلام :شکر نعمت سزای موهبت گذشته ؛ و جلب کننده موهبت آینده است .

امام علی علیه السلام :هر که در پایان نعمت ، سپاس به جای آورد ، خداوند سبحان سپاس وی را کلید افزون بخشی به او قرار دهد .

امام علی علیه السلام :شکر خداوند نعمت ها را سرازیر کند .

امام علی علیه السلام :شکر را غنیمت شمارید ؛ که کم ترین بهره آن افزایش نعمت است .

امام علی علیه السلام :فایده شکر فزونی نعمت است .

امام علی علیه السلام :نعمت ها با شکر پایدار شوند .

امام علی علیه السلام :هر که را به تو نعمتی رساند ، سپاس به جای آور ؛ و آن را که سپاست گوید ، از نعمت بهره مند ساز ؛ زیرا نعمتی که شکرش گزارده شود ، نابود نگردد و آن که ناسپاسی شود ، پایدار نماند .

.

عنه علیه السلام :إذا نَزَلَت بِکَ النِّعمَهُ فَاجعَل قِراهَا الشُّکرَ . (1)

عنه علیه السلام :أحسَنُ النّاسِ حالاً فِی النِّعَمِ مَنِ استَدامَ حاضِرَها بِالشُّکرِ ، وَارتَجَعَ فائِتَها بِالصَّبرِ . (2)

عنه علیه السلام :أحَقُّ النّاسِ بِزِیادَهِ النِّعمَهِ أشکَرُهُم لِما اُعطِیَ مِنها . (3)

عنه علیه السلام :لَن یَقدِرَ أحَدٌ أن یُحَصِّنَ النِّعَمَ بِمِثلِ شُکرِها . (4)

عنه علیه السلام :الشُّکرُ زینَهُ الغِنی . (5)

عنه علیه السلام :إنَّ المُؤمِنَ . . . إذَا استَغنی شَکَرَ . (6)

عنه علیه السلام :لا تَکُن مِمَّن . . . یَعجِزُ عَن شُکرِ ما اُوتِیَ ویَبتَغِی الزِّیادَهَ فی ما بَقِیَ . (7)

الإمام زین العابدین علیه السلام فی وَصِیَّتِهِ لِبَعضِ وُلدِهِ : یا بُنَیَّ ، اشکُرِ اللّهَ فی ما أنعَمَ عَلَیکَ ، وأنعِم عَلی مَن شَکَرَکَ ؛ فَإِنَّهُ لا زَوالَ لِلنِّعمَهِ إذا شَکَرتَ عَلَیها ، ولا بَقاءَ لَها إذا کَفَرتَها ، وَالشّاکِرُ بِشُکرِهِ أسعَدُ مِنهُ بِالنِّعمَهِ الَّتی وَجَبَ عَلَیهِ الشُّکرُ بِها ، وتَلا یَعنی عَلِیَّ بنَ الحُسَینِ علیهماالسلام قَولَ اللّهِ تَعالی : «وَإِذْ تَأَذَّنَ رَبُّکُمْ لَئِن شَکَرْتُمْ لَأَزِیدَنَّکُمْ ... (8) » إلی آخِرِ الآیَهِ . (9)

.

1- .غرر الحکم : 4065 .
2- .غرر الحکم : 3282 .
3- .غرر الحکم : 3349 .
4- .غرر الحکم : 7435 وح 7443 وفیه «یستدیم» بدل «یحصّن» .
5- .نهج البلاغه : الحکمه 340 ، الإرشاد : 1 / 300 ، تحف العقول : 90 وص 100 ، بحار الأنوار : 77 / 420 / 40 .
6- .تحف العقول : 212 ، بحار الأنوار : 78 / 50 / 79 .
7- .نهج البلاغه: الحکمه 150، الأمالی للمفید: 330/2 عن عکرمه عن ابن عبّاس ، خصائص الأئمّه علیهم السلام: 109 وفیه «ویعجبه» بدل «ویبتغی» ، تحف العقول : 157 ، بحار الأنوار : 77 / 410 ؛ کنز العمّال : 16 / 205 /

44229 نقلاً عن ابن النجّار عن العلاء بن زياد الأعرابى عن أبيه عنه عليه السلام .
8- .إبراهيم : 7 .
9- .الأمالى للطوسى : 501 / 1096 ، كفايه الأثر : 241 كلاهما عن مالک بن أعين الجهنى ، بحار الأنوار : 71 / 49 / 66 .

امام علی علیه السلام :هر گاه نعمت بر تو فرود آید ، از پس آن شکر به جای آور .

امام علی علیه السلام :نیکو حال ترین مردم در برخورداری از نعمت ها کسی است که نعمت موجود را شکر گوید و بر نعمت از دست رفته صبر کند .

امام علی علیه السلام :سزاوارترین کس برای بهره بردن از نعمتِ افزون ، آن است که نعمت های عطا شده را بیش تر شکر گوید .

امام علی علیه السلام :آن قدر که با شکر می توان نعمت ها را پایداری بخشید ، با روش دیگر نتوان ! .

امام علی علیه السلام :شکر آراینده توانگری است .

امام علی علیه السلام :هر آینه مؤمن . . . چون توانگر شود ، شکر به جای آورد .

امام علی علیه السلام :همچون کسی مباش که . . . از شکر آن چه به وی عطا شده ، درمانده و باز در جست و جوی فزونی نعمت باقی مانده است .

امام سجاد علیه السلام در سفارش به یکی از فرزندانش : پسر عزیزم ! برای نعمتی که خدا به تو بخشیده ، او را شکر کن و کسی را که سپاست می گوید ، نعمت بخش ؛ که نعمت را چون سپاسش گویی ، نیستی نباشد و چون ناسپاسی اش کنی ، پایدار نماند . و شکر کننده در حال شکرگزاری اش سعادتمندتر از حال برخورداری اش از آن نعمتی است که شکرش بر وی واجب گشته است . سپس امام این آیه را تا پایان تلاوت فرمود : «و به یاد آور آن گاه را که پروردگارتان آگاهی داد که چون شکر گویید ، نعمتتان را افزون سازم» .

.

الإمام الباقر عليه السلام :لا وَاللّهِ ما أرادَ اللّهُ تَعالى مِنَ النّاسِ إلاّ خَصلَتَينِ : أن يُقِرّوا لَهُ بِالنِّعَمِ فَيَزيدَهُم ، وبِالذُّنوبِ فَيَغفِرَها لَهُم . (1)

الإمام الصادق عليه السلام :مَكتوبٌ فِي التَّوراهِ : اُشكُر مَن أنعَمَ عَلَيكَ وأنعِم عَلى مَن شَكَرَكَ ؛ فَإِنَّهُ لا زَوالَ لِلنَّعماءِ إذا شُكِرَت ، ولا بَقاءَ لَها إذا كُفِرَت . الشُّكرُ زِيادَةٌ فِي النِّعَمِ وأمانٌ مِنَ الغِيَرِ . (2)

عنه عليه السلام :الغَنِيُّ الشّاكِرُ ؛ لَهُ مِنَ الأَجرِ كَأَجرِ المَحرومِ القانِعِ . (3)

مكارم الأخلاق عن إسحاق بن عمّار :خَرَجتُ مَعَ أبى عَبدِ اللّهِ عليه السلاموهُوَ يُحَدِّثُ نَفسَهُ ، ثُمَّ استَقبَلَ القِبلَةَ فَسَجَدَ طَويلاً ، ثُمَّ ألزَقَ خَدَّهُ الأَيمَنَ بِالتُّرابِ طَويلاً ، قالَ : ثُمَّ مَسَحَ وَجهَهُ ثُمَّ رَكِبَ ، فَقُلتُ لَهُ : بِأبى أنتَ واُمّى ! لَقَد صَنَعتَ شَيئا ما رَأَيتُهُ قَطُّ ! قالَ : يا إسحاقُ ، إنّى ذَكَرتُ نِعمَةً مِن نِعَمِ اللّهِ عز و جلعَلَىَّ ، فَأَحبَبتُ أن اُذَلِّلَ نَفسى . ثُمَّ قالَ : يا إسحاقُ ، ما أنعَمَ اللّهُ عَلى عَبدِهِ بِنِعمَةٍ فَشَكَرَها بِسَجدَةٍ يَحمَدُ اللّهَ فيها فَفَرَغَ مِنها حَتّى يُؤمَرَ لَهُ بِالمَزيدِ مِنَ الدّارَينِ . (4)

.

1- .الكافى : 2 / 426 / 2 عن ابن فضّال عمّن ذكره ، مشكاه الأنوار : 200 / 526 وفيه «بالنعيم» بدل «بالنعم» ، بحار الأنوار : 6 / 36 / 55 .
2- .الكافى : 2 / 94 / 3 عن عبد اللّه بن إسحاق الجعفرى ، تحف العقول : 359 وفيه «الفقر» بدل «الغير» ، بحار الأنوار : 78 / 241 / 25 .
3- .قرب الإسناد : 74 / 237 عن مسعده بن صدقه ، الكافى : 2 / 94 / 1 ، مشكاه الأنوار : 65/92 كلاهما عن السكونى عن الإمام الصادق عليه السلام عن رسول اللّه صلى الله عليه و آله ، جامع الأحاديث للقمّى : 97 عن رسول اللّه صلى الله عليه و آلهوفيها «المعطى» بدل «الغنىّ» ، بحار الأنوار : 71 / 41 / 34 .
4- .مكارم الأخلاق : 1 / 565 / 1957 ، بحار الأنوار : 86 / 207 / 20 .

امام باقر علیه السلام :به خدا سوگند که او از مردم جز دو ویژگی نخواسته است : نزد وی به نعمت هایش زبان اقرار گشایند تا آن را افزایش دهد ؛ و به گناهانشان اعتراف نمایند تا ایشان را بیامرزد .

امام صادق علیه السلام :در تورات نوشته شده: «آن کس را که به تو نعمتی دهد ، شکر کن و آن کس را که سپاست گوید ، نعمت بخش ؛ که نعمت ها چون شکرشان به جای آید ، فنا نپذیرند و چون ناسپاسی گردند ، پایداری نیابند . شکر نعمت را می افزاید و آن را از زوال در امان می دارد» .

امام صادق علیه السلام :توانگرِ شکرگزار همان پاداشی را دارد که محرومِ قناعت پیشه .

مکارم الاخلاق از اسحاق بن عمار :همراه امام صادق علیه السلام روان گشتم ، در حالی که با خود سخن می گفت . سپس روی به قبله نهاد و دیرزمانی سجده کرد . سپس دیرگاهی گونه راستش را بر خاک چسباند و آن گاه خاک را از چهره اش زدود و بر مرکبش سوار شد . به وی گفتم: «پدر و مادرم فدایت! کاری کردی که تاکنون ندیده بودم» . فرمود: «ای اسحاق! نعمتی از نعمت های خدا بر خویش را به یاد آوردم ؛ پس خواستم که خود را برای خدا کوچک سازم .» سپس فرمود: «ای اسحاق! خداوند به بنده ای نعمتی نداده که وی آن را با سجده ای شکر گوید و خدای را در آن سجده سپاس گزارد ، مگر این که پس از فراغت از آن ، خداوند فرمان دهد که نعمت افزون در هر دو سرای به وی عطا کنند» .

.

الإمام علىّ عليه السلام فِى الدّيوانِ المَنسوبِ إلَيهِ : وكَم رَأَينا مِن ذَوِى ثَروَةٍ لَم يُقبِلوا بِالشُّكرِ إقبالَها تاهوا عَلَى الدُّنيا بِأَموالِهِموقَيَّدوا بِالبُخلِ أقفالَها لَو شَكَرُوا النِّعمَةَ جازاهُمُمَقالَةَ الشُّكرِ الَّتى قالَها لَئِن شَكَرتُم لَأَزيدَنَّكُملكِنَّما كُفرُهُم غالَها (1)

3 / 9القَصدرسول اللّه صلى الله عليه و آله :عَلَيكُم بِالاِقتِصادِ ؛ فَمَا افتَقَرَ قَومٌ قَطُّ اقتَصَدوا . (2)

عنه صلى الله عليه و آله :ما عالَ مَنِ اقتَصَدَ . (3)

الإمام علىّ عليه السلام فى وَصِيَّتِهِ لِابنِهِ مُحَمَّدِ بنِ الحَنَفِيَّهِ : الاِقتِصادُ يُنمِى اليَسيرَ . (4)

.

1- .الديوان المنسوب إلى الإمام علىّ عليه السلام : 422 / 331 .
2- .تفسير مجمع البيان : 8 / 616 ؛ الفردوس : 1 / 387 / 1560 وفيه «افترق» بدل «افتقر» وكلاهما عن أبى أمامه ، كنز العمّال : 3 / 53 / 5454 .
3- .مسند ابن حنبل : 2 / 158 / 4269 ، المعجم الكبير : 10 / 109 / 10118 كلاهما عن عبد اللّه ابن مسعود ، كنز العمّال : 7 / 813 / 21532 ؛ نهج البلاغه : الحكمه 140 عن الإمام علىّ عليه السلام ، الخصال : 620 / 10 عن أبى بصير ومحمّد بن مسلم عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام ، تحف العقول : 111 كلاهما عن الإمام علىّ عليه السلام وفيهما «امرؤ» بدل «من» ، بحار الأنوار : 103 / 21 / 11 .
4- .من لايحضره الفقيه : 4/391/5834، تحف العقول: 85، غررالحكم: 514، بحارالأنوار: 77 /212/1.

3 / 9 میانه روی

امام علی علیه السلام در دیوان منسوب به وی : و بسا دیدیم ثروتمندانی راکه به شکرگزاری روی نیاورند ؛ و به اموال خویش در دنیا کبر فروختندو بر آن قفل خسّت زدند . اگر آن نعمت را شکر می نهادند ،خداوند چنان که خود فرموده ، پاداششان می داد: اگر شکر به جای آورید ، هر آینه نعمتتان را بیفزایم .اما کفر ایشان آن نعمت را از میان برد .

3 / 9میانه رویپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :بر شما باد میانه روی ؛ که هیچ گروه میانه روی فقیر نشد .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر که میانه رو باشد ، نیازمند نگردد .

امام علی علیه السلام در وصیتش به پسرش محمّد بن حنفیه : میانه روی مال اندک را افزایش می دهد .

.

عنه علیه السلام :مَن صَحِبَ الاِقتِصادَ دامَت صُحبَهُ الغِنی لَهُ ، وجَبَرَ الاِقتِصادُ فَقرَهُ وخَلَلَهُ . (1)

الإمام الصادق علیه السلام :ضَمِنتُ لِمَنِ اقتَصَدَ أن لا یَفتَقِرَ . (2)

عنه علیه السلام :إنَّ القَصدَ یورِثُ الغِنی . (3)

الإمام الکاظم علیه السلام :ما عالَ امرُؤٌ فِی اقتِصادٍ . (4)

3 / 10الرِّضارسول اللّه صلی الله علیه و آله :مَن رَضِیَ بِما رَزَقَهُ اللّهُ قَرَّت عَینُهُ . (5)

عنه صلی الله علیه و آله :أشرَفُ الزُّهدِ أن یَسکُنَ قَلبُکَ عَلی ما رُزِقتَ . (6)

عنه صلی الله علیه و آله :ألا وإنَّ لِکُلِّ امرِئٍ رِزقا هُوَ یَأتیهِ لا مَحالَهَ ؛ فَمَن رَضِیَ بِهِ بورِکَ لَهُ فیهِ ووَسِعَهُ ، ومَن لَم یَرضَ لَم یُبارَک لَهُ فیهِ ولَم یَسَعهُ . (7)

.

1- .غرر الحکم : 9165 .
2- .الکافی : 4 / 53 / 6 عن مدرک بن أبی الهزهاز ، من لا یحضره الفقیه : 2 / 64 / 1721 ، الخصال : 9 / 32 عن إبراهیم بن میمون ، الفقه المنسوب للإمام الرضا علیه السلام : 255 عن العالم علیه السلام ، بحار الأنوار : 71 / 346 / 9 وج 104 / 72 / 14 .
3- .الکافی : 4 / 53 / 8 ، من لا یحضره الفقیه : 3 / 174 / 3659 کلاهما عن عبید بن زراره .
4- .الکافی : 4 / 53 / 9 عن موسی بن بکر ، من لا یحضره الفقیه : 2 / 64 / 1720 .
5- .الأمالی للطوسی: 225/393 عن الحسن بن موسی عن أبیه عن آبائه علیهم السلام ، التمحیص : 53 /106 عن الإمام الباقر علیه السلامعنه صلی الله علیه و آله ، مشکاه الأنوار : 233 / 659 عن الإمام الصادق علیه

السلام عنه صلى الله عليه و آلهوفيه «من قنع بما رزقه اللّه تعالى قرّت عيناه» ، بحار الأنوار : 71 / 139 / 29 .
6- .كنز العمّال : 1 / 37 / 65 نقلاً عن ابن النجّار فى تاريخه عن ابن عمر .
7- .أعلام الدين : 342 عن ابن عمر ، بحار الأنوار : 77 / 185 / 10 ؛ كنز العمّال : 1 / 114 / 536 نقلاً عن الديلمى عن ابن عبّاس .

امام علی علیه السلام :هر که با میانه روی همدمی کند ، توانگری با وی همراه است و میانه روی ، فقر و کاستی هایش را جبران می کند .

امام صادق علیه السلام :من تضمین می کنم که هر کس میانه روی پیشه کند ، به فقر دچار نگردد .

امام صادق علیه السلام :همانا میانه روی توانگری را به دنبال دارد .

امام کاظم علیه السلام :کسی که در میانه روی به سر برد ، نیازمند نگردد .

3 / 10رضایتمندیپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر که به آن چه خداوند روزی اش فرماید ، خشنود باشد ، شادمان گردد .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :برترین پارسایی آن است که قلبت به آن چه روزی ات گشته ، آرام باشد .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هلا که هر کسی را روزی ای است که خواه ناخواه به وی خواهد رسید ؛ پس هر کس بدان خشنود باشد ، روزی اش برکت و گشایش می یابد ؛ و هر که بدان خشنود نباشد ، روزی اش برکت و گشایش نیابد .

.

عنه صلى الله عليه و آله :إنَّ اللّهَ تَبارَکَ وتَعالى يَبتَلى عَبدَهُ بِما أعطاهُ ؛ فَمَن رَضِىَ بِما قَسَمَ اللّهُ عز و جل لَهُ بارَکَ اللّهُ لَهُ فيهِ ووَسَّعَهُ ، ومَن لَم يَرضَ لَم يُبارِک لَهُ . (1)

الإمام علىّ عليه السلام :اِرضَ مِنَ الرِّزقِ بِما قُسِمَ لَکَ تَعِش غَنِيّا . (2)

عنه عليه السلام :مَن رَضِىَ بِرِزقِ اللّهِ لَم يَأسَف عَلى ما فى يَدِ غَيرِهِ . (3)

عنه عليه السلام :مَن رَضِىَ بِرِزقِ اللّهِ لَم يَحزَن عَلى ما فاتَهُ . (4)

عنه عليه السلام :لا مالَ أذهَبُ لِلفاقَهِ مِنَ الرِّضا بِالقوتِ . (5)

عنه عليه السلام :مَن رَضِىَ مِنَ الدُّنيا بِما يُجزِئُهُ کانَ أيسَرُ ما فيها يَکفيهِ ، ومَن لَم يَرضَ مِنَ الدُّنيا بِما يُجزِئُهُ لَم يَکُن فيها شَىءٌ يَکفيهِ . (6)

الإمام الصادق عليه السلام :مَکتوبٌ فِى التَّوراهِ : اِبنَ آدَمَ ! . . . مَن رَضِىَ بِاليَسيرِ مِنَ الحَلالِ خَفَّت مَؤونَتُهُ ، وزَکَت مَکسَبَتُهُ ، وخَرَجَ مِن حَدِّ الفُجورِ . (7)

.

1- .مسند ابن حنبل : 7 / 282 / 20301 ، شُعب الإيمان : 2 / 121 / 1354 وفيه «آتاه» بدل «قسم» وکلاهما عن رجل من بنى سليم و ج 7 / 125 / 9725 عن أحمد بن سليم ، المعجم الأوسط: 8 / 189 / 8362 ، حليه الأولياء : 2 / 213 کلاهما عن عبد اللّه بن الشخير نحوه ، کنز العمّال : 3 / 390 / 7090 .
2- .غرر الحکم : 2332 .
3- .الکافى : 8 / 19 / 4 عن جابر بن يزيد عن الإمام الباقر عليه السلام ، تحف العقول : 93 ، بحار الأنوار : 77 / 282 / 1 .
4- .نهج البلاغه : الحکمه 349 ، بحار الأنوار : 71 / 345 / 2 .
5- .من لا يحضره الفقيه : 4/385/5834 ، نهج البلاغه : الحکمه 371 ، بحار الأنوار : 69/411/128 .
6- .الکافى : 2 / 140 / 11 عن حنّان بن سدير رفعه ، من لا يحضره الفقيه : 4 / 418 / 5910 ، تحف العقول : 207 ، مشکاه الأنوار : 232 / 656 ،

الفقه المنسوب للإمام الرضا عليه السلام : 364 ، بحار الأنوار : 71 / 348 / 17 .
7- .الكافى : 2 / 138 / 4 عن عمرو بن أبى المقدام ، تحف العقول : 377 فى مواعظه عليه السلاملسفيان الثورى وفيه «العجز» بدل «الفجور» ، بحار الأنوار : 73 / 175 / 16 .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :همانا خدای خجسته بلندرتبه بنده اش را با آن چه به وی عطا فرماید ، بیازماید ؛ پس هر که به آن چه خداوند قسمتش فرموده ، راضی باشد ، خدا به وی برکت و گشایش دهد و هر که راضی نباشد ، خدا به وی برکت ندهد .

امام علی علیه السلام :به روزی ای که قسمتت گشته راضی باش تا توانگرانه زندگی کنی .

امام علی علیه السلام :هر کس به روزیِ خداداده راضی باشد ، از آن چه در اختیار دیگران است ، اندوهگین نگردد .

امام علی علیه السلام :هر که به روزی خداداده رضایت دهد ، بر آن چه از دست رود ، اندوه نخورَد .

امام علی علیه السلام :هیچ چیز به اندازه رضایتمندی از روزی ، فقر را از میان نمی برد .

امام علی علیه السلام :هر کس به آن چه از دنیا که کفایتش کند ، راضی شود ، کم ترین بهره دنیا برای او بس است ؛ و آن کس که به آن چه از دنیا که کفایتش کند ، راضی نشود ، هیچ چیزِ دنیا وی را کفایت نکند .

امام صادق علیه السلام:در تورات نوشته شده است: «ای فرزند آدم! . . . هر کس به حلال اندک راضی شود ، سبکبار می شود و درآمدش پاک می گردد و از قلمرو بدکاری بیرون می آید» .

.

عنه عليه السلام :رَبِّ ! خَوَّفتَنى وشَوَّقتَنى ، وَاحتَجَجتَ عَلَىَّ بِرِقّى ، وكَفَلتَ لى بِرِزقى ؛ فَأَمِنتُ (مِن) خَوفِکَ ، وتَثَبَّطتُ عَن تَشويقِکَ ، ولَم أتَّكِل عَلى ضَمانِکَ ، وتَهاوَنتُ بِاحتِجاجِکَ . اللّهُمَّ فَاجعَل أمنى مِنکَ فى هذِهِ الدُّنيا خَوفا ، وحَوِّل تَثَبُّطى شَوقا وتَهاوُنى بِحُجَّتِکَ فَرَقا مِنکَ ، ثُمَّ رَضِّنى بِما قَسَمتَ لى مِن رِزقِکَ ، يا كَريمُ . (1)

الإمام الرّضا عليه السلام :مَن رَضِىَ بِالقَليلِ مِنَ الرِّزقِ قَبِلَ اللّهُ مِنهُ اليَسيرَ مِنَ العَمَلِ ؛ ومَن رَضِىَ بِاليَسيرِ مِنَ الحَلالِ خَفَّت مَؤونَتُهُ وتَنَعَّمَ أهلُهُ ، وبَصَّرَهُ اللّهُ داءَ الدُّنيا ودَواءَها ، وأخرَجَهُ مِنها سالِما إلى دارِ السَّلامِ . (2)

3 / 11القَناعَهالكتاب :«مَنْ عَمِلَ صَلِحًا مِّن ذَكَرٍ أَوْ أُنثَى وَ هُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهُ حَيَوةً طَيِّبَةً وَ لَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُم بِأَحْسَنِ مَا كَانُواْ يَعْمَلُونَ . (3) »

الحديث :نهج البلاغه :سُئِلَ أميرُ المُؤمِنينَ عليه السلام عَن قَولِهِ تَعالى : «فَلَنُحْيِيَنَّهُو حَيَوةً طَيِّبَةً» فَقالَ : هِىَ القَناعَةُ . (4)

.

1- .الكافى : 2 / 592 / 31 عن عبد الرحمان بن سيّابه ، مصباح المتهجّد : 276 / 383 وليس فيه «برقّى» ، بحار الأنوار : 89 / 302 / 10 .
2- .الكافى : 8 / 347 / 546 عن أحمد بن عمر ، تحف العقول : 449 ، مستطرفات السرائر : 82 / 20 عن الهيثم بن واقد الجزرى عن الإمام الصادق عليه السلام ، الأمالى للطوسى : 721 / 1521 عن إبراهيم بن مهزم عن الإمام الصادق عليه السلام وكلاهما نحوه ، بحار الأنوار : 78 / 343 / 44 .
3- .النحل : 97 .
4- .نهج البلاغه : الحكمه 229 ، بحار الأنوار : 71 / 345 / 2 .

امام صادق علیه السلام :پروردگارم! مرا بیم و امید دادی و با سستی و ناتوانی ام بر من حجت آوردی و روزی مرا تضمین فرمودی . پس از بیمت خود را ایمن یافتم و از امیدت [در کار نیک] به درنگ افتادم و به تضمین تو توکّل نکردم و حجت آوری ات را سبک شمردم . بار خدایا! در این دنیا احساس ایمنی ام از خودت را به بیمناکی ، درنگم را به شوق ، و سبک شمردن حجتت را به بندگی و گردن سپاری ام تبدیل فرما و مرا به آن چه قسمتم فرموده ای ، راضی ساز ؛ ای کرامت پیشه!

امام رضا علیه السلام :هر که به روزی اندک رضایت دهد ، خداوند نیز به عمل اندک او راضی می شود ؛ و هر که به حلال اندک خشنود باشد ، سبکبار است و خانواده اش از نعمت بهره می برند و خداوند او را به درد و درمان دنیا بینا می سازد و به سلامت از دنیا به سوی آخرت می برد .

3 / 11قناعتقرآن:«هر کس از مرد و زن که کاری نیک کند در حالی که مؤمن باشد ، هر آینه او را به زندگانی پاک و خوشی زنده بداریم و مزد چنین کسانی را بر پایه نیکوترین کاری که می کرده اند ، پاداش دهیم .»

حدیث:نهج البلاغه :درباره این سخن خدای تعالی : «هر آینه او را به زندگانی پاک و خوشی زنده بداریم» ، از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام سؤال شد . وی فرمود : «آن زندگانی قناعت است» .

.

الإمام الصادق علیه السلام فی قَولِهِ تَعالی : «فَلَنُحْیِیَنَّهُ حَیَوهً طَیِّبَهً» : القُنوعُ . (1)

رسول اللّه صلی الله علیه و آله :القَناعَهُ بَرَکَهٌ . (2)

عنه صلی الله علیه و آله :القَناعَهُ بَحرُ مالٍ لا یَنفَدُ . (3)

عنه صلی الله علیه و آله :عَلَیکُم بِالقَناعَهِ ؛ فَإِنَّ القَناعَهَ مالٌ لا یَنفَدُ . (4)

عنه صلی الله علیه و آله :کُن قَنِعا تَکُن مِن أغنَی النّاسِ . (5)

عنه صلی الله علیه و آله :القَناعَهُ مُلکٌ لا یَزولُ ، وهِیَ مَرکَبُ رِضَا اللّهِ تَعالی تَحمِلُ صاحِبَها إلی دارِهِ . (6)

الإمام علیّ علیه السلام :لا مالَ أذهَبُ بِالفاقَهِ مِنَ الرِّضا بِالقَناعَهِ ، ولا کَنزَ أغنی مِنَ القُنوعِ ، ومَنِ اقتَصَرَ عَلی بُلغَهِ الکَفافِ فَقَدِ انتَظَمَ الرّاحَهَ وتَبَوَّأَ خَفضَ الدَّعَهِ . (7)

.

1- .الأمالی للطوسی : 275 / 524 عن أبی الحسن محمّد بن أحمد بن عبید اللّه المنصوری عن عمّ أبیه عن الإمام الجواد عن آبائه علیهم السلام ، تفسیر القمّی : 1 / 390 ، تنبیه الخواطر : 2 / 170 ، بحار الأنوار : 71 / 345 / 4 ؛ المستدرک علی الصحیحین : 2 / 388 / 3360 ، شُعب الإیمان : 7 / 291 / 10347 کلاهما عن ابن عبّاس من دون إسنادٍ إلی المعصوم .
2- .الجعفریّات : 160 .
3- .جامع الأحادیث للقمّی : 106 .
4- .المعجم الأوسط : 7 / 84 / 6922 عن جابر ؛ نهج البلاغه : الحکمه 57 و349 و475 ، تحف العقول : 89 ، روضه الواعظین : 497 کلّها عن الإمام علیّ علیه السلامولیس فیها صدره ، بحار الأنوار : 71 / 344 / 2 .
5- .تاریخ دمشق : 67 / 336 عن أبی هریره ، کنز العمّال : 16 / 128 / 44154 عن خالد بن ولید ؛غرر الحکم : 7131 عن الإمام علیّ علیه السلام وفیه «غنیّا» بدل «من أغنی الناس» .
6- .مصباح الشریعه : 185 ، بحار الأنوار : 71 / 349 / 18 .

7- .الكافى : 8 / 19 / 4 عن جابربن يزيد عن الإمام الباقر عليه السلام ، نهج البلاغه : الحكمه 371 ، من لا يحضره الفقيه : 4 / 385 / 5834 كلاهما نحوه ، بحار الأنوار : 77 / 238 / 1 وص 281 / 1 .

امام صادق علیه السلام درباره این سخن خدای تعالی: «هر آینه او را به زندگانی پاک و خوشی زنده بداریم» : مراد ، قناعت است .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :قناعت ، برکت است .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :قناعت دریایی است از مال که کرانه ندارد .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :بر شما باد قناعت ؛ که هر آینه قناعت مالی است که تمام نمی شود .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :قانع باش تا از توانگرترین مردم باشی .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :قناعت ، قدرت و دارایی بی پایان است و سواری دهنده ای است که رضایت خدای تعالی را به همراه دارد و سوار خویش را به سرای خدا می رساند .

امام علی علیه السلام :هیچ مالی به اندازه قناعت رضایتمندانه ، فقر را نمی زداید و هیچ گنجی ارزشمندتر از قناعت نیست . هر کس به قدر کفایت بسنده کند ، به آسودگی سامان یابد و در فراخیِ رفاه جای گیرد .

.

عنه علیه السلام :مَن قَنِعَ بِرِزقِ اللّهِ استَغنی عَنِ الخَلقِ . (1)

عنه علیه السلام :إذا طَلَبتَ الغِنی فَاطلُبهُ بِالقَناعَهِ . (2)

عنه علیه السلام :طَلَبتُ الغِنی فَما وَجَدتُ إلاّ بِالقَناعَهِ ؛ عَلَیکُم بِالقَناعَهِ تَستَغنوا . (3)

عنه علیه السلام :إنَّکُم إن قَنِعتُم حُزتُمُ الغَناءَ ، وخَفَّت عَلَیکُم مُؤَنُ الدُّنیا . (4)

عنه علیه السلام :ثَمَرَهُ القَناعَهِ الغَناءُ . (5)

عنه علیه السلام :القَناعَهُ تُغنی . (6)

عنه علیه السلام :کُلُّ الغِنی فِی القَناعَهِ وَالرِّضا . (7)

عنه علیه السلام :مَن قَنِعَ عَزَّ وَاستَغنی . (8)

عنه علیه السلام :القَناعَهُ عِزٌّ وغَناءٌ . (9)

عنه علیه السلام :القَناعَهُ وَالطّاعَهُ توجِبانِ الغِنی وَالعِزَّهَ . (10)

.

1- .غرر الحکم : 8434 ، عیون الحکم والمواعظ : 449 / 7958 .
2- .غرر الحکم : 4057 ، عیون الحکم والمواعظ : 134 / 3037 .
3- .جامع الأخبار : 341 / 950 ، بحار الأنوار : 69 / 399 / 91 .
4- .غرر الحکم : 3847 ، عیون الحکم والمواعظ : 175 / 3633 .
5- .غرر الحکم : 4599 ، عیون الحکم والمواعظ : 208 / 4179 .
6- .غرر الحکم : 22 ، عیون الحکم والمواعظ : 35 / 683 .
7- .غرر الحکم : 6874 ، أعلام الدین : 299 عن الإمام زین العابدین علیه السلام وفیه «الغنی فی القناعه» .
8- .غرر الحکم : 9128 .
9- .غرر الحکم : 690 ، عیون الحکم والمواعظ : 30 / 469 .

10- .غرر الحكم : 1368 .

امام علی علیه السلام :هر که به روزی خدا قانع باشد ، از مردم بی نیاز گردد .

امام علی علیه السلام :اگر در پی توانگری هستی ، آن را با قناعت بجوی .

امام علی علیه السلام :توانگری را جستم و آن را جز در قناعت نیافتم ؛ بر شما باد قناعت تا بی نیاز گردید .

امام علی علیه السلام :همانا اگر قناعت در پیش گیرید ، به بی نیازی دست یابید و بارهای دنیا بر شما سبک گردد .

امام علی علیه السلام :نتیجه قناعت ، توانگری است .

امام علی علیه السلام :قناعت ، بی نیازی بخشد .

امام علی علیه السلام :همه توانگری در قناعت و رضایتمندی است .

امام علی علیه السلام :هر کس قناعت پیشه کند ، عزت و توانگری یابد .

امام علی علیه السلام :قناعت ، عزت است و توانگری .

امام علی علیه السلام :قناعت و اطاعت مایه توانگری و عزتند .

.

عنه علیه السلام :إنَّكُم إلَى القَناعَهِ بِيَسيرِ الرِّزقِ أحوَجُ مِنكُم إلَى اكتِسابِ الحِرصِ فِى الطَّلَبِ . (1)

عنه علیه السلام :أهنَأُ الأَقسامِ : القَناعَهُ ، وصِحَّهُ الأَجسامِ . (2)

عنه علیه السلام :جَمالُ العَيشِ القَناعَهُ . (3)

عنه علیه السلام :أطيَبُ العَيشِ القَناعَهُ . (4)

عنه علیه السلام :أنعَمُ النّاسِ عَيشا : مَن مَنَحَهُ اللّهُ سُبحانَهُ القَناعَهَ ، وأصلَحَ لَهُ زَوجَهُ . (5)

عنه علیه السلام :القَناعَهُ أهنَأُ عَيشٍ . (6)

عنه علیه السلام :مَن كانَ بِيَسيرِ الدُّنيا لا يَقنَعُ ، لَم يُغنِهِ مِن كَثيرِها ما يَجمَعُ . (7)

عنه علیه السلام :اِبنَ آدَمَ ! إن كُنتَ تُريدُ مِنَ الدُّنيا ما يَكفيكَ فَإنَّ أيسَرَ ما فيها يَكفيكَ ، وإن كُنتَ إنَّما تُريدُ ما لايَكفيكَ فَإنَّ كُلَّ ما فيها لا يَكفيكَ . (8)

عنه علیه السلام :اِلزَمِ الرِّضا ؛ يَلزَمكَ الغَناءُ وَالكَرامَهُ . (9)

عنه علیه السلام :مَن لَزِمَ القَناعَهَ زالَ فَقرُهُ . (10)

.

1- .غرر الحكم : 3836 .
2- .غرر الحكم : 3046 .
3- .غرر الحكم : 4749 .
4- .غرر الحكم : 2918 .
5- .غرر الحكم : 3295 .
6- .غرر الحكم : 933 .
7- .غرر الحكم : 8484 .

8- .الكافى : 2 / 138 / 6 عن هشام بن سالم عن الإمام الصادق عليه السلام ، تنبيه الخواطر : 2 / 195 عن الإمام الصادق عنه عليهماالسلام ، بحار الأنوار : 73 / 176 / 18 .
9- .غرر الحكم : 2447 ، عيون الحكم والمواعظ : 86 / 2062 .
10- .غرر الحكم : 8461 ، عيون الحكم والمواعظ : 456 / 8235 .

امام علی علیه السلام :همانا شما به قناعت بر روزی اندک محتاج ترید تا به حرص ورزیدن در جست و جوی روزی .

امام علی علیه السلام :گواراترین قسمت ها قناعت و تندرستی است .

امام علی علیه السلام :زیبایی زندگی ، قناعت است .

امام علی علیه السلام :خوش ترین مایه زیستن ، قناعت است .

امام علی علیه السلام :نیک زندگانی ترین مردم کسی است که خدای سبحان به وی قناعت بخشیده و همسر شایسته عطا کرده باشد .

امام علی علیه السلام :قناعت گواراترین مایه زندگی است .

امام علی علیه السلام :هر که به اندک دنیا قانع نباشد ، آن چه از بسیارِ آن گرد آورَد ، وی را بی نیاز نسازد .

امام علی علیه السلام :ای زاده آدم ! اگر از دنیا خواهانِ چیزی هستی که بی نیازت کند ، اندک آن تو را بس است ؛ و اگر چیزی می خواهی که فراتر از کفایتت باشد ، همه دنیا نیز تو را بس نباشد .

امام علی علیه السلام :پیوسته رضایتمند باش تا توانگری و کرامت همواره با تو همراه باشد .

امام علی علیه السلام :هر که همواره قانع باشد ، فقرش از میان رود .

.

الإمام الباقر عليه السلام :القَناعَهُ لَذَّهُ العَيشِ . (1)

الإمام الصادق عليه السلام :قالَ لُقمانُ لِابنِهِ : يا بُنَيَّ . . . اِقنَع بِقَسمِ اللّهِ لَکَ يَصفُ عَيشُکَ . (2)

عنه عليه السلام فى ما يُنسَبُ إلَيهِ فى مِصباحِ الشَّريعَهِ : مَن قَنِعَ بِالمَقسومِ استَراحَ مِنَ الهَمِّ وَالکَربِ وَالتَّعَبِ ، وکُلَّما نَقَصَ مِنَ القَناعَهِ زادَ فِى الرَّغبَهِ وَالطَّمَعِ ، وَالطَّمَعُ وَالرَّغبَهُ فِى الدُّنيا أصلانِ لِکُلِّ شَرٍّ ، وصاحِبُهُما لا يَنجو مِنَ النّارِ إلاّ أن يَتوبَ عَن ذلِکَ . (3)

عنه عليه السلام فى ما يُنسَبُ إلَيهِ فى مِصباحِ الشَّريعَهِ : لَو حَلَفَ القانِعُ بِتَمَلُّکِهِ الدّارَينِ لَصَدَّقَهُ اللّهُ عز و جل بِذلِکَ ولَأَبَرَّهُ ؛ لِعِظَمِ شَأنِ مَرتَبَهِ القَناعَهِ . (4)

3 / 12الصَّبرالإمام علىّ عليه السلام فِى وَصفِ الاُمَمِ السّابِقَهِ : حَتّى إذا رَأى اللّهُ سُبحانَهُ جِدَّ الصَّبرِ مِنهُم عَلى الأذى فى مَحَبَّتِهِ ، وَالاِحتِمالَ لِلمَکروهِ مِن خَوفِهِ ، جَعَلَ لَهُم مِن مَضايِقِ البَلاءِ فَرَجا ، فَأبدَلَهُمُ العِزَّ مَکانَ الذُّلِّ ، وَالأمنَ مَکانَ الخَوفِ ، فَصاروا مُلوکا حُکّاما ، وأئِمَّهً أعلاما ، وقَد بَلَغَتِ الکَرامَهُ مِنَ اللّهِ لَهُم ما لَم تَذهَبِ الآمالُ إلَيهِ بِهِم . (5)

.

1- .تاريخ اليعقوبى : 2 / 321 .
2- .قصص الأنبياء : 195 / 244 عن حمّاد بن عيسى .
3- .مصباح الشريعه : 184 .
4- .مصباح الشريعه : 183 .
5- .نهج البلاغه : الخطبه 192 ، بحار الأنوار : 14 / 473 / 37 .

ص: 661

3 / 12 صبر

امام باقر علیه السلام :قناعت لذت زندگانی است .

امام صادق علیه السلام :لقمان به پسرش فرمود: «ای پسر عزیزم! . . . به قسمت خدای قانع باش تا زندگانی ات پاک و ناب گردد» .

امام صادق علیه السلام در زمره آن چه در مصباح الشریعه به وی منسوب است : هر که به روزی تقسیم شده قانع باشد ، از اندوه و رنج و سختی رها گردد ؛ و هر چه قناعت کم شود ، میل و طمع فزونی یابد ؛ و میل و طمع به دنیا دو سرچشمه هر شرند و کسی که چنین باشد ، از آتش نجات نپذیرد مگر آن که از این کار بازگردد .

امام صادق علیه السلام در زمره آن چه در مصباح الشریعه به وی منسوب است : اگر انسان قانع سوگند خورد که هر دو سرای را صاحب گردد ، خداوند سخنش را درست شمارد و سوگندش را راست گردانَد .

3 / 12صبرامام علی علیه السلام در وصف امت های پیشین : آن گاه که خدای سبحان دید که ایشان در آزار کشیدن در راه محبت او بسیار صبورند و از بیم او آن چه را خوش نمی دارند ، تحمل می کنند ، از تنگناهای بلا گشایشگاهی برایشان پدید آورد و سرافرازی را جایگزین خواری شان فرمود و امنیت را به جای بیمشان نشاند ؛ پس تبدیل به راهبران حکم گزار و پیشوایان راهنما گشتند و نزد خدا چندان کرامت یافتند که در دسترسِ هیچ آرزویی نیاید .

.

عنه عليه السلام فِی الحِکَمِ المَنسوبَهِ إلَیهِ : لِکُلِّ نِعمَهٍ مِفتاحٌ ومِغلاقٌ ؛ فَمِفتاحُهَا الصَّبرُ ، ومِغلاقُهَا الکَسَلُ . (1)

عنه عليه السلام :اِستَتِمّوا نِعَمَ اللّهِ عَلَیکُم بِالصَّبرِ عَلی طاعَتِهِ وَالمُجانَبَهِ لِمَعصِیَتِهِ ؛ فَإِنَّ غَدا مِنَ الیَومِ قَریبٌ . (2)

عنه عليه السلام :اِستَتِمّوا نِعمَهَ اللّهِ عَلَیکُم بِالصَّبرِ عَلی طاعَهِ اللّهِ ، وَالمُحافَظَهِ عَلی مَا استَحفَظَکُم مِن کِتابِهِ . (3)

عنه عليه السلام :اِستَتِمّوا نِعَمَ اللّهِ عَلَیکُم بِالصَّبرِ لِأَنفُسِکُم عَلی طاعَهِ اللّهِ ، وَالذُّلِّ لِحُکمِهِ جَلَّ ثَناؤُهُ . (4)

الإمام الصادق عليه السلام :إنَّ اللّهَ تَعالی أنعَمَ عَلی قَومٍ فَلَم یَشکُروا ؛ فَصارَت عَلَیهِم وَبالاً ، وَابتَلی قَوما بِالمَصائِبِ فَصَبَروا ؛ فَصارَت عَلَیهِم نِعمَهً . (5)

13 / 3إیثارُ الآخِرَهِرسول اللّه صلی الله علیه و آله :مَن آثَرَ الدُّنیا عَلَی الآخِرَهِ حُرِمَهُما جَمیعا ، ومَن آثَرَ الآخِرَهَ عَلَی الدُّنیا أصابَهُما جَمیعا . (6)

.

1- .شرح نهج البلاغه : 20 / 322 / 692 .
2- .نهج البلاغه : الخطبه 188 .
3- .نهج البلاغه : الخطبه 173 .
4- .شرح نهج البلاغه : 7 / 40 ؛ بحار الأنوار : 32 / 20 / 7 .
5- .الکافی : 2 / 92 / 18 ، تهذیب الأحکام : 6 / 377 / 1101 ، الأمالی للصدوق : 379 / 479 وفیهما «قوم بالمواهب» وکلّها عن سماعه ، تحف العقول : 359 ، التمحیص : 60 / 128 عن أبی بصیر ، بحار الأنوار : 71 / 81 / 18 .
6- .الفردوس : 3 / 586 / 5835 عن أبی هریره .

3 / 13 ترجیح دادن آخرت

امام علی علیه السلام در کلمات حکیمانه منسوب به وی : برای هر نعمتی کلیدی و کُلونی است ؛ کلید آن صبر است و کلون آن سستی .

امام علی علیه السلام :با صبر بر اطاعت خدا و پرهیز از نافرمانی اش ، نعمت های او را بر خود تمام سازید ؛ که فردا از پسِ امروز نزدیک است .

امام علی علیه السلام :با صبر بر اطاعت خدا و مراقبت بر آیات کتابش که شما را بدان خوانده ، نعمت های او را بر خود تمام سازید .

امام علی علیه السلام :با صبر خویشتن بر اطاعت خدا و رام گشتن در برابر فرمانش ، نعمت های او را بر خود تمام سازید .

امام صادق علیه السلام :همانا خدای تعالی به گروهی نعمت بخشید و ایشان شکر نکردند ، پس آن نعمت برایشان بار گران شد ؛ و گروهی را به مصیبت ها گرفتار فرمود و ایشان صبر ورزیدند ، پس آن مصیبت ها برایشان نعمت شد .

3 / 13ترجیح دادن آخرتپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر کس دنیا را بر آخرت ترجیح دهد ، از هر دو محروم گردد و هر کس آخرت را بر دنیا ترجیح دهد ، به هر دو دست می یابد .

.

عنه صلى الله عليه و آله :تَفَرَّغوا مِن هُمومِ الدُّنيا مَا استَطَعتُم ؛ فَإِنَّهُ غَيرُ نَصيبِهِ المَكتوبِ لَهُ ، ومَن كانَتِ الآخِرَهُ هِمَّتَهُ جَمَعَ اللّهُ لَهُ أمرَهُ ، وجَعَلَ غِناهُ فى قَلبِهِ ، وأَتَتهُ الدُّنيا راغِمَهً . (1)

عنه صلى الله عليه و آله :مَن عَمِلَ لِاخِرَتِهِ كَفاهُ اللّهُ أمرَ دُنياهُ . (2)

عدّه الداعى عن أبو سعيد الخدرىّ :سَمِعتُ رَسولَ اللّهِ صلى الله عليه و آلهيَقولُ عِندَ مُنصَرَفِهِ مِن اُحُدٍ ، وَالنّاسُ مُحدِقونَ بِهِ ، وقَد أسنَدَ ظَهرَهُ إلى طَلحَهٍ هُناکَ : أيُّهَا النّاسُ ، أقبِلوا عَلى ما كُلِّفتُموهُ مِن إصلاحِ آخِرَتِكُم ، وأعرِضوا عَمّا ضُمِنَ لَكُم مِن دُنياكُم ، ولا تَستَعمِلوا جَوارِحَ عُذِّبَت بِنِعمَتِهِ فِى التَّعَرُّضِ لِسَخَطِهِ بِمَعصِيَتِهِ ، وَاجعَلوا شُغلَكُم فِى التِماسِ مَغفِرَتِهِ ، وَاصرِفوا هِمَّتَكُم بِالتَّقَرُّبِ إلى طاعَتِهِ . مَن بَدَأَ بِنَصيبِهِ مِنَ الدُّنيا فاَتَهُ نَصيبُهُ مِنَ الآخِرَهِ ، ولَم يُدرِک مِنها ما يُريدُ ، ومَن بَدَأَ بِنَصيبِهِ مِنَ الآخِرَهِ وَصَلَ إلَيهِ نَصيبُهُ مِنَ الدُّنيا ، وأدرَکَ مِنَ الآخِرَهِ ما يُريدُ . (3)

الإمام علىّ عليه السلام :مَن عَمِلَ لِدينِهِ كَفاهُ اللّهُ أمرَ دُنياهُ . (4)

عنه عليه السلام :مَن أصلَحَ أمرَ آخِرَتِهِ أصلَحَ اللّهُ لَهُ أمرَ دُنياهُ . (5)

عنه عليه السلام :عَلَيکَ بِالآخِرَهِ تَأتِکَ الدُّنيا صاغِرَهً . (6)

.

1- .إرشاد القلوب : 18 .
2- .أعلام الدين : 334 عن ابن عبّاس ، كنز الفوائد : 2 / 68 عن الإمام علىّ عليه السلام وزاد فى آخره «وآخرته» ، بحار الأنوار : 27 / 113 / 87 وج 77 / 178 / 10 .
3- .عدّه الداعى : 288 ، أعلام الدين : 339 ، بحار الأنوار : 77 / 182 وج 103 / 25 / 28 .
4- .نهج البلاغه : الحكمه 423 ، روضه الواعظين : 407 ، بحار الأنوار : 71 / 367 / 17 .
5- .نهج البلاغه : الحكمه 89 ، غرر الحكم : 8857 ، بحار الأنوار : 71 / 367 / 17 وج 72 / 305 / 51 .

6- .غرر الحكم : 6080 .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :چندان که می توانید ، غم دنیا را مخورید ؛ زیرا آن بهره نانوشته انسان است . هر کس همه همتش را صرف آخرت کند ، خداوند کارش را به سامان آورَد و توانگری را در قلبش بنهد و دنیا ، خود ، به او روی کند .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر که برای آخرتش کار کند ، خداوند گذرانِ دنیایش را کفایت فرماید .

عدّه الداعی از ابوسعید خدری :از رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که به هنگام بازگشت از اُحد ، در حالی که مردم پیرامونش را گرفته بودند و او به طلحه تکیه داده بود ، فرمود: «ای مردم! به وظیفه خویش برای اصلاح آخرتتان روی آورید و از دنیایتان که برای شما ضمانت گشته ، روی گردانید ؛ و با اعضایتان که از نعمت خداوند تغذیه می گردد ، در روی آوردن به خشم او با انجام گناه ، استفاده نکنید ؛ و همواره از خداوند آمرزش طلبید ؛ و همت خود را صرف نزدیک شدن به خدا از طریق بندگی اش سازید . هر کس نخست به نصیب خود از دنیا پردازد ، بهره آخرتش از کف وی می رود و از دنیا نیز آن چه را می خواهد به دست نمی آورد ؛ و هر که نخست به بهره آخرتش پردازد ، نصیب دنیایی اش نیز به وی رسد و از آخرت آن چه را خواهد ، به دست آورد .

امام علی علیه السلام :هر که برای دینش کار کند ، خداوند کار دنیایش را کفایت فرماید .

امام علی علیه السلام :هر کس کار آخرتش را به سامان آورد ، خداوند کار دنیایش را سامان بخشد .

امام علی علیه السلام :بر تو باد پرداختن به آخرت تا دنیا فروتنانه به سوی تو آید .

.

عنه عليه السلام :طالِبُ الآخِرَهِ يُدرِکُ مِنها أمَلَهُ ، ويَأتيهِ مِنَ الدُّنيا ما قُدِّرَ لَهُ . (1)

عنه عليه السلام :النّاسُ فِی الدُّنيا عامِلانِ : عامِلٌ عَمِلَ فِی الدُّنيا لِلدُّنيا ، قَد شَغَلَتهُ دُنياهُ عَن آخِرَتِهِ ، يَخشی عَلی ما يُخَلِّفُهُ الفَقرَ ، ويَأمَنُهُ عَلی نَفسِهِ ، فَيُفنی عُمُرَهُ فی مَنفَعَهِ غَيرِهِ ؛ وعامِلٌ عَمِلَ فِی الدُّنيا لِما بَعدَها ، فَجاءَ الَّذی لَهُ مِنَ الدُّنيا بِغَيرِ عَمَلٍ ، فَأحرَزَ الحَظَّينِ مَعا ، ومَلَکَ الدّارَينِ جَميعا ، فَأصبَحَ وَجيها عِندَ اللّهِ لا يَسأَلُ اللّهَ حاجَهً فَيَمنَعُهُ . (2)

عنه عليه السلام :إن جَعَلتَ دُنياکَ تَبَعا لِدينِکَ أحرَزتَ دينَکَ ودُنياکَ ، وکُنتَ فِی الآخِرَهِ مِنَ الفائِزينَ . (3)

الکافی عن عبد اللّه بن أبی يعفور :قالَ رَجُلٌ لِأَبی عَبدِ اللّهِ عليه السلام : وَاللّهِ ، إنّا لَنَطلُبُ الدُّنيا ونُحِبُّ أن نُؤتاها ! فَقالَ : تُحِبُّ أن تَصنَعَ بِها ماذا؟ قالَ : أعودُ بِها عَلی نَفسی وعِيالی ، وأصِلُ بِها ، وأتَصَدَّقُ بِها ، وأحُجُّ وأعتَمِرُ . فَقالَ : لَيسَ هذا طَلَبُ الدُّنيا ؛ هذا طَلَبُ الآخِرَهِ . (4)

3 / 14النَّظَرُ إلَی الأَدنی مَعيشَهًرسول اللّه صلی الله عليه و آله :إذا نَظَرَ أحَدُکُم إلی مَن فُضِّلَ عَلَيهِ فِی المالِ وَالخَلقِ ، فَلْيَنظُر إلی مَن هُوَ أسفَلَ مِنهُ . (5)

.

1- .غرر الحكم : 6014 .
2- .نهج البلاغه: الحكمه 269 ، أعلام الدين: 296 ، غرر الحكم: 2139 كلاهما نحوه ، بحار الأنوار: 78 / 93 / 106 .
3- .غرر الحكم : 3751 .
4- .الكافی : 5/72/10، تهذيب الأحكام: 6/327/903 وفيه «نؤتی» بدل «نؤتاها» ، الأمالی للطوسی : 662 / 1381 نحوه ، بحار الأنوار : 73 / 62 / 30 وص 128 / 130 وراجع عدّه الداعی : 100 .
5- .صحيح البخاری: 5/2380/6125 ، صحيح مسلم : 4/2275/8 ، مسند ابن حنبل: 3/190/8153 وزادا فيهما «ممّن فضّل عليه» وكلّها عن أبی هريره ، كنز العمّال : 3/188/6093 وص255 / 6422 ؛ وتنبيه الخواطر :

1 / 170 عن أبى هريره وزاد فيه «ممّن فضّل عليه» وراجع سنن الترمذى : 4 / 245 / 1780 .

امام علی علیه السلام :جوینده آخرت به خواسته خود از آن دست می یابد و آن چه از دنیا برایش مقدر شده نیز به وی می رسد .

امام علی علیه السلام :مردم در دنیا دو گونه کار می کنند: یکی در دنیا برای دنیا کار می کند و دنیایش او را از آخرتش باز می دارد ؛ وی بیم دارد که بازماندگانش فقیر شوند ، اما از فقر خویش بیمی ندارد! پس عمر خود را برای نفع دیگران فنا می کند . و دیگری کسی است که در دنیا برای آخرت کار می کند ؛ پس آن چه از دنیا قسمت او است ، بدون کار نصیبش می شود و از هر دو بهره می گیرد و هر دو سرای را به کف می آورد و نزد خدا آبرو می یابد ، به گونه ای که از خدا حاجتی نمی خواهد مگر آن که برآورده شود .

امام علی علیه السلام :اگر دنیا را پیرو دینت سازی ، هم به دینت دست می یابی و هم به دنیایت ؛ و در آخرت نیز از رستگاران خواهی بود .

الکافی از عبداللّه بن ابی یعفور :مردی به امام صادق علیه السلام گفت: «به خدا سوگند! هر آینه ما در طلب دنیاییم و دوست می داریم که به آن دست یابیم» . امام فرمود: «می خواهی به آن دست یابی که چه کنی؟» گفت: «می خواهم خود و خانواده ام را تأمین کنم و با خویشانم پیوند برقرار نمایم و با آن صدقه دهم و حج و عمره گزارم» . امام فرمود: «این دنیا خواهی نیست ، بلکه آخرت خواهی است» .

3 / 14نگریستن به آن که زندگی فروتری داردپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر گاه یکی از شما به فردی فراتر در مال و خلقت نگریست ، باید [در کنار آن] به کسی نظر کند که از او فروتر است .

.

عنه صلى الله عليه و آله :أُنظُروا إلى مَن أسفَلَ مِنكُم ، ولا تَنظُروا إلى مَن هُوَ فَوقَكُم ؛ فَهُوَ أجدَرُ أن لا تَزدَروا نِعمَةَ اللّهِ . (1)

الخصال عن أبو ذرّ :أوصانى رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله ... أن أنظُرَ إلى مَن هُوَ دونى ولا أنظُرَ إلى مَن هُوَ فَوقى . (2)

رسول اللّه صلى الله عليه و آله :قالَ اللّهُ عز و جل : إنَّ مِن أغبَطِ أولِيائى عِندى عَبدا مُؤمِنا ذا حَظٍّ مِن صَلاحٍ ، أحسَنَ عِبادَةَ رَبِّهِ ، وعَبَدَ اللّهَ فِى السَّريرَةِ ، وكانَ غامِضا فِى النّاسِ فَلَم يُشَر إلَيهِ بِالأَصابِعِ ، وكانَ رِزقُهُ كَفافا فَصَبَرَ عَلَيهِ ، فَعَجِلَت بِهِ المَنِيَّةُ ، فَقَلَّ تُراثُهُ وقَلَّت بَواكيهِ . (3)

الإمام الباقر عليه السلام لِعَمرِو بنِ هِلالٍ : إيّاكَ أن تُطمِحَ بَصَرَكَ إلى مَن هُوَ فَوقَكَ ! فَكَفى بِما قالَ اللّهُ عز و جل لِنَبِيِّهِ صلى الله عليه و آله : «فَلاَ تُعْجِبْكَ أَمْوَ لُهُمْ وَ لاَ أَوْلَدُهُمْ ، (4) » وقالَ : «وَ لاَ تَمُدَّنَّ عَيْنَيْكَ إِلَى مَا مَتَّعْنَا بِهِ أَزْوَ جًا مِّنْهُمْ زَهْرَةَ الْحَيَوهِ الدُّنْيَا ؛ (5) » فَإن دَخَلَكَ مِن ذلِكَ شَىءٌ فَاذكُر عَيشَ رَسولِ اللّهِ صلى الله عليه و آله ؛ فَإنَّما كانَ قوتُهُ الشَّعيرَ وحَلواهُ التَّمرَ ووَقودُهُ السَّعَفَ إذا وَجَدَهُ . (6)

.

1- .صحيح مسلم : 4/2275/9 ، سنن الترمذى : 4 / 666 / 2513 وليس فيه «تنظروا» ، سنن ابن ماجه : 2/1387/4142، مسند ابن حنبل: 3/61/7453 كلّها عن أبيهريره، كنز العمّال: 3/256/6424.
2- .الخصال: 345/12، مستطرفات السرائر: 164/9، المحاسن: 1/75/34، بشاره المصطفى: 222 ، مشكاه الأنوار: 154 / 378 وص 261 / 775 كلّها عن سلمان ، بحار الأنوار : 72 / 41 / 141 ؛ مسند ابن حنبل : 8 / 94 / 21472 ، السنن الكبرى : 10 / 155 / 20186 .
3- .الكافى : 2 / 141 / 6 عن بكر بن محمّد الأزدى عن الإمام الصادق عليه السلام ، قرب الإسناد : 40 / 129 عن الإمام الصادق عليه السلام ، الأُصول الستّه عشر : 27 عن أبى عبيده عن الإمام الباقر عليه السلامعنه صلى الله عليه و آله نحوه ، بحار الأنوار : 70 / 109 / 3 .
4- .التوبه : 55 .
5- .طه : 131 .

6- .الكافى : 2/137/1 وج 8 / 168/189 وفيه «نفسک» بدل «بصرک» ، الزهد للحسين بن سعيد: 12 / 24 وليس فيه «بصرک» وكلاهما عن عمرو بن سعيد بن هلال عن الإمام الصادق عليه السلام وفيهما «خفت» بدل «دخلک» ، مشكاه الأنوار: 232/655 عن الإمام الباقر عليه السلام، بحار الأنوار: 73/172/13.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :به کسی بنگرید که فروتر از شما است نه به آن که فراتر از شما است ؛ این برای آن که نعمت خدا را کوچک مشمارید ، شایسته تر است .

الخصال از ابوذر :رسول خدا مرا وصیت فرمود که به آن که فروتر از من است ، بنگرم و نه به آن که برتر از من است .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :خداوند فرموده است: «همانا نزد من در میان دوستانم آن کس نیکوحال تر است که بهره ای از شایستگی داشته باشد ؛ عبادت پروردگارش را به نیکی به جای آورد ؛ خدای را نهانی عبادت کند ؛ در میان مردم بی نام و نشان باشد ، چنان که به وی با انگشت اشاره نکنند ؛ روزی اش در حد کفاف باشد و بر آن صبر ورزد ؛ و مرگ شتابان به سراغ وی آید ، حال آن که میراثش کم باشد و آنان که بر وی می گریند ، اندک باشند» .

امام باقر علیه السلام خطاب به عمرو بن هلال : مبادا به کسی چشم بدوزی که فراتر از تو است . بسنده است این سخن خدای تعالی به پیامبرش: «اموال و فرزندانشان تو را نفریبد!» و نیز خداوند فرموده است: «و دیدگانت را مدوز بدانچه برخورداری داده ایم گروه هایی از آن ها را از آرایش زندگی دنیا» . پس اگر بدین گونه تو را رنجی رسد ، زندگانی رسول خدا صلی الله علیه و آله را به یاد آور که غذایش نان جو بود و حلوایش خرما و سوختش شاخه خرمابُن ، اگر می یافت .

.

الإمام الصادق عليه السلام :يا حُمرانُ ، اُنظُر إلى مَن هُوَ دونَکَ فِي المَقدُرَهِ ، ولا تَنظُر إلى مَن هُوَ فَوقَکَ فِي المَقدُرَهِ ؛ فَإِنَّ ذلِکَ أقنَعُ لَکَ بِما قُسِمَ لَکَ ، وأحرى أن تَستَوجِبَ الزِّيادَهَ مِن رَبِّکَ . (1)

3 / 15العِفَّهالإمام علىّ عليه السلام :لا تَکونُ غَنِيّا حَتّى تَکونَ عَفيفا . (2)

عنه عليه السلام :المُؤمِنُ عَفيفٌ فِي الغِنى ، مُتَنَزِّهٌ عَنِ الدُّنيا . (3)

راجع : ص 838 ، ح 1565 .

.

1- .الکافى : 8 / 244 / 338 ، علل الشرايع : 559 / 1 ، الاختصاص : 227 كلّها عن هشام بن سالم ، تحف العقول : 360 ، بحار الأنوار : 72 / 42 / 44 .
2- .مطالب السؤول : 55 ؛ بحار الأنوار : 78 / 8 / 64 .
3- .غرر الحكم : 1744 .

امام صادق علیه السلام :ای حمران! به کسی بنگر که توانش کم تر از تو است و نه آن که توانش بیش از تو است . این شیوه تو را به آن چه قسمتت گشته ، بیش تر خرسند می سازد و شایسته افزونی نعمت پروردگارت می کند .

3 / 15پاکدامنیامام علی علیه السلام :تا پاکدامن نباشی ، توانگر نخواهی گشت .

امام علی علیه السلام :مؤمن در توانگری پاکدامن است و از دنیا دامن شسته است .

ر .ک : ص839 ، ح 1565.

.

3 / 16عَدُّ المالِ عارِيَهًالإمام علىّ عليه السلام :المالُ عارِيَهٌ . (1)

عنه عليه السلام :كَم مِن ذى ثَروَهٍ خَطيرٍ صَيَّرَهُ الدَّهرُ فَقيرا حَقيرا ! (2)

عنه عليه السلام :أُذكُرِ مَعَ كُلِّ لَذَّهٍ زَوالَها ، ومَعَ كُلِّ نِعمَهٍ اِنتِقالَها ، ومَعَ كُلِّ بَلِيَّهٍ كَشفَها ؛ فَإِنَّ ذلِکَ أبقى لِلنِّعمَهِ ، وأنفى لِلشَّهوَهِ ، وأذهَبُ لِلبَطَرِ ، وأقرَبُ إلَى الفَرَجِ ، وأجدَرُ بِكَشفِ الغُمَّهِ ودَركِ المَأمولِ . (3)

الإمام الصادق عليه السلام :اِجعَل مالَکَ عارِيَهً تَرُدُّها . (4)

.

1- .غرر الحكم : 243 .
2- .غرر الحكم : 6924 .
3- .غرر الحكم : 2449 .
4- .الكافى : 2 / 455 / 7 عن أحمد بن محمّد رفعه ، من لا يحضره الفقيه : 4 / 410 / 5892 عن عبد اللّه ابن أبي يعفور ، مشكاه الأنوار : 429 / 1427 ، بحار الأنوار : 78 / 283 / 1 نقلاً عن تحف العقول .

3 / 16امانت شمردنِ داراییامام علی علیه السلام :مال امانت است .

امام علی علیه السلام :بسا ثروتمند بلندرتبه که روزگار او را فقیر فرومایه گرداند .

امام علی علیه السلام :با هر لذت ، نیست شدنش را به یاد آور ؛ و با هر نعمت ، از کف شدنش را ؛ و با هر بلا ، رخت بربستنش را ؛ که این ، برای پایداری نعمت ، نابودی شهوت ، راندن غرور ، نزدیک شدن به گشایش ، و برطرف شدن اندوه و دست یافتن به آرزو بهتر است .

امام صادق علیه السلام :مال خود را امانتی بدان که باید بازگردانی .

.

الفصل الرابع: المبادئ العباديّه4 / 1الاِستِغفارالكتاب :«وَ أَنِ اسْتَغْفِرُواْ رَبَّكُمْ ثُمَّ تُوبُواْ إِلَيْهِ يُمَتِّعْكُم مَّتَعًا حَسَنًا إِلَى أَجَلٍ مُّسَمًّى وَ يُؤْتِ كُلَّ ذِى فَضْلٍ فَضْلَهُ . (1) »

«وَيَقَوْمِ اسْتَغْفِرُواْ رَبَّكُمْ ثُمَّ تُوبُواْ إِلَيْهِ يُرْسِلِ السَّمَآءَ عَلَيْكُم مِّدْرَارًا وَ يَزِدْكُمْ قُوَّةً إِلَى قُوَّتِكُمْ وَ لاَ تَتَوَلَّوْاْ مُجْرِمِينَ . (2) »

«فَقُلْتُ اسْتَغْفِرُواْ رَبَّكُمْ إِنَّهُ كَانَ غَفَّارًا * يُرْسِلِ السَّمَآءَ عَلَيْكُم مِّدْرَارًا * وَ يُمْدِدْكُم بِأَمْوَ لٍ وَ بَنِينَ وَ يَجْعَل لَّكُمْ جَنَّتٍ وَ يَجْعَل لَّكُمْ أَنْهَرًا . (3) »

.

1- .هود : 3 .
2- .هود : 52 .
3- .نوح : 10 12 .

فصل چهارم: اصول عبادی4 / 1آمرزش خواستنقرآن :« ... و این که از پروردگارتان آمرزش بخواهید و آن گاه به او باز گردید تا شما را به بهره ای نیکو تا سرآمدی معین برخورداری دهد و هر بافضیلتی را فزونی بخشد ».

«و ای قوم من! از پروردگارتان آمرزش بخواهید؛ آن گاه به او بازگردید تا باران را بر شما پیاپی و فراوان فرو فرستد و نیرویی بر نیرویتان بیفزاید . و بزهکارانه روی مگردانید .».

«پس گفتم : از پروردگارتان آمرزش بخواهید * که او همواره آمرزگار است * تا آسمان را بر شما بارنده فرستد * و شما را با مال ها و پسران یاری کند و به شما بوستان ها دهد و برایتان جوی ها پدید آورد .».

.

الحديث :رسول اللّه صلى الله عليه و آله :أكثِرُوا الاِستِغفارَ ؛ فَإِنَّهُ يَجلِبُ الرِّزقَ . (1)

عنه صلى الله عليه و آله :مَن أنعَمَ اللّهُ تَعالى عَلَيهِ نِعمَةً فَليَحمَدِ اللّهَ ، ومَنِ استَبطَأَ الرِّزقَ فَليَستَغفِرِ اللّهَ . (2)

تنبيه الغافلين عن ابن عمر :شَهِدتُ رَسولَ اللّهِ صلى الله عليه و آله وقَد أتاهُ رَجُلٌ فَقالَ : يا رَسولَ اللّهِ ، قَلَّت ذاتُ يَدى ، قالَ : فَأينَ أنتَ مِن صَلاةِ المَلائِكَةِ ، وتَسبيحِ الخَلائِقِ وما بِهِ يُرزَقونَ !؟ قالَ : ما هُوَ يا رَسولَ اللّهِ؟ قالَ : «سُبحانَ اللّهِ وبِحَمدِهِ ، سُبحانَ اللّهِ العَظيمِ ، أستَغفِرُ اللّهَ» مِائَةَ مَرَّةٍ ما بَينَ طُلوعِ الفَجرِ إلى أن تُصَلِّىَ صَلاةَ الغَداةِ ، تَأتيكَ الدُّنيا صاغِرَةً راغِمَةً . (3)

الإمام علىّ عليه السلام :قَد جَعَلَ اللّهُ سُبحانَهُ الاِستِغفارَ سَبَبا لِدُرورِ الرِّزقِ ورَحمَةِ الخَلقِ ، فَقالَ سُبحانَهُ : «اِستَغْفِرُواْ رَبَّكُمْ إِنَّهُ كَانَ غَفَّارًا* يُرْسِلِ السَّمَآءَ عَلَيْكُم مِّدْرَارًا* وَ يُمْدِدْكُم بِأَمْوَلٍ وَ بَنِينَ وَ يَجْعَل لَّكُمْ جَنَّتٍ وَ يَجْعَل لَّكُمْ أَنْهَرًا (4) » . (5)

.

1- .كنز الفوائد : 2 / 197 ، الخصال : 615 / 10 عن أبى بصير ومحمّد بن مسلم عن الإمام الصادق عليه السلام ، تحف العقول : 106 كلاهما عن الإمام علىّ عليه السلام ، بحار الأنوار : 103 / 21 / 14 .
2- .عيون أخبار الرضا عليه السلام : 2 / 46 / 171 ، صحيفه الإمام الرضا عليه السلام : 84 / 192 كلاهما عن أحمد بن عامر الطائى عن الإمام الرضا عن آبائه عليهم السلام ، الأمالى للطوسى : 480 / 1048 عن عبد العزيز بن محمّد الدراوردى عن الإمام الصادق عليه السلام ، بحار الأنوار : 46 / 202 / 77 ؛ شُعب الإيمان : 4 / 108 / 4446 وج 1 / 441 / 651 كلاهما عن عبد العزيز بن أبى حازم وعبد العزيز بن محمّد الدراوردى عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه و آله ، كنز العمّال : 3 / 259 / 6442 .
3- .تنبيه الغافلين : 546 / 881 .
4- .نوح : 10 12 .

5- .نهج البلاغه : الخطبه 143 ، كشف الغمّه : 2 / 368 عن الإمام الصادق عليه السلام نحوه .

حدیث:پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :فراوان آمرزش خواهید ؛ که مایه جلب روزی است .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر که خدای تعالی به او نعمت دهد ، باید خدا را شکر کند ؛ و هر که روزی اش کُند رسد ، باید از خدا آمرزش خواهد .

تنبیه الغافلین از ابن عمر :شاهد بودم که مردی نزد رسول خدا صلی الله علیه و آلهآمد و گفت: «ای رسول خدا! سرمایه ام اندک است» . پیامبر فرمود: «چرا درود فرشتگان و تسبیح آفریدگان و مایه روزی مردم را به یاری نمی گیری؟» گفت: «آن چیست ای رسول خدا؟» فرمود: «منزه است خداوند و ستودنی ؛ منزه است خدای بزرگ ؛ از او آمرزش می جویم» ؛ این ذکر را صد بار از سر بر زدن سپیده تا [پایان یافتن وقت]نماز صبح ادا کن تا دنیا فروتنانه و ناگزیر به سویت آید» .

امام علی علیه السلام :خدای سبحان آمرزش خواستن را مایه افزونی روزی و رحمت آفریدگان ساخته است . خداوند سبحان فرماید: «از پروردگارتان آمرزش بخواهید که او همواره آمرزگار است * تا آسمان را بر شما بارنده فرستد * و شما را با مال ها و پسران یاری کند و به شما بوستان ها دهد و برایتان جوی ها پدید آورد .»

.

عنه عليه السلام :اِستَغفِر تُرزَق . (1)

عنه عليه السلام لِكُمَيلِ بنِ زِيادٍ : إذا أبطَأَتِ الأَرزاقُ عَلَيکَ فَاستَغفِرِ اللّهَ يُوَسِّع عَلَيکَ فيها . (2)

عنه عليه السلام :لَو أنَّ النّاسَ حينَ تَنزِلُ بِهِمُ النِّقَمُ وتَزولُ عَنهُمُ النِّعَمُ فَزِعوا إلى رَبِّهِم بِصِدقٍ مِن نِيّاتِهِم ووَلَهٍ مِن قُلوبِهِم ، لَرَدَّ عَلَيهِم كُلَّ شارِدٍ ، وأصلَحَ لَهُم كُلَّ فاسِدٍ . (3)

الفرج بعد الشدّه عن أيّوب بن العبّاس بن الحسن بِإسنادٍ كَثيرٍ : إنَّ أعرابِيّا شَكا إلى أميرِ المُؤمِنينَ عَلِيٍّ عليه السلامشَكوىً لَحِقَتهُ ، وضيقا فِى الحالِ ، وكَثرَةً مِنَ العِيالِ ، فَقالَ لَهُ : عَلَيکَ بِالاِستِغفارِ ؛ فَإنَّ اللّهَ عز و جل يَقولُ : «اسْتَغْفِرُواْ رَبَّكُمْ إِنَّهُ كَانَ غَفَّارًا . . .» . فَمَضَى الرَّجُلُ وعادَ إلَيهِ فَقالَ : يا أميرَ المُؤمِنينَ ، إنّى قَدِ استَغفَرتُ اللّهَ كَثيرا ولَم أرَ فَرَجا مِمّا أنَا فيهِ !؟ فَقالَ لَهُ : لَعَلَّکَ لا تُحسِنُ الاِستِغفارَ !؟ قالَ : عَلِّمنى ، فَقالَ : أخلِص نِيَّتَکَ وأطِع رَبَّکَ وقُل : «اللّهُمَّ إنّى أستَغفِرُکَ مِن كُلِّ ذَنبٍ قَوِىَ عَلَيهِ بَدَنى بِعافِيَتِکَ ، أو نالَتهُ قُدرَتى بِفَضلِ نِعمَتِکَ ، أو بَسَطتُ إلَيهِ يَدى بِسابِغِ رِزقِکَ ، وَاتَّكَلتُ فيهِ عِندَ خَوفى مِنهُ عَلَى أمانِکَ ، ووَثِقتُ فيهِ بِحِلمِکَ ، وعَوَّلتُ فيهِ عَلى كَريمِ عَفوِکَ . اللّهُمَّ إنّى أستَغفِرُکَ مِن كُلِّ ذَنبٍ خُنتُ (4) فيهِ أمانَتى ، أو بَخَستُ فيهِ نَفسى ، أو قَدَّمتُ فيهِ لَذّتى ، أو آثَرتُ فيهِ شَهوَتى ، أو سَعَيتُ فيهِ لِغَيرى ، أوِ استَغوَيتُ إلَيهِ مَن تَبِعَنى ، أو غَلَبتُ فيهِ بِفَضلِ حيلَتى ، أو أحَلتُ فيهِ عَلى مَولاىَ فَلَم يُعاجِلنى عَلى فِعلى ، إذ كُنتَ سُبحانَکَ كارِها لِمَعصِيَتى غَيرَ مُريدِها مِنّى ، لكِنِ سَبَقَ عِلمُکَ فِىَّ بِاختِيارى وَاستِعمالِ مُرادى وإيثارى ، فَحَلُمتَ عَنّى ، ولَم تُدخِلنى فيهِ جَبرا ، ولَم تَحمِلنى عَلَيهِ قَهرا ، ولَم تَظلِمنى عَلَيهِ شَيئا ، يا أرحَمَ الرّاحِمينَ . يا صاحِبى فى شِدَّتى ، يا مُؤنِسى فى وَحدَتى ، يا حافِظى فى غُربَتى ، يا وَلِيِّى فى نِعمَتى ، يا كاشِفَ كُربَتى ، يا مُستَمِعَ دَعوَتى ، يا راحِمَ عَبرَتى ، يا مُقيلَ عَثرَتى . يا إلهى بِالتَّحقيقِ ، يا رُكنِىَ الوَثيقَ ، يا رَجاىَ لِلضّيقِ ، يا مَولاىَ الشَّفيقَ ، يا رَبَّ البَيتِ العَتيقِ ، أخرِجنى مِن ضَيقِ المَضيقِ إلى سَعَهِ الطَّريقِ بِفَرَجٍ مِن عِندِکَ قَريبٍ وَثيقٍ ، وَاكشِف عَنّى كُلَّ شِدَّهٍ وضيقٍ ، وَاكفِنى ما أُطيقُ وما لا أُطيقُ . اللّهُمَّ فَرِّج عَنّى كُلَّ هَمٍّ وغَمٍّ ، وأخرِجنى مِن كُلِّ حُزنٍ وكَربٍ ، يا فارِجَ الهَمِّ ، ويا كاشِفَ الغَمِّ ، ويا مُنزِلَ القَطرِ ، ويا مُجيبَ دَعوَهِ المُضطَرِّ ، يا رَحمنَ الدُّنيا وَالآخِرَهِ ورَحيمَهُما ، صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ خِيَرَتِکَ مِن خَلقِکَ وعَلى آلِهِ

الطّيِّبينَ الطّاهِرينَ ، وفَرِّج عَنّى ما ضاقَ بِهِ صَدرِى ، وعيلَ مَعَهُ صَبرى ، وقَلَّت فيهِ حيلَتى ، وضَعُفَت لَهُ قُوَّتى ، يا كاشِفَ كُلِّ ضُرٍّ وبَلِيَّةٍ ، يا عالِمَ كُلِّ سِرٍّ وخَفِيَّةٍ ، يا أرحَمَ الرّاحِمينَ . وأُفَوِّضُ أمرى إلَى اللّهِ إنَّ اللّهَ بَصيرٌ بِالعِبادِ ، وما تَوفيقى إلاّ بِاللّهِ ، عَلَيهِ تَوَكَّلتُ وهُوَ رَبُّ العَرشِ العَظيمِ» . قالَ الأَعرابِىُّ : فَاستَغفَرتُ بِذلِكَ مِرارا ، فَكَشَفَ اللّهُ عَنّى الغَمَّ وَالضّيقَ ، ووَسَّعَ عَلَىَّ فِى الرِّزقِ ، وأزالَ المِحنَةَ . (5)

.

1- .غرر الحكم : 2228 .
2- .تحف العقول : 174 ، بشاره المصطفى : 27 ، بحار الأنوار : 77 / 270 / 1 ؛ مطالب السؤول : 55 .
3- .نهج البلاغه : الخطبه 178 ، بحار الأنوار : 6 / 57 / 6 وراجع الخصال : 624 / 10 .
4- .وفى المصدر : «خفت» ، وما أثبتناه هو الصحيح كما فى كنز العمّال .
5- .الفرج بعد الشدّه للتنوخى : 1 / 42 ، كنز العمّال : 2 / 258 / 3966 .

امام علی علیه السلام :آمرزش بخواه تا روزی یابی .

امام علی علیه السلام خطاب به کمیل بن زیاد : هر گاه روزی ات به تنگنا افتاد ، از خداوند آمرزش بخواه تا آن را بر تو گشاده فرماید .

امام علی علیه السلام :اگر مردم به هنگام فرو رسیدن بلاها و زوال نعمت ها ، با نیت راستین و شوق درونی نزد خدا تضرع کنند ، خداوند نعمت دور شده را به ایشان باز گرداند و هر گونه خرابی و تباهی را برایشان به سامان آورد .

الفرج بعد الشدّه از ایوب بن عباس بن حسن با ذکر سند فراوان : از بیابان نشینان عرب ، کسی نزد امیرالمؤمنین از مشکلی که به وی روی آورده بود و تنگنای احوال و عیالواری شکایت آورد . امام به وی فرمود: «بر تو باد آمرزش خواهی ؛ که خداوند می فرماید : از پروردگارتان آمرزش جویید ؛ که هر آینه او آمرزنده است . . . » . آن مرد برفت و دیگر بار باز آمد و گفت: «ای امیرالمؤمنین! من بسیار از خدا آمرزش خواستم ، اما از حال خویش گشایشی نیافتم» . امام به وی فرمود: «شاید به نیکی آمرزش نخواسته ای» . گفت: «مرا بیاموز» . فرمود: «نیت خود را خالص کن و با فرمانبری از پروردگارت ، بگو : بار خدایا! از تو آمرزش می خواهم برای هر گناهی که با این تن که تو سالمش ساخته ای ، انجام داده ام ؛ یا با توانی که تو به نعمت بخشی خویش نصیبم فرموده ای ، مرتکب شده ام ؛ یا با فراخ روزی ای که عطایم فرموده ای ، بدان دست زدم ؛ و در عین بیم از آن گناه ، به پناه دهی تو توکّل کردم و به شکیبایی ات دل بستم و به بخشایش کریمانه ات اتکا نمودم . بار خدایا! از تو آمرزش می خواهم برای هرگناهی که با ارتکاب آن ، به امانتم خیانت کردم یا حق نفسم را پایمال کردم یا لذتم را مقدم شمردم یا شهوتم را ترجیح دادم یا برای غیر خود [و به زیان خویش]کوشیدم یا با آن ، دنباله روان خویش را گمراه ساختم یا به یاری تدبیرم بر انجام آن گناه پیروز گشتم یا آن را به مولای خود واگذاردم ولی او در کار من شتاب نفرمود ؛ که تو ای خدای سبحان از گناه من بیزاری و آن را از من نمی خواهی ، اما از پیش می دانستی که من به اختیار و خواست و گزینش خود ، چنان می کنم ؛ پس بر من شکیب ورزیدی و مرا به ناچاری در آن درنیاوردی و به اجبار بدان وانداشتی و در آن هیچ ستمی بر من نکردی ، ای مهرورزترینِ مهرورزان! ای یار من در

سخت حالی ام ؛ ای مونس من در تنهایی ام ؛ ای نگهدارنده من در بی کسی ام ؛ ای صاحب اختیار من در نعمتم ؛ ای زداینده اندوهم ؛ ای شنوای دعایم ؛ ای رحم کننده به اشک روانم ؛ ای درگذرنده از لغزشم ؛ ای معبود حقیقی من ؛ ای بنیاد استوار من ؛ ای امید من در تنگناها ؛ ای مولای مهربانم ؛ ای پروردگار خانه آزاد ؛ مرا از گلوگاه تنگنا به فراخنای گشایش درآور با گشایشی از سوی خود که نزدیک و قابل اعتماد است ؛ و هر گونه سختی و تنگنا را از من بزدای ؛ و در آن چه توان دارم و ندارم ، مرا کفایت فرما . بار خدایا ! هر اندوه و غصه را از من واگشا ؛ و از هر غم و رنج بیرونم آور ؛ ای گشاینده اندوه و ای زداینده غم و ای فروفرستنده باران و ای اجابت کننده دعای گرفتار و ای رحمت آور و مهرورز در دنیا و آخرت ! بر محمّد که بهترینِ آفریدگان تو است و بر خاندان پاک و پاک نهادش درود فرست و واگشای از من آن چه سینه ام را تنگ کرده و صبرم را بر هم زده و تدبیرم را اندک نموده و نیرویم را کم کرده ؛ ای زداینده هر سختی و بلا ؛ ای داننده هر پنهان و ناپیدا ؛ ای مهرورزترینِ مهرورزان ! کارم را یکسره به خدا وا می نهم ؛ که خدا به بندگانش بینا است و توفیق من جز از او نیست ؛ بر وی توکّل می کنم و او است پروردگار عرش بزرگ » . آن مرد بادیه نشین گوید: «بارها به این شیوه آمرزش خواستم و خدا اندوه و تنگنا را از من واگشود و روزی ام را وسعت بخشید و غم را زدود» .

.

ص: 680

. .

ص: 681

..

الإمام الباقر عليه السلام :إذا أبطَأَ عَلَيکَ رِزقٌ فَقُل : أستَغفِرُ اللّهَ . (1)

الكافى عن أبو بصير :قُلتُ لِأَبى عَبدِ اللّهِ عليه السلام : لَقَدِ استَبطَأتُ الرِّزقَ ، فَغَضِبَ ، ثُمَّ قالَ لى : قُل : «اللّهُمَّ إنَّکَ تَکَفَّلتَ بِرِزقى ورِزقِ کُلِّ دابَّةٍ ، يا خَيرَ مَدعُوٍّ ، ويا خَيرَ مَن أعطى ، ويا خَيرَ مَن سُئِلَ ، ويا أفضَلَ مُرتَجىً ؛ اِفعَل بى کَذا وکَذا» . (2)

الزهد لابن حنبل عن أبو الجلد :إنَّ النَّبِىَّ داودَ عليه السلام أمَرَ مُنادِيا فَنادى : الصَّلاةَ جامِعَةً ، فَخَرَجَ النّاسُ وهُم يَرَونَ أنَّهُ سَيَکونُ مِنهُ يَومَئِذٍ مَوعِظَةٌ وتَأديبٌ ودُعاءٌ ، فَلَمّا وافى مَکانَهُ قالَ : «اللّهُمَّ اغفِر لَنا» وَانصَرَفَ ، فَاستَقبَلَ آخِرُ النّاسِ أوائِلَهُم فَقالوا : ما لَکُم؟ قالوا : إنَّ نَبِىَّ اللّهِ عليه السلام إنَّما دَعا بِدَعوَةٍ واحِدَةٍ ثُمَّ انصَرَفَ . قالوا : سُبحانَ اللّهِ ! کُنّا نَرجو أن يَکونَ هذَا اليَومُ يَومَ عِبادَةٍ ودُعاءٍ ومَوعِظَةٍ وتَأديبٍ ، فَما دَعا إلاّ بِدَعوَةٍ واحِدَةٍ !! قالوا: فَأَوحَى اللّهُ] تَعالى [إلَيهِ أن أبلِغ عَنّى قَومَکَ فَإنَّهُم قَدِ استَقَلّوا دُعاءَکَ أنّى مَن أغفِر لَهُ أُصلِح لَهُ أمرَ آخِرَتِهِ ودُنياهُ . (3)

راجع : ص 820 (الموانع العمليه / السيّئات) .

4 / 2الصَّلاهنثر الدرّ :کانَ] رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله [إذا نَزَلَ بِهِ الضّيقُ فِى الرِّزقِ أمَرَ أهلَهُ بِالصَّلاهِ ، ثُمَّ تَلا هذِهِ الآيَةَ : «وَ أْمُرْ أَهْلَکَ بِالصَّلَوهِ وَ اصْطَبِرْ عَلَيْهَا لَانَسْئَلُکَ رِزْقًا نَّحْنُ نَرْزُقُکَ (4) . (5) »

.

1- .نثر الدرّ : 1 / 345 .
2- .الكافى : 2 / 551 / 2 وص 553 / 12 نحوه .
3- .الزهد لابن حنبل : 92 ، حليه الأولياء : 6 / 57 .
4- .طه : 132 .
5- .نثر الدرّ : 1 / 266 ؛ المعجم الأوسط : 1 / 272 / 886 عن عبد اللّه بن سلام نحوه .

امام باقر علیه السلام :هر گاه روزی ات به تأخیر افتاد ، بگو : از خدا آمرزش می جویم .

ابوبصیر :به امام صادق علیه السلام گفتم: «روزی من به تأخیر افتاده است» . امام خشمناک گشت و سپس مرا فرمود: «بگو : بار خدایا! تو روزی من و هر جنبنده ای را ضمانت فرموده ای ؛ ای بهترین فراخوانده شده ؛ ای بهترین بخشاینده ؛ ای بهترین درخواست شونده ؛ ای برترین امیدگاه ؛ با من چنین و چنان فرما » .

الزهد ابن حنبل از ابو جلد :داوود علیه السلام ، پیامبر خدا ، به نداگری فرمان داد که ندای نماز جماعت در دهد . پس مردم بیرون شدند ، حال آن که می دانستند آن روز وی ایشان را پند و ادب و دعا خواهد آموخت . چون او به جایگاه خود درآمد ، گفت: «بار خدایا! ما را بیامرز» . سپس بازگشت . مردمی که واپس بودند ، به مردم پیشین روی کرده ، گفتند: «شما چه دریافتید؟» گفتند: «پیامبر خدا تنها یک دعا کرد و بازگشت» . گفتند: «منزه است خدای! ما امید داشتیم که امروز هنگامه عبادت و دعا و پند و ادب باشد . او جز یک دعا نفرمود!» گفتند: «خدای [تعالی] به وی وحی فرمود که به قوم خود که دعای تو را کوچک شمرده اند ، از سوی من ابلاغ کن که هر کس را بیامرزم ، کار آخرت و دنیایش را به سامان آورم» .

ر .ک : ص821 (موانع عملی / گناهان).

4 / 2نمازنثر الدر :رسول خدا صلی الله علیه و آله هرگاه دچار تنگنای روزی می شد ، خانواده اش را به نماز فرمان می داد و سپس این آیه را می خواند : «و خاندان خویش را به نماز فرمان ده و بر آن شکیبا باش ؛ از تو روزی نمی خواهیم ، ما خود به تو روزی می دهیم» .

.

تنبيه الخواطر :يُروى عَن رَسولِ اللّهِ صلى الله عليه و آله أنَّهُ كانَ إذا أصابَ أهلَهُ خَصاصَهٌ قالَ : قوموا إلَى الصَّلاهِ ، ويَقولُ : بِهذا أمَرَنى رَبّى ؛ قالَ اللّهُ تَعالى : «وَ أْمُرْ أَهْلَکَ بِالصَّلَوهِ وَ اصْطَبِرْ عَلَيْهَا لاَنَسْئلُکَ رِزْقًا نَّحْنُ نَرْزُقُکَ وَ الْعَقِبَهُ لِلتَّقْوَى . (1) »

رسول اللّه صلى الله عليه و آله :مَن صَلّى رَكعَتَينِ إذا دَخَلَ إلى رَحلِهِ ؛ نَفَى اللّهُ تَعالى عَنهُ الفَقرَ ، وكَتَبَهُ فِى الأوّابينَ . (2)

عنه صلى الله عليه و آله :لِلمُصَلّى حُبُّ المَلائِكَهِ . . . وبَرَكَهٌ فِى الرِّزقِ . (3)

عنه صلى الله عليه و آله :خَيرُ الدُّنيا وَالآخِرَهِ فِى الصَّلاهِ ، وبِها يَتَبَيَّنُ الكافِرُ مِنَ المُؤمِنِ ، وَالمُخلِصُ مِنَ المُنافِقِ ، وهِىَ عِمادُ الدّينِ ، ومَلاذُ الجَسَدِ ، وزَينُ الإسلَامِ ، ومُناجاهُ الحَبيبِ لِلحَبيبِ ، وقَضاءُ الحاجَهِ ، وتَوبَهُ النّائِبِ ، وتَذكِرَهُ المَنِيَّهِ ، وَالبَرَكَهُ فِى المالِ ، وسَعَهُ الرِّزقِ ، ونورُ الوَجهِ . (4)

عنه صلى الله عليه و آله :إذا رَأَيتَ فى مَعاشِكَ ضيقا وفى أمرِكَ التِياثاً ، فَأنزِل حاجَتَكَ بِاللّهِ عز و جل ، ولا تَدَع صَلاهَ الاِستِغفارِ وهِىَ رَكعَتانِ : تَفتَتِحُ الصَّلاهَ وتَقرَأُ الحَمدَ وإنّا أنزَلناهُ مَرَّهً واحِدَهً فى كُلِّ رَكعَهٍ ، ثُمَّ تَقولُ بَعدَ القِراءَهِ : «أستَغفِرُ اللّهَ» خَمسَ عَشرَهَ مَرَّهً ، ثُمَّ تَركَعُ فَتَقرَأُها عَشرا عَلى هَيئَهِ صَلاهِ جَعفَرٍ يُصلِحِ اللّهُ لَکَ شَأنَکَ كُلَّهُ ، إن شاءَ اللّهُ . (5)

.

1- .تنبيه الخواطر : 1 / 222 ، مستدرک الوسائل : 12 / 242 / 14001 نقلاً عن القطب الراوندى فى لبّ اللباب وفيه صدره .
2- .الجعفريّات : 36 .
3- .الخصال : 522 / 11 عن ضمره بن حبيب ، جامع الأخبار : 183 / 444 وفيه «الصلاه» بدل «للمصلّى» .
4- .جامع الأخبار : 183 / 446 .
5- .مكارم الأخلاق : 2 / 115 / 2320 ، بحار الأنوار : 91 / 354 / 18 .

تنبیه الخواطر :از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت شده که هرگاه خانواده پیامبر نیازمند می گشتند ، وی می فرمود : «به نماز برخیزید» ؛ و می فرمود : «پروردگارم مرا چنین امر فرموده است . خدای تعالی می فرماید: «و خاندان خویش را به نماز فرمان ده و بر آن شکیبا باش ؛ از تو روزی نمی خواهیم ، ما خود به تو روزی می دهیم ؛ و سرانجام از آنِ پرهیزگاران است» » .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر کس به هنگام وارد شدن به خانه اش دو رکعت نماز بگزارد ، خدا فقر را از او بزداید و وی را در زمره توبه کنندگان به شمار آورد .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :نمازگزار را فرشتگان دوست می دارند و . . . روزی اش برکت مند است .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :خیر دنیا و آخرت در نماز است و با آن ، کافر از مؤمن ، و اخلاص پیشه ، از منافق شناخته می شود . نماز ستون دین ، و پناهگاه تن ، و زینت اسلام ، و مناجات دو دوست ، و مایه برآمدن نیاز ، و بازگشت توبه کار ، و یاد مرگ ، و برکت در مال ، و گشایش روزی ، و نور چهره است .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هرگاه در زندگانی ات تنگنا و در کارت پیچشی یافتی ، نیازت را نزد خداوند عرضه کن و نمازِ آمرزش را وامگذار ؛ و آن دو رکعت است . در هر رکعت ، سوره های حمد و قدر را یک بار قراءت کن و سپس پانزده بار «استغفراللّه » بگو و آن گاه در رکوع ده بار «استغفراللّه » بگو ، به گونه نماز جعفر . خداوند همه کارهایت را به سامان می آورد ، اگر خدا خواهد .

.

عنه صلى الله عليه و آله فى بَيانِ آثارِ التَّهاوُنِ بِالصَّلاهِ : . . . أمَّا اللَّواتى تُصيبُهُ فى دارِ الدُّنيا : فَالاُولى يَرفَعُ اَللّهُ البَرَكَهَ مِن عُمُرِهِ ، ويَرفَعُ اللّهُ البَرَكَهَ مِن رِزقِهِ . (1)

الإمام الباقر عليه السلام :جاءَ رَجُلٌ إلَى النَّبِىَّ صلى الله عليه و آله فَقالَ : يا رَسولَ اللّهِ إنّى ذو عِيالٍ وعَلَىَّ دَينٌ وقَدِ اشتَدَّت حالى ، فَعَلِّمنى دُعاءً أدعُو اللّهَ عز و جل بِهِ لِيَرزُقَنى ما أقضى بِهِ دَينى وأستَعينُ بِهِ عَلى عِيالى ، فَقالَ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله : يا عَبدَ اللّهِ ، تَوَضَّأ وأسبِغ وُضوءَكَ ، ثُمَّ صَلِّ رَكعَتَينِ تُتِمُّ الرُّكوعَ وَالسُّجودَ ، ثُمَّ قُل : يا ماجِدُ يا واحِدُ يا كَريمُ يا دائِمُ ، أتَوَجَّهُ إلَيكَ بِمُحَمَّدٍ نَبِيِّكَ نَبِىِّ الرَّحمَهِ صلى الله عليه و آله يا مُحَمَّدُ يا رَسولَ اللّهِ، إنّى أتَوَجَّهُ بِكَ إلَى اللّهِ رَبِّكَ ورَبّى وَربِّ كُلِّ شَىءٍ أن تُصَلِّىَ عَلى مُحَمَّدٍ وأهلِ بَيتِهِ ، وأسأَلُكَ نَفحَهً كَريمَهً مِن نَفَحاتِكَ ، وفَتحا يَسيرا ورِزقا واسِعا ، أللّهُمَّ بِهِ شَعَثى وأقضى بِهِ دَينى وأستَعينُ بِهِ عَلى عِيالى . (2)

الإمام الصادق عليه السلام :لا تَترُكوا رَكعَتَينِ بَعدَ العِشاءِ الآخِرَهِ ؛ فَإِنَّها مَجلَبَهٌ لِلرِّزقِ . (3)

.

1- .فلاح السائل : 61 / 1 عن فاطمه عليهاالسلام .
2- .الكافى : 2 / 552 / 6 وج 3 / 473 / 2 كلاهما عن أبى حمزه ، تهذيب الأحكام : 3 / 311 / 966 عن ابن أبى حمزه عن الإمام الجواد عليه السلام قال : «جاء رجل إلى الإمام الرضا عليه السلام فقال : يابن رسول اللّه ...» نحوه ، بحار الأنوار : 91 / 360 من دون إسنادٍ إلى المعصوم .
3- .فلاح السائل : 453 / 308 عن هشام بن سالم ، بحار الأنوار : 87 / 107 / 2 .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در بیان آثار سبک شمردن نماز : . . . اما آثار دنیایی آن از این قرارند : نخست این که خدا برکت را از عمر و روزی انسان می زداید .

امام باقر علیه السلام :مردی نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمد و گفت: «ای رسول خدا! من عیالوار و بدهکار و سخت احوالم . مرا دعایی آموز که با آن خدا را فراخوانم تا مرا چندان روزی دهد که هم وامم را بپردازم و هم خانواده ام را تأمین کنم» . پیامبر فرمود : «ای بنده خدا! وضو ساز و حقِّ هر اندام را در وضویت به خوبی ادا کن و سپس دو رکعت نماز بگزار و در آن رکوع و سجده ای کامل به جای آور و آن گاه بگو : «ای بزرگوار ، ای یگانه ، ای کرامت بخش ، ای جاودانه! به تو روی می آورم به واسطه محمّد ، پیامبرت ، که پیامبر رحمت است ای محمّد ، ای رسول خدا! هر آینه به واسطه تو به خدا روی می آورم که پروردگار تو و من و هر چیز است که بر محمّد و خاندانش درود فرستی ؛ و از تو بخششی کریمانه از بخشش هایت و گشایشی آسان بخش و روزی ای گسترده خواهانم تا با آن ، آشفتگی ام را سامان دهم و وامم را بپردازم و نیاز خانواده ام را تأمین کنم .

امام صادق علیه السلام :دو رکعتِ پس از نماز عشا را ترک مکنید ؛ که آن جلب کننده روزی است .

.

4 / 3صَلاةُ اللَّيلِرسول اللّه صلى الله عليه و آله :صَلاةُ اللَّيلِ مَرضاةٌ لِلرَّبِّ ، . . . وبَرَكَةٌ فِى الرِّزقِ . (1)

عنه صلى الله عليه و آله :صَلاةُ اللَّيلِ تُبَيِّضُ الوُجوهَ ، وتُطَيِّبُ الرّيحَ ، وتَجلِبُ الرِّزقَ . (2)

الإمام الصادق عليه السلام :صَلاةُ اللَّيلِ تُحَسِّنُ الوَجهَ ، وتُحَسِّنُ الخُلُقَ ، وتُطَيِّبُ الرّيحَ ، وتُدِرُّ الرِّزقَ . (3)

عنه عليه السلام :صَلاةُ اللَّيلِ تَجلِبُ الرِّزقَ . (4)

عنه عليه السلام :كَذَبَ مَن زَعَمَ أنَّهُ يُصَلّى بِاللَّيلِ ويَجوعُ بِالنَّهارِ ! إنَّ اللّهَ تَعالى ضَمِنَ بِصَلاةِ اللَّيلِ قوتَ النَّهارِ . (5)

عنه عليه السلام :إنَّ الرَّجُلَ لَيَكذِبُ الكَذبَةَ فَيُحرَمُ بِها صَلاةَ اللَّيلِ ؛ فَإذا حُرِمَ صَلاةَ اللَّيلِ حُرِمَ بِهَا الرِّزقَ . (6)

.

1- .إرشاد القلوب : 191 عن الإمام الصادق عن آبائه عن الإمام على عليهم السلام، بحار الأنوار: 87/161/52 .
2- .عوالى اللآلى : 1 / 352 / 14 عن الإمام الصادق عليه السلام .
3- .ثواب الأعمال : 64 / 8 عن معاويه بن عمّار الدهنى ، الدعوات : 77 / 184 ، بحار الأنوار : 62 / 268 / 50 و ج 87 / 153 / 31 .
4- .تهذيب الأحكام : 2 / 120 / 454 عن أبى زهير رفعه ، ثواب الأعمال : 63 / 3 عن معاويه بن عمّار عن بعض أصحابه ، علل الشرايع : 363 / 1 عن آدم بن إسحاق عن بعض أصحابه ، بحار الأنوار : 87 / 150 / 25 .
5- .تهذيب الأحكام : 2 / 120 / 456 ، ثواب الأعمال : 64 / 5 كلاهما عن عمر بن علىّ بن عمر عن عمّه [محمّد بن عمر] عمّن حدّثه ، بحار الأنوار : 87 / 153 / 31 .
6- .تهذيب الأحكام : 2 / 122 / 463 ، ثواب الأعمال : 65 / 9 نحوه ، علل الشرايع : 362 / 2 كلّها عن الحسين بن الحسن الكندى ، الدعوات : 118 / 272 ، بحار الأنوار : 87 / 146 / 19 .

4 / 3نماز شبپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :نماز شب مایه خشنودی پروردگار . . . و برکت روزی است .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :نماز شب روی ها را سپید گرداند ، عطر خوش بخشد ، و روزی را جلب کند .

امام صادق علیه السلام :نماز شب چهره را زیبا سازد ، خوی را نیکو کند ، عطر خوش بخشد ، و روزی را فراوان نماید .

امام صادق علیه السلام :نماز شب روزی را جلب کند .

امام صادق علیه السلام :هر که پندارد به شب نماز خوانَد و در روز گرسنه مانَد ، دروغ گوید . همانا خدای تعالی بانماز شب ، روزیِ روز را تضمین فرموده است .

امام صادق علیه السلام :گاه انسان دروغی گوید و به سبب آن ، از نماز شب محروم گردد ؛ و چون از نماز شب محروم گردد ، از روزی بی نصیب شود .

.

4 / 4صَلاةُ الاِستِسقاءِرسول اللّه صلى الله عليه و آله مِن دُعائِهِ فِى الاِستِسقاءِ : اللّهُمَّ اسقِنا سَقيا . . . تُرخِصُ بِهِ الأَسعارَ فى جَميعِ الأَمصارِ . (1)

الإمام علىّ عليه السلام :اللّهُمَّ انشُر عَلَينا غَيثَکَ وبَرَکَتَکَ ، ورِزقَکَ ورَحمَتَکَ ، وَاسقِنا سُقيا ناقِعَةً مُرويَةً مُعشِبَةً ، تُنبِتُ بِها ما قَد فاتَ ، وتُحيى بِها ما قَد ماتَ ، نافِعَةَ الحَيا ، کَثيرَةَ المُجتَنى ، تُروى بِهَا القيعانَ ، وتُسيلُ البُطنانَ ، وتَستَورِقُ الأَشجارَ ، وتُرخِصُ الأَسعارَ ؛ إنَّکَ عَلى ما تَشاءُ قَديرٌ . (2)

الإمام الحسن عليه السلام مِن دُعائِهِ فى صَلاهِ الاِستِسقاءِ : اِسقِ سَهلَنا وجَبَلَنا ، وبَدوَنا وحَضَرَنا ؛ حَتّى تُرخِصَ بِهِ أسعارَنا ، وتُبارِکَ بِهِ فى ضِياعِنا ومُدُنِنا ؛ أرِنَا الرِّزقَ مَوجودا وَالغَلاءَ مَفقودا . (3)

4 / 5قِراءَهُ القُرآنِرسول اللّه صلى الله عليه و آله :اِجعَلوا فى بُيوتِکُم مِن صَلاتِکُم ، وَاعمُروها بِالقُرآنِ ؛ فَإِنَّ أفقَرَ البُيوتِ بَيتٌ لا يُقرَأُ فيهِ کِتابُ اللّهِ عز و جل . (4)

.

1- .النوادر للراوندى : 163 / 244 عن الإمام علىّ عليه السلام ، الصحيفه السجّاديه : 80 الدعاء 19 عن الإمام زين العابدين عليه السلام ، الجعفريّات : 50 ، بحار الأنوار : 91 / 316 / 4 .
2- .نهج البلاغه : الخطبه 143 ، بحار الأنوار : 91 / 313 / 3 .
3- .من لا يحضره الفقيه : 1 / 537 / 1504 ، قرب الإسناد : 157 / 576 عن أبى البخترى عن الإمام الصادق عن أبيه عن جدّه عن الإمام الحسن عليهم السلام وفيه «فى صاعنا ومدّنا» بدل «فى ضياعِنا ومُدُنِنا» ، بحار الأنوار : 91 / 321 / 9 .
4- .کنز العمّال : 15 / 393 / 41524 نقلاً عن الديلمى عن أبى هريره .

4 / 4 نماز باران

4 / 5 خواندن قرآن

4 / 4نماز بارانپیامبر خدا صلی الله علیه و آله از دعای وی در طلب باران : بار خدایا ! ما را سیرابی بخش . . . تا با آن ، نرخ ها را در همه جا ارزان سازی .

امام علی علیه السلام :بار خدایا ! باران و برکت و روزی و رحمتت را بر ما جاری ساز و آبی عطا فرما که سود دهد و سیرابی آورد و سرسبزی ایجاد کند ؛ تا با آن ، خشک شده ها را برویانی و مرده ها را زنده سازی ، چندان که تشنگی را بزداید و میوه فراوان پدید آورد و زمین های هموار را با آن سیراب سازی و در زمین های پرنشیب جاری اش گردانی و درختان را پر برگ و بار نمایی و نرخ ها را ارزان فرمایی ؛ که تو بر هر چه خواهی ، توانایی .

امام حسن علیه السلام از دعایش در نماز باران : دشت و کوه و بیابان و شهر ما را سیراب گردان تا بدان ، نرخ هامان را ارزان سازی و کشتگاه ها و شهرهامان را برکت دهی . روزی را به ما بنمایان و گرانی را از ما نهان دار .

4 / 5خواندن قرآنپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :بخشی از نمازتان را در خانه هاتان بگزارید و آن ها را با قرآن آباد کنید ؛ که همانا فقیرترین خانه ها خانه ای است که در آن ، کتاب خدا خوانده نشود .

.

عنه صلى الله عليه و آله :أكثِروا مِن قِراءَهِ القُرآنِ فى بُيوتِكُم ؛ فَإِنَّ البَيتَ الَّذى لا يُقرَأُ فيهِ القُرآنُ يَقِلُّ خَيرُهُ ، ويَكثُرُ شَرُّهُ ، ويَضيقُ عَلى أهلِهِ . (1)

عنه صلى الله عليه و آله :اِجعَلوا لِبُيوتِكُم نَصيبا مِنَ القُرآنِ ؛ فَإِنَّ البَيتَ إذا قُرِئَ فيهِ تَيَسَّرَ عَلى أهلِهِ ، وكَثُرَ خَيرُهُ ، وكانَ سُكّانُهُ فى زِيادَهٍ ، وإذا لَم يُقرَأ فيهِ القُرآنُ ضُيِّقَ عَلى أهلِهِ ، وقَلَّ خَيرُهُ ، وكانَ سُكّانُهُ فى نُقصانٍ . (2)

عنه صلى الله عليه و آله :نَوِّروا بُيوتَكُم مَا استَطَعتُم ؛ فَإِنَّ البَيتَ الَّذى يُقرَأُ فيهِ القُرآنُ يَتَّسِعُ عَلى أهلِهِ ، ويَكثُرُ خَيرُهُ ، وتَحضُرُهُ المَلائِكَهُ ، وتَهجُرُهُ الشَّياطينُ . (3)

عنه صلى الله عليه و آله :نَوِّروا بُيوتَكُم بِتِلاوَهِ القُرآنِ ، ولا تَتَّخِذوها قُبورا كَما فَعَلَتِ اليَهودُ وَالنَّصارى صَلّوا فِى الكَنائِسِ وَالبِيَعِ وعَطِّلوا بُيوتَهُم ؛ فَإِنَّ البَيتَ إذا كَثُرَ فيهِ تِلاوَهُ القُرآنِ كَثُرَ خَيرُهُ ، وَاتَّسَعَ أهلَهُ ، وأضاءَ لِأَهلِ السَّماءِ كَما تُضىءُ نُجومُ السَّماءِ لِأَهلِ الدُّنيا . (4)

عنه صلى الله عليه و آله :إنَّ أصفَرَ البُيوتِ لَبَيتٌ أصفَرَ مِن كِتابِ اللّهِ . (5)

.

1- .الفردوس : 1 / 81 / 246 ، كنز العمّال : 15 / 388 / 41496 نقلاً عن الدارقطنى فى الأفراد وكلاهما عن أنس وجابر .
2- .عدّه الداعى: 269 عن الإمام الرضا عليه السلام رفعه، صحيفه الإمام الرضا عليه السلام : 289/40 نحوه ، بحار الأنوار: 92 / 200 / 17 ؛ كنز العمّال : 15 / 393 / 41525 نقلاً عن ابن النجّار عن الإمام علىّ عليه السلامعنه صلى الله عليه و آله .
3- .الفردوس : 4 / 245 / 6725 عن أبى هريره ، كنز العمّال : 15 / 394 / 41526 نقلاً عن أبى نعيم عن أنس وأبى هريره معا .
4- .الكافى : 2 / 610 / 1 عن ليث بن أبى سليم ، عدّه الداعى : 268 / 4 عن ليث بن سليم وفيه «وأمتع أهله» بدل «واتّسع أهله» ، بحار الأنوار : 92 / 200 / 17 .
5- .الأمالى للسيّد المرتضى : 2/27 عن عبد اللّه بن مسعود و ص 30 ؛ النهايه : 3/36 نحوه ، كنزالعمّال: 7 / 799 / 21463 نقلاً عن ابن الضريس

ومحمّد بن نصر عن الحسن نحوه .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :در خانه هاتان فراوان قرآن بخوانید ؛ که همانا خانه ای که در آن قرآن خوانده نشود ، خیرش کم و شرش بسیار است و بر ساکنانش تنگی می کند .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :برای خانه هاتان بهره ای از قرآن قرار دهید ؛ که همانا خانه ای که در آن قرآن خوانده شود ، برای ساکنانش آسایش فراهم آید و خیرش بسیار باشد و اهلش از افزونی برخوردار گردند ؛ و هر گاه در آن قرآن خوانده نشود ، بر ساکنانش تنگ گردد و خیرش اندک شود و اهلش در کمبود به سر برند .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :چندان که می توانید ، خانه هاتان را نور بخشید ؛ که هر آینه خانه ای که قرآن در آن خوانده شود ، بر ساکنانش گشاده گردد و خیرش فراوان شود و فرشتگان در آن حضور یابند و شیطان ها از آن دوری گزینند .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :خانه هاتان را به تلاوت قرآن نور بخشید و آن ها را مقبره نکنید همانند یهودیان و مسیحیان که در کنیسه ها و دیرها نماز می گزارند و خانه هاشان را وامی نهند ؛ زیرا هرگاه در خانه ای بسیار قرآن تلاوت شود ، خیرش فراوان گردد و ساکنانش از گشایش بهره یابند و برای آسمانیان نور پراکنند ، همان گونه که ستارگان آسمان به ساکنان دنیا نور می بخشند .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر آیه فقیرترین خانه ، خانه ای است که از کتاب خدا تهی باشد .

.

عنه صلى الله عليه و آله :مَن قَرَأَ «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» حينَ يَدخُلُ مَنزِلَهُ ، نَفَتِ الفَقرَ عَن أهلِ ذلِکَ المَنزِلِ وَالجيرانِ . (1)

مستدرک الوسائل عن سهل بن سعد الساعدىّ :جاءَ رَجُلٌ مِنَ الأَنصارِ إلَى النَّبِىِّ صلى الله عليه و آله ، فَشَکا إلَيهِ الفَقرَ وضيقَ المَعاشِ ، فَقالَ لَهُ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله : إذا دَخَلتَ بَيتَکَ فَسَلِّم إن کانَ فيهِ أحَدٌ ، وإن لَم يَکُن فيهِ أحَدٌ فَصَلِّ عَلَىَّ وَاقرَأ «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» مَرَّةً واحِدَةً . فَفَعَلَ الرَّجُلُ ، فَأفاضَ اللّهُ عَلَيهِ رِزقا ، ووَسَّعَ عَلَيهِ حَتّى أفاضَ عَلى جيرانِهِ . (2)

الإمام علىّ عليه السلام: ... وَلِيَقرَأ «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» حينَ يَدخُلُ مَنزِلَهُ ؛ فَإِنَّهُ يَنفِى الفَقرَ . (3)

عنه عليه السلام :البَيتُ الَّذى يُقرَأُ فيهِ القُرآنُ ويُذکَرُ اللّهُ عز و جل فيهِ تَکثُرُ بَرَکَتُهُ ، وتَحضُرُهُ المَلائِکَهُ ، وتَهجُرُهُ الشَّياطينُ ، ويُضىءُ لِأَهلِ السَّماءِ کَما تُضىءُ الکَواکِبُ لِأَهلِ الأَرضِ ؛ وإنَّ البَيتَ الَّذى لا يُقرَأُ فيهِ القُرآنُ ولا يُذکَرُ اللّهُ عز و جل فيهِ تَقِلُّ بَرَکَتُهُ ، وتَهجُرُهُ المَلائِکَهُ وتَحضُرُهُ الشّياطينُ . (4)

.

1- .المعجم الكبير : 2/340/2419 عن جرير بن عبد اللّه ، كنز العمّال : 1/600/2739 ؛ بحار الأنوار : 92 / 353 / 23 نقلاً عن الدرّالمنثور .
2- .مستدرک الوسائل : 4 / 289 / 4712 نقلاً عن تفسير أبى الفتوح الرازى .
3- .الخصال : 626 / 10 عن أبى بصير ومحمّد بن مسلم عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام ، تحف العقول : 115 ، بحار الأنوار : 10 / 105 / 1 .
4- .الكافى : 2 / 610 / 3 وص 499 / 1 ، عدّه الداعى : 233 كلّها عن ابن القدّاح عن الإمام الصادق عليه السلام ، بحار الأنوار : 93 / 161 / 42 .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر کس هنگام ورود به خانه اش سوره توحید را بخواند ، فقر از ساکنان آن و نیز همسایگانش رخت بربندد .

مستدرک الوسائل از سهل بن سعد ساعدی :یکی از انصار نزد پیامبر صلی الله علیه و آلهآمد و از فقر و تنگدستی به وی شکایت آورد . رسول خدا صلی الله علیه و آله به وی فرمود : «هر گاه به خانه درآیی ، اگر کسی در آن باشد ، سلام ده ؛ و اگر کسی نباشد ، بر من درود فرست و سوره توحید را یک بار بخوان» . آن مرد چنین کرد و خداوند بر وی روزی فراوان فرو فرستاد و چندان برایش گشایش فراهم آورد که همسایگانش را نیز بهره مند کرد .

امام علی علیه السلام :. . . و باید هنگام ورود به خانه اش سوره توحید را بخواند ؛ که همانا این کار فقر را می راند .

امام علی علیه السلام :خانه ای که در آن قرآن خوانده شود و از خدا یاد گردد ، برکتش افزون گردد و فرشتگان در آن حضور یابند و شیطان ها از آن دور گردند و آن خانه برای آسمانیان پرتو افشاند ، همان گونه که ستارگان برای زمینیان نورافشانی کنند ؛ و خانه ای که در آن قرآن خوانده نشود و از خدا یاد نگردد ، برکتش اندک شود و فرشتگان از آن دوری گزینند و شیطان ها در آن حضور یابند .

.

4 / 6الاِشتِغالُ بِالذِّكرِ وَالدُّعاءِ بَينَ الطُّلوعَينِالإمام علىّ عليه السلام :الجُلوسُ فِى المَسجِدِ مِن بَعدِ طُلوعِ الفَجرِ إلى حينِ طُلوعِ الشَّمسِ لِلاِشتِغالِ بِذِكرِ اللّهِ سُبحانَهُ ، أسرَعُ فى تَيسيرِ الرِّزقِ مِنَ الضَّربِ فى أقطارِ الأرضِ . (1)

تفسير العيّاشى عن الحسين بن مسلم :قُلتُ لَهُ [أى لِلإمامِ الباقِرِ عليه السلام] : جُعِلتُ فِداكَ ! إنَّهُم يَقولونَ : إنَّ النَّومَ بَعدَ الفَجرِ مَكروهٌ ؛ لِأَنَّ الأَرزاقَ تُقَسَمُ فى ذلِكَ الوَقتِ، فَقالَ: الأَرزاقُ مَوضوفَةٌ مَقسومَةٌ، وللّهِ فَضلٌ يَقسِمُهُ مِن طُلوعِ الفَجرِ إلى طُلوعِ الشَّمسِ؛ وذلِكَ قَولُهُ: «وَسْئَلُواْ اللَّهَ مِن فَضْلِهِ . (2) » ثُمَّ قالَ : وذِكرُ اللّهِ بَعدَ طُلوعِ الفَجرِ أبلَغُ فى طَلَبِ الرِّزقِ مِنَ الضَّربِ فِى الأَرضِ . (3)

الإمام الصادق عليه السلام :الجُلوسُ بَعدَ صَلاهِ الغَداهِ فِى التَّعقيبِ وَالدُّعاءِ حَتّى تَطلُعَ الشَّمسُ ، أبلَغُ فى طَلَبِ الرِّزقِ مِنَ الضَّربِ فِى الأَرضِ . (4)

عنه عليه السلام :لَجُلوسُ الرَّجُلِ فى دُبُرِ صَلاهِ الفَجرِ إلى طُلوعِ الشَّمسِ أنفَذُ فى طَلَبِ الرِّزقِ مِن رُكوبِ البَحرِ . فَقُلتُ : يَكونُ لِلرَّجُلِ الحاجَهُ يَخافُ فَوتَها؟ فَقالَ: يُدلِجُ فيها ، وَليَذكُرِ اللّهَ عز و جل ؛ فَإِنَّهُ فيتَعقيبٍ مادامَ عَلى وُضوءٍ . (5)

راجع : ص 840 (الموانع العمليّه / النوم قبل طلوع الشمس) .

.

1- .غرر الحكم : 2127 .
2- .النساء : 32 .
3- .تفسير العيّاشى : 1 / 240 / 119 ، بحار الأنوار : 5 / 147 / 7 .
4- .تهذيب الأحكام : 2/138/539 وص 104/391 عن الوليد بن صبيح نحوه ، من لا يحضره الفقيه : 1/329/966 ، دعائم الإسلام : 1 / 170 نحوه .
5- .الكافى : 5 / 310 / 27 عن حمّاد بن عثمان .

4 / 6پرداختن به ذکر و دعا از سپیده دم تا طلوع خورشیدامام علی علیه السلام :نشستن در سجده گاه پس از سپیده دم تا طلوع خورشید برای پرداختن به ذکر خدای سبحان ، بیش از جست و جوی روزی در همه سوی زمین ، مایه گشایش روزی است .

تفسیر العیاشی از حسین بن مسلم: به امام باقر علیه السلامتفسیر العیاشی از حسین بن مسلم: به امام باقر علیه السلام گفتم: «فدایت گردم! می گویند که خواب پس از سپیده دم مکروه است ؛ زیرا روزی ها در آن هنگام تقسیم می شود» . امام فرمود: «روزی ها معین و تقسیم شده اند ؛ و خدای را بخشایشی است که آن را از سپیده دم تا طلوع خورشید تقسیم می کند ؛ و همین است که فرموده: «و از بخشایش خدا درخواست کنید» » . سپس فرمود : «پس از سپیده دم ذکر خدای را گفتن بیش از جست و جوی روزی در زمین ، در دستیابی به آن مؤثر است» .

امام صادق علیه السلام :به دنباله های مستحب و دعا پرداختن پس از نماز صبح تا طلوع خورشید ، بیش از تلاش کردن در پی روزی در زمین ، برای کسب آن مؤثر است» .

امام صادق علیه السلام :هر آینه [به عبادت] نشستنِ انسان پس از نماز صبح تا طلوع خورشید ، برای طلب روزی مؤثرتر از پیمودن دریا [برای تجارت]است . گفتم: «اگر انسان کار ضرور داشته باشد که نتواند آن را به تأخیر افکند ، چه کند؟» فرمود: «پس از نماز صبح در پی آن کار رود ، اما همچنان به ذکر مشغول باشد ؛ زیرا مادام که با وضو باشد ، در حال پرداختن به دنباله های مستحب است» .

ر .ک : ص841 (موانع عملی / خواب پیش از طلوع خورشید).

.

4 / 7الحَجُّ وَ العُمرَهُرسول اللّه صلى الله عليه و آله :حُجّوا تَستَغنوا . (1)

عنه صلى الله عليه و آله :حُجّوا لَن تَفتَقِروا . (2)

عنه صلى الله عليه و آله :مَعاشِرَ النّاسِ ، حُجُّوا البَيتَ ؛ فَما وَرَدَهُ أهلُ بَيتٍ إلاَّ استَغنَوا ، ولا تَخَلَّفوا عَنهُ إلاَّ افتَقَروا . (3)

عنه صلى الله عليه و آله :الحَجُّ وَالعُمرَهُ يَنفِيانِ الفَقرَ وَالذُّنوبَ كَما يَنفِى الكيرُ خُبثَ الحَديدِ . (4)

عنه صلى الله عليه و آله :تابِعوا بَينَ الحَجِّ وَالعُمرَهِ ؛ فَإِنَّهُما يَنفِيانِ الفَقرَ وَالذُّنوبَ كَما يَنفِى الكيرُ خُبثَ الحَديدِ . (5)

.

1- .من لا يحضره الفقيه : 2 / 265 / 2387 ، المحاسن : 2 / 79 / 1203 كلاهما عن السكونى عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام ، دعائم الإسلام : 1 / 342 عن الإمام علىّ عليه السلام عنه صلى الله عليه و آله ، بحار الأنوار : 99 / 11 / 30 ؛ المصنّف لعبد الرزّاق : 5 / 11 / 8819 عن صفوان بن سليم ، الفردوس : 2 / 130 / 2663 عن ابن عمر ، كنز العمّال : 5 / 10 / 11822 .

2- .الجعفريّات : 65 .

3- .الاحتجاج : 1 / 156 / 32 عن علقمه عن الإمام الباقر عليه السلام ، بحار الأنوار : 37 / 214 / 86 و راجع روضه الواعظين : 110 .

4- .تهذيب الأحكام : 5 / 21 / 60 عن معاويه بن عمّار عن الإمام الصادق عليه السلام وص 22 / 65 عن ابن ابنه إلياس عن الإمام الرضا عليه السلام ، من لا يحضره الفقيه : 2 / 222 / 2238 ، بحار الأنوار : 99 / 13 / 41 .

5- .الكافى : 4 / 255 / 12 عن أبى محمّد الفرّاء عن الإمام الصادق عليه السلام ، دعائم الإسلام : 1 / 295 عن الإمام علىّ عليه السلامعنه صلى الله عليه و آلهنحوه ؛ سنن الترمذى : 3 / 175 / 810 ، سنن النسائى : 5 / 115 ، مسند ابن حنبل : 2 / 33 / 3669 ، صحيح ابن حبّان : 9 / 6 / 3693 ، مسند أبى يعلى : 5 / 8 / 4955 كلّها عن ابن مسعود .

4 / 7حج و عمرهپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :حج به جای آورید تا توانگر گردید .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :حج گزارید تا فقیر نشوید .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :ای گروه های مردم! حج خانه خدا را به جای آورید ؛ که هیچ خانواده ای حج ننهاد مگر آن که توانگری یافت و از حج سرباز نزد مگر آن که فقیر گشت .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :حج و عمره فقر و گناهان را می رانند ، همان گونه که دَمه آتش چرک را از آهن بزداید .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :پیاپی حج و عمره بگزارید ؛ زیرا حج و عمره فقر و گناهان را می رانند ، همان گونه که دَمه آتش چرک را از آهن بزداید .

.

عنه صلى الله عليه و آله :لا يُحالِفُ الفَقرُ وَالحُمّى مُدمِنَ الحَجِّ وَالعُمرَهِ . (1)

عنه صلى الله عليه و آله :حِجَجٌ تَترى وعُمَرٌ نَسقا ، تَدفَعُ ميتَةَ السّوءِ وعَيلَةَ الفَقرِ . (2)

المعجم الأوسط عن محمّد بن المُنكَدِر عن جابر بن عبد اللّه رفعه :ما أمعَرَ حاجٌّ قَطُّ . قيلَ لِجابِرٍ : مَا الإِمعارُ؟ قالَ : مَا افتَقَرَ . (3)

الإمام علىّ عليه السلام :إنَّ أفضَلَ ما تَوَسَّلَ بِهِ المُتَوَسِّلونَ إلَى اللّهِ سُبحانَهُ وتَعالى الإِيمانُ بِهِ وبِرَسولِهِ ... وحَجُّ البَيتِ وَاعتِمارُهُ ؛ فَإِنَّهُما يَنفِيانِ الفَقرَ وبَرحَضانِ الذَّنبَ . (4)

علل الشرايع عن إبراهيم بن عمر بإسناده يرفعه إلى علىّ بن أبى طالب عليه السلام :أنَّهُ كانَ يَقولُ : إنَّ أفضَلَ ما تَوَسَّلَ بِهِ المُتَوَسِّلونَ الإِيمانُ بِاللّهِ ورَسولِهِ ، وَالجِهادُ فى سَبيلِ اللّهِ ، وكَلِمَهُ الإِخلاصِ فَإِنَّهَا الفِطرَهُ ، وتَمامُ الصَّلاهِ فَإِنَّهَا المِلَّهُ ، وإيتاءُ الزَّكاهِ فَإِنَّها مِن فَرائِضِ اللّهِ عز و جل ، وصَومُ شَهرِ رَمَضانَ فَإِنَّهُ جُنَّهٌ مِن عَذابِهِ ، وحَجُّ البَيتِ فَإِنَّهُ مَنفاهٌ لِلفَقرِ ومَدحَضَهٌ لِلذَّنبِ ، وصِلَهُ الرَّحِمِ فَإِنَّها مَثراهٌ لِلمالِ ومَنسَأَهٌ لِلأَجَلِ . (5)

.

1- .الكافى : 4 / 254 / 8 عن الفضيل بن يسار عن الإمام الباقر عليه السلام .
2- .المصنّف لعبد الرزّاق : 5 / 10 / 8815 عن عامر بن عبد اللّه بن الزبير ، كنز العمّال : 5 / 9 / 11818 ؛ الكافى : 4 / 261 / 36 عن ابن الطيّار عن الإمام الصادق عليه السلام نحوه .
3- .المعجم الأوسط : 5 / 245 / 5213 ، الدرّالمنثور : 1 / 211 نقلاً عن البزّار .
4- .نهج البلاغه : الخطبه 110 وراجع تحف العقول : 149 .
5- .علل الشرايع : 1 / 247 / 1 ، من لا يحضره الفقيه : 1 / 205 / 613 ، المحاسن : 1 / 451 / 1040 ، الأمالى للطوسى : 216 / 380 عن أبى

بصير عن الإمام الصادق عنه عليهماالسلام وكلّها نحوه ، بحار الأنوار : 69 / 386 / 51 .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :فقر و تب با کسی که پیوسته حج و عمره گزارد ، همراه نگردد .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :حج های پیوسته و عمره های مرتب ، مرگ ناگوار و گرانباریِ فقر را می رانند .

المعجم الاوسط از محمّد بن منکدر از جابر بن عبداللّه در حدیث مرفوع :«حج گزارنده بی توشه نماند» . از جابر پرسیده شد: «مراد از این سخن چیست؟» گفت: «یعنی فقیر نگردد» .

امام علی علیه السلام :برترین مایه توسل به خدای منزه بزرگ ، ایمان به او و رسولش . . . و حج و عمره خانه خدایند ؛ همانا این دو فقر را دور می کنند و گناه را می شویند .

علل الشرایع از ابراهیم بن عمر با ذکر سند که به علی بن ابی طالب علیه السلاممی رسد :او می فرمود : «برترین وسیله نزدیکی جستن به خدا ، این ها است: ایمان به خداوند و رسولش و جهاد در راه او و سخن مخلصانه و آن ، فطرت است و کامل گزاردن نماز و آن ، آیین است و پرداخت زکات و آن ، از واجبات خداوند است و روزه ماه رمضان و آن ، سپری است از عذاب خدای و حج خانه خدا و آن ، دور کننده فقر و ابطالگر گناه است و پیوند با خویشان و آن ، افزاینده مال و پس افکننده مرگ است » .

.

الإمام زين العابدين عليه السلام :حُجّوا وَاعتَمِروا ، تَصِحَّ أبدانُكُم وتَتَّسِع أرزاقُكُم . (1)

الإمام الصادق عليه السلام :ما رَأَيتُ شَيئا أسرَعَ غِنىً ولا أنفى لِلفَقرِ مِن إدمانِ حَجِّ هذَا البَيتِ . (2)

الكافى عن إسحاق بن عمّار :قُلتُ لِأَبى عَبدِ اللّهِ عليه السلام : إنّى قَد وَطَّنتُ نَفسى عَلى لُزومِ الحَجِّ كُلَّ عامٍ بِنَفسى أو بِرَجُلٍ مِن أهلِ بَيتى بِمالى ، فَقالَ : وقَد عَزَمتَ عَلَى ذلِكَ؟ قُلتُ : نَعَم . قالَ : إن فَعَلتَ ذلِكَ فَأَبشِر بِكَثرَةِ المالِ . (3)

تفسير العيّاشى عن إسحاق بن عمّار عن الصادق عليه السلام :الحاجُّ لا يُملِقُ أبَدا . قالَ : قُلتُ : ومَا الإِملاقُ؟ قالَ : الإِفلاسُ . (4)

الإمام الصادق عليه السلام :مَن أرادَ أن يَكثُرَ مالُهُ فَليُطِلِ الوُقوفَ عَلَى الصَّفا وَالمَروَةِ .

عنه عليه السلام :(5) إن أرَدتَ أن يَكثُرَ مالُكَ فَأَكثِرِ الوُقوفَ عَلَى الصَّفا . (6)

.

1- .الكافى : 4 / 252 / 1 عن خالد القلانسى عن الإمام الصادق عليه السلام ، ثواب الأعمال : 70 / 3 عن علىّ بن أسباط رفعه إلى الإمام الصادق عليه السلام ، الدعوات : 76 / 181 وفيهما «أجسامكم» بدل «أبدانكم» ، بحار الأنوار : 62 / 267 / 47 .
2- .الأمالى للطوسى : 694 / 1478 عن زرعه وأبى كهمس ، بحار الأنوار : 74 / 318 / 79 .
3- .الكافى: 4/253/5 ، من لا يحضره الفقيه : 2/218/2215، ثواب الأعمال : 70/4، بحار الأنوار: 99/25/107 .
4- .تفسير العيّاشى : 2 / 289 / 63 .
5- .الكافى : 4 / 433 / 6 عن الحسن بن علىّ بن الوليد رفعه ، من لا يحضره الفقيه : 2 / 209 / 2169 وفى صدره «روى أنّ من ...» .

6- .تهذيب الأحكام : 5 / 147 / 483 ، الاستبصار : 2 / 238 / 827 كلاهما عن حمّاد المنقرى .

امام سجاد علیه السلام :حج و عمره بگزارید تا بدن هاتان سالم ماند و روزی هاتان گشایش یابد .

امام صادق علیه السلام :هیچ چیز را نیافته ام که به اندازه حج مرتبِ این خانه ، زود توانگری آورد و فقر را بزداید .

الکافی از اسحاق بن عمار :به امام صادق علیه السلام گفتم: «بر خویشتن لازم کرده ام که هر سال یا خود به حج روم و یا مردی از خاندانم را با مال خود به حج فرستم» . فرمود: «آیا بر این تصمیم استواری؟» گفتم : «آری» . فرمود: «اگر چنین کنی ، به مال فراوان مژده ات باد !» .

تفسیر العیاشی از اسحاق بن عمار از امام صادق علیه السلام :حج گزارنده هرگز به فقر دچار نگردد . راوی گوید: «گفتم: مراد چیست ؟» . فرمود: «تنگدستی» .

امام صادق علیه السلام :هر که خواهد مالش افزون گردد ، باید بر صفا و مروه زمانی دراز توقف کند .

امام صادق علیه السلام :اگر خواهی دارایی ات فراوان گردد ، بر صفا بسیار توقف کن .

.

4 / 8زِيارَةُ الحُسَينِ عليه السلامالإمام الباقر عليه السلام :مُروا شيعَتَنا بِزِيارَةِ قَبرِ الحُسَينِ عليه السلام ؛ فَإِنَّ إتيانَهُ يَزيدُ الرِّزقَ ويَمُدُّ فِى العُمُرِ ، ويَدفَعُ مَدافِعَ السّوءِ ، وإتيانُهُ مُفتَرَضٌ عَلى كُلِّ مُؤمِنٍ يُقِرُّ لَهُ بِالإِمامَهِ مِنَ اللّهِ . (1)

الإمام الصادق عليه السلام فى زِيارَهِ قَبرِ الحُسَينِ عليه السلام : مَن زارَهُ كانَ اللّهُ لَهُ مِن وَراءِ حَوائِجِهِ ، وكَفى ما أهَمَّهُ مِن أمرِ دُنياهُ ، وإنَّهُ يَجلِبُ الرِّزقَ عَلَى العَبدِ ، ويُخلِفُ عَلَيهِ ما يُنفِقُ ، ويَغفِرُ لَهُ ذُنوبَ خَمسينَ سَنَةً ... وإن سَلِمَ فَتَحَ لَهُ البابَ الَّذى يَنزِلُ مِنهُ رِزقُهُ ، ويَجعَلُ لَهُ بِكُلِّ دِرهَمٍ أنفَقَهُ عَشَرَهَ آلافِ دِرهَمٍ وذَخَرَ ذلِكَ لَهُ ، فَإذا حُشِرَ قيلَ لَهُ : لَكَ بِكُلِّ دِرهَمٍ عَشَرَهُ آلافِ دِرهَمٍ ؛ إنَّ اللّهَ نَظَرَ لَكَ فَذَخَرَها لَكَ عِندَهُ . (2)

عنه عليه السلام :زورُوا الحُسَينَ [عليه السلام] ولَو كُلَّ سَنَهٍ ؛ فَإِنَّ كُلَّ مَن أتاهُ عارِفا بِحَقِّهِ غَيرَ جاحِدٍ ، لَم يَكُن لَهُ عِوَضٌ غَيرُ الجَنَّهِ ، ورُزِقَ رِزقا واسِعا ، وأتاهُ اللّهُ بِفَرَجٍ عاجِلٍ . (3)

الإمام الكاظم عليه السلام :مَن أتى قَبرَ الحُسَينِ عليه السلام فِى السَّنَهِ ثَلاثَ مَرّاتٍ أمِنَ مِنَ الفَقرِ . (4)

.

1- .تهذيب الأحكام: 6/42/86 ، كامل الزيارات : 284/456 كلاهما عن محمّد بن مسلم، بحار الأنوار: 101 / 48 / 17 .
2- .تهذيب الأحكام : 6 / 45 / 96 ، كامل الزيارات : 554 / 843 كلاهما عن الحلبى ، روضه الواعظين : 214 ، بحار الأنوار : 101 / 2 / 5 .
3- .كامل الزيارات : 175 / 235 عن محمّد بن مروان ، بحار الأنوار : 101 / 2 / 3 .
4- .تهذيب الأحكام : 6 / 48 / 106 عن محمّد بن حكيم ، بحار الأنوار : 101 / 17 / 23 .

4 / 8زیارت امام حسینامام باقر علیه السلام :پیروان ما را به زیارت مزار حسین علیه السلامفراخوانید ؛ زیرا زیارت وی روزی را فراوان کند و عمر را دراز گرداند و از ناگواری ها بازدارد و بر هر مؤمن که امامت او از جانب خدا را باور دارد ، واجب است .

امام صادق علیه السلام در زیارت مزار حسین علیه السلام : هر که او را زیارت کند ، خداوند نیازهایش را برآورد و کار دنیایش که او را دلمشغول داشته ، کفایت فرماید . زیارت او روزی را به سوی بنده جلب کند و آن چه را هزینه کند ، جایگزین نماید و سبب آمرزش گناهان پنجاه سال وی شود . . . و چون به سلامت مانَد ، خداوند آن دری را که روزی اش از آن فرود آید ، بر وی بگشاید و به ازای هر درهم که انفاق کند ، ده هزار درهم به او بخشد و آن را برایش ذخیره فرماید . پس چون برانگیخته شود ، به وی گویند : به ازای هر درهم ، تو را ده هزار درهم بوده که خداوند به تو مهر ورزید و آن را نزد خویش برایت ذخیره نمود .

امام صادق علیه السلام :حسین [علیه السلام] را ، اگرچه سالی یک بار ، زیارت کنید ؛ که هر کس با شناخت حق وی و بدون ناسپاسی قدر او ، به زیارتش رود ، هیچ پاداشی جز بهشت در خور وی نباشد و روزی ای گشاده یابد و خداوند گشایشی نزدیک برایش پیش آورد .

امام کاظم علیه السلام :هر که سالی سه بار به زیارت حسین علیه السلام رود ، از فقر در امان باشد .

.

4 / 9الدَّوامُ عَلَى الطَّهارَةِعوالى اللآلى :فِى الحَديثِ : أنَّهُ صلى الله عليه و آله شَكا إلَيهِ رَجُلٌ قِلَّةَ الرِّزقِ ، فَقالَ عليه السلام : أدِمِ الطَّهارَةَ يَدُم عَلَيكَ الرِّزقُ . فَفَعَلَ الرَّجُلُ ذلِكَ فَوُسِّعَ عَلَيهِ الرِّزقُ . (1)

راجع : ص 774 (المبادئ الصّحّيّه) .

4 / 10الدُّعاءالإمام الصادق عليه السلام :قالَ النَّبِىُّ صلى الله عليه و آله : ألا أدُلُّكُم عَلى سِلاحٍ يُنجيكُم مِن أعدائِكُم ويُدِرُّ أرزاقَكُم ؟ قالوا : بَلى . قالَ : تَدعونَ رَبَّكُم بِاللَّيلِ وَالنَّهارِ ؛ فَإنَّ سِلاحَ المُؤمِنِ الدُّعاءُ . (2)

الإمام علىّ عليه السلام :أستَعينُهُ فاقَةً إلى كِفايَتِهِ ؛ إنَّهُ لا يَضِلُّ مَن هَداهُ ، ولا يَئِلُ مَن عاداهُ ، ولا يَفتَقِرُ مَن كَفاهُ . (3)

الإمام زين العابدين عليه السلام مِن دُعائِهِ عِندَ الشِّدَّهِ : اللّهُمَّ لا طاقَةَ لى بِالجَهدِ ، ولا صَبرَ لى عَلَى البَلاءِ ، ولا قُوَّةَ لى عَلَى الفَقرِ ، فَلا تَحظُر عَلَىَّ رِزقى ، ولا تَكِلنى إلى خَلقِكَ ، بَل تَفَرَّد بِحاجَتى وتَوَلَّ كِفايَتى . (4)

.

1- .عوالى اللآلى : 1 / 268 / 72 وج 4 / 5 / 1 .
2- .الكافى : 2 / 468 / 3 عن السكونى ، ثواب الأعمال : 45 / 1 عن علىّ بن جعفر عن الإمام الكاظم عن أبيه عليهماالسلامعنه صلى الله عليه و آله ، مكارم الأخلاق : 2 / 8 / 1980 ، فلاح السائل : 72 / 5 عن السكونى عن الامام الصادق عن أبيه عليهماالسلامعنه صلى الله عليه و آله ، بحار الأنوار : 93 / 297 / 25 ؛ مسند أبى يعلى : 2 / 329 / 1806 عن جابر عنه صلى الله عليه و آله .
3- .نهج البلاغه : الخطبه 2 ، بحار الأنوار : 77 / 331 / 19 ؛ مطالب السؤول : 58 .
4- .الصحيفه السجّاديه : 93 الدعاء 22 .

4 / 9 همواره با طهارت بودن

4 / 10 دعا

4 / 9همواره با طهارت بودنعوالی اللآلی :در حدیث است که مردی نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله از اندکیِ روزی شکوه آورد . فرمود: «همواره با طهارت باش تا روزی ات پیوسته باشد» . آن مرد چنین کرد و روزی اش گشایش یافت .

ر .ک : ص775 (اصول بهداشتی).

4 / 10دعاامام صادق علیه السلام :پیامبر صلی الله علیه و آله فرموده است: «آیا رهنمودتان ندهم به سلاحی که شما را از دشمنانتان رهایی بخشد و روزی هاتان را فراوان سازد؟» گفتند: «آری» . فرمود: «پروردگارتان را شب و روز بخوانید ؛ که سلاح مؤمن دعا است» .

امام علی علیه السلام :در عین نیاز به کفایت بخشی او ، از او یاری می جویم ؛ که همانا هر کس او هدایتش کرده باشد ، گمراه نگردد و هر کس او با وی دشمنی ورزد ، نجات و پناه نیابد و هر کس او کفایتش کند ، فقیر نگردد .

امام سجاد علیه السلام از دعای او به گاه سختی : بار خدایا ! مرا بر رنج ، توانایی ؛ و بر بلا ، شکیبایی ؛ و بر فقر ، توان تحمل نباشد . پس روزی ام را از من مستان و به خَلقت وامگذار ؛ بلکه خود ، نیازم را برآور و مرا کفایت فرما .

.

عنه علیه السلام مِن دُعائِهِ فِی المَعونَهِ عَلی قَضاءِ الدَّینِ : وأجِرنی مِنهُ بِوُسعٍ فاضِلٍ ، أو کَفافٍ واصِلٍ . (1)

عنه علیه السلام مِن دُعائِهِ فی مَکارِمِ الأَخلاقِ : اللّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وآلِهِ . . . وأغنِنی ، وأوسِع عَلَیَّ فی رِزقِکَ . (2)

عنه علیه السلام مِن دُعائِهِ فی مَکارِمِ الأَخلاقِ : اللّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وآلِهِ ، وَاکفِنی مَؤونَهَ الاِکتِسابِ ، وَارزُقنی مِن غَیرِ احتِسابٍ ؛ فَلا أشتَغِلَ عَن عِبادَتِکَ بِالطَّلَبِ ، ولا أحتَمِلَ إصرَ تَبِعاتِ المَکسَبِ ، اللّهُمَّ فَاطلُبنی بِقُدرَتِکَ ما أطلُبُ ، وأجِرنی بِعِزَّتِکَ مِمّا أرهَبُ . (3)

الإمام الصادق علیه السلام :شَکا رَجُلٌ مِنَ الأَنصارِ إلی رَسولِ اللّهِ صلی الله علیه و آلهأنَّ الدّورَ قَدِ اکتَنَفَتهُ ، فَقالَ النَّبِیُّ صلی الله علیه و آله: اِرفَع صَوتَکَ مَا استَطَعتَ ، وسَلِ اللّهَ أن یُوَسِّعَ عَلَیکَ . (4)

عنه علیه السلام فِی الدُّعاءِ بَعدَ الصَّلاهِ المُسَمّاهِ بِالکامِلَهِ : اللّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ ، وما قَسَمتَ لی مِن قَسمٍ أو رَزَقتَنی مِن رِزقٍ فَاجعَلهُ حَلالاً طَیِّبا ، واسِعا مُبارَکا ، قَریبَ المَطلَبِ ، سَهلَ المَأخَذِ ، فی یُسرٍ مِنکَ وعافِیَهٍ ، وسَلامَهٍ وسَعادَهٍ ؛ إنَّکَ عَلی کُلِّ شَیءٍ قَدیرٌ . (5)

.

1- .الصحیفه السجّادیه : 121 الدعاء 30 .
2- .الصحیفه السجّادیه : 81 الدعاء 20 .
3- .الصحیفه السجّادیه : 87 الدعاء 20 .
4- .الکافی : 6 / 526 / 8 ، المحاسن : 2 / 449 / 2544 نحوه وکلاهما عن السکونی .
5- .جمال الأُسبوع : 198 ، بحار الأنوار : 89 / 377 / 67 .

امام سجاد علیه السلام از دعای او در یاری خواستن برای پرداخت وام : و مرا با توانگریِ بسیار یا روزیِ به قدر نیاز و پیوسته ، از آن برهان .

امام سجاد علیه السلام از دعای او در خوی های نیکو : بار خدایا ! بر محمّد و خاندانش درود فرست ، و مرا بی نیاز کن و در روزی ای که به من می دهی گشایش ده .

امام سجاد علیه السلام از دعای او در خوی های نیکو : بار خدایا ! بر محمّد و خاندانش درود فرست و مرا از رنج بردن در کسب روزی ای ، بی نیاز ساز و روزیِ بی حسابم ده تا با طلب کردن روزی از عبادتت بازنمانم و بار سنگین کسب و کار را بر دوش نکشم . بار خدایا ! به قدرت خویش ، آن چه را طلب می کنم ، برآور و به سرافرازی ات ، مرا از آن چه بیم دارم ، وا رهان .

امام صادق علیه السلام :مردی از انصار نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله شکایت برد که خانه اش تنگ است . پیامبر فرمود : «چندان که می توانی ، صدایت را بلند کن و از خدا بخواه که تو را گشایش عطا کند» .

امام صادق علیه السلام در دعای پس از نماز کامل : بار خدایا ! بر محمّد و خاندانش درود فرست و آن چه را قسمت و روزی من ساخته ای ، حلال و پاک و گشاده و مبارک و در دسترس و آسان یاب قرار ده و آن را فراوان و همراه خرمی و سلامت و خوشبختی ساز ؛ که تو بر هر چیز توانایی .

.

الكافى عن جعفر بن محمّد بن يقطان رفعه إليهم عليهم السلام: يَقولُ الرَّجُلُ إذا فَرَغَ مِنَ الأذانِ وجَلَسَ : اللّهُمَّ اجعَل قَلبى بارّا (وعَيشى قارّا) ورِزقى دارّا ، وَاجعَل لى عِندَ قَبرِ نَبِيِّکَ صلى الله عليه و آلهقَرارا ومُستَقَرّا . (1)

4 / 11الدُّعاءُ لِلإخوانِ بِظَهرِ الغَيبِالإمام الصادق عليه السلام :دُعاءُ المُؤمِنِ لِلمُؤمِنِ يَدفَعُ عَنهُ البَلاءَ ، ويُدِرُّ عَلَيهِ الرِّزقَ . (2)

عنه عليه السلام :دُعاءُ المَرءِ لِأَخيهِ بِظَهرِ الغَيبِ يُدِرُّ الرِّزقَ ، ويَدفَعُ المَكروهَ . (3)

الكافى عن حفص بن عمران البجلّىّ :شَكَوتُ إلى أبى عَبدِ اللّهِ عليه السلامحالى وَانتِشارَ أمرى عَلَىَّ، قالَ: فَقالَ لى : إذا قَدِمتَ الكوفَةَ فَبِع وِسادَةً مِن بَيتِکَ بِعَشَرَهِ دَراهِمَ ، وَادعُ إخوانَکَ وأعِدَّ لَهُم طَعاما ، وسَلهُم يَدعونَ اللّهَ لَکَ . قالَ : فَفَعَلتُ ، وما أمكَنَنى ذلِکَ حَتّى بِعتُ وِسادَةً ، وَاتَّخَذتُ طَعاما كَما أمَرَنى ، وسَأَلتُهُم أن يَدعُوا اللّهَ لى ، قالَ : فَوَاللّهِ ما مَكَثتُ إلاّ قَليلاً حَتّى أتانى غَريمٌ لى فَدَقَّ البابَ عَلَىَّ وصالَحَنى مِن مالٍ لى كَثيرٍ كُنتُ أحسِبُهُ نَحوا مِن عَشَرَهِ آلافِ دِرهَمٍ ، قالَ : ثُمَّ أقبَلَتِ الأشياءُ عَلَىَّ . (4)

.

1- .الكافى : 3 / 308 / 32 ، تهذيب الأحكام : 2 / 64 / 230 وليس فيه «عيشى قارّا» ، بحار الأنوار : 84 / 182 / 15 نقلاً عن مصباح المتهجّد .
2- .الاختصاص : 28 ، المؤمن : 55 / 140 ، بحار الأنوار : 74 / 222 / 2 .
3- .الكافى : 2 / 507 / 2 عن عبد اللّه بن سنان ، بحار الأنوار : 93 / 358 / 16 نقلاً عن مكارم الأخلاق .
4- .الكافى : 5 / 314 / 42 ، بحار الأنوار : 47 / 382 / 104 ، وراجع الاختصاص : 24 .

الکافی از جعفر بن محمّد بن یقظان که حدیث را به امامان معصوم علیهم السلامرسانده است:انسان باید پس از اذان و برجای نشستن بگوید : «بار خدایا! قلب مرا نیک ، زندگی ام را آرام ، و روزی ام را سرشار ساز ؛ و مرا نزد مزار پیامبرت صلی الله علیه و آله آرامش و آسودگی نصیب فرما .

4 / 11دعای پنهان برای برادران مؤمنامام صادق علیه السلام :دعای مؤمن برای مؤمن ، بلا را از او دور می کند و روزی وی را فراهم می سازد .

امام صادق علیه السلام :دعای انسان برای برادر [مؤمن] خود ، روزی را فراوان و ناخوشایندها را دور می کند .

حفص بن عمران بجلی :به امام صادق علیه السلام از حال خود و گسسته شدن رشته کارهایم شکایت بردم . مرا فرمود : «چون به کوفه بازگشتی ، بالشی از خانه ات به ده درهم بفروش و برادران [مؤمن] خود را فراخوان و غذایی برایشان آماده ساز و از ایشان بخواه که برایت نزد خداوند دعا کنند» . من چنین کردم و انجام دادن آن به این شکل برایم میسر شد که بالشی فروختم و غذایی فراهم آوردم ، همان گونه که او فرمان داده بود . آن گاه از آنان خواستم که نزد خدا برایم دعا کنند . به خدا سوگند! دیری نگذشت که یکی از بدهکارانم فرا آمد و درِ خانه ام را کوفت و مالی فراوان که مربوط به خودم بود گمان دارم در حدود ده هزار درهم را با من مصالحه کرد و از آن پس ، روزگار به من روی آورد .

.

4 / 12الأَدعِيهُ المَأثورَهُ فى طَلَبِ الرِّزقِرسول اللّه صلى الله عليه و آله :يا سَلمانُ ، أكثِر أن تَقولَ : رَبِّ اقضِ عَنِّى الدَّينَ ، وأغنِنى مِنَ الفَقرِ . (1)

عنه صلى الله عليه و آله :ما مِن عَبدٍ يَخافُ زَوالَ نِعمَهٍ ، أو فُجاءَهَ نِقمَهٍ ، أو تَغَيُّرَ عافِيَهٍ ويَقولُ : «يا حَىُّ يا قَيّومُ ، يا واجِدُ يا مَجيدُ ، يا بَرُّ يا كَرِيمُ ، يا رَحيمُ يا غَنِىُّ ، تَمِّم عَلَينا نِعمَتَکَ ، وهَب لَنا كَرامَتَکَ ، وألبِسنا عافِيَتَکَ» ، إلاّ أعطاهُ اللّهُ تَعالى خَيرَ الدُّنيا وَالآخِرَهِ . (2)

الكافى عن إسماعيل بن عبد الخالق :أبطَأَ رَجُلٌ مِن أصحابِ النَّبِىِّ صلى اللهِ عليه و آلهعَنهُ ثُمَّ أتاهُ ، فَقالَ لَهُ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله : ما أبطَأَ بِکَ عَنّا؟ فَقالَ : السُّقمُ وَالفَقرُ ، فَقالَ لَهُ : أفَلا اُعَلِّمُکَ دُعاءً يَذهَبُ اللّهُ عَنکَ بِالسُّقمِ وَالفَقرِ؟ قالَ : بَلى يا رَسولَ اللّهِ ، فَقالَ : قُل : «لا حَولَ ولا قُوَّهَ إلاّ بِاللّهِ (العَلِىِّ العَظيمِ) ، تَوَكَّلتُ عَلَى الحَيِ الَّذى لا يَموتُ ، وَالحَمدُ للّهِ الَّذى لَم يَتَّخِذ (صاحِبَهً ولا) وَلَدا ، ولَم يَكُن لَهُ شَريکٌ فِى المُلکِ ، ولَم يَكُن لَهُ وَلِىٌّ مِنَ الذُّلِّ وكَبِّرهُ تَكبيرا . قالَ : فَما لَبِثَ أن عادَ إلَى النَّبِىِّ صلى الله عليه و آله فَقالَ : يا رَسولَ اللّهِ ، قَد أذهَبَ اللّهُ عَنِّى السُّقمَ وَالفَقرَ . (3)

الإمام الباقر عليه السلام :كانَ [الحَسَنُ بنُ عَلِىٍّ عليهماالسلام] يَقولُ لِوُلدِهِ: يا بَنِىَّ ، إذا أصابَتكُم مُصيبَهٌ مِنَ الدُّنيا أو نَزَلَ بِكُم فاقَهٌ ، فَليَتَوَضَّأ? الرَّجُلُ فَيُحسِنَ وُضوءَهُ ، وَلْيُصَلِّ أربَعَ رَكَعاتٍ أو رَكعَتَينِ ، فَإذَا انصَرَفَ مِن صَلاتِهِ فَليَقُل : «يا مَوضِعَ كُلِّ شَكوى ، يا سامِعَ كُلِّ نَجوى ، يا شافِىَ كُلِّ بَلاءٍ ، ويا عالِمَ كُلِّ خَفِيَّهٍ ، ويا كاشِفَ ما يَشاءُ مِن بَلِيَّهٍ ، ويا مُنجِىَ موسى ، ويا مُصطَفِىَ مُحَمَّدٍ ، ويا خَليلَ إبراهيمَ ، أدعوکَ دُعاءَ مَن اشتَدَّت فاقَتُهُ وضَعُفَت قُوَّتُهُ وقَلَّت حيلَتُهُ ، دُعاءَ الغَريبِ الغَريقِ الفَقيرِ الَّذى لا يَجِدُ لِكَشفِ ما هُوَ فيهِ إلاّ أنتَ ، يا أرحَمَ الرّاحِمينَ ، سُبحانَکَ إنّى كُنتُ مِنَ الظّالِمينَ» . قالَ عَلِىُّ بنُ الحُسَينِ عليهماالسلام : لا يَدعو بِهذا رَجُلٌ أصابَهُ بَلاءٌ إلاّ فَرَّجَ اللّهُ تَعالى عَنهُ . (4)

.

1- .المعجم الكبير : 6 / 233 / 6078 عن سلمان الفارسى ، كنز العمّال : 6 / 227 / 15465 .
2- .بحار الأنوار : 95 / 194 / 27 نقلاً عن خطّ الشهيد الأوّل رحمه الله .

3- .الكافى : 2 / 551 / 3 ، الأمالى للمفيد : 229 / 2 عن محمّد بن جعفر عن الإمام الصادق عليه السلام ، تفسير العيّاشى : 2 / 320 / 181 عن السكونى عن الإمام الصادق عن أبيه عليهماالسلام وكلاهما نحوه .
4- .كشف الغمّه : 2 / 180 عن أبى حمزه الثمالى عن الإمام الباقر عليه السلام ، بحار الأنوار : 91 / 374 / 31 .

4 / 12دعاهای روایت شده در طلب روزیپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :ای سلمان! فراوان بگو : «پروردگارم! وام مرا ادا کن و از فقر رهایم فرما» .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر بنده ای که از نیستیِ نعمتی یا رخ دادن عذابی ناگهانی یا رخت بربستن سلامتی بیم داشته باشد و این ذکر را بگوید ، خدای تعالی خیر دنیا و آخرت را به وی عطا فرماید: «ای زنده ، ای پابرجا ، ای یگانه ، ای باشکوه ، ای نیکو ، ای کرامت پیشه ، ای مهرورز ، ای توانگر! نعمت خویش را بر ما تمام فرما و کرامتت را به ما نصیب گردان و جامه سلامتت را بر ما بپوشان» .

الکافی از اسماعیل بن عبدالخالق :یکی از یاران پیامبر صلی الله علیه و آلهچندی به دیدار وی نیامد . پس از چندی که به دیدار آمد ، پیامبر فرمود: «این تأخیر را سبب چه بود؟» گفت: «بیماری و فقر» . فرمود: «آیا دعایی نیاموزمت که با آن ، خداوند بیماری و فقر را از تو دور دارد؟» گفت: «آری ؛ ای رسول خدا» . فرمود: بگو : هیچ نیرو و توانی جز از خدای والای بزرگ نیست . توکّل می کنم بر زنده ای که هرگز نمیرد . و سپاس خدای را که همنشین و فرزندی نگیرد و در حکمرانی شریکی ندارد و از سرِ فروتری یاری نگیرد . و او را بسی بزرگ بشمار » . راوی گوید: «دیری نگذشت که او نزد پیامبر صلی الله علیه و آله بازگشت و گفت: ای رسول خدا صلی الله علیه و آله! همانا خداوند بیماری و فقر را از من زدود » .

امام باقر علیه السلام :حسن بن علی علیهماالسلام به فرزندانش می فرمود : «فرزندانم! هر گاه مصیبتی دنیایی یا تنگنایی به شما روی آورد ، انسان باید نیک وضو گیرد و چهار یا دو رکعت نماز بگزارد و پس از پایان نماز بگوید : ای آن که هر شکایت را نزد وی برند ؛ ای شنونده هر نجوا ؛ ای از میان برنده هر بلا ؛ ای دانای هر نهان ؛ ای زداینده هر بلا که خود خواهد ؛ ای نجات بخش موسی ؛ ای برگزیننده محمّد ؛ ای دوست ابراهیم! تو را به گونه کسی می خوانم که تنگنای او شدت گرفته و نیرویش کاستی پذیرفته و تدبیرش اندک شده ؛ به گونه غریب غرق شده فقیری که برای رهایی از این حال ، هیچ کس را جز تو نیابد ؛ ای مهرورزترینِ مهرورزان ؛

منزهی تو و من از ستمگرانم » . امام سجاد فرموده است: «هیچ گرفتار بلایی بدین گونه دعا نکند ، مگر آن که خدای تعالی برایش گشایش فراهم آورد» .

.

الإمام زين العابدين عليه السلام فى دُعائِهِ إذا قُتِّرَ عَلَيهِ الرِّزقُ : اللّهُمَّ إنَّکَ ابتَلَيتَنا فى أرزاقِنا بِسوءِ الظَّنِّ ، وفى آجالِنا بِطولِ الأَمَلِ ؛ حَتَّى التَمَسنا أرزاقَکَ مِن عِندِ المَرزوقِينَ ، وطَمِعنا بِآمالِنا فى أعمارِ المُعَمَّرينَ ، فَصَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وآلِهِ ، وهَب لَنا يَقينا صادِقا تَکفينا بِهِ مِن مَؤونَهِ الطَّلَبِ ، وألهِمنا ثِقَهً خالِصَهً تُعفينا بِها مِن شِدَّهِ النَّصَبِ ، وَاجعَل ما صَرَّحتَ بِهِ مِن عِدَتِکَ فى وَحيِکَ وأتبَعتَهُ مِن قَسَمِکَ فى کِتابِکَ ، قاطِعا لاِهتِمامِنا بِالرِّزقِ الَّذى تَکَفَّلتَ بِهِ ، وحَسما لِلاِشتِغالِ بِما ضَمِنتَ مِنَ الکِفايَهِ لَهُ ، فَقُلتَ وقَولُکَ الحَقُّ الأَصدَقُ ، وأقسَمتَ وقَسَمُکَ الأَبَرُّ الأَوفى: «وَفِى السَّمَآءِ رِزْقُكُمْ وَ مَا تُوعَدُونَ» ، ثُمَّ قُلتَ : «فَوَرَبِّ السَّمَآءِ وَ الْأَرْضِ إِنَّهُ لَحَقٌّ مِّثْلَ مَآ أَنَّكُمْ تَنطِقُونَ (1) . (2) »

.

1- .الذاريات : 22 و 23 .
2- .الصحيفه السجّاديه : 119 الدعاء 29 .

امام سجاد علیه السلام در دعایش به گاه تنگیِ روزی : بار خدایا! همانا ما را در روزی هامان ، به بدگمانی ؛ و در سرآمدِ عمرمان ، به دراز آرزویی آزموده ای ؛ چندان که روزی های تو را از روزی داده شدگان طلب کردیم و با آرزوهای خویش ، در عمرهای دیرینه عُمران طمع ورزیدیم . پس بر محمّد و خاندان وی درود فرست و ما را یقینی صادقانه بخش که با آن ، از رنج طلب رهایی مان دهی ؛ و اعتمادی خالصانه در دلمان افکن که با آن ، از سختیِ رنج نجاتمان بخشی ؛ و نویدهایی را که در وحی خویش آورده ای و با سوگندهایت در کتابت همراه فرموده ای ، مایه دست کشیدن ما از تلاش بیهوده برای کسب روزی ای ساز که خود برعهده گرفته ای و نیز آن را سبب ترک مشغولیت ما به چیزی گردان که خود برآوردنش را تضمین فرموده ای . تو گفته ای و گفته ات حق است و راست ترین و سوگند خورده ای و سوگندت نیکوترین است و صادقانه ترین : «و روزی تان و آن چه بدان وعده داده شده اید ، در آسمان است» و آن گاه فرموده ای: «پس سوگند به پروردگار آسمان و زمین که همانا سخن وی حق است ، چنان که شما سخن می گویید [و آن را حق می شمرید]» .

.

الإمام الصادق عليه السلام :مَن قالَ : «لا حَولَ ولا قُوَّةَ إلاّ بِاللّهِ ، تَوَكَّلتُ عَلَى الحَيِّ الَّذى لا يَموتُ ، وَالحَمدُ للّهِ الَّذى لَم يَتَّخِذ (صاحِبَةً ولا) وَلَدا ، ولَم يَكُن لَهُ شَريكٌ فِى المُلكِ ، ولَم يَكُن لَهُ وَلِىٌّ مِنَ الذُّلِّ وكَبِّرهُ تَكبيرا» أذهَبَ اللّهُ عَنهُ السُّقمَ وَالفَقرَ . (1)

عنه عليه السلام :إذا غَدَوتَ فى حاجَتِكَ بَعدَ أن تَجِبَ الصَّلاةُ ، فَصَلِّ رَكعَتَينِ ، فَإذا فَرَغتَ مِنَ التَّشَهُّدِ قُلتَ : «اللّهُمَّ إنّى غَدَوتُ ألتَمِسُ مِن فَضلِكَ كَما أمَرتَنى ، فَارزُقنى رِزقا حَلالاً طَيِّبا ، وأعطِنى فى ما رَزَقتَنِى العافِيَةَ» تُعيدُها ثَلاثَ مَرّاتٍ ، ثُمَّ تُصَلّى رَكعَتَينِ اُخراوَينِ ، فَإذا فَرَغتَ مِنَ التَّشَهُّدِ قُلتَ : «بِحَولِ اللّهِ وقُوَّتِهِ غَدَوتُ بِغَيرِ حَولِ مِنّى ولا قُوَّةٍ ولكِن بِحَولِكَ يا رَبِّ وقُوَّتِكَ ، وأبرَأُ إلَيكَ مِنَ الحَولِ وَالقُوَّةِ . اللّهُمَّ إنّى أسأَلُكَ بَرَكَةَ هذَا اليَومِ وبَرَكَةَ أهلِهِ ، وأسأَلُكَ أن تَرزُقَنى مِن فَضلِكَ رِزقا واسِعا طَيِّبا حَلالاً ، تَسوقُهُ إلَىَّ بِحَولِكَ وقُوَّتِكَ وأنَا خافِضٌ فى عافِيَتِكَ» تَقولُها ثَلاثا . (2)

تفسير العيّاشى عن عبد اللّه بن سنان :شَكَوتُ إلى أبى عَبدِ اللّهِ عليه السلام ، فَقالَ : ألا اُعَلِّمُكَ شَيئا إذا قُلتَهُ قَضَى اللّهُ دَينَكَ وأنعَشَكَ وأنعَشَ حالَكَ؟ فَقُلتُ : ما أحوَجَنى إلى ذلِكَ ! فَعَلَّمَهُ هذَا الدُّعاءَ ، قُل فى دُبُرِ صَلاةِ الفَجرِ : «تَوَكَّلتُ عَلَى الحَيِّ الَّذى لا يَموتُ ، وَالحَمدُ للّهِ الَّذِي لَم يَتَّخِذ وَلَدا ، ولَم يَكُن لَهُ شَريكٌ فِى المُلكِ ، ولَم يَكُن لَهُ وَلِىٌّ مِنَ الذُّلِّ وكَبِّرهُ تَكبيرا . اللّهُمَّ إنّى أعوذُ بِكَ مِنَ البُؤسِ وَالفَقرِ ، ومِن غَلَبَةِ الدَّينِ وَالسُّقمِ ، وأسأَلُكَ أن تُعينَنى عَلى أداءِ حَقِّكَ إلَيكَ وإلَى النّاسِ» . (3)

.

1- .الدعوات : 193 / 532 ، بحار الأنوار : 95 / 19 / 20 .
2- .الكافى : 3 / 475 / 7 عن الوليد بن صبيح ، قرب الإسناد : 3 / 6 وح 7 عن مسعده بن صدقه نحوه ، بحار الأنوار : 95 / 293 / 1 .
3- .تفسير العيّاشى : 2 / 320 / 181 ، بحار الأنوار : 86 / 132 / 8 وج 95 / 302 / 4 .

امام صادق علیه السلام :هر که گوید: «هیچ نیرو و توانی جز از خدای نیست . توکّل می کنم بر زنده ای که هرگز نمیرد . و سپاس خدای را که همنشین و فرزندی نگیرد و در حکمرانی شریکی ندارد و از سرِ فروتری یاری نگیرد . و او را بسی بزرگ بشمار» ، خداوند بیماری و فقر را از وی بزداید .

امام صادق علیه السلام :بامدادان که در پی حاجتی می روی ، پس از نماز واجب دو رکعت نماز بگزار و بعد از تشهد ، سه بار بگو : «بار خدایا! بامدادان همان گونه که فرمانم داده ای ، در پی نعمت تو روان می شوم . پس مرا از روزی حلال و پاکت نصیب فرما و در آن چه روزی ام می سازی ، سلامت مقرر فرما» . سپس دو رکعت دیگر بگزار و بعد از تشهد ، سه بار بگو: «به توان و نیروی خدا ، حرکت کردم و نه به نیرو و توان خود ، بلکه به نیرو و توان تو ای پروردگارم ؛ و از هر نیرو و توانی به سوی تو می گرایم . بار خدایا! از تو برکت این روز و اهلش را خواهانم و درخواست می کنم که از فضل خویش ، روزی گسترده پاک حلالی نصیبم فرمایی که با نیرو و توان خود ، آن را به سوی من می کشانی ، حال آن که من در سلامت تو آرمیده ام» .

تفسیر العیاشی از عبداللّه بن سنان :به امام صادق علیه السلام شکایت بردم . فرمود: «آیا چیزی نیاموزمت که هرگاه بگویی ، خداوند وامت را ادا فرماید و نشاطت بخشد و حالت را خوش گرداند؟» گفتم: «به چنین چیزی بسیار نیازمندم» . امام این دعا را آموخت که بعد از نماز صبح بخوانم: «توکّل می کنم بر زنده ای که هرگز نمیرد . و سپاس خدای را که همنشین و فرزندی نگیرد و در حکمرانی شریکی ندارد و از سرِ فروتری یاری نگیرد . و او را بسی بزرگ بشمار . بار خدایا! به تو پناه می برم از بدحالی و فقر و از غالب شدن قرض و بیماری . و از تو درخواست می کنم که یاری ام فرمایی تا حق تو و مردم را ادا کنم» .

.

فلاح السائل عن محمّد بن أبى عمير عن عبيد بن زراره :حَضَرتُ أبا عَبدِ اللّهِ عليه السلام وشَكا إلَيهِ رَجُلٌ مِن شيعَتِهِ الفَقرَ وضيقَ المَعيشَهِ ، وأنَّهُ يَجولُ فى طَلَبِ الرِّزقِ البُلدانَ فَلا يَزدادُ إلاّ فَقرا ، فَقالَ لَهُ أبو عَبدِ اللّهِ عليه السلام : إذا صَلَّيتَ العِشاءَ الآخِرَهَ فَقُل وأنتَ مُتَأنٍّ : «اللّهُمَّ إنَّهُ لَيسَ لى عِلمٌ بِمَوضِعِ رِزقى ، وإنَّما أطلُبُهُ بِخَطَراتٍ تَخطُرُ عَلى قَلبى ...» . قالَ عُبَيدُ بنُ زُرارَهَ: فَما مَضَت بِالرَّجُلِ مُدَيدَهٌ حَتّى زالَ عَنهُ الفَقرُ ، وحَسُنَت حالُهُ . (1)

4 / 13الأَذكارُ المَأثورَهُ لِدَفعِ الفَقرِرسول اللّه صلى الله عليه و آله :سَمِعتُ جَبرَئيلَ يَقولُ : مَن قالَ مِن اُمَّتِكَ يا مُحَمَّدُ فى كُلِّ يَومٍ مِائَهً : «لا إلهَ إلاَّ اللّهُ المَلِكُ الحَقُّ المُبينُ» كانَ لَهُ أمانا مِنَ الفَقرِ . (2)

عنه صلى الله عليه و آله :مَن قالَ فى كُلِّ يَومٍ مِائَهَ مَرَّهٍ: «لا إلهَ إلاَّ اللّهُ المَلِكُ الحَقُّ المُبينُ» كانَ لَهُ أماناً مِنَ الفَقرِ ، وأمِنَ مِن وَحشَهِ القَبرِ ، وَاستَجلَبَ الغِنى . (3)

.

1- .فلاح السائل : 447 / 305 ، بحار الأنوار : 86 / 124 / 5 .
2- .كنز العمّال : 2 / 681 / 5058 نقلاً عن الديلمى عن مالک عن الإمام علىّ عليه السلام .
3- .كشف الغمّه : 2 / 376 عن مالک بن أنس عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام ، بحار الأنوار : 87 / 4 / 6 ؛ تاريخ بغداد : 12/358/6790، حليه الأولياء : 8 /280 كلاهما عن مالک بن أنس عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه و آلهنحوه ، كنز العمّال : 2 / 233 / 3896 نقلاً عن الشيرازى فى الألقاب والديلمى عن مالک بن أنس وراجع ثواب الأعمال : 23 / 1 .

فلاح السائل از محمّد بن ابی عمیر از عبید بن زراره :نزد امام صادق علیه السلامبودم که مردی از پیروانش از فقر و تنگدستی به وی شکایت آورد و گفت که در طلب روزی دیار به دیار می گردد ، ولی جز فقر روز افزون نصیبش نمی شود . امام صادق علیه السلام به او فرمود: «هنگامی که نماز عشا را به جای آوردی ، با آرامی و وقار بگو: «بار خدایا! من نمی دانم که روزی ام در کجا نهاده شده و آن را چنان که به قلبم خطور می کند ، می طلبم . . .» . عبید بن زراره گوید: «پس از کوتاه زمانی ، فقر از وی زدوده شد و حالش خوش گشت» .

4 / 13ذکرهای روایت شده برای فقرزداییپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :از جبرئیل شنیدم که می گفت: «ای محمّد! هر کس از امت تو روزانه صد بار این ذکر را بگوید ، از فقر در امان باشد : لا اله الا اللّه الملک الحق المبین (= جز خدای حکمران راستین روشنگر معبودی نیست) » .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر کس روزانه صد بار این ذکر را بگوید ، از فقر در امان باشد و از وحشت قبر رها گردد و توانگری را به دست آورد : «لا اله الا اللّه الملک الحق المبین (= جز خدای حکمران راستین روشنگر معبودی نیست)» .

.

عنه صلى الله عليه و آله :مَن أَلَحَّ عَلَيهِ الفَقرُ فَليُكثِر مِن قَولِ : «لا حَولَ ولا قُوَّةَ إلاّ بِاللّهِ العَلِيِّ العَظيمِ» يُنفى عَنهُ الفَقرُ . (1)

الإمام علىّ عليه السلام :مَن سَبَّحَ اللّهَ كُلَّ يَومٍ ثَلاثينَ مَرَّةً ، دَفَعَ اللّهُ عز و جلعَنهُ سَبعينَ نَوعا مِنَ البَلاءِ ، أيسَرُهَا الفَقرُ . (2)

الإمام الصادق عليه السلام :مَن قالَ : «سُبحانَ اللّهِ وبِحَمدِهِ ، سُبحانَ اللّهِ العَظيمِ» ثَلاثينَ مَرَّةً ، اِستَقبَلَ الغِنى ، وَاستَدبَرَ الفَقرَ ، وقَرَعَ بابَ الجَنَّهِ . (3)

عنه عليه السلامعن آبائه عليهم السلام : مَن قالَ فى كُلِّ يَومٍ ثَلاثينَ مَرَّةً : «لا إلهَ إلاَّ اللّهُ الحَقُّ المُبينُ» اِستَقبَلَ الغِنى ، وَاستَدبَرَ الفَقرَ ، وقَرَعَ بابَ الجَنَّهِ . (4)

الكافى عن إبراهيم بن صالح عن رجل من الجعفريّين :كانَ بِالمَدينَهِ عِندَنا رَجُلٌ يُكَنّى أبَا القَمقامِ ، وكانَ مُحارَفا ، فَأتى أبَا الحَسَنِ عليه السلام فَشَكا إلَيهِ حِرفَتَهُ ، وأخبَرَهُ أنَّهُ لا يَتَوَجَّهُ فى حاجَهٍ فَيُقضى لَهُ ، فَقالَ لَهُ أبُوالحَسَنِ عليه السلام : قُل فِى آخِرِ دُعائِكَ مِن صَلاهِ الفَجرِ : «سُبحانَ اللّهِ العَظيمِ ، أستَغفِرُ اللّهَ ، وأسأَلُهُ مِن فَضلِهِ» عَشرَ مَرّاتٍ . قالَ أبُو القَمقامِ : فَلَزِمتُ ذلِكَ ، فَوَاللّهِ ما لَبِثتُ إلاّ قَليلاً حَتّى وَرَدَ عَلَىَّ قَومٌ مِنَ البادِيَهِ ، فَأخبَرونى أنَّ رَجُلاً مِن قَومى ماتَ ولَم يُعرَف لَهُ وارِثٌ غَيرى ، فَانطَلَقتُ وقَبَضتُ ميراثَهُ وأنَا مُستَغنٍ . (5)

.

1- .الكافى : 8 / 93 / 65 ، المحاسن : 1 / 114 / 113 ، تنبيه الخواطر : 2 / 136 كلّها عن السكونى عن الإمام الصادق عليه السلام ، الأمالى للصدوق : 651 / 885 عن محمّد بن جعفر عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلامعنه صلى الله عليه و آله ؛ تاريخ بغداد : 2 / 52 / 448 عن أنس نحوه .

2- .الخصال : 505 / 2 عن سعيد بن علاقه ، الأمالى للصدوق : 109 / 84 عن محمّد بن حمران عن الإمام الصادق عليه السلام وفيه «أدناها» بدل «أيسرها» ، روضه الواعظين : 499 ، مشكاه الأنوار : 230 / 645 .

3- .الأمالى للصدوق : 355 / 436 عن حمّاد بن واقد ، تنبيه الخواطر : 2 / 166 ، بحار الأنوار : 93 / 177 / 5 .
4- .ثواب الأعمال : 23 / 1 ، المحاسن : 1 / 101 / 73 نحوه وكلاهما عن الأوزاعى ، بحار الأنوار : 87 / 8 / 14 وراجع الأمالى للطوسى : 279 / 534 و صحيفه الإمام الرضا عليه السلام : 288 / 37 والدعوات : 117 / 271 .
5- .الكافى : 5 / 315 / 46 وج 2 / 550 / 12 ، من لا يحضره الفقيه : 1 / 328 / 962 ، المقنعه : 137 ، عدّه الداعى : 251 كلّها نحوه ، بحار الأنوار : 95 / 295 / 8 .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر که فقر بر وی فشار آورد ، فراوان بگوید : «لا حول ولا قوه الا باللّه العلی العظیم (= هیچ نیرو و توانی نیست مگر با تکیه بر خدای والای بزرگ)» ؛ و بدین سان ، فقر از وی زدوده گردد .

امام علی علیه السلام :هر که روزانه سی بار «سبحان اللّه » گوید ، خداوند هفتاد گونه بلا را از وی دور سازد که کم ترینِ آن ها فقر است .

امام صادق علیه السلام :هر کس سی بار این ذکر را بگوید ، به توانگری روی کند و از فقر روی گرداند و درِ بهشت را بکوبد : «سبحان اللّه وبحمده ، سبحان اللّه العظیم (= منزه است خدا و او را می ستایم ؛ منزه است خدا)» .

امام صادق علیه السلام از پدرانش :هر که روزانه سی بار این ذکر را بگوید ، به توانگری روی کند و از فقر روی گرداند و درِ بهشت را بکوبد: «لا اله الا اللّه الحق المبین (= جز خدای راستین روشنگر معبودی نیست) » .

الکافی از ابراهیم بن صالح از مردی در زمره جعفری ها:در مدینه ، نزدیک ما مردی بود با کنیه ابوقمقام که از روزی محروم بود . وی نزد امام کاظم علیه السلامآمد و از محرومیتش به وی شکایت آورد و به او گفت که به هیچ حاجتی روی نمی آورد که بدان دست یابد . امام کاظم علیه السلام به او فرمود: «در پایان دعای خود پس از نماز صبح ده بار بگو : سبحان اللّه العظیم ، استغفر اللّه ، و اسأله من فضله (= منزه است خدای بزرگ ؛ از خداوند آمرزش می خواهم ؛ و بخشش او را درخواست می کنم) » . ابوقمقام گوید : «من چنین کردم و به خدا سوگند که دیری نگذشت تا گروهی از صحرا بر من درآمدند و خبرم دادند که یکی از خویشانم درگذشته و جز من وارثی برای او شناخته نشده است . پس روان گشته ، میراث وی را برگرفتم و توانگری یافتم» .

.

ص: 722

راجع : ص 54 (الدعاء للتقدّم الاقتصادى).

.

ص: 723

ر . ک : ص 55 (دعا برای پیشرفت اقتصادی) .

.

الفصل الخامس: المبادئ الاجتماعيّه5 / 1النِّكاحرسول اللّه صلى الله عليه و آله :اِلتَمِسُوا الرِّزقَ بِالنِّكاحِ . (1)

عنه صلى الله عليه و آله :تَزَوَّجُوا النِّساءَ ؛ فَإِنَّهُنَّ يَأتينَكُم بِالمالِ . (2)

عنه صلى الله عليه و آله :اِتَّخِذُوا الأَهلَ ؛ فَإِنَّهُ أرزَقُ لَكُم . (3)

عنه صلى الله عليه و آله :تَزَوَّجوا أياماكُم ؛ فَإِنَّ اللّهَ تَعالى يُحَسِّنُ لَهُنَّ فى أخلاقِهِنَّ ، ويُوَسِّعُ لَهُنَّ فى أرزاقِهِنَّ ، ويَزيدُهُنَّ فى مُرُوّاتِهِنَّ . (4)

.

1- .مكارم الأخلاق : 1/430/1459 ؛ تفسير الكشّاف: 3/74 ، الفردوس: 1/88/282 عن ابن عبّاس .
2- .المستدرک على الصحيحين : 2 / 174 / 2679 ، تاريخ بغداد : 9 / 147 / 4759 ، الفردوس: 2/50/2290 كلّها عن عائشه، كنز العمّال: 16/275/4431 وص492/45607؛ مكارم الأخلاق: 1/430/1462.
3- .الكافى : 5 / 329 / 6 عن ابن القدّاح ، من لا يحضره الفقيه : 3 / 383 / 4345 ، تهذيب الأحكام : 7 / 239 / 1046 عن ابن أبى القدّاح ، قرب الإسناد : 20 / 68 عن ميمون القدّاح وكلّها عن الإمام الصادق عن أبيه عليهماالسلامعنه صلى الله عليه و آله ، بحار الأنوار : 103 / 217 / 1 .
4- .الجعفريّات : 91 ، جامع الأحاديث للقمّى : 66 وفيه ضمير جمع المذكّر «هم» بدل «هنّ» فى جميع الموارد ، دعائم الإسلام : 2 / 196 / 713 و ليس فيه «ويزيدهنّ فى مروّاتهنّ» ؛ الفردوس : 2 / 293 / 3336 عن ابن عمر نحوه .

فصل پنجم: اصول اجتماعی5 / 1ازدواجپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :با ازدواج ، روزی را بطلبید .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :زنان را به همسری گیرید که ایشان برایتان دارایی آورند .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :خانواده دار شوید که بدین سان روزی تان بیش تر گردد .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :با زنان بی همسر ازدواج کنید که خدای تعالی اخلاق ایشان را نیک گرداند و روزی هاشان را بیفزاید و بلند همتی شان را بیش سازد .

.

الإمام الصادق عليه السلام :أتى رَسولَ اللّهِ صلى الله عليه و آله شابٌّ مِنَ الأنصارِ ، فَشَكا إلَيهِ الحاجَةَ ، فَقالَ لَهُ : تَزَوَّج ، فَقالَ الشّابُّ : إنّى لَأَستَحيى أن أعودَ إلى رَسولِ اللّهِ ، فَلَحِقَهُ رَجُلٌ مِنَ الأنصارِ فَقالَ : إنَّ لى بِنتا وَسيمَةً ، فَزَوَّجَها إيّاهُ . قالَ : فَوَسَّعَ اللّهُ عَلَيهِ . فَأتَى الشّابُّ النَّبِىَّ صلى الله عليه و آله فَأخبَرَهُ ، فَقالَ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله : يا مَعشَرَ الشَّبابِ ، عَلَيكُم بِالباهِ . (1)

عنه عليه السلام فى قَولِ اللّهِ عز و جل : «وَ لْيَسْتَعْفِفِ الَّذِينَ لاَ يَجِدُونَ نِكَاحًا حَتَّى يُغْنِيَهُمُ اللَّهُ مِن فَضْلِهِ (2) » : يَتَزَوَّجوا حَتّى يُغنِيَهُم مِن فَضلِهِ . (3)

عنه عليه السلام :جاءَ رَجُلٌ إلَى النَّبِيِّ صلى الله عليه و آله فَشَكا إلَيهِ الحاجَةَ ، فَقالَ : تَزَوَّج ، فَتَزَوَّجَ فَوُسِّعَ عَلَيهِ . (4)

الكافى عن عاصم بن حميد :كُنتُ عِندَ أبى عَبدِ اللّهِ عليه السلام فَأَتاهُ رَجُلٌ فَشَكا إلَيهِ الحاجَةَ ، فَأَمَرَهُ بِالتَّزويجِ . قالَ : فَاشتَدَّت بِهِ الحاجَةُ ، فَأتى أبا عَبدِ اللّهِ عليه السلامفَسَأَلَهُ عَن حالِهِ ، فَقالَ لَهُ : اِشتَدَّت بِىَ الحاجَةُ ، فَقالَ : فَفارِق ، ثُمَّ أتاهُ فَسَأَلَهُ عَن حالِهِ ، فَقالَ : أثرَيتُ وحَسُنَ حالى ، فَقالَ أبو عَبدِ اللّهِ عليه السلام : إنّى أمَرتُكَ بِأمرَينِ أمَرَ اللّهُ بِهِما : قالَ اللّهُ عز و جل : «وَ أَنكِحُواْ الْأَيَمَى مِنكُمْ وَ الصَّلِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَ إِمَآئِكُمْ إِن يَكُونُواْ فُقَرَآءَ يُغْنِهِمُ اللَّهُ مِن فَضْلِهِ وَ اللَّهُ وَسِعٌ عَلِيمٌ (5) » ، وقالَ : «وَ إِن يَتَفَرَّقَا يُغْنِ اللَّهُ كُلاًّ مِّن سَعَتِهِ (6) . (7) »

.

1- .الكافى : 5 / 330 / 3 عن أبى بصير .
2- .النور : 33 .
3- .الكافى : 5 / 331 / 7 ، عوالى اللآلى : 3 / 281 / 5 كلاهما عن معاويه بن وهب .
4- .الكافى : 5 / 330 / 2 ، عوالى اللآلى : 3 / 281 / 3 كلاهما عن هشام بن سالم وراجع درر الأحاديث النبويّه : 44 و تاريخ بغداد : 1 / 365 / 307 .
5- .النور : 32 .
6- .النساء : 130 .

7- .الكافى : 5 / 331 / 6 .

امام صادق علیه السلام :جوانی از انصار نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله آمد و به وی از نیازمندی شکایت آورد . پیامبر به او فرمود: «ازدواج کن» . جوان می گوید: «من شرم دارم که نزد رسول خدا بازگردم» . مردی از انصار نزد او آمد و گفت: «مرا دختری است خوش سیما» ؛ و آن گاه ، دخترش را به همسری وی داد . به گفته او ، خداوند وی را گشایش بخشید . سپس آن جوان نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمد و ماجرا را به وی خبر داد . رسول خدا صلی الله علیه و آلهفرمود: «ای گروه جوانان! بر شما باد به ازدواج» .

امام صادق علیه السلام درباره سخن خدای : «و آنان که [وسیله]زناشویی نیابند ، باید خویشتنداری و پاکدامنی پیش گیرند تا خداوند از بخشش خود بی نیازشان گرداند» : ازدواج کنند تا خدای از بخشش خود بی نیازشان فرماید .

امام صادق علیه السلام :مردی نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمد و به وی از نیازمندی شکایت آورد . فرمود: «ازدواج کن» . او ازدواج کرد و زندگی اش گشایش یافت .

الکافی از عاصم بن حمید:نزد امام صادق علیه السلام بودم که مردی نزد وی آمد و از نیازمندی شکایت آورد . امام او را به ازدواج فرمان داد . راوی گوید:«چون ازدواج کرد ، نیازمندی اش شدت گرفت» . پس دیگر بار نزد امام صادق علیه السلامآمد و امام حال وی را جویا گشت . گفت: «نیازم شدت گرفته است» . امام فرمود: «از همسرت جدا شو» . [مرد چنین کرد و] سپس نزد امام آمد . امام حال وی را پرسید . گفت: «ثروت یافتم و حالم نیکو گشت» . امام فرمود: «من تو را به دو کار فرمان دادم که خدا به آن ها امر فرموده است . خداوند فرماید : «و مردان بی زن و زنان بی شوهر را و شایستگان از بندگان و کنیزان خود را به زناشویی دهید . اگر تنگدست باشند ، خداوند آنان را از بخشش خویش بی نیاز می گرداند ؛ و خدا فراخی بخش و دانا است» و نیز فرماید: «و اگر جدا شوند ، خداوند هر یک را از گشایش خویش بی نیاز می کند» » .

.

الكافى عن إسحاق بن عمّار :قُلتُ لِأَبى عَبدِ اللّهِ عليه السلام : آلحَديثُ الَّذى يَروِيهِ النّاسُ حَقٌّ ؛ أنَّ رَجُلاً أتَى النَّبِىَّ صلى الله عليه و آلهفَشَكا إلَيهِ الحاجَةَ فَأَمَرَهُ بِالتَّزويجِ ، فَفَعَلَ، ثُمَّ أتاهُ فَشَكا إلَيهِ الحاجَةَ فَأَمَرَهُ بِالتَّزويجِ، حَتّى أمَرَهُ ثَلاثَ مَرّاتٍ ؟ فَقالَ أبو عَبدِ اللّهِ عليه السلام : (نَعَم) هُوَ حَقٌّ . ثُمَّ قالَ : الرِّزقُ مَعَ النِّساءِ وَالعِيالِ . (1)

5 / 2التَّجَمُّلرسول اللّه صلى الله عليه و آله :إنَّ ماءَ الوَردِ يَزيدُ فى ماءِ الوَجهِ، ويَنفِى الفَقرَ . (2)

عنه صلى الله عليه و آله :تَخَتَّموا بِاليَواقيتِ ؛ فَإِنَّها تَنفِى الفَقرَ . (3)

عنه صلى الله عليه و آله :تَخَتَّموا بِالعَقيقِ ؛ فَإِنَّهُ يَنفِى الفَقرَ . (4)

.

1- .الكافى : 5 / 330 / 4 ، عوالى اللآلى : 3 / 281 / 4 .
2- .مكارم الأخلاق : 1 / 106 / 221 ، بحار الأنوار : 76 / 144 / 2 .
3- .الكافى : 6 / 471 / 2 عن محمّد بن فضيل عن الإمام الكاظم عن آبائه عليهم السلام وح 1 ، ثواب الأعمال : 210 / 1 كلاهما عن الحسين بن خالد عن الإمام الرضا عن الإمام الصادق عليهماالسلام .
4- .جامع الأخبار : 371 / 1027 ؛ كنز العمّال : 6 / 664 / 17286 نقلاً عن الكامل فى الضعفاء عن أنس .

الکافی از اسحاق بن عمار :به امام صادق علیه السلام گفتم: «آیا این حدیث که مردم روایت می کنند راست است که مردی نزد رسول خدا آمد و از نیازمندی اش به وی شکایت آورد و پیامبر او را به ازدواج فرمان داد و او چنین کرد و دیگر بار نزد وی از نیازمندی شکایت کرد و باز پیامبر او را به ازدواج فرمان داد و این سه بار تکرار شد؟» امام صادق علیه السلام فرمود: «آری ، چنین است» . سپس فرمود: «روزی همراه زنان و نان خوران است» .

5 / 2خودآراییپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :همانا گلاب آبرو را می افزاید و فقر را می زداید .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :انگشتر یاقوت در انگشت کنید ؛ که این شیوه فقر را می زداید .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :انگشتر عقیق در بر کنید ؛ که این ، فقر را از میان می برد .

.

الإمام علىّ عليه السلام :. . . التَّجَمُّلُ اجتِنابُ المَسكَنَهِ . (1)

الإمام الصادق عليه السلام :أخذُ الشّارِبِ وَالأَظفارِ وغَسلُ الرَّأسِ بِالخَطمِيِّ يَومَ الجُمُعَهِ ، يَنفِى الفَقرَ ويَزيدُ فِى الرِّزقِ . (2)

عنه عليه السلام :المَشطُ يَنفِى الفَقرَ ويَذهَبُ بِالدّاءِ . (3)

عنه عليه السلام فى قَولِ اللّهِ عز و جل : «خُذُواْ زِينَتَكُمْ عِندَ كُلِّ مَسْجِدٍ» : المَشطُ (فَإِنَّ المَشطَ) يَجلِبُ الرِّزقَ ، ويُحَسِّنُ الشَّعرَ ، ويُنجِزُ الحاجَهَ ، ويَزيدُ فى ماءِ الصُّلبِ ، ويَقطَعُ البَلغَمَ . (4)

الإمام الكاظم عليه السلام :قالَ سَيِّدُنَاالصّادِقُ عليه السلام : إنَّ اللّهَ يُحِبُّ الجَمالَ وَالتَّجميلَ ، ويَكرَهُ البُؤسَ وَالتَّباؤُسَ ؛ فَإِنَّ اللّهَ عز و جل إذا أنعَمَ عَلى عَبدٍ نِعمَهً أحَبَّ أن يَرى عَلَيهِ أثَرَها . قيلَ : وكَيفَ ذلِكَ؟ قالَ : يُنَظِّفُ ثَوبَهُ ، ويُطَيِّبُ ريحَهُ ، ويُجَصِّصُ دارَهُ ، ويَكنِسُ أفنِيَتَهُ ، حَتّى إنَّ السِّراجَ قَبلَ مَغيبِ الشَّمسِ يَنفِى الفَقرَ ويَزيدُ فِى الرِّزقِ . (5)

.

1- .تحف العقول : 215 ، بحار الأنوار : 78 / 54 / 91 .
2- .الكافى : 3 / 418 / 5 وج 6 / 491 / 10 نحوه ، جمال الأُسبوع : 226 كلّها عن محمّد بن طلحه ، مكارم الأخلاق : 1 / 151 / 394 ، جامع الأحاديث للقمّى : 160 ، بحار الأنوار : 76 / 122 / 12 .
3- .مكارم الأخلاق : 1 / 165 / 468 عن يزيد بن مسلم ، بحار الأنوار : 76 / 113 / 15 .
4- .الخصال: 268/3 عن عبد الرحمان بن الحجّاج، مكارم الأخلاق: 1/162/450، روضه الواعظين: 337 ، بحار الأنوار : 76 / 117 / 4 وص 118 / 6 .
5- .الأمالى للطوسى : 275 / 526 عن أحمد بن عبد اللّه المنصورى عن عمّ أبيه عن الإمام الهادى عن آبائه عليهم السلام ، مكارم الأخلاق : 1 / 100 / 190 ، إرشاد القلوب : 195 وفيه «يخصّص» بدل «يجصّص» ، الفقه المنسوب للإمام الرضا عليه السلام : 354 نحوه ، بحار الأنوار : 76 / 141 / 5 و ص 176 / 5 .

امام علی علیه السلام :. . .خودآرایی سبب دوری از بینوایی است .

امام صادق علیه السلام :کوتاه کردن موی پشت لب و ناخن و شست و شوی سر با گل خطمی در روز جمعه ، فقر را می زداید و روزی را می افزاید .

امام صادق علیه السلام :شانه زدن فقر را دور می کند و بیماری را از میان می برد .

امام صادق علیه السلام درباره سخن خدای : «در هر سجده گاه ، زینت خویش را برگیرید» : مراد ، شانه زدن است که روزی را جلب می کند ، موی را نکو می نماید ، نیاز را برمی آورد ، آب پشت را می افزاید ، و بلغم [سستی عضلات و زردی چهره] را از میان می برد .

امام کاظم علیهم السلام :سرور ما صادق علیه السلام فرموده است: «همانا خداوند زیبایی و زیباگرایی را دوست می دارد و از زشتی و زشتی گرایی بیزار است . خدای هر گاه بنده ای را نعمت بخشد ، دوست می دارد که نشانه آن را بر وی بنگرد» . گفته شد: «این چگونه باشد؟» فرمود: «جامه اش را تمیز سازد ، خود را خوشبوی گرداند ، خانه اش را سفید کند ، صحن سرایش را بروبد ؛ حتّی افروختن چراغی پیش از غروب خورشید ، فقر را از میان می برد و روزی را می افزاید» .

.

الإمام الرضا عليه السلام :العَقيقُ يَنفِى الفَقرَ . (1)

5 / 3صِلَهُ الرَّحِمِرسول اللّه صلى الله عليه و آله :إنَّ صِلَهَ الرَّحِمِ لَتَزيدُ فِى الرِّزقِ . (2)

عنه صلى الله عليه و آله :مَن سَرَّهُ أن يُبسَطَ لَهُ فى رِزقِهِ وأن يُنسَأَ لَهُ فى أثَرِهِ ، فَليَصِل رَحِمَهُ . (3)

عنه صلى الله عليه و آله :ما مِن أهلِ بَيتٍ واصَلوا ، إلاّ أجرَى اللّهُ عَلَيهِمُ الرِّزقَ ، وكانوا فى كَنَفِ اللّهِ عز و جل . (4)

عنه صلى الله عليه و آله :مَن ضَمِنَ لى واحِدَةً ضَمِنتُ لَهُ أربَعَةً : يَصِلُ رَحِمَهُ ؛ فَيُحِبُّهُ اللّهُ ، ويُوَسِّعُ عَلَيهِ فى رِزقِهِ ، ويَزيدُ فى عُمُرِهِ ، ويُدخِلُهُ الجَنَّةَ الَّتى وَعَدَهُ . (5)

.

1- .الكافى : 6 / 470 / 1 عن أحمد بن محمّد بن أبى نصر .
2- .دعائم الإسلام : 2 / 331 / 1249 ، الكافى : 2 / 157 / 33 عن حسين بن عثمان عمّن ذكره عن الإمام الصادق عليه السلام ، الخصال : 2 / 505 عن سعيد بن علاقه عن الإمام علىّ عليه السلام ، مسند زيد : 410 عن الإمام زين العابدين عن أبيه عليهماالسلام، مشكاه الأنوار : 230/645 كلاهما عن الإمام علىّ عليه السلام، بحار الأنوار: 76 / 314 / 1 و ص 315 / 2 .
3- .صحيح البخارى : 5/2232/5639 عن أبى هريره ، صحيح مسلم : 4/1982/21 ، سنن أبى داود : 2/133/1694 كلاهما عن أنس، مسند ابن حنبل: 1 / 302 / 1212 عن عاصم بن ضمره عن الإمام علىّ عليه السلام نحوه ؛ الكافى: 2/156/29 عن الوصّافى عن الإمام زين العابدين عليه السلام عنه صلى الله عليه و آلهنحوه ، الخصال: 32 / 112 عن أنس ، عيون أخبار الرضا عليه السلام : 2 / 44 / 157 عن أحمد بن عامر الطائى وأحمد بن عبد اللّه الهروى وداود بن سليمان الفرّا عن الإمام الرضا عن آبائه عن الإمام الحسين عليهم السلام .

4- .المعجم الكبير : 11 / 114 / 11295 عن ابن عبّاس ، كنز العمّال : 6 / 472 / 16607 .
5- .عيون أخبار الرضا عليه السلام : 2 / 37 / 93 عن أحمد بن عامر الطائى وأحمد بن عبد اللّه الهروى وداود بن سليمان الفرّا عن الإمام الرضا عن آبائه عليهم السلام ، صحيفه الإمام الرضا عليه السلام : 114 / 73 ، روضه الواعظين : 426 .

امام رضا علیه السلام :[زینت کردن به] انگشتر عقیق ، فقر را می زداید .

5 / 3پیوند با خویشانپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :همانا پیوند با خویشان ، روزی را می افزاید .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر که از گشاده روزی و عمر دراز شاد می شود ، باید با خویشان پیوند داشته باشد .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :اعضای هیچ خانواده ای با هم پیوند برقرار نکنند ، مگر آن که خداوند روزی را بر ایشان جاری گرداند و در حمایت او جای گیرند .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر کس انجام یک کار را به من ضمانت نماید ، من برای او چهار چیز را ضمانت کنم : اگر او با خویشانش پیوند داشته باشد ، خدای دوستش می دارد و روزی اش را گشایش می بخشد و عمر وی را دراز می سازد و او را در بهشتی که وعده فرموده ، جای می دهد .

.

عنه صلى الله عليه و آله :مَن يَضمَن لى بِرَّ الوالِدَينِ وصِلَةَ الرَّحِمِ ، أضمَن لَهُ كَثرَةَ المالِ ، وزِيادَةَ العُمُرِ ، وَالمَحَبَّةَ فِى العَشيرَهِ . (1)

عنه صلى الله عليه و آله :صِلَةُ الرَّحِمِ تَزيدُ فِى العُمُرِ ، وتَنفِى الفَقرَ . (2)

عنه صلى الله عليه و آله :إنَّ صِلَةَ الرَّحِمِ مَثراهُ فِى المالِ ، ومَحَبَّهٌ فِى الأَهلِ ، ومَنسَأَهٌ فِى الأَجَلِ . (3)

عنه صلى الله عليه و آله :مَن سَرَّهُ أن يَمُدَّ اللّهُ فى عُمُرِهِ وأن يَبسُطَ لَهُ فى رِزقِهِ فَليَصِل رَحِمَهُ ؛ فَإنَّ الرَّحِمَ لَها لِسانٌ يَومَ القِيامَهِ ذَلِقٌ ؛ تَقولُ : يا رَبِّ ، صِل مَن وَصَلَنى ، وَاقطَع مَن قَطَعَنى ، فَالرَّجُلُ لَيُرى بِسَبيلِ خَيرٍ إذا أتَتهُ الرَّحِمُ الَّتى قَطَعَها فَتَهوى بِهِ إلى أسفَلِ قَعرٍ فِى النّارِ . (4)

الإمام علىّ عليه السلام :مَن أحَبَّ أن يُملَأَ لَهُ فى عُمُرِهِ ، ويُبسَطَ لَهُ فى رِزقِهِ ، ويُستَجابَ لَهُ الدُّعاءُ ، ويُدفَعَ عَنهُ ميتَهُ السّوءِ ؛ فَليُطِع أبَوَيهِ فى طاعَهِ اللّهِ عز و جل ، وَليَصِل رَحِمَهُ ، وَليَعلَم أنَّ الرَّحِمَ مُعَلَّقَهٌ بِالعَرشِ تَأتى يَومَ القِيامَهِ لَها لِسانٌ طَلِقٌ ذَلِقٌ تَقولُ : اللّهُمَّ صِل مَن وَصَلَنى ، اللّهُمَّ اقطَع مَن قَطَعَنى . قالَ : فَيُجيبُهَا اللّهُ تَعالى : إنّى قَدِ استَجَبتُ دَعوَتَكِ . فَإنَّ العَبدَ قائِمٌ يَرى أنَّهُ لَبِسَبيلِ خَيرٍ حَتّى تَأتِيَهُ الرَّحِمُ فَتَأخُذَ بِهامَتِهِ ، فَتَذهَبَ بِهِ إلى أسفَلِ دَرَكٍ مِنَ البَلاءِ بِقَطيعَتِهِ إيّاها ، كانَ ذلِكَ فى دارِ الدُّنيا . (5)

.

1- .مستدرک الوسائل : 15 / 176 / 17915 نقلاً عن القطب الراوندى فى لبّ اللباب .
2- .قرب الإسناد : 76 / 244 عن مسعده بن صدقه عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام ، نوادر الراوندى : 94 / 38 ، الجعفريّات : 188 ، جامع الأحاديث للقمّى : 93 ، دعائم الإسلام : 2 / 331 / 1251 ؛ المعجم الأوسط : 1 / 289 / 943 عن حكيم عن أبيه .
3- .الزهد للحسين بن سعيد : 41 / 110 عن عمرو بن سهل عن روات ، قرب الإسناد : 355 / 1272 عن الإمام الصادق عليه السلام ، بحار الأنوار : 74 / 88 / 1 ؛ سنن الترمذى : 4 / 351 / 1979 ، مسند ابن حنبل : 3 /

‴

310 / 8877 ، المستدرک على الصحيحين : 4 / 178 / 7284 كلّها عن أبى هريره نحوه ، كنز العمّال : 3 / 358 / 6926 .
4- .الكافى : 2 / 156 / 29 عن الوصّافى عن الإمام زين العابدين عليه السلام ، بحار الأنوار : 74 / 130 / 96 .
5- .درر الأحاديث النبويّه : 27 عن زيد بن علىّ عن آبائه عليهم السلام وراجع المستدرک على الصحيحين : 4 / 179 / 7288 وكنز العمّال : 3 / 366 / 6971 .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر کس نیکی به پدر و مادر و پیوند با خویشان را به من تضمین نماید ، من نیز فراوانی مال و درازی عمر و محبت اقوام را برای وی ضمانت نمایم .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :پیوند با خویشان ، عمر را بیفزاید و فقر را بزداید .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر آینه پیوند با خویشان ، مال را بیفزاید و محبت خانواده را افزون کند و مرگ را به تأخیر اندازد .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر که از این که خدا عمرش را دراز گرداند و روزی اش را گشایش دهد ، شاد گردد ، باید با خویشانش پیوند داشته باشد ؛ زیرا خویشاوندی را در روز قیامت زبانی گویا است و می گوید: «پروردگارم! پیوند ساز با کسی که با من پیوند برقرار کرد ؛ و پیوند بِبُر با کسی که از من پیوند برید» . پس گاه به کسی راهی نیکو نمایانده می شود و آن گاه ، خویشاوندی ای که او از آن پیوند بریده ، پیش آید و او را به فروترین گودی آتش دراندازد .

امام علی علیه السلام :هر که دوست می دارد عمری دراز یابد و روزی اش گشاده شود و دعایش پذیرفته گردد و مرگ بد از او دور شود ، باید در مسیر بندگی خدا ، از پدر و مادرش اطاعت کند و با خویشانش پیوند داشته باشد و بداند که خویشاوندی به عرش خدا پیوسته است و روز قیامت با زبانی گویا می آید و می گوید: «بار خدایا! پیوند ساز با کسی که با من پیوند برقرار کرد ؛ و پیوند بِبُر با کسی که از من پیوند برید» . پس خداوند دعایش را اجابت فرماید و گوید: «دعایت را پذیرفتم» . پس گاه شود که بنده ای ایستاده ، گمان دارد که راهی نیک در پیش دارد ، اما آن خویشاوندی برسد و سرش را بگیرد و او را به دلیل آن که در دنیا پیوندش را با آن بریده بود ، به فروترین جایگاه بلا دراندازد .

.

عنه علیه السلام: زِیادَهُ الشُّکرِ وصِلَهُ الرَّحِمِ تَزیدانِ النِّعَمَ ، وتَفسَحانِ فِی الأَجَلِ . (1)

عنه علیه السلام :حِراسَهُ النِّعَمِ فی صِلَهِ الرَّحِمِ . (2)

الإمام الباقر علیه السلام :صِلَهُ الأَرحامِ تُزَکِّی الأَعمالَ ، وتَدفَعُ البَلوی ، وتُنمِی الأَموالَ ، وتُنسِئُ لَهُ فی عُمُرِهِ ، وتُوَسِّعُ فی رِزقِهِ ، وتُحَبِّبُ فی أهلِ بَیتِهِ ، فَلیَتَّقِ اللّهَ وَلیَصِل رَحِمَهُ . (3)

الإمام الصادق علیه السلام :صِلَهُ الأَرحامِ تُحَسِّنُ الخُلُقَ ، وتُسَمِّحُ الکَفَّ ، وتُطیبُ النَّفسَ ، وتَزیدُ فِی الرِّزقِ ، وتُنسِئُ فِی الأَجَلِ . (4)

عنه علیه السلام :مَن أحَبَّ أن یُخَفِّفَ اللّهُ عز و جل عَنهُ سَکَراتِ المَوتِ ، فَلیَکُن لِقَرابَتِهِ وَصولاً وبِوالِدَیهِ بارّاً ؛ فَإِذا کانَ کَذلِکَ هَوَّنَ اللّهُ عَلَیهِ سَکَراتِ المَوتِ ، ولَم یُصِبهُ فی حَیاتِهِ فَقرٌ أبَدا . (5)

.

1- .غرر الحکم : 5487 .
2- .غرر الحکم : 4929 .
3- .الکافی : 2 / 152 / 13 وص 150 / 4 کلاهما عن أبی حمزه ، تحف العقول : 299 کلاهما نحوه ، بحار الأنوار : 74 / 118 / 81 .
4- .الکافی : 2/151/6 عن أبی حمزه وص 152/12 عن أبی حمزه عن الإمام الباقر علیه السلام ، بحار الأنوار : 74 / 114 / 74 .
5- .الأمالی للصدوق : 473 / 635 ، الأمالی للطوسی : 432 / 967 کلاهما عن داود بن کثیر الرقّی ، مشکاه الأنوار : 281 / 847 ، روضه الواعظین : 402 ، بحار الأنوار : 74 / 66 / 33 وج 82 / 65 / 9 .

امام علی علیه السلام :شکر فراوان و پیوند با خویشان ، نعمت ها را بیفزایند و مرگ را به تأخیر اندازند .

امام علی علیه السلام :پاسداری از نعمت ها در گرو پیوند با خویشان است .

امام باقر علیه السلام :پیوند با خویشان ، اعمال را می پیراید ؛ بلا را دور می کند ؛ اموال را می افزاید ؛ عمر را دراز می گرداند ؛ روزی را گشاده می سازد ؛ و محبت خویشان را بیشینه می کند . پس انسان باید از خدا بپرهیزد و با خویشانش پیوند داشته باشد .

امام صادق علیه السلام :پیوند با خویشان ، خوی ها را نیک گرداند و دست را گشاده سازد و درون را نکو کند و روزی را بیفزاید و مرگ را به تأخیر اندازد .

امام صادق علیه السلام :هر که دوست می دارد خداوند سختیِ جان کندن را بر او سبک سازد ، باید با خویشانش پیوند داشته باشد و به پدر و مادرش نیکی کند ؛ پس اگر چنین کند ، خداوند سختیِ جان کندن را بر او سبک سازد و در زندگانی اش فقر به وی روی نیاورد .

.

5 / 4حُسنُ الجِوارِرسول اللّه صلى الله عليه و آله :البِرُّ وحُسنُ الجِوارِ زِيادَهٌ فِى الرِّزقِ ، وعِمارَهٌ فى الدُّنيا . (1)

الإمام الصادق عليه السلام :حُسنُ الجِوارِ يَزيدُ فِى الرِّزقِ . (2)

5 / 5الأَمانَهرسول اللّه صلى الله عليه و آله :الأَمانَهُ تَجلِبُ الغِنى . (3)

عنه صلى الله عليه و آله :الأَمانَهُ تَجلِبُ الرِّزقَ . (4)

عنه صلى الله عليه و آله :الأَمانَهُ غِنىً . (5)

الأمالى للطوسى عن يحيى بن العلاءوإسحاق بن عمّار عليه السلام :ما وَدَّعَنا [الإمامُ الصّادِقُ عليه السلام] قَطُّ إلاّ أوصانا بِخَصلَتَينِ : عَلَيكُم بِصِدقِ الحَديثِ ، وأداءِ الأَمانَهِ إلَى البَرِّ وَالفاجِرِ ؛ فَإِنَّهُما مِفتاحُ الرِّزقِ . (6)

.

1- .الأُصول السنّه عشر : 77 عن جعفر عن عبد اللّه بن طلحه عن الإمام الصادق عليه السلام .
2- .الكافى : 2 / 666 / 3 ، الزهد للحسين بن سعيد : 43 / 115 كلاهما عن إبراهيم بن أبى رجاء ، مشكاه الأنوار : 260 / 769 ، بحار الأنوار : 74 / 153 / 14 .
3- .قرب الإسناد: 116/408 عن الحسين بن علوان عن الإمام الصادق عن أبيه عليهماالسلام ، بحار الأنوار: 77/119/15.
4- .الكافى : 5 / 133 / 7 عن السكونى عن الإمام الصادق عليه السلام ، تحف العقول : 45 ، الخصال : 505 / 2 عن سعيد بن علاقه عن الإمام علىّ عليه السلامنحوه ، بحار الأنوار : 77 / 149 / 78 ؛ مسند الشهاب : 1 / 72 / 64 عن أنس وفيه «الأمانه تجرّ الرزق» ، شرح نهج البلاغه : 20 / 318 / 650 وفيه «أداء الأمانه مفتاح الرزق» ، كنز العمّال : 3 / 60 / 5493 .
5- .مسند الشهاب : 1 / 44 / 16 عن أنس ، كنز العمّال : 3 / 60 / 5492 .
6- .الأمالى للطوسى : 676 / 1429 ، تنبيه الخواطر : 2 / 82 وفيه «محمّد بن العلاء» بدل «يحيى بن العلاء» ، بحار الأنوار : 103 / 92 / 6 .

5 / 4 نیکْ همسایگی

5 / 5 امانت داری

5 / 4نیکْ همسایگیپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :نیکوکاری و نیک همسایگی ، روزی را می افزایند و دنیا را آباد می سازند .

امام صادق علیه السلام :نیک همسایگی ، روزی را می افزاید .

5 / 5امانت داریپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :امانت داری توانگری را جلب می کند .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :امانت داری روزی را جلب می کند .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :امانت داری مایه توانگری است .

امالی طوسی از یحیی بن علاء و اسحاق بن عمار :امام صادق علیه السلامهیچ گاه از ما وداع نمی کرد ، مگر آن که به دو ویژگی سفارشمان می فرمود: «بر شما باد راستگویی و امانت داری ، خواه برای نیک کردار و خواه برای بدکار ؛ که این دو کلید روزی هستند .

.

الإمام الكاظم عليه السلام :أداءُ الأَمانَهِ وَالصِّدقُ يَجلِبانِ الرِّزقَ ، وَالخِيانَهُ وَالكَذِبُ يَجلِبانِ الفَقرَ وَالنِّفاقَ . (1)

لقمان عليه السلام :يا بُنَيَّ ، كُن أمينا تَكُن غَنِيّا . (2)

5 / 6الصِّدقُ وَالوَفاءُرسول اللّه صلى الله عليه و آله :الوَفاءُ وَالصِّدقُ يَجُرّانِ الرِّزقَ . (3)

الإمام علىّ عليه السلام :الصِّدقُ صَلاحُ كُلِّ شَىءٍ ؛ الكَذِبُ فَسادُ كُلِّ شَىءٍ . (4)

الإمام زين العابدين عليه السلام :خَيرُ مَفاتيحِ الاُمورِ الصِّدقُ ، وخَيرُ خَواتيمِهَا الوَفاءُ . (5)

5 / 7التَّعاوُنالكتاب :«تَعَاوَنُواْ عَلَى الْبِرِّ وَ التَّقْوَى . (6) »

.

1- .تحف العقول : 403 ، بحار الأنوار : 78 / 327 / 4 .
2- .معانى الأخبار : 253 / 1 عن أحمد بن أبى عبد اللّه عن بعض أصحابنا رفعه ، تنبيه الخواطر : 2 / 231 وفيه «تعش» بدل «تكن» ، مشكاه الأنوار : 108 / 248 ، بحار الأنوار : 75 / 117 / 18 .
3- .الفردوس : 4 / 436 / 7268 عن ابن عبّاس .
4- .غرر الحكم : 1115 و1116 .
5- .أعلام الدين : 300 ، بحار الأنوار : 78 / 161 / 21 .
6- .المائده : 2 .

5 / 6 راستگویی و وفاداری

5 / 7 همکاری

امام کاظم علیه السلام :امانت داری و راستگویی ، روزی را جلب می کنند و خیانت و دروغگویی ، فقر و نفاق را در پی دارند .

لقمان:فرزند عزیزم ! امین باش تا توانگر باشی .

5 / 6راستگویی و وفاداریپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :وفاداری و راستگویی ، روزی را به سوی خود می کشانند .

امام علی علیه السلام :راستگویی اصلاحگر هر چیز و دروغگویی فاسد کننده هر چیز است .

امام سجاد علیه السلام :بهترین گشاینده کارها راستگویی ؛ و بهترین پایان بخش آن ، وفاداری است .

5 / 7همکاریقرآن:«بر نیکی و تقوا همکاری کنید .»

.

الحديث :رسول اللّه صلى الله عليه و آله :المُسلِمُ أخُو المُسلِمِ ؛ يَسَعُهُمَا الماءُ وَالشَّجَرُ ، ويَتَعاوَنانِ عَلَى الفَتّانِ . (1)

عنه صلى الله عليه و آله :المُسلِمُ أخُو المُسلِمِ ؛ لا يَمنَعُهُ الماعونَ . (2)

عنه صلى الله عليه و آله :لا يَزالُ النّاسُ بِخَيرٍ ما أمَروا بِالمَعروفِ ونَهَوا عَنِ المُنكَرِ وتَعاوَنوا عَلَى البِرِّ وَالتَّقوى ، فَإذا لَم يَفعَلوا ذلِكَ نُزِعَت مِنهُمُ البَرَكاتُ ، وسُلِّطَ بَعضُهُم عَلى بَعضٍ ،ولَم يَكُن لَهُم ناصِرٌ فِى الأرضِ ولا فِى السَّماءِ . (3)

الإمام علىّ عليه السلام :مُؤاساةُ الأَخِ فِى اللّهِ عز و جل يَزيدُ فِى الرِّزقِ . (4)

الأمالى للطوسى عن صعصعه بن صوحان :عادَنى عَلِىٌّ أميرُ المُؤمِنينَ عليه السلام فِى مَرَضٍ ، ثُمَّ قالَ : اُنظُر فَلا تَجعَلَنَّ عِيادَتى إيّاكَ فَخرا عَلى قَومِكَ ، فَإذا رَأيتَهُم فى أمرٍ فَلا تَخرُج مِنهُ ، فَإنَّهُ لَيسَ بِالرَّجُلِ غَناءٌ عَن قَومِهِ ؛ إذا خَلَعَ مِنهُم يَدا واحِدَةً يَخلَعونَ مِنهُ أيدِيا كَثيرَةً ، فَإذا رَأيتَهُم فى خَيرٍ فَأعِنهُم عَلَيهِ ، وإذا رَأيتَهُم فى شَرٍّ فَلا تَخذُلَنَّهُم ، وَلْيَكُن تَعاوُنُكُم عَلى طاعَةِ اللّهِ ؛ فَإنَّكُم لَن تَزالوابِخَيرٍ ما تَعاوَنتُم عَلى طاعَةِ اللّهِ تَعالى وتَناهَيتُم عَن مَعاصيهِ. (5)

الكافى عن الحجّاج بن أرطاه :قالَ أبو جَعفَرٍ عليه السلام : يا حَجّاجُ ، كَيفَ تَواسيكُم؟ قُلتُ : صالِحٌ يا أباجَعفَرٍ . قالَ : يُدخِلُ أحَدُكُم يَدَهُ فى كيسِ أخيهِ فَيَأخُذُ حاجَتَهُ إذَا احتاجَ إلَيهِ؟ قُلتُ : أمّا هذا فَلا . فَقالَ : أما لَو فَعَلتُم مَا احتَجتُم . (6)

.

1- .سنن أبى داود : 3 / 177 / 3070 عن قيله بنت مخرمه ، الطبقات الكبرى : 1 / 319 .
2- .الدرّالمنثور : 8 / 644 نقلاً عن الباوردى عن الحرث بن شريح .
3- .تهذيب الأحكام : 6 / 181 / 373 ، المقنعه : 808 ، تنبيه الخواطر : 2 / 126 ، مشكاه الأنوار : 105 / 239 ، بحار الأنوار : 100 / 94 / 95 .

4- .الخصال : 504 / 2 عن سعيد بن علاقه ، مشكاه الأنوار : 230 / 645 ، روضه الواعظين : 499 ، بحار الأنوار : 74 / 395 / 22 .
5- .الأمالى للطوسى : 347 / 717 ، بحار الأنوار : 73 / 290 / 11 وج 74 / 148 / 2 .
6- .كشف الغمّه : 2 / 333 ، بحار الأنوار : 78 / 184 / 12 .

حدیث:پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :مسلمان با مسلمان برادر است و آب و درخت گنجایش ایشان را دارد (1) ؛ و رویاروی شیطان با یکدیگر همکاری می کنند .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :مسلمان برادر مسلمان است و از نیکی به او خودداری نمی کند .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :مادام که مردمی امر به معروف و نهی از منکر کنند و بر نیکی و تقوا همکاری ورزند ، همواره در خیرند ؛ و هرگاه چنین نکنند ، برکت ها از ایشان سلب گردد و برخی شان بر برخی دیگر مسلط گردند و در زمین و آسمان یاوری نیابند .

امام علی علیه السلام :همراهی کردن با برادر ایمانی ، روزی را می افزاید .

امالی طوسی از صعصعه بن صوحان :بیمار بودم که حضرت علی امیرالمؤمنین علیه السلام به عیادتم آمد و فرمود : «مراقب باش و این را که به عیادتت آمده ام ، مایه مباهات بر خویشاوندانت نساز و هر گاه آنان را در کاری دیدی ، از آن بیرون مشو ؛ زیرا انسان از خویشان خود بی نیاز نباشد و اگر اندکی از آنان کناره گیرد ، ایشان بسیار از او دور شوند . پس هرگاه آنان را در کار خیری دیدی ، آنان را بر آن یاری کن ؛ و هر گاه ایشان را در کار شری دیدی ، خوارشان مساز ؛ و باید همکاریتان برای بندگی خدا باشد ؛ که شما همواره در خیر به سر می برید ، مادام که بر بندگی خدای تعالی همکاری کنید و از نافرمانی او دوری نمایید .

الکافی از حجاج بن ارطاه : امام باقر علیه السلامالکافی از حجاج بن ارطاه : امام باقر علیه السلام فرمود: «ای حجاج ! یاری کردنتان به یکدیگر چگونه است؟» گفتم: «نیکو است ای ابوجعفر!» فرمود: «آیا یکی از شما آن گاه که نیاز دارد ، دست در کیسه [= جیب] برادر [ایمانی] خود می کند تا نیاز خود را برگیرد؟» گفتم: «به این گونه ، نه!» فرمود: «هلا که اگر چنین می کردید ، نیازمند نمی گشتید» .

.

1- .اشاره است به این که در کنار هم به آسانی می توانند زندگی کنند .

الكافى عن سعيد بن الحسن :قالَ أبو جَعفَرٍ عليه السلام : أيَجىءُ أحَدُكُم إلى أخيهِ فَيُدخِلُ يَدَهُ فى كيسِهِ فَيَأخُذُ حاجَتَهُ فَلا يَدفَعُهُ؟ فَقُلتُ : ما أعرِفُ ذلِكَ فينا . فَقالَ أبو جَعفَرٍ عليه السلام : فَلا شَىءَ إذاً ! قُلتُ : فَالهَلاكُ إذاً ! فَقالَ : إنَّ القَومَ لَم يُعطَوا أحلامَهُم بَعدُ . (1)

حليه الأولياء عن عبيد اللّه بن الوليد :قالَ لَنا أبو جَعفَرٍ مُحَمَّدُ بنُ عَلِيٍّ عليهماالسلام : يُدخِلُ أحَدُكُم يَدَهُ فى كُمِّ صاحِبِهِ فَيَأخُذُ ما يُريدُ؟ قالَ : قُلنا : لا . قالَ : فَلَستُم بِإِخوانٍ كَما تَزعُمونَ ! (2)

كتاب البصائر عن محمّد بن جعفر بن العاصم عن أبيه عن جدّه عن الإمام الكاظم عليه السلام قال :يا عاصِمُ ، كَيفَ أنتُم فِي التَّواصُلِ وَالتَّبارِّ؟فَقالَ : عَلى أفضَلِ ما كانَ عَلَيهِ أحَدٌ . فَقالَ : أيَأتى أحَدُكُم عِندَ الضّيقَهِ مَنزِلَ أخيهِ فَلا يَجِدُهُ ، فَيَأمُرُ بِإِخراجِ كيسِهِ فَيُخرَجُ ، فَيَفُضُّ خَتمَهُ فَيَأخُذُ مِن ذلِكَ حاجَتَهُ فَلا يُنكَرُ عَلَيهِ؟ قالَ: لا . قالَ : لَستُم عَلى ما اُحِبُّ عَلَيهِ مِنَ التَّواصُلِ . (3)

الإمام الصادق عليه السلام :المُسلِمُ أخُو المُسلِمِ ؛ لا يَظلِمُهُ ولا يَخذُلُهُ ولا يَخونُهُ ، ويَحِقُّ عَلَى المُسلِمينَ الاِجتِهادُ فِى التَّواصُلِ ، وَالتَّعاوُنُ عَلَى التَّعاطُفِ ، وَالمُؤاساهُ لِأَهلِ الحاجَهِ ، وتَعاطُفُ بَعضِهِم عَلى بَعضٍ ، حَتّى تَكونوا كَما أمَرَكُمُ اللّهُ عز و جل ؛ رُحَماءَ بَينَكُم ، مُتَراحِمينَ ، مُغتَمّينَ لِما غابَ عَنكُم مِن أمرِهِم عَلى ما مَضى عَلَيهِ مَعشَرُ الأَنصارِ عَلى عَهدِ رَسولِ اللّهِ صلى الله عليه و آله . (4)

.

1- .الكافى : 2 / 174 / 13 ، المؤمن : 44 / 103 .
2- .حليه الأولياء : 3 / 187 ، تاريخ دمشق : 54 / 293 نحوه .
3- .مكارم الأخلاق : 1 / 312 / 993 ، البصائر والذخائر : 9 / 1624 / 535 نحوه ، بحار الأنوار : 74 / 231 / 28 .
4- .الكافى : 2 / 174 / 15 عن أبى المغرا وج 4 / 50 / 16 وفيه إلى «متراحمين» ، المؤمن : 43 / 101 كلاهما عن سماعه نحوه ، بحار الأنوار : 74 / 256 / 53 .

الکافی از سعید بن حسن: امام باقر علیه السلامالکافی از سعید بن حسن: امام باقر علیه السلام فرمود: «آیا یکی از شما نزد برادر وی نیازش] ایمانی [خود می رود و دست در کیسه]= جیب[می کند تا به قدر بردارد و آن کس او را باز ندارد؟» گفتم: «در میان خودمان چنین چیزی را سراغ ندارم» . امام فرمود: «پس چنین چیزی نباشد!» گفتم: «پس عقل های نشده] سزای آن [هلاکت باشد؟!» فرمود: «]نه! زیرا [ایشان هنوز کامل است» .

حلیه الأولیاء از عبید اللّه بن ولید: امام باقر علیه السلام به ما فرمود: «آیا کسی از شما در آستین جامه (1) دوستش دست می برد تا آن چه را می خواهد ، برگیرد؟» گفتیم: «نه!» فرمود: «پس چنان که می پندارید ، برادر نیستید» .

کتاب بصائر از محمّد بن جعفر بن عاصم از پدرش از جدش از امام کاظم علیه السلام:امام فرمود : «ای عاصم! حال شما در پیوند و نیکی به یکدیگر چگونه است؟» گفت: «به بهترین گونه ای که کسی بر آن تواند بود» . امام فرمود: «آیا چنین هست که یکی از شما به هنگام تنگدستی ، به خانه برادر]ایمانی [خود رود و او را نیابد و بخواهد که هر چه را در کیسه]= جیب] او هست ، بیرون آورند و چنین شود و او مُهر آن را بگشاید و به قدر نیازش از آن بردارد و کسی او را باز ندارد؟» گفت: «نه!» فرمود: «پس آن گونه که من دوست می دارم ، با هم پیوند ندارید» .

امام صادق علیه السلام :مسلمان با مسلمان برادر است ، به او ستم نمی ورزد ، خوارش نمی کند ، و به وی خیانت نمی نماید . بر مسلمانان سزاوار است که در پیوند با یکدیگر بکوشند و بر مهرورزی به هم یاری نمایند و نیازمندان را دست گیرند و به هم عاطفه ورزند ؛ تا چنان که خداوند امرتان فرموده: «میان خود مهر ورزید» ، به هم رحمت آورید و اندوه خورید که مبادا از امور ایشان چیزی بر شما پنهان مانَد ، هم چنان که یاران پیامبر صلی الله علیه و آله در روزگار وی بودند .

.

1- .شایان ذکر است که در قدیم ، پول ، جواهر و چیزهای دیگر را در آستین هم می گذاشته اند . ر .ک : لغت نامه دهخدا ، ذیل : «آستین» و تاج العروس ، ذیل : «کُمّ» .

عنه عليه السلام :لا تَزالُ شيعَتُنا مَرعِيّينَ مَحفوظينَ مَستورينَ مَعصومينَ ما أحسَنُوا النَّظَرَ لِأنفُسِهِم فى ما بَينَهُم وبَينَ خالِقِهِم ، وصَحَّت نِيّاتُهُم لِأئِمَّتِهِم ، وبَرّوا إخوانَهُم ، فَعَطَفُوا عَلى ضَعيفِهِم ، وتَصَدَّقوا عَلى ذَوِى الفاقَةِ مِنهُم ، إنّا لا نَأمُرُ بِظُلمٍ ، ولكِنّا نَأمُرُكُم بِالوَرَعِ الوَرَعِ الوَرَعِ ، وَالمُؤاساهِ المُؤاساهِ لِإِخوانِكُم . (1)

5 / 8الإنفاقالكتاب :«يَمْحَقُ اللَّهُ الرِّبَواْ وَ يُرْبِى الصَّدَقَتِ . (2) »

الحديث :رسول اللّه صلى الله عليه و آله :اِستَنزِلُوا الرِّزقَ بِالصَّدَقَهِ . (3)

.

1- .المحاسن : 1/258/492 عن الخطّاب الكوفى ومصعب بن عبد اللّه الكوفى ، بحار الأنوار : 68 / 154 / 10 .
2- .البقره : 276 .
3- .من لا يحضره الفقيه : 4 / 381 / 5824 وص 416 / 5904 عن زراره عن الإمام الصادق عليه السلام ، الكافى : 4 / 10 / 4 عن موسى بن بكر عن أبى الحسن عليه السلام ، نهج البلاغه : الحكمه 137 عن الإمام على عليه السلام ، الخصال : 10 / 621 عن أبى بصير ومحمّد بن مسلم عن الإمام الصادق عن آبائه عن الإمام علىّ عليهم السلام ، عيون أخبار الرضا عليه السلام : 2 / 35 / 75 عن أحمد بن عامر الطائى وأحمد بن عبد اللّه الهروى وداود بن سليمان الفرّا عن الإمام الرضا عن آبائه عليهم السلامعنه صلى الله عليه و آله ، بحار الأنوار : 96 / 131 / 62 نقلاً عن النوادر للراوندى ؛ شُعب الإيمان : 2 / 74 / 197 عن خالد بن الزبير عن الإمام زين العابدين عن أبيه عن جدّه عليهم السلامعنه صلى الله عليه و آله ، حليه الأولياء : 3 / 195 عن الأصمعى عن الإمام الصادق عليه السلام .

امام صادق علیه السلام :شیعیان ما همواره از عنایت و حفظ و پناه برخوردارند و از گناه نگاه داشته می شوند ، مادام که رابطه خود و آفریدگارشان را نیک در نظر گیرند و برای پیشوایان خویش نیک اندیشی کنند و به برادران [ایمانی]خود نیکی ورزند و بر ضعیفشان مهر آورند و به تنگدستشان صدقه دهند . ما به ستم فرمان نمی دهیم ؛ بلکه فرمانتان می دهیم به پارسایی ، پارسایی ، پارسایی ؛ و به همراهی ، به همراهی با برادرانتان .

5 / 8انفاققرآن:«خداوند ربا را نابود می کند و صدقه ها را می افزاید» .

حدیث:پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :روزی را با صدقه بر خود فرود آورید .

.

عنه صلى الله عليه و آله :ما فَتَحَ رَجُلٌ بابَ عَطِيَّةٍ يُريدُ بِها صِلَةً إلاّ زادَهُ اللّهُ بِها كَثرَةً . (1)

عنه صلى الله عليه و آله :إنَّ بابَ الرِّزقِ مَفتوحٌ بِبابِ العَرشِ ، يُنَزِّلُ اللّهُ عَلَى العِبادِ أرزاقَهُم عَلى قَدرِ نَفَقاتِهِم ؛ فَمَن قَلَّلَ قَلَّلَ لَهُ ، ومَن كَثَّرَ كَثَّرَ لَهُ . (2)

عنه صلى الله عليه و آله :الرِّزقُ إلَى السَّخِيِّ أسرَعُ مِنَ السِّكّينِ إلى ذِروَةِ البَعيرِ . (3)

الإمام علىّ عليه السلام :داوُوا الجَورَ بِالعَدلِ ، وداوُوا الفَقرَ بِالصَّدَقَهِ وَالبَذلِ . (4)

عنه عليه السلام :إنَّ الصَّدَقَهَ تَنمو عِندَ اللّهِ . (5)

الزَّكاهالكتاب :«وَ مَآ ءَاتَيْتُم مِّن زَكَوهٍ تُرِيدُونَ وَجْهَ اللَّهِ فَأُوْلَئِکَ هُمُ الْمُضْعِفُونَ . (6) » 9 / 5

الحديث :رسول اللّه صلى الله عليه و آله :حَصِّنوا أموالَكُم بِالزَّكاهِ . (7)

.

1- .مسند ابن حنبل : 3 / 434 / 9630 ، المعجم الأوسط : 7 / 189 / 7239 نحوه ، شُعب الإيمان : 3 / 233 / 3413 وفيه «لصدقهٍ أو» بدل «يريد بها» وكلّها عن أبى هريره .
2- .تاريخ بغداد : 3 / 19 ، الفردوس : 5 / 407 / 8569 كلاهما عن أنس ، حليه الأولياء : 10 / 216 عن ابن عبّاس وكلاهما نحوه ، كنز العمّال : 6 / 376 / 16128 وص 350 / 16009 نحوه .
3- .إرشاد القلوب : 137 ، تنبيه الخواطر : 1 / 171 عن ابن مسعود وفيه «مُطعم الطعام» بدل «السخىّ» .
4- .غرر الحكم : 5156 .
5- .تحف العقول: 172 ، بشاره المصطفى: 25 عن كميل بن زياد و فيه «تنمى» بدل «تنمو»، بحارالأنوار: 77 / 413 / 38 .
6- .الروم : 39 .

7- .المعجم الكبير: 10/128/10196، المعجم الأوسط: 2/274/1963، تاريخ بغداد: 6/334/3376 وج 13/21/6984، حليه الأولياء: 2 / 104 وج 4 / 237 ، مسند الشهاب : 1 / 401 / 691 كلّها عن عبد اللّه بن مسعود ، كنز العمّال: 6 / 293 / 15759 ؛ الاختصاص : 335 ، بحار الأنوار : 6 13/21/ وص 20/45.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هیچ کس به نیت پیوند ، درِ هدیه دادن را نگشاد ، مگر آن که خداوند به سبب آن ، وی را افزونی بخشید .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :همانا درِ روزی در آستانه عرش گشاده است . خداوند به قدر انفاق های بندگانش ، روزی را بر ایشان نازل گرداند ؛ هر که کم دهد ، اندکش بخشد و هر که فراوان دهد ، فراوانش عطا فرماید .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :آن که سخاوت ورزد ، روزی به وی روی آورد ، زودتر از آن که کارد بر کوهان شتر فرو رود .

امام علی علیه السلام :ستم را با دادگری درمان کنید و فقر را با صدقه و بخشش .

امام علی علیه السلام :همانا صدقه نزد خداوند افزوده می شود .

5 / 9زکاتقرآن:«و آن چه از زکات می دهید که خدای را خواهید ، پس آن ها افزون گردند .»

حدیث:پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :اموال خود را با زکات در پناه نگاه دارید .

.

الإمام علىّ عليه السلام فِى الحِكَمِ المَنسوبَهِ إلَيهِ : الزَّكاهُ نَقصٌ فِى الصّورَهِ ، وزِيادَهٌ فِى المَعنى . (1)

عنه عليه السلام :فَرَضَ اللّهُ الإِيمانَ تَطهيرا مِنَ الشِّركِ ، وَالصَّلاهَ تَنزيها عَنِ الكِبرِ ، وَالزَّكاهَ تَسبيبا لِلرِّزقِ . (2)

فاطمه عليهاالسلام :الزَّكاهُ تَزكِيَهٌ لِلنَّفسِ ، ونَماءٌ فِى الرِّزقِ . (3)

عنها عليهاالسلام :فَرَضَ اللّهُ الإِيمانَ تَطهيرا مِنَ الشِّركِ . . . وَالزَّكاهَ زِيادَهً فِى الرِّزقِ . (4)

الإمام الباقر عليه السلام :الزَّكاهُ تَزيدُ فِى الرِّزقِ . (5)

الإمام الصادق عليه السلام :لَو أخرَجَ النّاسُ زَكاهَ أموالِهِم مَا احتاجَ أحَدٌ . (6)

الإمام الكاظم عليه السلام :إنَّ اللّهَ عز و جل وَضَعَ الزَّكاهَ قوتا لِلفُقَراءِ ، وتَوفيرا لِأَموالِكُم . (7)

الإمام الرضا عليه السلام :إنَّ عِلَّهَ الزَّكاهِ مِن أجلِ قوتِ الفُقَراءِ ، وتَحصينِ أموالِ الأَغنِياءِ . (8)

.

1- .شرح نهج البلاغه : 20 / 299 / 416 .
2- .نهج البلاغه : الحكمه 252 ، غرر الحكم : 6608 .
3- .الاحتجاج : 1 / 258 / 49 عن عبد اللّه بن الحسن عن آبائه عليهم السلام .
4- .من لا يحضره الفقيه : 3/568/4940 ، علل الشرايع : 248/2 كلاهما عن زينب بنت الإمام علىّ عليه السلام ، بحار الأنوار: 6 / 107 / 1 .
5- .الأمالى للطوسى : 296 / 582 عن جابر بن يزيد الجعفى ، بحار الأنوار : 96 / 14 / 27 .
6- .الكافى : 3 / 507 / 1 عن الحسن بن علىّ الوشّاء عن الإمام الرضا عليه السلام ، من لا يحضره الفقيه : 2 / 7 / 1579 عن معتّب نحوه .

7- .الكافى : 3 / 498 / 6 ، من لا يحضره الفقيه : 2 / 4 / 1575 ، علل الشرايع : 368 / 1 ، المحاسن : 2 / 38 / 1119 كلّها عن مبارک العقرقوفى نحوه ، بحار الأنوار : 96 / 18 / 39 .
8- .من لا يحضره الفقيه : 2 / 8 / 1580 ، عيون أخبار الرضا عليه السلام : 2 / 89 / 1 ، علل الشرايع : 369 / 3 كلاهما عن محمّد بن سنان وراجع الفقه المنسوب للإمام الرضا عليه السلام : 195 ، بحار الأنوار : 96 / 18 / 38 .

امام علی علیه السلام در کلمات حکیمانه منسوب به وی : زکات در ظاهر کاستی دهنده است و در باطن ، افزاینده .

امام علی علیه السلام:خداوند ایمان را پاک کننده شرک ؛ نماز را زداینده کبر ؛ و زکات را زمینه ساز روزی قرار داده است .

حضرت فاطمه علیهاالسلام :زکات پاک کننده جان و افزاینده روزی است .

حضرت فاطمه علیهاالسلام :خداوند ایمان را پاک کننده از شرک . . . و زکات را افزاینده روزی ساخته است .

امام باقر علیه السلام :زکات روزی را می افزاید .

امام صادق علیه السلام:اگر مردم زکات اموال خویش را بیرون می ساختند ، هیچ کس نیازمند نمی گشت .

امام کاظم علیه السلام :همانا خداوند زکات را مایه گذران زندگی فقیران و افزاینده اموال شما قرار داده است .

امام رضا علیه السلام :زکات از آن روی وضع شده که فقیران را مایه گذران زندگی باشد و اموال توانگران را نگاهبانی کند .

.

5 / 10الإطعامرسول اللّه صلى الله عليه و آله :الخَيرُ أسرَعُ إلَى البَيتِ الَّذى يُغشى مِنَ الشَّفرَهِ إلى سَنامِ البَعيرِ . (1)

عنه صلى الله عليه و آله :الرِّزقُ أسرَعُ إلى مَن يُطعِمُ الطَّعامَ مِنَ السِّكّينِ فِى السَّنامِ . (2)

عنه صلى الله عليه و آله :الرِّزقُ إلى بَيتٍ فيهِ السَّخاءُ أسرَعُ مِنَ الشَّفرَهِ إلى سَنامِ البَعيرِ . (3)

عنه صلى الله عليه و آله :إنَّ البَرَكَهَ أسرَعُ إلَى البَيتِ الَّذى يُمتارُ مِنهُ المَعروفُ مِنَ الشَّفرَهِ فى سَنامِ البَعيرِ ، أو مِنَ السَّيلِ إلى مُنتَهاهُ . (4)

كنزالعمّال عن سلمان بن عامر الضبّىّ :قُلتُ : يا رَسولَ اللّهِ ، إنَّ أبى كانَ يُقرِى الضَّيفَ ، ويُكرِمُ الجارَ ، ويَفى بِالذِّمَّهِ ، ويُعطى فِى النّائِبَهِ ، فَما يَنفَعُهُ ذلِكَ ! قالَ : ماتَ مُشرِكا؟قُلتُ : نَعَم . قالَ : أما إنَّها لا تَنفَعُهُ ولكِنَّها تَكونُ فى عَقِبِهِ ؛ إنَّهُم لَن يَخزَوا أبَدا ، ولَن يَذِلّوا أبَدا ، ولَن يَفتَقِروا أبَدا . (5)

.

1- .سنن ابن ماجه : 2 / 1114 / 3356 عن أنس بن مالک .
2- .الكافى : 4 / 51 / 10 عن عبد اللّه بن ميمون عن الإمام الصادق عن أبيه عليهماالسلام ، المحاسن : 2 / 147 / 1388 عن ميمون عن الإمام الصادق عليه السلام عنه صلى الله عليه و آله ، بحار الأنوار : 74 / 362 / 17 .
3- .تاريخ دمشق : 13 / 24 عن أبى سعيد الخدرى ، تاريخ أصبهان : 1 / 321 / 572 عن جابر ، كنز العمّال : 9 / 244 / 25848 .
4- .الكافى : 4/29/2 عن السكونى عن الإمام الصادق عليه السلام ، من لا يحضره الفقيه : 2/56/1689 ، الجعفريّات : 153 .
5- .كنز العمّال : 6 / 450 / 16489 نقلاً عن البغوى والطبرانى وسعيد بن منصور .

5 / 10طعام دادنپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :روی آوردن خیر به سوی خانه ای که محل رفت و آمد است ، شتابناک تر از حرکت لبه تیز کارد در کوهان شتر است .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :روی آوردن روزی به سوی کسی که طعام می دهد ، شتابناک تر از حرکت کارد در کوهان شتر است .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :روی آوردن روزی به سوی خانه ای که جایگاه سخاوت است ، شتابناک تر از حرکت لبه تیز کارد در کوهان شتر است .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :روی آوردن برکت به سوی خانه ای که از آن ، خوراکی نیکو اعطا گردد ، شتابناک تر از حرکت لبه تیز کارد در کوهان شتر یا جریان سیل به سوی پایان گاه آن است .

کنز العمّال از سلمان بن عامر ضبی :گفتم: «ای رسول خدا! پدرم میهمان پذیر بود و همسایه را گرامی می داشت و به پیمان وفا می کرد و در هنگام بلا ، بخشش می کرد ؛ اما این ها او را سود ندهد!» پیامبر فرمود: «در حال شرک مرد؟» گفتم:«آری» . پیامبر فرمود: «هلا که گرچه آن کارها سودش ندهد ؛ اما برای نسل أو سودمند است . آن ها هرگز خواری نبینند و ذلت نپذیرند و فقیر نگردند» .

.

5 / 11البِرّرسول اللّه صلى الله عليه و آله :إنَّ البِرَّ يَزيدُ فِى الرِّزقِ . (1)

الإمام علىّ عليه السلام :جِماعُ الخَيرِ فى أعمالِ البِرِّ . (2)

عنه عليه السلام :صَنائِعُ المَعروفِ تُدِرُّ النَّعماءَ ، وتَدفَعُ البَلاءَ . (3)

عنه عليه السلام فِى الحِكَمِ المَنسوبَهِ إلَيهِ : النِّعَمُ وَحشِيَّهٌ ؛ فَقَيِّدوها بِالمَعروفِ . (4)

عنه عليه السلام :كُلُّ نِعمَهٍ اُنيلَ مِنهَا المَعروفُ فَإِنَّها مَأمونَهُ السَّلَبِ ، مُحَصَّنَهٌ مِنَ الغِيَرِ . (5)

عنه عليه السلام :مَن بَسَطَ يَدَهُ بِالإِنعامِ حَصَّنَ نِعمَتَهُ مِنَ الاِنصِرامِ . (6)

عنه عليه السلام :ما حُصِّنَتِ النِّعَمُ بِمِثلِ الإِنعامِ بِها . (7)

عنه عليه السلام :بِبَذلِ النِّعمَهِ تُستَدامُ النِّعمَهُ . (8)

الإمام الباقر عليه السلام :البِرُّ وَالصَّدَقَهُ يَنفِيانِ الفَقرَ ، ويَزيدانِ فِى العُمُرِ ، ويَدفَعانِ تِسعينَ ميتَهَ سوءٍ . (9)

.

1- .المستدرک على الصحيحين : 3 / 548 / 6038 عن ثوبان ، كنز العمّال : 2 / 62 / 3118 ؛ الزهد للحسين بن سعيد : 33 / 87 عن محمّد بن مسلم عن الإمام الصادق عليه السلام ، بحار الأنوار : 74 / 81 / 84 .
2- .غرر الحكم : 4796 .
3- .غرر الحكم : 5840 .
4- .شرح نهج البلاغه : 20 / 312 / 589 .
5- .غرر الحكم : 6914 ، أعلام الدين : 274 .
6- .غرر الحكم : 8659 .
7- .غرر الحكم : 9546 .
8- .غرر الحكم : 4344 .

9- .الكافى : 4 / 2 / 2 ، الخصال : 48 / 53 ، ثواب الأعمال : 169 / 11 كلّها عن إسحاق بن غالب عمّن حدّثه ، من لا يحضره الفقيه : 2 / 66 / 1729 ، الزهد للحسين بن سعيد : 33 / 86 عن غالب وفيها «سبعين» بدل «تسعين» ، بحار الأنوار : 96 / 119 / 17 وص 130 / 55 وص 131 / 58 .

5 / 11نیکی کردنپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :همانا نیکی کردن ، روزی را می افزاید .

امام علی علیه السلام :همه خیرها[یِ دنیا و آخرت] در کارهای نیک گرد آیند .

امام علی علیه السلام :انجام کارهای نیک ، نعمت ها را فراوان و بلا را دور می کند .

امام علی علیه السلام در کلمات حکیمانه منسوب به وی : نعمت ها رام نیستند ؛ آن ها را با انجام کار نیک در بند کنید .

امام علی علیه السلام :هر نعمتی که با آن ، کار نیکی انجام پذیرد ، سلب نگردد و از پیشامدهای روزگار در امان باشد .

امام علی علیه السلام :هر که دست به بخشش گشاده دارد ، نعمتش را از نابودی نجات دهد .

امام علی علیه السلام :برای در امان نگهداشتن نعمت ها ، هیچ شیوه ای مؤثرتر از بخشیدنِ آن ها نیست .

امام علی علیه السلام :نعمت با بخشش ، تداوم یابد .

امام باقر علیه السلام :نیکوکاری و صدقه دادن ، فقر را می زدایند و عمر را می افزایند و نود [گونه] مرگ ناگوار را دور می کنند .

.

الإمام الكاظم عليه السلام :كانَ فى بَنى إسرائيلَ رَجُلٌ صالِحٌ ، و كانَت لَهُ امرَأهٌ صالِحَهٌ ، فَرَأى فِى النَّومِ أنَّ اللّهَ تَعالى قَد وَقَّتَ لَکَ مِنَ العُمُرِ کَذا وکَذا سَنَهً ، وجَعَلَ نِصفَ عُمُرِکَ فى سَعَهٍ ، وجَعَلَ النِّصفَ الآخَرَ فى ضيقٍ ، فَاختَر لِنَفسِکَ إمَّا النِّصفَ الأَوَّلَ وإمَّا النِّصفَ الأَخيرَ . فَقالَ الرَّجُلُ : إنَّ لى زَوجَهً صالِحَهً ، وهِىَ شَريکَتى فِى المَعاشِ ، فَأُشاوِرُها فى ذلِکَ ، وتَعودُ إلَىَّ فَأُخبِرُکَ ، فَلَمّا أصبَحَ الرَّجُلُ قالَ لِزَوجَتِهِ : رَأَيتُ فِى النَّومِ کَذا وکَذا ، فَقالَت : يا فُلانُ اختَرِ النِّصفَ الأَوَّلَ ، وتَعَجَّلِ العافِيَهَ ؛ لَعَلَّ اللّهَ سَيَرحَمُنا ويُتِمُّ لَنَا النِّعمَهَ . فَلَمّا کانَ فِى اللَّيلَهِ الثّانِيَهِ أتَى الآتى فَقالَ : مَا اختَرتَ؟ فَقالَ : اِختَرتُ النِّصفَ الأَوَّلَ ، فَقالَ : ذلِکَ لَکَ ، فَأَقبَلَتِ الدُّنيا عَلَيهِ مِن کُلِّ وَجهٍ ، ولَمّا ظَهَرَت نِعمَتُهُ قالَت لَهُ زَوجَتُهُ : قَرابَتُکَ وَالمُحتاجونَ فَصِلهُم وبِرَّهُم ، وجارُکَ وأخوکَ فُلانٌ فَهَبهُم . فَلَمّا مَضى نِصفُ العُمُرِ وجازَ حَدُّ الوَقتِ رَأى الرَّجُلَ الَّذى رَآهُ أوَّلاً فِى النَّومِ ، فَقالَ لَهُ : إنَّ اللّهَ تَعالى قَد شَکَرَ لَکَ ذلِکَ ، ولَکَ تَمامَ عُمُرِکَ سَعَهٌ مِثلُ ما مَضى . (1)

.

1- .قصص الأنبياء : 182 / 221 عن عبد الرحمان بن الحجّاج ، بحار الأنوار : 96 / 162 / 6 .

امام کاظم علیه السلام :در میان بنی اسرائیل ، مردی شایسته می زیست که همسری شایسته داشت . وی در خواب ، چنین دید: «خدای تعالی به این اندازه برای تو عمر قرار داده و نیم عمرت را در گشایش و نیم دیگر آن را در تنگنا مقرر فرموده است ؛ پس از این دو نیمه ، اول و آخر را برای خود برگزین» . مرد گفت: «مرا همسری شایسته است که در زندگی ، شریک من است . با وی در این امر مشورت می کنم ؛ آن گاه ، بازگرد تا خبرت دهم» . صبحگاهان مرد به همسرش گفت: «در خواب چنان و چنین دیدم» . زن گفت: «فلانی! نیمه نخست را برگزین و عافیت را پیش انداز ؛ باشد که خداوند بر ما رحمت آورد و نعمت را بر ما تمام فرماید» . شب دوم ، آن کس آمد و گفت: «چه برگزیدی؟» گفت: «نیمه نخست را برگزیدم» . گفت: «آن برای تو باشد» . پس دنیا از هر سوی به او روی آورد . چون نعمت وی بروز یافت ، همسرش به او گفت: «به خویشاوندانت و نیازمندان رسیدگی و احسان کن و به همسایه ات و فلان برادرت بخشش نما» . چون نیم عمر به سر آمد و زمان معین رسید ، مرد همان خواب نخست را دید . همان کس به وی گفت: «خدای تعالی قدردان این کار تو است و باقی عمرت نیز همانند قبل ، در گشایش خواهد گذشت» .

.

الفصل السادس: المبادئ الصحيّه6 / 1النَّظافَهرسول اللّه صلى الله عليه و آله :غَسلُ الإِناءِ وطَهارَهُ الفِناءِ يورِثانِ الغَناءَ . (1)

الإمام علىّ عليه السلام :نَظِّفوا بُيوتَكُم مِن حَوكِ العَنكَبوتِ ؛ فَإِنَّ تَركَهُ فِى البَيتِ يورِثُ الفَقرَ . (2)

الإمام الباقر عليه السلام :كَنسُ البَيتِ يَنفِى الفَقرَ . (3)

الإمام الصادق عليه السلام :غَسلُ الإِناءِ وكَسحُ الفِناءِ مَجلَبَهٌ لِلرِّزقِ . (4)

.

1- .تاريخ بغداد : 12 / 92 / 6509 عن أنس ، كنز العمّال : 9 / 277 / 26004 .
2- .قرب الإسناد : 52 / 168 ، المحاسن : 2 / 463 / 2606 وفيه «أفنيتكم» بدل «بيوتكم» وكلاهما عن القدّاح عن الإمام الصادق عن أبيه عليهماالسلام ، الدعوات : 116 / 266 وفيه «غزل» بدل «حوك» ، بحار الأنوار : 76 / 175 / 3 .
3- .الكافى : 6 / 531 / 8 ، المحاسن : 2 / 463 / 2605 كلاهما عن أحمد بن محمّد بن خالد البرقى عن بعض من ذكره رفعه ، بحار الأنوار : 76 / 177 / 11 .
4- .الخصال : 54 / 73 عن محمّد بن مروان ، الدعوات : 143 / 370 ، روضه الواعظين : 339 ، بحار الأنوار : 76 / 176 / 6 .

6 / 1 پاکیزگی

فصل ششم: اصول بهداشتی6 / 1پاکیزگیپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :شستن ظرف ها و پاکیزه نگاه داشتن صحن خانه ، سبب توانگری است .

امام علی علیه السلام :خانه های خود را از تار عنکبوت پاک کنید ؛ که باقی ماندنش در خانه ، فقر به بار می آورد .

امام باقر علیه السلام :جارو کردن خانه ، فقر را می زداید .

امام صادق علیه السلام :شستن ظرف ها و تمیز کردن صحن خانه ، روزی را جلب می کند .

.

كتاب التعريف للصفوانىّ :رُوِىَ أنَّ النّورَةَ أمانٌ مِنَ الفَقرِ . (1)

6 / 2الوُضوءُ قَبلَ الطَّعامِ و بَعدَهُرسول اللّه صلى الله عليه و آله :سَعَةُ الرِّزقِ ورَدعُ سُنَّهِ الشَّيطانِ ؛ الوُضوءُ قَبلَ الطَّعامِ وبَعدَهُ . (2)

عنه صلى الله عليه و آله :مَن سَرَّهُ أن يَكثُرَ خَيرُ بَيتِهِ فَليَتَوَضَّأ عِندَ حُضورِ طَعامِهِ . (3)

عنه صلى الله عليه و آله :مَن أحَبَّ أن يَكثُرَ خَيرُ بَيتِهِ فَليَتَوَضَّأ قَبلَ الطَّعامِ وبَعدَهُ . (4)

عنه صلى الله عليه و آله :يا عَلِىُّ ، إنَّ الوُضوءَ قَبلَ الطَّعامِ وبَعدَهُ شِفاءٌ فِى الجَسَدِ ، ويُمنٌ فِى الرِّزقِ . (5)

الكافى عن أبو عوف البجلّىّ :سَمِعتُ أبا عَبدِ اللّهِ عليه السلام يَقولُ : الوُضوءُ قَبلَ الطَّعامِ وبَعدَهُ يَزيدانِ فِى الرِّزقِ ؛ ورُوِىَ أنَّ رَسولَ اللّهِ صلى الله عليه و آلهقالَ : أوَّلُهُ يَنفِى الفَقرَ وآخِرُهُ يَنفِى الهَمَّ . (6)

.

1- .مستدرک الوسائل : 1 / 388 / 942 نقلاً عن التعريف للصفوانى .
2- .كنز العمّال : 15 / 242 / 40762 نقلاً عن الحاكم فى تاريخه عن أنس .
3- .من لا يحضره الفقيه : 3 / 358 / 4264 ، الكافى : 6 / 290 / 4 ، المحاسن : 2 / 200 / 1586 كلاهما عن السكونى عن الإمام الصادق عليه السلام ، الخصال : 13 / 44 عن أبى بصير عن الإمام الصادق عن آبائه عن الإمام علىّ عليهم السلام ، روضه الواعظين : 335 عن الإمام علىّ عليه السلام ، بحار الأنوار : 66 / 352 / 1 .
4- .كنز العمّال : 15 / 248 / 40795 نقلاً عن ابن النجّار عن أنس .
5- .المحاسن : 2 / 201 / 1591 عن معاويه بن عمّار عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام ، بحار الأنوار : 66 / 356 / 17 .
6- .الكافى : 6 / 290 / 5 ، الخصال : 23 / 82 ، المحاسن : 2 / 201 / 1590 وليس فيهما «وروى أنّ رسول اللّه صلى الله عليه و آله . . .» ،

بحار الأنوار : 66 / 352 / 2 .

کتاب التعریف از آنِ صفوانی :روایت شده که زدودن موی های زاید بدن ، انسان را از فقر در امان می دارد .

6 / 2وضو گرفتن پیش و پس از غذاپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :وضو گرفتن پیش و پس از غذا ، موجب گشایش روزی و مقابله با شیوه شیطان است .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر که دوست می دارد خیر در خانه اش فراوان گردد ، باید هنگام حاضر شدن غذا ، وضو گیرد .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر که خواهد خیر خانه اش بسیار گردد ، پیش و پس از غذا باید وضو گیرد .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :ای علی! وضو پیش و پس از غذا شفابخش جسم و برکت دهنده روزی است .

الکافی از ابوعوف بجلی :از امام صادق علیه السلام شنیدم که فرمود: «وضو پیش و پس از غذا ، روزی را می افزاید و از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت است که اولی فقر را می زداید و دیگری اندوه را» .

.

الإمام الصادق عليه السلام :اِغسِلوا أيدِيَكُم قَبلَ الطَّعامِ وبَعدَهُ ؛ فَإِنَّهُ يَنفِى الفَقرَ ، ويَزيدُ فِى العُمُرِ . (1)

6 / 3التَّخَلُّلُ وَالسِّواكُرسول اللّه صلى الله عليه و آله :مَنِ استاکَ كُلَّ يَومٍ مَرَّتَينِ فَقَد أدامَ سُنَّةَ الأنبِياءِ عليهم السلام . . . وَاستَغنى عَنِ الفَقرِ . (2)

عنه صلى الله عليه و آله :تَخَلَّلوا عَلى إثرِ الطَّعامِ ؛ فَإِنَّهُ صِحَّةٌ لِلنّابِ وَالنَّواجِذِ ، ويَجلِبُ الرِّزقَ . (3)

عنه صلى الله عليه و آله لِجَعفَرٍ : تَخَلَّل ؛ فَإِنَّ الخِلالَ يَجلِبُ الرِّزقَ . (4)

الإمام الصادق عليه السلام :ناوَلَ النَّبِيُّ صلى الله عليه و آله جَعفَرَ بنَ أبى طالِبٍ عليه السلامخِلالاً ، فَقالَ لَهُ : تَخَلَّل ؛ فَإِنَّهُ مَصلَحَةٌ لِلفَمِ أو قالَ : لِلثَّةِ ومَجلَبَةٌ لِلرِّزقِ . (5)

عنه عليه السلام :الخِلالُ بَعدَ الطَّعامِ يَشُدُّ اللِّثاتِ ، ويَجلِبُ الرِّزقَ ، ويُطَيِّبُ النَّكهَةَ . (6)

.

1- .المحاسن : 2 / 202 / 1594 عن أحمد بن أبى عبد اللّه البرقى عن بعض من رواه ، بحار الأنوار : 66 / 356 / 20 .
2- .جامع الأخبار : 151 / 340 عن الإمام علىّ عليه السلام ، بحار الأنوار : 76 / 138 / 49 .
3- .النوادر للراوندى : 212 / 419 ، الجعفريّات : 28 ، دعائم الإسلام : 1 / 123 عن الإمام علىّ عليه السلام .
4- .المحاسن : 2 / 385 / 2358 عن أبى حمزه عن الإمام الكاظم عليه السلام ، دعائم الإسلام : 1 / 124 عن الإمام الصادق عليه السلام وفيه «الخلال يجلب الرزق» فقط ، بحار الأنوار : 66 / 441 / 20 .
5- .الكافي : 6 / 376 / 4 ، المحاسن : 2 / 385 / 2357 كلاهما عن أحمد بن عبد اللّه الأسدى عن رجل ، بحار الأنوار : 66 / 441 / 19 وليس فيهما «للفم أو قال» .
6- .إحقاق الحقّ : 12 / 283 نقلاً عن بهجه المجالس .

6 / 3 خلال کردن و مسواک زدن

امام صادق علیه السلام :دست های خود را پیش و پس از غذا بشویید ؛ که این کار فقر را می زداید و عمر را می افزاید .

6 / 3خلال کردن و مسواک زدنپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر که روزی دو بار مسواک کند ، شیوه پیامبران را زنده داشته . . . و از فقر رهایی یافته است .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :به دنبال غذا ، خلال کنید ؛ که هم دندان های نیش و آسیا را سالم می دارد و هم روزی را جلب می کند .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله خطاب به جعفر : خلال کن ؛ که خلال کردن ، روزی را جلب می کند .

امام صادق علیه السلام :پیامبر صلی الله علیه و آله به جعفر بن ابی طالب علیه السلام خلالی داد و به وی فرمود: «خلال کن ؛ که این کار دهان (یا: لثه) را سالم می دارد و روزی را فراهم می آورد» .

امام صادق علیه السلام :خلال کردن پس از غذا ، لثه ها را محکم سازد و روزی را جلب کند و بوی خوش پدید آورد .

.

6 / 4تَقليمُ الأَظفارِرسول اللّه صلى الله عليه و آله :تَقليمُ الأَظفارِ يَمنَعُ الدّاءَ الأَعظَمَ ، ويُدِرُّ الرِّزقَ . (1)

الخصال عن أبو كهمس :قُلتُ لِأَبى عَبدِ اللّهِ صلى الله عليه و آله : عَلِّمنى دُعاءً أستَنزِلُ بِهِ الرِّزقَ ، فَقالَ لى : خُذ مِن شارِبِکَ وأظفارِکَ ، وَليَکُن ذلِکَ فى يَومِ الجُمُعَهِ . (2)

الإمام الرضا عليه السلام :تَقليمُ الأَظفارِ يَجلِبُ الرِّزقَ . (3)

.

1- .الكافى : 6 / 490 / 1 عن الحسن بن راشد ، الخصال : 611 / 10 عن أبى بصير ومحمّد بن مسلم عن الإمام الصادق عن آبائه عن الإمام علىّ عليهم السلام ، ثواب الأعمال : 42 / 4 عن أبى بصير عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلامعنه صلى الله عليه و آله ، بحار الأنوار : 76 / 119 / 2 وص 316 / 4 .
2- .الخصال : 391 / 86 ، ثواب الأعمال : 42 / 7 ، بحار الأنوار : 76 / 110 / 5 .
3- .مستدرک الوسائل : 1 / 414 / 1031 نقلاً عن كتاب التعريف للصفوانى .

6 / 4چیدن ناخن هاپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :چیدن ناخن ها بیماری بزرگ را دور می کند و روزی را فروان می سازد .

الخصال از ابوکهمس :به امام صادق علیه السلام گفتم: «مرا دعایی بیاموز که با آن ، روزی را به سوی خود آورم» . به من فرمود: «موی لب و ناخن هایت را بچین و این کار باید در روز جمعه باشد» .

امام رضا علیه السلام :چیدن ناخن ها روزی را فراهم آورد .

.

الفصل التاسع: النّوادررسول اللّه صلى الله عليه و آله :مَن تَوَضَّأَ لِكُلِّ حَدَثٍ ، ولَم يَكُن دَجّالاً عَلَى النِّساءِ فِى البُيوتاتِ ، ولَم يَكُن يَكتَسِبُ مالاً بِغَيرِ حَقٍّ ؛ رُزِقَ مِنَ الدُّنيا بِغَيرِ حِسابٍ . (1)

عنه صلى الله عليه و آله :حُسنُ الخَطِّ مِن مَفاتيحِ الرِّزقِ ، وطيبُ الكَلامِ يَزيدُ فِى الرِّزقِ . (2)

عنه صلى الله عليه و آله :مَن تَتَبَّعَ ما يَقَعُ مِن مائِدَتِهِ فَأَكَلَهُ ، ذَهَبَ عَنهُ الفَقرُ وعَن وُلدِهِ ووُلدِ وُلدِهِ إلَى السّابِعِ . (3)

عنه صلى الله عليه و آله :حَملُ العَصا يَنفِى الفَقرَ . (4)

.

1- .مستدرک الوسائل : 1 / 300 / 677 نقلاً عن درر اللآلى عن عبد اللّه بن سلام .
2- .بحار الأنوار : 76 / 318 نقلاً عن رساله آداب المتعلّمين للمحقّق الطوسى .
3- .المحاسن : 2 / 228 / 1692 عن النوفلى بإسناده ، بحار الأنوار : 66 / 428 / 4 .
4- .من لا يحضره الفقيه : 2 / 270 / 2410 ، ثواب الأعمال : 222 / 1 عن يونس عن عدّه من أصحاب أبى عبد اللّه عليه السلامعن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه و آلهنحوه ، مكارم الأخلاق : 1 / 523 / 1820 عن الإمام علىّ عليه السلامعنه صلى الله عليه و آله ، بحار الأنوار : 76 / 230 / 1 و ص 234 / 14 .

فصل هفتم: روایات پراکندهپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :کسی که به دنبالِ هر باطل کننده وضو ، وضویی تازه گیرد و در خانه ها فراوان بر زنان درنیاَید و مالی را به ناحق فراهم نیاورد ، بدون حساب از دنیا روزی یابد .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :نیکوییِ خط ، از کلیدهای روزی است و خوش سخنی روزی را می افزاید .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر که ریزه های غذا را در سفره بِجویَد و بخورد ، فقر از وی و فرزندانش و فرزندان فرزندانش تا نسل هفتم زدوده گردد .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :عصا برداشتن فقر را می زداید .

.

الخصال عن سعيد بن علاقه :سَمِعتُ أميرَ المُؤمِنينَ عَلِيَّ بنَ أبى طالِبٍ عليه السلاميَقولُ : . . . ألا اُنَبِّئُكُم بِما يَزيدُ فِى الرِّزقِ؟ قالوا : بَلى يا أميرَ المُؤمِنينَ . قالَ : الجَمعُ بَينَ الصَّلاتَينِ يَزيدُ فِى الرِّزقِ ، وَالتَّعقيبُ بَعدَ الغَداهِ وبَعدَ العَصرِ يَزيدُ فِى الرِّزقِ ، وصِلَةُ الرَّحِمِ تَزيدُ فِى الرِّزقِ ، وكَسحُ الفِناءِ يَزيدُ فِى الرِّزقِ ، ومُواساهُ الأَخِ فِى اللّهِ عز و جل يَزيدُ فِى الرِّزقِ ، وَالبُكورُ فى طَلَبِ الرِّزقِ يَزيدُ فِى الرِّزقِ ، وَالاِستِغفارُ يَزيدُ فِى الرِّزقِ ، وَاستِعمالُ الأَمانَهِ يَزيدُ فِى الرِّزقِ ، وقَولُ الحَقِّ يَزيدُ فِى الرِّزقِ ، وإجابَهُ المُؤَذِّنِ يَزيدُ فِى الرِّزقِ ، وتَركُ الكَلامِ فِى الخَلاءِ يَزيدُ فِى الرِّزقِ ، وتَركُ الحِرصِ يَزيدُ فِى الرِّزقِ ، وشُكرُ المُنعِمِ يَزيدُ فِى الرِّزقِ ، وَاجتِنابُ اليَمينِ الكاذِبَهِ يَزيدُ فِى الرِّزقِ ، وَالوُضوءُ قَبلَ الطَّعامِ يَزيدُ فِى الرِّزقِ ، وأكلُ ما يَسقُطُ عَنِ الخِوانِ يَزيدُ فِى الرِّزقِ . ومَن سَبَّحَ اللّهَ كُلَّ يَومٍ ثَلاثينَ مَرَّهً دَفَعَ اللّهُ عز و جل عَنهُ سَبعينَ نَوعا مِنَ البَلاءِ أيسَرُهَا الفَقرُ . (1)

الكافى عن معاويه بن وهبٍ :أكَلنا عِندَ أبى عَبدِ اللّهِ عليه السلام ، فَلَمّا رُفِعَ الخِوانُ لَقَطَ ما وَقَعَ مِنهُ فَأكَلَهُ ، ثُمَّ قالَ لَنا : إنَّهُ يَنفِى الفَقرَ ويُكثِرُ الوَلَدَ . (2)

الدعوات للراوندىّ :شَكا رَجُلٌ إلى أبى عَبدِ اللّهِ عليه السلام [الفَقرَ] ، فَقالَ : أذِّن كُلَّما سَمِعتَ الأذانَ كَما يُؤَذِّنُ المُؤَذِّنونَ . (3)

الكافى عن زراره:سَمِعتُ أباعَبدِ اللّهِ عليه السلام يَقولُ: ثَلاثَهٌ إن يَعلَمهُنَّ المُؤمِنُ كانَ زِيادَهٌ فى عُمُرِهِ وبَقاءِ النِّعَمِ عَلَيهِ . فَقُلتُ : وما هُنَّ؟ قالَ : تَطويلُهُ فى رُكوعِهِ وسُجودِهِ فى صَلاتِهِ ، وتَطويلُهُ لِجُلوسِهِ عَلى طَعامِهِ إذا (أ) طعَمَ عَلى مائِدَتِهِ ، وَاصطِناعُهُ المَعروفَ إلى أهلِهِ . (4)

.

1- .الخصال : 505 / 2 ، مشكاه الأنوار : 230 / 645 ، جامع الأخبار : 343 / 953 ، روضه الواعظين : 499 .
2- .الكافى : 6 / 300 / 4 ، المحاسن : 2 / 229 / 1696 .
3- .الدعوات : 116 / 267 ، بحار الأنوار : 76 / 316 / 6 .
4- .الكافى : 4 / 49 / 15 .

الخصال از سعید بن علاقه :از امیر المؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلامشنیدم که فرمود: « . . . آیا خبرتان ندهم از آن چه روزی را می افزاید؟» گفتند: «آری ، ای امیرالمؤمنین!» فرمود: «این چیزها روزی را می افزایند : دو نماز را به هم پیوستن ، پس از نمازهای صبح و عصر تعقیبات به جای آوردن ، با خویشان پیوند داشتن ، صحن خانه را تمیز کردن ، برای خدا با برادر [ایمانی] همراهی کردن ، بامدادان در پی روزی روان شدن ، آمرزش خواستن ، امانت داری کردن ، سخن حق گفتن ، با ندای مؤذن همنوایی کردن ، به هنگام قضای حاجت سخن نگفتن ، پرهیز از آزمندی ، نعمت بخش را سپاس گفتن ، از سوگند دروغ خودداری کردن ، پیش از غذا وضو گرفتن ، و خوردن آن چه بر سفره فرو افتد . و نیز هر کس روزانه سی بار خدای را تسبیح گوید ، خداوند هفتاد گونه بلا را که سبک ترینِ آن ها فقر است ، از وی دور سازد» .

الکافی از معاویه بن وهب :نزد امام صادق علیه السلام غذا می خوردیم . به هنگام برچیده شدن سفره ، فروافتاده غذا را برگرفت و خورد و سپس به ما فرمود: «این کار فقر را می زداید و فرزند را می افزاید» .

الدعوات از راوندی :مردی نزد امام صادق علیه السلام از فقر شکایت آورد . امام فرمود : «هرگاه اذان را می شنوی ، همان گونه که مؤذنان بانگ برمی آورند ، اذان بخوان» .

الکافی از زراره:از امام صادق علیه السلام شنیدم که فرمود: «سه چیز را اگر مؤمن بداند [و به کار بندد] ، مایه افزایش عمر و پایداری نعمت ها برای وی است» . گفتم: «آن ها چیستند؟» فرمود: «رکوع و سجود طولانی در نماز ، فراوان نشستن بر سفره غذا به هنگام اطعام دیگران ، و به خانواده نیکی کردن» .

.

الإمام الصادق عليه السلام :لا تَدومُ النِّعَمُ إلاّ بَعدَ ثَلاثٍ : مَعرِفَهٍ بِما يَلزَمُ للّهِ سُبحانَهُ فيها ، وأداءِ شُكرِها ، وَالتَّعَبِ فيها . (1)

الإمام الرضا عليه السلام :إسراجُ السِّراجِ قَبلَ أن تَغيبَ الشَّمسُ يَنفِى الفَقرَ . (2)

.

1- .تحف العقول : 318 ، بحار الأنوار : 78 / 232 / 30 وفيه «لايعيب» بدل «التعب» .
2- .الكافى : 6 / 532 / 13 عن أبى علىّ الأشعرى رفعه .

امام صادق علیه السلام :نعمت ها جز از پسِ سه چیز پایدار نمانند : شناخت حقِّ خدای سبحان در آن نعمت ها ، به جای آوردن شکرِ آن ها ، و رنج بردن برای آن ها .

امام علی علیه السلام :چراغ افروختن پیش از غروب خورشید ، فقر را می زداید .

.

ص: 772

. .

بخش چهارم : موانع توسعه

اشاره

بخش چهارم: موانع توسعهفصل یکم: موانع اخلاقیفصل دوم: موانع اجتماعیفصل سوم: موانع عملی

.

الفصل الأوّل: الموانع الاخلاقيّه1 / 1الحِرصرسول اللّه صلى الله عليه و آله :إنَّ صَلاحَ أوَّلِ هذِهِ الاُمَّهِ بِالزُّهدِ وَاليَقينِ ، وهَلاكُ آخِرِها بِالشُّحِّ وَالأَمَلِ . (1)

عنه صلى الله عليه و آله :لَو كانَ لِابنِ آدَمَ وادِيانِ مِن مالٍ لاَبتَغى ثالِثا ، ولا يَملَأُ جَوفَ ابنِ آدَمَ إلاَّ التُّرابُ ، ويَتوبُ اللّهُ عَلى مَن تابَ . (2)

.

1- .الخصال : 79 / 128 عن فاطمه بنت الحسين عن أبيها عليه السلام ، روضه الواعظين : 474 ، بحار الأنوار : 70 / 173 / 24 نقلاً عن الأمالى للصدوق ؛ الزهد لابن حنبل : 16 عن عبد اللّه بن عمرو ، المعجم الأوسط : 7 / 332 / 7650 ، شُعب الإيمان : 7 / 427 / 10844 كلاهما عن عمرو بن شعيب عن أبيه عن جدّه وفيها «بالبخل» بدل «بالشحّ» ، كنز العمّال : 3 / 448 / 7383 .
2- .صحيح البخارى : 5 / 2364 / 6072 عن ابن عبّاس ، صحيح مسلم : 2 / 725 / 116 ، مسند ابن حنبل : 4 / 245 / 12230 و ص 351 / 12803 ، سنن الدارمى : 2 / 774 / 2676 ، سنن الترمذى : 4 / 569 / 2337 كلّها عن أنس ، السنن الكبرى : 3 / 515 / 6508 عن ابن عبّاس وكلّها نحوه ، كنز العمّال : 3 / 459 / 7432 .

1 / 1 آزمندی

فصل یکم: موانع اخلاقی1 / 1آزمندیپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :همانا صالح زیستنِ نسل های نخست امت من به دلیل پارسایی و دین باوری است ؛ و نابودی نسل های واپسینِ آن به سبب آزمندی و آرزوپروری .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :اگر فرزند آدم را به قدر دو وادی ، مال بود ، باز وادی سومی می جست . درون فرزند آدم را جز خاک چیزی پُر نمی کند . و خداوند توبه هر که را توبه کند ، می پذیرد .

.

عنه صلي الله عليه و آله :لَو أنَّ لِابنِ آدَمَ مِثلَ وادٍ مالاً لَأَحَبَّ أن لَهُ إلَيهِ مِثلَهُ ، ولا يَملَأُ عَينَ ابنِ آدَمَ إلاَّ التُّرابُ ، و يَتوبُ اللّهُ عَلى مَن تابَ . (1)

الإمام علىّ عليه السلام :مَن حَرَصَ عَلَى الدُّنيا هَلَکَ . (2)

عنه عليه السلام :الحِرصُ مَطِيَّةُ التَّعَبِ . (3)

عنه عليه السلام :لا يُلفَى الحَريصُ مُستَريحا . (4)

عنه عليه السلام :الحِرصُ عَناءٌ مُؤَبَّدٌ . (5)

عنه عليه السلام فِى الحِكَمِ المَنسوبَهِ إلَيهِ : أطوَلُ النّاسِ نَصَبا الحَريصُ إذا طَمِعَ ، وَالحَقودُ إذا مُنِعَ . (6)

عنه عليه السلام :الحَريصُ مَتعوبٌ فى ما يَضُرُّهُ . (7)

عنه عليه السلام :الحِرصُ مِفتاحُ التَّعَبِ . (8)

.

1- .صحيح البخارى : 5 / 2364 / 6073 عن ابن عبّاس ، صحيح مسلم : 2 / 725 / 118 وفيه «مل ء» بدل «مثل» ، مسند ابن حنبل : 1 / 791 / 3501 كلاهما عن ابن عبّاس ، سنن ابن ماجه : 2 / 1415 / 4235 عن أبى هريره نحوه ، كنز العمّال : 3 / 220 / 6245 .
2- .غرر الحكم : 8442 .
3- .غرر الحكم : 280 .
4- .غرر الحكم : 10561 .
5- .غرر الحكم : 982 .
6- .شرح نهج البلاغه : 20 / 305 / 493 .
7- .غرر الحكم : 676 .
8- .تحف العقول : 90 ، الكافى : 8 / 19 / 4 عن جابر بن يزيد الجعفى عن الإمام الباقر عنه عليهماالسلام وفيه «الرغبه» بدل «الحرص»، بحار الأنوار : 78/91/ 98 وراجع نهج البلاغه: الحكمه 371 و كنز الفوائد: 1 / 279 .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :اگر فرزند آدم به قدر یک وادی مال داشته باشد ، باز دوست می دارد که یک وادی دیگر از آن او گردد . چشم فرزند آدم را چیزی جز خاک پُر نمی کند . و خداوند توبه آن کس را که توبه کند ، می پذیرد .

امام علی علیه السلام :هر که بر دنیا حرص ورزد ، هلاک گردد .

امام علی علیه السلام :رنج بر آزمندی سوار است .

امام علی علیه السلام :آزمند در حال آسایش یافت نگردد .

امام علی علیه السلام :حرص رنج جاودانه است .

امام علی علیه السلام در کلمات حکیمانه منسوب به وی : در میان مردم ، درازترین رنج را حریص ، هنگامی که طمع می ورزد و حسود ، هنگامی که ناکام گردد ، بینند .

امام علی علیه السلام :حریص در راه آن چه برایش زیان دارد ، رنج می بیند .

امام علی علیه السلام :حرص کلید رنج است .

.

عنه علیه السلام :ظَمَأُ المالِ أشَدُّ مِن ظَمَأ?الماءِ . (1)

عنه علیه السلام :الحِرمانُ مَعَ الحِرصِ . (2)

عنه علیه السلام :مَن طَلَبَ الزِّیادَهَ وَقَعَ فِی النُّقصانِ . (3)

عنه علیه السلام :مَن لَم یَستَغنِ بِالکَثیرِ افتَقَرَ إلَی الحَقیرِ . (4)

عنه علیه السلام :إظهارُ الحِرصِ یورِثُ الفَقرَ . (5)

عنه علیه السلام :مَن أسرَفَ فی طَلَبِ الدُّنیا ماتَ فَقیرا . (6)

عنه علیه السلام :الحِرصُ مَفقَرَهٌ . (7)

عنه علیه السلام :الحَریصُ فَقیرٌ ولَو مَلَکَ الدُّنیا بِحَذافیرِها . (8)

عنه علیه السلام :الحِرصُ رَأسُ الفَقرِ واُسُّ الشَّرِّ . (9)

عنه علیه السلام :کُلُّ حَریصٍ فَقیرٌ . (10)

عنه علیه السلام :یَسیرُ الحِرصِ یَحمِلُ عَلی کَثیرِ الطَّمَعِ . (11)

.

1- .المواعظ العددیّه : 59 .
2- .مائه کلمه للجاحظ : 65 / 49 ، شرح نهج البلاغه : 20 / 327 / 739 .
3- .غرر الحکم : 8332 .
4- .الإرشاد : 1 / 301 ، بحار الأنوار : 77 / 422 / 40 .
5- .الخصال : 505 / 2 عن سعید بن علاقه ، مشکاه الأنوار : 229 / 645 ، روضه الواعظین : 499 ، بحار الأنوار : 73 / 162 / 12 .
6- .غرر الحکم : 8608 .
7- .الخصال : 505 / 3 عن الأصبغ بن نباته ، بحار الأنوار : 73 / 162 / 13 .
8- .غرر الحکم : 1753 .

9- غرر الحكم : 1574 .
10- غرر الحكم : 6833 .
11- غرر الحكم : 10982 .

امام علی علیه السلام :ناسیرابیِ مال سخت تر از ناسیرابیِ آب است .

امام علی علیه السلام :ناکامی با آزمندی همراه است .

امام علی علیه السلام :هر که زیاده خواه باشد ، در کمبود افتد .

امام علی علیه السلام :هر که به زیاد توانگری نیابد ، به کم نیازمند شود .

امام علی علیه السلام :نشان دادن آزمندی ، فقر به بار می آورد .

امام علی علیه السلام :هر که در طلب دنیا زیاده روی کند ، فقیر می میرد .

امام علی علیه السلام :حرص مایه فقر است .

امام علی علیه السلام :حریص فقیر است ، حتّی اگر کران تا کرانِ دنیا را مالک شود .

امام علی علیه السلام :آزمندی سرچشمه فقر و پایه شر است .

امام علی علیه السلام :هر آزمندی فقیر است .

امام علی علیه السلام :حرص اندک ، انسان را به طمع بسیار می کشاند .

.

عنه علیه السلام :الحَریصُ لا یَکتَفی . (1)

عنه علیه السلام :لَیسَ لِحَریصٍ غَناءٌ . (2)

الإمام الصادق علیه السلام :إنَّ فی ما نَزَلَ بِهِ الوَحیُ مِنَ السَّماءِ : لَو أنَّ لِابنِ آدَمَ وادِیَینِ یَسیلانِ ذَهَبا وفِضَّةً لاَبتَغی إلَیهِما ثالِثا . یَابنَ آدَمَ ، إنَّما بَطنُکَ بَحرٌ مِنَ البُحورِ ووادٍ مِنَ الأَودِیَهِ لا یَملَؤُهُ شَیءٌ إلاَّ التُّرابَ . (3)

1 / 2الحَسَدالإمام علیّ علیه السلام :الحَسَدُ یُنَکِّدُ العَیشَ . (4)

عنه علیه السلام :لا عَیشَ لِحَسودٍ . (5)

عنه علیه السلام :أسوَأُ النّاسِ عَیشا الحَسودُ . (6)

عنه علیه السلام :ثَلاثٌ لا یَهنَأُ لِصاحِبِهِنَّ عَیشٌ : الحِقدُ ، وَالحَسَدُ ، وسوءُ الخُلُقِ . (7)

عنه علیه السلام :لا عَیشَ أنکَدُ مِن عَیشِ الحَسودِ وَالحَقودِ . (8)

عنه علیه السلام :ثَمَرَهُ الحَسَدِ شَقاءُ الدُّنیا وَالآخِرَهِ . (9)

.

1- .غرر الحکم : 365 .
2- .غرر الحکم : 7452 .
3- .من لا یحضره الفقیه : 4 / 418 / 5912 عن میسّر .
4- .غرر الحکم : 809 .
5- .تحف العقول : 215 ، بحار الأنوار : 78 / 54 / 93 .
6- .غرر الحکم : 2931 .
7- .غرر الحکم : 4663 .
8- .غرر الحکم : 10747 .
9- .غرر الحکم : 4632 .

امام علی علیه السلام :حریص به چیزی بسنده نکند .

امام علی علیه السلام :حریص را چیزی کفایت نکند .

امام صادق علیه السلام :در زمره وحی فرو آمده از آسمان ، چنین است: «اگر فرزند آدم را دو وادی باشد که در آن ها طلا و نقره جاری باشد ، باز به دنبال سومی است . ای فرزند آدم! جز این نیست که درون تو دریایی است از جمله دریاها و وادی ای است از جمله وادی ها که آن را هیچ چیز جز خاک پُر نکند» .

1 / 2حسدامام علی علیه السلام :حسد زندگی را تیره و دشوار می کند .

امام علی علیه السلام :حسود را زندگانی نباشد .

امام علی علیه السلام :بد زندگانی ترینِ مردم ، حسود است .

امام علی علیه السلام :سه چیز زندگانی گوارا برای کس نگذارد : کین ورزی و حسد و بدخُلقی .

امام علی علیه السلام :زندگانی ای تیره تر از زندگی حسود و کینه ورز نباشد .

امام علی علیه السلام :نتیجه حسد ، تیره بختی دنیا و آخرت است .

.

الإمام الصادق عليه السلام :لَيسَ . . . لِحَسودٍ غِنىً . (1)

1 / 3الكَذِبرسول اللّه صلى الله عليه و آله :الكَذِبُ يَنقُصُ الرِّزقَ . (2)

الإمام علىّ عليه السلام :اِعتِيادُ الكَذِبِ يورِثُ الفَقرَ . (3)

الإمام الرضا عليه السلام :إذا كَذَبَ الوُلاةُ حُبِسَ المَطَرُ . (4)

1 / 4كُفرُ النِّعمَةِالكتاب :«وَ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلاً قَرْيَةً كَانَتْ ءَامِنَةً مُّطْمَئِنَّةً يَأْتِيهَا رِزْقُهَا رَغَدًا مِّن كُلِّ مَكَانٍ فَكَفَرَتْ بِأَنْعُمِ اللَّهِ فَأَذَ قَهَا اللَّهُ لِبَاسَ الْجُوعِ وَ الْخَوْفِ بِمَا كَانُواْ يَصْنَعُونَ . (5) »

.

1- .الأمالى للطوسى : 301 / 595 عن أبى قتاده ، تحف العقول : 364 ، بحار الأنوار : 78 / 197 / 19 .
2- .إحياء علوم الدين : 3 / 198 ، المغنى عن حمل الأسفار : 2 / 806 / 2952 ، كنز العمّال : 3 / 623 / 8220 نقلاً عن الخرائطى فى مساوئ الأخلاق ؛ الأمالى للشجرى : 1 / 52 وج 2 / 118 وكلّها عن أبى هريره .
3- .الخصال : 505 / 2 عن سعيد بن علاقه ، مشكاه الأنوار : 229 / 645 ، جامع الأخبار : 343 / 952 ، روضه الواعظين : 499 ، بحار الأنوار : 76 / 314 / 1 .
4- .الأمالى للمفيد : 310 / 2 عن ياسر ، تنبيه الخواطر : 2 / 179 ، بحار الأنوار : 73 / 373 / 8 .
5- .النحل : 112 .

1 / 3 دروغ گویی

1 / 4 ناسپاسی نعمت

امام صادق علیه السلام :حسود را توانگری نباشد .

1 / 3دروغ گوییپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :دروغ گویی روزی را بکاهد .

امام علی علیه السلام :عادت به دروغ گویی ، فقر به بار آورد .

امام رضا علیه السلام :هر گاه حکمرانان دروغ گویند ، باران بند آید .

1 / 4ناسپاسی نعمتقرآن:«و خداوند شهری را مثل می زند که امن و آرام بود ، روزیِ آن به فراوانی از هر جای می رسید؛ اما نعمت های خدا را ناسپاسی کردند ، پس خدا به سزای آن چه می کردند ، جامه گرسنگی و ترس به آن پوشاند .»

.

الحديث :الإمام الصادق عليه السلام :إنَّ قَوما كانوا فى بَنى إسرائيلَ يُؤتى لَهُم مِن طَعامِهِم حَتّى جَعَلوا مِنهُ تَماثيلَ بِمُدُنٍ كانَت فى بِلادِهِم يَستَنجونَ بِها ، فَلَم يَزَلِ اللّهُ بِهِم حَتّى اضطُرّوا إلَى التَّماثيلِ يَتَّبِعونَها ويَأكُلونَ مِنها ! وهُوَ قَولُ اللّهِ : «وَ ضَرَبَ اللّهُ مَثَلاً قَرْيَةً كَانَتْ ءَامِنَةً مُّطْمَئِنَّةً يَأْتِيهَا رِزْقُهَا رَغَدًا مِّن كُلِّ مَكَانٍ فَكَفَرَتْ بِأَنْعُمِ اللَّهِ فَأَذَ قَهَا اللَّهُ لِبَاسَ الْجُوعِ وَ الْخَوْفِ بِمَا كَانُواْ يَصْنَعُونَ (1) » . (2)

تفسير القمّىّ :قَولُهُ : «لَقَد كَانَ لِسَبَإٍ فِى مَسْكَنِهِمْ ءَايَةٌ جَنَّتَانِ عَن يَمِينٍ وَ شِمَالٍ (3) » قالَ : فَإنَّ بَحرا كانَ مِنَ اليَمَنِ ، وكانَ سُلَيمانُ أمَرَ جُنودَهُ أن يُجروا لَهُم خَليجا مِنَ البَحرِ العَذبِ إلى بِلادِ الهِندِ ، فَفَعَلوا ذلِكَ ، وعَقَدوا لَهُ عُقدَةً عَظيمَةً مِنَ الصَّخرِ وَالكِلسِ حَتّى يَفيضَ عَلى بِلادِهِم ، وجَعَلوا لِلخَليجِ مَجارِيَ ، فَكانوا إذا أرادوا أن يُرسِلوا مِنهُ الماءَ أرسَلوهُ بِقَدرِ ما يَحتاجونَ إلَيهِ ، وكانَت لَهُم جَنَّتانِ عَن يَمينٍ وشِمالٍ عَن مَسيرَهِ عَشَرَهِ أيّامٍ ، فيهِ[م] ا يَمُرُّ المارُّ لا يَقَعُ عَلَيهِ الشَّمسُ مِنِ التِفافِهِما ، فَلَمّا عَمِلوا بِالمَعاصى وعَتَوا عَن أمرِ رَبِّهِم ونَهاهُمُ الصّالِحونَ فَلَم يَنتَهوا ، بَعَثَ اللّهُ عَلى ذلِكَ السَّدِّ الجُرَذَ وهِيَ الفَأرَةُ الكَبيرَةُ فَكانَت تَقلَعُ الصَّخرَةَ الَّتى لا يَستَقِلُّها الرَّجُلُ وتَرمى بِها ، فَلَمّا رَأى ذلِكَ قَومٌ مِنهُم هَرَبوا وتَرَكُوا البِلادَ ، فَما زالَ الجُرَذُ يَقلَعُ الحَجَرَ حَتّى خَرَّبوا ذلِكَ السَّدَّ ، فَلَم يَشعُروا حَتّى غَشِيَهُمُ السَّيلُ وخَرَّبَ بِلادَهُم وقَلَعَ أشجارَهُم . (4)

.

1- .النحل : 112 .
2- .تفسير العيّاشى: 2/273/78 عن حفص بن سالم، بحار الأنوار: 80/207/16 وفيه «تماثيل مدره».
3- .سبأ : 5
4- .تفسير القمّى : 2 / 200 ، تفسير نور الثقلين : 4 / 327 / 43 ، بحار الأنوار : 14 / 143 / 1 .

حدیث:امام صادق علیه السلام :در میان بنی اسرائیل ، قومی بودند که غذایشان برایشان در می رسید ؛ تا این که [کفران نعمت کرده] آن را به شکل تندیس هایی درآورده ، در شهرهای سرزمین خود قرار دادند و با آن ، نجاست خویش را می زدودند! پس خداوند چنانشان کرد که از سرِ ناچاری ، به همان پیکره ها روی آوردند و از آن ها خوردند . و این است سخن خداوند: «و خداوند شهری را مَثَل می زند که امن و آرام بود ، روزیِ آن به فراوانی از هر جای می رسید ؛ اما نعمت های خدا را ناسپاسی کردند ، پس خدا به سزای آن چه می کردند ، جامه گرسنگی و ترس به آن پوشانید».

تفسیر قمی :در تفسیر سخن خداوند که «قوم سبأ را در سکونتگاهشان نشانه ای بود : دو باغ از راست و چپ» : دریایی از جانب یمن روان بود . سلیمان به سپاهیانش فرمان داد که برای ایشان خلیجی از آن دریای دارای آب گوارا به سرزمین هند جریان دهند ؛ و آنان چنین کردند و برایش آب بندی بزرگ از سنگ و آهک ساختند تا آب به سوی سرزمینشان روان گردد ؛ و برای آن خلیج آبراهه هایی نهادند ؛ پس هر گاه می خواستند از آن آبی روان سازند ، به قدر نیازشان آن را می گشودند ؛ و ایشان را دو باغ از راست و چپ بود که به قدر ده روز با هم فاصله داشتند و چنانچه کسی این فاصله را می پیمود ، به سبب سایه گستریِ آن دو باغ ، آفتاب بر وی نمی افتاد . اما چون معصیت پیشه کردند و از فرمان پروردگارشان سرپیچیدند و صالحان نهیشان کردند و نپذیرفتند ، خداوند موش های صحرایی را بر آن سد گماشت که هر یک از آن ها پاره سنگی را که یک مرد نمی توانست بردارد ، می کندند و پرتاب می کردند . گروهی از آن مردم که چنین دیدند ، در بیم افتادند و سرزمینشان را ترک کردند . موش ها همچنان سنگ برکندند تا همه آن سد را ویران نمودند و آن مردم درنیافتند تا آن گاه که سیل در ایشان افتاد و سرزمینشان را ویران ساخت و درخت هاشان را از بیخ کند .

.

الدرّ المنثور عن الضحّاک فِی الآیَهِ «لَقَد کَانَ لِسَبَإٍ . . .» : کانَت أودِیَهُ الیَمَنِ تَسیلُ إلی وادی سَبَأ? ، وهُوَ وادٍ بَینَ جَبَلَینِ ، فَعَمَدَ أهلُ سَبَأ?فَسَدّوا ما بَینَ الجَبَلَینِ بِالقیرِ وَالحِجارَهِ ، وتَرَکوا ما شاؤوا لِجَنّاتِهِم ، فَعاشوا بِذلِکَ زَمانا مِنَ الدَّهرِ . ثُمَّ إنَّهُم عَتَوا وعَمِلوا بِالمَعاصی ، فَبَعَثَ اللّهُ عَلی ذلِکَ السَّدِّ جُرَذا فَنَقَبَهُ عَلَیهِم ، فَعَرَّضَ اللّهُ مَساکِنَهُم وجَنّاتِهِم ، وبَدَّلَهُم بِمَکانِ جَنَّتَیهِم جَنَّتَینِ؛ خَمطٍ (وأثلٍ . (1))

الکافی عن سدیر :سَأَلَ رَجُلٌ أبا عَبدِ اللّهِ علیهِ السلام عَن قَولِ اللّهِ عز و جل : «فَقَالُواْ رَبَّنَا بَعِدْ بَیْنَ أَسْفَارِنَا وَ ظَلَمُواْ أَنفُسَهُمْ (2) » فَقالَ : هؤُلاءِ قَومٌ کانَت لَهُم قُریً مُتَّصِلَهٌ یَنظُرُ بَعضُهُم إلی بَعضٍ ، وأنهارٌ جارِیَهٌ وأموالٌ ظاهِرَهٌ ، فَکَفَروا نِعَمَ اللّهِ عز و جل ، وغَیَّروا ما بِأَنفُسِهِم مِن عافِیَهِ اللّهِ ، فَغَیَّرَ اللّهُ ما بِهِم مِن نِعمَهٍ ، وإنَّ اللّهَ لا یُغَیِّرُ ما بِقَومٍ حَتّی یُغَیِّروا ما بِأَنفُسِهِم ، فَأَرسَلَ اللّهُ عَلَیهِم سَیلَ العَرِمِ فَغَرَّقَ قُراهُم وخَرَّبَ دِیارَهُم وأذهَبَ أموالَهُم ، وأبدَلَهُم مَکانَ جَنّاتِهِم جَنَّتَینِ ذَواتَی اُکُلٍ خَمطٍ وأثلٍ وشَیءٍ مِن سِدرٍ قَلیلٍ ، ثُمَّ قالَ : «ذَ لِکَ جَزَیْنَهُم بِمَا کَفَرُواْ وَ هَلْ نُجَزِی إِلاَّ الْکَفُورَ (3) » (4) .

وقعه صفّین فی بَیانِ مَسیرِ الإمامِ عَلِیٍّ علیه السلام إلی صِفّینَ : ثُمَّ مَضی نَحوَ ساباطَ حَتّی انتَهی إلی مَدینَهِ بَهُرَسیرَ ، وإذا رَجُلٌ مِن أصحابِهِ یُقالُ لَهُ حُرُّ بنُ سَهمِ بنِ طَریفٍ مِن بَنی رَبیعَهَ بنِ مالِکٍ یَنظُرُ إلی آثارِ کِسری وهُوَ یَتَمَثَّلُ قَولَ ابنِ یَعفُرَ التَّمیمِیِّ : جَرَتِ الرِّیاحُ عَلی مَکانِ دِیارِهِمفَکَأَنَّما کانوا عَلی میعادِ فَقالَ عَلِیٌّ علیه السلام : أفَلا قُلتَ : «کَمْ تَرَکُواْ مِن جَنَّتٍ وَ عُیُونٍ * وَ زُرُوعٍ وَ مَقَامٍ کَرِیمٍ * وَ نَعْمَهٍ کَانُواْ فِیهَا فَکِهِینَ * کَذَ لِکَ وَ أَوْرَثْنَهَا قَوْمًا ءَاخَرِینَ * فَمَا بَکَتْ عَلَیْهِمُ السَّمَآءُ وَ الْأَرْضُ وَ مَا کَانُواْ مُنظَرِینَ» ؟! (5) إنَّ هؤُلاءِ کانوا وارِثینَ فَأَصبَحوا مَوروثینَ ؛ إنَّ هؤُلاءِ لَم یَشکُروا النِّعمَهَ فَسُلِبوا دُنیاهُم بِالمَعصِیَهِ . إیّاکُم وکُفرَ النِّعَمِ! لا تَحُلُّ بِکُمُ النِّقَمُ . (6)

.

1- .الدرّالمنثور : 6 / 690 نقلاً عن ابن جریر وابن المنذر .
2- .سبأ : 19 .
3- .سبأ : 17 .

4- .الكافى : 2 / 274 / 23 و ج 8 / 395 / 596 ، قصص الأنبياء : 99 / 92 كلاهما عن سدير عن الإمام الباقر عليه السلام نحوه ، بحار الأنوار : 14 / 144 / 3 .
5- .الدخان : 25 29 .
6- .وقعه صفّين : 142 ، السرائر : 1 / 484 ، كنز الفوائد : 1 / 315 ، نثر الدرّ : 286 كلّها نحوه ، بحار الأنوار : 32 / 422 / 387 ؛ المناقب للكوفى : 2 / 571 / 1081 نحوه .

الدرّ المنثور از ضحاک درباره این آیه: «و قوم سبأ را ...» :آبراهه های یمن به سبأ می رسید که دره ای بود میان دو کوه . مردم سبأ میان آن دو کوه با قیر و سنگ سدی ساختند و هر چه آب خواستند به باغ هاشان رساندند و بدین سان روزگاری را خوش زیستند . سپس به سرکشی و گناه پرداختند و خداوند موش های صحرایی را فرستاد تا آن سد را سوراخ نمایند و بدین سان ، خدا خانه ها و باغ هاشان را با خاک یکسان کرد و به جای آن دو باغ ، دو درختزار با میوه های تلخ و ترش و درختان شوره گز به ایشان داد .

الکافی از سدیر :مردی از امام صادق علیه السلام درباره این سخن خداوند پرسید: «پس گفتند : پروردگارا! میان شهرهای ما دوری افکن ؛ و بر خویشتن ستم کردند » . فرمود: «اینان گروهی بودند که شهرهاشان به هم متصل و در چشم انداز یکدیگر بود و رودهای روان و دارایی های نمایان داشتند . سپس نعمت های خدا را کفران کردند و عافیتی را که خداوند به ایشان بخشیده بود ، دگرگون ساختند و خدا نیز نعمت را بر آنان دگرگون فرمود و همانا خداوند تا کسانی حال خودشان را تغییر ندهند ، نعمت ایشان را دگرگون نمی سازد . پس خداوند سیلی عظیم بر آنان فرستاد و شهرهاشان را غرق نمود و سرزمین هاشان را ویران ساخت و مال هاشان را از میان برد و به جای باغ هاشان ، دو باغ با میوه های تلخ و ترش و درختان شوره گز و اندکی سدر نهاد و سپس فرمود: «آن [کیفر]را به سزای آن که کافر شدند و ناسپاسی کردند ، به آنان دادیم و آیا جز ناسپاس را کیفر می دهیم؟ » .

وقعه صفین در توضیح مسیر امام علی علیه السلام به صفین : سپس به سوی ساباط روان شد تا به شهر بَهُرَسیر رسید . در آن جا ، مردی از یاران وی به نام حُرّ بن سهم بن طریف از قبیله بنی ربیعه بن مالک ، در حالی که به آثار کسری می نگریست ، به سخن ابن یعفر تمیمی تمسک می جست: باد بر جای سرزمین ایشان می وزیدگویی در آن جا وعده نهاده [و سپس رخت بربسته] بودند . امام فرمود: «چرا به این سخن خدای تمسک نکردی : «چه بسیار باغ ها و چشمه ها که بگذاشتند ؛ و کشتزارها و جای های نیکو و آراسته و نعمت ها و آسایشی که در آن بهره مند بودند * این چنین [بود سرگذشتشان] و آن ها را به قومی دیگر میراث دادیم * پس آسمان و زمین بر آنان گریه نکرد و مهلت هم نیافتند» ؟ همانا ایشان که خود ارث برده بودند ، بدین سان کسان دیگر از آنان ارث بردند ؛ زیرا نعمت را

سپاس نگفتند و با گناهکاری ، دنیاشان ستانده شد . از کفران نعمت بپرهیزید تا گرفتار کیفر نگردید !» .

.

الإمام علىّ عليه السلام :قَيِّدوا قَوادِمَ النِّعَمِ بِالشُّكرِ ؛ فَما كُلُّ شارِدٍ بِمَردودٍ . (1)

عنه عليه السلام :اِحذَروا نِفارَ النِّعَمِ ؛ فَما كُلُّ شارِدٍ بِمَردودٍ . (2)

عنه عليه السلام :إذا وَصَلَت إلَيكُم أطرافُ النِّعَمِ ، فَلا تُنَفِّروا أقصاها بِقِلَّهِ الشُّكرِ . (3)

عنه عليه السلام :سَبَبُ تَحَوُّلِ النِّعَمِ الكُفرُ . (4)

.

1- .غرر الحكم : 6816 .
2- .نهج البلاغه : الحكمه 246 ، نثر الدرّ : 1 / 327 ، روضه الواعظين : 519 ، غرر الحكم : 2617 ، بحار الأنوار : 71 / 54 / 85 ؛ المناقب للخوارزمى : 376 / 395 .
3- .نهج البلاغه : الحكمه 13 ، مشكاه الأنوار : 72 / 130 ، روضه الواعظين : 519 ، غرر الحكم : 4106 ، المناقب للخوارزمى : 376 / 395 ، بحار الأنوار : 71 / 53 / 85 .
4- .غرر الحكم : 5545 .

امام علی علیه السلام :با شکرگزاری ، پای های نعمت ها را در بند کنید ؛ زیرا هر گریزانی بازگشتنی نیست .

امام علی علیه السلام :از گریزانی نعمت ها بپرهیزید ؛ که هر چه گریزد ، بازنگردد .

امام علی علیه السلام :آن گاه که دامنه های نعمت به شما رسد ، با کم سپاسی آن را برنچینید!

امام علی علیه السلام :کفران نعمت ها ، سبب از دست رفتن آن ها است .

.

عنه علیه السلام :النِّعَمُ یَسلُبُهَا الکُفرانُ . (1)

عنه علیه السلام :کُفرُ النِّعمَهِ مُزیلُها . (2)

عنه علیه السلام :سَبَبُ زَوالِ النِّعَمِ الکُفرانُ . (3)

عنه علیه السلام :زَوالُ النِّعَمِ بِمَنعِ حُقوقِ اللّهِ مِنها ، وَالتَّقصیرِ فی شُکرِها . (4)

الإمام الصادق علیه السلام :إنَّ قَوما وُسِّعَ عَلَیهِم فی أرزاقِهِم حَتّی طَغَوا ، فَاستَخشَنُوا الحِجارَهَ ، فَعَمَدوا إلَی النَّقِیِّ فَصَنَعوا مِنهُ کَهَیئَهِ الأفهارِ ، فَجَعَلوهُ فی مَذاهِبِهِم ، فَأخَذَهُمُ اللّهُ بِالسِّنینَ ، فَعَمَدوا إلی أطعِمَتِهِم فَجَعَلوها فِی الخَزائِنِ ، فَبَعَثَ اللّهُ عَلی ما فی خَزائِنِهِم ما أفسَدَهُ ، حَتَّی احتاجوا إلی ما کانوا یَستَنظِفونَ بِهِ فی مَذاهِبِهِم ، فَجَعَلوا یَغسِلونَهُ ویَأکُلونَهُ ! (5)

الکافی عن عمرو بن شمر :سَمِعتُ أبا عَبدِ اللّهِ علیه السلام یَقولُ : إنّی لَألحَسُ أصابِعی مِنَ الأُدمِ ، حَتّی أخافَ أن یَرانی خادِمی فَیَری أنَّ ذلِکَ مِنَ التَّجَشُّعِ ، ولَیسَ ذلِکَ کَذلِکَ ؛ إنَّ قَوما اُفرِغَت عَلَیهِمُ النِّعمَهُ وهُم أهلُ الثَّرثارِ فَعَمَدوا إلی مُخِّ الحِنطَهِ فَجَعَلوها خُبزا هِجاءً ، وجَعَلوا یُنجونَ بِهِ صِبیانَهُم ، حَتَّی اجتَمَعَ مِن ذلِکَ جَبَلٌ عَظیمٌ . قالَ : فَمَرَّ بِهِم رَجُلٌ صالِحٌ ، وإذَا امرَأهٌ وهِیَ تَفعَلُ ذلِکَ بِصَبِیٍّ لَها ، فَقالَ لَهُم : وَیحَکُم ! اِتَّقُوا اللّهَ عز و جل ، ولا تُغَیِّروا ما بِکُم مِن نِعمَهٍ ، فَقالَت لَهُ : کَأنَّکَ تُخَوِّفُنا بِالجوعِ !؟ أما ما دامَ ثَرثارُنا یَجری فَإنّا لا نَخافُ الجوعَ . قالَ : فَأسِفَ اللّهُ عز و جل ، فَأضعَفَ لَهُمُ الثَّرثارَ ، وحَبَسَ عَنهُم قَطرَ السَّماءِ ونَباتَ الأرضِ . قالَ : فَاحتاجوا إلی ذلِکَ الجَبَلِ ، وإنَّهُ کانَ یُقسَمُ بَینَهُم بِالمیزانِ ! (6)

.

1- .غرر الحکم : 864 .
2- .غرر الحکم : 7242 .
3- .غرر الحکم : 5517 .
4- .غرر الحکم : 5475 .

5- .المحاسن : 2 / 419 / 2466 عن أبى عيينه ، دعائم الإسلام : 1 / 179 نحوه ، بحار الأنوار : 80 / 204 / 12 .
6- .الكافى : 6 / 301 / 1 ، المحاسن : 2 / 417 / 2462 نحوه ، بحار الأنوار : 14 / 144 / 2 .

امام علی علیه السلام :ناسپاسی ، نعمت ها را سلب می کند .

امام علی علیه السلام :کفران نعمت ، آن را نابود می کند .

امام علی علیه السلام :ناسپاسی ، سبب نابودی نعمت ها است .

امام علی علیه السلام :اگر حقوق خدا در نعمت ها ادا نشود و در شکرگزاری شان کوتاهی گردد ، آن نعمت ها ستانده می شوند .

امام صادق علیه السلام :همانا گروهی بودند که چندان روزی شان گشایش یافت که طغیان کردند و چون سنگ را [برای طهارت] خشن یافتند ، به نان روی آورده ، آن را به شکل سنگ ساخته ، در طهارتگاه هاشان نهادند . پس خداوند به خشکسالی گرفتارشان فرمود و آنان به غذاهاشان روی آورده ، آن را در انبارها گرد آوردند ؛ اما خداوند آفتی در انبارهاشان افکند ، چندان که به همان چیزها که در طهارتگاه هاشان برای نظافت خویش به کار می بردند ، نیازمند شدند ، بدین سان که آن را می شستند و می خوردند .

الکافی از عمرو بن شمر :از امام صادق علیه السلام شنیدم که فرمود: «من چندان انگشتانم را که نانْ خورش بر آن است ، می لیسم که بیم دارم خدمتکارم مرا ببیند و گمان کند که از گرسنگی چنین می کنم . اما چنین نیست ؛ بلکه گروهی بر کناره رودی بودند که نعمت بسیار یافته بودند و به مغز گندم روی آورده ، برای تمسخر آن را به شکل نان درآوردند و با آن کودکانشان را طهارت می دادند ؛ تا آن جا که کوهی بزرگ از آن ها گرد آمد . مردی صالح بر ایشان برگذشت و دید که زنی با فرزندش چنان می کند . به آنان گفت: وای بر شما ! از خدای بپرهیزید و نعمت خدا بر خویش را دگرگون مسازید . آن زن گفت: گویی ما را از گرسنگی بیم می دهی ! تا زمانی که رود ما جریان دارد ، از گرسنگی بیمی نداریم . پس خداوند ناخشنود گشت و آب آن رود را کم کرد و بارش آسمان و رویش زمین را از ایشان بازداشت . پس به همان کوهِ [نجاست]نیازمند شدند ، چندان که همان میانشان با سنجش تقسیم می گشت» .

.

1 / 5البَطَرالكتاب :«وَ لاَ تَكُونُواْ كَالَّذِينَ خَرَجُواْ مِن دِيَرِهِم بَطَرًا وَ رِئَآءَ النَّاسِ وَ يَصُدُّونَ عَن سَبِيلِ اللَّهِ وَ اللَّهُ بِمَا يَعْمَلُونَ مُحِيطٌ . (1) »

الحديث :عيون الأخبار لابن قتيبه :كانَ دُعاءُ رَسولِ اللّهِ صلى الله عليه و آله : «اللّهُمَّ إنّى أعوذُ بِکَ مِن غِنىً مُبطِرٍ ، ومِن فَقرٍ مُلِبٍّ أو مُرِبٍّ» ، وكَذلِکَ : «اللّهُمَّ لا غِنىً يُطغى ، ولا فَقرا يُنسى» . (2)

عنه عليه السلام :لا تَكُن مِمَّن يَرجُو الآخِرَةَ بِغَيرِ العَمَلِ . . . إنِ استَغنى بَطِرَ وفُتِنَ ، وإنِ افتَقَرَ قَنَطَ ووَهَنَ . (3)

.

1- .الأنفال : 47 .
2- .عيون الأخبار لابن قتيبه : 1 / 331 .
3- .نهج البلاغه: الحكمه 150 ، تحف العقول: 157 ، بحار الأنوار : 72 / 199 / 30 ؛ تذكره الخواصّ : 134 نحوه .

1 / 5سرمستی از نعمتقرآن:«و همانند آنان نباشید که از خانه های خویش ، با سرمستی از نعمت و خودنمایی به مردم بیرون آمدند و [مردم] را از راه خدا بازمی دارند؛ و خدا به آن چه می کنند ، فراگیرنده است .»

حدیث:عیون الاخبار ابن قتیبه :دعای رسول خدا صلی الله علیه و آله چنین بود : «بار خدایا! به تو پناه می برم از توانگری سرمستی . بار خدایا! به تو پناه می برم از توانگریِ سرمستی آور و از فقرِ همیشگی» ؛ و نیز: «بار خدایا! [مرا گرفتار مفرما] نه به توانگری ای که سرکشیِ زاید آورد و نه به فقری که سبب فراموشی شود» .

امام علی علیه السلام :همچون کسی مباش که بدون عمل ، به آخرت امیدوار است . . . و اگر توانگر شود ، سرمست و فریفته گردد ؛ و اگر فقیر شود ، ناامید و سست عنصر گردد .

.

عنه علیه السلام :لا تَکُن عِندَ النَّعماءِ بَطِرا ، ولا عِندَ البَأساءِ فَشِلاً . (1)

عنه علیه السلام :مَن نالَ استَطالَ . (2)

عنه علیه السلام :اِستَعیذوا بِاللّهِ مِن سَکرَهِ الغِنی ؛ فَإِنَّ لَهُ سَکرَةً بَعیدَهَ الإِفاقَهِ . (3)

عنه علیه السلام :غُرور الغِنی یوجِبُ الأَشَرَ . (4)

عنه علیه السلام :لا یَزدادَنَّ أحَدُکُم کِبرا وعِظَما فی نَفسِهِ ونَأیا عَن عَشیرَتِهِ ، إن کانَ موسِرا فِی المالِ . (5)

عنه علیه السلام :الزَّهوُ فِی الغِنی یُبَذِّرُ الذُّلَّ فِی الفَقرِ . (6)

عنه علیه السلام :المَرءُ یَتَغَیَّرُ فی ثَلاثٍ : القُربِ مِنَ المُلوکِ ، وَالوِلایاتِ ، وَالغَناءِ مِنَ الفَقرِ ؛ فَمَن لَم یَتَغَیَّر فی هذِهِ فَهُوَ ذو عَقلٍ قَویمٍ وخُلقٍ مُستَقیمٍ . (7)

عنه علیه السلام :البَطَرُ یَسلُبُ النِّعمَهَ ، ویَجلِبُ النِّقمَهَ . (8)

الإمام زین العابدین علیه السلام فی دُعائِهِ : اللّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وآلِهِ . . . وَازوِ عَنّی مِنَ المالِ ما یُحدِثُ لی مَخیلَهً ، أو تَأدِّیا إلی بَغیٍ ، أو ما أتَعَقَّبُ مِنهُ طُغیانا . (9)

.

1- .نهج البلاغه : الکتاب 33 ، بحار الأنوار : 33 / 491 / 497 وراجع تحف العقول : 304 .
2- .الکافی : 8 / 23 / 4 عن جابر بن یزید عن الإمام الباقر علیه السلام ، نهج البلاغه : الحکمه 216 ، تحف العقول: 98 ، غرر الحکم : 7668 ، بحار الأنوار : 75 / 357 / 71 .
3- .غرر الحکم : 2555 .
4- .غرر الحکم : 6399 .

5- .الكافى : 2 / 154 / 19 عن يحيى عن الإمام الصادق عليه السلام ، بحار الأنوار : 74 / 122 / 86 .
6- .غرر الحكم : 1519 .
7- .غرر الحكم : 2133 .
8- .غرر الحكم : 2216 .
9- .الصحيفه السجّاديه : 122 الدعاء 30 .

امام علی علیه السلام :هنگام توانگری ، سرمستی نکن و به گاه سخت حالی ، سست و ناتوان مباش .

امام علی علیه السلام :هر که [توانگری] یابد ، گردن کشی کند .

امام علی علیه السلام :از سرمستی توانگری ، به خدا پناه برید ؛ که آن را مستی ای است که بس دیر بهبود یابد .

امام علی علیه السلام :غرورِ برخاسته از توانگری ، سبب سرکشی است .

امام علی علیه السلام :اگر یکی از شما ثروتمند گشت ، هرگز مبادا کبر و غرورش را بیفزاید و از خاندانش فاصله گیرد .

امام علی علیه السلام :فخرفروشی به گاه توانگری ، ذلت در فقر را افزون می کند .

امام علی علیه السلام :انسان در سه حال دچار تغییر می شود: نزدیکی به حاکمان ، سلطه یافتن بر حکومت ، و توانگری پس از فقر . اگر کسی در این سه حال تغییر نکند ، دارای عقلی استوار و خویی سالم است .

امام علی علیه السلام :سرمستیِ توانگری ، نعمت را سلب می کند و کیفر را جلب می نماید .

امام سجاد علیه السلام در دعایش : بار خدایا! بر محمّد و خاندانش درود فرست . . . و بستان از من آن دارایی را که برایم گردنکشی و خودبینی آورد و مرا به ستمگری کشاند یا در پی آن ، به سرکشی گرفتار گردم .

.

الإمام الصادق عليه السلام :شَرُّ حَملِ الغِنى أن يَكونَ الفَرِحُ مَرِحا . (1)

عدّه الداعى عن كعب الأحبار :مَكتوبٌ فِى التَّورِاهِ : . . . يا موسى ، قُل لِبَنى إسرائيلَ : لا تُبطِرَنَّكُمُ النِّعمَهُ فَيُعاجِلَكُمُ السَّلَبُ ، ولا تَغفُلوا عَنِ الشُّكرِ فَيُقارِعَكُمُ الذُّلُّ . (2)

راجع : ص 944 (مضارّ التّكاثر / نسيان اللّه سبحانه) .

1 / 6الغِناءالإمام علىّ عليه السلام :كَثرَهُ الاِستِماعِ إلَى الغِناءِ يورِثُ الفَقرَ . (3)

الإمام الصادق عليه السلام :الغِناءُ يورِثُ النِّفاقَ ، ويُعَقِّبُ الفَقرَ . (4)

.

1- .جامع الأحاديث للقمّى : 207 .
2- .عدّه الداعى : 189 ، إرشاد القلوب : 61 وفيه «عن الذكر والشكر فتسلبوا النعم» بدل «عن الشكر فيقارعكم الذلّ» ، أعلام الدين : 328 وفيه «لا تبطر بكم» و«فينازعكم» بدل «لا تُبطرنّكم» و«فيقارعكم» ، بحار الأنوار : 77 / 42 / 11 وج 93 / 375 / 16 .
3- .الخصال : 505 / 2 عن سعيد بن علاقه ، مشكاه الأنوار : 229 / 645 ، جامع الأخبار : 343 / 952 ، روضه الواعظين : 499 ، بحار الأنوار : 76 / 314 / 1 .
4- .الخصال : 24 / 84 عن الحسن بن هارون ، دعائم الإسلام : 2 / 207 / 756 ، بحار الأنوار : 79 / 241 / 7 .

امام صادق علیه السلام :بدترین گرانسنگیِ توانگری ، آن است که توانگر از فرط شادمانی ، به سرکشی افتد .

عدّه الداعی از کعب الاحبار :در تورات نوشته شده: « . . . ای موسی! به بنی اسرائیل بگو: مبادا نعمت داشتن سبب شود که به سرکشی افتید ، زیرا نعمت به زودی از شما سلب گردد ؛ و از شکرگزاری غفلت نکنید ، چرا که خاری شما را در هم کوبد » .

ر .ک : ص945 (زیان های ثروت اندوزی / فراموشی خدای سبحان).

1 / 6موسیقی غناییامام علی علیه السلام :فراوان شنیدن موسیقی غنایی ، فقر به بار آورد .

امام صادق علیه السلام :موسیقی غنایی ، نفاق به بار آورد و فقر در پی دارد .

.

الفصل الثانی: الموانع الاجتماعیّه2 / 1الاِختِلافالکتاب :«قُلْ هُوَ الْقَادِرُ عَلَی أَن یَبْعَثَ عَلَیْکُمْ عَذَابًا مِّن فَوْقِکُمْ أَوْ مِن تَحْتِ أَرْجُلِکُمْ أَوْ یَلْبِسَکُمْ شِیَعًا وَ یُذِیقَ بَعْضَکُم بَأسَ بَعْضٍ انظُرْ کَیْفَ نُصَرِّفُ الْأَیَتِ لَعَلَّهُمْ یَفْقَهُونَ . (1) »

الحدیث :رسول اللّه صلی الله علیه و آله :لا تَختَلِفوا ؛ فَإِنَّ مَن کانَ قَبلَکُمُ اختَلَفوا ، فَهَلَکوا . (2)

الإمام علیّ علیه السلام :الاُمورُ المُنتَظِمَهُ یُفسِدُهَا الخِلافُ . (3)

.

1- .الأنعام : 65 .
2- .صحیح البخاری : 3/1282/3289 عن عبد اللّه بن مسعود وج 2 / 849 / 2279 ، مسند ابن حنبل : 2 / 61 / 3803 ، المستدرک علی الصحیحین : 2 / 243 / 2885 کلّها عن عبد اللّه ، صحیح مسلم : 4 / 2053 / 2 عن عبد اللّه بن عمرو والثلاثه الأخیره نحوه .
3- .غرر الحکم : 1174 .

2 / 1 اختلاف

فصل دوم: موانع اجتماعی2 / 1اختلافقرآن:«بگو: او است توانا بر آن که بر شما عذابی از بالای سرتان یا از زیر پاهاتان فرستد یا شما را گروه های پراکنده کرده ، به هم اندازد و سختیِ گزند برخی تان را به برخی دیگر بچشاند . بنگر که چه سان آیات را گوناگون بیان می کنیم؛ باشد که دریابند».

حدیث:پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :دچار اختلاف نشوید ؛ که پیشینیان شما چنین کردند و هلاک شدند .

امام علی علیه السلام :اختلاف موجب پریشانیِ امورِ بِسامان می شود .

.

عنه عليه السلام :اِلزَمُوا السَّوادَ الأَعظَمَ ؛ فَإِنَّ يَدَ اللّهِ مَعَ الجَماعَهِ ، وإيّاكُم وَالفُرقَهَ ! (1)

عنه عليه السلام فى خُطبَتِهِ : اُنظُروا كَيفَ كانوا حَيثُ كانَتِ الأَملاءُ مُجتَمِعَهً ، وَالأَهواءُ مُؤتَلِفَهً ، وَالقُلوبُ مُعتَدِلَهً ، وَالأَيدى مُتَرادِفَهً ، وَالسُّيوفُ مُتَناصِرَهً ، وَالبَصائِرُ نافِذَهً ، وَالعَزائِمُ واحِدَهً . أَلَم يَكونوا أَربابا فى أقطارِ الأَرَضينَ ، ومُلوكا عَلى رِقابِ العالَمينَ؟ ! فَانظُروا إلى ما صارُوا إلَيهِ فِى آخِرِ اُمورِهِم حينَ وَقَعَتِ الفُرقَهُ ، وتَشَتَّتِ الاُلفَهُ ، وَاختَلَفَتِ الكَلِمَهُ وَالأَفئِدَهُ ، وتَشَعَّبوا مُختَلِفينَ ، وتَفَرَّقوا مُتَحارِبينَ قَد خَلَعَ اللّهُ عَنهُم لِباسَ كَرامَتِهِ ، وسَلَبَهُم غَضارَهَنعمَتِهِ ، وبَقِىَ قَصَصُ أخبارِهِم فيكُم عِبَرا لِلمُعتَبِرينَ ! ... فَانظُروا إلى مَواقِعِ نِعَمِ اللّهِ عَلَيهِم حينَ بَعَثَ إلَيهِم رَسولاً ؛ فَعَقَدَ بِمِلَّتِهِ طاعَتَهُم ، وجَمَعَ عَلى دَعوَتِهِ اُلفَتَهُم كَيفَ نَشَرَتِ النِّعمَهُ عَلَيهِم جَناحَ كَرامَتِها ، وأسالَت لَهُم جَداوِلَ نَعيمِها ، وَالتَفَّتِ المِلَّهُ بِهِم فى عَوائِدِ بَرَكَتِها ؛ فَأَصبَحوا فِى نَعمَتِها غَرِقينَ ، وفى خُضرَهِ عَيشِها فَكِهينَ ! قَد تَرَبَّعَتِ الاُمورُ بِهِم فى ظِلِّ سُلطانٍ قاهِرٍ ، وآوَتهُمُ الحالُ إلى كَنَفِ عِزٍّ غالِبٍ ، وتَعَطَّفَتِ الاُمورُ عَلَيهِم فى ذُرى مُلكٍ ثابِتٍ ؛ فَهُم حُكّامٌ عَلَى العالَمينَ ، ومُلوكٌ فى أطرافِ الأَرَضينَ ؛ يَملِكونَ الاُمورَ عَلى مَن كانَ يَملِكُها عَلَيهِم ، ويُمضونَ الأَحكامَ فى مَن كانَ يُمضيها فيهِم ، لا تُغمَزُ لَهُم قَناهٌ ، ولا تُقرَعُ لَهُم صَفاهٌ . (2)

.

1- .نهج البلاغه : الخطبه 127 ، بحار الأنوار : 33 / 373 / 604 وج 68 / 289 / 48 وراجع المستدرک على الصحيحين : 1 / 200 / 391 و كنز العمّال : 1 / 206 / 1030 .
2- .نهج البلاغه : الخطبه 192 ، بحار الأنوار : 14 / 473 / 37 .

امام علی علیه السلام :همراه جماعت بزرگ تر [مؤمنان] باشید ؛ که دست خدا با جماعت است . مبادا دچار پراکندگی شوید!

امام علی علیه السلام در خطبه اش : بنگرید که حال آنان چگونه بود ، آن گاه که جماعتشان متفق بود و رأی هاشان یکی بود و قلب هاشان یکسان و دست ها یار هم و شمشیرها یاور یکدیگر و بینایی ها ژرف و تصمیم ها یگانه بود؟ آیا در همه سرزمین ها ، مهتری نمی کردند و بر همه چیزِ دیگران مسلط نبودند؟ پس بنگرید که پایان کارشان چگونه شد ، آن گاه که میانشان تفرقه افتاد و الفتشان به پراکندگی کشید و زبان ها و دل هاشان دچار تفرقه گشت و شاخه شاخه شدند و با هم به نبرد برخاستند ؛ و خداوند جامه کرامت خویش را از تنشان بیرون آورد و نعمت سرشارش را از ایشان بازستاند و داستان آنان در میان شما برای عبرت پذیران مایه عبرت شد! . . . پس بنگرید به فرود آمدن نعمت های خدا بر ایشان ، آن گاه که پیامبری را به سویشان گسیل فرمود و آنان را فرمانبردار آیین وی نمود و به دعوت او میانشان الفت پدید آورد ؛ که چگونه نعمت ، بال کرامت بر سرشان گسترد و جویبارهای خود را به سویشان روان ساخت و دین خدا آنان را در سودها و برکات خویش درپیچید و ایشان در نعمت آن ، غرقه گشتند و در خرمیِ زندگانی اش خشنودی یافتند . در سایه حکمرانی چیره ، کارشان سامان یافت و حالشان به گونه ای درآمد که در کنف عزتی پیروزمندانه جای گرفتند و در اوج حکمرانیِ پایدار ، کارها برایشان آسان گشت و ایشان بر همه جهانیان حکومت یافتند و در همه سوی زمین ، پادشاهی کردند و از همه کسانی که روزی بر آنان حکم رانده بودند ، زمام گرفتند و به آنان که به ایشان فرمان می دادند ، فرمان راندند ، به گونه ای که دیگر کسی را اندیشه آن نبود که به سوی آنان نیزه ای افکند یا سنگی پرتاب کند .

.

2 / 2الظُّلمالكتاب :«وَ كَذَ لِکَ أَخْذُ رَبِّکَ إِذَآ أَخَذَ الْقُرَی وَ هِیَ ظَلِمَهٌ إِنَّ أَخْذَهُو أَلِیمٌ شَدِیدٌ . (1) »

«وَ مَا کُنَّا مُهْلِکِی الْقُرَی إِلاَّ وَ أَهْلُهَا ظَلِمُونَ . (2) »

«وَ لَقَدْ أَهْلَکْنَا الْقُرُونَ مِن قَبْلِکُمْ لَمَّا ظَلَمُواْ وَ جَآءَتْهُمْ رُسُلُهُم بِالْبَیِّنَتِ وَ مَا کَانُواْ لِیُؤْمِنُواْ کَذَ لِکَ نَجْزِی الْقَوْمَ الْمُجْرِمِینَ . (3) »

الحدیث :رسول اللّه صلی الله علیه و آله :إیّاکُم وَالظُّلمَ! فَإِنَّهُ یُخَرِّبُ قُلوبَکُم ، کَما یُخَرِّبُ الدّورَ . (4)

عنه صلی الله علیه و آله :إنَّ اللّهَ عز و جل یُبغِضُ الغَنِیَّ الظَّلومَ . (5)

صحیح البخاری عن أبو موسی :قالَ رَسولُ اللّهِ صلی الله علیهِ و آله : إنَّ اللّهَ لَیُملی لِلظّالِمِ حَتّی إذا أخَذَهُ لَم یُفلِتهُ . ثُمَّ قَرَأ: «وَ کَذَ لِکَ أَخْذُ رَبِّکَ إِذَآ أَخَذَ الْقُرَی وَ هِیَ ظَلِمَهٌ إِنَّ أَخْذَهُ أَلِیمٌ شَدِیدٌ (6) . (7) »

.

1- .هود : 102 .
2- .القصص : 59 .
3- .یونس : 13 .
4- .جامع الأحادیث للقمّی : 60 ، صحیفه الإمام الرضا علیه السلام : 97 / 33 ، مشکاه الأنوار : 543 / 1816 ، روضه الواعظین : 512 ولیس فیهما «کما یخرب الدور» ، بحار الأنوار : 75 / 315 / 34 ؛ الفردوس : 1 / 386 / 1552 ولیس فیه « کما یخرب الدور» ، کنز العمّال : 3 / 505 / 7639 .
5- .المعجم الأوسط : 5/330/5458 عن الحارث عن الإمام علیّ علیه السلام ، کنز العمّال : 16/38 / 43835 ؛ الخصال : 87 / 19 عن الحسین بن عثمان عن الإمام الصادق علیه السلام ، ثواب الأعمال : 323 / 12 عن حسین بن عثمان ومحمّد بن أبی حمزه عن الإمام الصادق علیه السلام ، تحف العقول : 42 عن رسول اللّه صلی الله علیه و آلهوص371 عن الإمام الصادق علیه السلام ، قرب الإسناد : 83/272 عن مسعده بن صدقه عن

الإمام الصادق عليه السلام، الأُصول السته عشر : 109 عن حسين بن مختار عن الإمام الصادق عليه السلام ، بحار الأنوار : 72 / 65 / 19 .
6- .هود : 102 .
7- .صحيح البخارى : 4 / 1726 / 4409 ، صحيح مسلم : 4 / 1997 / 61 ، سنن ابن ماجه : 2 / 1332 / 4018، كنز العمّال : 3 / 501 / 7610 وص 505 / 7640 ؛ نثر الدرّ : 1 / 245 .

2 / 2ستمگریقرآن:«و این چنین است گرفتنِ پروردگارِ تو ، آن گاه که آبادی ها و شهرها را که ستمکارند ، می گیرد؛ همانا گرفتنِ او دردناک و سخت است.»

«و ما نابود کننده شهرها نبودیم ، مگر آن که مردمِ آن ها ستمگر بودند .»

«و هر آینه نسل های پیش از شما را چون ستم کردند ، هلاک کردیم ، در حالی که پیامبرانشان نشانه ها و دلیل های روشن برایشان آوردند؛ و ایشان بر آن نبودند که ایمان آورند . این چنین ، گروه بزهکاران را کیفر می دهیم .»

حدیث:پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :از ستم بپرهیزید ؛ که دل ها را ویران می کند ، هم چنان که خانه ها را نابود می سازد .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :همانا خداوند ، توانگر ستمگر را دشمن می شمارد .

صحیح البخاری از ابوموسی :رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «همانا خداوند ، ستمگر را مهلت می دهد تا آن گاه که او را بگیرد ، هیچ خلاصی نباشدش» . سپس فرمود: «و این چنین است گرفتنِ پروردگار تو ، آن گاه که آبادی ها و شهرها را که ستمکارند ، می گیرد ؛ همانا گرفتنِ او دردناک و سخت است .»

.

الإمام علىّ عليه السلام :بِالظُّلمِ تَزولُ النِّعَمُ . (1)

عنه عليه السلام :الظُّلمُ يُدَمِّرُ الدِّيارَ . (2)

عنه عليه السلام :كَم مِن نِعمَةٍ سَلَبَها ظُلمٌ ! (3)

عنه عليه السلام :الظُّلمُ يَجلِبُ النِّقمَةَ . (4)

عنه عليه السلام :الظُّلمُ يَطرُدُ النِّعَمَ . (5)

عنه عليه السلام :ظُلمُ الظّالِمِ يَقودُهُ إلَى الهَلاكِ . (6)

عنه عليه السلام :الظُّلمُ يُزِلُّ القَدَمَ ، ويَسلِبُ النِّعَمَ ، ويُهلِكُ الاُمَمَ . (7)

عنه عليه السلام :البَغىُ يَسلِبُ النِّعمَةَ . (8)

عنه عليه السلام فى كِتابِهِ لِلأَشتَرِ لَمّا وَلاّهُ عَلى مِصرَ : إيّاكَ وَالدِّماءَ وسَفكَها بِغَيرِ حِلِّها ! فَإِنَّهُ لَيسَ شَىءٌ أدنى لِنِقمَةٍ ولا أعظَمَ لِتَبِعَةٍ ولا أحرى بِزَوالِ نِعمَةٍ وَانقِطاعِ مُدَّةٍ ، مِن سَفكِ الدِّماءِ بِغَيرِ حَقِّها . (9)

.

1- .غرر الحكم : 4230 ، عيون الحكم والمواعظ : 186 / 3773 .
2- .غرر الحكم : 1068 ، عيون الحكم والمواعظ : 43 / 1047 .
3- .غرر الحكم : 6927 ، عيون الحكم والمواعظ : 379 / 6405 .
4- .غرر الحكم : 383 ، عيون الحكم والمواعظ : 19 / 60 .
5- .غرر الحكم : 710 ، عيون الحكم والمواعظ : 18 / 36 .
6- .المواعظ العدديّه : 59 .
7- .غرر الحكم : 1734 ، عيون الحكم والمواعظ : 52 / 1356 .
8- .غرر الحكم : 382 .
9- .نهج البلاغه : الكتاب 53 ، تحف العقول : 146 ، بحار الأنوار : 77 / 263 / 1 .

امام علی علیه السلام :با ستم ، نعمت ها زوال یابند .

امام علی علیه السلام :ستم سرزمین ها را ویران می کند .

امام علی علیه السلام :بسا نعمتی که ظلم ، آن را سلب می کند .

امام علی علیه السلام :ستم فراهم آورنده عذاب است .

امام علی علیه السلام :ظلم نعمت ها را دور می کند .

امام علی علیه السلام :ستمگریِ ظالم ، او را به هلاکت می کشاند .

امام علی علیه السلام :ستم پای را بلغزاند ؛ نعمت ها را بگیرد ؛ و امت ها را هلاک نماید .

امام علی علیه السلام :ستمگری نعمت را سلب می کند .

امام علی علیه السلام در نامه اش به اشتر ، آن گاه که وی را بر ولایت مصر گماشت : از ریختن خون ها به ناروا بپرهیز ؛ که هیچ چیز به اندازه خونریزی ناروا ، مجازات نمی آورد و پیامد سخت ندارد و نعمت را نابود نمی کند و مهلت را پایان نمی دهد .

.

عنه علیه السلام :سَفکُ الدِّماءِ بِغَیرِ حَقِّها یَدعو إلی حُلولِ النِّقمَهِ وزَوالِ النِّعمَهِ. (1)

عنه علیه السلام :ظُلمُ الیَتامی وَالأَیامی یُنزِلُ النِّقَمَ ، ویَسلُبُ النِّعَمَ أهلَها . (2)

عنه علیه السلام :لَیسَ شَیءٌ أدعی إلی تَغییرِ نِعمَهِ اللّهِ وتَعجیلِ نِقمَتِهِ مِن إقامَهٍ عَلی ظُلمٍ ؛ فَإِنَّ اللّهَ سَمیعُ دَعوَهِ المُضطَهَدینَ ، وهُوَ لِلظّالِمینَ بِالمِرصادِ . (3)

عنه علیه السلام :ما أنعَمَ اللّهُ عَلی عَبدٍ نِعمَهً فَظَلَمَ فیها ، إلاّ کانَ حَقیقا أن یُزیلَها عَنهُ . (4)

عنه علیه السلام :دَوامُ الظُّلمِ یَسلُبُ النِّعَمَ ، ویَجلِبُ النِّقَمَ . (5)

عنه علیه السلام :کَفی بِالظُّلمِ طارِدا لِلنِّعمَهِ ، وجالِبا لِلنِّقمَهِ . (6)

عنه علیه السلام :کَفی بِالبَغیِ سالِبا لِلنِّعمَهِ . (7)

عنه علیه السلام :البَغیُ یُزیلُ النِّعَمَ . (8)

.

1- .غرر الحکم : 5628 .
2- .غرر الحکم : 6079 .
3- .نهج البلاغه : الکتاب 53 ، غرر الحکم : 7523 وفیه «زوال نعمهٍ وتعجیل نقمه» ولیس فیه ذیله ، بحار الأنوار : 77 / 242 / 1 نقلاً عن تحف العقول .
4- .غرر الحکم : 9710 .
5- .غرر الحکم : 5142 .
6- .غرر الحکم : 7065 .
7- .غرر الحکم : 7066 .
8- .غرر الحکم : 486 .

امام علی علیه السلام :ریختن خون به ناروا موجب فرود آمدن مجازات و نابودی نعمت است .

امام علی علیه السلام :ستم به یتیمان و بی همسران ، کیفر را فرود آورد و نعمت را از صاحبش وا ستاند .

امام علی علیه السلام :هیچ چیز همچون بیدادگری ، نعمت خدا را تغییر نمی دهد و کیفر او را پیش نمی اندازد ؛ که همانا خداوند ندای ستم دیدگان را می شنود و همو در کمین ستمگران است .

امام علی علیه السلام :هر بنده ای که خدا به وی نعمتی بخشد و او با آن ، ظلم کند ، روا باشد که خداوند آن نعمت را از وی بستاند .

امام علی علیه السلام :پایداریِ ستم ، نعمت را می ستاند و عذاب را فراپیش می کشد .

امام علی علیه السلام :ظلم را همین بس که نعمت را دور می کند و کیفر را فراهم می آورد .

امام علی علیه السلام :بیداد را همین بس که نعمت را می ستاند .

امام علی علیه السلام :ستم نعمت را از میان می برد .

.

الإمام الباقر عليه السلام :ما مِن أحَدٍ يَظلِمُ بِمَظلِمَةٍ إلاّ أخَذَهُ اللّهُ بِها فى نَفسِهِ ومالِهِ ، وأمَّا الظُّلمُ الَّذى بَينَهُ وبَينَ اللّهِ فَإذا تابَ غَفَرَ اللّهُ لَهُ . (1)

عنه عليه السلام :الظُّلمُ ثَلاثَةٌ : ظُلمٌ يَغفِرُهُ اللّهُ ، وظُلمٌ لا يَغفِرُهُ اللّهُ ، وظُلمٌ لا يَدَعُهُ اللّهُ ؛ فَأمَّا الظُّلمُ الَّذى لا يَغفِرُهُ فَالشِّركُ ، وأمَّا الظُّلمُ الَّذى يَغفِرُهُ فَظُلمُ الرَّجُلِ نَفسَهُ فى ما بَينَهُ وبَينَ اللّهِ ، وأمَّا الظُّلمُ الَّذى لا يَدَعُهُ فَالمُدايَنَهُ بَينَ العِبادِ . (2)

الإمام الصادق عليه السلام :الذُّنوبُ الَّتى تُغَيِّرُ النِّعَمَ : البَغىُ . (3)

2 / 3الخِيانَهرسول اللّه صلى الله عليه و آله :الخِيانَهُ تَجلِبُ الفَقرَ . (4)

عنه صلى الله عليه و آله :إنَّ اللّهَ إذا أرادَ بِقَومٍ نَماءً رَزَقَهُمُ القَصدَ وَالعَفافَ ، وإذا أرادَ اللّهُ بِقَومٍ اِقتِطاعا فَتَحَ عَلَيهِم بابَ خِيانَهٍ . (5)

.

1- .الكافى : 2 / 332 / 12 ، ثواب الأعمال : 321 / 6 كلاهما عن زراره ، بحار الأنوار : 75 / 313 / 22 وص 331 / 64 .
2- .الكافى : 2 / 330 / 1 ، الخصال : 118 / 105 ، الأمالى للصدوق : 325 / 379 ، تفسير العيّاشى : 2 / 326 / 27 كلّها عن سعد بن طريف ، تحف العقول : 293 ، روضه الواعظين : 511 كلّها نحوه ، بحار الأنوار : 75 / 311 / 15 وص 322 / 53 .
3- .الكافى : 2 / 447 / 1 ، معانى الأخبار : 269 / 1 ، علل الشرايع : 584 / 27 كلّها عن مجاهد عن أبيه ، الاختصاص : 238 عن عبد اللّه بن سنان ، بحار الأنوار : 73 / 374 / 11 .
4- .الكافى : 5 / 133 / 7 عن السكونى عن الإمام الصادق عليه السلام ، تحف العقول : 45 ، قرب الإسناد : 117 / 408 عن الحسين بن علوان عن الإمام الصادق عن أبيه عليهماالسلام عنه صلى الله عليه و آله ، بحار الأنوار : 75 / 114 / 6 ؛ مسند الشهاب : 1 / 72 / 64 عن أنس وفيه «تجرّ» بدل «تجلب» ، الفردوس : 1 / 121 / 415 عن جابر بن عبد اللّه ، كنز العمّال : 3 / 60 / 5493 .

5- .تفسير ابنٍ كثير : 3 / 251 ، كنز العمّال : 6 / 342 / 15960 وص 525 / 16833 نقلاً عن الطبرانى وابن عساكر وكلّها عن عباده بن الصامت .

امام باقر علیه السلام :هیچ کس نیست که بیدادی مرتکب شود ، مگر این که خداوند به دلیل آن ، جان و مال او را بگیرد ؛ و اما ظلمی که در حق خداوند روا شود ، اگر آن کس توبه کند ، خدای وی را بیامرزد .

امام باقر علیه السلام :ظلم سه گونه است: یکی آن که خدای آنرا بیامرزد ؛ دیگر آن که خدا نیامرزدش ؛ و سوم آن که خدا رهایش نکند . آن که نیامرزدش ، شرک است ؛ و آن که بیامرزدش ، ظلمی است که انسان در روابط میان خود و خدا بر خویش روا می دارد ؛ و آن که رهایش نکند ، وامداری بندگان به یکدیگر است .

امام صادق علیه السلام :[یکی از] گناهانی که نعمت را تغییر دهند ، ستم است .

2 / 3خیانتپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :خیانت فقر را فراپیش می کشد .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :همانا خداوند هر گاه خواهد گروهی را نعمت افزاید ، میانه روی و پاکدامنی را روزی شان گرداند ؛ و هر گاه خواهد نعمت آنان را قطع کند ، درِ خیانت را بر رویشان بگشاید .

.

عنه صلى الله عليه و آله :تُرفَعُ البَرَكَهُ مِنَ البَيتِ إذا كانَت فيهِ الخِيانَهُ . (1)

الإمام الكاظم عليه السلام :الخِيانَهُ وَالكَذِبُ يَجلِبانِ الفَقرَ وَالنِّفاقَ . (2)

2 / 4قَطيعَهُ الرَّحِمِرسول اللّه صلى الله عليه و آله :إنَّ قَطيعَهَ الرَّحِمِ وَاليَمينَ الكاذِبَهَ لَتَذَرانِ الدِّيارَ بَلاقِعَ مِن أهلِها . (3)

الإمام علىّ عليه السلام :قَطيعَهُ الرَّحِمِ يورِثُ الفَقرَ . (4)

عنه عليه السلام :قَطيعَهُ الرَّحِمِ تَجلِبُ النِّقَمَ . (5)

عنه عليه السلام :قَطيعَهُ الرَّحِمِ تُزيلُ النِّعَمَ . (6)

.

1- .الفردوس : 2 / 73 / 2413 عن أنس ، كنز العمّال : 15 / 402 / 41560 .
2- .تحف العقول : 403 ، بحار الأنوار : 78 / 327 / 4 .
3- .معانى الأخبار : 264 / 1 عن أبى بصير عن الإمام الصادق عليه السلام ، الكافى : 2 / 347 / 4 ، الخصال : 124 / 119 ، ثواب الأعمال : 270 / 8 وكلّها عن أبى عبيده الحذّاء عن الإمام الباقر عليه السلام عن كتاب الإمام علىّ عليه السلام نحوه ، بحار الأنوار : 74 / 94 / 24 وص 134 / 104 .
4- .الخصال : 505 / 2 عن سعيد بن علاقه ، مشكاه الأنوار : 230 / 645 ، روضه الواعظين : 499 ، بحار الأنوار : 74 / 91 / 12 .
5- .غرر الحكم : 6769 .
6- .غرر الحكم : 6783 .

2 / 4 گسستن پیوند از خویشان

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :خانه ای که خیانت در آن باشد ، برکت از آن رخت بربندد .

امام کاظم علیه السلام :خیانت و دروغگویی ، فقر و نفاق را فراهم می کنند .

2 / 4گسستن پیوند از خویشانپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :همانا پیوند گسستن از خویشان و سوگند دروغ ، سرزمین ها را از ساکنانشان خالی می کند .

امام علی علیه السلام :پیوند گسستن از خویشان ، فقر را در پی دارد .

امام علی علیه السلام :پیوند گسستن از خویشان ، عذاب را فراپیش می کشد .

امام علی علیه السلام :پیوند گسستن از خویشان ، نعمت ها را از میان می برد .

.

عنه علیه السلام :لَیسَ مَعَ الفُجورِ نَماءٌ . . . ولا مَعَ القَطیعَهِ غِنیً . (1)

الکافی عن أبو حمزه الثمالیّ :قالَ أمیرُ المُؤمِنینَ علیه السلام فی خُطبَتِهِ : أعوذُ بِاللّهِ مِنَ الذُّنوبِ الَّتی تُعَجِّلُ الفَناءَ . فَقامَ إلَیهِ عَبدُ اللّهِ بنُ الکَوّاءِ الیَشکُرِیُّ فَقالَ : یا أمیرَ المُؤمِنینَ ، أوَ تَکونُ ذُنوبٌ تُعَجِّلُ الفَناءَ ؟ فَقالَ : نَعَم وَیلَکَ ! قَطیعَهُ الرَّحِمِ ؛ إنَّ أهلَ البَیتِ لَیَجتَمِعونَ ویَتَواسَونَ وهُم فَجَرَهٌ فَیَرزُقُهُمُ اللّهُ ، وإنَّ أهلَ البَیتِ لَیَتَفَرَّقونَ ویَقطَعُ بَعضُهُم بَعضا فَیَحرِمُهُمُ اللّهُ وهُم أتقِیاءُ . (2)

الإمام الصادق علیه السلام :الذُّنوبُ الَّتی تُغَیِّرُ النِّعَمَ : البَغیُ . . . وَالَّتی تُعَجِّلُ الفَناءَ : قَطیعَهُ الرَّحِمِ . (3)

2 / 5مَنعُ المُحتاجِرسول اللّه صلی الله علیه و آله :ما عَظُمَت نِعمَهُ اللّهِ عَلی عَبدٍ إلاّ عَظُمَت مَؤونَهُ النّاسِ عَلَیهِ ، فَمَن لَم یَحتَمِل تِلکَ المَؤونَهَ فَقَد عَرَّضَ تِلکَ النِّعمَهَ لِلزَّوالِ . (4)

.

1- .دستور معالم الحکم : 31 .
2- .الکافی : 2 / 347 / 7 ، بحار الأنوار : 74 / 137 / 107 .
3- .الکافی : 2 / 447 / 1 ، معانی الأخبار : 269 / 1 ، علل الشرایع : 584 / 27 کلّها عن مجاهد عن أبیه ، الاختصاص : 238 عن عبد اللّه بن سنان ، بحار الأنوار : 73 / 374 / 11 .
4- .الأمالی للطوسی : 306/615 عن معاذ بن جبل ، تاریخ الیعقوبی : 2/97 ، قرب الإسناد : 77/249 عن مسعده بن صدقه عن الإمام الصادق عن أبیه علیهماالسلام عنه صلی الله علیه و آله ، الکافی : 4 / 38 / 4 عن مسعده بن صدقه عن الإمام الصادق علیه السلام وکلاهما نحوه ، بحار الأنوار : 96 / 161 / 3 و ح 1 ؛ تاریخ بغداد : 5 / 181 / 2626 ، شُعب الإیمان : 6 / 118 / 7664 کلاهما عن معاذ بن جبل ، قضاء الحوائج لابن أبی الدنیا : 55 / 48 عن عائشه ، کنز العمّال : 6 / 347 / 15994 وص 390 / 16202 .

امام علی علیه السلام :با بدکاری ، افزایش نباشد . . . و با پیوند گسستن از خویشان ، توانگری نماند .

الکافی از ابوحمزه ثمالی :امیرالمؤمنین علیه السلام در خطبه خویش فرمود: «پناه می برم به خدا از گناهانی که نیستی را پیش می اندازد» . عبداللّه بن کواء یشکری برخاست و گفت : «ای امیرالمؤمنین! آیا گناهانی هم هستند که نیستی را پیش اندازند؟» فرمود: «آری وای بر تو! و آن ، پیوند گسستن از خویشان است . همانا شود که خانواده ای گرد هم آیند و یکدیگر را یاری کنند و با آن که بدکارند ، خداوند روزی شان دهد ؛ و خانواده ای پراکنده باشند و از هم جدا بزیند و با آن که پرهیزگارند ، خدا از روزی محرومشان سازد» .

امام صادق علیه السلام :گناهانی که نعمت ها را دگرگون کنند ، چنینند : ستم و ... ؛ و گناهی که نیستی را پیش اندازد ، پیوند گسستن از خویشان است .

2 / 5پس راندنِ نیازمندپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هیچ بنده ای نیست که نعمت خدا برایش فراوان گردد ، مگر آن که بار مردم بر دوش وی سنگین شود ؛ و هر که این بار را تحمل نکند ، آن نعمت را در معرض نابودی قرار داده است .

.

عنه صلى الله عليه و آله :ما أنعَمَ اللّهُ عز و جل عَلى عَبدٍ مِن نِعمَةٍ وأسبَغَها عَلَيهِ ثُمَّ جَعَلَ إلَيهِ شَيئا مِن حَوائِجِ النّاسِ فَتَبَرَّمَ بِها ، إلاّ وقَد عَرَّضَ تِلكَ النِّعمَةَ لِلزَّوالِ . (1)

عنه صلى الله عليه و آله :إنَّ للّهِ أقواما يَختَصُّهُم بِالنِّعَمِ لِمَنافِعِ العِبادِ ، ويُقِرُّها فيهِم ما بَذَلوها ، فَإِذا مَنَعوا نَزَعَها عَنهُم فَحَوَّلَها إلى غَيرِهِم . (2)

عنه صلى الله عليه و آله :لا تُمانِعوا قَرضَ الخَميرِ ؛ فَإِنَّ مَنعَهُ يورِثُ الفَقرَ . (3)

عنه صلى الله عليه و آله :مَنعُ الخُبزِ يَمحَقُ البَرَكَةَ . (4)

الإمام علىّ عليه السلام :مَن كَثُرَت نِعَمُ اللّهِ عَلَيهِ كَثُرَت حَوائِجُ النّاسِ إلَيهِ ؛ فَمَن قامَ للّهِ فيها بِما يَجِبُ فيها عَرَضَها لِلدَّوامِ وَالبَقاءِ ، ومَن لَم يَقُم فيها بِما يَجِبُ عَرَضَها لِلزَّوالِ وَالفَناءِ . (5)

عنه عليه السلام :إنَّ حَوائِجَ النّاسِ إلَيكُم نِعمَةٌ مِنَ اللّهِ عَلَيكُم ؛ فَاغتَنِموها ولا تَمَلّوها فَتَتَحَوَّلَ نِقَما . (6)

.

1- .كنز العمّال : 6 / 448 / 16481 نقلاً عن ابن النجّار و ح 16482 نقلاً عن أبى نعيم ، المعجم الأوسط : 7 / 292 / 7529 ، الفردوس : 4 / 12 / 6033 كلّها عن ابن عبّاس نحوه .
2- .تاريخ بغداد : 9 / 459 / 5089 ، حليه الأولياء : 10 / 215 نحوه وكلاهما عن ابن عمر ، كنز العمّال : 6 / 350 / 16008 ؛ نهج البلاغه : الحكمه 425 عن الإمام علىّ عليه السلام ، تاريخ اليعقوبى : 2 / 97 كلاهما نحوه ، بحار الأنوار : 74 / 418 / 39 .
3- .الجعفريّات : 161 ، تهذيب الأحكام : 7 / 162 / 718 ، من لا يحضره الفقيه : 3 / 269 / 3973 كلاهما عن السكونى عن الإمام الصادق عن أبيه عليهماالسلام وزادا فيهما «والخبز» .
4- .الفردوس : 4 / 150 / 6465 عن الإمام الحسين عليه السلام .

5- .نهج البلاغه : الحكمه 372 ، غرر الحكم : 8752 ، التفسير المنسوب إلى الإمام العسكرى عليه السلام : 403 / 274 ؛ المناقب للخوارزمى : 369 / 388 كلاهماعن جابربن عبد اللّه الأنصارى وكلّها نحوه .
6- .غرر الحكم : 3599 .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر بنده ای که خداوند به وی نعمتی دهد و آن را بر او کامل گرداند و سپس نیازی از مردم بر وی عرضه کند و او اظهار ملالت نماید ، آن نعمت را در معرض نابودی قرار داده است .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :همانا خدای را دسته هایی از بندگانند که به ایشان نعمت بخشیده تا آن را در منافع بندگان دیگر مصرف کنند و آن چه را که بذل و بخشش کنند ، برایشان ماندگار فرماید ؛ اما هرگاه از بخشش آن خودداری ورزند ، آن را از ایشان می ستاند و به دیگران می سپارد .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :از وام دادن خمیر مایه نان ابا نکنید ؛ که این کار فقر می زاید .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :نان ندادن به دیگران ، برکت را از میان می برد .

امام علی علیه السلام :هر که نعمت های خدا بر وی فراوان شود ، نیازهای مردم نیز به سوی او بسیار گردد . پس اگر کسی برای خدا به انجام وظیفه خود برخیزد ، آن مال را دوام و ماندگاری بخشیده ؛ و اگر به ادای وظیفه اش برنخیزد ، آن را در معرض تباهی و نیستی قرار داده است .

امام علی علیه السلام :همانا نیازهای مردم که به شما عرضه می شود ، نعمتی از سوی خدا برای شما است ؛ پس آن را غنیمت شمرید و از آن ملول نگردید ، مبادا که نعمت به عذاب تبدیل شود .

.

عنه عليه السلام :سَبَبُ زَوالِ اليَسارِ مَنعُ المُحتاجِ . (1)

عنه عليه السلام فِى الدّيوانِ المَنسوبِ إلَيهِ : ما أحسَنَ الدُّنيا وإقبالَهاإذا أطاعَ اللّهَ مَن نالَها مَن لَم يُواسِ النّاسَ مِن فَضلِهِعَرَّضَ لِلإدبارِ إقبالَها فَاحذَرِ زَوالَ الفَضلِ ياجابِرُوأعطِ مِن دُنياکَ مَن سالَها فَإِنَّ ذَا العَرشِ جَزيلُ العَطايُضعِفُ بِالحَبَّةِ أمثالَها (2)

عنه عليه السلام :رَدُّ السّائِلِ الذَّكِرِ بِاللَّيلِ يورِثُ الفَقرَ . (3)

الإمام الحسين عليه السلام :إنَّ حَوائِجَ النّاسِ إلَيكُم مِن نِعَمِ اللّهِ عَلَيكُم ؛ فَلا تَمَلُّوا النِّعَمَ فَتَجوزُوا النِّعَمَ . (4)

الإمام الصادق عليه السلام :مَن عَظُمَت نِعمَةُ اللّهِ عَلَيهِ اشتَدَّت مَؤونَةُ النّاسِ عَلَيهِ ؛ فَاستَديمُوا النِّعمَةَ بِاحتِمالِ المَؤونَةِ ولا تُعَرِّضوها لِلزَّوالِ ؛ فَقَلَّ مَن زالَت عَنهُ النِّعمَةُ فَكادَت أن تَعودَ إلَيهِ ! (5)

.

1- .غرر الحكم : 5526 .
2- .الديوان المنسوب إلى الإمام علىّ عليه السلام : 422 / 331 ، الملاحم والفتن : 361 / 529 وليس فيه من «فاحذر زوال ...» ، التفسير المنسوب إلى الإمام العسكرى عليه السلام : 403 / 274 ؛ تذكره الخواصّ : 168 ، المناقب للخوارزمى : 369 / 388 عن جابر بن عبد اللّه الأنصارى .
3- .الخصال : 505 / 2 عن سعيد بن علاقه ، جامع الأخبار : 343 / 952 ، روضه الواعظين : 499 ، مشكاه الأنوار : 229 / 645 وفيه «الذاكر» بدل «الذكر» ، بحار الأنوار : 76 / 314 / 1 .
4- .الدرّه الباهره : 24 ، أعلام الدين : 298 وفيه «فتتحوّل إلى غيركم» بدل «فتجوزوا النِّعَم» ، كشف الغمّه : 2 / 241 وفيه «فتحوّر نقما» بدل «فتجوزوا النعم» ، بحار الأنوار : 74 / 318 / 80 وراجع المناقب للخوارزمى : 369 / 388 .
5- .الكافى : 4 / 37 / 1 عن حديد بن حكيم ، من لا يحضره الفقيه : 2 / 60 / 1705 .

امام علی علیه السلام :رخت بربستن آساش و گشایش ، به سبب پس راندن نیازمند است .

امام علی علیه السلام در دیوان منسوب به وی : چه زیبا است دنیا و روی آوردنشاگر کسی که به آن می رسد ، خدا را اطاعت کند . هر کس از نعمت خویش ، مردم را دستگیری نکندخود سبب می شود که دنیا به وی پشت کند . ای جابر! از نیستی نعمت برحذر باشو هر که به دنیایت نیاز دارد ، از آن به وی عطا کن . همانا خداوندِ دارنده عرش ، بسیار عطا می فرمایدو به ازای یک دانه ، چندین برابر می بخشد .

امام علی علیه السلام :راندن نیازمندی که در شب عرض نیاز می کند ، موجب فقر است .

امام حسین علیه السلام :همانا نیازهای مردم که به شما عرضه می شود ، از نعمت های خدا بر شما است ؛ پس از آن ها ملول نگردید ، مبادا که از آن ها محروم گردید .

امام صادق علیه السلام :هر که نعمت خدا بر وی بزرگ تر باشد ، بار مردم بر دوش او سنگین تر است ؛ پس با تحمل این بار ، نعمت را پایدار سازید و آن را در معرض نابودی قرار ندهید ؛ که بسی کم است کسی که نعمت از او نهان گردد و به وی بازگردد .

.

الكافى عن داود بن عبد اللّه بن محمّد الجعفرىّ عن إبراهيم بن محمّد :قالَ أبو عَبدِ اللّهِ عليه السلام : ما مِن عَبدٍ تَظاهَرَت عَلَيهِ مِنَ اللّهِ نِعمَةٌ إلاّ اشتَدَّت مَؤونَةُ النّاسِ عَلَيهِ ؛ فَمَن لَم يَقُم لِلنّاسِ بِحَوائِجِهِم فَقَد عَرَضَ النِّعمَةَ لِلزَّوالِ . قالَ : فَقُلتُ : جُعِلتُ فِداکَ! ومَن يَقدِرُ أن يَقومَ لِهذَا الخَلقِ بِحَوائِجِهِم !؟ فَقالَ : إنَّمَا النّاسُ فى هذَا المَوضِعِ وَاللّهِ المُؤمِنونَ ! (1)

.

1- .الكافى : 4 / 37 / 2 .

الکافی از داود بن عبداللّه بن محمّد جعفری از ابراهیم بن محمّد:امام صادق علیه السلامفرمود: «هیچ بنده ای نیست که نعمت خدا برایش فراوان گردد ، مگر آن که بار مردم بر دوش وی سنگین شود . پس هر که نیاز مردم را تأمین نکند ، نعمت را در معرض نابودی قرار داده است» . گفتم: «فدایت شوم! چه کسی می تواند نیازهای همه این مردم را تأمین نماید؟» فرمود: «به خدا سوگند! مراد از مردم در این جا ، مؤمنانند» .

.

الفصل الثالث: الموانع العمليّه3 / 1السَّيِّئاتالكتاب :«ظَهَرَ الْفَسَادُ فِی الْبَرِّ وَ الْبَحْرِ بِمَا کَسَبَتْ أَیْدِی النَّاسِ لِیُذِیقَهُم بَعْضَ الَّذِی عَمِلُواْ لَعَلَّهُمْ یَرْجِعُونَ . (1) »

«وَ لاَ تَکُونُواْ کَالَّذِینَ نَسُواْ اللَّهَ فَأَنسَاهُمْ أَنفُسَهُمْ أُوْلَئِکَ هُمُ الْفَسِقُونَ . (2) »

«وَ مَنْ أَعْرَضَ عَن ذِکْرِی فَإِنَّ لَهُ مَعِیشَةً ضَنکًا وَ نَحْشُرُهُ یَوْمَ الْقِیَمَهِ أَعْمَی . (3) » .

«فَأَهْلَکْنَهُم بِذُنُوبِهِمْ وَ أَنشَأْنَا مِن بَعْدِهِمْ قَرْنًا ءَاخَرِینَ . (4) »

راجع : ص 802 (الموانع الاجتماعیه / الظلم) وص 970 (مضارّ التَّکاثر / الهلاک).

.

1- .الروم : 41 .
2- .الحشر : 19 .
3- .طه : 124 .
4- .الأنعام : 6 .

3 / 1 گناهان

فصل سوم: موانع عملی3 / 1گناهانقرآن:«به سبب آن چه دست های مردم کرده ، در خشکی و دریا تباهی پدید آمد تا [خدا جزایِ]برخی از آن چه کرده اند ، به آنان بچشاند؛ باشد که بازگردند .»

«و مانند کسانی مباشید که خدای را از یاد بردند و خدا خودشان را از یادشان برد؛ اینانند بدکاران نافرمان .»

«و هر که از یادکرد و پند من روی گرداند ، زندگی تنگ و سخت دارد و روز رستاخیز او را نابینا برانگیزیم . 1 »

.

الحديث :رسول اللّه صلى الله عليه و آله :إنَّ اللّهَ لَم يُعطِ لِيَأخُذَ ، ولَو أنعَمَ عَلى قَومٍ ما أنعَمَ وبَقوا ما بَقِيَ اللَّيلُ وَالنَّهارُ ما سَلَبَهُم تِلكَ النِّعَمَ وهُم لَهُ شاكِرونَ ، إلاّ أن يَتَحَوَّلوا مِن شُكرٍ إلى كُفرٍ ومِن طاعَةٍ إلى مَعصِيَةٍ ؛ وذلِكَ قَولُهُ تَعالى : «إِنَّ اللَّهَ لاَ يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُواْ مَا بِأَنفُسِهِمْ (1) » . (2)

عنه صلى الله عليه و آله :إنَّ اللّهَ عز و جل لا يُعَذِّبُ العامَّةَ بِعَمَلِ الخاصَّةِ ، حَتّى يَرَوُا المُنكَرَ بَينَ ظَهرانيهِم وهُم قادِرونَ عَلى أن يُنكِروهُ فَلَا يُنكِروهُ ؛ فَإِذا فَعَلوا ذلِكَ عَذَّبَ اللّهُ الخاصَّةَ وَالعامَّةَ . (3)

عنه صلى الله عليه و آله :إنَّ الرَّجُلَ لَيُحرَمُ الرِّزقَ بِالذَّنبِ يُصيبُهُ . (4)

عنه صلى الله عليه و آله :اِحذَرُوا الذُّنوبَ ؛ فَإِنَّ العَبدَ يُذنِبُ الذَّنبَ فَيُحبَسُ عَنهُ الرِّزقُ . (5)

.

1- .الرعد : 11 .
2- .إرشاد القلوب : 31 .
3- .مسند ابن حنبل : 6 / 218 / 17736 عن عدى ، المعجم الكبير : 17 / 138 / 343 عن العرس بن عميره نحوه ، كنز العمّال : 3 / 65 / 5515 وراجع علل الشرايع : 522 / 6 وقرب الإسناد : 55 / 180 وبحار الأنوار : 100 / 75 / 16 .
4- .سنن ابن ماجه : 2 / 1334 / 4022 ، مسند ابن حنبل: 8 / 330 / 22476 و ص 335 / 22501 ، المستدرک على الصحيحين : 1/670/1814 و ج 3 / 548 / 6038 ، مسند الرؤيانى : 1/408/626 وص420/643 وفيه «يعمله» بدل «يصيبه» ، المعجم الكبير : 2/100/1442 ، الزهد لابن المبارک : 29 / 86 كلّها عن ثوبان ؛ الكافى : 2 / 270 / 8 عن الفضيل بن يسار عن الإمام الباقر عليه السلاموص 271 / 11 عن محمّد بن مسلم عن الإمام الصادق عليه السلام ، الأمالى للطوسى : 136 / 219 عن بكر بن محمّد عن الإمام الصادق عليه السلام وكلّها نحوه .
5- .كنز الفوائد : 1 / 352 ، الخصال : 620 / 10 عن أبى بصير ومحمّد بن مسلم عن الإمام الصادق عن آبائه عن الإمام علىّ عليهم السلام وفيه

«ليذنب» بدل «يذنب الذنب» ، تحف العقول : 110 عن الإمام علىّ عليه السلام ، بحار الأنوار : 73 / 351 / 47 وج 77 / 169 / 6 .

«پس آنان را به سزای گناهانشان هلاک کردیم و از پسِ ایشان مردمی دیگر پدید آوردیم .»

ر .ک : ص803 (موانع اجتماعی/ستم) و ص971 (زیان های ثروت اندوزی/ نابودی).

حدیث:پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :همانا خداوند آن چه را عطا فرماید ، باز نمی ستاند ؛ و اگر به قومی نعمتی دهد و آنان جاودانه در عین شکرگزاری زندگی کنند ، آن را از ایشان نستاند ، مگر این که از شکر به ناسپاسی و از اطاعت به معصیت گرایند . و این است سخن خدای تعالی: «همانا خداوند آن چه را از آنِ گروهی است ، دگرگون نمی کند ، مگر این که ویژگی های خود را تغییر دهند» .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :همانا خداوند به سبب رفتار گروهی خاص ، همه مردم را عذاب نمی کند ، مگر این که آنان عمل زشت را آشکارا بینند و در حالی که قدرت مخالفت با آن را دارند ، مخالفت نکنند ؛ پس در این حال ، خداوند هم آن گروه خاص و هم عوام را عذاب کند .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :همانا انسان با ارتکاب گناه ، از روزی محروم می شود .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :از گناهان بپرهیزید ؛ که همانا بنده گناه می کند و روزی اش قطع می گردد .

.

الإمام علىّ عليه السلام :لَيسَ مَعَ الفُجورِ نَماءٌ . (1)

عنه عليه السلام :لا غِنىً مَعَ فُجورٍ . (2)

عنه عليه السلام :مُداوَمَةُ المَعاصى تَقطَعُ الرِّزقَ . (3)

عنه عليه السلام :تَوَقُّوا الذُّنوبَ ؛ فَما مِن بَلِيَّةٍ ولا نَقصِ رِزقٍ إلاّ بِذَنبٍ ، حَتَّى الخَدشِ وَالكَبوَةِ وَالمُصيبَةِ ؛ فَإِنَّ اللّهَ جَلَّ ذِكرُهُ يَقولُ : «وَ مَآ أَصَبَكُم مِّن مُّصِيبَةٍ فَبِمَا كَسَبَتْ أَيْدِيكُمْ وَ يَعْفُواْ عَن كَثِيرٍ (4) » . (5)

عنه عليه السلام :بِاللّهِ ! إنَّهُ ما عاشَ قَومٌ قَطُّ فى غَضارَةٍ مِن كَرامَةِ نِعَمِ اللّهِ فى مَعاشٍ دُنيا ، ولا دائِمِ تَقوىً فى طاعَةِ اللّهِ وَالشُّكرِ لِنِعَمِهِ ، فَأَزالَ ذلِكَ عَنهُم ، إلاّ مِن بَعدِ تَغييرٍ مِن أنفُسِهِم ، وتَحويلٍ عَن طاعَةِ اللّهِ ، وَالحادِثِ مِن ذُنوبِهِم ، وقِلَّةِ مُحافَظَةٍ ، وتَركِ مُراقَبَةِ اللّهِ عز و جل ، وتَهاوُنٍ بِشُكرِ نِعمَةِ اللّهِ ؛ لِأَنَّ اللّهَ عز و جل يَقولُ فى مُحكَمِ كِتابِهِ : «إِنَّ اللَّهَ لاَ يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُواْ مَا بِأَنفُسِهِمْ وَ إِذَآ أَرَادَ اللَّهُ بِقَوْمٍ سُوءًا فَلاَ مَرَدَّ لَهُ وَ مَا لَهُم مِّن دُونِهِ مِن وَالٍ» . ولَو أنَّ أهلَ المَعاصى وكَسَبَةَ الذُّنوبِ إذا هُم حَذَروا زَوالَ نِعَمِ اللّهِ وحُلولَ نِقمَتِهِ وتَحويلَ عافِيَتِهِ ، [و] أيقَنوا أنَّ ذلِكَ مِنَ اللّهِ جَلَّ ذِكرُهُ بِما كَسَبَت أيديهِم ، فَأَقلَعوا وتابوا وفَزِعوا إلَى اللّهِ جَلَّ ذِكرُهُ بِصِدقٍ مِن نِيّاتِهِم وإقرارٍ مِنهُم بِذُنوبِهِم وإساءَتِهِم ، لَصَفَحَ لَهُم عَن كُلِّ ذَنبٍ، وإذا لَأَقالَهُم كُلَّ عَثرَةٍ ، ولَرَدَّ عَلَيهِم كُلَّ كَرامَةِ نِعمَةٍ ، ثُمَّ أعادَ لَهُم مِن صَلاحِ أمرِهِم ومِمّا كانَ أنعَمَ بِهِ عَلَيهِم كُلَّ ما زالَ عَنهُم وافسِدَ عَلَيهِم . (6)

.

1- .دستور معالم الحكم : 31 .
2- .الإرشاد : 1 / 303 ، كنز الفوائد : 1 / 137 ، بحار الأنوار : 73 / 257 / 29 وراجع تحف العقول : 89 وص 100 .
3- .غرر الحكم : 9771 .
4- .الشورى : 30 .
5- .الخصال : 616 / 10 عن أبى بصير ومحمّد بن مسلم عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام ، تحف العقول : 106 ، التمحيص : 37 / 33 عن أبى

بصير عن الإمام الصادق عنه عليهماالسلاموفيهما «والنكبه» بدل «والكبوه» ، بحار الأنوار : 10 / 95 / 1 .
6- .الكافى : 8/256/368 عن سلام بن المستنير عن الإمام الباقر عليه السلام ، بحار الأنوار : 32/234/186 .

امام علی علیه السلام :با بدکاری ، رشد و افزونی نباشد .

امام علی علیه السلام :با بدکاری ، توانگری نباشد .

امام علی علیه السلام :پایداری در گناهکاری ، روزی را قطع می کند .

امام علی علیه السلام :از گناهان دور باشید ؛ که هیچ بلا و کاستی در روزی ، حتّی یک خراش و به روی درافتادن و مصیبت ، مگر به سبب گناه نیست . خدای که نامش بشکوه باد ، فرماید : «و هر مصیبتی که به شما رسد ، به سبب کارهایی است که با دستان خود کرده اید و او از بسیاری [از گناهان] در می گذرد» .

امام علی علیه السلام :به خدا سوگند! هر قومی که از کرامتِ سرشارِ نعمتِ خداوند در زندگانی دنیا بهره بردند و همواره در حال بندگی خدا و شکر نعمت های او بودند ، خداوند هرگز نعمت خود را از آنان نستاند ، مگر پس از آن که درون خویش را تغییر دادند و از اطاعت خدا دست کشیدند و به گناه دست یازیدند و خود را کم از گناه نگاه داشتند و مراقبت در تقوای خدا را رها کردند و در شکر نعمت خداوند سستی ورزیدند ؛ که همانا خداوند در کتاب استوار خود فرموده است: «همانا خداوند آن چه را گروهی دارند ، دگرگون نمی کند تا آن گاه که آن چه را در خودشان است دگرگون کنند . و چون خدا برای گروهی بدی بخواهد ، آن را برگشتی نباشد ؛ و آنان را جز او هیچ دوست و کارسازی نیست» . و اگر معصیت پیشگان و گناهکاران از نابودی نعمت های خدا و در رسیدن کیفرش و نیستیِ عافیتش حذر کنند و یقین ورزند که این پیامد از جانب خداوند بشکوهْ نام به سبب کارهایی است که ایشان با دست های خویش انجام داده اند ، و آن گاه با نیتی راست و اقرار به گناهان و بدکرداری خود ، دست از گناه بکشند و توبه ورزند و به خدا پناه برند ، خداوند از هر گناه ایشان درگذرد و هر خطایی را از آنان بردارد و کرامت هر نعمت را به ایشان باز گرداند و سپس سامان کارشان و نعمت از دست رفته و نابود شده شان را واپس دهد .

.

الإمام زين العابدين عليه السلام :الذُّنوبُ الَّتى تُغَيِّرُ النِّعَمَ : البَغىُ عَلَى النّاسِ ، وَالزَّوالُ عَنِ العادَهِ فِى الخَيرِ وَاصطِناعِ المَعروفِ ، وكُفرانُ النِّعَمِ، وتَركُ الشُّكرِ ؛ قالَ اللّهُ عز و جل : «إِنَّ اللّهَ لاَ يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُواْ مَا بِأَنفُسِهِمْ . (1) »

الكافى عن الفضيل عن الإمام الباقر عليه السلام :إنَّ الرَّجُلَ لَيُذنِبُ الذَّنبَ فَيُدرَأُ عَنهُ الرِّزقُ . وتَلا هذِهِ الآيَهَ: «إِذْ أَقْسَمُواْ لَيَصْرِمُنَّهَا مُصْبِحِينَ * وَ لاَ يَسْتَثْنُونَ * فَطَافَ عَلَيْهَا طَآئِفٌ مِّن رَّبِّكَ وَ هُمْ نَآئِمُونَ (2) » . (3)

الإمام الصادق عليه السلام :يا مُفَضَّلُ ، إيّاكَ وَالذُّنوبَ ! وحَذِّرها شيعَتَنا ، فَوَاللّهِ ما هِىَ إلى أحَدٍ أسرَعَ مِنها إلَيكُم ؛ إنَّ أحَدَكُم لَتُصيبُهُ المَعَرَّهُ مِنَ السُّلطانِ وما ذاكَ إلاّ بِذُنوبِهِ ، وإنَّهُ لَيُصيبُهُ السُّقمُ وما ذاكَ إلاّ بِذُنوبِهِ ، وإنَّهُ لَيُحبَسُ عَنهُ الرِّزقُ وما هُوَ إلاّ بِذُنوبِهِ . (4)

عنه عليه السلام :أكرِموا أنفُسَكُم عَن أهلِ الباطِلِ ، ولا تَجعَلُوا اللّهَ تَبارَكَ وتَعالى ولَهُ المَثَلُ الأعلى وإمامَكُم ودينَكُمُ الَّذى تَدينونَ بِهِ عُرضَهً لِأهلِ الباطِلِ ؛ فَتُغضِبوا اللّهَ عَلَيكُم فَتَهلِكوا . فَمَهلاً مَهلاً يا أهلَ الصَّلاحِ ! لا تَترُكوا أمرَ اللّهِ وأمرَ مَن أمَرَكُم بِطاعَتِهِ ؛ فَيُغَيِّرَ اللّهُ ما بِكُم مِن نِعمَهٍ . أحِبّوا فِى اللّهِ مَن وَصَفَ صِفَتَكُم ، وأبغِضوا فِى اللّهِ مَن خالَفَكُم . (5)

.

1- .معانى الأخبار : 270 / 2 عن أبى خالد الكابلى ، بحار الأنوار : 73 / 375 / 12 .
2- .القلم : 17 19 .
3- .الكافى : 2/271/12 ، المحاسن : 1/206/361 كلاهما عن الفضيل ، بحار الأنوار : 73/324/9 .
4- .علل الشرايع : 297 / 1 ، مشكاه الأنوار : 477 / 1596 نحوه كلاهما عن المفضّل بن عمر ، بحار الأنوار : 6 / 157 / 15 .
5- .الكافى : 8 / 12 / 1 عن إسماعيل بن جابر ، بحار الأنوار : 78 / 222 / 93 .

امام سجاد علیه السلام :گناهانی که نعمت ها را تغییر می دهند ، چنینند : تجاوز به [حقوقِ]مردم ، ترک عادت انجام کار نیک و شایسته ، ناسپاسی نعمت ها ، و شکر نگزاردن . خداوند فرموده است: «همانا خداوند آن چه را گروهی دارند ، دگرگون نمی کند تا آن گاه که آن چه را در خودشان است دگرگون کنند» .

الکافی از فضیل از امام باقر علیه السلام :«کسی که گناهی مرتکب گردد ، روزی وی قطع شود .» سپس امام این آیه را تلاوت فرمود: «آن گاه که سوگند خوردند: هر آینه بامدادان [دور از چشم مستمندان] میوه آن باغ را خواهیم چید * و نگفتند: اگر خدای خواهد * پس شبانگاه که خفته بودند ، آفتی از سوی پروردگارت بر گرد آن باغ بگردید» .

امام صادق علیه السلام :ای مفضل! از گناهان بپرهیز و پیروان ما را هم از آن بپرهیزان . به خدا سوگند! گناه بیش از همه به سوی شما شتاب می گیرد . همانا گزندی که از حاکم به یکی از شما می رسد یا مرضی که به وی رو می آورد یا روزی اش که از او قطع می شود ، جز به سبب گناهانش نیست .

امام صادق علیه السلام :کرامت خود را در برابر باطل اندیشان ، نگاه دارید و خدای پاک و والا و بلندْ وصف و امامتان و دینی را که به آن گرویده اید ، بازیچه باطل اندیشان مسازید ؛ که آن گاه ، خشم خدای را نصیب خود کرده ، هلاک خواهید شد . پس ای صالحان! درنگ کنید ؛ درنگ کنید . از فرمان خدا و فرمان کسی که شما را به اطاعت خدا فرا می خواند ، سرپیچی مکنید ؛ که خدا نعمت خود را از شما خواهد ستاند . برای خدا هر کس را که هم صفتِ شما است ، دوست بدارید و برای خدا هر کس را که مخالف شما است ، دشمن شمارید .

.

عنه علیه السلام :إنَّ المُؤمِنَ لَیَنوِی الذَّنبَ فَیُحرَمُ رِزقَهُ . (1)

مستدرک الوسائل :خَرَجَ موسی علیه السلام بِالنّاسِ لِلاِستِسقاءِ ، فَرَأی نَملَةً مُستَلقِیَةً تَقولُ : اللّهُمَّ اسقِنا ولا تَأخُذنا بِذُنوبِ بَنی آدَمَ ! فَقالَ : اِنصَرِفوا فَقَدِ استُسقِیَ لَکُم . وجاءَ المَطَرُ . (2)

راجع : ص 674 (المبادئ العبادیّه / الاستغفار).

3 / 2الرِّباالکتاب :«یَمْحَقُ اللَّهُ الرِّبَواْ وَیُرْبِی الصَّدَقَتِ . (3) »

«وَ مَآ ءَاتَیْتُم مِّن رِّبًا لِّیَرْبُوَاْ فِی أَمْوَ لِ النَّاسِ فَلاَ یَرْبُواْ عِندَ اللَّهِ . (4) »

الحدیث :رسول اللّه صلی الله علیه و آله :ما ظَهَرَ فی قَومٍ الرِّبا وَالزِّنا إلاّ أحَلّوا بِأنفُسِهِم عِقابَ اللّهِ عز و جل . (5)

.

1- .ثواب الأعمال : 288 / 1 ، المحاسن : 1 / 206 / 362 کلاهما عن بکر بن محمّد الأزدی ، بحار الأنوار : 71 / 247 / 6 .
2- .مستدرک الوسائل : 6 / 206 / 6754 نقلاً عن القطب الراوندی فی لبّ اللباب .
3- .البقره : 276 .
4- .الروم : 39 .
5- .مسند ابن حنبل : 2 / 63 / 3809 ، مسند أبی یعلی : 5 / 12 / 4960 کلاهما عن عبد اللّه بن مسعود عن أبیه ، کنز العمّال : 4 / 107 / 9768 وص 110 / 9785 .

امام صادق علیه السلام :همانا مؤمن نیت گناه می کند و از روزی اش محروم می گردد .

مستدرک الوسائل :موسی علیه السلام همراه مردم برای باران خواستن بیرون شد . مورچه ای را دید که به پشت خوابیده ، می گوید: «بار خدایا! ما را از باران نصیب بخش و به سبب گناهان آدمیان ، تنبیهمان نکن» . موسی فرمود: «بازگردید ؛ که باران نصیبتان گشت» . و باران آمد .

ر .ک : ص675 (اصول عبادی / آمرزش خواهی) .

3 / 2رباقرآن:«خداوند ربا را می کاهد و نابود می گرداند و صدقه ها را فزونی می بخشد .»

«و آن چه از ربا می دهید تا در مال های مردم اضافه شود ، نزد خدا افزون نمی شود .»

حدیث:پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :در هیچ قومی ربا و زنا آشکار نگردد ، مگر آن که کیفر خدا را بر خویش فرود آورند .

.

عنه صلى الله عليه و آله :ما مِن قَومٍ يَظهَرُ فيهِمُ الرِّبا إلاّ اُخِذوا بِالسَّنَهِ . (1)

عنه صلى الله عليه و آله :ما أحَدٌ أكثَرَ مِنَ الرِّبا إلاّ كانَ عاقِبَهُ أمرِهِ إلى قِلَّهٍ . (2)

عنه صلى الله عليه و آله :الرِّبا وإن كَثُرَ فَإِنَّ عاقِبَتَهُ تَصيرُ إلى قُلٍّ . (3)

عنه صلى الله عليه و آله :شَرُّ الكَسبِ كَسبُ الرِّبا . (4)

الإمام علىّ عليه السلام :إذا أرادَ اللّهُ بِقَريَهٍ هَلاكا ظَهَرَ فيهِمُ الرِّبا . (5)

الإمام الرضا عليه السلام فى ما كَتَبَ مِن جَوابِ مَسائِلِ مُحَمَّدِ بنِ سِنانٍ : وعِلَّهُ تَحريمِ الرِّبا : لِما نَهَى اللّهُ عز و جل عَنهُ ، ولِما فيهِ مِن فَسادِ الأَموالِ ؛ لِأَنَّ الإِنسانَ إذَا اشتَرَى الدِّرهَمَ بِالدِّرهَمَينِ كانَ ثَمَنُ الدِّرهَمِ دِرهَما وثَمَنُ الآخَرِ باطِلاً ؛ فَبَيعُ الرِّبا وشِراؤُهُ وَكسٌ عَلى كُلِّ حالٍ عَلَى المُشتَرى وعَلَى البائِعِ ؛ فَحَرَّمَ اللّهُ عز و جل عَلَى العِبادِ الرِّبا لِعِلَّهِ فَسادِ الأَموالِ ، كَما حَظَرَ عَلَى السَّفيهِ أن يُدفَعَ إلَيهِ مالُهُ ؛ لِما يَتَخَوَّفُ عَلَيهِ مِن إفسادِهِ حَتّى يُؤنَسَ مِنهُ رُشدُهُ ؛ فَلِهذِهِ العِلَّهِ حَرَّمَ اللّهُ عز و جل الرِّبا . وبَيعُ الرِّبا بَيعُ الدِّرهَمِ بِالدِّرهَمَينِ . وعِلَّهُ تَحريمِ الرِّبا بَعدَ البَيِّنَهِ : لِما فيهِ مِنَ الاِستِخفافِ بِالحَرامِ المُحَرَّمِ ، وهِىَ كَبيرَهٌ بَعدَ البَيانِ ، وتَحريمُ اللّهِ عز و جل لَها لَم يَكُن ذلِكَ مِنهُ إلاَّ استِخفافا بِالمُحَرَّمِ الحَرامِ وَالاِستِخفافُ بِذلِكَ دُخولٌ فِى الكُفرِ . وعِلَّهُ تَحريمِ الرِّبا بِالنَّسيئَهِ : لِعِلَّهِ ذَهابِ المَعروفِ ، وتَلَفِ الأَموالِ ، ورَغبَهِ النّاسِ فِى الرِّبحِ ،وتَركِهِم لِلقَرضِ وَالقَرضُ صَنائِعُ المَعروفِ ، ولِما فى ذلِكَ مِنَ الفَسادِ وَالظُّلمِ وفَناءِ الأَموالِ . (6)

.

1- .مسند ابن حنبل : 6 / 245 / 17839 عن عمرو بن العاص ، كنز العمّال : 4 / 108 / 9770 .
2- .سنن ابن ماجه : 2 / 765 / 2279 ، المستدرک على الصحيحين : 4 / 353 / 7892 ، المعجم الكبير : 10 / 223 / 10539 ، شُعب الإيمان : 4 /

392 / 5512 كلّها عن عبد اللّه بن مسعود ، كنز العمّال : 4 / 105 / 9757 وص 110 / 9787 .
3- .مسند ابن حنبل: 2/50/3754، المستدرک على الصحيحين: 2/43/2662، الفردوس: 2/282/3304 كلّها عن ابن مسعود، المعجم الكبير: 10/223/10538، شُعب الإيمان : 4/392 / 5511 كلاهما عن عبد اللّه بن مسعود رفعه ، كنز العمّال : 4 / 105 / 9758 وص 110 / 9786 .
4- .الكافى : 8 / 81 / 39 ، من لا يحضره الفقيه : 4 / 403 / 5868 ، الأمالى للصدوق : 577 / 788 كلّها عن أبى الصباح الكنانى عن الإمام الصادق عليه السلام ، تفسير القمّى : 1 / 291 ، الاختصاص : 343 وفيهما «شرّ المكاسب» بدل «شرّ الكسب» ؛ دلائل النبوّه للبيهقى : 5 / 242 عن عقبه بن عامر الجهنى وفيه «شرّ المكاسب» بدل «شرّ الكسب» .
5- .تفسير مجمع البيان : 2 / 671 .
6- .من لا يحضره الفقيه : 3 / 566 / 4934 ، عيون أخبار الرضا عليه السلام : 2 / 93 / 1 ، علل الشرايع : 483 / 4 كلاهما نحوه وكلّها عن محمّد بن سنان ، بحار الأنوار : 103 / 119 / 23 .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :در میان هیچ قومی ربا ظاهر نگردد ، مگر آن که به قحط سالی گرفتار شوند .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هیچ کس ربا را نیفزود ، جز آن که سرانجام گرفتار کمی و کاستی شد .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :ربا هر چند فراوان باشد ، سرانجام به تنگدستی می انجامد .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :بدترین درآمد از راه ربا حاصل گردد .

امام علی علیه السلام :هر گاه خدا خواهد [مردم] سرزمینی را نابود سازد ، در میانشان ربا را آشکار گرداند .

امام رضا علیه السلام در زمره پاسخ هایش به پرسش های محمّد بن سنان : یکی از سبب های حرام شمرده شدن ربا آن است که خدا از آن نهی فرموده و دیگر این که با آن ، اموال تباه می گردند ؛ زیرا وقتی انسان یک درهم را به دو درهم بخرد ، یک درهم بهای آن درهم است و بهای دیگری باطل شمرده می شود ؛ پس فروش و خرید ربایی در هر حال ، هم برای خریدار و هم برای فروشنده مایه نقصان است . از آن جا که ربا موجب تباهی اموال است ، خداوند آن را بر بندگان حرام فرموده ، همان گونه که نهی فرموده که مال سفیه را در اختیار خودش نهند چرا که بیم می رود آن را تباه کند تا زمانی که به حد رشد برسد . پس به این سبب است که خداوند ربا را حرام فرموده است . و فروش ربایی آن است که کسی یک درهم را به دو درهم بفروشد . و اما سبب حرام بودن ربا ، علاوه بر آن دلیل روشن ، این است که رباخواری سبک شمردنِ یک عمل کاملاً حرام است و این کار پس از بیان شدن حرمت و بعد از این که خدا آن را حرام کرده ، گناهی بزرگ به شمار می رود . و اگر کسی چنین کند ، کارش جز سبک شمردن آن کارِ کاملاً حرام نیست و چنین سبک شمردنی ، پای نهادن در کفر محسوب می گردد . و اما حرام بودن ربای نسیه (1) بدان سبب است که عمل نیک را تباه می کند و اموال را تلف می نماید و مردم را به سوداندوزی تشویق می کند و از قرض دادن باز می دارد ، در حالی که قرض دادن کاری است نیکو ؛ و نیز فساد و ستم و نابودی اموال را در پی دارد .

.

1- .ربای نسیه گونه ای ربای معاملی و نه قرضی است و آن معاوضه دو شی ء هم جنس به صورت نابرابر است و آن کس که دیرتر می دهد بیشتر می دهد ، مثلاً 100 کیلو گندم نقد می گیرد و 150 کیلو گندم دیرتر می پردازد . [ر.ک : جواهر الکلام : ج23 ، ص343 .]

راجع : ص 308 (ما يحرم فى المعامله / الرّبا) .

3 / 3السُّحترسول اللّه صلى الله عليه و آله :مَن كَسَبَ مالاً مِن غَيرِ حِلِّهِ أفقَرَهُ اللّهُ عز و جل . (1)

الإمام الصادق عليه السلام :كَثرَهُ السُّحتِ يَمحَقُ الرِّزقَ . (2)

أبو الحسن عليه السلام :إنَّ الحَرامَ لا يَنمى ، وإن نَمى لَم يُبارَک لَهُ فيهِ . (3)

.

1- .الأمالى للطوسى : 182 / 306 عن أبى قلابه ، بحار الأنوار : 69 / 382 / 44 وج 77 / 120 / 20 و ج 103 / 5 / 17 .
2- .تحف العقول : 372 ، بحار الأنوار : 78 / 256 / 133 .
3- .الكافى : 5 / 125 / 7 عن داود الصرمى .

ر .ک : ص309 (کارهای حرام در داد و ستد / ربا) .

3 / 3پیشه پلیدپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر که از راه حرام درآمد کسب کند ، خدا فقیرش گرداند .

امام صادق علیه السلام :فراوانیِ کسب پلید ، روزی را نابود کند .

امام کاظم علیه السلام :حرام رشد نمی کند و اگر هم رشد کند ، برکت ندارد .

.

3 / 4الزِّنارسول اللّه صلى الله عليه و آله :يا عَلِيُّ ، فِى الزِّنا سِتُّ خِصالٍ : ثَلاثٌ مِنها فِى الدُّنيا وثَلاثٌ مِنها فِى الآخِرَهِ ؛ فَأَمَّا الَّتى فِى الدُّنيا : فَيَذهَبُ بِالبَهاءِ ، ويُعَجِّلُ الفَناءَ ، ويَقطَعُ الرِّزقَ . (1)

عنه صلى الله عليه و آله :الزِّنا يورِثُ الفَقرَ . (2)

عنه صلى الله عليه و آله :فِى الزِّنا خَمسُ خِصالٍ : يَذهَبُ بِماءِ الوَجهِ ، ويورِثُ الفَقرَ ، ويَنقُصُ العُمُرَ ، ويُسخِطُ الرَّحمنَ ، ويُخَلِّدُ فِى النّارِ . (3)

الإمام الصادق عليه السلام :الذُّنوبُ . . . الَّتى تَحبِسُ الرِّزقَ الزِّنا . (4)

الإمام الكاظم عليه السلام :اِتَّقِ الزِّنا ؛ فَإِنَّهُ يَمحَقُ الرِّزقَ ، ويُبطِلُ الدّينَ . (5)

.

1- .من لا يحضره الفقيه : 4/367/5762 عن حمّاد بن عمرو وأنس بن محمّد عن أبيه جميعا، الخصال : 321 / 3 عن أنس بن محمّد أبى مالک عن أبيه ، مكارم الأخلاق : 2 / 331 / 2656 وكلّها عن الإمام الصادق عن أبيه عن آبائه عليهم السلام، بحار الأنوار: 77/58/3 وراجع الفقه المنسوب للإمام الرضا عليه السلام : 275.
2- .من لا يحضره الفقيه : 4 / 20 / 4978 ، الخصال : 505 / 2 عن سعيد بن علاقه ، مشكاه الأنوار : 229 / 645 ، روضه الواعظين : 499 وكلّها عن الإمام علىّ عليه السلام ، بحار الأنوار : 79 / 23 / 18 ؛ شُعب الإيمان : 4 / 363 / 5417 عن ابن عمر ، كنز العمّال : 5 / 313 / 12989 و ص 318 / 13017 .
3- .الكافى : 5 / 542 / 9 عن الفضيل عن الإمام الباقر عليه السلام ، الخصال : 321 / 4 عن عبد اللّه بن ميمون عن الإمام الصادق عليه السلامنحوه ، بحار الأنوار : 79 / 22 / 15 و ح 17 ، وراجع الفقه المنسوب للإمام الرِّضا عليه السلام : 275 .
4- .الكافى : 2 / 447 / 1 ، معانى الأخبار : 269 / 1 ، علل الشرايع : 584 / 27 كلّها عن مجاهد عن أبيه ، الاختصاص : 238 عن عبد اللّه بن سنان ، بحار الأنوار : 73 / 374 / 11 وج 79 / 23 / 18 .

5- .الكافى : 5 / 541 / 2 عن علىّ بن سالم .

3 / 4زناپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :ای علی! زنا را شش ویژگی است : سه در دنیا و سه در آخرت . سه ویژگی دنیایی اش چنین است: شکوه را می برد ؛ نیستی را شتاب می بخشد ؛ و روزی را قطع می کند .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :زنا سبب فقر می شود .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :زنا را پنج ویژگی است: آبرو را می برد ؛ فقر پدید می آورد ؛ عمر را می کاهد ؛ خدای بخشایشگر را خشمگین می سازد ؛ و انسان را در آتش جاودانه می گرداند .

امام صادق علیه السلام :یکی از گناهانی که روزی را دربند می کند ، زنا است .

امام کاظم علیه السلام :از زنا بپرهیز ؛ که روزی را نابود گرداند و دین را باطل سازد .

.

3 / 5اليَمينُ الفاجِرَهُالإمام علىّ عليه السلام :اليَمينُ الفاجِرَهُ تورِثُ الفَقرَ . (1)

الإمام الصادق عليه السلام :اليَمينُ الصَّبرُ الكاذِبَهُ تورِثُ العَقِبَ الفَقرَ . (2)

3 / 6المَسأَلَهرسول اللّه صلى الله عليه و آله :ما فَتَحَ رَجُلٌ بابَ مَسأَلَهٍ يُريدُ بِها كَثرَهً ، إلاّ زادَهُ اللّهُ عز و جلبِها قِلَّهً . (3)

عنه صلى الله عليه و آله :مَن فَتَحَ عَلى نَفسِهِ بابَ مَسأَلَهٍ ، فَتَحَ اللّهُ عَلَيهِ بابَ فَقرٍ . (4)

عنه صلى الله عليه و آله :ثَلاثٌ وَالَّذى نَفسُ مُحَمَّدٍ بِيَدِهِ إن كُنتُ لَحالِفا عَلَيهِنَّ . . . لا يَفتَحُ عَبدٌ بابَ مَسأَلَهٍ إلاّ فَتَحَ اللّهُ عَلَيهِ بابَ فَقرٍ . (5)

.

1- .الخصال : 505/2 عن سعيد بن علاقه، مشكاه الأنوار : 229/ 645 ، جامع الأخبار : 343/952، روضه الواعظين : 499 ، بحار الأنوار : 104 / 279 / 8 .
2- .الكافى : 7 / 436 / 4 ، ثواب الأعمال : 270 / 5 كلاهما عن فليح بن أبى بكر الشيبانى وليس فيه «الصبر» ، بحار الأنوار : 104 / 209 / 19 .
3- .مسند ابن حنبل : 3 / 434 / 9630 ، شُعب الإيمان : 3 / 233 / 3413 كلاهما عن أبى هريره وفيه «مسكه» بدل «مسأله» ، كنز العمّال : 6 / 362 / 16072 وص 506 / 16748 .
4- .الكافى : 4 / 19 / 2 عن محمّد بن مسلم عن الإمام الصادق عن الإمام علىّ عليهماالسلام ، من لا يحضره الفقيه : 2 / 70 / 1753 ، الخصال : 615 / 10 عن أبى بصير ومحمّد بن مسلم عن الإمام الصادق عن الإمام علىّ عليهماالسلام عنه صلى الله عليه و آله ، تحف العقول : 106 ، مكارم الأخلاق : 1 / 296 / 926 كلّها عن الإمام علىّ عليه السلامعنه صلى الله عليه و آله ؛ مسند ابن حنبل : 3 / 398 / 9421 عن أبى هريره ، سنن الترمذى : 4 / 563 / 2325 عن أبى كبشه الأنمارى وكلاهما نحوه ، كنز العمّال : 6 / 377 / 16134 وص 505 / 16742 .

5- .مسند ابن حنبل : 1/410/1674 ، مسند أبى يعلى : 1/389/845 ، مسند البزّار : 3/243/1032 وص 244 / 1033 ، مسند الشهاب : 2 / 29 / 818 وفيها «رجل على نفسه» بدل «عبد» وكلّها عن عبد الرحمان بن عوف ؛ منيه المريد : 322 ، تنبيه الخواطر : 1 / 126 وفيهما «فتح رجل» بدل «يفتح عبد» .

3 / 5 سوگند ناروا

3 / 6 ابراز نیاز

3 / 5سوگند نارواامام علی علیه السلام :سوگند ناروا فقر می زاید .

امام صادق علیه السلام :سوگند ناروایی که آدمی به آن پایبند باشد ، فقر در پی می آورد .

3 / 6ابراز نیازپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هیچ کس درِ خواهش را برای زیاده جویی نگشود ، مگر آن که خداوند به سبب آن ، کاستی اش را افزود .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر که درِ خواهش را بر خویش بگشاید ، خداوند درِ فقر را بر او باز کند .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :به آن که جان محمّد در دست او است ، سه چیزند که روا است تا بدانها سوگند یاد کنم : . . . هیچ بنده ای درِ خواهش را بر خویش نگشاید ، مگر آن که خداوند درِ فقر را بر او باز کند .

.

عنه صلي الله عليه و آله :مَن هَداهُ اللّهُ لِلإسلامِ وعَلَّمَهُ القُرآنَ ثُمَّ سَأَلَ النّاسَ ، كُتِبَ بَينَ عَينَيهِ : فَقيرٌ إلى يَومِ القِيامَهِ . (1)

عنه صلى الله عليه و آله :مَن فَتَحَ عَلى نَفسِهِ بابَ مَسأَلَهٍ مِن غَيرِ فاقَهٍ نَزَلَت بِهِ أو عِيالٍ لا يُطيقُهُم ، فَتَحَ اللّهُ عَلَيهِ بابَ فاقَهٍ مِن حَيثُ لا يَحتَسِبُ . (2)

عنه صلى الله عليه و آله :مَن فَتَحَ عَلى نَفسِهِ بابَ المَسأَلَهِ ، فَتَحَ اللّهُ عَلَيهِ سَبعينَ بابا مِنَ الفَقرِ ، لا يَسُدُّ أدناهُ شَىءٌ . (3)

عنه صلى الله عليه و آله :مَن يَستَعفِف يُعِفَّهُ اللّهُ ، ومَن يَستَغنِ يُغنِهِ اللّهُ . (4)

الإمام علىّ عليه السلام :المَسأَلَهُ مِفتاحُ الفَقرِ . (5)

.

1- .تنبيه الخواطر : 1 / 9 ، تفسير مجمع البيان : 5 / 178 عن أنس نحوه ؛ الدرّالمنثور : 4 / 368 نقلاً عن أبى القاسم بن بشران فى أماليه عن أنس نحوه .
2- .شُعب الإيمان : 3 / 274 / 3526 عن ابن عبّاس ، كنز العمّال : 6 / 506 / 16743 ؛ تنبيه الخواطر : 1 / 45 وفيه «يطيقهم» بدل «لا يطيقهم» .
3- .عدّه الداعى : 91 ، جامع الأخبار : 379 / 1061 عن أنس نحوه ، الخرائج والجرائح : 1 / 89 / 147 ، بحار الأنوار : 96 / 154 / 22 وص 158 / 37 .
4- .صحيح البخارى : 2 / 519 / 1361 عن حكيم بن حزام ، صحيح مسلم : 2 / 729 / 124 ، سنن أبى داود : 2/121/1644 ، سنن الترمذى : 4 / 374 / 2024 ، الموطّأ : 2 / 997 / 7 ، سنن الدارمى : 1 / 415 / 1603 كلّها عن أبى سعيد الخدرى ، كنز العمّال : 6 / 395 / 16224 .
5- .غرر الحكم : 1019 .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر که خداوند به اسلام هدایتش کرده و قرآن را به وی آموخته باشد و سپس او به مردم ابراز نیاز کند ، بر پیشانی اش نوشته شود: این کس تا روز قیامت فقیر است .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر کس بدون تنگدستی غیرقابل تحمل برای خود یا خانواده اش ، درِ گدایی را بگشاید ، خداوند درِ فقر را از جایی که گمان نبرد ، بر وی باز نمایَد .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر که درِ گدایی را بر خود باز کند ، خداوند هفتاد در از فقر بر وی بگشاید که کوچک ترینِ آن ها را چیزی نتواند بست .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر که پاکدامنی جوید ، خداوند عفافش بخشد و هر که به دیگران اظهار نیاز نکند ، خدا بی نیازش سازد .

امام علی علیه السلام :ابراز نیاز ، کلید فقر است .

.

عنه عليه السلام :السُّؤالُ يُضعِفُ لِسانَ المُتَكَلِّمِ ، ويَكسِرُ قَلبَ الشُّجاعِ البَطَلِ ، ويوقِفُ الحُرَّ العَزيزَ مَوقِفَ العَبدِ الذَّليلِ ، ويُذهِبُ بَهاءَ الوَجهِ، ويَمحَقُ الرِّزقَ. (1)

الإمام زين العابدين عليه السلام :ضَمِنتُ عَلى رَبّى أنَّهُ لا يَسأَلُ أحَدٌ مِن غَيرِ حاجَةٍ إلاّ اضطَرَّتهُ المَسأَلَةُ يَوما إلى أن يَسأَلَ مِن حاجَةٍ . (2)

الإمام الصادق عليه السلام :إيّاكُم وسُؤالَ النّاسِ ! فَإِنَّهُ ذُلٌّ فِى الدُّنيا ، وفَقرٌ تُعَجِّلونَهُ ، وحِسابٌ طَويلٌ يَومَ القِيامَهِ . (3)

الإمام الرضا عليه السلام :المَسأَلَةُ مِفتاحُ البُؤسِ . (4)

3 / 7النَّومُ قَبلَ طُلوعِ الشَّمسِرسول اللّه صلى الله عليه و آله :الصُّبحَةُ تَمنَعُ الرِّزقَ . (5)

الإمام علىّ عليه السلام :النَّومُ قَبلَ طُلوعِ الشَّمسِ يورِثُ الفَقرَ . (6)

.

1- .غرر الحكم : 2110 .
2- .الكافى : 4 / 19 / 1 عن مالک بن عطيّه عن الإمام الصادق عليه السلام ، من لا يحضره الفقيه : 2 / 70 / 1752 ، عدّه الداعى : 89 ، بحار الأنوار : 96 / 158 / 37 .
3- .الكافى : 4 / 20 / 1 عن الحسين بن حمّاد عمّن سمع ، من لا يحضره الفقيه : 2 / 70 / 1756 وفيه «ذلّ الدنيا وفقر تتعجّلونه» .
4- .الدرّه الباهره : 37 ، بحار الأنوار : 96 / 157 / 35 .
5- .مسند ابن حنبل : 1 / 158 / 530 وح 533 ، شُعب الإيمان : 4 / 180 / 4731 ، مسند الشهاب : 1 / 73 / 65 كلّها عن عثمان بن عفّان عن أبيه ، تاريخ دمشق : 14 / 343 / 3605 عن عثمان بن عفّان ، كنز العمّال : 7 / 784 / 21399 .
6- .الخصال : 505 / 2 عن سعيد بن علاقه ، بحار الأنوار : 76 / 184 / 2 .

امام علی علیه السلام :ابراز نیاز ، زبان گوینده را کم توان می کند ؛ قلب جنگاور دلیر را می شکند ؛ آزادمرد عزّتمند را به خاک بندگی و ذلت می نشاند ؛ نور چهره را می زداید ؛ و روزی را از میان می برد .

امام سجاد علیه السلام :من از جانب پروردگارم این واقعیت را عهده دارم که هیچ کس بدون نیازمندی ، ابراز نیاز نکند ، مگر آن که روزی همین ابراز نیازش او را به گداییِ نیازمندانه کشانَد .

امام صادق علیه السلام :از ابراز نیاز نزد مردم پرهیز کنید ؛ که این کار سبب ذلت در دنیا و فقر زودرس و حسابرسی طولانی در قیامت است .

امام رضا علیه السلام :عرض نیاز ، کلید بدحالی است .

3 / 7خواب پیش از طلوع خورشیدپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :خواب در اوّل روز ، روزی را باز می دارد .

امام علی علیه السلام :خواب پیش از طلوع خورشید ، فقر به بار می آورد .

.

الإمام الصادق عليه السلام :نَومُ الغَداةِ شُؤمٌ يَحرِمُ الرِّزقَ . (1)

عنه عليه السلام :نَومَةُ الغَداةِ مَشومَةٌ تَطرُدُ الرِّزقَ . (2)

عنه عليه السلام فى قَولِهِ تَعالى : «فَالْمُقَسِّمَتِ أَمْرًا (3) » : المَلائِكَةُ تُقَسِّمُ أرزاقَ بَنى آدَمَ ما بَينَ طُلوعِ الفَجرِ إلى طُلوعِ الشَّمسِ ؛ فَمَن نامَ فى ما بَينَهُما نامَ عَن رِزقِهِ . (4)

.

1- .من لا يحضره الفقيه : 1 / 503 / 1449 .
2- .تهذيب الأحكام : 2 / 139 / 540 ، من لا يحضره الفقيه : 1 / 502 / 1441 ، مكارم الأخلاق : 2 / 74 / 2181 ، بحار الأنوار : 13 / 182 / 18 وج 86 / 130 / 2 .
3- .الذاريات : 4 .
4- .تهذيب الأحكام : 2 / 139 / 541 ، من لا يحضره الفقيه : 1 / 504 / 1450 ، مكارم الأخلاق : 2 / 74 / 2183 كلاهما عن الإمام الرضا عليه السلام ، بحار الأنوار : 86 / 130 / 2 .

توضیح:

امام صادق علیه السلام :خواب بامدادی نامبارک است و روزی را باز می دارد .

امام صادق علیه السلام :خواب بامدادی بَدیُمن است و روزی را دور می کند .

امام صادق علیه السلام در باب این سخن خدای تعالی: «و سوگند به تقسیم کنندگان کارها» : فرشتگان از سپیده دم تا طلوع خورشید ، روزی ها را میان آدمیان تقسیم می کنند ؛ پس هر که در این میان بخوابد ، از روزی اش محروم ماند .

توضیح :برای فهم کامل روایات این قسمت ، باید این دسته از روایات را با احادیث مذکور ذیل سرفصل «اصول عبادی / پرداختن به ذکر و دعا از سپیده دم تا طلوع خورشید» همزمان بررسی کرد . از بررسی و تطبیق این روایات آشکار می شود که مراد از مانع بودن خواب بامدادی برای روزی ، منافات داشتن آن با ذکر و دعا در این هنگام است که خود ، اثری ممتاز در فراهم ساختن روزی دارد . از این گذشته ، از حدیث 1246 برمی آید که این گونه ناکامی از روزی به طور مطلق نیست ؛ بلکه ناکامی از بخشش خاص خدا و ماورای روزیِ معین است ، یعنی همان که خدا به تضرع کنندگان و نیازخواهان می بخشد .

.

3 / 8النَّوادِررسول اللّه صلى الله عليه و آله :النّاسُ كُلُّهُم فِى الفَقرِ مَخافَةَ الفَقرِ . (1)

عنه صلى الله عليه و آله :إنَّ كَثرَةَ الضِّحكِ تُميتُ القَلبَ ، وتورِثُ الفَقرَ . (2)

عنه صلى الله عليه و آله :إذَا استُحِلَّتِ الخَمرُ بِالنَّبيذِ ، وَالرِّبا بِالبَيعِ ، وَالسُّحتُ بِالهَدِيَّهِ ، وَاتَّجَروا بِالزَّكاهِ (3) ؛ فَعِندَ ذلِکَ هَلاکُهُم لِيَزدادوا إثما . (4)

عنه صلى الله عليه و آله :سَيَستَحِلُّ اُمَّتِى الرِّبا بِالبَيعِ ، وَالخَمرَ بِالنَّبيذِ ، وَالسُّحتَ بِالهَدِيَّهِ ، وَالبَخسَ بِالزَّكاهِ ؛ فَعِندَ ذلِکَ يُملى لَهُم لِيَزدادوا إثما . (5)

عنه صلى الله عليه و آله :مَن تَعَلَّمَ العِلمَ رِياءً وسُمعَهً يُريدُ بِهِ الدُّنيا ، نَزَعَ اللّهُ بَرَكَتَهُ ، وضَيَّقَ عَلَيهِ مَعيشَتَهُ ، ووَكَلَهُ اللّهُ إلى نَفسِهِ ؛ ومَن وَكَلَهُ اللّهُ إلى نَفسِهِ فَقَد هَلَکَ . (6)

عنه صلى الله عليه و آله :لا تَزالُ اُمَّتى بِخَيرٍ ما لَم يَتَخاوَنوا ، وأدَّوُا الأَمانَهَ ، وآتَوُا الزَّكاهَ ، وإذا لَم يَفعَلوا ذلِکَ ابتُلوا بِالقَحطِ وَالسِّنينَ . (7)

عنه صلى الله عليه و آله :لا تَزالُ اُمَّتى بِخَيرٍ ما تَحابّوا ، وأقامُوا الصَّلاهَ . . . فَإِن لَم يَفعَلُوا ابتُلوا بِالسِّنينَ وَالجَدبِ . (8)

.

1- .آداب المتعلّمين : 102 .
2- .الفردوس : 3 / 19 / 4030 عن جابر بن عبد اللّه ، كنز العمّال : 7 / 791 / 21431 عن ابن عمر .
3- .والمراد بالنجس ، المكس : أى النقص والمعنى أنّه يأخذ الولاه الظلمه باسم العشر يتأولون فيه معنى الزكاه [ر . ک : الفائق للزمخشرى وفيض القدير : ج 3 ، ص 214] .
4- .الفردوس : 1 / 334 / 1331 عن حذيفه بن اليمان ، كنز العمّال : 11 / 224 / 31311 .

5- .الفردوس : 2 / 321 / 3459 عن أبى الدرداء ، راجع الأمالى للطوسى : 66 .
6- .مكارم الأخلاق : 2 / 348 / 2660 عن عبد اللّه بن مسعود ، بحار الأنوار : 77 / 100 / 1 .
7- .ثواب الأعمال : 300 / 1 عن السكونى عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام ، بحار الأنوار : 75 / 172 / 10 ، راجع الأمالى للطوسى : ص 66 .
8- .الأمالى للطوسى : 647 / 1340 عن محمّد بن صدقه عن الإمام الكاظم عن آبائه عليهم السلام ، بحار الأنوار : 69 / 405 / 110 و ج 74 / 400 / 40 .

3 / 8روایات گوناگونپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :مردم همگی از بیم فقر ، در فقر به سر می برند .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :همانا فراوان خندیدن ، قلب را می میراند و فقر می زاید .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر گاه به نام آب جو ، شراب ؛ به نام معامله ، ربا ؛ و به نام هدیه ، رشوه حلال شمرده شود و با مال زکات تجارت کنند ، هلاکت ایشان رخ می دهد و گناه بر گناه می افزایند .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :زود است که امت من به نام معامله ، ربا ؛ به نام آب جو ، شراب ؛ به نام هدیه ، رشوه ؛ و [فرمانروایان] به نام زکات ، باجگیری را حلال شمرند ؛ و آن هنگام است که فرصت داده می شوند تا بر گناه خود بیفزایند .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر که دانش را برای ریا و شهرت و دنیاخواهی فراگیرد ، خداوند برکت را از وی می ستاند و زندگی اش را سخت می گرداند و او را به خود وامی گذارد ؛ و هر که خدا او را به خود واگذارد ، هلاک گشته است .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :امت من در خیر به سر می برند ، مادام که خیانت نورزند و امانت دار باشند و زکات پردازند ؛ و هرگاه چنین نکنند ، به قحطی و خشکسالی مبتلا گردند .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :امت من همواره در خیر به سر برند ، مادام که به هم دوستی ورزند و نماز را برپای دارند . . . و هرگاه چنین نکنند ، به خشکسالی و قحطی دچار شوند .

.

عنه صلى الله عليه و آله :لا تَزالُ اُمَّتى بِخَيرٍ ما تَحابّوا ، وتَهادَوا ، وأدَّوُا الأَمانَةَ ، وَاجتَنَبُوا الحَرامَ ، ووَقَّرُوا الضَّيفَ ، وأقامُوا الصَّلاةَ ، وآتَوُا الزَّكاةَ ؛ فَإِذا لَم يَفعَلوا ذلِكَ ابتُلوا بِالقَحطِ وَالسِّنينَ . (1)

عنه صلى الله عليه و آله :لا تَزالُ هذِهِ الاُمَّةُ بِخَيرٍ تَحتَ يَدِ اللّهِ وفى كَفِّهِ ما لَم يُمالِئ قُرّاؤُها اُمَراءَها ، ولَم يُزَكِّ صُلَحاؤُها فُجّارَها ، ولَم يُمالِئ أخيارُها أشرارَها ؛ فَإِذا فَعَلوا ذلِكَ رَفَعَ اللّهُ تَعالى يَدَهُ عَنهُم ، ثُمَّ سَلَّطَ عَلَيهِم جَبابِرَتَهُم ؛ فَساموهُم سوءَ العَذابِ ، وضَرَبَهُم بِالفاقَهِ وَالفَقرِ ، ومَلَأَ قُلوبَهُم رُعبا . (2)

عنه صلى الله عليه و آله :ما نَقَضَ قَومٌ العَهدَ قَطُّ إلاّ كانَ القَتلُ بَينَهُم ، ولا ظَهَرَتِ الفاحِشَهُ فى قَومٍ قَطُّ إلاّ سَلَّطَ اللّهُ عَلَيهِمُ المَوتَ ، ولا مَنَعَ قَومٌ الزَّكاهَ إلاّ حَبَسَ اللّهُ عَنهُمُ القَطرَ . (3)

عنه صلى الله عليه و آله :إنَّ أخوَفَ ما أخافُ عَلى اُمَّتى مِن بَعدى : هذِهِ المَكاسِبُ الحَرامُ ، وَالشَّهوَهُ الخَفِيَّهُ ، وَالرِّبا . (4)

.

1- .عيون أخبار الرضا عليه السلام : 2 / 29 / 25 عن أحمد بن عامر الطائى وأحمد بن عبد اللّه الهروى وداود بن سليمان الفرّا عن الإمام الرضا عن آبائه عليهم السلام ، صحيفه الإمام الرضا عليه السلام : 85 / 12 ، جامع الأخبار : 377 / 1052 ، بحار الأنوار : 73 / 352 / 52 .
2- .أعلام الدين : 281 ، إرشاد القلوب : 68 ، تنبيه الخواطر : 1 / 84 وج 2 / 232 كلّها نحوه ؛ الزهد لابن المبارک : 282 / 821 عن خليد بن الحسّان عن الحسن نحوه .
3- .المستدرک على الصحيحين: 2/136/2577 ، السنن الكبرى: 3/483/6397 وج9/386/18850، مجمع الزوائد : 7 / 530 / 12150 نقلاً عن البزّار ، تنبيه الغافلين : 309 / 443 نحوه وكلّها عن بريده ، كنز العمّال : 16 / 61 / 43943 .
4- .الكافى : 5 / 124 / 1 عن أحمد بن أبى عبد اللّه عن أبيه عمّن ذكره عن الإمام الصادق عليه السلام ، النوادر للراوندى : 130 / 160 ، بحار الأنوار : 73 / 158 / 3 و ج 103 / 54 / 26 .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :امت من همیشه در خیرند ، مادام که به هم دوستی ورزند و رهنمای هم باشند و امانت را ادا کنند و از حرام دوری ورزند و مهمان را گرامی شمرند و نماز را برپا دارند و زکات پردازند ؛ و اگر چنین نکنند ، به قحطی و خشکسالی مبتلا شوند .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :این امت با عنایت خدا همواره در خیر باشند ، مادام که قرآن خوانانشان به حاکمان [ستمگر] شان یاری نرسانند و صالحانشان در صدد توجیه کارهای بدکارانشان برنیایند و نیکانشان یاورِ بدانشان نباشند ؛ و هر گاه چنین کنند ، خدای تعالی عنایت خویش را از ایشان برمی گیرد و زورگویانشان را بر آنان چیره می فرماید که عذابی سخت بدیشان می رسانند و آنان را به فقر و تنگدستی دچار می سازد و دل هاشان را از بیم آکنده می کند .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هیچ قومی پیمان شکنی نکنند ، مگر آن که قتل میانشان رواج یابد ؛ و زشتکاری در آنان بروز نیابد ، مگر آن که خداوند مرگ را بر آنان مسلط سازد ؛ و از پرداخت زکات خودداری نورزد ، جز آن که خدا باران را از ایشان دریغ فرماید .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :همانا پس از خود ، بیش از هر چیز ، از این چیزها بر امت خود بیمناکم: این پیشه های حرام و شهوتِ پنهان و ربا .

.

عنه صلى الله عليه و آله :سَيَأتى زَمانٌ عَلى اُمَّتى يَفِرّونَ مِنَ العُلَماءِ كَما يَفِرُّ الغَنَمُ عَنِ الذِّئبِ ، فَإذا كانَ كَذلِكَ ابتَلاهُمُ اللّهُ تَعالى بِثَلاثَةِ أشياءَ : الأَوَّلُ : يَرفَعُ البَرَكَةَ مِن أموالِهِم ، وَالثّانى : سَلَّطَ اللّهُ عَلَيهِم سُلطانا جائِرا ، وَالثّالِثُ : يَخرُجونَ مِنَ الدُّنيا بِلا إيمانٍ . (1)

عنه صلى الله عليه و آله :أربَعَةٌ لا تَدخُلُ بَيتا واحِدَهٌ مِنهُنَّ إلاّ خَرِبَ ولَم يَعمُر بِالبَرَكَهِ : الخِيانَهُ ، وَالسَّرِقَهُ ، وشُربُ الخَمرِ ، وَالزِّنا . (2)

عنه صلى الله عليه و آله :خَمسٌ إن أدرَكتُموهُنَّ فَتَعَوَّذوا بِاللّهِ مِنهُنَّ : لَم تَظهَرِ الفاحِشَهُ فى قَومٍ قَطُّ حَتّى يُعلِنوها إلاّ ظَهَرَ فيهِمُ الطّاعونُ وَالأَوجاعُ الَّتى لَم تَكُن فى أسلافِهِمُ الَّذينَ مَضَوا ، ولَم يَنقُصُوا المِكيالَ وَالميزانَ إلاّ اُخِذوا بِالسِّنينَ وشِدَّهِ المَؤونَهِ وجَورِ السُّلطانِ ، ولَم يَمنَعُوا الزَّكاهَ إلاّ مُنِعُوا القَطرَ مِنَ السَّماءِ ولَولاَ البَهائِمُ لَم يُمطَروا ، ولَم يَنقُضوا عَهدَ اللّهِ وعَهدَ رَسولِهِ إلاّ سَلَّطَ اللّهُ عَلَيهِم عَدُوَّهُم وأخِذوا بَعضَ ما فى أيديهِم ، ولَم يَحكُموا بِغَيرِ ما أنزَلَ اللّهُ(عز و جل) إلاّ جَعَلَ اللّهُ عز و جل بَأسَهُم بَينَهُم . (3)

.

1- .جامع الأخبار : 356 / 995 ، بحار الأنوار : 22 / 453 / 11 .
2- .ثواب الأعمال : 289 / 1 عن السكونى عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام ، الخصال : 230 / 73 عن موسى بن القاسم البجلى بإسناده يرفعه إلى الإمام علىّ عليه السلام ، الأمالى للطوسى : 439 / 982 ، الأمالى للصدوق : 482 / 652 كلاهما عن إسماعيل بن مسلم عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه و آله ، بحار الأنوار : 75 / 170 / 2 و ج 79 / 19 / 4 .
3- .الكافى: 2/373/1 عن أبان عن رجل، ثواب الأعمال : 301 / 2 عن أبان الأحمر ، مشكاه الأنوار : 261/772 كلّها عن الإمام الباقر عليه السلام ، بحار الأنوار : 73/367/2 ؛ سنن ابن ماجه : 2/1333/4019، المستدرک على الصحيحين : 4 / 583 / 8623 كلاهما عن عبد اللّه بن عمر نحوه ، كنز العمّال : 16/80/44010 .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :امت مرا روزی فرا می رسد که از علما می گریزند همان سان که گوسفند از گرگ گریزد ؛ و هر گاه چنین شود ، خدای تعالی ایشان را به سه چیز گرفتار فرماید: برکت را از اموال آنان بردارد ؛ حاکمی ستمگر را بر ایشان چیره گرداند ؛ و بی دین از دنیا بیرون روند .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :چهار چیزند که چون یکی از آن ها در خانه ای درآید ، آن خانه ویران گردد و از برکت آبادی نیابد: خیانت ، دزدی ، شراب خواری ، و زنا .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :پنج چیز را اگر دیدید ، از آن ها به خدا پناه برید: هیچ قومی آشکارا به زشتکاری روی نیاوردند ، مگر آن که طاعون و دیگر امراضی که در پیشینیان ایشان سابقه نداشته ، به سراغشان آید ؛ از وزن و پیمانه کم ننهادند ، جز آن که به قحطی و هزینه سنگین و ستم حاکم گرفتار گشتند ؛ از پرداخت زکات خودداری نورزیدند ، مگر آن که بارش آسمان بر آنان بند آمد و اگر چهارپایان نبودند ، هرگز بر ایشان باران نمی بارید ؛ پیمان خدا و رسولش را نشکستند ، جز آن که خداوند دشمنشان را بر ایشان چیره فرمود و برخی از آن چه را در دست داشتند ، از کف دادند ؛ و به غیر فرمان خدا حکم نکردند ، مگر آن که خداوند در میانشان بیم افکند .

.

جامع الأخبار :قالَ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله : إذا ظَهَرَت فى اُمَّتى عَشرُ خِصالٍ عاقَبَهُمُ اللّهُ بِعَشرِ خِصالٍ . قيلَ : وما هِىَ يا رَسولَ اللّهِ ؟ قالَ : إذا قَلَّلُوا الدُّعاءَ نَزَلَ البَلاءُ ، وإذا تَرَكُوا الصَّدَقاتِ كَثُرَتِ الأمراضُ ، وإذا مَنَعُوا الزَّكاةَ هَلَكَتِ المَواشى ، وإذا جارَ السُّلطانُ مُنِعَ القَطرُ مِنَ السَّماءِ ، وإذا كَثُرَ فيهِمُ الزِّنا كَثُرَ فيهِم مَوتُ الفُجأةِ ، وإذا كَثُرَ الرِّبا كَثُرَتِ الزَّلازِلُ ، وإذا حَكَموا بِخِلافِ ما أنزَلَ اللّهُ تَعالى سُلِّطَ عَلَيهِم عَدُوُّهُم ، وإذا نَقَضُوا العَهدَ ابتَلاهُمُ اللّهُ بِالقَتلِ ، وإذا طَفَّفُوا الكَيلَ أخَذَهُمُ اللّهُ بِالسِّنينَ . ثُمَّ قَرَأَ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله : «ظَهَرَ الْفَسَادُ فِى الْبَرِّ وَ الْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِى النَّاسِ لِيُذِيقَهُم بَعْضَ الَّذِى عَمِلُوا لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ (1) » . (2)

رسول اللّه صلى الله عليه و آله :إذا ظَهَرَ فى اُمَّتى عَشرُ خِصالٍ اِبتَلاهُمُ اللّهُ بِعَشَرَةٍ : إذا مَنَعُوا الزَّكاةَ ماتَتِ المَواشى ، وإذا مَنَعُوا الصَّدَقاتِ كَثُرَتِ الأمراضُ ، وإذا أكَلُوا الرِّبا كَثُرَتِ الزَّلّاتُ ، وإذا جارَتِ السَّلاطينُ ابتَلاهُمُ اللّهُ بِالعَدُوِّ ، وإذا حَكَموا بِغَيرِ عَدلٍ اِرتَفَعَتِ البَرَكاتُ ، وإذا تَعَدَّوا عَن حُدودِ اللّهِ سَلَّطَ اللّهُ عَلَيهِمُ القَتلَ ، وإذا بَخَسُوا الميزانَ سَلَّطَ اللّهُ عَلَيهِمُ النَّقصَ . (3)

عنه صلى الله عليه و آله :عِشرونَ خَصلَةً تورِثُ الفَقرَ : أوَّلُهَا القِيامُ مِنَ الفِراشِ لِلبَولِ عُريانا ، وَالأكلُ جُنُبا ، وتَركُ غَسلِ اليَدَينِ عِندَ الأكلِ ، وإهانَةُ الكِسرَةِ مِنَ الخُبزِ ، وإحراقُ الثّومِ وَالبَصَلِ ، وَالقُعودُ عَلى اُسكُفَّةِ البَيتِ ، وكَنسُ البَيتِ بِاللَّيلِ وبِالثَّوبِ ، وغَسلُ الأعضاءِ فى مَوضِعِ الاِستِنجاءِ ، ومَسحُ الأعضاءِ المَغسولَةِ بِالمِنديلِ وَالكُمِّ ، ووَضعُ القِصاعِ وَالأوانى غَيرَ مَغسولَةٍ ، ووَضعُ أوانِى الماءِ غَيرَ مُغَطّاةِ الرُّؤوسِ ، وتَركُ بُيوتِ العَنكَبوتِ فِى المَنزِلِ ، وَالاِستِخفافُ بِالصَّلاةِ ، وتَعجيلُ الخُروجِ مِنَ المَسجِدِ ، وَالبُكورُ إلَى السَّوقِ وتَأخيرُ الرُّجوعِ عَنهُ إلَى العَشاءِ ، وشِراءُ الخُبزِ مِنَ الفُقَراءِ ، وَاللَّعنُ عَلَى الأولادِ ، وَالكَذِبُ ، وخِياطَةُ الثَّوبِ عَلَى البَدَنِ ، وإطفاءُ السِّراجِ بِالنَّفَسِ . (4)

.

1- .الروم : 41 .
2- .جامع الأخبار : 509 / 1420 راجع ثواب الأعمال : 300 / 1 والأمالى للصدوق : 384 / 493 .
3- .معدن الجواهر : 72 .
4- .جامع الأخبار : 343 / 951 ، بحار الأنوار : 76 / 315 / 2 .

جامع الاخبار :رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «هرگاه در میان امت من ، ده ویژگی آشکار گردد ، خداوند ایشان را به ده خصلت عقوبت فرماید» . گفته شد : «آن ها چیستند ای رسول خدا؟» فرمود: «هرگاه از دعا بکاهند ، بلا فرود آید ؛ هر گاه صدقه دادن را فروگذارند ، بیماری ها فراوان گردد ؛ هر گاه از پرداخت زکات خودداری ورزند ، چهارپایان هلاک گردند ؛ چون حاکم ستم کند ، بارش آسمان بند آید ؛ آن هنگام که زنا در میانشان فراوان شود ، مرگ ناگهانی در بین ایشان رواج یابد ؛ چون ربا بسیار گردد ، زلزله زیاد شود ؛ هرگاه به خلاف فرمان خداوند حکم رانند ، دشمنشان بر ایشان چیرگی یابد ؛ چون پیمان شکنند ، خدا به کشتار مبتلاشان گرداند ؛ و هرگاه پیمانه را کم نهند ، خدا به قحطی گرفتارشان سازد» . سپس رسول خدا صلی الله علیه و آله این آیه را قراءت کرد: «تباهی در خشکی و دریا به سبب آن چه دست های مردم کرده ، پدید آمد تا [خدا جزایِ]برخی از آن چه را کرده اند به آن ها بچشاند ؛ باشد که بازگردند» .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر گاه در امت من ده ویژگی بروز یابد ، خداوند آنان را به ده چیز مبتلا گرداند : چون از پرداخت زکات خودداری کنند ، چهارپایان بمیرند ؛ هر گاه از صدقه دادن پرهیز کنند ، بیماری ها رواج یابند ؛ آن گاه که ربا فراوان خورند ، لغزش ها بسیار شود ؛ چون حاکمان ستم ورزند ، خداوند آنان را به دشمن مبتلا گرداند ؛ هر گاه به غیر عدل حکم کنند ، برکت ها رخت بربندند ؛ چون از حدود خدا درگذرند ، خداوند قتل را بر ایشان چیره گرداند ؛ و هرگاه در ترازو کم نهند ، خدا کاستی را بر آنان چیره گرداند .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :ده ویژگی فقر به بار آورد: عریان برخاستن از بستر برای پیشاب کردن ؛ در حال جنابت غذا خوردن ؛ نَشُستنِ دست ها هنگام غذا خوردن ؛ نان را به اهانت خُرد کردن (1) ؛ سوزاندنِ سیر و پیاز (2) ؛ نشستن بر آستانه خانه ؛ غبار رُفتن از خانه در شب و با جامه ؛ شستن اعضای بدن در مستراح ؛ خشک کردن اعضای شسته شده با دستمال و آستین ؛ ناشسته باقی نهادن کاسه ها و ظرف ها ؛ بدون سرپوش نهادن ظرف های آب ؛ نزدودن تارهای عنکبوت در خانه ؛ سبک شمردن نماز ؛ شتابان از مسجد بیرون آمدن ؛ بامدادان به بازار درآمدن و شب دیرهنگام از آن بازگشتن ؛ از فقیران نان خریدن ؛ فرزندان را دشنام

دادن ؛ دروغ گفتن ؛ جامه را بر بدن دوختن ؛ و چراغ را با پُف خاموش کردن .

.

1- .در روایت بعدی «تکه های نان را حقیر شمردن» آمده است .
2- .در روایت بعدی «پوست سیر و پیاز را سوزاندن» آمده است .

بحار الأنوار :قَد رُوِىَ فى بَعضِ الكُتُبِ عَنِ النَّبِيِّ صلى الله عليه و آله أَنَّهُ قالَ : الفَقرُ مِن خَمسَهٍ وعِشرينَ شَيئا : البَولُ عُريانا ، وَالأَكلُ فى حالَهِ الجَنابَهِ ، وتَحقيرُ فُتاتِ الخُبزِ ، وتَحريقُ قِشرِ الثّومِ وَالبَصَلِ ، وَالتَّقديمُ عَلَى المَشايِخِ ، ودَعوَهُ الوالِدَينِ بِاَسمِهِما ، وَالتَّخليلُ بِكُلِّ خَشَبٍ ، وتَغسيلُ اليَدَينِ بِالطّينِ ، وَالقُعودُ عَلى عَتَبَهِ البابِ ، وَالوُضوءُ عِندَ الاِستِنجاءِ ، وتَركُ القُصارَهِ ، وخِياطَهُ الثَّوبِ عَلَى النَّفسِ ، ومَسحُ الوَجهِ بِالذَّيلِ ، وَالأَكلُ نائِما ، وتَركُ نَسجِ العَنكَبوتِ فِى البَيتِ ، وَالخُروجُ مِنَ المَسجِدِ سَريعا ، وَالدُّخولُ فِى السّوقِ بِالبُكرَهِ ، وَالخُروجُ عَنِ السّوقِ عَشِيّا ، وَابتِياعُ الخُبزِ مِنَ الفُقَراءِ ، ودُعاءُ السّوءِ عَلَى الوالِدَينِ ، وطَفءُ السِّراجِ بِالنَّفخِ ، وكَنسُ البَيتِ بِالخِرقَهِ ، وقَصُّ الأَظفارِ بِالأَسنانِ . (1)

الإمام علىّ عليه السلام :قالَ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله : إذا فَعَلَت اُمَّتى خَمسَ عَشرَهَ خَصلَهً حَلَّ بِهَا البَلاءُ ، فَقيلَ : وما هُنَّ يا رَسولَ اللّهِ ؟ قالَ : إذا كانَ المَغنَمُ دُوَلاً ، وَالأَمانَهُ مَغنَما ، وَالزَّكاهُ مَغرَما ، وأَطاعَ الرَّجُلُ زَوجَتَهُ ، وعَقَّ اُمَّهُ ، وبَرَّ صَديقَهُ ، وجَفا أباهُ ، وَارتَفَعَتِ الأَصواتُ فِى المَساجِدِ ، وكانَ زَعيمُ القَومِ أرذَلَهُم ، واُكرِمَ الرَّجُلُ مَخافَهَ شَرِّهِ ، وشُرِبَتِ الخُمورُ ، ولُبِسَ الحَريرُ ، وَاتُّخِذَتِ القَيناتُ وَالمَعازِفُ ، ولَعَنَ آخِرُ هذِهِ الاُمَّهِ أوَّلَها ؛ فَليَرتَقِبوا عِندَ ذلِكَ ريحا حَمراءَ ، أو خَسفا ومَسخا . (2)

.

1- .بحار الأنوار : 76 / 316 .
2- .سنن الترمذى: 4/494/2210، كنز العمّال: 11/122/30866 ؛ الخصال : 501/2، تحف العقول: 53 ، مشكاه الأنوار : 163/423 ، روضه الواعظين : 531 كلّها نحوه ، بحار الأنوار: 77/157 / 138 .

بحار الأنوار:در برخی از کتب ، از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت شده که فرمود: «فقر از بیست و پنج چیز ناشی گردد : عریان پیشاب کردن ؛ در حالت جنابت غذا خوردن ؛ تکه های نان را حقیر شمردن ؛ پوست سیر و پیاز را سوزاندن ؛ از پیران پیش افتادن ؛ پدر و مادر را به نام خواندن ؛ با هر چوبی خلال کردن ؛ دستان را با گِل شستن ؛ بر آستانه خانه نشستن ، هنگام نجاست زدایی وضو گرفتن ، زباله را رها کردن ؛ دوختن جامه بر تن ؛ چهره را با گوشه جامه مسح کردن ؛ در حال خواب غذا خوردن ، تار عنکبوت را در خانه باقی نهادن ؛ با شتاب از مسجد بیرون شدن ؛ بامدادان به بازار درآمدن ؛ شامگاهان از بازار بیرون گشتن ؛ از فقیران نان خریدن ؛ پدر و مادر را نفرین کردن ؛ چراغ را با پُف خاموش کردن ؛ با جامه از خانه غبار رُفتن ؛ و با دندان ناخن گرفتن» .

امام علی علیه السلام :رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «هرگاه امت من پانزده خصلت را دارا شود ، بلا بر وی فرود آید» . گفته شد : «آن ها چیستند ای رسول خدا؟» فرمود: «هر گاه غنیمت دست به دست گردد ؛ امانت غنیمت گرفته شود ؛ زکات تاوان شمرده شود ؛ مرد از همسرش فرمان گیرد ؛ انسان مادرش را عاق کند و در حالی که به دوستش نیکی می کند ، به پدرش جفا نماید ؛ در مساجد صداها بلند گردد ؛ فروترینِ مردم پیشوای ایشان شود ؛ فرد را به سبب بیم از شرش احترام نهند ؛ مردم شراب نوشند و ابریشم پوشند و زنان آوازه خوان و آلات موسیقی را به خدمت گیرند ؛ و پسینیان این امت پیشینیان را دشنام دهند . پس آن گاه ، باید در انتظار باد سرخ یا فرورفتگی زمین یا مسخ شدن باشند» .

.

عنه علیه السلام :نَهی رَسولُ اللّهِ صلی الله علیه و آله عَنِ الأَکلِ عَلَی الجَنابَهِ ، وقالَ : إنَّهُ یورِثُ الفَقرَ . (1)

عنه علیه السلام :تَرکُ نَسجِ العَنکَبوتِ فِی البَیتِ یورِثُ الفَقرَ ، والبَولُ فِی الحَمّامِ یورِثُ الفَقرَ ، وَالأَکلُ عَلَی الجَنابَهِ یورِثُ الفَقرَ ، وَالتَّخَلُّلُ بِالطَّرفاءِ یورِثُ الفَقرَ ، وَالتَّمَشُّطُ مِن قِیامٍ یورِثُ الفَقرَ ، وتَرکُ القُمامَهِ فِی البَیتِ یورِثُ الفَقرَ . (2)

عنه علیه السلام :مَن طَلَبَ الکیمِیاءَ افتَقَرَ . (3)

الإمام زین العابدین علیه السلام :الذُّنوبُ الَّتی تَدفَعُ القِسمَ : إظهارُ الاِفتِقارِ ، وَالنَّومُ عَنِ العَتَمَهِ وعَن صَلاهِ الغَداهِ ، وَاستِحقارُ النِّعَمِ ، وشَکوَی المَعبودِ عز و جل . (4)

رجال الکشی عن القاسم بن عوف :کُنتُ أتَرَدَّدُ بَینَ عَلِیِّ بنِ الحُسَینِ علیهماالسلاموبَینَ مُحَمَّدِ بنِ الحَنَفِیَّهِ ، وکُنتُ آتی هذا مَرَّهً وهذا مَرَّهً ، ولَقیتُ عَلِیَّ بنَ الحُسَینِ علیهماالسلام فَقالَ لی : یا هذا ، إیّاکَ أن تَأتِیَ أهلَ العِراقِ فَتُخبِرَهُم أنَّا استَودَعناکَ عِلما ! فَإنّا وَاللّهِ ما فَعَلنا ذلِکَ ، وإیّاکَ أن تَتَراءَسَ بِنا ! فَیَضَعَکَ اللّهُ ، وإیّاکَ أن تَستَأکِلَ بِنا ! فَیَزیدَکَ اللّهُ فَقراً . (5)

.

1- .من لا یحضره الفقیه: 4/3/4968 ، الأمالی للصدوق : 509 / 707 کلاهما عن الحسین بن زید عن الإمام الصادق عن آبائه علیهم السلام ، بحار الأنوار : 76 / 328 / 1 وج 81 / 48 / 16 .
2- .الخصال : 504 / 2 عن سعید بن علاقه ، مشکاه الأنوار : 229 / 645 ، روضه الواعظین : 499 ، بحار الأنوار : 76 / 314 / 1 راجع جامع الأخبار : 343 / 951 و952 .
3- .دستور معالم الحکم : 29 .
4- .معانی الأخبار : 271 / 2 عن أبی خالد الکابلی ، بحار الأنوار : 73 / 375 / 12 .
5- .رجال الکشّی : 1 / 339 / 196 ، بحار الأنوار : 2 / 162 / 22 .

امام علی علیه السلام :رسول خدا صلی الله علیه و آله از غذا خوردن در حال جنابت نهی کرد و فرمود : «این کار سبب فقر می شود» .

امام علی علیه السلام :باقی نهادن تار عنکبوت در خانه ؛ پیشاب کردن در حمام ؛ غذا خوردن در حال جنابت ؛ خلال کردن با چوب درخت گز ؛ موی را ایستاده شانه کردن ؛ و زباله را در خانه رها کردن سبب فقر می شود .

امام علی علیه السلام :هر که در پی کیمیا رود ، فقیر گردد .

امام سجاد علیه السلام :گناهانی که روزی را دور می کنند ، چنینند : اظهار فقر کردن ؛ خواب دیرهنگام در شب و پس از نماز صبح ؛ کوچک شمردن نعمت ها ؛ و از خدا گلایه کردن .

رجال الکشی از قاسم بن عوف :میان امام سجاد علیه السلام و محمّد بن حنفیه در رفت و آمد بودم و گاه نزد این و گاه نزد آن می رفتم . روزی امام سجاد علیه السلام را دیدم ؛ به من فرمود : «مبادا نزد عراقیان روی و به آنان بگویی که ما نزد تو دانش به امانت نهاده ایم ؛ که به خدا سوگند! ما چنین نکرده ایم . مبادا به وسیله ما بر دیگران برتری جویی ؛ که خدا فرودت خواهد آورد . و مبادا به وسیله ما روزی بخوری ؛ که خدا بر فقرت خواهد افزود» .

.

عنه عليه السلام لِأَبِى النُّعمانِ : يا أبَا النُّعمانِ ، لا تَكذِب عَلَينا كَذبَةً فَتُسلَبَ الحَنيفِيَّةَ ، ولا تَطلُبَنَّ أن تَكونَ رَأسا فَتَكونَ ذَنَبا ، ولا تَستَأكِلِ النّاسَ بِنا فَتَفتَقِرَ ؛ فَإِنَّکَ مَوقوفٌ لا مَحالَةَ ومَسؤولٌ ، فَإِن صَدَقتَ صَدَّقناکَ ، وإن كَذَبتَ كَذَّبناکَ . (1)

عنه عليه السلام لِأَبِى الرَّبيعِ : وَيحَکَ يا أبَا الرَّبيعِ ! لا تَطلُبَنَّ الرِّئاسَةَ ، ولا تَكُن ذِئبا ، ولا تَأكُل بِنَا النّاسَ ؛ فَيُفقِرَکَ اللّهُ . (2)

الإمام الباقر عليه السلام :مَن آجَرَ نَفسَهُ فَقَد حَظَرَ عَلَيهَا الرِّزقَ ، وكَيفَ لا يَحظُرُ عَلَيهَا الرِّزقَ وما أصابَ فَهُوَ لِرَبِّ آجَرَهُ ؟! (3)

الكافى عن عمّار الساباطىّ :قُلتُ لِأَبى عَبدِ اللّهِ عليه السلام : الرَّجُلُ يَتَّجِرُ ، فَإِن هُوَ آجَرَ نَفسَهُ أعطى ما يُصيبُ فى تِجارَتِهِ ؟ فَقالَ : لا يُؤاجِر نَفسَهُ ولَكِن يَستَرزِقِ اللّهَ عز و جل ويَتَّجِر ؛ فَإِنَّهُ إذا آجَرَ نَفسَهُ حَظَرَ عَلى نَفسِهِ الرِّزقَ . (4)

الإمام الصادق عليه السلام :مَنِ استَأكَلَ بِنَا افتَقَرَ . (5)

.

1- .الكافى : 2/338/1 عن أبى النعمان، بحار الأنوار : 72/233/1 وراجع الأمالى للمفيد : 182 / 5 .
2- .الكافى : 2 / 298 / 6 عن أبى الربيع الشامى ، بحار الأنوار : 73 / 151 / 6 .
3- .من لا يحضره الفقيه : 3 / 174 / 3657 عن عبد اللّه بن محمّد الجعفى .
4- .الكافى : 5 / 90 / 3 ، تهذيب الأحكام : 6 / 353 / 1002 ، من لا يحضره الفقيه : 3 / 174 / 3656 .
5- .الخصال : 103 / 61 عن معاويه بن وهب ، مشكاه الأنوار : 150 / 360 ، روضه الواعظين : 321 ، بحار الأنوار : 68 / 153 / 8 .

امام باقر علیه السلام خطاب به ابو نعمان : ای ابونعمان! به ما دروغ مبند ، که مسلمانی ات را از کف خواهی داد ؛ و مخواه که سر باشی ، که دُم خواهی شد ؛ و به وسیله ما از مردم کسب درآمد مکن ، که فقیر خواهی گشت ؛ و تو را ناگزیر خواهند ایستاند و بازجویی ات خواهند کرد ؛ اگر راست گفته باشی ، تصدیقت خواهیم کرد و اگر دروغ گفته باشی ، تکذیبت خواهیم نمود .

امام باقر علیه السلام خطاب به ابوربیع : وای بر تو ای ابوربیع! به دنبال ریاست مباش و گرگ صفتی نکن و به وسیله ما از مردم کسب روزی منما ؛ که خداوند فقیرت خواهد کرد .

امام باقر علیه السلام :هر کس خود را اجیر سازد ، روزی را از خویش بازداشته است ؛ و چگونه روزی را از خود باز ندارد ، در حالی که آنچه وی به دست آورد ، از آنِ کسی است که او را به اجیری گرفته است؟

الکافی از عمار ساباطی :به امام صادق علیه السلام گفتم: «مردی است که تجارت می کند ؛ آیا روا است که خود را اجیر سازد تا آن چه را در تجارت کسب می کند ، به دست آورد؟» فرمود: «نباید خود را اجیر سازد ؛ بلکه باید از خدا روزی بخواهد و تجارت کند ؛ که اگر خود را اجیر سازد ، روزی را از خویش بازداشته است» .

امام صادق علیه السلام :هر که به وسیله ما ارتزاق کند ، فقیر گردد .

.

عنه علیه السلام :مَنِ استَأکَلَ بِعِلمِهِ افتَقَرَ . (1)

عنه علیه السلام :أیُّما رَجُلٍ دَعا عَلی وَلَدِهِ أورَثَهُ اللّهُ الفَقرَ . (2)

عنه علیه السلام :مَن لَم یَسأَلِ اللّهَ عز و جل مِن فَضلِهِ (فَقَدِ) افتَقَرَ . (3)

.

1- .معانی الأخبار : 181 / 1 عن حمزه بن حمران ، بحار الأنوار : 2 / 117 / 14 .
2- .عدّه الداعی : 80 ، بحار الأنوار : 104 / 99 / 77 .
3- .الکافی : 2 / 467 / 4 عن عمرو بن جمیع ، مکارم الأخلاق : 2 / 7 / 1977 ، الاختصاص : 223 ، الدعوات : 117 / 268 عن الإمام الصادق عن آبائه علیهم السلام ، بحار الأنوار : 76 / 316 / 6 .

امام صادق علیه السلام :هر که از دانش خود کسب روزی نماید ، فقیر گردد .

امام صادق علیه السلام :هر کس فرزند خود را نفرین نماید ، خداوند فقر را میراث او سازد .

امام صادق علیه السلام :هر که بخششِ خدای را از او نخواهد ، فقیر شود .

.

ص: 860

. .

بخش پنجم : آفات توسعه

اشاره

بخش پنجم: آفات توسعهفصل یکم : فخر فروشی با ثروتفصل دوم : نازپروردگیفصل سوم : آن چه آفت می آوردفصل چهارم : آن چه از آفت باز می دارد

.

الفصل الأوّل: التّكاثر1 / 1التَّحذيرُ مِنَ التَّكاثُرِالكتاب :«أَلْهَلكُمُ التَّكَاثُرُ * حَتَّى زُرْتُمُ الْمَقَابِرَ . (1) »

«اعْلَمُواْ أَنَّمَا الْحَيَوهُ الدُّنْيَا لَعِبٌ وَ لَهْوٌ وَ زِينَهٌ وَ تَفَاخُرُ بَيْنَكُمْ وَ تَكَاثُرٌ فِى الْأَمْوَ لِ وَ الْأَوْلَادِ كَمَثَلِ غَيْثٍ أَعْجَبَ الْكُفَّارَ نَبَاتُهُ ثُمَّ يَهِيجُ فَتَرَاهُ مُصْفَرًّا ثُمَّ يَكُونُ حُطَمًا وَ فِى الْأَخِرَهِ عَذَابٌ شَدِيدٌ وَ مَغْفِرَهٌ مِّنَ اللَّهِ وَ رِضْوَ نٌ وَ مَا الْحَيَوهُ الدُّنْيَآ إِلاَّ مَتَعُ الْغُرُورِ . (2) »

الحديث :رسول اللّه صلى الله عليه و آله :ما سَبيلُ اللّهِ إلاّ مَن قُتِلَ ؟! مَن سَعى عَلى والِدَيهِ فَفى سَبيلِ اللّهِ ، ومَن سَعى عَلى عِيالِهِ فَفى سَبيلِ اللّهِ ، ومَن سَعى عَلى نَفسِهِ لِيُعِفَّها فَفى سَبيلِ اللّهِ ، ومَن سَعى عَلَى التَّكاثُرِ فَهُوَ فى سَبيلِ الشَّيطانِ . (3)

.

1- .التكاثر : 1 و2 .
2- .الحديد : 20 .
3- .السنن الكبرى : 9 / 43 / 17824 ، شُعب الإيمان : 7 / 299 / 10377 ، المعجم الأوسط : 4 / 285 / 4214 ، الدرّالمنثور : 2 / 40 ، كلاهما نحوه وكلّها عن أبى هريره ، كنز العمّال : 4 / 12 / 252

1 / 1 پرهیز دادن از فخرفروشی با ثروت

فصل یکم: فخر فروشی با ثروت1 / 1پرهیز دادن از فخرفروشی با ثروتقرآن:«فخرفروشی به یکدیگر با ثروت ، شما را سرگرم کرد * چندان که گورستان ها را دیدار کردید .»

«بدانید که زندگانی دنیا ، بازی و سرگرمی و آرایش و فخر کردن با یکدیگر یا افزون جویی در مال ها و فرزندان است؛ همچون بارانی که گیاه رویانیدنش کشاورزان را خوش آید و به شگفت آرد ، سپس پژمرده شود و آن را زرد بینی و آن گیاه خشک و شکسته و خُرد گردد؛ و در آن جهان عذابی سخت و نیز آمرزشی از جانب خدا و خشنودی او است. و زندگی این جهان جز کالای فریبندگی نیست.»

حدیث:پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :آیا جهاد در راه خدا منحصر به کشته شدن است؟ آن که برای پدر و مادرش بکوشد و نیز آن که برای خانواده اش تلاش کند و هم آن که برای پاک نگاه داشتن خود همت ورزد ، همه جهاد در راه خدا به شمار آید . و آن که برای فخرفروشی با ثروت تلاش کند ، در راه شیطان است .

.

عنه صلى الله عليه و آله :مَن طَلَبَ الدُّنيا حَلالاً اِستِعفافا عَنِ المَسأَلَهِ وسَعيا عَلى أهلِهِ وتَعَطُّفا عَلى جارِهِ ، لَقِيَ اللّهَ تَعالى يَومَ يَلقاهُ ووَجهُهُ مِثلُ القَمَرِ لَيلَهَ البَدرِ ؛ ومَن طَلَبَ الدُّنيا حَلالاً مُكاثِرا مُفاخِرا مُرائِيا ، لَقِيَ اللّهَ تَعالى وهُوَ عَلَيهِ غَضبانُ . (1)

عنه صلى الله عليه و آله :إذا أبغَضَ النّاسُ فُقَراءَهُم ، وأظهَروا عِمارَهَ أسواقِهِم ، وتَبارَكوا عَلى جَمعِ الدَّراهِمِ ، رَماهُمُ اللّهُ بِأربَعِ خِصالٍ : بِالقَحطِ مِنَ الزَّمانِ ، وَالجَورِ مِنَ السُّلطانِ ، وَالخِيانَهِ مِن وُلاهِ الحُكّامِ ، وَالشَّوكَهِ مِنَ العُدوانِ . (2)

عنه صلى الله عليه و آله : ولا تَجمَع مِنَ المالِفَلا تَدرى لِمَن تَجمَع ولا تَدرى أفى أرضِكَأم فى غَيرِها تُصرَع (3)

عنه صلى الله عليه و آله :يُجاءُ بِابنِ آدَمَ يَومَ القِيامَهِ كَأَنَّهُ بَذَجٌ ، فَيوقَفُ بَينَ يَدَيِ اللّهِ ، فَيَقولُ اللّهُ لَهُ : أعطَيتُكَ وخَوَّلتُكَ وأنعَمتُ عَلَيكَ فَماذا صَنَعتَ ؟ فَيَقولُ : يا رَبِّ ، جَمَعتُهُ وثَمَّرتُهُ فَتَرَكتُهُ أكثَرَ ما كانَ ، فَأرجِعنى آتِكَ بِهِ ، فَيَقولُ لَهُ : أرِنى ما قَدَّمتَ ، فَيَقولُ : يا رَبِّ ، جَمَعتُهُ وثَمَّرتُهُ فَتَرَكتُهُ أكثَرَ ما كانَ ، فَأرجِعنى آتِكَ بِهِ ، فَإذا عَبدٌ لَم يُقَدِّم خَيرا فَيُمضى بِهِ إلَى النّارِ . (4)

.

1- .حليه الأولياء : 3 / 110 عن أبى هريره ؛ تنبيه الخواطر : 1 / 153 نحوه ، مستدرک الوسائل : 13 / 32 / 14661 نقلاً عن القطب الراوندى فى لبّ اللباب وفيه ذيله ، بحار الأنوار : 73 / 28 .
2- .تنبيه الخواطر: 1/10 عن الإمام علىّ عليه السلام ؛ إحياء علوم الدين : 4/291 ، المستدرک على الصحيحين: 4 / 361 / 7923 كلاهما عن الإمام علىّ عليه السلام عنه صلى الله عليه و آله نحوه ، كنز العمّال : 16 / 39 / 43841 .
3- .جامع الأخبار : 294 / 802 ، بحار الأنوار : 103 / 33 / 62 .
4- .سنن الترمذى : 4 / 618 / 2427 عن أنس ، الزهد لابن المبارک : 357 / 1009 عن الحسن نحوه ، كنز العمّال : 14 / 372 / 38984 .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر که برای خودداری از عرض نیاز به مردم و تلاش برای خانواده اش و لطف ورزی به همسایه اش ، از راه حلال دنیا را بجوید ، در روزی که به دیدار خدا می رود ، چهره اش همچون ماه کامل است ؛ و هر که دنیا را از راه حلال ، ولی برای زیاده جویی و فخرفروشی و خودنمایی طلب کند ، خدا را در حالی دیدار نماید که بر وی خشم گرفته باشد .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هرگاه مردم بر فقیران خویش خشم ورزند و آبادی بازارهاشان را به رخ کشند و با مال اندوزی بزرگی طلبند ، خداوند به چهار خصلت گرفتارشان فرماید: قحطی روزگار ، ستم حاکم ، خیانت کارگزاران حاکم ، و تسلط تجاوز .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: و مال را گرد میاور ،در حالی که نمی دانی آن را برای که می اندوزی! و نیز نمی دانی که آیا در وطنخویش خواهی مرد یا در جای دیگر .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :روز قیامت ، فرزند آدم همچون بره آورده می شود و نزد خداوند می ایستد . خدا به او می فرماید : «تو را عطا دادم و مال و نعمت بخشیدم ؛ پس چه کردی؟» گوید: «پروردگارم! آن را گرد آوردم و بیفزودم و بیش از آن چه بود ، باقی نهادم ؛ پس مرا بازگردان تا آن را به تو بازآرم» . خدای فرماید: «نشانم ده که چه پیش فرستادی» . گوید: «پروردگارم! آن را گرد آوردم و بیفزودم و بیش از آن چه بود ، باقی نهادم ؛ پس مرا بازگردان تا آن را به تو بازآرم» . آن گاه ، بنده ای که خیری پیش نفرستاده باشد ، به سوی آتش رانده می شود .

.

المستدرک علی الصحیحین عن أبو هریره :قالَ رَسولُ اللّهِ صلی الله علیه و آله : سَیُصیبُ اُمَّتی داءُ الاُمَم . فَقالوا : یا رَسولَ اللّهِ ، وما داءُ الاُمَم ؟ قالَ : الأَشَرُ وَالبَطَرُ وَالتَّکاثُرُ وَالتَّنافُسُ فِی الدُّنیا ، وَالتَّباغُضُ وَالتَّحاسُدُ حَتّی یَکونَ البَغیُ . (1)

الإمام الباقر علیه السلام :قامَ رَسولُ اللّهِ صلی الله علیه و آله عَلَی الصَّفا فَقالَ : یا بَنی هاشِم ! یا بَنی عَبدِ المُطَّلِبِ ! إنّی رَسولُ اللّهِ إلَیکُم ، وإنّی شَفیقٌ عَلَیکُم ، وإنَّ لی عَمَلی ولِکُلِّ رَجُلٍ مِنکُم عَمَلُهُ ، لا تَقولوا : إنَّ مُحَمَّدا مِنّا وسَنُدخِلُ مُدخَلَهُ ؛ فَلا وَاللّهِ ما أولِیائی مِنکُم ولا مِن غَیرِکُم یا بَنی عَبدِ المُطَّلِبِ إلاَّ المُتَّقونَ ، ألا فَلا أعرِفُکُم یَومَ القِیامَهِ تَأتونَ تَحمِلونَ الدُّنیا عَلی ظُهورِکُم ویَأتونَ النّاسُ یَحمِلونَ الآخِرَهَ ! ألا إنّی قَد أعذَرتُ إلَیکُم فی ما بَینی وبَینَکُم وفی ما بَینی وبَینَ اللّهِ عز و جل فیکُم ! (2)

تنبیه الخواطر :قیلَ [لِرَسولِ اللّهِ صلی الله علیه و آله] : یا رَسولَ اللّهِ ، أیُّ اُمَّتِکَ أشَرُّ ؟ قالَ : الأغنِیاءُ . (3)

.

1- .المستدرک علی الصحیحین : 4 / 186 / 7311 ، کنز العمّال : 11 / 170 / 31079 نقلاً عن ابن أبی الدنیا وابن النجّار وکلاهما عن أبی هریره وج 3 / 526 / 7738 .
2- .الکافی: 8/182/205، تنبیه الخواطر: 2/151، صفات الشیعه : 84/8 نحوه وکلّها عن أبی عبیده .
3- .تنبیه الخواطر : 1 / 155 .

المستدرک علی الصحیحین از ابوهریره :رسول خدا صلی الله علیه و آلهفرمود: «زود است که امت مرا بیماریِ امتها فرا رسد» . گفتند: «بیماریِ امت ها چه باشد؟» فرمود: «سرمستی و به خود بالیدن و فخرفروشی و در گرانفروشی مسابقه دادن و کینه توزی و حسدورزی ، چندان که به ستم انجامد» .

امام باقر علیه السلام :رسول خدا صلی الله علیه و آله بر کوه صفا ایستاد و فرمود: «ای بنی هاشم ! ای بنی عبدالمطلب ! همانا منم رسول خدا برای شما و به شما مهر می ورزم و مرا عملِ خود است و هر یک از شما را نیز عملِ خویش . مگویید: محمّد از ما است و هر جا که وی درآید ، ما نیز درآییم . به خدا سوگند چنین نیست ؛ دوستان من نه از شمایند ای بنی عبدالمطلب و نه از غیر شما ، مگر آن که تقواپیشه باشند . هلا که اگر در روز قیامت ، بار دنیا بر دوش آیید و دیگران بار آخرت بر دوش آیند ، شما را نخواهم شناخت . هلا که در رابطه خودم و شما و نیز خودم و خدا نسبت به شما ، هر گونه عذری را از شما واستاندم» .

تنبیه الخواطر :[به رسول خدا صلی الله علیه و آله] گفته شد: «ای رسول خدا ! کدام افراد امت تو بدترینند؟» فرمود: «ثروتمندان» .

.

مسند ابن حنبل عن عبد اللّه بن مسعود :إنَّهُ [صلى الله عليه و آله] نَهى عَنِ التَّبَقُّرِ فِى الأَهلِ وَالمالِ . (1)

الإمام علىّ عليه السلام :لا يَجمَعُ المالَ إلاَّ الحِرصُ ، وَالحَريصُ شَقِىٌّ مَذمومٌ . (2)

عنه عليه السلام :لا يُبقِى المالَ إلاَّ البُخلُ ، وَالبَخيلُ مُعاقَبٌ مَلومٌ . (3)

عنه عليه السلام :مِنَ العَناءِ أنَّ المَرءَ يَجمَعُ ما لا يَأكُلُ ، ويَبنى ما لا يَسكُنُ ، ثُمَّ يَخرُجُ إلَى اللّهِ تَعالى لا مالاً حَمَلَ ولا بِناءً نَقَلَ ! (4)

عنه عليه السلام :اِبنَ آدَمَ ! إن كُنتَ تُريدُ مِنَ الدُّنيا ما يَكفيكَ فَإنَّ أيسَرَ ما فيها يَكفيكَ، وإن كُنتَ إنَّما تُريدُ ما لا يَكفيكَ فَإنَّ كُلَّ ما فيها لا يَكفيكَ . (5)

عنه عليه السلام :قَليلٌ يُفتَقَرُ إلَيهِ خَيرٌ مِن كَثيرٍ يُستَغنى عَنهُ . (6)

عنه عليه السلام لِكُمَيلِ بنِ زِيادٍ : إنَّ هاهُنا لَعِلما جَمّا وأشارَ بِيَدِهِ إلى صَدرِهِ لَو أصَبتُ لَهُ حَمَلَةً ! بَلى أصَبتُ لَقِنا غَيرَ مَأمونٍ عَلَيهِ . . . أو مَنهوما بِاللَّذَّةِ سَلِسَ القِيادِ لِلشَّهوَةِ ، أو مُغرَما بِالجَمعِ وَالاِدِّخارِ ، لَيسا مِن رُعاةِ الدّينِ فى شَىءٍ ، أقرَبُ شَىءٍ شَبَها بِهِمَا الأَنعامُ السّائِمَةُ . (7)

.

1- .مسند ابن حنبل : 2 / 142 / 4184 وص 141 / 4181 ، كنز العمّال : 3 / 185 / 6080 ؛ معانى الأخبار : 280 ، بحار الأنوار : 76 / 344 / 12 .
2- .غرر الحكم : 10842 .
3- .غرر الحكم : 10843 .
4- .نهج البلاغه : الخطبه 114 ، تحف العقول : 218 .
5- .الكافى : 2/ 138/6 عن هشام بن سالم عن الإمام الصادق عليه السلام وص 139 / 10 عن حمزه بن حمران عن الإمام الصادق عليه السلام نحوه ، تنبيه الخواطر : 2 / 195 عن الإمام الصادق عنه عليهماالسلام ، بحار الأنوار : 73 / 176 / 18 وراجع تحف العقول : 387 .
6- .غرر الحكم : 6744 .

7- .نهج البلاغه : الحكمه 147 ، الخصال : 186 / 257 ، الأمالى للمفيد : 249 / 3 كلاهما عن كميل نحوه ، بحار الأنوار : 23 / 46 / 91 نقلاً عن كمال الدين ؛ المناقب للكوفى : 2 / 96 / 581 عن كميل نحوه .

مسند ابن حنبل از عبداللّه بن مسعود :همانا پیامبر صلی الله علیه و آله از بسیار داشتنِ عیال و مال نهی فرمود .

امام علی علیه السلام :تنها حرص سبب گردآوری مال است و حریص تیره بخت و نکوهیده است .

امام علی علیه السلام :تنها بخل است که مال را باقی می نهد و بخیل عقوبت یابد و سرزنش گردد .

امام علی علیه السلام :بس رنج آور است که انسان آن چه را نمی خورد ، گرد آورد و آن چه را در آن سکنا نمی گزیند ، بنا نماید و سپس در حالی به سوی خدای تعالی رود که نه مالی حمل کرده و نه بنایی با خود برده است .

امام علی علیه السلام :ای فرزند آدم ! اگر از دنیا چیزی می خواهی که تو را کفایت کند ، پس کم ترینِ آن برای تو کافی است ؛ و اگر چیزی می خواهی که تو را بس نباشد ، پس هر چه در آن است ، کفایتت ننماید .

امام علی علیه السلام :اندکی که بدان نیاز باشد ، بهتر از فراوانی است که بدان نیاز نباشد .

امام علی علیه السلام خطاب به کمیل بن زیاد : همانا در این جا ، دانشی بسیار نهفته است امام با دستش به سینه اش اشاره فرمود ، البته اگر کسانی را بیابم که آن را توانند حمل کرد . آری ؛ برای آن ، فرد تیزفهم می یابم ، اما به او اطمینان ندارم ... ؛ یا می یابم کسی را که در لذت بری زیاده روی کرده و به آسانی ، از شهوتش فرمان می پذیرد ؛ یا کسی را که شیفته گردآوردن مال است . این دو هم در هیچ کاری ، نگاهبان دین نیستند و نزدیک ترین همانندانِ آنان ، چهارپایانِ چرنده اند .

.

عنه علیه السلام فی کِتابِهِ لِشُرَیحٍ القاضی ، لَمّا بَلَغَهُ أنَّهُ اشتَری دارا بِثَمانینَ دینارا : ما أدرَکَ هذَا المُشتَری فی مَا اشتَری مِنهُ مِن دَرَکٍ فَعَلی مُبَلبِلِ أجسامِ المُلوکِ ، وسالِبِ نُفوسِ الجَبابِرَهِ ، ومُزیلِ مُلکِ الفَراعِنَهِ مِثلِ کِسری وقَیصَرَ وتُبَّعٍ وحِمیَرَ ومَن جَمَعَ المالَ عَلَی المالِ فَأکثَرَ ، ومَن بَنی وشَیَّدَ ، وزَخرَفَ ونَجَّدَ ، وَادَّخَرَ وَاعتَقَدَ ، ونَظَرَ بِزَعمِهِ لِلوَلَدِ : إشخاصُهُم جَمیعا إلی مَوقِفِ العَرضِ وَالحِسابِ ، ومَوضِعِ الثَّوابِ وَالعِقابِ ، إذا وَقَعَ الأمرُ بِفَصلِ القَضاءِ ، وخَسِرَ هُنالِکَ المُبطِلونَ ! (1)

عنه علیه السلام فی مَوعِظَتِهِ لِلنّاسِ : إنَّهُ وَاللّهِ الجِدُّ لاَ اللَّعِبُ ، وَالحَقُّ لاَ الکَذِبُ ، وما هُوَ إلاّ المَوتُ أسمَعَ داعیهِ وأعجَلَ حادیهِ ، فَلا یَغُرَّنَّکَ سَوادُ النّاسِ مِن نَفسِکَ، وقَد رَأیتَ مَن کانَ قَبلَکَ مِمَّن جَمَعَ المالَ وحَذِرَ الإقلالَ ، وأمِنَ العَواقِبَ طولَ أمَلٍ وَاستِبعادَ أجَلٍ کَیفَ نَزَلَ بِهِ المَوتُ فَأزعَجَهُ عَن وَطَنِهِ ! . . . أما رَأیتُمُ الَّذینَ یَأمُلونَ بَعیداً ، ویَبنونَ مَشیدا ، ویَجمَعونَ کَثیرا ، کَیفَ أصبَحَت بُیوتُهُم قُبورا ، وما جَمَعوا بورا ، وصارَت أموالُهُم لِلوارِثینَ ، وأزواجُهُم لِقَومٍ آخَرینَ ؟! (2)

عنه علیه السلام :لَیسَ الخَیرُ أن یَکثُرَ مالُکَ ووَلَدُکَ ، ولکِنَّ الخَیرَ أن یَکثُرَ عِلمُکَ ، وأن یَعظُمَ حِلمُکَ ، وأن تُباهِیَ النّاسَ بِعِبادَهِ رَبِّکَ . (3)

.

1- .نهج البلاغه : الکتاب 3 ، بحار الأنوار : 41 / 156 / 48 .
2- .نهج البلاغه : الخطبه 132 .
3- .نهج البلاغه : الحکمه 94 ، تنبیه الخواطر : 1 / 125 ، غرر الحکم : 7497 ولیس فیه ذیله ، بحار الأنوار : 76 / 409 / 121 وج 82 / 140 / 5 ؛ حلیه الأولیاء : 10 / 388 عن عبد خیر ، کنز العمّال : 16 / 208 / 44233 نقلاً عن ابن عساکر فی أمالیه وراجع تذکره الخواصّ : 131 .

امام علی علیه السلام در نامه اش به شریح قاضی ، آن گاه که خبر یافت وی خانه ای به بهای هشتاد دینار خریده است : هر زیانی که بر این خریدار در آن چه خریده وارد شود ، بر عهده کسی است که بدن های پادشاهان را تباه سازد ؛ جان های گردن کشان را بگیرد ؛ حکومت فرعون ها را نابود کند ، کسانی همچون کسرا و قیصر و شاهان یمن و حِمیَر و نیز آنان که مال گرد آوردند و آن را افزودند ، و آنان که بناها را ساختند و برافراشتند و بیاراستند و زینت کردند ، و خانه و مِلک و اثاث گرد آوردند و به خیال خود ، آن را برای فرزندان به جا نهادند . [فرشته مرگ] همه اینان را به جایگاه بازپرسی و حسابرسی و مکان پاداش و کیفر بَرَد ، آن گاه که فرمان خداوند برای جدا ساختن حق از باطل فرود آید و آن جا است که تبهکاران زیان برند .

امام علی علیه السلام در اندرزش به مردم : به خدا سوگند ! آن جدی است نه بازیچه ؛ و راست است نه دروغ ؛ و آن نیست جز مرگ که دعوت خود را به گوش همگان رسانید و ساربان حُداخوانَش همه را به شتاب فراخواند . پس مبادا به بسیاریِ مردم در پیرامون خود فریفته شوی ، در حالی که دیده ای آن که پیش از تو بود و مال می اندوخت و از درویشی کناره می جست و با آرزوی دراز و دور انگاشتنِ مرگ ، از فرجام کار ایمنی می خواست ، چگونه مرگ وی را فرا گرفت و از وطنش برکند ! آیا ندیدید آن کسان را که آرزوی دراز پروریدند و بناهای بلند ساختند و مال فراوان گرد آوردند ، که چگونه خانه هاشان گورهاشان گشت و آن چه گرد آورده بودند ، تباه شد و اموالشان به وارثان رسید و همسرانشان نصیب دیگران گشتند؟

امام علی علیه السلام :خیر آن نیست که مال و فرزندت بسیار باشد ؛ بلکه آن است که دانش و عقلت فراوان باشد و با عبادت پروردگارت به مردم مباهات ورزی .

.

عنه علیه السلام :إذا جَمَعتَ المالَ فَأَنتَ فیهِ وَکیلٌ لِغَیرِکَ ، یَسعَدُ بِهِ وتَشقی أنتَ . (1)

عنه علیه السلام :تَکَثُّرُکَ بِما لا یَبقی لَکَ ولا تَبقی لَهُ مِن أعظَمِ الجَهلِ . (2)

عنه علیه السلام :التَّکاثُرُ لَهوٌ ولَعِبٌ وشُغلٌ ، وَاستِبدالُ الَّذی هُوَ أدنی بِالَّذی هُوَ خَیرٌ . (3)

عنه علیه السلام :مَعاشِرَ النّاسِ ، اِتَّقُوا اللّهَ ! فَکَم مِن مُؤَمِّلٍ ما لا یَبلُغُهُ ، وبانٍ ما لا یَسکُنُهُ ، وجامِعٍ ما سَوفَ یَترُکُهُ ! ولَعَلَّهُ مِن باطِلٍ جَمَعَهُ ، ومِن حَقٍّ مَنَعَهُ ؛ أصابَهُ حَراما ، وَاحتَمَلَ بِهِ آثاما ، فَباءَ بِوِزرِهِ ، وقَدِمَ عَلی رَبِّهِ آسِفا لاهِفا ، قَد خَسِرَ الدُّنیا وَالآخِرَةَ ، ذلِکَ هُوَ الخُسرانُ المُبینُ . (4)

الإمام الباقر أو الإمام الصادق علیهماالسلام :کُلُّ القَومِ ألهاهُمُ التَّکاثُرُ حَتّی زارُوا المَقابِرَ . (5)

الإمام الصادق علیه السلام :إن کانَ الحِسابُ حَقّا فَالجَمعُ لِماذا؟ ! (6)

عنه علیه السلام :کانَ فی ما وَعَظَ بِهِ لُقمانُ ابنَهُ : یا بُنَیَّ ، إنَّ النّاسَ قَد جَمَعوا قَبلَکَ لِأَولادِهِم ، فَلَم یَبقَ ما جَمَعوا ولَم یَبقَ مَن جَمَعوا لَهُ ، وإنَّما أنتَ عَبدٌ مُستَأجَرٌ ؛ قَد اُمِرتَ بِعَمَلٍ ووُعِدتَ عَلَیهِ أجرا ، فَأَوفِ عَمَلَکَ وَاستَوفِ أجرَکَ . (7)

.

1- .غرر الحکم : 4135 .
2- .غرر الحکم : 4576 .
3- .الکافی : 2 / 394 / 1 عن سلیم بن قیس الهلالی ، الخصال : 235 / 74 عن الأصبغ بن نباته ولیس فیه «ولعب» .
4- .نهج البلاغه: الحکمه 344، بحار الأنوار: 78/83/88 وراجع کفایه الأثر: 240 ومطالب السؤول: 51.
5- .الأمالی للمفید : 184 / 7 عن أبی سعید الزهری ، الزهد للحسین بن سعید : 19 / 41 عن أبی شیبه الزهری وفیه «قوم» بدل «القوم» ، بحار الأنوار : 69 / 402 / 102 .

6- .من لا يحضره الفقيه : 4/393/5836 ، التوحيد : 376/21 ، الخصال : 450/55 ، الأمالى للصدوق: 56 / 12 ، مختصر بصائر الدرجات : 138 كلّها عن أبان بن عثمان الأحمر ، روضه الواعظين : 484 ، بحار الأنوار : 73 / 137 / 1 .
7- .الكافى : 2 / 134 / 20 عن يحيى بن عقبه الأزدى ، تنبيه الخواطر : 2 / 194 نحوه .

امام علی علیه السلام :آن گاه که مال گرد می آوری ، در آن وکیل دیگری هستی ؛ او بدان خوشبختی یابد و تو بدبخت گردی !

امام علی علیه السلام :بزرگ ترین نادانی است که آن چه را نه برای تو می ماند و نه تو برای آن می مانی ، بیندوزی .

امام علی علیه السلام :فخرفروشی با مال ، بازی و بیهوده گری و سرگرمی و جایگزین کردن خیر با چیز پست است .

امام علی علیه السلام :ای گروه های مردم ! خدای را بپرهیزید ؛ که بسا آرزومندی که به آرزویش نرسد و سازنده بِنایی که در آن سکنا نیابد و گرد آورنده ای که بگذارد و بگذرد . شاید آن را به ناروا گرد آورده و حقِّ کسی است که آن را بازداشته و به حرام بدان دست یافته و با آن ، بار گناه بر دوش گرفته و سنگینی اش را پذیرفته و با اندوه و دریغ نزد پروردگارش باریافته ، در حالی که هم دنیا و هم آخرت را باخته ؛ و این است زیانکاری آشکار .

امام باقر علیه السلام یا امام صادق علیه السلام :همه اقوام را فخرفروشی به ثروت فریفت (1) ، چندان که به دیدار گورها رفتند .

امام صادق علیه السلام :اگر محاسبه [ی روز قیامت] حقیقت دارد ، پس گردآوردن مال برای چه؟

امام صادق علیه السلام :در زمره اندرزهای لقمان به فرزندش چنین بود: «فرزند عزیزم ! همانا پیش از تو ، مردم برای فرزندهاشان مال گرد آوردند ؛ اما نه آن چه گرد آوردند باقی ماند و نه آنان که برایشان مال باقی نهاده شده بود ، باقی ماندند . و جز این نیست که تو بنده ای هستی به اجرت گرفته شده ؛ به کاری فرمان داده شده ای و به پاداشی وعده ات داده اند ؛ پس کارت را درست به انجام رسان و پاداشت را تمام بگیر» .

.

1- .اشاره است به سوره تکاثر .

الإمام الرضا عليه السلام :لا يَجتَمِعُ المالُ إلاّ بِخِصالٍ خَمسٍ : بِبُخلٍ شَديدٍ ، وأَمَلٍ طَويلٍ ، وحِرصٍ غالِبٍ ، وقَطيعَةِ الرَّحِمِ ، وإيثارِ الدُّنيا عَلَى الآخِرَةِ . (1)

1 / 2التَّحذيرُ مِنَ الكَنزِالكتاب :«وَ الَّذِينَ يَكْنِزُونَ الذَّهَبَ وَ الْفِضَّةَ وَ لاَ يُنفِقُونَهَا فِى سَبِيلِ اللَّهِ فَبَشِّرْهُم بِعَذَابٍ أَلِيمٍ * يَوْمَ يُحْمَى عَلَيْهَا فِى نَارِ جَهَنَّمَ فَتُكْوَى بِهَا جِبَاهُهُمْ وَ جُنُوبُهُمْ وَ ظُهُورُهُمْ هَذَا مَا كَنَزْتُمْ لأَنفُسِكُمْ فَذُوقُواْ مَا كُنتُمْ تَكْنِزُونَ . (2) »

«خُذُوهُ فَغُلُّوهُ * ثُمَّ الْجَحِيمَ صَلُّوهُ * ثُمَّ فِى سِلْسِلَةٍ ذَرْعُهَا سَبْعُونَ ذِرَاعًا فَاسْلُكُوهُ * إِنَّهُ كَانَ لاَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ الْعَظِيمِ * وَ لاَ يَحُضُّ عَلَى طَعَامِ الْمِسْكِينِ . (3) »

«كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ رَهِينَةٌ * إِلاَّ أَصْحَبَ الْيَمِينِ * فِى جَنَّتٍ يَتَسَآءَلُونَ * عَنِ الْمُجْرِمِينَ * مَا سَلَكَكُمْ فِى سَقَرَ * قَالُواْ لَمْ نَكُ مِنَ الْمُصَلِّينَ * وَ لَمْ نَكُ نُطْعِمُ الْمِسْكِينَ * وَ كُنَّا نَخُوضُ مَعَ الْخَآئِضِينَ * وَ كُنَّا نُكَذِّبُ بِيَوْمِ الدِّينِ . (4) »

.

1- .الخصال : 282 / 29 ، عيون أخبار الرضا عليه السلام : 1 / 276 / 13 كلاهما عن محمّد بن إسماعيل بن بزيع ، كشف الغمّه : 3 / 84 ، بحار الأنوار : 73 / 138 / 5 .
2- .التوبه : 34 و 35 .
3- .الحاقّه : 30 34 .
4- .المدّثّر : 38 46 .

امام رضا علیه السلام :مال جز با پنج خصلت گرد نیاید: بخل بسیار ، آرزوی دراز ، حرص غلبه یافته ، پیوند بریدن از خویشان ، و ترجیح دادن دنیا بر آخرت .

1 / 2پرهیز دادن از زر اندوزیقرآن:«و آنان که زر و سیم می اندوزند و آن را در راه خدا انفاق نمی کنند ، پس ایشان را به عذابی دردناک مژده ده؛ روزی که آن [زر و سیم] را در آتش دوزخ بتابند و با آن ، پیشانی ها و پهلوها و پشت های آنان را داغ نهند : این است آن چه برای خویشتن می اندوختید؛ پس کیفر آن چه را می اندوختید ، بچشید .»

«او را بگیرید و در بندش کنید * سپس به دوزخش درآورید * سپس در زنجیری که درازای آن ، هفتاد گز است ، او را در بند کنید * زیرا که او به خدای بزرگ ایمان نداشت * و به طعام دادنِ بینوایان برنمی انگیخت .»

«هر کسی که در گرو کاری است که کرده است * مگر یاران دست راست [= سعادتمندان] * که در بهشت ها باشند؛ از بزهکاران می پرسند * چه چیز شما را به دوزخ درآورد؟ * گویند : ما از نمازگزاران نبودیم * و بینوا را طعام نمی دادیم * و با یاوه گویان یاوه می گفتیم * و روز پاداش را دروغ می انگاشتیم .»

.

«فَلاَ اقْتَحَمَ الْعَقَبَهَ * وَ مَآ أَدْرَاکَ مَا الْعَقَبَهُ * فَکُّ رَقَبَهٍ * أَوْ إِطْعَمٌ فِی یَوْمٍ ذِی مَسْغَبَهٍ * یَتِیمًا ذَا مَقْرَبَهٍ * أَوْ مِسْکِینًا ذَا مَتْرَبَهٍ . (1) »

الحدیث :الإمام الباقر علیه السلام فی قَولِهِ [تَعالی] : «وَ الَّذِینَ یَکْنِزُونَ الذَّهَبَ وَ الْفِضَّهَ وَ لاَ یُنفِقُونَهَا فِی سَبِیلِ اللَّهِ فَبَشِّرْهُم بِعَذَابٍ أَلِیمٍ» : إنَّ اللّهَ حَرَّمَ کَنزَ الذَّهَبِ وَالفِضَّهِ ، وأمَرَ بِإنفاقِهِ فی سَبیلِ اللّهِ . (2)

رسول اللّه صلی الله علیه و آله :لا یوضَعُ الدّینارُ عَلَی الدّینارِ ولاَ الدِّرهَمُ عَلَی الدِّرهَمِ ، ولکِن یُوَسِّعُ اللّهُ جِلدَهُ «فَتُکْوَی بِهَا جِبَاهُهُمْ وَ جُنُوبُهُمْ وَ ظُهُورُهُمْ هَذَا مَا کَنَزْتُمْ لِأَنفُسِکُمْ فَذُوقُوا مَا کُنتُمْ تَکْنِزُونَ . (3) »

عنه صلی الله علیه و آله :ما مِن صاحِبِ کَنزٍ لا یُؤَدّی زَکاتَهُ إلاّ اُحمِیَ عَلَیهِ فی نارِ جَهَنَّمَ ، فَیُجعَلُ صَفائِحَ ، فیُکوی بِها جَنباهُ وجَبینُهُ ، حَتّی یَحکُمَ اللّهُ بَینَ عِبادِهِ فی یَومٍ کانَ مِقدارُهُ خَمسینَ ألفَ سَنَهٍ ، ثُمَّ یُری سَبیلُهُ إمّا إلَی الجَنَّهِ وإمّا إلَی النّارِ . (4)

عنه صلی الله علیه و آله :ما مِن صاحِبِ کَنزٍ لا یُؤَدّی زَکاهَ کَنزِهِ إلاّ جیءَ بِکَنزِهِ یَومَ القِیامَهِ فَیُحمی بِهِ جَنبُهُ وجَبینُهُ ؛ لِعُبوسِهِ وَازوِرارِهِ وجَعلِ السّائِلِ وَالسّاعی وَراءَ ظَهرِهِ . (5)

.

1- .البلد : 11 16 .
2- .تفسیر القمّی : 1 / 289 عن أبی الجارود ، بحار الأنوار : 73 / 138 / 4 .
3- .الدرّالمنثور : 4 / 179 نقلاً عن أبی یعلی وابن مردویه عن أبی هریره .
4- .صحیح مسلم : 2 / 682 / 26 ، السنن الکبری : 4 / 137/7225 ، سنن أبی داود: 2 / 124 / 1658 ، مسند ابن حنبل : 3 / 328 / 8987 ، الدرّالمنثور : 4 / 179 نقلاً عن البخاری وکلّها عن أبی هریره والثلاثه الأخیره نحوه وراجع کنز العمّال : 6 / 302 / 15795 .
5- .مستدرک الوسائل : 7 / 23 / 7542 نقلاً عن فقه القرآن للراوندی .

«پس به آن راه سخت درنیامد * و تو چه دانی که آن راه سخت چیست؟ * آزاد کردن بنده ای * یا طعام دادن در روز گرسنگی * به یتیمی خویشاوند * یا بینوایی خاک نشین .»

حدیث:امام باقر علیه السلام درباره این سخن خدای تعالی: «و آنان که زر و سیم می اندوزند و آن را در راه خدا انفاق نمی کنند ، پس ایشان را به عذابی دردناک مژده ده» : همانا خداوند انباشتن زر و سیم را حرام فرموده و انفاق آن را در راه خدا امر نموده است .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :دینار بر دینار و درهم بر درهم نهاده نمی شود ؛ بلکه خداوند [بدین گونه] پوست بدن آن [مال اندوز] را گسترش می دهد ؛ «و با آن ، پیشانی ها و پهلوها و پشت های آنان را داغ نهند : این است آن چه برای خویشتن می اندوختید ؛ پس کیفر آن چه را می اندوختید ، بچشید» .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هیچ دارنده گنجی نیست که زکات آن را ندهد ، مگر این که آن مال را در آتش جهنم بگدازند تا همچون ورقی پهن گردد و با آن ، پهلوها و پیشانی آن کس گداخته گردد ؛ تا آن که در روزی که اندازه اش پنجاه هزار سال است ، خدا میان بندگانش داوری فرماید ؛ سپس راه وی یا به سوی بهشت و یا به سوی آتش نمایانده شود .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هیچ دارنده مالِ انباشته ای نیست که زکات آن را ندهد ، مگر آن که روز قیامت آورده شود در حالی که با آن ، بر پهلو و پیشانی اش داغ نهند ؛ زیرا [در دنیا]ابرو درهم می کشیده و راه کج می کرده و به نیازخواه و گردآورنده زکات پشت می کرده است .

.

عنه صلى الله عليه و آله :ما مِن ذى كَنزٍ لا يُؤَدّى حَقَّهُ إلاّ جىءَ بِهِ يَومَ القِيامَهِ يُكوى بِهِ جَبينُهُ وجَبهَتُهُ ، وقيلَ لَهُ : هذَا كَنزُكَ الَّذى بَخِلتَ بِهِ ! (1)

عنه صلى الله عليه و آله :مَن أوكى عَلى ذَهَبٍ أو فِضَّهٍ ولَم يُنفِقهُ فى سَبيلِ اللّهِ ، كانَ جَمرا يَومَ القِيامَهِ يُكوى بِهِ . (2)

عنه صلى الله عليه و آله :ما مِن عَبدٍ يَموتُ يَومَ يَموتُ فَيَترُكُ أصفَرَ وأبيَضَ إلاّ كُوِىَ بِهِ . (3)

عنه صلى الله عليه و آله :ما مِن أحَدٍ يَترُكُ ذَهَبا ولا فِضَّهً إلاّ جَعَلَ اللّهُ لَهُ صَفائِحَ ، ثُمَّ كُوِىَ بِهِ مِن قَدَمَيهِ إلى ذِقنِهِ . (4)

عنه صلى الله عليه و آله :ما مِن رَجُلٍ يَموتُ وعِندَهُ أحمَرُ أو أبيَضُ إلاّ جَعَلَ اللّهُ لَهُ بِكُلِّ قيراطٍ صَفيحَهً يُكوى بِها مِن فَرقِهِ إلى قَدَمِهِ ؛ مَغفورا لَهُ بَعدَ ذلِكَ أو مُعَذَّبا . (5)

عنه صلى الله عليه و آله :يَكونُ كَنزُ أحَدِكُم يَومَ القِيامَهِ شُجاعا أقرَعَ . (6)

.

1- .الدرّالمنثور : 4 / 181 نقلاً عن ابن مردويه عن جابر .
2- .المعجم الكبير : 2 / 153 / 1641 عن أبى ذرّ .
3- .المعجم الكبير : 8/143/7636 ، مسند الشاميّين : 1 / 424 / 746 وليس فيه «يوم يموت» وكلاهما عن أبى اُمامه ، مسند ابن حنبل : 8 / 112 / 21536 عن أبى ذرّ نحوه ، كنز العمّال : 3 / 230 / 6293 وح 6295 .
4- .حليه الأولياء : 1 / 181 عن ثوبان ، كنز العمّال : 3 / 230 / 6294 .
5- .تفسير القرطبى : 8 / 131 ، الدرّالمنثور : 4 / 180 نقلاً عن ابن أبى حاتم نحوه وكلاهما عن ثوبان ، كنز العمّال : 3 / 230 / 6294 .
6- .صحيح البخارى : 4 / 1711 / 4382 وج 6/2552/6557 ، سنن النسائى : 5/24 وفيه «أحدهم» بدل «أحدكم» ، مسند ابن حنبل : 3 / 195 / 8192 ، المستدرک على الصحيحين : 1 / 546 / 1435 كلّها عن أبى هريره ، كنز العمّال : 6 / 307 / 15816 .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله:هیچ مال اندوزی نیست که حقِّ آن را ادا نکند ، مگر آن که روز قیامت آورده شود و با آن ، پیشانی و بناگوشش داغ نهاده گردد و به وی گفته شود: «این است گنجت که با آن بخل می ورزیدی» .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر که زر و سیم بیندوزد و آن را در راه خدا انفاق نکند ، همان در روز قیامت سنگی گردد و با آن ، بر وی داغ نهاده شود .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هیچ بنده ای نیست که به هنگام مرگ از خود زر و سیم باقی نهد ، مگر این که با آن ، بر وی داغ نهاده شود .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هیچ کس نیست که زر و سیمی به جا نهد ، مگر این که خدا آن را ورقه هایی پهن گرداند و از پای تا چانه ، او را با آن داغ نهد .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هیچ کس نیست که بمیرد و نزدش زر و سیم باشد ، مگر این که خداوند به ازای هر قیراط از آن ، ورقی پهن سازد و با آن ، از سر تا پایش را داغ نهد ، خواه بعد از آن ، آمرزیده گردد یا در عذاب باشد .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :روز قیامت ، گنج شما تبدیل به ماری می شود که از فرطِ سَم داری ، موی سرش ریخته باشد .

.

مسند ابن حنبل عن أبو هريره :قالَ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله : مَن تَرَکَ کَنزا فَإنَّهُ يُمَثَّلُ لَهُ يَومَ القِيامَهِ شُجاعا أقرَعَ يَتبَعُهُ ، لَهُ زَبيبَتانِ ، فَما زالَ يَطلُبُهُ يَقولُ : وَيلَکَ ! ما أنتَ ؟ قالَ : يَقولُ : أنا کَنزُکَ الَّذى تَرَکتَ بَعدَکَ . قالَ : فَيُلقِمُهُ يَدَهُ فَيَقضِمُها ، ثُمَّ يُتبِعُهُ بِسائِرِ جَسَدِهِ . (1)

مسند ابن حنبل عن أبو هريره :إنَّ أعرابِيّا غَزا مَعَ النَّبِىِّ صلى الله عليه و آلهخَيبَرَ ، فَأصابَهُ مِن سَهمِهِ ديناران ، فَأخَذَهُمَا الأعرابِىُّ فَجَعَلَهُما فى عَباءَتِهِ ، وخيطَ عَلَيهِما ولُفَّ عَلَيهِما ، فَماتَ الأعرابِىُّ ، فَوَجَدُوا الدّينارَينِ ، فَذَکَروا ذلِکَ لِرَسولِ اللّهِ صلى الله عليه و آله ، فَقالَ : کَيَّتانِ . (2)

مسند ابن حنبل عن أبو اُمامه :تُوُفِّىَ رَجُلٌ مِن أهلِ الصُّفَّهِ ، فَوُجِدَ فى مِئزَرِهِ دينارٌ ، فَقالَ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله : کَيَّهٌ . ثُمَّ تُوُفِّىَ آخَرُ ، فَوُجِدَ فى مِئزَرِهِ ديناران ، فَقالَ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله : کَيَّتانِ . (3)

الإمام الصادق عليه السلام :إنَّما أعطاکُمُ اللّهُ هذِهِ الفُضولَ مِنَ الأَموالِ لِتُوَجِّهوها حَيثُ وَجَّهَهَا اللّهُ ، ولَم يُعطِکُموها لِتَکنِزوها . (4)

عنه عليه السلام فى کِتابِهِ لِعَبدِ اللّهِ النَّجاشِىِّ ، والِى الأَهوازِ : يا عَبدَ اللّهِ ، اِجهَد أن لا تَکنِزَ ذَهَبا ولا فِضَّهً فَتَکونَ مِن أهلِ هذِهِ الآيَهِ ؛ قالَ اللّهُ تَعالى : «وَ الَّذِينَ يَکْنِزُونَ الذَّهَبَ وَ الْفِضَّهَ وَ لاَ يُنفِقُونَهَا فِى سَبِيلِ اللَّهِ» ، ولا تَستَصغِرَنَّ مِن حُلوٍ أو فَضلِ طَعامٍ تَصرِفُهُ فى بُطونٍ خالِيَهٍ يَسکُنُ بِها غَضَبُ اللّهِ تَبارَکَ وتَعالى . (5)

.

1- .مسند ابن حنبل : 3 / 543 / 10348 ، المستدرک على الصحيحين : 1 / 546 / 1434 کلاهما عن أبى هريره ، حليه الأولياء : 1 / 181 عن ثوبان وکلاهما نحوه ، کنز العمّال : 6 / 306 / 15812 ؛ تفسير مجمع البيان : 5 / 41 عن ثوبان نحوه .
2- .مسند ابن حنبل : 3 / 276 / 8686 .
3- .مسند ابن حنبل : 8 / 277 / 22236 وص 276 / 22234 ، صحيح ابن حبّان : 8 / 54 / 3263 عن أبى وائل ، المعجم الکبير : 8 / 260 / 8011 کلّها نحوه ، الزهد لهنّاد : 1 / 341 / 631 .

4- .الكافى : 4 / 32 / 5 عن ضريس ، من لا يحضره الفقيه : 2 / 57 / 1693 ، مشكاه الأنوار : 475 / 1588 وليس فيه «من الأموال» .
5- .كشف الريبه : 89 عن عبد اللّه بن سليمان النوفلى ، بحار الأنوار : 75 / 362 / 77 نقلاً عن رساله الغيبه للشهيد الثانى .

مسند ابن حنبل از ابوهریره :رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود : «هر که از خود مال بسیار به جا نهد ، روز قیامت آن مال در صورت ماری که از فرطِ سَم داری ، موی سرش ریخته و دو نقطه سیاه بالای دو چشمش باشد ، برای او چهره می نماید و همواره او را دنبال می کند . آن فرد گوید: وای بر تو ؛ چیستی؟ مار گوید: من همان مال انبوهم که پس از خود به جای نهادی . سپس دست او را در دهان می برد و پاره پاره می کند و آن گاه ، بقیه بدنش را می بلعد» .

مسند ابن حنبل از ابوهریره :عربی بیابان نشین در نبرد خیبر همراه پیامبر صلی الله علیه و آلهجنگید . از سهمش دو دینار به وی رسید . او آن دو دینار را گرفت و در عبایش جای داد و آن را دوخت و پیرامونش را پوشاند . وقتی وی مرد ، آن دو دینار را در عبایش یافتند و خبر را به رسول خدا صلی الله علیه و آلهرساندند . وی فرمود: «آن دو بر او داغ خواهند نهاد» .

مسند ابن حنبل از ابوامامه :مردی از اهل صُفّه درگذشت . در جامه اش دیناری یافت شد . رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «این بر او داغ خواهد نهاد» . سپس مردی دیگر درگذشت و در جامه اش دو دینار یافت گشت . رسول خدا صلی الله علیه و آلهفرمود: «دو داغ بر وی نهاده خواهد شد» .

امام صادق علیه السلام :جز آن نیست که خداوند این ثروت های بیشین را به شما عطا فرموده تا آن را هر گونه خدا خواهد ، صرف کنید ، نه آن که آن را انباشته نمایید .

امام صادق علیه السلام در نامه اش به عبداللّه نجاشی ، حاکم اهواز : ای عبداللّه ! بکوش تا زر و سیمی انباشته نکنی ؛ که مشمول این آیه خواهی گشت که خدای تعالی فرموده است: «آنان که زر و سیم بیندوزند و در راه خدا انفاق نکنند . . .» ؛ و حتّی قدری شیرینی یا مانده غذا را کوچک مشمار ، که می توانی آن را صرف شکمی خالی کنی ؛ و با این کار ، خشم خدای بزرگ والا رتبه فرو نشیند .

.

عنه عليه السلام :مُوَسَّعٌ عَلى شيعَتِنا أن يُنفِقوا مِمّا فى أيديهِم بِالمَعروفِ ، فَإذا قامَ قائِمُنا حَرَّمَ عَلى كُلِّ ذى كَنزٍ كَنزَهُ حَتّى يَأتِيَهُ بِهِ فَيَستَعينَ بِهِ عَلى عَدُوِّهِ ؛ وهُوَ قَولُ اللّهِ عز و جل : «وَ الَّذِينَ يَكْنِزُونَ الذَّهَبَ وَ الفِضَّةَ وَ لاَ يُنفِقُونَهَا فِى سَبِيلِ اللّهِ فَبَشِّرْهُم بِعَذَابٍ أَلِيمٍ . (1) »

عنه عليه السلام :المُؤمِنُ [إذا] (2) كانَ عِندَهُ مِن ذلِكَ شَىءٌ ؛ يُنفِقُهُ عَلى عِيالِهِ ما شاءَ ، ثُمَّ إذا قامَ القائِمُ فَيَحمِلُ إلَيهِ ما عِندَهُ ، فَما بَقِىَ مِن ذلِكَ يَستَعينُ بِهِ عَلى أمرِهِ ؛ فَقَد أدّى ما يَجِبُ عَلَيهِ . (3)

الخرائج والجرائح عن أحمد بن قابوس عن أبيه عن أبى عبد اللّه عليه السلام :دَخَلَ عَلَيهِ قَومٌ مِن أهلِ خُراسانَ فَقالَ ابتِداءً قَبلَ أن يُسأَلَ : مَن جَمَعَ مالاً يَحرُسُهُ عَذَّبَهُ اللّهُ عَلى مِقدارِهِ . فَقالوا لَهُ بِالفارِسِيَّهِ : لا نَفهَمُ بِالعَرَبِيَّهِ . فَقالَ لَهُم : «هر كه درم اندوزد جزايش دوزخ باشد» . (4)

مسند ابن حنبل عن سعيد بن أبى الحسن عن عبد اللّه بن الصّامت :أنَّهُ كانَ مَعَ أبى ذَرٍّ فَخَرَجَ عَطاؤُهُ ومَعَهُ جارِيَهٌ لَهُ ، فَجَعَلَت تَقضى حَوائِجَهُ ، فَفَضَلَ مَعَها سَبعٌ ، قالَ : فَأمَرَها أن تَشتَرِىَ بِهِ فُلوسا . قالَ : قُلتُ : لَو ادَّخَرتَهُ لِلحاجَهِ تَنوبُكَ أو لِلضَّيفِ يَنزِلُ بِكَ. قالَ: إنَّ خَليلى عَهِدَ إلَىَّ: أن أيُّما ذَهَبٍ أو فِضَّهٍ أُوكِىَ عَلَيهِ فَهُوَ جَمرٌ عَلى صاحِبِهِ حَتّى يُفرِغَهُ فى سَبيلِ اللّهِ عز و جل . (5)

.

1- .الكافى : 4 / 61 / 4 ، تفسير العيّاشى : 2 / 87 / 54 ، تهذيب الأحكام : 4 / 144 / 402 نحوه وكلّها عن معاذ بن كثير ، بحار الأنوار : 73 / 143 / 23 .
2- .ما بين المعقوفين سقط من الطبعه المعتمده ، وأثبتناه من بحار الأنوار .
3- .تفسير العيّاشى : 2 / 87 / 55 عن الحسين بن علوان عمّن ذكره ، بحار الأنوار : 73 / 143 / 24 .
4- .الخرائج والجرائح : 2 / 753 / 70 ، بحار الأنوار : 47 / 119 / 162 .
5- .مسند ابن حنبل : 8 / 89 / 21442 وص 125 / 21584 ، المعجم الكبير : 2 / 151 / 1634 ، حليه الأولياء : 1 / 162 وفيهما من «إنّ خليلى

عهد . . .» ، كنز العمّال : 6 / 307 / 15813 .

امام صادق علیه السلام :دست شیعیان ما باز است که مال خود را در راه خیر مصرف کنند ؛ اما آن گاه که امام قائم از ما قیام فرماید ، ثروت انباشته هر کس را بر وی حرام نماید ، مگر آن که به وی دهد تا برای سرکوب دشمنش مصرف نماید . و این است سخن خدای: «و آنان که زر و سیم می اندوزند و آن را در راه خدا انفاق نمی کنند ، پس ایشان را به عذابی دردناک مژده ده» .

امام صادق علیه السلام :هر گاه مؤمن مالی دارد ، هر چه خواهد برای خانواده اش صرف کند ؛ سپس چون امام قائم قیام نماید ، هر چه را دارد نزد وی بَرَد و آن چه از آن باقی ماند ، برای پیشرفت کارش به کار بندد و بدین سان ، حق واجبش را ادا نماید .

الخرائج و الجرائح از احمد بن قابوس از پدرش از امام صادق علیه السلام :مردمی از خراسان نزد وی آمدند . پیش از آن که پرسشی کنند ، امام فرمود: «هر که مالی گرد آورد و آن را نگاهبانی کند ، خداوند به همان اندازه عذابش فرماید» . به فارسی ، او را گفتند: «ما عربی را درنیابیم» . [به زبان فارسی] فرمود: «هر که دِرَم اندوزد ، جزایش دوزخ باشد» .

مسند ابن حنبل از سعید بن ابوالحسن از عبداللّه بن صامت :وی همراه ابوذر بود [و دید] که او سهمش از بیت المال را گرفت و خدمتکارش نیازهای [سالانه] او را تدارک دید و هفت دینار اضافه آورد . ابوذر به خدمتکار دستور داد که آن دینارها را بفروشد و پول سیاه بگیرد . راوی گوید: «به وی گفتم: خوب است این دینارها را برای روز نیازمندی یا هنگامی که مهمانی برایت رسد ، باقی نهی! » ابوذر گفت: «دوست محبوبم [پیامبر صلی الله علیه و آله] به من سفارش فرمود: هر زر و سیمی که ذخیره شود ، پاره آتشی است بر صاحبش ، مگر این که آن را در راه خدا انفاق کند » .

.

صحيح المسلم عن الأحنف بن قيس :كُنتُ فى نَفَرٍ مِن قُرَيشَ ، فَمَرَّ أبو ذَرٍّ وهُوَ يَقولُ : بَشِّرِ الكانِزينَ بِكَىٍّ فى ظُهورِهِم يَخرُجُ مِن جُنوبِهِم ، وبِكَىٍّ مِن قِبَلِ أقفائِهِم يَخرُجُ مِن جِباهِهِم ! ثُمَّ تَنَحّى فَقَعَدَ . قُلتُ : مَن هذا ؟ قالوا : هذا أبو ذَرٍّ . فَقُمتُ إلَيهِ فَقُلتُ : ما شَىءٌ سَمِعتُکَ تَقولُ قُبَيلُ ؟ قالَ : ما قُلتُ إلاّ شَيئا قَد سَمِعتُهُ مِن نَبِيِّهِم صلى الله عليه و آله . قُلتُ : ما تَقولُ فى هذَا العَطاءِ ؟ قالَ : خُذهُ فَإِنَّ فيهِ اليَومَ مَعونَةً ، فَإِذا كانَ ثَمَنا لِدينِکَ فَدَعهُ . (1)

عنه :جَلَستُ إلى مَلَأٍ مِن قُرَيشَ ، فَجاءَ رَجُلٌ خَشِنُ الشَّعرِ وَالثِّيابِ وَالهَيئَةِ ، حَتّى قامَ عَلَيهِم فَسَلَّمَ ، ثُمَّ قالَ : بَشِّرِ الكانِزينَ بِرَضفٍ يُحمى عَلَيهِ فى نارِ جَهَنَّمَ ، ثُمَّ يوضَعُ عَلى حَلَمَةِ ثَدىِ أحَدِهِم حَتّى يَخرُجَ مِن نُغضِ كَتِفِهِ ، ويوضَعُ عَلى نُغضِ كَتِفِهِ حَتّى يَخرُجَ مِن حَلَمَةِ ثَديِهِ ،يَتَزَلزَلُ . ثُمَّ وَلّى فَجَلَسَ إلى سارِيَةٍ ، وتَبِعتُهُ وجَلَستُ إلَيهِ ، وأنا لا أدرى مَن هُوَ ، فَقُلتُ لَهُ : لا أرَى القَومَ إلاّ قَد كَرِهُوا الَّذى قُلتَ ؟ قالَ : إنَّهُم لا يَعقِلونَ شَيئا ؛ قالَ لى خَليلى قالَ : قُلتُ : مَن خَليلُکَ ؟قالَ : النَّبِىُّ صلى الله عليه و آله : يا أبا ذَرٍّ ، أتُبصِرُ أُحُدا ؟ قالَ : فَنَظَرتُ إلَى الشَّمسِ ما بَقِىَ مِنَ النَّهارِ ، وأنا أرَى أنَّ رَسولَ اللّهِ صلى الله عليه و آله يُرسِلُنى فى حاجَةٍ لَهُ ، قُلتُ : نَعَم . قالَ : «ما اُحِبُّ أنَّ لى مِثلَ اُحُدٍ ذَهَبا اُنفِقُهُ كُلَّهُ إلاّ ثَلاثَةَ دَنانيرَ» . وإنَّ هؤُلاءِ لا يَعقِلونَ ، إنَّما يَجمَعونَ الدُّنيا ، لا وَاللّهِ لا أسأَلُهُم دُنيا ولا أستَفتيهِم عَن دينٍ ، حَتّى ألقَى اللّهَ . (2)

.

1- .صحيح مسلم : 2 / 690 / 35 ، السنن الكبرى : 6 / 584 / 13040 وراجع إصلاح المال : 114 .
2- .صحيح البخارى : 2 / 510 / 1342 ، صحيح مسلم : 2 / 689 / 34 نحوه .

صحیح مسلم از احنف بن قیس :همراه تنی چند از قریش بودم که ابوذر از کنار ما عبور کرد ، در حالی که می گفت: «بیم ده زراندوزان را از داغی که بر پشتشان نهاده می شود و از پهلوشان بیرون می آید ؛ و نیز به داغی که بر پسِ گردنشان نهاده می شود و از پیشانی شان خارج می گردد» . سپس دور شد و در گوشه ای نشست . گفتم: «او کیست؟» گفتند: «او ابوذر است» . برخاستم و نزد او رفتم و گفتم: «این سخن چه بود که اندکی قبل گفتی؟» پاسخ داد: «چیزی نگفتم جز آن چه را از پیامبر این مردم شنیده ام» . گفتم: «درباره سهم فرد از بیت المال نظرت چیست؟» گفت : «آن را بپذیر ؛ که امروز مددرسان تو است ؛ اما اگر به بهای دین فروشی بود ، آن را رها کن» .

صحیح مسلم از احنف بن قیس :همراه گروهی از قریش نشسته بودم که مردی با موی و جامه و ظاهر زمخت آمد و نزد آن گروه ایستاد و سلام داد و گفت: «زراندوزان را به سنگ داغ زنی مژده ده که بر آتش جهنم گداخته گردد و بر نوک سینه هر یک از آنان نهاده شود و از بالای شانه اش بیرون آید ؛ و دیگر بار بر بالای شانه اش گذاشته شود و از نوک سینه اش خارج گردد ؛ در حالی که وی [از درد ، بر خویش]می لرزد» . سپس روی گرداند و رفت و کنار دکلی چوبی نشست . من که او را نمی شناختم ، به دنبالش روان شدم و کنارش نشستم و گفتم: «این مردم از سخنت ناخشنود گشتند !» گفت: «آنان چیزی نمی فهمند . دوست محبوبم پرسیدم: دوست محبوبت کیست؟ گفت: پیامبر فرمود: ای ابوذر! آیا اُحُد را می بینی؟ من به گمان این که پیامبر مرا به دنبال کاری خواهد فرستاد ، به خورشید نگریستم تا ببینم چه مقدار از روز باقی مانده است . گفتم: آری . فرمود: من دوست نمی دارم که همانند اُحُد مرا زر باشد و همه را انفاق کنم و آن گاه سه دینار برایم بماند . این مردم نمی فهمند و تنها مال دنیا را گرد می آورند . من نیز به خدا سوگند ، دیگر نه دنیاشان را می پرسم و نه دینشان را ؛ تا آن گاه که خدا را دیدار کنم .

.

صحيح البخارى عن زيد بن وهب :مَرَرتُ بِالرَّبَذَهِ فَإذا أنا بِأَبى ذَرٍّ رضى الله عنه ، فَقُلتُ لَهُ : ما أنزَلَکَ مَنزِلَکَ هذا ؟ قالَ : کُنتُ بِالشّام فَاختَلَفتُ أنَا ومُعاوِيَهُ فى : «وَ الَّذِينَ يَکْنِزُونَ الذَّهَبَ وَ الْفِضَّهَ وَ لاَ يُنفِقُونَهَا فِى سَبِيلِ اللَّهِ» ؛ قالَ مُعاوِيَهُ : نَزَلَت فى أهلِ الکِتابِ ، فَقُلتُ : نَزَلَت فينا وفيهِم ، فَکانَ بَينى وبَينَهُ فى ذاکَ کَلامٌ ، وکَتَبَ إلى عُثمانَ يَشکونى ، فَکَتَبَ إلَىَّ عُثمانُ : أنِ اقدَمِ المَدينَهَ ، فَقَدِمتُها ، فَکَثُرَ عَلَىَّ النّاسُ حَتّى کَأنَّهُم لَم يَرَونى قَبلَ ذلِکَ ، فَذَکَرتُ ذاکَ لِعُثمانَ ، فَقالَ لى : إن شِئتَ تَنَحَّيتَ فَکُنتَ قَريبا . فَذاکَ الَّذى أنزَلَنى هذَا المَنزِلَ . (1)

تفسير القمّىّ :نَظَرَ عُثمانُ بنُ عَفّانَ إلى کَعبِ الأَحبارِ ، فَقالَ لَهُ : يا أبا إسحاقَ ، ما تَقولُ فى رَجُلٍ أدّى زَکاهَ مالِهِ المَفروضَهَ ؛ هَل يَجِبُ عَلَيهِ فى ما بَعدَ ذلِکَ شَىءٌ ؟ فَقالَ : لا ، ولَو اتَّخَذَ لَبِنَهً مِن ذَهَبٍ ولَبِنَهً مِن فِضَّهٍ ما وَجَبَ عَلَيهِ شَىءٌ . فَرَفَعَ أبو ذَرٍّ عَصاهُ فَضَرَبَ بِها رَأسَ کَعبٍ ، ثُمَّ قالَ لَهُ : يَابنَ اليَهودِيَّهِ الکافِرَهِ ! ما أنتَ وَالنَّظَرُ فى أحکامِ المُسلِمينَ ؟! قَولُ اللّهِ أصدَقُ مِن قَولِکَ حَيثُ قالَ : «وَ الَّذِينَ يَکْنِزُونَ الذَّهَبَ وَ الْفِضَّهَ وَ لاَ يُنفِقُونَهَا فِى سَبِيلِ اللَّهِ فَبَشِّرْهُم بِعَذَابٍ أَلِيمٍ (2) . (3) »

مروج الذّهب فى ما وَقَعَ بَينَ عُثمانَ وأبى ذَرٍّ : ومِن ذلِکَ ما فُعِلَ بِأَبى ذَرٍّ ، وهُوَ أنَّهُ حَضَرَ مَجلِسَهُ ذاتَ يَومٍ ، فَقالَ عُثمانُ : أرَأيتُم مَن زَکّى مالَهُ هَل فيهِ حَقٌّ لِغَيرِهِ ؟ فَقالَ کَعبٌ : لا يا أميرَ المُؤمِنينَ . فَدَفَعَ أبو ذَرٍّ فى صَدرِ کَعبٍ وقالَ لَهُ : کَذَبتَ يَابنَ اليَهودِيِّ ! ثُمَّ تَلا : «لَّيْسَ الْبِرَّ أَن تُوَلُّواْ وُجُوهَکُمْ قِبَلَ الْمَشْرِقِ وَ الْمَغْرِبِ وَ لَکِنَّ الْبِرَّ مَنْ ءَامَنَ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْأَخِرِ وَ الْمَلَئکَهِ وَ الْکِتَبِ وَ النَّبِيِّينَ وَ ءَاتَى الْمَالَ عَلَى حُبِّهِ ذَوِى الْقُرْبَى وَ الْيَتَمَى وَ الْمَسَکِينَ وَ ابْنَ السَّبِيلِ وَ السَّآئِلِينَ وَ فِى الرِّقَابِ وَ أَقَامَ الصَّلَوهَ وَ ءَاتَى الزَّکَوهَ وَ الْمُوفُونَ بِعَهْدِهِمْ إِذَا عَهَدُواْ وَ الصَّبِرِينَ فِى الْبَأسَآءِ وَ الضَّرَّآءِ وَ حِينَ الْبَأسِ أُوْلَئِکَ الَّذِينَ صَدَقُواْ وَ أُوْلَئِکَ هُمُ الْمُتَّقُونَ (4) » . (5)

.

1- .صحيح البخارى : 2/509/1341، الطبقات الكبرى : 4/226 وراجع الدرّالمنثور: 4/180 .
2- .التوبه : 34 .
3- .تفسير القمّى : 1 / 52 ، بحار الأنوار : 22 / 426 / 36 .

4- .البقره : 177 .
5- .مروج الذهب : 2 / 348 ، بحار الأنوار : 96 / 93 / 2 نقلاً عن تقريب المعارف نحوه .

صحیح البخاری از زید بن وهب :از ربذه عبور می کردم که نزد ابوذر رفتم . به او گفتم: «چه سبب شد که به این جا درآیی؟» گفت : «در شام بودم که با معاویه بر سر این آیه اختلافم افتاد : «کسانی که زر و سیم اندوزند و آن را در راه خدا انفاق نکنند . . .» . معاویه گفت: این آیه درباره اهل کتاب نازل شده است . من گفتم: هم درباره ما است و هم اهل کتاب . در این باب ، میان من و او بحث درگرفت . سپس وی به عثمان نامه نوشت و از من گله کرد . عثمان به من نوشت تا به مدینه روم . من رفتم . مردم چندان پیرامون من گرد آمدند که گویی پیش از آن ، مرا ندیده بودند . این را به عثمان یادآوری کردم . گفت: اگر خواهی به گوشه ای روی ، جایی نزدیک باش . و همین مرا به این منزل آورد!

تفسیر قمی :عثمان بن عفان به کعب الاحبار نگریست و به وی گفت: «ای ابواسحاق! نظرت چیست درباره کسی که زکات واجب مالش را پرداخته ؛ آیا باز هم وظیفه ای دارد؟» گفت: «نه! حتّی اگر خشتی از طلا و خشتی دیگر از نقره داشته باشد ، چیزی بر وی واجب نیست» . ابوذر عصای خود را برافراشت و بر سر کعب زد و به وی گفت: «ای زاده یهودی کافر! تو را چه رسد که درباره احکام مسلمانان نظر دهی؟ سخن خدای راست تر از سخن تو است که فرمود : «آنان که زر و سیم اندوزند و در راه خدا انفاق نکنند ، به عذابی دردناک مژده شان ده!» » .

مروج الذهب در باب آن چه میان عثمان و ابوذر گذشت : و از آن جمله ، کاری بود که با ابوذر شد ؛ از این قرار که روزی وی در مجلس عثمان حاضر بود . عثمان [به حاضران] گفت: «به رأی شما ، اگر کسی زکات مالش را داده باشد ، آیا باز حقی بر گردن او است؟» کعب گفت: «نه! ای امیرالمؤمنین» . ابوذر به سینه او کوبید و گفت: «دروغ می گویی ای یهودی زاده!» سپس این آیه را تلاوت کرد: «نیکی آن نیست که روی های خود را به سوی شرق و غرب بگردانید ؛ . . .» .

.

مسند ابن حنبل عن مالک بن عبد اللّه الزیادیّ :إنَّهُ [أی أبا ذَرٍّ] جاءَ یَستَأذِنُ عَلی عُثمانَ بنِ عَفّانَ ، فَأذِنَ لَهُ وبِیَدِهِ عَصاهُ ، فَقالَ عُثمانُ : یا کَعبُ ، إنَّ عَبدَ الرَّحمانِ تُوُفِّیَ وتَرَکَ مالاً ، فَما تَری فیهِ ؟ فَقالَ : إن کانَ یَصِلُ فیهِ حَقَّ اللّهِ فَلا بَأسَ عَلَیهِ . فَرَفَعَ أبو ذَرٍّ عَصاهُ فَضَرَبَ کَعبا وقالَ : سَمِعتُ رَسولَ اللّهِ صلی الله علیه و آله یَقولُ : «ما اُحِبُّ لَو أنَّ لی هذَا الجَبَلَ ذَهَبا اُنفِقُهُ ویُتَقَبَّلُ مِنّی أذَرُ خَلفی مِنهُ سِتَّ أواقٍ » ، أنشُدُکَ اللّهَ یا عُثمانُ ، أسَمِعتَهُ ؟ ثَلاثَ مَرّاتٍ قالَ : نَعَم . (1)

حلیه الأولیاء عن عبد اللّه بن الصامت ابن أخی أبی ذرّ :کانوا یَقتَسِمونَ مالَ عَبدِ الرَّحمانِ بنِ عَوفٍ ، وکانَ عِندَهُ کَعبٌ ، فَقالَ عُثمانُ لِکَعبٍ : ما تَقولُ فی مَن جَمَعَ هذَا المالَ فَکانَ یَتَصَدَّقُ مِنهُ ، ویُعطی فِی السُّبُلِ ، ویَفعَلُ ویَفعَلُ ؟ قالَ : إنّی لَأرجو لَهُ خَیرا . فَغَضِبَ أبو ذَرٍّ ورَفَعَ العَصا عَلی کَعبٍ وقالَ : وما یُدریکَ یَابنَ الیَهودِیَّهِ ! لَیَوَدَّنَّ صاحِبُ هذَا المالِ یَومَ القِیامَهِ لَو کانَت عَقارِبُ تَلسَعُ السَّوَیداءَ مِن قَلبِهِ ؟ ! (2)

راجع : ص 503 (التحذیر من التّکاثر) . ص 538 (ذمّ إیثار المال) . ص 531 (الخصائص السلبیّه للثروه) .

.

1- .مسند ابن حنبل : 1 / 139 / 453 ، مجمع الزوائد : 10 / 415 / 17758 .
2- .حلیه الأولیاء : 1 / 160 وراجع کنز العمّال : 6 / 570 / 16972 .

مسند ابن حنبل از مالک بن عبداللّه زیادی :ابوذر از عثمان بن عفان اجازه ورود خواست . عثمان به او که عصایش را در دست داشت ، اجازه ورود داد . عثمان گفت : «ای کعب ! عبدالرحمان [بن عوف] در گذشته و مالی بر جا نهاده است . رأی تو درباره آن چیست؟» کعب گفت: «اگر حق خدا را در آن ادا می کرده ، آن را باکی نیست» . ابوذر عصایش را برافراشت و کعب را بزد و گفت: «از رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که فرمود : دوست نمی دارم که به قدر این کوه [اُحُد] ، طلا داشته باشم و همه را انفاق کنم و خدای از من بپذیرد ، ولی پس از خود شش اوقیه [= 168 گرم] بر جای گذارم . ای عثمان ! به خدا سوگندت می دهم ؛ آیا این را شنیدی؟» و این را سه بار گفت . عثمان گفت: «آری» .

حلیه الأولیاء از عبداللّه بن صامت پسر برادر ابوذر :مشغول تقسیم میراث عبدالرحمان بن عوف بودند و کعب نیز حضور داشت . عثمان به کعب گفت: «رأی تو چیست درباره کسی که چنین مالی را گرد آورده و از آن صدقه داده و در کارهای خیرِ چنین و چنان صرف کرده باشد؟» گفت: «من برای او امید خیر دارم» . ابوذر خشمگین گشت و بر کعب عصا برکشید و گفت: «تو چه می دانی ای یهودی زاده ! هر آینه صاحب این مال در روز قیامت ، آرزو می کند عقرب ها بیخ و بُن دلش را نیش زنند !»

ر .ک : ص863 (پرهیز دادن از فخرفروشی با ثروت) . ص923 (نکوهش ترجیح دادن مال) . ص 909 (ویژگی های منفی ثروت) .

.

1 / 3شُروطُ صِدقِ الكَنزِ1 / 3 1عَدَمُ كَونِ المالِ نَفَقَهَرسول اللّه صلى الله عليه و آله :فِى الإِبِلِ صَدَقَتُها ، وفِى الغَنَمِ صَدَقَتُها ، وفِى البَقَرِ صَدَقَتُها ، وفِى البُرِّ صَدَقَتُهُ . ومَن رَفَعَ دَنانيرَ أو دَراهِمَ أو تِبرا وفِضَّةً لا يُعِدُّها لِغَريمٍ ولا يُنفِقُها فى سَبيلِ اللّهِ ، فَهُوَ كَنزٌ يُكوى بِهِ يَومَ القِيامَهِ . (1)

عنه صلى الله عليه و آله :الدّينارُ كَنزٌ ، وَالدِّرهَمُ كَنزٌ ، وَالقيراطُ كَنزٌ . (2)

راجع : ص 874 (التحذير من الكنز) .

1 / 3 2عَدَمُ أداءِ زَكاهِ المالِرسول اللّه صلى الله عليه و آله :أيُّما مالٍ أُدِّيَت زَكاتُهُ فَلَيسَ بِكَنزٍ . (3)

عنه صلى الله عليه و آله :ما أُدِّىَ زَكاتُهُ فَلَيسَ كَنزا . (4)

عنه صلى الله عليه و آله :كُلُّ ما أُدِّىَ زَكاتُهُ فَلَيسَ بِكَنزٍ وإن كانَ مَدفونا تَحتَ الأَرضِ ، وكُلُّ ما لا يُؤَدّى زَكاتُهُ فَهُوَ كَنزٌ وإن كانَ ظاهِرا . (5)

.

1- .المستدرک على الصحيحين: 1/545/1431 ، السنن الكبرى : 4 / 247 / 7599 ، سنن الدارقطنى: 2 / 101 / 27 كلاهما نحوه وكلّها عن أبى ذرّ ، كنز العمّال : 6/307/15814 وص 321/15840 .
2- .الدرّالمنثور : 4 / 181 نقلاً عن ابن مردويه عن أبى هريره .
3- .تاريخ بغداد : 8 / 12 / 4048 عن جابر .
4- .علل الحديث : 1 / 223 / 647 عن جابر .
5- .السنن الكبرى : 4 / 140 / 7233 وقال المؤلّف : «ليس هذا بمحفوظ ، وإنّما المشهور عن سفيان عن عبيد اللّه عن نافع عن ابن عمر موقوفا» ، المعجم الأوسط : 8 / 163 / 8279 نحوه وكلاهما عن ابن عمر ، كنز العمّال : 6 / 294 / 15764 .

1 / 3 شروط تحقق زراندوزی

1 / 3 1 هزینه نشدن مال

1 / 3 2 پرداخت نکردن زکات مال

1 / 3شروط تحقق زراندوزی1 / 3 1هزینه نشدن مالپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :شتر و گوسفند و گاو و گندم ، زکات دارند . هر که دینار یا درهم یا شمش و نقره بیندوزد و آن را برای پرداخت بدهی کنار نگذاشته باشد و در راه خدا نیز انفاق نکند ، زر اندوخته به شمار آید و روز قیامت ، با همان بر وی داغ نهاده شود .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :[گرد آوردن] دینار و درهم و قیراط [= یک ششم درهم]زراندوزی به شمار آید .

ر .ک : ص875 (پرهیز دادن از فخرفروشی با ثروت) .

1 / 3 2پرداخت نکردن زکات مالپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر مالی که زکات آن پرداخت شده باشد ، زراندوخته محسوب نگردد .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر چه زکاتش ادا شود ، زراندوخته نیست .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر چه زکاتش ادا گردد ، زراندوخته به شمار نیاید ، هر چند زیر زمین پنهان باشد ؛ و هر چه زکاتش ادا نگردد ، زراندوخته است ، هر چند آشکار باشد .

.

الإمام علىّ عليه السلام :لَمّا نَزَلَت هذِهِ الآيَهُ «وَ الَّذِينَ يَكْنِزُونَ الذَّهَبَ وَ الْفِضَّهَ وَ لاَ يُنفِقُونَهَا فِى سَبِيلِ اللَّهِ فَبَشِّرْهُم بِعَذَابٍ أَلِيمٍ » قالَ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله : [كُلُّ] (1) مالٍ تُؤَدّى زَكاتُهُ فَلَيسَ بِكَنزٍ وإن كانَ تَحتَ سَبعِ أرَضينَ ، وكُلُّ مالٍ لا تُؤَدّى زَكاتُهُ فَهُوَ كَنزٌ وإن كانَ فَوقَ الأرضِ . (2)

سنن أبى داود عن ابن عبّاس : لَمّا نَزَلَت «وَ الَّذِينَ يَكْنِزُونَ الذَّهَبَ وَ الْفِضَّهَ» كَبُرَ ذلِكَ عَلَى المُسلِمينَ ، فَقالَ عُمَرُ : أنَا أُفَرِّجُ عَنكُم ، فَانطَلَقَ فَقالَ : يا نَبِىَّ اللّهِ ، إنَّهُ كَبُرَ عَلى أصحابِكَ هذِهِ الآيَهُ ، فَقالَ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله :إنَّ اللّهَ لَم يَفرِضِ الزَّكاهَ إلاَّ لِيُطيبَ ما بَقِىَ مِن أموالِكُم ؛ وإنَّما فَرَضَ المَواريثَ لِتَكونَ لِمَن بَعدَكُم . فَكَبَّرَ عُمَرُ . ثُمَّ قالَ لَهُ : ألا أُخبِرُكَ بِخَيرِ ما يَكنِزُ المَرءُ ؟ المَرأهُ الصّالِحَهُ ؛ إذا نَظَرَ إلَيها سَرَّتهُ ، وإذا أمَرَها أطاعَتهُ ، وإذا غَابَ عَنها حَفِظَتهُ . (3)

المستدرک على الصحيحين عن عطاء :إنَّها [أى أُمَّ سَلَمَهَ] كانَت تَلبَسُ أوضاحا مِن ذَهَبٍ ، فَسَأَلَت عَن ذلِكَ النَّبِىَّ صلى الله عليه و آلهفَقالَت : أكَنزٌ هُوَ ؟ فَقالَ : إذا أدَّيتِ زَكاتَهُ فَلَيسَ بِكَنزٍ . (4)

سنن أبى داود عن أُمّ سلمه :كُنتُ ألبَسُ أوضاحا مِن ذَهَبٍ ، فَقُلتُ : يا رَسولَ اللّهِ ، أكَنزٌ هُوَ ؟ فَقالَ : ما بَلَغَ أن تُؤَدّى زَكاتُهُ فَزُكِّىَ فَلَيسَ بِكَنزٍ . (5)

.

1- .ما بين المعقوفين سقط من الطبعه المعتمده ، وأثبتناه من بحار الأنوار .

2- .الأمالى للطوسى : 519 / 1142 عن المجاشعى عن الإمام الرضا عن آبائه عليهم السلام ، بحار الأنوار : 73 / 139 / 8 .

3- .سنن أبى داود : 2 / 126 / 1664 ، المستدرک على الصحيحين : 1 / 567 / 1487 ، السنن الكبرى : 4 / 140 / 7235 ، مسند أبى يعلى : 3 / 64 / 2494 كلّها نحوه .

4- .المستدرک على الصحيحين : 1 / 547 / 1438 ، السنن الكبرى : 4 / 140 / 7234 ، المعجم الكبير : 23 / 282 / 613 .

5- .سنن أبى داود : 2 / 95 / 1564 .

امام علی علیه السلام :این آیه نازل شد: «و آنان که زر و سیم می اندوزند و آن را در راه خدا انفاق نمی کنند ، به عذابی دردناک مژده شان بخش!» رسول خدا صلی الله علیه و آلهپس از نزول آن ، فرمود: «هر مالی که زکات آن ادا شده باشد ، زراندوخته به شمار نیاید ، هر چند زیر هفت زمین باشد ؛ و هر مالی که زکات آن ادا نگردد ، زراندوخته است ، هر چند روزی زمین باشد» .

سنن ابی داود از ابن عباس :چون آیه «و آنان که زر و سیم بیندوزند . . .» نازل گشت ، بر مسلمانان گران آمد . عمر گفت: «من برایتان گشایشی می یابم» . پس روان شد و گفت: «ای پیامبر خدا! این آیه بر یارانت گران آمده است» . رسول خدا صلی الله علیه و آلهفرمود: «همانا خداوند زکات را واجب نفرموده جز برای آن که باقیمانده اموال شما را پاک گرداند ؛ و هر آینه ارث را واجب فرموده تا برای بازماندگانتان باشد» . عمر زبان به تکبیر گشود . سپس رسول خدا صلی الله علیه و آلهفرمود: «آیا خبرت دهم از بهترین اندوخته مرد؟ آن ، زنی است شایسته که هرگاه به وی بنگرد ، خرسند شود و چون فرمانش دهد ، فرمان پذیرد و هر زمان غایب گردد ، حافظ [خانواده و اموال] او باشد» .

المستدرک علی الصحیحین از عطاء :ام سلمه خلخالی از طلا را زیور خود می کرد . درباره آن از پیامبر صلی الله علیه و آلهپرسید و گفت: «آیا این زراندوخته محسوب می شود؟» فرمود: «اگر زکات آن را داده باشی ، زراندوخته به شمار نیاید» .

سنن ابی داود از ام سلمه:خلخالی از طلا را زینت خود می کردم . گفتم: «ای رسول خدا صلی الله علیه و آله! آیا این زراندوخته به شمار آید؟» فرمود: «هر چه به نصاب زکات رسیده و زکاتش پرداخت شده باشد ، زر اندوخته به شمار نیاید» .

.

الإمام الباقر عليه السلام عِندَما سُئِلَ عَنِ الدَّنانيرِ وَالدَّراهِمِ وما عَلَى النّاسِ فيها ؟ : هِىَ خَواتيمُ اللّهِ فى أرضِهِ ، جَعَلَهَا اللّهُ مَصلَحَةً لِخَلقِهِ ، وبِها تَستَقيمُ شُؤونُهُم ومَطالِبُهُم ؛ فَمَن أكثَرَ لَهُ مِنها فَقامَ بِحَقِّ اللّهِ تَعالى فيها وأدّى زَكاتَها ، فَذاكَ الَّذى طابَت وخَلَصَت لَهُ ؛ ومَن أكثَرَ لَهُ مِنها فَبَخِلَ بِها ولَم يُؤَدِّ حَقَّ اللّهِ فيها وَاتَّخَذَ مِنهَا الآنِيَةَ ، فَذلِكَ الَّذى حَقَّ عَلَيهِ وَعيدُ اللّهِ عز و جلفى كِتابِهِ ؛ قالَ اللّهُ : «يَوْمَ يُحْمَى عَلَيْهَا فِى نَارِ جَهَنَّمَ فَتُكْوَى بِهَا جِبَاهُهُمْ وَ جُنُوبُهُمْ وَ ظُهُورُهُمْ هَذَا مَا كَنَزْتُمْ لأَنفُسِكُمْ فَذُوقُواْ مَا كُنتُمْ تَكْنِزُونَ (1) » . (2)

1 / 3 3النَّوادِررسول اللّه صلى الله عليه و آله :نِعمَ المالُ الأَربَعونَ ، وَالكَنزُ سِتّونَ ، ووَيلٌ لِأَصحابِ المِئينَ ! إلاّ مَن أعطى فى رِسلِها ونَجدَتِها ، وأفقَرَ ظَهرَها ، وأطرَقَ فَحلَها ، ومَنَحَ غَزيرَتَها ، ونَحَرَ سَمينَتَها ، وأطعَمَ القانِعَ وَالمُعتَرَّ . إنَّما لَكَ مِن مالِكَ ما أكَلتَ فَأفنَيتَ ، أو لَبِستَ فَأبلَيتَ ، أو أعطَيتَ فَأمضَيتَ ، وما بَقِىَ فَلِمَواليكَ . (3)

الإمام علىّ عليه السلام :كُلُّ ما زادَ عَلى أربَعَهِ آلافٍ فَهُوَ كَنزٌ ؛ أُدِّيَت زَكاتُهُ أو لَم تُؤَدَّ ، وما دونَها فَهُوَ نَفَقَهٌ . (4)

.

1- .التوبه : 35 .
2- .الأمالى للطوسى : 520 / 1144 عن المجاشعى عن الإمام الرضا عن أبيه عن الإمام الصادق عليهم السلام ، بحارٍ الأنوار : 66 / 528 / 6 .
3- .كنز العمّال : 6 / 297 / 15783 نقلاً عن الحاكم فى الكنى عن قيس بن عاصم السعدى .
4- .تفسير التبيان : 5 / 247 ، تفسير مجمع البيان : 5 / 40 ؛ الدرّالمنثور : 4 / 179 ، كنز العمّال : 2 / 425 / 4410 كلاهما نقلاً عن ابن أبى حاتم وأبى الشيخ نحوه .

امام باقر علیه السلام در پاسخ به سؤال درباره دینار و درهم و وظیفه مردم درباره آن ها : آن ها مُهرهای خداوند در زمین هستند که خدا برای مصلحت آفریدگانش قرار داده است و کارها و خواسته های ایشان با آنها سامان پذیرد . پس هر که از آن فراوان داشته باشد و حق خدا را ادا و زکاتش را پرداخت نماید ، آن مال برایش پاک و خالص گردد ؛ و هر که از آن بسیار داشته باشد و بدان بخل ورزد و حق خدا در آن را ادا نکند و از آن ، ظرف سازد ، هشدار خداوند در کتابش درباره وی تحقق پذیرد که فرموده است: «روزی که آن [زر و سیم] را در آتش دوزخ بتابند و با آن ، پیشانی ها و پهلوها و پشت های آنان را داغ نهند : این است آن چه برای خویشتن می اندوختید ؛ پس کیفر آن چه را می اندوختید ، بچشید .»

1 / 3 3گوناگونپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :مال مطلوب چهل [دینار] است و چون به شصت رسد ، زراندوخته به شمار آید و وای بر صاحبان [صد و] صدها دینار! مگر آن کس که خواه در تنگنا و خواه در گشایش ، حق خدا را ادا کند و حیوانش را عاریه دهد... . و بخش پُر منفعتش را ببخشد و فربهش را ذبح نماید و نیازمند قانع و بینوای خواهنده را طعام دهد . همانا از مالت آن چیزی نصیب تو است که بخوری و فنا کنی یا بپوشی و پاره کنی یا ببخشی و درگذری ؛ و آن چه باقی مانَد ، از آنِ همراهان تو است .

امام علی علیه السلام :هر چه از چهار هزار [درهم] افزون شود ، زراندوخته به شمار آید ، خواه زکاتش داده شده و خواه داده نشده باشد ؛ و کم تر از آن در زمره هزینه محسوب گردد .

.

الإمام الباقر علیه السلام فی قَولِ اللّهِ : «وَالَّذِینَ یَکْنِزُونَ الذَّهَبَ وَ الْفِضَّهَ» : إنَّما عَنی بِذلِکَ ما جاوَزَ ألفَی دِرهَمٍ . (1)

عنه علیه السلام :إنّا لَنُحِبُّ الدُّنیا ولا نُؤتاها ، وهُوَ خَیرٌ لَنا . وما اُوتِیَ عَبدٌ مِنها شَیئا إلاّ کانَ أنقَصَ لِحَظِّهِ فِی الآخِرَهِ . ولَیسَ مِن شیعَتِنا مَن لَهُ مِائَهُ ألفٍ ولا خَمسونَ ألفا ولا أربَعونَ ألفا ، ولَو شِئتُ أن أقولَ ثَلاثونَ ألفا لَقُلتُ . وما جَمَعَ رَجُلٌ قَطُّ عَشَرَهَ آلافٍ مِن حِلِّها . (2)

الإمام الصادق علیه السلام :نُحِبُّ المالَ ولا نُؤتی إلاّ خَیرا . وما اُوتِیَعَبدٌ فی هذِهِ الدُّنیا إلاّ کانَ [أ]نقَصَ لِحَظِّهِ فِی الآخِرَهِ . وما مِن شیعَتِنا مَن لَهُ مِائَهُ ألفِ دِرهَمٍ . (3)

عنه علیه السلام :المالُ أربَعَهُ آلافٍ . وَاثنا عَشَرَ ألفَ دِرهَمٍ کَنزٌ . ولَم یَجتَمِع عِشرونَ ألفا مِن حَلالٍ . وصاحِبُ الثَّلاثینَ ألفا هالِکٌ . ولَیسَ مِن شیعَتِنا مَن یَملِکُ مِائَهَ ألفِ دِرهَمٍ . (4)

عنه علیه السلام :ما أعطَی اللّهُ عَبدا ثَلاثینَ ألفا وهُوَ یُریدُ بِهِ خَیرا . وما جَمَعَ رَجُلٌ قَطُّ عَشَرَهَ آلافِ دِرهَمٍ مِن حِلٍّ ، وقَد یَجمَعُها لِأقوامٍ . إذا اُعطِیَ القوتَ ورُزِقَ العَمَلَ فَقَد جَمَعَ اللّهُ لَهُ الدُّنیا وَالآخِرَهَ . (5)

.

1- .تفسیر العیّاشی: 2/87/53 عن سعدان ، مشکاه الأنوار: 476/1593، بحار الأنوار : 73/142/22 .
2- .مستطرفات السرائر : 41 / 9 عن عطیّه أخی أبی الغرام (العرام) ، بحار الأنوار : 72 / 66 / 21 .
3- .مشکاه الأنوار : 475 / 1590 .
4- .تحف العقول : 377 ، التمحیص : 50 / 88 عن المفضّل ، بحار الأنوار : 72 / 67 / 24 .
5- .تهذیب الأحکام : 6 / 328 / 907 عن إبراهیم بن محمّد ، التمحیص : 50 / 87 عن إبراهیم بن عمر ، مشکاه الأنوار : 474 / 1584 کلاهما نحوه ، بحار الأنوار : 72 / 66 / 23 .

امام باقر علیه السلام درباره این سخن خدای : «آنان که زر و سیم بیندوزند . . .» : جز این نیست که مراد از آن ، بیش تر از دو هزار درهم است .

امام باقر علیه السلام :همانا ما دنیا را دوست می داریم ، اما دنیا به ما داده نمی شود ؛ و این برای ما خیر است . و هیچ بنده ای نیست که چیزی از دنیا به وی داده شود ، مگر آن که از بهره آخرتش کم نهاده شود . و از شیعیان ما نیست آن کس که صدهزار یا پنجاه هزار یا چهل هزار و یا حتّی توانم گفت : سی هزار [درهم]داشته باشد . و هرگز کسی نتواند ده هزار درهم حلال گرد آورد .

امام صادق علیه السلام :مال را دوست می داریم ؛ اما جز خیر به ما داده نمی شود . و هیچ بنده ای نیست که چیزی از این دنیا به وی داده شود ، مگر آن که از بهره آخرتش کم نهاده شود . و از شیعیان ما نیست آن کس که صد هزار درهم داشته باشد .

امام صادق علیه السلام :چهار هزار [درهم] ، مال محسوب گردد ؛ و دوازده هزار درهم ، زراندوخته به شمار آید . و بیست هزار [درهم] از راه حلال به دست نیاید . و صاحب سی هزار [درهم] نابود گردد . و از شیعیان ما نیست آن کس که صد هزار درهم داشته باشد .

امام صادق علیه السلام :خدا به بنده ای که برایش خیر بخواهد ، سی هزار [درهم]ندهد . و انسان نتواند ده هزار درهم از راه حلال به کف آورد . و گاه خدا برای برخی از اقوام چنین کند . هر گاه کسی معاشش تأمین گردد و عمل شایسته نصیبش گردد ، خداوند برایش دنیا و آخرت را گرد آورده است .

.

عنه علیه السلام :لَیسَ مِن شیعَتِنا مَن مَلَکَ عَشَرَهَ آلافِ دِرهَمٍ ، إلاّ مَن أعطی یَمینا وشِمالاً وقُدّامُ وخَلفُ . (1)

عنه علیه السلام :ما أعطَی اللّهُ مُؤمِنا أکثَرَ مِن أربَعینَ ألفا لِخَیرٍ یُریدُ . (2)

.

1- .مشکاه الأنوار : 476 / 1592 .
2- .مشکاه الأنوار : 476 / 1591 .

ص: 899

امام صادق علیه السلام :از شیعیان ما نیست کسی که ده هزار درهم داشته باشد ، مگر آن که از راست و چپ و پشت و پیش [به همگان] احسان کند .

امام صادق علیه السلام :خداوند هر گاه خیری برای مؤمنی خواهد ، بیش از چهل هزار [درهم] به وی ندهد .

.

معنای زراندوزی در قرآن و حدیث

معنای زراندوزی در قرآن و حدیثحرام شمردن زراندوزی ، از بارزترین و سرنوشت سازترین احکام اسلام شمرده می شود . موضوع زراندوزی را باید از دیدگاه تاریخی ، تربیتی ، تفسیری ، فقهی ، و نیز اقتصادی بررسی کرد . البته تردید نیست که پرداختن به بررسی همه جانبه در این باب ، نیازمند اثری جداگانه است . در این فرصت مختصر ، بحث را بر مدار معنای زراندوزی در قرآن و حدیث متمرکز می کنیم و در مقدمه این سخن ، به مفهوم لغوی و پیشینه تاریخی آن ، اشاره می نماییم . زراندوزی در لغت در لغت ، زراندوزی به این معانی آمده است : مال بر مال نهادن و آن را گردآوردن و پنهان کردن مال ، به ویژه طلا و نقره . البته واژه معادل آن در عربی (= کنز) به «وسیله حفظ مال» نیز اطلاق می شود . پیشینه تاریخی از لحاظ تاریخی ، زراندوزی به روزگار تحول در عرصه فعالیت های اقتصادی باز می گردد ؛ از این قرار که تولید خانواری از مرز نیازهای سالانه خانواده

.

گذشت و بدین ترتیب ، اقتصاد از حالت بدوی معیشتی به شکل مبادله ای درآمد . همراه با چنین تحول و تکاملی در عرصه اقتصاد ، پدیده زراندوزی چهره نمود . با ظهور عنصر مبادله ، هر خانواده توانست کالاهای بیش از نیاز خود را تولید و با دیگران تبادل نماید و گاه پس از این مبادله ، در مجموع تولید خانواده و درآمد آن ، با کسر هزینه مصرف ، افزایشی دیده می شد . برای پس انداز این مقدار اضافه تولید بر مصرف در خانواده ، تنها دو راه متصور بود : یک راه آن بود که این اضافه به شکل ثروت در تولید جدید به کار گرفته می شد . در این حال ، افزایش دائم ثروت صاحبان افزوده اقتصادی ، به اختلاف طبقاتی منجر می شد ؛ اما در عین حال ، فعالیت های اقتصادی را دامن می زد و به طور عام ، شکوفایی تولید را در پی داشت . اما راه دوم آن بود که افزوده ها به کالایی با حجم کم تر ، لیکن با ارزش بیش تر ، تبدیل گردند تا نگاهداری و ذخیره سازی آن ها میسر باشد . مالی که بدین سان ، ذخیره گشت و از مدار حرکت اقتصادی و دسترس و استفاده مردم خارج شد ، زراندوخته نام گرفت . بدین ترتیب ، این عنوان بر مال متراکمی اطلاق شد که در چرخه تولید نقشی نداشته باشد و به بروز اختلاف طبقاتی در جامعه منجر گردد . زراندوزی از این جهت که موجب تراکم و ذخیره سازی اموال می شود ، همانند احتکار است ، اما از لحاظ مفهومی با آن تفاوت دارد: مراد از ذخیره سازی در احتکار ، فروش آن پس از گران شدن کالا است و از این رو ، خودِ کالا برای محتکر بسیار اهمیت دارد . اما در زراندوزی ، هدف از تراکم ثروت ، صرفا افزایش مالی است و لذا خود کالا خصوصیتی ندارد و توجه عمده به عنصر مالیّت متمرکز می شود . به همین دلیل ، طلا و نقره در این زمینه دارای جایگاهی

.

خاص هستند ، چرا که می توان هر زمان آن ها را مبادله کرد و نیز دارای حجم کم هستند . در نتیجه ، این دو ، عمده ترین مواد زراندوزی در گذشته به شمار می رفته اند . مشاهدات تاریخی نشان می دهد که زراندوزان در زمان های پیشین ، برای حفظ زراندوخته های خود ، آن ها را در زمین پنهان می کرده اند . آن چه اکنون بر ما آشکار می شود ، تنها بخشی از آن زراندوخته ها است . شاید به همین جهت بوده که برخی گمان کرده اند زراندوخته باید به شکل مدفون باشد ؛ اما با بررسی آن چه بدان اشاره شد ، درمی یابیم که چنین خصوصیتی لازم نیست . زراندوزی در قرآن در آیه مبارک: «وَالَّذِینَ یَکْنِزُونَ الذَّهَبَ وَالْفِضَّهَ (1) » «و آنان که زر و سیم را می اندوزند . . .» ، مال اندوخته شده به طور مطلق در نظر است و زر و سیم از لحاظ غلبه ذکر گشته است ؛ همچون این آیه : «وَرَبَئِبُکُمُ الَّتِی فِی حُجُورِکُم . (2) » «و دخترانِ زنانتان که در کنار شما پرورش یافته اند» [مراد ، تنها دخترانی نیست که در خانه شوهر دوم پرورش یافته اند ، بلکه این دستور دختران پرورش نیافته در خانه وی را نیز شامل می شود و این قید

.

1- .التوبه: 34.
2- .النساء: 23.

به لحاظ آن است که غالبا آن دختران در خانه پدر خوانده خود پرورش می یابند] . علّت ذکر این دو در آیه مزبور ، آن است که غالبا از زر و سیم برای مال اندوزی استفاده می شده است ؛ و مشاهدات تاریخی این را تأیید می کند . جمله : «وَلاَ یُنفِقُونَهَا فِی سَبِیلِ اللَّهِ» «و آن را در راه خدا انفاق نمی کنند». در ادامه همان آیه ، و نیز جمله «این همان است که برای خود می اندوختید» ، و همچنین حکمت نهفته در تحریم زراندوزی ، همگی نشان می دهند که مراد از کنز در قرآن ، هر مالِ اندوخته شده ای است . بر این اساس ، بیش تر مفسران (1) برآنند که ذکر طلا و نقره در آیه مزبور از باب غلبه است . زراندوزی در حدیث با بررسی روایات ذکر شده در این کتاب ، می توان احادیث مربوط به تفسیر زراندوزی را در سه دسته جای داد: 1 . احادیث دال بر این که کنز یعنی مطلق مال اندوزی ؛ و حتّی شامل اندوختن یک قیراط نیز می شود . 2 . احادیثی که به روشنی دلالت می کنند که زراندوخته شامل مالی است که زکات آن پرداخت نشده باشد و آن چه زکاتش داده شده باشد ، کنز به شمار نیاید . 3 . روایاتی که مقدار معینی از مال را که ماورای آن ، زراندوزی محسوب می شود ، نشان داده اند . این روایات شامل سه دسته هستند:

.

1- .بنگرید به : انظر : التفسیر الکبیر : ج16 ، ص41 ؛ تفسیر مجمع البیان ، ج5 ، ص41 ، تفسیر المنار ، ج10 ، ص395 ، المیزان فی تفسیر القرآن ، ج9 ، ص247 .

أ . احادیث تعیین کننده مقدارهای مختلف مانند 60 شتر یا 2000 درهم یا 12000 درهم . ب . حدیثی که به موجب آن ، مال افزون بر 4000 درهم کنز است ، خواه زکات آن ادا شده و خواه نشده باشد . ج . احادیثی که بنا به آن ها ، مقدارهای گوناگونی برای مالی که انسان می تواند ذخیره کند ، نهاده شده است . برای تبیین این روایات ، باید نکاتی را ذکر کنیم: یک . بیش تر این روایات از نظر سند ضعیفند و از این رو ، نمی توان بدون تأیید مفاد آن ها با قرائن قطعی ، بدان ها استناد کرد . دو . هر گاه این روایات را در کنار احادیث ترسیم کننده حدود انفاق واجب و مستحب در اسلام قرار دهیم ، می توانیم معنای زراندوزی را که در آیه مورد بحث آمده ، دریابیم و این ، خود ، در پرهیز از این پدیده خطرناک اقتصادی اجتماعی نقشی بسزا دارد . برای توضیح این دیدگاه باید توجه کرد که قرآن کریم انفاق در راه خدا را مانع تراکم ثروت و مفاسد ناشی از آن می داند و نیز باید عنایت داشت که بنا به ادله قطعی ، انفاق دارای دو قسم واجب و مستحب است . با نظر به این قرینه که در آیه مزبور ، سرباز زنندگان از انفاق به عذاب بیم داده شده اند ، می توان گفت که مراد ، انفاق واجب است . از همین جا می توان دریافت که هر گاه مردم حقوق مالی خود را ادا کنند ، مشکلات اقتصادی جامعه حل می شود و پیامدهای خطرناک همچون تراکم ثروت از میان می رود و زمینه بروز اختلافات طبقاتی فاحش برچیده می شود و بدین سان ، همه مردم از سطح طبیعی زندگانی مرفه و

.

کریمانه برخوردار می گردند . برخی از احادیث رسیده در این باب ، به شماری از این دستاوردها اشاره دارند . (1) سه . در پرتو دو نکته گذشته ، می توان احادیث مربوط به زراندوزی را بدین شکل تفسیر کرد: یکم . احادیثی که مال ذخیره شده را به طور مطلق ، زراندوخته می شمارند ، در حقیقت ناظر به حقوق مالی واجب هستند . بدین ترتیب ، سرباز زدن از ادای این حقوق ، حتّی به اندازه یک قیراط ، زراندوزی محسوب می شود و فردی که این حقوق را ادا نکند ، مشمول آیه مزبور می گردد . دوم . احادیثی که زراندوزی را درباره اموالی که زکاتشان پرداخت نگردد ، صادق می دانند ، ناظر به حقوق مالی واجب هستند ؛ زیرا هر گاه این حقوق ادا گردند ، مشکلات اقتصادی جامعه حل خواهد شد . بنابراین ، ذخیره سازی ثروت برای کسی که حقوق مالی واجب را ادا کند ، جایز است ؛ البته مادام که به بنیان جامعه زیان نرساند و به اختلافات ژرف طبقاتی نینجامد . و این غیر از معنایی است که کعب الاحبار در پاسخ به عثمان در نظر داشت ؛ آن گاه که عثمان پرسید: «رأی تو چیست درباره کسی که زکات واجب مالش را پرداخته ؛ آیا باز هم وظیفه ای بر عهده او است؟» و او پاسخ داد: «نه! حتّی اگر خشتی از طلا و خشتی از نقره داشته باشد ، چیزی بر او واجب نیست» . (2) شک نیست که اسلام چنین ثروت اندوزی فاحش و مال انباشتگی عظیمی را جایز نمی داند ، به ویژه اگر از بیت المال گرد آمده باشد . (3)

.

1- .بنگرید به: ص13 (پیشدرآمد).
2- .بنگرید به: ص875 (پرهیز دادن از زراندوزی).
3- .بنگرید به: قسمت چهارم در صفحه بعد.

مراد عثمان این بود که زندگی فوق العاده اشرافی خود را با استناد به فتوای کعب الاحبار موجه جلوه دهد ؛ همان گونه که می خواست بر دست اندازی های خویش به بیت المال به سود خویشاوندانش و بخشش های بی حساب و کتابش سرپوش نهد و خود را از سرزنش و انتقادهای اصحاب رسول خدا صلی الله علیه و آله ، به ویژه ابوذر ، بر کنار دارد . تفصیل این بحث ، محتاج فرصتی مستقل است . (1) سوم . احادیث تعیین کننده مقدار معین برای زراندوزی ، ناظر به اوضاع اقتصادی و اجتماعی گوناگون است ، چرا که نیازهای مالی انسان به تناسب اوضاع گوناگون و حجم تورم ، متفاوت است . بدین ترتیب ، افزون بر آن نیازها ، در قلمرو اندوخته هایی جای می گیرد که باید زکات آن را ادا کرد و حقوق مالی واجب آن را پرداخت . چهارم . برخی روایات ، انسان را از ذخیره سازی بیش از مقداری معین منع می کنند ، خواه زکات آن پرداخت گردد و خواه نگردد . نیز برخی احادیث حدّی معین از ثروت را برای انسان مسلمان ذکر می کنند که شایسته است فرد از آن تخطی ننماید . این دو دسته از روایات ، احتمالاً به دو حقیقت مهم اقتصادی در اسلام اشاره دارند: نکته یکم . ذخیره سازی ثروت حلال ، تا زمانی مشروع است که به اقتصاد جامعه زیان نرساند . نکته دوم . این هشداری است برای ثروتمندان پایبند به اصول اسلامی که بدانند ثروت اندوزی حلال هم اگر از حد معینی ، به فراخور اوضاع اقتصادی

.

1- .بنگرید به: دانش نامه امیرالمؤمنین علیه السلام ، ج 3 ، ص 137 : «انگیزه های شورش بر ضد عثمان».

گوناگون ، فراتر رود ، ممکن است برای شخصِ ثروتمند خطر داشته باشد ، حتّی اگر برای اقتصاد جامعه زیانی نداشته باشد . این خطر که ثروتمند را تهدید می کند ، آن است که وی به بیماریِ «اِتْراف [= خوشگذرانی و عیّاشی]» دچار گردد و ثروتش او را به طغیان و فساد بکشاند .

.

1 / 4الخَصائص السّلبيّهِ للثّروه1 / 4 1مادَّهُ الشَّهَواتِرسول اللّه صلى الله عليه و آله :تَقىءُ الأَرضُ أفلاذَ كَبِدِها أمثالَ الاُسطُوانِ مِنَ الذَّهَبِ وَالفِضَّهِ ، فَيَجىءُ القاتِلُ فَيَقولُ : فى هذا قَتَلتُ ، ويَجىءُ القاطِعُ فَيَقولُ : فى هذا قَطَعتُ رَحِمى ، ويَجىءُ السّارِقُ فَيَقولُ : فى هذا قُطِعَت يَدى . ثُمَّ يَدَعونَهُ فَلا يَأخُذونَ مِنهُ شَيئا . (1)

الإمام علىّ عليه السلام :المالُ مادَّهُ الشَّهَواتِ . (2)

عيسى عليه السلام :الدّينارُ داءُ الدّينِ . (3)

1 / 4 2مَصيدَهُ إبليسَرسول اللّه صلى الله عليه و آله :قالَ الشَّيطانُ لَعَنَهُ اللّهُ : لَن يَسلَمَ مِنّى صاحِبُ المالِ مِن إحدى ثَلاثٍ ، أغدو عَلَيهِ بِهِنَّ وأروحُ بِهِنَّ : أخذُهُ المالَ مِن غَيرِ حِلِّهِ ، وإنفاقُهُ فى غَيرِ حَقِّهِ ، واُحَبِّبُهُ إلَيهِ فَيَمنَعُهُ مِن حَقِّهِ . (4)

.

1- .صحيح مسلم: 2/701/62، سنن الترمذى: 4 / 493 / 2208 ، مسند أبى يعلى : 5/432/6143 كلّها عن أبى هريره نحوه ؛ الأمالى للسيّد المرتضى : 1/65 عن أبى هريره نحوه ، بحار الأنوار : 6/310 .
2- .نهج البلاغه : الحكمه 58 ، غرر الحكم : 575 ، بحار الأنوار : 78 / 14 / 72 ؛ مطالب السؤول : 57 .
3- .الخصال : 113 / 91 عن الأصبغ بن نباته عن الإمام علىّ عليه السلام ، روضه الواعظين : 468 ، بحار الأنوار : 14 / 319 / 22 .
4- .المعجم الكبير : 1 / 136 / 288 عن عبد الرحمان ، كنز العمّال : 3 / 235 / 6318 .

1 / 4 ویژگی های منفی ثروت

1 / 4 1 مایه شهوت ها

1 / 4 2 دام ابلیس

1 / 4ویژگی های منفی ثروت1 / 4 1مایه شهوت هاپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :زمین پاره های جگرش را همچون ستون طلا و نقره قی ء می کند . قاتل آید و گوید: «برای این ، مرتکب قتل شدم» . پیوند بریده از خویشان آید و گوید: «برای این ، از خویشان پیوند بریدم» . دزد آید و گوید : «برای این ، دستم بریده شد» . سپس آن را فرا می خوانند و از آن ، هیچ چیز برنمی گیرند .

امام علی علیه السلام :مال ، مایه شهوت ها است .

عیسی علیه السلام :دینار ، آفت دین است .

1 / 4 2دام ابلیسپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :شیطان خدای لعنتش کناد گفت: «دارنده مال در یکی از این سه ، از چنگ من رهایی نیابد و بامدادان و شامگاهان از آن ها بر او درآیم : کسب مال از راه غیر حلال ؛ صرف کردن مال در مورد ناروا ؛ و نیز این که مال را چندان برایش دوست داشتنی می کنم که حق آن را ادا ننماید» .

.

عنه صلى الله عليه و آله :إنَّ الشَّيطانَ قالَ : لَن يَنجُوَ مِنّى الغَنِىُّ مِن إحدى ثَلاثٍ : إمّا اُزَيِّنُهُ فى عَينَيهِ فَيَمنَعُهُ عَن حَقِّهِ ، وإمّا أن اُسَهِّلَ لَهُ سَبيلَهُ فَيُنفِقَهُ فى غَيرِ حَقِّهِ ، وإمّا أن اُحَبِّبَهُ إلَيهِ فَيَكسِبَهُ بِغَيرِ حَقِّهِ . (1)

الإمام الصادق عليه السلام :يَقولُ إبليسُ لَعَنَهُ اللّهُ : ها أعيانى فِى ابنِ آدَمَ فَلَن يُعيِيَنى مِنهُ واحِدَةٌ مِن ثَلاثٍ : أخذُ مالٍ مِن غَيرِ حِلِّهِ ، أو مَنعُهُ مِن حَقِّهِ ، أو وَضعُهُ فى غَيرِ وَجهِهِ . (2)

عنه عليه السلام :إنَّ الشَّيطانَ يُديرُ ابنَ آدَمَ فى كُلِّ شَىءٍ ، فَإِذا أعياهُ جَثَمَ لَهُ عِندَ المالِ فَأخَذَ بِرَقَبَتِهِ . (3)

الأمالى للصدوق عن ابن عبّاس :إنَّ أوَّلَ دِرهَمٍ ودينارٍ ضُرِبا فِى الأَرضِ نَظَرَ إلَيهِما إبليسُ ، فَلَمّا عايَنَهُما أخَذَهُما فَوَضَعَهُما عَلى عَينَيهِ ، ثُمَّ ضَمَّهُمَا إلى صَدرِهِ ، ثُمَّ صَرَخَ صَرخَةً ، ثُمَّ ضَمَّهُما إلى صَدرِهِ ، ثُمَّ قالَ : أنتُما قُرَّةُ عَينى وثَمَرَةُ فُؤادى ، ما اُبالى مِن بَنى آدَمَ إذا أحَبّوكُما أن لا يَعبُدوا وَثَنا ، وحَسبى مِن بَنى آدَمَ أن يُحِبّوكُما . (4)

الإمام الباقر عليه السلام فى قَولِهِ تَعالى : «ثُمَّ لأَتِيَنَّهُم مِّن بَيْنِ أَيْدِيهِمْ (5) » : مَعناهُ : اُهَوِّنُ عَلَيهِم أمرَ الآخِرَهِ ، «و مِن خَلفِهِم» : اُمُرُهُم بِجَمعِ الأَموالِ ، وَالبُخلِ بِها عَنِ الحُقوقِ ؛ لِتَبقى لِوَرَثَتِهِم . (6)

.

1- .الزهد لابن المبارک : 193 / 547 عن أبى سلمه بن عبد الرحمان بن عوف ، كنز العمّال : 6 / 490 / 16677 .
2- .الخصال : 132 / 141 عن عبد الرحمان بن محمّد العرزمى ، مشكاه الأنوار : 260 / 766 ، بحار الأنوار : 75 / 170 / 6 .
3- .. الكافى : 2 / 315 / 4 عن غياث بن إبراهيم ، تنبيه الخواطر : 2 / 206 ، بحار الأنوار : 73 / 22 / 11 .
4- .الأمالى للصدوق : 269 / 296 ، روضه الواعظين : 469 ، بحار الأنوار : 73 / 137 / 3 .
5- .الأعراف : 17 .

6- .تفسير التبيان : 4 / 393 ، تفسير مجمع البيان : 4 / 623 ، بحار الأنوار : 11 / 133 .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :شیطان گوید: «توانگر در یکی از این سه ، از چنگ من رهایی نیابد : یا مال را در چشمش چندان زینت دهم که حق آن را ادا نکند ؛ یا راه را بر وی هموار سازم تا آن را در مورد ناروا مصرف نماید ؛ و یا چندان آن را برایش دوست داشتنی سازم که آن را به ناحق کسب کند» .

امام صادق علیه السلام :ابلیس خدایش لعنت کناد گوید: «من درباره فرزند آدم از یکی از این سه ، درنمانده ام و هرگز نیز درنخواهم ماند : کسب مال از راه غیر حلال ؛ ادا نکردن حق مال ؛ و مصرف آن در مورد ناروا» .

امام صادق علیه السلام :همانا شیطان فرزند آدم را در هر زمینه می گرداند و آن گاه که خسته اش کرد ، نزد مال بر زمینش می زند و گریبانش را می گیرد .

امالی صدوق از ابن عباس:آن گاه که نخستین درهم و دینار زده شدند ، ابلیس به آن دو نگاهی افکند و چون خوب دیدشان ، آن دو را گرفت و بر چشم خود نهاد و سپس به سینه اش چسباند و آن گاه فریادی درآورد و گفت: «شما نور چشم و میوه دل من هستید . چون فرزندان آدم شما را دوست بدارند ، دیگر بیمی ندارم که بت نپرستند ؛ مرا از ایشان همین بس که شما را دوست بدارند» .

امام باقر علیه السلام درباره سخن خدای تعالی: «آن گاه بر ایشان از پیش رویشان و از پشت سرشان درآیم» : معنای «از پیش رویشان» چنین است: کار آخرت را برایشان آسان جلوه می دهم ؛ و معنای «از پشت سرشان» این است: ایشان را به گرد آوردن اموال و بخل ورزیدن در ادای حقوق آن فرمان می دهم تا آن مال برای وارثانشان باقی مانَد .

.

تِفسير القمّىّ :قَولُهُ تَعالى : «لأَتِيَنَّهُم مِّنم بَيْنِ أَيْدِيهِمْ وَ مِنْ خَلْفِهِمْ وَ عَنْ أَيْمَنِهِمْ وَ عَن شَمَآئِلِهِمْ» . . . أمّا خَلفِهِم يَقولُ : مِن قِبَلِ دُنياهُم آمُرُهُم بِجَمعِ الأَموالِ ، وآمُرُهُم أن لا يَصِلوا فى أموالِهِم رَحِما ، ولا يُعطوا مِنهُ حَقّا ، وآمُرُهُم أن يُقَلِّلوا عَلى ذُرِّيّاتِهِم ، واُخَوِّفُهُم عَلَيهِمُ الضَّيعَةَ . (1)

1 / 4 3فِتنَةُ النَّفسِرسول اللّه صلى الله عليه و آله عَن جِبريلَ أنَّهُ قالَ : إنَّ حُبَّ الدُّنيا وَالأَموالِ فِتنَةٌ ، ومَشغَلَةٌ عَنِ الآخِرَهِ . (2)

عنه صلى الله عليه و آله :إنَّ لِكُلِّ اُمَّهٍ فِتنَةً ، وفِتنَةُ اُمَّتِى المالُ . (3)

الإمام علىّ عليه السلام فى صِفَهِ الدُّنيا : مَنِ استَغنى فيها فُتِنَ ، ومَنِ افتَقَرَ فيها حَزِنَ . (4)

.

1- .تفسير القمّى : 1 / 224 ، بحار الأنوار : 11 / 153 / 27 .
2- .الكافى : 5 / 313 / 38 عن أبى بصير عن الإمام الباقر عليه السلام ، بحار الأنوار : 22 / 123 / 92 .
3- .سنن الترمذى : 4/569/2336 ، مسند ابن حنبل : 6/152/17478 ، المستدرک على الصحيحين: 4 / 354 / 7896 ، صحيح ابن حبّان : 8 / 17 / 3223 ، المعجم الكبير : 19 / 179 / 404 كلّها عن كعب بن عياض ، كنز العمّال : 3 / 191 / 6106 ؛ نثر الدرّ : 1 / 194 ، روضه الواعظين : 470 وليس فيه صدره .
4- .نهج البلاغه: الخطبه 82 ، خصائص الأئمّه عليهم السلام: 118، تحف العقول: 201، الأماليللسيّد المرتضى: 1/107، تنبيه الخواطر: 1/88 ، بحار الأنوار: 78/4/53 ؛ مطالب السؤول: 32، المناقب للخوارزمى: 364 / 379 عن عبيداللّه بن محمّد التقى عن شيخ من بنى عدى ، كنز العمّال : 3 / 720 / 8567 .

تفسیر قمی :خدای تعالی فرموده است: «آن گاه بر ایشان از پیش رویشان و از پشت سرشان و از راست و چپشان درآیم» . . . معنای «از پشت سرشان» این است: از جانب دنیاشان به آنان فرمان می دهم که مال گرد آورند و با خویشاوندان خود پیوند نداشته باشند و حقوق آن مال را ادا نکنند و بر خانواده خویش تنگ گیرند و از تباه شدن مالشان بیمشان می دهم .

1 / 4 3فتنه جانپیامبر خدا صلی الله علیه و آله از جبرئیل :همانا دوستی دنیا و اموال ، فتنه و بازداشته شدن از آخرت است .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر امتی را فتنه ای باشد و فتنه امت من مال است .

امام علی علیه السلام در وصف دنیا : هر که در آن ، توانگری یابد ، فریفته گردد و هر که فقیر شود ، به اندوه درافتد .

.

عنه علیه السلام :المالُ فِتنَةُ النَّفسِ ، ونَهبُ الرَّزایا . (1)

عنه علیه السلام :المالُ لِلفِتَنِ سَبَبٌ ، ولِلحَوادِثِ سَلَبٌ . (2)

عنه علیه السلام :حُبُّ المالِ سَبَبُ الفِتَنِ ، وحُبُّ الرِّئاسَهِ رأسُ المِحَنِ . (3)

عنه علیه السلام :الفِتَنُ ثَلاثٌ : حُبُّ النِّساءِ ؛ وهُوَ سَیفُ الشَّیطانِ ، وشُربُ الخَمرِ ؛ وهُوَ فَخُّ الشَّیطانِ ، وحُبُّ الدّینارِ وَالدِّرهَمِ ؛ وهُوَ سَهمُ الشَّیطانِ . (4)

الإمام الکاظم علیه السلام :اللّهُمَّ إنّی أعوذُ بِکَ مِن مالٍ یَکونُ عَلَیَّ فِتنَهً . (5)

1 / 4 4داعِیَهُ التَّعَبِالإمام علیّ علیه السلام :المالُ داعِیَهُ التَّعَبِ ، ومَطِیَّهُ النَّصَبِ . (6)

عنه علیه السلام :صاحِبُ المالِ مَتعوبٌ ، وَالغالِبُ بِالشَّرِّ مَغلوبٌ . (7)

عنه علیه السلام :کُلُّ یَسارِ الدُّنیا إعسارٌ . (8)

.

1- .غرر الحکم : 1988 .
2- .غرر الحکم : 1448 .
3- .غرر الحکم : 4871 .
4- .الخصال : 113 / 91 ، جامع الأخبار : 429 / 1202 کلاهما عن الأصبغ بن نباته ، بحار الأنوار : 2 / 107 / 4 و ج 73 / 140 / 12 .
5- .مصباح المتهجّد : 503/584 ، البلد الأمین: 101، المصباح للکفعمی : 146، بحار الأنوار: 90/153 ؛ المعجم الأوسط : 6 / 199 / 6180 عن ابن عبّاس قال : «کان من دعاء داود النبیّ علیه السلام» .
6- .غرر الحکم : 1449 .
7- .غرر الحکم : 5830 .
8- .غرر الحکم : 6901 .

امام علی علیه السلام :مال فتنه جان و یورش مصیبت ها است .

امام علی علیه السلام :مال برانگیزنده فتنه ها و مایه ناکامیابی در رویدادها است .

امام علی علیه السلام :دوستی مال ، برانگیزنده فتنه ها ؛ و ریاست خواهی سرچشمه اندوه ها است .

امام علی علیه السلام :فتنه ها سه گونه اند: دوستیِ زنان ، که شمشیر شیطان است ؛ شراب نوشی که دام شیطان باشد ؛ و دوستی دینار و درهم ، که تیر شیطان است .

امام کاظم علیه السلام :بار خدایا! به تو پناه جویم از مالی که مرا فتنه باشد .

1 / 4 4فراخوانِ رنجامام علی علیه السلام :مال فراخوانِ رنج و مَرکبِ درد است .

امام علی علیه السلام :دارنده مال در رنج است و آن که به بدی غالب گردد ، در حقیقت مغلوب باشد .

امام علی علیه السلام :همه آسایش دنیا دشواری است .

.

الإمام زين العابدين عليه السلام :مَن أصابَ مِنَ الدُّنيا أكثَرَ ، كانَ فيها أشَدَّ فَقرا ؛ لِأَنَّهُ يَفتَقِرُ إلَى النّاسِ فى حِفظِ أموالِهِ ، ويَفتَقِرُ إلى كُلِّ آلَهٍ مِن آلاتِ الدُّنيا ؛ فَلَيسَ فى غِنَى الدُّنيا راحَهٌ ، ولكِنَّ الشَّيطانَ يُوَسوِسُ إلى ابنِ آدَمَ أنَّ لَهُ فى جَمعِ (ذلِكَ) المالِ راحَهً ، وإنَّما يَسوقُهُ إلَى التَّعَبِ فِى الدُّنيا ، وَالحِسابِ عَلَيهِ فِى الآخِرَهِ . (1)

1 / 4 5نَهبُ الحَوادِثِالإمام علىّ عليه السلام :المالُ نَهبُ الحَوادِثِ . (2)

عنه عليه السلام :لا يَنبَغى لِلعَبدِ أن يَثِقَ بِخَصلَتَينِ : العافِيَهِ وَالغِنى ، بَينا تَراهُ مُعافىً إذ سَقِمَ ، وبَينا تَراهُ غَنِيّا إذِ افتَقَرَ . (3)

1 / 4 6يَعسوبُ الفُجّارِرسول اللّه صلى الله عليه و آله فى وَصفِ عَلِىٍّ عليه السلام : إنَّهُ يَعسوبُ المُؤمِنينَ ، وَالمالُ يَعسوبُ الظَّلَمَهِ . (4)

.

1- .الخصال : 64 / 95 عن الزهرى ، بحار الأنوار : 73 / 92 / 69 .
2- .غرر الحكم : 377 .
3- .نهج البلاغه : الحكمه 426 ، بحار الأنوار : 72 / 68 / 28 .
4- .الإرشاد : 1 / 32 عن أبى ذرّ ، معانى الأخبار : 402 / 64 عن ابن عبّاس وفيه «هو» بدل «إنّه» ، الأمالى للطوسى : 521 / 1147 عن عمر وسلمه ابنى أُمّ سلمه ؛ المعجم الكبير : 6 / 269 / 6184 عن أبى ذرّ وسلمان وفيه «الظالم» بدل «الظلمه» ، تاريخ دمشق : 42 / 42 / 8371 عن ابن عبّاس وح 8370 عن أبى ذرّ وفيه «الكفّار» بدل «الظلمه» ، الاستيعاب : 4 / 307 / 3188 عن أبى ليلى الغفارى وفيه «المنافقين» بدل «الظلمه» .

1 / 4 5 چپاول حوادث

1 / 4 6 سرکرده بدکاران

امام سجاد علیه السلام :هر که از دنیا بیش تر نصیب بَرد ، در آن فقیرتر است ؛ زیرا برای حفظ اموالش به مردم و نیز به هر وسیله دنیایی محتاج است . پس در توانگری دنیا آسایش نباشد ؛ اما شیطان آدمی را وسوسه می کند که اگر مال اندوزد ، آسایش یابد و بدین سان ، او را به رنج دنیا و محاسبه آخرت دچار می کند .

1 / 4 5چپاول حوادثامام علی علیه السلام :مال ، چپاول حوادث است .

امام علی علیه السلام :بنده را نسزد که به دو خصلت دل بندد : تندرستی و توانگری ؛ که تندرستش می بینی و ناگاه بیمار می شود ، و توانگرش می یابی و ناگاه فقیر می گردد .

1 / 4 6سرکرده بدکارانپیامبر خدا صلی الله علیه و آله در وصف علی علیه السلام : همانا او سرکرده مؤمنان است ؛ و مال ، سرکرده ستمگران است .

.

الإمام علىّ عليه السلام :أنَا يَعسوبُ المُؤمِنينَ ، وَالمالُ يَعسوبُ الفُجّارِ . (1)

كنزالعمّال عن أبو مسعر :دَخَلتُ عَلى عَلِيٍّ عليه السلام وبَينَ يَدَيهِ ذَهَبٌ ، فَقالَ عليه السلام : أنَا يَعسوبُ المُؤمِنينَ ، وهذا يَعسوبُ المُنافِقينَ . وقالَ : بى يَلوذُ المُؤمِنونَ ، وبِهذا يَلوذُ المُنافِقونَ . (2)

راجع : ص 918 (التحذير من عباده المال) . ص 922 (ذمّ إيثار المال). ص 934 (مضارّ التكاثر).

1 / 5التَّحذيرُ مِن عِبادَةِ المالِ !رسول اللّه صلى الله عليه و آله :فَواعَجَبا لِقَومٍ آلِهَتُهُم أموالُهُم ، وطالَت آمالُهُم ، وقَصُرَت آجالُهُم ، وهُم يَطمَعونَ فى مُجاوَرَةِ مَولاهُم ، ولا يَصِلونَ إلى ذلِكَ إلاّ بِالعَمَلِ ، ولا يَتِمُّ العَمَلُ إلاّ بِالعَقلِ ! (3)

عنه صلى الله عليه و آله :تَعِسَ عَبدُ الدّينارِ وَالدِّرهَمِ ! الَّذى إنَّما هِمَّتُهُ دينارٌ أو دِرهَمٌ يُصيبُهُ فَيَأخُذُهُ . (4)

.

1- .نهج البلاغه : الحكمه 316 ، الخصال : 633 / 10 عن أبى بصير ومحمّد بن مسلم عن الإمام الصادق عن آبائه عن الإمام علىّ عليهم السلام ، معانى الأخبار : 314 / 1 ، الاختصاص : 151 وفيها «الظلمه» بدل «الفجّار» ، بحار الأنوار : 27 / 89 / 39 ؛ ربيع الأبرار : 4 / 149 ، كنز العمّال : 13 / 119 / 36381 نقلاً عن أبى نعيم .
2- .كنز العمّال : 13/119/36382 نقلاً عن أبى نعيم؛ شرح الأخبار : 1/226/212 وج2/ 278/ 588 كلاهما عن أبى معشر نحوه ، المناقب للكوفى : 1 / 268 / 179 عن ابن مسعر .
3- .جامع الأخبار : 397 / 1100 عن جابر بن عبد اللّه الأنصارى ، بحار الأنوار : 52 / 264 / 148 .
4- .المعجم الأوسط : 4 / 236 / 4073 عن أبى هريره .

امام علی علیه السلام :من سرکرده مؤمنانم ؛ و مال ، سرکرده بدکاران است .

کنز العمّال از ابو مسعر :نزد علی علیه السلام رفتم ، در حالی که تکه طلایی برابرش بود . فرمود : «من پیشوای مؤمنانم ؛ و این پیشوای منافقان است . مؤمنان به من پناه می آورند ؛ و منافقان به این» .

ر .ک : ص919 (پرهیز دادن از مال پرستی) . ص923 (نکوهش ترجیح دادن مال) . ص935 (زیان های فخرفروشی با مال) .

1 / 5پرهیز دادن از مال پرستیپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :بسا شگفتا از مردمی که اموالشان معبودهای ایشانند و آرزوهاشان دراز است و سرآمدهاشان کوتاه ؛ و با این حال ، طمع می برند که به مولای خود نزدیک شوند ؛ حال آن که به این رتبه دست نیابند ، مگر با عمل ؛ و عمل سامان نیابد مگر با عقل .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :بنده دینار و درهم هلاک گردد . همانا همتش صرف دینار و درهمی است که به آن دست یابد و آن را بگیرد .

.

عنه صلى الله عليه و آله :تَعِسَ عَبدُ الدّينارِ وعَبدُ الدِّرهَمِ وعَبدُ الخَميصَةِ ! إن اُعطِيَ رَضِيَ ، وإن لَم يُعطَ سَخِطَ ؛ تَعِسَ وَانتَكَسَ ! وإذا شيكَ فَلاَ انتَقَشَ . طوبى لِعَبدٍ آخِذٍ بِعِنانِ فَرَسِهِ فى سَبيلِ اللّهِ ! أشعَثَ رَأسُهُ ، مُغبَرَّةٍ قَدَماهُ ؛ إن كانَ فِى الحِراسَةِ كانَ فِى الحِراسَةِ ، وإن كانَ فِى السّاقَةِ كانَ فِى السّاقَةِ ؛ إنِ استَأذَنَ لَم يُؤذَن لَهُ ، وإن شَفَعَ لَم يُشَفَّع . (1)

عنه صلى الله عليه و آله :تَعِسَ عَبدُ الدّينارِ ! تَعِسَ عَبدُ الدِّرهَمِ ! تَعِسَ ولاَ انتَعَشَ ! (2)

عنه صلى الله عليه و آله :لُعِنَ عَبدُ الدّينارِ ! لُعِنَ عَبدُ الدِّرهَمِ ! (3)

عنه صلى الله عليه و آله :مَلعونٌ مَلعونٌ مَن عَبَدَ الدّينارَ وَالدِّرهَمَ ! مَلعونٌ مَلعونٌ مَن كَمَّهَ أعمى ! مَلعونٌ مَلعونٌ مَن نَكَحَ بَهيمَةً ! (4)

كشف الغمّه عن الفرزدق :لَقِيَنِى الحُسَينُ عليه السلام فى مُنصَرَفى مِنَ الكوفَةِ فَقالَ : ماوَراءَكَ يا أبا فِراسٍ ؟ قُلتُ : أصدِقُكَ ؟ قالَ عليه السلام : الصِّدقَ اُريدُ . قُلتُ : أمَّا القُلوبُ فَمَعَكَ ، وأمَّا السُّيوفُ فَمَعَ بَنى اُمَيَّةَ ، وَالنَّصرُ مِن عِندِ اللّهِ . قالَ عليه السلام : ما أراكَ إلاّ صَدَقتَ ؛ النّاسُ عَبيدُ المالِ ، وَالدّينُ لَغوٌ عَلى ألسِنَتِهِم ، يَحوطونَهُ ما دَرَّت بِهِ مَعايِشُهُم ، فَإِذا مُحِّصوا بِالبَلاءِ قَلَّ الدَّيّانونَ . (5)

.

1- .صحيح البخارى : 3 / 1057 / 2730 ، المعجم الأوسط : 3 / 94 / 2595 نحوه وكلاهما عن أبى هريره ، كنز العمّال : 3 / 202 / 6170 وراجع سنن ابن ماجه : 2 / 1386 / 4135 وح 4136 .
2- .تنبيه الخواطر : 1 / 159 وج 2 / 120 نحوه .
3- .سنن الترمذى : 4/587/2375 عن أبى هريره ، كنز العمّال : 3 / 194 / 6129 وص 223/6258 .
4- .الكافى : 2 / 270 / 9 عن الحسين بن المختار عن رجل عن الإمام الصادق عليه السلام ، الخصال : 129 / 132 ، معانى الأخبار : 402 / 67 كلاهما عن الحسين بن المختار يرفعه عنه صلى الله عليه و آله ، بحار الأنوار : 73 / 319 / 7 وج 79 / 77 / 2 .

5- .كشف الغمّه : 2 / 244 ، تحف العقول : 245 وفيه «إنّ الناس عبيد الدنيا والدين لعق على ألسنتهم» ، بحار الأنوار : 44 / 195 / 9 .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :بنده دینار و درهم و جامه گرانبها ، هلاک گردد ؛ اگر برخوردار شود ، خشنودی یابد و اگر برخوردار نشود ، خشم گیرد ؛ هلاک شود و سرنگون گردد ؛ و اگر شوکتی یابد ، نتواند از آن بهره گیرد . خوشا به حال بنده ای که در راه خدا زمام اسب خویش گیرد و سرش خاک آلود گردد و قدم هایش غبارآمیز شود ؛ اگر در میان نگاهبانان باشد ، نگاهبانی کند ؛ و اگر در میان سواران یا پیادگان باشد ، به رزم پردازد ؛ چون رخصتِ [فارغ نشستن]خواهد ، رخصتش ندهند ؛ و چون در حق کسی شفاعت نماید ، شفاعتش پذیرفته نگردد .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :بنده دینار هلاک گردد ! بنده درهم هلاک گردد ! نابود شود و پس از فروافتادن برنخیزد !

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :بر بنده دینار لعنت باد ! بر بنده درهم لعنت باد !

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :ملعون است ، ملعون ، آن کس که دینار و درهم را بندگی کند . ملعون است ، ملعون ، آن که نابینایی را به سبب نابینایی اش طعن زند . ملعون است ، ملعون ، آن کس که با چهارپایی درآمیزد .

کشف الغمّه از فرزدق :حسین علیه السلام هنگام بازگشتنم از کوفه ، مرا دید و فرمود : «پشت سر چه خبر بود؟» گفتم: «راست گویمت؟» فرمود: «راستی می خواهم» . گفتم: «دل ها با تو است ؛ اما شمشیرها با بنی امیه است ؛ و پیروزی از جانب خدا باشد» . فرمود: «سخنت را سراسر راست یافتم . مردم بنده مالند ؛ و دین بازیچه زبان های ایشان است ؛ مادام که دین زندگی دنیاشان را تأمین کند ، آن را نگاهبانند ؛ و چون به آزمون مبتلا گردند ، دینداران کم باشند» .

.

1 / 6ذَمُّ إيثارِ المالِلكتاب :«وَ تُحِبُّونَ الْمَالَ حُبًّا جَمًّا . (1) »

«كَلاَّ بَلْ تُحِبُّونَ الْعَاجِلَهَ * وَ تَذَرُونَ الْأَخِرَهَ . (2) »

«إِنَّ هَؤُلاَءِ يُحِبُّونَ الْعَاجِلَهَ وَ يَذَرُونَ وَرَآءَهُمْ يَوْمًا ثَقِيلاً . (3) »

«وَ إِنَّهُ لِحُبِّ الْخَيْرِ لَشَدِيدٌ . (4) »

«وَ لَوْ لاَ أَن يَكُونَ النَّاسُ أُمَّهً وَ حِدَهً لَّجَعَلْنَا لِمَن يَكْفُرُ بِالرَّحْمَنِ لِبُيُوتِهِمْ سُقُفًا مِّن فِضَّهٍ وَ مَعَارِجَ عَلَيْهَا يَظْهَرُونَ * وَ لِبُيُوتِهِمْ أَبْوَ بًا وَ سُرُرًا عَلَيْهَا يَتَّكِئُونَ * وَ زُخْرُفًا وَ إِن كُلُّ ذَ لِکَ لَمَّا مَتَعُ الْحَيَوهِ الدُّنْيَا وَ الْأَخِرَهُ عِندَ رَبِّکَ لِلْمُتَّقِينَ . (5) »

«الْمَالُ وَ الْبَنُونَ زِينَهُ الْحَيَوهِ الدُّنْيَا وَ الْبَقِيَتُ الصَّلِحَتُ خَيْرٌ عِندَ رَبِّکَ ثَوَابًا وَ خَيْرٌ أَمَلاً . (6) »

«قُلْ إِن كَانَ ءَابَآؤُكُمْ وَ أَبْنَآؤُكُمْ وَ إِخْوَ نُكُمْ وَ أَزْوَ جُكُمْ وَ عَشِيرَتُكُمْ وَ أَمْوَ لٌ اقْتَرَفْتُمُوهَا وَ تِجَرَهٌ تَخْشَوْنَ كَسَادَهَا وَ مَسَكِنُ تَرْضَوْنَهَآ أَحَبَّ إِلَيْكُم مِّنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَ جِهَادٍ فِى سَبِيلِهِ فَتَرَبَّصُواْ حَتَّى يَأْتِىَ اللَّهُ بِأَمْرِهِ وَ اللَّهُ لاَ يَهْدِى الْقَوْمَ الْفَسِقِينَ . (7) »

.

1- .الفجر : 20 .
2- .القيامه : 20 و21 .
3- .الدهر : 27 .
4- .العاديات : 8 .
5- .الزخرف : 33 35 .
6- .الكهف : 46 .
7- .التوبه : 24 .

1 / 6نکوهش ترجیح دادن مالقرآن:«و مال را دوست می دارید ، دوست داشتنی تمام و بسیار .»

«نه چنان است؛ بلکه شما این جهان شتابان را دوست می دارید * و آن جهان را فرو می گذارید .»

«همانا اینان این [دنیای] شتابان و زودگذر را دوست می دارند و روزی گران [= رستاخیز]را پشت سرشان می افکنند.»

«و به راستی وی سخت مال دوست است.»

«و اگر نه آن بود که مردمان همه یک امت می گشتند [همه دنیاجو می شدند و به کفر می گراییدند] ، هر آینه کسانی را که به خدای رحمان کافر می شوند ، برای خانه هاشان سقف هایی از نقره می ساختیم و نیز نردبان هایی [از نقره] که بر آن ها بالا روند * و هم برای خانه هاشان ، درها و تخت هایی [از زر یا سیم می ساختیم] که بر آن ها تکیه زنند * و نیز زیورهایی [زرین] . و این همه نیست مگر کالا و برخورداری زندگانی این جهان؛ و آن جهان نزد پروردگار تو ویژه پرهیزگاران است .»

«مال و فرزندان آرایش زندگانی این جهان است؛ و کارهای نیک پایدار به نزد پروردگار تو به پاداش ، بهتر و امید داشتن به آن ها نیکوتر است.»

«بگو : اگر پدرانتان و پسرانتان و برادرانتان و همسرانتان و خویشاوندانتان و مال هایی که به دست آورده اید و بازرگانی ای که از بی رونقی آن می ترسید و خانه هایی که به آن ها دلخوشید ، به نزد شما از خدا و پیامبر او و جهاد در راه او دوست داشتنی ترند ، پس منتظر باشید تا خدا فرمان خویش بیاورد؛ و خدا مردم نافرمان را راه ننماید .»

.

«يَأَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُواْ لاَ تُلْهِكُمْ أَمْوَ لُكُمْ وَ لاَ أَوْلَدُكُمْ عَن ذِكْرِ اللَّهِ وَ مَن يَفْعَلْ ذَ لِکَ فَأُوْلَئِکَ هُمُ الْخَسِرُونَ . (1) »

«وَمِنْهُم مَّن يَلْمِزُکَ فِى الصَّدَقَتِ فَإِنْ أُعْطُواْ مِنْهَا رَضُواْ وَ إِن لَّمْ يُعْطَوْاْ مِنْهَآ إِذَا هُمْ يَسْخَطُونَ » . (2)

الحديث :الكافى عن إسحاق بن غالب :قالَ لى أبو عَبدِ اللّهِ عليه السلام : يا إسحاقُ ، كَم تَرى أصحابَ هذِهِ الآيَهِ : «إِنْ أُعْطُواْ مِنْهَا رَضُواْ وَ إِن لَّمْ يُعْطَوْاْ مِنْهَآ إِذَا هُمْ يَسْخَطُونَ» ؟ ثُمَّ قالَ : هُم أكثَرُ مِن ثُلُثَيِ النّاسِ . (3)

رسول اللّه صلى الله عليه و آله :ما ذِئبانِ جائِعانِ فى غَنَمٍ قَد فَرَّقَها راعِيها ، أحَدُهُما فى أوَّلِها وَالآخَرُ فى آخِرِها ، بِأفسَدَ فيها مِن [إفسادِ] حُبِّ المالِ وَالشَّرَفِ فى دينِ المَرءِ المُسلِمِ . (4)

عنه صلى الله عليه و آله :يا أبا ذَرٍّ ، حُبُّ المالِ وَالشَّرَفِ أذهَبُ لِدينِ الرَّجُلِ مِن ذِئبَينِ ضارِيَينِ فى زَربِ الغَنَمِ فَأغارا فيها حَتّى أصبَحا ، فَماذا أبقَيا مِنها ؟! (5)

.

1- .المنافقون : 9 .
2- .التوبه : 58 .
3- .الكافى : 2 / 412 / 4 ، تفسير العيّاشى : 2 / 89 / 62 ، الزهد للحسين بن سعيد : 47 / 126 ، بحار الأنوار : 73 / 125 / 118 وج 96 / 56 / 1 .
4- .الزهد للحسين بن سعيد : 58 / 155 عن علىّ بن مغيره عن أخ له عن الإمام الصادق عليه السلام ، الكافى : 2 / 315 / 2 عن حمّاد بن بشير عن الإمام الصادق عليه السلام وح 3 عن محمّد بن مسلم عن الإمام الباقر عليه السلاموكلاهما نحوه وراجع المؤمن : 55 / 141 .
5- .مكارم الأخلاق : 2 / 369 / 2661 ، تنبيه الخواطر : 2 / 57 كلاهما عن أبى ذرّ ، بحار الأنوار : 77 / 80 / 3 .

«ای کسانی که ایمان آورده اید ، مال ها و فرزندانتان شما را از یاد کردِ خدا سرگرم نکنند؛ و هر که چنان کند ، ایشانند زیانکاران .»

«و از آنان کسانی اند که بر تو در صدقه ها [= تقسیم زکات] خرده می گیرند؛ پس اگر از آن بدهندشان ، خشنود می شوند و اگر از آن ندهندشان ، آن گاه ناخشنود و خشمگین می گردند . (1) »

حدیث:الکافی از اسحاق بن غالب:امام صادق علیه السلام مرا فرمود: «ای اسحاق! شمار مشمولان این آیه را چند تن می بینی : «اگر از آن بدهندشان ، خشنود می شوند و اگر از آن ندهندشان ، آن گاه ناخشنود و خشمگین می گردند» ؟» و سپس خود فرمود: «آنان بیش از دو سوم مردمند» .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :فسادی که دوستیِ مال و ریاست ، برای دین انسان مسلمان دارد ، بیش از آن است که دو گرگ گرسنه در گله گوسفندی بدون چوپان درافتند و یکی به اوّل گله و دیگری به آخر آن یورش برد .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :ای ابوذر! دوستیِ مال و ریاست برای تباه کردن دین انسان ، خطرناک تر از آن است که دو گرگ درنده در آغل گوسفندان افتند و تا بامدادان آن ها را بدرند ؛ آن گاه از ایشان چه باقی نهند؟

.

1- .این آیه زمانی نازل شد که زکات ها در رسید و توانگران گمان کردند پیامبر صلی الله علیه و آله آن را میان ایشان تقسیم می کند؛ اما چون وی زکات را میان فقرا تقسیم کرد ، آنان بر او خرده گرفتند و گفتند: «ما همانانیم که به جنگ می پردازیم و همراه وی نبرد می کنیم و پشتیبانی اش می نماییم؛ ولی او زکات را به کسانی می دهد که یاور او نیستند و به حالش سودی ندارند» . چنین بود که خداوند فرمود: «و چه خوب بود اگر بدانچه خدای و پیامبرش به ایشان بدهند ، خرسند گردند و گویند: خدای ما

را بس است؛ به زودی خدا ما را از فزون بخشی خویش بدهد و پیامبرش نیز؛ که ما به خدا گراینده و امیدواریم» . (تفسیر قمی ، ج 1 ، ص 298).

عنه صلى الله عليه و آله :إنَّ الدّينارَ وَالدِّرهَمَ أهلَكا مَن كانَ قَبلَكُم ، وهُما مُهلِكاكُم . (1)

عنه صلى الله عليه و آله :تَبّا لِهذَا الذَّهَبِ وَالفِضَّهِ ، فَما أخدَعَهُما لِعَقلِ الرَّجُلِ ! (2)

عنه صلى الله عليه و آله :إيّاكُم وأولادَ الأَغنِياءِ وَالمُلوكِ المُردَ ! فَإِنَّ فِتنَتَهُم أشَدُّ مِن فِتنَهِ العَذارى فى خُدورِهِنَّ . (3)

الإمام علىّ عليه السلام :مَن يَستَأثِر مِنَ الأَموالِ يَهلِک . (4)

عنه عليه السلام :المالُ يُكرِمُ صاحِبَهُ فِى الدُّنيا ، ويُهينُهُ عِندَ اللّهِ سُبحانَهُ . (5)

عنه عليه السلام :إذا أحَبَّ اللّهُ سُبحانَهُ عَبدا بَغَّضَ إلَيهِ المالَ ، وقَصَّرَ مِنهُ الآمالَ ؛ إذا أرادَ اللّهُ بِعَبدٍ شَرّا حَبَّبَ إلَيهِ المالَ ، وبَسَطَ مِنهُ الآمالَ . (6)

عنه عليه السلام :المالُ يُفسِدُ المَآلَ ، ويُوَسِّعُ الآمالَ . (7)

عنه عليه السلام :حُبُّ المالِ يُفسِدُ المَآلَ . (8)

عنه عليه السلام :المالُ يُقَوِّى الآمالَ . (9)

.

1- .الكافى : 2 / 316 / 6 ، الخصال : 43 / 37 كلاهما عن الحارث عن الإمام علىّ عليه السلام ، مشكاه الأنوار : 227/630 عن الإمام علىّ عليه السلام عنه صلى الله عليه و آله ، بحار الأنوار : 73/23/12 ؛ المعجم الكبير: 10/95/10069 عن عبد اللّه ، حليه الأولياء : 4 / 112 عن أبى موسى وكلاهما نحوه ، كنز العمّال : 3 / 191 / 6107 و ص 223 / 6257 نقلاً عن الخطيب فى المتّفق والمفترق عن ابن مسعود .
2- .تنبيه الخواطر : 2 / 120 .
3- .الكافى : 5 / 548 / 8 عن السكونى عن الإمام الصادق عليه السلام ، الجعفريّات : 91 .

4- .تحف العقول : 217 ، بحار الأنوار : 78 / 56 / 118 .
5- .غرر الحكم : 1836 وح 1885 نحوه .
6- .غرر الحكم : 4110 وح 4111 .
7- .غرر الحكم : 1427 .
8- .غرر الحكم : 4874 .
9- .غرر الحكم : 577 .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :دینار و درهم پیشینیان شما را هلاک کردند و شما را نیز هلاک کنند .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :نیست باد این طلا و نقره ؛ که عقل انسان را چه سان می ربایند !

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :برحذر باشید از فرزندان نوخطِ توانگران و شاهان ؛ که فتنه ایشان آفت بارتر از فتنه دوشیزگان پرده نشین است .

امام علی علیه السلام :هر که خواهد اموال را از آن خویش کند ، هلاک گردد .

امام علی علیه السلام :مال ، صاحب خویش را در دنیا گرامی سازد و نزد خدای سبحان خوار گرداند .

امام علی علیه السلام :هر گاه خدای سبحان بنده ای را دوست دارد ، او را از مال بیزار گرداند و آرزوهایش را کوتاه نماید ؛ و چون بر بنده ای شر بخواهد ، مال را برایش دوست داشتنی سازد و آرزوهایش را دراز گرداند .

امام علی علیه السلام :مال ، فرجام را تباه گرداند و آرزوها را فراوان سازد .

امام علی علیه السلام :دوستیِ مال ، عاقبت را تباه کند .

امام علی علیه السلام :مال ، آرزوها را نیرو بخشد .

.

عنه عليه السلام :حُبُّ المالِ يُقَوِّى الآمالَ ، ويُفسِدُ الأَعمالَ . (1)

عنه عليه السلام :حُبُّ المالِ يوهِنُ الدّينَ ، ويُفسِدُ اليَقينَ . (2)

عنه عليه السلام :لا تَركَنوا إلى ذَخائِرِ الأَموالِ ؛ فَتُخَلِّيَكُم خَدائِعَ الآمالِ . (3)

عنه عليه السلام :ثَروَةُ الجاهِلِ فى مالِهِ وأمَلِهِ . (4)

عنه عليه السلام :العاقِلُ يَطلُبُ الكَمالَ ؛ الجاهِلُ يَطلُبُ المالَ . (5)

عنه عليه السلام :اللُّؤمُ إيثارُ المالِ عَلَى الرِّجالِ . (6)

عنه عليه السلام :اللُّؤمُ إيثارُ حُبِّ المالِ عَلى لَذَّةِ الحَمدِ وَالثَّناءِ . (7)

عنه عليه السلام :مَن كَرُمَ عَلَيهِ المالُ هانَت عَلَيهِ الرِّجالُ . (8)

عنه عليه السلام فى وَصِيَّتِهِ لِابنِهِ الحَسَنِ عليه السلام : فَلتَكُن مَسأَلَتُكَ فى ما يَبقى لَكَ جَمالُهُ ، ويُنفى عَنكَ وَبالُهُ ؛ فَالمالُ لا يَبقى لَكَ ولا تَبقى لَهُ . (9)

عنه عليه السلام :ما يَصنَعُ بِالمالِ مَن عَمّا قَليلٍ يُسلَبُهُ ، وتَبقى عَلَيهِ تَبِعَتُهُ وحِسابُهُ ؟ ! (10)

.

1- .غرر الحكم : 4875 .
2- .غرر الحكم : 4876 .
3- .الأمالى للطوسى : 652 / 1353 عن شريح القاضى ، بحار الأنوار : 77 / 371 / 35 .
4- .غرر الحكم : 4709 .
5- .غرر الحكم : 579 .
6- .غرر الحكم : 1324 .
7- .غرر الحكم : 1846 .
8- .غرر الحكم : 8636 .

9- .نهج البلاغه : الكتاب 31 ، كشف المحجّه : 228 عن عمر بن أبى المقدام عن الإمام الباقر عنه عليهماالسلام ، تحف العقول : 75 نحوه ، بحار الأنوار : 77 / 205 / 1 .
10- .نهج البلاغه : الخطبه 157 ، بحار الأنوار : 77 / 431 / 46 نقلاً عن عيون الحكم والمواعظ .

امام علی علیه السلام :دوستیِ مال ، آرزوها را نیرومند گرداند و اعمال را فاسد نماید .

امام علی علیه السلام :مال دوستی ، دین را سست و یقین را تباه سازد .

امام علی علیه السلام :به ذخیره های مالی دل مبندید ؛ که شما را اسیر فریب آرزوها گردانند .

امام علی علیه السلام :ثروت نادان در مال و آرزویش نهفته است .

امام علی علیه السلام :خردمند در پی کمال است و نادان به دنبال مال .

امام علی علیه السلام :فرومایگی آن است که مال بر انسان ها ترجیح داده شود .

امام علی علیه السلام :برگزیدن مال دوستی بر لذتِ سپاس و ستایش ، فرومایگی است .

امام علی علیه السلام :هر که مال نزدش گرامی باشد ، انسان ها در نظرش خوارند .

امام علی علیه السلام در سفارشش به فرزندش حسن علیه السلام : پس باید چیزی را بخواهی که زیبایی اش برایت پایدار بماند و تباهی و سختی اش از تو دور باشد . مال ، نه برای تو ماند و نه تو برای آن مانی .

امام علی علیه السلام :چه تواند کرد با مال ، آن که پس از اندک زمانی ، مالش از او ستانده شود و تنها پیامد و حسابرسی اش بر وی مانَد؟

.

الإمام زين العابدين عليه السلام :أوَّلُ ما عُصِيَ اللّهُ بِهِ الكِبرُ . . . ثُمَّ الحَسَدُ ؛ وهِيَ مَعصِيَهُ ابنِ آدَمَ حَيثُ حَسَدَ أخاهُ فَقَتَلَهُ ، فَتَشَعَّبَ مِن ذلِکَ : . . . حُبُّ العُلُوِّ وَالتَّروَهِ . (1)

الإمام الصادق عليه السلام :إنَّ عيسَى بنَ مَريَمَ عليه السلام تَوَجَّهَ فى بَعضِ حَوائِجِهِ ومَعَهُ ثَلاثَهُ نَفَرٍ مِن أصحابِهِ ، فَمَرَّ بِلَبِناتٍ ثَلاثٍ مِن ذَهَبٍ عَلى ظَهرِ الطَّريقِ ، فَقالَ عيسى عليه السلامِلأَصحابِهِ : إنَّ هذا يَقتُلُ النّاسَ ! ثُمَّ مَضى ، فَقالَ أحَدُهُم : إنَّ لى حاجَهً ، قالَ : فَانصَرَفَ ، ثُمَّ قالَ آخَرُ : إنَّ لى حاجَهً ، فَانصَرَفَ ، ثُمَّ قالَ الآخَرُ : لى حاجَهٌ ، فَانصَرَفَ . فَوافَوا عِندَ الذَّهَبِ ثَلاثَتُهُم ، فَقالَ اثنانِ لِواحِدٍ : اِشتَرِ لَنا طَعاما . فَذَهَبَ يَشتَرى لَهُما طَعاما ، فَجَعَلَ فيهِ سَمّا لِيَقتُلَهُما كَى لا يُشارِكاهُ فِى الذَّهَبِ . وقالَ الاِثنانِ : إذا جاءَ قَتَلناهُ كَى لا يُشارِكَنا . فَلَمّا جاءَ قاماَ إلَيهِ فَقَتَلاهُ ، ثُمَّ تَغَدَّيا فَماتاَ . فَرَجَعَ إلَيهِم عيسى عليه السلاموهُم مَوتى حَولَهُ ، فَأحياهُم بِإذنِ اللّهِ تَعالى ذِكرُهُ ثُمَّ قالَ : ألَم أقُل لَكُم : إنَّ هذا يَقتُلُ النّاسَ؟ ! (2)

إحياء علوم الدين عن جرير عن ليث :صَحِبَ رَجُلٌ عيسَى بنَ مَريَمَ عليه السلامفَقالَ : أكونُ مَعَکَ وأصحَبُکَ ، فَانطَلَقا فَانتَهَيا إلى شَطِّ نَهرٍ ، فَجَلَسا يَتَغَدَّيانِ ومَعَهُما ثَلاثَهُ أرغِفَهٍ ، فَأكَلا رَغيفَينِ وبَقِىَ رَغيفٌ ثالِثٌ ، فَقامَ عيسى عليه السلامإلَى النَّهرِ فَشَرِبَ ، ثُمَّ رَجَعَ فَلَم يَجِدِ الرَّغيفَ ، فَقالَ لِلرَّجُلِ : مَن أخَذَ الرَّغيفَ ؟ فَقالَ : لا أدرى . قالَ : فَانطَلَقَ ومَعَهُ صاحِبُهُ ، فَرَأى ظَبيَهً ومَعَها خَشفانِ لَها ، قالَ : فَدَعا أحَدَهُما فَأتاهُ ، فَذَبَحَهُ فَاشتَوى مِنهُ ، فَأكَلَ هُوَ وذلِکَ الرَّجُلُ ، ثُمَّ قالَ لِلخَشفِ : قُم بِإذنِ اللّهِ ، فَقامَ فَذَهَبَ ، فَقالَ لِلرَّجُلِ : أسأَلُکَ بِالَّذى أراکَ هذِهِ الآيَهَ مَن أخَذَ الرَّغيفَ ؟ قالَ : لا أدرى . قالَ : ثُمَّ انتَهَيا إلى وادى ماءٍ ، فَأخَذَ عيسى عليه السلامبِيَدِ الرَّجُلِ فَمَشَيا عَلَى الماءِ ، فَلَمّا جاوَزا قالَ لَهُ : أسأَلُکَ بِالَّذى أراکَ هذِهِ الآيَهَ مَن أخَذَ الرَّغيفَ ؟ فَقالَ : لا أدرى . فَانتَهَيا إلى مَفازَهٍ فَجَلَسا ، فَأخَذَ عيسى عليه السلاميَجمَعُ تُرابا وكَثيبا ، ثُمَّ قالَ : كُن ذَهَبا بِإذنِ اللّهِ ، فَصارَ ذَهَبا ، فَقَسَمَهُ ثَلاثَهَ أثلاثٍ ، ثُمَّ قالَ : ثُلُثٌ لى وثُلُثٌ لَکَ وثُلُثٌ لِمَن أخَذَ الرَّغيفَ، فَقالَ: أنَا أخَذتُ الرَّغيفَ، فَقالَ: كُلُّهُ لَکَ، وفارَقَهُ عيسى عليه السلام. فَانتَهى إلَيهِ رَجُلانِ فِى المَفازَهِ ومَعَهُ المالُ ، فَأرادا أن يَأخُذاهُ مِنهُ ويَقتُلاهُ ، فَقالَ : هُوَ بَينَنا أثلاثا ، فَابعَثوا أحَدَكُم إلَى القَريَهِ حَتّى يَشتَرِىَ لَنا طَعاما نَأكُلُهُ ، قالَ: فَبَعَثوا أحَدَهُم ، فَقالَ الَّذى بُعِثَ: لِأىِّ شَىءٍ أُقاسِمُ هؤُلاءِ هذَا المالَ؟ لكِنّى أضَعُ فى هذَا الطَّعامِ سَمّا فَأقتُلُهُما وآخُذُ المالَ وَحدى ! قالَ : فَفَعَلَ . وقالَ

ذانِکَ الرَّجُلانِ : لِأیِّ شَیءٍ نَجعَلُ لِهذا ثُلَثَ المالِ ؟ ولکِن إذا رَجَعَ قَتَلناهُ وَاقتَسَمنَا المالَ بَینَنا ! قالَ : فَلَمّا رَجَعَ إلَیهِما قَتَلاهُ ، وأکَلاَ الطَّعامَ فَماتا ، فَبَقِیَ ذلِکَ المالُ فِی المَفازَهِ ، وأُولئِکَ الثَّلاثَهُ عِندَهُ قَتلی . فَمَرَّ بِهِم عیسی علیه السلامعَلی تِلکَ الحالَهِ ، فَقالَ لِأَصحابِهِ : هذِهِ الدُّنیا فَاحذَروها ! (3)

.

1- .الکافی : 2 / 130 / 11 وص 2 / 317 / 8 کلاهما عن الزهری ، مشکاه الأنوار : 465 / 1555 ، بحار الأنوار : 73 / 19 / 9 وص 59 / 29 .
2- .الأمالی للصدوق : 247 / 267 عن عبد اللّه بن طلحه وإسماعیل بن جابر وعمّار بن مروان ، روضه الواعظین : 469 ، بحار الأنوار : 14 / 284 / 5 و ج 73 / 143 / 26 .
3- .إحیاء علوم الدین : 3 / 399 ؛ الدرّالمنثور : 2 / 220 نحوه ؛ المحجّه البیضاء : 6 / 103 .

امام سجاد علیه السلام :نخستین مایه سرپیچی از خدا غرور . . . و آن گاه حسد است ؛ و آن ، گناه فرزند آدم است که به برادرش حسد ورزید و او را کشت و از همان ، این ها شاخه گرفت: . . . و دوستیِ مقام و ثروت .

امام صادق علیه السلام :عیسی بن مریم علیه السلام همراه سه تن از یارانش ، در پی کاری روان شد . بر سه شمش طلا که بر جاده افتاده بود ، برگذشت . به یارانش فرمود : «همانا این ، مردم را می کشد» . سپس راه خود گرفت . یکی از آن یاران گفت: «مرا کاری است» ؛ و بازگشت . دیگری هم چنین گفت و بازگشت . سومی نیز همین گفت و بازگشت . سپس [هر سه به سوی آن شمش آمدند و] دو تن از ایشان به سومی گفتند: «برای ما غذایی فراهم کن» . وی در پی تدارک غذا روان شد و در آن سمی ریخت تا آن دو را بکشد و خود به تنهایی صاحب آن زر گردد . آن دو نیز گفتند:«چون وی باز آید ، او را بکشیم تا در آن زر ، شریک ما نگردد» . چون باز آمد ، به وی هجوم آورده ، او را کشتند و سپس خود از آن غذا خوردند و مردند . پس عیسی علیه السلام به سوی ایشان بازگشت و دید که مرده ، در پیرامونش افتاده اند . به رخصت خدای که والاست یادش ، ایشان را زنده کرد و فرمود: «آیا به شما نگفتم : همانا این ، مردم را می کشد؟ »

احیاء علوم الدین از جریر از لیث :مردی با عیسی بن مریم علیه السلامهمراه گشت و گفت: «با تو همراه و همدم گردم» . پس روان شدند و رفتند تا به رودخانه ای رسیدند . نشستند تا غذا بخورند . سه قرص نان داشتند ؛ دو قرص را خوردند و یکی ماند . عیسی علیه السلامبه سوی رود رفت و آب آشامید . چون بازگشت ، آن قرص نان را نیافت . به آن مرد گفت: «چه کس آن قرص نان را برداشت؟» گفت: «نمی دانم» . پس همراه وی روان شد و آهویی دید که دو آهوبره با او همراه بودند . یکی را پیش خواند و او پیش آمد ؛ پس ذبحش کرد و بریانش نمود . سپس وی و آن مرد از آن خوردند . آن گاه ، به آن آهوبره فرمود: «به رخصت خدای ، برخیز» . آن آهوبره [زنده شد و] برخاست و برفت . پس به آن مرد فرمود: «از تو به حق آن کس که این نشانه را به تو نمایاند ، می خواهم که بگویی آن قرص نان را چه کس برداشت» . گفت: «نمی دانم» . سپس رفتند تا به آبراهه ای رسیدند . پس عیسی علیه السلامدست آن مرد را گرفت و بر آب راه سپردند . چون گذشتند ، فرمود: «از تو به حق آن کس

که این نشانه را به تو نمایاند ، می خواهم که بگویی آن قرص نان را چه کس برداشت» . پس رفتند تا به بیابانی رسیدند و نشستند . عیسی علیه السلام قدری خاک و ریگ برگرفت و فرمود: «به رخصت خدای ، طلا شو» . آن خاک و ریگ ، طلا گشت . عیسی علیه السلام آن را به سه بخش تقسیم فرمود و فرمود: «یک سوم ، از آنِ من ؛ یک سوم از آنِ تو ؛ و یک سوم از آنِ کسی که آن قرص نان را برداشت» . گفت: «من آن قرص نان را برداشتم» . فرمود : «همه از آن تو باشد» . سپس از او جدا گشت . سپس دو مرد در آن بیابان به وی رسیدند ، حال آن که آن مال با وی بود . خواستند آن را از وی بگیرند و او را بکشند . وی گفت: «بیایید آن را میان خود ، سه بخش کنیم . پس یکی از شما به آبادی ای رود که غذایی برای ما بخرد تا بخوریم» . سپس یکی از خویش را فرستادند ؛ او با خود گفت: «چرا اینان را با خود در این مال شریک سازم؟ من در این غذا سمی می ریزم و آن دو را می کشم و خود ، این مال را به تنهایی صاحب می شوم» . پس چنین کرد . آن دو هم گفتند: «چرا یک سوم مال را به وی دهیم؟ چون بازگردد ، وی را می کشیم و مال را میان خویش تقسیم می کنیم» . آن گاه که بازگشت ، آن دو وی را کشتند و از آن غذا خوردند و مردند . پس آن مال در بیابان بماند و آن سه در کنارش مرده افتادند . عیسی علیه السلام در آن حالت بر ایشان برگذشت و به یارانش فرمود: «این است دنیا ؛ پس از آن ، برحذر باشید» .

.

ص: 932

راجع : ص 940 (مضارّ التّكاثر) .

.

ص: 933

ر .ک : ص941 (زیان های فخرفروشی با ثروت).

.

1 / 7مَضارُّ التَّكاثُرِ أعظَمُ مِن مَضارِّ الفَقرِرسول اللّه صلى الله عليه و آله :ما أخشى عَلَيكُمُ الفَقرَ ، ولكِن أخشى عَلَيكُمُ التَّكاثُرَ . (1)

عنه صلى الله عليه و آله :أخوَفُ ما أخافُ عَلى اُمَّتى زَهرَةُ الدُّنيا وكَثرَتُها . (2)

عنه صلى الله عليه و آله :أخوَفُ ما أخافُ عَلى اُمَّتى أن يَكثُرَ لَهُمُ المالُ فَيَتَحاسَدوا ويَقتَتِلوا . (3)

عنه صلى الله عليه و آله :إنّى لَستُ أخشى عَلَيكُم أن تُشرِكوا ، ولكِنّى أخشى عَلَيكُمُ الدُّنيا أن تَنافَسوها . (4)

عنه صلى الله عليه و آله :إنَّما أتَخَوَّفُ عَلى اُمَّتى مِن بَعدى ثَلاثَ خِصالٍ : أن يَتَأَوَّلُوا القُرآنَ عَلى غَيرِ تَأويلِهِ ، أو يَبتَغوا زَلَّةَ العالِمِ ، أو يَظهَرَ فيهِمُ المالُ حَتّى يَطغَوا ويَبطَروا . (5)

.

1- .مسند ابن حنبل : 3 / 178 / 8080 وص 646 / 10958 وفيه «واللّه ما أخشى» ، المستدرک على الصحيحين : 2 / 582 / 3970 ، شُعب الإيمان : 7 / 282 / 10314 كلّها عن أبى هريره ، كنز العمّال : 3 / 220 / 6241 .
2- .تفسير الطبرى : 13 / الجزء 25 / 30 عن قتاده ، تفسير الكشّاف : 3 / 404 ؛ تفسير نور الثقلين : 4 / 579 / 91 .
3- .تنبيه الخواطر : 1 / 127 .
4- .صحيح البخارى : 4 / 1486 / 3816 وج 1 / 451 / 1279 نحوه ، السنن الكبرى : 4/ 21 / 6810، الطبقات الكبرى : 2 / 205 ، الزهد لابن المبارک : 175 / 504 كلّها عن عقبه بن عامر ، كنز العمّال : 3 / 219 / 6238 .
5- .الخصال : 164 / 216 عن محمّد بن كعب ، بحار الأنوار : 72 / 63 / 7 .

1 / 7زیان های فخرفروشی با ثروت ، بیش از زیان های فقر استپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :من از فقر بر شما بیم ندارم ؛ اما از فخرفروشی با ثروت ، بر شما بیم دارم .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :آن چه بیش از همه بر امت خود ، از آن بیمناکم ، شکوه و افزونیِ دنیا است .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :بیش از هر چیز ، بر امت خود ، از آن بیم دارم که مالشان فراوان گردد و حسد ورزند و یکدیگر را بکشند .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :من بر شما از شرک ورزیدن بیم ندارم ؛ بلکه از آن بیم دارم که در دنیا اندوزی زیاده روی کنید .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :جز این نیست که بر امت خود ، پس از خویش ، از سه چیز می ترسم : قرآن را ناروا تأویل کنند ؛ به دنبال لغزش عالم روند ؛ و یا آن قدر مال در میانشان رواج یابد که به سرکشی و طغیان درافتند .

.

عنه صلى الله عليه و آله :لَأَنَا فى فِتنَهِ السَّرّاءِ أخوَفُ عَلَيكُم مِن فِتنَهِ الضَّرّاءِ ؛ إنَّكُم قَدِ ابتُليتُم بِفِتنَهِ الضَّرّاءِ فَصَبَرتُم ، وإنَّ الدُّنيا خَضِرَهٌ حُلوَهٌ . (1)

صحيح مسلم عن أبو سعيد الخدريّ :قالَ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله : أخوَفُ ما أخافُ عَلَيكُم ما يُخرِجُ اللّهُ لَكُم مِن زَهرَهِ الدُّنيا . قالوا : وما زَهرَهُ الدُّنيا يا رَسولَ اللّهِ ؟ قالَ : بَرَكاتُ الأَرضِ . (2)

السنن الكبرى عن عبد اللّه بن حواله :كُنّا عِندَ رَسولِ اللّهِ صلى الله عليه و آلهفَشَكَونا إلَيهِ العُرىَ وَالفَقرَ وقِلَّهَ الشَّىءِ ، فَقالَ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله : أبشِروا ! فَوَاللّهِ لَأَنَا بِكَثرَهِ الشَّىءِ أخوَفُنى عَلَيكُم مِن قِلَّتِهِ . (3)

مسند ابن حنبل عن عوف بن مالک :إنَّ رَسولَ اللّهِ صلى الله عليه و آله قامَ فى أصحابِهِ فَقالَ : آلفَقرَ تَخافونَ؟ ! أوِ العَوَزَ؟ ! أو تُهِمُّكُمُ الدُّنيا ؟ ! فَإنَّ اللّهَ فاتِحٌ لَكُم أرضَ فارِسَ وَالرُّومِ ، وتُصَبُّ عَلَيكُمُ الدُّنيا صَبّا حَتّى لا يُزيغَنَّكُم بَعدى إن أزاغَكُم إلاّ هِىَ . (4)

مسند ابن حنبل عن أبو ذرّ :قامَ أعرابِىٌّ إلى رَسولِ اللّهِ صلى الله عليه و آلهفَقالَ : يا رَسولَ اللّهِ ، أكَلَتنَا الضَّبُعُ . قالَ : غَيرُ ذلِکَ أخوَفُ لى عَلَيكُم ؛ الدُّنيا إذا صُبَّت عَلَيكُم صَبّا ، فَيا لَيتَ اُمَّتى لا يَلبَسونَ الذَّهَبَ ! (5)

.

1- .مسند أبى يعلى : 1 / 364 / 776 ، شُعب الإيمان : 7 / 280 / 10308 ، حليه الأولياء : 1 / 93 كلّها عن سعد [ابن أبى وقّاص] ، كنز العمّال : 3 / 257 / 6431 .
2- .صحيح مسلم : 2/728/122 ، صحيح البخارى : 5/2362/6063 نحوه ؛ تنبيه الخواطر : 1/133 .
3- .السنن الكبرى : 9 / 302 / 18609 ، حليه الأولياء : 2 / 3 ، دلائل النبوّه لأبى نعيم : 2 / 546 / 478 ، كنز العمّال : 14 / 155 / 38218 .
4- .مسند ابن حنبل : 9/256/24037 ، المعجم الكبير : 18/52/93 ، وراجع سنن ابن ماجه : 1/4/ 5 .

5- .مسند ابن حنبل : 8 / 85 / 21428 وص 130/21603 ، المعجم الأوسط : 4/198/3964 كلاهما نحوه ، كنز العمّال : 3 / 219 / 6239 .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر آینه من از فتنه گشاده دستی ، بیش از فتنه تنگدستی ، بر شما بیمناکم . شما به فتنه تنگدستی آزموده شده اید ؛ پس شکیبا باشید که دنیا خوش نقش و شیرین است .

صحیح مسلم از ابوسعید خدری :رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «بیش از هر چیز ، از شکوه و زیبایی دنیا که خدا ارزانی تان می دارد ، بر شما بیمناکیم» . گفتند: «ای رسول خدا صلی الله علیه و آله! شکوه دنیا چیست؟» فرمود: «برکت های زمین» .

السنن الکبری از عبداللّه بن حواله:نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله بودیم و از بی جامگی و فقر و کم مایگی به او شکایت بردیم . فرمود : «مژده باد شما را ؛ به خدا سوگند که از پُرمایگی بیش از کم مایگی بر شما بیمناکم» .

مسند ابن حنبل از عوف بن مالک:رسول خدا صلی الله علیه و آله در میان یارانش به پا خاست و فرمود: «آیا از فقر بیم دارید یا از تنگدستی یا دنیا برای شما اهمیت دارد؟ همانا خداوند سرزمین فارس و روم را بر شما می گشاید و دنیا بسی فراوان بر شما نعمت ریزد ، چندان که پس از من ، هیچ چیز جز دنیا مایه گمراهی شما نگردد .»

مسند ابن حنبل از ابوذر :عربی بیابان نشین نزد رسول خدا صلی الله علیه و آلهآمد و گفت: «قحطی ما را کشت» . فرمود: «بر شما از چیزی بیش از این می ترسم . و آن ، هنگامی است که دنیا بسیار بر شما نعمت ریزد . ای کاش امت من طلا بر خویش نمی پوشاندند» .

.

سنن ابن ماجه عن أبو الدرداء :خَرَجَ عَلَينا رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله‌ونَحنُ نَذكُرُ الفَقرَ ونَتَخَوَّفُهُ ، فَقالَ : آلفَقرَ تَخافونَ ؟! وَالَّذى نَفسى بِيَدِهِ لَتُصَبَّنَّ عَلَيكُمُ الدُّنيا صَبّا حَتّى لا يُزيغَ قَلبَ أحَدِكُم إزاغَةً إلاّ هِيَه! وَايمُ اللّهِ ، لَقَد تَرَكتُكُم عَلى مِثلِ البَيضاءِ ، لَيلُها ونَهارُها سَواءٌ . (1)

صحيح البخارى عن أبو سعيد الخدرىّ :إنَّ النَّبِىَّ صلى الله عليه و آله جَلَسَ ذاتَ يَومٍ عَلَى المِنبَرِ وجَلَسنا حَولَهُ ، فَقالَ : إنّى مِمّا أخافُ عَلَيكُم مِن بَعدى ما يُفتَحُ عَلَيكُم مِن زَهرَةِ الدُّنيا وزينَتِها . فَقالَ رَجُلٌ : يا رَسولَ اللّهِ ، أوَ يَأتِى الخَيرُ بِالشَّرِّ ؟ فَسَكَتَ النَّبِىُّ صلى الله عليه و آله . فَقيلَ لَهُ : ما شَأنُکَ تُكَلَّمُ النَّبِىَّ صلى الله عليه و آلهولا يُكَلِّمُکَ ؟! فَرَأينا أنَّهُ يُنزَلُ عَلَيهِ ، قالَ : فَمَسَحَ عَنهُ الرُّحَضاءَ ، فَقالَ : أينَ السّائِلُ ؟ وكَأنَّهُ حَمِدَهُ فَقالَ : إنَّهُ لا يَأتِى الخَيرُ بِالشَّرِّ ، وإنَّ مِمّا يُنبِتُ الرَّبيعُ يَقتُلُ أو يُلِمُّ ، إلاّ آكِلَةَ الخَضراءِ أكَلَت حَتّى إذَا امتَدَّت خاصِرَتاهَا استَقبَلَت عَينَ الشَّمسِ ، فَثَلَطَت وبالَت ورَتَعَت وإنَّ هذَا المالَ خَضِرَةٌ حُلوَةٌ ، فَنِعمَ صاحِبُ المُسلِمِ ما أعطى مِنهُ المِسكينَ وَاليَتيمَ وَابنَ السَّبيلِ أو كَما قالَ النَّبِىُّ صلى الله عليه و آله وإنَّهُ مَن يَأخُذُهُ بِغَيرِ حَقِّهِ كَالَّذى يَأكُلُ ولا يَشبَعُ ، ويَكونُ شَهيدا عَلَيهِ يَومَ القِيامَهِ . (2)

صحيح البخارى عن عمرو بن عوف :إنَّ رَسولَ اللّهِ صلى الله عليه و آله بَعَثَ أبا عُبَيدَةَ بنَ الجَرّاحِ إلَى البَحرَينِ يَأتى بِجِزيَتِها ، وكانَ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آلههُوَ صالَحَ أهلَ البَحرَينِ وأمَّرَ عَلَيهِمُ العَلاءَ بنَ الحَضرَمِىِّ . فَقَدِمَ أبو عُبَيدَةَ بِمالٍ مِنَ البَحرَينِ ، فَسَمِعَتِ الأنصارُ بِقُدومِ أبى عُبَيدَةَ ، فَوافَت صَلاةَ الصُّبحِ مَعَ النَّبِىِّ صلى الله عليه و آله ، فَلَمّا صَلّى بِهِمُ الفَجرَ انصَرَفَ ، فَتَعَرَّضوا لَهُ ، فَتَبَسَّمَ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آلهحينَ رَآهُم وقالَ : أظُنُّكُم قَد سَمِعتُم أنَّ أبا عُبَيدَةَ قَد جاءَ بِشَىءٍ ! قالوا : أجَل يا رَسولَ اللّهِ . قالَ : فَأبشِروا وأمِّلوا ما يَسُرُّكُم ! فَوَاللّهِ لاَ الفَقرَ أخشى عَلَيكُم ، ولكِن أخشى عَلَيكُم أن تُبسَطَ عَلَيكُمُ الدُّنيا كَما بُسِطَت عَلى مَن كانَ قَبلَكُم ، فَتَنافَسوها كَما تَنافَسوها ، وتُهلِكَكُم كَما أهلَكَتهُم . (3)

.

1- .سنن ابن ماجه : 1 / 4 / 5 ، كنز العمّال : 11 / 370 / 31778 .
2- .صحيح البخارى: 2/532/1396، صحيح مسلم: 2/729/123، مسندابن حنبل:4/181/11865، سنن النسائى : 5 / 90 كلّها نحوه وراجع سنن ابن

ماجه : 2 / 1323 / 3995 .
3- .صحيح البخارى : 3 / 1152 / 2988 وج 4 / 1473 / 3791 وليس فيه «صلّى بهم الفجر» ، صحيح مسلم : 4 / 2274 / 6 ، سنن ابن ماجه : 2/1324/3997 ، سنن الترمذى : 4/641/2462 ، مسند ابن حنبل : 6 / 105 / 17234 كلاهما نحوه ، كنز العمّال : 3 / 199 / 6161 .

سنن ابن ماجه از ابودرداء :رسول خدا صلی الله علیه و آله بر ما وارد شد ، در حالی که از فقر سخن گفته ، از آن بیمناک بودیم . فرمود: «آیا از فقر می ترسید؟ سوگند به آن که جانم در دست او است ، دنیا آن قدر بر شما نعمت ریزد که هیچ چیز جز آن ، دلتان را به باطل نگرایاند ، به خدا سوگند! شما را ترک کردم [در حالی که هیچ مالی باقی ننهادم]همچون صفحه ای سراسر سپید که تاریک و روشنش یکسان باشد» .

صحیح البخاری از ابو سعید خدری :روزی پیامبر صلی الله علیه و آله بر منبر نشست و ما گردش فراز آمدیم . فرمود: «پس از خویش ، بر شما از زیبایی دنیا و زیور آن بیمناکم» . مردی گفت : «ای رسول خدا صلی الله علیه و آله! آیا خیر ، شر می آورد؟» پیامبر سکوت کرد . به آن مرد گفته شد : «چه کرده ای که با پیامبر سخن می گویی و او پاسخت نمی دهد؟» سپس دیدیم که پیامبر به حالت دریافت وحی است . پس عرق از رخسار خود زدود و فرمود : «آن پرسنده کجا است؟» گویا قصد ستودنش را داشته باشد . سپس فرمود : «هر آینه خیر ، شر نمی آورد . برخی از آن چه بهار [از زمین] می رویاند ، می کُشد یا نزدیک است که بکُشد ؛ مگر برای علف خواری که آن قدر می خورد تا برابر قرص خورشید پای دراز کند و سرگین افکند و بول کند و بچرد . همانا این مال ، خرم و شیرین است . پس نیکو است مالی که همراه مسلمانی باشد که از آن ، به بینوا و یتیم و در راه مانده احسان ورزد یا تعبیری دیگر که پیامبر فرموده است ؛ و هر آینه آن کس که مال را به ناروا فراهم آورد ، همانند همان است که می خورد و سیر نمی شود ؛ و روز قیامت ، مال بر زیان وی گواهی دهد» .

صحیح البخاری از عمرو بن عوف :رسول خدا صلی الله علیه و آله ابوعبیده بن جراح را به بحرین فرستاد تا جزیه آن را بستاند . پیش تر ، پیامبر صلی الله علیه و آله با مردم بحرین مصالحه نموده ، علاء بن حضرمی را بر ایشان به ولایت گماشته بود . پس ابوعبیده با مالی از بحرین بازگشت . انصار شنیدند که وی باز آمده است . او نماز صبح را با پیامبر به جای آورد و چون نماز را با ایشان نهاد ، خواست بازگردد . افراد بر راه او درآمدند . رسول خدا صلی الله علیه و آله با دیدن آنان لبخندی زد و فرمود: «گمان دارم که شنیده اید ابوعبیده با مالی باز آمده است» . گفتند: «آری ؛ ای رسول خدا صلی الله علیه و آله!» فرمود: «پس شادمان باشید و به آن چه خرسندتان کند ، امیدواری ورزید! به خدا سوگند ؛ من از فقر بر شما بیم

ندارم ؛ بلکه از آن بر شما می ترسم که دنیا بر شما گشاده گردد ، همان گونه که بر پیشینیانتان بود ؛ و آن گاه در آن به رقابت و افزون خواهی پردازید ، همان گونه که پیشنیانتان پرداختند ؛ و شما را هلاک سازد ، همان سان که ایشان را هلاک کرد» .

.

صحيح البخارى عن عقبه بن عامرٍ :صَلّى رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله عَلى قَتلى اُحُدٍ بَعدَ ثَمانى سِنينَ كَالمُوَدِّعِ لِلأَحياءِ وَالأَمواتِ ، ثُمَّ طَلَعَ المِنبَرَ فَقالَ : إنّى بَينَ أيديكُم فَرَطٌ ، وأنَا عَلَيكُم شَهيدٌ ، وإنَّ مَوعِدَكُمُ الحَوضُ ، وإنّى لَأَنظُرُ إلَيهِ مِن مَقامى هذا ، وإنّى لَستُ أخشى عَلَيكُم أن تُشرِكوا ، ولكِنّى أخشى عَلَيكُمُ الدُّنيا أن تَنافَسوها . قالَ : فَكانَت آخِرَ نَظرَةٍ نَظَرتُها إلى رَسولِ اللّهِ صلى الله عليه و آله . (1)

1 / 8مَضارُّ التَّكاثُر1 / 8 1الطُّغيانالكتاب :«وَ لَوْ بَسَطَ اللَّهُ الرِّزْقَ لِعِبَادِهِ لَبَغَوْاْ فِى الْأَرْضِ . (2) »

.

1- .صحيح البخارى : 4/1486/3816 ، السنن الكبرى : 4/21/6810 ، كنز العمّال: 3/219/6238 وراجع مسند ابن حنبل : 6 / 129 / 17349 .
2- .الشورى : 27 .

1 / 8 زیان های فخرفروشی با ثروت

1 / 8 1 سرکشی

صحیح البخاری از عقبه بن عامر :رسول خدا صلی الله علیه و آله پس از هشت سال ، بر کشتگان اُحد درود داد ، همچون درود دادن به زندگان و مردگان . سپس بر منبر فراز گشت و فرمود : «من پیش تر از شما از دنیا می روم بر شما گواه خواهم بود ؛ و با من بر کناره حوض وعده خواهید داشت که من از همین جایگاه آن را می بینم . بیم من از آن نیست که شرک ورزید ؛ بلکه از آن بیم دارم که بر سر دنیا رقابت کنید» . و این ، واپسین بار بود که رسول خدا صلی الله علیه و آله را دیدم .

1 / 8زیان های فخرفروشی با ثروت1 / 8 1سرکشیقرآن:«و اگر خداوند روزی را بر بندگان خود فراخ می کرد ، هر آینه در زمین ، ستم و سرکشی می کردند .»

«آری؛ هر آینه آدمی سرکشی می کند و از حد می گذرد * از آن رو که خود را بی نیاز و توانگر بیند .»

.

«كَلاَّ إِنَّ الاْءِنسَنَ لَيَطْغَى * أَن رَّءَاهُ اسْتَغْنَى . (1) »

«لَّقَدْ سَمِعَ اللَّهُ قَوْلَ الَّذِينَ قَالُواْ إِنَّ اللَّهَ فَقِيرٌ وَ نَحْنُ أَغْنِيَآءُ سَنَكْتُبُ مَا قَالُواْ وَ قَتْلَهُمُ الْأَنبِيَآءَ بِغَيْرِ حَقٍّ وَ نَقُولُ ذُوقُواْ عَذَابَ الْحَرِيقِ . (2) »

الحديث :الإمام علىّ عليه السلام :إنَّما أُنزِلَت هذِهِ الآيَهُ فى أصحابِ الصُّفَّهِ : «وَ لَوْ بَسَطَ اللَّهُ الرِّزْقَ لِعِبَادِهِ لَبَغَوْاْ فِى الْأَرْضِ وَ لَكِن يُنَزِّلُ بِقَدَرٍ مَّا يَشَآءُ» ؛ وذلِكَ أنَّهُم قالوا : لَو أنَّ لَنا ! فَتَمَنَّوُا الدُّنيا . (3)

عنه عليه السلام :الغِنى يُطغى . (4)

عنه عليه السلام فى بَيانِ عَجائِبِ قَلبِ الإنسانِ : إن أفادَ مالاً أطغاهُ الغِنى ، وإن عَضَّتهُ فاقَهٌ شَغَلَهُ البَلاءُ ، وإن أصابَتهُ مُصيبَهٌ فَضَحَهُ الجَزَعُ . (5)

عنه عليه السلام :ثَروَهُ المالِ تُردى وتُطغى وتَفنى . (6)

.

1- .العلق : 6 و 7 .
2- .آل عمران : 181 .
3- .المستدرک على الصحيحين : 2 / 483 / 3663 عن عبد اللّه بن سخبره ، الدرّالمنثور : 7 / 352 نقلاً عن غير واحدٍ .
4- .غرر الحكم : 23 .
5- .الكافى : 8 / 21 / 4 عن جابر بن يزيد عن الإمام الباقر عليه السلام ، نهج البلاغه : الحكمه 108 ، الإرشاد : 1 / 301 ، علل الشرايع : 109 / 7 عن محمّد بن سنان يرفعه إلى الإمام علىّ عليه السلام ، خصائص الأئمّه عليهم السلام : 98 ، تحف العقول : 95 ؛ كنز العمّال : 1 / 349 / 1567 نقلاً عن حليه الأولياء .
6- .غرر الحكم : 4707 .

«همانا خداوند سخن کسانی را که گفتند : خدا نیازمند است و ما توانگریم ، شنید . زودا که آن چه را گفتند و این که پیامبران را به ناحق کشتند ، بنویسیم و گوییم: بچشید عذاب سوزان را.»

حدیث:امام علی علیه السلام :جز این نیست که این آیه درباره یاران صُفّه نازل گشت: «و اگر خداوند روزی را بر بندگان خود فراخ می کرد ، هر آینه در زمین ، ستم و سرکشی می کردند . لیکن بدان اندازه که خواهد ، نازل فرماید» . و این از آن روی بود که گفتند: «کاش از آن ما بود !» پس دنیا را آرزو کردند .

امام علی علیه السلام :توانگری سرکشی آورد .

امام علی علیه السلام در بیان شگفتی های دل آدمی : اگر از مال بهره مند گردد ، توانگری به سرکشی اش کشاند ؛ و اگر تنگدستی به او روی آورد ، بلا وی را به خود سرگرم سازد ؛ و اگر مصیبتی به وی رسد ، بی تابی رسوایش کند .

امام علی علیه السلام :مال اندوزی مایه هلاکت و سرکشی و نیستی است .

.

1 / 8 2نِسيانُ اللّهِالكتاب :«يَأَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُواْ لاَ تُلْهِكُمْ أَمْوَ لُكُمْ وَ لاَ أَوْلَدُكُمْ عَن ذِكْرِ اللَّهِ وَ مَن يَفْعَلْ ذَ لِکَ فَأُوْلَئِکَ هُمُ الْخَسِرُونَ . (1) »

الحديث :رسول اللّه صلى الله عليه و آله :اِحذَرُوا المالَ ! فَإِنَّهُ كانَ فى ما مَضى رَجُلٌ قَد جَمَعَ مالاً ووَلَدا وأقبَلَ عَلى نَفسِهِ (وعِيالِهِ) وجَمَعَ لَهُم فَأَوعى ، فَأَتاهُ مَلَکُ المَوتِ فَقَرَعَ بابَهُ وهُوَ فى زِىِّ مِسكينٍ ، فَخَرَجَ إلَيهِ الحُجّابُ ، فَقالَ لَهُم : اُدعوا إلَىَّ سَيِّدَكُم . قالوا : أوَ يَخرُجُ سَيِّدُنا إلى مِثلِکَ ؟! ودَفَعوهُ حَتّى نَحَّوهُ عَنِ البابِ ثُمَّ عادَ إلَيهِم فى مِثلِ تِلکَ الهَيئَةِ وقالَ : اُدعوا إلَىَّ سَيِّدَكُم وأخبِروهُ أنّى مَلَکُ المَوتِ . فَلَمّا سَمِعَ سَيِّدُهُم هذَا الكَلامَ قَعَدَ (خائِفا) فَرِقا ، وقالَ لِأَصحابِهِ : لَيِّنُوا لَهُ فِى المَقالِ وقولوا لَهُ : لَعَلَّکَ تَطلُبُ غَيرَ سَيِّدِنا بارَکَ اللّهُ فيکَ ! قالَ لَهُم : لا . ودَخَلَ عَلَيهِ وقالَ لَهُ : قُم فَأَوصِ ما كُنتَ موصِيا ؛ فَإِنّى قابِضٌ روحَکَ قَبلَ أن أخرُجَ . فَصاحَ أهلُهُ وبَكَوا ، فَقالَ : اِفتَحُوا الصَّناديقَ وَاكتُبوا (أكِبّوا) ما فيهِ مِنَ الذَّهَبِ وَالفِضَّةِ . ثُمَّ أقبَلَ عَلَى المالِ يَسُبُّهُ ويَقولُ لَهُ : لَعَنَکَ اللّهُ يا مالُ ! أنسَيتَنى ذِكرَ رَبّى ، وأغفَلتَنى عَن أمرِ آخِرَتى ؛ حَتّى بَغَتَنى مِن أمرِ اللّهِ ما قَد بَغَتَنى . فَأنطَقَ اللّهُ تَعالَى المالَ فَقالَ : لِمَ تَسُبُّنى وأنتَ ألأَمُ مِنّى ؟! ألَم تَكُن فى أعيُنِ النّاسِ حَقيرا فَرَفَعوکَ لَمّا رَأَوا عَلَيکَ مِن أثَرى ؟! ألَم تَحضُرِ أبوابَ المُلوكِ وَالسّادَةِ ويَحضُرُهَا الصّالِحونَ فَتَدخُلَ قَبلَهُم ويُؤَخَّرونَ ؟! ألَم تَخطُب بَناتِ المُلوكِ وَالسّاداتِ ويَخطُبُهُنَّ الصّالِحونَ فَتُنكَحُ ويُرَدّونَ؟ ! فَلَو كُنتَ تُنفِقُنى فى سَبيلِ الخَيراتِ لَم أمتَنِع عَلَيکَ ، ولَو كُنتَ تُنفِقُنى فى سَبيلِ اللّهِ لَم أنقُص عَلَيکَ ، فَلِمَ تَسُبُّنى وأنتَ ألأَمُ مِنّى ؟! وإنَّما خُلِقتُ أنَا وأنتَ مِن تُرابٍ ؛ فَأنطَلِقُ (تُرابا بَريئا) ومُنطَلِقٌ أنتَ بِإِثمى . هكَذا يَقولُ المالُ لِصاحِبِهِ ! (2)

.

1- .المنافقون : 9 .
2- .عدّه الداعى : 95 ، بحار الأنوار : 103 / 24 / 27 .

1 / 8 2فراموش کردن خداقرآن:«ای کسانی که ایمان آورده اید ، مال ها و فرزندانتان شما را از یاد کرد خدا سرگرم نکنند؛ و هر که چنان کند ، ایشانند زیانکاران .»

حدیث:پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :از مال برحذر باشید ؛ که در روزگاران پیش ، مردی بود که مال و فرزند گرد می آورد و به خود و خانواده اش می پرداخت و برای ایشان مال جمع می کرد . پس فرشته مرگ نزد وی آمد و در جامه بینوایی ، در بکوفت . دربانان به سوی وی رفتند . به آنان گفت: «سرور خود را نزد من فراخوانید» . گفتند: «آیا سرور ما به دیدار کسی چون تو آید؟» سپس وی را راندند تا از آستانه خانه دورش کردند . دیگر بار ، آن فرشته با همان شکل آمد و گفت: «سرور خود را نزد من فراخوانید و آگاهش کنید که من فرشته مرگم» . سرور آنان چون این کلام را شنید ، بیمناک و بس هراسان برنشست و به یارانش گفت: «با وی نرم سخن رانید و به وی بگویید : خدایت برکت دهاد! شاید به دنبال کسی جز سرور ما هستی » . گفت: «نه!» سپس بر وی درون شد و به او گفت: «برخیز و هر چه خواهی ، وصیت کن ؛ که من پیش از بیرون شدن ، جانت را می ستانم» . خانواده اش بانگ برآورده ، گریستند . مرد گفت: «صندوق ها را بگشایید و هر چه زر و سیم در آن است ، فهرست گیرید» . آن گاه ، آن مرد به مال خود روی کرد و آن را دشنام داده ، گفت: «خدایت لعنت کناد! یاد پروردگارم را از خاطرم بردی و از کار آخرت غافلم کردی ؛ چندان که مرا در کار خدا به سرکشی واداشتی» . سپس خدای تعالی آن مال را به سخن درآورد . مال گفت: «چرا مرا دشنام می دهی ، حال آن که تو از من نکوهیده تر هستی؟ آیا تو در چشم مردم ، کوچک نبودی و چون اثر مرا در تو دیدند ، گرامی ات داشتند؟ آیا در محضر شاهان و بزرگان ، همراه شایستگان حضور نیافتی و پیش از ایشان وارد نشدی؟ آیا دختران شاهان و بزرگان را به همسری نگرفتی ، حال آن که شایستگان هم آنان را خواستگار بودند ، اما تو پذیرفته شدی و ایشان پذیرفته نگشتند؟ اگر مرا در راه خیرها صرف می کردی ، تو را باز نمی داشتم ؛ و اگر در راه خدا مصرفم می نمودی ، تو را نکوهش نمی کردم . پس چرا مرا دشنام می دهی ، حال آن که تو از من نکوهیده

تری؟ من و تو از خاک آفریده شدیم ؛ و اینک من همان خاک پاکم و تو به گناه من آلوده ای» . چنین گوید مال به صاحب خویش!

.

الكافى عن أبو بصير :سَمِعتُ أبا جَعفَرٍ عليه السلام يَقولُ : كانَ عَلى عَهدِ رَسولِ اللّهِ صلى الله عليه و آلهمُؤمِنٌ فَقيرٌ شَديدُ الحاجَهِ مِن أهلِ الصُّفَّهِ ، وكانَ مُلازِما لِرَسولِ اللّهِ صلى الله عليه و آلهعِندَ مَواقيتِ الصَّلاهِ كُلِّها لا يَفقِدُهُ فى شَىءٍ مِنها ، وكانَ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله يَرِقُّ لَهُ ويَنظُرُ إلى حاجَتِهِ وغُربَتِهِ فَيَقولُ : يا سَعدُ ، لَو قَد جاءَنى شَىءٌ لأَغنَيتُكَ . قالَ : فَأبطَأَ ذلِكَ عَلى رَسولِ اللّهِ صلى الله عليه و آله ، فَاشتَدَّ غَمُّ رَسولِ اللّهِ صلى الله عليه و آلهلِسَعدٍ ، فَعَلِمَ اللّهُ سُبحانَهُ ما دَخَلَ عَلى رَسولِ اللّهِ مِن غَمِّهِ لِسَعدٍ ، فَأهبَطَ عَلَيهِ جَبرَئيلَ عليه السلام ومَعَهُ دِرهَمانِ ، فَقالَ لَهُ : يا مُحَمَّدُ ، إنَّ اللّهَ قَد عَلِمَ ما قَد دَخَلَكَ مِنَ الغَمِّ لِسَعدٍ ، أفَتُحِبُّ أن تُغنِيَهُ ؟ فَقالَ : نَعَم ، فَقالَ لَهُ : فَهاكَ هذَينِ الدِّرهَمَينِ فَأعطِهِما إيّاهُ ومُرهُ أن يَتَّجِرَ بِهِما . قالَ : فَأخَذَ [هُما] رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله ، ثُمَّ خَرَجَ إلى صَلاهِ الظُّهرِ وسَعدٌ قائِمٌ عَلى بابِ حُجُراتِ رَسولِ اللّهِ صلى الله عليه و آله يَنتَظِرُهُ ، فَلَمّا رَآهُ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله قالَ : يا سَعدُ ، أتُحسِنُ التِّجارَهَ ؟ فَقالَ لَهُ سَعدٌ : وَاللّهِ ما أصبَحتُ أملِكُ مالاً أتَّجِرُ بِهِ ، فَأعطاهُ النَّبِىُّ صلى الله عليه و آلهالدِّرهَمَينِ وقالَ لَهُ : اِتَّجِر بِهِما وتَصَرَّف لِرِزقِ اللّهِ . فَأخَذَهُما سَعدٌ ومَضى مَعَ النَّبِىِّ صلى الله عليه و آله حَتّى صَلّى مَعَهُ الظُّهرَ وَالعَصرَ ، فَقالَ لَهُ النَّبِىُّ صلى الله عليه و آله : قُم فَاطلُبِ الرِّزقَ ؛ فَقَد كُنتُ بِحالِكَ مُغتَمّا يا سَعدُ . قالَ : فَأقبَلَ سَعدٌ لا يَشتَرى بِدِرهَمٍ شَيئا إلاّ باعَهُ بِدِرهَمَينِ ، ولا يَشتَرى شَيئا بِدِرهَمَينِ إلاّ باعَهُ بِأربَعَهِ دَراهِمَ ، فَأقبَلَتِ الدُّنيا عَلى سَعدٍ ؛ فَكَثُرَ مَتاعُهُ ومالُهُ وعَظُمَت تِجارَتُهُ ، فَاتَّخَذَ عَلى بابِ المَسجِدِ مَوضِعا وجَلَسَ فيهِ فَجَمَعَ تِجارَتَهُ إلَيهِ ، وكانَ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آلهإذا أقامَ بِلالٌ لِلصَّلاهِ يَخرُجُ وسَعدٌ مَشغولٌ بِالدُّنيا ؛ لَم يَتَطَهَّر ولَم يَتَهَيَّأ كَما كانَ يَفعَلُ قَبلَ أن يَتَشاغَلَ بِالدُّنيا ، فَكانَ النَّبِىُّ صلى الله عليه و آله يَقولُ : يا سَعدُ ، شَغَلَتكَ الدُّنيا عَنِ الصَّلاهِ ! فَكانَ يَقولُ : ما أصنَعُ؟ ! أُضَيِّعُ مالى ؟ ! هذا رَجُلٌ قَد بِعتُهُ فَأُريدُ أن أستَوفِيَ مِنهُ ، وهذا رَجُلٌ قَدِ اشتَرَيتُ مِنهُ فَأُريدُ أن أُوفِيَهُ . قالَ : فَدَخَلَ رَسولَ اللّهِ صلى الله عليه و آلهمِن أمرِ سَعدٍ غَمٌّ أشَدُّ مِن غَمِّهِ بِفَقرِهِ ، فَهَبَطَ عَلَيهِ جَبرَئيلُ عليه السلامفَقالَ : يا مُحَمَّدُ ، إنَّ اللّهَ قَد عَلِمَ غَمَّكَ بِسَعدٍ ، فَأيُّما أحَبُّ إلَيكَ : حالُهُ الأُولى أو حالُهُ هذِهِ ؟ فَقالَ لَهُ النَّبِىُّ صلى الله عليه و آله : يا جَبرَئيلُ ، بَل حالُهُ الأُولى ، قَد أذهَبَت دُنياهُ بِآخِرَتِهِ . فَقالَ لَهُ جَبرَئيلُ عليه السلام : إنَّ حُبَّ الدُّنيا وَالأَموالِ فِتنَهٌ ومَشغَلَهٌ عَنِ الآخِرَهِ ، قُل لِسَعدٍ يَرُدَّ عَلَيكَ الدِّرهَمَينِ اللَّذَينِ دَفَعتَهُما إلَيهِ ؛ فَإنَّ أمرَهُ سَيَصيرُ إلَى الحالَهِ الَّتى كانَ عَلَيها أوَّلاً . قالَ : فَخَرَجَ النَّبِىُّ صلى الله عليه و آله فَمَرَّ بِسَعدٍ ، فَقالَ لَهُ : يا سَعدُ ، أما تُريدُ أن تَرُدَّ عَلَىَّ

الدِّرهَمَينِ اللّذَينِ أعطَيتُكَهُما ؟ فَقالَ سَعدٌ : بَلى ومِائَتَينِ ! فَقالَ لَهُ : لَستُ اُريدُ مِنکَ يا سَعدُ إلاَّ الدِّرهَمَينِ . فَأعطاهُ سَعدٌ دِرهَمَينِ . قالَ : فَأدبَرَتِ الدُّنيا عَلى سَعدٍ حَتّى ذَهَبَ ما كانَ جَمَعَ ، وعادَ إلى حالِهِ الَّتى كانَ عَلَيها . (1)

.

1- .الكافى : 5/312/38 عن أبيبصير، مشكاه الأنوار : 473/1583 نحوه، بحار الأنوار : 22/123/92.

الکافی از ابوبصیر :از امام باقر علیه السلام شنیدم که فرمود: «در روزگار رسول خدا صلی الله علیه و آلهمؤمن فقیری بود که از اهل صُفّه و بسیار نیازمند بود و همواره در اوقات نماز ، با وی همراهی می کرد و هیچ وقتی را از دست نمی داد . پیامبر صلی الله علیه و آله به وی مهر می ورزید و نیازمندی و غربتش را مراقب بود و به او می فرمود: «ای سعد! اگر مالی مرا رسد ، تو را بی نیاز خواهم کرد» . این مدت بر پیامبر طولانی گشت و اندوه وی برای سعد شدت گرفت . خدای سبحان از اندوه او برای سعد آگاه شد ؛ پس جبرئیل را با دو درهم بر وی نازل فرمود . او گفت: «ای محمّد! خداوند اندوهت را برای سعد دریافت ؛ آیا می خواهی وی را توانگر کنی؟» فرمود: «آری» . گفت: «این دو درهم را به او بخش و فرمانش ده که با آن دو تجارت کند» . رسول خدا صلی الله علیه و آله آن دو درهم را گرفت و برای نماز ظهر بیرون شد ، حال آن که سعد بر آستانه خانه پیامبر انتظار وی را می کشید . چون رسول خدا صلی الله علیه و آلهاو را دید ، فرمود: «ای سعد! آیا با تجارت ، نیک آشنایی؟» سعد پاسخ داد: «خدای را سوگند که تا کنون مالی نداشته ام که با آن تجارت کنم» . پیامبر صلی الله علیه و آلهآن دو درهم را به وی بخشید و فرمود: «با این دو تجارت کن و روزی خدا را بجوی» . سعد آن دو درهم را ستاند و همراه پیامبر روان گشت تا نماز ظهر و عصر را به جا آورد . سپس پیامبر به وی فرمود: «ای سعد! برخیز و روزی خدای را بجوی ؛ که من از وضع تو اندوهگین بودم» . سعد در پی کار روان شد و هر چیز را که به یک درهم خرید ، به دو درهم فروخت ؛ و هر چه را به دو درهم خرید ، به چهار درهم فروخت . پس دنیا به سعد روی آورد و کالا و مالش بسیار شد و تجارتش رونق گرفت . پس بر درِ مسجد جایگاهی گرفت و در آن جای بنشست و تجارت خویش را در آن مکان گرد آورد . چون بلال اذان نماز را می داد ، پیامبر صلی الله علیه و آله برای نماز بیرون می شد ، حال آن که سعد به کار دنیا مشغول بود و هنوز وضو نساخته و مهیای نماز نبود ، چنان که پیش از پرداختن به دنیا مهیا می شد . پیامبر به وی می فرمود : «ای سعد! دنیا تو را از نماز غافل کرده است» . او می گفت: «چه کنم؟ آیا مالم را تباه سازم؟ این مردی است که به او چیزی فروخته ام و اینک می خواهم مالم را از او بستانم ؛ و این مردی است که از او چیزی خریده ام و اکنون می خواهم حق وی را بپردازم» . پس پیامبر را از کار سعد اندوهی درگرفت ، بسی سخت تر از آن چه در فقر او درگرفته بود . آن گاه ، جبرئیل بر وی فرود آمد و گفت: «ای محمّد! خداوند اندوه تو را برای سعد دریافت . کدام یک برایت

خواستنی تر است: حال نخست او یا حال کنونی اش؟» پیامبر فرمود: «ای جبرئیل! حال نخست او ؛ زیرا دنیایش آخرت وی را تباه کرده است» . جبرئیل گفت: «همانا دوستیِ دنیا و اموال آن ، فتنه و مایه بازداشته شدن از آخرت است . به سعد بگو که آن دو درهم را که به وی داده بودی ، به تو باز دهد . آن گاه ، حال وی به شکل نخست باز خواهد گشت» . پس پیامبر بیرون شد و بر سعد برگذشت و به او گفت: «ای سعد! آیا نمی خواهی دو درهمی را که به تو داده بودم ، باز پس دهی؟» سعد گفت: «آری ؛ بلکه دویست درهم باز می دهم» . فرمود: «از تو جز همان دو درهم نمی خواهم ، ای سعد!» پس سعد آن دو درهم را به وی باز داد . آن گاه ، دنیا به سعد پشت کرد ، چندان که هر چه گرد آورده بود ، از دست رفت و او به همان حال نخست بازگشت .

.

ص: 948

. .

ص: 949

. .

1 / 8 3التَّخَلُّفُ عَنِ الجهادالكتاب :«إِنَّمَا السَّبِيلُ عَلَى الَّذِينَ يَسْتَئذِنُونَکَ وَ هُمْ أَغْنِيَآءُ رَضُواْ بِأَن يَکُونُواْ مَعَ الْخَوَالِفِ وَ طَبَعَ اللَّهُ عَلَى قُلُوبِهِمْ فَهُمْ لاَ يَعْلَمُونَ . (1) »

«وَ إِذَآ أُنزِلَتْ سُورَهٌ أَنْ ءَامِنُواْ بِاللَّهِ وَ جَهدُواْ مَعَ رَسُولِهِ اسْتَئذَنَکَ أُوْلُواْ الطَّوْلِ مِنْهُمْ وَ قَالُواْ ذَرْنَا نَکُن مَّعَ الْقَعِدِينَ . (2) »

1 / 8 4الاِستِدراجالكتاب :«أَ يَحْسَبُونَ أَنَّمَا نُمِدُّهُم بِهِ مِن مَّالٍ وَ بَنِينَ * نُسَارِعُ لَهُمْ فِى الْخَيْرَ تِ بَل لاَّ يَشْعُرُونَ . (3) »

«وَ اصْبِرْ عَلَى مَا يَقُولُونَ وَ اهْجُرْهُمْ هَجْرًا جَمِيلاً * وَ ذَرْنِى وَ الْمُکَذِّبِينَ أُوْلِى النَّعْمَهِ وَ مَهِّلْهُمْ قَلِيلاً . (4) »

.

1- .التوبه : 93 .
2- .التوبه : 86 .
3- .المؤمنون : 55 و 56 .
4- .المزّمّل : 10 و 11 .

1 / 8 3 سرپیچی از جهاد

1 / 8 4 پله پله فرو افتادن

1 / 8 3سرپیچی از جهادقرآن:«راهِ [سرزنش و عقوبت] تنها بر کسانی است که در حالی که توانگرند ، از تو رخصت می خواهند؛ خشنودند که با واپس ماندگان باشند؛ و خدا بر دل های آنان مهر نهاده است؛ از این رو ، نمی دانند .»

«و چون سوره ای فرو فرستاده شود که به خدای ایمان آورید و همراه پیامبر او کارزار کنید ، توانگرانشان از تو رخصت خواهند و گویند: ما را بگذار تا با نشستگان باشیم .»

1 / 8 4پله پله فرو افتادنقرآن:«آیا می پندارند که آن چه از مال و فرزندان به آنان می دهیم * برای ایشان در نیکی ها شتاب می کنیم؟ نه؛ بلکه نمی فهمند .»

«و بر آن چه می گویند ، شکیبا باش و به شیوه ای نیکو از آنان کناره گیر * و مرا با آن دروغ انگاران کامران و توانگر واگذار و اندکی مهلتشان ده .»

«و کسانی که آیات ما را دروغ شمردند ، اندک اندک از جایی که ندانند ، گرفتارشان خواهیم ساخت * و آنان را مهلت می دهم؛ زیرا که تدبیر من استوار است .»

.

«وَ الَّذِينَ كَذَّبُواْ بِئايَتِنَا سَنَسْتَدْرِجُهُم مِّنْ حَيْثُ لاَ يَعْلَمُونَ * وَ أُمْلِى لَهُمْ إِنَّ كَيْدِى مَتِينٌ . (1) »

«وَ لاَ يَحْسَبَنَّ الَّذِينَ كَفَرُواْ أَنَّمَا نُمْلِى لَهُمْ خَيْرٌ لِّأَنفُسِهِمْ إِنَّمَا نُمْلِى لَهُمْ لِيَزْدَادُواْ إِثْمًا وَ لَهُمْ عَذَابٌ مُّهِينٌ . (2) »

الحديث :مسند ابن حنبل عن عقبه بن عامر عن رسول اللّه صلى الله عليه و آله :إذا رَأيتَ اللّهَ يُعطِي العَبدَ مِنَ الدُّنيا عَلى مَعاصيهِ ما يُحِبُّ ، فَإنَّما هُوَ استِدراجٌ . ثُمَّ تَلا رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله : «فَلَمَّا نَسُواْ مَا ذُكِّرُواْ بِهِ فَتَحْنَا عَلَيْهِمْ أَبْوَ بَ كُلِّ شَىْ ءٍ حَتَّى إِذَا فَرِحُواْ بِمَآ أُوتُواْ أَخَذْنَهُم بَغْتَةً فَإِذَا هُم مُّبْلِسُونَ (3) » . (4)

الكافى عن سماعه بن مهران :سَأَلتُ أبا عَبدِ اللّهِ عليه السلام عَن قَولِ اللّهِ عز و جل : «سَنَسْتَدْرِجُهُم مِّنْ حَيْثُ لاَ يَعْلَمُونَ» قالَ : هُوَ العَبدُ يُذنِبُ الذَّنبَ ؛ فَنُجَدِّدُ لَهُ النِّعمَةُ مَعَهُ تُلهيهِ تِلكَ النِّعمَةُ عَنِ الاِستِغفارِ مِن ذلِكَ الذَّنبِ . (5)

رسول اللّه صلى الله عليه و آله :إنَّ اللّهَ يُمهِلُ الظّالِمَ حَتّى يَقولَ : قَد أهمَلَنى ، ثُمَّ يَأخُذُهُ أخذَةً رابِيَةً . إنَّ اللّهَ حَمِدَ نَفسَهُ عِندَ هَلاكِ الظّالِمينَ فَقالَ : «فَقُطِعَ دَابِرُ الْقَوْمِ الَّذِينَ ظَلَمُواْ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَلَمِينَ (6) » . (7)

.

1- .الأعراف : 182 و 183 .
2- .آل عمران : 178 .
3- .الأنعام : 44 .
4- .مسند ابن حنبل: 6/122/17313، المعجم الكبير : 17/331/913، شعب الإيمان: 4/128/4540 كلاهما نحوه ، كنز العمّال : 11 / 90 / 30743 ؛ تنبيه الخواطر : 2 / 232 نحوه .
5- .الكافى : 2 / 452 / 3 ، بحار الأنوار : 5 / 218 / 11 .
6- .الأنعام : 45 .
7- .أعلام الدين : 315 ، بحار الأنوار : 75 / 321 / 50 نقلاً عن كنز الفوائد .

«و کسانی که کافر شدند ، مپندارند که مهلتی به آنان می دهیم خیر آن ها است؛ همانا مهلتشان می دهیم تا بر گناه بیفزایند؛ و ایشان را عذابی خوار کننده است .»

حدیث:مسند ابن حنبل از عقبه بن عامر از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر گاه دیدی خداوند بهره دنیا را به بنده ای عطا فرماید تا به گناهانی که خواهد ، پردازد ، این جز پله پله فرو افتادنش نیست . سپس رسول خدا صلی الله علیه و آله این آیه را تلاوت فرمود : «پس چون آن چه را بدان پند داده شدند ، فراموش کردند ، درهای همه چیز را بر آنان بگشودیم و چون بدان چه داده شدند شادمان گشتند ، ناگهان بگرفتیمشان ؛ پس همان دم نومید شدند» .

الکافی از سماعه بن مهران:از امام صادق علیه السلام درباره این سخن خداوند پرسیدم: «اندک اندک از جایی که ندانند ، گرفتارشان خواهیم ساخت» . فرمود : «او بنده ای است که گناه می کند و باز نعمتی که با او است ، بدو داده می شود و همان نعمت او را از آمرزش خواهی برای آن گناه غافل می کند» .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :همانا خداوند ظالم را مهلت می دهد تا بگوید: «خدا مرا رها نهاده است» . سپس وی را سخت گرفتار می کند . خداوند خود را به گاه هلاکت ظالمان ستوده و فرموده است: «پس بیخ و بن گروهی که ستم کردند ، بریده شد ؛ و سپاس و ستایش خدای را است ، پروردگار جهانیان» .

.

عنه صلى الله عليه و آله :إذا رَأَيتَ اللّهَ عز و جل يُعطِى العِبادَ ما يَشاؤونَ عَلى مَعاصيهِم إيّاهُ ، فَذلِکَ استِدراجٌ مِنهُ لَهُم . (1)

عنه صلى الله عليه و آله :إذا رَأَيتَ اللّهَ عز و جل يُعطِى العِبادَ ما يُحِبّونَ وهُم عَلى ما يَکرَهُ ، فَليَعلَموا أنَّهُم فِى استِدراجٍ . (2)

عنه صلى الله عليه و آله :إذا رَأَيتَ اللّهَ يُعطى عَلَى المَعاصى ، فَذلِکَ استِدراجٌ مِنهُ . (3)

الإمام علىّ عليه السلام :إنَّ اللّهَ لَذو أناةٍ وحِلمٍ عَظيمٍ ؛ لَقَد حَلُمَ عَن کَثيرٍ عَن فَراعِنَهِ الأَوَّلينَ وعاقَبَ فَراعِنَةً ، فَإِن يُمهِلهُ اللّهُ فَلَن يَفوتَهُ ، وهُوَ لَهُ بِالمِرصادِ عَلى مَجازِ طَريقِهِ . (4)

عنه عليه السلام :إنَّهُ مَن وُسِّعَ عَلَيهِ فى ذاتِ يَدِهِ فَلَم يَرَ ذلِکَ استِدراجا ، فَقَد أمِنَ مَخوفا . (5)

عنه عليه السلام :إذا رَأَيتَ اللّهَ سُبحانَهُ يُتابِعُ عَلَيکَ النِّعَمَ مَعَ المَعاصى ، فَهُوَ استِدراجٌ لَکَ . (6)

الإمام الحسين عليه السلام :الاِستِدراجُ مِنَ اللّهِ سُبحانَهُ لِعَبدِهِ أن يُسبِغَ عَلَيهِ النِّعَمَ ، ويَسلُبَهُ الشُّکرَ . (7)

.

1- .الشكر لابن أبى الدنيا : 27 / 32 عن عقبه بن عامر وراجع كنز العمّال : 11 / 90 / 30743 .
2- .الفردوس : 1 / 276 / 1073 عن عقبه بن عامر .
3- .بحار الأنوار : 67 / 198 نقلاً عن تفسير مجمع البيان .
4- .الإرشاد : 1 / 275 ، ولعل «عن فراعنه» تصحيف «من فراعنه» .
5- .نهج البلاغه: الحكمه 358 ، تحف العقول : 206 ، التمحيص: 48 / 75 كلاهما نحوه ، بحار الأنوار: 72 / 51 / 70 .
6- .غرر الحكم : 4047 .
7- .تحف العقول : 246 ، بحار الأنوار : 78 / 117 / 7 .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر گاه دیدی خداوند بندگان را با آن که معصیت وی می کنند ، هر چه خواهند عطا فرماید ، این پله پله فرو افکندنشان از جانب خدا است .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :چون دیدی که خداوند به بندگان هر چه دوست دارند ، عطا فرماید ، حال آن که ایشان چنانند که او ناخشنود است ، پس بدانند که پله پله سقوط می کنند .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر گاه دیدی خداوند در عین ارتکاب گناهانِ [بندگان ، به ایشان]عطا می فرماید ، این پله پله فرو افکندن ایشان است .

امام علی علیه السلام :همانا خداوند دارای بردباری و شکیبایی بسیار است ؛ بر فرعون های فراوان در روزگاران پیش شکیبایی ورزیده و برخی را هم کیفر فرموده است . اما اگر خدا کسی را مهلت دهد ، او را وانگذارد ، بلکه همواره بر مسیر وی در کمین او است .

امام علی علیه السلام :همانا هر که در آن چه دارد ، بر وی گشایش آورده شود و او این را نشانه پله پله فرو افتادن نداند ، خود را از چیزی هراسناک ایمن پنداشته است .

امام علی علیه السلام :هر گاه دیدی خدای سبحان با آن که مرتکب گناهان می شوی ، نعمت ها را به تو عطا می فرماید ، این پله پله فرو افتادن تو است .

امام حسین علیه السلام :پله پله فرو افکندن از جانب خدا برای بنده اش چنین است که به وی پیاپی نعمت دهد و [توفیق] شکر را از وی بگیرد .

.

عنه علیه السلام فی دُعائِهِ : اللّهُمَّ لا تَستَدرِجنی بِالإِحسانِ ، ولا تُؤَدِّبنی بِالبَلاءِ . (1)

الإمام الصادق علیه السلام :إنَّ اللّهَ تَبارَکَ وتَعالی أهبَطَ مَلَکا إلَی الأَرضِ ، فَلَبِثَ فیها دَهرا طَویلاً ، ثُمَّ عَرَجَ إلَی السَّماءِ ، فَقیلَ لَهُ : ما رَأَیتَ ؟ قالَ : رَأَیتُ عَجائِبَ کَثیرَةً ، وأعجَبُ ما رَأَیتُ أنّی رَأَیتُ عَبدا مُتَقَلِّبا فی نِعمَتِکَ یَأکُلُ رِزقَکَ وَیَدَّعِی الرُّبوبِیَّةَ ؛ فَعَجِبتُ مِن جُرأَتِهِ عَلَیکَ ومِن حِلمِکَ عَنهُ ! فَقالَ اللّهُ عز و جل : فَمِن حِلمی عَجِبتَ ؟ قالَ : نَعَم (یا رَبِّ) . قالَ : قَد أمهَلتُهُ أربَعَمِائَةِ سَنَهٍ لا یَضرِبُ عَلَیهِ عِرقٌ ، ولا یُریدُ مِنَ الدُّنیا شَیئا إلاّ نالَهُ ، ولا یَتَغَیَّرُ عَلَیهِ فیها مَطعَمٌ ولا مَشرَبٌ ! (2)

عنه علیه السلام :إذا أحدَثَ العَبدُ ذَنبا جُدِّدَ لَهُ نِعمَهٌ ، فَیَدَعُ الاِستِغفارَ ؛ فَهُوَ الاِستِدراجُ .

عنه علیه السلام (3) عِندَما سُئِلَ عَنِ الاِستِدراجِ : هُوَ العَبدُ یُذنِبُ الذَّنبَ فَیُملی لَهُ ، ویُجَدِّدُ لَهُ عِندَهَا النِّعَمُ فَتُلهیهِ عَنِ الاِستِغفارِ مِنَ الذُّنوبِ ؛ فَهُوَ مُستَدرَجٌ مِن حَیثُ لا یَعلَمُ . (4)

أعلام الدین :رُوِیَ أنَّ اللّهَ سُبحانَهُ وتَعالی إذا لَم یَکُن لَهُ فِی العَبدِ حاجَهٌ فَتَحَ عَلَیهِ الدُّنیا . (5)

.

1- .الدرّه الباهره : 24 ، بحار الأنوار : 78 / 127 / 9 .
2- .الخصال : 41 / 31 عن إبراهیم بن (أبی) زیاد ، مشکاه الأنوار : 502 / 1680 وفیه «أملکته» بدل «أمهلته» و «أتاه» بدل «ناله» ، بحار الأنوار : 73 / 381 / 1 نقلاً عن الأمالی للصدوق .
3- .مکارم الأخلاق : 2 / 90 / 2254 ، تفسیر مجمع البیان : 10 / 510 ، بحار الأنوار : 5 / 215 .
4- .الکافی : 2 / 452 / 2 عن ابن رئاب عن بعض أصحابه ، بحار الأنوار : 5 / 218 / 10 .
5- .أعلام الدین : 278 ، بحار الأنوار : 81 / 195 / 52 .

امام حسین علیه السلام در دعایش : بار خدایا ! مرا با احسان ، پله پله فرو مینداز و با بلا تأدیبم مفرما .

امام صادق علیه السلام :همانا خداوند والای شکوهمند فرشته ای بر زمین فرودآورد . وی روزگاری دراز در زمین بماند و سپس به آسمان فراز رفت . به وی گفته شد: «چه دیدی؟» گفت: «شگفتی های بسیار دیدم و از همه شگفت تر آن که بنده ای دیدم که از نعمت تو برخوردار است و روزی تو می خورد ، حال آن که ادعای خدایی دارد . شگفت زده شدم از جرأتی که او بر تو می ورزد و صبری که تو بر او داری !» خداوند فرمود: «آیا از صبر من شگفت زده شدی؟» گفت: «آری ، پروردگارم» . فرمود: «چهارصد سال به وی مهلت دادم ، بی آن که آفتی به او رسد ؛ و هر چه از دنیا خواسته به آن دست یافته و خوردنی و آشامیدنی اش برقرار بوده است» .

امام صادق علیه السلام:هرگاه بنده ای گناهی کند ، نعمت بر او تازه می شود و وی آمرزش خواهی را وا می گذارد ؛ و این است پله پله فرو افتادن .

امام صادق علیه السلام در پاسخ به پرسش درباره استدراج [پله پله فروافتادن]: آن چنین است که بنده ای گناه کند و به وی فرصت داده شود و باز به او نعمت عطا گردد و آن نعمت وی را از آمرزش خواهی برای آن گناه بازدارد ؛ پس وی از جایی که نداند ، پله پله فروافتاده است .

اعلام الدین:روایت شده که خدای منزه والا هر گاه در بنده ای خیری نبیند ، دنیا را بر وی می گشاید .

.

1 / 8 5كَثرَةُ الهُمومِرسول اللّه صلى الله عليه و آله :إنَّ مالَ الدُّنيا كُلَّمَا ازدادَ كَثرَةً وعِظَما اِزدادَ صاحِبُهُ بَلاءً ؛ فَلا تَغبِطوا أصحابَ الأموالِ إلاّ بِمَن جادَ بِمالِهِ فى سَبيلِ اللّهِ . (1)

عنه صلى الله عليه و آله :مَن كَثُرَ مالُهُ كَثُرَ هَمُّهُ ، ومَن كَثُرَ هَمُّهُ افتَرَقَ قَلبُهُ فى أودِيَةٍ شَتّى ، فَلَم يُبالِ اللّهَ عز و جل أيَّها سَلَكَ ؛ ومَن كانَ هَمُّهُ هَمّا واحِدا كَفاهُ اللّهُ عز و جلهُمومَ الدُّنيا . (2)

عنه صلى الله عليه و آله :مَن جَعَلَ الدُّنيا أكبَرَ هَمِّهِ فَرَّقَ اللّهُ عَلَيهِ هَمَّهُ ، وجَعَلَ فَقرَهُ بَينَ عَينَيهِ . (3)

الإمام علىّ عليه السلام :بِقَدرِ القِنيَهِ يَتَضاعَفُ الحُزنُ وَالغُمومُ . (4)

عنه عليه السلام :القِنيَهُ يَنبوعُ الأَحزانِ . (5)

الإمام الحسين عليه السلام : كُلَّما زيدَ صاحِبُ المالِ مالاًزِيدَ فى هَمِّهِ وفِى الاِشتِغالِ قَد عَرَفناکَ يا مُنَغِّصَهَ العَيشِويا دارَ كُلِّ فانٍ وبالِ لَيسَ يَصفو لِزاهِدٍ طَلَبُ الزُّهدِإذا كانَ مُثقَلاً بِالعِيالِ (6)

.

1- .الأمالى للصدوق : 443 / 591 ، بشاره المصطفى : 57 كلاهما عن أبى هريره وفيه «جاء» بدل «جاد» ، بحار الأنوار : 38 / 197 / 5 .
2- .إصلاح المال : 152 / 23 عن ضمره بن حبيب .
3- .عوالى اللآلى : 1 / 272 / 94 ؛ سنن الترمذى : 4 / 642 / 2465 عن أنس ، سنن ابن ماجه : 2 / 1375 / 4105 عن زيد بن ثابت وكلاهما نحوه ، كنز العمّال : 3 / 184 / 6077 نقلاً عن المعجم الكبير عن أبى الدرداء .
4- .غرر الحكم : 4278 .
5- .غرر الحكم : 395 .
6- .تاريخ دمشق : 14 / 186 ، البدايه والنهايه : 8 / 209 كلاهما عن الأعمش .

1 / 8 5اندوه فراوانپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :همانا هر چه مال دنیا افزون تر و سنگین تر گردد ، بلای صاحب آن بیش تر می شود . پس به حال ثروتمندان غبطه مخورید ، مگر به حال آن کس که مالش را در راه خدا ببخشد .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر که مالش افزون گردد ، اندوهش بسیار شود ؛ و هر که اندوهش بسیار گردد ، دلش در وادی های گوناگون افتد و از خدا پروا نکند که در کدام وادی رود . و آن که تنها یک دلمشغولی داشته باشد ، خدا از اندوه های دنیا رهایش فرماید .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر که دنیا را برترین دلمشغولی خود سازد ، خداوند اندوهش را بر وی بپراکند و فقرش را بر پیشانی اش قرار دهد .

امام علی علیه السلام :به اندازه دارایی ، اندوه و غم افزون گردد .

امام علی علیه السلام :مال ، سرچشمه غم ها است .

امام حسین علیه السلام: هر چه مال کسی افزوده شود ،اندوه و دلمشغولی اش بیش تر گردد . ما تو را شناخته ایم ای تیره ساز زندگیو ای خانه هر فناپذیر و هر نیست شونده . زاهد را آن گاه که نان خورانش سنگینی کنندزهد ناب فراهم نگردد .

.

الإمام الصادق عليه السلام :خَمسَهٌ لا يَنامونَ : الهامُّ بِدَمٍ يَسفِكُهُ ، وذُو المالِ الكَثيرِ لا أمينَ لَهُ ... . (1)

1 / 8 6كَثرَهُ الذُّنوبِرسول اللّه صلى الله عليه و آله :لا تَتَمَنَّوا كَثرةَ المالِ ؛ فَإِنَّ كَثرَةَ المالِ تُكثِرُ الذُّنوبَ . (2)

الإمام الصادق عليه السلام :أوحَى اللّهُ عز و جل إلى موسى عليه السلام : يا موسى ، لا تَفرَح بِكَثرَةِ المالِ . . . فَإِنَّ كَثرَةَ المالِ تُنسِى الذُّنوبَ . (3)

1 / 8 7فَسادُ القُلوبِالإمام علىّ عليه السلام :كَثرَةُ المالِ تُفسِدُ القُلوبَ ، وتُنشِئُ الذُّنوبَ . (4)

عنه عليه السلام :اِعلَموا أنَّ كَثرَةَ المالِ مَفسَدَهٌ لِلدّينِ ، مَقساهٌ لِلقُلوبِ . (5)

.

1- .من لا يحضره الفقيه : 1 / 503 / 1446 ، الخصال : 296 / 64 كلاهما عن أبى بصير ، بحار الأنوار : 76 / 179 / 4 .
2- .الفردوس : 5 / 44 / 7407 ، كشف الخفاء : 2 / 349 / 2992 كلاهما عن أبى هريره .
3- .الكافى : 2 / 497 / 7 عن السكونى وج 8 / 45 / 8 عن علىّ بن عيسى رفعه نحوه ، الخصال : 39 / 23 عن إسماعيل بن أبى زياد عن الإمام الصادق عن أبيه عليهماالسلام ، علل الشرايع : 81 / 2 ، مسائل علىّ بن جعفر : 344 / 849 كلاهما عن علىّ بن جعفر عن الإمام الكاظم عن الإمام الصادق عليهماالسلام ، الجعفريّات : 235 ، بحار الأنوار : 72 / 63 / 9 .
4- .غرر الحكم : 7109 .
5- .تحف العقول : 199 ، بحار الأنوار : 1 / 175 / 41 .

1 / 8 6 بسیار شدن گناهان

1 / 8 7 فاسد شدن دل ها

امام صادق علیه السلام :پنج تن را خواب نباشد : کسی که در پی خونی است ؛ و آن که مال بسیار دارد و امینی نمی یابد ... .

1 / 8 6بسیار شدن گناهانپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :مال بسیار آرزو مکنید ؛ که مال بسیار گناهان را بیفزاید .

امام صادق علیه السلام :خداوند به موسی علیه السلام وحی فرمود: «ای موسی ! از فراوانی مال شادمان مشو ... ؛ که مال بسیار گناهان را از یاد می برد .

1 / 8 7فاسد شدن دل هاامام علی علیه السلام :فراوانی مال ، دل ها را فاسد می کند و سرچشمه گناهان است .

امام علی علیه السلام :بدانیدکه بسیاریِ مال ، مایه تباهی دین و سنگدلی است .

.

1 / 8 8سَوادُ الوُجوهِالإمام علىّ عليه السلام :بَينَما نَحنُ عِندَ النَّبِىِّ صلى الله عليه و آله وهُوَ يَجودُ بِنَفسِهِ وهُوَ مُسَجّىً بِثَوبٍ [و]مُلاءَةٍ خَفيفَةٍ عَلى وَجهِهِ ، فَمَكَثَ ما شاءَ اللّهُ أن يَمكُثَ ، ونَحنُ حَولَهُ بَينَ باكٍ ومُستَرجِعٍ إذ تَكَلَّمَ وقالَ : اِبيَضَّت وُجوهٌ ، وَاسوَدَّت وُجوهٌ . . . وَاسوَدَّتِ الوُجوهُ ، أصحابُ الأَموالِ . (1)

1 / 8 9سَلوَةُ الوارِثِالإمام علىّ عليه السلام :المالُ سَلوَةُ الوُرّاثِ . (2)

عنه عليه السلام فِى الحِكَمِ المَنسوبَهِ إلَيهِ : كَثرَةُ مالِ المَيِّتِ تُسَلّى وَرَثَتَهُ عَنهُ . (3)

1 / 8 10شِدَّةُ المَوتِالإمام علىّ عليه السلام فى وَصفِ موت الماخوذين على القِرّه : يُفَكِّرُ فيمَ أفنى عُمرَهُ ، وفيمَ أذهَبَ دَهرَهُ ! ويَتَذَكَّرُ أموالاً جَمَعَها ، أغمَضَ فى مَطالِبِها ، وأخَذَها مِن مُصَرَّحاتِها ومُشتَبِهاتِها ، قَد لَزِمَتهُ تَبِعاتُ جَمعِها ، وأشرَفَ عَلى فِراقِها ، تَبقى لِمَن وَراءَهُ يَنعَمونَ فيها ويَتَمَتَّعونَ بِها ، فَيَكونُ المَهنَأُ لِغَيرِهِ وَالعِب ءُ عَلى ظَهرِهِ . (4)

.

1- .بحار الأنوار : 22 / 494 / 40 نقلاً عن كتاب الطرف عن الحسين بن موسى بن جعفر عن أبيه عن جدّه عليهم السلام .
2- .غرر الحكم : 451 و ح 378 وفيه «الوارث» بدل «الورّاث» .
3- .شرح نهج البلاغه : 20 / 327 / 741 .
4- .نهج البلاغه : الخطبه 109 ، بحار الأنوار : 6 / 164 / 33 .

1 / 8 8 سیاه رویی

1 / 8 9 ناز و نعمت برای وارث

1 / 8 10 سختیِ مرگ

1 / 8 8سیاه رویامام علی علیه السلام :نزد پیامبر صلی الله علیه و آله بودیم ، آن گاه که در آستانه ارتحال بود ، در حالی که پارچه ای او را پوشانده بود و پَراندازی بر چهره داشت . پس مدتی دراز سکوت فرمود و ما در پیرامونش گاه می گریستیم و گاه «انا للّه وانا الیه راجعون» می گفتیم . سپس لب به سخن گشود و فرمود: «برخی چهره ها سفیدند و برخی ، سیاه . . . و صاحبان اموال سیاه رویند» .

1 / 8 9ناز و نعمت برای وارثامام علی علیه السلام :مال ، ناز و نعمت برای وارثان است .

امام علی علیه السلام در کلمات حکیمانه منسوب به وی : فراوانیِ مال آن که می میرد ، وارثانش را از یاد او غافل می کند .

1 / 8 10سختیِ مرگامام علی علیه السلام در وصف جان کندنِ فریفتگان دنیا : آدمی بدین می اندیشد که عمرش را در چه کاری صرف کرده و روزگارش را چه سان سپری نموده است . و اموالی را که گرد آورده به یاد می آورد و این که در فراهم کردن آن ها چه چشم پوشی ها کرده و از راه های بی شبهه یا باشبهه آن ها را به دست آورده و پیامدهای گردآوری آن ها دامنش را گرفته و اکنون در آستانه جدا شدن از آن ها است و آن مال ها برای دیگران باقی می ماند تا از آن برخوردار گردند و لذت برند ؛ بدین سان گوارایی اش برای دیگران و بارش بر دوش او است .

.

1 / 8 11شِدَّهُ الحِسابِرسول اللّه صلى الله عليه و آله :ذُو الدِّرهَمَينِ أشَدُّ حِسابا مِن ذِی الدِّرهَمِ ، وذُو الدّینارَینِ أشَدُّ حِسابا مِن ذِی الدّینارِ . (1)

عنه صلى الله عليه و آله :مَا اقتَرَبَ عَبدٌ مِن سُلطانٍ إلاّ تَباعَدَ مِنَ اللّهِ ، ولا كَثُرَ مالُهُ إلاَّ اشتَدَّ حِسابُهُ . (2)

الإمام علىّ عليه السلام :المالُ حِسابٌ ، الظُّلمُ عِقابٌ . (3)

1 / 8 12صُعوبَهُ النَّجاهِرسول اللّه صلى الله عليه و آله :إنَّ أمامَكُم عَقَبَهً كَؤودا ، لا يَجوزُهَا المُثقِلونَ . (4)

معجم السفر عن أنس :قالَ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله لِأَبى ذَرٍّ : إنَّ بَينَ أيدينا عَقَبَهً كَؤودا ، لا يُجاوِزُها إلاَّ المُخِفّونَ . قالَ أبو ذَرٍّ : أنَا مِنهُم يا رَسولَ اللّهِ ؟ فَقالَ لَهُ النَّبِىُّ صلى الله عليه و آله : لَكَ قوتُ يَومٍ أو لَيلَهٍ ؟ قالَ : لا . قالَ : فَأنتَ مِنَ المُخِفّينَ . (5)

.

1- .كنز العمّال : 3 / 193 / 6118 نقلاً عن الحاكم فى تاريخه عن أبى هريره وراجع شُعب الإيمان : 7 / 377 / 10647 .
2- .ثواب الأعمال : 310 / 1 عن السكونى عن الإمام الصادق عن أبيه عليهماالسلام ، النوادر للراوندى : 89 / 20 ، أعلام الدين : 408 وفيه «طال» بدل «اشتدّ» ، بحار الأنوار : 72 / 67 / 7
3- .غرر الحكم : 183 .
4- .المستدرک على الصحيحين : 4 / 618 / 8713 ، شُعب الإيمان : 7 / 309 / 10408 كلاهما عن أبى الدرداء ، كنز العمّال : 4 / 210 / 10191 ؛ تنبيه الخواطر : 2 / 217 عن أبى الدرداء وفى صدره «إنّ للّه من ورائكم ...» ، تفسير مجمع البيان : 10 / 750 ، الأمالى للسيّد المرتضى : 4 / 200 .
5- .معجم السفر : 435 / 1482 ، كنز العمّال : 3 / 229 / 6287 نقلاً عن السنن الكبرى وكلاهما عن أنس وراجع المعجم الأوسط : 5 / 107 / 4809 .

1 / 8 11 حسابرسی سخت

1 / 8 12 دشواری نجات یافتن

1 / 8 11حسابرسی سختپیامبر خدا صلی الله علیه و آله:آن که دو درهم دارد ، حسابرسی اش سخت تر از آن است که یک درهم دارد ؛ و آن که دو دینار دارد ، حسابرسی اش سخت تر از آن است که یک دینار دارد .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هیچ بنده ای به حاکم نزدیک نگردد ، مگر آن که از خدا دور شود ؛ و مالش افزون نگردد ، جز آن که حسابرسی اش سخت شود .

امام علی علیه السلام :مال را حسابرسی است و ظلم را کیفر .

1 / 8 12دشواری نجات یافتنپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :همانا پیش روی شما گردنه ای بس سخت قرار دارد که گرانباران از آن گذر نتوانند کرد .

معجم السفر از انس :رسول خدا صلی الله علیه و آله به ابوذر فرمود: «همانا پیش روی ما گردنه ای دشوار است که تنها سبکباران از آن گذر توانند کرد» . ابوذر گفت: «آیا من از جمله ایشانم؟» پیامبر به وی فرمود: «آیا غذای یک روز یا شبت را داری؟» گفت: «نه!» . فرمود: «پس تو از سبکبارانی» (1) .

.

1- .قابل توجه است که این روایت از نظر سند فاقد اعتبار لازم است و می توان آن را بر سبکبارترین افراد در قیامت حمل کرد .

رسول اللّه صلى الله عليه و آله :الأَكثَرونَ هُمُ الأَسفَلونَ يَومَ القِيامَهِ ، إلاّ مَن قالَ بِالمالِ هكَذا وهكَذا ، وكَسَبَهُ مِن طَيِّبٍ . (1)

صحيح البخارى عن أبو ذرّ :كُنتُ أمشى مَعَ النَّبِىِّ صلى الله عليه و آله فى حَرَّهِ المَدينَهِ عِشاءً ، اِستَقبَلَنا اُحُدٌ ، فَقالَ : يا أبا ذَرٍّ ، ما اُحِبُّ أنَّ اُحُدا لى ذَهَبا ، يَأتى عَلَىَّ لَيلَهٌ أو ثَلاثٌ عِندى مِنهُ دينارٌ إلاّ أرصُدُهُ لِدَينٍ ، إلاّ أن أقولَ بِهِ فى عِبادِ اللّهِ هكَذا وهكَذا وهكَذا . وأرانا بِيَدِهِ . ثُمَّ قالَ : يا أبا ذَرٍّ . قُلتُ : لَبَّيكَ وسَعدَيكَ يا رَسولَ اللّهِ ! قالَ : الأكثَرونَ هُمُ الأقَلّونَ ، إلاّ مَن قالَ هكَذا وهكَذا . (2)

صحيح البخارى عن أبو ذرّ :اِنتَهَيتُ إلى رَسولِ اللّهِ صلى الله عليه و آله وهُوَ يَقولُ فى ظِلِّ الكَعبَهِ : هُمُ الأخسَرونَ ورَبِّ الكَعبَهِ ! هُمُ الأخسَرونَ ورَبِّ الكَعبَهِ ! قُلتُ : ما شَأنى؟ أيُرى فِىَّ شَىءٌ ، ما شَأنى ؟ فَجَلَستُ إلَيهِ وهُوَ يَقولُ ، فَمَا استَطَعتُ أن أسكُتَ ، وتَغَشّانى ما شاءَ اللّهُ ، فَقُلتُ : مَن هُم بِأبى أنتَ واُمّى! يا رَسولَ اللّهِ ؟ قالَ : الأكثَرونَ أموالاً ، إلاّ مَن قالَ هكَذا وهكَذا وهكَذا . (3)

.

1- .سنن ابن ماجه : 2 / 1384 / 4130 عن أبى ذرّ وح 4131 عن أبى هريره ، مسند ابن حنبل : 8 / 91 / 21456 عن أبى ذرّ وكلاهما نحوه ، كنز العمّال : 6 / 353 / 16023 وراجع تاريخ بغداد : 7 / 264 / 3747 .
2- .صحيح البخارى: 5/2312/5913، صحيح مسلم: 2/687/32، مسند ابن حنبل: 8/80/21405، السنن الكبرى : 10 / 318 / 20768 كلّها نحوه ، كنز العمّال : 6 / 356 / 16037 وراجع الأدب المفرد : 239 / 803 .
3- .صحيح البخارى : 6/2447/6262 ، صحيح مسلم: 2/686/30، مسند ابن حنبل: 8/94/21469، السنن الكبرى : 10 / 47 / 19813 وح 19812 كلّها نحوه .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :آنان که بیش تر دارند ، در روز قیامت در جایگاهی پست ترند ، مگر آن که دارنده مال آن را در این و آن [کار خیر] صرف ماید و از راه درست به دستش آورده باشد .

صحیح البخاری از ابوذر :شبانگاهی همراه پیامبر صلی الله علیه و آله در زمینی سنگلاخ بیرون مدینه قدم می زدم . کوه اُحد پیش روی ما بود . وی فرمود : «ای ابوذر! من دوست نمی دارم که کوه احد از طلا گردد و برای من باشد و یک یا سه شب بر من در رسد و دیناری از آن نزدم باشد ، جز این که آن را برای پرداخت وامی کنار نهم ؛ مگر این که آن را در راه بندگان خدا به چنین و چنین و چنین [کار خیر]زنم» . و با دستش به ما علامت داد . سپس فرمود: «ای ابوذر!» . گفتم: «از جان و دل در خدمتم ، ای رسول خدا صلی الله علیه و آله . فرمود: «آنان که بیش تر دارند ، کم مایه ترند ؛ مگر آن که کسی چنین و چنین [کار خیر]کند» .

صحیح البخاری از ابوذر :نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله رفتم ، در حالی که در سایه کعبه می فرمود: «سوگند به پروردگار کعبه! ایشان زیانکارانند . سوگند به پروردگار کعبه! ایشان زیانکارانند» . [با خود] گفتم: «حال من چه سان است؟ آیا در من کاستی ای است؟ حال من چه سان است؟» پس نزد وی نشستم ، در حالی که می فرمود: «حال که آن چه خدا خواسته ، ذهن مرا به خود مشغول داشته ، نمی توانم سکوت ورزم» . گفتم: «پدرم و مادرم فدای تو باد! آنان کیانند ای رسول خدا؟» فرمود: «همانان که مال بسیار دارند ، مگر کسی که چنین و چنین و چنین [کار خیر] کند» .

.

التوحيد عن زيد بن وهب عن أبى ذرّ :خَرَجتُ لَيلَةً مِنَ اللَّيالى فَإذا رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آلهيَمشى وَحدَهُ لَيسَ مَعَهُ إنسانٌ ، فَظَنَنتُ أنَّهُ يَكرَهُ أن يَمشِىَ مَعَهُ أحَدٌ ، قالَ : فَجَعَلتُ أمشى فى ظِلِّ القَمَرِ ، فَالتَفَتَ فَرَآنى ، فَقالَ : مَن هذا ؟ قُلتُ : أبو ذَرٍّ جَعَلَنِى اللّهُ فِداكَ ! قالَ : يا أبا ذَرٍّ تَعالَ . فَمَشَيتُ مَعَهُ ساعَةً ، فَقالَ : إنَّ المُكثِرينَ هُمُ الأَقَلّونَ يَومَ القِيامَهِ ، إلاّ مَن أعطاهُ اللّهُ خَيرا ، فَنَفَحَ مِنهُ بِيَمينِهِ وشِمالِهِ وبَينَ يَدَيهِ ووَراءَهُ ، وعَمِلَ فيهِ خَيرا . (1)

سنن الترمذى عن المعرور بن سويد عن أبى ذرّ :جِئتُ إلى رَسولِ اللّهِ صلى الله عليه و آلهوهُوَ جالِسٌ فى ظِلِّ الكَعبَهِ ، قالَ : فَرَآنى مُقبِلاً ، فَقالَ : هُمُ الأَخسَرونَ ورَبِّ الكَعبَهِ يَومَ القِيامَهِ . قالَ : فَقُلتُ : ما لى؟ لَعَلَّهُ أُنزِلَ فِىَّ شَىءٌ ! قالَ : قُلتُ : مَن هُم فِداكَ أبى وأُمّى ! ؟ فَقالَ رَسولُ اللّهِ صلَى الله عليه و آله : هُمُ الأَكثَرونَ إلاّ مَن قالَ هكَذا وهكَذا وهكَذا . فَحَثا بَينَ يَدَيهِ وعَن يَمينِهِ وعَن شِمالِهِ ، ثُمَّ قالَ: وَالَّذى نَفسى بِيَدِهِ ! لا يَموتُ رَجُلٌ فَيَدَعُ إبِلاً أو بَقَرا لَم يُؤَدِّ زَكاتَها إلاّ جاءَتهُ يَومَ القِيامَهِ أعظَمَ ما كانَت وأسمَنَهُ ، تَطَؤُهُ بِأخفافِها ، وتَنطَحُهُ بِقُرونِها؛ كُلَّما نَفِدَت أُخراها عادَت عَلَيهِ أُولاها، حَتّى يُقضى بَينَ النّاسِ . (2)

.

1- .التوحيد : 25 / 24 وص 409 / 9 ، بحار الأنوار : 3 / 7 / 17 ؛ صحيح البخارى : 5 /2366/ 6078، صحيح مسلم : 2 / 688 / 33 ، حليه الأولياء : 5 / 65 نحوه .
2- .سنن الترمذى : 3 / 12 / 617 ، سنن النسائى : 5 / 10 ، مسند ابن حنبل : 8 / 81 / 21409 وص 414 / 21547 ، السنن الكبرى : 4 / 164 / 7284 والثلاثه الأخيره نحوه .

التوحید از زید بن وهب از ابوذر :شبی از شب ها بیرون شدم و رسول خدا صلی الله علیه و آلهرا دیدم که تنها قدم می زند و هیچ کس با وی نیست . گمان کردم که وی دوست نمی دارد کسی با او همراه باشد . پس در سایه ماه به گام زدن پرداختم . وی مرا دید و فرمود : «کیست؟» گفتم: «خدا مرا فدای تو سازد ؛ ابوذرم» . فرمود: «ای ابوذر! پیش آی» . پس چندی با وی قدم زدم . فرمود: «در روز قیامت ، آنان که بیش تر دارند ، کم مایه ترند ، مگر آن کس که خدا به وی خیر عطا فرموده باشد و او از آن ، به راست و چپ و پیش رو و پشت سر ببخشد و با آن ، کار نیک کند» .

سنن الترمذی از معرور بن سوید از ابوذر :نزد رسول خدا صلی الله علیه و آلهرفتم که در سایه کعبه نشسته بود . مرا دید که پیش می آیم . فرمود : «به خدا سوگند که در روز قیامت ، آنان زیانکارند» . [با خود] گفتم: «مرا چه شده است؟ شاید درباره من چیزی نازل گشته است» . پس به پیامبر صلی الله علیه و آله گفتم: «پدر و مادرم فدایت! آنان کیانند؟» فرمود: «آنان بیشینه دارانند ، مگر کسی که چنین و چنین و چنین [کار خیر]کند» . سپس قدری خاک به پیش رو و راست و چپ خود پاشید و فرمود: «سوگند به آن که جانم در دست او است! هیچ کس نمی میرد که از خود شتر یا گاوی بر جا نهد که زکاتش را ادا نکرده باشد ، مگر آن که روز قیامت آن حیوان ، فربه تر و بزرگ تر ، آید و او را لگدمال کند و با شاخ هایش وی را براند ؛ و این کار پیاپی از سر گرفته شود تا در میان مردم بر وی حکم شود» .

.

1 / 8 13الهَلاكالكتاب :«فَلَمَّا نَسُواْ مَا ذُكِّرُواْ بِهِ فَتَحْنَا عَلَيْهِمْ أَبْوَ بَ كُلِّ شَىْ ءٍ حَتَّى إِذَا فَرِحُواْ بِمَآ أُوتُواْ أَخَذْنَهُم بَغْتَةً فَإِذَا هُم مُّبْلِسُونَ . (1) »

«فَخَرَجَ عَلَى قَوْمِهِ فِى زِينَتِهِ قَالَ الَّذِينَ يُرِيدُونَ الْحَيَوةَ الدُّنْيَا يَلَيْتَ لَنَا مِثْلَ مَآ أُوتِىَ قَرُونُ إِنَّهُ لَذُو حَظٍّ عَظِيمٍ * وَ قَالَ الَّذِينَ أُوتُواْ الْعِلْمَ وَيْلَكُمْ ثَوَابُ اللَّهِ خَيْرٌ لِّمَنْ ءَامَنَ وَ عَمِلَ صَلِحًا وَ لاَ يُلَقَّلهَآ إِلاَّ الصَّبِرُونَ * فَخَسَفْنَا بِهِ وَ بِدَارِهِ الْأَرْضَ فَمَا كَانَ لَهُ مِن فِئَةٍ يَنصُرُونَهُ مِن دُونِ اللَّهِ وَ مَا كَانَ مِنَ الْمُنتَصِرِينَ * وَ أَصْبَحَ الَّذِينَ تَمَنَّوْاْ مَكَانَهُ بِالْأَمْسِ يَقُولُونَ وَيْكَأَنَّ اللَّهَ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَن يَشَآءُ مِنْ عِبَادِهِ وَ يَقْدِرُ لَوْلاَ أَن مَّنَّ اللَّهُ عَلَيْنَا لَخَسَفَ بِنَا وَيْكَأَنَّهُ لاَ يُفْلِحُ الْكَفِرُونَ . (2) »

«إِنَّ اللَّهَ يُدْخِلُ الَّذِينَ ءَامَنُواْ وَ عَمِلُواْ الصَّلِحَتِ جَنَّتٍ تَجْرِى مِن تَحْتِهَا الْأَنْهَرُ وَ الَّذِينَ كَفَرُواْ يَتَمَتَّعُونَ وَ يَأْكُلُونَ كَمَا تَأْكُلُ الْأَنْعَمُ وَ النَّارُ مَثْوًى لَّهُمْ * وَ كَأَيِّن مِّن قَرْيَةٍ هِىَ أَشَدُّ قُوَّةً مِّن قَرْيَتِكَ الَّتِى أَخْرَجَتْكَ أَهْلَكْنَهُمْ فَلاَ نَاصِرَ لَهُمْ . (3) »

«أَ فَلَمْ يَسِيرُواْ فِى الْأَرْضِ فَيَنظُرُواْ كَيْفَ كَانَ عَقِبَهُ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ كَانُواْ أَكْثَرَ مِنْهُمْ وَ أَشَدَّ قُوَّةً وَ ءَاثَارًا فِى الْأَرْضِ فَمَآ أَغْنَى عَنْهُم مَّا كَانُواْ يَكْسِبُونَ * فَلَمَّا جَآءَتْهُمْ رُسُلُهُم بِالْبَيِّنَتِ فَرِحُواْ بِمَا عِندَهُم مِّنَ الْعِلْمِ وَ حَاقَ بِهِم مَّا كَانُواْ بِهِ يَسْتَهْزِءُونَ .» (4)

«أَ وَ لَمْ يَسِيرُواْ فِى الْأَرْضِ فَيَنظُرُواْ كَيْفَ كَانَ عَقِبَهُ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ كَانُواْ أَشَدَّ مِنْهُمْ قُوَّةً وَ أَثَارُواْ الْأَرْضَ وَ عَمَرُوهَآ أَكْثَرَ مِمَّا عَمَرُوهَا وَ جَآءَتْهُمْ رُسُلُهُم بِالْبَيِّنَتِ فَمَا كَانَ اللَّهُ لِيَظْلِمَهُمْ وَ لَكِن كَانُواْ أَنفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ . (5) »

.

1- .الأنعام : 44 .
2- .القصص : 79 82 .
3- .محمّد : 12 و 13 .
4- .غافر : 82 و 83 .
5- .الروم : 9 .

1 / 8 13نابودیقرآن:«پس چون آن چه را بدان پند داده شدند ، فراموش کردند ، درهای همه چیز را بر آنان بگشودیم تا چون بدان چه داده شدند شادمان گشتند ، ناگهان بگرفتیمشان؛ پس همان دم نومید شدند.»

«پس بر قوم خود در آرایش خویش بیرون آمد . کسانی که خواستار زندگانی این جهان بودند ، گفتند: ای کاش مانند آن چه به قارون داده شده ، ما را می بود؛ که همانا او دارای بهره ای بزرگ است * و کسانی که به آنان دانش داده شده ، گفتند : وای بر شما! پاداش خدا برای کسی که ایمان آورده و کار نیک و شایسته کرده ، بهتر است؛ و این را فرا نمی گیرند مگر شکیبایان * پس او و خانه اش را به زمین فرو بردیم؛ و هیچ گروهی نبود که او را در برابر خدا یاری کند و خود نیز از بازدارندگان عذاب از خویش نبود * و آنان که دیروز جایگاه او را آرزو می کردند ، در حالی بامداد کردند که می گفتند: وای! گویی خدا است که روزی را برای هر که از بندگان خود بخواهد ، فراخ می کند و تنگ می گرداند؛ اگر نه این بود که خدا بر ما منت نهاد ، هر آینه ما را نیز به زمین فرو می برد؛ وای ، گویی کافران رستگار نمی شوند .»

«همانا خدا کسانی را که ایمان آوردند و کارهای نیک و شایسته کردند ، به بهشت هایی درآورَد که از زیر آن ها جوی ها روان است. و کسانی که کافر شدند ، کام و بهره می گیرند و همانند چهارپایان می خورند و آتش دوزخ جایگاهشان است * و بسا شهرها که از شهر تو که بیرونت کردند ، نیرومندتر بودند؛ هلاکشان کردیم و هیچ یاوری نداشتند .»

«آیا در زمین گردش نکرده اند تا بنگرند که سرانجامِ کسانی که پیش از آنان بودند ، چه سان بود؛ آنان که از ایشان نیرومندترِ بودند و نشانه های به جا مانده بیش تری در زمین داشتند؛ پس آن چه فراهم می کردند ، به کارشان نیامد * پس چون پیامبرانشان با نشانه ها و دلیل های روشن بدیشان آمدند ، آنان بدان چه از دانش نزدشان بود ، دلْ خوش کردند و آن چه به آن استهزا می کردند ، آنان را فراگرفت .»

«آیا در زمین نگشتند تا ببینند سرانجامِ کسانی که پیش از آنان بودند ، چه سان شد؟ آنان از اینان نیرومندتر بودَند و زمین را شیار کردند و بیش از آن چه اینان آبادش کردند ، آن را آباد ساختند؛ و پیامبرانشان با حجت های روشن بدیشان آمدند؛ پس خدا بر آن نبود که بر آنان ستم کند ، بلکه خود بر خویشتن ستم می کردند .»

.

«فَأَمَّا عَادٌ فَاسْتَكْبَرُواْ فِى الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَ قَالُواْ مَنْ أَشَدُّ مِنَّا قُوَّةً أَ وَ لَمْ يَرَوْاْ أَنَّ اللَّهَ الَّذِى خَلَقَهُمْ هُوَ أَشَدُّ مِنْهُمْ قُوَّةً وَ كَانُواْ بِئايَتِنَا يَجْحَدُونَ . (1) »

«أَ وَ لَمْ يَسِيرُواْ فِى الْأَرْضِ فَيَنظُرُواْ كَيْفَ كَانَ عَقِبَهُ الَّذِينَ كَانُواْ مِن قَبْلِهِمْ كَانُواْ هُمْ أَشَدَّ مِنْهُمْ قُوَّةً وَ ءَاثَارًا فِى الْأَرْضِ فَأَخَذَهُمُ اللَّهُ بِذُنُوبِهِمْ وَ مَا كَانَ لَهُم مِّنَ اللَّهِ مِن وَاقٍ . (2) »

«فَتِلْكَ بُيُوتُهُمْ خَاوِيَهَ بِمَا ظَلَمُواْ إِنَّ فِى ذَ لِكَ لَأَيَهً لِّقَوْمٍ يَعْلَمُونَ . (3) »

«وَعَدَ اللَّهُ الْمُنَفِقِينَ وَ الْمُنَفِقَتِ وَ الْكُفَّارَ نَارَ جَهَنَّمَ خَلِدِينَ فِيهَا هِىَ حَسْبُهُمْ وَ لَعَنَهُمُ اللَّهُ وَ لَهُمْ عَذَابٌ مُّقِيمٌ * كَالَّذِينَ مِن قَبْلِكُمْ كَانُواْ أَشَدَّ مِنكُمْ قُوَّةً وَ أَكْثَرَ أَمْوَ لاً وَ أَوْلَدًا فَاسْتَمْتَعُواْ بِخَلَقِهِمْ فَاسْتَمْتَعْتُم بِخَلَقِكُمْ كَمَا اسْتَمْتَعَ الَّذِينَ مِن قَبْلِكُم بِخَلَقِهِمْ وَ خُضْتُمْ كَالَّذِى خَاضُواْ أُوْلَئِكَ حَبِطَتْ أَعْمَلُهُمْ فِى الدُّنْيَا وَ الأَخِرَهِ وَ أُوْلَئِكَ هُمُ الْخَسِرُونَ . (4) »

«وَ قَطَّعْنَهُمُ اثْنَتَىْ عَشْرَهَ أَسْبَاطًا أُمَمًا وَ أَوْحَيْنَآ إِلَى مُوسَى إِذِ اسْتَسْقَلهُ قَوْمُهُ أَنِ اضْرِب بِّعَصَاكَ الْحَجَرَ فَانبَجَسَتْ مِنْهُ اثْنَتَا عَشْرَهَ عَيْنًا قَدْ عَلِمَ كُلُّ أُنَاسٍ مَّشْرَبَهُمْ وَ ظَلَّلْنَا عَلَيْهِمُ الْغَمَمَ وَ أَنزَلْنَا عَلَيْهِمُ الْمَنَّ وَ السَّلْوَى كُلُواْ مِن طَيِّبَتِ مَا رَزَقْنَكُمْ وَ مَا ظَلَمُونَا وَ لَكِن كَانُواْ أَنفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ * وَ إِذْ قِيلَ لَهُمُ اسْكُنُواْ هَذِهِ الْقَرْيَهَ وَ كُلُواْ مِنْهَا حَيْثُ شِئْتُمْ وَ قُولُواْ حِطَّهٌ وَ ادْخُلُواْ الْبَابَ سُجَّدًا نَّغْفِرْ لَكُمْ خَطِيئَتِكُمْ سَنَزِيدُ الْمُحْسِنِينَ * فَبَدَّلَ الَّذِينَ ظَلَمُواْ مِنْهُمْ قَوْلاً غَيْرَ الَّذِى قِيلَ لَهُمْ فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ رِجْزًا مِّنَ السَّمَآءِ بِمَا كَانُواْ يَظْلِمُونَ * وَسْئَلْهُمْ عَنِ الْقَرْيَهِ الَّتِى كَانَتْ حَاضِرَهَ الْبَحْرِ إِذْ يَعْدُونَ فِى السَّبْتِ إِذْ تَأْتِيهِمْ حِيتَانُهُمْ يَوْمَ سَبْتِهِمْ شُرَّعًا وَ يَوْمَ لاَ يَسْبِتُونَ لاَ تَأْتِيهِمْ كَذَ لِكَ نَبْلُوهُم بِمَا كَانُواْ يَفْسُقُونَ * وَ إِذْ قَالَتْ أُمَّهٌ مِّنْهُمْ لِمَ تَعِظُونَ قَوْمًا اللَّهُ مُهْلِكُهُمْ أَوْ مُعَذِّبُهُمْ عَذَابًا شَدِيدًا قَالُواْ مَعْذِرَهً إِلَى رَبِّكُمْ وَ لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ * فَلَمَّا نَسُواْ مَا ذُكِّرُواْ بِهِ أَنجَيْنَا الَّذِينَ يَنْهَوْنَ عَنِ السُّوءِ وَ أَخَذْنَا الَّذِينَ ظَلَمُواْ بِعَذَابِم بَئيسٍ بِمَا كَانُواْ يَفْسُقُونَ . (5) »

.

1- .فصّلت : 15 .
2- .غافر : 21 .

3- .النمل : 52 .
4- .التوبه : 68 و 69 .
5- .الأعراف : 160 165 .

«اما عاد ، در زمین به ناروا گردن کشی کردند و گفتند: کیست نیرومندتر از ما؟ آیا ندیدند که آن خدای که آنان را آفریده ، از ایشان نیرومندتر است؟ و آن ها آیات ما را انکار می کردند .»

«آیا در زمین گردش نکرده اند تا بنگرند که سرانجامِ کسانی که پیش از آنان بودند ، چه سان بود؟ آنان از اینان نیرومندتر و دارای آثار بازمانده بیش تری در زمین بودند؛ پس خداوند آنان را به سزای گناهانشان بگرفت و ایشان را از خدا هیچ نگاه دارنده ای نبود .»

«اینک خانه هاشان به ستمی که کردند ، ویران و تهی مانده است. هر آینه در آن ، برای گروهی که بدانند ، نشانه و عبرتی است.»

«خداوند مردان و زنان منافق و کافران را آتش دوزخ وعده کرده است که در آن جاویدانند؛ همان بس است آن ها را و خدای لعنتشان کرده و آنان را عذابی است پاینده * [شما کافران و منافقان]همانند کسانی [هستید] که پیش از شما بودند ، در حالی که از شما نیرومندتر و دارای اموال و فرزندان بیش تر بودند ، از بهره خویش برخوردار شدند و شما نیز از بهره خود برخوردار شدید ، هم چنان که آنان که پیش از شما بودند ، از بهره خویش برخوردار شدند و [در سخنان باطل]فرو رفتید ، چنان که آن ها فرو رفتند . آنان کارهایشان در این جهان و آن جهان تباه و برباد شد؛ و آنانند زیانکاران.»

«و آنان را به دوازده قبیله که گروه هایی [از نوادگان یعقوب] بودند ، بخش کردیم؛ و به موسی آن گاه که قومش از او آب خواستند ، وحی کردیم که عصایت را بر آن سنگ بزن ، پس دوازده چشمه از آن جوشید ، هر گروهی آبشخور خویش را بشناخت . و ابر را بر آنان سایبان ساختیم؛ و بر آنان مَنّ و سلوی فرو فرستادیم [و گفتیم:] از پاکیزه هایی که روزی تان کرده ایم ، بخورید. و بر ما ستم نکردند ، بلکه بر خویشتن ستم می کردند * و [یاد کن] آن گاه که به آنان گفته شد در این شهر جای گیرید و از نعمت آن ، هر جا که خواهید بخورید و گویید : گناهان ما را فرو نه؛ و سجده کنان از دروازه درآیید تا گناهانتان را بیامرزیم. زودا که نیکوکاران را [پاداش نیک] بیفزاییم * اما کسانی از آن ها که ستم کردند ، سخنی جز آن که به آنان گفته شده بود ، به جای آن گفتند؛ پس به سزای آن که ستم می کردند ، عذابی از آسمان بر آنان فرستادیم * و ایشان را از شهری که کنار دریا بود؛ بپرس؛

آن گاه که درباره شنبه از اندازه در می گذشتند ، هنگامیکه ماهیانشان در روز شنبه آشکارا و به انبوهی نزد آن ها می آمدند و روزی که شنبه نمی گرفتند ، به نزدشان نمی آمدند. این گونه، آنان را به سبب آن که نافرمانی می کردند، می آزمودیم * و آن گاه که گروهی از آنان گفتند: چرا گروهی را پند می دهید که خدا هلاک کننده آن ها است یا عذاب کننده آنان به عذابی سخت است؟ گفتند: تا عذری باشد نزد پروردگارتان و شاید که پرهیزگاری کنند * پس چون پندی را که به آن ها داده شده بود ، فراموش کردند ، کسانی را که از بدی باز می داشتند ، رهانیدیم و کسانی را که ستم کردند ، به سزای نافرمانی که می کردند ، به عذابی سخت بگرفتیم ».

.

«وَ مَآ أَرْسَلْنَا فِي قَرْيَهٍ مِّن نَّبِىٍّ إِلاَّ أَخَذْنَآ أَهْلَهَا بِالْبَأْسَآءِ وَ الضَّرَّآءِ لَعَلَّهُمْ يَضَّرَّعُونَ * ثُمَّ بَدَّلْنَا مَكَانَ السَّيِّئَهِ الْحَسَنَهَ حَتَّى عَفَواْ وَّ قَالُواْ قَدْ مَسَّ ءَابَآءَنَا الضَّرَّآءُ وَ السَّرَّآءُ فَأَخَذْنَهُم بَغْتَهً وَ هُمْ لاَ يَشْعُرُونَ . (1) »

«وَ اضْرِبْ لَهُم مَّثَلاً رَّجُلَيْنِ جَعَلْنَا لِأَحَدِهِمَا جَنَّتَيْنِ مِنْ أَعْنَبٍ وَ حَفَفْنَهُمَا بِنَخْلٍ وَ جَعَلْنَا بَيْنَهُمَا زَرْعًا * كِلْتَا الْجَنَّتَيْنِ ءَاتَتْ أُكُلَهَا وَ لَمْ تَظْلِم مِّنْهُ شَيْئا وَ فَجَّرْنَا خِلَلَهُمَا نَهَرًا * وَ كَانَ لَهُ ثَمَرٌ فَقَالَ لِصَحِبِهِ وَ هُوَ يُحَاوِرُهُ أَنَا أَكْثَرُ مِنكَ مَالاً وَ أَعَزُّ نَفَرًا * وَ دَخَلَ جَنَّتَهُ وَ هُوَ ظَالِمٌ لِّنَفْسِهِ قَالَ مَآ أَظُنُّ أَن تَبِيدَ هَذِهِ أَبَدًا * وَ مَآ أَظُنُّ السَّاعَهَ قَآئِمَهً وَ لَئِن رُّدِدتُّ إِلَى رَبِّى لَأَجِدَنَّ خَيْرًا مِّنْهَا مُنقَلَبًا * قَالَ لَهُ صَاحِبُهُ وَ هُوَ يُحَاوِرُهُ أَكَفَرْتَ بِالَّذِى خَلَقَكَ مِن تُرَابٍ ثُمَّ مِن نُّطْفَهٍ ثُمَّ سَوَّاكَ رَجُلاً*لَّكِنَّا۠ هُوَ اللَّهُ رَبِّى وَ لاَ أُشْرِكُ بِرَبِّى أَحَدًا* وَ لَوْ لاَ إِذْ دَخَلْتَ جَنَّتَكَ قُلْتَ مَا شَآءَ اللَّهُ لاَ قُوَّهَ إِلاَّ بِاللَّهِ إِن تَرَنِ أَنَا أَقَلَّ مِنكَ مَالاً وَ وَلَدًا * فَعَسَى رَبِّى أَن يُؤْتِيَنِ خَيْرًا مِّن جَنَّتِكَ وَ يُرْسِلَ عَلَيْهَا حُسْبَانًا مِّنَ السَّمَآءِ فَتُصْبِحَ صَعِيدًا زَلَقًا * أَوْ يُصْبِحَ مَآؤُهَا غَوْرًا فَلَن تَسْتَطِيعَ لَهُ طَلَبًا * وَ أُحِيطَ بِثَمَرِهِ فَأَصْبَحَ يُقَلِّبُ كَفَّيْهِ عَلَى مَآ أَنفَقَ فِيهَا وَهِىَ خَاوِيَهٌ عَلَى عُرُوشِهَا وَ يَقُولُ يَلَيْتَنِى لَمْ أُشْرِكْ بِرَبِّى أَحَدًا * وَ لَمْ تَكُن لَّهُ فِئَهٌ يَنصُرُونَهُ مِن دُونِ اللَّهِ وَ مَا كَانَ مُنتَصِرًا * هُنَالِكَ الْوَلَايَهُ لِلَّهِ الْحَقِّ هُوَ خَيْرٌ ثَوَابًا وَ خَيْرٌ عُقْبًا . (2) »

.

1- .الأعراف : 94 و 95 .
2- .الكهف : 32 44 .

«و ما هیچ پیامبری را در هیچ آبادی و شهری نفرستادیم ، مگر آن که مردمِ آن را به سختی و گزند گرفتار کردیم تا شاید زاری کنند * سپس به جایِ بدی ، نیکی آوردیم تا فزونی یافتند و گفتند: پدران ما را نیز سختی و راحت رسید ؛ پس ایشان را ناگهان ، در حالی که آگاهی نداشتند ، بگرفتیم .»

«و برای آنان [داستانِ] دو مردی را مثل بزن که به یکی از آن ها دو بوستان از تاک ها دادیم و بر گردِ آن ها خرمابُن ها و در میان آن ها کشتزاری پدید کردیم * هر دو بوستان میوه خود را می داد و چیزی از آن نمی کاست؛ و میان آن دو بوستان جویی فراخ روان ساختیم * و او را میوه ها بود؛ پس به یار خود که با وی گفت و گو می کرد ، گفت : من به مال ، از تو بیش تر و به افراد ، توانمندترم * و به بوستان خویش درآمد ، در حالی که بر خویشتن ستمکار بود ، گفت: نپندارم که این بوستان هیچ گاه تباه و نابود گردد * و نپندارم که رستاخیز برپا شود؛ و اگر هم به سوی خداوندم بازگردانده شوم ، هر آینه بهتر از این ، بازگشتگاهی بیابم * یارش که با او گفت و گو می کرد ، گفت: آیا به آن [خدای]که تو را از خاک و سپس از نطفه آفرید و آن گاه مردی راست بالا و تمام اندام کرد ، کافر شده ای؟ * اما من [می گویم:]او است خدای یکتا ، پروردگار من؛ و هیچ کس را با پروردگارم شریک نمی سازم * و چرا آن گاه که به بوستانت درآمدی ، نگفتی : هر چه خدای خواهد [همان شود]؛ نیرویی جز به یاری خداوند نیست؟ اگر مرا به مال و فرزند ، کم تر از خود می بینی * امید است که پروردگارم مرا بهتر از بوستان تو دهد و بر بوستان تو از آسمان عذابی آتشبار بفرستد تا زمینی هموار و بی گیاه گردد * یا آب آن به زمین فرو شود تا جُستنِ آن هرگز نتوانی * و میوه هایش نابود گشت؛ پس بامداد دو دست خویش [به پشیمانی و اندوه] بر آن چه در آن هزینه کرده بود ، می گردانید و به هم می مالید ، در حالی که داربست های تاک هایش فروریخته بود؛ و می گفت: ای کاش کسی را با پروردگارم شریک نساخته بودم * و او را از غیر خدا گروهی نبود که یاری اش کند و نه خود ، یاری کننده خویش بود * آن جا ، یاری و کارسازی تنها از آنِ خدای حق است؛ او به پاداش دادن ، بهتر و به سرانجام ، نیکوتر است .»

.

الحديث :رسول اللّه صلى الله عليه و آله :هَلاكُ رِجالِ اُمَّتى فى تَركِ العِلمِ وجَمعِ المالِ . (1)

مسند ابن حنبل عن أبو سعيد الخدرىّ :قالَ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله : هَلَكَ المُثرونَ . قالوا : إلاّ مَن ؟ قالَ : هَلَكَ المُثرونَ . قالوا : إلاّ مَن ؟ قالَ : هَلَكَ المُثرونَ . قالَ : حَتّى خِفنا أن يَكونَ قَد وَجَبَت . قالَ : إلاّ مَن قالَ هكَذا وهكَذا وهكَذا ، وقَليلٌ ما هُم . (2)

الأمالى للمفيد عن أبو هريره :كُنتُ أمشى مَعَ رَسولِ اللّهِ صلى الله عليه و آله فى نَخلٍ لِبَعضِ أهلِ المَدينَهِ ، فَقالَ : يا أبا هُرَيرَهَ ، هَلَكَ المُكثِرونَ إلاّ مَن قالَ هكَذا وهكَذا وهكَذا ثَلاثَ مَرّاتٍ حَثا بِكَفَّهِ عَن يَمينِهِ وعَن يَسارِهِ وبَينَ يَدَيهِ وقَليلٌ ما هُم . (3)

الأمالى للمفيد عن شقيق :دَخَلَ عَلَيها [أى اُمِّ سَلَمَهَ زَوجِ النَّبِىِّ صلى الله عليه و آله]عَبدُ الرَّحمانِ بنُ عَوفٍ ، فَقالَ : يا اُمَّه ، ِقَد خِفتُ أن تُهلِكَنى كَثرَهُ مالى ؛ أنَا أكثَرُ قُرَيشَ مالاً . قالَت : يا بُنَىَّ فَأَنفِق ؛ فَإِنّى سَمِعتُ رَسولَ اللّهِ صلى الله عليه و آله يَقولُ : مِن أصحابى مَن لا يَرانى بَعدَ أن اُفارِقَهُ . (4)

الإمام علىّ عليه السلام :يا كُمَيلُ ، هَلَكَ خُزّانُ الأَموالِ وهُم أحياءٌ . (5)

.

1- .تنبيه الخواطر : 1 / 3 ، إرشاد القلوب : 183 .
2- .مسند ابن حنبل : 4 / 105 / 11491 ، مسند أبى يعلى : 2 / 28 / 1078 نحوه .
3- .مسند ابن حنبل: 3/180/8091 وص617/10799، المستدرک على الصحيحين:1/698/1901، مسند إسحاق بن راهويه : 1 / 291 / 266 كلّها نحوه ، كنز العمّال : 3 / 730 / 8596 .
4- .الأمالى للمفيد : 38 / 5 ، بحار الأنوار : 28 / 22 / 31 ؛ مسند أبى يعلى : 6 / 282 / 6967 ، مسند ابن حنبل : 10 / 217 / 26756 نحوه .
5- .نهج البلاغه : الحكمه 147 ، خصائص الأئمّه عليهم السلام : 105 ، كمال الدين : 291 / 2 ،تحف العقول : 170 ، الأمالى للمفيد : 249 / 3 ، الأمالى

للطوسى : 20 / 23 وليس فيهما «وهم أحياء» وكلّها عن كميل وفيها «مات» بدل «هلک» ، بحار الأنوار : 23 / 46 / 91 .

حدیث:پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هلاکت افراد امت من در ترک دانش و گردآوری مال است .

مسند ابن حنبل از ابوسعید خدری :رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود : «ثروت اندوزان هلاک گشتند» . گفتند: «مگر چه کسانی؟» فرمود: «ثروت اندوزان هلاک گشتند .» گفتند: «مگر چه کسانی؟» فرمود: «ثروت اندوزان هلاک گشتند» . و این چندان بود که ما بیم ورزیدیم هلاکت آنان قطعی باشد . سپس فرمود: «مگر کسی که چنین و چنین و چنین [در کار خیر] صرف کند ؛ و آنان اندکند» .

امالی مفید از ابوهریره :همراه رسول خدا صلی الله علیه و آله در نخلستانی از آنِ یکی از اهل مدینه قدم می زدم . وی فرمود : «ای ابوهریره ! بسیارداران هلاک گردند ، مگر آنان که چنین و چنین و چنین [کار خیر] کنند و سه بار با کف دستش به راست و چپ و مقابلش خاک پاشید ؛ و اینان اندکند» .

امالی مفید از شقیق :عبدالرحمان بن عوف نزد ام سلمه ، همسر پیامبر صلی الله علیه و آله ، درآمد و گفت : «مادر ! بیم دارم فراوانیِ مالم مرا هلاک کند ؛ چرا که در قریش بیش از همه مال دارم» . فرمود : «پسرم ! انفاق کن ؛ که من از رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که فرمود : از جمله اصحاب من ، کسی است که پس از آن که از وی جدا گردم ، دیگر او را نبینم » .

امام علی علیه السلام :ای کمیل ! مال اندوزان ، در حالی که زنده اند ، مرده اند !

.

1 / 8 14شَرُّ الدُّنیا وَالآخِرَهِالکتاب :«فَلاَ تُعْجِبْکَ أَمْوَ لُهُمْ وَ لاَ أَوْلَدُهُمْ إِنَّمَا یُرِیدُ اللَّهُ لِیُعَذِّبَهُم بِهَا فِی الْحَیَوهِ الدُّنْیَا وَ تَزْهَقَ أَنفُسُهُمْ وَ هُمْ کَفِرُونَ . (1) »

«أَ یَحْسَبُونَ أَنَّمَا نُمِدُّهُم بِهِ مِن مَّالٍ وَ بَنِینَ * نُسَارِعُ لَهُمْ فِی الْخَیْرَ تِ بَل لاَّ یَشْعُرُونَ . (2) »

الحدیث :الإمام علیّ علیه السلام :ثَروَهُ الدُّنیا فَقرُ الآخِرَهِ . (3)

الإمام الصادق علیه السلام :إیّاکَ أن تُطمِحَ نَفسَکَ إلی مَن فَوقَکَ ، وکَفی بِما قالَ اللّهُ عز و جللِرَسولِهِ صلی الله علیه و آله : «فَلاَ تُعْجِبْکَ أَمْوَ لُهُمْ وَ لاَ أَوْلَدُهُمْ (4) . (5) »

راجع : ص 908 (الخصائص السلبیه للثّروه) . ص 986 (التحذیر من التّرف) .

.

1- .التوبه : 55 ، وانظر الآیه 85 .
2- .المؤمنون : 55 و 56 .
3- .غرر الحکم : 4705 .
4- .انظر : ص 392 (المبادئ الأخلاقیه / النظر إلی الأدنی معیشهً) .
5- .الکافی : 8 / 168 / 189 وج 2 / 137 / 1 عن الإمام الباقر علیه السلاموفیه «بصرک» بدل «نفسک» ، الزهد للحسین بن سعید : 12 / 24 و لیس فیه «نفسک» وکلّها عن عمرو بن سعید بن هلال ، مشکاه الأنوار : 232 / 655 عن الإمام الباقر علیه السلاموفیه «فکثیرا ما» بدل «و کفی بما» ، بحار الأنوار : 16 / 280 / 120 وج 73 / 172 / 13 .

1 / 8 14شر دنیا و آخرتقرآن:«مال ها و فرزندانشان تو را به شگفت نیاورَد . جز این نیست که خدا می خواهد تا بدان ها ایشان را در زندگی عذاب کند و در حالی که کافرند ، جانشان برآید .»

«آیا می پندارند که آن چه از مال و فرزندان به آن ها می دهیم ، برای ایشان در [رساندنِ]نیکی ها شتاب می کنیم؟ [نه؛] بلکه نمی فهمند .»

حدیث:امام علی علیه السلام :ثروت دنیا ، فقر آخرت است .

امام صادق علیه السلام :مبادا چشم خود را به آن که بیش از تو دارد ، بدوزی ؛ که بس است آن چه خداوند به رسول خویش فرمود : «مال ها و فرزندانشان تو را به شگفت نیاورد» .

ر .ک : ص909 (ویژگی های منفی ثروت) . ص987 (پرهیز دادن از نازپروردگی).

.

1 / 8 15جوامِعُ مضارّ التَّكاثُرِالكتاب :«عُتُلٍّ بَعْدَ ذَ لِکَ زَنِيمٍ * أَن كَانَ ذَا مَالٍ وَ بَنِينَ * إِذَا تُتْلَى عَلَيْهِ ءَايَتُنَا قَالَ أَسَطِيرُ الْأَوَّلِينَ . (1) »

«أَفَرَءَيْتَ الَّذِى كَفَرَ بِئايَتِنَا وَ قَالَ لَأُوتَيَنَّ مَالاً وَ وَلَدًا . (2) »

«يَقُولُ أَهْلَكْتُ مَالاً لُّبَدًا . (3) »

«ذَرْنِى وَ مَنْ خَلَقْتُ وَحِيدًا * وَ جَعَلْتُ لَهُ مَالاً مَّمْدُودًا * وَ بَنِينَ شُهُودًا . (4) »

«وَ أَمَّا مَن بَخِلَ وَ اسْتَغْنَى * وَ كَذَّبَ بِالْحُسْنَى * فَسَنُيَسِّرُهُ لِلْعُسْرَى * وَ مَا يُغْنِى عَنْهُ مَالُهُ إِذَا تَرَدَّى . (5) »

«وَيْلٌ لِّكُلِّ هُمَزَةٍ لُّمَزَةٍ * الَّذِى جَمَعَ مَالاً وَ عَدَّدَهُ * يَحْسَبُ أَنَّ مَالَهُ أَخْلَدَهُ . (6) »

«تَبَّتْ يَدَآ أَبِى لَهَبٍ وَ تَبَّ * مَآ أَغْنَى عَنْهُ مَالُهُ وَ مَا كَسَبَ . (7) »

الحديث :رسول اللّه صلى الله عليه و آله :إنَّ فى جَمعِ المالِ خَمسَةَ أشياءَ : العَناءَ فى جَمعِهِ ، وَالشُّغلَ عَن ذِكرِ اللّهِ بِإصلاحِهِ ، وَالخَوفَ مِن سالِبِهِ وسارِقِهِ ، وَاحتِمالَ اسمِ البُخلِ لِنَفسِهِ ، ومُفارَقَةَ الصّالِحينَ لِأجلِهِ . وفى تَفريقِهِ خَمسَةَ أشياءَ : راحَةَ النَّفسِ مِن طَلَبِهِ ، وَالفَراغَ لِذِكرِ اللّهِ مِن حِفظِهِ ، وَالأمنَ مِن سالِبِهِ وسارِقِهِ ، وَاكتِسابَ اسمِ الكِرامِ لِنَفسِهِ ، ومُصاحَبَةَ الصّالِحينَ . (8)

.

1- .القلم : 13 15 .
2- .مريم : 77 .
3- .البلد : 6 .
4- .المدّثّر : 11 13 .
5- .الليل : 8 11 .
6- .الهمزه : 1 3 .
7- .المسد : 1 و 2 .
8- .المواعظ العدديّه : 262 .

1 / 8 15مجموعه زیان های زراندوزیقرآن:«پس از این همه ، سخت دل و بدخو و بی تبار است * از آن رو که دارای مال و پسران است * چون آیات ما بر او خوانده شود ، گوید که افسانه های پیشینیان است .»

«آیا دیدی آن کس را که به آیات ما کافر شد و گفت: البته به من مال و فرزند داده شود ؟»

«گوید : مالی فراوان را نابود کردم .»

«مرا با آن که به تنهایی آفریدمش ، واگذار * و او را مال فراوان دادم * و پسرانی حاضر [نزد وی] .»

«و اما هر که بخل ورزید و بی نیازی نمود * و آن [وعده نیکو] را انکار کرد و دروغ انگاشت * پس به زودی او را برای راه دشوار آماده سازیم * و آن گاه که هلاک شد ، مالش به کارش نیاید .»

«وای بر هر بدگوی طعنه زننده * آن که مالی را فراهم ساخته ، آن را پیاپی می شمرد * می پندارد که مالش وی را جاوید و پاینده می دارد .»

«بریده باد دو دست ابولهب؛ و نابود باد خود او * مالش و آن چه به دست آورده ، او را سود ندهد .»

حدیث :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :همانا در گردآوری مال ، پنج چیز است: رنج بردن در گردآوردنش ؛غافل شدن از یاد خدا به سبب پرداختن به آن ؛ بیم از واگیرنده و رباینده آن ؛ تحمل کردن نام بخل بر خویش ؛ و جدایی از شایستگان برای [نگاه داشتِ] آن . و در برکناری از مال ، پنج چیز است: آسایش جان از جست و جوی آن ؛ فراغت یافتن از حفظ آن و پرداختن به یاد خدا ؛ ایمن بودن از واگیرنده و رباینده آن ؛ موصوف شدن به کرم ورزی ؛ و همنشینی با شایستگان .

.

صحيح مسلم عن عبد اللّه بن عمرو بن العاص:قَالَ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله : إذا فُتِحَت عَلَيكُم فارِسُ وَالرُّومُ ، أىُّ قَومٍ أنتُم ؟ قالَ عَبدُ الرَّحمانِ بنُ عَوفٍ : نَقولُ كَما أمَرَنَا اللّهُ . قالَ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله : أو غَيرُ ذلِكَ ؛ تَتَنافَسونَ ، ثُمَّ تَتَحاسَدونَ ، ثُمَّ تَتَدابَرونَ ، ثُمَّ تَتَباغَضونَ ، أو نَحوَ ذلِكَ ، ثُمَّ تَنطَلِقونَ فى مَساكينِ المُهاجِرينَ فَتَجعَلونَ بَعضَهُم عَلى رِقابِ بَعضٍ . (1)

حليه الأولياء عن سفيان الثورىّ :قالَ عيسى عليه السلام : . . . المالُ فيهِ داءٌ كَثيرٌ . قيلَ : يا روحَ اللّهِ ، ما داؤُهُ ؟ قالَ : لا يُؤَدّى حَقَّهُ . قالوا : فَإن أدّى حَقَّهُ ؟ قالَ : لا يَسلَمُ مِنَ الفَخرِ وَالخُيَلاءِ . قالوا : فَإن سَلِمَ مِنَ الفَخرِ وَالخُيَلاءِ ؟ قالَ : يَشغَلُهُ استِصلاحُهُ عَن ذِكرِ اللّهِ . (2)

البيان والتبيين عن أبو سعيد الزّاهد :قالَ عيسى عليه السلام : فِى المالِ ثَلاثُ خِصالٍ أو بَعضُها . قالوا :ِوما هِىَ يا روحَ اللّهِ ؟ قالَ : يَكسِبُهُ مِن غَيرِ حِلِّهِ . قالوا : فَإن كَسَبَهُ مِن حِلِّهِ ؟قالَ : يَمنَعُهُ مِن حَقِّهِ . قالوا : فَإن وَضَعَهُ فى حَقِّهِ ؟ قالَ : يَشغَلُهُ إصلاحُهُ عَن عِبادَهِ رَبِّهِ . (3)

الإمام علىّ عليه السلام فِى الحِكَمِ المَنسوبَهِ إلَيهِ : فِى المالِ ثَلاثُ خِصالٍ مَذمومَهٍ : إمّا أن يُكتَسَبَ مِن غَيرِ حِلِّهِ ، أو يُمنَعَ إنفاقُهُ فى حَقِّهِ ، أو يُشغَلَ بِإصلاحِهِ عَن عِبادَهِ اللّهِ تَعالى . (4)

.

1- .صحيح مسلم : 4 / 2274 / 7 ، سنن ابن ماجه : 2 / 1324 / 3996 وفيه «خزائن فارس» بدل «فارس» ، كنز العمّال : 11 / 116 / 30844 ؛ نهج الحقّ : 321 نحوه .
2- .حليه الأولياء : 6 / 388 ، ربيع الأبرار : 4 / 145 نحوه وراجع شُعب الإيمان : 7 / 323 / 10458 .
3- .البيان والتبيين : 3 / 191 ؛ تنبيه الخواطر : 1 / 162 وج 2 / 118 كلاهما نحوه .
4- .شرح نهج البلاغه : 20 / 324 / 711 .

صحیح مسلم از عبداللّه بن عمرو بن عاص:رسول خدا صلی الله علیه و آلهفرمود: «هرگاه سرزمین فارس و روم بر شما گشوده شود ، چگونه مردمی خواهید بود؟» عبدالرحمان بن عوف گفت: «چنان کنیم که خداوند به ما امر فرموده است» . رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «یا جز این [خواهید کرد !] ؛ بر سر دنیا رقابت می کنید ، حسد می ورزید ، به هم پشت می کنید ، کینه می ورزید ، یا مانند آن ؛ سپس به سراغ مهاجران بینوا می روید و برخی را بر برخی دیگر مسلط می کنید» .

حلیه الأولیاء از سفیان ثوری:عیسی علیه السلام گفت: « . . . در مال ، درد بسیار است» . گفته شد: «ای روح اللّه ! درد آن چیست؟» فرمود: «[صاحبش]حقش را ادا نکند» . گفتند: «اگر ادا کند؟» فرمود: «از فخرفروشی و تکبر سالم نماند» . گفتند: «اگر از فخرفروشی و تکبر سالم ماند؟» فرمود : «پرداختن به آن ، از یاد خدا بازش دارد» .

البیان والتبیین از ابوسعید زاهد :عیسی علیه السلام فرمود : «در مال ، سه خصلت یا برخی از این سه است» . گفتند: «آن ها چیستند ، ای روح اللّه !» فرمود: «آن را به شیوه غیر حلال کسب می کند» . گفتند: «اگر از راه حلال کسب کند؟» فرمود: «حق آن را ادا نمی کند» . گفتند: «اگر حقش را ادا کند؟» فرمود : «پرداختن به آن ، وی را از یاد پروردگارش باز می دارد» .

امام علی علیه السلام در کلمات حکیمانه منسوب به وی : در مال ، سه خصلت نکوهیده است : یا از راه غیر حلال کسب شود ؛ یا به حق انفاق نشود ؛ و یا با پرداختن به آن ، از عبادت خدای تعالی غفلت گردد .

.

عنه علیه السلام فِی الحِکَمِ المَنسوبَهِ إلَیهِ : لا تَرغَب فِی اقتِناءِ الأَموالِ ، وکَیفَ تَرغَبُ فی ما یُنالُ بِالبَختِ لا بِالاِستِحقاقِ ، ویَأمُرُ البُخلُ وَالشَّرَهُ بِحِفظِهِ ، وَالجودُ وَالزُّهدُ بِإِخراجِهِ ؟! (1)

.

1- .شرح نهج البلاغه : 20 / 333 / 818 .

ص: 985

امام علی علیه السلام در کلمات حکیمانه منسوب به وی : به گرد آوردن مال رغبت مورز ؛ و چه سان رغبت ورزی در چیزی که با بخت به دست آید و نه با استحقاق ، و بخل و آزمندی به جمع کردنش فرا می خواند ، لیکن بخشندگی و پارسایی به بذل آن فرا خواند؟

.

الفصل الثانى: التّرف2 / 1التَّحذيرُ مِنَ التَّرَفِرسول اللّه صلى الله عليه و آله :إيّاکَ وَالتَّنَعُّمَ ؛ فَإِنَّ عِبادَ اللّهِ لَيسوا بِالمُتَنَعِّمينَ . (1)

عنه صلى الله عليه و آله :شِرارُ اُمَّتِى : الَّذينَ غُذوا بِالنَّعيمِ ونَبَتَت عَلَيهِ أجسامُهُم . (2)

عنه صلى الله عليه و آله :شِرارُ اُمَّتِى : الَّذينَ وُلِدوا فِى النَّعيمِ وغُذوا بِهِ ، هِمَّتُهُم ألوانُ الطَّعامِ وألوانُ الثِّيابِ ، يَتَشَدَّقونَ فِى الكَلامِ . (3)

.

1- .مسند ابن حنبل : 8 / 258 / 22166 ، الزهد لابن حنبل : 11 ، حليه الأولياء : 5 / 155 كلّها عن معاذ بن جبل ، كنز العمّال : 3 / 192 / 6111 .
2- .تنبيه الخواطر : 1 / 178 ؛ مسند إسحاق بن راهويه : 1 / 349 / 347 وفيه «شرّ» بدل «شرار» ، إحياء علوم الدين : 3 / 139 ، كنز العمّال : 3 / 215 / 6224 نقلاً عن أبى يعلى وابن عساكر وكلّها عن أبى هريره .
3- .الزهد لابن المبارک : 262 / 758 عن عروه بن رويم ، المستدرک على الصحيحين : 3 / 657 / 6418 عن عبد اللّه بن جعفر ، شُعب الإيمان : 5 / 33 / 5669 ، تاريخ دمشق : 27 / 366 / 5837 كلاهما عن فاطمه عليهاالسلاموكلّها نحوه ، كنز العمّال : 3 / 561 / 7912 و 7913 .

2 / 1 پرهیز دادن از نازپروردگی

فصل دوم: نازپروردگی2 / 1پرهیز دادن از نازپروردگیپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :از نازپروردگی دور باش ؛ که بندگان خدا نازپرورده نباشند .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :بَدانِ امت من آنانند که در ناز و نعمت بار آیند و پیکرهاشان در آن ، پروریده شود .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :بَدانِ امت من آنانند که در نعمت زاده شوند و با آن بار آیند ؛ همتشان صرف غذاها و جامه های رنگارنگ گردد و در سخن گفتن مراعات دیگران را نکنند .

.

عنه صلى الله عليه و آله :سَيَأتى بَعدَكُم قَومٌ يَأكُلونَ أطائِبَ الدُّنيا وألوانَها ، ويَنكِحونَ أجمَلَ النِّساءِ وألوانَها ، ويَلبَسونَ ألَيَنَ الثِّيابِ وألوانَها ، ويَركَبونَ فُرِهَ الخَيلِ وألوانَها ، لَهُم بُطونٌ مِنَ القَليلِ لا تَشبَعُ ، وأنفُسٌ بِالكَثيرِ لا تَقنَعُ ، عاكِفينَ عَلَى الدُّنيا يَغدونَ ويَروحونَ إلَيها ، اِتَّخَذوها آلِهَةً مِن دونِ إلهِهِم ، ورَبّا دونَ رَبِّهِم ، إلى أمرِهِم يَنتَهونَ ، وهَواهُم يَتَّبِعونَ . فَعَزيمَةٌ مِن مُحَمَّدِ بنِ عَبدِ اللّهِ لازِمَةٌ لِمَن أدرَكَهُ ذلِكَ الزَّمانُ مِن عَقِبِ عَقِبِكُم وخَلَفِ خَلَفِكُم ، أن لا يُسَلِّمَ عَلَيهِم ، ولا يَعودَ مَرضاهُم ، ولا يَتَّبِعَ جَنائِزَهُم ، ولا يُوَقِّرَ كَبيرَهُم ؛ فَمَن يَفعَل ذلِكَ فَقَد أعانَ عَلى هَدمِ الإِسلامِ . (1)

عنه صلى الله عليه و آله :مَن قَضى نَهمَتَهُ فِى الدُّنيا حِيلَ بَينَهُ وبَينَ شَهوَتِهِ فِى الآخِرَهِ ، ومَن مَدَّ عَينَهُ إلى زينَهِ المُترَفينَ كانَ مَهيناً فى مَلَكوتِ السَّماءِ . (2)

عنه صلى الله عليه و آله :يَابنَ مَسعودٍ ، سَيَأتى مِن بَعدى أقوامٌ يَأكُلونَ طَيِّباتِ الطَّعامِ وألوانَها ، ويَركَبونَ الدَّوابَّ ، ويَتَزَيَّنونَ بِزينَهِ المَرأهِ لِزَوجِها ، ويَتَبَرَّجونَ تَبَرُّجَ النِّساءِ ، وزِيُّهُم مِثلُ زِىِّ المُلوكِ الجَبابِرَهِ ، هُم مُنافِقو هذِهِ الاُمَّهِ فى آخِرِ الزَّمانِ ، شارِبُو القَهَواتِ ، لاعِبونَ بِالكِعابِ ، راكِبُو الشَّهَواتِ ، تارِكُو الجَماعاتِ ، راقِدونَ عَنِ العَتَماتِ ، مُفَرِّطونَ فِى الغَدَواتِ ؛ يَقولُ اللّهُ تَعالى : «فَخَلَفَ مِن بَعْدِهِمْ خَلْفٌ أَضَاعُواْ الصَّلَوهَ وَ اتَّبَعُواْ الشَّهَوَ تِ فَسَوْفَ يَلْقَوْنَ غَيًّا . (3) » يَابنَ مَسعودٍ ، مَثَلُهُم مَثَلُ الدِّفلى ؛ زَهرَتُها حَسَنَهٌ وطَعمُها مُرٌّ ، كَلامُهُمُ الحِكمَهُ ، وأعمالُهُم داءٌ لا تَقبَلُ الدَّواءَ ؛ «أَ فَلاَ يَتَدَبَّرُونَ الْقُرْءَانَ أَمْ عَلَى قُلُوبٍ أَقْفَالُهَآ . (4) » يَابنَ مَسعودٍ ، ما يَنفَعُ مَن يَتَنَعَّمُ فِى الدُّنيا إذا اُخلِدَ فِى النّارِ ؟! «يَعْلَمُونَ ظَهِرًا مِّنَ الْحَيَوهِ الدُّنْيَا وَ هُمْ عَنِ الْأَخِرَهِ هُمْ غَفِلُونَ . (5) » يَبنونَ الدُّورَ ، ويُشَيِّدونَ القُصورَ ، ويُزَخرِفونَ المَساجِدَ ، لَيسَت هِمَّتُهُم إلاَّ الدُّنيا ، عاكِفونَ عَلَيها ، مُعتَمِدونَ فيها ، آلِهَتُهُم بُطونُهُم ؛ قالَ اللّهُ تَعالى : «وَ تَتَّخِذُونَ مَصَانِعَ لَعَلَّكُمْ تَخْلُدُونَ * وَ إِذَا بَطَشْتُم بَطَشْتُمْ جَبَّارِينَ * فَاتَّقُواْ اللَّهَ وَ أَطِيعُونِ (6) » ، وقالَ اللّهُ تَعالى : «أَ فَرَءَيْتَ مَنِ اتَّخَذَ إِلَهَهُ هَوَاهُ وَ أَضَلَّهُ اللَّهُ عَلَى عِلْمٍ وَ خَتَمَ عَلَى سَمْعِهِ وَ قَلْبِهِ وَ جَعَلَ عَلَى بَصَرِهِ غِشَوَهً فَمَن يَهْدِيهِ مِن بَعْدِ اللَّهِ أَ فَلاَ تَذَكَّرُونَ . (7) » وما هُوَ إلاّ مُنافِقٌ جَعَلَ دينَهُ هَواهُ ، وإلهَهُ بَطنَهُ ، كُلُّ مَا اشتَهى مِنَ الحَلالِ وَالحَرامِ لَم يَمتَنِع مِنهُ ؛ قالَ اللّهُ تَعالى : «وَ فَرِحُواْ بِالْحَيَوهِ الدُّنْيَا وَ مَا الْحَيَوهُ الدُّنْيَا فِى الْأَخِرَهِ إِلاَّ مَتَعٌ . (8) » يَابنَ مَسعودٍ ، مَحاريبُهُم نِساؤُهُم ، وشَرَفُهُمُ الدَّراهِمُ وَالدَّنانيرُ ، وهِمَّتُهُم بُطونُهُم ، اُولئِكَ هُم شَرُّ الأشرارِ ، الفِتنَهُ مِنهُم وإلَيهِم تَعودُ . يَابنَ مَسعودٍ ، قَولُ اللّهِ تَعالى :

«أ فَرَءَيْتَ إِن مَّتَّعْنَهُمْ سِنِينَ * ثُمَّ جَآءَهُم مَّا كَانُواْ يُوعَدُونَ * مَآ أَغْنَى عَنْهُم مَّا كَانُواْ يُمَتَّعُونَ . (9) » يَابنَ مَسعودٍ ، أجسادُهُم لا تَشبَعُ ، وقُلوبُهُم لا تَخشَعُ . يَابنَ مَسعودٍ ، الإِسلامُ بَدَأَ غَريبا وسَيَعودُ غَريباً كَما بَدَأَ ، فَطوبى لِلغُرَباءِ ! فَمَن أدرَكَ ذلِكَ الزَّمانَ مِن أعقابِكُم فَلا تُسَلِّموا عَلَيهِم في ناديهِم ، ولا تُشَيِّعوا جَنائِزَهُم ، ولا تَعودوا مَرضاهُم ؛ فَإِنَّهُم يَستَنّونَ بِسُنَّتِكُم ، ويَظهَرونَ بِدَعواكُم ، ويُخالِفونَ أفعالَكُم ؛ فَيَموتونَ عَلَى غَيرِ مِلَّتِكُم ، أُولئِکَ لَيسوا مِنّى ولا أنَا مِنهُم . (10)

.

1- .تنبيه الخواطر : 1 / 155 ؛ إحياء علوم الدين : 3 / 343 نحوه .
2- .المعجم الصغير : 2 / 108 ، شُعب الإيمان : 7 / 125 / 9722 ، الفردوس : 3 / 546 / 5703 وفيه «السماوات والأرض» بدل «السماء» وكلّها عن البرّاء بن عازب ، كنز العمّال : 3 / 227 / 6277 .
3- .مريم : 59 .
4- .محمّد : 24 .
5- .الروم : 7 .
6- .الشعراء : 129 131 .
7- .الجاثيه : 23 .
8- .الرعد : 26 .
9- .الشعراء : 205 207 .
10- .مكارم الأخلاق : 2 / 344 / 2660 عن عبد اللّه بن مسعود ، بحار الأنوار : 77 / 96 / 1 .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :پس از شما گروهی آیند که گوارایی ها و رنگارنگی های دنیا را خورند و زیباترین و خوش رنگ ترینِ آنان را به همسری گیرند و نرم ترین و رنگ به رنگ ترین جامه ها را پوشند و چالاک ترین و رنگارنگ ترین اسبان را سوار شوند ؛ آندرون هایی دارند که از کم سیر نگردد و جان هایی که به بسیار قانع نباشد ؛ به دنیا دل بندند و شب و روز به آن مشغول گردند و آن را جز خدای و پروردگارشان ، معبود و پروردگار گیرند و در پی کاری که خواهند ، روند و دنباله خواهش خویش را گیرند . پس از محمّد بن عبداللّه ، عهدی لازم است بر هر یک از پسینیان و آیندگان شما که آن روزگار را دریابد ، که بر ایشان سلام نکند و بیمارانشان را عیادت ننماید و در پی جنازه هاشان نرود و بزرگسالانشان را احترام ننهد ؛ و هر که چنین کند ، به ویران سازی اسلام کمک کرده است .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر کس همه نیازهای خود را از دنیا برآورد ، روز آخرت به خواسته اش نرسد ؛ و هر که به زیور ناز پروردگان چشم دوزد ، در ملکوت آسمان خوار است .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :ای ابن مسعود! پس از من گروه هایی می آیند که غذاهای نِکو و رنگارنگ می خورند و بر چهارپایان سوار می شوند و خود را چنان زینت می کنند که زنی برای همسرش زینت می کند و همچون زنان زیور آرایی می نمایند و همانند شاهان ستمگر جامه می پوشند ؛ آنان منافقانِ این امت در آخر الزمان هستند که شراب می نوشند و با قاب ، قمار می کنند و شهوت می رانند و نمازهای جماعت را وا می نهند و خواب ابتدای شب را وامی گذارند و در صبحگاهان بسیار می خوابند . خدای تعالی فرماید: «آن گاه ، کسانی جانشین اینان گشتند که نماز را وانهادند و پیرو شهوت ها شدند . آنان به زودی در غَی [= وادی ای در جهنم] فرو خواهند افتاد» . ابن مسعود! آنان همانند خرزهره اند که گلی زیبا دارد ، اما مزه اش سخت تلخ است . گفتارشان حکیمانه جلوه می کند ؛ اما کردارشان بیماری درمان ناپذیر است : «آیا در قرآن نمی اندیشند یا بر قلب هاشان قفل ها است؟» ابن مسعود! آن که در دنیا با نازپروردگی زیست می کند ، سودی نمی برد ، آن گاه که در آتش جاودانه گردد: «آنان به جلوه بیرونی زندگی دنیا آگاهند ؛ اما از آخرت بی خبرند .» خانه ها می سازند ؛ کاخ ها بر پا می کنند ؛ مسجدها را به زیور می آرایند ؛ مقصد همه تلاش هاشان تنها دنیا است و به آن روی آورده اند و دل بسته اند . خدایِ

آنان ، شکم هاشان است . خدایِ برترین فرموده است: «با این پندار که همواره زنده اید ، دژها و کاخ ها برمی افرازید؟ و به گاه انتقام گیری ، همچون سرکشان رفتار می کنید؟ * پس تقوای خدا را پیش گیرید و از من فرمان برید» . و نیز خدای برترین فرموده است: «آیا دیده ای آن را که هوسش را به خدایی برگزید و خدا از روی علم گمراهش ساخت و بر گوش و دلش مهر نهاد . . . آیا پند نمی گیرید؟» چنین کسی جز منافق نیست که هوس خویش را دین خود ساخته و شکمش را خدای خویش ؛ از هر چه دلش بخواهد ، خواه حلال و خواه حرام ، نمی پرهیزد . خدای برترین فرموده است: «اینان به همین زندگی پست خشنودند ؛ اما این زندگی در برابر زندگی آخرت ، تنها کالایی ناچیز است» . ابن مسعود! محراب های اینان زنانشانند ؛ شرافت ایشان در درهم و دینار است ؛ همه توانشان را در راه شکم خود به کار می گیرند . اینان در میان بَدان ، بدترینند ؛ هم خاستگاه فتنه اند و هم بازگشتگاه آن . ابن مسعود! سخن خدای برترین چنین است: «مگر نمی دانی اگر سال ها آنان را برخوردار کنیم * آن گاه عذاب موعود به آنها رسد آن چه از آن برخوردار می شدند به کارشان نمی آید؟» ابن مسعود! کالبدهای ایشان هیچ سیری نپذیرد و دل هاشان نرم و رام نگردد . ابن مسعود! اسلام غریبانه آغاز شد و به همان سان ، غریبانه باز خواهد گشت . پس خوشا سرانجامِ غریبان! از فرزندان شما ، هر کس که آن روزگار را دریابد [خطاب من به ایشان است:] بدیشان سلام ندهید ؛ جنازه هاشان را تشییع نکنید ؛ بیمارانشان را عیادت ننمایید ؛ که آنان گرچه خود را با شما هم سنت و هم آوا جلوه می دهند ، رفتارشان همانند شما نیست . پس آنان مسلمان گونه نمی میرند و نه آن ها از منند و نه من از آن هایم .

.

ص: 990

. .

ص: 991

..

عنه صلى الله عليه و آله :يَابنَ مَسعودٍ ، دَع نَعيمَ الدُّنيا وأكلَها وحَلاوَتَها ، وحارَّها وبارِدَها ، ولَيِّنَها وطَيِّبَها ، وألزِم نَفسَكَ الصَّبرَ عَنها ؛ فَإِنَّكَ مَسؤولٌ عَن هذا كُلِّهِ ؛ قالَ اللّهُ تَعالى : «ثُمَّ لَتُسْئَلُنَّ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ (1) » . (2)

الزهد لابن حنبل عن يزيد بن عبد اللّه بن قسيط :اُتِىَ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله بِسَويقٍ مِن سَويقِ اللَّوزِ ، فَلَمّا خيضَ قالَ : ما هذا ؟ قالوا : سَويقُ اللَّوزِ . قالَ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله : أخِّروهُ عَنّى ؛ هذا شَرابُ المُترَفينَ . (3)

سنن أبى داود عن أنس :إنَّ رَسولَ اللّهِ صلى الله عليه و آله خَرَجَ فَرَأى قُبَّةً مُشرِفَةً فَقالَ : ما هذِهِ ؟ قالَ لَهُ أصحابُهُ: هذِهِ لِفُلانٍ رَجُلٍ مِنَ الأنصارِ، قالَ: فَسَكَتَ وحَمَلَها فى نَفسِهِ ، حَتّى إذا جاءَ صاحِبُها رَسولَ اللّهِ صلى الله عليه و آله يُسَلِّمُ عَلَيهِ فِى النّاسِ أعرَضَ عَنهُ ، صَنَعَ ذلِكَ مِرارا ، حَتّى عَرَفَ الرَّجُلُ الغَضَبَ فيهِ وَالإِعراضَ عَنهُ ، فَشَكا ذلِكَ إلى أصحابِهِ فَقالَ : وَاللّهِ إنّى لأُنكِرُ رَسولَ اللّهِ صلى الله عليه و آله . قالوا : خَرَجَ فَرَأى قُبَّتَكَ . قالَ : فَرَجَعَ الرَّجُلُ إلى قُبَّتِهِ فَهَدَمَها حَتّى سَوّاها بِالأَرضِ ، فَخَرَجَ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله ذاتَ يَومٍ فَلَم يَرَها ، قالَ : ما فَعَلَتِ القُبَّةُ ؟ قالوا : شَكا إلَينا صاحِبُها إعراضَكَ عَنهُ ، فَأَخبَرناهُ فَهَدَمَها . فَقالَ : أما إنَّ كُلَّ بِناءٍ وَبالٌ عَلى صاحِبِهِ إلاّ ما لا ، إلاّ ما لا . يَعنى : ما لا بُدَّ مِنهُ . (4)

.

1- .التكاثر : 8 .
2- .مكارم الأخلاق : 2 / 352 / 2660 عن عبد اللّه بن مسعود ، بحار الأنوار : 77 / 103 / 1 .
3- .الزهد لابن حنبل : 11 وراجع المحاسن : 2 / 290 / 1952و بحار الأنوار : 66 / 280 / 24 .
4- .سنن أبى داود : 4 / 360 / 5237 ؛ تنبيه الخواطر : 1 / 71 نحوه .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :ابن مسعود! نعمت دنیا و خوردن و شیرینی و سرد و گرم و نرم و گوارای آن را رها کن و خود را از آن باز دار ؛ زیرا درباره همه آن ها از تو سؤال خواهد شد . خدای تعالی فرموده است: «سپس هر آینه در آن روز ، در باره نعمت ها از شما سؤال خواهد شد» .

الزهد ابن حنبل از یزید بن عبداللّه بن قسیط :معجون بادامی نزد پیامبر صلی الله علیه و آلهآورده شد . چون آن را به هم زدند ، فرمود : «این چیست؟» گفتند : «معجون بادام» . فرمود: «آن را از من دور کنید ؛ که آن ، نوشیدنی نازپروردگان است» .

سنن ابی داود از انس :رسول خدا صلی الله علیه و آله برون آمده ، گنبدی بلند دید . فرمود: «این چیست؟» یارانش گفتند : «این از آنِ فلان مرد از انصار است» . پیامبر سکوت ورزید و خود را نگاه داشت ؛ تا آن گاه که صاحب آن گنبد نزد وی آمد و در میان مردم ، به ایشان سلام داد . پیامبر از او روی گرداند و این کار را چند بار انجام داد ؛ چندان که آن مرد خشم و رویگردانی وی را دریافت . پس از این حال به یارانش گله برد و گفت: «به خدا سوگند! من این رفتار پیامبر را نمی پسندم» . گفتند: «وی برون آمده ، گنبدت را دید» . مرد به گنبد خویش بازگشت و آن را ویران کرد ؛ چندان که با خاک یکسانش نمود . دیگر بار روزی پیامبر برون آمده ، آن را ندید . فرمود: «آن گنبد چه شد؟» گفتند: «صاحب آن از رویگردانی تو به ما گله آورد و ما از ماجرا خبرش دادیم ؛ پس آن را ویران ساخت» . فرمود : «هلا که هر ساختمانی وبال گردن صاحب آن است ، مگر این که چاره ای از آن نباشد» .

.

سنن أبى داود عن أنس :مَرَّ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آلهبِقُبَّةٍ عَلى بابِ رَجُلٍ مِنَ الأنصارِ فَقالَ : ما هذِهِ ؟ قالوا : قُبَّةٌ بَناها فُلانٌ . قالَ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله : كُلُّ مالٍ يَكونُ هكَذا فَهُوَ وَبالٌ عَلى صاحِبِهِ يَومَ القِيامَهِ . فَبَلَغَ الأنصارِيَّ ذلِكَ فَوَضَعَها ، فَمَرَّ النَّبِيُّ صلى الله عليه و آلهبَعدُ فَلَم يَرَها ، فَسَأَلَ عَنها ، فَأُخبِرَ أنَّهُ وَضَعَها لِما بَلَغَهُ عَنكَ فَقالَ : يَرحَمُهُ اللّهُ ! يَرحَمُهُ اللّهُ ! (1)

شُعب الإيمان عن واثله بن الأسقع :كُنتُ مِن فُقَراءِ المُصَلّينَ مِن أهلِ الصُّفَّهِ ، فَأتانَا النَّبِيُّ صلى الله عليه و آلهذاتَ يَوم فَقالَ : كَيفَ أنتُم بَعدى إذا شَبِعتُم مِن خُبزِ البُرِّ وَالزَّيتِ ، وأكَلتُم ألوانَ الطَّعامِ ولَبِستُم أنواعَ الثِّيابِ ؛ فَأنتُمُ اليَومَ خَيرٌ أم ذاكَ ؟ قُلنا : ذاكَ . قالَ : بَل أنتُمُ اليَومَ خَيرٌ . (2)

حليه الأولياءعن ابن شهاب :إنَّ عُثمانَ بنَ مَظعونٍ دَخَلَ يَوما المَسجِدَ وعَلَيهِ نَمِرَهٌ قَد تَخَلَّلَت فَرَقَعَها بِقِطعَهٍ مِن فَروَهٍ ، فَرَقَّ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله عَلَيهِ ورَقَّ أصحابُهُ لِرِقَّتِهِ ، فَقالَ : كَيفَ أنتُم يَومَ يَغدو أحَدُكُم فى حُلَّهٍ ويَروحُ فى أُخرى ، وتوضَعُ بَينَ يَدَيهِ قَصعَهٌ وتُرفَعُ أُخرى ، وسَتَرتُمُ البُيوتَ كَما تُستَرُ الكَعبَهُ ؟ قالوا : وَدَدنا أنَّ ذلِكَ قَد كانَ يا رَسولَ اللّهِ ؛ فَأصَبنَا الرَّخاءَ وَالعَيشَ . قالَ : فَإنَّ ذلِكَ لَكائِنٌ ، وأنتُمُ اليَومَ خَيرٌ مِن أُولئِكَ . (3)

.

1- .سنن ابن ماجه : 2 / 1393 / 4161 ، مسند ابن حنبل : 4 / 439 / 13300 نحوه .
2- .شُعب الإيمان : 7 / 283 / 10322 ، حليه الأولياء : 2 / 23 ، تاريخ دمشق : 22 / 223 / 4926 وفيهما «المسلمين» بدل «المصلّين» ، كنز العمّال : 3 / 216 / 6229 .
3- .حليه الأولياء : 1 / 105 .

سنن ابی داود از انس :رسول خدا صلی الله علیه و آله بر گنبدی بنا شده بر آستانه خانه مردی از انصار برگذشت . فرمود : «این چیست؟» گفتند : «گنبدی است که فلان کس بنا کرده است» . رسول خدا صلی الله علیه و آلهفرمود : «هر مالی که چنین باشد ، روز قیامت ، وبال گردن صاحب خویش است» . این خبر به آن مرد انصاری رسید ؛ پس آن را ویران کرد . دیگر بار پیامبر بر آن جا گذشت و آن را ندید ؛ پس از آن پرسید . خبرش دادند که آن مرد چون سخن او را شنیده ، آن را ویران کرده است . فرمود: «خدایش رحمت کند ! خدایش رحمت کند !» .

شعب الایمان از واثله بن اسقع :من از فقیران نمازگزار در اهل صفّه بودم . روزی رسول خدا صلی الله علیه و آلهنزد ما آمد و فرمود : «چه سان خواهید بود آن گاه که پس از من ، از نان گندم و روغن سیر گردید و غذاهای رنگین بخورید و جامه های گوناگون بپوشید . وضعِ شما امروز بهتر است یا آن روز؟» گفتیم: «آن روز» . فرمود : «بلکه وضعِ امروز شما بهتر است» .

حلیه الأولیاء از ابن شهاب:روزی عثمان بن مظعون به مسجد درآمد ، حال آن که گلیمی پاره بر وی بود که با تکه پوستی آن را پینه کرده بود . رسول خدا صلی الله علیه و آله را دل بر وی بسوخت و اصحاب نیز بر دلسوزی او دل سوختند . فرمود: «چه سان خواهید بود در روزی که هر یک از شما صبحگاهان در جامه ای است و شامگاهان در جامه دیگر ؛ و پیاپی نزدش ظرف غذا نهاده شود ؛ و خانه هاتان را همچون کعبه بپوشانید؟» گفتند : «آرزو داریم که چنان روزی دررسد ، ای رسول خدا ، تا به آسایش و رفاه دست یابیم» . فرمود: «بی تردید ، چنان خواهد شد ؛ اما امروز بیش از آن روز به سود شما است» .

.

الزهد لابن حنبل عن حرب بن أبى الأسود عن طلحه البصرىّ :قَدِمتُ المَدينَهَ ولَم يَكُن لى بِها مَعرِفَهٌ ورُبَّما قالَ : عَريفٌ وكانَ يُجرى عَلَينا مُدٌّ مِن تَمرٍ بَينَ اثنَينِ ، فَصَلّى بِنا رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آلهصَلاهً ، فَهَتَفَ بِهِ هاتِفٌ مِن خَلفِهِ فَقالَ : يا رَسولَ اللّهِ ، قَد أحرَقَ بُطونَنَا التَّمرُ ، وتَخَرَّقَت عَنَّا الخُنُفُ ! فَخَطَبَ فَحَمِدَ اللّهَ وأثنى عَلَيهِ وقالَ : وَاللّهِ لَو أجِدُ لَكُمُ اللَّحمَ وَالخُبزَ لَأَطعَمتُكُموهُ ، ولَيَأتِيَنَّ عَلَيكُم زَمانٌ يُغدى عَلى أحَدِكُمُ الجِفانُ ويُراحُ ، ولَتَلبَسُنَّ مِثلَ أستارِ الكَعبَهِ . قالوا : يا رَسولَ اللّهِ ، نَحنُ اليَومَ خَيرٌ مِنّا أو يَومَئِذٍ ؟ قالَ : أنتُمُ اليَومَ خَيرٌ مِنكُم يَومَئِذٍ ، أنتُمُ اليَومَ خَيرٌ مِنكُم يَومَئِذٍ ، يَضرِبُ بَعضُكُم رِقابَ بَعضٍ . (1)

الإمام علىّ عليه السلام :إنّا لَجُلوسٌ مَعَ رَسولِ اللّهِ صلى الله عليه و آله فِى المَسجِدِ ، إذ طَلَعَ مُصعَبُ بنُ عُمَيرٍ ، ما عَلَيهِ إلاّ بُردَهٌ لَهُ مَرقوعَهٌ بِفَروٍ ، فَلَمّا رَآهُ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آلهبَكى لِلَّذى كانَ فيهِ مِنَ النِّعمَهِ وَالَّذى هُوَ اليَومَ فيهِ ، ثُمَّ قالَ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله : كَيفَ بِكُم إذا غَدا أحَدُكُم فى حُلَّهٍ وراحَ فى حُلَّهٍ ، ووُضِعَت بَينَ يَدَيهِ صَحفَهٌ ورُفِعَت أُخرى ، وسَتَرتُم بُيوتَكُم كَما تُستَرُ الكَعبَهُ ؟ قالوا : يا رَسولَ اللّهِ ، نَحنُ يَومَئِذٍ خَيرٌ مِنَّا اليَومَ ، نَتَفَرَّغُ لِلعِبادَهِ ، ونُكفَى المُؤنَهَ ! فَقالَ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله : لَأَنتُمُ اليَومَ خَيرٌ مِنكُم يَومَئِذٍ . (2)

.

1- .الزهد لابن حنبل : 34 وراجع المستدرک على الصحيحين : 4 / 591 / 8648 و السنن الكبرى : 2 / 624 / 4337 وكنز العمّال : 3 / 218 / 6234 و ج 7 / 200 / 18631 .

2- .سنن الترمذى : 4 / 647 / 2476 ، الزهد لهنّاد : 2 / 389 / 758 كلاهما عن محمّد بن كعب عمّن سمعه ، كنز العمّال : 3 / 217 / 6230 وج 13 / 582 / 37496 .

الزهد ابن حنبل از حرب بن ابو اسود از طلحه بصری :به مدینه درآمدم ، حال آن که بدان شناختی نداشتم و شاید گفت: در آن جا ، آشنایی نداشتم و میان ما دو کف خرما برای هر نفر تقسیم می شد . پس روزی رسول خدا صلی الله علیه و آلهپیشاپیش ما نماز نهاد ؛ سپس کسی از فراپشت وی بانگ برآورد و گفت: «ای رسول خدا! خرما اندرون های ما را بسوزانده و جامه های کتانمان پاره شده است» . پیامبر به خطبه ایستاد و پس از سپاس و ستایش خداوند ، فرمود: «به خدا سوگند! اگر برای شما گوشت و نانی می یافتم ، شما را از آن اطعام می کردم . هر آینه روزگاری خواهدتان آمد که ظرف های غذا ، صبحگاهان و شامگاهان ، پیاپی نزدتان درآید ؛ و جامه هایی همانند پوشش کعبه بر تن کنید» . گفتند: «ای رسول خدا! امروز به خیریم یا آن روز خواهیم بود؟» فرمود: «شما امروز بیش از آن روز به خیرید ؛ شما امروز بیش از آن روز به خیرید . در آن روز ، گردن یکدیگر را خواهید زد» .

امام علی علیه السلام :همراه رسول خدا صلی الله علیه و آله در مسجد نشسته بودیم که مصعب بن عمیر درآمد ، حال آن که تنها پارچه ای یمنی بر خود داشت و با پاره ای پوست آن را پینه کرده بود . چون رسول خدا صلی الله علیه و آله وی را بدید ، بدان جهت که روزی در ناز و نعمت بوده و اکنون در چنان حالی بود ، گریست . سپس فرمود: «چه سان خواهید بود آن روز که هر یک از شما صبحگاهان در یک جامه و شامگاهان در جامه دیگر باشد و پیاپی قدح غذا برابرش نهاده شود ؛ و خانه هاتان را همانند کعبه بپوشانید؟» گفتند: «ای رسول خدا! آن روز بهتر از امروز خواهیم بود ؛ زیرا در بی نیازی می توانیم به خوبی عبادت کنیم» . رسول خدا صلی الله علیه و آلهفرمود: «هر آینه امروز بهتر از آن روزید» .

.

عنه عليه السلام :أُنظُروا فِى الدُّنيا نَظَرَ الزّاهِدِ المُفارِقِ لَها ؛ فَإِنَّها تُزيلُ الثّاوِىَ السّاكِنَ ، وتَفجَعُ المُترَفَ الآمِنَ ، لا يُرجى مِنها ما تَوَلّى فَأَدبَرَ ، ولا يُدرى ما هُوَ آتٍ مِنها فَيُنتَظَرَ . (1)

عنه عليه السلام :مَعاشِرَ شيعَتى ، اِحذَروا! فَقَد عَضَّتكُمُ الدُّنيا بِأَنيابِها ، تَختَطِفُ مِنكُم نَفسا بَعدَ نَفسٍ كَذِئابِها ، وهذِهِ مَطايَا الرَّحيلِ قَد أُنيخَت لِرُكّابِها ، أَلا إِنَّ الحَديثَ ذو شُجونٍ ، فَلا يَقولَنَّ قائِلُكُم : إِنَّ كَلامَ عَلِىٍّ مُتَناقِضٌ ؛ لِأَنَّ الكَلامَ عارِضٌ . ولَقَد بَلَغَنى أَنَّ رَجُلاً مِن قُطّانِ المَدائِنِ تَبِعَ بَعدَ الحَنيفِيَّهِ عُلوجَهُ ، ولَبِسَ مِن نالَهِ دِهقانِهِ مَنسوجَهُ ، وتَضَمَّخَ بِمِسكِ هذِهِ النَّوافِجِ صَباحَهُ ، وَتَبَخَّرَ بِعودِ الهِندِ رَواحَهُ ، وحَولَهُ رَيحانُ حَديقَهٍ يَشُمُّ نُفاحَهُ ، وقَد مُدَّ لَهُ مَفروشاتُ الرّومِ عَلى سُرُرِهِ . تَعسا لَهُ بَعدَ ما ناهَزَ السَّبعينَ مِن عُمُرِهِ ! وحَولَهُ شَيخٌ يَدِبُّ عَلى أَرضِهِ مِن هَرَمِهِ ، وذو يُتمَهِ تَضَوَّرَ مِن ضُرِّهِ ومِن قَرَمِهِ ، فَما واساهُم بِفاضِلاتٍ مِن عَلقَمِهِ ، لَئِن أَمكَنَنِىَ اللّهُ مِنهُ لَأَخضِمَنَّهُ خَضمَ البُرِّ ، ولأُقيمَنَّ عَلَيهِ حَدَّ المُرتَدِّ ، ولَأَضرِبَنَّهُ الثَّمانينَ بَعدَ حَدٍّ ، وَلَأَسُدَّنَّ مِن جَهلِهِ كُلَّ مَسَدٍّ . تَعسا لَهُ ! أَفَلا شَعرٌ ؟! أَفَلا صوفٌ ؟! أَفَلا وَبَرٌ ؟! أَفَلا رَغيفٌ قَفارُ اللَّيلِ إفطارٌ مُقَدَّمٌ (2) ؟! أَفَلا عَبرَهٌ عَلى خَدٍّ فى ظُلَمَهِ لَيالٍ تَنحَدِرُ ؟! ولَو كانَ مُؤمِنا لاَتَّسَقَت لَهُ الحُجَّهُ إذا ضَيَّعَ ما لا يَملِكُ . (3)

.

1- .الكافى : 8 / 17 / 3 عن محمّد بن إسماعيل الهمدانى عن الإمام الكاظم عليه السلام ، تحف العقول : 202 ، نهج البلاغه : الخطبه 103 نحوه وراجع مطالب السؤول : 51 .

2- .قال المجلسى رحمه الله : قوله : «أفلا رغيف» بالرفع ، ويجوز فى مثله الرفع والنصب والبناء على الفتح . و«القَفار بالفتح » : ما لا إدام معه من الخبز ، واُضيف إلى الليل ، وهو صفه للرغيف ، و«إفطارٌ» و«مقدَّمٌ» أيضا صفتان له . وفى بعض النسخ : «لليلِ إفطارِ معدمٍ» ، فالظرف صفه اُخرى لرغيف ، و«ليل» مضاف إلى الإفطار المضاف إلى المعدم ؛ أى الفقير (بحار الأنوار : 40 / 353) .

3- .الأمالى للصدوق : 720 / 988 عن المفضّل بن عمر عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام ، بحار الأنوار : 40 / 346 / 29 .

امام علی علیه السلام :به دنیا با نظر پارسایی که از آن دوری جوید ، بنگرید ؛ که آن نابود کننده کسی است که در آن اقامت و سکنا گزیند و رفاه زده ایمن را به درد آورد . بهره دنیا چون پشت کند ، دیگر امیدی به بازگشت آن نیست ؛ و آینده به روشنی دانسته نیست تا بتوان انتظارش را کشید .

امام علی علیه السلام :ای گروه های شیعیان ؛ سخت مراقب باشید ! همانا دنیا شمارا به دندان گزیده و همچون گرگ هایش یکان یکان شما را در می رباید . این مَرکبِ کوچ است که اکنون نزد سواران خود زانو زده است . هلاّ که سخن شاخه هایی دارد ؛ پس کسی از شما نگوید که سخن علی تناقض دارد ؛ چرا که کلام ، مخاطب ها و حالت های گوناگونی دارد . به من خبر رسیده که مردی از ساکنان مدائن ، پس از مسلمان شدن ، از کافران پیروی کرده و جامه ای از خیاط خانه مهترِ آن شهر برگرفته ؛ و بامدادِ خود را به مشک دان هایش خوشبو کرده و شامگاهش را به عود هندی معطر نموده ؛ و پیرامونش را گل بوستانی فراگرفته و آن را می بوید ؛ و فرش های رومی را بر تخت های خود گسترانیده است . پس از سپری کردن هفتاد سال ، چه بدبخت شده است ! در پیرامون او پیرمردی است که از فرط پیری ، بر زمین می خزد ؛ و یتیمی است که از تنگ حالی و شدت گرسنگی به خود می پیچد ؛ اما او [حتی]از پس مانده های غذای تلخش به وی ندهد . اگر خداوند مرا بر وی مسلط فرماید ، همچون گندم می کوبمش و بر وی حد مرتد جاری می کنم و سپس هشتاد تازیانه می زنمش و راه عذر نادانی را بر او می بندم . آیا موی و پوست و کرک حیوان ، او را نبود؟ آیا تکه نانی نداشت تا کسی را افطار دهد؟ آیا در تاریکی شب ، اشکی بر گونه ای نمی غلتید؟ اگر وی مؤمن بود ، هر آینه آن گاه که مالِ غیر خود را تباه نمود ، حجت بر وی تمام می شد .

.

2 / 2المُترَفونَ أعداءُ الأَنبياءِالكتاب :«وَ كَذَ لِکَ مَآ أَرْسَلْنَا مِن قَبْلِکَ فِی قَرْيَهٍ مِّن نَّذِيرٍ إِلاَّ قَالَ مُتْرَفُوهَآ إِنَّا وَجَدْنَآ ءَابَآءَنَا عَلَى أُمَّهٍ وَ إِنَّا عَلَى ءَاثَرِهِم مُّقْتَدُونَ . (1) »

«وَ قَالَ الْمَلَأُ مِن قَوْمِهِ الَّذِينَ كَفَرُواْ وَ كَذَّبُواْ بِلِقَآءِ الْأَخِرَهِ وَ أَتْرَفْنَهُمْ فِی الْحَيَوهِ الدُّنْيَا مَا هَذَآ إِلاَّ بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ يَأْكُلُ مِمَّا تَأْكُلُونَ مِنْهُ وَ يَشْرَبُ مِمَّا تَشْرَبُونَ . (2) »

«وَ مَآ أَرْسَلْنَا فِی قَرْيَهٍ مِّن نَّذِيرٍ إِلاَّ قَالَ مُتْرَفُوهَآ إِنَّا بِمَآ أُرْسِلْتُم بِهِ كَفِرُونَ * وَ قَالُواْ نَحْنُ أَكْثَرُ أَمْوَ لاً وَ أَوْلَدًا وَ مَا نَحْنُ بِمُعَذَّبِينَ . (3) »

الحديث :الإمام علىّ عليه السلام فى خُطبَهٍ لَهُ : أَمَّا الأَغنِياءُ مِن مُترَفِهِ الاُمَمِ ، فَتَعَصَّبوا لِاثارِ مَواقِعِ النِّعَمِ ، فَقالوا : «نَحْنُ أَكْثَرُ أَمْوَ لاً وَ أَوْلَدًا وَ مَا نَحْنُ بِمُعَذَّبِينَ . (4) »

الإمام زين العابدين عليه السلام فى دُعائِهِ لِلعافِيَهِ : وأعِذنى وذُرِّيَّتى مِنَ الشَّيطانِ الرَّجيمِ ، ومِن شَرِّ السّامَّهِ وَالهامَّهِ وَاللاّمَّهِ وَالعامَّهِ ، ومِن شَرِّ كُلِّ شَيطانٍ مَريدٍ ، ومِن شَرِّ كُلِّ سُلطانٍ عَنيدٍ ، ومِن شَرِّ كُلِّ مُترَفٍ حَفيدٍ . (5)

.

1- .الزخرف : 23 .
2- .المؤمنون : 33 .
3- .سبأ : 34 و 35 .
4- .نهج البلاغه : الخطبه 192 ، بحار الأنوار : 14 / 471 / 37 .
5- .الصحيفه السجّاديه : 98 الدعاء 23 .

2 / 2نازپروردگان دشمنان پیامبرانندقرآن:«و همچنین پیش از تو در هیچ شهری بیم دهنده ای نفرستادیم ، مگر آن که توانگران و کامرانانش گفتند که ما پدران خود را بر آیینی یافته ایم و ما بر پیِ ایشان می رویم .»

«و مهتران قومش که کافر بودند و دیدار آن جهان را باور نداشتند و آنان را در زندگی این جهان کامرانی داده بودیم ، گفتند : این نیست مگر آدمی ای همچون شما ، از آن چه شما می خورید می خورد و از آن چه می آشامید می آشامد .»

«و ما هیچ بیم دهنده ای در هیچ آبادی و شهری نفرستادیم ، مگر آن که کامرانان و توانگران آن گفتند: ما بدان چه به آن فرستاده شده اید ، کافریم؛ و گفتند: ما مال ها و فرزندان بیش تر داریم و ما عذاب شدگان نیستیم .»

حدیث:امام علی علیه السلام در خطبه ای از وی : اما توانگران ، از نازپروردگان امت ها بودند که به دلیل برخورداری از نعمت ها دچار تعصب شدند و گفتند: «ما مال ها و فرزندان بیش تر داریم و ما عذاب شدگان نیستیم» .

امام سجاد علیه السلام در دعای عافیت خواهی اش : و من و نسلم را از شیطان رانده شده در امان دار ؛ و نیز از شر جانور زهردار ناکُشنده و جانور زهر دار کشنده و همه جانوران و چشم زخم ؛ و هم از شر شیطان سرکش و پادشاه ستمگر و نازپرورده ای که خدمتکارانش وی را تعظیم کنند .

.

2 / 3مُعاشَرَهُ المُترَفينَ2 / 3 1التَّجافى عَن مُجالَسَهِ المُترَفينَإرشاد القلوب فى لَيلَهِ المِعراجِ : قالَ اللّهُ تَعالى : يا أحمَدُ ، مَحَبَّتى مَحَبَّهُ الفُقَراءِ ؛ فَأدنِ الفُقَراءَ وقَرِّب مَجلِسَهُم مِنکَ ، وأبعِدِ الأغنِياءَ وأبعِد مَجلِسَهُم عَنکَ ؛ فَإِنَّ الفُقَراءَ أحِبّائى . (1)

رسول اللّه صلى الله عليه و آله :تَجافَوا صُحبَهَ الأَغنِياءِ وَارحَموهُم ، وعِفّوا عَن أموالِهِم . (2)

عنه صلى الله عليه و آله :أقِلُّوا الدُّخولَ عَلَى الأَغنِياءِ؛ فَإِنَّهُ قَمَنٌ أن لا تَزدَروا نِعَمَ اللّهِ عز و جل. (3)

عنه صلى الله عليه و آله لِعائِشَهَ : إذا أرَدتِ اللُّحوقَ بى فَليَكفِكِ مِنَ الدُّنيا كَزادِ الرّاكِبِ ، وإيّاكِ ومُجالَسَهَ الأَغنِياءِ ! ولا تَستَخلِقى ثَوبا حَتّى تُرَقِّعيهِ . (4)

.

1- .إرشاد القلوب : 201 ، بحار الأنوار : 77 / 23 / 6 .
2- .تنبيه الخواطر : 2 / 120 وراجع الفردوس : 1 / 76 / 224 .
3- .المستدرک على الصحيحين : 4 / 347 / 7869 ، شُعب الإيمان : 7 / 274 / 10287 وفيه «أحدر» بدل «قمن» وكلاهما عن عبد اللّه بن الشخّير ، كنز العمّال : 3 / 198 / 6154 .
4- .سنن الترمذى: 4/245/1780 ، المستدرک على الصحيحين : 4 / 347 / 7867 ، الطبقات الكبرى : 8 / 76 وفيهما «تستخلقى» بدل «تستخلعى» وكلّها عن عائشه ، كنز العمّال : 3 / 391 / 7094 .

2 / 3 همنشینی با نازپروردگان

2 / 3 1 دوری جستن از همنشینی با نازپروردگان

2 / 3همنشینی با نازپروردگان2 / 3 1دوری جستن از همنشینی با نازپروردگانارشاد القلوب در وصف شب معراج : خدای تعالی فرمود: «ای احمد! محبت من ، محبت فقیران است ؛ پس به آنان نزدیک شو و ایشان را نزدیک خود بنشان و از توانگران دور باش و آنان را دور از خود بنشان ؛ که فقیران دوستان منند» .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :از همنشینی توانگران دوری گزینید و بر آنان دل بسوزانید و از اموال آنان دامن بشویید .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :از درآمدن نزد توانگران بکاهید ؛ که اگر نزدشان روید ، سزا است که نعمت های خدا را درنیابید .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله خطاب به عایشه : اگر خواهی به من پیوندی ، باید از دنیا به اندازه توشه یک سوار تو را بس باشد ؛ و از همنشینی با توانگران بپرهیز . و جامه ای را تا آن گاه که پینه نکرده ای ، از تن بیرون میاور .

.

عنه صلى الله عليه و آله :ثَلاثَهٌ مُجالَستُهُم تُميتُ القَلبَ : . . . وَالجُلوسُ مَعَ الأَغنِياءِ . (1)

الإمام علىّ عليه السلام :لا تَكُن مِمَّن يَرجُو الآخِرَهَ بِغَيرِ العَمَلِ . . . اللَّهوُ مَعَ الأَغنِياءِ أَحَبُّ إلَيهِ مِنَ الذِّكرِ مَعَ الفُقَراءِ . (2)

الإمام الباقر عليه السلام لِرَجُلٍ : يا فُلانُ ، لا تُجالِسِ الأَغنِياءَ ؛ فَإِنَّ العَبدَ يُجالِسُهُم وهُوَ يَرى أنَّ للّهِ عَلَيهِ نِعمَهً ، فَما يَقومُ حَتّى يَرى أن لَيسَ لِلّهِ عَلَيهِ نِعمَهٌ . (3)

عنه عليه السلام :قالَ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله : أربَعٌ يُمِتنَ القَلبَ : . . . ومُجالَسَهُ المَوتى . فَقيلَ لَهُ : يا رَسولَ اللّهِ ، ومَا المَوتى ؟ قالَ : كُلُّ غَنِيٍّ مُترَفٍ . (4)

2 / 3 2التَّحذيرُ مِن إكرامِ الغَنِيِّ لِغِناهُرسول اللّه صلى الله عليه و آله :لَعَنَ اللّهُ مَن أكرَمَ الغَنِيَّ لِغِناهُ ! ولَعَنَ اللّهُ مَن أهانَ الفَقيرَ لِفَقرِهِ ! ولا يَفعَلُ هذا إلاّ مُنافِقٌ . ومَن أكرَمَ الغَنِيَّ لِغِناهُ وأهانَ الفَقيرَ لِفَقرِهِ ، سُمِّيَ فِى السَّماواتِ عَدُوَّ اللّهِ وعَدُوَّ الأنبِياءِ ؛ لا يُستَجابُ لَهُ دَعوَهٌ ، ولا يُقضى لَهُ حاجَهٌ . (5)

.

1- .الكافى : 2 / 641 / 8 ، الخصال : 87 / 20 كلاهما عن المحاربى عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام ، تحف العقول : 51 ، مشكاه الأنوار : 359 / 1168 عن الإمام الصادق عليه السلامعنه صلى الله عليه و آله ، بحار الأنوار : 77 / 155 / 127 .
2- .نهج البلاغه: الحكمه 150 ، خصائص الأئمّه عليهم السلام: 109 وفيه «النوم» بدل«اللهو» ، بحار الأنوار: 72 / 199 / 30 .
3- .الأمالى للصدوق : 326/381 عن عبد اللّه بن سليمان ، مشكاه الأنوار : 72/131 ، روضه الواعظين : 518 ، بحار الأنوار : 74 / 194 / 21 .
4- .الخصال : 228 / 65 عن مسعده بن صدقه عن الإمام الصادق عليه السلام ، مشكاه الأنوار : 446 / 1495 ، روضه الواعظين : 453 ، بحار الأنوار : 2 / 128 / 10 .

5- .إرشاد القلوب : 194 .

2 / 3 2 پرهیز دادن از گرامی داشتن توانگر برای توانگری اش

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :همنشینی با سه تن ، دل را بمیراند: . . . و همنشینی با توانگران .

امام علی علیه السلام :از [قماش] کسی مباش که بدون عمل ، به آخرت امید دارد . . . و خوش گذرانی همراه توانگران برایش دوست داشتنی تر از یاد کردن خدا همراه فقیران است .

امام باقر علیه السلام خطاب به مردی : ای فلانی! با توانگران منشین ؛ که بنده چون با ایشان نشیند ، در آغاز اعتقاد دارد که خدا نعمتش بخشیده ، و چون برخیزد ، گمان دارد که خدا به وی نعمتی نداده است .

امام باقر علیه السلام :رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «چهار چیز ، دل را بمیرانند : . . . و همنشینی با مردگان» . گفتند: «ای رسول خدا! مردگان کیانند؟» فرمود: «هر توانگر نازپرورده» .

2 / 3 2پرهیز دادن از گرامی داشتن توانگر برای توانگری اشپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :خدای لعنت کند کسی را که توانگر را برای توانگری اش گرامی دارد ؛ و نیز خدای لعنت کند کسی را که فقیر را برای فقرش خوار شمارد . و این کار را جز منافق ، نمی کند . و هر که توانگر را برای توانگری اش گرامی دارد و فقیر را برای فقرش خوار شمارد ، در آسمان ها دشمن خدا و پیامبران شمرده شود و دعایش مستجاب نگردد و نیازش برآورده نشود .

.

عنه صلى الله عليه و آله :مَن تَواضَعَ لِغَنِیٍّ ، جَعَلَ اللّهُ فَقرَهُ بَینَ عَینَیهِ . (1)

عنه صلى الله عليه و آله :مَن تَضَعضَعَ لِغَنِیٍّ لِیَنالَ مِمّا فی یَدَیهِ ، أسخَطَ اللّهَ عز و جلعَلَیهِ . (2)

عنه صلى الله عليه و آله :أیُّما فَقیرٍ تَضَعضَعَ لِغَنِیٍّ لِدُنیاهُ ، ذَهَبَ ثُلُثا دینِهِ . (3)

عنه صلى الله عليه و آله :إیّاکُم وَالتَّواضُعَ لِغَنِیٍّ ! فَما تَضَعضَعَ أحَدٌ لِغَنِیٍّ إلاّ ذَهَبَ نَصیبُهُ مِنَ الجَنَّهِ . (4)

الإمام علیّ علیه السلام :مَن أتی غَنِیّا فَتَواضَعَ لَهُ لِغِناهُ ذَهَبَ ثُلُثا دینِهِ . (5)

2 / 4عاقِبَهُ التَّرَفِالكتاب :«وَ إِذَآ أَرَدْنَآ أَن نُّهْلِکَ قَرْیَهً أَمَرْنَا مُتْرَفِیهَا فَفَسَقُواْ فِیهَا فَحَقَّ عَلَیْهَا الْقَوْلُ فَدَمَّرْنَهَا تَدْمِیرًا . (6) »

.

1- .تنبیه الخواطر : 2 / 116 .
2- .المعجم الصغیر : 1 / 257 ، شُعب الإیمان : 7 / 213 / 10044 ، تنبیه الغافلین : 257 / 341 كلاهما نحوه وكلّها عن أنس .
3- .تنبیه الخواطر : 2 / 200 وراجع الدرّالمنثور : 4 / 572 .
4- .جامع الأخبار : 440 / 1238 .
5- .نهج البلاغه : الحكمه 228 ، تفسیر العیّاشی : 1 / 120 / 379 عن عمرو بن جمیع رفعه ، الأمالی للمفید : 188 / 15 ، الاختصاص : 226 كلاهما عن رفاعه عن الإمام الصادق علیه السلام وكلّها نحوه ، بحار الأنوار : 73 / 170 / 7 .
6- .الإسراء : 16 .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر که برای توانگری تواضع نماید ، خداوند فقر را بر پیشانی اش مهر نماید .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر که نزد توانگری فروتنی کند تا به مال او دست یابد ، خدا بر وی خشم گیرد .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر فقیری که نزد توانگری برای دنیایش فروتنی کند ، دو سوم دینش از دست رفته است .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :مبادا به توانگر تواضع کنید ! هیچ کس برای توانگری فروتنی نکند ، جز آن که بهره بهشتی اش نابود شود .

امام علی علیه السلام :هر که نزد توانگری رود و برای ثروتش به او تواضع نماید ، دو سوم دینش تباه شده است .

2 / 4سرانجامِ نازپروردگیقرآن:«و چون بخواهیم شهری را هلاک کنیم ، نازپروردگان آن جا را فرمان دهیم؛ پس در آن جا نافرمانی و گناه کنند؛ آن گاه آن وعده [یِ عذاب]بر آن سزا شود؛ پس آن را به سختی نابود کنیم .»

.

«كَلاَّ إِنَّهَا لَظَى * نَزَّاعَةً لِّلشَّوَى * تَدْعُواْ مَنْ أَدْبَرَ وَ تَوَلَّى * وَ جَمَعَ فَأَوْعَى . (1) »

«وَ كَمْ أَهْلَكْنَا مِن قَرْيَهٍ بَطِرَتْ مَعِيشَتَهَا فَتِلْکَ مَسَكِنُهُمْ لَمْ تُسْكَن مِّن بَعْدِهِمْ إِلاَّ قَلِيلاً وَ كُنَّا نَحْنُ الْوَ رِثِينَ . (2) »

«مَآ أَغْنَى عَنِّى مَالِيَهْ . (3) »

«مَآ أَغْنَى عَنْهُ مَالُهُ وَ مَا كَسَبَ . (4) »

«وَ مَا يُغْنِى عَنْهُ مَالُهُ إِذَا تَرَدَّى . (5) »

«وَ كَمْ قَصَمْنَا مِن قَرْيَهٍ كَانَتْ ظَالِمَهً وَ أَنشَأْنَا بَعْدَهَا قَوْمًا ءَاخَرِينَ * فَلَمَّآ أَحَسُّواْ بَأْسَنَآ إِذَا هُم مِّنْهَا يَرْكُضُونَ * لاَ تَرْكُضُواْ وَ ارْجِعُواْ إِلَى مَآ أُتْرِفْتُمْ فِيهِ وَ مَسَكِنِكُمْ لَعَلَّكُمْ تُسْئلُونَ * قَالُواْ يَوَيْلَنَآ إِنَّا كُنَّا ظَلِمِينَ * فَمَا زَالَت تِّلْکَ دَعْوَاهُمْ حَتَّى جَعَلْنَهُمْ حَصِيدًا خَمِدِينَ . (6) »

«فَلَوْ لاَ كَانَ مِنَ الْقُرُونِ مِن قَبْلِكُمْ أُوْلُواْ بَقِيَّهٍ يَنْهَوْنَ عَنِ الْفَسَادِ فِى الْأَرْضِ إِلاَّ قَلِيلاً مِّمَّنْ أَنجَيْنَا مِنْهُمْ وَ اتَّبَعَ الَّذِينَ ظَلَمُواْ مَآ أُتْرِفُواْ فِيهِ وَ كَانُواْ مُجْرِمِينَ . (7) »

.

1- .المعارج : 15 18 .
2- .القصص : 58 .
3- .الحاقّه : 28 .
4- .المسد : 2 .
5- .الليل : 11 .
6- .الأنبياء : 11 15 .
7- .هود : 116 .

«هرگز؛ که آن ، آتشی است زبانه کشنده * برکننده پوست سر * هر که [به حق]پشت کرد و [از ایمان] روی برتافت * و [مال] گرد آورد و اندوخت ، فرا می خواند .»

«و چه بسیار آبادی ها و شهرها را نابود کردیم که در زندگانی خویش از خوشی ، سرکشی و نافرمانی نمودند؛ و اینک این خانه هایشان است که پس از آنان جز اندکی در آن ها نشیمن نگرفتند و ما وارث آنان بودیم .»

«مالم مرا سود نبخشید .»

«مالش و آن چه به دست آورده ، او را سود ندهد .»

«و آن گاه که هلاک شد ، مال او به کارش نیاید .»

«و چه بسا شهرها را که ستمکار بودند ، فرو شکستیم و پس از آن ها قومی دیگر پدید کردیم * پس چون عذاب را دریافتند ، آن گاه به شتاب از آن می گریختند * مگریزید؛ و به کامرانی و خانه های خویش بازگردید تا مگر از شما بپرسند * گفتند: وای بر ما که ستمکار بودیم * پس پیوسته گفتارشان این بود تا آنان را درو شده و خاموش و بی جان کردیم .»

«پس چرا در میان مردمانی که پیش از شما بودند ، جز اندکی شان که آنان را رهانیدیم ، خردمندان و نیکان با فضیلتی نبودند که از تباهکاری در زمین بازدارند؟ و کسانی که ستم کرده اند ، در پی آن چه در آن کامرانی یافتند ، رفتند و بزهکار بودند .»

.

الحديث :الإمام الباقر عليه السلام فى قَولِ اللّهِ تَعالى : «وَ إِذَآ أَرَدْنَآ أَن نُّهْلِكَ قَرْيَةً أَمَرْنَا مُتْرَفِيهَا» : أمَرنا أكابِرَها . (1)

الإمام علىّ عليه السلام مِن كِتابِهِ إلى مُعاوِيَةَ : وكَيفَ أنتَ صانِعٌ إذا تَكَشَّفَت عَنكَ جَلابيبُ ما أنتَ فيهِ مِن دُنيا قَد تَبَهَّجَت بِزينَتِها ، وخَدَعَت بِلَذَّتِها ، دَعَتكَ فَأَجَبتَها ، وقادَتكَ فَاتَّبَعتَها ، وأمَرَتكَ فَأَطَعتَها . وإنَّهُ يوشِكُ أن يَقِفَكَ واقِفٌ عَلى ما لا يُنجيكَ مِنهُ مِجَنٌّ ، فَاقعَس عَن هذَا الأمرِ ، وخُذ اُهبَةَ الحِسابِ ، وشَمِّر لِما قَد نَزَلَ بِكَ ، ولا تُمَكِّنِ الغُواةَ مِن سَمعِكَ ، وإن لاتَفعَل اُعلِمكَ ما أغفَلتَ مِن نَفسِكَ ؛ فَإِنَّكَ مُترَفٌ قَد أخَذَ الشَّيطانُ مِنكَ مَأخَذَهُ ، وبَلَغَ فيكَ أمَلَهُ ، وجَرى مِنكَ مَجرَى الرّوحِ وَالدَّمِ . (2)

الإمام زين العابدين عليه السلام فِى الزُّهدِ : وَاعلَم وَيحَكَ ! يَابنَ آدَمَ ، أنَّ قَسوَةَ البِطنَةِ ، وكِظَّةَ المِلأَةِ ، وسُكرَ الشِّبَعِ ، وغِرَّةَ المُلكِ ، مِمّا يُثَبِّطُ ويُبطِئُ عَنِ العَمَلِ ، ويُنسِى الذِّكرَ ، ويُلهى عَنِ اقتِرابِ الأَجَلِ ، حَتّى كَأَنَّ المُبتَلى بِحُبِّ الدُّنيا بِهِ خَبَلٌ مِن سُكرِ الشَّرابِ . (3)

.

1- .تفسير العيّاشى : 2 / 284 / 35 عن حمران ، بحار الأنوار : 5 / 208 / 47 .
2- .نهج البلاغه : الكتاب 10 ، بحار الأنوار : 33 / 101 / 406 .
3- .تحف العقول : 273 ، بحار الأنوار : 78 / 129 / 1 .

ص: 1011

حدیث:امام باقر علیه السلام درباره سخن خدای تعالی: «و چون بخواهیم شهری را هلاک کنیم ، نازپروردگان آن جا را فرمان دهیم . . .» : بزرگانشان را فرمان دهیم .

امام علی علیه السلام در نامه اش به معاویه : چه سان خواهی بود آن گاه که پرده های دنیایی که در آنی ، کنار رود ؛ همان دنیا که با زیورهایش خود را آراسته ای و با لذتش فریبکاری کرده ای ؛ او تو را خواند و تو اجابتش کردی ؛ تو را به سوی خود فراخواند و به دنبالش روان گشتی ؛ فرمانت داد و پیروی اش کردی . همانا زود است که کسی تو را باز ایستاند ، چنان که هیچ سپری نتواند از آن نجاتت دهد . پس از این شیوه دست بردار و برای حسابرسی آماده شو و خود را برای آن چه بر تو فرو خواهد آمد ، مهیا کن و به گمراهان گوش فرا مده ؛ که اگر چنین نکنی ، تو را بدان چه از آن غافلی ، آگاه کنم . همانا تو نازپرورده ای هستی که شیطان زمامت را گرفته و در تو به آرزویش رسیده و همچون روح و خون در وجودت جاری شده است .

امام سجاد علیه السلام درباره زهد : ای فرزند آدم ؛ وای بر تو! بدان که سیاهیِ درون و فراوان خوردن و سرمستیِ سیری و فریفتگیِ ثروت و قدرت ، انسان را از عمل باز می دارد و یاد [خدا] را فراموشش می سازد و از نزدیک شدن مرگ غافلش می کند ؛ چندان که هر کس به دنیا دوستی گرفتار گردد ، گویا جنون مستی از شراب در او است .

.

الفصل الثالث: ما يوجب الآفات3 / 1الغَفلَهُ عَنِ الآخِرَهِالكتاب :«كَلاَّ بَلْ تُحِبُّونَ الْعَاجِلَهَ * وَ تَذَرُونَ الْأَخِرَهَ . (1) »

«إِنَّ هَؤُلاَءِ يُحِبُّونَ الْعَاجِلَهَ وَ يَذَرُونَ وَرَآءَهُمْ يَوْمًا ثَقِيلاً . (2) »

الحديث :رسول اللّه صلى الله عليه و آله لِرَجُلٍ يوصيهِ : لا تَتَشاغَل عَمّا فُرِضَ عَلَيکَ بِما قَد ضُمِنَ لَکَ ؛ فَإِنَّهُ لَيسَ بِفائِتِکَ ما قَد قُسِمَ لَکَ ، ولَستَ بِلاحِقٍ ما قَد زُوِيَ عَنکَ ، فَلا تَکُ جاهِدا فى ما يصح نافِدا ، وَاسعَ لِمُلکٍ لا زَوالَ لَهُ فى مَنزِلٍ لاَ انتِقالَ عَنهُ . (3)

.

1- .القيامه : 20 و 21 .
2- .الدهر : 27 .
3- .أعلام الدين : 344 / 37 عن أبى ذرّ ، بحار الأنوار : 77 / 187 / 37 .

3 / 1 غفلت از آخرت

فصل سوم: آن چه آفت می آورد3 / 1غفلت از آخرتقرآن:«نه چنان است که می پندارید، بلکه شما این جهان شتابان و زودگذر را دوست می دارید * و آن جهان را فرو می گذارید .»

«همانا اینان این جهان شتابان و زودگذر را دوست می دارند و روزی گران را پشت سرشان می افکنند .»

حدیث :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در سفارش به مردی : به سبب آن چه [= کسب روزی] که برایت تضمین گشته ، از وظیفه واجبت غفلت مکن ؛ که آن چه روزی مقسوم تو است ، از دستت نخواهد رفت و آن چه رزقت نباشد ، نصیبت نخواهد گشت . پس در طلب آن چه فناشدنی است ، مکوش و برای آن ثروتی بکوش که در سرای جاودان ، فناناپذیر است .

.

الإمام علىّ عليه السلام :أيُّهَا النّاسُ ، لا يَشغَلكُمُ المَضمونُ مِنَ الرِّزقِ عَنِ المَفروضِ عَلَيكُم مِنَ العَمَلِ . (1)

الإمام الصادق عليه السلام :كَم مِن طالِبٍ لِلدُّنيا لَم يُدرِكها ، ومُدرِكٍ لَها قَد فارَقَها ! فَلا يَشغَلَنَّكَ طَلَبُها عَن عَمَلِكَ ، وَالتَمِسها مِن مُعطيها ومالِكِها ؛ فَكَم مِن حَريصٍ عَلَى الدُّنيا قَد صَرَعَتهُ ، وَاشتَغَلَ بِما أدرَكَ مِنها عَن طَلَبِ آخِرَتِهِ حَتّى فَنى عُمُرُهُ وأدرَكَهُ أجَلُهُ ! (2)

3 / 2اِستِبطاءُ الرِّزقِرسول اللّه صلى الله عليه و آله :يَقولُ سُبحانَهُ وتَعالى : لِيَحذَر عَبدِيَ الَّذى يَستَبطِئُ رِزقى أن أغضَبَ فَأفتَحَ عَلَيهِ بابا مِنَ الدُّنيا ! (3)

مسند ابن حنبل عن حبّه وسواء ابنا خالد :دَخَلنا عَلَى النَّبِيِّ صلى الله عليه و آلهوهُوَ يُصلِحُ شَيئا فَأعَنّاهُ ، فَقالَ : لا تَأيَسا مِنَ الرِّزقِ ما تَهزَّزَت رُؤوسُكُما ؛ فَإنَّ الإنسانَ تَلِدُهُ اُمُّهُ أحمَرَ لَيسَ عَلَيهِ قِشرَهٌ ، ثُمَّ يَرزُقُهُ اللّهُ عز و جل . (4)

.

1- .إرشاد القلوب : 120 ، تحف العقول : 489 عن الإمام الهادى عليه السلامنحوه ، بحار الأنوار : 78 / 374 / 22 .
2- .الكافى : 2 / 455 / 9 عن عثمان بن عيسى ، مشكاه الأنوار : 464 / 1549 وفيه «عمل» بدل «طلب» و«انقضى» بدل «فنى» .
3- .أعلام الدين: 277 وص161 ، كنز الفوائد: 2/197 وفيهما «وروى أنّ اللّه عز و جل أوحى إلى عيسى بن مريم عليه السلام» ، عدّه الداعى: 31 عن الإمام الصادق عليه السلام ، بحار الأنوار: 81/195/52 وج 103/21/16 .
4- .مسند ابن حنبل : 5 / 375 / 15855 ، سنن ابن ماجه : 2 / 1394 / 4165 ، المعجم الكبير : 4 / 7 / 3479 و ح 3480 وليس فيه «وهو يصلح شيئا فأعنّاه» ، اُسد الغابه : 2 / 588 / 2329 ، الاستيعاب : 2 / 247 / 1153 وفيه «يعمل عملاً» بدل «يصلح شيئا» ، كنز العمّال : 1 / 109 / 506 ؛ تنبيه الخواطر : 1 / 168 نحوه .

امام علی علیه السلام :ای مردم! مبادا روزیِ ضمانت شده ، شما را از عمل واجبتان باز دارد .

امام صادق علیه السلام :چه بسا جوینده دنیا که به آن دست نیافت و چه بسیار یابنده آن که از آن جدا شد . پس هرگز طلب دنیا تو را از کارت بازندارد ؛ بلکه آن را از بخشنده و مالکش طلب کن . پس چه بسا کسی که به دنیا حرص ورزید و دنیا هلاکش کرد و او را با بهره های دنیایی ، از طلب آخرت بازداشت ، چندان که عمرش فنا گشت و مرگش در رسید .

3 / 2آهسته یابیِ روزیپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :خدای منزه والا فرماید: «آن بنده من که روزی ام را آهسته می یابد ، باید حذر کند از این که بر وی خشم گیرم و دری از دنیا به رویش بگشایم» .

مسند ابن حنبل از حبه و سواء پسران خالد :نزد پیامبر صلی الله علیه و آلهرفتیم ؛ سرگرم کاری بود ، وی را یاری نمودیم . فرمود: «تا زنده اید ، از روزی ناامید نشوید ؛ که انسان را مادرش می زاید ، حال آن که سرخ و بی پوشش است و آن گاه خداوند روزی اش می دهد» .

.

الإمام علىّ عليه السلام :مَن وَثِقَ بِقِسمِ اللّهِ لَم يَتَّهِمهُ فِى الرِّزقِ . (1)

الإمام الكاظم عليه السلام :يَنبَغى لِمَن عَقَلَ عَنِ اللّهِ أن لا يَستَبطِئَهُ فى رِزقِهِ ، ولا يَتَّهِمَهُ فى قَضائِهِ . (2)

الإمام الرضا عليه السلام :كانَ فِى الكَنزِ الَّذى قالَ اللّهُ عز و جل : «وَ كَانَ تَحْتَهُ كَنزٌ لَّهُمَا (3) » كانَ فيهِ : بِسمِ اللّهِ الرَّحمنِ الرَّحيمِ . . . ويَنبَغى لِمَن عَقَلَ عَنِ اللّهِ أن لا يَتَّهِمَ اللّهَ فى قَضائِهِ ، ولا يَستَبطِئَهُ فى رِزقِهِ . (4)

عنه عليه السلام :عَجَبا لِمَن غَفَلَ عَنِ اللّهِ كَيفَ يَستَبطِئُ اللّهَ فى رِزقِهِ ، وكَيفَ اصطَبَرَ عَلى قَضائِهِ ! (5)

عدّه الداعى :فِى الوَحىِ القَديمِ : يَابنَ آدَمَ ، خَلَقتُكَ مِن تُرابٍ ثُمَّ مِن نُطفَهٍ فَلَم أعىَ بِخَلقِكَ ؛ أوَ يُعيينى رَغيفٌ أسوقُهُ إلَيكَ فى حينِهِ؟ ! (6)

3 / 3اِستِقلالُ الرِّزقِرسول اللّه صلى الله عليه و آله :أوحَى اللّهُ عز و جل إلى عُزَيرٍ : (يا عُزَيرُ) . . . إذا اُوتيتَ رِزقا مِنّى فَلا تَنظُر إلى قِلَّتِهِ ، ولكِنِ انظُر إلى مَن أهداهُ . (7)

.

1- .غرر الحكم : 8649 .
2- .الكافى : 2 / 61 / 5 ، التمحيص : 62 / 142 كلاهما عن صفوان الجمّال ، تحف العقول : 408 ، مشكاه الأنوار : 520 / 1750 .
3- .الكهف : 82 .
4- .الكافى : 2 / 59 / 9 ، تهذيب الأحكام : 9 / 276 / 1001 ، تفسير العيّاشى : 2 / 338 / 67 وفيه «غفل » بدل «عقل» ، تنبيه الخواطر : 2 / 184 كلّها عن علىّ بن أسباط ، مشكاه الأنوار : 520 / 175 ، قرب الإسناد : 375 / 1330 ، بحار الأنوار : 70 / 156 / 14 .
5- .تفسير العيّاشى : 2 / 339 / 69 عن أحمد بن محمّد بن أبى نصر ، بحار الأنوار : 71 / 150 / 50 .
6- .عدّه الداعى : 83 ، بحار الأنوار : 103 / 21 / 12 .
7- .الدعوات : 169 / 472 ، بحار الأنوار : 82 / 132 / 16 .

امام علی علیه السلام :هر که به قسمت خداوند اعتماد ورزد ، او را به روزی ندادن متهم نکند .

امام کاظم علیه السلام :آن را که در پناه خداوند است ، سزا است که روزیِ او را کُند نشمرد و او را در حکم راندنش متهم نسازد .

امام رضا علیه السلام :خداوند فرموده است: «و زیر آن ، گنجی از آنِ ایشان بود» . در آن گنج ، چنین بود: «به نام خدای مهرپیشه مهربان . . .آن را که در پناه خداوند است ، سزا است که او را در حکم راندنش متهم نسازد و روزیِ او را کُند نشمرد» .

امام رضا علیه السلام :شگفتا از کسی که در پناه خدا است (1) ، چگونه روزیِ او را آهسته می شمرد ، در حالی که بر حکم او شکیبایی می ورزد!

عده الداعی :در وحی کهن آمده است: «ای فرزند آدم! تو را از خاک و آن گاه نطفه آفریدم و از آفرینشت ناتوان نبودم ؛ آیا در این هنگام ، از دادن قرص نانی به تو درمی مانم؟»

3 / 3کم شمردنِ روزیپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :خداوند به عزیر وحی فرمود : «ای عزیر! . . . هرگاه روزیِ مرا دریابی ، به اندکیِ آن منگر ؛ بلکه به کسی که آن را بخشیده ، بنگر» .

.

1- .به قرینه روایات دیگر ، «عقل عن اللّه » تلقی و ترجمه شد . (م)

كنز العمّال عن عبد الرحمان بن عبد اللّه بن قريب و زيد بن أخرم :حَدَّثَنا سُفيانُ بنُ عُيَينَةَ عَن جَعفَرِ بنِ مُحَمَّدٍ عليهماالسلامأنَّهُ دَخَلَ عَلى أبى جَعفَرٍ المَنصورِ وعِندَهُ رَجُلٌ مِن وُلدِ الزُّبَيرِ بنِ العَوّامِ وقَد سَأَلَهُ ، وقَد أمَرَ لَهُ بِشَىءٍ فَتَسَخَّطَهُ الزُّبَيرِىُّ فَاستَقَلَّهُ ، فَأغضَبَ المَنصورَ ذلِکَ مِنَ الزُّبَيرِىِّ حَتّى بانَ فيهِ الغَضَبُ ، فَأقبَلَ عَلَيهِ جَعفَرٌ فَقالَ : يا أميرَ المُؤمِنينَ ، حَدَّثَنى أبى عَن أبيهِ عَلِىِّ بنِ الحُسَينِ عَن أبيهِ عَنِ عَلِىٍّ قالَ : قالَ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله : مَن أعطى عَطِيَّةً طَيِّبَةً بِها نَفسُهُ بورِکَ لِلمُعطى وَالمُعطى . فَقالَ أبو جَعفَرٍ : وَاللّهِ لَقَد أعطَيتُهُ وأنَا غَيرُ طَيِّبِ النَّفسِ بِها ، ولَقَد طابَت بِحَديثِکَ هذا . ثُمَّ أقبَلَ عَلَى الزُّبَيرِىِّ فَقالَ : حَدَّثَنى أبى عَن أبيهِ عَن جَدِّهِ عَن أميرِ المُؤمِنينَ عَلِىٍّ قالَ : قالَ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله : مَنِ استَقَلَّ قَليلَ الرِّزقِ حَرَمَهُ اللّهُ كَثيرَهُ . فَقالَ الزُّبَيرِىُّ : وَاللّهِ لَقَد كانَ عِندى قَليلاً ولَقَد كَثُرَ عِندى بِحَديثِکَ هذا . قالَ سُفيانُ : فَلَقيتُ الزُّبَيرِىَّ فَسَأَلتُهُ عَن تِلکَ العَطِيَّهِ ، فَقالَ : لَقَد كانَت نَزرَةً قَليلَةً فَقَبِلتُها فَبَلَغَت فى يَدى خَمسينَ أَلفَ دِرهَمٍ . (1)

الإمام الباقر عليه السلام لِجابِرِ بنِ يَزيدَ : اِستَكثِر لِنَفسِکَ مِنَ اللّهِ قَليلَ الرِّزقِ ؛ تَخَلَّصا إلَى الشُّكرِ . (2)

.

1- .كنز العمّال : 6 / 566 / 16960 عن ابن النجّار ؛ مستدرک الوسائل : 7 / 273 / 8213 نقلاً عن العلاّمه فى الإيضاح .
2- .تحف العقول : 285 ، بحار الأنوار : 78 / 163 / 1 .

کنز العمال از عبدالرحمان بن عبداللّه بن قریب و زید بن اخرم:سفیان بن عیینه از امام صادق علیه السلامروایت کرده که وی نزد ابوجعفر منصور برفت ، حال آن که مردی از فرزندان زبیر بن عوام نزد او بود و از او چیزی می خواست . منصور فرمان داد که چیزی به وی دهند ؛ مرد زبیری آزرده خاطر شد و آن را اندک شمرد . منصور از این رفتار آن زبیری خشمگین شد ، چندان که آثار خشم در چهره اش نمودار گشت . امام صادق علیه السلام به او روی نموده ، فرمود: «ای حاکم مؤمنان! پدرم از پدرش علی بن حسین از پدرش از علی از رسول خدا صلی الله علیه و آلهروایت کرد: هر که هدیه ای را با خشنودی خاطر ببخشد ، بخشنده و بخشیده برکت می یابند » . منصور گفت: «به خدا سوگند! من با ناخشنودی آن را بخشیدم ؛ ولی با این سخنت ، خشنود شدم» . سپس امام صادق علیه السلام به آن زبیری روی کرده ، فرمود: «پدرم از پدرش از جدش از امیرالمؤمنین علی علیه السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت کرد: هر که روزیِ کمِ خدای را کوچک بشمرد ، خداوند او را از روزی فراوان محروم فرماید » . مرد زبیری گفت: «به خدا سوگند! آن بخشش نزد من کم بود ؛ اما با این سخنت ، برایم بسیار شد» . سفیان گوید : «از آن پس ، آن زبیری را دیدم و از آن هدیه پرسیدم . گفت: مالی بس اندک بود ؛ آن را پذیرفتم و اکنون در دست من به پنجاه هزار درهم رسیده است » .

امام باقر علیه السلام خطاب به جابر بن یزید : با شکر کردن ، روزیِ اندک خدا را برای خود فراوان گردان .

.

الإمام الصادق عليه السلام :مَنِ استَقَلَّ قَليلَ الرِّزقِ حُرِمَ الكَثيرَ . (1)

عنه عليه السلام :مَن طَلَبَ قَليلَ الرِّزقِ كانَ ذلِكَ داعِيَهُ إلَى اجتِلابِ كَثيرٍ مِنَ الرِّزقِ ، (ومَن تَرَكَ قَليلاً مِنَ الرِّزقِ كانَ ذلِكَ داعِيَهُ إلى ذَهابِ كَثيرٍ مِنَ الرِّزقِ . (2))

الكافى عن الحسن بن بسّام الجمّال :كُنتُ عِندَ إسحاقَ بنِ عَمّارٍ الصَّيرَفِيِّ ، فَجاءَ رَجُلٌ يَطلُبُ غَلَّةً بِدينارٍ ، وكانَ قَد أغلَقَ بابَ الحانوتِ وخَتَمَ الكيسَ ، فَأعطاهُ غَلَّةً بِدينارٍ ، فَقُلتُ لَهُ : وَيحَكَ يا إسحاقُ! رُبَّما حُمِلَت لَكَ مِنَ السَّفينَهِ أَلفُ أَلفِ دِرهَمٍ . قالَ : فَقالَ لى : تَرى كانَ لى هذا ! لكِنّى سَمِعتُ أبا عَبدِ اللّهِ عليه السلاَميَقولُ : مَنِ استَقَلَّ قَليلَ الرِّزقِ حُرِمَ كَثيرَهُ . ثُمَّ التَفَتَ إلَىَّ فَقالَ : يا إسحاقُ ، لا تَستَقِلَّ قَليلَ الرِّزقِ فَتُحرَمَ كَثيرَهُ . (3)

3 / 4طَلَبُ الحَرامِرسول اللّه صلى الله عليه و آله :مَن لَم يُبالِ مِن أينَ يَأتيهِ رِزقُهُ ، لَم يُبالِ اللّهُ مِن أينَ أدخَلَهُ النّارَ . (4)

عنه صلى الله عليه و آله :مَنِ اكتَسَبَ مالاً مِن غَيرِ حِلِّهِ كانَ رادَّهُ إلَى النّارِ . (5)

.

1- .الكافى : 5 / 311 / 30 ، تهذيب الأحكام : 7 / 227 / 993 ، عوالى اللآلى : 3 / 203 / 38 كلّها عن إسحاق بن عمّار .
2- .الكافى : 5 / 311 / 29 عن إسحاق بن عمّار .
3- .الكافى : 5 / 318 / 56 .
4- .تنبيه الخواطر : 2 / 116 ، عدّه الداعى : 73 وفيه «اكتسب المال» بدل «يأتيه رزقه» ، بحار الأنوار : 103 / 13 / 63 .
5- .الاختصاص : 249 .

امام صادق علیه السلام :هر که روزیِ اندک را کوچک بشمارد ، از روزی فراوان محروم گردد .

امام صادق علیه السلام :هر که روزی اندک را طلب کند ، همین او را برمی انگیزد که روزی بسیار را کسب نماید ؛ و هر که روزی اندک را رها نماید ، همین او را به از دست دادن روزی بسیار می کشاند .

الکافی از حسن بن بسام جمال :نزد اسحاق بن عمار صیرفی بودم که مردی آمد و مقداری غله به یک دینار خواست ، حال آن که وی در دکان را بسته و صندوق را مهر نهاده بود . پس قدری غله به یک دینار به وی داد . به او گفتم: «وای بر تو ای اسحاق! با کشتی برای تو هزاران درهم کالا می آید» . گفت: «می بینی که من چنین کردم . اما [بدان این از آن رو است که] من از امام صادق علیه السلام شنیدم که فرمود: هر که روزی اندک را کم بشمارد ، از روزی بسیار محروم گردد . سپس روی به من کرد و فرمود: ای اسحاق! روزی اندک را کم مشمار ؛ که از بسیارِ آن محروم خواهی گشت » .

3 / 4طلب حرامپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر کس باکی نداشته باشد که روزی اش از کجا فراهم می شود ، خداوند نیز باکی ندارد که او را از کجا به آتش درافکنَد .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر که از راه غیر حلال مال به دست آورد ، او را به سوی آتش بکشد .

.

عنه صلى الله عليه و آله :وَاللّهِ لَرَدُّ دانَقٍ مِن حَرامٍ أفضَلُ عِندَ اللّهِ عز و جل مِن سَبعينَ حَجَّةً مَبرورَةً . (1)

عنه صلى الله عليه و آله :مَن جَمَعَ مالاً حَراما ثُمَّ تَصَدَّقَ بِهِ ، لَم يَكُن لَهُ فيهِ أجرٌ وكانَ إصرُهُ عَلَيهِ . (2)

عنه صلى الله عليه و آله :مَن تَرَكَ دِرهَما مِن حَرامٍ أعتَقَهُ اللّهُ مِنَ النّارِ ، ومَن تَرَكَ دِرهَما مِن شُبهَةٍ أعطاهُ اللّهُ ثَوابَ نَبِيٍّ مِنَ الأَنبِياءِ . (3)

عنه صلى الله عليه و آله :تَركُ دانَقٍ حَرامٍ أحَبُّ إلَى اللّهِ تَعالى مِن مِائَةِ حَجَّةٍ مِن مالٍ حَلالٍ . (4)

عنه صلى الله عليه و آله :يَابنَ مَسعودٍ ، لا تَأكُلِ الحَرامَ ، ولا تَلبَسِ الحَرامَ ، ولا تَأخُذ مِنَ الحَرامِ ، ولا تَعصِ اللّهَ ؛ لِأَنَّ اللّهَ تَعالى يَقولُ لِإِبلِيسَ : «وَ اسْتَفْزِزْ مَنِ اسْتَطَعْتَ مِنْهُم بِصَوْتِكَ وَ أَجْلِبْ عَلَيْهِم بِخَيْلِكَ وَ رَجِلِكَ وَ شَارِكْهُمْ فِى الْأَمْوَلِ وَ الْأَوْلَادِ وَعِدْهُمْ وَ مَا يَعِدُهُمُ الشَّيْطَنُ إِلاَّ غُرُورًا (5) » . (6)

عنه صلى الله عليه و آله :مَن جَمَعَ مالاً مِن مَأثَمٍ فَوَصَلَ بِهِ رَحِما ، أو تَصَدَّقَ مِنهُ ، أو جاهَدَ فى سَبيلِ اللّهِ ، جُمِعَ جَميعا فَقُذِفَ بِهِ فى جَهَنَّمَ . (7)

.

1- .الفردوس : 4 / 359 / 7032 عن ابن عمر ، ربيع الأبرار : 2 / 816 عن ابن عمر رفعه وليس فيه «واللّه » وفيه «يعدل» بدل «أفضل» ؛ عدّه الداعى : 129 عن الإمام الصادق عليه السلام ، الدعوات : 25 / 36 ، جامع الأخبار : 442 / 1249 كلاهما عن رسول اللّه صلى الله عليه و آله وليس فيها «واللّه » وفيها «يعدل» بدل «أفضل» ، بحار الأنوار : 93 / 373 / 16 و ج 103 / 12 / 51 .
2- .المستدرک على الصحيحين : 1 / 548 / 1440 ، السنن الكبرى : 4 / 141 / 7240 كلاهما عن أبى هريره ، كنز العمّال : 6 / 299 / 15791 .
3- .تاريخ بغداد : 5 / 309 / 2821 عن عبد اللّه .
4- .تنبيه الخواطر : 2 / 120 .

5- .الإسراء : 64 .
6- .مكارم الأخلاق : 2 / 354 / 2660 عن ابن مسعود ، بحار الأنوار : 77 / 105 / 1 .
7- .تاريخ بغداد : 5 / 441 / 2963 عن أبى هريره ، الزهد لابن المبارک : 221 / 625 عن القاسم بن المُخَيْمِره وفيه «أصاب» بدل «جَمَعَ» و«أنفقه» بدل «جاهد» .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :به خدا سوگند! هر کس [حتی] به اندازه یک ششم درهم ، مال حرام را کنار نهد ، از هفتاد حج نیکو نزد خدا برتر است .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر که مال حرامی گرد آورد و سپس آن را صدقه دهد ، هیچ پاداشی ندارد و وبال آن نیز بر گردن او است .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر که درهمی از حرام را ترک کند ، خدا از آتش بازش دارد ؛ و هر که درهمی شبهه ناک را رها نماید ، خداوند پاداش یکی از پیامبران را به او عطا فرماید .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :ترک یک ششم درهم از مال حرام ، نزد خداوند دوست داشتنی تر از گزاردن صد حج با مال حلال است .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :ای ابن مسعود! حرام نخور و حرام نپوش و از حرام برنگیر و خدای را نافرمانی مکن ؛ که خدای تعالی به ابلیس فرماید : «و با آواز خود ، هر که را از آنان بتوانی برانگیز و بلغزان ؛ و با سواران و پیادگانت بر آنان بانگ زن و در مال ها و فرزندانشان شریک باش و به ایشان وعده ده ؛ و شیطان آنان را وعده ندهد مگر به فریب» .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر که از گناه مالی فراهم آورَد و آن را برای صله رحم یا صدقه دادن یا جهاد در راه خدا صرف کند ، همه جمع گردد و با آن در جهنم پرتاب شود .

.

عنه صلى الله عليه و آله :لا يَكسِبُ عَبدٌ مالاً مِن حَرام فَيُنفِقَ مِنهُ فَيُبارَكَ لَهُ فيهِ ، ولا يَتَصَدَّقُ بِهِ فَيُقبَلَ مِنهُ ، ولا يَترُكُ خَلفَ ظَهرِهِ إلّا كانَ زادَهُ إلَى النّارِ . إنَّ اللّهَ عز و جل لا يَمحُو السَّيِّءَ بِالسَّيِّءِ ولكِن يَمحُو السَّيِّءَ بِالحَسَنِ ؛ إنَّ الخَبيثَ لا يَمحُو الخَبيثَ . (1)

عنه صلى الله عليه و آله :مَن اكتَسَبَ مالاً حَراما لَم يَقبَلِ اللّهُ مِنهُ صَدَقَةً ولا عِتقا ولا حَجّا ولاَ اعتِمارا ، وكَتَبَ اللّهُ عز و جل بِعَدَدِ أجرِ ذلِكَ أوزارا ، وما بَقِيَ مِنهُ بَعدَ مَوتِهِ كانَ زادَهُ إلَى النّارِ . ومَن قَدَرَ عَلَيها وتَرَكَها مَخافَةَ اللّهِ كانَ فى مَحَبَّةِ اللّهِ ورَحمَتِهِ ويُؤمَرُ بِهِ إلَى الجَنَّةِ . (2)

عنه صلى الله عليه و آله :لا يُعجِبُكَ امرُؤٌ كَسَبَ مالاً مِن حَرام ، فَإن أنفَقَ مِنهُ لَم يُقبَل مِنهُ ، وإن أمسَكَ لَم يُبارَك لَهُ فيهِ ، وإن ماتَ وتَرَكَهُ كانَ زادَهُ إلَى النّارِ . (3)

عنه صلى الله عليه و آله :الدُّنيا خَضِرَةٌ حُلوَةٌ ، مَنِ اكتَسَبَ فيها مالاً مِن حِلِّهِ وأنفَقَهُ فى حَقِّهِ أثابَهُ اللّهُ عَلَيهِ وأورَدَهُ جَنَّتَهُ ، ومَنِ اكتَسَبَ فيها مالاً مِن غَيرِ حِلِّهِ وأنفَقَهُ فى غَيرِ حَقِّهِ أحَلَّهُ اللّهُ دارَ الهَوانِ . ورُبَّ مُتَخَوِّضٍ فى مالِ اللّهِ ورَسولِهِ لَهُ النّارُ يَومَ القِيامَةِ . (4)

تنبيه الخواطر :قالَ بَعضُهُم : يا رَسولَ اللّهِ ، مَنِ المُؤمِنُ؟ قالَ : المُؤمِنُ مَن إذا أصبَحَ نَظَرَ إلى رَغيفِهِ مِن أينَ يَكتَسِبُهُ . قالَ : يا رَسولَ اللّهِ ، أما إنَّهُم لَو كُلِّفوهُ لَتَكَلَّفوهُ ! قالَ : أما إنَّهُم قَد كُلِّفوهُ ولكِنَّهُم تَعَشَّقُوا الدُّنيا عِشقا . (5)

.

1- .مسند ابن حنبل : 2 / 34 / 3672 ، شُعب الإيمان : 4 / 396 / 5524 نحوه وكلاهما عن عبد اللّه بن مسعود .
2- .ثواب الأعمال : 334 / 1 عن عبد اللّه بن عبّاس وأبى هريره ، بحار الأنوار : 103 / 17 / 76 نقلاً عن أعلام الدين وراجع عوالى اللآلى : 1 / 365 / 58 .
3- .المعجم الكبير : 10 / 107 / 10111 ، حليه الأولياء : 6 / 295 نحوه وكلاهما عن عبد اللّه بن مسعود ، كنز العمّال : 4 / 17 / 9279 وراجع تنبيه الخواطر : 2 / 115 .

4- .شُعب الإيمان : 4 / 396 / 5527 عن ابن عمر ، كنز العمّال : 3 / 184 / 6075 .
5- .تنبيه الخواطر : 1 / 62 .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هیچ بنده ای مالی حرام کسب نکند که از آن هزینه کند و در آن برکت یابد ؛ و یا از آن صدقه دهد و از وی پذیرفته شود ؛ و یا پس از خود باقی نهد ، مگر آن که توشه آتشش باشد . همانا خداوند زشت را با زشت محو نسازد ، بلکه زشت را با نیک محو کند . هر آینه ناپاک نتواند که ناپاک را محو کند .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر که مال حرامی به دست آورَد ، خداوند از وی صدقه و آزاد کردن بنده و حج و عمره را نپذیرد و به شماره پاداش این کارها برایش کیفر نویسد و هر چه از آن پس از مرگش باقی مانَد ، توشه وی به سوی آتش است . و هر که بتواند حرام کسب نکند و آن را از بیم خدا ترک کند ، در مهر و رحمت خدا جای گیرد و با آن به بهشت خوانده شود .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :در چشمت بزرگ ننماید آن کس که مالی از حرام فراهم آورد ؛ که اگر از آن انفاق نماید ، پذیرفته نگردد و اگر به آن چنگ زند ، خیری از آن نبیند ؛ و اگر بمیرد و آن را باقی نهد ، توشه آتشش خواهد بود .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :دنیا سرسبز و شیرین است و هر که در آن ، مال حلال کسب کند و آن را بجا هزینه نماید ، خداوند بر آن پاداش می دهد و به بهشت خود می بردش ؛ و هر که در آن ، مال حرام کسب نماید و نابجا هزینه کند ، خداوند به سرای خواری اندازدش . و چه بسا کسی که در مال خدا و رسولش غوطه خورد و روز قیامت آتش از آنِ وی باشد .

تنبیه الخواطر :یکی از یاران پیامبر صلی الله علیه و آله گفت: «ای رسول خدا ! مؤمن کیست؟» فرمود : «مؤمن آن است که هر صبح بنگرد که قرص نانش را چه سان به دست آورده است» . گفت: «ای رسول خدا ! هر آینه اگر بدین کار وظیفه یافته باشند ، آن را گردن نهند» . فرمود: «هر آینه بدین کار وظیفه یافته اند ، اما به دنیا سخت عشق می ورزند» .

.

مسند ابن حنبل عن جابر :إنَّ رَسولَ اللّهِ صلى الله عليه و آله وأصحابَهُ مَرّوا بِامرَأَةٍ فَذَبَحَت لَهُم شاةً وَاتَّخَذَت لَهُم طَعاما ، فَلَمّا رَجَعَ قالَت : يا رَسولَ اللّهِ ، إنَّا اتَّخَذنا لَكُم طَعاما ، فَادخُلوا فَكُلوا . فَدَخَلَ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آلهوأصحابُهُ وكانوا لا يَبدَؤونَ حَتّى يَبتَدِئَ النَّبِيُّ صلى الله عليه و آله فَأَخَذَ النَّبِيُّ صلى الله عليه و آله لُقمَةً فَلَم يَستَطِع أن يُسيغَها ، فَقالَ النَّبِيُّ صلى الله عليه و آله : هذِهِ شاةٌ ذُبِحَت بِغَيرِ إذنِ أهلِها . فَقالَتِ المَرأَةُ : يا نَبِيَّ اللّهِ ، إنّا لا نَحتَشِمُ مِن آلِ سَعدِ بنِ مُعاذٍ ولا يَحتَشِمونَ مِنّا ؛ نَأخُذُ مِنهُم ويَأخُذونَ مِنّا . (1)

شُعب الإيمان عن ثابت وعبد الوهّاب بن أبى حفص :أمسى داوِدُ عليه السلامصائِما ، فَلَمّا كانَ عِندَ إفطارِهِ اُتِيَ بِشَربَةِ لَبَنٍ فَقالَ : مِن أينَ لَكُم هذَا اللَّبَنُ؟ قالوا : مِن شاتِنا . قالَ : ومِن أينَ ثَمَنُها؟ قالوا : يا نَبِيَّ اللّهِ ، «مِن أينَ» تَسأَلُ؟ قالَ : إنّا مَعاشِرَ الرُّسُلِ اُمِرنا أن نَأكُلَ مِنَ الطَّيِّباتِ ونَعمَلَ صالِحا . (2)

المستدرک على الصحيحين عن ضمره بن حبيب عن اُمّ عبد اللّه اُخت شدّاد بن أوس :أنَّها بَعَثَت إلَى النَّبِيِّ صلى الله عليه و آلهبِقَدَحِ لَبَنٍ عِندَ فِطرِهِ وذلِكَ فى طولِ النَّهارِ وشِدَّةِ الحَرِّ ، فَرَدَّ إلَيهَا الرَّسولَ : أنّى لَكِ هذَا اللَّبَنُ؟ قالَت : مِن شاةٍ لى . قالَ : أنّى لَكِ هذِهِ الشّاةُ؟ قالَت : اِشتَرَيتُها مِن مالى . فَشَرِبَ . فَلَمّا أن كانَ مِنَ الغَدِ أتَت اُمُّ عَبدِ اللّهِ رَسولَ اللّهِ صلى الله عليه و آله فَقالَت : يا رَسولَ اللّهِ ، بَعَثتُ إلَيكَ بِذلِكَ اللَّبَنِ مَرتِيَةً لَكَ مِن شِدَّةِ الحَرِّ وطولِ النَّهارِ ، فَرَدَدتَها إلَىَّ مَعَ الرَّسولِ !؟ فَقالَ النَّبِيُّ صلى الله عليه و آله : بِذلِكَ اُمِرَتِ الرُّسُلُ أن لا تَأكُلَ إلاّ طَيِّبا ولا تَعمَلَ إلاّ صالِحا . (3)

.

1- .مسند ابن حنبل : 5 / 124 / 14791 ، المستدرک على الصحيحين : 4 / 262 / 7579 .
2- .شُعب الإيمان : 5 / 59 / 5769 .
3- .المستدرک على الصحيحين : 4 / 140 / 7159 ، الزهد لابن حنبل : 476 ، المعجم الكبير : 25 / 174 / 428 ، مسند الشاميّين : 2 / 356 / 1488 .

مسند ابن حنبل از جابر :رسول خدا و یارانش بر زنی گذشتند . وی برای ایشان گوسفندی ذبح کرد و غذایی فراهم ساخت . چون پیامبر بازگشت ، آن زن گفت: «ای رسول خدا! برای شما غذایی فراهم آورده ایم ؛ درون آیید و بخورید» . رسول خدا و یارانش داخل شدند . آنان لب به غذا نگشودند تا پیامبر آغاز فرمود . پیامبر لقمه ای برگرفت ، لیکن نتوانست آن را فرو برَد ؛ سپس فرمود: «این گوسفند به رضایت صاحب آن ذبح نشده است» . آن زن گفت : «ای پیامبر خدا! ما از خاندان سعد بن معاذ پروا نداریم و آنان نیز از ما پروا ندارند ؛ ما از مال ایشان برمی گیریم و آنان هم از مال ما برمی گیرند» .

شُعب الایمان از ثابت و عبدالوهاب بن ابی حفص :داوود علیه السلامروزه دار بود . به هنگام افطار ، برایش شیر آوردند . فرمود: «این شیر را از کجا آورده اید؟» گفتند: «از گوسفند خود» . فرمود: «بهای آن چگونه فراهم شده است؟» گفتند: «ای پیامبر خدا! چرا از چگونگی اش می پرسی؟» فرمود: «ما پیامبران فرمان یافته ایم که مال حلال خوریم و کار نیک انجام دهیم» .

المستدرک علی الصحیحین از ضمره بن حبیب از ام عبداللّه خواهر شداد بن اوس :پس از روزی دراز و بس سوزان ، وی ظرف شیری برای افطار پیامبر فرستاد . ایشان ظرف را به وی بازگرداند که: «این شیر را از کجا آورده ای؟» گفت: «از گوسفند خویش» . فرمود : «این گوسفند را از کجا آورده ای؟» گفت: «از مال خود خریده ام» . سپس ایشان شیر را آشامید . فردای آن روز ، امّ عبداللّه نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله آمد و گفت: «ای رسول خدا! از گرمی هوا و درازی روز ، دلم بر شما بسوخت و آن شیر را برایتان فرستادم ؛ اما شما آن را همراه پیکی بازگرداندید!؟» رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «پیامبران فرمان یافته اند که جز حلال نخورند و جز کار نیک انجام ندهند» .

.

الإمام علىّ عليه السلام :بِئسَ الكَسبُ الحَرامُ . (1)

الإمام الصادق عليه السلام :كانَ فِى ما وَعَظَ اللّهُ عزِ و جل بِهِ عيسى عليه السلام . . . يا عيسى ، قُل لَهُم : قَلِّموا أظفارَكُم مِن كَسبِ الحَرامِ . (2)

عنه عليه السلام :مَن طَلَبَ المالَ بِغَيرِ حَقٍّ حُرِمَ بَقاءَهُ لَهُ بِحَقٍّ . (3)

.

1- .غرر الحكم : 4407 .
2- .الأمالى للصدوق : 611 / 842 عن أبى بصير ، الكافى : 8 / 138 / 103 عن علىّ بن أسباط عنهم عليهم السلام ، تحف العقول : 499 ، عدّه الداعى : 129 عنهم عليهم السلام ، بحار الأنوار : 14 / 295 / 14 .
3- .تحف العقول : 321 ، بحار الأنوار : 78 / 235 / 57 .

ص: 1029

امام علی علیه السلام :چه بد است کسب حرام !

امام صادق علیه السلام :در زمرهِ اندرزهای خداوند به عیسی علیه السلام چنین بود : « . . . ای عیسی ! به آنان بگو: ناخن از کسب حرام برچینید» .

امام صادق علیه السلام :هر که مالی به ناحق طلب کند ، نگهداریِ آن مال برای او به حق ، بر وی حرام باشد .

.

الفصل الرابع: ما يَعصِمُ مِنَ الآفاتِ4 / 1ذكر اللهالإمام علىّ عليه السلام عِندَ تِلاوَتِهِ : «يُسَبِّحُ لَهُ فِيهَا بِالْغُدُوِّ وَ الْأَصَالِ* رِجَالٌ لاَّتُلْهِيهِمْ تَجَرَهٌ وَلاَ بَيْعٌ عَن ذِكْرِ اللَّهِ» : إنَّ لِلذِّكرِ لَأَهلاً أَخَذوهُ مِنَ الدُّنيا بَدَلاً ، فَلَم تَشغَلهُم تِجارَهٌ ولا بَيعٌ عَنهُ ، يَقطَعونَ بِهِ أيّامَ الحَياهِ ، ويَهتِفونَ بِالزَّواجِرِ عَن مَحارِمِ اللّهِ فى أسماعِ الغافِلينَ . (1)

الإمام الصادق عليه السلام فى قَولِ اللّهِ عز و جل : «رِجَالٌ لاَّ تُلْهِيهِمْ تَجَرَهٌ وَ لاَ بَيْعٌ عَن ذِكْرِ اللَّهِ» : كانوا أصحابَ تِجارَهٍ ، فَإذا حَضَرَتِ الصَّلَاهُ تَرَكُوا التِّجارَهَ وَ انطَلَقوا إلَى الصَّلاهِ، وهُم أعظَمُ أجراً مِمَّن لَم يَتَّجِر . (2)

.

1- .نهج البلاغه : الخطبه 222 ، غرر الحكم : 3575 نحوه .
2- .من لا يحضره الفقيه : 3 / 192 / 3720 ، تفسير مجمع البيان : 7 / 227 عن الإمام الباقر والإمام الصادق عليهماالسلاموفيه «إنّهم قوم» بدل «كانوا أصحاب تجاره» ، الفقه المنسوب للإمام الرضا عليه السلام : 251 ، بحار الأنوار: 67 / 274 و ج 69 / 259 .

4 / 1 یاد خدا

فصل چهارم: آن چه از آفات باز می دارد4 / 1یاد خداامام علی علیه السلام به هنگام تلاوت این آیه: «صبح و شام در آن خانه ها تسبیح می گویند * مردانی که نه تجارت و نه معامله ای آنان را از یاد خدا غافل نمی کند» : همانا مردمی هستند که یاد خدا را بر دنیا برگزیدند و هیچ تجارتی یا خرید و فروشی ، آنان را از یاد خدای بازندارد . با یاد خدا روزگار می گذرانند و غافلان را با هشدارهای خود از [کیفر]محرمات الهی می ترسانند .

امام صادق علیه السلام درباره این سخن خداوند: «مردانی که نه تجارت و نه معامله ای آنان را از یاد خدا غافل نمی کند» : آنان اهل تجارت بودند ؛ چون وقت نماز می رسید ، تجارت را رها کرده ، به نماز می شتافتند ؛ و پاداش ایشان بیش از غیر تاجران است .

.

الكافى عن الحسين بن بشّار عن رجل رفعه فى قَولِ اللّهِ عز و جل : «رِجَالٌ لاَّ تُلْهِيهِمْ تَجَرَهٌ وَ لاَ بَيْعٌ عَن ذِكْرِ اللَّهِ (1) » : هُمُ التُّجّارُ الَّذينَ لا تُلهيهِم تِجارَهٌ وَلا بَيعٌ عَن ذِكرِ اللّهِ عز و جل ، إذا دَخَلَ مَواقيتُ الصَّلاهِ أدَّوا إلَى اللّهِ حَقَّهُ فيها . (2)

تنبيه الخواطر :جاءَ فى تَفسيرِ قَولِهِ تَعالى : «لاَّ تُلْهِيهِمْ تَجَرَهٌ وَ لاَ بَيْعٌ عَن ذِكْرِ اللَّهِ» أنَّهُم كانوا جَدّادينَ وخَرّازينَ ، فَكانَ أحَدُهُم إذا رَفَعَ المِطرَقَهَ أو غَرَزَ الإِشفى فَيَسمَعُ الأَذانَ ، لَم يُخرِجِ الإِشفى مِنَ المَغرِزِ ولَم يَضرِب بِالمِطرَقَهِ ورَمى بِها وقامَ إلَى الصَّلاهِ . (3)

4 / 2إيثارُ الآخِرَهِرسول اللّه صلى الله عليه و آله :أيُّهَا النّاسُ ، أقبِلوا إلى ما كُلِّفتُموهُ مِن إصلاحِ آخِرَتِكُم ، وأعرِضوا عَمّا ضُمِنَ لَكُم مِن دُنياكُم . (4)

الإمام علىّ عليه السلام :قَد تَكَفَّلَ لَكُم بِالرِّزقِ وأُمِرتُم بِالعَمَلِ ، فَلا يَكونَنَّ المَضمونُ لَكُم طَلَبُهُ أولى بِكُم مِنَ المَفروضِ عَلَيكُم عَمَلُهُ ، مَعَ أنَّهُ وَاللّهِ لَقَدِ اعتَرَضَ الشَّكُّ ودَخَلَ اليَقينُ ، حَتّى كَأنَّ الَّذى ضُمِنَ لَكُم قَد فُرِضَ عَلَيكُم ، وكَأنَّ الَّذى قَد فُرِضَ عَلَيكُم قَد وُضِعَ عَنكُم ! (5)

.

1- .النور : 37 .
2- .الكافى : 5 / 154 / 21 ، بحار الأنوار : 83 / 4 .
3- .تنبيه الخواطر : 1 / 43 .
4- .أعلام الدين : 339 / 23 عن أبى سعيد الخدرى ، بحار الأنوار: 77 / 182 / 23 وج 103 / 25/ 28 .
5- .نهج البلاغه : الخطبه 114 .

الکافی از حسین بن بشار از مردی در حدیث مرفوع درباره این سخن خداوند: «مردانی که نه تجارت و نه معامله ای آنان را از یاد خدا غافل نمی کند» : آنان بازرگانانی بودند که تجارت و خرید و فروش از یاد خدا بازشان نداشت ؛ هر گاه هنگام نماز فرا رسید ، حق خدا را در آن ادا کردند .

تنبیه الخواطر :در تفسیر این سخن خدا : «مردانی که نه تجارت و نه معامله ای آنان را از یاد خدا غافل نمی کند» ، آمده است که آنان آهنگر و مهره ساز بودند ؛ هر یک از ایشان چون پتک را برمی گرفت یا سوزن را فرو می برد و ندای اذان را می شنید ، هنوز سوزن از شکاف نگذشته و پتک فرو نیامده ، آن را کناری می افکند و به نماز می ایستاد .

4 / 2ترجیح دادن آخرتپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :ای مردم ! به وظیفه خویش برای اصلاح آخرتتان روی آورید و از دنیاتان که برای شما تضمین گشته ، روی برگردانید .

امام علی علیه السلام :خداوند روزی شما را ضمانت کرده و شما به عمل [به واجب ها]فرمان داده شده اید . پس نباید روزی ای که برایتان تضمین شده ، بر وظیفه واجبتان مقدم گردد ؛ با این که به خدا سوگند ! چنان شک با یقین درآمیخته که گویا آن روزیِ تضمین شده بر شما واجب است و آن وظیفه واجب از دوش شما برداشته شده است .

.

عنه علیه السلام :قَد کَفاکُم مَو?نَهَ دُنیاکُم ، وحَثَّکُم عَلَی الشُّکرِ ، وَافتَرَضَ مِن ألسِنَتِکُمُ الذِّکرَ . (1)

عنه علیه السلام :إنَّ مَنِ شَغَلَ نَفسَهُ بِالمَفروضِ عَلَیهِ عَنِ المَضمونِ لَهُ ، ورَضِیَ بِالمَقدورِ عَلَیهِ ولَهُ ، کانَ أکثَرَ النّاسِ سَلاَمَهً فی عاَفِیَهٍ ، ورِبحا فی غِبطَهٍ ، وغَنیمَهً فی مَسَرَّهٍ . (2)

4 / 3الإِجمالُ فِی الطَّلَبِرسول اللّه صلی الله علیه و آله :إنَّ اللّهَ عز و جل یوفی عَبدَهُ ما کَتَبَ لَهُ مِنَ الرِّزقِ ، فَأَجمِلوا فِی الطَّلَبِ ؛ خُذوا ما حَلَّ ودَعوا ما حَرُمَ . (3)

عنه صلی الله علیه و آله :لا تَستَبطِئُوا الرِّزقَ ؛ فَإِنَّهُ لَم یَکُن عَبدٌ لِیَموتَ حَتّی یَبلُغَ آخِرُ رِزقٍ هُوَ لَهُ ، فَأَجمِلوا فِی الطَّلَبِ : أخذِ الحَلالِ وتَرکِ الحَرامِ . (4)

عنه صلی الله علیه و آله :أجمِلوا فی طَلَبِ الدُّنیا ؛ فَإِنَّ کُلاًّ مُیَسَّرٌ لِما خُلِقَ لَهُ . (5)

.

1- .نهج البلاغه : الخطبه 183 ، تحف العقول : 232 وفیه « . . .مو?نه الدنیا وفرّغکم لعبادته وحثّکم . . .» .
2- .غرر الحکم : 3655 .
3- .مسند أبی یعلی : 6 / 100 / 6552 ، الدرّالمنثور : 4 / 479 نقلاً عن أبی الشیخ وکلاهما عن أبی هریره .
4- .المستدرک علی الصحیحین : 2 / 4 / 2134 ، شُعب الإیمان : 7 / 339 / 10505 ، السنن الکبری : 5 / 434 / 10404 و ص 435 / 10405 ، المنتقی : 144 / 556 ، حلیه الأولیاء : 7 / 158 والأربعه الأخیره نحوه وکلّها عن جابر بن عبد اللّه .
5- .سنن ابن ماجه : 2 / 724 / 2142 ، السنّه لابن أبی عاصم : 182 / 418 ، حلیه الأولیاء : 3 / 265 ، مسند الشهاب : 1 / 416 / 716 ، المستدرک علی الصحیحین : 2 / 4 / 2133 وفیه «لما کتب له منها» بدل «لما خلق له» ، السنن الکبری : 5 / 434 / 10403 وفیه «له ما کتب له

منها» بدل «لما خلق له» وكلّها عن أبى حميد الساعدى ، كنز العمّال : 4 / 20 / 9291 .

امام علی علیه السلام :خداوند نیازمندی های دنیای شما را کفایت کرده و به شکرگزاری الزامتان فرموده و یاد خویش را بر زبان های شما لازم شمرده است .

امام علی علیه السلام :همانا هر که به وظیفه واجب خویش پردازد و به طلب روزیِ تضمین شده سرگرم نگردد ، و به آن چه به زیان یا سودش مقدر شده ، خرسند باشد ، بیش از همه در سلامت خواهد بود و سود خواهد برد و شادمانانه بهره مند خواهد شد .

4 / 3اعتدال در طلبپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :همانا خداوند آن روزیِ مقدر برای بنده خویش را کامل به وی عطا می کند ؛ پس در طلب اعتدال را رعایت کنید ؛ حلال را برگیرید و حرام را واگذارید .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :روزی را کُند مشمارید ؛ که هیچ بنده ای نیست که پیش از مرگ ، همه روزیِ خود را درنیابد . پس در طلب میانه روی کنید ، حلال را بگیرید و حرام را رها نمایید .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :در طلب روزی میانه روی کنید ؛ که هر کس به آن چه برایش آفریده شده ، دست یابد .

.

عنه صلى الله عليه و آله :الدُّنيا دُوَلٌ ، فَاطلُب حَظَّکَ مِنها بِأَجمَلِ الطَّلَبِ حَتّى تَأتِیَکَ دَولَتُکَ . (1)

عنه صلى الله عليه و آله :ألا وإنَّ روحَ القُدُسِ (قَد) نَفَثَ فى روعى ، وأخبَرَنى أن لا تَموتَ نَفسٌ حَتّى تَستَکمِلَ رِزقَها ، فَاتَّقُوا اللّهَ عز و جل ، وأجمِلوا فِى الطَّلَبِ ، ولا یَحمِلَنَّکُمُ استِبطاءُ شَیءٍ مِنَ الرِّزقِ أن تَطلُبوهُ بِمَعصِیَهِ اللّهِ عز و جل ، فَإِنَّهُ لا یُنالُ ما عِندَ اللّهِ جَلَّ اسمُهُ إلاّ بِطاعَتِهِ . (2)

عنه صلى الله عليه و آله :أجمِلوا فى طَلَبِ الدُّنیا ؛ فَإِنَّ اللّهَ قَد تَکَفَّلَ بِأَرزاقِکُم . (3)

عنه صلى الله عليه و آله :لَیسَ أحَدٌ مِنکُم بِأَکسَبَ مِن أحَدٍ ، قَد کَتَبَ اللّهُ المُصیبَهَ وَالأَجَلَ ، وقَسَمَ المَعیشَهَ وَالعَمَلَ ، فَالنّاسُ یَجرونَ فیها إلى مُنتَهىً . (4)

الإمام علىّ علیه السلام :أجمِلوا فِى الطَّلَبِ ؛ فَکَم مِن حَریصٍ خائِبٍ ومُجمِلٍ لَم یَخِب ! (5)

عنه علیه السلام :إنَّکَ مُدرِکٌ قِسمَکَ ، وَمضمونٌ رِزقُکَ ، ومُستَوفٍ ما کُتِبَ لَکَ ؛فَأَرِح نَفسَکَ مِن شَقاءِ الحِرصِ ومَذَلَّهِ الطَّلَبِ ، وثِق بِاللّهِ ، وخَفِّض فِى المُکتَسَبِ . (6)

.

1- .الخصال : 633 / 10 عن أبى بصیر ومحمّد بن مسلم عن الإمام الصادق عن آبائه علیهم السلام ، کنز الفوائد : 1 / 61 ولیس فیه «حتّى تأتیک دولتک» ، بحار الأنوار : 103 / 26 / 32 نقلاً عن أعلام الدین .
2- .الکافى : 5 / 83 / 11 عن جابر عن الإمام الباقر علیه السلاموص 80 / 3 عن أبى البلاد عن أحدهما علیهماالسلامعنه صلى الله عليه و آله و ح 1 ، تهذیب الأحکام : 6 / 321 / 880 ، التمحیص : 52 / 100 والثلاثه الأخیره عن أبى حمزه الثمالى عن الإمام الباقر علیه السلام عنه صلى الله عليه و آلهنحوه ؛ المستدرک على الصحیحین : 2 / 5 / 2136 ، القناعه والتعفّف

لابن أبى الدنيا : 38 / 57 كلاهما عن ابن مسعود ، المعجم الكبير : 8 / 166 / 7694 عن أبى أُمامه وكلّها نحوه .
3- .شُعب الإيمان : 7 / 488 / 11085 عن عمر ، كنز العمّال : 4 / 22 / 9306 وج 16 / 155 / 44188 .
4- .حليه الأولياء : 6 / 116 عن عبد اللّه بن مسعود ، كنز العمّال : 1 / 109 / 503 .
5- .غرر الحكم : 2538 .
6- .غرر الحكم : 3789 .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :دنیا دست به دست می گردد ؛ پس بهره خود را با معتدل ترین تلاش از آن برگیر تا باز نوبت تو رسد .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هلا که فرشته وحی بر من فرود آمد و آگاهم کرد که هیچ کس نمیرد مگر آن که همه روزیِ خود را دریابد ؛ پس خدای را بپرهیزید و در طلب میانه روی کنید و مبادا آهسته رسیدنِ روزی سبب شود که آن را با نافرمانی خدا طلب نمایید ؛ زیرا آن چه نزد خدای والامرتبه است ، جز با اطاعت او به دست نیاید .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :در طلب دنیا میانه روی پیشه سازید ؛ که خداوند روزی های شما را تضمین کرده است .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هیچ یک از شما روزی یاب تر از دیگری نیست ؛ خداوند مصیبت و مرگ را بر نوشته و روزی و عمل را هم تقسیم فرموده ؛ پس مردم در این روند به سرانجام راه می سپارند .

امام علی علیه السلام :در طلب روزی میانه روی کنید ؛ که بسا آزمند که کام نیابد و بسا میانه رو در طلب که ناکام نگردد .

امام علی علیه السلام :همانا روزی مقدّرت را می یابی و آن برای تو تضمین شده است و همه آن چه قسمت تو است ، نصیبت خواهد شد ؛ پس خود را از تیره بختیِ حرص و خواریِ طلب وارَهان و به خدا اطمینان کن و از کسب مال بکاه .

.

عنه عليه السلام :سَوفَ يَأتيکَ ما قُدِّرَ لَکَ ، فَخَفِّض فِی المُکتَسَبِ . (1)

عنه عليه السلام :إنَّما أنتَ عَدَدُ أيّامٍ ، فَکُلُّ يَومٍ يَمضی عَلَيکَ يَمضی بِبَعضِکَ ، فَخَفِّض فِی الطَّلَبِ وأجمِل فِی المُکتَسَبِ . (2)

عنه عليه السلام :ذَلِّل نَفسَکَ بِالطّاعَهِ ، وحَلِّها بِالقَناعَهِ ، وخَفِّض فِی الطَّلَبِ ، وأجمِل فِی المُکتَسَبِ . (3)

عنه عليه السلام :لَم يَصدُق يَقينُ مَن أسرَفَ فِی الطَّلَبِ ، وأجهَدَ نَفسَهُ فِی المُکتَسَبِ . (4)

عنه عليه السلام :لِکُلِّ رِزقٍ سَبَبٌ ، فَأَجمِلوا فِی الطَّلَبِ . (5)

عنه عليه السلام :لَن يَفوتَکَ ما قُسِمَ لَکَ ، فَأَجمِل فِی الطَّلَبِ . (6)

عنه عليه السلام :لَن تُدرِکَ ما زُوِیَ عَنکَ ، فَأَجمِل فِی المُکتَسَبِ . (7)

عنه عليه السلام :کَفی بِالمَرءِ عَقلاً أن يُجمِلَ فی مَطالِبِهِ . (8)

عنه عليه السلام فی ما کَتَبَهُ لِلإمامِ الحَسَنِ عليه السلام : اِعلَم يَقينا أنَّکَ لَن تَبلُغَ أمَلَکَ ، ولَن تَعدُوَ أجلَکَ ، وأنَّکَ فی سَبيلِ مَن کانَ قَبلَکَ . فَخَفِّض فِی الطَّلَبِ ، وأجمِل فِی المُکتَسَبِ ؛ فَإِنَّهُ رُبَّ طَلَبٍ قَد جَرَّ إلی حَرَبٍ ، فَلَيسَ کُلُّ طالِبٍ بِمَرزوقٍ ، ولا کُلُّ مُجمِلٍ بِمَحرومٍ . (9)

.

1- .غرر الحکم : 5586 .
2- .غرر الحکم : 3874 .
3- .غرر الحکم : 5201 .
4- .غرر الحکم : 7567 .
5- .غرر الحکم : 7305 .
6- .غرر الحکم : 7439 .
7- .غرر الحکم : 7440 .
8- .غرر الحکم : 7041 .

9- .نهج البلاغه : الكتاب 31 ، تحف العقول : 77 نحوه ، كشف المحجّه : 230 عن عمر بن أبى المقدام عن الإمام الباقر عنه عليهماالسلام ، بحار الأنوار : 103 / 39 / 88 ؛ كنز العمّال : 16 / 175 / 44215 نقلاً عن وكيع والعسكرى فى المواعظ .

امام علی علیه السلام :زود است که آن چه برایت مقدر شده ، تو را دررسد ؛ پس در کسب مال اعتدال را رعایت کن .

امام علی علیه السلام :همانا بهره تو به شماره روزها است ؛ هر روز که بر تو می گذرد ، بخشی از آن برایت فراهم می شود ؛ پس از طلب کم کن و در کسب مال تندروی مکن .

امام علی علیه السلام :جان خود را برای بندگی رام کن و به قناعتش وادار نما و از طلب کم کن و در کسب مال معتدل باش .

امام علی علیه السلام :هر که در طلب زیاده روی نماید و در کسب مال خود را به رنج اندازد ، از یقین بهره ندارد .

امام علی علیه السلام :هر روزی ای را وسیله ای است ؛ پس در طلب مال اعتدال را رعایت کنید .

امام علی علیه السلام :آن چه برایت مقدر شده ، از تو بازگرفته نشود ؛ پس در طلب میانه روی گزین .

امام علی علیه السلام :آن چه را که روزی ات نیست ، نیابی ؛ پس در کسب مال زیاده روی مکن .

امام علی علیه السلام :در خردمندیِ انسان همین بس که در خواسته هایش میانه رو باشد .

امام علی علیه السلام در زمره سفارش هایش به امام حسن علیه السلام : یقین بدان که هرگز به آرزویت نرسی و از اَجَلت فراتر نروی و در همان راه پیشینیان گام برمی داری . پس از طلب دنیا بکاه و در کسب مال اعتدال را رعایت کن ؛ که بساطلبی که به نابودیِ سرمایه انجامد . هر جوینده ای روزی نیابد و هر مدارا کننده ای محروم نگردد .

.

عنه عليه السلام :خُذ مِنَ الدُّنيا ما أتاكَ ، وتَوَلَّ عَمّا تَوَلّى عَنكَ ، فَإِن أنتَ لَم تَفعَل فَأَجمِل فِى الطَّلَبِ . (1)

عنه عليه السلام فِى الحِكَمِ المَنسوبَهِ إلَيهِ : مَن أجمَلَ فِى الطَّلَبِ أتاهُ رِزقُهُ مِن حَيثُ لا يَحتَسِبُ . (2)

الإمام الحسن عليه السلام :لا تُجاهِدِ الطَّلَبَ جِهادَ الغالِبِ ، ولا تَتَّكِل عَلَى القَدَرِ اتِّكالَ المُستَسلِمِ ؛ فَإِنَّ ابتِغاءَ الفَضلِ مِنَ السُّنَّهِ ، وَالإجمالَ فِى الطَّلَبِ مِنَ العِفَّهِ ، ولَيسَتِ العِفَّهُ بِدافِعَهٍ رِزقا ، ولاَ الحِرصُ بِجالِبٍ فَضلاً ؛ فَإِنَّ الرِّزقَ مَقسومٌ ، وَاستِعمالَ الحِرصِ استِعمالُ المَأثَمِ . (3)

الإمام الصادق عليه السلام :لَو كانَ العَبدُ فى حَجَرٍ لَأَتاهُ اللّهُ بِرِزقِهِ ، فَأَجمِلوا فِى الطَّلَبِ . (4)

عنه عليه السلام :لِيَكُن طَلَبُکَ لِلمَعيشَهِ فَوقَ كَسبِ المُضَيِّعِ ، ودونَ طَلَبِ الحَريصِ الرّاضى بِدُنياهُ المُطمَئِنِّ إلَيها ، ولكِن أنزِل نَفسَکَ مِن ذلِکَ بِمَنزِلَهِ المُنصِفِ المُتَعَفِّفِ ؛ تَرفَعُ نَفسَکَ عَن مَنزِلَهِ الواهِنِ الضَّعيفِ ، وتَكسِبُ ما لابُدَّ مِنهُ . (5)

.

1- .نهج البلاغه : الحكمه 393 ، تحف العقول : 78 ، بحار الأنوار : 103 / 38 / 83 ؛ كنز العمّال : 16 / 175 / 44215 نقلاً عن وكيع والعسكرى فى المواعظ .
2- .شرح نهج البلاغه : 20 / 311 / 566 .
3- .تحف العقول : 233 ، أعلام الدين : 428 عن الإمام الحسين عليه السلام نحوه ، بحار الأنوار : 103 / 27 / 41 و42 ؛ شرح نهج البلاغه : 20 / 261 / 58 وص 310 / 559 كلاهما نحوه .
4- .الكافى : 5/81/4 عن أبى خديجه ، التمحيص : 53/103 وفيه «جحر» بدل «حجر» ، بحار الأنوار: 103 / 35 / 71 .
5- .الكافى : 5 / 81 / 8 ، تهذيب الأحكام : 6 / 322 / 882 ، التمحيص : 54 / 107 ، تنبيه الخواطر : 1 / 13 كلّها عن ابن فضّال عمّن ذكره ، بحار الأنوار : 103 / 36 / 75 .

امام علی علیه السلام :هر چه از دنیا نصیبت شود ، برگیر و از آن چه نصیبت نگشت ، روی گردان ؛ و اگر چنین نمی کنی ، پس در طلب اعتدال را رعایت کن .

امام علی علیه السلام در کلمات حکیمانه منسوب به وی : هر که در طلب میانه روی گزیند ، خداوند روزی اش را از جایی که گمان ندارد ، عطایش فرماید .

امام حسن علیه السلام :همچون چیرگان ، در طلب دنیا مکوش و همچون بیچارگان بر قَدَر تکیه مکن ؛ که فضلِ [خدا] جستن سنت است (1) و میانه روی در طلب از پاکدامنی ؛ پاکدامنی مانعِ روزی نباشد و حرص ورزیدن هم روزی را فراهم نیاورَد ؛ پس همانا روزی تقسیم شده است و به کار گرفتن حرص ، بهره وری از گناه است .

امام صادق علیه السلام :اگر بنده در میان سنگی به سر برَد ، خداوند روزی اش را می رساند ؛ پس در طلب میانه روی کنید .

امام صادق علیه السلام :باید دنبال روزی رفتنت بیش تر از تباه کننده کسب و کم تر از حرص ورزنده خشنود از دنیا و اعتماد کننده به آن باشد . پس در طلب دنیا ، همانند میانه روی پاکدامن باش ؛ بدین سان ، از سستی و ناتوانی دور می شوی و در حدّ لزوم نیز کسب می کنی .

.

1- .اشاره است به آیه 10 از سوره جمعه «وابتغوا من فضل اللّه » .

الكافى عن سدير :قُلتُ لِأَبى عَبدِ اللّهِ عليه السلام : أىُّ شَىءٍ عَلَى الرَّجُلِ فى طَلَبِ الرِّزقِ؟ فَقالَ : إذا فَتَحتَ بابَکَ وبَسَطتَ بِساطَکَ ، فَقَد قَضَيتَ ما عَلَيکَ . (1)

الإمام علىّ عليه السلام فِى الدّيوانِ المَنسوبِ إلَيهِ : [مِن]وَصاياهُ لِابنِهِ الحُسَينِ عليه السلام : أبُنَىَّ إنَّ الرِّزقَ مَكفولٌ بِهِفَعَلَيکَ بِالإِجمالِ فى ما تَطلُب لَا تَجعَلَنَّ المالَ كَسبَکَ مُفرَداوتُقى إلهَکَ فَاجعَلَن ما تَكسِب كَفَلَ الإِلهُ بِرِزقِ كُلِّ بَرِيَّهوَالمالُ عارِيَهٌ تَجىءُ وتَذهَبَ وَالرِّزقُ أسرَعُ مِن تَلَفُّتِ ناظِرِسَبَبا إلَى الإِنسانِ حينَ يُسَبب ومِنَ السُّيولِ إلى مَقَرِّ قَرارِهاوَالطَّيرِ لِلأَوكارِ حينَ تُصَوِّبُ . (2)

4 / 4الاِقتِصارُ عَلَى الكَفافِرسول اللّه صلى الله عليه و آله :خَيرُ الرِّزقِ ما يَكفى . (3)

.

1- .الكافى : 5 / 79 / 1 ، تهذيب الأحكام : 6 / 323 / 886 ، من لا يحضره الفقيه : 3 / 165 / 3607 .
2- .الديوان المنسوب إلى الإمام علىّ عليه السلام : 48 / 18 ؛ تاريخ دمشق : 42 / 526 عن الربيع بن الفضل وفيه البيت الأوّل والثانى فقط .
3- .مسند ابن حنبل : 1 / 364 / 1477 و ص 381 / 1559 و ص 395 / 1623 ، مسند أبى يعلى : 1 / 345 / 727 ، شُعب الإيمان : 1 / 406 / 552 وج 7 / 296 / 10369 كلّها عن سعد بن مالک وج 1 / 407 / 554 ، صحيح ابن حبّان : 3 / 91 / 809 وفيه «خير الرزق أو العيش ما يكفى» وكلاهما عن سعد بن أبى وقّاص ؛ إرشاد القلوب : 74 .

4 / 4 اکتفا کردن به مقدار نیاز

الکافی از سدیر :به امام صادق علیه السلام گفتم: «انسان در طلب روزی چه وظیفه ای دارد؟» فرمود: «چون در گشودی و بساط گستردی ، وظیفه خود را انجام داده ای» .

امام علی علیه السلام در دیوان منسوب به وی : از سفارش های او به فرزندش حسین علیه السلام: پسر عزیزم! روزی ، تضمین شده است ؛پس تو را باید که از طلب بکاهی . تنها در پی مال نباش ؛و تقوای خدا را نیز کسب کن . خداوند روزیِ هر موجودی را کفالت فرموده ؛و مال امانتی است که می آید و می رود . آن گاه که وسیله فراهم آید ،روزی زودتر از نگاه افکندنی ، برای انسان حاصل گردد . چون درست بنگری ، سیل را برای رسیدن به قرارگاهشوپرندگان را برای جای گرفتن در آشیان ها، خدا وسیله ساخته است.

4 / 4اکتفا کردن به مقدار نیازپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :بهترین روزی آن است که کفایت کند .

.

عنه صلى الله عليه و آله فى عِيشَهِ الدُّنيا : يَكفيكَ مِنها ما سَدَّ جَوعَتَكَ ووارى عَورَتَكَ ، فَإِن يَكُن بَيتٌ يَكُنُّكَ فَذاكَ ، وإن تَكُن دابَّهٌ تَركَبُها فَبَخ ؛ فِلقُ الخُبزِ وماءُ الجَرِّ ، وما بَعدَ ذلِكَ حِسابٌ عَلَيكَ أو عَذابٌ . (1)

عنه صلى الله عليه و آله :لا يَلومُ اللّهُ عَلَى الكَفافِ . (2)

عنه صلى الله عليه و آله :قَد أفلَحَ مَن أسلَمَ ، ورُزِقَ كَفافا ، وقَنَّعَهُ اللّهُ بِما آتاهُ . (3)

عنه صلى الله عليه و آله :ما طَلَعَت شَمسٌ قَطُّ إلاّ بُعِثَ بِجَنبَتَيها مَلَكانِ يُنادِيانِ يُسمِعانِ أهلَ الأَرضِ إلاَّ الثَّقَلَينِ : يا أيُّهَا النّاسُ ، هَلُمّوا إلى رَبِّكُم ! فَإِنَّ ما قَلَّ وكَفى خَيرٌ مِمّا كَثُرَ وألهى . (4)

عنه صلى الله عليه و آله :اللّهُمَّ ارزُق مُحَمَّدا وآلَ مُحَمَّدٍ ومَن أحَبَّ مُحَمَّداً وآلَ مُحَمَّدٍ العَفافَ وَالكَفافَ ، وَارزُق مَن أبغَضَ مُحَمَّدا المالَ وَالوَلَدَ . (5)

.

1- .الخصال : 161/211، الأمالى للصدوق: 469/624، الأمالى للطوسى: 428/956 ، تنبيه الخواطر: 2 / 173 كلّها عن أبى الدرداء ، روضه الواعظين : 499 كلها نحوه ؛ حليه الأولياء : 5 / 249 ، تاريخ دمشق : 7 / 194 / 1909 كلاهما عن أبى الدرداء نحوه .
2- .الكافى : 4 / 26 / 1 ، تحف العقول : 380 كلاهما عن عبد الأعلى عن الإمام الصادق عليه السلام ، من لا يحضره الفقيه : 2 / 56 / 1688 ؛ مسند ابن حنبل : 3 / 287 / 8751 عن أبى هريره .
3- .صحيح مسلم : 2/730/125 ، سنن الترمذى : 4/576/2348 ، مسند ابن حنبل : 2/572/6583 ، السنن الكبرى : 4 / 328 / 7868 ، شُعب الإيمان : 7 / 290 / 10345 كلّها عن عبد اللّه بن عمرو بن العاص وراجع سنن ابن ماجه : 2 / 1386 / 4138 والتاريخ الكبير : 5 / 290 / 944 .
4- .مسند ابن حنبل : 8 / 168 / 21780 ، المستدرک على الصحيحين : 2 / 483 / 3662 ، صحيح ابن حبّان : 8 / 121 / 3329 ، المعجم الأوسط : 3 / 189 / 2891 ، مسند أبى داود الطيالسى : 131 / 979 ، حليه الأولياء : 1 / 226 و ج 2 / 233 كلّها عن أبى الدرداء .

5- .الكافى : 2/140/3 عن السكونى عن الإمام الصادق عليه السلام، الفقه المنسوب للإمام الرضا عليه السلام: 366/99، النوادر للراوندى : 124 / 142 ، مشكاه الأنوار : 225 / 620 ، الجعفريّات : 183 وراجع تنبيه الخواطر : 2 / 182 و بشاره المصطفى : 73 .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در باره گذران دنیا : از دنیا همان تو را بس است که گرسنگی ات را رفع نماید و برهنگی ات را بپوشاند . اگر خانه باشد و جایت دهد ، نیکو است ؛ و اگر چهارپایی باشد و سواری ات دهد ، پسندیده است ؛ و نیز نیمی نان و مَشکی آب ؛ و هر چه بیش از این باشد ، مایه مؤاخذه و عذاب تو است .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :خداوند دارایی به قدر نیاز را ملامت نفرماید .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر که اسلام آورَد و به قدر کفاف روزی یابد و خداوند به آن چه دهدش قانعش سازد ، رستگار گردد .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هیچ گاه خورشید سربر نزند ، مگر آن که در کناره های آن ، دو فرشته برخیزند و گونه ای ندا دهند که همه زمینیان ، جز جن و انس را نیز بشنوانند: «ای مردم ! به سوی پروردگارتان بشتابید ؛ که آن چه کم باشد و کفایت کند ، بهتر از آن است که بسیار باشد و فریبگری کند» .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :بار خدایا ! محمّد و خاندانش و نیز هر که محمّد و خاندانش را دوست بدارد ، پاکدامنی و روزی کافی نصیب فرما و آن کس را که به محمّد کینه ورزد ، مال و فرزند [فراوان] بخش .

.

عنه صلى الله عليه و آله :اللّهُمَّ مَن آمَنَ بى وصَدَّقَنى ، وعَلِمَ أنَّ ما جِئتُ بِهِ هُوَ الحَقُّ مِن عِندِکَ فَأَقلِل مالَهُ ووَلَدَهُ ، وحَبِّب إلَيهِ لِقاءَکَ ، وعَجِّل لَهُ القَضاءَ ، ومَن لَم يُؤمِن بى ولَم يُصَدِّقنى ولَم يَعلَم أنَّ ما جِئتُ بِهِ الحَقُّ مِن عِندِکَ ، فَأَکثِر مالَهُ ووَلَدَهُ وأطِل عُمُرَهُ . (1)

عنه صلى الله عليه و آله :اللّهُمَّ اجعَل قوتَ آلِ مُحَمَّدٍ کَفافا ؛ فَلَم يَطلُب مِنَ الدُّنيا إلاّ ما يَتَمَحَّضُ خَيرُهُ . (2)

عنه صلى الله عليه و آله :خَيرُ الرِّزقِ ما کان يَوما بِيَومٍ کَفافا . (3)

عنه صلى الله عليه و آله :ما مِن غَنِيٍّ ولا فَقيرٍ إلاّ وَدَّ يَومَ القِيامَهِ أنَّهُ اُوتِىَ مِنَ الدُّنيا قوتا . (4)

عنه صلى الله عليه و آله :يا أبا ذَرٍّ ، إنّى قَد دَعَوتُ اللّهَ جَلَّ ثَناؤُهُ أن يَجعَلَ رِزقَ مَن يُحِبُّنى کَفافا ، وأن يُعطِىَ مَن يُبغِضُنى کَثرَةَ المالِ وَالوَلَدِ . (5)

.

1- .سنن ابن ماجه : 2 / 1385 / 4133 ، المعجم الكبير : 17 / 31 / 56 ، اُسد الغابه : 4 / 249 / 4004 ، تاريخ دمشق : 46 / 304 / 10070 ، الإصابه : 4 / 554 / 5942 كلّها عن عمرو بن غيلان الثقفى ، كنز العمّال : 6 / 614 / 17103 .

2- .تنبيه الخواطر : 1 / 159 .

3- .الفردوس : 2 / 180 / 2907 عن أنس ، كنز العمّال : 3 / 391 / 7096 .

4- .سنن ابن ماجه : 2 / 1387 / 4140 ، مسند ابن حنبل : 4 / 235 / 12164 ، مسند أبى يعلى : 4 / 28 / 3701 ، شُعب الإيمان : 7 / 299 / 10378 كلّهاعن أنس ، تاريخ بغداد : 4 / 8 / 1586 عن عبد اللّه بن مسعود وكلّها نحوه ؛ من لا يحضره الفقيه : 4 / 363 / 5762 عن حمّاد بن عمرو وأنس بن محمّد عن أبيه جميعا عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه و آله ، مشكاه الأنوار : 230 / 647 كلاهما نحوه .

5- .مكارم الأخلاق : 2 / 369 / 2661 ، الأمالي للطوسى : 532 / 1162 ، تنبيه الخواطر : 2 / 58 كلاهما نحوه وكلّها عن أبى ذرّ .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :بار خدایا! هر که به من گروید و تصدیقم کرد و دانست که آن چه آورده ام حقی از سوی تو است ، مال و فرزندانش را کم کن و دیدارت را برایش دوست داشتنی نما و عمرش را کوتاه ساز ؛ و آن که به من نگروید و تصدیقم نکرد و درنیافت که آن چه من آورده ام ، حقی از سوی تو است ، مال و فرزندانش را فراوان گردان و عمرش را دراز ساز .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :بار خدایا! روزیِ خاندان محمّد را به قدر نیاز قرار ده تا از دنیا جز آن چه سراسر خیرش در آن است ، طلب نکند .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :بهترین روزی آن است که کفاف هر روز را ، یک به یک ، دهد .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هیچ توانگر و فقیری نیست ، مگر آن که در روز قیامت ، آرزو کند که در دنیا تنها به قدر کفافش روزی می داشت .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :ای ابوذر! همانا خدای ذکرش بشکوه باد را خواسته ام که روزیِ هر کس مرا دوست می دارد ، به قدر کفاف قرار دهد و به هر که مرا دشمن می شمارد ، مال و فرزند بسیار بخشد .

.

عنه صلى الله عليه و آله : إذا دَعَوتُم لِأَحَدٍ مِنَ اليَهودِ وَالنَّصارى فَقولوا : أكثَرَ اللّهُ مالَکَ ووَلَدَکَ .عنه صلى الله عليه و آله : إذا دَعَوتُم لِأَحَدٍ مِنَ اليَهودِ وَالنَّصارى فَقولوا : أكثَرَ اللّهُ مالَکَ ووَلَدَکَ . (1)

عنه صلى الله عليه و آله إذ قالَ لَهُ ثَعلَبَهُ بنُ حاطِبٍ : يا رَسولَ اللّهِ ، اُدعُ اللّهَ ، أن يَرزُقَنى مالاً : قَليلٌ تُؤَدّى شُكرَهُ خَيرٌ مِن كَثيرٍ لا تُطيقُهُ . (2)

تنبيه الخواطر عن لقمان عليه السلام لِابنِهِ : يا بُنَىَّ لا تَدخُل فِى الدُّنيا دُخولاً يَضُرُّ بِآخِرَتِکَ ، ولا تَترُكها تَركا تَكونُ كَلاًّ عَلَى النّاسِ . (3)

الإمام زين العابدين عليه السلام :مَرَّ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله بِراعى إبِلٍ فَبَعَثَ يَستَسقيهِ ، فَقالَ : أمّا ما فى ضُروعِها فَصَبوحُ الحَىِّ ، وأمّا فى آنِيَتِنا فَغَبوقُهُم ، فَقالَ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله : اللّهُمَّ أكثِر مالَهُ ووَلَدَهُ . ثُمَّ مَرَّ بِراعى غَنَمٍ ، فَبَعَثَ إلَيهِ يَستَسقيهِ ، فَحَلَبَ لَهُ ما فى ضُروعِها ، وأكفَأَ ما فى إنائِهِ فى إناءِ رَسولِ اللّهِ صلى الله عليه و آله ، وبَعَثَ إلَيهِ بِشاةٍ ، وقالَ : هذا ما عِندَنا ، وإن أحبَبتَ أن نَزيدَکَ زِدناکَ . قالَ : فَقالَ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله : اللّهُمَّ ارزُقهُ الكَفافَ . فَقالَ لَهُ بَعضُ أصحابِهِ : يا رَسولَ اللّهِ ، دَعَوتَ لِلَّذى رَدَّکَ بِدُعاءٍ عامَّتُنا نُحِبُّهُ ، ودَعَوتَ لِلَّذى أسعَفَکَ بِحاجَتِکَ بِدُعاءٍ كُلُّنا نَكرَهُهُ؟! فَقالَ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله : إنَّ ما قَلَّ وكَفى خَيرٌ مِمّا كَثُرَ وألهى . اللّهُمَّ ارزُق مُحَمَّدا وآلَ مُحَمَّدٍ الكَفافَ . (4)

.

1- .تاريخ دمشق : 55 / 208 / 11679 عن ابن عمر ، كنز العمّال : 3 / 189 / 6097 .
2- .تاريخ دمشق : 12 / 9 / 2889 ، تفسير الطبرى : 6/ الجزء 10/189 فيه «ويحک يا ثعلبه قلى . .» ، تفسير ابن كثير : 3 / 198 وج 4 / 124 ، تفسير القرطبى : 8 / 209 ، كنز العمّال : 3 / 393 / 7104 ؛ تنبيه الخواطر : 2 / 282 ، الأمالى للشجرى : 1 / 198 ، بحار الأنوار : 22 / 40 .
3- .تنبيه الخواطر : 1 / 79 ، بحار الأنوار : 73 / 124 / 112 .
4- .الكافى : 2 / 140 / 4 عن إبراهيم بن محمّد النوفلى رفعه ، بحار الأنوار : 72 / 61 / 4 .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هرگاه یکی از یهودیان و مسیحیان را دعا می کنید ، بگویید: «خدا مال و فرزندانت را بسیار گردانَد» .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله آن گاه ثعلبه بن حاطب به وی گفت:«ای رسول خدا! از خدا بخواه که مرا مال بخشد» : مال اندکی که شکرش را به جای آوری ، بهتر از مال فراوانی است که نتوانی شکر آن کنی .

تنبیه الخواطر از لقمان خطاب به پسرش : پسر عزیزم! در دنیا چنان درون مشو که به آخرتت زیان رساند ؛ و آن را چنان وانگذار که سربارِ مردم گردی .

امام سجاد علیه السلام :رسول خدا صلی الله علیه و آله بر شترچرانی گذر کرد و کس فرستاد تا از او چیزی برای آشامیدن بخواهد . شتربان گفت: «آن چه در پستان شتران است ، صبحانه مردم قبیله است و آن چه در ظرف های ما است ، غذای شامشان» . رسول خدا صلی الله علیه و آلهفرمود : «بارخدایا! مال و فرزندان او را فراوان ساز» . سپس به گوسفند چرانی گذر نمود و کس فرستاد تا از او چیزی برای آشامیدن بخواهد . وی گوسفندها را دوشید و هر چه در ظرف داشت ، در ظرف رسول خدا صلی الله علیه و آلهریخت و نیز گوسفندی برای ایشان فرستاد و پیغام داد: «این چیزی است که نزد ما آماده بود ؛ اگر خواهی ، آن را افزون کنیم» . رسول خدا صلی الله علیه و آلهفرمود: «بار خدایا! او را به قدر کفاف روزی ده» . یکی از یارانش گفت: «ای رسول خدا صلی الله علیه و آله! آن را که خواهشت را رد کرد ، چنان دعا فرمودی که ما همه دوستار آنیم ؛ و این را که خواهشت را روا نمود ، چنین دعا فرمودی که ما همه آن را ناخوش می داریم!» رسول خدا صلی الله علیه و آلهفرمود: «همانا آن چه کم باشد و کفایت نماید ، بهتر از آن است که فراوان باشد و بفریبد . بار خدایا! محمّد و خاندان محمّد را به قدر کفاف روزی بخش» .

.

الأمالى للطوسى عن أبو ذرّ :قالَ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله : يا أبا ذَرٍّ ، اِستَغنِ بِغَناءِ اللّهِ يُغنِكَ اللّهُ . فَقُلتُ : وما هُوَ يا رَسولَ اللّهِ؟ فَقالَ : غَداءُ يَومٍ وعَشاءُ لَيلَةٍ ، فَمَن قَنِعَ بِما رَزَقَهُ اللّهُ فَهُوَ أغنَى النّاسِ . (1)

مسند ابن حنبل عن أبو اُمامه عن النبىّ صلى الله عليه و آله :إنَّ أغبَطَ النّاسِ عِندى عَبدٌ مُؤمِنٌ خَفيفُ الحاذِ ، ذو حَظٍّ مِن صَلاةٍ ، أطاعَ رَبَّهُ ، وأحسَنَ عِبادَتَهُ فِى السِّرِّ ، وكانَ غامِضا فِى النّاسِ لا يُشارُ إلَيهِ بِالأصابِعِ ، وكانَ عَيشُهُ كَفافا ، وكانَ عَيشُهُ كَفافا قالَ : وجَعَلَ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آلهبِيَنقُرُ بِإصبَعَيهِ وكانَ عَيشُهُ كَفافا ، وكانَ عَيشُهُ كَفافا ، فَعُجِّلَت مَنِيَّتُهُ ، وقَلَّت بَواكيهِ ، وقَلَّ تُراثُهُ . (2)

تنبيه الخواطر :قيلَ : خَطَبَ النّاسَ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله يَوما وعَلَيهِ عَباءَةٌ شامِيَّةٌ ، فَقالَ : ما قَلَّ وكَفى خَيرٌ مِمّا كَثُرَ وألهى ، وإنَّ صاحِبَ الدِّرهَمَينِ أطوَلُ حِسابا مِن صاحِبِ الدِّرهَمِ . (3)

الإمام علىّ عليه السلام :خَيرُ أموالِكَ ما كَفاكَ . (4)

عنه عليه السلام :مَنِ اقتَصَرَ عَلى بُلغَهِ الكَفافِ فَقَدِ انتَظَمَ الرّاحَةَ ، وتَبَوَّأَ خَفضَ الدَّعَهِ . (5)

.

1- .الأمالى للطوسى : 536 / 1162 ، بحار الأنوار : 77 / 88 ؛ الزهد لابن المبارک : 411 / 1167 عن واصل مولى أبى عيينه نحوه .
2- .مسند ابن حنبل : 8 / 282 / 22259 ، سنن الترمذى : 4 / 575 / 2347 ، سنن ابن ماجه : 2/1379/4117 ، المستدرک على الصحيحين : 4/137/7148 كلّها عن أبى اُمامه نحوه ؛ الكافى : 2/140/1 عن أبى عبيده الحذّاء عن الإمام الباقر عليه السلام وص 141/6 عن الأزدى عن الإمام الصادق عليه السلام، قرب الإسناد : 40 / 129 عن الإمام الصادق عليه السلام ، تحف العقول : 38 كلّها عن رسول اللّه صلى الله عليه و آلهنحوه .
3- .تنبيه الخواطر : 2 / 230 .
4- .غرر الحكم : 5034 .

5- .الكافى : 8 / 19 / 4 عن جابر بن يزيد عن الإمام الباقر عليه السلام ، من لا يحضره الفقيه : 4 / 385 / 5834 ، نهج البلاغه : الحكمه 371 ، تحف العقول : 90 وفيه «تعجّل» بدل «فقد انتظم» ، بحار الأنوار : 69 / 411 / 128 .

امالی طوسی از ابوذر :رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «به توانگری ای که خدا دهدت ، توانگر شو» . گفتم: «ای رسول خدا! آن چیست؟» فرمود : «صبحانه یک روز و غذای شام یک شب ؛ پس هر که به آن چه خدا روزی اش نموده ، قناعت ورزد ، توانگرترینِ مردم است» .

مسند ابن حنبل از ابوامامه از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر آینه رشک بردنی ترینِ مردم نزد من ، بنده مؤمنی است که سبکبار باشد و از نماز بهره برده ، پَروردگارش را فرمان برَد و در نهان ، خدای را نیک عبادت نماید و در میان مردمْ گمنام به سر برد ، چندان که انگشت نما نباشد ؛ و روزی اش به قدر کفاف باشد ؛ و روزی اش به قدر کفاف باشد ؛ پیامبر در این حال ، با نوک دو انگشت خود می کوبید و فرمود : و روزی اش به قدر کفاف باشد ؛ و روزی اش به قدر کفاف باشد ؛ و مرگش زود فرا رسد ؛ و گریه کنندگانش اندک باشند ؛ و از او میراث اندک به جای مانَد .

تنبیه الخواطر:گفته اند که روزی رسول خدا صلی الله علیه و آله برای مردم خطبه می خواند ، حال آن که عبایی شامی بر دوش داشت . فرمود: «همانا آن چه کم باشد و کفایت نماید ، بهتر از آن است که فراوان باشد و بفریبد . هر آینه دارنده دو درهم ، حسابرسی اش طولانی تر از دارنده یک درهم است» .

امام علی علیه السلام :بهترین دارایی ات آن است که تو را کفاف دهد .

امام علی علیه السلام :هر که به قدر کفاف بسنده کند ، آسوده به سر برَد و در گشایشِ آسایش جای گیرد .

.

عنه علیه السلام :لا تُطمِعَنَّ نَفسَکَ فی ما فَوقَ الکَفافِ فَیَغلِبَکَ بِالزِّیادَهِ . (1)

عنه علیه السلام :قَصِّر مِن حِرصِکَ وقِف عِندَ المَقدورِ لَکَ مِن رِزقِکَ ؛ تُحرِز دینَکَ . (2)

عنه علیه السلام :اِقنَعوا بِالقَلیلِ مِن دُنیاکُم لِسَلامَهِ دینِکُم ؛ فَإِنَّ المُؤمِنَ البُلغَهُ الیَسیرَهُ مِنَ الدُّنیا تُقنِعُهُ . (3)

عنه علیه السلام فِی الحِکَمِ المَنسوبَهِ إلَیهِ : أنعَمُ النّاسِ عیشَهً مَن تَحَلّی بِالعَفافِ ، ورَضِیَ بِالکَفافِ ، وتَجاوَزَ ما یَخافُ إلی ما لایَخافُ . (4)

عنه علیه السلام فِی الحِکَمِ المَنسوبَهِ إلَیهِ : خَیرُ العَیشِ ما لا یُطغیکَ ولا یُلهیکَ . (5)

عنه علیه السلام :یَا بنَ آدَمَ ، ما کَسَبتَ فَوقَ قوتِکَ فَأَنتَ فیهِ خازِنٌ لِغَیرِکَ . (6)

عنه علیه السلام :اِعلَم أنَّ کُلَّ شَیءٍ تُصیبُهُ مِنَ الدُّنیا فَوقَ قوتِکَ فَإِنَّما أنتَ فیهِ خازِنٌ لِغَیرِکَ . (7)

.

1- .غرر الحکم : 10289 .
2- .غرر الحکم : 6789 .
3- .غرر الحکم : 2549 .
4- .شرح نهج البلاغه : 20 / 301 / 440 وراجع کنز الفوائد : 1 / 304 .
5- .شرح نهج البلاغه : 20 / 301 / 443 .
6- .نهج البلاغه : الحکمه 192 ، خصائص الأئمّه علیهم السلام : 112 ، بحار الأنوار : 73 / 144 / 28 .
7- .الخصال : 16 / 58 عن علیّ بن الحسین بن رباط رفعه ، روضه الواعظین : 468 ، بحار الأنوار : 73 / 90 / 61 .

امام علی علیه السلام :هرگز خود را به بیش از حد کفاف در طمع نینداز ؛ مبادا که با زیاده خواهی بر تو چیره شود .

امام علی علیه السلام :از حرص خویش بکاه و به روزیِ مقدّر خود بسنده کن تا دینت را حفظ کنی .

امام علی علیه السلام :برای سالم ماندن دینتان ، به بهره اندک دنیاتان اکتفا کنید ؛ که کفاف دنیایی ، مؤمن را قانع سازد .

امام علی علیه السلام در کلمات حکیمانه منسوب به وی : نعمت یافته ترین مردم آن است که به پاکدامنی آراسته و به قدر کفاف خرسند باشد و از آن چه مایه بیم او است ، پرهیز نماید و کاری کند که بیمی در آن نباشد .

امام علی علیه السلام در کلمات حکیمانه منسوب به وی : بهترین زندگانی آن است که مایه سرکشی و فریبت نباشد .

امام علی علیه السلام :ای فرزند آدم! آن چه را بیش از حد نیاز خویش کسب می کنی ، برای دیگران ذخیره می نمایی .

امام علی علیه السلام :بدان که هر چه از دنیا بیش از کفایت فراهم می کنی ، آن را برای غیر خود ذخیره می نمایی .

.

عنه علیه السلام فِی الحِکَمِ المَنسوبَهِ إلَیهِ : إذَا استَغنَیتَ عَن شَیءٍ فَدَعهُ ، وخُذ ما أنتَ مُحتاجٌ إلَیهِ . (1)

الزهد للحسین بن سعید عن حنان عن أبیه عن الإمام الباقر علیه السلام :سَمِعتُهُ یَقولُ : أتی أبا ذَرٍّ رَجُلٌ فَبَشَّرَهُ بِغَنَمٍ لَهُ قَد وَلَدَت فَقالَ : یا أبا ذَرٍّ ، أبشِر ! فَقَد وَلَدَت غَنَمُکَ وکَثُرَت . فَقالَ : ما یَسُرُّنی کَثرَتُها ؛ فَما اُحِبُّ ذلِکَ ، فَما قَلَّ مِنها وکَفی أحَبُّ إلَیَّ مِمّا کَثُرَ وألهی . إنّی سَمِعتُ رَسولَ اللّهِ صلی الله علیه و آله یَقولُ : عَلی حافَّتَیِ الصِّراطِ یَومَ القِیامَهِ الرَّحِمُ وَالأَمانَهُ ، فَإذا مَرَّ عَلَیهِ الموصِلُ لِلرَّحِمِ وَالمُؤَدّی لِلأَمانَهِ لَم یَتَکَفَّأ بِهِ فِی النّارِ . (2)

الإمام الباقر علیه السلام فی دُعائِهِ : اللّهُمَّ ارزُقنی رِزقا حَلالاً یَکفینی ، ولا تَرزُقنی رِزقا یُطغینی ، ولا تَبتَلِنی بِفَقرٍ أشقی بِهِ مُضَیَّقا عَلَیَّ . أعطِنی حَظّا وافِرا فی آخِرَتی ، ومَعاشا واسِعا هَنیئا مَریئا فی دُنیایَ . (3)

الإمام الصادق علیه السلام :کانَ عَلِیُّ بنُ الحُسَینِ علیه السلام یَدعو بِهذَا الدُّعاءِ : اللّهُمَّ إنّی أسألُکَ حُسنَ المَعیشَهِ ؛ مَعیشَهً أتَقَوّی بِها عَلی جَمیعِ حَوائِجی ، وأتَوَصَّلُ بِها فِی الحَیاهِ إلی آخِرَتی ، مِن غَیرِ أن تُترِفَنی فیها فَأطغی ، أو تُقَتِّرَ بِها عَلَیَّ فَأشقی . أوسِع عَلَیَّ مِن حَلالِ رِزقِکَ ، وأفضِل عَلَیَّ مِن سَیبِ فَضلِکَ نِعمَهً مِنکَ سابِغَهً وعَطاءً غَیرَ مَمنونٍ ، ثُمَّ لا تَشغَلنی عَن شُکرِ نِعمَتِکَ بِإکثارٍ مِنها تُلهینی بَهجَتُهُ وتَفتِنّی زَهَراتُ زَهوَتِهِ ، ولا بِإقلالٍ عَلَیَّ مِنها یَقصُرُ بِعَمَلی کَدُّهُ ویَملأُ صَدری هَمُّهُ ؛ أعطِنی مِن ذلِکَ یا إلهی غِنیً عَن شِرارِ خَلقِکَ ، وبَلاغا أنالُ بِهِ رِضوانَکَ . (4)

.

1- .شرح نهج البلاغه : 20 / 262 / 59 .
2- .الزهد للحسین بن سعید : 40 / 109 ، بحار الأنوار : 22 / 410 / 27 و ج 74 / 102 / 57 .
3- .تهذیب الأحکام : 3 / 77 / 234 عن أبی حمزه الثمالی ، المقنعه : 179 ، الکافی : 2 / 589 / 26 عن أبی حمزه ، مصباح المتهجّد : 176 / 262 و ص 549 / 640 ولیس فی الثلاثه الأخیره «اللّهمّ ارزقنی رزقا حلالاً یکفینی» ، بحار الأنوار : 87 / 301 و ج 94 / 269 .
4- .الکافی : 2 / 553 / 13 عن أبی بصیر .

امام علی علیه السلام در کلمات حکیمانه منسوب به وی : چون به چیزی نیاز نداری ، آن را واگذار و آن چه را بدان نیازمندی ، فراهم کن .

الزهد للحسین بن سعید از حنان از پدرش از امام باقر علیه السلام :از او شنیدم که فرمود: «مردی نزد ابوذر آمد و او را بشارت داد که گوسفندش بره ای زاده است . گفت: ای ابوذر! تو را مژده باد . گوسفندت بره زاده و افزون شده است . ابوذر گفت: افزون شدن آن مایه شادمانی من نیست ؛ من چنین نمی خواهم . هر چه اندک باشد و کفایت کند ، برایم دوست داشتنی تر از آن است که بسیار ، اما فریبنده باشد . من از رسول خدا صلی الله علیه و آلهشنیدم که فرمود: ? بر دو کرانه صراط در روز قیامت ، پیوند با خویشان و امانت داری است ؛ چون پیوند کننده با خویشان و امانت دار از آن بگذرد ، آتش به سوی او میل ننماید» .

امام باقر علیه السلام در دعای خویش : بار خدایا! مرا روزی حلال عطا فرما که کفایتم کند ؛ و روزی ای نده که مایه سرکشی ام باشد ؛ و به فقری که به سبب تنگنای آن ، به تیره بختی افتم ، دچارم مکن . مرا بهره فراوان در آخرتم و روزیِ گشاده گوارای شیرین در دنیایم عطا فرما .

امام صادق علیه السلام :علی بن حسین علیهماالسلام چنین دعا می کرد: «بار خدایا! از تو نیکیِ معیشت خواهم ، چنان که با آن ، همه نیازهایم را برآورم و زندگانی ام را به آخرت پیوند زنم ، بدون آن که مرا در دنیا به ناز پروری و دچار سرکشی شوم یا چنان بر من تنگ گیری که به تیره بختی افتم . روزیِ حلال خود را با گشایش نصیبم فرما و از افزون بخشیِ خویش ، نعمت پیاپی و بی منّت و بی کم و کاست عطایم فرما ؛ سپس با نعمت فراوانت که شکوهش مرا بفریبد و زیبایی اش مفتونم سازد ، مرا از شکر نعمت خویش غافل مگردان ؛ و چندان روزی ام را اندک مساز که دسترنجم کفافم را ندهد و قلبم از اندوه آن پر شود . ای خدای من! بدین سان ، از بدانِ آفریدگانت بی نیازم ساز و مرا به خشنودی خود نائل گردان» .

.

عنه علیه السلام عِندَ وَداعِ قَبرِ الإمامِ الحُسَینِ علیه السلام : اللّهُمَّ لا تَشغَلنی فِی الدُّنیا عَن شُکرِ نِعمَتِکَ ، لا بِإکثارٍ تُلهِینی عَجائِبُ بَهجَتِها وتَفتِنُنی زَهَراتُ زینَتِها ، ولا بِإقلالٍ یَضُرُّ بِعَمَلی کَدُّهُ ویَملَأُ صَدری هَمُّهُ ، أعطِنی مِن ذلِکَ غِنیً عَن شِرارِ خَلقِکَ ، وبَلاغا أنالُ بِهِ رِضاکَ ، یا أرحَمَ الرّاحِمینَ . (1)

عنه علیه السلام :اللّهُمَّ إنّی أسأَلُکَ رِزقَ یَومٍ بِیَومٍ ، لا قَلیلاً فَأَشقی ، ولا کَثیرا فَأَطغی . (2)

عنه علیه السلام :فِی الإنجیلِ أنَّ عیسی علیه السلام قالَ : اللّهُمَّ ارزُقنی غُدوَةً رَغیفا مِن شَعیرٍ ، وعَشِیَّةً رَغیفا مِن شَعیرٍ ، ولا تَرزُقنی فَوقَ ذلِکَ فَأَطغی . (3)

عنه علیه السلام :إذا کانَ عِندَ غُروبِ الشَّمسِ ، وَکَّلَ اللّهُ بِها مَلَکا یُنادی : أیُّهَا النّاسُ ، أقبِلوا عَلی رَبِّکُم ؛ فَإِنَّ ما قَلَّ وکَفی خَیرٌ مِمّا کَثُرَ وألهی ، ومَلَکٌ مُوَکَّلٌ بِالشَّمسِ عِندَ طُلوعِها یُنادی : یَابنَ آدَمَ ، لِد لِلمَوتِ ، وَابنِ لِلخَرابِ ، وَاجمَع لِلفَناءِ . (4)

عنه علیه السلام :قالَ لُقمانُ لِابنِهِ : خُذ مِنَ الدُّنیا بَلاغا ، ولا تَرفُضها فَتَکونَ عِیالاً عَلَی النّاسِ ، ولا تَدخُل فیها دُخولاً یَضُرُّ بِآخِرَتِکَ . (5)

.

1- .کامل الزیارات : 436 / 669 عن یوسف الکناسی و ص 439 / 2 عن أبی حمزه الثمالی ، مصباح المتهجّد : 728 / 819 کلاهما نحوه ، بحار الأنوار : 101 / 204 / 32 و ص 281 / 1 و ص 282 / 2 .
2- .تهذیب الأحکام : 3 / 75 / 233 عن عبد اللّه بن السرّاج عن رجل ، المقنعه: 177 ، مصباح المتهجّد : 547 / 638 ، بحار الأنوار : 97 / 375 .
3- .عدّه الداعی : 104 ، بحار الأنوار : 14 / 326 / 40 و ج 72 / 54 / 85 .
4- .الاختصاص : 234 ، قرب الإسناد : 39 / 125 ، بحار الأنوار : 103 / 34 / 64 .
5- .تفسیر القمّی : 2 / 164 عن حمّاد ، بحار الأنوار : 13 / 411 / 2 .

امام صادق علیه السلام هنگام بدرودِ مزار امام حسین علیه السلام : بار خدایا! در دنیا مرا از شکر نعمتت غافل مگردان ، نه با بسیار بخشیدن که شگفتی های شکوهش مرا بفریبد و زیبایی های زینتش مفتونم سازد ؛ و نه با کم بخشیدن که دسترنجم کفافم را ندهد و قلبم از اندوه آن پر شود! بدین سان ، از بدانِ آفریدگانت بی نیازم ساز و مرا به خشنودی خود نائل گردان ؛ ای مهرورزترینِ مهرورزان .

امام صادق علیه السلام :بار خدایا! از تو روزیِ روز به روز خواهم ، نه روزیِ فراوان که مایه سرکشی ام گردد .

امام صادق علیه السلام :در انجیل آمده است که عیسی علیه السلام گفت: «بار خدایا! صبحگاهان مرا قرص نان جوی روزی فرما و شامگاهان نیز همان را ؛ و بیش از حدّم مرا روزی مبخش که نافرمانی کنم» .

امام صادق علیه السلام :هنگام غروب خورشید ، خداوند فرشته ای را مأمور فرماید که ندا دهد: «ای مردم! به پروردگارتان روی آورید ؛ که آن چه اندک باشد و کفاف دهد ، بهتر از آن است که بسیار باشد و بفریبد» . هنگام سربر زدن خورشید هم فرشته ای مأمور است که ندا دهد: «ای فرزند آدم! برای مرگ بزای ؛ برای ویران شدن ، بساز ؛ و برای نیست گشتن ، گرد آور» .

امام صادق علیه السلام :لقمان به پسرش فرمود : «از دنیا به قدر کفاف برگیر و آن را چندان وامگذار که سربارِ مردم شوی ؛ و چنان در آن درمیا که به آخرتت زیان رسانَد» .

.

4 / 5عَدَمُ الاِغتِمامِ لِرِزقِ الغَدِرسول اللّه صلى الله عليه و آله :يا عَلِيُّ ، لا تَهتَمَّ لِرِزقِ غَدٍ ؛ فَإِنَّ كُلَّ غَدٍ يَأتى رِزقُهُ . (1)

عنه صلى الله عليه و آله :يَابنَ مَسعودٍ ، لا تَهتَمَّ لِلرِّزقِ ؛ فَإِنَّ اللّهَ تَعالى يَقولُ : «وَ مَا مِن دَآبَّةٍ فِى الْأَرْضِ إِلاَّ عَلَى اللَّهِ رِزْقُهَا (2) » ، وقالَ : «وَ فِى السَّمَآءِ رِزْقُكُمْ وَمَا تُوعَدُونَ (3) . (4) »

المعجم الكبير عن أبو هريره :إنَّ رَسولَ اللّهِ صلى الله عليه و آله دَخَلَ عَلى بِلالٍ فَوَجَدَ عِندَهُ صُبَرا مِن تَمرٍ ، فَقالَ : ما هذا يا بِلالُ؟ فَقالَ : تَمرٌ أدَّخِرُهُ . قالَ : وَيحَكَ يا بِلالُ ! أوَ ما تَخافُ أن يَكونَ لَهُ بُخارٌ فِى النّارِ ؟ ! أنفِق يا بِلالُ ، ولا تَخشَ مِن ذِى العَرشِ إقلالاً . (5)

حليه الأولياء عن أنس بن مالك :أُهدِيَ إلَى النَّبِيِّ صلى الله عليه و آله طَوائِرُ ثَلاثٍ ، فَأكَلَ طَيرا وَاستَخبَأَ خادِمُهُ طَيرَينِ ، فَرَدَّهُما عَلَيهِ مِنَ الغَدِ ، فَقالَ النَّبِيُّ صلى الله عليه و آله : أَلَم أنهَكَ أن تَرفَعَ شَيئا لِغَدٍ؟ ! إنَّ اللّهَ يَأتى بِرِزقِ كُلِّ غَدٍ . (6)

.

1- .تحف العقول : 14 .
2- .هود : 6 .
3- .الذاريات : 22 .
4- .مكارم الأخلاق : 2 / 356 / 2660 عن ابن مسعود ، بحار الأنوار : 77 / 106 / 1 .
5- .المعجم الكبير : 1 / 341 / 1024 وص 340 / 1020 وج 10 / 155 / 10300 كلاهما عن عبد اللّه نحوه ، المعجم الأوسط : 3 / 86 / 2572 ، مسند أبى يعلى : 5 / 386 / 6014 عن أنس نحوه ، كنز العمّال : 6 / 580 / 17004 .
6- .حليه الأولياء : 10 / 243 ، تاريخ بغداد : 14 / 315 / 7638 وفيه «تدَّخر» بدل «ترفع» .

4 / 5غم نخوردن برای روزیِ فرداپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :ای علی! اندوه روزی فردا را مخور ؛ که هر فردایی را روزی اش فرا می رسد .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :ای ابن مسعود! اندوهِ روزی را مخور ؛ که خدای تعالی فرماید: «هیچ جنبنده ای در زمین نیست ، مگر آن که روزی اش بر عهده خدا است» ؛ و هم فرماید: «در آسمان است روزی شما و آن چه وعده داده می شوید» .

المعجم الکبیر از ابوهریره :رسول خدا صلی الله علیه و آله بر بلال درآمد و نزد او قدری خرما یافت . فرمود : «این چیست ای بلال؟» گفت: «ذخیره خرما است» . فرمود : «وای بر تو ای بلال! آیا بیم نداری که آن در آتش ، دود شود؟! ای بلال! انفاق کن و بیم ندار که خدای دارنده عرش ، روزی ات را کم سازد» .

حلیه الأولیاء از اَنَس بن مالک :سه پرنده برای پیامبر صلی الله علیه و آله هدیه آورده شد . یکی را بخورد و خدمتکارش آن دو دیگر را پنهان نمود . روز بعد ، آن دو را نزد پیامبر آورد . وی فرمود: «آیا تو را نهی نکردم که چیزی برای فردا نگذاری؟ همانا خداوند روزیِ هر فردایی را می رساند» .

.

مسند ابن حنبل عن أنس بن مالک :أُهدِيَت لِرَسولِ اللّهِ صلى الله عليه و آله الهِثلاثُ طَوائِرَ ، فَأطعَمَ خادِمَهُ طائِرا ، فَلَمّا كانَ مِنَ الغَدِ أتَتهُ بِهِ ، فَقالَ لَها رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله : أَلَم أنهَكِ أن تَرفَعى شَيئا؟ ! فَإِنَّ اللّهَ عز و جل يَأتى بِرِزقِ كُلِّ غَدٍ . (1)

عيسى عليه السلام :لا تَحبِس لِغَدٍ رِزقا ؛ فَإِنَّها خَطيئَةٌ عَلَيکَ . (2)

عنه عليه السلام :لا تَهتَمّوا بِرِزقِ غَدٍ ، فَإن يَكُن مِن آجالِكُم فَسَيَأتى فيهِ أرزاقُكُم مَعَ آجالِكُم ، وإن لَم يَكُن مِن آجالِكُم فَلا تَهتَمّوا لِاجالِ غَيرِكُم . (3)

الإمام علىّ عليه السلام :قالَ اللّهُ تَبارَکَ وتَعالى لِموسى عليه السلام : يا موسى ، اِحفَظ وَصِيَّتى لَکَ بِأربَعَهِ أشياءَ . . . الثّانِيَهُ : ما دُمتَ لا تَرى كُنوزى قَد نَفِدَت فَلا تَغتَمَّ بِسَبَبِ رِزقِکَ . (4)

عنه عليه السلام :كانَ فى ما وَعَظَ بِهِ لُقمانُ ابنَهُ أن قالَ لَهُ : يا بُنَىَّ ، لِيَعتَبِر مَن قَصُرَ يَقينُهُ وضَعُفَت نِيَّتُهُ فى طَلَبِ الرِّزقِ ، إنَّ اللّهَ تَبارَکَ وتَعالى خَلَقَهُ فى ثَلاثَهِ أحوالٍ مِن أمرِهِ وآتاهُ رِزقَهُ ، ولَم يَكُن لَهُ فى واحِدَهٍ مِنها كَسبٌ ولا حيلَهٌ ، إنَّ اللّهَ تَبارَکَ وتَعالى سَيَرزُقُهُ فِى الحالِ الرّابِعَهِ . أمّا أوَّلُ ذلِکَ فَإنَّهُ كانَ فى رَحِمِ اُمِّهِ يَرزُقُهُ هُناکَ فى قَرارٍ مَكينٍ حَيثُ لا يُؤذيهِ حَرٌّ ولا بَردٌ ، ثُمَّ أخرَجَهُ مِن ذلِکَ وأجرى لَهُ رِزقا مِن لَبَنِ اُمِّهِ يَكفيهِ بِهِ ويُرَبّيهِ ويَنعَشُهُ مِن غَيرِ حَولٍ بِهِ ولا قُوَّهٍ ، ثُمَّ فُطِمَ مِن ذلِکَ فَأجرى لَهُ رِزقا مِن كَسبِ أبَوَيهِ بِرَأفَهٍ ورَحمَهٍ لَهُ مِن قُلوبِهِما ، لا يَملِكانِ غَيرَ ذلِکَ حَتّى إنَّهُما يُؤثِرانِهِ عَلى أنفُسِهِما فى أحوالٍ كَثيرَهٍ ، حَتّى إذا كَبِرَ وعَقَلَ وَاكتَسَبَ لِنَفسِهِ ضاقَ بِهِ أمرُهُ ، وظَنَّ الظُّنونَ بِرَبِّهِ ، وجَحَدَ الحُقوقَ فى مالِهِ ، وقَتَّرَ عَلى نَفسِهِ وعِيالِهِ مَخافَهَ إقتارِ رِزقٍ ، وسوءَ يَقينٍ بِالخَلَفِ مِنَ اللّهِ تَبارَکَ وتَعالى فِى العاجِلِ وَالآجِلِ ، فَبِئسَ العَبدُ هذا يا بُنَىَّ ! (5)

.

1- .مسند ابن حنبل : 4 / 394 / 13042 .
2- .تنبيه الخواطر : 2 / 229 ؛ البدايه والنهايه : 2 / 89 نحوه .
3- .تنبيه الخواطر : 1 / 278 .

4- .الخصال : 217 / 41 ، التوحيد : 372 / 14 ، المواعظ العدديّه : 216 كلّها عن الأصبغ بن نباته ، بحار الأنوار : 13 / 344 / 26 .
5- .الخصال : 122 / 114 عن حمّاد بن عيسى عن الإمام الصادق عليه السلام ، قصص الأنبياء : 197 / 249 عن الإمام الصادق عنه عليهماالسلام نحوه ، بحار الأنوار : 13 / 414 / 5 و ج 71 / 136 / 17 .

مسند ابن حنبل از انس بن مالک:سه پرنده برای پیامبر صلی الله علیه و آله هدیه آورده شد . یکی را غذای خدمتکارش ساخت . روز بعد ، خدمتکار آن را نزد پیامبر آورد . وی فرمود: «آیا تو را نهی نکردم که چیزی ذخیره نکنی؟ همانا خداوند روزیِ هر فردایی را می رساند» .

عیسی علیه السلام :برای فردا روزی ذخیره مکن ؛ که این کار گناهی بر تو است

عیسی علیه السلام :اندوهِ روزی فردا را مخورید ؛ که اگر سرآمدِ روزیِ شما باشد ، در آن روز ، روزی تان با سرآمدتان خواهد رسید ؛ و اگر سرآمدِ شما نباشد ، پس برای سرآمدِ دیگران اندوه مخورید .

امام علی علیه السلام :خدای والای بشکوه به موسی علیه السلام فرمود : «ای موسی! سفارش مرا به چهار چیز دریاب : . . . دوم اینکه مادام که می نگری گنجینه های من پایان نیافته ، برای روزی ات اندوهگین مباش» .

امام علی علیه السلام :در زمره اندرزهای لقمان به پسرش چنین بود: «پسر عزیزم! باید عبرت گیرد کسی که یقین او اندک و نیّتش در طلب روزی ، نارسا است . همانا خداوند والای بشکوه به امر خویش ، وی را آفریده و روزی اش داده است ؛ و در هیچ یک از این احوال ، خودِ او را چاره و تدبیری نبوده است . پس خداوند والای بشکوه او را در حال چهارم نیز روزی خواهد داد . اما حالت نخست ؛ وی در زهدان مادرش ، در جایگاهی امن قرار داشت و از گرما و سرما در امان بود . سپس خداوند وی را از آن جای بیرون آورد و برایش از شیر مادرش ، روزی ای فراهم آورد که او را کفایت کند و رشدش دهد و نشو و نمایش بخشد ، بی آن که وی را هیچ نیرو و توانی باشد . سپس از شیر گرفته شد و خداوند برایش از کسب و کار پدر و مادرش همراه با مهرورزی و عطوفت آن دو ، روزی قرار داد ، حال آن که آن دو جز این کاریشان نبود و حتّی بسیار می شد که او را بر خود ترجیح می دادند ؛ تا آن گاه که رشد و عقل یافت و خود به کار و کسب پرداخت ؛ کارش بر وی تنگ شد و به پروردگارش گمان هایی برد و حقوق خدا را در مال خود انکار کرد و از بیم تنگدستی و با بدگمانی به آنچه خداوند در آینده نزدیک و دور ، برایش جایگزین خواهد فرمود ، بر خود و عیالش تنگ گرفت . پس بد بنده ای است چنین کسی ، ای پسر عزیزم!» .

عنه علیه السلام :إیّاکَ وَالإمساکَ ! فَإنَّ ما أمسَکتَهُ فَوقَ قوتِ یَومِکَ کُنتَ فیهِ خازِنا لِغَیرِکَ . (1)

عنه علیه السلام :مَنِ اهتَمَّ بِرِزقِ غَدٍ لَم یُفلِح أبَدا . (2)

الإمام زین العابدین علیه السلام :مَنِ اهتَمَّ لِرِزقِهِ کُتِبَ عَلَیهِ خَطیئَهٌ . (3)

.

1- .غرر الحکم : 2712 .
2- .غرر الحکم : 9113 .
3- .الخصال : 65 / 95 عن الزهری ، الأمالی للطوسی : 300 / 593 عن عبد الصمد عن أبیه عن جدّه عن الإمام الصادق علیه السلام ، عدّه الداعی : 83 عن الإمام الصادق علیه السلام ، قصص الأنبیاء : 230 / 300 عن حفص بن غیاث النخعی عن الإمام الصادق علیه السلام ، بحار الأنوار : 73 / 93 / 69 .

امام علی علیه السلام :از تنگ گرفتن در معاش بپرهیز ؛ که هر چه بیش از کفاف روزانه ذخیره کنی ، برای غیر خود گرد آورده ای .

امام علی علیه السلام :هر که اندوه روزیِ فردا را داشته باشد ، هرگز کامیاب نگردد .

امام سجاد علیه السلام :هر که غمِ روزیِ خود را داشته باشد ، بر وی گناه نوشته شود .

.

توضیحاتی درباره آفات توسعه و پرهیز از آن ها

توضیحاتی درباره آفات توسعه و پرهیز از آن هابرای فهم بهترِ مضامین مندرج در روایات این فصل پیرامون آفات توسعه ، و نیز به منظور درک اهداف این روایات ، باید به نکات زیر عنایت نمود: 1 . تحلیل و فهم مطالب این فصل درباره آفات توسعه و راه های پرهیز از آن ها ، جز در چهارچوب پیوند با توسعه پایدار و فراگیر ممکن نیست ؛ چنان که بدان اشاره شد . (1) اما اگر مفهوم توسعه به نیازهای مادی و زودگذر محدود شود ، دیگر سخن گفتن از آفات توسعه در این بخش معنا ندارد . همچنین است بحث از موانع توسعه که در قسمت چهارم از آن یاد شد . 2 . مهم ترین آفت توسعه ، در نگرش مادی به جهان نهفته است . این آفت آن قدر خطرناک است که حتّی توسعه را در مفهوم محدود و دنیایی اش نیز به ضدِ توسعه تبدیل می کند . جهان بینی مادی ، ارتباط انسان را با آفریننده جهان و عالم ابدیت نادیده

.

1- .بنگرید به: ص518 (ثروت اندوزی و توسعه).

می گیرد (1) ؛ و غفلت از یاد خدای سبحان و آخرت ، خود ، از انواع مفاسد و آفات است ؛ و این از آفات اقتصادی محسوب می شود . در چهارچوب جهان بینی مادی ، اصول اعتقادی توسعه هیچ معنا و مفهومی ندارد ؛ و به این ترتیب ، انسان در انتظار باقی نمی ماند تا تلاش های مشروع او برای دستیابی به اهداف اقتصادی نتیجه دهد ؛ بلکه کافی است تا آن تلاش ها دیر به مقصود رسد (2) یا نتایجی خلاف میل انسان پدید آورد (3) تا همین ، انگیزه ای برای اقدام به اعمال نامشروع گردد . (4) ممکن است تلاش های نامشروع دارای دستاوردهایی زود رس در عرصه اهداف اقتصادی باشد ؛ اما بی تردید ، به توسعه فراگیر و پایدار منجر نمی شود . 3 . جهان بینی الهی عامل اصلی در پرهیز از آفات توسعه به شمار می رود . از آن جا که پیوند با آفریننده هستی و ایمان به حیات جاودان ، انسان را از در افتادن به ورطه اعمال نامشروع باز می دارد و مانع استفاده از وسایل ناصحیح برای دستیابی به اهداف اقتصادی می شود ، طبیعی است که به عاملی برای پرهیز از بروز آفات توسعه تبدیل گردد . بر پایه تفکر توحیدی ، ایمان به تقدیر ، با مفهوم درست و سازنده اش (5) ، در کنار مدیریت و کار ، سبب می شود که انسان با آرامش و آسودگی زندگی کند . هر گاه انسان ایمان داشته باشد که خداوند روزی دهنده است ، دیگر اندوه روزی را

.

1- .بنگرید به: ص1013 (غفلت از آخرت).
2- .بنگرید به: ص1015 (آهسته یابی روزی).
3- .بنگرید به: ص1017 (کم شمردن روزی).
4- .بنگرید به: ص1021 (طلب حرام).
5- .بنگرید به: ص507 (تقدیر و توسعه).

نمی خورد (1) ؛ زیرا با ایمان به این که خداوند روزی اش را تضمین کرده ، در طلبش تلاش می کند ، همان گونه که حرص نیز نمی ورزد و خود را در کام خطرها و رنج ها و سختی ها بیش از حدی که روا است ، نمی اندازد ؛ بلکه به زندگی کریمانه قناعت می کند (2) و نیز هر چه را از حدّ نیازش فراتر باشد ، انفاق می نماید که این ، خود ، مایه شکوفایی اقتصاد در سطح جامعه و هم خدمتی به همه انسان ها است . (3) بار خدایا! ما را از شکر نعمتت غافل مگردان ، نه آن گونه که شکوه دنیا ما را بفریبد و زیبایی های زیورش فریفته مان سازد ، و نه به گونه ای که دست رنجمان کفافمان نباشد و دلِ ما از اندوه آن پُر شود . و بدین سان از بدانِ آفریدگانت بی نیازمان ساز ، و به خشنودی خود نایل فرما . خداوندا ! این خدمت نیز از ما بپذیر و ذخیره زندگیِ جاوید ما گردان ای کسی که بدی ها را به نیکی مبدّل می سازی ، ای مهر ورزترین مهرورزان .

.

1- .بنگرید به: ص531 (روزی تقدیر و تقسیم شده است).
2- .بنگرید به: ص517 (قناعت و توسعه).
3- .بنگرید به: ص515 (زهد و توسعه).

ص: 1067

. .

ص: 1068

. .

ص: 1069

. .

ص: 1070

. .

ص: 1071

. .

ص: 1072

. .

ص: 1073

. .

ص: 1074

. .

ص: 1075

. .

ص: 1076

. .

ص: 1077

. .

ص: 1078

. .

ص: 1079

. .

ص: 1080

. .

ص: 1081

. .

. .

ص: 1083

. .

ص: 1084

. .

ص: 1085

. .

ص: 1086

. .

ص: 1087

. .

ص: 1088

. .

ص: 1089

. .

ص: 1090

. .

ص: 1091

. .

ص: 1092

. .

ص: 1093

. .

ص: 1094

. .

ص: 1095

. .

ص: 1096

. .

ص: 1097

. .

ص: 1098

. .

ص: 1099

. .

ص: 1100

. .

ص: 1101

. .

ص: 1102

. .

ص: 1103

. .

ص: 1104

. .

ص: 1105

. .

ص: 1106

. .

ص: 1107

. .

ص: 1108

. .

ص: 1109

. .

ص: 1110

. .

فهرست منابع ومآخذ

فهرست منابع و مآخذ1 . القرآن الكريم . 2 . إتحاف الساده المتّقين بشرح إحياء علوم الدين ، أبو الفيض محمد بن محمد الزبيدى (ت 1205 ه) ، دار الفكر بيروت . 3 . الاثنا عشريّه فى المواعظ العدديه ، أبو القاسم محمد بن محمد الحسينى العاملى (ق 11 ه) ، مطبعه الحكمه قم . 4 . الاحتجاج على أهل اللجاج ، أبو منصور أحمد بن على بن أبى طالب الطبرسى (ت 620 ه) ، تحقيق : إبراهيم البهادرى ومحمد هادى بهْ ، دار الأُسوه طهران ، الطبعه الأُولى 1413 ه . 5 . إحقاق الحقّ وإزهاق الباطل ، القاضى نور اللّه ابن السيد شريف الشوشترى (ت 1019 ه) ، مع تعليقات السيد شهاب الدين المرعشى ، مكتبه آيه اللّه المرعشى قم ، الطبعه الأُولى 1411 ه . 6 . إحياء علوم الدين ، أبو حامد محمد بن محمد الغزالى (ت 505 ه) ، دار الهادى بيروت ، الطبعه الأُولى 1412 ه . 7 . الاختصاص ، المنسوب إلى أبى عبد اللّه محمد بن محمد بن النعمان العكبرى البغدادى المعروف بالشيخ المفيد (ت 413 ه) ، تحقيق : على أكبر الغفّارى ، مؤسسه النشر الإسلامى قم ، الطبعه الرابعه 1414 ه .

.

8 . اختيار معرفه الرجال (رجال الكشّى) ، أبو جعفر محمد بن الحسن المعروف بالشيخ الطوسى (ت 460 ه) ، تحقيق : مهدى الرجائى ، مؤسسه آل البيت عليهم السلام لإحياء التراث قم ، الطبعه الأُولى 1404 ه . 9 . آداب المتعلّمين ، نصير الدين محمد بن محمد الطوسى (ت 672 ه) ، تحقيق : محمد رضا الحسينى الجلالى ، مكتبه مدرسه إمام العصر(عج) شيراز ، الطبعه الأُولى 1416ه . 10 . الأدب المفرد ، أبو عبد اللّه محمد بن إسماعيل البخارى (ت 256 ه) ، تحقيق : محمد بن عبد القادر عطا ، دار الكتب العلميه بيروت . 11 . الإرشاد فى معرفه حجج اللّه على العباد ، أبو عبد اللّه محمد بن محمد بن النعمان العكبرى البغدادى المعروف بالشيخ المفيد (ت 413 ه) ، تحقيق ونشر : مؤسسه آل البيت عليهم السلام لإحياء التراث قم ، الطبعه الأُولى 1413 ه . 12 . إرشاد القلوب ، أبو محمد الحسن بن أبى الحسن الديلمى (ت 711 ه) ، مؤسسه الأعلمى بيروت ، الطبعه الرابعه 1398 ه . 13 . الاستبصار فيما اختلف من الأخبار ، أبو جعفر محمد بن الحسن الطوسى (ت 460 ه) ، تحقيق : حسن الموسوى الخرسان ، دار الكتب الإسلاميه طهران ، الطبعه الأُولى . 14 . الاستيعاب فى معرفه الأصحاب ، أبو عمر يوسف بن عبد اللّه بن محمد بن عبد البرّ القرطبى المالكى (ت 363 ه) ، تحقيق : على محمد معوّض وعادل أحمد عبد الموجود ، دار الكتب العلميه بيروت ، الطبعه الأُولى 1415 ه . 15 . أُسد الغابه فى معرفه الصحابه ، أبو الحسن عزّ الدين على بن أبى الكرم محمد بن محمد بن عبد الكريم الشيبانى المعروف بابن الأثير الجزرى (ت 630 ه) ، تحقيق : على محمد معوّض وعادل أحمد عبد الموجود ، دار الكتب العلميه بيروت ، الطبعه الأُولى 1415 ه . 16 . إصلاح المال ، أبو بكر عبد اللّه بن محمد بن أبى الدين القرشى البغدادى (ت 281 ه) ، تحقيق : محمد عبد القادر عطا ، مؤسسه الكتب الثقافيه بيروت ، الطبعه الأُولى 1414 ه .

.

17 . الأُصول الستّه عشر ، عدّه من الرواه ، دار الشبسترى قم ، الطبعه الثانيه 1405 ه . 18 . أعلام الدين فى صفات المؤمنين ، أبو محمد الحسن بن محمد الديلمى (ت 711 ه) ، تحقيق ونشر : مؤسسه آل البيت عليهم السلام لإحياء التراث قم . 19 . إعلام الورى بأعلام الهدى ، أبو على الفضل بن الحسن الطبرسى (ت 548 ه) ، تحقيق ونشر : مؤسسه آل البيت عليهم السلام لإحياء التراث قم ، الطبعه الأُولى 1417 ه . 20 . الإقبال بالأعمال الحسنه فيما يعمل مرّه فى السنه ، أبو القاسم على بن موسى الحلّى المعروف بابن طاووس (ت 664 ه) ، تحقيق : جواد القيّومى ، مكتب الإعلام الإسلامى قم ، الطبعه الأُولى 1414 ه . 21 . الألقاب ، أبو الوليد عبد اللّه بن محمد الأزدى الأندلسى المعروف بابن الفرضى (ت 403 ه) ، تحقيق : محمد زينهم محمد عزب ، دار الجيل بيروت ، الطبعه الأُولى 1412 ه . 22 . الأمالى للسيّد المرتضى فى التفسير والحديث والأدب ، أبو القاسم على بن الحسين الموسوى المعروف بالسيد المرتضى (ت 426 ه) ، مكتبه آيه اللّه المرعشى النجفى قم . 23 . الأمالى للشجرى (الأمالى الخميسيه) ، يحيى بن الحسين الشجرى (ت 499 ه) ، عالم الكتب بيروت ، الطبعه الثالثه 1403 ه . 24 . الأمالى للصدوق ، أبو جعفر محمد بن على بن الحسين بن بابويه القمّى المعروف بالشيخ الصدوق (ت 381 ه) ، تحقيق ونشر : مؤسسه البعثه قم ، الطبعه الأُولى 1407 ه . 25 . الأمالى للطوسى ، أبو جعفر محمد بن الحسن المعروف بالشيخ الطوسى(ت 460 ه) ، تحقيق : مؤسسه البعثه ، دار الثقافه قم ، الطبعه الأُولى 1414 ه . 26 . الأمالى للمفيد ، أبو عبد اللّه محمد بن النعمان العكبرى البغدادى المعروف بالشيخ المفيد (ت 413 ه) ، تحقيق : حسين أُستاد ولى وعلى أكبر الغفّارى ، مؤسسه النشر الإسلامى قم ، الطبعه الثانيه 1404 ه . 27 . إمدادهاى غيبى (الإمدادات الغيبيه) ، مرتضى مطهّرى (ت1358ش) ، انتشارات صدرا قم ، الطبعه السادسه ، 1372 ش .

.

28 . أنساب الأشراف ، أحمد بن يحيى بن جابر البلاذرى (ت 279 ه) ، تحقيق : سهيل زكّار ورياض زركلى ، دار الفكر بيروت ، الطبعه الاُولى 1417 ه . 29 . إنسان وسرْنوشت (الإنسان والمصير) ، مرتضى مطهّرى (ت 1358ش) ، انتشارات صدرا قم . 30 . الأنوار القدسيه فى بيان آداب العبوديه ، فى هامش الطبقات الكبرى ، أبو المواهب عبد الوهاب بن أحمد الأنصارى (ت ق 10 ه) ، دار الفكر بيروت . 31 . الإيضاح ، أبو محمد فضل بن شاذان الأزدى النيسابورى (ت 260 ه) ، تحقيق : جلال الدين الحسينى الأرموى ، جامعه طهران ، الطبعه الاُولى 1351 ش . 32 . بحار الأنوار الجامعه لدرر أخبار الأئمّه الأطهار عليهم السلام ، محمد باقر بن محمد تقى المجلسى (ت 1110 ه) ، مؤسسه الوفاء بيروت ، الطبعه الثانيه 1403 ه . 33 . البدايه والنهايه ، أبو الفداء إسماعيل بن عمر بن كثير الدمشقى (ت 774 ه) ، تحقيق ونشر : مكتبه المعارف بيروت . 34 . بشاره المصطفى لشيعه المرتضى ، أبو جعفر محمد بن محمد بن على الطبرى (ت 525 ه) ، المطبعه الحيدريه النجف الأشرف ، الطبعه الثانيه 1383 ه . 35 . بصائر الدرجات ، أبو جعفر محمد بن الحسن الصفّار القمّى المعروف بابن فرّوخ (ت 290 ه) ، مكتبه آيه اللّه المرعشى قم ، الطبعه الاُولى 1404 ه . 36 . البلد الأمين والدرع الحصين ، تقى الدين إبراهيم بن زين الدين الكفعمى (ت 905 ه) . 37 . بهجه المجالس وأُنس المجالس ، أبو عمر يوسف بن عبد البر النمرى القرطبى (ت 463 ه) ، تحقيق : محمد مرسى الخولى ، دار الكتب العلميه بيروت ، الطبعه الاُولى 1981م . 38 . البيان والتبيين ، أبو عثمان عمرو بن بحر الكنانى الليثى المعروف بالجاحظ (ت 255 ه) ، تحقيق : عبد السلام محمد هارون ، مكتبه الخانجى القاهره ، الطبعه الخامسه 1405 ه . 39 . تاج العروس من جواهر القاموس ، محمد بن محمد مرتضى الحسينى الزبيدى (ت 1205 ه) ، تحقيق : على شيرى ، دار الفكر بيروت ، الطبعه الاُولى 1414 ه .

.

40 . تاريخ الإسلام ووفيات المشاهير والأعلام ، أبو عبد اللّه محمد بن أحمد الذهبى (ت 748 ه) ، تحقيق : عمر عبد السلام تدمرى ، دار الكتاب العربى بيروت ، الطبعه الأُولى 1409ه . 41 . تاريخ أصبهان ، أبو نعيم أحمد بن عبد اللّه الأصفهانى (ت 430 ه) ، تحقيق : سيد كسروى حسن ، دار الكتب العلميه بيروت . 42 . تاريخ بغداد أو مدينه السلام ، أبو بكر أحمد بن على الخطيب البغدادى (ت 463 ه) ، المكتبه السلفيه المدينه المنوّره . 43 . تاريخ دمشق = تاريخ مدينه دمشق «ترجمه الإمام على عليه السلام» ، أبو القاسم على بن الحسن بن هبه اللّه المعروف بابن عساكر الدمشقى (ت 571 ه) ، تحقيق : على شيرى ، دار الفكر بيروت ، الطبعه الأُولى 1415 ه . 44 . تاريخ الطبرى (تاريخ الأُمم والملوک) ، أبو جعفر محمد بن جرير الطبرى (ت 310 ه) ، تحقيق : محمد أبو الفضل إبراهيم ، دار المعارف مصر . 45 . التاريخ الكبير ، أبو عبد اللّه محمد بن إسماعيل البخارى (ت 256 ه) ، دار الفكر بيروت . 46 . تاريخ اليعقوبى ، أحمد بن أبى يعقوب بن جعفر بن وهب بن واضح المعروف باليعقوبى (ت 284 ه) ، دار صادر بيروت . 47 . تحف العقول عن آل الرسول صلى الله عليه و آله ، أبو محمد الحسن بن على الحرّانى المعروف بابن شعبه (ت 381 ه) ، تحقيق : على أكبر الغفّارى ، مؤسسه النشر الإسلامى قم ، الطبعه الثانيه 1404 ه . 48 . تذكره الخواصّ (تذكره خواصّ الأُمّه فى خصائص الأئمّه عليهم السلام) ، يوسف بن قُرغلى بن عبد اللّه المعروف بسبط ابن الجوزى (ت 654 ه) ، تقديم : محمد صادق بحر العلوم ، مكتبه نينوى الحديثه طهران . 49 . تفسير ابن كثير (تفسير القرآن العظيم) ، أبو الفداء إسماعيل بن عمر بن كثير البصروى الدمشقى (ت 774 ه) ، تحقيق : عبد العزيز غنيم ومحمد أحمد عاشور ومحمد إبراهيم البنّا ، دار الشعب القاهره .

.

تفسير أبى الفتوح الرازى = روض الجنان وروح الجنان . تفسير البرهان = البرهان فى تفسير القرآن . 50 . تفسير التبيان ، أبو جعفر محمد بن الحسن الطوسى (ت 460 ه) مكتبه الأمين النجف الأشرف . تفسير الدرّ المنثور = الدرّ المنثور فى التفسير بالمأثور . تفسير الطبرى = جامع البيان عن تأويل آى القرآن . 51 . تفسير العيّاشى ، أبو النضر محمد بن مسعود السلمى السمرقندى المعروف بالعيّاشى (ت 320 ه) ، تحقيق : هاشم الرسولى المحلاّتى ، المكتبه العلميه طهران ، الطبعه الأُولى 1380 ه . تفسير القرطبى = الجامع لأحكام القرآن . 52 . تفسير القمّى ، أبو الحسن على بن إبراهيم بن هاشم القمّى (ت 307 ه) ، إعداد : طيّب الموسوى الجزائرى ، مطبعه النجف الأشرف . تفسير الكشّاف = الكشّاف . تفسير مجمع البيان = مجمع البيان فيتفسير القرآن . 53 . التفسير المنسوب إلى الإمام العسكرى عليه السلام ، تحقيق ونشر : مدرسه الإمام المهدى (عج) قم ، الطبعه الأُولى 1409 ه . تفسير الميزان = الميزان فى تفسير القرآن . 54 . تفسير نمونه (الأمثل) ، ناصر مكارم شيرازى (معاصر) ، دار الكتب الإسلاميه طهران . 55 . تفسير نور الثقلين ، عبد على بن جمعه العروسى الحويزى (ت 1112 ه) ، تحقيق : هاشم الرسولى المحلاّتى ، مؤسسه إسماعيليان قم ، الطبعه الخامسه 1412 ه . 56 . تقريب المعارف ، أبو الصلاح نجم الدين بن عبيد اللّه الحلبى (ت 447 ه) ، تحقيق : فارس تبريزيان الحسّون ، قم ، 1417 ه .

.

57 . التمحيص ، أبو على محمد بن همام الإسكافى (ت 336 ه) ، تحقيق ونشر : مدرسه الإمام المهدى(عج) قم . 58 . تنبيه الخواطر ونزهه النواظر (مجموعه ورّام) ، أبو الحسين ورّام بن أبى فراس (ت 605 ه) ، دار التعارف ودار صعب بيروت . 59 . تنبيه الغافلين ، أبو الليث نصر بن محمد السمرقندى (ت 372 ه) ، تحقيق : يوسف على بديوى ، دار ابن كثير بيروت ، الطبعه الأُولى 1413 ه . 60 . التنقيح فى شرح العروه الوثقى (تقريرات بحث آيه اللّه العظمى الخوئى) ، على الغروى التبريزى ، دار أنصاريان قم ، الطبعه الثالثه 1410 ه . 61 . تهذيب الأحكام فى شرح المقنعه ، أبو جعفر محمد بن الحسن المعروف بالشيخ الطوسى (ت 460 ه) ، دار التعارف بيروت ، الطبعه الأُولى 1401 ه . 62 . التوحيد ، أبو جعفر محمد بن على بن الحسين بن بابويه القمّى المعروف بالشيخ الصدوق (ت 381 ه) ، تحقيق : هاشم الحسينى الطهرانى ، مؤسسه النشر الإسلامى قم ، الطبعه الأُولى 1398 ه . 63 . توسعه اقتصادى در جهان سوّم (التنميه الاقتصاديه فى العالم الثالث) ، مايكل تودارو ، ترجمه : غلامعلى فرجادى ، وزارت برنامه و بودجه ، مركز مدارک اقتصادى طهران ، الطبعه الرابعه ، 1366ش . 64 . ثواب الأعمال وعقاب الأعمال ، أبو جعفر محمد بن على القمّى المعروف بالصدوق (ت 381 ه) ، تحقيق : على أكبر الغفّارى ، مكتبه الصدوق طهران . 65 . جامع الأحاديث ، أبو محمد جعفر بن أحمد بن على القمّى المعروف بابن الرازى (ق 4) ، تحقيق : محمد الحسينى النيسابورى ، مؤسسه الطبع والنشر التابعه للحضره الرضويه المقدّسه مشهد ، الطبعه الأُولى 1413 ه . 66 . جامع الأخبار أو معارج اليقين فى أُصول الدين ، محمد بن محمد الشعيرى السبزوارى (ق 7) ، تحقيق ونشر : مؤسسه آل البيت عليهم السلام لإحياء التراث قم ، الطبعه الأُولى 1414 ه .

.

67 . جامع بيان العلم وفضله ، أبو عمر يوسف بن عبد البر النمرى القرطبى (ت 463 ه) ، تحقيق : إداره الطباعه المنيريه ، دار الكتب العلميه بيروت . 68 . جامع البيان عن تأويل آى القرآن (تفسير الطبرى) ، أبو جعفر محمد بن جرير الطبرى (ت 310 ه) ، دار الفكر بيروت ، الطبعه الأُولى 1408 ه . 69 . الجامع لأحكام القرآن (تفسير القرطبى) ، أبو عبد اللّه محمد بن أحمد الأنصارى القرطبى (ت 671 ه) ، تحقيق : محمد عبد الرحمن المرعشلى ، دار إحياء التراث العربى بيروت ، الطبعه الثانيه 1405 ه . 70 . الجعفريّات (الأشعثيّات) ، أبو الحسن محمد بن محمد بن الأشعث الكوفى (ق 4) ، مكتبه نينوى طهران ، طُبع ضمن قرب الإسناد . 71 . جمال الأُسبوع بكمال العمل المشروع ، أبو القاسم على بن موسى الحلّى المعروف بابن طاووس (ت 664 ه) ، تحقيق : جواد القيّومى ، مؤسسه الآفاق قم ، الطبعه الأُولى 1371 ش . 72 . حليه الأولياء وطبقات الأصفياء ، أبو نعيم أحمد بن عبد اللّه الأصبهانى (ت 430 ه) ، دار الكتاب العربى بيروت ، الطبعه الثانيه 1387 ه . 73 . حياه الحيوان الكبرى ، كمال الدين محمد بن موسى الدميرى (ت 808 ه) ، دار إحياء التراث العربى بيروت . 74 . الخرائج والجرائح ، أبو الحسين سعيد بن عبد اللّه الراوندى المعروف بقطب الدين الراوندى (ت 573 ه) ، تحقيق ونشر : مؤسسه الإمام المهدى(عج) قم ، الطبعه الأُولى 1409 ه . 75 . خصائص الأئمّه عليهم السلام (خصائص أمير المؤمنين عليه السلام) ، أبو الحسن الشريف الرضى محمد بن الحسين بن موسى الموسوى (ت 406 ه) ، تحقيق : محمد هادى الأمينى ، مجمع البحوث الإسلاميه التابع للحضره الرضويه المقدّسه مشهد ، 1406 ه . 76 . خصائص أمير المؤمنين عليه السلام ، أبو عبد الرحمن أحمد بن شعيب النسائى (ت 303 ه) ، إعداد : محمد باقر المحمودى ، الطبعه الأُولى 1403 ه .

.

77 . الخصال ، أبو جعفر محمد بن على بن الحسين بن بابويه القمّى المعروف بالشيخ الصدوق (ت 381 ه) ، مؤسسه النشر الإسلامى قم ، الطبعه الرابعه 1414 ه . 78 . دراسات فى ولايه الفقيه وفقه الدوله الإسلاميه ، حسينعلى المنتظرى ، المركز العالمى للدراسات الإسلاميه قم ، الطبعه الثانيه . 79 . الدرّه الباهره من الأصداف الطاهره ، محمد ابن الشيخ جمال الدين مكى بن محمد بن حامد بن أحمد العاملى النبطى الجزّينى الملقب بالشهيد الأول ، مؤسسه طبع ونشر الآستانه الرضويه المقدّسه مشهد ، 1365 ش . 80 . الدرجات الرفيعه فى طبقات الشيعه ، صدر الدين على بن أحمد المدنى الشيرازى المعروف بسيّد عليخان (ت 1120 ه) ، مكتبه بصيرتى قم ، الطبعه الثانيه 1397 ه . 81 . الدرّ المنثور فى التفسير المأثور ، جلال الدين عبد الرحمن بن أبى بكر السيوطى (ت 911 ه) ، دار الفكر بيروت ، الطبعه الأُولى 1414 ه . 82 . الدروس الشرعيّه فى فقه الإماميّه ، شمس الدين محمد بن مكى العاملى المعروف بالشهيد الأوّل (ت 786 ه) ، تحقيق ونشر : مؤسسه النشر الإسلامى قم . 83 . دستور معالم الحكم ومأثور مكارم الشيم ، أبو عبد اللّه بن محمد بن سلامه القضاعى (ت 454 ه) ، دار الكتاب العربى بيروت ، الطبعه الأُولى 1401 ه . 84 . دعائم الإسلام وذكر الحلال والحرام والقضايا والأحكام ، أبو حنيفه النعمان بن محمد بن منصور بن أحمد بن حيّون التميمى المغربى (ت 363 ه) ، تحقيق : آصف بن على أصغر فيضى ، دار المعارف مصر ، الطبعه الثالثه 1389 ه . 85 . الدعوات ، أبو الحسين سعيد بن عبد اللّه الراوندى المعروف بقطب الدين الراوندى (ت 573 ه) ، تحقيق ونشر : مؤسسه الإمام المهدى (عج) قم ، الطبعه الأُولى 1407 ه . 86 . دلائل النبوّه ، أبو نعيم أحمد بن عبد اللّه بن أحمد الأصبهانى (ت 430 ه) تحقيق : محمد روّاس قلعجى وعبد البر عباس ، دار النفائس بيروت ، الطبعه الثانيه 1406 ه . 87 . الديوان المنسوب إلى الإمام على عليه السلام ، أبو الحسن محمد بن الحسين الكيدرى (ت ق 6 ه) ، ترجمه : أبو القاسم إمامى ، انتشارات اُسوه طهران .

.

88 . ذخائر العقبى فى مناقب ذوى القربى ، أبو العباس أحمد بن عبد اللّه الطبرى (ت 693 ه) ، تحقيق : أكرم البوشى ، مكتبه الصحابه جدّه ، الطبعه الأُولى 1415 ه . 89 . ربيع الأبرار ونصوص الأخبار ، أبو القاسم محمود بن عمر الزمخشرى (ت 538 ه) ، تحقيق : سليم النعيمى ، منشورات الرضى قم ، الطبعه الأُولى 1410 ه . رجال الكشّى = اختيار معرفه الرجال . 90 . الرساله القشيريه فى علم التصوّف ، أبو القاسم عبد الكريم بن هوازن القشيرى (ت 465 ه) ، تحقيق : معروف زريق وعلى عبد الحميد بلطه جى ، دار الخير دمشق . 91 . رشد وتوسعه (النموّ والتنميه) ، تيول وال ، ترجمه : منوچهر فرهنگ وفرشيد مجاور حسينى . 92 . روض الجنان وروح الجنان (تفسير أبى الفتوح الرازى) ، أبو الفتوح حسين بن على الرازى (قرن 6 ه) ، آستانه مقدسه رضويه مشهد ، الطبعه الأُولى 1371 ش . 93 . روضه الواعظين ، محمد بن الحسن بن على الفتّال النيسابورى (ت 508 ه) ، تحقيق : حسين الأعلمى ، مؤسسه الأعلمى بيروت ، الطبعه الأُولى 1406 ه . 94 . الرياض النضره فى مناقب العشره ، أبو العباس أحمد بن عبد اللّه الطبرى (ت 694 ه) ، دار الكتب العلميه بيروت . 95 . الزهد لابن حنبل ، أبو عبد اللّه أحمد بن محمد بن حنبل الشيبانى (ت 241 ه) ، دار الكتب العلميه بيروت . 96 . الزهد لابن المبارک ، أبو عبد الرحمن بن عبد اللّه بن المبارک الحنظلى المروزى (ت 181 ه) ، تحقيق : حبيب الرحمن الأعظمى ، دار الكتب العلميه بيروت . 97 . الزهد للحسين بن سعيد ، الحسين بن سعيد الكوفى الأهوازى (ق 3 ه) ، المطبعه العلميه قم ، 1399 ه . 98 . الزهد لهنّاد ، هنّاد بن السرى الكوفى (ت 243 ه) ، تحقيق : عبد الرحمن الفريوائى ، دار الخلفاء الكويت ، الطبعه الأُولى 1406ه .

.

99 . السرائر الحاوى لتحرير الفتاوى ، أبو جعفر محمد بن منصور بن أحمد بن إدريس الحلّى (ت 598 ه) ، تحقيق ونشر : مؤسسه النشر الإسلامى قم ، الطبعه الثانيه 1410 ه . 100 . سرمايه گذارى در نيروى إنسانى وتوسعه اقتصادى (التوظيف فى مجال القوّه الإنسانيه والتنميه الاقتصاديه) ، ترجمه وتأليف : محمود متوسّلى ، مؤسسه تحقيقات پولى و بانكى طهران ، 1371ش . 101 . السنّه ، أبو بكر أحمد بن عمرو بن أبى عاصم الشيبانى (ت 278 ه) ، المكتب الإسلامى بيروت ، الطبعه الثالثه 1413 ه . 102 . سنّت هاى تاريخ در قرآن كريم (السنن التاريخيّه فى القرآن الكريم) ، محمد باقر الصدر (ت1979م) ، ترجمه : جمال موسوى . 103 . سنن ابن ماجه ، أبو عبد اللّه محمد بن يزيد بن ماجه القزوينى (ت 275 ه) ، تحقيق : محمد فؤاد عبد الباقى ، دار إحياء التراث بيروت ، الطبعه الأُولى 1395 ه . 104 . سنن أبى داود ، أبو داود سليمان بن أشعث السجستانى الأزدى (ت 275 ه) ، تحقيق : محمد محيى الدين عبد الحميد ، دار إحياء السنّه النبويه بيروت . 105 . سنن الترمذى (الجامع الصحيح) ، أبو عيسى محمد بن عيسى بن سوره الترمذى (ت 297 ه) ، تحقيق : أحمد محمد شاكر ، دار إحياء التراث بيروت . 106 . سنن الدارقطنى ، أبو الحسن على بن عمر البغدادى المعروف بالدارقطنى (ت 285 ه) ، تحقيق : أبى الطيّب محمد آبادى ، عالم الكتب بيروت ، الطبعه الرابعه 1406 ه . 107 . سنن الدارمى ، أبو محمد عبد اللّه بن عبد الرحمن الدارمى (ت 255 ه) ، تحقيق : مصطفى ديب البغا ، دار القلم بيروت ، الطبعه الأُولى 1412 ه . 108 . السنن الكبرى ، أبو بكر أحمد بن الحسين بن على البيهقى (ت 458 ه) ، تحقيق : محمد عبد القادر عطا ، دار الكتب العلميه بيروت ، الطبعه الأُولى 1414 ه . 109 . السنن الكبرى ، أبو عبد الرحمن أحمد بن شعيب النسائى ، تحقيق : عبد الغفار سليمان البندارى ، دار الكتب العلميه بيروت ، الطبعه الأُولى 1411 ه .

.

110 . سنن النسائى (بشرح الحافظ جلال الدين السيوطى وحاشيه الإمام السندى) ، أبو عبد الرحمن أحمد بن شعيب النسائى (ت 303 ه) ، دار الجيل بيروت ، الطبعه الأُولى 1407 ه . 111 . السوق فى ظلّ الدوله الإسلاميّه ، جعفر مرتضى العاملى (معاصر) ، الدار الإسلاميه بيروت ، الطبعه الأُولى 1408ه . 112 . سير أنديشه اقتصادى (مسار الفكر الاقتصادى) ، باقر قديرى أصل ، انتشارات دانشگاه تهران طهران ، الطبعه الثامنه 1368ش . 113 . السيره النبويّه ، أبو الفداء إسماعيل بن عمر بن كثير البصروى الدمشقى (ت 747 ه) ، تحقيق : مصطفى عبد الواحد ، دار إحياء التراث العربى بيروت . 114 . السيره النبويّه ، أبو محمد عبد الملک بن هشام بن أيّوب الحميرى (ت 218 ه) ، تحقيق : مصطفى السقّا وإبراهيم اأبوارى ، مكتبه المصطفى قم ، الطبعه الأُولى 1355 ه . 115 . شرائع الإسلام فى مسائل الحلال والحرام ، أبو القاسم جعفر بن الحسن الحلّى (ت 676 ه) ، تحقيق : عبد الحسين محمد على البقّال ، مؤسسه المعارف الإسلاميه قم ، الطبعه الأُولى 1415 ه . 116 . شرح الأخبار فى فضائل الأئمّه الأطهار ، أبو حنيفه القاضى النعمان بن محمد المصرى (ت 363 ه) ، تحقيق : محمد الحسينى الجلالى ، مؤسسه النشر الإسلامى قم ، الطبعه الأُولى 1412 ه . 117 . شرح نهج البلاغه ، عزّ الدين عبد الحميد بن محمد بن أبى الحديد المعتزلى المعروف بابن أبى الحديد (ت 656 ه) ، تحقيق : محمد أبو الفضل إبراهيم ، دار إحياء التراث بيروت ، الطبعه الثانيه 1387 ه . 118 . شُعب الإيمان ، أبو بكر أحمد بن الحسين البيهقى (ت 458 ه) ، تحقيق : محمد السعيد بسيونى زغلول ، دار الكتب العلميه بيروت ، الطبعه الأُولى 1410 ه .

.

119 . الشكر ، أبو بكر عبد اللّه بن محمد بن أبى الدنيا القرشى (ت 281 ه) ، تحقيق : طارق الطنطاوى ، مكتبه القرآن القاهره . 120 . الصحاح تاج اللغه وصحاح العربيّه ، أبو نصر إسماعيل بن حمّاد الجوهرى (ت 398 ه)، تحقيق : أحمد بن عبد الغفور عطّار ، دار العلم للملايين بيروت ، الطبعه الرابعه 1410 ه . 121 . صحيح ابن حبّان بترتيب ابن بلبان ، علاء الدين على بن بلبان الفارسى (ت 739 ه) ، تحقيق : شعيب الأرناؤوط ، مؤسسه الرساله بيروت ، الطبعه الثانيه 1414 ه . 122 . صحيح البخارى ، أبو عبد اللّه محمد بن إسماعيل البخارى (ت 256 ه) ، تحقيق : مصطفى ديب البغا ، دار ابن كثير بيروت ، الطبعه الرابعه 1410 ه . 123 . صحيح مسلم ، أبو الحسين مسلم بن الحجّاج القشيرى النيسابورى (ت 261 ه) ، تحقيق : محمد فؤاد عبد الباقى ، دار الحديث القاهره ، الطبعه الأُولى 1412 ه . 124 . صحيفه الإمام الرضا عليه السلام ، المنسوبه إلى الإمام الرضا عليه السلام ، تحقيق ونشر : مؤسسه الإمام المهدى (عج) قم ، الطبعه الأُولى 1408 ه . 125 . الصحيفه السجّاديّه ، المنسوبه إلى الإمام على بن الحسين عليهماالسلام ، تصحيح : على أنصاريان ، المستشاريه الثقافيه للجمهوريه الإسلاميه الإيرانيه دمشق ، 1405 ه . 126 . الصواعق المحرقه فى الردّ على أهل البدع والزندقه ، أحمد بن حجر الهيثمى الكوفى (ت 974 ه) ، إعداد : عبد الوهّاب عبد اللطيف ، مكتبه القاهره مصر ، الطبعه الثانيه 1385 ه . 127 . الطبقات الكبرى ، محمد بن سعد كاتب الواقدى (ت 230 ه) ، دار صادر بيروت . 128 . طبّ النبىّ صلى الله عليه و آله ، أبو على محمود بن محمد الجغمينى (ت 618 ه) ، الطبعه الحجريه ، 1318ه . 129 . الطرائف فى معرفه مذاهب الطوائف ، أبو القاسم على بن موسى الحلّى المعروف بابن طاووس (ت 664 ه) ، مطبعه الخيّام قم ، الطبعه الأُولى 1400 ه . 130 . عدّه الداعى ونجاح الساعى ، أبو العباس أحمد بن محمد بن فهد الحلّى الأسدى (ت 841 ه) ، تحقيق : أحمد الموحّدى ، مكتبه وجدانى طهران .

.

131 . العدد القويّه لدفع المخاوف اليوميّه ، جمال الدين أبو منصور الحسن بن يوسف بن على المطهّر الحلّى المعروف بالعلاّمه (ت 726 ه) ، تحقيق : مهدى الرجائى ، مكتبه آيه اللّه المرعشى قم ، الطبعه الأُولى 1408 ه . 132 . عقد الدرر فى أخبار المنتظر ، أبو عبد اللّه يوسف بن يحيى المقدسى (ت ق 7 ه) ، تحقيق : لجنه من العلماء ، دار الكتب العلميه بيروت ، الطبعه الأُولى 1403ه . 133 . العقل والجهل فى الكتاب والسنّه ، محمد الريشهرى (معاصر) ، تحقيق : دار الحديث للطباعه والنشر والتوزيع بيروت ، 1421ه . 134 . علل الشرائع ، أبو جعفر محمد بن على بن الحسين بن بابويه القمّى المعروف بالشيخ الصدوق (ت 381 ه) ، دار إحياء التراث بيروت ، الطبعه الأُولى 1408 ه . 135 . علل الحديث ، أبو محمد عبد الرحمن بن أبى حاتم الرازى (ت 327 ه) ، دار المعرفه بيروت ، الطبعه الأُولى 1405ه . 136 . العلم والحكمه فى الكتاب والسنّه ؛ محمد الريشهرى (معاصر) ، تحقيق ونشر : دار الحديث قم ، الطبعه الأُولى 1376 ش . 137 . عوالى اللآلى العزيزيه فى الأحاديث الدينيه ، محمد بن على بن إبراهيم الأحسائى المعروف بابن أبى جمهور (ت 940 ه) ، تحقيق : مجتبى العراقى ، مطبعه سيد الشهداء عليه السلام قم ، الطبعه الأُولى 1403 ه . 138 . عيون الأخبار ، أبو محمد عبد اللّه بن مسلم بن قتيبه الدينورى (ت 276 ه) ، دار الكتب المصريه القاهره ، 1343 ه . 139 . عيون أخبار الرضا عليه السلام ، أبو جعفر محمد بن على بن الحسين بن بابويه القمّى المعروف بالشيخ الصدوق (ت 381 ه) ، تحقيق : مهدى الحسينى اللاجوردى ، منشورات جهان طهران . 140 . الغارات ، أبو إسحاق إبراهيم بن محمد بن سعيد المعروف بابن هلال الثقفى (ت 283 ه) ، تحقيق : جلال الدين المحدّث الأُرموى ، منشورات أنجمن آثار ملّى طهران ، الطبعه الأُولى 1395 ه .

.

141 . غرر الحكم ودرر الكلم ، عبد الواحد الآمدى التميمى (ت 550 ه) ، تحقيق : جلال الدين المحدّث الأُرموى ، جامعه طهران ، الطبعه الثالثه 1360 ش . 142 . الغيبه ، أبو جعفر محمد بن الحسن بن على بن الحسن الطوسى (ت 460 ه) ، تحقيق : عباد اللّه الطهرانى وعلى أحمد ناصح ، مؤسسه المعارف الإسلاميه قم ، الطبعه الأُولى 1411 ه . 143 . الغيبه ، أبو عبد اللّه محمد بن إبراهيم بن جعفر الكاتب النعمانى (ت 350 ه) ، تحقيق : على أكبر الغفّارى ، مكتبه الصدوق طهران . 144 . الفائق فى غريب الحديث ، أبو القاسم محمود بن عمر الزمخشرى (ت 583 ه) ، تحقيق : على محمد البجاوى ، دار الفكر بيروت ، 1414 ه . 145 . فتح الأبواب ، أبو القاسم على بن موسى الحلّى المعروف بابن طاووس (ت 664 ه) ، تحقيق : حامد الخفّاف ، مؤسسه آل البيت عليهم السلام لإحياء التراث قم ، الطبعه الأُولى 1409 ه . 146 . الفتن ، أبو عبد اللّه نعيم بن حمّاد المروزى (ق 3 ه) ، تحقيق : سمير بن أمين زهيرى ، مكتبه التوحيد القاهره ، الطبعه الأُولى 1412 ه . 147 . الفردوس بمأثور الخطاب ، أبو شجاع شيرويه بن شهردار الديلمى الهمدانى (ت 509 ه) ، تحقيق : السعيد بن بسيونى زغلول ، دار الكتب العلميه بيروت ، الطبعه الأُولى 1406 ه . 148 . فضائل الصحابه ، أبو عبد اللّه أحمد بن محمد بن حنبل (ت 241 ه) ، تحقيق : وصى اللّه بن محمد عباس ، جامعه أُم القرى مكه ، الطبعه الأُولى 1403 ه . 149 . فقه القرآن ، قطب الدين أبو الحسين سعيد بن عبد اللّه الراوندى (ت 573 ه) ، تحقيق : أحمد الحسينى ، مكتبه آيه اللّه المرعشى النجفى قم ، الطبعه الأُولى 1397 ه . 150 . الفقه المنسوب للإمام الرضا عليه السلام ، تحقيق ونشر : مؤسسه آل البيت عليهم السلام لإحياء التراث ، المؤتمر العالمى للإمام الرضا عليه السلام مشهد . 151 . الفقيه والمتفقّه ، أبو بكر أحمد بن على الخطيب البغدادى (ت 463 ه) ، تحقيق : الأنصارى ، دار الكتب العلميه بيروت .

.

152 . فلاح السائل ، أبو القاسم على بن موسى الحلّى المعروف بابن طاووس (ت 664 ه) ، تحقيق : غلامْحسين مجيدى ، مكتب الإعلام الإسلامى قم ، الطبعه الأُولى 1419 ه . 153 . فيض القدير ، زين الدين محمد عبد الرؤوف المناوى (ق 10 ه) ، دار الفكر بيروت . 154 . القاموس المحيط ، أبو طاهر مجد الدين محمد بن يعقوب الفيروزآبادي (ت 817 ه) ، دار الفكر بيروت . 155 . قرب الإسناد ، أبو العباس عبد اللّه بن جعفر الحِمْيرى القمّى (ت بعد 304 ه) ، تحقيق ونشر : مؤسسه آل البيت عليهم السلام لإحياء التراث قم ، الطبعه الأُولى 1413 ه . 156 . قصص الأنبياء ، أبو الحسين سعيد بن عبد اللّه المعروف بقطب الدين الراوندى (ت 573 ه) ، تحقيق : غلامْرضا عرفانيان اليزدى ، مجمع البحوث الإسلاميه التابع لمؤسسه الآستانه الرضويه مشهد ، الطبعه الأُولى 1409 ه . 157 . قضاء الحوائج ، أبو بكر عبد اللّه بن محمد بن أبى الدنيا القرشى (ت 281 ه) ، تحقيق : محمد عبد القادر أحمد عطا ، مؤسسه الكتب الثقافيه بيروت ، الطبعه الأُولى 1413ه . 158 . القواعد فى الفقه الإسلامى ، أبو الفرج عبد الرحمن بن أحمد بن رجب الحنبلى (ت 795 ه) ، تحقيق : طه عبد الرؤوف سعد ، مكتبه الكلّيات الأزهريه القاهره ، الطبعه الأُولى 1392ه . 159 . الكافى ، أبو جعفر ثقه الإسلام محمد بن يعقوب بن إسحاق الكلينى الرازى(ت 329 ه) ، تحقيق : على أكبر الغفّارى ، دار صعب ودار التعارف بيروت ، الطبعه الرابعه 1401 ه . 160 . كامل الزيارات ، أبو القاسم جعفر بن محمد بن قولويه (ت 367 ه) ، تحقيق : جواد القيّومى ، نشر الفقاهه قم ، الطبعه الأُولى 1417 ه . 161 . الكامل فى التاريخ ، أبو الحسن على بن محمد الشيبانى الموصلى المعروف بابن الأثير (ت 630 ه) ، تحقيق : على شيرى ، دار إحياء التراث العربى بيروت ، الطبعه الأُولى 1408 ه . 162 . كتاب البيع ، روح اللّه الموسوى الخمينى قدس سره ، مؤسسه تنظيم ونشر آثار الإمام الخمينى قم .

.

163 . الكشّاف ، أبو القاسم جار اللّه محمود بن عمر الزمخشرى (ت 538 ه) ، دار المعرفه بيروت . 164 . كشف الخفاء ومزيل الإلباس عن الأحاديث على ألسنه الناس ، إسماعيل بن محمد العجلونى الجراحى (ت 1162 ه) ، دار الكتب العلميه بيروت . 165 . كشف الريبه عن أحكام الغيبه ، زين الدين العاملى (الشهيد الثانى)، المكتبه المرتضويه طهران . 166 . كشف الغمّه فى معرفه الأئمّه ، على بن عيسى الإربلى (ت 687 ه) ، تصحيح : هاشم الرسولى المحلاّتى ، دار الكتاب الإسلامى بيروت ، الطبعه الأُولى 1401 ه . 167 . كشف المحجّه لثمره المُهْجه ، أبو القاسم على بن موسى بن طاووس الحلّى (ت 664 ه) ، تحقيق : محمد الحسّون ، مكتب الإعلام الإسلامى قم ، الطبعه الأُولى 1412 ه . 168 . كشف اليقين فى فضائل أمير المؤمنين عليه السلام ، جمال الدين أبو منصور الحسن بن يوسف بن على ابن المطهّر الحلّى المعروف بالعلاّمه (ت 726 ه) ، تحقيق : على آل كوثر ، مجمع إحياء الثقافه الإسلاميه قم ، الطبعه الأُولى 1411 ه . 169 . كفايه الأثر فى النصّ على الأئمّه الاثنى عشر ، أبو القاسم على بن محمد بن على الخزّاز القمّى (ق 4) ، تحقيق : عبد اللطيف الحسينى الكوهْكمرى ، انتشارات بيدار قم ، 1401 ه . 170 . كمال الدين وتمام النعمه ، أبو جعفر محمد بن على بن الحسين بن بابويه القمّى المعروف بالشيخ الصدوق (ت 381 ه) ، تحقيق : على أكبر الغفّارى ، مؤسسه النشر الإسلامى قم ، الطبعه الأُولى 1405 ه . 171 . كنز العمّال فى سنن الأقوال والأفعال ، علاء الدين على المتّقى بن حسام الدين الهندى (ت 975 ه) ، تصحيح : صفوه السقّا ، مكتبه التراث الإسلامى بيروت ، الطبعه الأُولى 1397 ه . 172 . كنز الفوائد ، أبو الفتح محمد بن على بن عثمان الكراجكى الطرابلسى (ت 449 ه) ، إعداد : عبد اللّه نعمه ، دار الذخائر قم ، الطبعه الأُولى 1410 ه .

.

173 . گفتارهای معنوی (أحادیث معنویه) ، مرتضی مطهّری (ت 1358ش) ، انتشارات صدرا قم ، الطبعه الثالثه عشره 1372 ش . 174 . لبّ اللباب فی تحریر الأنساب ، جلال الدین عبد الرحمن بن أبی بکر السیوطی (ت911 ه) ، دار صادر بیروت . 175 . لسان العرب ، أبو الفضل جمال الدین محمد بن مکرم بن منظور المصری (ت 711 ه) ، دار صادر بیروت ، الطبعه الأُولی 1410 ه . 176 . اللمعه ، محمد بن جمال الدین مکی العاملی (ت 786 ه) ، دار الفکر قم . الطبعه الأُولی 1411 ه . 177 . مائه کلمه ، أبو عثمان عمرو بن بحر الکنانی المعروف بالجاحظ (ت 255 ه) ، تحقیق : ریاض مصطفی العبد اللّه ، دار الحکمه دمشق ، الطبعه الأُولی 1416 ه . 178 . المبسوط فی فقه الإمامیّه ، أبو جعفر محمد بن الحسن المعروف بالشیخ الطوسی (ت 460 ه) ، تحقیق : محمد علی الکشفی ، المکتبه المرتضویه طهران ، الطبعه الثالثه 1387 ه . 179 . مجمع البحرین ، فخر الدین الطریحی (ت 1085 ه) ، تحقیق : السید أحمد الحسینی ، مکتبه نشر الثقافه الإسلامیه طهران ، الطبعه الثانیه 1408 ه . 180 . مجمع البیان فی تفسیر القرآن (تفسیر مجمع البیان) ، أبو علی الفضل بن الحسن الطبرسی (ت 548 ه) تحقیق : هاشم الرسولی المحلاّتی وفضل اللّه الیزدی الطباطبائی ، دار المعرفه بیروت ، الطبعه الثانیه 1408 ه . 181 . مجمع الزوائد ومنبع الفوائد ، نور الدین علی بن أبی بکر الهیثمی (ت 807 ه) ، تحقیق : عبد اللّه محمد درویش ، دار الفکر بیروت ، الطبعه الأُولی 1412 ه . 182 . المحاسن ، أبو جعفر أحمد بن محمد بن خالد البرقی (ت 280 ه) ، تحقیق : مهدی الرجائی ، المجمع العالمی لأهل البیت علیهم السلام قم ، الطبعه الأُولی 1413 ه .

.

183 . المحجّه البيضاء فى تهذيب الأحياء ، محسن الفيض الكاشانى (ت 1091 ه) ، مع حاشيه : على أكبر الغفّارى ، جماعه المدرسين فى الحوزه العلميه قم ، 1383 ه . 184 . المحيط فى اللغه ، أبو القاسم إسماعيل بن عبّاد الطالقانى (ت 385 ه) ، تحقيق : محمد حسن آل ياسين ، عالم الكتب بيروت . 185 . مختصر بصائر الدرجات ، الحسن بن سليمان الحلّى (ق 9) ، انتشارات الرسول المصطفى قم . 186 . المختصر فى أخبار البشر (تاريخ أبى الفداء) ، أبو الفداء عماد الدين إسماعيل (ت 732 ه) ، مكتبه المتنبى القاهره . 187 . مختلف الشيعه ، أبو منصور الحسن بن يوسف بن المطهّر الحلّى (ت 726 ه) ، تحقيق ونشر : مؤسسه النشر الإسلامى التابعه لجماعه المدرسين قم . 188 . مرآه العقول فى شرح أخبار آل الرسول ، محمد باقر بن محمد تقى المجلسى (ت 1111 ه) ، تحقيق : هاشم الرسولى المحلاّتى ، دار الكتب الإسلاميه طهران ، الطبعه الثالثه 1370 ش . 189 . مروج الذهب ومعادن الجوهر ، أبو الحسن على بن الحسين المسعودى (ت 346 ه) ، تحقيق : محمد محيى الدين عبد الحميد ، مطبعه السعاده مصر ، الطبعه الرابعه 1384 ه . 190 . مسائل على بن جعفر ، أبو الحسن على بن جعفر الحسينى (ت 220 ه) ، تحقيق ونشر : مؤسسه آل البيت عليهم السلام لإحياء التراث قم . 191 . مساوئ الأخلاق ، أبو بكر محمد بن جعفر الخرائطى (ت 327 ه) ، تحقيق : مصطفى عبد القادر عطا ، مؤسسه الكتب الثقافيه بيروت ، الطبعه الأُولى 1413ه . 192 . المستدرک على الصحيحين ، أبو عبد اللّه محمد بن عبد اللّه الحاكم النيسابورى (ت 405 ه) ، تحقيق : مصطفى عبد القادر عطا ، دار الكتب العلميه بيروت ، الطبعه الأُولى 1411 ه . 193 . مستدرک الوسائل ومستنبط المسائل ، حسين النورى الطبرسى (ت 1320 ه) ، مؤسسه آل البيت عليهم السلام لإحياء التراث قم ، الطبعه الأُولى 1407 ه . 194 . المسترشد فى إمامه أمير المؤمنين على بن أبى طالب عليه السلام ، أبو جعفر محمد بن جرير الطبرى

.

(ت 310 ه) ، تحقيق : أحمد المحمودى ، مؤسسه الثقافه الإسلاميه لكوشانبور طهران ، الطبعه الأُولى 1415 ه . 195 . مستطرفات السرائر (النوادر) ، أبو جعفر محمد بن منصور بن إدريس الحلّى (ت 598 ه) ، تحقيق ونشر : مؤسسه الإمام المهدى (عج) قم . 196 . مسند أبى داود الطيالسى ، سليمان بن داود بن الجارود البصرى المعروف بأبى داود الطيالسى (ت 204 ه) ، دار المعرفه بيروت . 197 . مسند أبى يعلى الموصلى ، أبو يعلى أحمد بن على بن المثنّى التميمى الموصلى (ت 307 ه) ، تحقيق : إرشاد الحقّ الأثرى ، دار القبله جدّه ، الطبعه الأُولى 1408 ه . 198 . مسند إسحاق بن راهويه ، أبو يعقوب إسحاق بن راهويه المروزى (ت 238 ه) ، تحقيق : عبد الغفور عبد الحق حسين البلوشى ، مكتبه الإيمان المدينه المنوّره ، الطبعه الأُولى 1412ه . 199 . مسند الإمام زيد (مسند زيد) ، المنسوب إلى زيد بن على بن الحسين عليهماالسلام(ت 122 ه) ، منشورات دار مكتبه الحياه بيروت ، الطبعه الأُولى 1966 م . 200 . مسند البزّار (البحر الزخّار) ، أبو بكر أحمد بن عمرو العتكى البزّار (ت 292 ه) ، تحقيق : محفوظ الرحمن زين اللّه ، مؤسسه علوم القرآن بيروت ، الطبعه الأُولى 1409 ه . 201 . مسند الحميدى ، أبو بكر عبد اللّه بن الزبير الحميدى (ت 219 ه) ، تحقيق : حبيب الرحمن الأعظمى ، المكتبه السلفيه المدينه المنوّره . 202 . مسند الرؤياني ، أبو بكر محمد بن هارون الرؤيانى (ت 307 ه) ، تحقيق : أيمن على أبو يمانى ، مؤسسه قرطبه مصر ، الطبعه الأُولى 1416 ه . 203 . مسند الشاميّين ، أبو القاسم سليمان بن أحمد الطبرانى (ت 360 ه) ، تحقيق : حمدى عبد المجيد السلفى ، مؤسسه الرساله بيروت . 204 . مسند الشهاب ، محمد بن سلامه القضاعى (ت 454 ه) ، مؤسسه الرساله بيروت .

.

205 . المسند لأحمد بن حنبل ، أحمد بن محمد بن حنبل الشيبانى (ت 241 ه) ، تحقيق : عبد اللّه محمد الدرويش ، دار الفكر بيروت ، الطبعه الثانيه 1414 ه . 206 . مشكاه الأنوار فى غرر الأخبار ، أبو الفضل على الطبرسى (ق 7) ، تحقيق : مهدى هوشْمند ، دار الحديث قم ، الطبعه الأُولى 1418 ه . 207 . مشكاه المصابيح ، أبو عبد اللّه محمد بن عبد اللّه بن الخطيب التبريزى (ت 776 ه) ، تحقيق : محمد ناصر الدين الألبانى ، المكتب الإسلامى دمشق . 208 . مصباح الشريعه ومفتاح الحقيقه ، المنسوب إلى الإمام الصادق عليه السلام ، شرح : عبد الرزّاق الگيلانى ، نشر صدوق طهران ، الطبعه الثالثه 1407 ش . 209 . مصباح الفقاهه (تقريرات بحث آيه اللّه العظمى الخوئى) ، محمد على التوحيدى التبريزى ، دار الهادى الكويت ، الطبعه الأُولى 1412ه . 210 . المصباح فى الأدعيه والصلوات والزيارات ، تقى الدين إبراهيم بن على بن الحسن العاملى الكفعمى (ت 900 ه) ، منشورات الشريف الرضى قم . 211 . مصباح المتهجّد ، أبو جعفر محمد بن الحسن بن على بن الحسن الطوسى (ت 460 ه) ، تحقيق : على أصغر مروارید ، مؤسسه فقه الشيعه بيروت ، الطبعه الأُولى 1411 ه . 212 . المصباح المنير فى غريب الشرح الكبير للرافعى ، أبو العباس أحمد بن محمد بن على الفيّومى (ت 770 ه) ، مؤسسه دار الهجره قم ، الطبعه الثانيه 1414 ه . 213 . المصنّف ، أبو بكر عبد الرزّاق بن همّام الصنعانى (ت 211 ه) ، تحقيق : حبيب الرحمن الأعظمى ، منشورات المجلس العلمى بيروت . 214 . المصنّف فى الأحاديث والآثار ، أبو بكر عبد اللّه بن محمد بن أبى شيبه العبسى الكوفى (ت 235 ه) ، تحقيق : سعيد محمد اللحّام ، دار الفكر بيروت . 215 . مطالب السؤول فى مناقب آل الرسول ، كمال الدين محمد بن طلحه الشافعى (ت 654 ه) ، مخطوط فى مكتبه آيه اللّه المرعشى قم .

.

216 . معانى الأخبار ، أبو جعفر محمد بن على بن الحسين بن بابويه القمّى المعروف بالشيخ الصدوق (ت 381 ه) ، تحقيق : على أكبر الغفّارى ، مؤسسه النشر الإسلامى قم ، الطبعه الأُولى 1361 ش . 217 . المعجم الأوسط ، أبو القاسم سليمان بن أحمد اللخمى الطبرانى (ت 360 ه) ، تحقيق : طارق ابن عوض اللّه وعبد الحسن بن إبراهيم الحسينى ، دار الحرمين القاهره ، الطبعه الأُولى 1415 ه . 218 . معجم البلدان ، أبو عبد اللّه شهاب الدين ياقوت بن عبد اللّه الحموى الرومى(ت 626 ه) ، دار إحياء التراث العربى بيروت ، الطبعه الأُولى 1399 ه . 219 . معجم السفر ، أبو طاهر أحمد بن محمد السلفى الأصفهانى (ت 573 ه) ، شرح : عبد اللّه عمر البارودى ، دار الفكر بيروت ، الطبعه الأُولى 1414ه . 220 . المعجم الصغير ، أبو القاسم سليمان بن أحمد اللخميالطبرانى (ت 360 ه) ، تحقيق : محمد عثمان ، دار الفكر بيروت ، الطبعه الثانيه 1401 ه . 221 . المعجم الكبير ، أبو القاسم سليمان بن أحمد اللخمى الطبرانى (ت 360 ه) ، تحقيق : حمدى عبد المجيد السلفى ، دار إحياء التراث العربى بيروت ، الطبعه الثانيه 1404 ه . 222 . معجم مقاييس اللغه ، أحمد بن فارس بن زكريا (ت 395ه) ، شركه مكتبه مصطفى الباقى وأولاده مصر ، 1389 ه . 223 . معدن الجواهر ورياضه الخواطر ، أبو الفتح محمد بن على الكراجكى (ت 449 ه) ، تحقيق : أحمد الحسينى ، المكتبه المرتضويه طهران ، الطبعه الثانيه 1394 ه . 224 . معراج السعاده ، أحمد بن محمد مهدى النراقى (ت 1345 ه) ، مؤسسه انتشارات هجرت قم ، الطبعه الأُولى 1371ش . 225 . المغنى ، أبو محمد عبد اللّه بن أحمد بن قدامه المقدسى (ت 620 ه) ، دار الكتاب العربى بيروت .

.

226 . المغنى عن حمل الأسفار ، أبو الفضل عبد الرحيم بن الحسين العراقى (ت 806 ه) ، تحقيق : أشرف بن عبد المقصود ، مكتبه دار طبريه الرياض ، الطبعه الأُولى 1415 ه . 227 . مفتاح الكرامه ، محمد جواد الحسينى العاملى (ت 1226 ه) ، مؤسسه آل البيت عليهم السلام لإحياء التراث قم . 228 . مفردات ألفاظ القرآن ، أبو القاسم الحسين بن محمد الراغب الأصفهانى (ت 425 ه) ، تحقيق : صفوان عدنان داودى ، دار القلم بيروت ، الطبعه الأُولى 1412 ه . 229 . مقدّمه ابن خلدون ، عبد الرحمن بن محمد بن خلدون الحضرمى (ت 808 ه) ، دار إحياء التراث العربى بيروت . 230 . المقنعه ، أبو عبد اللّه محمد بن محمد بن النعمان العكبرى البغدادى المعروف بالشيخ المفيد (ت 413 ه) ، تحقيق ونشر : مؤسسه النشر الإسلامى قم ، الطبعه الثانيه 1410 ه . 231 . مكارم الأخلاق ، أبو على الفضل بن الحسن الطبرسى (ت 548 ه) ، تحقيق : علاء آل جعفر ، مؤسسه النشر الإسلامى قم ، الطبعه الأُولى 1414 ه . 232 . مكارم الأخلاق ، عبد اللّه بن محمد بن عبيد بن أبى الدنيا (ت 281 ه) ، دار الكتب العلميه بيروت 1409 ه . 233 . الملاحم والفتن (التشريف بالمنن فى التعريف بالفتن)، أبو القاسم على بن موسى الحلّى المعروف بابن طاووس (ت 664 ه) ، تحقيق ونشر : مؤسسه صاحب الأمر (عج) ، الطبعه الأُولى 1416 ه . 234 . المناقب (المناقب للخوارزمى) ، الموفّق بن أحمد البكرى المكّى الحنفى الخوارزمى (ت 568 ه) تحقيق : مالک المحمودى ، مؤسسه النشر الإسلامى قم ، الطبعه الثانيه 1414 ه . 235 . مناقب آل أبى طالب (المناقب لابن شهرآشوب) ، أبو جعفر رشيد الدين محمد بن على بن شهرآشوب المازندرانى (ت 588 ه) ، المطبعه العلميه قم .

.

236 . مناقب الإمام أمير المؤمنين عليه السلام (المناقب للكوفى) ، محمد بن سليمان الكوفى القاضى (ت 300 ه) ، تحقيق : محمد باقر المحمودى ، مجمع إحياء الثقافه الإسلاميه قم ، الطبعه الأُولى 1412 ه . 237 . مناقب مرتضوى (المناقب المرتضويه) ، محمد صالح بن عبد اللّه الحسنى الترمذى (ت 1060 ه) ، مخطوط فى مكتبه آيه اللّه المرعشى قم . 238 . المنتخب من مسند عبد بن حميد ، أبو محمد عبد بن حميد (ت 249 ه) ، تحقيق : صبحى البدرى السامرائى ومحمود محمد خليل الصعيدى ، مكتبه السنّه القاهره ، الطبعه الأُولى 1408 ه . 239 . من لا يحضره الفقيه ، أبو جعفر محمد بن على بن الحسين بن بابويه القمّى المعروف بالشيخ الصدوق (ت 381 ه) ، تحقيق : على أكبر الغفّارى ، مؤسسه النشر الإسلامى قم ، الطبعه الثانيه . 240 . منيه المريد ، زين الدين على العاملى المعروف بالشهيد الثانى (ت 965 ه)، مكتب الإعلام الإسلامى قم ، 1415 ه . 241 . مهج الدعوات ومنهج العبادات ، أبو القاسم بن موسى الحلّى المعروف بابن طاووس (ت 664 ه) ، تحقيق : حسين الأعلمى ، مؤسسه الأعلمى بيروت ، الطبعه الأُولى 1414 ه . 242 . المواعظ ، أبو جعفر محمد بن على القمّى المعروف بالصدوق (ت381 ه) ، تحقيق : محسن عقيل ، دار الهادى ، بيروت ، الطبعه الأُولى 1412 ه . 243 . المواعظ العدديّه ، على المشكينى الأردبيلى (معاصر) ، تحقيق : على الأحمدى الميانجى ، دفتر نشر الهادى قم ، الطبعه الرابعه 1406 ه . 244 . موسوعه الإمام على بن أبى طالب فى الكتاب والسنّه والتأريخ ، محمد الريشهرى (معاصر) ، تحقيق : مركز بحوث دار الحديث ، دار الحديث قم ، الطبعه الأُولى 1379ش . 245 . الموطّأ ، مالک بن أنس (ت 158 ه) ، تحقيق : محمد فؤاد عبد الباقى ، دار إحياء التراث العربى بيروت ، الطبعه الأُولى 1406 ه .

.

246 . میزان الحکمه ، محمد الریشهری (معاصر) ، تحقیق ونشر : دار الحدیث قم ، 1416 ه . 247 . المیزان فی تفسیر القرآن ، محمد حسین الطباطبائی (ت 1402 ه) ، مؤسسه مطبوعاتی إسماعیلیان قم ، الطبعه الثالثه 1394 ه . 248 . نثر الدرّ ، أبو سعید منصور بن الحسین الآبی (ت 421 ه) ، تحقیق : محمد علی قرنه ، الهیئه المصریه العامه مصر ، الطبعه الأُولی 1981 م . 249 . نزهه الناظر وتنبیه الخواطر ، أبو عبد اللّه الحسین بن محمد الحلوانی (من أعلام القرن 5) ، تحقیق ونشر : مؤسسه الإمام المهدی(عج) قم ، الطبعه الأُولی 1408 ه . 250 . نگاهی نو به مفاهیم توسعه (نظره جدیده إلی مفاهیم التنمیه) ، ولفانغ زاکس ، ترجمه : فریده فرحی ووحید بزرگی . 251 . نظامهای اقتصادی (النظم الاقتصادیه) ، حسین نمازی ، دانشگاه شهید بهشتی طهران ، الطبعه الأُولی 1374ش . 252 . النوادر ، فضل اللّه بن علی الحسنی الراوندی (ت 571 ه) ، تحقیق : سعید رضا علی عسکری ، دار الحدیث قم ، الطبعه الأُولی 1377 ش . 253 . نوادر الأُصول فی معرفه أحادیث الرسول ، أبو عبد اللّه محمد بن علی الحکیم الترمذی (ت 320 ه) ، تحقیق : مصطفی عبد القادر عطا ، دار الکتب العلمیه بیروت ، الطبعه الأُولی 1413 ه . 254 . النهایه فی غریب الحدیث والأثر ، أبو السعادات مبارک بن مبارک الجزری المعروف بابن الأثیر (ت 606 ه) ، تحقیق : طاهر أحمد الزاوی ، مؤسسه إسماعیلیان قم ، الطبعه الرابعه 1367 ش . 255 . النهایه فی مجرّد الفقه والفتوی ، أبو جعفر محمد بن الحسن الطوسی (ت 460 ه) ، دار الکتاب العربی بیروت ، 1390 ه . 256 . نهج البلاغه (من کلام أمیر المؤمنین علیه السلام) ، اختیار : أبیالحسن الشریف الرضی محمد بن الحسین بن موسی الموسوی (ت 406 ه) .

.

257 . نهج الحقّ وكشف الصدق ، جمال الدين الحسن بن يوسف بن المطهّر الحلّى (ت 726 ه) ، تحقيق : عين اللّه الحسنى الأُرموى ، دار الهجره قم ، الطبعه الأُولى 1407 ه . 258 . نهج الفصاحه ، أبو القاسم پاينده ، سازمان انتشارات جاويدان طهران . 259 . وسائل الشيعه ، محمد بن الحسن الحرّ العاملى (ت 1104 ه) ، تحقيق ونشر : مؤسسه آل البيت عليهم السلاملإحياء التراث قم ، الطبعه الأُولى 1409 ه . 260 . الوسيله ، أبو حفص عمر بن أحمد الإربلى الموصلى (ت 570 ه) ، مطبوعات دائره المعارف العثمانيه حيدرآباد الدكن . 261 . وفاء الوفا بأخبار المصطفى ، أبو الحسن على بن عبد اللّه السمهودى ، تحقيق : محمد محيى الدين عبد الحميد ، دار الكتب العلميه بيروت ، 1374 ه . 262 . وقعه صفّين ، نصر بن مزاحم المنقرى (ت 212 ه) ، تحقيق : عبد السلام محمد هارون ، مكتبه آيه اللّه المرعشى قم ، الطبعه الثانيه 1382 ه . 263 . ينابيع المودّه لذوى القربى ، سليمان بن إبراهيم القندوزى الحنفى (ت 1294 ه) ، تحقيق : على جمال أشرف الحسينى ، دار الأُسوه طهران ، الطبعه الأُولى 1416 ه .

.

ص: 1137

. .

. .

ص: 1139

. .

ص: 1140

. .

ص: 1141

. .

. .

. .

ص: 1144

فهرست تفصیلی .

ص: 1145

. .

ص: 1146

. .

ص: 1147

. .

. .

. .

ص: 1150

. .

. .

درباره مرکز

بسمه تعالی
هَلْ يَسْتَوِی الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ
آیا کسانی که میدانند و کسانی که نمیدانند یکسانند ؟
سوره زمر/ 9

مقدمه:
موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال 1385 هـ .ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:
موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:
1.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
2.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
3.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...
4.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
5.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
6.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:
1.عمل بر مبنای مجوز های قانونی
2.ارتباط با مراکز هم سو
3.پرهیز از موازی کاری
4.صرفا ارائه محتوای علمی
5.ذکر منابع نشر
بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :
1.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه
2.برگزاری مسابقات کتابخوانی
3.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...
4.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...
5.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com
6.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...
7.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی
8.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...
9.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)
10.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)
11. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در 8 فرمت جهانی:
JAVA.1
ANDROID.2
EPUB.3
CHM.4
PDF.5
HTML.6
CHM.7
GHB.8
و 4 عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :
ANDROID.1
IOS.2

WINDOWS PHONE.3
WINDOWS.4
به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .
درپایان :
از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک 129/34- طبقه اول
وب سایت: www.ghbook.ir
ایمیل: Info@ghbook.ir
تلفن دفتر مرکزی: 09132000109
دفتر تهران: 88318722 ـ 021
بازرگانی و فروش: 09132000109
امور کاربران: 09132000109